



صفحہ	صفحہ
۴	حضرت عباپوش بانی افندی و حضرت
۲۰۴	حضرت چلبی امیر زاہد کوچک
۱۵	حضرت الیاس باشا قدس سرہما
۲۰۴	حضرت چلبی نور الدین قدس سرہ
۵۹	سلطان دیوانی محمد افندی قدس سرہ
۲۰۶	حضرت چلبی صلاح الدین قدس سرہ
۹۷	حضرت جلال الدین آرخون قدس سرہ
۲۰۷	حضرت چلبی بدر الدین قدس سرہ
۱۰۲	حضرت چلبی برہان الدین الیاس قدس سرہ
۲۰۸	حضرت چلبی واجد قدس سرہ
۱۰۷	حضرت چلبی زین الدین قدس سرہ العزیز
۲۰۹	حضرت چلبی علاء الدین قدس سرہ
۱۰۹	حضرت چلبی علاء الدین قدس سرہ العزیز
۲۱۰	حضرت چلبی مظفر الدین قدس سرہ
۱۱۱	حضرت چلبی محمد قدس سرہ المؤید
۲۱۱	حضرت چلبی عبد الصمد قدس سرہ
۱۱۳	حضرت چلبی مؤید قدس سرہ
۲۱۳	حضرت چلبی عبد اللطیف قدس سرہ
۱۱۳	حضرت عابدہ ولیہ قدس سرہا
۲۱۴	حضرت چلبی عبد الکریم قدس سرہ
۱۱۴	حضرت اسرک سلطان قدس سرہ
۲۱۶	حضرت چلبی جلال الدین قدس سرہ
۱۱۶	حضرت اخئی محمد صادق قدس سرہ
۲۱۹	حضرت چلبی جمال الدین قدس سرہ
۱۱۷	حضرت یعقوب چلبی و حضرت شاہ چلبی
۲۲۰	حضرت چلبی عبد الجلیل قدس سرہ
۱۱۹	قدس سرہما العزیز
۲۲۳	حضرت چلبی عبد الجمیل قدس سرہ
۱۲۰	حضرت خضر بک و سنان باشا
۲۲۵	حضرت چلبی شیخ محمد زنجیر شکن
۱۲۰	حضرت یعقوب باشا قدس سرہ
۲۳۲	حضرت اطف الله چلبی قدس سرہ
۱۲۰	حضرت بری باشا قدس سرہ
۲۳۵	حضرت علی چلبی قدس سرہ
۱۲۱	حضرت قاضی باشا
۲۳۵	حضرت چلبی عبد الاحد قدس سرہ
۱۲۳	حضرت امیر عالم کوچک قدس سرہ
۲۳۶	حضرت خلیل چلبی قدس سرہ
۱۲۹	حضرت امیر عارف کوچک قدس سرہ
۲۳۶	حضرت حسن چلبی قدس سرہ
۱۳۲	حضرت امیر عادل کوچک قدس سرہ
۲۳۷	حضرت حسین چلبی قدس سرہ
۱۳۹	حضرت چلبی جمال الدین قدس سرہ
۲۳۸	حضرت خضر شاہ چلبی قدس سرہ
۱۴۳	حضرت چلبی خسرو قدس سرہ
۲۴۲	حضرت شاہ محمد چلبی قدس سرہ
۱۴۹	حضرت چلبی فرخ قدس سرہ
۳۴۶	حضرت چلبی کوچک محمد افندی
۱۵۳	حضرت چلبی بوستان اول قدس سرہ
۲۵۲	حضرت دستینا خانم قدس سرہا

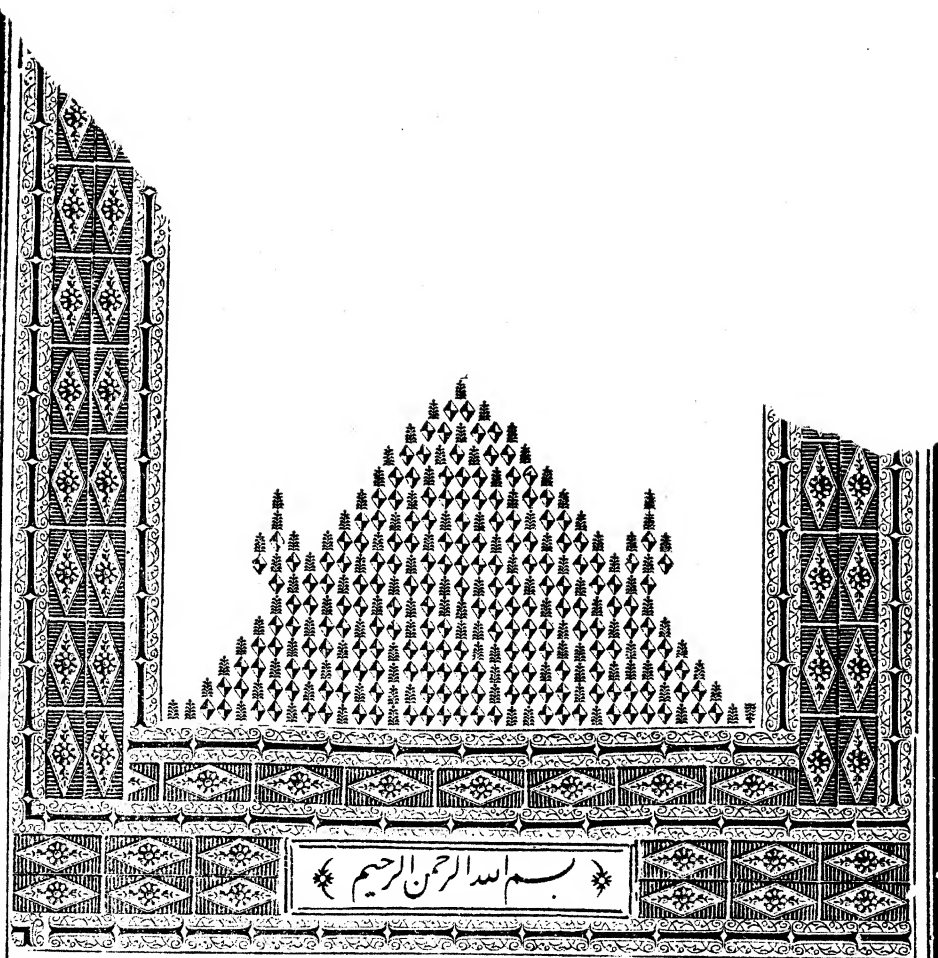
۱۷  
 بار معانی الفاظ مولوی و طبیبی و اقدس  
 و غایب کنوز دور ۷۷ و اقدس  
 رساله المصنوعه النصاره ۲۶ و حق عجایب  
 بابایم بر ابریکد اشیا و طبیبی  
 ابو بکر و فاضل و سرحدت علی  
 از آنکه در کمال و کمال و کمال  
 و غایب کنوز دور ۷۷ و اقدس

۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱  
 ۴۷۲  
 ۴۷۳  
 ۴۷۴  
 ۴۷۵  
 ۴۷۶  
 ۴۷۷  
 ۴۷۸  
 ۴۷۹  
 ۴۸۰  
 ۴۸۱  
 ۴۸۲  
 ۴۸۳  
 ۴۸۴  
 ۴۸۵  
 ۴۸۶  
 ۴۸۷  
 ۴۸۸  
 ۴۸۹  
 ۴۹۰  
 ۴۹۱  
 ۴۹۲  
 ۴۹۳  
 ۴۹۴  
 ۴۹۵  
 ۴۹۶  
 ۴۹۷  
 ۴۹۸  
 ۴۹۹  
 ۵۰۰





مكتبة التفسير  
المتنوعه  
مكتبة التفسير  
المتنوعه  
مكتبة التفسير  
المتنوعه



حمدنا محمد و علی الدوام \* و شکر غیر معدود بلا اختتام \* اول و دود محمود علام \* و مفیض فضل و کرم  
 بی آغاز و انجامه کیم \* عروۃ الوثقی جذبای رحمت بی علتله \* فنادکان چاه جاه وجود موهمی ساحه  
 وسیع الراحة فنا به اخراج \* و اسیران بند و زندان انا بیتی آزاد و سر بلند کلاه ابتهاج ایدوب و خرقة پوشان  
 خانقاه انفسی انفس خلع کرامات الباسیله اکرام \* و احرام بندان طواف حرم حقیقی مواقف عرفات  
 معرفتده ممنون قیام \* و ربود کان تماشای آفاقی \* بهوده کردتیه هیام \* و دلتشنکان دشت سراغی  
 سیراب زلال انعام ایتکه زمین و زمانی رشته کش نظام و جد و حال \* وزیر و وزیرجهانی آینه خانه  
 مشاهده مبدا و مال \* و مبانی محبت ارباب قلوبی تأسیس \* و سرکشان دائره ولایتی تنکیس \*  
 واذ کار جمیله دوستان کرامی باعث نزول امطار رحمت \* و آثار جمیله اولیای عظامی و سبیله عفو  
 و مغفرت ایلوب تشعیب جدا اول کوثر سر محمدیله خیابان جنانی دار التجلی \* و تشیت شمل اصحاب  
 شماله عالم کون و فساد ای انجمن تحلی و تحلی \* و تشیت اقدام اقدامه میدان اختیاری سایه طوبای تسلی  
 ایلدی \* و صلوات صلوات متعاقب الورود \* و تحف تحیات متراکم السعود و تسلیات قدسیه متوارد  
 الوفود \* اول شهنشه تختگاه شهود \* و شاهدی نظیر حجه وجود \* جناب لولال مآب \* و لعمرک  
 نصابه کیم ذات بهودی محیط رحمت عالمیان \* و ملاذ ملک و انس و جان \* و منبع ماء الحیات عرفان  
 و صفات بی نقیصه بشریت \* و خواص شئون روحانی قلمری مقسم فیوض ازلیه و مرجع فروض ابدیه  
 و نقش بای سدره بهار لری \* قبله نمای حقیقت \* و کرد سپاه معجز پناه لری توبای دیده مرشدان  
 طریقت \* قائد الغر المحجلین اولین \* و سائق السابقین آخرین اولغله سایه عنایت سایه شفاعت لری \*  
 همای دولت سر آخزمان \* و کل جلای چشم روی زمین اولشدر \* و سبب هطالة تقدیس و رضا \*

وامواج در رغرر ثنای لجه صفا همیشه کلزار اصحاب کرامنی شاداب غیث غیاث لایقی \* و همواره مفارق  
انصار عظامنی مبارق لآلی آلا \* و عیون آل ذوی الاحترامنی بیوسسته جمال با کمال دولت بیدار  
مشاهده دیدار کلچین روشنای اسرار ایتیکله \* حریم حلقه صحتلری مطاف قوافل ارواح مرضیه  
و محط رحال الآمال نفوس رائضه راضیه اولسون \* و تباشیر صبح تجلی وجوه آبدار عفت مخدرات حجرات  
اقترا نلرین مانند چشمه خرسید تابدار اشعه تجلی ایدوب و بدور سیمای مال حال خدمه حر مسرای  
حرمتلری جلوه کراوج قربت و وسائط استفاضه امت اولوب مدی الدهور سلسله انتساب سده سدره  
نعلاری سرمایه دست اقتدار سودا کران ملک اشتیاقلری \* و رشحات کرم عمیم البرکاتلری تسکین بخشای  
ثوران آتش هجران واحترافلری \* و نسایم رافت نفحات باشلری ککشاییده غنچه خاظر  
مشتاقلری قلنه \* و تنویرات پی اندر پی \* و کرمیات بی چند و کی \* شعاب منیعه الجناب شجره ارث  
کالای والا انصاب سرپال سلطان ماعرفنا که که \* ادای لازمه ذمت حق معرفتده بدل وجود \*  
و تقدیسات کونا کون \* و تشریفات عاطفت آرمون ارایک نشینان اجتهاد و دستوران حسن تنظیم  
فرمای امور عمل و اعتقاد کیم \* آثار بر اعه براعت نشانلری توقیع منشور عنایت \* و دستور کار منصفه  
هدایت اولغله سرکشتگان نوادی کردار و رفتار حائز قصب السبق نجات \* و فائز ترقی درجات اولشلردر  
وصنوف احسانات لاعین رأت \* و ضروب انعامات لا اذن سمعت محسنین اعمال \* و منعین اموال  
مراقده وسیع لرن پر نعیم هل جزاء الاحسان الا الاحسان ایلسونکه ایادی ایدئی و سعتلری دفع مضایقه  
عباد \* و اغلال غم و دین الطلاقه صرف جیاد فواد ایتشدر \* و رحمت عامه و مغفرت تامه \* و الطاف شامله \*  
و اعطاف کامله \* قاطبه مؤمنین مذنبین \* و کافه مسلمات مسیناتی بمنون جبران کسار و مأمون  
الغائله اضطرا ایلیمه کیم \* رغم انف شیاطین و قصم ظهیر طنائین بالله ظن السوء ایله اتمام احسان  
بی علت \* و تکمیل انعام هرملت بیور یله آمین یا مجبر المضطربین \* و یا مجیب السائلین \* بجرمه  
الشفیع الامین \* (اما بعد) \* تنزل الرحمة عند ذکرا الصالحین مصداقچه مجالس آرایان احسن القصص  
و محافل پیرایان ائین الحصاص اغنی ما حضرت ناظم مناظم لآلی الاسرار \* و خطیب منابر نافع الاذکار  
شیخ عالی کردار طریقه علیه خداوند کار مجد الدین اسفهلار \* و جناب عندلیب مناقب سرای  
کلمستان ولایت \* و طوطی کویای شکرستان کرامت \* جامع شمیم یا کی شیخ احمد عارفی افلاکی  
و خدمت کشف استار غوامض آثار \* و شارح صدور مخدرات اطوار \* مظهر بواطن احوال  
عارفان \* و مظهر رموز اقوال عاشقان \* و مهبط انوار فتوحات صمدانی \* عبد الوهاب جلال الدین  
همدانی \* نور الله تعالی مراقدهم \* و افاض علی الطالبین عوائدهم \* تذکره شریفه لری اصول  
رجال طریقت مولویه دن مناقب لطیفه لرن حاوی اولدنی عشره کامله امیر واجد طبیب الله تراه  
ذکر جمیل ایله مختوم والی یومنا هذا \* سائر اولاد کرام و مشایخ ذوی الاحترام \* و فقراء صاحب  
مقامک نام و نشان و حال و شانلری تحت التسبیح عنا کب نسیان \* و فوق الطاق اهمال زمان اولوب \*  
و توفیق الملک المنان \* بپنده کینه و سائل خدا \* و سائل راهنشین شاهان معنا \* و موع تلقی اخبار  
اخیار \* و تشنه آثار کار اولی النهی و الانصار اوصاف سامیه اسلاف و انفس عالیه اخلاف کروه  
ولایت شکوه مولویان کرهم الباری الی انقضاء الدور اندن \* و شفاهن البحر او غرقان الدیم \* و ساطت  
السنة ثقات رواثله خزانه خیالنده دست داده جمعیت اولان عجایب خوارق \* و غرایب بوارق دیاجه  
زیب الواح التفات \* و حواشی نکار حخائف اثبات اولمق محور نکار تردد و انکار و سبب صیقل  
مرایای قلوب و عوارض اعوجاج طباع کسلاندن سند سلامت قوالب و قلاب صید قوالب و محک قلاب

صناعت اوائل در \* دیوشعب اصول عشره کامله نثر رسوم ازهار کالات و تقوش اثمار کرامتیه مشحونه منقبه منیعة الترتیبی ذیل مناقب العارفين \* و تکمله ثواب المناقب اولی امیدیه یادکار اخوان صفا و دستاویز خیلان وفا \* و موسوم (سفینه نفیسه) ایدوب اذیال مبارکه پیش قدمانه تشبث واذکار خیریه لرلیه توسل نیل مقاصد حسنه به اجترانها اولوب دریوزه راه استدعا ایله سالک سینه چال خامه تشمیر ساق قدم اقدام ومانی بنان بیان ید طولای بیضاسی عیان جیب اهتّم اولمشدر \* متضرع در که بوجار و بکش میدان مکارم ارکانلرین ورومال پیمانجه جمعیت خانه معالی بنیانلرین ملحوظ گوشه چشم بنده پروری و محظوظ بهره خوان کرمکستری بیوروب عیوب و قصورندن انماض \* و جانب رده هدیه مورانه سندن اعراضله ممنون تطفل یادومأمون تعلل ایدوریله \* حاشا لئلا ان تقنط راجیا \* العفو أجزل و المواهب اوسم \* فالحمد لله الذی هدانا لهذا وما كنا لنهتدی لولا ان هدانا الله کفی الاصل مانند بلده از میر بر حفرة انکار اولیا و بر زرخ زرق وریادن سر زده ایکن مرید نامراد حضرت مولانا قدس سره الاعلا بلکه منقبه نویس مردان میدان عرفان \* و ثنا کار ووصاف برکزد کان سبحان مفیض الاحسان بی پایان اولقغله سرافراز و درویش ثاقب مولوی شهرتیه ممتاز \* و علی الخصوص آستان ملائک آشیا نلرین خدمت مشیخته شرفیاب بیورلیق و مشار الیه فهذا من فضل ربی \* و ماصدق اعتذار للاحصی اولغله مشرب نفس ناطقه بی مقام اقامت مراسم تشکر و تحذیثه مقیم آوان \* و ملک وجود مستعار ی وقف مدایح مسکیه الشمیم مقبلان \* و کالای همت والای رهن تولا ی مقبولان ایدوب \* و من شرط المحبة موالاة احباب الحبيب و معاداة اعدائه \* مقتضا سنجه سرمایه لهجه ثانی خر جراه دوستان اولیا \* و شهب ثاقبه هجایی دلدوز و جکر شکاف دشمنان آیین مولانا ایتمکی لازمه ذمت همت و فریضه رقبه رقیبت اعتقاد با کین بهانه انتمای با کان \* و اسلوب حکیم فسقه ناشسته رویان یلوب حاوی فحوائی فواجح روحانی و جامع اشیات عوارف معارف نورانی اولان سفینه نفیسه بی مراتب ثلاثه اوزره ترتیب جمیله مسارعت \* و استدات مشیت تأیید ربانی و استعانت مساعده تسدید سبحانی ایله تشدید نطق غیرته مبادرت اولندی اسأل الله العصمة عن زلل الخلل انه مانع الوصمة و معطی الخلل

المرتبة الاولى فی ذکر مدایح فروع الجرثومة الطاهرة الصديقة الاولوية و نقل محامداصول السلسلة الزكية الجلالية المولوية کثرهم الله تعالی و کملهم و افاض علی الطالبین برکات کمالهم المرتبة الثانية فی بیان محلیات الحالات المنسوبة الى خلفاء طریقتهم و عیان محلیات الرياضات المنتیمة الى مشایخ و تیرتهم انار الله تعالی مشاعل آثارهم و آثار علی المریدین انوار اسرارهم المرتبة الثالثة فی تعریف الفضائل الشائعة عن الصعاليكة المتنسكين باقتفاء آثارهم و توصیف الخصائل الصافية للصیافة المتسکین باذیال اسرارهم لاحظهم الحق بعین العناية الجلیة و الخفية بمنه الذی لا تساو به الاعواض و کرمة الذی لا یعلل بالاغراض انه هو الوهاب الفیاض آمین بعزة نور حبیبه الامین

المرتبة الاولى فی التیمین باذکار مآثر اولیاء الاولاد الکرام المولوية والتبرک

بآثار مفاخر السادات السلسلة التنسية الصديقة

فلنبتدی بذكر من هو اولی فی المرتبة الاولى ولنقدم منقبه حضرت الولی الصاحبی المدهوش و محمدة جناب الغوث الاعظم و القطب الانعم اروم به السلطان عباوش استجلا بالنهاية التیمین واستيفاء لغاية التبرک واسترواء من الینبوع واسترشاد من التبوع متعنا الله و کافه السالکین بتلشیم عبته مشهده المقدس و التظلل بجوار جداره المؤسس \* (حضرت بالی افندی) ایها الطالبین مقاصد رشادید انیدوای سالکین منازل سداد کوش صدق دارید که چون طالع سعادت از لیه سر سلیمان شاه کرمیانی را تاجدار

حضرت بالی افندی

اقبال دوجہانی گردانید بدولت ازدواج حضرت مطہرہ سلطان ائبۃ السلطان ہاء الدین ولد قدس سرہ  
الصمد رسانید واز حبالہ صدر و سلالہ صلب ایشان دو شاہزادہ عالیشان بوجود آمدند کہ جننا حین قلب  
ولایت و کرامت کشند \* السنۃ مشایخ شواخ المراتب و اقلام اسلاف حقایق و رواتب تقریر و تخریر لری  
اوز رہ رسیدہ حد تواتر و اشتہار و امضا کردہ تلاحق افکار در کہ اول ایکی نو باوہ بوستان کرامتک نشو  
و غار لری قدم حضرت خضر و الیاس علیہما السلام اوز رہ اولسی مشاہد جد امجد لری اولغلہ سیمان نییان  
مر قومان قلند یغنی مؤید ماہ پارہ مہین مشرق زیب ولادت اولدقدہ ہنوز روح تابنا کلری اشتغال  
تسلیم استہلال اوز رہ و مانند اختران مردم دیدہ مامیان و خویشان و پرستاران لرزان جمال مہر  
نشان لری ایکن نا کاه حضرت خضر زندہ پدیدار اولوب میان مجمع مر قومدن اول نور دیدہ بی و رای پردہ  
خفایہ چکوب روح روان آساعیون حضاردن نہان و چند روزہ بی نام و نشان اولغلہ صوری و معنوی  
جست و جوی کوہر نایاب ذات پر بر کاکاتلری اثنا سندنہ مہبط سامیلری اولان قرہ حصار بلدہ  
مبارکہ سنک پشتیان دیوار حمایتی اولان جبلک قلہ سندہ اول ینمیر خجستہ بہ اتا ایلہ معروف مقام عالیہ  
و آغوش مادہ شیردایہ تدبیرہ بنو تب لکن رضیع ہفت روزہ ایکن طفل یکسالہ قدر غامذیر اولدیغی  
نمایان و تبرک و وجہ مناسبت انتسابہ بناء نام نائی خضر لہ تسمیہ بیوریلوب و من کل الوجوہ توافق اسم و مسمی  
ایلہ انتشار لری ولی مادر زاد اولدقلین تحقیق ایدوب و تأثیر شیردایہ معہودہ ایلہ چارہ سالہ ایکن دلیر  
شیر کبر اولغلہ مسند پدر بزرگوار دہ امیر و سجادہ نشین پیر و جامع دواتین و والی ولی سیرت و مجمع البحرین  
ولایت و کرامتدہ خضر نوبت اولدقلری کبی شاہزادہ ککھین دخی عقیب تشریف بزم عالمہ مشرف  
صحبت الیاس نبی علیہ السلام و دست معجزہ پیوستلرندن ہرہ یاب سہ دانہ خرما و مغنم عطیہ خریدعا  
و حصہ مند کف کفایت سودسر تا با اولغلہ تینا و تقاؤلا مسمای اسم سامی الیاس قلوب نام نامیلرینہ ملایم  
کالات اوز رہ معمور و سریر صورت و سیرتدہ پیر و پدر اولوب دائرہ خاندان کریمانیان مجمع خضر و الیاس  
زمان و ہربری خشک و ترجمانیت و روحانیتدہ فریاد رس دم اشتداد و عامۃ افتاد کتہ دستگیر امداد  
اولشلر در متعنا اللہ و کافۃ المحبین بحمایات روحانیتہم \* و اول حفیدین مکرمین و سبطین محترمین فیضیاب  
مایہ سر اجداد امجاد لری و نشہ دار حالت خاصہ با کیزہ نثر ادلری اولغلہ ہربری ہزبر بیشہ شجاعت  
و استاد صاحب ایجاد بیشہ عدالت ظہور ایدوب استخدا م سیف و استعمال قلہ استحقاق و تشریفات  
توغ پر فروغ و تکریمات علم تأیید توأم استعداد لری نمایان اولیحق استخراج کار خاندان خداوند کاری  
و استئذان پیش ینان کلر زاری و اختیار اخیار دولت سلجوقیانی بلکہ اشارات علیہ روحانی  
انضامیلہ سرافراز امتیاز مسند حکومت و ممتاز خلعت امارت قلوب کو تاہیہ و قرہ حصار و مضافات لرندہ  
حراست ثغور اسلام و حجاب امور اناام و حسن تربیہ کرام و ترتیب جزای لثامیلہ علی شیر کریمانی بدع  
سینہ سنہ آثار حسنہ ایلہ تلافی مہر اتنہ موفق و سلسلہ ترکیہ نسل شیرغلری جلالت عنوان و اعتلاء شانلہ  
محمود الاحوال و عمد و الاحوال و علی الخصوص میانہ اولاد خضر بہدن بالی افندی و کر وہ انباء الیاسیہ دن  
ارغون جللی قدس سرہما تعین پذیر پایہ قطبیت و شہر تشعار ربیہ غوثیت اوللریلہ انتساب عرق  
طاہر لری مرکز صمیم التوادد ذوی الہم و امتزاج نسب فاخر لری مطمح انتظار اولی الابصار اولغلہ اثنای  
قوت تیموریہ دہ اتم از فرصت و آخر امراء کریمانیہ اولان جللی یعقوب خان قسلی عقیندہ کریمہ مکرمہ لری  
محرم حرمسرای عثمانیان اولوب حبالہ مطہرہ لرندن موسی و عیسی چلبیلر سرزدہ ستارہ شہود واریکہ  
آرای سلطنت وجود و بین السلاطین جللی شہرتیلہ معہود اولشلر در کہ عند الار و ام جللی عنوانی  
زادگان خداوند کاریدہ عرف اولشدر \* (نقلستکہ) \* زمان امارت سعادت اقبران لری مصادف ملاحم

طوائف ملوک روم و دبده دولت و ولوله حشمتری کوشه کذار اقران مرزبوم اولدقه خواطر  
 حساد کیده نهاده کلان افکار سوء قصد کندیلرین دلفکار ادا بارایدوب هربری هدف ناول غرضلری  
 اولوب مرض کین و کبرلری باعث تدمیر اولغله مقابله صوریه دن مستغنی و معشوشان اطاعتنا دخی  
 طلا کرده غازه روی ریای خلوص ایکن مستعین زور بازوی صفدری و مستمد سایه شمشیر حیدر یلری  
 خوشحال و فارغ البال و آسوده سر و متعز زندگانی شور و شر اولدقلری شکرانه سننه عرض دستیار  
 ایله سوق دعوی استقلال ایلد کلرنده (این قدر هم برای روپوش است ورنه بیزاری دولت و فراغ  
 سلطنت میراث اجداد ماست) جواب صوابیله نسب و الاحسابلرنده عروق سلطان بلخ ابراهیم بن ادهم  
 و پادشاه خراسان علاءالدین محمد خوارزمشاه و شمس الائمة سرخسی مرتضوی و احمد خطیبی صدیقی  
 جمعینه ایما و حضرت ابن ادهم و جناب سلطان العلماء قدس سرهما نکرانک تاج و تخت ملک دنیا بیورملرینه  
 اشارت اولدیقی تفصیل سلسله نسبیه لینه تحصیل و قوف ایدنلر عنده غنی عن الیمن و رسیدن  
 مرتبه عیاندنر \* (مروستکه) \* نوبت دولت بی رخنه نکبتلرنده کیفیت اتحاد لری حیرت افزای  
 اصحاب تفرقه و کویا که قلب بین القالبین و روح بین الجسدین اولوب هربری شمع انجمن افروز حکمت  
 الاشراق و آینه دار سرائر و ضمائر عشاق و مشکل کشای واردین انفس و آفاق اولملریله سایه دیوار ایوان  
 رفعتلری ملاذ رجال دین و دنیا و ملجأ علما و عرفا و محط رجال شاه و کد او سده سدره اتناری مقصد  
 پیرو برنا و محل عرش حال اخوان الصفا و مرصد آمال خلان الوفا و صحبت پر معرفت لری (من اراد ان یجلس  
 مع الله فلیجلس مع اهل التصوف) ماصدقی اولوب کج نکاهان و هرزه درایان وقت و کستاخان و بی ادبان  
 عصر اوضاع ناهنجار لری معروض پیشگاه غیرت لری اولدقه (ولا یحیی المکر السئی الا باهله) آیت  
 کریمه سی مؤثره لطیفه و تسلیه شریفه سندن ماعدا ایله تخریک زبان کرامت بیان بیورمیوب فی الحقیقه  
 زمان یسیرده آثار نفس الهام سیرلری جلوه کرمنصه ظهور و هر کس شمره فعل و قول نامعقولی اولان  
 امر عسیره مبتلا اولوب بعضا توبه کار و بعضا مهبط نازله دمار اولملریله کویا اول آیت العجاز فرما حرز کف  
 اللسان و حصن تعدی ناکسان و تعویذ نیکخواهان اولوب دوستان اولیا مأمون الغائله دشمنان آل عبا  
 اولمشلرد حتی امرای اطرافدن اغرای دم استقلال و تعهد یکدلی ایله اغفال صد دنده نطع کسترملعبه  
 و هم و خیال اولنلر مأیوس مساعده مأمول اولیق سالت راه بغی و خلاف اولدقلرنده صدمه شمشیر دودم  
 ظاهر و باطنلریله جزاین و هر اسان اولغله مار کتر دم نهادان زمانلری سوراخ مکر و کین قته دن  
 سر برآور جرأت اولیوب بیم ستم و امید کرملری سدره طغیان و کندن استبعاد احسان اولمشدر \* (تقلستکه)  
 قلعه بلده قهر حصارده حضرت مولانا و حضرت بهاء الدین سلطان ولد و جناب عارف اکبر خانه وحدت  
 ولایه خلوتلری اولق اوزره مشهور قبه و الاقه و مقام استجاب مظنه و پشتیبان شهر مسفور اولان کوه  
 میمنت شمس کوه تله سنده منسوب حضرت خضر علیه السلام اولغله معروف کهف الاستغاثه ده  
 خضر بن الیاسین نبوت و ولایتک کاه و بیکاه دوچار و بلکه چار یار غار الفت اولوب و اول جمعیت عجیه نکران  
 آثار غریبه سی نمایان اولدیقی شهادت عادلانه ثقات محرمان اسرار لری ایله ثبوت یافتنه درجه یقیندر حتی  
 صحبت آخریتلرنده حضرت شهید سعید مرحوم و مغفور له یعقوب چلبی خاتم سلسله امارت صوریه لری  
 اولدیقی مستفاد لوح محفوظ و اولاد امجاد لری نکرانک دوش همت علیه لری کرانبار امانت امارت تحملندن  
 آزاد بیوریلوب بلکه الی آخر الزمان مسند زین خانقاه ارشاد اولملری تبشیری مورت انبساط موفور  
 اولدیغندن ماعدا هما ناسلطان عبا پوش و ارغون چلبی حضرتلرینک ترک مسند امارتله اختیار کوشه  
 فراغت بیورملرینه تمهید و قوعی مشهود به آگاهان فراست و امضا کرده اجله درایتدر \* تا توانی بنده

شوسلطان مباح \* کوی باش و زخم خور چو کان مباح \* بمنه العظیم و کرمه الجسیم اول تقاوه انسال  
وزیده امثال قیود غوائل و علایق و مشاغل عوایق امور خلا یقین اطلاق و تخصیص مصالح تربیه توایل  
عشاقه ممتاز و توجه تام جناب رضای جناب خلاق و بلد که متوجه و مستعدای سلاطین و ملوک آفاق  
اولمغله سرافراز اولوب (وهم الملوك تحت الاطمار وان الملوك لوعرفوا ما كان عليه اصحاب الحال  
لحار بهم بالسيف للاستبدال) مضمون لطیف شعر اولدیغی تشریفات و تأییدات ایله مبشر و اصل  
ما خلق له میسر اولد قلرندن ماعداتلاطم حوادث ملوانله نو بنو خمار زده نشئه پادر رکاب جام  
دولت دنیا اوله دن مصون و همیشه صهبای دائم الاتشای عشق الهی ایله خوشحال و شهنشاهان  
دین و عقبا اولمشلردر \* ان فی ذلك لذكری لمن كان له قلب او القى السمع وهو شهيد \* (مرویسکه)  
اول امیران ملک ولایت و مشیران جاه جلالتک جمعیت اسباب ظاهره و باطنه لری چشم بند صورت  
بنیان و سنک راه اخلاص شیشه دلان و انحراف صوب آبا و تخلف اثر اسلافه محتمل الحمل اولمغله  
چشمه سار عنایتلری جوشان و قلزم شفقتلری خروشان اولوب خضر پاشا حاضر تلری بدیهه (نظم)  
\* ما که کنج کوهر یم این مال و جاه \* مار و شمشر طلسم حا کست \* بیت شریفلرین انشاد و حاوی  
اولدیغی مضمون منیفیه منزل صدق اعتقاد ارشاد بیور وب والیاس پاشا حاضر تلری دخی (نقصان  
مال و زیان جاه به مملوکان و محکم و مانست نه بمالکان و حاکمان) نفس انفسلری ایله بی  
علاقه کان مال و جاه مالکیت و حاکمیتلرینه و باعلاقه کانک مملوکی و محکومیتلرینه تنبیه نییه بیور مار یله  
غفلت صورت و مغروران ظاهری ایقنات و متوجه حقیقه توجیه و جوه اعتماد بیورد قلری ثبت  
کرده جریده معارف لری در که آزاده سران ککوشه قناعت توشه میاننده ز بازدر کار آرمود کان ترک  
و تجرید اولان (تعلق القلوب برقی القوالب) مثل مشهور یله توار دایتشلردر (مرویسکه) اکثر واقعه  
عقد مجالس معارف بیور لده معروض پیشگاه استکشاف اولان غوامض طریقت و مشکلات  
حقیقه جواب باصواب مضاعف سنوح ایتکه مدعای غیرت و همملری ثبوتیاقه شاهدین  
عدلین اولوب مخالفه راه مجال خلاف تنک اولدیغی محال معضله دن اولوق اوزره ایراد اولمشدر که مبدأ  
و معاد خصوصنده کار ملت سمعه بیضای محمدیه دن جلوه کرمنصه تشکر و تحذیر اولان آثار عجیه  
محیره العقول تحقیق اثنا سنده اول مقوله اسرار جلیله اوساط و صغاردن مکثومه اولدیغی استشکال  
اولند قده خضر پاشا حاضر تلری (هل یستوی القریب و البعید) نفس قدسیلری ایله فائز علیای قرب درگاه  
اولنلردن ماعداسی شایان کشف راز و مستحق اطلاع اسرار اولدیغنه جریان عادت متقنه الهیه و فیضان  
حکمت غیرت صمدیه باعث اولدیغی تبیین بیور وب والیاس پاشا حاضر تلری دخی (لو کوشف السکل لکل  
السکل بالاشتیاق و مل بالاشفاق) نسکته جز یله سیله تنک حوصله کان تاب آورمشاهده اسرار اولیوب  
بلکه سعدا غلبه نیران اشتیاق و ماعدا تأثیر مسموم اشفاقله ادای خدمات ما خلق لهد مغلوب کلال و ملال  
اولمغله تعطیل کارخانه احسان و طغیان لزومیدر دیو تشنگان زلال عبرتی سیراب تسلی و نشئه یاب ارشاد  
ایدوب کویا خلقه محبتلری دائره جمعیت مهر منبر و بدر التمام و مدار قران سعدین کاملین و سبب  
روشنایی چشم جان اولی الافهام اولمشدر \* (نقلستکه) \* مستمضیان مشاعل تربیه و عرفانلرندن  
بعضیلری تأسف ایام خالیله ایلد کلرنده خضر پاشا حاضر تلری (این بدان ماند که هر در سیده جل ساله  
بجهالت شباب و بغفلت مر اهقت و بجملا عبت طفولیت تأسف کند مع هذا در رسیدن مبلغ تکمل رجال  
از اهانان کزیر است پس مرا هم شکر آنست که بوصول منزله سلامت همه فلاکت بر از رخ رافرا موش  
کند و بصفای وقت و غنایم حال متمتع و معتم کرد) خجای پر جود واسیله تنبیه بیور ملری عقیننده الیاس

باشا حضرت تلمی دخی خزانه کشای جواهر معارف و فوائد فواید باش منار ق حصار اولی الاعتبار اولوب  
 (کاملانرا یکدمه بخلفت کمال از عدم بر آوردن و بتسدر یج بکمال رساندن نسبت بقدرت جهان آفرین  
 برابر است لیکن در تدریجات منازل و تحویلات احوال حکم و عبرتی شمار است پس اصحاب ترقی زیاد  
 ایام گذشته و ملاحظه مناهل سابقه باعث مشاهده عجایب قدرت و بادی مداومت شکر و توفیق فرصت  
 باید بود نه مدار و سوسه تأسف عبثی معنی بلکه آن دیدن و گذشتن در تنزل مقامات عقول مسترشدین  
 و محاشات اقدام ضعیفای مریدین منافع لا تحصی دارد که نزد سجاده پیرایان تریبه و تلقین رسیده حد بداهت  
 است) عنوان مراعات مراتب اساسلری ایله تأکید عقاید و تشیید مبانی صدق و اخلاص مستعدین  
 بیور مشلدر \* لله در هم و علیه اجرهم \* (مرو بستکه) \* پروانکن بی پروای لومه لائین و شمع انجمن  
 آسپرسوز و کداز آه و این محبت از لیه لری بولنان اخوان صفا و خلان و فاراده محبین و در منکرینه  
 متعلق اداره کلام ایلمری اثناسنده حضرت خضر باشا قدس سره (آیین حقایق اکین ما احوال  
 و اشارات است و مخالفین افعال و عبارات است و المرء عدو و ابا جمل) لطیفه دقیقه سیله عقده کشای اشکال  
 و حضرت الیاس باشا قدس سره (طریقه ماوتیره جذبه من جذبات الرحمنست پس از انجذاب رحمانین  
 ناگزیر است) طیفه دقیقه سیله تطیب قلوب مقبله و تعریض نفوس معرضه بیور ملری ساده لوحان  
 ابتدائک گفت و شنید متعصبه دن ناشی خلجان خاطر لرینه و دغدغه مشغله لایغیرینه پرده کش اغماض  
 و سدره التفات اولوب (سلک لاید و گریبان گذرد) خواستجه طرفین اقرار و انکاره اسراف نور نظر بصیرت  
 ایتیوب بر موجب (الوقت سیف قاطع) مسارعت احراز منزله تازیانه زن غیرت اولد قمری نمودار سر اثر  
 محرمان راز و دودی انباز در \* و علی هذا القیاس کویا الهجه و مهمجه مقدسه لری جناحین سمیرغ  
 حقیقت و جلوه کرفاف اتحاد اولملری دیکه بوخال آستانه سعادت لری خدمت منقبه نویسیده ضبط قطرات  
 معدوده معارف لریله استقامت ایدوب و کرامات سائر لری تنیقندن اقلام و صحایف زبان اعتماد آوور  
 (ابن الثریا من ید المتناول) و روی عجز مال سده اعتراف تصور (وما احطنا هاق الا حاطه) مضمونیه نیاز  
 باش پیاختجه میدان بیان اولملشدر \* علی الخصوص سلاطین دیهیم ولایتک طی زمان و مهکان امثالی  
 خوارق عجیه لری تنصیلنده انتیق فائده تبیین تأیید و عائدۀ تأکید خلوص اولوب لکن نشرفوایج  
 مسکیه معارف لریله تعظیم مشام ارواح مسترشدین و تعمیر خرابه قلوب منکرین و توفیر مائده منتظرین  
 آسمان یقین اولغله اغلب صفحات جریده سفینه نفیسه بی رسوم اسرار حقایق و نقوش معارف  
 و مواظطریله تزیین ایدوب و ناظرین صور کرامات اولان ارباب ابتدا امر اعلای سیاقده دخی بنده من  
 الخوارق تضمین اولملشدر و الا حوصله عالم صغری مساعداوصاف لا تحصی و متحمل احوال عالم کبری  
 اولدیغی غمایان و مستغنی نیاندر \* (آورده اند که) \* منوال مشروح اوزره اولنیرین عظیمین مدار  
 ولایت و روحین مجتهدین قالب کرامت قره العین و جوه ملت و ناج ابتهاج سردوات اولغله اوقات گذار  
 و متعاقب ادا من افشان بزم در کار و سمند توجه ران جوار خنداوند کاری اولوب مسند روحا یتلرینه سلطان  
 عباپوش و حضرت جلی ارغونی استخلاف و میانه اخلاف کراملرنده ولی عهد اسلاف ذوی الاحترام  
 ایتمکله در دهجیران اخوان و خلانه دوا ی تسلیم بخشا و ناله و افغان مستمندان حسرت و فراقه تسلیم  
 فرما و قره حصارده مدفن و الدبزر کواری اولان زاویه مکرمه ده پهلویه مهلو آسوده نشین بقا اولوب  
 آثار ذکر جلیله لری یادکار عرفا و ملشدر \* نور الله مر اقدم و علی سنادس اقرب اقدم آمین  
 یا عجیب السائلین بحرمة الشفیع الامین \* (مرو بستکه) \* حضرت خضر باشا قدس سره الغزیر قبیل  
 انتقال و اثنای احتضارنده حضرت الیاس باشا نورضریحه عدم تحمل داغ فراقین مشعر (بیت)



اخذتم قوادى ثم غنى نأيتم \* فاضركم لو كان عندكم الكل  
مصد اقتبهر غبت مراقتماى عالم عليان اولد يغمده (بترتيب آمدن مير و يم) فقره مكاشفه جد واسيله  
ماين ولادت وفواتلر يك اتحاد نه اشارت بيور دقلىرى الياس باشا حضر تلىرى دخی حين توجه دار القرار  
لر نده (زمان رفتن بر ترتيب آمدنست) نفس انفسلى ايله تأييد بيور دقلىرى فى الحقيقه ماين الوفاين ايام  
ماين الولادتين حسابه موافق بولنديغى كال حال وما لى رينه كواه علامه نى اشتباه در و هر برلى اوان  
مختلر نده ولى عهدلى اولان فرزند ار جملدر نيه الباس كلاه خلافت و اكرام تكبير مشيخت بيوروب  
انجنى خضر شاه افندى حضر تلىرى جانشين ولايتلىرى بالى افندى جنايى خلعت فقر و فنا اولان عباى  
مسنونه ايله تشريف بيور ملر يله اولاد كرام مولويه مياننده عبا پوش شهرتيله سرافراز امتياز  
و اولاجوار اجداد امجاد لر نده وضع رسوم خانقاهله و احياى سنن سننه اشرف اسلافه مستبد  
ومؤيد اولملر درر حتى وجود نازنين و تنپرور ده آغوش ملو كانه لر ين عباى صعلو كانه ايله كورنلر  
استغراب افسوس قرينه بده (نظم) هر كه دارد بهره از آل عبا \* بر عبا نكز ندا و هر كز قبا \*  
وين عبا تشريف شان آمد مرا \* شد ز رشكش جامه شاهى تبا \* قطعه غراسيله تسلى بخش  
وداد تشكرده اولد قلر ندين از يد سابقا اجمال اولنديغى اوزر ه صورت دولت نايداردن بزار قلر نيه  
تمهيد و مال حال سلسله ز كيه لر نيه اشارت و طرح تكلفات پوششه تنبيه و ارشاد وقوعى غماينده  
مرايى طباع صافى ضمير اندر \* و بعد زمان حضرت ارغون افندى قدس سره العز يز دخی جانب حجاب  
والدماجدر ندين الباس خرقة خلافتله كونا هيه ده جالامدفن مقدسلى اولان بقعه مباركه ده  
اجلاس سجاده مشيخت بيور يلوب و عروق نسب و الاحسب لر ندين اول منير ين علويك اولاد  
امجادلى زواياى طريقت افروز و شجر اخ خوانق حقيقت بروز اولغله بجمده سبجانه و تعالى  
برجسمائيت و بحر روحانيت بواطن طيه و مساكن مساكن متمينه لى بركات و ميامن خضر  
و الياسي ايله مستفيد و مستفيض اولملر در \* ادامهم المنان مادام الزمان و اعلى شانهم الى انقراض  
الدوران \* (منقولستكه) \* چون نوبت خلافتلىرى بي دغدغه امارت و باصفوت اوقات اولغله  
دائرة پرامت لر ندين باى آمد و شد حشم و عنوان جاه صورى كشيده مختسراى دولت سائر اخوان  
و مجالس عالمه لى اختصاصيد بر فقرا و خلان اولنجه طرف باهر اشرف لر نيه تبديل انتظار سابقه  
و تحويل توجهات سالفه ايدنلر ايله نظر و توجهلىرى بر قرار اسلاف اولنلر حرمان فوائد موايد انتظار حسنه  
و انقاس نفيسه و نيل عوائد و اندسايه همت و مايه محبتلىرى له امتياز ياب (وقل كل يعمل على شاكلته  
هر چه كند بخود كند) مصداقته فريقين مذكورين حصائد معاملا تلىرى له ممنون و محزون  
اولد قلىرى مؤيد من عند الله الغيور و محيى امدادات فتح و ظهور اولملر نيه شاهدين عدلين اولوب مدعاى  
نيابت پر نهايت خداوند كارى منصه پيراي ثبوت و فقاوى بر جاى (الملوك تحت الاطمار) جلوه كر  
مراآت احوال اجلال ماللىرى اولملر در \* (منقولستكه) \* اغلب آوان سعادت قرانلىرى بالاى  
قلعه قره حصار ده واقع چله خانه اجداد امجادلى اولان بقعه كردون قبه ده ملازمت خلوت  
و مواظبت وحدت اوزر كذران اولوب دردمندان زبانه بر آور عمر ضحال زبان اولد قده (چون  
زمطوره بروحشت كورنا كز براست پس پيش ازان اعتيادتهاي بايد كرد) دم قدم تو املر يله  
سد باب الفت دوروزه و تدارك تصفيه مدارك و مشاعره تنبيه ذيلنده (لا ينجى للمرء ان يشوش  
وقته مع ربه و يشئت جمعه بنفسه) نفس انفسلى له كوشداران صوب صوابيده لر ين جانب اتقطاع  
الى الحق و منزل احتساب نفسه ارشاد بيوروب لمصالح خفيه كاه و بيهكاه تنزل مراتب

مستشدین وسعادته انیس اولادو عیاله نزول بیوروب کروه انبوه مشتاقین وعین الجمع منتظرینی  
 صحبت حکمت پیرالیه تسلی یاب خاطر و دیدار مسرتفر مالیه قریر العین ایدوبینه مانند روح  
 روان کندولر کوشه وحدتده وخیال مقدسملری قلوب قوالب قوالبلده نهان اولورلردی  
 حتی مشرب عالیملری اشتغال حسیاتدن منافر وهمواره مجردات معارف ومعانی ایله مسامر  
 اولدیغندناشی اکثر محافل احبابده دخی سر بجیب عباءه مراقبه اولدقلرین کبرای حلقه صحبت  
 استبکر الف وبلکه استنکاف انسه حل و دسیسه فرسای خواطر تنک حوصله کان اعتبار  
 اولغله وینه برترهتسرای فسحت پیراده عقد مجلس موانست اولندقدنه بالکلیه رویکردان  
 جانب تکلم وخطاب ومستغرق مشاهده درون عباءه مبارکه اولدقلری حیرت افزای حضار  
 وطاعتکداز اصطبار اولغله بالاقتضا سر برآور جیب تماشا (ویاییدو بیورسید) خطایله  
 پرده برانداز چهره حال اولدقلرنده کبار قومدن رجال معدوده امتثال امر عالیملری اوزره  
 نظر کار و رای پرده عباءه پرکرامت اولنجه درون خرقة مبارکه لرنده کندولر مجلسی امثالی نیچه  
 مجالس لطیفه ونشینملری معادلی چند مراتع منیفه معاینه ایملری باعث تشید مبائی خلوص وبادی  
 دفع خواطر مکرده اولوب خصوص احوال سائرملری دخی بالجمله مأمون الارجاع حروف  
 هجای خرده کیران زمانملری اولشدرکه بوقطعه جلیله بدیهه سرزده قریحه الهام سمیرملری  
 وحاکی حقیقت حال بی نظیرملری اولوب یادکار صماخ اصحاب خلوص وورد السنه ارباب خصوص  
 اولشدر \* این خرقة ماطر فیه شبستان خیالیست \* ازاهل نظر محرم اوصاحب حالست \* بی روشنی  
 چشم دل وشمع ارادت \* کلچینی پیرامنش از امر محالیست \* (مروسته که) \* ذات ستوده صفاتملری  
 زمان ولایت قرانلرنده مرجع کملین طریقت وجمع مکملین معرفت وشمع انجمن چلتان اخوان  
 صفا اولغله مجالس عالییه نیت پیرالرنده هرکس معتم برکات انبساط ومستعد روشنای نشاط  
 تشکر و طریان تفرقه دوراندن تشکر اوزره ایکن ناکاه سر برآور جیب عباءه مکشفه اولوب  
 (الاولاد اسرار الالباء) مضمونیه تفاؤلا دست بردار سده اجابت حضرت قاضی الحاجات و اخوان  
 اربعین کندولر کبی بر فرزند ارجمندله عنون بیور یلق رجامندی و نیاز پاش پر سوز اولدقلری عقینده  
 آثار استجابت دیدار ومسؤلملری موصول الحصول و بالجمله حمل و وضع مطلوب متحد الوقت  
 اولدیغندن ماعدامانند آبا اولاد دخی ائتلاف جمیلی وموانست خلقی اوزره انتشایاب اولدقلرنده  
 عین الجمع خیلان وفایه مرزده بخش واتحاد عالیملری مأمون العائله تفرقه مآلی وائتلاف صوریلری  
 معیدار مجانسه سری اولدینغی ظهور اثر دعای مذکورله مؤید اولشدرکه فی الحقیقه اکرمیانه  
 اربعنده مغشوش کفران نعمت صحبت شریفملری اولیدی بهر حال مقتضای غیرت حرمان برکت  
 دعا بالخیرملری ایدی لکن عموما ارباب اختصاصدن اولدقلرینی مبین تعیم اغتنام وتسویه ذات وزمان  
 زادکان اصول وفروعه سرمایه سلامت افکار عواقب وبضاعه بی اضاعه منافع و مآرب  
 اولشدرکه منوال محرر اوزره شاهدین عدلین حمل ووضعه مدعای همت علیهملری ثابت  
 اولیق بو مقوله کرامت جامعه وعنايت لامعه تنویر ابصار اولی الهی وتهیج لجه حیرت احباب ایلدکده  
 بوقطعه غراسر زده و رای پرده مشرب سامیملری و پرده برانداز دیده نظاره کان کار نامیملری  
 اولشدر (نظم) در دل ماحق دهد اول خیال آرزو \* پس دهد کمش بفضل و یقصور آرو \*  
 در حقیقت خواهش و بخشش از و باشد همان \* لیس فی مرآتنا المجلوه الاوجه هو \* (مروسته که) \*  
 فروع پر فروغ دخی مانند اصول اوقاتکداز ایکن ناکاه قره حصار وحوالیسنده علت و باعلم افزاز

استیلا اولوب قلوب سکن دیار علی العموم داغ ماتمزه اولدقلرنده حضرت سلطان عباپوش دورودر ازجه خانه اجداد امجادنشین و خویش و یکنه دن خلوتکین اولدقلری حالده عسکر عالم مسفور سعادتخانه لینه دخی هجوم آور ولیله واحده ده مجموع اولاد کراملری سبب درد مذکور له متعاقبا تسلیم روح روان و وروبراه فرادیس جنان اولدقلری معروض پیشگاه ولایتلری اولوب تجهیز و تکفینلری امورینه مسارعت بیور یلق استندعا اولندقه سالار کروه پر شکوه اربعین ثانی اولان حضرت سلطان دیوانی قدس سره النورانی جناب والانصابلرندن استخبار حال بیور دقلرنده (آن نیز گذشته است) دم سردیله سنوح ایدن جواب دغدغه فرساطا قه کداز اضطبار لری اولغله تشمیر ساق اجابت اثناسنده (آن نکذشته بلکه خفته است) نفس روح بخشلر بله مقابله بیور و بجامه خواب راحت روحانی و سر بالین تسلیم روح سلطانلرین قدم مینت توأم لریله تشریف ایلد کده حضرت سلطان دیوانی قدس سره النورانی جنابنه توریله خطاب مستطاب ایله (برخیز که هنگام بیدار یست واکهانرا با تو کاریست) بیور و ب و در حال انلر دخی باذن القدر المحی سر برآور جلباب بقا و جلوه کر بزم حیات تازه بی مرا اولدقلری ثبوت یافته شهادت ثقات طریقه مولویه صدیقیه در که تازه جمال فرزند حق پسندلریله قریر العین جان اولدقه (فله الامر فیما اخذوله الحکم فیما اعطى اخذائین واعطى واحدا یرجى الاولوف) عنوانیله تشکر اسجدات متوالیه بیور ملری نهاننده اخوین مرحومین تجهیزینه اشارت بیور و ب کندولر دست ولایت پیوست حضرت سلطان دیوانی به دستگیرانه تمسک و حله خانه والا به توجه بیور و ب مدت مدیده کیفیت صحبت و کیت خلوتلرینه یکنه و آشنایان محرم اولوب استکمال میقاتده عیون اعیان صداقت عنوانه روشن بخش اعتبار اولشلردر \* انار الله برهانهم فی العالمین آمین بسر حبیبیه الامین (نظم) عیسی ام لیکن هرا نکویافت جان \* از دم من او بماند جاودان \* شد ز عیسی زنده لیکن باز مرد \* شاد آن کوجان بدین عیسی سپرد \* (نقلستکه) \* حضرت سلطان عباپوش قدس سره العزیز اکثر اوقاده غاطس و مد هوش و مانند فالوس فلک کر میت شمع مهر و محبتله دوران اوزره اولوب و اثنای مقابلات شریفه مطربان و قوالانه نثار و تجدید عهد و جد و حال ایدوب امتداد سماع و صفایله حضاردن مغلوب هوا اولنلر استیصال و بلکه رؤسای اعیاندن بعضیلری اشتغال مساوی و ایما و اشارتله هزل و تسخر دخی ایلد کاری مرآت ضمائر غالیینه عکس انداز و بادئ جوش لجه غیرتلی اولوب در حال عبا ی مبارک لرین نیر نانه ایشار و بدیهه بوقطعه لطیفه بی \* سماع ماصفای وجد و حالست \* چه غم کر کوبدش منکر و بالست \* فراغ بال از و میافت بالی \* بحر غجان او کویا که بالست \* انشاد بیور و ب هنگام رقص و چرخنده فوق الغایه کرمیت و پشت با و نعره عاشقانه زن اولوب دم بدم شور و استغراقلری از دیاد بولوب مرید و محبین بمقوله حالت زائده هول انکیزلری یهوده و اتفاتی اولوب بهر حال انجمنده ظهور امر عجیبه منتظر لر لیکن ناکاهه دن مبارک لرندن بونفس دود حمیت اندودلری \* ندارد تیغ عریان از زدن بال \* مقابلر مبارک مردنش باد \* چون منکر سرکشند از پای بالی \* و بال خون خود بر کردنش باد \* سر زده و رای پرده جلال کفر ماللری اولدیغنده جمله هراسان و ذات شر یغلری مانند سیف عریان کار کبر حلقه سماع و متوجه خلوتخانه بالا اولدقلرنده دائره پر جوش سماع تن بی جان آسا حرکت استدارده قالب و دعا و کلبانک مولوی ایله حسن ختام ویریلوب هر کس ککوشه قناعت و فراغت توشه به انجذاب اثناسنده رؤسای مر قومه اوچ نفر قسزده دلی بی جان بولوب قلب و قالبلری همزنک و برودت طبیعیه لری تأثیر یله انجماد جسمانیلری محسوس اولیجی

سر کرمیت و نتیجه جلال غیرت لری غمایان و عین الجمع حضاره سبب اعتبار اولشدر و هرگاه که بوقوله  
 شیوه غیر معهوده و جلوه غریبه ظهور نده البته منکرین متعصبه دن بعضیلرک تدمیری یا خود لباس  
 انکار دن تجرد و خرقة ارادت تلبسی رونما اولدیغی مشهود علیه ثقات ابرار عصر لری و نقل  
 کرده روات صدق شعار دور لری اولشدر \* نفعنا الله تعالی بعنا یا اناهم و حر سنا من صدمات غیر اناهم  
 آمین یا معین بحرمة سید المرسلین \* (آورده اند که) \* اول پیر روشن ضمیر ولایت تدبیره و رای پرده  
 صورت دن یاد کار غیب نامه شمامه عنبر فام احسان بیور یلوب هرگاه که براسیر صرع یا خود امر اض  
 سائر ایله بیوش پیشگاه عالیرینه احضار و معروض نظر سامیلری اولدقده اول شمامه  
 پر روح و روحانی تشمیم بیور سه لرافاق ساعه ایله معتم و دیده کشای روی عالم صحت و عافیت  
 اولوب کویا استشمام رایحه روح قدس ایتش کی نائل نوال حیات تازه و مالک عافیت بی اندازه  
 اولوردی حتی قضیه شمامه غنیمه کوشزد ملوک اطراف اولدقده تراحم رغبات و تراکم غلبات  
 مسموع شریفلری اولنجه ظهور خواص عصا دست حضرت موسی علیه السلامه مرهون اولدیغی کبی  
 اول شمامه مبارک نث دخی آثار جلیله سی ید فیض تأیید لری نه موقوف اولدیغی مشید (دست مانی  
 شمامه کار کند و او در دست ما شمامه ایست) عنوانیله شمامه دخی برکت دست کرامت بیور ستلری نه  
 پرده اولدیغین اشعار بیور مشلدر که بالدفعات ایدی سائر ایله بیوشانه تشمیم اولندقده خاصه مر قومه  
 ظاهر اولدیغی و او ان احتضار لر نده کند و دماغ پا کلرینه تقویه و تشمیم مراد اولندقده تخصص  
 او انوب ذات شمامه دن بر اثر نایاب اولدیغی هم مدعالرینه دلیل و هم انتقال لری نه علامت اولدیغی طبایع  
 معتبرینه حیرت افزا اولیق (از غیب آمد و باز کشت) نفس و اسپینلر یله ذات یا کلرینه اختصاصی  
 تذیل اولمشدر \* چنانکه حضرت مولانا مولی العاشقین جناب جلال المله والدین قدس سره العزیز  
 میفرماید در حق شیخ محمد سر رزی نور مر قده \* دست ز برپور یا کن ای سند \* از برای روی  
 پوش چشم بد \* روید الله فوق ایدم تو باش \* همجو دست حق کوفی رزق باش \* ز رشدی  
 خالک سیه اندر کفش \* حاتم طائی کدابی در صفش \* (تقلست که) \* در دمنان رسیده حد ایاسدن  
 و دیده دوزان روی اناسدن که کرار او مرارا تشمیم شمامه غنیمه بیور لدیغی ساعت عطسه زن تازه عافیت  
 و دیده کشای روی مأیوسان صحت اولدقده (این شمامه همبوی پیرهن یوسف صدیقست که در حال  
 مالش واستشمام چشم مبارک حضرت یعقوب علیه السلام کشود و بیماری هجران از طبع  
 لطیفش زائل کشت) دتو نظیر و مشام مسترشدی غیر ارشادله تعطیر بیور دق لری عقبنده (بوی شمامه  
 مردان که مایه صحت عاجله باشد پس بر موجب انی لا جد نفس الرحمن من قبل الین روح و حایت  
 ایشان سرمایه عافیت آجله و سبب راحت باقیه و باعث انفتاح چشم دل و جان باشد الا تعرضوا  
 واستنشقوا ولا تغفلوا و تخشعوا) تنبیه یله غفلت و اخشیتدن تحذیر و ترهیب و تبقظه واستشمام رواج  
 و نفعات رحمته تحریرض و ترغیب بیور مشلدر \* زیر امداخل آیات هدایت و مفاتیح خزائن عنایت باصره  
 و سامعه و شمامه در که باصره قرین بصیرت اولیق و رای پرده صورده اولان مخدرات حکم و عبر عرض  
 دیدار ایدوب شهود و اعتبار میسر اولور کذلک سامعه رفیقه منکره اولیق درون شبستان عباراتده  
 اولان عرایس اشارات جلوه کرخیله اسرار و بادی تهیم شوق و اقدام اولور همچنان شامه آشنای نفعات  
 الرحمن و جذاب فواج مردان اولیق بهر حال رابطه استنشاق رواج حقایق و آثار باعث تقرب و تشاب  
 و دافع ضعف دماغ تقلید و اقتفا اولور پس مداخل مر قومه مسدوده و مختومه و مفاتیح مذکور ایدی  
 نفس و هوا و غفلاتده اولیق کار مشکل وارشا متعذر و تریه و ترقی مستحیل اولدیغی رسیده

سرحد بداهت در اعادنا الله تعالى من ضیاع المفتاح و حرمان الفلاح \* (نکته) \* امضا کرده محققین کرام و موجب جریان عادت متقنه حکیم علام اولدر که افاضات علی حسب القابلیات اولغله متوغل احساس صور اولنلره فقط افاضه استخدام حواس خمس ظاهره اولنوب انلرایله تحصیل مدرکات اولنمشدر و مشغول معقولات اولنلره دخی انجق عنایت استعمال حواس خمس باطنه اولنوب تدارک مهمات معلومات عقلیه اولنمشدر \* لکن عند الا ولیا قدس اسرارهم حواس ظاهره و باطنه هر قومه که مشاعر عشره ایله موسوم در بالجمله فروعدر که ظاهره آلات مدارک نفسیه و باطنه اسباب استعمال معلومات عقلیه در اماصول حواسکه اولدخی عشره در خدمه روح و نفس ناطقه انسانیه در مشاعر عشره اولی ابدان و مدارک عشره ثانیه ارواح و اسرار مشابه سنده اولغله ارواح و اسرار عالم و آدم اولان انبیاء علیهم السلام و اولیای کرامه مخصوصه اولوب ماعد انجق فروع حواسله مجبول و مبیانه محسوس و معقوله تجارب و افکاری خرسند استعمال مجهول اولنمشدر \* چنانکه حضرت پیر قدس سره العزیز فرماید \* چشم ظاهر سایه آن چشم دان \* هر چه آن بیند بیکر ددان بدان \* از خیال بد مر اور ازشت دید \* چشم فرع و چشم اصلی نابدید \* و قس علیه بواقی الحواس \* کوش ظاهر ضابط افسانه کن \* کوش جانش جاذب اسرار کن \* چشم ظاهر ظابطه حلیه بشر \* چشم سر حیران مازاغ البصر \* آن حسی که حق بر آن مظهر است \* نیست حس این جهان آن دیگر است \* مر دلم را بنج حس دیگر است \* حس دل را هر دو عالم منظر است \* و تفصیل این محبت لطیف در مثنوی شریف از بیان حقایق عیان مژده دادن بایزید قدس سره از زادن ابوالحسن خرقانی طلب باید کرد فلیراجع ثمه و چنانکه آتین کریمین (ان الذین یبایعونک) الی آخره (و مار میت اذ رمیت) و حدیثین شریفین (فاذا احببته کنت سمعه و بصره و من رأی فقد رأى الحق) بدین نکته جلیله شاهد است بس از جهت اختصاص بخواص و بسبب اصالت آن اصول را خواص الحواس و حواس الخواص نام کردند و قیل ان الحواس عشره الا انها فی مرتبه العجوم حواس العوام و فی درجه الخصوص حواس الخواص فافهم المال و اغنم الکمال \* مطلقا آن آوان اواز سه بود \* کرچه از حلقوم عبدالله بود \* گفته اورا من زبان و چشم تو \* من حواس و من رضا و خشم تو \* کوش حس تو بحرف ار در خور است \* دانکه کوش غیب کیر تو کراست \* بقیه خبر از آیت کریمه (ولهم آذان لا یسمعون بها) الایه مفهوم گردد (منقول است که) جناب ولایت مآب حضرت زین الابدال و نغیر الرجال سلطان عباپوش قدس سره العزیز بتدای عرنایزین بیلرندن انتها سمنه قدر که مائه و عشرين در عصمت جلیله لری خلل رسان فعل و قولدن بعنایه الحفیظ القدر مصون اولوب دخی آغوش مادر زیب ایکن منشأ ارهاصات عجیه و مورد انظار حسنه بکار طریقت علمیه صدیقیه مولویه و عنفوان شبا بده دخی تحصیل علوم جلیله و اکتساب اخلاق جزایله مشارالیه احجاب همت و رشک آوارا باب صفوت اولوب علی الخصوص مسند آرای خلافت و متکانشین مشیخت اولدقلرنده نوادر اوضاع مردانه و غرائب اطوار عارفانه لری پسندیده ذوی العقول السلیمه و مستحسن طباع مستقیمه اولغله اکثر بکار علما و اغلب اشراف امرا طرف باهر الشرف لری نه بخدمه و زانوی ارادت لری نه سر داده وزی درویشان لری نه متری (والصغار علی اثر البکار) مصداق سعادای دیارب لیل الا اعتبار لری عباپوش و صهبای معارف نوس و محبت اهل اللهله پر جوش اولوب مرض انکار له علیل القلب اولنلرز واید خروف مانند متساوی العدم و الوجود و وصیت قدوم حالات حیرت انکیز لری ولوله فرسای قباب دماغ عامه ساکان خطه روم اولدقده که صدای کوس عالمگیر لری مرز بوم ملک مرئومه مسجوع امیر تیور اولغله خاطر سیاست آکین و مشرب کین

آینده تخمین وجود امتحان و تعیین صنوف اخبار در کار اوله رق استیلا کس حوالی قویه صینت  
عن الیله اولدقده اسلاف رجال مولویه دن اثنای تسلط سرداران جنسکیز بده علم افراز ظهور اولان  
خوارق عادات زهره شکاف جرأت و عنانکیر توسن جلادتی اولوب احتیاط حکیمانیه ایله قره حصار  
جوارنده اول مردر روشن ضمیر ولایت تنویر ملاقاتیه قریر العین اولدقده صورتاتیهولات مصنوعه نما  
ودرونی نفس قدسیلریله تقال و تینه ربط قلب ایتدکلی ائشاده \* تیرشه شهی باید نشانه \* کداویران  
ده است اندر میانه \* بیت شریفی قریحه زکیه لر دن \* مع تیوری به خبرده حقیقت و اول تیر برجسته مصیب  
هدف مافی الصمیم اولتیجی جانب امیر تیوردن دخی (پس ده ویران از تاخت و سوخت امین است)  
مضمونیه حضرت عزیز مشارالیهک زیر قادمه حمایه لرنده اولان دیار و جوار لر ینک سلامته مساعده  
اولند یغندن ماعد اوقعه بایزیده تمامنه دکن عسکرتاتاری قسته غارات اموال رعایادن منعده ثابتقدم  
مقام ایقناط اولوب هر چند تکلیف قبول عطایای مناسبه اولدقده (عباءه ماجامه ترک واستغناست)  
جوابی ایله ممانعت بیوروب گروه پرشکوه درویشان و محبان عباپوشانه وداع و منزل سامیلرینه  
رجعتلری عقینده امیر مسفور انصاف ایدوب (اینجین کسان تهی نباشند که از غیر خدا بیم  
وامیدند ارنده و از سیاست زبردستان نهراسند بلکه در دل شاهان مهابت ایشان نشسته است) دیوندا  
ومقر بینه ماینلرنده جاری اولان صوری ومعنوی معاملاتی اجمال و اشعار ایتشدر \* (نقلستکه) \*  
رازداران حمیت روحانیه و محرمان اسرار حیطه حمایتلری خصوص استیلا تیور بده ده حیرت زده  
اولوب سابقا کار سلسله مولویه نیک بلیات تسلط جنسکیز بانه جلوه کر میدان ظهور اولان خوارق مدافعه  
انکیزلری راد اولوب ووقعه تیور بده ده قطعاً امثال کرامات گذشته رونما اولدیغی معروض پیشگاه ولایت  
دستگاهلری اولدقده (فهذه مصالح خفیه فی صورۃ المفاسد) فقره جلیله سیله احباب صداقتشعاره  
اشعار حال ایدوب ووقعه فجیه بایزیده تمامنه (من اضاع حرمة الاشراف یضیعه الله بالا جلاف) نفس  
انفسلریله یعقوب جلی قتلنده اضاعت حرمة آل مولانا اولدیغی مقابله سی و کسر قلوب منسوبان درگاهده  
اولان فرط جرأتک مجازاتی اولق اوزره تسلط غیبی و انتقام لاری اولدیغنه اشارت و رمز بیور مشر در کره  
بعد الاستیلاء التام و اجراء المرام محالک رومه نصب حکام اولغیوب بلکه عسکرتاتار بالتمام نه دیار  
فارسه تسیر اولتی طباع حریصان ملکه وله انداز اولدقده (کن مأمور بالخلع الممالک لا یضبط الممالک) دم  
قدسیلریله تأیید ایمای سابق اولغشدر \* اگر چه ظاهر اندیشان تاریخ جای بایزیده بنا ایتشدر در لکن  
خشونت تاتاریه و حرص جهانکیری تیور بده دقایقنه وقوف و شعوری اولنلر عنده ده دافعه غیبی امدادی  
اولدقده بدیهی الاستحاله در خصوص مشروح سبب اعتبارا کاهان رجال کر دولت اولغله علی العموم  
سالک راه جبرانکسار اولوب اکثری عرقیه پوش محبت اولوب و اوائل بایزیدولی به کنبه سلطان  
عباپوشله بین الملوک العثمانیه مراسلات ارادت نمون و مهادت صداقت مضمون قانون انصاف و آیین  
اعتراف اولوب مراعات حدود اوزره حرکت اولغله مابین اولیاء دین و ولایت دولت مأمون الغائله  
تخلل ینونت و صدود اولشدر \* ادام الله حسن مصافاتهم و اراح الکمل بین مصافاتهم آمین بحرمه سید  
المرسلین (نظم) از کران تابکران لشکر طلست ولی \* ازازل تابابد فرصت درویشانست \* دولتی را  
که نباشد غم از اسب زوال \* بی تکلف بشنود دولت درویشانست \* روی مقصود که شاهان بدعا  
میطلبند \* مظهرش آینه طلعت درویشانست \* خسروان قبله حاجات دعا بندولی \* سبیش  
بندکئی حضرت درویشانست \* کج قارونکه فرومی رود از قهر هنوز \* خوانده باشی که هم از غیرت  
درویشانست \* ودول الصور صور الدول و دول السیر سیر الدول غوای پر جد و اسی لدی

اولی النبی غمیان و رجال دولت سیرتدن استمداد لازمه ذم ذوی الهمم اولدیغی کالشمس فی وسط النهار  
عیان اولغله انضمام همت هما همتاری نصب عیون عیان زمان و سایه عنایت تابه لری ملجأ سرافرازان  
جهان و ذات ملکی الصفات لری کریران دولت صوری اولدقچه سایه مثال سر داده خا کپایلری اولمشدر  
صد و بیست سال عمر نازینلرنده روی صفوت کوهر لری بی کرد کدر و پروانگان شمع خدا  
افروز جمال لری روشن دل و دیده اولوب ولی عهد و لایت لری اولان حضرت سلطان دیوانی قدس سره  
النورانی جناب کرامت مآلین برسنه مقدم تختگاه خلافته تقدیم و کندولر خلوتخانه والاده  
اختیار عزلت کلبه بیوروب انتقالارندن اوچ کون مقدم سعادتخانه لری نه نقل و نزول و جوار  
اجداد امجاده انجذابلین اعلان و یکدمه انتقال بی اعتلال بیوردقلری اصحاب اعتباره سرمایه  
اشتیاق عالم بالا و متابعان بزم سامیلرینه التحاقه مسارعتیه بادی اولوب مقام عالی لری مجمع چلتنان ثانی  
و بدن مقدس لری پهلوی عم عیم البر کهلرنده غنوده ایوان رحمت ارکان روضه جنان اولمشدر  
نورالله ثری مشواه و جعل حول الخوض مأواه \* (قلستکه) \* حضرت سلطان عباوش دست  
عنایت ساقی بزم بقادن جام فناوش و بزم عالم بیوفادن دامنکش آرام و کوشه فراغت نشین  
قبر اولدقده چند شبانروزی صیت و لوله قدوم غیبی منقطع اولیوب اجلاسات عظیمه ارواح مقدسه  
ظهورنده متأدین مریدین و احباب صوامع کزین مراقبین حال اولدقلری اتاده بی ادیان ظاهر  
پرستاندن بعضیلری کیفیت مر قومه بی تصنع خدام تربیه منوره به نسبت و تجسس طریق بقیله شکاف  
مناظر تربیه مبارک لرندن اول حر مسرای غیرته نظر اندازانکار اولنجه باذن الله الغیور چراغ  
دو چشمه انظما و ترجان قوه ناطقه سنه انتقا و سرتا قدم بدنه ارتعاش عبرت نما کلوب یوم ثالث  
عروض حالت سیئه ده فوت اولوب اگرچه کشف اسراره مساعدیه وقت اولمشدر لکن وجود  
عدم نمودی راه اعتباره میل ارشاد اولوب مائل سمت عناد و اصرار اولنره دخی سبب انصاف  
اولدیغندن ماعدامن الا قول الی الآخر مر اقدمنوره اولیای کرامده جلوه کر اولان غرایب احوال  
خصوصنده سدره چون و چرا و سنک رخنه ماجرا اولمشدر \* (دیوانی محمد افندی) \*  
پیر مادر زاد خانقاه روحانی و روشنائی چشم و چراغ دودمان انسانی و کوهر شیخراغ قلزم عشق  
سبحانی و صاحب السیف واللوی العرفانی حامل السرفی البقاء الحقانی فاتح الکثر الخفی الرحمانی  
نیر معارج لامکانی و خیر مدارج کن فکانی اغنی به حضرت السلطان سماعی الدیوانی قدس سره  
النورانی لازال سبحانی تیار التخلیات مادام سائحا فی دیار التجلیات کثر الله عروق مولاته و کسر  
فروق فرق معاداته جناب نجابت مآب و ولایت نصاب و کرامات انساب لری اثر دعای اجابت  
قرین والد ماجد لری موجب بجه رحم مادر دن صحنسرای عالم ظهوره تشریف لرنده دخی سالار قافله  
چلتنان ثانی اولوب سائر یاران پیرو لری اولغله بحسب الزمان قریب الولادت اولنلری تقدیم  
بیوریلوب قریب زمان ولادت ضابطه ترتیب ذوات قلوب ترتیب فروع موافق ترتیب اصول  
اولدیغندن ماعدام جمله دن سر (الولد سراهیه) غمیان و مراتب ترقیلری هویدا اولوب هر کس ملازم  
حد ذات و ذات کامل مادر زاد لری پیشوای کل و جانشین سر حلقه چلتنان اول اولدیغی دقیقه  
شناسان مراتب وجوده پوشیده اولیوب قوت قریبه ظهورده کمنه اولان کمالات ازلیه لری منظور  
و مسلم عاقبت اندیشان نوبت لری اولمشدر کما قال المولی المکشف القیومی مولانا جلال المله والدين  
الرومی \* آن موالید از تجلی زاده اند \* لاجرم مستور پرده ساده اند \* آن موالید از ره این  
چار نیست \* لاجرم منظور این ابصار نیست \* اولیائی فی قبای آمنون \* جز که یزدان شان

دیوانی محمد افندی

ندانند آزمون \* (تقلستکه) \* اول نو نهال بوستان ولایت رفیقان چلستان جمله سبیلہ دستان تعلیمده  
 انیس و جلدس اولوب معیت اوزرد تعلیم و تربیه اولوب هر بریسی زمان یسیرده جامع فن کثیر اولوب  
 بالغ حد تکلیف اولدقلرنده رسوم طریقه صدیقیه و آیین و تیره جلالیه مولویه اوزره الباس کلاه  
 و خرما یله ممتاز و سرافراز و تبعیت سلطان دیوانی ایلله تعیندنیر و شب و روز قیام مقامات خدمات  
 علیه لریله شرفیاب و کویا اول هلال صوری و بدر معنوی بهاله و اول شمع انجمن افروز حقیقته  
 پروانه اولوب دمدم میامن انتظار حسنه لریله ترقی اوزره ایکن منقبه پدر بزرگوار لرنده ثبت یافته  
 جریده تحقیق اولان قضیه حیات تازه لری سر زده پرده حدوث اولدقده تماشای عالم برزخ و پاشنی  
 صهای فوتد نشتی تلخ کام صحبت و دامخین حلقه الفت اولوب اکثر باتل و تنها صحرانورد  
 و کوه پیمالکرا ایلیمب آخرالامر فرمان لازم الامتثال روحانیت جدا مجد لری موجبجه مسند  
 والد اگر مارنده جانشین و ولی عهد لری اولمیرینه تمهید مقدمه اولمق اوزره سمت موانست خلانه عطف  
 عنان التفات بیور و بیور روز بروز دفع و وحشت و رفع سطوتله مراتب اخوانه تنزل فرما و عیون منتظرینه  
 روشنابخشا اولوب لکن زیر قبه ملامتده توار و هیکل مجذوبانه دستری و مشر ایدی زیر اعیون  
 ابنای زمان لرنده کالات جبلیه و کسبیه لری محیره العقول و مولیه العیون ایکن قضیه حیات مستطابه  
 ثانیه لری و دبده نسب و حسب و الاری و لوله انداز آفاق و زمانی دخی طوائف ملوک عقیبی اولغله  
 امرای اطراف بلکه عامه اشرف تصدیر سر بر استقلال قصد یلدر یار تیرینه کلد کده ستره ملامت لری  
 کند و لره چشم بند اولوب هر کس افسوس کونا کونه مسند لری نه رجوع و فکر پیشیندن فراغت  
 ایدوب مجذوبیت و دبیر ملکه عدم قابلیت لری نه قراردادده اولمیریه دغدغه جانفرسای ملکدن رهایاب  
 و دائرة ملک معناده تاجدار غوثیت عرفانی و تاج بخش ملوک عالم فانی اولمشلردر و الاعقول و افهام ناسه  
 مناسب حرکت بیور لسه بهر حال هجوم خلاق سر آزاده پردولت و لایتلرین مبتلای صداع تاجداری  
 یا خود اختیار غربت ضروریه یلدر آواره خاندان ایتمقر رایدی و لهند الا اعتبار قیل (الجنون اهون من  
 الفنون و الملامه احسن للسلامه) حتی خصوص پوشش و پوشده تنور سینه چاک و تمد تلندری دیکله  
 بین الفخر المعروف لباسله اکتفا و کاه کلاه مولویه و کاه سکه دوازده کنکره شمسیه تلبسیله اثر اسلافه  
 اقتفا بیور و بیور سرد و اتمند لری ژولیده علی الدوام و سائر مقوله موی اندام مبارک لری کاهیجه تراشیده  
 بالتمام اولوب عیش و نوش جلاب شکرینی قالب عشرت یسکانه کاند ارادته مجازی روپوش حقیقت  
 کوهر کمال اندوب تنک حوصله کان ظاهر بینانه زیور و شلری تلون تر دد فرما اولدقده (من نظری الی  
 ملا یظره الله تعالی لا تنظر الیه ولا تبال به) مضمونیه صورده ناظر و سیردن غافل اولنلره عدم التفاتلرین  
 تحقیق بیور و بیور صورت عاشقانه و سیرت عارفانه یلدمسند آرای انجمن یاران سالف البیان اولدقلرنده  
 عین الجمع خلان ارادت عنوان (بیت) مرده شریف جانان ایلیمب بر بیرینه \* دیدیلر یاران کلدی  
 جان عالم بیرینه \* فحوا سنجه ترغیر یز شکران اولوب چل شسبان روز علی سبیل المناوبه اجلاس عظیم  
 عاشقانه و سماع و صفای مولویانه یلدر تدارک و تلافی ایام گذشته فراق اولندیغی اثناده حضرت سلطان  
 دیوانی قدس سره النورانی جناب ولایت مآبک بیرون طوق بشر مشاهده اولنان حالات حیرت  
 انگیز لری والد ماجد لری مشرب عالی لرینه باعث بی حد انبساط و بادئ جوشش نشاط اولغله (نسبت  
 این کار بزرگوار چون ترا سزاوار است) بیور و بیور و مخلص سماعی یلدر تخصیص و کند و لری ولی عهد  
 و لایت لری و قائم مقام خلاق لری اولمیرینه تنصیل لری پرده برانداز روی کار کرامت مدار و کاشف  
 اسرار روز کار لری اولغله اول مردم چشم جهان بین مراعات احوال جلال مآلی نصب العیون



اعیان انسابت اولشدر \* آن پادشاه اعظم در بسته بود محکم \* پوشید دلق آدم امروز بر در آمد  
 \* (مروستکه) \* چون اول بدر صدر آسمان ولایت و عنقای قله قاف کرامت عقیب والد ماجد لر زده  
 مسند آرای خلافت و متکاپیرای اصالت اولوب مفارق در دمنندان دائره اراده نثار لائی  
 معارف و سرتا قدم مستمندان انانجی غرق عوارف بیوروب انجمن چلتان نوبت شریفه لری  
 حلقه لطائف اسرار و دائر امداد پیرامن سایه عنایت مایه لری محضوف شرافت آثار اولش میکن سائق  
 داعیه روحانی سلسله جنیان شوق اولغله عین الجمع اخوان ازلی و قافله خلان ابدی به پیشوا  
 و سالار زیارت بیت الحرام تربه فردوس تربه جنکرا کبر قدس سره الازهر اولوب \* اننای حظ  
 و تراننده حضرت سلطان العلما نور تربه العلما جناب ولایت نصابنه هجرت پر حکمت لری خلاننده  
 تنبیهات غیبیه یله جلوه نما اولان استقبال اشرف اهالی دیار بعینه کندولره دخی منصفه پیرای  
 ظهور اولوب نیمه راهده مشیعی و داع و مستقبلین صفکش انتظار سلام و مترصد نوبت رکاب موسی  
 اوله رقی امین احیان و اسعد اوانده ضیاع موقوفه آستانه سعادت آشیانه مولویه دن بشاره نام  
 منزله چلتان و خلفا و فقرای احباب تقدیم مراسم استقبال ایدوب اول حوالی محشر خرب مولوی  
 و مجمع مردان معنوی کوجه کوجه عقد مجالس معارف و طرف طرف ترین آیین سماع باصفا  
 اولنوب اول کروه انبوه بر شکوهله عاشقان قطار کش سماع راهی و قوالان و منشدان  
 سراغاز کرشوقیات کاهی و غاشیمه بردوشان خدمات مستغرق ذوق نامتناهی اولوب محل مشاهده  
 قبه خضرای شریفه سلطان العاشقینه شرفیاب وصول اولدقلرنده مفصل و معدود هزاران سوز  
 و کداز و جهان جهان وجد و حلاله تجدید عهد و تشدید اساس سماع اولنوب و بقایای اهالی  
 دارالولایه قونیه صیبت عن البلیه دخی و ما اول محل خرمن دعا به فرصتیاب حضور اولدقلرنده جمله  
 مختتم دعای خیر و مستعد کلباتک مولوی اولوب فراز جبل معهوده دن سیلاب رحمت وار جانب  
 مرهمه جوشان و خروشان و سالک راه عاشقان اولغله شست و شوی کرد راهه التفات بیورلیوب  
 نصب عین حقایق بینلری اولان سده سدره بایه تربه مقدسه برهان الواصلینر و مال اشتیاق  
 و جبهه سای استغراق اولدقلرنده جلوه کر میدان بروز اولان حالات حیرت انگیز نزد یکان دورانه  
 آینه کیفیت دوران نزدیکان اولوب و اول مطاف کرویان و مزار روحانیان اولان مشهد  
 مقدس زیارت و طوافی خلاننده ذات ملکی الصفات لری به استغراق زائد التعبير استیلا سیله  
 مانند برق جهان میان طائفان صندوقه راقه مرقد منور حضرت جد امجد لری نه براق وارسوار  
 اولوب و طلیسان مبارک لری عنان و ش دست کرامت پیوستلر نه آلوب کو یامیدان روحاننده  
 طرید و جولان ایدر کبی اطوار عجیه نمالری واقفان احواله شهود کمال حال و مرآت جمال مال اولوب  
 لکن نونیا زان و تنک حوصله کانه نمودار جنبش سبکساری اولدیفی عکس انداز آینه ضمائر  
 پژوهلری اولغله در حال نزول بیوروب و کلخن حمام تربه شریفه توجه و بی محابا درون کلخن  
 پر آتشه دخول و برهیزم آتشیله مانند کلکون سوار اولوب قطع اود و کرد و شراره دن پیرامن دامن  
 عصمت لری نه روی تأثیر پیدار اولیوب بلکه حضرت خلیل علیه السلام آسا کندولره اول آتش  
 نیز کلخن برد و سلام اولدیفی روی تابدار بشاشت لرنده نمایان اولغله مرایای ضمائر حضار نظارده  
 مایه خلجان اولان زندگارت رد مبدل حواهر ارادت صادق اولوب موازین عقوله نا کتجا اولان خوارق  
 عاده لری مسلم کل و کیفما کان جمله افعال و اوضاع لری حقیقی رأی صوابید لری نه احاله  
 اولغله طرف باهر الشرف لری نه سوء ظن و کج نظر دن برهیز و اتقا و علی سبیل التانی و التدریج موانع تسلیم

وارادتدن تخلیه و بواعث صدق و انانته تخلیه فرما اولشدر چنانکه حضرت پیر قدس سره المنیر  
فرموده است \* همچنین این قوت ابدال حق \* هم زحق دان نه از طعام و نه از طبق \* جسم شتر  
هم ز نور اسرشته اند \* تاز روح و از ملک بگذشته اند \* چونکه موصوفی باوصاف جلیل \* زاتش  
امراض بگذر چون خلیل \* کرده آتش بر توهم برد و سلام \* ای عناصر مر مراحت را غلام \*  
بحق جهان آفرین مجید \* جوان شهسواری نیامد بدید \* موجب اول مرد میدان کرامتک دو نوعه  
شاهسواری آتشکار اولد قدده (یکی کار کرد و غبار و دیگری کار سمندر است) عنوانیله برده کش  
روی اشتهار اولشدر \* (تقلستکه) \* ذمت همت و لاده دین و کردن ارادت آباده فرض عین  
اولان طواف کعبه العشاق و تسکین سوز و کداز اشتیاق عقینده مسند عالی و مقر سامیرینه  
رجعت بیورلد قدده بالجمله اوضاع و اطوار ذهاب و ایاب تطبیق و توفیق اولنوب منزل بمنزل مهتاب  
وجود فائض الجود لری قوافل سلوک صراط المستقیم قریب العین رشاد و محافل مریدین و محبین  
پر عیش معرفت و ووداد و تکیه کاه سعادت لری کما کان مرجع کرها کوه صدق و وفا ایلد کده  
ابتداء و بدیهه قلزم طبع مواجلرندن سر زده ساحل نظم اولان لائی نفیسه در کرشته کش تسطیر قلمشدر  
(غزل) بر تو که شوق شمع رخ یاردن کلور \* بر لعه در تجلی دیداردن کلور \* طبع چراغی قاسم انواردن  
یار \* بوی فنا دماغه عطاردن کلور \* باشد کلاه شعله سیدر دود آهنگ \* مولاییدر که حضرت  
خنکاردن کلور \* نقل شراب مجلس غمده تیر بکا \* شول خون دل که دیده خونباردن کلور \* آزرده  
خاطر اوله سماعی یدله \* مستانه در که خانه خماردن کلور \* اگر چه سائر انقاس رو و حشملری  
خریطه العجایب دل احبابه دیاجه زیب تین اولغله بعضا حرز جان مستندان اولشدر \* لکن ترتیب  
دیوانه اشارت علیه لری شیرازه بند جمعیت اولمغله مانند قلوب عاشقان پریشان اوراق دفتر محبت  
و آلی بومنا هذا ویرانه کنجینه حکمت آساجریده الغرایب صفای صفا بر غریبای طریقه کد کلتش فی الالوح  
محفوظ اولشدر \* (تقلستکه) \* منقبه شیخ احمد افلاکی وند کره دولت شاهی حاوی اولدیغی اوزره  
نواحی زنجانده غازان خان بن ارغون خان باید و خانه مصاف ایدوب بعونه سبحانه غلبه جانب غازانه  
توجهی سبب اعتنام ایمان اولد قدده حافظ آیین اسرار نبوی سعد المله والدین الحموی کندویه تلقین شهادت  
ایلدیکی عقینده حضرت پیر قدس سره المنیر دیوان کبیر لری قصائدندن اولی \* چو یکی ساغر  
مردی زخم یار برآرم \* دو چهار اوزماترا همه از کار برآرم \* توز تانار هراسی و خدارانشناسی \*  
که دو صد رایت ایمان سوی تانار برآرم \* نظم لطیف لریله موشخ قصیده غرایب انشاد و اسرار خفیه  
رضی به لری نه دخی ارشاد ایلر یله علی العموم مؤمنین طائفه مر قومه دن طرف باهر الشرف حضرت  
خنکدار کبر قدس سره الازهره محبت و اعتقاد ظهور ایدوب حتی اول قصیده پر نکات رعنائی  
زردوزان لباحه شاهی به رسم و طرح ایدوب تیمار و زدیوانلریده تلبس و نوبه بعد نوبه اخلاف  
سلطنتلرینه انتقال بلکه وفق اعظم دولت عدا ایدوب زمان تیمورده عموما سرفرازان تانار زیارت تربه  
فردوس رتبه مولویله مستعد اولد قدده سر صندوقه سلطان العاشقینده اول کوهر قدسینک محیطی  
اولان دیوان کبیردن علی وجه التبرک تنفال اولند قدده بعینها اول قصیده بلیغه عرض جمال ایتکه اساس  
اعتقاد لری نه استحکام کلوب زیب خزانه دولت اولق اوزره برلیغ صدور یله محلدن غصب و عمالک  
ماورای النهره نقل اولنوب و میانه فتن طوائف الملو کده باطنیه دن شاه اسماعیل خروچنده بر طریقه شاه  
مسفوری نه دوشوب و حضرت سماعی حقیقت مساعی جناب ولایت مآبانه و رای پرده غیدن اشارت  
تنبیه آمیز و اول امانت عظیمه بی ایدی خائنین مبتدعه دن تخلیص و مامن قدیمه ایصاله امر اکید شوق

انکیز صدور ایدوب انلردخی همعنانان از لیه ایله صوب مأموره عزم و تمشیت امر جلیل القدره خرم  
 بیوروب بعناية القوی المغیث ظهور تباشیر صبح توفیق له تتم خدمت پر حرمت دیوان حقایق مشکون  
 سلطان العارفین و کاهو حقه تکمیل عرض طریقت برهان الواصلین ایتلری ذات کرامتسماتلرینه  
 باعث شهرت ثانیه و بادی تلقیب نسبت سامیه اولوب بین السادات المولویه عنوان دیوانی ایله معروف  
 و مذکور اولش لدر \* ددهم سیف و لایتدر دم سلطان دیوانی \* مقام چلتان معرفتدر صحن  
 دیوانی \* کلید کنج حکمت سر بسر رفتار و گفتاری \* لبالب بادی حالت مدار جام دورانی \* اودر  
 صاحب ظهور خاندان آل مولانا \* که ویر مشدر کرامتله مه و مهره هراسانی \* سکندر وار  
 اگر چه روم پروردولی آلمش \* همای همتی زیر پری ایران و تورانی \* علملر سرفراز و بیال مقدمی  
 اولش \* زیارت ایلد کده مشهد شاه خراسانی \* بحمد الله کدای در کهسی یز نا قب اول شاهک \*  
 که تسخیر کرم ایتش سلیم ایله سلیمانی \* (در بیان رفتن آن هز بر نیستان معانی) \* و شیخ راغ شعشاع  
 عرفانی و ماه خر که قباب غیرت سبحانی اغنی به حضرت السلطان سماعی دیوانی آواه العلی العظیم اعلی  
 الغرف الروحانی بعراق عجم برای آوردن دیوان کبیر حضرت پیر قدس سره المنیر که تبرکات و تینا تقدیم زیارت  
 ترب فردوس رتب اجداد عظام و تجدید عهد و اقارب کرام و تجدید سیوف تأیید و اهتمام بیوروب استمداد  
 هم اصحاب قلوبی زاد و اعتصام جبل المتین تو کلی بدرقه و همت عالیة فی فتور لرین راحله اتخاذ ایله  
 شدر حله میان بنده ائمار و رکاب جنبان اقدام اقدام ایدوب اسعد آونه و ایمن احیاینده میدان عین الجمع  
 مردان خداداده عقیب انعقاد اجلاس بی نظیر و نظرمیامن اثر حضرت امیر عادل پیرده حائز برکات کلبانک  
 دم خداوند کاری اولد قبری ائشاده نیت زیارت ترب معظمه و والده سلطانله جانب لارنده به تحریک جناح  
 اشتیاق بیوروب اول مهبط انوار و مجمع روحانیت کارد دخی اقامت مراسم صدق نیاز و استفاضه  
 مواهب لدنیه کریم پی انبار اولنوب بلا توقف سمت مقصوده رایت کش خط و ترحال منازل و مناهل  
 پر نور آثار و احوال ایدر کخرامان تختگاه فارس اولش لدر \* لکن اعلام راهروان و نقل مسافران  
 ایله ولوله کرامت باهره لری قبه دماغ شاه خود بنده دغدغه فرسای او هام کونا کون اولغله کریه و  
 آب زیرگاه و بی بهره فوائده و ایدر یغندن ماعدا داغدار صدمه غیرت نسکبت فرماری اولش لدر \*  
 (نقل سکه) \* قدم مینت تو املری سرحد فارسی تشریف بیور دقه راهداران طرفندن اجرای آیین  
 قدیمی اوزر پرش احوال آینه و رنده به تعیین اولنان سرهنک بی فرهنگ تجاوز حد ذات ائیکله  
 نظر حدت مردانه زبان بند ناطقه اولوب لال پر ملال رئیس رینه رجعت ایتد کده میان اتباعدن  
 بر پلید شدید دور باش سفاهت بردار جانب جناب ولایت مابلرینه تازان اولیحق عروق و اعصاب  
 دست و باز و سنه فالج و انجماد ذاری اولغله کره نالنه ده العیاذ بالله تعالی توهم احتمال سحر له مر کبران  
 میدان حراب اولش لدر دخی اکثری نکون سار و زیر پای دابه لرنده هالک حنف الانف و سائر لری  
 کند و جار حله لریله بعضا قیل و بعضا جریح اولدیغی سد راه تعرض و سنک پای جرأت اولوب کچ نکاهان  
 شرق اعماض عین تجسس له مدارا و بدگویان قم و کشان حفظ لسانله موااسم اولملریله مأمون الغائله  
 کشت و کذا را ایدر ک پایتخت اسمعیلیه به وصول لری معلوم شاه مکراندیش اولیحق ظاهره تهنیه قدوم  
 و معنا تفحص سمت هجوم صد دنده ارسال اولنان کشت کانک لیب اذیلری شکر دام انا بیت و محبت  
 و مجرب و خرده کبر لری متأثر سزای اضاعت حرمت اولوب هر کس مبلغ ادراکی اولان معنای معروض  
 حضور پر خرم شاهی ایلد کده مشورت خاصه عقلا دلخواه لری اولان دیار فارس ده ذات شریف لری چون  
 خاتفاه بنیاد اولنوب من کل الوجوه قید اکراملری تعهد ایله اول همای بلند همتی صید و پای رجعت لرین

قیده قرار داده اولدیغی استخراج اولندقدہ التماسلری قرین مساعده اولدیغی باعث تقفیش مرام اولیجی  
 (اکرام درویشان سپردن دیوانست) مضمونسله اشعار مقصدیورلدقدہ طرف دولتری نه عدم التفات  
 بلکه سرمایہ خزائن اقبال عد اولنان کوهر یککامطالبه سی سبب خشونت زائده واساس تصمیه اهانث  
 بالغه اولغله صورت ضیافت مهر بانیده تبعیہ تسمیه قرار ویرلدیکی نتیجہ تدبیر وزیر وزیر هاما منش  
 اولدیغی مرات ضمیر مکاشفه تنویر لرنده جلوه کراولغین اثنای طعامده عرض اولنان کاسہ شربت زهر  
 آلودی دست کرامت پیوستلرینه الوب شاهه توجیه خطاب عتاب انکیزله (این کاسہ جانکد از رانیت  
 شاه ویا قصد وزیر کشیم) استغفهامیلہ تو بیخ فرما اولدقلرنده شاه فراست نهادمال حاله انتقال ایدوب  
 (قصده میر بصاحب سوء تدبیر میاید) لطیفه سیله تدارک وکنندودن روی توجیه شمشیر تشفی  
 قولادشکفلرین صرف و تحریف اتمکله اولیکانه میدان امتحان آیه کریمه (ولایحیق المکر السی  
 الابله) تلاوتیلہ دیدہ عجایب قدرت دیدہ لرین روی وزیر پرتز ویرہ تحویل ایدوب اول جام لبانی  
 بلاجرعه نوش بیوردقدہ در حال وزیر معکوس تدبیر مہبط صاعقه تدبیر اولوب حضرت سلطان سماعی  
 متعنا الله ببرکاته دخی قوالان اخوان الصفا یه اشارت بیوروب عقد مجلس سماعی مولوی اولندقدہ  
 اثنای کریمت سماع باصفاده \* کجادرزهره ام از مکردشمن بالک میاشد \* که کرزهره لاهل میخورم  
 تریالک میاشد \* هر کراماری که یاری میکند \* کار بدخواهش همه زاری کند \* مضمون لطیفیلہ احباب  
 صداقت مآبہ ترغیر تسلی و مخالفین مکر اکنه تو بیخ و تفریع فرما اولوب نهایت جولان بیخودانه لرنده  
 تنوره شریفه لرین عصر و عرق پا کلریله جام معهودی لبریز تریالک غیبی ایدوب (بحای سیه کسه کی این  
 تریالک هزار خاصه کی معذور دارید) عنوانسله دست ساقی تسمیمه تسلیم و منزل سعادت لرنه توجیه  
 بیورملری عقینده بر مجرم شایسته قتلہ زهر وروب بعده اول تریالک با کدن ویرلدکده بالکلیه تعطیل اثر  
 زهر اتمکله اول سلطان باهر البرهانک مانند عمن عدم انفعال و تائثری وانیاکف وجود کرامت بودلری  
 اولان عرق آثار سمومه کفایتی شفای کینه صدور و تریالک سم غرور اولوب شادی انتباهه انصاف ناچار  
 کلوب هزار عار استنکافله بالضروره خزانه دن دیوان حضرت پیر قدس سره المنبری اخراج و جناب صاحب  
 السیف والخروجہ ارسال ایدوب مقامنه اول تریالک غیبی اقامت وهر بقوله رفح مشکله مداوات اولندیسہ  
 آثار سر یعہ سین معاینه اتمکله اساس دولت رفض والحاد بنیادلرینه ترزل طاری ومیانہ رجال دائرہ یه  
 سنیت و خلافیلہ تفرقه عارض اولوب اکثر عسکر اخفای سنیت ایتلریله تبعیہ آثار کرامات عالیملری  
 نوبت مصاف سلیمه ده نمایان اولمشدر که هنکام مقابلہ ده یکدست مقاتله اولوب سنیت کاهنہ لرین  
 صورت تکاسل خرابده اظهار لری هویدا اولغله کار عسکر فارسدن جمع کثیر مراجع رکب رکب  
 اسلام ومتوطن دیار اهل السنه والجماعه اولدقلرنده ماعد اخطه فارسه هجوم اولندقدہ هربری خدمات  
 مبروره ومساعی مشکوره بدل مقدور ایتیشلدر حتی القاص میر زانام شهزاده دخی رومال سدہ  
 سعادت شہریاری و بدرقه لشکر ظفر ماثر خداوند کاری اولمشدر \* (نقلستکه) \* حضرت شیر  
 نیستان حقیقت و شمع شبستان معرفت و شمشیر عریان غیرت صمدانی ومسند خلافت زیب  
 روحانی مجلس شامیدن منزل سامیلرینه توجیه وروی دل عالم تنویر لرین جلوه بخش آیینہ زانوی  
 مراقبه بیوردقلری اثناده سر برآور التفات جانب اخوان الصفا و اشارت فرمای استقبال دیوان  
 حقایق ارکان حضرت سلیمان جهان معنایوریلوب عین الجمع خلان الوفا دخی حسب الامر  
 ترتیب آیین خداوند کاری اوزره قوالان وکوبندکان سیرا هنک سرود تهنیه ومنشدان بافرهنگ مضمون  
 مناسب حال \* شدنبوی مهر زمشرق بدید \* مهر سلیمان بسلیمان رسید \* چشم بره روشن دیدار شد \*

یوسف مکشسته بکنعان رسید \* کفقه لرینه تعبیه ایده رک عارفان و عاشقان مولوی دخی  
مانند سیاره و ثابته نجوم چرخزان و سماع گان عمر و مقرر لرین ذوق و صفایا به همرنک خیابان بهشت  
ایدوب میان عوام و خواصه غلغله انداز شوق و حیرت اولوب اول کر و انبوه و جمعیت پرشکوهله  
محل تسلیم امانت عظمایه وصولده بالذات حضرت غوث الرجال وزین الابدال استقبالی بیوروب بین  
الاخوان خرشید نور افشان وار یاکوب و دست افشان مقام شریفلرنده دخی غلیان وجد و حالاته  
تجدید آیین کرامت اکین مولوی ایدوب انجام غیرت ختامنده شاه مسفور لر صفی نام و خطابی  
مخلص شهراده سی استیلای حالت زانده انجذابله میانه دست بوسان مصافحه به التحاق و صد دست  
بوسلرنده درون خرقة مبارکه لرینه دخوله نابودوبی نشان اولدینی استماعی جان شاه مکاند سپاهه  
داغ برداغ اولوب و عقیب بروز خارقه مذکورده حضرت سلطان ولایت عنوان دخی دارالدوله  
فارسدن قصد زیارت مشهد مقدس ابوعلی موسی الرضایله سمت خراسانه شدنطاق عزم بیورملریله  
زمام اختیار مدارا ر بوده هجوم توسن حیرت اولوب لیکن تجسس حقیقت حال صفی میرزا  
ایچون ارسال اولنسان دقیقه شناسان خبر پروهان شهراده مشارالیهک دخیل سایه دامن کرامت  
پیرامن خرقة متبرکه اولدقده طی مکان طریقهله سرزده زاویه وطنیه لر ی اولدینین تحقیقا اخبار  
ایتیلر یله اشتغال نائرة غیرت عقیب شریفلرندن تسلیم عسکری امانه اغرا ایدوب کندوسی  
دخی جامه تبدیل میان عسکرده بولنغی رأی رزین عداوتکله تمشیت و تسیر عسکر ملحوظه اقدام  
و مسارعت ایدوب لشمه خارنام بر موضعه ملاقات رونما اولنجه بیروان حضرت پیشوای سربازان  
(آدر کاکا آدر کایامستان) فوای توکل جد و اسبیه رو بدرکاه مغیث منان اولوب ماینده دخی مقدار  
میدان حمله قالدقده همان اول عسکر خونخواره مقابل صفکش و سردولتمند دوجها تیلرنده اولان کلاه  
کرامت دستکاهلرین دست مبارک نیروییوستلرینه الوب زبر بقلده تسلیح بیوروب کویانام  
بغلدن شمشیر از در هادم حقار و بصفوف مخالفینه اشارت انتقام امیز بیورلدینی آنده بیکاره صف  
اول مهبط صاعقه قهر اولوب دفعات ثلاثه ده صفوف عداوت محفوف مانند عصف مأکول بریاد عواصف  
تدمیر اولغله بقیه السیف و لایتلری الامان الامان ای حیدر زمان مضمونیه فریاد و فغان ایده رک بعضا  
شرقیاب توبه و استغفار و غاشیه بردار لری و بعضا رفع دعوی عار و ناموس ایله عنان ریز سمت فرار  
اولوب آب روی دولتلری ریخته خاک مذلت و اولوقعه و قیعه کندولره امارت نکبت و جناب  
سپه دار ابرار علم استهوار و دار و دیار قوم سفاهت کردارده حظ و تراللرینک قید آزار ظاهر و آشکار  
اولسنه حصار پایدار اولشدر \* (نظم) \* هرکه اودر پیش این شیرنهان \* بی ادب چون کرک  
بکشاید دهان \* همچو کرک آن شیر برداردش \* فاتقمنانهم برخواندش \* زخم یابد همچو کرک  
از دست شیر \* پیش شیر ایله بود کوشد دلیر (پس) ابتدای کلاه سیفی مولوی بونوبده سرزده  
اولوب الی آخر الزمان اول سککه شریفه به مشتاق اولان اخوان درگاه عالیلرینه مراجعت و ظهور  
اشارت اجازت روحانیله الباس اولنه کلشدر \* سر سری و خود بخود تلبس ایدنلر خرای تلبیس  
بین و مقلدین بی یقینه سبب هراس و سدمتین اولشدر \* (مر ویدر که) \* اول سیف عریان میدان  
امتحان صفوف بدخواهان خاندان صدیقیه بی غلطان میان خاک و خاشاک مصاف ایتکله صیت کوس  
ولایتلری کوش اهلای ولایت عراق و خراسان گذار و جانبین جاده عزیمتلرنده فوج فوج و روبراه  
سلام و چشم و کوش جمال و پیام اولنلر کویا حیا و ان بنی نوع انسان اولوب ممالک فارسه بر مرتبه  
ولوله انداز و دماغ رجال دولت اسمعیلیه به هراس فرمای سرسام زوال و اغلب بکار و اکثر صغار

بیزار سوء اعتقاد رخص و الحاد و مخلص محب حضرت عتیق و عشیق خاندان صدیق اولغله قطعاً حوالی  
صوب تو جهل رنده احتمال سنک و سد اولیوب بلکه اقشۀ کونا کون اكرامات واحترامات خلایق  
پای آنداز راحله جماعت راه اراده لری اولوب سالما غاماز یارت مشهد مقدس سلطان الانس و الجن  
ابوعلی موسی الرضارضی الله عنه وعن اسلافه و اخلافه ايله معتنم و شمع انجمن منزویان و زائران  
اولد قلرنده قبه زین امام هفتمیندن سرزده عین کرامت و پرورده آب و تاب ولایت اولان کلب اشارت  
که هر نو بهار نجسته اعتبارده فقط چار کل کشالغله خلفای راشدین و ائمه مهیدین رضوان الله  
علیهم اجمعین حضرت ائمه قبله الاسرار و کعبه الاخبار اولان حقیقت احمدیه صلی الله علیه و سلم جناب  
معجز مآبند چار ارکان الزم الایمان و اوجب الاسلام اولد قلرینه ایمای غیبی بلکه اولی الابصاره  
تنصیص لاری دردیو (نظم) ان کله زور و ضرة رضا سر برزد \* برسینه رافضی دم خنجرزد \* چون  
بوی چهار یار می آید ازو \* در زر بگرفت امام هفتمی بر سرزد \* مضمون شهادت مقر و نبیه تیردلدوز  
استشهاد زن خیل تقیه داران اولد قلرنده فنای لشمۀ خارده برق شمشیر عید یله خرمن سوخته فنا اولان  
مشت خار سنی آزار ل حال پریشان مال لری و ختف الانف دمار وزیر آشکار و مناقبانه اعتذار ناچار شاه  
عاقبت تباه و محیط ذات استغراق تلاطم لرنده اضمحلال سم هلاهل و مقابله غدربی عذر لرنده  
احسان تر یال محیر الادرا کله تقریر کریمانه و شهرزاده صنفی دخیل خرقة مبارک لری اولدیغی ساعت  
رها یافته پابندر رخص و الحاد و جلوه کر میدان ارشاد اولدیغی ملاحظاتی سدید باجوج جرأت تعصبری  
اولدیغندن ماعد اسبقه داران عنایت مکنند کردن بند ارادت و قلندر ان عجم یکسر پیمایچه نیاز لرینه  
رو مال اولد قلری الی یومنا هذاور در زبان منصفان اهالی خراساندر حتی زائران مشهد مقدس رضویه دن  
از جلال مرحق بشمین کلاه \* میشود شمشیر تیز انتقام \* هم جالش میکسند زهر ابر \* شربت  
تریاک جان خاص و عام \* قطعه غراسنی عقیب ظهور کرامت مسفور ده فضلالی خراساندن  
برهان الدین هروی نام بنده نواراده لری بیان واقع اسلوبی اوزره ستایش ذات نادره الزمان لیرین اشعارده  
بدیهه انشاده مستفیض کرم ارشاد اولدیغی تلقی کرده ثقات اسلاف اولوق اوزره مشهور در  
\*(تفلسکه)\* اول شیر شریزه بستان حقیقت و پیر و رهبر قافله طریقت کما هو حقه اتمام لوازم  
زیارت و اکمال مر اسم انارت بیور و ب اول مشهد کروی مطافه تودیع اثناسنده شور عظیم و وجد  
جسم ظهور یله عقد مجلس سماع مولوی و از دیاد حالات روحانیه ايله عاشقان جامه وجود موهومی  
صد جال و میان دائره نام و نشانندن سمت محوه گذر ایتمه کله دوران صفای ثابت و سیار امتداد پذیر و نظام  
جهان بشریت بالکلیه زیر و زیر اولیجی اول مدار اعظم آسمان و لایتک زبان الهام سمیر لریدن سامعه  
زیب مخلصین اولان نوباوه باغ معرفت لریدر که ذوق بخش جان و دل حضار اولغله کتابه مناظر  
عالیه مشهد مقدس لرینه ثبت کرده مراعه یاد کار اولشدر \*(قطعه)\* چشمیکه ز درگاه رضاهم جور است  
کرچشمه خرسید بودنی نور است \* جانیکه بخدمت سیرد حلقه بگوش \* در دائره عین کرم  
محشور است \* و هنکام انجام سماع و آغاز و داعده کلبانک سفر مولوی کش و سر نهاده آستان  
خضوع اولد قلرنده محجرتبر کلری حذا سنده منصوبه اولان اعلام شریفه دن ایکسی کویا اجابت  
مسکنت و تواضع حضرت زین الا و نادایدوب صوب کرامت او بلرینه میل را کعانه ایلد کارنده سمعا  
و طاعه حبا و کرامه عنوانیه استقبال ایدوب اول علمین مکرمینی دودست عنایت پیوست لرینه الوب مقام  
لطیف لرینه رجعت بیور دقلرنده سر حلقه منزویان مشهد مقدس پیشوای گروه انبوه در ویشان احباب اولوب  
تهیه صاحب علمیت ایلد کلری عقیننده (سیف صدیقی و علم حیدری بهم پیوستند) نکته لطیفه لر یله

دات شریف بنی ک مجمع اسرار صدیق وحیدری رضی الله عنهما اولد قلربنه اشارت بیورلشدر  
 وفی الحقیقه والعیان اشارت علیه لرین آثار جلیله لری بیان واثبات ایتشدر \* در صد هزار قرن  
 سپهر پیاده رو \* ناردچواوسوار بمیدان روزگار \* ودخی وروی پرده روحایت حضرت سلطان  
 خراسان علیه عنایات المنانند بوکونه اکرام ظهوری بادی توجه قلوب الصل اولوب جمله خدمات  
 احترام زائد الوصف لرنده بذل مقدور ایلد کلرندن ماعدا خزانة شاه خراساندن لوازم سفر یه لری ا کمال  
 وانواع تحف اهداوالوان امتعه احسان اولندیغنه حالا آستانه سعادت لری مطبخ عامر هسندده اولان  
 اوانی اطرافنده وقف آستان علی موسی الرضا مر سوم اولدیغی کواهی اشتباهدر وسالف الذکر  
 علین مبارکین مرورایام وکورو راعوامله محو وجود ایتکله حالا سر صند و قة تربیه متبرکه لرنده باقی  
 مهجته پر لهجه لری کرامت اصحاب کرام لریله ارباب اوجاعه مسح اولند قده مانند مسج بر عساعه ابراسنه  
 سبب اولمری رسیده حد اشم رادر (قطعه) اثر که زاید از صاحب کمالی \* غیب ابد زوال از ماه  
 وسالی \* همیشه جلوه کادر تو اوست \* ولی که بدر باشد که هلالی \* (نقلستکه) \* جناب جلالت  
 مآب حضرت سلطان دیوانی قدس سره النورانی شهر لارنده قره ماندن نطق عزیمت بند عراق اولد قلیزده  
 زمام توجه لری دست قائد انجذاب کشان و طرف باهر الشرف تربیه معلا رتبه حاج بکاش ولی به سمند  
 زیارت ران اولوب اثنا ی صحبت اخوان طریقت بکناشیه ده انضمام تعیین سری ایلد چل نفر خلان  
 ابد الان رکاب خدمات سامیه لرینه میان بسته اقرار وکند ولره علی رومی حضرت لرین سالار اختیار  
 ایدوب سرمو خط و تر جال لرنده کربور و تخلف جاده حسن ادب اولد قلیزده حسبله فائز میامن  
 عنایت لری وهربری حائز مراتب رفیعه محرمیت لری اولوب الی آخر العمر ازل و جان غاشیه بردوش یاران  
 قدیم لری بلکه بنهماده عقد مر اوقت وعهد مو اوقت باعث احراز درجه مواخات اولغله درگاه ولایت  
 دستگاه شاه خراساندن رجعت مقر قدیم لرنده علین مذکور بنی لرینه اخوان مولودن درویش محمد  
 صادق علمدار مینه وعلی رومی علمدار میسره نصب اولنوب یمین لرنده اخوان مولوی و یسار لرنده  
 خلان بکاشی ملازم رکاب عالی لری اولوب و دیوان حقایق ارکان دخی بر رحله مرصعه اوزره پوشیده  
 مصنعه ایلد علی سبیل المناوبه یاران باش اوزره کو توروب مابین العلین مانند قلب اکاه ذات ولایت  
 سمات لری پیر ورا حله دیوان هدایت عنوان وقوافل دیار دمدار ونسایم روحایت حضرت خداوند کار  
 پیشوالری اوله رق کوکبه صوریه و دبدبه مغنویه ایلد دار السلام بغداده وصول وحصول مرامله  
 ساحل سلامت و مرز بوم خطه فی ملامته نزول بولوب حالا سر جسر دجله ده جلوه کاه عاشقان مولوی  
 اولان مقام لطیفه سجاده آرام انداز اولوب چل شبان روزی عقد مجلس سماع صفا و پیوسته سخن  
 دائرة دارالسلامی حلقه بزم مواجید و حالات ایدوب کروه درویشان طرق علیه سایه عنایت  
 مایه لرنده لطیفه روان پرور ومظاهر برکات عکس پر نور منور لری اولوب تمام میقات محررده  
 عین الجمع اخوان و خلان انبوه لره زیارات ائمه کرام رضوان الله تعالی علیهم اجمعین مراسمی تتیم ومر اقد  
 مقدسه کبار اولیانور الله تعالی اسرار هم لوازم احتیامی تکمیل بیور یلوب منزل پیشینه مر اجعت  
 اثنا سنده اهالی عراق وفارسدن جم غفیر نیاز مند تکبیر مولویه اولغله حسن مساعده و پی اندر پی  
 اجلاسات عظیمه ده جمله بی ممنون الباس کلاه و عرقیه بیور ملریله سبک کاران غاشیه بردوش وملازم  
 رکاب عالی لری اولوب پای بندان عیال و واماند کان ضعف حال نوازشی سیاقنده یاران قدیم کزیده  
 لرندن بر مردیلند همتی مقام شریف لرنده استخلاف بیور ووب طرف حلب الشهبایه توجیه کلکون  
 عزیمت اولند قده خواطر یارانه وارد اولان اندیشه تعجب آمیز که بغداد بهشت آباده کلنجه ذات پال

حضرت سلطان دیوانی منبع جیون خوارق عادات اولشیکن بالکلیه نزیل خطه دار السلام اولدقلرنده سد باب کرامت اولمق سببی نه اولدیغی استعلامنه مرعات ادب مانع اولغین درونی کشف حقیقه الحال مسؤول دل و جانلری آینه ضمیر سرایر سمیرلرینه نمایان اولیجق (بغداد که کهف نجف و برج شمس شرف باشد انجا تابش دیگر حاجت نیست) عنوان حقیقت بیانیله پرده برانداز جمال حال اولمشلردر فی الحقیقه همانا جسر فرانی عبور ییوردقلرنده حالت اولین اوزره فتح ابواب کرامات بیوروب منازل و مناہلی کما کان لوا مع معارف و بوارق خوارق له پرنور ایدرک فنای حلب شهباده حالا خانقاه بکریه اولان نشمین راحت افزاده آرام و ضرب خیام قیام ایتمشلردر \* (در بیان ارشاد حضرت الشیخ ابو بکر الوفا فی قدس سره العزیز) \* مرویست که چون اول پیشوای چل سیار قرمین و ناخدای کشتی سلامت عثمانین فنای حلب الشهبای نازنینده اولان مقام جودی رفعتده مانند نوح نجی لنگرانداز اقامت و خزانه کشتی افاضت اولوب سحاب رحمت وار تشنگان بادیه اشتیاقی سیراب زلال روحانی و شام و سحر نشسته داران صهبای وجد و حالله منزل پر میتلرین سماعخانه بالادوش مطاف ملای اعلی ایدوب ساحه وسیع الراحة دائره صحبت معارف پیرلری مجمع فضلا و مقصد عرفا اولدیغی ائناده انسال زاکیه حضرت تاج العارفین ابو الوفادن شیخ ابو بکر قدس سره العزیز شیوه سقایتده جلوه کریشکاه انتظار حسنلری اولوب محتمل کران بار امانت ازلی اولان ظہر عنایت ظہیر لر نده چشم عاشقان آسمان ترقب فرصت و بهانه قربت اولان قریه سقایه لری مالک اولدیغی تقدروانی حوالی بزم عالیلرینه (قطعه) رفت و روب سر کویکده ایکن مژگانم \* سلسبیل ایتسه نوله چشم سر شک افشانم \* انتظار ایلہ تعافل الوب اورتایه قولک \* بزنگاه کرمه قالدی ایشم سلطانم \* دیهرک نثار عقینده محاسن صوفیانه لرین جاروب ایدوب خس و خوار و کرد و غباری دفع و تسکین بیوردقلری اولجئه کمالی جوش جمال و کف همت خیزن بخشنده زلال نوال ایدوب (خدمت ریش را کمال آمد پس فوٹ د وال شد) عنوان امتحان مضمونسله تنفس بیوردقلده (بیت) زوال هستی خود خواست از ستردن مو \* مجردیکه رموز قلندری آموخت \* مصداقچه تسلیم بد بیضای موسی همت علیالری اولوب صورت ارکان تراشی پرده چار ضرر یسده متواری قبه ملامت و قنیه بقایای وجود و همیدن سلامت یاب و جلوه کاه پر تومهر سرانور لری اولغله بدر التمام مقابله استضاءه و اوج مدار جزیب استفاده و مقام ارشاد لر نده استخلافه سرافراز اولوب مسلک دلپذیر لری طریقه علیله مولویه ده شعبه جلیله و سلاکی الباس کلاه و خرقه و استفاضه اسم جلاله ممتاز و خرب خنکارا کبره التحاقله مظهر الطاف کار سازی انباز اولوب انجی آیین وجد حال اکین سماع و صفایه رخصت داده اولیوب ماعدا خرده فقر و رسوم طریقت عد اولنان مواده تشریکه بهره باب و دائره ولایتلری ملتجای درد مندان و کهف الامان اکدار حدثان قلمشدر (طوبی له و حسن مآب) و نهایت جمعیت استخلافلرنده اخوان مر قومین بکاشیانه دن بابایرام حضرت تلری رومال پیمانه نیاز اولوب شیخ ابو بکر الوفا فی قدس سره جنابیلہ اولان مواخات سابقه و مناسبات لاحقه یه بناء طرف ولایت شرف حضرت سلطان دیوانی متعنا الله تعالی ببرکات سره النورانی دن مساعده توطن دیار حلب خصوصنده رجامند نفس قدسی اولغله اول نامرادر کاب خدمت لرین دخی چراغ دل و جان افروز بیوروب الحاله هدهه مرقد منور لری زیارتگاه خاص وعام و منزل متبرک لری آرامگاه سلاک راه صدق و صفای تام اولمشدر \* هم نشینی مقبلان چون کمیاست \* چون نظر شان کیمیای خود کجاست \* آن سکی را که بود در کوی او \* من بشیران کی دهم یکموی او \* \* (رسیدن آن قافله سالار سر بازان بدار الولاية قونیہ صینت عن البلیة) \* و تسلیم او آن امانت عظمایا سپردن



باهل \* ادام الدائم قيامها في الاهل \* وابقى الباقي ثباتها في المحل آمين \* بحرمة الناطم الامين \*  
 \* (مرويدركه) \* اول سپدار حقيقت وسردار طريقت ميان قدم كرم توأم لری اولان آثار جليله  
 منصبه پيرای اتمام وسواد اعظم حلب الشهباء بريق كرامات باهره لری يله رشك سيمای صلاح ايام اولديغي  
 عصينده طی طومار اقامت بيوروب جانب اتمطاف شمسه بوستان سعی مشكوره اقدام نما  
 ونقل خيام آرام فرما اولد قلنده شيخ ابو بكر الوفاي و بيا بيارام ولی قدس سرهما حضراتلرينك عرق  
 وعلاقه روحانيه لری خبان وفراق يكدمه لرن دن نادان وتكرارا ملازمت ركاب كرا تشابله رينه  
 مساعده جوی ورخصت خواه اولملری سياقنده \* ای صيقل جبين توداده جلای روح \* در دل  
 بود خيال تو تن را بجای روح \* خود كو كه از تو چون كسم چون توي مرا \* محنتزای قالب و  
 راحتزای روح \* مضمون محبت مشكوبه عرض حال شفقت مآل ايلد كرنده ( چون خيال  
 پير جانشين روح مرید باشد جای دوری نما اندازانكه نسبت فيضان روح بنزد يك ودور جوارح  
 وجوانح يكسانست ) نكته لطيفه لری كه مصرع ثانی بیت اولك خوی منيفيدركو با كند و محبتله  
 ارضا بيوروب بالكلية خاطر صدق واشتياق مآثر لرنده اولان دغدغه احتجاب صوری و توهم  
 انفعال مهجوری مندفع اولغله كمال فراغ بال وصفای حاله محل مأمور لرنده سجاده پيرای اقامت  
 بي تالوين اولوب في الحقيقه احيان اقتضاده كما في الحضور مستضي لعات روحانيه لری اولد قلرين  
 ياد (ودوران باخبر در حضور و نزد يكان بي بصره مجبور) قاعده مقرر سهين تصدقه متشكر و دلشاد  
 اولد قلری روايت كرده ثقات رجال طريقتي در كاشير الى هذه الدقيقه بقوله قدس سره ( كدر عيني  
 چو باغي نرذمي \* و نرذمي چو باغي در عيني \* والدليل عليه قرب اويس القرني من النبي المديني صلى الله  
 عليه وسلم ) ( نقلستكه ) \* اول رايت افراز تا بيد صمداني وسالار جنود رحاني اثنای توجه موجهلرنده  
 حالا محل حال آشنایان مولوی اولان مقام معيت ارتسام حذا سنه كلكده انبساط وبشاشت نما  
 اولوب ( ازین بوستان بوی اخوان می آید ) نفس الهام سمير لری ايله تبشير بيورد قلری بعد زمان  
 جلوه كرميدان ظهور و اول حديقه زيبا خاتمه مولا ناو مجمع اخوان الصفا اولغله مقصد مر موزلری  
 معلوم خبر پشروهان عالم اسرار اولشدر \* بلکه عامه سياحات وجهه مسافر اتلرنده ضرب خيام آرام و فتح  
 ابواب خزانه ارشاد و نشر فوايج معارف و اجرای آيين حالات بيورد قلری اما كن مباركه آثار ميان  
 قدسيه لری مانند نشين حضرت خضر عليه السلام سر سبز عمران و اكثری منازل خلان اولديغي مشهود  
 عليه عيان عيون بصيرتدر ( قطعه ) هر كجا آن كل شكفت از روی دل \* رشك باغ ملك امكانش  
 كند \* كرده يك لحظه تشریف سماع \* تا باند معوره جانش كند \* ( آورده اند كه ) \* جماعت رفقای  
 سابقه ولا حقه ايله يكرنكاهه و براه جوار جد امجد لری اولوب مانند سيلاب رحمت جانبين جاده  
 عزيمتلرين سيراب زلال معارف و سحاب عنايت و ارزمين قلوب تشنگان محبتلرين بارش صنوف  
 عواطفله اروا ايدر ك چند مرحله قريب دارالولاية توينيه اولد قلرنده اول جلتان كرام ثانيه خلفای  
 عظام ثانیة اقر او درويشان صد اقتنشان و رابعاً عامه محبان اخلاص عنوان استقبال و ركاب  
 عاليه رينه سر جمله رومال و ديوان حقایق ارگاه تله نيات واستلامات مشتاقانه ايدوب كويان محشر خرب  
 مولوی اولوب بوادی و صحرای سماعخانه عشاق و طرف سراي والا به شور افكن اولوب بالضرور  
 ناهيد يازده قوآن و سيماره هفتكاهه پير و چرخزان سماع راهی و دوار فلسكیه كرا كرد حلقه سماع  
 پر جوش حالت اولوب كويازمين و زمان شوق تشریف حضرت سلطان ديواني و دوق وصول  
 ديوان برهان العاشقينه اتحاد ايدوب على الخصوص فنای دارالولاية كلك كرنده العظمة لله تعالى

ذکور واثاث و صغار و شیوخ بالجملة تشمیر ساق اتفاق ایدوب صحرای قونیة نمونه عرصه تیامت  
اولوب اقبال کاهی واجلال نامتاهی ایله اول امانت عظمای محله ایصال یورد قلدننده تینا قنأل  
اولنوب سر صقیفه دن \* اندر آای اصل اصل شادمانی شادباش \* اندر آای آب آب زند کانی  
شادباش \* بیت شریفی دیباچه زیب فال خیر ظهور ایتکه همانا آشنایان رازی امواج تجلیات حال  
مستغرق طوفان بخودی ایدوب درون و بیرون تر به فردوس رتبه سلطان العاشقین از دحام زوار و دوار  
واجتماع و صاف و طوافله ثانی بیت الحرام اولوب دقیقه شناسان فرصت پنجه زن گوشه دامن اتمه از  
ودست بردار پیمانچه نیاز و حله ککشان خدمات ابتدای تکبیرات سکه ارادتله سرفراز و مہتیین  
پایه خلافت تشریفات عنایتله ممتاز ورجای عفو و عافیتله نالان اولان درد مندان علل هوا و هوس  
بهره یاب توبه نصوح و مستندان اسقام جسمانی حصه مند عطای برء ساعه اولوب هر کس مقضی المرام  
و شاد کام اولشدر \* حتی میانه مستقبلین قره حصار ده صفی میرزادخی هیکل معهود و جمعی ایلار و مال  
سم مند سعادت لری و جبهه سالی سده سدره پایه تریه مقدسه خنکرا کبری اولدقده شرف الباس  
کلاه و خرقة مولویه ایله سر بلند و بهره مند اولوب وقصه بر حصه لری سبب انصاف اکثر مترددین  
و باعث اعتراف اغلب متعصبین اولوب \* کارها از کر خیزد در جهان \* مصداق بجه صورتا مصلحت  
تخلیص دیوان کبیر و سیر تا امیر خاواده اسمعیلیه نک اسیر بند فرض و الحاد و گرفتار سلاسل و اغلال  
علائق و دغدغه ذوات و همیه ایکن پایاب کلشن تسنن و بوستان آزادیده فراغ یال و صفای حال  
اعتنا منه و سبیل اولدیغی نظر اصحاب اعتبارده عبرت نامی و رای پرده و دخیلان حاقه انابت و توبه نک  
تذکر اتسلائی سابق و تشکر التحاق لاحقنه بادی اولشدر \* (قطعه) \* اولنجه بویله کرک پیر  
و بشوا اولانار \* که سایه سی اوله سرمایه سعادت سر \* کاهکاره تریکنکه نا کهی کیم \* ایدر  
کمال کرمله کینه بی سرور \* (منقولستکه) \* شاه کراهه سرکش بی اتباه میرزاصفی درون خرقة ولایت  
احتمال زنده عیون خلافتدن نهان اولدیغین سبب نیرنک شعبده به حمله تجسس حقیقت حال سیاقنده  
موشکافان هنرمندانند فراست پیشه تقیه اندیشه نتیجه ظرف خرد ده دان تعیین ایدوب لکن دخیل  
خرقة مبارکه اولنجه قره حصارده اولان میدان معالی ارکانلرندن سر زده اولدیغندن ماعد اخر به واقف  
و ذره و شمه اثره واصل اوله میوب و لشمه خارده دخی لطمه خوار غیرت اولغله خوار و فر و مانده و میانه مولوک  
الطرافده عجز و جود و وسفا هتله مذکور اولوق طاقین طاق ایدوب تا آستانه سعادت لری نه جواسیس  
اسرا و کندوسی ناخست و سوخت ملکیت روم بلکه مراقد و خواتق متبرکه اولیاء اللہی هدم و تخریب  
قصده جمع عساکر اوزره مصر ایکن صفی میرزانی کلاه و خرقة پوش طریقه صدیقیه مولویه  
ودست و کمر بند خدمات علیه لری اولدیغی خفیه نویسان اعلامیه ظاهرا ولیق تجارت صورتده خواص  
دولتندن بعضی کسینه لری نامه پر حیمه شفقت انکیزله درویش صفیه ارسال و تحف کونا کون  
و خرج راه رجعت اوزره تقود و افره ایصال ایله کویا اطماع و جانب دولت دنیا به ارجاع مراد  
ایلدیکنده درویش صفی صافی مشرب قطعاتون پذیر تمیل اولیوب و نیل دولت فخر محمد یله مباحات  
ایدوب هدا یا و عطا یای بدر شقاوت مقدرن استغنا و عفتیا اولوب درون نامه ده اولان و عدولی  
عهدی به منجز اولی عهد اولملر یله مقابله و نصاب جامع بی حاوی کلیات تخریر و ارسال ایدوب و مکتوب  
حقایق معصوم بلرین بوزاده طبع شریف لری اولان \* دولت مانی نیاز از دولت است \* شاه مانی سپاه  
و ملک نیست \* بنده خنکرا کبر کشته ایم \* فارغ از شاه و افسر کشته ایم \* هر که سراز  
خاک پایش میکشد \* بالکد کوب حوادث میکشد \* ایات لطیفه ایله تو شیخ و مشنوی شریفدن

دخی بی عنایات حق و خاصان حق \* کرمک باشد سیاهستش ورق \* ترک مکر خویشتن کیرای امیر  
 بیکش پیش عنایت خوش بجز \* بیت لطیف لریله ترصیع بیور ملریله حضرت خیرالجال وزین  
 الابدال فی الحال و المال انتظار حسنه باهر الاثر لریله مظهر و زمان بسیرده آشنای اسرار حقیقت  
 و روشنای چشم اخوان طریقت اولمشلردر و اول نامه نائی نصایح انتظام و الدمعاندلری نه وصول بولوب  
 و شنیده و دیده اوضاع سائر در ویشاندلری معلوم شاهلی اولیجق (بیت) نه دور دیگره قوت نه صبره  
 طاقت وار \* دورنک دور فلکده عجب فلاکت وار \* مصداقچه کوی چوکان صجرت و غلطان  
 میدان محنت اولوب بالکلیه مغلوبیت سابقه و مقهوریت شایعه سن یاد ایتیموب طرف رومه عسکر  
 کش اولدقده (من جرب الحرب حلت به الندامه) حسب حال ملالت مالی واقع اولمشلردر که مصاف  
 سلمیه ده (آخر الکلام الصمصام) دستور العمل جانبین اولوب مابنده نیزه زباندرازی و تیر کج بازی  
 و طوب و توفیق های و هوئی اندازی ایتلک اوزره قرار داده اولمشیکن اشارت علیه سلطان دیوانی قدس  
 سره النورانی انضمامیله زبد سلاطین کیه صدیقیه و جلال الدینییه صدراعظم اولان پیری پاشا خضر تلری  
 عامل مضمون (الحرب خدعه) اولوب فصل خصوصتی انجق زبان زبانه آواز تیغ بی دریغ حواله بی  
 معقول کور میوب اسباب سائر جهاد فی سبیل اللهی دخی اول حراب پر ثابده تشریک مراد و آماده  
 انتقام دشمن اسلام ایدوب آوان غفلت استعمال طوب و توفیق کده و ازمان نخوت شمشیر سرتیزی  
 درنکده اتم از فرصت بیور و بیک قبله دهنکشیای التقام اجناد روبه صفقتان اولان مدافع آتش  
 فشانله جمعیتلرین پریشان و بقایای سیوف مجاهدین اهل سنه اولنلری (ومن نجی برأسه قتلنجی)  
 مصداقچه دیار لریله ایصال خبر هزیمت و نکبتلری ایچون راهیاب کریز اولمشلردر (بیت) همیشه  
 نطع شطرنج و غاده شاه مات اولسون \* و رافض باعمال اسب میدان غزات اولسون \* (آورده اند که) \*  
 حضرت غاطس عسان عشق سبحانی و جناب سابق میدان ذوق و حیرانی و قطب دائرة اوتاد و غوث قافله  
 عباد اغنی به السلطان دیوانی متعنا الله تعالی و سائر الطالبین بحمایه سره النورانی عقیب ادای خدمت  
 مأموره و انعام مساعی مشکوره لریده تراحم توجهات قلوب انام و تراکم زیارات خاص و عامدن محافظه  
 صفای وقت خوشه کذار و تدارک دفع غائله اشتمار صد دهنده صوب صواب حصن ملامت و جانب  
 اجانب ران تستر خلاعه عطف عنان همت بی همتا بیور و بوعین الجمع اخوانی جرد و مرد و مانند  
 حورای جنانی ایدوب محراب جامع شریف شرف الدینده بهاله یمانی و در و دیواره جرعه باشی صورتی  
 رویوش کار و چشم بند اغیار ایلد کازی کوشن دولات و حکام و ولوله آنکیز دوائر اوهام اولوب  
 کاشتکن نجس حال نوبات ثلاثه ده چار ضرب و دوموی پیر و شن ضمیر مشاهده ایتلریله اوضاع  
 مخصوصه محیره و احوال معهوده موله لری نه کندورای الهام سمیر و توجه وجدان منیر لریله حواله  
 اولنوب زبان تعرض کش و دهان تفحص بند (واولیا تحت قیانی لایعرفهم غیری) مضمون غیرت  
 مشکونه ۴۱ و اغراض عبون تردد و انکار و غوای پر جد و ای (زرنی غیا ترد دجبا) حدیث شریفن  
 دستور کرایدوب کار گزاران حقیقتک (السلامه فی الملامه) مصداقچه تحت قباب الغیره توارى  
 بیور ملریله و نازنینان سر اداقت عزتک و رای پرده صور غریبه ده تستر لریله انصاف و اعتراف  
 ایتلردر که اوقات محویتلرنده سر زده اولان ملامتی (بیت) آن بسرا کش خضر برید خلق \*  
 سر آترامی ندانند عام خلق \* نطق شریفک حقیقتنه حمل و آوان محویتلرنده ظهور ایدن سترلرین (بیت)  
 کرم سخن بی اختیار ایدزمن عیم مکن \* زانکه طبعم از شراب عشق تو لای عقل است \* معنی  
 لطیفک موجب نه صرفه طرف باهر الشرف لریله کج نگاهدن تبری (بیت) نبی را جز ولی محرم نباشد \*

ولی رانی ادب همدم نکردد \* مصداقچه مراعات حسن ادب اوزره سر موخلوص اعتقاد لینه غش  
 سوء ظن طاری اولیو ب مستفید مواهب لدنیه مردان خدا اولشلردر (طوبی لهم وحسن مآب) ودخی  
 تنك حوصله و ظاهر بین وسیئ انظن وجدل آیین اولنلرک گفت وکوی ناهنجاری دغدغه فرسای ساده  
 دلان اولوق بهانه سیله رجائند برقع کشایی ملامت اولان محرمان رازه (لا بد للکثر من الخراب) جواب  
 باصوابی ذیلنده (حسن و جمال رانقاب و شمس و قمر را سحاب و شاه و ولی را حجاب فوایدی حساب  
 دارد لیکن ناهلانرا تقلید مردان زیانی شمار ~~کنند~~ و پیوش برای اغیارست اورا تاویل و تقریب  
 افهام قاصره کشف ستر است محرم داند که درو رای پرده چیست (وجعلنا من بین ایدهم سدا ومن  
 خلفهم سدا فاعشیتناهم فهم لا یبصرون) پس سدر ابرداشتن و حصار رارخنه کردن خلاف خرم است  
 نفس انفسر یله الزام ظاهر بینان و افهام تنك حوصله کن خصوصنده اسراف نقدینه وقت و اسراف  
 عقبه شغل مالا یغیدن تحذیر بیور مشلردر \* ولی باید که بشناسد ولی را \* لا یعرف ذا الفضل الا ذو وه ملامت  
 ابرار محک عیار یار و اغیار است چنانکه در مناقب سامیه قلاشان حقیقت و نعل باز کونه داران  
 طریقت مفصل و مشروح است من اراد انقبول فلا یبالی بالرد چه در واقع رد مرد دین از عدم قبول  
 مقبولین است فلا تتخلف عن الوفاق بلومه الحلاق و جانب الاعتساف و بادر الانصاف \* (مرو بستکه) \*  
 جناب ولی والا همت متواری پرده ملامت بخودانه اولد قده هبوب نسیم حکمت برقع کشای حال ولایت  
 و منوال محرراوزره اول کرامت موله الفهوم و خارقه حواصل الفحول زیر ستاره خضاده سر زده  
 و جلوه کرمدان ظهور اولغله شعله استماره باشیده اولان آب فلاشت روغن ششعه انکی شهرت اخری  
 اولد یغی مشهور و قریحه فیله لری اولوب آشنایو بیکانه بی میانه آب و روغن معهوده ده ابقا و عنان  
 توجه لری طرف مقرر قدیلرینه اماله و نا کاه و براه و انشای عزیمت لرنده کاه و بیکاه سماع راهی ایل طی  
 منازل ایدرک جوار قره حصاره کلد کده چرخ یار هوا و دور ملک فلکساری منصه پیرای عیان  
 اولانجه توافل مستقبلین و مشی عین سر انداز صهبای حیرت و هنگامه تشریف لری نمودار محشر اکبر اولغله  
 \* (نظم) \* گفت حکمت را تو دانی کرد کار \* هن کتم پنهان تو کردی آشکار \* آمد الهامی که  
 یکسندی بدند \* گذرین غم بر تو منکر میشدند \* من نخواهم کان رمه کافر شوند \* در ضلالت  
 در گن بدروند \* این کرامت را بکردم آشکار \* تادهیت دست اندر وقت کلر \* این کرامت  
 بهر ایشان دادمت \* وین چراغ از بهر آن نهادمت \* مصداقچه تابش آفتاب کمال لری عالمگیر وصیت  
 جمعیت دائره محبت لری کوشکسار ماه و ماهی و نه قباب زمان و سراسر زمینه و لوله انداز قدم پرهراس  
 اولد قده رجال دولت علیه دن مر اسلات و مهادات مواسا و مدارات عاقبی حبیبیله چله خانه اجداد  
 امجاد لری نه مدت مدیده از و اختیار بیور و پروانسان شمع اراد تلرندن ماعدایه التفات ایتیموب چند  
 ساله آسایش و حلدت و آرامش خلوت ایلد تو فیر خزینه صفوت اوزره قرار بیور مشلردر (بیت) خلوت  
 از اغیار باشدنی زیار \* پوستین هر دی آمدنی بهار \* یار معنی دار باید خاصه اندر دوستی \* تا توانی دوستی  
 بیاو معنی دار دار \* (منقول استکه) \* اول صاحب السیف غیرت سبحانی و هر بر بیشه حمیت روحانی  
 اسکنه الله تعالی و احزابه فی الغرف النورانی دخی (وفی سنة الخول راحة سنة) مبتغاسنجه کوشه نشین  
 صفای حال وار یکه زیب فراغ بال اولوب دائره اختصاص دولته صور تاخیر خواه و سیر تاباندیش  
 اولنلر جمعیت سر بازان ارادت و جماعه مملک نثاران محبت لری نه نظر غفلت اثر ایدوب بلکه توهم توهم  
 ایلد کلرنده خاطر هما یونه القای دغدغه تغلب و ایراد خلجان تصلب ابد لری باطناطمه شمشر انتقام  
 ولقه ثعبان آلام ایدوب و بالجمله خارر هکذا توجه هم لری خا کستر حریق ~~نکبت~~ اولد قده موجب

امیر عالی حضرت هادی متعالی ایلده نیه دبدبه سابقه سیاحت عراقیه لری رسومیله نهضه الهام آغاز  
 وارشاد انجام و تختگاه ولایت لرندن قیام و طرف دیار منتشایه اماله لکام سمند اقدام یوروب اسعد  
 ساعاته قصبه مغله نك سر حلقه فضلاسی و مشار بالنان عقلاسی اولان شاهی افدینك سعادت  
 خانه لرینی تشریف و انلردخی بودولت غیر مترقبه نك دست داده نا کاهی اولمسنده غرق سرور و مست  
 جهور ایکن اثنای دست بوسیده کریا تکبیر مانلری اولوب بی تراخی مقام تدریس لرنده کندوی کویا  
 قربان مقدم حکمت توأملری ایدوب سر مقطوعنی پیشخته اوزره وضع عقبنده سردولتمند ولایت  
 افسر لرین کریا تکش مر اقبه ایلد ککر نده اخوان صفادست برسینه تسلیم و خلان وفادخی بر پای  
 تعظیم و اشیاغ و احباب حضرت شاهی سر بسر غرقاب حیرت جسم و سر کشته حسرت الیم مقدار  
 ساعت توقف نکره همانا سر بر آور لجه مشاهده اولوب بالذات (یدالله فوق ایدهم) مصداقی اولان  
 دست عنایت پیوستلریله اول سر مبارکی کافی الاول جسد یا کنه وصل و محل جراحتی رقی پر کرامت لریله  
 طلا ییورد قلرنده عطسه زن تأثیر حیات نازده اولوب (آمنّا و آمنّا اخلصنا وخلصنا) زمزمه سیله  
 خاک کپا یلرینه رومال و دامن مراحم پیرا مانلرینه جبین سای و زانو ی ارادت پره دایتلرینه سر داده  
 اولیجی فرق مقدس لرنده اولان کلاه ارشاد پناهی الباس و احسان یوروب شرفیاب تکبیر مولوی  
 اولوب ترک مال و منال و ورکردان اولاد و عیال و ملازم رکب خدمت و پروانه جمع صحت لری بلکه آینه  
 حقیقت لری وزیر تریه نفس نفس و برکت نظرا قدس لرنده پرتو پذیرش مس سعادت و متکا آرای  
 خلافت اولشدر و کردن لطیف لرنده اثر جراحت مسفورده دن انجق بر خط سرخ یاد کار اولوب سلسله  
 زکیم لر نیه دخی شاهد عدل صحت انتساب اولدیغن بوقیر بر تقصیر مطبخ مبتدی پرور حضرت  
 خشکارا کبر قدس سره الازهر خدامندن نونیز تکبیر ایکن مکر اول نسل پا کدن بر نوجوان بلند اختر  
 زیارت تریه فردوس رتبه ایلده تبرک عقبنده صحبت فقر او درویشانله تین قصد ایدوب برک سبز مناسب  
 حال ایلده میدان مردانده قائم پیمانجه مسکنت و ادب اولدیغی اول نوهال بوستان مرونده استکثار  
 اولند قده کندونك خاندان مر قومه انسابین بیان و غنونه ساریه عروق نسبت لرین عیان ایلد کده  
 فی الحقیقه اول کردن کافورده مانند شفق بر خط احمر مشاهده سی متداول السنه احباب اولان  
 ماجرای محقق و دعوی انتسابی مصدق اولدیغنه ملائم سیاحت کرد کان اخوان محمیه دمشق  
 دمشق الشامه دخی اول عرق طاهر فحول علمای اعلام دن و عظمای مدرسین کرامدن عبد اللطیف  
 نام ذات ستوده صفاتده علامه مشر و حنه نك ظهورن و اولاد کرامنه دخی سرایت نقل ایتد کده  
 حضاردن افراد کثیره تذکرال و تصدیق مقال ایلد کلری جریده خیاله ثبت و صحیفه سفینه نفیسه به  
 نقل ایتشدر \* (مرویدرکه) \* اول حائر لطائف اسرار و فائز طرائف آثار عقیب تکبیر خداوند کاریده  
 کوشدار نومرید بر خوردار اولوب و سامعه دل و جانده (الامر کاشهدت فاکتم و کن شاهی) اولوی لالای  
 نفس انفس لرین کوشوار ایدوب برکات خدمات علیه لرندن خلیفه راستین و مخدوم مستعین  
 اولشدر لکن تفصیل احوال مشاهده برزخیه و کشف استار معاینه اخویه لری بعد الوفا آثار پراغه  
 حکمت براعه لرندن منتشر صحائف نقول اولوب و بین الشیخ و المرید خصوص مر قومه متعلقه اولان  
 کلمات بالجمله رموز خاصه اولمغله قطعاً استشعار جدوی و استشمام فوی اولمیب لکل مقام مقال  
 مهر یله مخنوم و من لم یندق لم یعرف پرده سنده مکثوم قالمشدر که فی الاصل کندولردخی معتقین  
 حیات نایه دن اولمغله معاینه احوال برزخیه و مشاهده اسرار نشئه اخراده بر بر لری نه محرم  
 اولمیر یله ماجرای محرمیت لرینه استعمال لسان خاص ییور یلوب محرمان سائر لری مشاهده کیفیت

حضرت شاهدیده بی کانه اولوب و بین الخلفاء علی قدم الشیخ ظهور لرلی باعث امتیاز آخر  
اولشدر که بوقطعه غرالی شاهد حال بریدر \* کرد هم صد جان و سر بر هر دمش \* میستام بهترازی  
در وفات \* میزنم بس نعرها کای زند کن \* انلی عیشا و فیما فی الممات \* (آورده اند که) \* اول  
عیسی زمان وروان بخش دور انک (وکن شاهی) دم زنده لرلی اثر فرمای مشاهدات روحانیه و لغله شهرت  
خطاب مستطاب ورجامند تخلص تبین مآب اولوب کویا کواه امر جلیل السر کن اولملر یله کندونک  
آینه عالمی شهرت اولمسی سر زده ساحه بروز اولدیغن منای استدعای عنایت ایتد کده روی  
مساعده پدیدار جیب خرقة مر اقبه و خطاب اولین تکر ریاب اولدقد مکر زیر خطاب پیشینده ملاحظه  
تخلص لرلی هر موز و مشار اولدیغنه انتقال اولنوب دفعه طرف اشارت علیه لرینه عدم اعمال مفکره  
قصوری سبب شرم علوه هم لرلی اولیجق (این هم از انست) نفس اقدس لرلیه خاطر مریدده اولان تقاضا  
و استدعای کوس حسن توجه پیر و مربی اولدیغنه ارشاد بیور و ب لواج نورانیه و سواخر روحانیه  
و واردات سبحانیه و الهامات ربانیه بالجمله مانند استفادۀ قیر و آفتاب سر شجندن اعتقاد اولنوب  
قطعا و سوسه دعوی راه مدخله ده اولمق باعث از دیاد استفاضه اولدیغن تحقیق و لزوم مجانبت سمت  
پندار استقلال تو صیه ده تدقیق اولملر یله (نظم) شاهی کر عشق او عالم کریست \* عالمش می  
راند از خود جرم چیست \* جرم آنکه زیور عاریتست \* کرد دعوی کین حلل ملک منست \* بیتین  
شریف نیله ختم کلام و امضای مرام بیور لشدر که فی الحقیقه مواظبت عبیه علیای مسکنت و ملازمت  
رکب و الای خدمتله احراز قصب السبق میدن مشاهده موقوف و بی تعلیم استاد اسرار غامضه مشنوی  
شریف مکشفه سیمله بهره یاب و زبان کلک بیان لرلی سر چشمه زلال عرفان اولوب \* نور او بر ذره ها  
غالب شود \* آنچنان مطلوب را طالب شود \* در نظر بودش مقامات العباد \* لاجرم نامش  
خدا شاهد نهاد \* مضمون حقایق مشکونی موجب نبهت لرلی حقیقت محمدیه صلی الله علیه و سلمه  
اولش اولور زهی و سیمله سعادت بی نهایت که انابت در که تسلیمی بضاعت انساب حبیب خدا اوله  
طوبی له و حسن مآب فیما انتی و اناب \* (منقول است که) \* اول ولی والا همت و همای همایون فطرت  
قدس سره و توری سر یرته حضرت ولایت سر شمرلی دیار منشاده دخی کالشمس فی وسط النهار مشارالیه  
بنان اشتهار و روشنکر بصیرت کبار و سابقه سعادت دارانه و سیمله سلوک راه معرفت حضرت  
کر د کار اولوب اکثر اصداقا کلا ده خرقة ارادت الباسیمله معتم و اغلب احباب عریقه پوش و سلك  
طریقه منتظم و حرکات سفریه ده سایه وار بی سر و سگات حضریه ده دست خدمت در بر و سر عبودیت  
بر در و خاص کپای ابریز پایله یله ایشار کهر و نثار در رده خزانه وسع و سرمایه مقدور باز اوله رق  
مضافات لوای حمید دن بور دور نام قصبه یه نزول اثنا سنده (بیت) سر خود را بر راه تو منزل کردم \*  
باشد که ترار راه بسر منزل افتد \* مصداق نبه اشرف بلد مسفور جانین راه ده صف کشان انتظار دستان  
دیرینه رجا بر دار ایکن و سلطت سائق الهامه شفاعت شفقت نهاد لرلی قائدها ر توجه موجه لرلی  
اولوب مانند رحمت ناکاه الاله در مانده پناه طائفه پای با فاندن محمد صوفی نام بر صادق صافی نژادک  
خانه فقیرانه سنه توجیه و تنزیل ایدوب و اول بقعه مینت اساس تشریف مقدم کرامت توأملر یله ارمسرای  
ولایت و از دحام احباب و زوار له نمونه مطاف بیت الحرام اولوب لکن اول نعمت غیر مترقبه نصیبه فقیر  
معهود اولدیغنی خواطر دور اندیشان وقتی حیرت و رشک فرسا ایدوب و طریق ادب دخی حسن تسلیم و چاره  
وقوف حقیقت حال انجق توقف مال اولغله هر کس قائم مقام ابتهال و اول در دمندی بیوا خود سر و ر نام  
و صدق و اهتمامه بذل موجود و صرف مقدور ایدوب (بیت) بجان او که کرم دسترس بجان بودی

کینه پیشکش بنده کان جان بودی \* خواسنجه کرما کرم میدان فدایی وار و پروانه کردار هر دم  
حضور عالم برنده پرکار برکار اولوب پر جوش نشئه خدمات وهوای میزبانی اولغله دریای کرم غوثانه لری  
جوش آور ساحل حسن نظر و کان لطف قطبانه لری عطا کستر سائلین نفس اولوب (بیافدایی ماباش  
و باداش نکر) مضمون عنایت مشخونه دعوت ورشته کش بیعت بیوروب تکبیر کلاه ارادت  
عقبنده لدی جا بهیر الحکم علامت کمال حماقت اولان صنعت حیا کتده استناد کامل یعنی وادی  
بلا هتده منزل هتقه یه واصل اولان ساده لوحی دفعه پیشگاه ولایت دستکاهلرینه اجلاس و درس  
مشوئ شریف تکلیف بیور دقلرنده قطعا آشنای سواد حروف هجاء کل ایکن کندولرد بیاجه زیب  
فاتحه الکتاب مشوئ شریف اولان هجده بیت لطیفی لسانا تعلیم و تحت اللفظ معانی جلیله سین تقریر  
و کندویه افاضه سجال علوم ظاهره و باطنه اولتق هممتی متضمن کلبانث مولوی کش اولدقلرنده  
راست تیر توجهر لری نشان رس مطلب اولوب (قعدت امیا وقت علما) زمزمه سبیل کش مبارک کربنه  
روی تشکر سودا اولدقلده (بعد ازین مشوئ بخان باید بود) دم قدسیلر یله امضای (بیت) کرتوسنک صخره  
و مرمر شوی \* چون بصاحب دل رسی کوهر شوی \* مدعاسنه دلیل قوی و عندلیب کلزار مشوی  
و خوش الحان بزم معنوی و اول دیار ده صاحب خاتقاه و خلیفه با آتیه اولدیغی رسیده حدتواتر در و دخی  
بوسفر احیا اثر لیکه شاهدهی حضر تلری وجودنده جلوه کر کمال وفدایی جنبانده موت باطنی اولان جهل  
و غفلتدن نجات وزنده معرفت و آتیه اولغله حیات طیبه بخشای روحانی اولملری کوشکدار اطراف  
عالم و قلاب جاذبه قلوب انام و سفر لرنده رکاب عالم لری ملتئم بکار و حضر لرنده سده سعادت لری ملتجای  
قطان دیار و طرف باهر الشرف لری مستند عای ملوک و محبت خالصه لری بدرقه سلوک اولوب چند ساله  
نشین راحت و مسند آبی کرامده آسایش تمامه چار بالش آرای ولایت اولشلردر \* (توجه فرمودن آن  
عزیز مصر حقیقت بمصر قاهره صورت بفرمان عالم جریان غیرت صمدانی جهت تخلص شیخ کلشنی  
قدس سره السنی متعنا الله تعالی بحمایات روحانیاتهم) \* (آورده اند که) \* ابراهیم کلشنی حضر تلری  
جانب جناب عمر روشنی نور تربته ده استخلاف بیور لدقلده کویا تجدید عهد یوسف علیه السلامی  
اولنوب هر کس بقدر البضاعه خریدار و کلشن محبت هزار زاری اولغله کوس اشتیاری ولوله انکیز  
قبه دماغ قنصوغوری اولوب اولدخی استمداد همت عالییه واستظهار حمایت باطنه سیاقنده بسط  
جناح کرام و فرش بساط انعامده تشمیر ساعد اهتمام ایلد کده عزیز مشار الیه دن روی قبول  
بدیدار اولد یغندن ماعد اقامت مر اسم عدل و احسان و ندامت دمایم بدع و طغیان خصوصنده مواظ  
تدید انکیز و نصایح تسدید آمیز صدوری مشعر دیمقه بغض لله اولوب و طومان بای نام دواتدار لسعایه  
موهمه دمبدی باعث تلون طبع حق ناشناسی و بادئی تحریف روی استثناسی اوله رق تحریک  
عروق اهانت و تسلیط کرده ملائته جرأت و بلکه وضع دلگیر خسارتیه جسارت اولندقلده حضرت  
کلشنی قدس سره السنی کمال تسلیم و شکلیه مدافعه بیور ملریدن سمت دولت نکبت مآلرینه هجوم  
ناگاه ظاهرین بالحق و ترتیب جزای سبیه مظالم سابقه صد دنده ظهورات مقام دیان مطلق هر اسبیل  
قید تسخیر عزیز مشار الیه دوشوب لکن تدبیر حصول مرآمده اختیار طریقه وسطایله قرار داده حیل  
زلیخانه اولملر یله زندان بند عرقانه و حله نشین کنج هجران آشنای و سیکانه قلوب اول اسائن عظیمه  
سبب خروش قلم غیرت عزیز ذوات مقام اولغله سلطان سلیم علیه رحمة الرحیم جناب معدات مآبی  
قصدمیر خنده رواقضله جانب فارسه رایت افراز جهاد اولتجه قنصوغورینک حمیت جاهلیه سی  
حرکت و اول جند مؤیده سدره اولتق خیال محالیله جوارحاب الشهباده مرج دابق نام محمله

صفکش مما نعت اولوب حمله اولاده مانند سیلاب رحمت اول لشکر بی انصافی خس و خاشاک وار  
 رهگذاردن دفع ورقم وجود غوری صحیفه حیاتدن رفعله جمعیت چرا کسه پریشان و بقیه السیف  
 اولنلری نه طرف مصر قاهره به مقهور و راجعت ایلد کلرنده صاحب السعایه السابقه طومان بای اتفاق  
 جنود نودله تصدیر سریر امارت مصریه اولنوب اول دخی اجرای موجب غمز و سعایه سنده کندوی  
 اصل معاینه ایتمکله عزیز مومی الیه و احبابنه اهانت و زجر بی نصب عین تعصب نشانی عدایدوب  
 کونا کون سفاقت و فضاحت و مصادره مال و هتک برده عرضلرینه دست تطاول و پنجه تعدی کشا  
 اولدقده (اشندی آزمته تنفر جی) مصداقچه و رای پرده روحانیت حضرت پیر قدس سره المنیردن  
 مأموریتلری حسیله اسلوب خشمیت معکوب توجه عراقیه لر یله صوب مأموره تحریک رکاب عزیمت  
 و توجیه خله کشتی همت بیور و بچند روزه سیرده دریا یله ساحل دمیاطه لشکراندا از عبور اولوب  
 و طائفه چرا کسه اوضاع محیره العقول و اوصاف جاذبه القلوبدن مشاهده و اقبال عامه خلایق  
 معاینه دن ناشی تحریک مال حال و چند روزه اقامتلری نیاز یله توریه احتیاط اختلال ایتد کیری جوابنده  
 سکوت و دعوتنامه کبار دولت مسفوره توار دو مستقبیلین خطه مذ کوره بتابعیله بادایان معایش  
 تشریفنه بادایان کشای مساعده اجابت اولوب اسعد آونه ده نهوض میمنت قرینلری ایلدر بای نیل  
 مبارک پر نیل نوال برکت و اشرف احیایانده نزول مکرمت رهینلری ایلده ام دنیایی مانند لختا نکرارد و شیر  
 رعنا ایدوب اول حجره ممالک عربی همرنک کلبه یعقوبی و پر نشاط پرتومه کنعان حقیقت و مشام  
 عربان بریه نشین و دماغ کنعانیان انتظاری سرمست بوی پیراهن بشارت ایلوب کویار بوده ناز  
 و عشوه لری اولده روم و عرب و عجمی یکرنگ ایدوب علی الخصوص دیدار فرخنده آثار لری روشنای  
 چشم جان کلشنی و چراغ دودمان روشنی اولوب کلشنیان غنچه وار سر بجیب خرقة انتظار نسایم  
 عنایت ایکن هر بری هزار کل صدرک کردار خندان انبساط شوق بی پایان اولغله دائره مصر سر بسر  
 خانقاه وجد و حال و حلقه اصحاب فقر دائر امدادار خیایان فراغ بال اولوب و بولاق نام محله کندولر ایچون  
 آماده اولان منزله نزول بیور و بچله خانه حضرت کلشنی اولان عرقانه زندانی روشن پرتو تشریف  
 بیور و ب ملاحم مزینچه چرا کسه تخلیلله انداخته طاق نسیان اولان مشکات منیر الانحا و منکسر  
 الارجای خاطر لرین تصقیل نوازش غوثانه و تعمیر تطیب و تسلی تطبانه لر یله تسلیم امانت مولویه و تبشیر  
 حمایت معنویه اتماعی عقیمینده جامع از هر جوارنده تعیین اولنان مقام سامیله ریه رجعتلری جمله یه  
 حضرت یوسف ثانی مصر معرفتک تفاسیل ابتلاسی تذکره باعث بلکه اول نازنین سر پرده ولایتمه اولان  
 غدر لری بادی ترزلزل اساس دولتلری اولد یغین اعترافه سبب و خصوص تشریف حضرت صاحب السیف  
 طریقت محض بحسب المأموریه امداد اطلاقلری ایچون اولد یغی مشاهده اولی الالباب و مستفاد وضع  
 کرامت نصایبلری اولوب قدملری مقدمه نظام احوال مصریه و طلیعه رفع مظلمه غوری و دفع آثار  
 انکسار کلشنیه اولسنه تقال خیر ایلد کلری و تیر فراستلری رسیده هدف اصابت اولد یغی طلوع  
 تابشیر قنوج سلیمیه ده کانفلاق الصبح نمایان اولشدر (بیت) زهی دواتکه شاهان عجم شدد بنده  
 فرمان \* زهی عزتکه اعزاز عزیزان عرب کرد \* وهنکام تلاقی آلام تلاقیده کلشن طبیعت  
 صافیه حضرت کلشنیدن سر زده غنچه تننیت فکھ تلری رشته کش سطور اولشدر \* عزیزم  
 خیر مقدم عمر ملک واری صفا کلدک \* کرملر ایلدک مخدوم خنکاری صفا کلدک \* فی آسانالزیر کوشه  
 هجران ایکن ناکه \* هزارک ایلوب کلچین دیداری صفا کلدک \* بشیر یوسف مکشسته مزدر بوی  
 انفاسک \* نوله ویرسه مشامه جان هر باری صفا کلدک \* سبوم غم بلا سیله خراب اولشدی مصر دل



بحمد الله ايا هر رخنه معماری صفا کلدک \* ویر وب آینه وقتیه جلای دم قدم جانا \* دماغ طوطی  
 جانه شکر واری صفا کلدک \* کدر کندی ایرنجه پرتوروی صفا بخشک \* بهار حسن واری  
 ماه دلداری صفا کلدک \* عجب می کلبه خن کاشن کدالر کاشنی اولسه \* تنزل ایلوب ای شاه  
 غمخواری صفا کلدک \* (آورده اند که) \* مابین مشتائین صافی مشرب و روشن کهرده سر (المؤمن  
 مرآة المؤمن) جلوه کر و عندلیب لهجه اسرار سرالری نغمات حقایقه دائره صحبت پیرا اولدقه  
 حضرت سلطان سماعی طبیعت صفوت رهینلرندن سامعه زیب جناب کاشنی ولایت مان اولان انفاص  
 نفیسه لرندن غونه نمایی سیاقند بوقطعه غرالی صفحه پیرای منقبه عالیله لری قلمشدر (قطعه) ای  
 طوطی کویای ولایت چونی \* وی بلبل بیچون چراغخرونی \* آخر کل وشکر دهدت قید مشقت \*  
 امر و زاکراز حبس قفس پرخونی \* ای شمع شبستان حقیقت چونی \* وی روشنی بزم طریقت  
 چونی \* پروانه دیدار تو گشتندا کنون \* این دیده و دل هوش و طبیعت چونی \* (قطعه دیگر) \*  
 ای یوسف مصر دل و جانم چونی \* وی مردم چشم روانم چونی \* باروی تو این گوشه مرا کاشن  
 شد \* ای کلبه بی خار و خزانم چونی \* فی الحقیقه فهرست کتب صحبت اتحاد نصایب مینوال مضامین  
 آثار حالت شعار لری اوزره اولیحق استقصای کیفیت واستیعاب کیت سوز و کداز و ناز و نیاز لری  
 بیرون حیطه تقریر و افزون حوصله تحریر اولدیغی دقایق شناسان آمیزش مردان بی ماومن عندنده  
 معاینر \* و طرفین بحرین حقایق جوشدن هبوب نسایم واردات تسکین کرد و غبار انکسار و تحریک  
 امواج انشراح ایدوب خندشبان روزی عقد مجالس سماع و صفای مولوی و کاشنی و ذاکران و نیزنان یک  
 آهنگ نغمات حالت انگیز اولوب زندان عرفانه قصر یوسف ملاحتر و حایت و درون و بیرونی  
 مانند قیامتگاه محشر قمر و احباب طرق محمدیه صلی الله علیه وسلم و کدا کر دتماشایان فرق انام  
 اولوب و غلبه های وهوی مشتاقان و ولوله های وقدم و زمزمه انشاد مطربان دماغ و اهمه رجال دولت  
 چرا کسه به خلیل اندازیم اختلال اولغله اثنای مشورته مدبرین سالک راه خطا و بغیان و سائق سمت  
 منع و طغیان و قائدها را قدم اولوب ابرام تقریق جمعیت سیاقنده جرأت اسائت آداب ایدن کاشکان  
 دائره سائره کش پیرامن حلقه سماع باصفا اولدقه عروق غیرت بی زهار لری جنبش اختلاج  
 آمیزه کلوب سردولتمند ولایتلرنده اولان کلاه دستکاهی دست صلابت بیوسستلرینه الوب و اول  
 بیضه جوهر دار پر کرامتی حذای بغل بی دغله تسطیح سیفانه بیوروب دائر امدادار عونه فرعون منشه  
 چرخزان حواله اشارت و اداره تشفی پیمای و رده هر چرخلری روی زمین بر صفا لاشه سسنه  
 مسقط رأس ایتکه گجست و جوی راه کریز ایدنلری دخی صدمه نعره (این المفر) سرکردان ایدوب  
 بالضروره فریادالامان ای شیرزبان بیوسسته آسمان اولوب اثنای معرکه ده هالکه اولان عونه ننگ  
 محاذی کلاه سیمی اولان اعضا لرنده اثر ضربت نامحترزلری خط نبلی صورتنده نمایان و کندولربی  
 نام و نشان اولدیغی سائره عبرت و بقیه السیف حمیت مردانه لرینه نصیحت اولوب صغیر و کبیر ناچار  
 سایه سعادت پایه لرینه التجا و خراج سالفه فی استعفا ایلرهایاب سطوت شمشیر تهو و روحانیه لری  
 اولدقه طومان بای و وکلای دولتی بالاقضام ساعد مرکوز ضمیر منبر لری اولوب هزاران اعتذار  
 واکرامله در حال حضرت کاشنی جنابن اطلاق ایدوب و خاصکپایلرینه شفیع اتحاد ایتلر یله  
 شعله صمصام اتقاملری نیام صفحه متواری اولوب من بعد اول شمسین طریقت و قرین حقیقت  
 احوال عجیبه و اطوار غریبه لری ملحوظ چشم بد فردا فریده اولمق اوزره مجامع ناسدنده اولنوب  
 کیف مایشتا و حسیبا یختار جنبش و آرامه مرخص اولمشدر \* (رباعی) \* آنها که از ان جناب

برخوردارند \* بس تندرو و شیردل و عیارند \* زنه از مرز پنجه بدیشان کایشان \* صد همچو تو  
 خورده بردارند \* (مر ویدر که) \* طومان بایک زمان دواتداریده خبث هامایتی بر سر آور کر بیان  
 جملت فاسده سی اولوب بالاتفاق و اتفاق ملک غوری به سعایه و خصوص حضرت گلشنیده سائر  
 مفسدین ایله یکنزبان و القای وسوسه ایدانلیدیکی دم مبتلای عارضه لقوه و کمان نهادی کبی کمان دهانی  
 دخی کج انداز اولوب عار کراحت لقا جاتی کباب نار استکاف و مراجعت اطبا و ازدیاد روز بروز  
 اتلا کنند و نیک هدف خدند انکسار اولدیغین یار و اغیاره اظهار ایتکلمه وی آفریده به راست  
 نگاهه اقتداری اولدیغندن ماعدا اساس دولت و اقبالی دخی اعتقادی کبی متزلزل اولغله مقدمات  
 عذاب الیم اخرویه سی پیشین طلیعه کش و کین کشا اولد قده بلای دوجهان و بیم سرو جانه کوقتار ایکن  
 ناکاهی استیلای سطوت سلطان دیوانی بالکلیه جوارح و جوانحه تسلط فالج و سکتیه و حایه ایدوب  
 کویامیت متحرک و حی لایدرک و مضمون و عید مشکون نصر قاطع (ثم لا يموت فيها ولا يحيي) نقد وقت  
 و حسب حالی اولغله راهرو استشاره و متدارک استخاره اولیجق جبرانکسار خاطر واردات مقاطر  
 حضرت کلشنی و تتمیم وجوه اکرام جناب سلطان دیوانیده بدل مقدوره قرار ویرلکین عین الجمع  
 فقرای فریقینه و مشایخ رباطات مصریه و سادات بکر به جنابلرینه علی العجم ترتیب اجلاس و ترین  
 مجالس استیناس اولند قده حضرت سلطان دیوانی قدس سره النورانی قبیل الا جابه جمله اخوانه تشکل  
 بیکر لقوه دار طومان بانی تنبیه و کنند و لردخی اول هیئت عجیبه به تمثیل یور و عقیب الكل هیکل  
 معهوده ایله تشریف بزم ایلند کده جماعت حضار بهی اختیار باعث خنده اولدیغی ظاهر اهزل و استهزایه  
 محمول اولغله مهجدر یای تهو و چر کسی بلکه خدمت قیام و احترام اقدامه مانع اولدیغندن ماعدا  
 سبب اطالة غافلانه اولیجق حضرت شهسوار سمند کرامت (این تقلید صورت برای تحقیق صحت است)  
 مطایبه سیله پرده برانداز روی کتر و تبدیل هیئت مستعار ایلند کلرنده دفعه اول امراض هائله اندام  
 امیر مسفور دن زائله و کافی الا قول بهره یاب حسن عافیت اولدیغی ذات ولایت سماتلری واسطه البسط  
 و القبض عالم و آدم اولسنه امارت عظما و امر او علما و فقرای حضار علاقه فی انقصامنه رابطه کبرا  
 اولدیغی نبوتیافته نقول متواتره در (بیت) چون مبدل کشته اند ابدال حق \* نیستند از خلق  
 بر کردان ورق \* (منقول است که) \* چون خدمت مأموره منصفه پیرای ظهور و مساعی مشکوره  
 جلوهر میدان جهور و عامه اخوان طرقت علیه علم افراز سرور و کافه خلان مسالک سنیه طبول حالات زن  
 و انهای زیارات قباب عالیه شاهان و لایته طرف طرف غلغل افکن و من کل الوجوه پیرامن دوائر  
 فقرای باب الله مأمون انغوا ثل مداخله چون و چرا و محفوف القوافل حمایت احبا اولوب تباشیر صبح  
 و داع چهره کشای التماع اولنجه بالاتفاق مجمع المیامن و مشرع الاحسان و مضع البرکت اولان  
 حضرت مهبط انوار العز و السعادة و جناب منزل العفو و الهدایه یعنی موضع مبارک قدم التی ده عقد مجلس  
 تودیع قرار داده اولملر یله کویا اول میعاد مهتر یوم التنادا کبر و ملتقی البحار اذ کار و عبادات  
 و میقات اتمام حالات و مناجات و هر کس مقتضای فکر یله ذکر و مبتغای حالیه دور و حوالی اصحاب  
 احوال کردا کرد حلقه انوار و دائر اماد ارشع انظار اولوب و حضرت سلطان دیوانی اول دیوانلک سلیمانی  
 و بو بازارلک یوسف کسنعانی و هر کس میدان سماع و صفاده بابر جای عشق سیمانی و شناور دریای  
 فیض یزدانی و غرقه قلزم واردات حمدانی ایکن سواحل عبارت زده اولان لائی نفیسه نعت اقدس  
 حضرت در یکنای صدف کون و مکاتیدر که و شاح الصدر نوعر و س منقبه جلیله لری قلنشد \*  
 سرور و وقف دیوار و در کدر یار رسول الله \* دل و جان رهن عشق انور کدی یار رسول الله \* سن

اول سلطان ملک لی مع الله سنن که هر وقتک \* اودنی ولعمرک افسر کدر یار رسول الله \* وجودم  
چونکه رشع نیل نسل یار غار کدر \* نیچون لب خشک جام کوثر کدر یار رسول الله \* عجیبی خاکبای  
پوزانی توتیا انتم \* که راه خدمت کده قنبر کدر یار رسول الله \* قوله اولسه دو چشم آسمان نقش قدم  
سودک \* مه و ماهی عنایت پرور کدر یار رسول الله \* از لند باش اچیق آل عبالن سینه چا کیدر \* ابد آزاد  
دشمن چا کر کدر یار رسول الله \* نیجه صبر ایلسون درد فراقه کنج غربته \* سماعی مستمند کتر کدر  
یار رسول الله \* پس اول حرز جان عاشقان و نور چشم صادقان و چراغ راه سالکان اولان نقش  
میمون متبر که جبهه سای تودیع و رومال تعظیم و بعده قیاب فاخره و بحار زاخره و لایسک مراسم زیارت  
و اسپن و لوازم استمداد نعم المعین تعیم انما سنده باب الحیدر ره کذر لری اولغله اول معبر از دحامده  
صورت آرامنا و دیوار رخام بنیادیه اتکاده کلاه سیاه فیلری درون سنکی شکاف و اثر کرامت کزیده لری  
کالنه نقش فی الحجر دل سنکین ارباب تعصبد جاکیر اولد قده ( چون سر بنده در پای آن سلطان است  
پس نقش این و آن همچنان باید بود ) نفس قدسی لری ایله هر سر ارادت که پای رفرف پیالینه سرماییه  
تسلیم داده اوله کلاه قیر و زدست کاهی دل خارا کذار و گوشه ایت افرازی قلوب قسوت نهاد سر کشانه  
داغزن انکسار اولد یغنه اشارتی متضمن خارقه عجیبه و جاده اعتبارده اول معجزه غریبه پیر و اولد یغنی  
مشهود علیه اولی الابصار در \* (قطعه) \* هر که بر نفس و هوا باشد امیر \* سنک و آهنرا کند رایش اسیر \*  
حکم اوز امر ائنا نافذ است \* نایکی شد موم و دیگر شد خمیر \* و دخی هنکام و داع افواج خلانده اندی  
تطاوول ابالسه چرا که دن عرفحال تظم کتله (آبش و ابساله السلیم) و فریاد آوران دار و کیر طومان  
بایه (این دار و کیر عن قریب دار کیش گردد) دم مکاشفه تو املر یله بشیر و تسلی بیور و بوفی الواقع  
فتح و تسخیر سلیمی اواننده ظالم مسفور بردار و باب زو یله ده زوال باب اولشدر \* خشم مردان  
خشک گرداند سحاب \* خشم دلها کرده عالم را خراب \* مشو تو منکر با کان بترس از زخم بی با کان  
که صبر جان غمنا کان ترافاتی کند فانی \* (آورده اند که) \* اول ولی والا همت و سریر نشین حمیت  
اتمام لوازم غیرت بیور و بپادور رکاب اولد قده معتاد اصناف کرم و کرامت لری و دلشاد اعطاف و الطاف  
عنایت لری اولان احباب صداقت نهاد با جمعهم است \* کام نطق حلقه جمعیت سیاق قده مقام رفیع  
المکان لری بی مکین و سجاده میدان ضیع البینیا لری جانشیندن خالی اولق علی الدوام بادی تجدد  
استعال ناره هجران و باعث هجوم جتودر توداخران اولوب لیکن مراعات احوال پسماند کان  
صد دنده بر پیشوای فریاد رس و یادگار خسته نفس استخلاف بیور لسه بلکه جبر انکسار خواطر خلان  
اولورودی دیو عرفحال رقت مال ایتلری ملامر ای ضمیر الهام سمیر لری اولغله موطن اقدام آشنایان  
سالم کد کوب اغیار و غانم پاپوس مینت مأنوس لری کافی الاول موقف اخوان اولق اوزره وقف  
و نظر کرد کان و نفس بندان لرین درویش احمد صافی نام بنده لرین نائب مناب تعیین و مشتاقان جمال  
تابنا کلرین اول مرآت پاکده جلوه کراولان عکوس آثار لر یله تسلی فی الجملة بیور و بحال از اوییه قدیمه  
مولویه اولق اوزره شهرت باب اولان مقام شریفده اقامت مراسم فقر و فنا و اجرای آیین سماع صفا اولغله  
ز وایای مصر جامعی چراغان اشعه ولایت ایتشدر \* لیکن کویادیده و دل مصر یانده مهابت سکه  
سیفیه لری جلوه کر علی الدوام اولق اراده سین مشعرد خیل حلقه انابت خلیفه راستین لری اولان  
درویشانه لباس کلاه سیفیه بهر خصت و مساعدده بیور ملریله کادریکاه حد ناشناسان و هجوم کان  
اخوانده آثار جلال غوثانه لری ظهوری باعث یاد عهد قدیم لری اولشدر که الان کلاه سیفی پوش  
اولان سر بازار حقیقتک نشان شان کرامت عنوان لری جوار شهید مقدس حضرت امام شافعی

قدس سره در نمونه نمای گذشته احوال عبرت مآل و مهبط انوار عنایت منافی اولان مشاهد منوره لری  
 اوزره مشاهد یاد کار در طیب الله تراهم و جعل مقعد الصدق مشواهم \* (آورده اند که) \* اول مهر سپهر  
 وجد و حال و نور دل و دیده در جال مصر قاهره دن جانب شام جنت مشامه تحریک رکب حشمت انساب  
 بیور دقلزنده سلوک طریقه تفنن و بحر و بری کرم و بری ایله بکرنک ایدوب منزل بمنزل مستقبلین و مشیعین  
 قریر العین تجلی جمال کمال و تسلی و جوه نوال ایده رک رسیده بوستان از اردمشق اولد قلزنده که هنوز  
 بوستانات شکوفه کشا اولوب بحسب العاده ظهور نوباوه و خروج با کوره لری نه اوقات متفاوته  
 تخلی لازم ایکن میانه قوافل استقباله موجود اولان اصحاب بوستانه تکلیف خیاری و خربزه بیور بلوب  
 انلر دخی ابتدا ی وقت شکوفه اولدین ابرادله اعتذار ایدنجه (انچه عیانست چه حاجت بیانست  
 هلا بروید و بیارید) دم کرامت توأملر یله الحاح بیور لدقده کلان قومدن اوچ نفر مبادرت مأمور  
 و مسارعت مطلوب ایدوب متقدم باده نظردر رسیده حد کمال برخیار و خربزه دسترس و حضور  
 عالیلرینه اتخافده شتابه موفق و متوسط اندن مادونه فائز و متأخر دخی نارسیده یاب اولوب هر بری  
 حسب صفای الاعتقاد بمنون بوستان و لایتلری اولنجه جبابیت پیشین منظور عین عنایتلری اولوب  
 خربزه رسیده بی دست کرمیو سستلری ایله تقب و در و نندن جمله حضار و نظاره احسان حصه و ذائقه  
 دل و جانلرین لذت شهید غیدن پر بهره ایدوب بعد النفاذ اول قشر زمر دینی دست مبارک لریده مانند  
 استاد کلاهکر اداره و تسویه و قالب کلاه مولوی به افراغ بیور و ب سر مسعاد تمندلرینه تلبس و معا  
 اهدا اولان خیاری دخی هفت پاره تقشیر و خیاری موجودینه تقسیم ایدوب اول قشر هفت پاره و یکبنی  
 دخی کلاه زمر دین اوزره الباس بیور و بید میمنت تأییدلر یله تطبیق و تسویه اولند قده کوباقی الاصل  
 جوهر واحده دن مصنوع بر کلاه زمر دقده هفت کنکره وین خیاری قبه کلاهده زمر دقده کوز مانند  
 شعله یاش و مفرق ابصار و هیکل مجموع دخی دفعه اثبات و تقلیب ماده و صور تله بحیر البصائر اولوب  
 متوسطا و آخر اتخاف اولنان دو خربزه و دو خیاری بد جایلریده لاجل الاعتبار ابقا و یاد کار قلنوب  
 و تبرک و تبین و تشفی کتان هر برینه تعویض درهم و دینار لره اقسام ایدوب انلر تمثیل و محبین صادقین  
 خاصیت و ثمره معنویه لر یله معتم اوب هنوز موب عالیلری سواد دمشقه سایه انداز وصول  
 اولدن طلعه کرامت باهره لری و مقدمه خارقه طاهره لری تسخیر قلوب و رقاب خواص و عوام ایدوب  
 بالذات تشریف ولایت ردیف لری قریب اولد قده فهای شام نمونه صحرای قیام و عکس دیدار میامن  
 آثار لری صفات بخش مرایای انظار و بدیده نعره مستان و و لوله قوالان و منشدان و شور و حالات  
 سماع زنان دماغ عقول وار و احه ذوق و روح فرما و دیدار تجلی خودار لری دائر امامادار شامی  
 بی انتظار فردا فردیس مشام ایتمکله ارباب نظر مشاهده جلالی نظیر له قریر العین دل و جان اولوب  
 آریا اول خرسید اوچ شرف صدیقی قنغی صادق کاشانه خلوصی پر تاب تشریف ایده دیوهر کس دیده  
 دوز جاده در یوزه نعمت غیر مترقبه تنزل لری ایکن سائق توفیق سمند تو جهلرین جانب زاویه سهرایه به  
 توجیه و اول کروه کرامت شکوهی خانه بی شائبه منته ایوا ایدوب چند ماهه منازل مشهوره حضرت  
 شمس الدین تبریزیده و محافل ارادت پیرای مولوده جلوه کر آیین حالات اکین جدا مجد لری اولغله  
 اکثر کثرت پرهیزان و اغلب وحدت کزبان پر وانه شمع انجمن صحبت پر حکمتلری و عرقیه پوش  
 تسکین حمایت تدبیر لری اولغله کشایش غما اولان ابواب اکرام جمله دردمندان طرق علیه محمدیه به  
 سرمایه فراغ بال و اثبات البیت جمعیت حال اولوب و کرامت بوستان افر و ز لری خصوصی علی سبیل  
 الثناء الجمیل یاد اولتوب و مرآت ثلاثه اوزره منصفه پیرای ظهور اولدین معروض پیشگاه استفسار

اولغله (قل کل یعمل علی شاکته من الانتهاء والتوسط والابتداء فعلیکم بمسارعة الاثمار بانفاس الکبار فان الاربار لا تحمل الانتظار) بیان ارشاد عیان لریله پرده برانداز روی عرایس اسرار اولمشدر و اول یاد کلر جلیل الاعتباری اصحاب ابتلاى امراض مزمنه به ذره دره دواى بر عساعه اولوب و اول تاج کرامت ابتهاج لری الطیفه قدسیه روح و انلری متکاپیرای مقصد صدق و مستند زب جوار رحمت اولدقه حدای صندوقه تربه منوره لرنده آویره عبرت قلنوب ر قود مستندان به بکار مسخ سطح محب لری سبب زوال آثار غیر الرفع اوجاع و محترقان حیات محرقه به اسقای شربت مقعر لری شفای عاجل فرما اولوب دفعه احتراق دائره خانقاها لرنده منشأ قدیمه رجعتله بی نشان اولمشدر چنانکه قدس سره النورانی می فرماید (منهم همچون قلم در دست آن دلدار صورت کر \* زر نکرانک نقشم کر چه کردد خیره چشم سر \* ولی دستش چنان زیبا نماید دیده دلرا \* که چون آینه ماند در تماشا حیرت بکسر \* (مروسته که) \* اول او انده متقلدین قضا دین برقلدی توفیق انکار اهل تحقیق اوزره اصرار غنا و فقر او مساکین طرق علیه به ابواب اضراار کشا اولوب حتی حضرت کان کبریت احمر حقایق و خزانه مشک اذ فرد قایق شیخ محی الدین العربی الا کبر الفائق قدس سره العزیز ل مصنفات جلیله سین اشترا و احراقه قلوب عشاقی داغدار و صدور عارفینی خراش و آزاره کفر ایدوب عیون اعیان مسالک رضا ترصد ظهور غیرت مولا و قلوب مقبلان منازل تسلیم ترقب تباشیر صبح فانتقنا اوزره ایکن ناگاه جناب یعسوب بیستان انسانی و محبوب خاصان رحمانی اول کنجینه خرابه خفانک قطعه تربه پر صفاسی سمتنه توجه بیوروب و بر پشته مزبله بی آغوش حلقه اخوانه و دائره جمعیت خلانه الوب مر اقبه یسیره بیورملری عقیننده غلبه وجد و حاله اول حوالی سماعخانه مولوی اولدقه دو بیت خوانان منشین خوش الحان حضرت شیخ موحی الیه لرجال طریقه مولویه ظهوری خصوصنده رشته کش استخراجی اولان (قطعه) یحیی الشام اقوام تصافوا \* تسمی بالقباء المولویه \* مجالسهم علی التحقيق صمت \* تراهم بالصفا خیر البریه نفس انفس لریله سر آغاز و زمره ساز اولدقلرنده جناب سلطان سماعی دخی بدیهه اثنای استغراق مقابله ده \* لقد جئنا کما قلتم حاکما \* نطوف بالقباء المولویه \* دوائرنا حوالی جمع جمع \* فناء فی الفناء الاولویه \* علیک الروح والریحان یامن \* نراه فی السناء المعنویه \* وارد کثیر العوائد لری ایلله مقابله بیوروب و کاهو حقه احتاف تحف تحیات و اهدای طرف دعوات ایلره روح و انلرین شادان ایلد کلری عقیننده قاضی مکورک افراطات شایعه سی القای سامعه یاران اولدقه فرط تعصبی مورث تعجب و نأثره غیرت قلوبه موجب تلهب اولغله متادبان حلقه صحبت و مکر بندان عتبه خدمت لری کوشدار الهجئه پر هجئه لری اولدغی عکس انداز آینه ضمیر الهام تنویر لری اولیحق (وکان امره مقضیا) عنوانیله بیان مال حال قاضی بیورلدیغی بعینه (اذا دخل السین فی الشین طهر قبر محی الدین) رمز لطیفنک انحلالی هنر کمانده جلوه کر میدان معاینه اولمشدر \* (روایت کرده اند که) \* حضرت پیشوای سر منزل تجرید و شهسوار بادیه یمای تقرید مقام جنت مشام دمشق الشامدن هوادار سیاحت و سلسله جنیان حرکت اولدقلرنده غاشیه داران نونیا زانندن بعضلری آرزو مند زیارت بیت الحرام ایکن توجه عین الجمعدن ناامید اولیحق خاطره استندان کنندولره خلجان فرسا اولغله اول فریادرس در ماند کان تبه تفرقه و دستگیر قنادکان براز خدغه خلجته سای معارف مسکینه الفواجم اولوب (مردان سفر کنند در همه آفاق همجودل) مصداقجه (زیارت خواص همت باید کرد که راهش طی مکان و بی غائله آب و نان و تشنگی بیابان و اذای خار مغیلا ناست بلکه بانثئه صهبای عرفان و صحبت صاحب دلان و ذوق الطلاع اسرار مناسک و شوق انتفاع حکم و عبر مسالک غنیمت سلامت عقبات مهالک است) انفاس مقدسه لریله

تنفیس کربت هجران بیت الحرام وارشاد راه حج حقیقی و عمره معنوی بیوروب و ترجمان حضرت  
ام الکتاب اولان مثنوی مستطاب سلطان العارفین رسته کش نقل و تحریر اولان آیات شریفه  
ایله استشهاد و امضای دفتر مرام و ختم صحیفه کلام ایتمش لدر که و الحق احق ان تتبع والولی احرى  
بان یقتدی والایات التي تفتح ابواب آیات المناسک الحقیقیه فی اثناء الحج والعمرة والقران والتتبع  
المعنویه هی التي ینبغی ان تثبت باقلام الزبرجد و بعد ادمن یواقیت علی قراطیس الارواح و علی صفائح  
القلوب متعنا الفیاض جل شأنه ببرکات اسرارها و میاض آثارها \* کفت طوفی کن بکرم هفت بار \*  
و این نکت و تراز طواف حج شمار \* عمره کردی عمر باقی یافتی \* صاف کشتی بر صفا بشتافتی \*  
حق آن حق که جانت دیده است \* که مرا بر بیت خود بگزیده است \* کعبه هر چند یک خانه  
بر اوست \* خلقت من نیز خانه سراوست \* تا نکرد آن خانه را در وی زلفت \* و اندرین خانه بجز آن  
حی زلفت \* چون مرادیدی خدا را دیده \* کرد کعبه صدق بر کرده \* چشم نیکو باز کن  
در من نکر \* تا ببینی نور حق اندر بشر \* (آورده اند که) \* اول شاهباز بلند پر و از حقیقت آشیان  
دیرین خلاق لرزیده تحریر یک جناح عزیمت بیور دقده میان مبتدیان اخواندن ایکی سر کشته  
بادیه تردد و بی بهره نواله تودد اقصای قافله عرفادن ابا و سواد شامده اختفا یدوب و موسم قصد بیت  
الحرامده سر بجزرا و محروم طواف قبله معنا اولملری قلوب اخوان صفاده باعث تعجب و شغفت  
اولد یغی جلوه کمرآت سرائر غالی اولد قده (نفس شکن نفس فکن نکردد) دم قدسیلریله مختلفین  
کار بان انبای سبیل اللهک مغلوب نفس و پیرو هوا و هوس اولملری نه اشارت بیور ملری اولدو بیچاره  
مبتلای چار میخ دورینک حمص حال ملالت مالری واقع اولمشدر که هنگام از دحام طواف و سعی عمره  
و موافق عرفانده ملازم رکاب سعادت انتساب اولان خلان وفاداری حاضر معاینه و علی وجه المرحه  
کند ولره ناظر مشاهده یدوب لکن مهجور موانسه و مطر و مناسبه اولد قمری سبب انباه و بادی  
ناله جانکاه اولوب کمال خزن و اعتذار له رجعت سده عنایت یدوب شرم بی پایانه ر و مال پیاخچه ضراعت  
اولد قمری زمان هنگامه کرما کرم سماع و صفایه مصادف اولوب اول قطب مدار اعظم وجد و حال یوقطعه  
غزالیه ترنم ریز ارشاد و تعریض سزای دل ناشاد لری بولوب آخر سیراب زلال معارف و تسلی یاب  
نفحات لطائف اوله میوب ساحل زهد خشک نشین و رهین حسرت و انین اولمشدر که اول قطعه  
قطیعه فرما رباب اعتباره یاد کار و اصحاب انما یه مایه استبشار اولمشدر \* ای قافله کاله طاعات کجایید  
\* اندر حرم قبله حاجات بیایید \* سیماره بگرد سراو کرد و افسوس \* چهل ساله در تیه خیالات  
شمایید \* و یویده اثر جده الامجد حیث قال (کعبه طواف میکند بر سر کوی یک تی) \* این چه بیست  
ای خدا و این چه بلا و آفتی \* ای قوم بجز رفته کجایید کجایید \* معشوقه درین جاست بیاید بیاید \*  
همخانه و همسایه و دیوار بدیوار \* سر کشته بیابان شما یید شما یید \* (و همچنان) \* اتنای راهده  
سلیم خانه مصادفه و مجالسه بیوروب اظهار و تطهیر و تعمیر مشهد مقدس محی الدین قدس سر المبین  
تحریر یص و قاضی ماضی الذکر تا دینی توصیه و تسهیل طریق تسخیر مصر قاهره بی تبشیر و تبشیر  
تسبیر عسکر اسلامی تبلیغه تشدید بازوی همت و تضعیف نیروی عزیمت و قلوب غیرت تقلیب  
اقطاب حرمین و دیار مصر به رجا منند تا یید لری اولد یغین افاده وز و مالک چرا کسه کند ولرینک کمال  
خدمات مبروره حرمین محرمین ایله استقلال و امتیاز لر نه طبعه خیر و مقدمه جنود توفیق اولسنه  
توطین ایله ختم کلام نصرت نظام بیوروب و ظهر الحال کما قال فو اسی مصدوقه انفس نفیسه لری  
اولغله طبع همایون سلامت مشکون سلیمده فتوحات مصریه محض آثار انضمام توجه مر دانه لری

اولدینجی جایگیر ووجوه اکرام و صنوف احترام لرنده بدل خزانه وسع و مقدر ایتلر یله دبده کوس  
 ایتلری عالمگیر و ولوله قدوم کرامت رسوملری کوشکدارسکان ربع مسکون اولشدر \* وهنگام  
 تنیم وقایع مسفورده ناکاه (قاضی بآتش خود سوخته و مقضی کشت و روضه شیخا کبرماش گفته  
 و مرعی شد و مصر قاهره چرا که مسلم سلیم شد) انفاس مکاشفه تضمینلری اوقات وقوع مواد مر قومه یه  
 نصادفی احاطه مشاهده خفیه و اصابه مراقبه جلیله لینه شهود عدد و لدر علی الخصوص حضرت  
 سلطان عباپوش و بایزیدولی میاننده اولان اسرار خلوص و دقایق مصادقه ثمره وجود فائض الجود لری  
 اولان اول ایکی شاهزاده صاحب السیف بنلرنده دخی ظهور ایدوب بر بر لیه ظاهر و باطن  
 اولوب حضرت سلطان دیوانی قدس سره النورانی نیجه کیم زور بازوی روحا یتلری مالک رقاب بمالک  
 عرب و عجم و روم اولدیه جناب معدلت مآب سلمی دخی ضرب صمصام صوری ایله اقالیم مر قومه  
 کشا اولوب اکثر وقایع مشکله ده مر اسلات استخاره واستشاره لینه تنیق بیوریلان اجوبه  
 اصابت انجام شافیه آلام او هام اولدیندن ماعداسایه عنایت نایه استظهار لرنده درداستیلای و غلبه  
 اعدادن آسوده سر و مغتنم فوائد فتح و ظفر اولدق لری اثر اقهضای اثر اسلاف علیه لری اولدینجی شائبه  
 اشتباهدر که شهریاران بختیاران آل عثماندن و بر خورداران طوائف ملوک و بخیر گذشتگان  
 دوران سلجوقیه دن عرقیه کش محبت رجال دولت معنویه مولویه اولنلرک اوائل نصرت مآثر  
 و واسطه راحت و مفاخر و او اخذ کر بالخر مظاهر لری مثبت میامن اتملری اولدینجی کبی محرومان  
 برکات ارادت علیه لری اولنلرک دخی تسویلات منکرین متمرین ایله تخلف طریقه احتراملری  
 بلکه سلوک مسالک آزار لری سببیله بی بهره نعم آنقه البیان و مبتلای استیلای اهل بغی و طغیان و پریشان  
 حال قسقه خروج علی السلطان اولسی مبین شامت شماتتلری و امارت اعتبار فرمای اخلاف  
 نوبتلریدر کما شیر فی محاله \* (رباعی) \* شاهان جهان اگر چه ماهان است \* آن پر تومهران  
 کدایان است \* بی نور چو پشت ماه ماندلیک \* از مهر کدا کد روی کردان است \* (منقول است که)  
 چون اول خلف الخیر خاندان صدیق و غوطه خور عثمان عشیق مظهر تثبیت و تأیید ربانی و مأمون الغائله  
 تربعات زمانی و سکان چار گوشه زمین و قطان شش سوی جهانی میاننده مانند مهر منیر چشم و چراغ  
 روشندان اولغله شهرت شایعه دار اولوب علی الخصوص اوان سیر و سیاحت لرنده متراکه اولان  
 اشواق نا محصوره مسند نشین اقامت مقر آبی کرام اولدق لرنده جلوه کر مرآت ظهور اولی حق ذات  
 کعبه سماتلری فجاج عمیقۀ اقصی بلاددن محط رحال آمال و متوجه قوافل رجال اولوب وهنوز  
 نوبت سلمیه کدزان ایدوب زمان سلیمانیده روی آشنایی برقع کشای جانب ولایت جناب لری اولیوب  
 فقط صیت جمعیت مریدین و محبین در که کرامت دستکاهلری کوشزدن و خیران دولت اولوب تکرار  
 نقول مناقب علیه لری باعث سلوک راه اندیشه دورادور وزیر پرده دعوت اکرام آمیزده کینساز  
 امتحان نامشکور اولدق لرنده یراعه زبان دراز ترقیم رجانامه تشریف لرینه توریه سازان شای  
 مفاخر پیر ایدوب خواص عتبه نشینانندن مباشرین دقایق تجسس آشنایدر لیه صوب سعادت لرینه  
 اسرا اولتوب و برینه ضبط و ملاحظه اقوال و افعال و احوال لری توصیه و آخره تدبیر منازل خط  
 و ترجاللری تنبیه اولتوب مباشرین مر قومین دخی سمت مأموره مر کبران مسارعت اولدق لری  
 آینه ضمیر منیر عالم شعور لرینه منعکس اولدق ده انجق میرزاصفی بنده لرین غاشیه دار اختیار بیوروب  
 سائر بند کن تشنه دلان صحنه مصابرت فرماور و براه استنبول اولوب اثنای طریقه مباشرین  
 مسفورینه مصادفه و تسلیم دعوت نامه شاهی اولندقده تاریخ مکتوب امر اسلوب وقت نهضت لرینه

توافق ایدوب و سمع و طاعه و مشیاعلی الهامه نفس لطف انکیزلر یله مجامله یوروب لکن انشای  
راهنده استار ملامات نادره ایله تستر یوروبلری اول کاشته کار تفحص احوالی بالکلیه کفارتلویں وتردد  
بلکه اسیر اغلال کین و تمرد ایدوب و مباشر خدمات علیه تدبیر منزللری اولان تلقی مناقب جلیله لری  
و مشاهده معامله جلیله لری ایله ازل و جان ر بوده محبت و ارادت لری اولغله اسکنداردن زورق  
عبور نشین اولدقلرنده کویا هر کسل زمان حصاد کشت اعمالی و هنسکام ظهور مال حالی رسیده  
اولوب میرزا صفی بنده لرینه (بیاله راپر کن) خطایله مباشر اوله اناله اشارت یوروبلر دقه روی ابانغا  
و هرزه در اولنجه (برویش بیفشان) عتایله در کار بی محابا اولوب سزای رفتار و کرداری اولان جزای  
عمای بصیرت ایله مجزی اولدقلده کورانه کوردیکنی نقل و تبلیغ ایدوب و تکرار امر عنایت  
مرهونلری ایله مباشر ثانی به اشارت کرم یوروبلر دقه کمال ادب و احترامله بلاجرعه نوش و عموم این و آتی  
فراموش ایدوب در حال دامن کرامت پیرامنلرینه دودست صدق و اعتقادله تشبث و دست شوی چرک  
علائق مال و جاهله سایه رافتمایله لریده آسوده سر و برکت خدمات و ارادت لری بهر و رو بینای اسرار  
و رای پرده صور اولدیقی مصدق مضمون (الخدمة بضاعة السعادة) واقع اولوب مباشرین مرقومین  
شاهدین عدلین کمال حالاری اولدیقی مشهود ارباب شهود و سندید راه جسارت اسائن و رکن  
مراعات حدود اولشدر و حضور سلیمانده اول کور مر دودک شهادت حال و قالی حیرت افزا اولغله  
مراعات احوال ساثره لری اسکندر پاشا بنده لرینه سپارش یوروبلر لغلر اندر دخی حسب المأمور کندو  
سرایلرینه ایوا و خدمت احتراملرنده بدل مقدور یوروبلر لریکن نه خاطر پادشاهی به القای و همیات  
مخرقه ایله اندیشه امتحان غلبه ایدوب حضور همایونه دعوت و اجابت اولندقلده قرارداد رای  
بلیسانه منکرین حواشی بر ورقپاره به بسمله شریفه تحریر و مخن الاجلاس لری اولان محله تغطیه اولغله  
موجب رای خیس معمول به اولوب اول دعوت آب زیر کاهله در قصر خاصه وصول لرنده درون عتبه به  
وضع قدم کرامت توأمدن تخلف یوروب الحاح تشریف اولندقلده (تزیل سرتاج تزیل بدین پایه  
تزیل مناسب وضع جمیل نیست) نفس انفسلر لریه خواب غفلت کمال مردان خدادن تنبیه یوروبلری بادی  
اتباه شاه محامد سپاه اولوب بعد ارتفاع المانع تشریف لری دائره دولت و لایتلرینک غوائل مکر و قنندن  
مأموریتنه و کجینه ذات پر بر کاتلرینک زیر قباب ملامتده مخز ویتلرینه تنبیه باهره و پادشاه عدل  
پیشه نک کر بوه امتحان ملوک تحت الاطماردن عدولنه وسیله طاهره اولوب وسلوک سمیت استعفا  
و استغفار له تدارک حسن اعتذاره موفق اوللر ایله مقدمه فاخره اولشدر که ختام صحبت خاصه لریده  
بو بیت لطیفه لری به امضای حسب الحال طرفین یوروبلشدر \* نسبت مامه مرحومه چون رحمانیست \*  
هر که زین سوسر کشد محرومه و شیطانیست \* (آورده اند که) \* حضرت نازنین چله ملامت و مسند نشین  
سرای سلامت منزل معینلری اولان سعادتخانه اسکندری به رجعت یوردقلده اعتذار آمیز  
و احترام انکیز هدیات فاخره و عطیات و افره تعقیب و وساطت بر اعیه بلیغ اللسان و رسالت خواص  
فصح اللسان ایله خاطر غیرت مآثر لری تطیب یوروبلر لکن مشیر مذکور انجمن مشاوره  
امتحان لرنده مشار ایله اولغله هر اسان انکسار آینه تلافی غمالی و لرزان اغبار مشرب مشکل  
کشالی اولوب مهر جمال تابدار لرینک مشرق بشاشدن طلوع و ماه جبین کرم آثار لرینک افق عفو  
و رافندن شروقی مشاهده و قنده اتم از فرصت و پیمانچه نیاز صفح ماضیه جبهه ساری ضراعت اولدقلده  
تتم احسانلرین مشرور و در فی حسن توجهلرین مبشر اولق اوزره سرایلری بجملة التوابع و عامه المرافق  
خانقاه مولوی و جلوه کاه صوری و معنوی اولق ر جاسنه مساعده علیه لری در کار و قبول قلب استغنا



منشوری پدیدار اولوب در حال سر نهاده زانوی اراده و عرقیه پوش انا به و مامک باش خدمات جلیله لری  
 واول خضر زمانک چشمه سار ارشاد لرندن سیراب زلال زندگئی روحانی اولغله رشک اسکندر اولوالی  
 آخرالدوران اول جلوه کاه عارفانده فی الصبح والمساء روح و انلری یاد خیر دعا ایله شاد اولندیغی حسرت  
 ارباب همم عالی و امارت بر خور داری نعم باقیه در \* وحالا سر سبز آزادی اولان سر و سهی نشانده  
 دست کرامت پیوستلری و بین الفقرا معروف صفت مادحه نسبتلری و اصحاب مشاهده مثال و خیال  
 پاکیزه لرین اول یادکار ولایت و نمودار استقامتلری سایه سنده اولان مصطفی رفیعده چار بالش  
 نشین عزت معانیه ایتلری رسیده رتبه شیوع و ورهیده عقبه منوعدر علی الخصوص اول دامچین  
 خس و خار روزگار و سر بلند بی بار هر دم بهار برکات دست سود مینت پیودلریله مدت خندر وره  
 مجاورت آثار اثریه و مجاوزه رطوبت عنصریه دهریسه استقرار کبر و تاثیر انظار حسنه لریله دفعه  
 نمایذیر اولدیغی کرامت باهره لری صدق و اخلاص فرمای اولی الاعتبار و تازه زمین آرای اشتهار  
 اولدیغندن ماعدا اول نونهال بوستان ولایت حقنده (این سرو و سر آمد ما تا بخران این باغ تازه  
 و باید ارخواه بود) رزم مکنونلری خبر پزوهان اسراره معانی غریبه فرسا اولشدر (کل خرب بما  
 لدیم فرحون) گویا اول سرو و سرافرازه بوییت ممتاز پیرایه اعزاز اولوب بر رفته باره ایله آویخته  
 شاخسار ثریا کذار لری بولنوب قائل هنوز پرده نشین قالمشدر (بیت) تاشدم سر سبز فیض دست  
 سودای کرم \* در حریم جنت کویش بطوبی همسرم \* (آورده اند که) \* اول بقعه مبارکه شرفیافته  
 و قیامت اولوب بحاله قالب مطبوع خانقاه مولوی به افراغ و آیین دلنشین سلطان العاشقین اجراسی التماس  
 اولند قده اول روز جمعه که جمعیت سماع و صفایله غنونه یوم الحشر و دائره انجذابلری مانند سیاهره  
 قیامت مجمع نوادر عصر اولغله دیار اناطولیده متوهم اولان دغدغه محتمله بی خیر خواهان ظاهر بینان  
 دولت متواری پرده قوت قریبه ملاحظه سیله سالک طریقه (ادفع بالتی هی احسن) اولوب عقد مجلس  
 استشاره اولند قده مشار الیه جمله اولان چو یزاده و ابو السعود لرایی دستور العمل اولق اوزره  
 اجماع و تفریق جماعت احباب اولیاده منع سماع و صفایسهل وجوه و انساب اسباب اولسنه اتفاق  
 اولندیغی معروض درگاه فلک دستکاه و مترصدین مکن مکرر و انکار مترقب فرمان دلخواه اولند قده  
 حضرت شهنشاه نصف عنوان خزانه عامه و وجدان پر عرفانلری به مراجعت بیور و ب صندوق سینه  
 صافیه لرنده محفوظ اولان مجموعه اللطائف قریحه مشتعله لری به امعان سیما قنده دیباجه زیب لوح  
 ضمیر منیر لری بولنان قطعه غرای بالای تلخیص معهوده ترقیمه سد باب گفت و گو بیور لمشدر که  
 اول اثر مؤثر تضمین مناقب جلیله لری ورشته کش ما ترجمه لری قلمقده اخلاف علیه لری به اعتبار  
 مقرر و بیرون مذهب پاکیزه لری به یادکارا کبر اولغله حسن ختام محاجه حکمت آمیز و لطف امضای  
 حجج تبکیت انکیز لری قلمشدر (قطعه) عاشقه طعن اینمزیدی خواجه بسیار فن \* کرفنون عشقندن  
 بلسیدی بر مقدار فن \* شیخ الاسلام دین بر طفل ابجد خوان اولور \* مکتب عشقندن اول یار اید بچک  
 اظهار فن \* الله در قائله فی الحقیقه متصد ر مقام فتوی اولنلر لکذوفنون شتی اوله کلد کبری ظاهرا بکن  
 بسیار فن ایله توصیف تلخیص مسفور لعموه آب زیر کاه اولدیغین و مشار الیهک فنون متنوعه عشق  
 الهیدن اکاه اولدیغین ایما (و المرء عدو لما جهل) مصداق بجه لکذا سرار عشقور باندن قصور قابسته  
 و دعوی مال بکن کند و به سنل راه ارادت اولسنه تنصیصه تلخیص مرام بیور و ب و پنجه کشا کش  
 اصحاب جدلدن تلخیص کریان در دمنده ان ایلد کبری محضاد خراخرا تلی و سبب یاد بالخیر لری اولدیغی  
 غنی عن البیان و مشهور دار باب عیاندر \* (همچنان) \* روز بروز اول سلیمان حقیقتک مانند روشنای

روز بروز لری و دار الدول هر قومده اقبال عالم افروزی از احیف اراجیف راه توهیمه التحاقه  
 ترجیح جانب خرم و تحری او لنوب تبدیل جامه خواص و مقرینه تماشاى آیین اشارات اکن حضرت  
 سلطان العاشقینه کلوب رفقار و کفتمار جنب دیوانی قدس سره النورانی به توجیه چشم و کوش دل و جان  
 اولندیغی عکس انداز آینه حقایق غماری اولیحق انشای سماع کما کرم و میان صفای کردا کرده  
 بر آه سرد کش و کنجینه گشای مکشفه اولوب بدیهه شرح حسب حال حضار و نظاری چاریت الهام  
 پر مضمون نرنده درج بیور مشرکه اول لائی نفیسه و جواهر قدسیه کوشز دسلیمانی و مایه انشراح روحانی  
 اولدقه بالکلمه ربوده عشق و محبت لری و سر داده زانو ی ارادت لری و عرقیه پوش انا بتلری و بالجمله  
 حواشی دولتدن تحشیه متن تحاشی اید نلر دخی جانب جنب ولایت مآبلرینه منجذب و اکثری کله پوش  
 ارادت و عرقیه کش محبت اولمشلر در کویا اول چاریت چار دیوار دار خلوص و اعتقاد لری اولمشلر که  
 ایراد اولندی تاباد کار ذوی الافکار و کوشوار اولی الانصار اوله (قطعه) نکنجدر عبارت حال  
 عارف \* درون پرده اشرا نیست واقف \* مکرکام اشارت بین کید \* زانفاس دلشربوی معارف  
 \* ماطوف حول کعبه دل میکنیم بس \* بهوده کردا چه خبر از سماع پس \* قربان یک عنایت  
 الله اکبریم \* فریاد حاجیان خود ای یار زود رس \* (تقلستکه) \* آسوده جزائر غرب اولان ولی  
 الدین بابار قوحر و خه حضرت لری مجامع مقابلات خاتقاه غلظه ده ماست فروشان اوییدن اولوب  
 بر ساعت سعادتده نظر عالیرینه عرض کالایدنجه لجه عنایت لری جوشنه مصادفه ایدوب درون  
 طبله سنده بولنان ماستی اضعاف قیمته اشترایه امر جلیل القدر لری صدور بیور و ب تسلیم ثمن زائد  
 المقدار اولنغله کند و به سر و تمام طاری اولدقه تکرار کرم بیور و ب (ماستراخیدن ور وغنرا  
 فروختن مرقت نیست بس باید که روغن از ماست بیرون کنیم) و هر لطیفی عقینده (کسه ها بر سرش  
 ریزید امید است که از ر و سفیدان عالم گردد) امر لری به عمل اولدقه برکت نظر کیمیا اثر لری به عیار ذاتی  
 محلت زده امتحان و ر و سفید زمان اولوب در حال لباس ماست آلوددن تجرید و الباس کلاه و خرقة فقرا  
 اندودا به تشریف اولنوب سایه کرامت سایه لرنده رسیده مراتب رجال و مرید صاحب حال اولنغله  
 روغن زاده ماست اولدیغی معاین و مابین ماست و روغنده و لوله آرا اولان اشکال پذیرای انحلال  
 اولوب اول نو نیاز درگاه جلالت دستکاه رجا مند خدمت اولدقه (روغن ملایم مطبخ است) مطایبه  
 ضیفه لری موجب نجه آشیجی باشلیق مقامنده ثانی آتشبار ولی و سماطی خدمتده خلیفه لری اولمشلر \*  
 نفعا الله تعالی بکسرات موافد فوائدهم آمین (نظم) چون قبول مقبلانزایافتی \* هر چه خواهی  
 دانکه آنزایافتی \* گروهی یایی سوی ارباب دل \* کان دل چه بلکه جانزایافتی \* (مر ویدر که) \* طرف  
 باهر الشرف لری به قلوب مقبلین منجذب اولسلیله بالاتفاق ذات لطیف لری فراقی مالا یطاق اولدیغین اذعان  
 ایلینر مجلس همانون سلیمانیده اول سیرغ قاف حقیقتش شکار و دائره استنبوله لانه دار  
 اولسنک طریقین تخمین ایلد کلرنده خاصه وجود بهبود لری اولقا و زره خانقاه سلطانی بنیاد و بالذات  
 مسند زرب ارشاد اوللرین رای صائب ملاحظه سیله معروض حضرت واستدعای مساعده  
 ایلد کلرنده من طرف الله تعالی جوار آب و جدا محمدین ده خدمت اقامتی ناگزیر بلکه اول بقعه مقدسه  
 کندولری ایچون دخی مهبط انوار رحمت اوله جغین ایرادله اعتذار بیور و ب متعظشان زلال صحبت لری  
 دخی جانشین و خلیفه کزینلرینه توجیه و آشیان پیشینه تحریک فادمه همت بیور لیدیغی ائاده مکررین  
 رجای مسفوره (برای خانه کردن خانقاه اسکندری بس است و بهر درویشان غیر ازین تسکینه کاذبه قباب  
 لازم نیست) نطق مبارک کلر یله همای بی همتای ذات لری نلر قتاده دام صید و تسخیر اولیه جغین اشعار

(و اما آزادی ایشان خواهی و ایشان قید و بند ما میخواهند) نفس نفیساریله دام کستران اکرام واحترامه  
 تعریض یورلدیغی عقبنده هماناخرقه مبارکدرین بردوش استغناایدوب دفعه مانند سایه پیروان بی  
 علاقه ایله کشتی نشین عبور طرف محمیه بروسه اولدقلرین منہیان راست گفتان پیشگاه پادشاه  
 کرمکاره نقل کماکان ایلد کلرنده لوحه بر بهجه سلیمانیدن (عنقاشکار کس نشود دام باز چین \* کاینجا  
 همیشه باد بدست است دامرا) بیت شریفلریله مصدوقه حال پر ملال مشتاقین مهجورینه استشهاد  
 اولند یغی بالغ درجه اشتهارد \* (آورده اند که) \* اول محیط معنوی روی خلیج صوریدن بی خلجان  
 باد مخالف مانند عمر عزیز فزای محمیه مرقومه یه مرور لرنده حالابین الاهالی اتمای ذات ولایت سمانلریله  
 مشهور سرور سربلندک مقابله سنده عامه جماعات مستقبلین وعین الجمع مریدین و محبین ایله عقد  
 مجلس سماع باصفا و آغا زاین مقابله مولانا یوردقلرنده جوش وجد و خروش حال و غلبه روح  
 و روحا بنتر لریله جمله بی استیغاب شوق و استغراق ذوق ثوابت و سیاره وار بالقبر و الاختیار چرخزن  
 و دوآر ایدوب سبک روحان و کران جانان بهره یاب لطف صحبت پر برکت لری اولدیغی ائشاده علی رؤس الاشهاد  
 اول سر و آزادانین و بچیتا بله حرکت دور یه نما اولدیغی مشهود خاص و عام اولوب الی الان اثر پیچی  
 بالای و الاسنده نمایان اولغله کویا طوطی کویای شکرستان معارف اولان حضرت صائب صاحب  
 اختراع لطائف بو بیت الغزل لری اول سر و آزاده حسب حال واقع اولمشدر (نظم) نه تنهامیکندر قص  
 روانی آب روشن دل \* که سر و بای در کل هم درین کزار میرقص \* و کویا اول پابر جای مقام استقامت  
 کمال حال سلطان الابداله شاهد واحد کالاف و سینه بر کنه اغیار و دل سنه کن فرقه اشرا ره داغ  
 جانکد از سر آمد و کاره جاده انصافده میل استوار سرمد اولمشدر که اول وقت ناز کده حاضر بولنان  
 از باب مشاهده ارواح گذشته کان طرق علیه احمدیه بی متملا و متجدد اعیانیه ایدوب اول حوالیده  
 مطمور د نشینان قبوری علی العموم صفکشان و دست بر سینه بندان و دیده دل و جان دوز جمال غوث  
 الزمان مکشفه ایدوب بی بصیرت و قتل مرتبه نباتدن و بایه موآدن تنزلنه تعجب و (فسبحان الذی  
 بیده ملکوت کل شیء) مضمون منیفیله نبات و موآتک خبردار اسرار مردان حق و کج نظران و بد کمانانک  
 غفلت لرندن مطلق ملاحظه حکم باهره ایله جانب تسلیم کله رجوع یوردقلری نقل کرده نقات احباب  
 صداوت نصایدر که اول جمعیت عظماده بدیهه رشته کش انشاد اولان مدایح الهامیه دن درویش و اثن  
 رحمة الله علیه اثر طبع تابنا کلری یادکار اخوان الصفا اولق اوزره منقبه نفیسه لرنده تضمین اولمشدر  
 (غزل) بعشق از ماسوا آزادم آن کرد \* دلرا سیر میل خانمان کرد \* سماع مولوی یعنی زمین را \*  
 بدور حال همرنک زمان کرد \* ز روی نسبت خنکرا کبر \* چه جای رنگ رشک آسمان کرد \*  
 بنور شمس دین دنیای دوزرا \* سراسر جلوه گاه محرمان کرد \* ظهور سر سلطان سماعی \* تانرا تختگاه  
 بیخمان کرد \* کلاه سیفی آن شاه ملت \* نوای سرکشانرا الامان کرد \* چنان پر وجد کشته زیر  
 و بالا \* که این راه رچه کرد انرا همان کرد \* نصیب منکر انزالیک غیرت \* بسویش کج نگاه و بد  
 کمان کرد \* نیارم در وصفش راست سفتن \* که شرم لطف اوقدم کمان کرد \* ولی سیری محالست  
 از نوالش \* جو جودش صد صلاهی تر کمان کرد \* کرم اول قدم از منزل او \* کرمش با کرامت تو امان کرد \*  
 مکود بوانه و اثنرا که بس کن \* بدوانش محبت ترجمان کرد (آورده اند که) محمیه بروسه ده کلنجک  
 دیمکه معروف چارسونک کمال عمرانی او ائنده حضرت سلطان الابدال و برهان الرجالک پروانه کان شمع  
 انجمن اراده لرندن بعض مصالحه فنا پیشه و تجرید اندیشه قصد تماشای آثار رحمتله سوق مرقومه دخول  
 ایستد کلرنده ترک آداب اکرام اولند یغندن ماعداسکن چار سوهر طرفدن جرأت طنز و تمسخر ایتلری

قلوب منکسر غیوران اخوان الصفا به باعث ازدیاد انکسار اولدین معروض سده سعادت و مرفوع  
 سایه حمایتلری اولدقده (واذا خاطبهم الجاهلون قالوا سلاما واذ امروا بالغوم واکراما) فحوا سلیله  
 معامله بالمجاهله و مقابله بالمدار توصیه یوریلوب فی الحقیقه وقت آخرده نه اعاده اهانت واستهزا یله  
 کونا کون حرف انداز هجا اولدقلمده موجب تنبیه نیه عمل اولدقده دفعه (بیت) آن دهان کتر  
 کرد و از تسخر بخواند \* مر محمد راد هانش کتر بماند \* مصداقچه اهل چار سو بعضا لقوه و فالج  
 و بعضا خرس و لکسته مبتلا اولدقلمده جمله یه بتلاری سبب انباده اولوب اتفاق هدایای لطیفه یله جبهه  
 سایه پمانجه اعتذار اولدقلمده (بیت) چون خدا خواهد که مان یاری کند \* میل مارا جانب  
 زاری کند \* مضمونی اوزره هر کس الهجه استعدادی مساعد اولدینی مرتبه فریاد و ناله ریز  
 اولدقلمده کرم غوثانه لری خروشه کلوب بشاشت روی عفونما و انبساط سیمای صفح پیرا اولنجه  
 هر بری کما فی الاول عیوب عارضه دن سلامتیاب و تکرار سلسله خندان صدق ارادت و علی العموم  
 نیاز مند قبول و در یوزه کوسایه دست عنایت پیوستلری اولدقلمده (بیت) ای خنک چشمیکه آن  
 کرمان اوست \* ای همایون دل که آن بریان اوست \* آخر هر کویه آخر خنده ایست \* مرد  
 آخرین مبارک بنده ایست \* مغز اسنجه یکسر رومال دامن اتناری و سر داده زانوی تسلیم لری و کلاه  
 ارادت و عرقیه محبت پوشلری و مرآت آثار پر تو اجلال لری اولدقلمده درویش شیدایه به توقطعه غرابی  
 انشاد و سر لوحه زیب حسن ایجاد ایتشدر (قطعه) ایلین آینه منکسر سوء نظر \* چشم زخمیله نه  
 کندین ایدر زیر و زبر \* انکساریدر آنک جوشن تیر انتظار \* غم دکل اولسه شکسته دل ارباب نظر \*  
 (هچنان) هر ویدر که منزل متبرک لری مدت مدیده جلوه کاه عاشقان مولوی اولوب لیکن ملوک و قدن  
 بعضیسی خدای جناب رفعت مآینه کلد کده اسب نخوت دولتی لغزیده و تاج ابتهاجی غلطان اولغله تشأم  
 سیاقنده تهوری ثوران ایدوب اول صورت تقیصه امیر آخورک خدمت قوائم کلکون اقبالده  
 قصورینه محمول و بی کینه مقتول اولوب و جای قتلده امر تهدید آمرضد و ورنده اگرچه درویش  
 شید علیه رحمة المولی تدارک شفاعت و ترغیب کظم غیظ اتناسنده بدیهه انشاد دو بیت \* اسبت که  
 دو پابر سر میدان نهاد \* باخشم میازار که رقصان نهاد \* در کوی فقیران خدا ای شه عادل \*  
 زانوز دور و بر در مردان نهاد \* ایلد کده نظر کرده لری اولان درویش خزین دخی (بیت) صانعکز  
 دوشدی سرندن تاج شاه ای اهل راز \* کوی سربازان حقه ایلدی اولده نیاز \* مضمون  
 لطیفه تذیل تسلیم فرما ایلوب لیکن قطعاً کار کرنا نره تهورا و لیوب بلکه بادی زن آتش اصرار اولغله  
 بالضروره اجرای مفهوم فرمان اولدینی باعث پریشانی خاطر اخوان الصفا و قصور احترام جوار اولیا  
 بادئ تکدر مشارب خلان الوفا و هر بام و شام و رد و صدور سبب تجد دخطر و محذور اولغله بالا الهام  
 رخت آرام کش کوشه بی دغدغه اولغله قرار و یریلوب لیکن فقرای باب الاله بی حضور اولملری  
 آخر الامر صاحب الامر دخی رجوع ایدوب قریب جامع کبیر اولان مقام ثانیه اسباب عیش  
 خوشلرینه بدل مافی الوسعه تطیب یور مشلدر و بعد زمان جنوبی دده ظهوریده اندن دخی حال نشین  
 مولویان اولان مقام ثالثه نقل خالک انداز آسایش اولمشدر (تخلصکه) سائق الهام سبحانی وقائد  
 انجذاب روحانی اقدامه شیرین ولایت نیستان دیرین اقامت رینه رجوع اتناسنده قوافل مستقبیلین  
 مدینه کوتاهیه دن قوایل صحت شریقلری یونان بقایای اولاد کرام الیاسی و موجودین مشایخ طرق  
 اولیای عظام التماس واستدعاسیله چندر وزه بقعه مبارکه ارغویه دده متکازیب قرار اولدقلمده اول  
 شمع انجمن کرامتک پروانگان پر تو ارادتی کفاف اناطولیدن کروها کوه صوب سعادت لری نه منجذب

اولمغله دائره بلده مر تومه دار العشاق وحسرت المشتاق اولوب كاه تربه معلا تربه ارغونه وكاه تربه  
چلبی یعقوبده اجرای آیین اجداد امجد لری اولوب واكثر اوقات صافیه لرنده دخی دار الاماره مدینه  
مسفوره ده آسوده جوار رحمت اولان اسلاف ذوی الاحترام سلسله ترکیه لری زیاراتی ایله تبیین ایدوب  
تشنگان زلال معارف لری سیراب تسلی وسوختن شعله فراتلری حیات تازه یاب انفس مسیحانه لری  
یوروب اغلب نوید کن جلوه دلر بالری ربوده شیوه دلنشین ورشته کش انابت توفیق رهبر لری  
اولمغله بالکامیه سرکشان تنصب وانکر تارومار وطعن زنانه خرده کیران پریشان روزگار و بی نام  
ونشان اولمشدر \* ( آورده اند که ) \* جناب ولایت آباء حضرت سلطان دیوانی قدس سره النورانی اکثر  
اوقات صفوت مدار لرنده مقام شریف حضرت خضر علیه السلام ده عقد مجلس سماع باصفا و مرآتبات  
مستطیله اسرار نما یوروب واعقاب جعبه لرنده مرق تقرای سینه چاکن عشق و محبت لرینه نثار لائی  
نفسیه معارف الهیه ایلد کلریده انبساط دمدم افزون لری خواطر متبیران خوانه دریچه کشای  
تعجب اولدیغی نقش انداز حقیقه تلک مگشنه تنویر لری اولدقه پرده کشای روی اصل کار و زمره  
فرمای کشف اسرار اولوب فویت خلافت حضرت سلطان بهاء الدین ولد قدس سره الصمد ده فتح مدینه  
کونا هیمة و تسخیر حوائس سنه سردار تعین اولنان مر حوم و موقوفه هزار دینار انابت کرد کن طریقه  
مولویه دن اولوب پادر رکب عزیمت صوب مأمور اولدقه در کاه سپهر بارگاه شهزاده خنکرا کبره  
رومال استمداد و جبین سای استمداد و منتظر برکت انفس مهینت غایت لری اولنجه کامن مکن غیب  
اولان فرجه بعد الشده ایله تبشیر و سریه هم وادعیه خبریه ایله تسخیر یوروب غرات موحدین ایله قلعه  
مر تومه بی محاصره به صراحت اند سنده عسکر گذار ایله مقابله امتضا ایدوب حین مقاتله در سر لشکر  
اسلامک تمند اتالی خطا ایدوب اسیر قید دشمن وزندان بند اولدیغی شب بوانجیده قصور نفسه اعتراف  
وجانب فریاد رسان غیبه توجه تامله مناجات در کادقنی الحاجات ایدر کن ناگاه حضرت خضر علیه السلام  
پدیدار و اول گرفتار و وسیله نجات اولوب کندوبی همانا حال ذات عنایت سمات لرینه منسوب مقام  
متبر کل عرصه رفیع سی اوزره منتقم جلال فرخنده مآلاری مشاهده ایتکه ده دفعه بموقوفه نعمتی  
پایانک حصولی سبب استغراق لجه حیرت اولمشکن سر برآور و موجه شکران اولنجه اعاده شیعه کرم عجم  
البر که یوروب عسکر اسلامی تنصیف و بر تسمین مدافعه کفار و تعین و قسم آخرین دخی بناء مساکن  
و مساجد و احداث دائره سواد شهره تخصیص اولتی تبشیریه تعلیم طریق تسخیر و فتح خربل خطه  
اناطولی ایله تبشیر عقیده بعد الفت ذات شریف لری تک تقصیمی صدیده بر بقیه لطیفه تعمیری ایله توصیه  
یوروب و رای پرده خفایه تشریف ایتکه موجب امر عالی لری اوزره حرکت اولندیغی یوم  
ناشنده کفره محصورین چند اسلامک فنای قلعه ده اقامت لری آئین معاینه ایدوب مجاورت  
سعدادن بیزار اولملری امتداد قتال و حرایدن هراسان اولدقلرندن ماعداد ( کل محصور مأخوذ )  
عدواتی تنقید دستور العمل و تخلیه قلعه ایلد کاری محض اثر انضمام امدادنی مکرم اولدیغی  
تقیله وصیت شریفه لرینه شمیر ساعدا هنام اولمشدر چون ابتدای فتح اثر تسلیری اولنجه فیما بعد  
ظهور مصائب و استیلای بلاده دخی میامن سابقه کرملری در کرا و لوق مقرر در پس هر حال مسنطه برین  
سایه سعادت لری و مستغنین ککف عنایت لری مأمون الخائله و ممنون الفائله اولدیغی  
روز بروز علم افزاز بروز ایکن غفله ظاهر بینانک چون و چار لری محض ( تعظیم المکان للمکین و تقصیم  
انقام لامقیم ) ننگه سندن تعامیلرینه مجوله ردی اساس از یاد صفای وقتلرین تمهید ذیلنده سوال مقدر  
مکینیت و مقین لرینه حضور سری ایله جواب شافی و یوروب و حضور صورت لرندن مقصود مستدین

اولان حصول مقصد ايله اقتناع يورلشدر و قس عليه مشاهد سائر الانبياء العظام و عامة مر اقدالا و ليااء الكرام فانهم الغيب الخصار و النوم النظار متعنا الله تعالى ببركات مقامهم و مقبليه \* و كرار او مر ارا صاحب مقام عليه السلامه ملاقات و صحبت شريفه لري دخي مشهود عليه خواص مقرين دار السعادة محرمين يدر كه بين الخلان (در مقامى دو خضر داريم ما) مصرع لطيفى ز باز دو يادكار لري اولق اوزره ثبت كرده جرائد نقول معننه در و الحق ما يقوله الله و شهدت عليه العقول السليمه و التجارب المستقيمه \* (منقول استكه) \* حضرت برهان الغاطسين قدس سره المبين او ان اشتياق ارواح مقدسه اسلاف عليه لرنده كه آسود كن دار الاماره كونا هيه اولان اقر باي ز كيه لري زيارت رينه عنا تباب عزيمت اولوب و سر مر اقدمطهره لرنده سر بچيب مر اقبته و غوطه خور قلزم مشاهده اولد قلري اثنا ده استشمام بوى الفتور و حايه اولنوب بعد زمان ديده كشاي روى عالم شهادت اولد قلرنده غلبه حال و خروش وجد ظهور يله عقد مجلس سماع باصفا يور يلوب بي اندر بي نعره هاى عاشقانه و پشت باي مردانه زن اولوب مدت مديده اول سه كر له سر كر ان و خراب و نگاره كير د اثره صكو و سؤال و جواب اولوب مقدار قبول تعبير و مساعده لهجه تقرير مر ته سي آناز مشاهدات خاصه لرين كوشوار منتظران كرم و يادكار انجمن اولي همم ايدوب اول مشاهد سنيه نك ساحه دار الاماره ده و نوعي فوائد كثيره سين ابراده شروع يور و ب اولار و ضات مقدسه لري على التجدد و الاستمرار مرها بظ انواع رحمت اولغله و سكان دار الاماره دخي رؤسا اولديغي حسييله رؤسا مجاورين منازل رحمت اولق آناز رحمتك دائر اماره حوزة ولايت رينه شمول و بالا اقتضا سر ايت تسيينه اشارت رنانيا سعادتمندان و لا تلك تكريم و احترام لري يله جلب فوائد و حايه و دفع بليات حوادث مدمره ايت لري توسلنه ايمادر ثالثا سر كشان سايه هماي اقبالك اهانته و استخفاف لري يله سر يعا و عاجلا فقر اى ملكت اوزر لرنده اندفاعته تمهيد در الا ان يكونوا مسطين من عند الله الحكيم الخبير (وما الله بغافل عما تعملون و ما ربك بظلام للعبيد) رابعاً متخيرين ته تردد و سر كشتن آفت حيرت و تشكك كدن بعضي رينه و اتعا و خيال امر احم ر و حايه لري سنو حيله سلوك راه انصاف و عدول مسلك جور و اعتسافه ارشاد در \* و لهم فوائد حجه غير ما ذكر لا يسعها البيان و ليس لها سبيل سوى العيان يور و لري الى يومنا هذا نوبه بعد نوبه منصه پير اى تحقيق اولديغي رسیده رنه شهرت شايعه در فطوبى للمعترفين من بچار آناز هم و المسترشدين باشارات اسرار هم \* (نقل استكه) \* قوانين ملوك دولت سلجوقيه اوزره مر حوم و مغفور له هزار دينار سر دار فجي اولديغي كونا هيه و توابعه مالك و كيفيت تسخيرى دخي منوال محرر اوزره اولغله سياق تشكرده بهر سال زندان كفاردن اطلاق يور لديغي ايله مباركه خركه عنبرين زن صكر اى عالم اولد قده خواص اشباع و علما و صلحاى ديار له احياء سنت شكر ان خلاص و اقامت مر اسم اخلاص و بامدادان صلاى كرم و اطعام ايدوب فقر اوضعفاى حضارى على السويه نوازش و خشنود يور و ب تاسه شبان روزى شيوة مروت مر قومه بي اتمام عقينده كه يوم رابع حدين فقهده روز خضره مصادفه ايتكه اول روز خاطر فرو زده شرفياب زيارت اولد قلرنده فو تلى تضاعف معنای روز خضر ايله جبر هر نقصان لري و كوي اول ايام شريفه عيد ثالث ذكور و انات بايتخت اناطولى اولديغي عادت مستحسنه سنك مدت هزار دينار نصكره كرميان عصارنده دخي بلكه عثمانيان فوشنده دخي مر عى اولديغي سري على سبيل الاستفسار مر فوع يشكاه حضرت سلطان ديوانى قدس سره النور انى اولد قده (التأيد رنه) ايتقضى التأيد لتشديد مصلحه التسديد) نفس انفسار يله برقع كشاي چهره زيباى عروس مقصود اولشدر در يعنى گاهي تأيد محمدانى ايله سر زده پرده بطون اولان حوادث معجزه و طواهر خارقه تقويم عقايد

خلاق و دفع غوائل عوائق تا کیدی سیاقنده الی ماشاء الله متده و مذ کره اصول اولورنه انکه تقلید محض فروعه استحکام پذیر و صور عادت مسیر اولور (یس) خصوص آثارتا کید الهیده استنکار قتاد کان حسیض عموم هذیان محوم مقوله سی اولدیغنه نو بنومر ایای خلوص صفوت خواصده جلوه کر اولان نقوش مشاهدات لاحقه امثال احوال سالفه شواهد الاستمرار و دلائل الاستقرار در والذین آوردوا النقص بامتداد الاستدراجات فقد اجابوا من حيث لا يشعرون بوجوب سبقت رحمتی علی غضبی فان من قال بجوازہ او وقوعه فہامع کونها اختیارات فی الاختیارات بالطریق الاولی والخیر فیما اختاره الله تعالی \* (منوئ شریف) \* کاشنی کز نقل روید یکدمست \* کاشنی کز عقل روید خرمت \* کاشنی کز کل دمدر دتباہ \* کاشنی کز دل دمدر وافر حتما \* (آورده اند که) \* حضرت شیر مرد میدان ولایت و میر شهرستان کرامت بقعه مبارکه ارغونه ده عقد مجلس آخرین بیور وب جویندکان وسیله نیل مر ام دل و جانہ اولایا غنایا تہایہ آل الیاسہ التجا و انیاد رک حمایت خاصیت آل خضرہ انتساب و اول فریقین مکر منک ہم سامیہ احیاسی و روح و حایت گذشتگانہ سده فر دوس رتبه سلطان العاشقین و برهان الواصلینہ مساعده خواہ فرصت و مال اولدن اسهل طریق سعی مشکور اولدیغنه تنبیه بیور وب مشیعینہ یادر رکب صوب مقر قدیم اولدقلرنده ہنکام استقبال و میقات اعترام لرنده منزل متوجہ لری و فودی حاضر بولند یغی صورت تغییر طرز و رسم مألوف اولغله قلب الہام تقلیلری تفقد تقصیر سمتہ میل بیور وب تفحص اخوان تجرید عنوان اولندقدہ آشجی باشیلری اولان ولی الدین دہدہ الخاح احبابہ چاشت خوردلری اولوق اوزرہ ادخار اولنسان بریان برہی معروض پیشکاہ توکل دستکاہلری ایدنجہ (فقیر ماندہ خود را با ذخار چہ کار) مصرع شریف لیلہ ارشاد تقریع آمیز عقینندہ (بجزای این بجزایر باید رفت) امر عالی لری شرفیافتہ صدور اولوب (لکن دوری بی مہجور است) دم قدسی کرم توأملر یلہ فقط تبعید صوری اولدیغین تبشیر بیور وب و تعمیر خاطر ویران بندہ کینہ و اشعار انتظار حسنہ کمنہ بیور لدیغنه ولی الدین دہدہ حضرت تلمذ منقبہ جلیلہ لرنده متواتر وایہ اولان حسن حال کمال مال لری کواہی اشتباہ تحقیق در کسنفصلہ فی محلہ ان شاء الله تعالی و مساعد التوفیق \* و کو یا تمام خدمات قدمای بندکان ایلا ہر برین شاد کام استخلاف بیور وب ولی الدین عقینندہ خضر دہدہ خزیرہ ساقزہ و نور الله دہدہ اکبر دیر قلعه سنہ استخلاف و علی روحی صندق قلو قصبہ سنہ ارسال و درویش حمید مدلا و خزیرہ سنہ رعت اولوب خلاصہ اخوان الصفا ی بشیندن حال قرہ حصار صاحب جوار لرنده یار ائمہ فراری دیمککہ معروف مشاہد مقدسہ سبعک اصحابی اولان ہفت تنان بکرنکندن ماعداسی علی حسب مراتبہم چراغ افر و ختمہ میادین قفرو فنا وانجمن آرای مریدین و احبا اولغله احیا بیور بلوب طی طومار سیر و سیاحت و مسند سعادت لرنده الی آخر الامر العزیز ضرب خیام اقامتہ تکمیل ماخلوق لہ و تتمیم مابعثہ ابلیوب صبح و شام نوازش و فود مشتاقین و تربیہ نو نیازان و انس کهنسالان باقین ایلا بقیہ اوقات صافیہ کذار اولشدر در \* بشری لہم فی السفر و طوبی لہم فی الحضر افاض الله تعالی برکاتہم علینا و علی کافۃ الطالبین فی الصور و السیر \* کو یا و ان سیاحت لرنده قافلہ سالار چلتان و ایام اقامت لرنده شمع جمع ہفتتان اوللرینہ اشارت علی لری تضمین دقائق احوال معیندار لریلہ و رای پردہ صورت انتخابدن جلوه کر آیینہ اولی الاباب ایتشدر در \* (مرویدر کہ) \* اول عزیز مصر حقیقت و صاحب السیف مضممار طریقت و تختہ زیب ملک معرفت سجادہ رفیع المکان و منبع العنوان لرنہ وضع قدم خیر القدوم بیور ملریلہ کو یا جلوه کاه ارا دت و محبت لری اولان دیار اہالیسی قوالنہ حیات تازہ و جان

وداع کرده کلوب قلوب صافیه لریدن مضبعت اولان شوق وانجذابله کروها کروه صوب سعادت لری نه  
 مسارعت زیارت و مبادرت تجارت لن تبور ایدوب هر کس مساعده حوصله قابلیتی اوزره استفاضه  
 بر تومهر منیرا قلوب لری واستفانائنه سایه مسا کین پناهلری بستمسعد اولوب لکن اغلب احوال  
 غوثانه لری سکوت و مراقبه و سکون و ملاحظه اولوب اوقات سائغه ده و نما اولان جوش و خروش  
 و تنابع سماع صفا و تلاحق و جدو حال متواری ستاره خفا اولدیغی خلیجان فرمای خواطر خلان  
 و شغف فرسای تشنه کان اخوان اولمغه خسار و نظاری اتم از فرصت سریع العبوره تویه و ترغیب  
 و اغترار تسویف موالک انفسوسدن تحذیر و ترهیب صد دنده (هذا سکون بین الحركتين) کلام  
 حکمت نظام لری مشعر اتراب ارتحال لری اولدیغین ادرال ایدن ارباب دل کریانچال شکیب  
 و حضری بن السفرین معناسنه حل و الطوار سابقه لری نه تیاس ایدن احتجاب حس منتظر نهضت نا کاهیلری  
 اولدقلری اثناده مزاج کرامت سرشت لری نه انحراف طاری اولوب حرکت ثانیه دن مراد شیر یفلری  
 رحلت جوار رحمت اولدیغی تپیا مر دانه و توجه مشتمافانه لریدن اشارت فهمان و سادده دلانه نمایان  
 اولدقده بالا تفاسق سینه کوبان هجران و یا حسرتا للاخوان واخللان مضنون محزون سوز یا نا لان  
 و کران اولجی و رفقای فقرای قدیه ای (براهی که آمدم آنچنان میرویم) نفس تنفیس بخشش لری تبشیر رفاقت  
 سفر آخرت و عهد پیشین تشریف سرای شهادت لری نه کبر و نصکره دردمندان نوبت ازانی دخولی عهد  
 و جانشین و لا یتلرندن استرشاد له داشاد و تسلی یور ووب خاندان رضویه علمیم التیمه دن اتخاف یوریلان  
 علمین رفیعین طرفین محراب نشانی لری ن مرقد مقدس لری اولوق اوزره تعیین کرده الهام و محل هبوط  
 انوار تقدیس اولان مقام جایگاه ث مهینه و میسر دهنه نقل و مابین العالین اول علم صغوف اولیا نال شکاری  
 و قالب منور لری مسند قلبه متکا آرای آسودگی اولوق اوزره توصیه مزبجه لری تکرار اشغال  
 نائره فراق ایلدکده (وما الموت الا فو القواب) نطق جانفرا لری له فقط بلدان نائیه ده اولان ارواح  
 آشنایان زندکن آسمان قارمت و هجران لری بطون صوری و غیبت حسی و روح روحانیه حضور  
 و حمایت سرانه لری درکار اولدیغین افاده و خاطر ویرانترین فی الجملة آباد ییور ووب جله بی روح آشنا  
 و مأمون الغائله موت و حیات او بغه ترغیب و تشویق عینیده مانند روح روان بر زمان درون خرقه  
 پر تو خالرنده نهان و دفعه سر بر آو و جیب عیان و خرامان صحن میدان اولوب (مردن مردان همچنانست)  
 فقره سبیل ترغیر و زوچر خزان اولملری خرقه بدنن تجرد لری باعث کمال ظهور فی صورۃ البطون  
 اولدیغنه اشرت علیه لری بالجملة بادی توطین نفوس مستعده و مورث اطمینان قلوب قابله اولمشدر فی  
 الحقیقه آوان سیاحت لرنده بغداد و مصر و استنبول و سایر محال استخلا لری اولان بلادده واقع منازل  
 متهمنه لرنده مسند زبیب خلاقلری اولان تدمای رفقای عالم شهادت لری علی مراتب تفاوتیه فی وقت  
 الولاده پیر و قریح کلزار اطلاق اولدقلری ثبت یافته شهادت متواتره انقول اولمشدر \* هرگز غیر آنکه  
 دلش زند شد بشوق \* ثبت است بر جریده عالم دوام ما \* (منقول است که) \* اول شمشیری زنهاریامیدن  
 مستعارون عربان و اول درشادوار غوطه نور تیار حیات پایدار اولوق امراتی ناگه ظهور ایدوب  
 بر روز جمعه مقابل شریفه دنصکره سر مبارک لری صداع عارض اولوب روز بروز مشد و شد اولدقده  
 مشفقین اصحاب عبادت استزاج علاج ایلدکده (این در سر از خمار عیش عالم نه نیست بغیر صبا ی  
 خنمائنه باقی منافع نکرد) مضروب له دفعه ثلثه تدبیر یور ووب جمعه نائیه ده بعدا مقابله علاءه حرارت زنده  
 استیلا سندن تدارک اثریه بارده و نظر عالی لری نه عرض ایدنلره (مشرب جانم شراب شهود می خواهد)  
 فحوا ی پر جود و اسبیله دست شوی چاره جویی اشارتن ایدیحیل جکر لر کلب آتش افراق و جانلر



خراب صدمه احتراق اولوب فریاد و فغان اخوان و خلان عنایه ای خرم و اصطبار و نه طباق آسمانه  
طنین اندازی اندازه اولوب درد سر مبتلایان عالمه سایه دست عنایت بیوستلری مایه عافیت اولان  
طیب شفابخانه طاهر و باطنه بی اسیر داء و مستغنی دواء کورنلرک بیچتاب و آه و واه و اضطراب لرینه  
مرحمت بیوروب (فردایوم سبت و راحت ماست) توریه سیمله تسکین فرع بیوردقلری کوشزد کبار  
خویشان خاندانلری اولیجی کونا کون ندور و قراین شکرانه ایله اعاده عیادته مبادرت اولندقدنه  
ظاهر حال لرین مغایر مقال مشاهده سی حیرته دخی (بلی فردای سر و پا و مأمون الغائله در دود و اخواهم  
کشت) عنوانه ختم کلام دنیوی بیوروب کو یامشعین منزل دنیا به وداع و مستقبیلین متوجه بقایه  
اقبال و ارواح مقدسه انبیای عظام علیهم السلام و اسرار زکیه اولیاء کرام علیهم التحیات ایله بی حرف  
و صوت معاملات مجاملات آمیز نما اولوب فی الحقیقه ضحوة یوم السبتده جمله استقام وادادان  
دفعه بر و عافیت یاب اولدقلری ائشاده در حال کوش دعوت آشنای جان با کرینه داء ارجعی قرعیه  
(والله یدعو الی دار السلام) آیه کریمه سن تلاوت و حضار و نظاره سلام تودیع وجهان بی وفادان  
انغاض عین و پرواز اعلای علین بیورلشدر \* زهی سلطان اورنلک تمکین کیم دم و اسینلرینده دخی ارشاد  
مال حالی تضمینله غمخوار بندگان اوله متعنا الله تعالی فی الدنیا و الآخرة بمراحمه الصوریة و المعنویة  
و افاض علینا و علی كافة الطالبین رشحیات عنایاته الجلیة و الخفیة آمین یا عجیب السائلین \* درجهان  
آمدوروزی دو بمارخ بنود \* آتخنان زود برون شد که ندانم که کد بود \* (نقلستکه) \* اول کوه رینگا  
صدف بدندن اطلاق اولندقدنه حین وفات خنکارا کبرده حادث و انسال سامیه لرینه انتقال ایله  
مؤید انساب و مقرر وراثت و لایتلری اولان ترزل ظهور ایدوب هر کس هر اسان خراب املالک  
و هلاک نفوس اولوب لکن بعنایه الملك الحفیظ فرد واحد و ملکا و مالا و نفسا شمه ضررا صابت  
ایتیوب انجق لب تشنکان ارادت و محبتلری مصاب اندود فراق اولدقلری سایه حامیه لرینک مفارق یتیمان  
و همسایکند بعد الارتحال دخی در کور و یادار اولدیغنه اولین شاهد تحقیق در دخی وقت فجمعه وفاتلری  
ماه نسیانه مصادف اولغله کوه رتا بدار جسم لطیف لرین تنشوی اوزرینه وضع ایلد کابنده سباقه خارقه  
حیات بعد المماتلری تذکری و حال احزان مالایطاق افتراقلری اجتماعی کو یاد و آه مهجوری سحر  
ماطر و دموع العیون ذوی البصائر متقاطر ایتده نظیره ابرو باران نسیانی دخی جلوه کر وی زمین اولوب  
تفجع جانکده از لرند زمین و زمان اتحاد ایتکه اول کوه رتا بدار لغسله متبر که لرین قطره سن  
اضاعت ایتیوب اخوان و خلان بعضا دفع حرارت دل و جان لرینه تسبب سیاتندد فو شداری صحت  
اولق اوزره اغتراف و بعضا اقتضای وقت حاجت ملاحظه سیمله ذخایر ایدوب دماغ و ذائقه لرنده  
احساس طیب عجیب وادراک لذت غریب ایلد کلرین حالا مدفن پر بر کاتلرین استنشاق صددیده  
اخذ اولنان جوهر خالک با کک مانند کفور منور و معطر اولسی مذکرو مؤیددر \* علی الخصوص  
وجود نازینلری کافی الحیات طراوت و لطافت اوزره اولوب و بشرة مبارکه لرینک بشر و بشاشتی  
ونکمت جامه خواب و اندام شریفلری مشام خدعه تجهیزه الخلفه سالی حیرت فرما اولدقدنه محض جسد  
مقدس لرینک ترویجی و آثار روح و روحان و حیاتلری اولدن ماعد امجمل اولمق ایله امارات  
مذکوره تابشیر صبح سعادت عظمای باقیمه لری اولدیغنده اجاع و اتفاق اولنوب اولدریکای قانرم  
قدرتک حیات و وفاتی و اوائل و اواخری دائر امدادار محفوف اصناف الطاف محیره العقول صمدیه و محاط  
انواع اعطاف مولیه الفحول احدیه اولسندده بالکلیه دفع دغدغه اشتباه و رفع مطالبه کوا و اولنلشدر  
ودخی حوالی نعش ملائک مطاف لرنده چند حلقه سماعزان و قوالان و مرثیه خوانان دائره کش

اشک حسرت و آه اخزان اولدیغندن کویا بدن منور لری مردم دیده آسامر کزمدار کر به و تقطه  
 سوید امانند منشأ آمد آه و افسوس اولدیغی ائنا ده بدیه سر زده طباع سوخته آتش فراق اولان آتار  
 شر افشان خانمان اصطبار در که القطر تدل علی البحر و الحفنة تدل علی الیدر مصداقچه ذیل نأثره  
 افر و زشیونلرینه طراز شعار قلنمشدر \* (قطعه) \* سلطان سماعی کیم اودر سیف ولایت \* میدان  
 کرامتده نه صف شکن اولدی \* یعنی کیم ایدوب سایه سنی مایه ماتم \* عربان غلاف تن و شیون فکن  
 اولدی \* (دیگر) \* ای زهجرانت ملک در آسمان بکر بسته \* دل میان خون نشست و عقل و جان  
 بکر بسته \* چون روان جای نکیرد دلبری ای بی بدل \* در عزایت پس بیکرانس و جان بکر بسته  
 \* (دیگر) \* کوچشم که در هجرت تو غمناک نشد \* یا جان که در سول تو غمناک نشد \* سو کند روانها  
 بر و انت که هنوز \* همی تو تو هیچ بر افلاک نشد \* و هنر کام دفن و اخفای کنج کوه جسم روح  
 مصور لر زنده خزانه مشارب محزون و نه دن غمیان و ورشته کش یاد اولان انقاس پردود درون عاشقان  
 دخی تمة حسرت نامه لری و نار یخ هجرت دار البقار لری خاتمة قصه پر غصه و دایع ملک فنا انجاملری  
 قلنمشدر \* (قطعه) \* کردید ز دردت نشود خون افشان \* و ردل بفراقت نکند صدا فغان \* بهتر که  
 بخود کردید و افغان کند \* آنکه بچنین دیده و دل شد جسیان \* (دیگر) \* ای خالک زرد دل غمی یارم  
 گفت \* کامروز اجل در توجیه کوه بر نهفت \* در سینه تو کنج ولایت جا کرد \* جانان جهان در اغوش  
 تو خفت \* (دیگر) \* که گفت که آن زنده جاوید ببرد \* که گفت که آفتاب امید ببرد \*  
 آن دشمن خرسید بر آمد بر بام \* دو چشم بست و گفت خرسید ببرد \* و نار یخ افول مغرب فناری  
 ولی عهد و جانشین سعادتلری اولان خضر شاه جللی حضرت لری نیک اثر مشرب عالی لری اولق او زره ثبت  
 کرده جریده و رایتدر که ایراد اولندی \* (قطعه) \* اولوب دل سیر سیر انفس و آفاق و نا کاهی \* و رای  
 پر دغیه چکنجه پیکر جانی \* دیدی نار یختی بر مستند درد هجرانی \* بقامل سکنه چکدی عسکرین  
 سلطان دیوانی \* (مر ویدر که) \* اول پیر روشن ضمیر پوران معنوی پر و زل زینه ان سایه تریه لر زده  
 میر زامنی در دمنده دن ازید گرفتار بلای افتراق شکب کدازی اولوب دمدم خوابه حسرت ویر آه  
 و واه حرقت انکیز ایلیموب سائر لر دخی الم زخم جانخراش هجرانلرین تشدید و کهن درد درون  
 محزونلرین تجدید ایلد که اخوان شفقت نهاد و خلان رافت معتاد هر چند انقاس تسلی شیمه اشتعال  
 شکن نأثره تمتع الخودی اولوب آخر الامرینه اول طیب شفاخانه حقیقه تملک تدبیر خیال کرامت مالی ایل  
 بر مقدار تسلی پذیر اولسنی تهریر و صدر شیبستان واقعه صادقه ده کافی الحیات مثال روح مقدس لرین  
 شمع انجمن عین الجمع مشتاقان و هر کسی علی قدر القبول بمنون عنایت عرفان مشاهده ایدوب و نوبت  
 کرم کند و به و سیده اولنجه بوقطعة قاطعة القطیعه انشاد یله تخصیص بیور لیدیغی و قریب اشرف  
 التحاق باب اوله سین تبشیر سبب تعمیر قلب کسیری اولدیغین عقیب همراهان مبداء و معاد لر زده  
 متوجه دار البقا و آسوده سردودی دوا و سرداده پای لامکن پیمالری اولدیغی تحقیق و مقام ظل  
 صندوقه منوره لر زده مدفون اولق دخی معنم جوار صوری و معنوی اولدیغین تصدیق و تأیید  
 ایشدر \* لله در قائله و ناقله \* (قطعه) \* در همه حال جان با جان است \* پرده اندر میان ابدان است \*  
 تا کشد شاخص دوی بد \* وحدت نور و سایه پنهان است \* فی الواقع مثال قدسی و خیال  
 غیبیلرینک جهان آخر شهادتده اولان غربای ارواح و اسرای اشباحه زبده التوحید و عمده التجرید  
 اولان سرمکونی صورت نظم حروف و کلماته و ساطات اصوات و حروف معنوی به ایله القای سامعه  
 بدن خواب آلود ایتکله تسلی بخش و بلکه ارشاد فرما اولق متیقن اولدقد عنایات سائر و حمایت

باقیه لر بنده سرمو جای تردد اولدیغی لدی ذوی الانصاف کرد اشتباهدن صافدر علی الخصوص خبیایای  
لوح محفوظدن اولان عبور قنطره موتله خرب سعادت لر بنده الحاق پیام صدق انجمنی اخبار کرامات  
معادیه لرندن اولدیغی کاشمش فی وسط النهار در اگر چه محجوبین متعصبه کرامات معادیه اولای کرامی  
انکار اوزره در لر لکن ظهور کرامات خواص عبادده اثر محض اکرام غیور معز تعالی شانه در  
مهبط آثار تکریمات اولو بالذات ارواح عالیه ونفوس زکیه اولدیغی وقواب واجساد اقفاص  
والبس مقوله سی اولق ظاهر در \* پس همبوط انوار کرامات الهیه ده وجود عوارض مؤثر و عدمی مانع  
اولق خلاف ادراک عقول سلیم و مغایر شهود طباع مستقیمه اولدیغدن ماعد ا جانب روحانیات  
قدسیه کرامتدن جلوه کر میدان شیوع اولان حالات عجیبه و خوارق غریبه تکذیب مدعای منکرین  
ظاهر بنده رایت افراز بدهند \* فلیراجع الی کتب مناقبهم الشریفه مع ان تنعیانهم القبریة التي  
نزلت فی اثباتها الآیات و وردت فی تحقیقها الاحادیث فهی من جملة کراماتهم المعادیه ولا دلیل علی ثبوت  
بعض دون بعض فلا جرم انهم مکرمون فی الحیات والممات والله تعالی علی کل شیء قدیر وبالا کرام الخواص  
عباده فی العالمین جدیر فن لم تنکشف له الاستار عن عرائس الاسرار فلیتصدق بترهات الاصرار  
والانکار والله هو الغیور الجبار \* چون دانه شد افسند بر رست و درختی شد \* این رمزی  
چو دریایی افکنده شو ای بابا \* مصداقچه امر فالحی الجبله شق حبوب اجسادله آماده حشر و بعث  
ومتواری عرض اکبر خالک مدفن اولد قلرنده زیاده فیض نمای روحانی مقرر در زیر اعدم مساعده  
طاقت شریه بمعافیه معظمات عنایات نوبت اطلاقه مرهونه اولق ضرور یدر فلیسأل التوفیق الی  
مطالعته التحقیق چنانکه حضرت پیر قدس سره المنیر فرماید \* (مثنوی) \* تن بخفته نور تور آسمان \*  
بهر بیکان توزه کرده کن \* فاسق را دانکه پوزش میکنند \* قوس نورت تیرد و زش میکنند \* (در بیان  
کرامات معادیه آن سلطان ملک بقا و برهان مدعای اهل فنا و زبده خاندان حضرت مولانا احیانا الحی  
المحیی فی ظلال رایتهم و اشنا ناعن العوارض النفسانیة ببرکات احیائهم و امواتهم آمین یا مجیب الداعین  
بحرمة سید العالمین \* (آورده اند که) \* اول نیر اعظم اوج مدار ولایت زیر میغ فنا و شارق افق  
بقا اولدقه مانند حر بامنتظران پر تو کرملری و روشندید کن جمال با کمال کرامت تو آملری سهر و زان  
روز کار و بی کسان و یتیمان خوار و زار سرگردان و اوان حاجات و احیان اقتضاده قنقی ملاذه  
التجایدوب و نرسه چاره جوی رها اولده حیرانلر ایکن ناگاه اصحاب ابتلادن بعضیلری نو میدند براطبا  
وسر نهاد درگاه معللری اولدقه لیاالی اعتلاده روی خواب راحت و چشم جسم سقیم واقعه ده دخی  
کور محمش و جامه خواب و مختده آن واحد آسایش و آرام ایتمش ایکن همانا سر وقت دماغنه عسکر  
نوم هجومیه عالم حسدن اغماض عین و تماشای جهان انس غیب ایتد کده کلاهود آبه الشریف دیدار  
بشاشت نما و سرا با کف کفایت سود اوللریله برء ساعتیاب اولدیغی شهرتیه جاده استمداد کشاده  
اولوب اطراف محالکدن قوافل دردمندان و حاجتندان و وراه آستان کف الامانلری و جبین  
سای سده دار السلام تربه فردوس رتبه لری اولغله هر کس وفق المسؤل و فوق المأمول بهره مند فیض  
روحانیه لری و منت پذیر برکات سایه عنایتیه لری اولیحق (قطعه) مانیکویم هر که عیسی ثانی  
بمرد \* خضر والیاس بر و بحر تن و جانی بمرد \* مرده ناگاه در دبی دو اباداهمین \* هر که کوید  
حضرت سلطان دیوانی بمرد \* حسب حال شکران مآلیله ترخم ریز و دست افشان و پا کوبان جانب دار  
و دیار لرینه رجعت ایتکه صیت کرامات معادیه لری عالمگیر و نزدیک و دور صدق اعتقاد و خلوص  
توجهله مستمدان دردمندان و افتاد کان مستمندانه فریادوس و دستگیر اولمشلر در (بیت) آفتاب

آفتابند اولیا \* آفتاب از نورشان کیرد ضیا \* (نقلستکه) \* اول متکازیب مقعد صدتک تجم  
مصالح حکمیه سیاقنده نواعمتوجه جهان شهادت اولدینی برتوافقکن مرایای آثار اولغله خلیفه سجاده  
ولایتلری اولان شهزاده کرامت سپاه چلبی خضرشاه نورمرقدہ الی یوم الانباه حضرتلرینک  
مشاهده وجدان حقایق عیانلری ومساعدۀ اسلاف والانسانلری اوزره اعتماد اولنوب وتوجه  
استفاده وتین استمداده بحسب الباطن دسترس عزیز الوجود وکیاب اولغله من حیث الظاهر دخی  
رومال درگاه دردمند پناہلرینه ملاحظہ (یدالله فوق ایدیم) نیت خالصه سین تضمین شرطیه ایدئ  
مبارکہ مشایخ اوقات وبلسکه درویشان تربہ داران وساطتہ افاضہ سجال فوائدوانالہ اقداح عوانده  
جرات اولنوب بعنایة الطیف الرؤف اصحاب علل واسقام وارباب امیدمرام ویم اوہامک اکثری  
توسل حمایت روحانیہ وتوسط عنایت سرانہ لری ایلدیرمراد وکلیاب اولوب کویا کندولرہ حاجت  
وابتلاری قلاب هدایت وجلاب سعادت واعقابہ سلامت واغنام فرمای اسباب سلوک وارادت طریقه  
اولویہ مولویہ اولشدر وعلیل عارضہ انکار واصرار اولنلری دخی اطبای صورتک تدبیریلہ عقاقیر  
ادوبہ نک تأثیرانہ قائللرایکن اول مادده تسبیب مسبب قدرہ تثبیت ایدوب وبخصوص صدہ حکمی  
حقیقت اولان اولیای عظام طرفلرندن ظاہرا وباطنا جلوہ کرمدان تأثیر اولان اسباب خفیہ نک  
تسبیبہ دخی ذاہب اوللری طریق اولی اولدیغنه ایقاف وتبیین بعضا مذهب انصافہ اسلاک وبعضا  
برازخ اعتسافده اہلاک اولنلری نوعین اسبابلر وپوش تسبیب حکیم توانا اولدقلرین جملہ بہ افہام  
وارائیلہ سدباب چون وچرا وافرادامہ واحده ملت سمیعہ بیضا یینلرندن رفع ماجرا ایتشدردک بودخی  
کرامہ علی الکرامہ معادیلری اولدینی مأمون الغائلہ تردد داشتباہدر ویؤیدہ ماحقہ الشیخ تستری  
قدس سرہ العزیز فی ہذہ الایات الشریفہ \* چوعارف بایقین خویش پیوست \* رسیدہ کشت مغزو  
پوست بشکست \* درکری پوست یابد تابش خور \* درین نشاء کند یکدور دیگر \* درختی کردد اوزروی  
آن خاک \* کہ شاخ اورود برہفتم افلاک \* همان دانہ برون آیدد کربار \* یکی صد کشتہ از تقدیر جبار  
\* تناسخ نبود این از روی معنی \* طہو رات است درعین تجلی (آوردہ اند کہ) آستانہ ملائک  
آشیانہ لرندن بعضی لیلای مبارکہ انصافندہ آوازہ فی ودبدبہ قدوم استماع اولندینی بین الہالی شایع  
اولدقدہ اصحاب عقول قاصرہ کونا کون مسالک احتمالات واهیہ سالکی اولوب لیکن اشقای علیل  
خیال واروای غلیل واهمہ ممکن اولمیوب آخرت محسوس ومعاینہ صورت حالہ کاشتہ طرف بی ادبانہ لری  
اولان شخص بی تشخیص مظان اوقانده ملازم درگاه غیرت پناہلری اولغله مصادف جلوہ معہودہ  
اولدقدہ سماعلہ اکتفا ایتیموب منظرہ رفیعہ تربہ منورہ لرندن برین رخنہ دارایدوب استبصار ارواح  
متجسدہ لری آرزو وسیلہ تجاوز حد ایتد کدہ بادی نظریہ سی لاحق صندوقہ مشرقہ لری اولنجہ  
همانادوانکشت اشارت نمایان اولوب وسمت رخنہ منظرہ مرقومہ یہ ایمای حدت انکیز ایلد کلرندن  
غیری صورت بین اولہ میوب اولدخی آخر مبصری وباصرہ سی رخنہ دار عی اولدینندن ماعدہ  
چندر وزہ تأثرلہ شتابان محل کورستان اولدینی بادی اعتبار اولی الابصار وسد رخنہ یا جوج انکار  
اولشدر \* وتجارب کثیرہ ایلہ جلوہ معہودہ ظہوری تہی اولدینی متیقن اولوب اعقابندہ حوادث  
غریبہ ظہوری منتظر ارباب بصیرت اولدینی الی یومناہذا دستور العمل وتفصیل آحاد وقایع عجیبہ سی  
همعنان طول املدر \* چنانکہ درویش پهلول درختی از فرمودہ است \* ناخرمیکہ در حرم شہ  
نظر کنند \* بر چشم وجان خود نہ بغیری ضرر کنند \* از جملہ انسال زکیہ لرندن بر صاحب الذات  
والصفاتک اگر قیل ولادتندہ واکر عقیب واثنا ی وفاتندہ ظہوری سعادات دارین ایلہ معجوریت

و معریتنه امارت تبشیر اولق اوزره مجمع علیه جمهور اصحاب شهوددر (تقلستکه) امرای لوی قره  
حصار دن بر صاحب مکنت و ثروت اولاد کرام سلسله بهیه لینه انساب ذیلنده بدل اسباب و وقف  
آسیاب ایدوب مسافر دار آخرت اولدقه تربه متبر کهری داخلنه دفن اولتی نیاز مندی اولغله طاهرا  
مساعده بیور یلوب بر کوشه رحمت نوشه ده اقبار اولندیغی روزک شبنده قبرندن من غیر حفر و اثر  
اخراج اولنوب و رای مصرع میسره باب سعادت مآب تربه معلار تبه لینه متکی بولندیغی جمله به  
باعث حیرت اولدقه رای دهشت آلوده لری تبدیل مقبره به قرار داده و مکان آخرد حفر قبر و دفن  
اولندیغی لیلده نه جسد امیر بیچاره یی من غیر حفر انقبر و فتح باب التربه مخرج و صحن حولی خانقاهه  
انداخته بولوب ناچار مرز ارستانه دفن اولندیغی غوادار شدت دافعه و حایه لری اولدیغندن ماعدا  
قلوب منکسره اولاد ذوی الاحترامه سبب استیلای واهمه افتراق برزخی اولغله حضرت مرد میدان  
انبیاء جللی خضر شاه و جللی شاه محمد قدس سرهما العزیز مدت مدیده اختیار ملازمت حله خانه والا  
و انماض عین التفات روی دنیا ایدوب الی آخر العمر العزیز هر اس دهشت مر قومه دماغ اقتراب  
سر اغلرندن زائل اولیوب کله داران و خرقة پوشان فقر و فانی اغترار صورت حالدن ترهیب و همیشه  
(بیت) بی عنایات حق و خاصان حق \* کرمک باشد سیاهستش ورق \* فواسیله ضراعت و ابتهاله ترغیب  
بیور مشلدر (بیت) ما که باطن بین حله کشوریم \* دل بینیم و بظاهر ننکریم \* مابر و نر ننکریم  
وقال را \* مادر و نر ننکریم و حال را \* حتی بین الاخوان مقرر و معهود اولشیدیکه هر کاهکه اول  
شهرزاده عالیجناب \* برخاستن از جان و جهان مشکل نیست \* مشکل ز سر کوی تو برخاستن است  
\* بیت شریفه ترغیم جانکاه بیور دقلری غلبه دهشت مر قومه دن ایدیکی مفهوم اولوب (بیت) خیال  
شاه خوش خویم تبسم کرد بر رویم \* چنین شدنسل برنسل چنان فرزند فرزندم \* بیت شریفی ایله تحدیث  
و تسلی به تشویقه تسکین شعله بیم فراق ایتلک فاعده مهر بانئ اکابر خاندان خنکارا کبری و وظیفه  
نکهبانی قدمای درگاه خداوند کاری قلتمشدر \* پس انر سلافة سلاله طاهره صدیقیه جلالیه ایکن  
بومر تبه هر اسان احتمال هجران معنوی اولیجق مریدین و محبین سائره نمقوله مراعات لوازم مواصله  
و مبارات اسباب مفارقه ده اهتمام و اقدام الزم ذمت همت و واجب عهده ارادت اولدیغی اهل خرم  
و احتیاط عندنده اظهر من الشمس و اهر من القمر و تهاون و عدم مبالات احرم الموت الاحمر و امر  
من السم الا صفر در (بیت) ماذا الفراق فراق الوامق الکمد \* هذا الفراق فراق الروح والجسد  
\* (آورده اند که) \* وزرای دوات عثمانیه و وکلای نوبت ابراهیمیه دن قره مصطفی پاشا نام بر وزیر  
روشن تدبیرک سامعه عبرت بدیری سلطان مومی الهلک و لوله کوس کراماتی ایله پر خروش غریب  
آثار اولغله خدمات در که رفیع لرین جانه منت یلوب سر اسر تعمیر و تجدید قصد یله مال فراوان و استادان  
معمران ارسال ایدوب شروع کار مأمور اناسنده ناکاه بر خرقی خارق العاده ظهور یله دائره تربه  
مبار کهری دل عاشق کبی خراب و پرتاب اولدیغین مباشرین تعمیر تسیر امر مأمور لرینه حمله نه تشمیر  
ساق و ساعد اهتمام و اول کلشن رو- وریحانی انکشت و خا کستر احرارندن تخلیه و تکلفات جدیده ایله  
تخلیه صد دنده جمع اسباب و لوازمه اشتغالده ایکن قدمای جار و بکشان آستانلرندن سر دیزنان  
خانقاه کولوم ده ده نام پروانه شممع ارادت لرینی روحانی اشارت و تبیه یله خا و خا کستر دن مشهد  
مقدس لرین تنظیف خدمت تعیین و تخصیص ضمنده پایگاه مکرملرنده نهان اولان کنجی فتح و مصارف  
تجدیده صرف و فردا حدل مدخله مالیه سندن نهیله تأکید بیور ملرین عقیب اتمام خدمت تخلیه ده  
دفینه مر قومه پدیدار اولسی تأیید ایتکه مأمورین صدر اعظمی متخیر اولوب و کیفیت حقیقت

حالی معروض باشای مشارالیه اینه که قرار انا سنده مکر دائرة دولته سر زده و رای پرده حکمت  
اولان فتنه عظمای خلانده وزیر فریور کجاه و جلای خلل ادبار پذیر و کندوسی سر بحر ای فنا اولدینی  
خبرک موصلی با فرمان محصل مال سالف الذکر اولغله قبض و جهت خیر و بره صرفدن نظر اولدینی  
قبلندن اول کنجینه خفیه ولایتک سمت قدم کرامت توأمندن دفینه هر قومه نک ظهوری انواع حکم  
واصناف عبری حاوی بر کرامت جامعه معادیه لری اولوب اول وقت اولاد کراملرندن مسند نوبت تولیت  
زیب اولان حضرت کونش خان بر توهمیه و کولوم دده بنده لری معرفیه اولی من الاولی تجدید و تعمیر  
اولوب فضله پر بر کاتبه فقر اولاد کرامی دخی مغنم و ذوقیاب اولوب بحمد الله تعالی ثقات مداخلة  
اجانبدن جناب آستانه سعادتترین امین و خا و خاشاک آثار اموال شبهه دن رها و در و دیوار اثره لرین  
سالم ایلد کلرندن ماعدا کویا حریق عشقه خراب وفانی اولوب و اول ویرانه فنادن اخراج کتر مخفی  
ایدوبینه اول نقدینه ایله تجدید و بقایاب اولوق و مرغی اراثت ورد قبول امداد و تعمیر غیره اشارت  
یورلدینی نموده مرآت ضمیر محرمان اسرار در (فاعتبر و یا اولی الابصار) المنه الله الفتح که خراب  
آتش صهای عشق و ارادتترین همیشه نقدینه کنجینه همت و حیایت اکیسیر خاصیت لری ایله تعمیر  
ایدوب در آخره حواله و مداخلة امداد غیره در بدر و سر سری سور میوب بلکه چراغ افروخته نور  
نظر لری نه ابد اصادم امواج ضرر حوادث کار کرا ولدینی کرامت مقرر و لری اولمشدر خندانکه حضرت  
اولوعارف قدس سره العزیز رفیع فرماید (رباعی) درها همه بسته اند لا در تو \* تاره نبرد غریب الابر تو  
ای در کرم و عزت و نور افشانی \* خرسید و مه و ستار کان چاکرتو \* (نقلستکه) \* ایام معینه سماع  
باصفای جدا مجد لری زده عشاق صاحب وجد و حال اثنای سماعده چرخزان دائرة بخودی ایکن  
مطربان خوشدم آثار جلیله حضرت بهاء الدین ولد قدس سره الصمد دن و فکین حلقه آیین دلنشین  
اولان کفیه عالم پسندیده لرندن \* آغنگ توزین سر مه چکن کوزینه \* نسنه کور و کوزی کیم واله  
و حیران اولور \* بیت شریفین ترنم ایلد کلری ائنده بر زبان آور خود بین (ع) آناه کور و کور سه  
بوملعه دن غیری \* مصر اعلیه طنز و سخریه ایلدیکی آنده در حال دو چشم عیب بنه طرف غیدن بر ناله  
مستولی اولوب مردم چشمیه بین المبصرات پرده غلیظه اولدینندن ماعدا الم طاق کدازی اول قدو  
کار کرجان بیچاره سی اولمشکه روز و شب کاری ناله و فریاد و بیچتاب اولدقده آخر الامر سابقه عنایت  
ربانی کندو به قائد منزل توبه و استغفار و سائق التجای سایه کرامت لری فریادوس و بیت \* در که نک  
خاکنی خوار کورن بی بصر \* بنجلین کور اولوب سخره شیطان اولور \* بیت اعتذار مضمون و نظم ابتهاج  
مشحونیه سده سعادت حضرت شاهزاده عالی جناب خلافت نصایب لری نه عرض حال پر ملال ایدنجه بر مقدار  
مر اقیه دمنصه کوره روی شاشت نمای شاشت اولوب (بمعرا الخراب من حیث یهدم) مثل سائری  
مصد اقبجه سزله علاج دیده نه اول عاشقانک خاکبای توتیا پایه لریدر دیوب همانا پایگاه مشهود لرندن  
بر مقدار جوهر کفور طینت و عبیر نکه تی هر دو چشم بلای زیان دیده سینه سر مه ایدنجه پرده محازات رفع  
و دردم کافات دفع اولوب انجلی من الاول و اصفی من الاقدم اولدینی ائنده تلثم کوشه دامن کرامت پیرامن  
خیر الخلق و روی ضراعت مال عتبه علیای تریه منوره لری اولوب (آنا و صدقنا که اولادیده من مجرم  
کور دل عماء بعد البصر جز ایدو واله کشت ثانیاً حشم جرم بین و کیه آیین من عطاء بصر بعد العما  
معانه کرد و درین دو جلوه کرامت اکن حیران شد که فی الحقیقه این دوینش اثر آن کشش است)  
دیوانیت طریقت و کله پوش ارادت و سلوک راه راسته سلاک اخوان الصفا به منتظم اولمشدر (قطعه)  
روینده شاهی شو و آزاد بلا شو \* کونال قدم چشمه چشمیت بکشاید \* کونال رهش باشی و منظور

عنایت \* تا نور نکاهش چه کرمها بنماید \* (مرویسکه) \* اول سلطان اقلیم روحانیتک مایه همت  
 بی همتاری اولاد کرام و فقرا و احبار ینک اساس کار نظام معایش و معادلری و سایه غیرت و حمایتلری  
 سدسید اختلال احواللری اولوب فی الحیات والفوات منسوبان سلسله نسب و طینت و منتیمان  
 دائرة حسب و طریقتلری ینک بفضل الله تعالی و عونیه مشکلات جسم و جانلری آسان و جوانات  
 امور لرندن اختلال روی کردن اولوب جلبا و دفعوا بالجملة مأمون الغائله منت ابناى زمان و مستغنی  
 احسان سلاطین جهان و مستغنی امداد نهاییلری اولغله هر بری احراز مرآت رفیعه معنویه ایدوب  
 حکام دنیای دونه تنزل و اهله کثائن کان سرفرو و مراجعت ایتمه کاه مرجع قدر آشنایان انسانی  
 و ملتجای دلروشنایان عرفانی و مسند آرای سرای قناعت و متکازیب خانقاده فراغت اولوب ارشاد  
 قابلین و اسناد مستعدینده رایت افراز امتیاز و فریادوس افتاد کان و راحتسان دردمندان اولده  
 الی هذا الآن مشار بالثان و هذا کور السنة احسان اولمشدر \* حتی نسبة حقیقه لرین مصحح و وراثت  
 سربیه لرین مثبت خاصه عرق زکیلری و امارت توریث بهیه لری اولان چا و امانت کشفاجویان مستندانه  
 کرم بیور دقلری آبدست مینت بیوستلری و از الة بلای بلاد و دفع رمدده مددیور بلان ریق بریق  
 الاثرلری و کشف کربت لقوه و فالجده سبب دفعی و علاج تدریجی اولان سیلی پنجه تسویه پرداز لری  
 و مسخ کف کفایت ساز لری و اندفاع حی و صرعه موروث اولان رفیقه بدیع لری بیروان اسلاف  
 علیه دن بوانان خیال الاخلافده جلوه کرم منصفه تأثیر و مختلفان اثر آبی کرامده نادیده و غیر مسموعه  
 اولدیغی بقایای سلسله علیه لرین احسانله تشویق و حرمانله تأدیب اولدیغندن ماعدار اس المال انتساب  
 اثر شریفلرینه اقتفا اولدیغین اشعارا یله سلاک مسلك مردانه لرین اقدام التحاق قوافل محققینده بدل  
 مجهوده ترغیب و اضاعه نضاعه وقت و همتدن ترهیب بیورملری دخی کرامت معادیه هر دمه اولدیغی  
 نمایان و مستغنی بیاندر کما اشار الی تلك الدقیقة حضرت سلطان الحقیقه صلی الله علیه وسلم هذه الكلمة  
 الجامعة کل تقی تقی فهو آلی فان ظهور النقاوة والتقوى أماره تعج النسبة المعنوية و علامة تثبت  
 الالیه الحقیقه و فی احسان الا جانب و حرمان الا قارب من تضاعف التشویق والتویج مایلوح علی  
 القرائع الصافیة والطبائع المعترية فاعتبروا یا اولی الابصار \* (قطعه) \* آه از نفس فلیس منی \*  
 واه از نظر البلیک غنی \* یارب مددی که سد نکردد \* ینونت ینهم و ینی \* و فی الحقیقه درین طوفان  
 حوادث سیرت حسنة اسلاف سفینه النجات اخلافت من تخلف عنها غرق و اذا ادركه الغرق  
 لن ينفع الملق وحسب حال ما لش (انه ليس من اهلك) باشد اللهم انی اعوذ بک من الخور بعد الکور  
 فادخلنی سفینه نجاتک علی الفور آمین یا مجیب السائلین بحرمة الشفیع الامین \* (در بیان مواهب  
 غیبیه آن سلطان الرجال که در عقبش باصل رجوع فرمود و برخی هنوز یاد کوش مانده است  
 \* (مرویسکه) \* اول نوح ثانی کشتی سلامت طوفان فترت اسمعیلی ده هشتاد نفر درویشان مولوی  
 و ایدالان بیکتاشی قاندى اولوب کویا هر منزللری قریه ثمانین اوله ورق بین الحط و الترحال متوجه  
 فارس اولدقلری اثاده بحسب الاقتضایه بی عمرانه مصداق نزل الله جماعت قناعت مبتلای جماعت  
 اولدقده رفقای خواص فقرادن برمهبط نور نظر عاقللرینه نفس نفس کن فکانلریله خطاب عنایت  
 مآب بیور و ب (ای درویش تنور وای دهده فزون درویشانرا از جیب غیب نان بخش کن) فرمان قضا  
 جریانلرینه امتثال مخاطب مرقوم فزون جبیندن دست اطاعت و تسلیم له جملة محتاجانه نان کرم  
 کرم ایدوب و هر وقت حاجتده صاع الکه متوکلین و قانعینه احسان کرامت نشانلری در کار و جیب  
 بنده کینه لرندن یدییضای ایدیلری پدیدار اولوب روی زیای عروس نزول مائده رحمت پرده دار

اولی رسید رتبه اشهار اول شد \* و دخی اول قافله هدایت بادیه بیای سیاحت و منازل بی آمده پرتاب  
تشنکی اولدقه دیوس کرامت مانوس ثعبان سر لری دهندن نبوع ماء معین ایلهار وای متعششین  
ایلد کلرندن ماعد آمدن و امصاره کذار یور دقلرنده مصارف مهمه اخوان ایچون اول سر چشمه نزال  
کو یاخرانه نقود اموال اولوب دهنی در کجینه مالا مال و مقدار کفایت در هم و دینار تار اولدینی و کاه  
ویکاهر هکذا رخیل اقبال لرینه صفکش اولان ارباب اوجاع و اسقامه لاهسه کف کفایت سودلرینک  
ایصال اثر برء ساعه لرینه واسطه عصای حضرت کلیم آثار اولدینی جلوه کر میدان تواتر مردان راست  
رفتار خوش کردار در که حالا اول امانت عظمای هرین ایدی صیانت اخلاف کونش خانی علیا و علی  
آباها التقدیس السجانی اولوب آثار جلیله مر قومه نك ابعا ضنه مظهر اولدینی مشهور راخوان زمانگرد  
\* (همچنان) \* اول سپدار چند رحمت آستان ملائک مطاف حضرت سلطان الانس والجن ابوعلی  
موسی الرضای الله عنه زیارت فائض البرکات یله مغتنم اولدقه اول دار السماحه دن انعام یوریلان  
اوانی مطبخ میاننده معروف البرک اولان قرغان کبیر که حالا در کاه عالیلرنده هر موسم عاشورا کلد کده  
طبخ هفدهانه خدمته تخصیص یوریلوب لکن انشای سیاحت فارس و عرب و روملرنده جماعت  
انبوه درویشان و محبان طبخ طعام اولدقه هر تقدار اولور سه بهر حال موجودینه وفا ایدوب بلکه  
تشمیر ساعد همت یوروب دست کرامت پیوستلرین هنگام غلیان مطبوخده کفکیر یور دقلرنده  
حیرت العقول برکات یاب واکر هزار واکر صد هزار جمله بی اغناد نصکره نیه لبریز اولدینی مزار کثیره  
مشاهده اولمشدر \* علی الخصوص موسم عاشوراده قصه شایعه برکاتی حوالی کیر اولمغله تینا و تشفیا  
رجامند هفدهانه اولساره بالغامایبلغ احسانه تنبیه یوریلوب توهم نفاذ ظهورنده امداد آب کرمله توصیه  
اولمغله خدمه مطبخ جهان سیرلری موجب امر عالیلری اوزره اقدامه سیلاب کرم روان و جمله بی  
سیراب ایتد کده قطعا لذته تنزل ودانه سینه نقصان ترتب ایتدیکی زمان سعادت لرنده منصفه پیرای بروز  
اولدیندن ماعد بالدفعات حضرت خضر شاه جللی فو بنده دخی سر زده و رای پرده عادت اولمشدر \*  
وفی یومنا هذا نیه مایه برکت پیشیندن خالی اولوب مرتبه اراث تعجبیه امثالندن ممتاز در وبقیه اوانی  
موهوبه مر قومه الیوم مطبخ خاتقا هیلرنده مذکور منقبه دیرینه لیدر لکن علین محررینک خدمه  
حریقله الخیج مهیجه سیمینلری قالوب سرزبب صندوقه مشرقلری و مسیح محال اوجاعده جانشین  
سایه کف کفایت سودلری قلمشدر \* قالب پیشینلرینه افراغه اشارت روحانیه لری ظهور ایتکله  
خود بخودانه اجترادن احتراز اولمشدر \* (همچنان) \* هنگام اقتسام ترکه وافیله لرنده قریب و بعید  
ورثه لرندن هر کس بالتراضی ممنون نعم موروثه اولوب لکن البسه متبرکه و اسلحه متیمه لرنه کلد کده  
خرقه و تنوره و سکه شریفه لری تریه مبارک لرنده حفظ و سیف و دیوس و غداره و رکابلری کفای الحیات  
طرفین صندوقه رفیع و پایگاه معلالرینه وضع اولوب و احیان امتضاده میامن جلیله لرندن استفاده یه  
قرار ویرلش ایکن شمشیر عجایب تأثیرلری شعب نخله اسرار و عروق نسبت پایدار لرندن حضرت جللی  
خضر شاه جناب خلافت مابلیینه تقویض و تسلیه اشارت روحانیه لری سنو حمله عمل اولمغله  
اقتضا ایدوب وذات ستوده صفاتلرینک متقل سرقد سیرلری اولدینغه حصول یقین ایله نوبت  
صاحبیت سیف کرامت لری کندویه نقل ایلدیکي متعین اولدینغین اطوار شریفه لری دخی تأیید ایدوب  
لکن حسن ادب لری علی جری العاده استجماله مانع اولمغله مقام خالصینک دیوار سمت قبلی و بالای  
سردولتمند لرنده آویره وند حرمت و امانت اولسنی استحسان یوروب (الجنة تحت ظلال السیوف)  
مصدافجه سایه پر برکات لرنده آسوده سر هجوم صوری و معنوی اولمشدر در پس خصوص سیف



صارم و تعاطی حسام حاکم بنده شه و د اشارت مساعده لری دستور العجل اولوب قربا بعد قرن مراعات  
ادب و محافظه رضاسیسیله استشمام تعیین اولنان وجود نجابت نهاد سلسله زکیه لرینه تسلیم قاعده  
مقرر اولاد کرام و ضابطه مجمع علم ای احفاد ذوی الاحترام لری اولمشدر \* حتی حضرت خضر شاه  
جلبی عقینده سکان دار اولایه قونییه صینت عن البلیه دن اولان بعض ورثه نسخ قانون همایون مر قومه  
اجترا ایله اول سیف تابدار کرامتی حصه ارثیه لرینه ادخال ایدوب میان سائر امتعه ده تعبیه ایله  
وطن لرینه نقل و تفقد اثنا سنده غائب و مقام صاحب مشار الیه حاضر بو لمغله بردخی جاده رضادن  
تخلفه جرأت اولنموب ابقای ما کان اولمشدر \* (مرویدر که) \* دیار انا طوایده سوختکان شرار یاش  
طغیان و شعله انگیز بغیان اولوب اثنای مدت امتداد شقاوت لریده بالدفعات تفریق جمعیت و دفع  
مضر تری باینده صدور یافته تهدید اولان او امر سلطانیه مباشرین تمثیتی اولان میر میران و وزرا  
اجرای مضامینده اظهار عجز ایتکه زور بروز لری اختلال افکن امور محالک اولدقده رئیس لری  
اولان شخص بی تشخیص خیال محال استقلاله دوشوب و اول سیف عجیب الاثر ک صدای احوال  
غریبه سی کوش زدی اولمغله کندو به سیف دولت و حرز نکبت ایدمک آرزو سیله نفرات  
سوختکاندن بر عیار پیشه و مکر اندیشه بی زری درویشانه قویوب حضرت کوچک محمد افندی  
زمان خلافت لریده آستانه سعادت لرینه ارسال ایدوب و هنگام غفلتده سیف مر قومی اخذ و کندو به  
ایصال صد دنده اتمهاز فرصته تنبیه اید ایتکه اول دخی بدل انبان وسع و حیل و تعافل مصلحت انجام  
پیشوایان و تعائی روشن دیدکان عاقبت ینان ایله دست یاب ظفر و پای بر مر اولوب مر ادنی شخص  
مر قومه تسلیم ایتد کده اول دخی خیمه مسند نشینی بایکاه عمود ک خدا سینه آویخته و تحت سایه سنده  
قرار و دفع اندیشه دمار ایتد کده باذن الله القدر المستقم اول قتنه خوایده غرقه غفلت ایکن سر زده  
برده نیام و کردن نام تمام اولوب علی الصباح اتباع شقاوت نهادی و جانداران حراست معتادی اول  
شمسیری زنهاری قتاده میان کردن و سر پر ادباری و آغشته خون مرداری بولمغله کندو لره باعث  
بیداری و کلر آزار عباد و تخریب بلاددن بادی بیزاری اولوب علاقه جمعیت لری کسته و کندو لر کما  
فی الاول بقاع و مدار سه پریشان اولوب و وقعه سرقه حد و شده بین الاقارب و الا جانب دغدغه فرسا  
اولان کفت و کوی احتمال سرقه و غیبت معهوده جواب تسکین بخشا سنده حضرت کوچک محمد افندی  
قدس سره العزیز ک نفس بزرگ اثر لری که (غم مخورید کشنده را کشد و برنده را آرد) در اول نفخه  
قدسیه مصداق فچه عیار مر قوم عیار متاع مسروق و قی اذعان ایتکه توبه کار و تیغ بر سر و پلاس ندامت  
بردوش سده سعادت و رومال و کمر بسته خدمات ارباب حال اولد یغی کوشکدار رجال دولت اولدقده  
اول امانت کبرایه خزانه شهر یاری محل اولد یغی مشورتده (هر که راسر باید ازین اندیشه براید) کلام  
انصاف نظامیله پادشاه وقت ختم نامه استشاره ایدوب وجود عواطف خسروانیله عزیز مشار الهی  
اکرام و نیرات روحانیات اجداد امجاد لرندن استناره بیورد قبری بقایای اصحاب معاینه دن شفاهات بقی  
اولمشدر \* (تقلستکه) \* اول سیف تابدار مظهر آثار عسا کرم و حیدین اعدای دین ایله اینا کلوا  
جهاد ایدوب و نصرت الهی و تأیید کاهی متوجه جانب جنود الرحمن اولدقده بهر حال عرضاً حرکت  
کوب کندو بی دیواره بالدفعات اوروب و گاه و بگاه اثنای حرکت و اهتزاز معهوده ده منید الغیب  
آهخته نیامه رک اولوب لکن تفاوت مقدار انسلال لری ایله بناء علی التجربة العیدیه کمیت نصرت  
و تأییده تقال و استدلال اولند یغی اخبار ساره غلبه مسلمین تفصیل و تصدیق ایدوب اثنای اسفار غزات  
موحدینده حرکت مر قومه سی مژده ده پیشین اولد یغی کبی سکونی دخی یا صلح و یا عدم مقابله

و نامغلوبیته امارت مجربه اولمغین چشم و کوش اهای طرف باهر الشرفلینه اولدیغندن ماعدا هر کاهکه  
اولاد کرام خداوند کوری قدس سره الباری حضرت اتندن بریسی سر نهاده بالین احتضار اولسه البته قریبا  
کان او بعد اطولا حرکتته کلوب اکثر یا اوچ کره حرکتدن صکرده ساکن اولدقه انتقال کباره  
و حرکت ثنائیده ارتحال اوساطه و حرکت واحده سنده فوت صغاره اشارت اولدیغنی رسیده درجه  
تجربه صادقه اولدیغنی کار خاندان علی التواتر استماع اولندیغندن ماعدا اول عرق زکیدن  
اولاد واقربا لری انتقالنده کیفیت محرره معاینه و اوقات حراب مجاهدین اسلامده مشاهده  
اولمشدر (ولیس الخبر کا لعیان) مصداقچه فمداثم جدا آثار جلیله لری باعث تاکید و تشیید اعتقاد  
و تأسیس اخلاص اولوب سر مو ترده و اشتباهه کوشه دل و جانده جای تخیل نایاب و تخیل اریاب و توهم  
خلاف مدخلی مسدوده اولمشدر \* (مرو بستکه) \* اول حصص دور و یک بعض آثار وجه ظاهری  
مصر و مستغرقه بسملة شریفه ایه اشارت طولانی یعنی سمت راستدن طرف قدمنه اسلوب ضربی  
محماده امرار اولنسه در حال افاق حصولی و قبضه مبارک سنده زر نشان اولان قطعه جلیله نادعلیا  
الی آخره انک غساله متمنه سی محومه عاقبت دفعی رس اولدیغنی و آب روی تابدار یکه مفتوح آیات سوره  
الفتح زر نشاندیر تیسیر وضع الحمد و تسهیل نزع الروح و دفع یحیی سکرانده آیه من آیات الله الحکیم  
اولدیغنی سوائف از ماندن ماعدا آفاقا اتحاد اوزره اولوب و اول خوشقدم مقام رفعتل سر قبضه لطیفه سی  
کهنه سر شهباز در ناگاه فاخته مقدار بیاض رنگ سبز متعار دودیده سر مه دار بر طائر لانه غیب  
قراره نشمین اولوب ینه مدخل و مخرجی با صره دن نهان مانند روح روان آشیان اوله پرواز ایلدیکی  
و بوضورت بدیع پدیدار اولسی عقبنده خاندانه من حیث لا یحسب بخت و اقبال و قنوج توجه  
ایلدیکی غیر مره جلوه کمر ساحت حدقه انتظار اولمشدر \* و دخی در دمنان اصحاب خلوصدن  
هزار بیچاره و نا امید عاقبت وجه باطنی لریدن عکس انداز اولان بر تو عنایات کافی الواقع اثر فراموشلایان  
ادواء مشکله به دوا اولدیغین هنوز بعد الوقوع و رود و فودند و روبرابین تشکر و تقول ترا کب و قایع  
صادقه شهود محققه و براهین مصدقه و عهد سابقه بی مجده و مذکره در \* و دخی رکب معالی انساب لری که  
پایین صند و قه سامیه لر ند در اورام او جاع اقدامه تعیین یوریلوب غریز کندن جهه سای آستان فلک  
سای تربه فردوس ربه لری اولنله مساس جرم شریفی مایه قوت رفتار راهوار و علی الخصوص اطفال  
زمانیه سبب اقتدار و اقدام مشی هموار اولدیغنی محض برکت قدم کرامت قدم لری و اثر کف پای مدارج  
پیمالری اولدیغنده اشتباه عین تسویل نفسانی و نفس و سوسه شیطانیدر فطوبی للخلصین و بشری  
للخالصین \* (چنانکه) \* حضرت پیر قدس سره المنیر فرموده است \* معجزاتی و کرامات خفی \*  
برزند بر دل ز پیران صفی \* برزند از جان کامل معجزات \* بر ضمیر جان طالب چون حیات (بیت)  
شدز با بوسش رکاب شاه مانند هلال \* بوسه کاه مردم چشمان اصحاب جلال \* اگر چه عتل  
دور اندیش و فکر فضولی به بومقوله اجرام جامده دن طه و آثار عجیه دخی امثال مانخولیا نامدار لکن  
قلم جامد دن مفاتیح الرزق اولان خطوط حسنه ظهوری و سائط انامل و دست و بازو و عروق  
و اعصاب و افئده کاهه مرتفعه اولدقه ارواح و عقوله منتهیه اولوب اندر دخی کذر اولند قدغه  
سروالیه المنتهی پدیدار اولمغه مطلقا اولیاء کرام و متعلقات متبرکه لرندن و نما اولان غرائب  
احوال فضل محض مکررم بی غرض و عین لطف محسن بی عوض اولق اوزره ککاب عقیده  
اهل السنه در رشته کش ایراد اولنوب و لا یخرق العاده المتقنه الا صاحبها مصداقچه  
(وان من الحجاره لما یفجر منه الانهار وان منها لما یسقى فیخرج منه الماء) موجبه جوامد مذکور ه دن

آثار عجیه مرقومه نك اراثی اسیر برنج اعتزال اولنله تبا کیت سبجانی وعدم مرتبه سی جووددن  
انزل ایکن بالقصدرة القاهرة اراثت نقوشا کوان مسلمة اولنجه ماعدایه ( وما هو علی الله بعزیز )  
جواب باصوابی تنبیه صمدانی اولدیغنده تردد العیاذ بالله الحفیظ اثر شقاوت سرمدیه و غنونه حرمان سعادت  
ابدیہ در (قطعه) آهن ازیوندر روشندل شود \* روی خوب و زشترا آینه دار \* زانساب لافقی الاعلی \*  
کفته شد لا سیف الا ذوالفقار \* (روایت کرده اند که) اول یکنه میدان ارچندی و فرزانة دیوان  
حق پسندی اغنی به حضرت السماعی محمد افندی قدس سره العزیز که مبتدای ظهوری و منت های بطونی  
یکپاره دائره کالات و هیه و حلقه جمعیت زمان و مکان و اخوان اولسی زمان مساعده عنوانلری (ولدت  
فی زمن الملك العادل) خواسنج و لادتلری و اخبار یزیدیه و ارتفاع شان و اعتلای مکتلری نوبت سلیمیه  
و قرار شیخ و ختلی موسم سلیمانی به مصادفه اوزره اولوب سلطان دیم ولایت بین السلاطین معامله  
بالمجاهله نبوت و اخوت و ابوت ایلد ظاهر و معبر و باطن اولوب خود ممکن و اخوانلری خصوصی عیان  
وغنی عن البیان در اول شاهباز عرش پرواز سدره نشین و سرو سیرافراز کلشن علینک کلاه غدیلری تیغ  
سرتیز و رکاب آهنیلری کردند بیر انکیز اولنجه سرتا قدم ذات همایون کرامت مشکونلری مناقب شریفه  
سنه حواصل تفاسیل عبارات تنک و استقصای ماثر لطیفه لرند و مشاعر موشکافان تنک اولوق حسیه  
نشر فوایح طیه اذ کلر جمیله لرند و رشحات یسیره اشارات و لمعات خوارق بوارق جمالیاتله اکتفا و اکثر  
شوارق مشارق و مغارب کیر جلالیاتلری طی و بعض نسایم عنایتلری بیانی مواد و مهاب خاصه لرینه  
تأخیر و محملند و ترقیده نیجه عواند زائده و فواند رائده ملاحظه اولنوب ذره من الشمس الانور و شیه  
من المسک الا ذفر اشعار و اشمام اولمشدر که مستنیر اشعه ولایت و مستنشق نفحات کرامت اولان  
اخوان صفا و اخدان و فاتعرض استمداد و حایه لرند و تثبث اذیال شفاعات سنیه لرند غفلتی لائق  
شان همت و الانشان کور میوب خدمات علیه درگاه دودمندان پناه لرند مکر بسته اقدام و ثبات قدم  
اخلاص اولغله انتهاز فرصت بقیه عمر کرات قدر ایدوب و اضاعه بضاعه مزجات و قندن توقیده اهتمام  
تام بیوره لر معنا الله تعالی بشرائف التوفیق الی ماینیه و یفیق بحرمه سیدنا حبیبیه الشفیق الشفیق  
اگرچه هر چند \* (یت) \* از کلک و زبان که بر آید \* که خدمت و صفش بدر آید \* مصداقچه  
عهده تنیق منقبه تنیس لرند کاهی خلاص بیرون طوق لهجه مهجه بشر در لکن مسئولدر که سر  
خطا و نقصان بنده ینه کوشه دامن مروت پیرامن سراقدر سلیله مستور و روی کار کرد آلودی  
کرشمه عین عنایت و حانیلریله منظور و بیوریلوب \* (قطعه) \* صاحب کرماتی که بر حمت پیوست \*  
از بنده نشویند هر زلت دست \* ورنه نشنیدیم کسی کو برخاست \* بر یکروی کرد خطای نشست \*  
مضمون رحمت مشکونیه بمنون و خاطر محزون اقتاده خلک در کولرین مأمون دغدغه شرم هفوه  
و قصور ایده لر بمنه و کرمه آمین یا مجیب السائلین \* وکیل و اهاب الی مالدر سلطان دیوانی \* اصیل صاحب  
الاجلالدر سلطان دیوانی \* عجب فریاد رسدر همتی آفاق و انفسده \* نکهبان جهان حالدر سلطان دیوانی  
\* ولی العهد سر حضرت خنکارا کبردر \* هر بر صقدرا بطالدر سلطان دیوانی \* نوله پر وانه شمع خیالی  
اولسه هر دیده \* عطافی قیله اقبالدر سلطان دیوانی \* نه غم آفل نما اولسه و رای سایه دن خورش \*  
سر کونه ینه جوالدر سلطان دیوانی \* اودرجون بحر و بر جسم و جانک خضر و الیاسی \* ملاذ سفنه  
اهوالدر سلطان دیوانی \* بتر ناقب سکادولت کدای در کسی اولوق \* شهنشاه بلند افضالدر سلطان دیوانی  
(در سفتن در در آن عمان فنون و در کفتن سیر و سیر آن برهان شئون اغنی به حضرت جلال الدین ارغون  
وهو اکثر المشحون بالدر المکنون افیض علی تراه المأمون من الطیب ملا تسبقه الظنون) \*

حضرت جلال  
الدین ارغون

(آورده اند که) اول نقاوه خاندان یقین و سلافة انسال سلطان العارفين و خلاصة سلسله ترکیه مخلصین حضرت حلی ارغون جلال الدین بن حضرت برهان الدین الیاس پاشا بن سلیمان شاه کرمانی قیل ولادت بر برکت لرندیده بزرگوار لری تماشای عالم خیال و مشاهدۀ جهان مثال و کلچین غریب ترا کتب احوال ایکن جدد اعلالری اولان ارغون خانی حشمت ملوکانه لریله سعادتخانه لری بنه تشریف ایتمش معاینه بیوروب اول سرور و موفور له بیدار اولدقده بوشاهزاده والا منقبت ولادتیه مبشر و حصول جهورنا محصور میسر اولمغله واقع لرین تقالاً بالخیر منزله واقعه تنزیل و نام نائی جد سامیلر یله تسمیه بیوروب (ارغون ماهنوز آمد) نفس انفسلریله علوشان و سموکان صوری و معنوی به نامزد اولوب و بفضل الله تعالی و برکات عرقه الاعلی تقال تینلری تحقیق یاب و متکازیب حقیقت و مسند آرای معرفت و مہیارۀ وجود پر سودلری منزل ولا یتده بدر التمام اولشدر \* (بیت) \* ز آسمان آیدم این بخت نه از عالم خاگ \* کار اقبال و ستار است نه کار بازو \* (نقلستکه) \* اول نوباوۀ شجره طیبہ الیاسیه حسن انشا و لطف نماده یوسف صدیق نما اولمغله کو باثمره القواد کرو و صدیقی نژاد و قره العین اعیان جلالی نهاد اولمغله حمله خدمت تربیه و همت تنمیه لرندیده یکدل اولوب عنفوان شبیا لرندیده مجمع الابجر علوم نقلیه و عقلیه و حامل آداب المجالس العالیه و کشف اسرار المسائل الغامضه اولدقده سالک مسلک فراغ بال و سائر منہج صفای حال و بیزار دغدغۀ جاه و مال و مقدم توطیہ مقدمۀ ذوق مآل اولوب مانند سلطان عباپوش اختیار طریقه فقر و فنا یله واصل کنتر لایقنی و نائل سر مولانا و واسط عمر نازین لرندیده تاج خلافت دار و عماد الدین هزار دینار وقف و بنا الیلدیکی خانقاه طریقه خداوند کاریده شیوۀ مشیخت و جلوه ارشاد اوزرہ قرار داده اولشدر \* (بیت) \* کسی که نبوت الفقر فخری زد جانش \* چه التفات کند تاج و تخت دینارا \* و روشندلان عواقب بنیان موازین اعتبار لرندیده کوهر تابدار کران مقدار لرین دست صیانت روحانیۀ جد بزرگوار لری خس و خاشاک ربود کان هوای دولت ناپایداری سلکنه انضمامدن محافطه و قطع علاقه ماسوا یه مواظبه اوزرہ مراعات شیئ مشفقانه لری اثری مشاهده اولنوب و بلکه سریع بار کران امارت دوش همت آزادان خاندان ولا یت لرندن از احه ایلہ اراحۀ اولاد کرام بیورلق مرایای قرایح صافیہ لرندیده جلوه کر اولمغله پیشین صوب ساحل سلامت استغنا و فراغه عطف عنان همت اول سلطان عباپوش و ثانیام شرب عالی لرندن سرزده اولوب آخر الامر سعید الحیات شهید الممات یعقوب حلی نو بنده صورت پذیر غدر کوهر قدر (ولا یحیی المکر السی الی اباہله) مضمون منیقی تمثیقی فلم توقیع غیبت ذوالجلالی ایلہ ثبت کردۀ صحیفۀ دهر اولشدر کویا آخر نبوت خلافتده ظاهر اولان غدرک مثلی اشکار اولوب مغدورین دولت ولایت و کرامت شهادتله ممنون و غادرین نکبت تدبیر و استدراج غرامته مقرون اولشدر \* (بیت) \* تا توانی بنده شو سلطان مباش \* زخم خور چون کوی شو چوکان مباش \* (مرو یستکه) \* اول شاهزاده ولایت طینت وادهمی طویت دستشوی تصرف مال و دامنه کش زیر پای عزلت امثال و آستین افشان تنزل جاه و جلال اولوب تسمیر ساق سلوک راه رجا و کمر بسته خدمت ارادت اولمغله تحصیل حاله اشتغال بیوردقده و اوائل عهود حسن سلوک لری او اواخر الدماجد و عم عمیم البرکات لرینسه مصادفه ایتمکین مقدمات و مبادی استکمال نفس قدسیلرین انلر نظرندیده استیفا بیوروب بعد زمان اریکه آرای خلافت عارف اکبری اولان شاهزاده معظم امیر عالم و بعده امیر واجد صحبت تربیه فرما لرندیده احراز مقامات نہایتہ موقی اولوب خانقاه عماد الدین هزار دینارده متعطشین طریقه اولویۀ مولویہ کثر هم الله علی الاتحادی اروای زلال ارشاده تعیین بیوریلوب حسب المأمورین الجمع اخوان جانداران ایلہ صوب

مقر خلافت ره را بت کش ائتمار اولد قلزنده تکمیل رسوم استخلاف یورلدیغی ائنده اکرام روحانی  
جد امجد لر یله زبور تاج خلافت اولق اوزره استوای سر سبزئ حقیقت احسان یوریلوب اول عطیه  
اشارت اعتدال ونادره بشارت کمال حال انلردن سر زده وتارک سعادت لر زنده قرار داده اولوب انلردن صکره  
دخی واصل مجمع البحرین جمع وفرق وفائز سر منزل جمع الجمع اولنلره سبقت اشارت روحانیه ایلله  
نشانه قیام مقام (انی جاعل فی الارض خلیفه) و علامه خضراء خضریه سربیه اولشدر کما اشار حضرت  
الامیر واجد قدس سره الماجد بقوله لکل امر استواء اذا سلک کتبه ملک کتبه الی حد الاعتدال بین الافراط  
من الفرق والتفریط من الجمع فکما استنبیض فی اعتدال المزاج بالروح فکذلک یستفاض فی هذه  
العدالة بسر الخلافة \* (وچنانکه) \* حضرت پیر قدس سره المنیر در مشوئ معنوی از آیات کمال انسانی  
فرماید \* (بیت) \* اطلس تقوی ونور مؤلف \* آیت حمد است اورار کتف \* وار هیده از جهان  
عاریه \* ساکن کلزار و عین جاریه \* بر سر بر سر عالی همش \* مجلس و جای و مقام و رتبتش \*  
مقعد صدقی که صدیقان دراو \* جمله سر سبزند و شاد و تازرو \* فی الحقیقه واصل سر اعتدال  
صراط المستقیم و نائل بر استقامت سیر قدیم وفائز مقصد اقصا و حائر قصب السبق انتها اولنلرک سیادت  
معنویه و وراثت حقیقت احمدیه لرینه آیه ایما اولدیغندن ماعد اول نشانه تشکر نعمت عظمای  
خلافت کبرای زبیب حاق الوسط فرق فرقدان سالی وزبور تارک کلاه امتیاز کلی نماییلری ایتمده  
هر دم یارب جای ملاحظه موقع قدم و سر در سر محافظه هبوط برزخ ندیم اولملری خصوصنده نصب عین  
اعتبار و مطمح نظر افتکار قلنق دقیقه سی در کار اولدیغی معاین اولی الاصدار و دخی جهان انفسده  
تحت معدل الفلک الاطلس الروحانی و قسم اول اقلیم اول ارض ساهره واسعه ده که نیر اعظم تجلی  
سمت رأس و قدمدن دوران ایتکه وقت استوانه ایت ارتفاعده هر مشاخص قدم قدم و باقی فنا توأمک  
ظل وجود امکا نیسی بالکلیه مضحج و میل جسمانی سر و وجه مائل و موانع کمال استناره سی اولان  
بقایا امر تقعه اولدیغی زمان (لی مع الله وقت) امینی و مکان عین مقعد صدق مکینی اولنلر شایان علامت  
معهوده اولوب ماعدانی عز و ال مرتبه سی دخی بقیه وجود ظلی امارت عدم استواء اولغله بحسب قانون  
الحقیقه مانع تعلیم مرقوم اولق سیبیله محروم اولق مقرر در \* قبل حلول الوقت و المقام صورت مهمله  
تقلیدیه ادعایه اولدیغی ظاهر و سرب مغر حمله سودای غرور آور اولدیغندن غیری بلای غیرت  
یار اوله جفی با هر در کما اشیر الیه بقوله (لا بد لا استواء من زمان و مکان و استقامه قائم و العارف یکفیه  
الاشارة) \* (چنانکه فرموده شد) \* بخط استواء بر قامت راست \* ندارد سایه پیش و پس جب  
و راست \* چو کرد او بر صراط حق اقامت \* بأمر فاستقم میداشت قامت \* ندارد سایه کو  
دارد سیاهی \* زهی نور خدا نطل الهی \* (مرویتکه) \* اول بدر منزل خلافت پیر اصوب مقرر مأموره  
تحریر یکنند و بر توجه یوروب دارالدوله ولایت اولان محمیه قونیه حرست عن البلیه دن رایت افراز  
تودیع اقارب و احباب و خواص اخوان و خلایقه سده سعادت بوس تربه فردوس رتبه جد بزرگوار  
ور و عیال آستان آستان پناه حضرت شمس الدین قدس سرهما و اقیض علینا و علی كافة الطائین  
سجال برهما اولد قلزنده و رای پرده باب عنایت مآب قبه عرش و قه مشهد مقدس لریدن علی رؤس الاشهاد  
اناله و اهدا یوریلان سکه ذوالشرف شمسیه بی با کمال ادب و خلوص درون کلاه کرامت دستکاه لرینه  
درج و تلبس یورلدیغی جانب سراق قدس جناب اضانت نصا بلریدن دخی بهره یاب نور نظر و حصه مندر بر تو  
اثر اولدیغین مشعر اولدیغی کبی تختگاه قطیبتلری اولان بلده کونا هیهیه و صوالری قیلسده فقرا  
و احباده جمع کثیر مره بعد اخری منزل سامیلری اوله جق مقام رفیع هبوط قروحوالی شریفه سنک

تمام استناره سین مشاهده ابلد کمری عقینده قدوم مینت قری نلری سد طرق تعبیرات اخرایدوب  
وما خلیفه الشمس الا القمر حکمنی مقرر اولق مقرر اولشدر وکاه ویکاه اول تاج هفت کنکره بی ساده  
تلبس یورد قلنده طرف باهر الشرف حضرت شمس الدین قدس سره المیندن صوری ومعنوی عکس  
پرتو عنایت روحانیه لینه اشارت یورد یغین ظهور آثار غیر مترقبه تأییداتیکه شبیه مجریه لری  
محرمان رازه باعث انتظار آثار مر قومه اولوب اول بدر کاملک آینه دار شمس فلک حقیقت اولدیغنه دلیل  
روشن اولشیدی والحاله هذه جلوه اشعشع وحایت مقدسه لری آثار حوالیده درکار و ساریان دیده و رانه  
مشعله دار اولدیغین الآن کما کان اولمیرینه و اول آفتاب اوج سعادت حامل نور سر اقدس اولد قلنده اول  
و آخر ادو دیده شهود ک مردم ینش بود لری شاهدین عدلین عیان اولغله مقدمه یقینیه خلافت شمس لری  
مانند (نورا قمر مستفاد من الشمس) قضیه مجریه ارباب نظر اولشدر و اول سکه هفت کنکره هنکام  
رجعت عالم علینلریده کویا سر جان مقدس لری به جهان غیب و و رای پردۀ خفایه حکمشدر \* حالا  
سر زب صندوقه کالبد علیه لری اولان عمامه رفیعہ در و ننده اولان سکه شمسیه تمدن نمونه یاد اولق  
اوز ره منقولدر ومع هذا صدق و خلوصه در دمنان صداعه الی یومنا هذا تلبسی سبب بر عساعه ایکن  
حدنا شناسان و قدر نافه مان اصحاب تریدن ادعای استحقاق سکه معهوده ایلد بر ناسته روی قلندر هیکل  
فرق سر پر باد غرورینه وضع ایلدیکی حینده گرفتار عارضه صداع دمدم افزون و چند روز اسیر ناله  
وانین اولوب آخر الامر بالله انغیر و سر بکرای عدم اولدیغی باعث اعتبار کوتاه آستینان و بادئ  
انتباه دراز دستان اولنجه اثر خریل نمونه لری نمودار خواص محیره العقول اصل و روشن دل میا من  
تشبیه بر کات صحبت اهل اولوب در و دیوار مردان خدا و بلکه سایه قیاب فاخره مشاهده عالم لری دخی  
پناه در دمنان و مایه راحت مستمندان اولدیغی انوار اقرار افلاک ولایت آسا عالم عین البقین کیر  
اولشدر (من اعتقد حجرا فقد نفعه) جلوه کرم بدان ثبوت اولجق (من اعتقد ولیا فقد نفعه) بالطریق الاولی  
اولدیغین انکار خلاف بداهه جلیه در \* (چنانکه) \* حضرت پیر قدس سره المنیر در مشنوی معنوی میفرماید  
رقعة تعویذ میخوانند نیز \* در شکجه طلقوزن از هر عزیز \* پس همه دانسته اند انرا یقین \* که  
فرستد بادرب العالمین \* پس یقین در عقل هر داند هفت \* انکه باجنیده خیاننده هست  
\* کربوا و رای نبینی در نظر \* فهم کن اورا باظهار اثر \* که بمقوله اسباب خفیه التأثيره اعتقاد محضا  
اولیای کرام حضراتنک من طرف العزیز ذی الجلال والا کرام احترامنه اعتماد و فی الحقیقه ثقه بالله  
راجع در و الیه المرجع والمصیر من الشریف والحقیر \* (آورده اند که) \* اول پیشوای کربان اهل  
یقین و سپهدار خیل مجاهدین میدان دین سائق وارد سجای و قائد الهام ربانی تأیید و امدادی ایلد مانند  
خرشید رخشان منازل احباب و صدقای طریقه جدا مجدین پرتاب ارشاد و مشتاقان جمال کمال انسانی  
اولنلری قری العین اسعادیده رله فتای نظر کاه قطبانۀ حضرت سلطان عبا پوشه قدم نهاده انجذاب  
اولد قدۀ اول یکنه جهان مروت بالذات رایت افزاز استقبال و عسکر کش استجلال اولوب من قدیم  
الایام واردین و صادرین سادات مولویه تشییع و ترحیب کاهی و بعد عهد سلطان دیوانی قدس سره هماده باغ  
بهاولی عنوانیه معروف اولان مهبط آثار رحمت حمدانیده قران نیرین فلک ولایت منشأ حوادث کرامات  
اولوب کویا اول نزهتسرا مجمع البحرین سر حضرت خضر والیاس و محل اجابت دعوات خیریه عامه ناس  
و مقام احتراق کروه مکروه خناس و سواس اولوب صدور صافیۀ صدور دن غلیان ایدن سرور  
نامحصور ائسانده سحاب عنایت دخی غلبات وجد و حال بار اولغله انتهاز فرصت کاهی و عقد مجلس  
سماع و صفای کاهی و انجام دوران مقابله الارواح و الاشباحده کلبانک تنیه خلافت ایلد تحدید سیف

همت و تجدید عهد قربت یوریلوب اول صفوت بی نهایت ایلده همر کلب و هم عنان سعادت و اقبال من  
 المراحل الی المنازل میانہ بنی نوع انسان و جادہ انوار انتظار منتظران دن و لولہ فی و قدوم و دبده هجوم محبانہ  
 مرور و محط رحال آمل عارفان اولان آستان راستان آشیان آبای کرامہ نزول یوردقده اول جلالت  
 شان و شماخت عنوان معانیہ سی کزوه انبوه اسیران سلاسل و اغلال اشراک و انکاری اطلاق  
 و خرب موحدین و منصفینہ التخالقینہ باعث و سوادقہ حصارک ازید من الاول نور ولایتہ استنارہ سنہ  
 بادی و دلشنکان معرفت زلال زندکیدن قفت سیراب اولمیرینہ وسیلہ و فیض صحبت پر  
 حکمتلری اشراق مصابیح قراج مخلصینہ سبب اولمشدر و اول ایک شہزادہ و الامتصبت امتزاج شہد  
 و شیرانہ و اتحاد مریدو بیرانہ لرین برادر برز کواری مظفر الدین قدس سرہ المبین مشاہدہ یوردقده  
 خوش حال نشئہ خفیہ صہبای محبت و وحدت غماری اولوب بدینہ توقیرضہ غرای تشکر و دعا مضمونی  
 انشاد یورمشدر (ایات) زہی عزتکہ مصرحسن صورتہ اولہ دائم \* کف میزان ذاتی جوهر  
 جانبہ مال مال \* زہی رفعتکہ اوج لطف سیرتہ ثبات اوزرہ \* زمان سبقت اقراں اولہ مرفقات استکمال  
 \* الہی بونلری چشم و چراغ ایت بزم احبابہ \* صفای وقتلہ اولدقہ انلر حسرت الامثال \* دمام  
 رهنمای خاتقاہ وحدت اولسونلر \* کہ کثرت ایتیمہ اخوانم سرکشمہ و پامال \* دل اکھدر انجق  
 مظفر دولت بیدار \* کہ جمع اولمز فراغ بال و ذوق حال و جاہ و مال \* حضرت سلطان عباوش  
 جناب سماحت نصابتک نلرم مروتلری خروشه کلوب شکرائہ قدوملرینہ نثار موجود و بذل مجھود  
 یوروب مہمتات مولو یہ اولان ایام معدودہ اثنا سندہ تکمیل رسوم اکرام و تہنیم لوازم احترام اولندقده  
 عباوی مبارک لری علاوہ تبرک و لیاقتین اولق اوزرہ الباس یوریلوب روز ناسع عشر دہینہ جملہ  
 وفود استقبال و طوائف عسا کر عظم و خال و عامۃ خواص و مقربین ایلہ نہضت و مقرر خلافتلرینہ عطف  
 عنان ہمت یوروب اسعد ازمان وابرک احبابانہ کیم زمین محمیہ کوتاہیمہ شرفیاب رومال سم سمند  
 اجلا لری و مردم چشم اہالی روشنہ کبر جلال فرخندہ مالاری اولدقده ہر کس تلتیم رکاب ثریا  
 جنابلرینہ دسترس بولیوب بلکہ اکثر مشتاقین همان انشہ انوار عیون انتظار لرین پای اندازمو کب  
 بہت مسیرلری و دموع کریمہ شادیلرین رش رھگذر قوافل مشات و فرسان اخوان و خلان صافی  
 ضمیراندن تسکین هجوم کردو کرما یلہ اکتمایدوب اول مردم چشم و شندلان و چراغ انجمن عرفانی  
 اعزاز بی کران و اقبال با احتراملہ مستند سعادتلرینہ انزال و روز و شب احداق اکرام کونا کونلہ حدائق  
 نرھتفرزادہ تحذیق فرما و شبستان ضیافات متابعہ دہ پر وانہ کردار ماملک نثار خدمات علیہ لری اولوب  
 علی العموم کمر بستہ ارادت و سر دادہ زانوی اناتلری اولغلہ کونادائر امداد بلدہ مولو یخانہ اولمشیدی  
 حتی بو مقولہ اقبال ہر دم افزونی برادر صاحب نوبت امارت کرمیانہ علاء الدین علی طریق التحدیث مجمع  
 اعلی اولان مجلس روحا بتلرندہ ایرادیوردقده حضرت ارغون جلال الدین تادبا سکوت و تمسکین  
 یورمغلہ سلطان عباوش (الولی بین اہلہ کالرو ح فی جسدہ) نفس قدس سیریلر یلہ تأیید (ونفحة الارواح  
 جنود مجنۃ فاتعارف منہا ائتلف) سرنلر بروزی اولغلہ تحقیق یورمشدر کہ اہائی نفس رو  
 خلافتلرینلک دفعہ جانب جنابلرینہ انجذاب اطاعت انکیزلری بعینہ اجرای بدینہ سنلک طرف اولی الامر  
 روح سلطانی بہ اتصال و ائتمار لرید کہ سرکش اطاعتی اولان سرمو گرفتار درد حرمان فیض لطف  
 حیات اولق مقرر در \* (چنانکہ) \* ازین کلہای حقایق خیر کلشن راز نیز بشام دل و جان عارف  
 این بوی خوش همی آید (ایات) تو بودی عکس معبود ملانک \* ازین کشتی نومسجد ملانک  
 \* بود از ہر تی پیش توجانی \* و زو بر بستہ باتور یسمانی \* ازان کشتند امرت را مسخر \* کہ جان

— Abā-pūṣ-i Velī  
 — C. Ergun Celebi  
 “Kapidan geymek”

هر یکی در توست مضمر \* تو مغز عالمی زان در میانی \* بدان خود را که تو جان جهانی \* (مروستکه) \*  
 اول سلطان سر پرده حقیقت جلوس چار بالش طریقت بیوروب (من اختار نفسه فليس باخ ولا صديق)  
 مصداقچه التزام صغار اخوان و تعهد و فاء خلان اوزره ثابت قدم اقدام اولوب اگر سلطان عباوش  
 و اخوان و خلانی و اگر اقارب و فقرای در کهلرینک تنیم مهام صوری و مغنویه لرینه و تقدیم مراسم  
 اکرام و تطمیل رنده سرمو تهاون رضاداده همت و سزادیده مرو تلی اولدیغندن ماعدت خزانة  
 اسبابا به تحلیه شمع جلیله فقر و توکل و قناعت و رضایه بلکه افتتاح کنجینه لایفنا ده و انکشاف پرده  
 فهو حسبه و برزقه من حیث لا یحتسبه صرف توجه موجه لرینی اذعان ایتوب عاقلانه و رئیسانه  
 ترغیب سمت تقسیم و ترهیب طرفین افراط و تفریط ایدنلری (ما بر موجب امر و فضل و کیل خرجم این  
 دستور قسط را صاحب الدخل و الامر کوید) دم تبسکت تو امر یله دفع اثنا سنده قلوب منقابه  
 تردد و اوها مه خلجان فرسا اولان معنا که (قدر صیانت خیر خواهان بعد از نفاذ اموال موروثه خاندان  
 معلوم کرد و ولی چه سود) ایدی عکس انداز آینه ضمائر غماری اولیحق (این نه اسراف بلکه انفاقست که  
 بتلافی اضعاف موعود و مضمونست) نفس انفساری جسم عروق سوء انظن بالبدیان ذی المن ایدوب  
 فی الواقع تسویه امور معاشیه لریده بدل موجوددن غیری حرکت ماطهور ایتامشکن الی آخر العبر امداد  
 خزانة الطاف خفیه ایه یکدمه روی مضایقه بین اولیوب اخلاف علیه لرینک دخی سعت و برکت ایه  
 مغتنم اولملری حیرت العقول اهالی عصر لری اولوب بعضا کسیر و کیمیا و بعضا اخراج دفان و بعضا  
 تسخیر خدمه جانه ذاهب اولغله مذهب حقیقتدن تخلف ایتشدر لکن محرمان اسرار دن تلقی اولنان  
 همتا نجیب خزینه غیب استمداد لرندن اخراج و صرف بیور لدینی مشهور کل و خارجدن جبه واحد  
 ادخال اولندینی غیر محسوس اولق اوزره در العلم عند الله و لدی مقریه متعنا الفیاض الرؤف با عطف  
 بر کاهم آمین بخرمة الشفیع الامین \* (همچنانکه) \* حضرت پیر قدس سره المنیر در وصف حال شیخ  
 محمد سر رزی میفرماید \* هین ز کج رحمتی مریده \* در کف تو خا کد در ز ریده \* هر چه  
 خواهند بد مندیش از ان \* دادیر دان را تو پیش از پیش دان \* در عطای مانه تحسیر ونه کم \*  
 نه پشیمانی نه حسرت زین کرم \* دست زیر بوریا کن ای سندن \* از برای روی پوش چشم بد \*  
 روید الله فوق اید هم تو باش \* همچو دست حق کذا فی رزق باش \* (تقلستکه) \* اول برهان  
 المتوکلین و عجمان کوهر یقین با کمال دستگاه غیبی احباب صداقت نصاب و مستمدین سایه عنایت  
 ما بلری طرف لرندن اولان قنوج ندور و قرابین قلیلا و کثیرا غنا و ثمنایقرین قبول و هر کس نیاز مند  
 اولدینی مرامه وصول ایه ممنون اولوب و نیجه فقرای در دمندانلک برک سیر محقر لری دخی مانند رجل  
 الجراد نظر شفقت اثر سلیمان لریده برابر هدیه ملوکانه غما اولغله دست رد استغنا پیوستلری رهن بغل  
 رضا و بدسقلی و بدعلیانسد کان دیرینه خاندان دولت آباغندنده هنوز تمیز حقیقی یاب اولیوب انجق  
 طور بر حکمتلری بین الاخذ و العطا دائر اولدینی کویا خیر خواهان مر قومه باعث حرکت  
 عروق ننگ و ناموس اولوب بمقوله نیاز خسیس معروض پیشگاهلری قلتمه دن منع اولند قدده (الهدیه  
 من الفقیر تهدی علی قدر المهدی و من الغنی علی قدر همته) نکتة جلیله لر یله منع سد باب خیر بیور دقلری  
 عقینده (اذا کانت الدنيا اقل من القلیل ولم توازن جناح البعوضة عند الملك الجلیل فلا تقاوت بین الیسیر  
 و الکثیر و انما العبرة بخلوص القلب الکسیر) نفس انفسار یله مراد کرمانه لری جبر انکسار دل  
 در دمندان اولوب و نظر عالیرنده اندک و بسیار متاع فانی یکسان اولدیغنه تنبیه بیور دقلرندن  
 صکره (وید الفقیر و ان سفلت صورة و لکنها فوق ایدی الاغنیاء لانه سبب لدفع البلاء و زیادة النعماء



و واسطه جلب الاجر الجزيل والثناء الجميل فاين الثريا من يد المتناول وايدى ايدى الاغنياء كسرة لقمة  
 وشق تمرة) مضمون حقایق مشکوئله ارشاد حقیقت حال سیورملری آیت کریمه نهی منله تأیدلرینه  
 (لان محل المن الید العلیا فلم توجد فی المتصدق فنهی لوقوعه فی غیره و تعه) ایله استدلال سیورملر در  
 \* (همچنانکه) \* حضرت پیر قدس سره المنیر میفرماید \* کربودی اونیاییدی زمین \* در درونه کنج  
 و بیرون یاسین \* رزقها هم رزق خواران ویند \* میوه هالب خشک باران ویند \* هین که معکوس  
 است در امر این کره \* صدقه بخش خویش را صدقه بده \* از فقیر است همه زر و حریر \* هین  
 غنی راده ز کفی ای فقیر \* و منوال مشروح اوزره جرأت کستخی گانه دخی تو بیخا کید و تصریع  
 شدید سیورملری اثناسنده جدا مجدلرینک بویقین شریفینیه عمل سیور دقلری کندولره مایه حیات  
 تازه اولدیفین اشعار سیاقنده خاتمه کلام نصیحت نظام سیورلمشدر (منوی) کربودی نسبت توزین  
 سرا \* باره باره کردم ترا \* رودعا کن که سلسل این موطنی \* ورنه اکنون کردمی من کردنی \*  
 (روایت کرده اند که) \* اول یکانه کوه قلمر مشئون حضرت جلال الدین ارغون قدس سره المصون  
 بالکلمه تبدیل الطوار افتخار واختیار اوضاع انکسار سیوروب همواره احتیاط جانب نفس  
 مکار و تحریئ مکاید نیای غدار اوزره پایدار اولوب اذکار و عبادات و ارشاد و مراقبات ایله  
 کذران اولان اوقات شریفه لریدن ماعداسی مصروف مطامعه آثار کار و معین تدبیر منزل کوه  
 صعالکه مدار لری اولمغله الفت عادیه بیفایده خویشان و آشنادان توحش و تدارک مهمات ادراک  
 پیش قدمانه توغلندن ناشی امرای دائره دولت و احبای حلقه نسبتلری بنده بعض کف و شنید  
 و فکر ناسدید اولدیفی نقش انداز آینه سرائر غازی اولوب نوعادر یای غیرتلی خروشان و عرق  
 حمتلری جنبان اولدقده طوائف مر قومه قصدشکار معموله سر بکوه و رو ببحر اوزره مره نخچیران  
 و کله کله جانورانی زور مکر تکار و ران بادیا یله بر حلقه جمعیت اسباب هلا که سوق و القا ایدوب  
 اولتماشای پچتاب و ثانیامباشرت هلا کگری اوزره ایکن ناکاه قبله کاه محل معهوده ده کردوغبار  
 روی عالم کبر ظهور و میاندن سپاهی شمار پدیدار وسیل تند و تیزوار طرقة العنیده دائر امدادار  
 شکار کران مر قومینه بیجا پیچ و کردا کرد حصار تدبیر استوار اولوب هر کس صیاد ایکن شکار اولدیفین  
 ادعان بلیکه هدف ناولد دمار اوله جغین تحقیق ایدوب دست شوی علاقه جان شیرین و بانه نهایت میدان  
 عمر نازنین اولدقلرنده سالار عسکر غیبی بیکرک بارگاه دیوان معدلت ارکائی بر مقام رفیع ضرب  
 اولنوب و حیرت العقول و حسرت النفوس خشم انتجم کثرتله بر شهنشاه جم دستگاه نزول سیوروب  
 رؤسای شکاریان محصورین احضارینه سرهنسکان بی امان تعیین و بلا تراخی معرض عتاب شهر یاری به  
 ایصال و نطع سیاستی ز نهاره اجلاس اولندقلرنده هربری کردن فراز مسند جاه و جلال و دیده بر طاق  
 و رواق کاخ اقبال ایکن سر بدوش و سینه غم و نظر بیشت قدم ندیم اولوب منتظر مآل حال بر ملال  
 ایکن السنه اسنه تأثیر سرهنسکان دست بشمشیر برانله عتاب جانکدازده آغاز اولنوب ای گروه بی شفقت  
 و شرم وای خیل کمره آزر م حضرت خلاق منان جمله روزی خوران چرند کان و پرند کان و کافه  
 سا کان خطه امکانی بمنون الوان احسان ایدوب بی نوع انسانه الطعمه لذیذه و البسه نفیسه و امکانه  
 رفیعه انعام اولنوب و دردمندان حیوانه برک و بیخ کاه و کنام و سوراخ خالک سیاه تقسیم و تعیین  
 اولنش ایکن نه قدر نعمت آسایش بی منت ادراک اولنوب و قتا وقت و کرها کر و هسالت راه تعذیب  
 حیوان بی سود و تارک رسم انصاف بهبود اولوب که غران آلا و نعمای نامعدود و تهاون و تعائی شکران  
 عز و رفعت نامحدود ایله برالای بیچاره دشت و کوه و آواره ذلیل و ستوده اوزرینه عسکر کش تغلب

و ستم و طرف طرف کینکشای غدر و الم و کفاح ران اندوه و غم اولوب حسرات بچکان بیدست و بازرین یاد ایتیوب و آه و این فراق و هجران لریدن بی اندیشه اولان طائفه طاعیه جزای اعمال و سزای اخلاق بین اولد بقیه متنبه و متعظ اولق محالدر پس اول تخجیران محصور اتی تنگی هلا کدن اخلاق و صیادان بی انصافی انلر ک کفتار اولد یغی حصار دمارده حبس و تیر باران اولنمغله عبرت نمای میدان مجازات و غودار عاقبت عدم مبالا اتیک کر کدر دیو آستین افشان مسارعت تمشیت فرمان قضا جریان اولد یغی آن لای تجزیده محبوب سینی آزادله سرور و محاصرینی محصور و بیگناهان مغدورینه اولان تخمینلری ککند و لره توجه ایستگه مایوس حیات مستعار و ملازم توبه و استغفار اولد قده صورت واقعه مذ کوره مانند خواب و خیال و رای پرده خفاده نابید و نو میدزند کی اولان مقیمان سوز ماتم دفعه بمقوله عنایت ناکاهه مظهر و حیات نازد یاب اولد یغی قضیه غریبه محیره الفهوم و الاذهان و متعسر القبول و الاذعان سر گذشت عوام شایع و ماجرای خواص نهان قالب میانة قوم شهر و حوالیده بر مرتبه کسفت و کوی پریشان منتشر اولشیدیکه محاسن خاصه ده و محافل عامه ده قانون عقول قاصره مشویه بالحواس اوزره قرارگاه شافی بولنمیوب آخر الامر رؤسای هر قومین اجلاسه حاضر ایدوب حضرت کاشف السرائر المکنون چلبی جلال الدین ارغونی تصدیق چار بالش ارشاد و عرض آثار مشکل مکتوم صمیم الفواد ایلد کلرنده ککند و لر تا بانجام تفصیل کرب و تبیین سبب و توضیح حقیقت حال و تنقیح نصیحت مآل بیور ملرنده اول شهنشاه سکندر عنوان مستند زیب قطبیت اولان ذات ملائک حشمتلرینک حوالی نظارت کاهلرنده اولان حیوانات دخی سایه حمایتلرنده اولوب بومقوله رنجیده اولنملری خلاف رضای شریفلری اولد یغی معلوم بلا شبهه وقوت قاهره سلطنت معنویه لری مفهوم بلا امریه اولنمغله زمام اختیار لری ر بوده نتیجه جاذبه لری اولوب بجملة التوابع سر نهاده زانوی انابتلری و ماملک باش در که ارادتلری و توبه کد تعرض آسود کان سایه حمایتلری اولوب مده العمر صید و شکار ددن دست و پا کش و شکار حلقه دام صحبت و ملازمتلری اولوب شاهباز بلند پرواز هم عالیه ایلد صید و شکار عالم دل و جانه دستیاب و مغنم دولت و سعادت دارین اولوب بوقتیبه اکید حیوان سیانتلریدن طلمه سائر دخی معتبر و متنبه اولوب انفس و اعراض و اموال بی آدمدن بالکلیه دست تطاول کش اولشدر \* و بهره مند آتیه اولوب اصرار قدیم اوزره اولنلر دخی مبتلای تأدیبات متنوعه و اکثری هالکه و بقایایه قرنا بعد قرن ماده مؤدیه و صورت ککایه لری مایه اعتبار و مایه الانباده اولوب الی بومنا هذ امتحانین اثر متآدین اسلاف مانند شجره الخلاف محروم ثمره راحت و رفاهیت و دلخسته دائم و معرض ابتلای افلاسه قائم اولنمغله بند پیرانه کرامت نشاندلری دستور العمل ارباب سلامت حال اولشدر \* (مثنوی) \* هم سلیمان هست اندر دورما \* کرده صلح او غم اند جورما (تظم) ان من امه را بخوان و یاد کبر \* تابالا و خلافتها ندیر \* در زمان عدلش آهوا باطنک \* انس بگرفت و برون آمدن جنک \* شد کبوتر این از چنگال باز \* کوسفند از کرک نادرا احتراز \* (نسکته) \* و فی الرجال قوة یقدرون بها علی اراءه المعقول محسوسا فهذه الجمعية صور حشمته الباطنة المتمثلة حسب ما تقتضیه تلك القوة كما اشار اليها المكاشف القيومي مولانا جلال الدین الرومی فی بیان خارفة الابر و الدرة حيث قال فی المثنوی المحتوی الجوهر المعنوی (بیت) شیخ سوزن زود در دریا فکند \* خواست سوزن زبانا و از بلند \* صد هزاران ماهی الهی \* سوزنی ز در لب هر ماهی \* سر بر آوردند از دریای حق \* که بکیرای شیخ سوزنهای حق (دیگر) چون بدر آمد دل درویش ازان \* سر برون کردند هر سودر زمان \* صد هزاران ماهی از دریای ژرف \* در دهان هر یکی در شکرف \*

هر یکی دری خراج ملکیتی \* کز الهست این ندادش رکتی \* فلاشک ان آراء الحسیات والا بر  
والدر را عجب معانج بصدده فان آراءه العسکر ما نوسه والحق الحقیق بالقبول ما افادهذا الاثر المقبول  
(نظم) این نشان ظاهر است این هیچ نیست \* تابا بطن در روی بینی تو نیست \* (مصراع) اولیار اهست  
قدرت آزاله \* فکل خارقه لا تستبعد اذا انتهت الى القدرة جلّت آثارها وعزت مقدارها  
(مرویسکه) \* حضرت چلبی ارغون قدس سره المکنون جامع جمیع علوم بنقلیه وعقلیه وحاوی  
فنون لدنیة کشفیه اولوب مرجع فضل وقت ومقصد عرفای عصر لری وعلی الخصوص مهجیه برجه لری  
تظم لای مضامین خوش آینه مشارب عالییه وشرکیات جامعه الحقایق وانشای واردات شاملة  
الدقایقه آیه من آیات القدرة الباهره اولغله منظومات تنسیه لریدن کنجنامه نامیلری ومنشورات  
لطیفه لریدن جل کله طیه لری یادکار اخوان الصفا ونمودار خلان الوفا اولق اوزره صفحه زب منقبه  
جلیله لری فلتمشدرکه فی الحقیقه مطاوی فحاوی نورانیه لری نه ارجاع ابصار بصائر وامعان انتظار ضمائر  
ایدلره هر بری شعله علی حده هذا اولدیغی اظهر من الشمس واهرم من القمر در فطوبی لمن بسناها  
استنار واهندی \* (اینست کنج نامه نائی حضرت ارغونی متعنا الله بفتحیه) \* ندر اول کج پنهان کیم  
همیشه قبه سی دوار \* زمین ایلش یل نقطه اوزره دست حکمت قار \* حصاری شش جهت باروی  
میدان طلسماتی \* قوالب جنبش وآرامله روشن اماراتی \* اشارات حروفی طرفه شکل ونامه سی  
کویا \* رموز پرکنوز عبرت دنیا و ما فها \* خراب آباد ایدن دهری انک سودای سودیدر \* ویرن  
حیرت عقول عالمه بود ونبودیدر \* انک انجاث فتحیدر یوزمک ماجراسی هب \* کدز کرعیش اولور  
امیدواره نیمة مطلب \* درودیواری معجون موالید و عناصر در \* اوزر یا صنعتی توصیفده تعبیر  
قاصر در \* اگر چه رهن زیر خانه هر کسدر اول مقصد \* ره نسلینه لیکن سنک ماومندرانجی سد \*  
درونی انفس و بیرونی آفاق اول شبستانک \* کور غمز چشمه اما عجبدر غافل انسانک \* اسیر سر  
سری سیری سراغ در بدرایلر \* انیک جست وجوده کام اولدن گذرایلر \* ایدوب سرکشته لک  
خرسند دعوی کنندوی آخر \* اولور افسانه و افسوس خوان غائب وحاضر \* یوغ ایکن التفات  
غیردن غیری اکاخران \* ایدر بلز لکیله دیو ونفسه بی سبب بهتان \* فسون جمله اسباب کشادی  
زیر دستنده \* ولی جوینده سی بهوده کردا گنناف و پستنده \* ریاضتله که شق الارض جسمه  
اولیه مالک \* مقرر در که ایدر امید خشکی عاقبت هالک \* بخوری غنبر سارای دریای سویدادر \*  
فداسی کیش تله کاونفس عیش فرماندر \* دکلدکار تسخیری میسر مرد خودینه \* ویر بلز دولت  
بیدار اهل غفلت وکنه \* کرکدر کندو به بیگانه وهم آشنا اولق \* کرکسه کنز لایقی به طالب دسترس  
بولق \* اوانجه سینة اهل فنادن سرزده شوری \* ایدر یکنرک وهم بوخار مامله کل سوری \* فقیری  
کامران شیمت جاوید ایدردی اول \* بولنسه خاطر ویران پیر میفر وشه یول \* عزیمت دعوت  
باننده سینه خوش اجا بتدر \* ره فتحنده خدمت سعی مشکور اصابا بتدر \* اوکام حسرت  
العشاقه ناکامی کرک اول \* که آخر نچ صوری کنج معنی به اوله مبدل \* مسمای حکیم ایتش  
طلسمین محکم اسما \* نینه مقتاحی اسم اعظم فتاح دربارا \* نوله خانه خراب درد هجری اولسه  
بودردا \* اولور البته صاحب بیت عاقل جمله دن ادرا \* مکر انسان کامل در انک واریسه کنجوری \*  
بولنزی یکده بریوخسه بوکثرت ایچره مسروری \* جهانی کوبکو کو کونچه طوتمش ایسه پیندا \*  
نهانی سوبسوه و هوپرایتشدرانی جانا \* سزادر مولوی وش رقص ایدر سه فائری هر دم \*  
که سر سر بهر دهره اولمش حامل و محرم \* ملامت مهر باینه قباب پرسلامتدر \*

شما ت مشرب شکرانته شیرین حکایتدر \* نیچون اولزا و کجینه مطاف خیل کوبی \*  
 کورنجه کامیاب انده هزار ایوب و یعقوبی \* نه غم پر کرد قرق و فاقه کوسترسه برونندن \* نه غم  
 کیم اولیه یکدم حد ایزم در و نندن \* کهی پیرو کهی برنا کهی اخی کهی دانا \* اولوب اول کوهره  
 مجلا کور نلر دیدی آما \* بلی کورانه رو پوشادیم خاگ اولوب حائل \* کوزه کوستر میوب  
 مانند ابلیس اولدیلر باطل \* نه بیلسون نشئه صهبای وصلی مردم مهجور \* نیجه آمیزش ایلر سرخوش  
 صحت ایلر رنجور \* او کیم پیشین ایده نقد روان بوقیره اسراف \* نه قابل دولت اشرافله اول مفلسی  
 اشراف \* بحمد الله خراب عشق مولانا اولوب ارغون \* کشاد کنج کنج تندن اولدی جانم نمون \*  
 سریر احسن التقوی ملک اولدق شاه جم جاهی \* عجب می ایلسلر باد حالت بار و بنکاهی \* شکست  
 چرخ تدبیر اتله دهلیز صورتده \* اولوب آینه دار شمس دین افلاک سیرتده \* هلال سینه چاکین  
 ایتدی یعنی فیض ناکاهی \* خلافت برمنه شمع سعادت اوجنک ماهی \* بودر انجام کار و حاصل  
 بازار ویرانی \* که سودی بی زیان و سرمدیدر عیش و عمرانی \* دریغامیل مال ایدن نیچون فکر مال  
 ایتیز \* کیمک مغز سرن آخرا و جادو یا عیال ایتیز \* نه لازم فتح کنج ماسوا الله تتر می \* مکره رایش  
 انک یکشمه فضلیله بتر می \* الهی اهل فقری منعم کنز خفیک ایلر \* کدورات بقایادن صفی ابن  
 الصفی ایلر \* و لشرع فی نشر نثره الجامع و حشر شرحه النافع بمنه و توفیقه (مصلح المعاش و المعاد  
 فی المصالحه بالاضداد) آورده قدس سره حین و رد الیه بعض مکاتبات المتعصبه اما الاول قضا هر و اما الثاني  
 فلان اشتغال التضاد بمنع المرء عن التهی للعادم ان دونه خطر القناد (ترجمه) صلح ایدنلر جمله اضدادله  
 صالح عیش خوش دارین اولور \* جنک جوی عالم کون و فساد \* عاقبت مستمک مابین اولور  
 \* (الجماله بالجماسه) \* آورده روح و روحه حین رأی اختلاف المتجالسین بالصلاح و الفساد صورته  
 (ترجمه) عقد مجلس ممکن اولزا و لسه \* عرق جنسیت میانه رابطه \* همراک اوسه لیکن ایکی ناشناس  
 \* جذب ایدر لر بر برین بی واسطه \* (من شانه شانه مازانه زمانه) \* قاله قدس سره المکنون لبعض  
 المرتکبین من المستدرجن لان الاستدراج زین عارض فلا یعارض الشین الذاتی (ترجمه) مقبل شانه  
 کو کدر احتراز \* وضع شین آمیزدن یوخسه زمان \* زین ویر میز مدبره اقباله \* ایتسه فراضا خسر و ملک  
 جهان \* (جفاء اللیب کجور الطیب) \* سلی به قدس سره المکنون المتشکی عن صدو دحبیه اللیب فانه  
 وان کان جافیا فی الصورة لکنه واف فی السیره (ترجمه) عاقل ایتیز کسه به جدیله کین \* مهر و پند باز  
 کونه در غرض \* تلخ ایدر دار و سنی اکثر طیب \* شدت و حدت نم اولسه مرض \* (ترک الملامه من  
 شکر السلامة) \* ارشده قدس سره المکنون بعض الحائرین فی تیه اللوامه فان اللاتم اما سالم و معیوب  
 و الثاني لا یلا یله اللوم فان تعیر الاشل للاعرج ضحکه وان تعیب المعیوب کتکبر الفقیر فی غایه القبح و الاول  
 منعم بسلامه العیب و معتنم بنعمه العصمة فاللائق به عدم الاشتغال بالغیبه و اللوم عن تشکرهما علی انه  
 یکفی للمعیوب ابتلاء العیوب فما بال اللوم و الاغیاب و لایق الاوقات بشکر سلامة الآفات عن ترک اللوم  
 بهذا الاعتبار فقد قام بأداء بعض حقوق شکر السلامة (ترجمه) مرد عبرت کبر و حکمت بین اولان  
 \* نفس بد کوین ملامت ایلسون \* ترک لوم مبتلای عیله \* شکر انعام سلامت ایلسون  
 \* (ملیک الکلام ملاک الکمال) \* آورده قدس سره المکنون فی جواب السؤال عن کیفیه بعض العرفاء  
 الکاملین المسالکین لحسن الاداء الذی یملک المسامع بالتأثیر فان ما یقوم به الکمال فی الدائرة الانسانیة  
 هو النطق الناشئ من کمال النفس الناطقة الوارد علی مهج الکملین (ترجمه) اوله حسب حال جوی  
 کسه نث \* کوشدار جانب نطق اول همان \* ترجمان لهجه زیرا مهجه نث \* رازنی ایلر سخن

فهمه عيان \* وعليك بحسن التلقى \* (الغافل لا يرجي ولا يخاف) قوى به قدس سره المكنون بعض  
 المتوهمين المتلونين بضعف القلب عن مقاساة المتغلبة فان الغفلة نومة لا يتنبه منها الا بالتنبه الالهى  
 او الموت فمن نام قتل هذه النومة في حكم الجماد فلا يرجي ولا يخاف بحسب العقل القامع الا اذا استعمل  
 في الخير والشر من وراء الحجاب فيمنع يكون الخوف والرجاء من الله تعالى شأنه ونوال احسانه بفيض النفع  
 ودفع الضرر فيحسان الذي الجأ العباد الى جنبه في الامور كلها ووجه الوجوه نحو بابه في الاحوال كلها  
 وخضوعه بجمته وكرمه واغنى عما سواه فلا مانع لما اعطاه ولا معطي لما منع ولا دافع لما اراد ولا راد لما قضاه  
 عليه التسلل ومنه الاحسان (ترجمه) غافل كلسه النذن نفع وضر \* دفع ايدوب اول بلاى غفلتي \* جلب  
 ايدردي انباهي ثانيا \* قلنه كورمزدى لا تقسو تي \* (تفقد النفس يغنى عن تجسس الغير) \* ارشده  
 قدس سره المكنون بعض السباحين الطالبين للقصد في الآفاق ولم يسروا في الانفس بسبب الانهماك  
 في المحسوسات ولم يتيسر لهم الرجوع نحو انفسهم فانه اذا رجع الى نفسه وجدها غير متخلية عن الذميمة  
 فيهم في تخليتها او وجدها متخلية غير متخلية بالحيدة فيجهد في تخليتها فيتيسر له الترقى الى مدارج الكمال  
 ويتموسل به الوصول الى بركات انظار اصحاب الحال فاذا تمت له هذه البضاعة الرابحة يستغنى عن الاهتمام  
 بغيرها (ترجمه) غيري ايتزدى تفحص مبتدى \* منتهى وش نفسن اذعان ايلسه \* كنديدن اولمزدى غافل  
 يكنفس \* من عرف وخرينه امعان ايلسه \* (علاقة السوا قلادة البلا) \* رهب به قدس سره المكنون بعض  
 المتعلقين بالعلاقة الجزئية وان كان القليل لا يضرفان القلب بسيط لا يتجزى يتفرق بفرق متعلقة فلا يمكن  
 في القلب الواحد محبة الله ومساواه فاذا انخرق عن محبته تعالى وتوجه نحو مساواه يبق تحت الغيرة  
 معذبا الى ان تحول قبله الاسرار فلا تفارق رقبته طائر حيث ما كان وكيف ماضار (ترجمه) هر كه حس  
 پرده به دل بسته در \* درد حسرت له دما دم خسته در \* ني تعلقدر بو بزمك سر خوشي \* كيم خسار عيش  
 خوشدن رسته در \* (الحسد معارضة الحق ومصارعة الخلق) \* ذم به قدس سره المكنون الحاسد وسلى  
 المحسود فان الحاسد محصور بين هاتين البليتين العظيمتين بحيث لا يكاد يتخلص من احدهما فضلا عنهما  
 فلما كان هو كذلك يكون المحسود مأموئا عن غوائله بل ينتقم منه حسده له فلا يحتاج الى تصدى التشفى  
 بنفسه (ترجمه) چارمچ ايلر حسد مغلوبنى \* انتقامه احتياج ايتزسنى \* عبرت وافسانه عالم ايدر \*  
 عبره لوم وهجوم خلقانى \* (لا يعيش العيش مع الشمع) \* نبه به قدس سره المكنون على سر المناقرة  
 بين ناظر الصور الكليل وبين صاحب الجوهر المنير الجميل فان ضعف بصيرته عن تحمل نورانيته يؤدى  
 الى التفرق من طرفه فلا يمتزج به (ترجمه) چشم دلده كيم اوله ضعف شهود \* روشن اولمزمع مهر  
 وماهله \* الفت ايتز نور له خفاش وار \* نلسون نجم الهدى كراهله \* (نظرة الاسباب قتنة  
 الالباب) \* اشار به قدس سره المكنون الى طريق سلامة العقول عن الشوائب الحسية المانعة عن  
 وصول الحقيقة فان الاسباب استنار (ترجمه) يكنه كاه روى دلجوى سبب \* عاقل ايلر كفتار  
 تعب \* واى اكرت كرار ايدر سه كيم اولور \* چشم جانى غافل اسرار رب \* (الغنا بالشكر والفقر  
 بالصبر) \* بين به قدس سره المكنون نفس الامر وحقيقة الحال لان الشكر والصبر ثمرتهما واعتبار  
 الشئ ثمرته فاذا لم يثمر شيئا لا يعا به وغير المعبر كالمعدوم فالوجود هو الثمر المعبر (ربنا ما خلقت هذا باطلا  
 سبحانه فقنا عذاب النار) حتى قالوا الغنى الممسك كالذباب الواقع في العسل غرق لا ينتفع بغناه والفقير  
 الشاكى كالزمار الخالى عن الطرب باينه فتنمة الاول وفتنة الثانى للغير فقط (ترجمه) خوشبجه دستور  
 العجلدر منعه \* نكته احسن كما احسن اليك \* شكوه بر اوله كداى بينوا \* كوش ايدن دپر  
 الزم الصبر عليك (ديكر) منع اولدر كيم اوله انعام ايشى \* بوخسه بيعنى اولور هر جنبشى \* فقربى

صبره وشوب آخر ايدر \* دست آخردن نياز بخشى \* (الاختبار اماره الاختيار) \* مهديه قدس سره المكنون مقدمة الايقان على وجود الاختيار الجزئى المنازع فيه لبعض من استكشف ستارة التشكيك العقلى فان اختبار الحكيم عبده يدل على ايجاده فيه اختياراته والابقى فعله خاليا عن الحكمة وصارت التكاليف عبثا والتعذبات جورا وظلما تعالى شأنه عما يقول الظالمون علوا كبيرا وهذا دليل مقطوع الدلالة على المطلوب بشهادة عامة العقول ومعانية قاطبة الحواس السليمة فان المضطر غير قابل للاختبار (ترجمه) اولسه دستكده جزئى اختيار \* امتحان ايتزدى دنياده حكيم \* بلكه عقباده اولوردى بى سبب \* ماجراى حشر وميزان وحجيم \* (ما من تسبب والا فبه توكل) \* احسن التسلية قدس سره المكنون لبعض السالكين الكاسبين المحزونين بشغل المكاسب عن التوكل بان التسبب لا يناقض التوكل كما توهمه بل فى كل تسبب توكل الا ان التسبب ان كان غافلا عن هذه الدقيقة فهو محروم عن التوكل والا فلا لان التسبب توسل بالسبب الى المسبب بتوفيق المسبب فالمرجع الى التوفيق فلا بد له من توكل وتقويض وثقة بالمسبب تعالى (ترجمه) واثق توفيق حقدر بزر كر \* كيم ايدر دستيله تخمين زير خال \* خرمن اولسه دانه خندى نوله \* بويله در بخشايش منان بال \* (لا غدر مع العذر) رغب به قدس سره المكنون جملة المتنافرين من اخوان الطريقة الى حسن الاعتذار حتى يجبر الانكسار الجزئى ولا يقوى بالكلمة فيؤدى الى سوء المنافرة ويتغير اتحادهم الروحاني الى التضاد النفساني لان الغادر متى اقبل على عتبة الاعتذار بقلب غدره وقام فى مقام اخلاص الندم بقلبه معترف بجريمته وسائلا صفحها وعرض استيفاء الحق كيف ما يشاء المغدور من بدنه وماله وعرضه بالتسليم والانصاف فلا شك انه اما ان يستوفى بسهولة ويعفو فاما كان فلا غدر معه ولكن العفو اكثر واجمل واثر فى استجلاب العفو من الحق والخلق اذا صار المغدور غادرا فان النفس لا تؤمن بها (ترجمه) زخم غدره مرهم عذرى اوروب \* بردم اول ايله جبر انكسار \* غافل اوله تيرمد آهدن \* كيم انى دفع ايتمز الاعتذار \* (العاشق بين التجلى والتسلى) \* اجاب به قدس سره المكنون حين سئل عن منشأ القبض والبسط الذين يتعاقبان فى بواطن العشاق فاذا اخذت باشير صبح التجلى فى الطلوع تشرح الصدور وتبسط القلوب وتواجه الارواح وتقدس الاسرار واذا اخذت فى البطون تضايق الصدور وتنقبض القلوب وتضطرب الارواح وتكدر الاسرار فلو لم يدركها التسلى من الحكيم الخبير لكانوا كان لم يكونوا لكن التجلى للكل بقدر الطاقة والحوصلة والمعرفة والتسلى بقدر ما يدفع غلبة قلق الهجران ويرفع سطوة خلجان الفراق فسل من وصل من لم يذق لم يدرك ان صرهما لا تحمله الطاقة البشرية فالفصول النفسية كالأفاقيع اربعة الربيع والصيف للتجلى والخريف والشتاء لتسلى فعليك بحسن الانتقال (ترجمه) ممتزج در جلوه هجر وشهود \* اولمچيون عشقه دل آينسه دار \* بونخسه نفس وتاب صر فى انلرك \* انفس ابادى ايدر دى تار ومار \* (من لم يعتبر من الاسلاف لم يعتبر منه الاخلاف) \* هتد به قدس سره المكنون بعض الباغين مكشوفة عن مآل حاله ان لم يتدارك فوقع عليه ما وقع من الوقائع فاعتبر منه وبقصته العياذ بالله الدافع الحفيظ فان عدم الاعتبار من الغفلة والاصرار فى اجتماع فى محل فلا شك انه يصير مهبط النوازل القهرية الا ماشاء الله جف القلم بما كان وهو الذى سيكون (وما ربا بظلام للعبيد) غاية ايه تعالى يجهل استدراجا وتربعا للكل على تدميره حتى اذا وقعت الواقعة ليس لها دافعة عمم العبرة وجمت العائدة (ترجمه) حصه مند قصة غير اوليان \* باعث عبرت اولور اخلافنه \* جاده خبر وشر آخردى روز وود \* پيروى ايصال ايدر اسلافنه \* \* (قدر نطق اللهج شكل المهج) \* رغب به قدس سره المكنون الاخوان السالكين الى تغليب السكوت على النطق تعويد الفكر الذى ساعته خير من عبادة سبعين سنة فان النطق والفكر مثل كفتى الميزان

كلما صارت احداهما راجحة عادت الاخرى مرجوحة لان مجالسنا على التحقيق صمت وذكرنا قلبي  
وروحى وسرى لا مدخل للالسن فيها فالفكر ذكرا القلب والعشق ذكرا الروح والمعرفة ذكرا السر والواحد  
لا يصدر عنه الا الواحد بقدر النطق يتفاوت الفكر وبقدر الفكر يتفاوت العشق وقس الباقي عليهم  
(ترجمه) دل زبانه چونكه رجحان اوزر ددر \* ذكر وفكر كرت به سى اولور بديد \* ضعفه قوت  
وير رحال ك مقال \* اهل حال ايتسه نوله ~~فكر~~ مديد \* (صفاء الحال من فراغ البال) \* ارشده  
قدس سره المكنون الخلال المبادرين منازل السلامة الى اقرب الطرق واسهل السبل فانه كلما تلون  
البال بالاشتغال تكدرت الاحوال فلا تصفو لقبول عكوس الاسرار وان كانت غير مكدره حتى ان بعض  
الكمل منع من اراده عن مطاوعة آثار الكبار لتصفو كل الصفا ويتجلى في مرآته ما يطلبه ومثل هذا  
ظاهر في تذكرة المنسى المقصود التفاته فانه اذا خلى القلب عن الاشغال السائرة يلتفت اليه لانه لا يقوم  
بالاشغل وكلما خليه انجلي فيه معلومات خفية (ترجمه) روى دل عالم آينه در \* ترك آب وكلدن  
اولسه بالوصاف \* ليكن اولسه ساده روى نقش غير \* جلوه كاه عين اولور بى شين وكاف \*  
\* (ما من شئ الا وله مرآة مقابلة) \* اشار به قدس سره المكنون الى طريق استعلام المجهولات الوجودية  
لا سيما النفس الناطقة الانسانية التى معرفتها امر آة معرفة ربها عز اسمه وجل وصفه لان الاشياء  
فى انفسها ومن حيث حدود ذاتها كنوز حكم ورموز عبر لا تفتح ابوابها ولا تنكشف استارها الا بمفتاح  
البصائر وضوءات المرايا حتى تتوصل بمعرفة الى معرفة المقصد الاقصى المشار اليه بأحييت ان أعرف  
نخلقت الخلق فاقتضت الحكمة البالغة ان تنصب لكل شئ مرآة مقابلة تجلى فيها خواصه وآثاره  
وتورث المعرفة الانية فاما اللية فلا تتأنى الا بالاشتغال القرائع السليمة وانكشف الاسرار الكامنة  
بالالهامات والواردات القدسية (ترجمه) اولس يدى خوبو زشت و بيش وكم \* برينه عكس انداز شهو  
\* عرض ديدار ايتز ايدى آدمه \* شش سوى عالم بدن اسرار وجود \* (ما لم تمت النفس لا تنجلي  
الانفاس) \* عرض به قدس سره المكنون ببعض المتشجنين الغير المؤثرة انفسهم فان النفس مادامت  
حية تكون آثارها من الاقوال والافعال مشوبة بالاغراض الهوائية ومغشوشة بدسائس الانانيات  
فصير النطق عن الهوى فلا يؤثر بيقى كالموج الهوائى وأما اذا فنت بسطوة المعرفة وشدة الرياضة يكون  
وارد او الهام او انطافئ كاهو حقه ويبقى كالجواهر النورية القدسية حتى يحصل له الاثر فى الامانة  
والاحياء \* ما عندكم ينفد وما عند الله باق \* (ترجمه) اولكه نفس ناطقه بيش اولور \* هر دم باكى  
اولور انطاق حق \* لهجه بندى اولوب تينغ دودم \* بيدرك ايلردل سنكىنى شق \* (المنع والمحن  
تقلبان) \* جمع فيه قدس سره المكنون ترغيب قلب المحن وترهيب عكسه فان المنع اذا اشغلت  
تقلب محن والمحن اذا اشغلت نيران المناجاة تنعكس مخرقا فالحازم لا يخلو عن اقامة الشكر وادامة الصبر  
فى الحالتين (ترجمه) اولينجه كلشكر شكر شكيب \* عين نعمت قاف نعمت سنج اولور \* ~~ليكن~~  
اولدقه خوش آميز اول دويار \* زهر مار رنج شهد كنج اولور \* (حجاب النفس عيناها وغطاء العين  
نفسها) \* نظرفيه قدس سره المكنون الثانى للاول تقرير بالافهام فكما ان العين لا تبصر نفسها الا بواسطة  
المرآة فكذلك النفس لا تدرك عيناها الا بواسطة القلب الصافى عن اصداء العلائق واوساخ الانانيات  
فكلما لم ترفع الحجب النفسانية لا تنكشف حقيقتها ولا تحصل معرفتها التى هى مقدمة لمعرفة المقصود  
من الخلق بل تكون غاية مبصرها وهاوية مدر كها العكس الصورى والمعنوى فاین العكس من الاصل  
والشكل من الذات والعرض من الجوهر فلا بد فى معرفة النفس من فناها حتى تجلى الاسرار بنور  
الانوار (ترجمه) پرده نفس اولينجه برطرف \* آشكار اولز جمال من عرف \* كيم ديمش لا اعيد

من لم اره \* ما اوج لو كشف شاه نجف \* (دوران الاحوال على نقاط الازال) \* حقق به قدس سره  
المكنون ان الاحوال مستديرة من المبدأ الى المعاد فدار حال كل احد حاصل من سير نقطة مبدئه الى  
معاده فعلى هذا تكون نقاط المبدأ والحال والمعاد متحدة بالذات ومتغايرة بالاعتبار ففي بداية الوجود  
تعتبر نقطة المبدأ وفي النهاية بنقطة المعاد وفيما بينهما بنقطة الحال فهذا الذي اشار اليه اسد الله الغالب  
على بن ابي طالب كرم الله وجهه ورضي الله عنه بقوله الناس يخافون الخاتمة وانا اخاف من الفاتحة  
فكل ميسر لما خلق له فعلى هذا تصير دائرة المبدأ والمعاد من كعبة من القسي الثلاثة الا اول قوس المبدأ  
وهو من اول وجوده الروحاني الى اول حياته الجسماني والثاني قوس العمر وهو من اول حياته الى  
اول وفاته والثالث قوس المعاد وهو من اول وفاته الى تمام الدائرة كمثل بالنهاية واجيب بالرجوع الى  
البداية فصاحب هذا الحال واقف المبدأ والمآل \* (ترجمه) \* نقطة حاليه را بحق سائر \* كرحه سير  
ممكن او لور دائره \* ما ملك نقطه اول نجه كيم بقر \* ان غير منقسمه سائر \* (سالك السبيل مالك الدليل) \*  
بشربه قدس سره المكنون المتسنين المتأدين بمصادفة الكمال المكمل فان الاكثر والاغلب  
من مشمري ساق الهمة وركب راحلة العزيمة وحمال زاد التوبة صادفوا في اثناء السلوك المربي  
السائق القائد فوصلوا منازل الواصلين بعناية مجيب المضطرين وبجمالية حقيقة سيد المرسلين  
واما القاعدون المتسكرون فالأكثر منهم اضعافا مضاعفة اوقات الفرصة بمجرد الرجاء فوقعوا في برازخ  
الاباحة والبطالة فاتما الذين سلكوا سنن السنن الاحمدية وتأدبوا برسوم طرق الاولياء المحمدية حسب  
استطاعتهم وقدر قدرتهم فقد فازوا في بداياتهم بآثار التوفيق سرا وفي توسطهم واستعدادهم بحببة الكمال  
فتح الفيض الغيور ابواب انساب سلاطين الدين عليهم علانية ففازوا بمقاصدهم ونالوا ما ربههم (طوبى  
لهم وحسن مآب) \* (ترجمه) \* رهرو نيكان اولان صاحب خلوص \* رهبره ناصكاه اولور  
آخردو چار \* افت وخيزن ايتزالته هبا \* اهل صدق حضرت پروردگار (فاقد الرفيق قاعد الطريق)  
قرع به قدس سره المكنون المعتزلين عن رقاء الطريقة والمعتزين بصفاء الوقت وجمعية الحال وفراغ  
البال فان خيرا لقرين انفع من الوحدة وادفع للوحشة ومفارقة المرافقة تورث البطالة والسكسل  
على ان رقاء الفقراء تعين في تحمل المشاق وتحرك عروق الاشواق فاغاب فاقد ما يجزى بالعود  
والتخلف عن قوافل الاسلاف فانهم مع جلالة شأنهم ما استغنوا عن الخللان وما فارقوا الاخوان  
وشاهدوا عيوبهم ومحاسنهم في مراياهم فجاهدوا في التخلية والتخلية \* (ترجمه) \* سالك في همره فكر  
نشست \* زور ايدوب كند كجه غزى سست اولور \* غيرت اقران منزل رانله \* نفس كاهل پاى  
تيز وچست اولور \* (عالم و آدم متن و شرح بكديكر است) \* بين به قدس سره المكنون للواقعين  
في برازخ التفرقة بين الآفاق والانفس الجهة الجامعة بينهما حتى يستفيدوا عند مطالعتها الفوائد الجمية  
الحكمية العبرية ويتوسلوا الى المعرفة المقصودة بهما فان احسن التقويم مجمل حاوى والعالم مفصل محوى  
فالاول باعتبار الصفة الاولى متن وباعتبار الثانية شرح والثاني بالنظر الى الوصف الاول شرح وبالنظر  
الى الثاني متن كما اشار اليه اسد الله الغالب على بن ابي طالب كرم الله وجهه بقوله الشريف واثره  
اللطيف \* وزعم انك جرم صغير \* وفيك انطوى العالم الاكبر \* فعليك القيام بجميع بحرى الانفس  
والآفاق فانه ميعاد التلاق وفيه فاق من فاق وهو مرجع العارف المشائق \* (ترجمه) \* مشكل هجده  
هزار عالمه \* سينه مشروحه در حل مبین \* نسخه توضیح آفاقه دخی \* انفس آدم در متن متین  
\* (مستى هستى در هشمار است) \* نبه به قدس سره المكنون على كون صحوا العقول المشغولة بالفكار  
واللاعبة بالانتظار سكر الوجود الوهمي فان من لم يعتمد على قوة عقله لا يشتغل بترتيب الامور المحصلة



للمجهولات بل يصفي مرأيا مشاعره عن اعداد الافكار وينتظر الى الهام فيض الاسرار فيفوز  
 بالحقائق ويعتقن الدقائق على ما هي عليه فالافاق الحقيقية من تلك السكرية في توديع التدبير وتقويض  
 الامر الى الفيض القدير فحقوا العقل سكر في الحقيقة فلذا اجل همم الكبار مصروفة نحو مشغول الاشغال  
 والافكار \* (ترجمه) \* دل كه سرمست شراب هوش اوله \* حاصلی باز بچه افكار اولور \* صفوت  
 حیرتده عشقیله ولیك \* دیده ووش آینه دیدار اولور \* (مرابط ومرتبط برابریست) \* اجاب به قدس  
 سره المكنون عن الاسئلة الواردة على تفضيل المجردين على المقيدین یعنی لا يستوى المجرد الموفق  
 للجهد الا كبر في هذا الرباط والمتعلق بالعوائق والمتقيد بالعلائق لان تفاوت بينهما ظاهر وشرف  
 الاول باهر فالدنيا كانهار رباط ذوقية واحدة وبنو آدم فيها متفاوتة المراتب بعضها مطلق عن القيود  
 المانعة للاقدام على الرباط في سبيل الله تعالى والاخر مقيد بحبال العلائق واصفاد العوائق محروم  
 عن القيام بمقتضى الخلقة فالاول معتنم مسرور والثاني مغتم محكور فشتان بينهما والى هذا اشار  
 بالتعبير عنهما بالوصفين المشعريين بعدم تساويهما وعلية شرف الاول على الثاني \* (ترجمه) \* خوش  
 نشین تکیه نوبتکده \* چله حکم ز راحت وحدتده در \* یاینه همپای او از بسته سر \* کیم  
 سرا بامخت کثرتده در \* (بداندیش را بخود بسیار) \* علم به قدس سره المكنون بعض المحبين  
 المنعمين المحسودين منهج الفراغ ومسلک السلامة یعنی لانهم بانتقام المحسود ولا تشتمل بمقابلته فان الحسد  
 نفسه يورثه غمدا دائما وهما شاملوانت متمتع مستريح مع ان المحسودين مصارعة الخلق ومعارضة الحق  
 محصور فيكفيه همه وغمه وتحمل آثار خلقه الذميع علاوة عليه فلا حاجة الى التدارك من طرف  
 المحسود اصلا \* (ترجمه) \* حاسده بسدر غم بیوده سی \* انتقامه احتیاج اینترسی \* هیچ صفای  
 وقتکه ویرمه کدر \* درد خوی بدهلاک ایلرانی \* (نیکنوا هرا بیدل شمار) \* وصی به قدس سره  
 المكنون عامة الاخوان وجملة الخللان بمراعاة لوازم الاخوة والخللة لان التقصير فيها يقضى الى الفراق  
 مع ان الاخوان والخللان لا يقبلان البذل والعوض فيجب ان يعرف قدرهم ولا يتهاون في اجراء مراسم  
 الاخوة والخللة على ان الاخ الصادق والتحليل الموافق من الذالنمء وانفع الآلاء فشكره لا يؤدى  
 الا بالقيام باداء حقوق قدره والاحترار من قدره والحال ان اضاعة شرفه واستهانة قدره غدر عظيم  
 فيجزى المرتكب بفراق الاخوان ووحشة الخللان وانكسار الاصدقاء واستيلاء الاعداء لكونه  
 كفرا نالما يجب شكرانه \* (ترجمه) \* قدر یاره غدرله ایدن جفا \* مبتلای صحبت اغیار اولور  
 همدم غمخواره لازمدر وفا \* سلخدی ایلر سه بر خوردار اولور \* (بنده را شرف نسبت خداوند پس  
 است) \* عین به قدس سره المكنون رأس مال الرجال وبضاعة استفادة الحال یعنی بنده را خداوند اکرم  
 الا کرمین وسید ارحم الراحمین بخود نسبت واضافت فرمايد واز کمال فضل وعتایت عبدنا میخواند  
 هیچ شرف دیگر بدین پایه نمی رسد که این اثر قبولست واقبالی بیش از قبول خداوند نباشد که اساس  
 کار همه واصل شرفهای دیگر است نبینی که سر دفتر شرفها رسالت است واکرد در منشور اور رسول الله  
 نبشتندی هیچ نیزیدی وفس الباقی علیها که بندگی در قبول خداوند است نه در دعوی بنده که من  
 بنده خدا وندم وعلامة این تشریف آنست که رقیه بنده را ازرق ماسوا آزاد فرماید و به بندگی بی  
 غل و غش توفیق بخشد و دل و جان او جلوه کاه جذبات ناگاهی کرداند \* (ترجمه) \* نسبت مولی یتربعه  
 شرف \* نلسون مصر سواده عزتی \* شهرت شانی او انچه مولوی \* استمراندن زیاده رفعتی  
 \* (نیل و میل تو امانست) \* اشعر به قدس سره المكنون علامة القوز وامارة الحوز خنانکه حضرت  
 بیرقدس سره المنیر فرماید \* هر کسی از بهر کاری ساختند \* میل او اندر دلش انداختند \* فان نقطة

الميل اول دائرة السعي وآخرها نقطة التبل من طلب وجد وجد حسن فاتحة ميل طبيعة لطيفة خاتمة نيلست  
الجدار يهدم نحو ما ميل فالميل مثل ميل آلة القبلية كل من مال عنها نزل عن الهدى فطمح الانتظار ليس  
الاهو \* (ترجمه) \* ميل دل اولد لجه بين الاصبعين \* مژده اي ميل اور سميت سداد \* ميل ميل دل  
اولوب قبله نما \* روشن ايلر چشمكي نيل مراد (حضور بي غيت غر و راست) هدد به قدس  
سره المكنون اصحاب البقايا الذين يظهر والحضور ويضمرون الفتور لان الحضور في مقعد الصدق  
انما يتيسر بعد الغيبة بالكلية (بيت) تاسرمو بي تعلق هست محرومي بجاست \* هر كه اين  
زنار دار در حرم تا محرمست \* على ان قران القديم به جب فناء الحادث فلا يتصور ببقية ما فان الوجود  
الوهمي اغلظ الحب وان دق والانانية امتن حبال العوائق وان رق (ترجمه) مدت العمر ايشه لرطى  
مكان \* هر سر كنه ايدوب بيجدياز \* واصل خلد حقيقت اوله منبر \* ايتنلر ترك هستي مجاز  
(كل بالكلال محالست) ساق به قدس سره المكنون بعض الفاترين المتظمين في سلك سلوك الطالبين  
للكمال يعني ان احراز الكمال بتخلل الكلال محال فان الناظر في كمال الموالي لا يجد في نماها وترقيها كلال  
لحظة فكيف يتصور تخلله في مدارج الكالات الروحية وان المتفكر في دورات العلويات لا يكاد ان  
يجد في اوضاعها ملال ان غير منقسم في العالم الجامع عدم وجد ان الكلال والملال في التوجه الى مراقى  
القابليات في مراقبه بالطريق الاولى فان وجد فن عدم الجمعية وقد ان الكمال على انه رفيع الدرجات  
كما اشير اليه (بيت) اي برادر بي نهايت در كهيست \* برهر انچه ميرسى بالله مئست \*  
فالكمال كامل بشوقه وسعيه والاشواق والمساغى غير متناهية لان المرجع والمصير غير متناه فكيف  
ينتهى السيرة فيه فعليك بالشوق المتجدد المترقى سرمدنا (ترجمه) كمله كمر كيدر نقض كلال \* دائما  
جوش بهار شوقدر \* جلوه كاه عشق حق كور منر ملال \* دمدم تازه صفا و ذوقدر \* (در كسيكه خود  
نسكجايد جاى ديكر چيز كجا باشد) \* اورده قدس سره المكنون در محلى كه باخودان و بيجدايان  
بتخمينات فاسده و تخيلات كاسده نفوس احوال و اوضاع فقيران بيخودر بقباس نفس بر محتملات بعيدة  
واهيه حمل كردند و بثر اترخاي مجالس عالية اخوان الصفا آلوده اراجيف وهميه كاذبه و محافل سامية  
معارف و حكم عبر مشحون خلان و فارا بمساوي باطله اشغال غودند يعني اصل فروغى كه شمشامار كرديد  
خوديست پس آن اساس فساد و بيج درخت ذنوب كه بالكلية مهدم و منقطع كشته باشد چه جاى احتمالات  
مذكوره ماند چنانكه در صورت جنبايات خضر به عليه التحيه السرمدية ماجنى من نجى فرموده شد  
از انكه كرده هاى بيخودان چون خامه در دست ديرا فاضل خدايست پس انكه كه از طوفان  
خداى نجات سر نمايد جنبايت نماند و سر (يد الله فوق ايد هم \* و مار ميت) آشكار كرد دل كنه عزير جدا  
(ترجمه) نسبت احكام اولد لجه غالبه \* لاجرم مغلوب اولور بي اعتبار \* قنده قالدى فاني و باقى كوله \*  
فاعل و قابل كى انبار كار \* (معرض عرض مقبل عرض است) \* حث به قدس سره المكنون على التجريد  
والتفريد يعني ان العرض معد للبقاء ولا بقاء الا للجوهر وهو الغرض الاعلى پس اعراض كسندة اعراض  
غير باقيه مقبل مقصد اقصاص و تفاوت اين اقبال بمقدار ان اعراض است لان الاعراض في الحقيقة  
امواج بحر درة الذات فالجوهر هو الذات فقط المعبر عنه بالوجه (فكل شئ هالك الا وجهه) ولا شئ ان  
اقبال المالك لا يتأق الا بعد اعراض الهالك ولذا قدم التجريد على سائر المهام (ترجمه) درة ايضا متوج  
ايليوب \* اولدى اعراض حوادث آشكار \* جوهر ذاته اولد لجه روى پوش \* ايتديلر اعراض  
اهل كار (شرف و خست جنبش و آرام از آغاز و انجامست) عرض به قدس سره المكنون على تخليص  
العزائم و تصحيح التيات و تخرى الخواصم و احتياط العقوبات يعني ان مظمح الانتظار العاليه في الحركات

و السککات البواعث والآثار فان الآثار الحسنة تترتب على البواعث المستحسنة فامتداد الحركات و ابعاد السککات فلا تخلو عن تلونات الترقى و التنزلات ولا يعاينها وانما الاعتبار بالفواقيع و الخواص بناء على لميات الاولى و انبات الاخرى فلكل ما اعتبر ( ترجمه ) تخم كشت آدميدرنيتى \* مائة نشو و نمادر همتى \* انلر اولسه خالص و على بولور \* أول و آخرده عز و رفعتى \* ( قابل نشانة مقبولست ) \* ارشد به قدس سره المكنون الى سراتفاوت بين المسترشدين و المتزين فان المسترشدين القابلين للتربية مشرفون بالقبول أولاً ثم يسلم من طريق الارادة الى المربي فيصير ما بالقوة من كماله بالفعل و اما المتزني قد يكون لتكثير الجماعة و محافضة الرسوم فلا يرتقى مقام الارادة فيشتغل بصور العبادات ولا يفتح أبواب الاسرار ولا يكشف الاستار فان المحارم من الخدام ولا يكون لهم قابلية الارشاد مع انهم مأجورون مثابون ذرة ذرة في وظائفهم لكنهم غوام الطريقة و هم يظنون القابلية قبل المقبولية لانهما كهم في الصور و الحواس مع انها علامة تشعر بها الى المتفرسين و الا فان البشرية من الارادة و الانانية من التسليم و النفسانية من الرياضة فطوبى لمن رزق بها و بشرى له ( ترجمه ) قابل ارشاد اولوب مقبول حق \* حكيم اجرايلر آخر ما سبق \* بوخسه بي بهره قلوب عرفان دن \* آله مزر علم لندندن سبق \* روشندلان نصف شاعر عند نده مانند شمس و قرظا هر و باهر در كه اول كان كوهر معارف لرشته كش عباراتى و تعبیه رمزهاى اشاراتى اولان ايات كنج نامه ناميلرى و جل كلة طيبة جامع لرى كشف استار و شرح اسرارينه مساعده توفيق صمدانى اليه خامه مشكل كشاعنا نرين ميدان توضيح كما كان اولسه هربرى معارف نامه اسلاف كراميلرى كبرى بر اثر والا كهر اولوب ابد الدهر دستور العمل كار كزاران طريقه عليه اولوردى لكن ريشحه من البحرايله اكتفا اولنوب نشر فوايج مسكيه مناقب سائره لرينه شروعه مسارعت اولندى الغرقة تدل على الديم \* ( مرو يستكه ) اول نخل سر بلند ايجن آباد ولايتك اوائل نشو و نمادر نده هوادار باغبان ارشاد و تربيه اولد قلرى اثناده محبة بروسه نواحيستنده كوشه نشين فراغت و اطرافه و لوله انداز كرامت كيكل سلطان صوب ولايت او بنه توجه بيور و بريسيد حلقه صحبت بر صوفى لرى اولد قده عزيز مشاور اليه بصيرت كاردائرة صدق ارادت و اخلاص عزيز لرى اولوب تشهير ساعده همت تنبيه ايلد كده احتياط حسن ادب صدد نده از دل و جان استخاره و صورت محاسن خيال به لر نده مثال مقدس خداوند كرى بي مشاهده ايدوب ( باغبان آن فوئال مايم ) مضمونى تلقى كرده روحايت لرى اولنغله روى توجه لرين جانب جناب سراقدهس جدا مجد لرينه توجيه و ملازمت جوار تربيه معظمه لرين توصيه ايتلر يله سمت قبله استفاضه لرينه ديدنه دوز اختصاص و ماعدادن اغماض عين اخلاص ايدوب فى الحقيقة اول فناى سواد اعظم رحمتده آسوده سايه حمايه روحانيه و نظرى نظيرا كسرتاثير حضرت امير عالم و امير واجد قدس سرهما المناجد بر كاتيله احراز رتبة كمال و تكميل و سالكان طريقه عليه اجداد عظام لر ينلر جال طرق سائره دن قطع اميد استفاضه ايتلر يله آيت تنبيه و امارت تحذير اولمشلر در كه جمله طرق جليله اولياى امت احمديه عليه التحية السرمديه دن طريقه صديقيه جلاليه عمم بر كاتها و عزت حر كاتها به اناتله بر خوردار اولمش اخوان صفائى شمار در لكن متخلفين مسلك با كيزه حسرت السلا مولى به دن فرد واحدك صدمه روحايت غيرت خنكرا كبر قدس سره الازهر ايله معمر و معمر اوله مدبغى روايتكر ده اسلاف اولد يغندن ماعد اجمع عليه اخلاص و ليس الخبر كالعيان العباد بالله الحفيظ المستعان زيرا تخلف اثر اثر در روحايت ليردر كذا كرونو قابليت افاضه اولسه مقتضى شمول عنايت لرى او زره قبول ترده غلبه و لطف زجره سبقت ايدردى چون رد و قبول مردان زو پوش رحمت و غضب قهار مناندر مر دود لرى

ناقص سرمد اولیٰ حبیبیه بطریق من الطرق واصل منزل کمال اولیٰ محالدر بلکه علی العیای تعمیر خراب  
 کرده لرینه واضع الید تدبیر اولیٰ لردخی مهبط نوازل تدبیر اولیٰ محرب و مقرر در (فان قلت) ان رد جمیع  
 الایماء و قبولهم من الله تعالی لانهم افنوا نفوسهم و بدلو انفسهم فیکون کل الطرق متساویة الاقدام  
 فیها فکیف یصح التخصیص بالمولویة قلنا طریقتنا مؤسسه علی التوسل باسم الذات المستجمع لجمیع  
 الصفات فمن لم یتمکن من القرب بتوسله لا یمکن له التوسل باسماء الصفات والافعال ضروره مع فضیله ذکره  
 المستوعب اوقات سالکها فهو مرفوع بالصدمه الجلالیه فایس لاحدان یحمیه و یقر به لا یقال  
 ان التوسل بما توسلتم موجود فی سائر الطرق لان فیها یتوسل بالاسماء السبع فصاعدا و لیس مافی الجملة  
 کما بالجملة علی ما لا یخفی علی العارف المستغرق فی محیط علم الاسماء جلّت میامنها علی ان اطراد الوقوع  
 اید الامر و اكد المذعی \* (نکته) \* بدانید و فکرم الله تعالی قبول اولیاءه و العیایه من ردهم  
 در کاتبه باب ولایت مآب خنکاری ابن رباعی مر سومست \* باز آ باز آخر انچه هستی باز آ \* ککر کافر  
 و کربت پرستی باز آ \* این در که مادر که نو میدی نیست \* صد بار ا کر تو به شکستی باز آ \* پس آن بدبخت  
 از لی و مد بر ابندی که بدین دعوت پر مروت اجابت ننماید کجا فلاح یابد و بر خوردار باشد و بگوید ما ادعنا  
 انیضا ما قاله سلطان العلیا قدس سره الاعلی \* (بیت) \* مازاده ذاتیم سوی ذات رویم \* بر رفتن  
 مادهید یار ان صلوات \* و بگوید ما ائشده الشیخ مؤید الدین نور مرقدہ فی نعت المقدی سیدنا و مولانا  
 جلال المله و الدین قدس سره المبین \* لو کان فینا للالوهه صورۃ \* هی أنت لا ا کنی ولا ا ترد \* (آورده  
 اند که) \* اخي عز الدین رحمة الله علیه اصدقای طریقه علیه مولویہ و صبح و شام ملازمان صحبت  
 شریفه لرندن اولوب ایام نو بهار یدہ انیس خلوت و سمیر جلوت لری ایکن نا کاه طبع شر یقلرینه آرزوی  
 تماشای باغ و بستان و فکر ضیافت اخوان و دوستان غلبه سیمیه استزاج و استئذان اولند قلرنده  
 مقابله لا و محامله نعم یدیدار اولوب انلر مراقب و بونلر مترقب ایکن دفعه خیالنه تبدل و حواسنه  
 تغیر طاری اولوب کندوی عین الجمع اخوان و دلخواهان خلانله جمله اسباب ضیافت مہیا بر باغ ارم  
 نظیرہ متوجه و اول نر هتکاه دلنشینده تابهنگام شام اقصى المرام ذوق و صفای صوری و معنوی ایلہ  
 خوشحال مشاهدہ سیمیه غرق سرور و مست حبور اولمشیکن نا کاه ینہ حالت پیشینه عودت ایدوب همانا  
 حضور حضرت مشار الیہدہ منتظر اذن و مترصد مساعدہ مأمول معاینه ایتمکله بخویش داروی هشبر  
 خیال محال نما اولدقدہ جناب دستگیر اقتاد کان کرداب حیرت سر بر آ ورجیب المراقبه واردات اولوب  
 (انکه دیدی سیرت ابن صحبت عارفانه ماست) نفس جانتبخش لریله بیان واقع حال و ذات ملک  
 الصفات لری نلزمان و مکان واردات عجایب امکانه اولان مکنث غریبه تصرفات لرین اشعار بیوروب  
 \* (تظم) \* روضه خلد برین خلوت درویشانست \* مایه محشی خدمت درویشانست \* قصر  
 فردوس که رضوانش بدر بانی رفت \* منظری از چمن زهت درویشانست \* مضمون منی اوزره جمله بی  
 بالمعاینه و المکاشفه قدر شناس صحبت شریفه لری و مداوم سپاس الفت منیفه لری ایدوب الهجه  
 و هوش عند لیان کل رنگین و لایتلرین و دل و جان پر و انکان شمع پر نور کرامتلرین \* (بیت) \* هر که  
 در خانه دمی باتو بخلوت بنشست \* تماشای کل و لاله و ریحان زود \* دیگر \* خلوت کزیده را تماشاچه  
 حاجتست \* چون کوی دوست هست بهمراجه حاجتست \* مصداق ایلہ ترغیر از متان کونا کون و بال  
 و پرسوز شعله عشق و زافز و نلری قیلوب بلکه کافی الحیات قبر شریفه لری دخی مجاور تر به منوره لری  
 اولیٰ اوزره حضرت آخی مصطفی و حضرت آخی اربصان و حضرت عبدالواحد جناب اخوت مآ برینه  
 رجهم الله تعالی توصیه بیوروب جوار پر انوار لرنده آسوده ا کدار عالم برزخ اولمشلر در \* (قطعه) \*

C. Ergun Çelebi  
İsaret-i Beşare

آنکه همسایه اش آسوده سرمد باشد \* بی تردد بکرو در که درویشانست \* قریحی را که نباشد غم  
دوری در پی \* انسانی به خر که درویشانست \* (مرو بست که) \* اول چشم و چراغ زمین  
و زمان و کشف اسرار کون و ممکن مجلس آرای معارف دوران و محفل پیرای لطائف ارکان اولوب سماع  
باصفای مولوی متضمن اولدینی عجایب رموز و غرایب کنوزی فتح و کشفده بدل خرائن همتله  
صعالمکه دایره ارادت سرحد امجدلرین بضاعه دارتحقیق و رها یاب مضیق تقلید بیور مشلر در که مطرح  
انظار حسنه لری اولان هجده اشارت تفصیل اجمال و توضیح اشکالنده واقع اولان انمودج حقایق غامزیه  
اشاره البشاره تسمیه اولنوب بین الاخوان یادکار حری الاعتبار اولمشدر \* (الاشارة الاولى) \*  
فی الدوره الولدیه اشرف اولاد آباء افلاک اولان انسان الولد سیرایه مقتضا سنجه مظهر سرفلکی  
اولوب مانند افلاک پر املاک با ثوابت و سیار کواکب تابناک استیلای عشق یا کله دوران بی بال  
ماسوده مدیر اجرام علویه اولان فلک اطلسلک دورینه مقابل آغاز آیین حکمت اکتلرنده دوره  
ولیده اشارتی پر کار کش صحیفه میدان جولان اولوب جمله اجزای دایره حرکت وضعیه متخذه ایله تتمیم  
سیر ذکر احاطه آثار رحمت ذوالجلالی ایدوب یکپاره مدار ذکر ملک و فکر مستوعب آفاقی  
اولمشدر \* (نکته و حکمت) \* بر موجب اشارت حکیم سنایی الهی قدس سره الهی حرکات  
وضعیه مولویه الدائرین علی مدار التوحید الحالی الروحی السری الخفی الافعالی الاسمائی الصفاقی  
الذاتی انوار النور مصابیح ارشاد هم بواعث دورات فلكیه اولق اقتضایدر \* (چنانکه) \* فرموده است  
(نظم) آسمانهاست در ولایت جان \* کار فرمای آسمان جهان \* در ره روح پست و بالاهاست \*  
کوههای بلند در یاهاست \* اگر کویند که آنچه در آخر زمان پیدا شده است چه گونه در جمعه  
زمان مؤثر باشد \* که تأخر ظاهری مانع تأثیر کلی باطنی نیست چون علل غائییه و حقیقت  
احمدیه صلی الله علیه وسلم و علی آله و العارف یکفیه الاشاره و الغافل لاتنبه العبارة (چنانکه)  
حضرت پیر قدس سره المنیر فرموده است (بیت) ای آسمانکه بر سر ما چرخ میزنی \* در عشق آفتاب  
تو هم خرقه منی (الاشارة الثانية) سلام اول عقیننده اولان دوره انفسیه مایکوتیه مقابل دور فلک  
البروجده وضع اولنوب عامه اجزای دایره حرکت وضعیه خاصه ایله تکمیل سیر مشاهده حکم ربانی  
ایدوب یکپاره مدار شهود حکم و عبر انفسی و ملکوتی اولمشدر \* (چنانکه) \* حضرت پیر قدس  
سره المنیر فرموده است (بیت) بیرون ز تو نیست هر چه در عالم هست \* در خود بطلب هر آنچه  
خواهی که تویی (الاشارة الثالثة) سلام ثانی عقیننده اولان دوره روحیه جبروتیه مقابل دور فلک  
شمسه وضع اولنوب کافه اجزای دایره حرکت وضعیه مخصوصه ایله تتمیم سیر فی الله ایدوب یکپاره  
مدار انطباق انوار جبروت صفات اولمشدر \* (چنانکه) \* حضرت پیر قدس سره المنیر فرموده است  
(بیت) از همه اوها و تصویرات دور \* نور نور و نور نور و نور نور (الاشارة الرابعة) سلام ثالث عقیننده  
اولان دوره سریه لاهوتیه مقابل دور فلک قرده وضع اولنوب قاطبه اجزای دایره حرکت وضعیه  
خاصه ایله تکمیل سیر بالله ایدوب یکپاره مدار استفاضه بر تو ذات اولمشدر \* (چنانکه) \* حضرت  
پیر قدس سره المنیر فرموده است (بیت) این قدر خود درس شاگردان ماست \* کروفر ملحمه مان  
تا کجاست \* تا کجا انجا که جارا راه نیست \* جز سنابرق مه الله نیست (الاشارة الخامسة) سلام  
رابع عقیننده اولان دوره خاصه انسانییه که عالم صغریه مقابل بونیموب انحق نشاء جامعه الحضرات  
آدمده سر زده بر دوره کامله اولوب مبدئی هو الله و معادی الله هو اولق اوزره خاتمه آیین طریقه  
حرکت دوریه عشقیه قلمشدر که اکثر دواتر ده مقابله عالم بالا بولمغله مقابله تسمیه اولمشدر و الا دایره

اخیره و مجموع من حیث المجموعه نظریاتی نظیر و مستبد بالظهور در (چنانکه) حضرت پیر قدس سره  
 المنیر فرموده است (بیت) از هر دو پهلوی خود کرده ام تهی \* چون هی نشسته به پهلوی اللهم \*  
 (الاشارة السادسة) حرکات دولاییه و حائلیه مقابله سی متعذر و متعسر و حصول مقصود مشار  
 الیه مدخلی ظاهر و لمغله حرکت رجویه ایله مقابله اختیار اولنوب اجزاء وجودیه نیک سخی و محقق  
 و نحو و افناسنه و عالم قدسه الحاق و ترقیسنه تدارک و توسل و مانند سنک آسیا حرکت دوریه لری  
 اثر جوش آب فیض و دور مطلق اولد یغی قصد و ارائت اولنمشدر (چنانکه) حضرت پیر قدس سره  
 المنیر فرموده است (مثنوی) یا خفی الذات محسوس العطا \* انت کالماء و نحن کالرحا (بیت)  
 دل جودانه مامثال آسیا \* سنک کوید آب داند ماجرا \* و همچنین در جمعیت اجلاس معین الدین  
 بروانه که سلسله سماع و صفای امتداد پذیرفته بود فرموده شد تا امیر آب آبهان برد آسیاب کی ساکن  
 گردد (الاشارة السابعة) انسان کامل و مکمل و شیخ مربی مرشد علی نقطه المیزان قائم مقام محور و قطب  
 الاجرام العلویه دائره علی نقطه وجوده و فائض اقطار الامدادات الروحانیه و لمغله دائره کش حال اولان  
 مریدین و مستفیضین مقابله صداقت و ارادت و توجه خلافت و وراثت اوزره مهبط انوار سلام  
 سلامت نظام و مرآت اسرار تسلیم کرامت ختام لری اولوب ذات قدسی بشر نمالین مدار دائره وحدت  
 و منار شعله معرفت یلوب اهتمام اتحاد تامه کرمیت شمع روان اقدس لریدن سرمایه دار دوران وجد  
 فانوس خیال اوله لری (چنانکه) حضرت پیر قدس سره المنیر فرموده است (قطعه) کعبه طواف  
 میکند بر سر کوی یکتی \* این چه بیست ای خدا این چه بلا و آفتی \* ماه درست پیش او قرصی  
 شکسته بسته \* برشکرتش بتانها چون مکسیت رختی (الاشارة الثامنة) مدار نجوم زاهره سیاره  
 وجد و حال چون مقابل معدل فلک اطلسدر که اول وضعده افق عرض تسعین بولمغله سالك طریقه  
 دوریه اولان اصحاب عرفان و چرخزان بخویشانک حرکت آفاقیه لری مدار اعتدال جمع و فرق اولوب  
 و عمرانات وجودیه دن بقیه اولمق اوزره ابعاد قصد اولنوب میول جزئیسه و کلیه طرفین شمال جمع  
 و جنوب فرق دن احتیاطله اعتدال و استقامت تامه اهتمامه و بر کار نقطه جمعیت وحدت اوزره ثباته  
 قرار و برلشدر \* خصوصاً حلقه کاندلر سماعند \* همی کردند و کعبه در میانست (چنانکه)  
 حضرت پیر قدس سره المنیر فرموده است (نظم) در خبر خیر الامور واسطها \* نافع آمدن اعتدال  
 اخلاطها \* شیخ روی آور دسوی آن فقیر \* کز هر حالی که هست اوسط بکیر \* (دیگر) چو کرد او بر صراط  
 حق اقامت \* بامر فاستقم میداشت قامت \* ندارد سایه کو دار دسیاهی \* زهی نور خدا ظل  
 الهی (الاشارة التاسعة) حرکت دوریه انفرادیله وضع سیاراته مقابله قصد اولنوب اتحاد حقیقی به  
 بناء اتصال معنوی ایله اکتفا اولنوب تکلف زائد تخلیق اولنمشدر حرکت دوریه ثمره سلوک  
 طریقه دور در زیر الطریق استطاله و حرکت اینیه خطوه اولاده ضلالدر کلمات ادا السیر زاد  
 الضلال لان صاحبه یخیل ان المقصد فی النهاية تعالی شأنه عما یظن الضالون علوا کبیرا و باعث انفراد  
 مقابله مولویه نیک تدویری منفرد اولد یغندن ماعدا ادخل فی الحضور و الفراغدر علی الخصوص مرکز  
 حلقه شامله مرکبه اوزره دور دن مرکز خاص دائره نفس اوزره دور مدار فوز کشایش کجینه ذات  
 اولد یغنی مشهود به آشنایان رموز انفس و آفاندر (چنانکه) حضرت پیر قدس سره المنیر فرموده است  
 (مثنوی) اندرین حلقه زرب العالمین \* نور میزاید چو در حلقه نکین \* (بیت) سلسله این قوم حق  
 مشکبار \* مسئله دور است لیکن دور یار \* در سنان آشوب و چرخ زلزله \* فی زیار  
 انست و فی از سلسله (و چنانکه) حضرت کبریت الاحمر و المسک الاذفر اعنی الشیخ محی الدین

الا کبر قدس سره الازهر فرموده است که ان صاحب الطريق المستطیل مائل عن مقصوده وخارج عن طریق الاعتدال لانه لا یرى الحق في المظاهر فيتحرك بالحركة المستطيلة للوصول اليه مع ان مطلوبه معه حيث ما کان فلا جرم ان حرکت هذمه من توهمه خارجا عن المظاهر ومن غفلته عن معنیه وان صاحب الحركة الدور بینه فلانها بیه فی سیره ولا بدایه لانه يشاهد الحق فی کل المظاهر الروحانية والجسمانية ذنیویة كانت أو اخرویة بحسب مناطق علیه التحمة السرمديّة من قوله (لو دلیم بحبل لهبط علی الله تعالی) الحديث \* (الاشارة العاشرة) \* لما كان ذكر الافلاك بالاشارة لعدم وسعة العبارة بذکرها قبول فی آخر النشأة وعاقبة الدورة بمثلها فاکتفی بذکر الاشارة فانها مقابلة كاملة وكانت قبل بروز الدورة المولوية مقابلة من بعض الوجوه فخرجوا العبارة بالمرآقة علی ان الاشارة المذكورة تعم کل الجوارح والجوانح والعبارة والمرآقة تختصان باللسان والحنان فکمال الذکر فی الاحاطة والشمول فلما کمل الذکر فی الاحاطة والشمول فی طریق الحركة الدور بیه الحال بیه المولوية فهم الحكم بقضاء الوطرو بقاء الاثر الی ما شاء الحكم الا کبر وثبت الحزم تمام دائرة الطرق الموصلة وبختام شعب الولاية الاحمدية وظهور انوار الحقيقة المحمدية غایة انظهور ونهاية البروز فتجلت فيها اسرار الملة السمحة الخفيفة البيضاء وهي الطريقة السهلة سلوکا والعظيمة معرفة وصفوة وملوکا (حنانکه) حضرت پیر قدس سره المنیر فرموده است (بیت) جور بی پایان و بحد برده ایم \* ره بر اهل خویش آسان کرده ایم (الاشارة الحادية عشر) چون ادوار فلسفیه بحسب القس من المشرق الی المغرب وبالطبیعة بالعکس در فکذلک مقابلة مولویه دخی حرکت دور بیه حال بیه وجد بیه لری من مشرق الوجود الی مغرب الفنا و حرکت دور بیه سیر بیه لری من مغرب الفناء فی الله الی مشرق البقاء بالله در فهذا الذي یصح نسبتها الی جناب الصديق الاکبر والعشيق الانحر الذي صدر فی حقه من مشرع کمال النبوة من اراد ان ينظر الی میت عشی علی وجه الارض فلينظر الی انی خفاة صدق من نطق وفاز من عشق فطوبی لسا لکیم او بشری لسا لکیم فانها قنطرة بین العسر والیسر لسا لکیم (حنانکه) حضرت پیر قدس سره المنیر فرموده است \* پیشه مر دی زحق آمو ختمیم \* پهلوان عشق یار احمدیم \* کتب العشق سرا حی \* سمع الکاس صیاحی \* ز تو اندر دور انیم \* کهره دور کشادی \* لجیبی دورانی \* لطیبی طبرانی \* چو جهت نیست خدارا \* جهروم سنوی بوادی \* نه که بر کعبه اعظم \* دور انست وطوافی \* دورانی وطوافی \* لک یا اهل ودادی (الاشارة الثانية عشر) نفوس مدبره کارخانه بشریتک وقوای جسمانية جلب و دفع بدینک وعقول بالملکة انسانية نك ومشاعرا احساس آدمیه نك دورات ضمنه سیمیه ادوار فلک سیارات غیر مذکور بیه مقابلة اراده اولنوب مثلاً دورۀ مدبرۀ فلک زحل ودورۀ قوای جالبۀ فلک مشتری ودافعة فلک مریخ ودورۀ عقل فلک عطارد ودورۀ مشاعر فلک زهره مقابلة سنده وضع اولتمشدر لکن ضمنی اولمیر بیه دورۀ متقابلة لری سلسله ادوار مقابلة آیین دلنشینده اظهار اولتمیوب دائرة تضمنده متواری قالمشدر یوخسه فی الحقيقة مقابلة حرکت دور بیه طریقه عشقیه ده نقصان یوقدر (حنانکه) حضرت پیر قدس سره المنیر فرموده است \* هر کز کسی نرقصدا لطف توینند \* کاندرشکم زلطف رقصست کود کاترا \* اندر شکم چه باشد و اندر عدم چه باشد \* کاندرخد ز نور رقصست استخوانرا \* بر پردهای ذهنی بسیار رقص کردیم \* چاپک شوید یاران بر رقص آن جهانرا \* جانها چومی برقصند با کندهای قالب \* خاصه جو بکسلانند ان کنده کرانرا \* پس ز اقول ولادت بودیم بای کوبان \* در ظلت رجها از بهر شکر جانرا \* پس جمله صوفیانم از خانقه رسیده \* رقصان وشکر کویان این لوت را یکبار \* پس وجود سماعزان عشق و حال سده اولان اجزای جسمیه وجسمانیه ومتعلقان علاقه تدبیر و حمایه

جوارح وجوانحدن شیء واحد حال دل خالی و بی بهره انوار وجد روحانی و محروم لذات اسرار صمدانی  
 د کلدرفلیس فی الدورات حرکات و لا فی الدائرات نقطات الاوهی لک عاشقات والیک منجذبات و بک  
 راقصات قول شریفی بومعنایه کواهی اشتباهدر (الاشارة الثالثة عشر) دعای فنازد کان صوریده  
 اولان چار تکبیر مانند جلوه کان ساحه دار الفنا و البقایه امام وقت اولان شیخ کامل و مکمل چار  
 تسلیماتله دعا یور و ب دورات محرره ده ان المقربین لفی خطر عظیم مغز اسنجه اخطار هبوط و رجعت  
 و خسوف قلبی و کسوف روحی و سائر آفات سماویة روحانیة دن امن و سلامتله اتمام دائرة کاملرینه  
 توجه تام بیور ملری و مر ایای متقابلہ ذات و صفاتی بولنان اخوان صفا و خلان وفادن دخی عکس غالبک  
 مقابلہ التسلیم بالتسلیم اولق اوز ره رکن رکن آیین ولایت رهینری قلتمشدر (چنانکه) حضرت پیر  
 قدس سره المنیر فرموده است (بیت) مستان سلامت میکند جانرا غلامت میکند \* مستی زجامت  
 میکند مستان سلامت میکند \* و حضرت شیخ وارث امانت نبوی قائم مقام معنوی بلری اولغله مراتب  
 أربع شریعت و طریقت و حقیقت و معرفتده نیابت و خلافتی حسبیلہ تسلیمات مذکورہ حقیقت  
 محمدیه علیه التحیة السرمده جناب عنایت مآبیه اولق دخی مشهور بلکه نوبت اولی ظهور تسلیمات  
 خصوصنده منقول اولان مشاهدہ جللیله خداوند کارشاهددر و سلام اول مقام شیخدن اولمسی  
 و خارج دائرة ولدیة ده اولق مقام شریعتدن اولدیغنه و تسلیمات ثلاث داخل دائرة ولدیة ده و مرکز  
 دائرة مقابلہ به قرب و بعد حسبیلہ متفاوت مقامادن اولمسی ثانی مقام طریقت و ثالث مقام حقیقت  
 و رابع مقام معرفتدن اولدیغنه آیات واضحہ در و المنفع المخلص انهامن مواطن الحضرات الی الحضرة  
 الجامعة و تفاصيل الوجوه تشير الی هذا المرجع فاجهد حتى تشهد الحقیقة فان هذه المقابلة و السماع  
 علی التفاوت باختلاف حضور الذاکرین و شهود الدائرین فالامر الی المذیر المرید و هو الفتح لمن يشاء  
 و الفیاض بما یرید (الاشارة الرابعة عشر) چون اصوات مع الحروف اصلیت لغت و وضع ایله کتاه  
 اولندیسه اصوات ساذجه افاده خالق بیگونه استفاده اولنور زیر اهلیت اصوات ساده فقط الهامله  
 فهم اولنور پس اصحاب الهام اصوات فی و قدومدن هو الله و الله هو و قدوس و قیوم معانی  
 جانیله سین بطریق الاشارة استفاده ایلدیله رایسه مناسبه ذکر بالاشارة مولویه خصوصنه بناء اطراب  
 و تمییز قوت تحر که و تنشیط دماغ حال آلودسیا فنده ضمیمه آیین طریقت علیه قلتمشدر کما استفاد  
 اسد الله الغالب علی بن ابی طالب عن الناقوس حقا حقا صا صا صدقا و کما استفاد اجلة ارباب  
 الالهام و الاشارات من الالفاظ و الاصوات معانی مناسبه لمراتبهم فلیراجع الی کتب احوال القوم  
 قومهم الله تعالی بقبولیت و کثرهم بنور وحدته (چنانکه) در فوائج مشنوی معنوی از ترجمه  
 صوت بی ثبت یافته است و ههجنان حضرت پیر قدس سره المنیر فرموده است \* ای نای خوش نوا ی چه  
 دلدار و دلخوشی \* دم میدهی تو کرم و دم سرد میکشی \* خالیست اندرون تواز بند لاجرم \* خالی کننده  
 دل و جان مشوشی \* نقشی کنی بصورت معشوق هر کسی \* هر چند معنی تو بمعنی منقشی \* ای صورت  
 حقایق کل درجه برده \* سر بر زن از میانہ فی چون شکر و شوی \* نه چشم کشته توده کوش کشته جان \*  
 دردم بشش جهت که تود مساز هر ششی \* ای نای سر بریده بکوسر یزبان \* خوش میچشان ز خلق  
 از ان دمکه میچشی \* آتش فتاد درنی و عالم گرفت دود \* زیر اندای عشق زنی هست آتشی \* بنواز  
 سر لیلی و مجنون ز عشق خویش \* دلرا چه لذتی تو و جارا چه مهوشی \* بویست دردم تو ز تبریز لاجرم \*  
 بس دلکه می ربانی تواز حسن و از کشتی \* دیگر \* بشنو تو زنی چها چها میگوید \* اسرار غفقت کبریا  
 میگوید \* و یوید ما نقل فی نباته و استعمار النبی علیه السلام ما لقن علیارضی الله عنه من صوته کما فصل



فی محله \* (الاشارة الخامسة عشر) \* وضعت هذه الاوضاع بالكشف اليقيني مرآة الآثار وميمات  
 الانتظار ومشكاة الانوار ومبعاد الاوطار ومرصاد الاخطار ومفتاح الاختيار ومصباح الابرار ومقياس  
 الافكار وميزان الاذكار ومضمار الادوار وميثاق الاقدار ومصدق الاحرار ومنهاج الاسفار ومعراج  
 الاسرار ومنشأ الاشرار ومعمار الاقطار ومراقبة الاطوار ومعمار الاعمار فالواجب على ذم الهمم  
 أداء حقها كما أشيرت والترقى الى حقائقها ومقاصد رموزها والقيام على تحقيق اجرائها والصعود  
 من حضيض التقليد الى اوج صفاء الحال وذروة معارج الكمال (چنانكه) حضرت پیر قدس سره المنیر  
 فرموده است \* در آن ساعت که درویشان سماع باصفا آرند \* در اید خضر پیغمبر شود ساقی درویشان  
 \* (دیگر) \* اگر چه بام بلند است بام هفتم چرخ \* گذشته است از آن بام نردبان سماع \* برون هر  
 دو جهان چو در سماع آبی \* برون هر دو جهان است این جهان سماع \* بر زیر پای بگویم هر چه  
 غیروست \* سماع از آن شما و شما از آن سماع \* مثال ذره چو پر شد ز بر تو خرسید \* همه برقص در این  
 در میان سماع \* بیا که صورت عشق است شمس تبریزی \* که باز وبسته او شد لسان دهان سماع  
 (رباعی) \* شهباز جناب ذوالجلال است سماع \* فراش قلوب اهل حال است سماع \* در مذهب منکران  
 حرام است سماع \* در مذهب عاشقان حلال است سماع \* (دیگر) \* حقا که سماع مایبازی نبود \* سر است  
 حقیقی که مجبازی نبود \* آنها که سماع مایبازی شمرد \* مر دار بود که او نمازی نبود \* (الاشارة  
 السادسة عشر) \* توجه درون بر خلوصه دائرة سماع اطرافه حلقه کش و نظر در قدم و هوش  
 در دم اولان اخوان الصفا و خلان الوفا بلیه دخی ثوابه مقابله قصد و ایما اولنوب اگر چه مقابل دور  
 محد دجهات اولان دور و ولدیة ملکیت آفاقیه ده اندر دخی مانند ثوابت حرکت ایدر لر لکن حرکت خاصه به  
 کلد کده هر کس مقرنه ثبات اوزره اولوب همسیر سبعة سیاره اولان سماع عزنان میدان کبر  
 حرکات معهوده اولور لر پس فی الحقیقة ثوابت نجوم دخی حرکت خفیه و بطیة دن خالی اولد قمری کبی  
 اندر دخی (وتری الجبال تحسبها جامدة وهی تمر مر السحاب) مصداق ثبوت حرکت دور به معنویه دن  
 خالی اولوب عوائد سماع باصفادن محروم کلی دکلدر بلکه علی حسب مراتبهم مستفید از ذواق  
 روحانیه و مستفیض اشواق ایمانیه در لر که الايمان که ذوق و شوق (چنانکه) حضرت پیر قدس  
 سره المنیر فرموده است \* سماع آرام جان زندگانیست \* کسی داند که اورا جان جانیست (دیگر) \*  
 هم نشینی مقبلان چون کیمیاست \* چون نظرشان کیمیایی خود کجاست \* (دیگر) \* اگر تو کار نیکردی  
 و مفلسی از خیر \* بیا که کار چو تو صد هزار ما کردیم \* هم قوم لایشتی هم جلیسهم \* مصطفی  
 کرد این وصیت باینون \* البسوهم کفت مما تلبسون \* شرم دارم از بنی ذوق و فنون \* الطعموا الاذنان  
 مما تأکلون \* سایه باری شود ذر خدا \* اینچنین کفت است احمد دائماً \* (الاشارة السابعة عشر) \*  
 بومقابل جلیله ناک آثار جز بیهی نفوس سماعز ننده اولاشعال نائرة عشق و از یاد انوار شوق  
 و ذوق و ثانیات تخلیه بقایای وجود و همی و تخلیه آثار اسماء جمیله و دود و طهور و خوارق و بروز و بارق  
 و نبوغ زلال معارف و حکم و لطافت روضات عالیة هم و کمال ثبات انقیاد جنان و ارکان و تدرب و بجا و دفعة  
 سماع عزنان بسائط علویه به مستند و منسوبه اولان ثمرات عجیبه و نتایج غریبه شجرة ذات انسانیدن  
 و مادر طبع بشریدن سکون و تولدی و ثالثاً افلاک و کواکب و عناصر و موالیدک تسخیری و مراسم  
 اکرامات مرتبه غوثیتک تقدیمی و قواعد اعزازاتک سایه قطبیت تهیددی و رابعاً خاصه حضرت خامسه  
 و تشریف خلافت الهیه و نشأه وراثت احمدیه علیه شرائف التحیه جلوه کرمنصه ظاهر و پرده نشین جله  
 باطن اولد یعنی کبی آفاق احباب صداقت مآیده دفع غائله تفرقه و کثرت و جلب عائدة صحبت اتحاد

و مودت و افتتاح ابواب خزان رحمت و امداد مدخل شد انداخت فوائده جلیله سن مفید اولی و اقبال  
 اسرار سماع با صفا عینده محتاج استدلال اولد یعنی کبی دقایق شناسان حوادث اعصار نظر لریده  
 رسیده منزله عیاندر \* (چنانکه) \* حضرت الولد سراپه متعنا الله ببرکت انفسهما فرموده است  
 \* سماع ماچو رحمانیست ای جان \* مشواینجاب نفس و کبر و رقصان \* سماع ماچو بیرون از من  
 و ماست \* منی از خویش چون مردان یفشان \* سماع ما برون از جسم و روحست \* بزنجری  
 و رای کفر و ایمان \* سماع ماهمه عشقت و مستی \* چومی در خم تن پیوسته جوشان \* سماع ما  
 برد از سینه کینه \* کند یا کت ز کبر و حرص آسان \* سماع ما نماید باغ جاترا \* شود نارغبت از روی  
 کاستان \* سماع ما نهد خوان خدایی \* خنک جانیکه از دل کشته مهمان \* سماع ماست آب زند کافی  
 اگر خضری بخور زین آب حیوان \* سماع ماست آن نادر امانت \* نذر رفت ان امانت را جز انسان \*  
 سماع ما زمین چون دید لرزید \* ز هیئت آسمان هم کشت لرزان \* سماع ما چو دیدند این دو گفتند \*  
 کسی از ما ندارد طاقت آن \* سماع ما امانت بود و آدم \* پذیرفتش ز جان از کفر رحمان \* سماع ما  
 نصیب جسم پاکست \* اگر چه شد نصیب جسم مانان \* سماع ما بود ز افلاک برتر \* مکش آترابی عقلی  
 عزیزان \* سماع ما یکی دشتیست پر خون \* در و شیران از هر سوی غران \* سماع ما از ان رستمناست \*  
 ز انرا نیست اینجا جای جولان \* سماع ما پراز شاهان عشق است \* ز همدیکر ر بوده کوی میدان \*  
 سماع ما مقام بندگانیست \* که اینجا هر یکی میرند و سلطان \* سماع ماهمه دیدار حقست \*  
 کجا کجی در اینجا مکر شیطان \* سماع ما چو مولاناست در وی \* بخند و بازید اینجا است حیران \*  
 سماع ماچو باشد مجلس او \* بود ز ابدال حق در وی فراوان \* سماع ما اگر چه در زمین است \*  
 همی گردد از و خرسید و کیوان \* سماع ماهمه عبادست و شادی \* چور و پوششت در وی آه  
 و افغان \* سماع ما اثر آسمانست \* که در رفعت ندارد حد و پایان \* سماع ما نموده رخ بعاشق  
 \* ز چشم منکران کشته است پنهان \* سماع ماچو جان عالم آمد \* تن عالم ز جان ناز است و خندان  
 \* سماع ما بهشت پر ز حور است \* توینا نیستی ما را چه تاوان \* سماع ما یکی کنیست پر در  
 \* از و هر سوی صد بحری و صد کان \* سماع ما بهایی خود ندارد \* ولد مستان بهام فروش ارزان \* اگر  
 بوقصیده غرای سلطان ولدی و اگر سائر منظوم و نثر خواص جلیله سماع با صفا بیاننده رشته کش نقول  
 اولان آثار کبار اطرا و اغراقه مجنونه اولیوب بدسکه تحقیق و تفصیل نفس الامر ده قصور عبارت اعتراف  
 اتمک موجب حقیقت انصاف در لان العبارة لا توفی فوائده الاشارة لاسمائی مثل هذه الاشارة النادرة  
 الجامعة لاشتات الحقائق والاسرار والحاویة لاصناف الحکم والآثار کما افاد حضرت سلطان  
 العاشقین و برهان الواصلین قدس سره المبین \* در قنادم تا بکردن در سماع شهید و شیر \* که سماع  
 دیگران اندر نکیرد کو بکیر \* قسمت حقست قومی در میان آفتاب \* پای کو باند و قومی در میان  
 زمهریر \* (الاشارة الثامنة عشر) \* ادوار بساطت افلاک و مافها ظاهره و باطنه و حرکات دوریه  
 کاتمه ثوابت نجوم و سوا کن عناصر و موالیدی سماع با صفای دور پر وجد و حال انسان کامل جامع  
 و فوائده بی شامل اولمغه مقابله مولویه جمع الجوامع دورات صوریه و معنویه اولوب مقابله العالم  
 الکبری بالصغری شهر تبلیه و لوله انداز میانه آریاب کمال و دید به فرسای دماغ اصحاب جدال اولمشر  
 و فی الحقیقه عیون اعیان ذوی البصائر ده نتیجه التایج مقدمات کونیه و ثمره النهایه باغ و بوستان روح  
 و ریحانه اولد یعنی کلقریله البدر یدیدار و کالذ کاف فی وسط النهار در فلاسکرها الامن اعنی بصیرته  
 واعنی سر برته \* (چنانکه) \* حضرت پیر قدس سره المنیر فرموده است \* چنک حکمت چونکه

خوش آواز شد \* تاجه در از روض جنت باز شد \* بانگ در بشنو چو دوری از درش \* ای خنک انرا که  
 و اشک منظرش \* کر خرامد عشق تو کرد ز اولاد افزون \* بنوشته توقیعت خدا کالآخرون السابقون  
 \* و روشن ضمیران و فراست سمیران یاران صداقت نشانی و دل افسردگان خود پستان کراختجانی  
 تشویق و اسکنده بود و بیت پر نکاتله کتفا بیور مشلدر \* (بیت) \* راه اینست و خودم با تو راست \*  
 ترک این ره میبکنی فرمان تراست \* دیگر \* در میان عاشق و معشوق کز رفت رفت \* تونه  
 معشوقی نه عاشق مر تراباری چه شد \* (العشق بزید السماع و یقصر بالجماع) فان العشق لطیفه  
 قدسية روحانية ولادة السماع محباسة له والواقع لكونه نفسا يتجالفه والشئ يقوى بقربه جنسه  
 كما یضعف بقوته ضده فالشارة لمن فهم الاشارة \* (آورده اند که) \* کوتاهی به ده کندویه آنسابله  
 معروف مدرسه واجدیه مدرسی اولوب فی الاصل دیار محمدن بطریق السیاحة محالثرومه کلوب  
 متوطن بلده مسفوره اولان علمادن عبدالواحد جامع جمیع فنون عقلیه و نقلیه و طالب علم لدنی و راغب  
 مسالک شایخ کرام اولغله محضا توجه سمت رومدن مقصد لری زیارت تربه مقدسه دولویه و صحبت عاشقان  
 و الفت عارفان حلقة کرامت انتمالی اولوب شرفیاب وصول مرام دل و جان اولدقلری او انده حضرت  
 جلال الدین ارغون قدس سره المکنون ولایت مآبیل دبدبه کوس کراماتی کوشکدار اغلب عرفا  
 واذکار کلائی و رذیبا اکثر اذیابولتغین صوب سعادت لربنه منجذب و ابتدای مشاهده دیدار تابدار لربنه  
 بالکلیه بوده ارادتلری اولمش کن شکل غریبانه و کرد راه مسافرانله بله دخیل دائرة خانقاه معالی  
 دستکاهلری اولدقدده همانافخ ابواب خزانه معارف بیور و بملای مر قومک مهارت تامه لری اولدینی  
 حکمیات و ریاضیات تعریضه اماله عنان بیان وجد امجد واصل اسعد لری انقاس مقدسه لرندن اولان  
 \* (بیت) \* درون سینه چون عیسی نکاری پدر دارم \* که مانند چون خری بر میخ ز فهمش بوعلی  
 سینا \* نفحه پر نکمت حقیقتلرین مفتوح صد پر مددیور و ب حکم اسرار منان است نه سفسطه یونانست  
 در توحید حساب نیست و در زاویه وحدت دل هندسه نکند و ملاحظه ارتفاع و مشاهده ادوار افلاک  
 و املاک و اختران عقول و قلوب و ارواح هیئت ریاضیات ماسواست و دل پر تاب اضطراب معرفت حال  
 است و رصد حقیقت جمیع البحرین احسن التقویست و کشفیات و شهودیات علم مناظر ذوی البصائر  
 است و شعور شعب منازل و وقوف پست و بلند مقامات فن موسیقی صنو تست و صندوق الساعه  
 معرفة دقائق و قسمت و علم مرایا اطلاع بواطن مظاهر است و ابعاد اجرام استقصاء ابعاد الاجسام عن  
 الحقائق است و جراتقال و قلاقل معرفه سر تحریر عالم کبری جموی باریک مدنفس است و نهایتش  
 اکتناه جراماتی که از تخم اش کوهها و آسمانها با نغمه اند و انرا بتار طوق بشری آدم کشیده است  
 و توغل فنون جیل غلبه نفس سفلی نیرنجات ارباب ریاضت و جهادا کبر است که الحرب کله  
 خدعه و استعار تفصیل اجمال انسانی تشریح احکاب اعتبار است و تحصیل مجهولات امور جالبه  
 و دفع منافع و مضار روحانی طلب مردان تدبیر کار است و حکمت طبیعی استعمال انسلاخ طبیعت است  
 و حکمت الهی توسل بمعرفه النفس الی معرفة الرب است انقاس نفیسه لر یله مطلب اعلا لری اولان  
 علم لدنی انواعه رخص و ایما بیور ملر یله ازل و جان اسیر دام آدم کیرالری اولوب مدت مدیده  
 ملازمت صحبت جان پرور لر یله مستفیض و برکات انظار حسنه لر یله مستعد اولدقلری اثناده جوار  
 آستان رحمت آشیان لرنده ادب صار و حی بناسی اولان مدرسه جلیله ده نشر علوم و کسب معارفله اوقات  
 گذار و فی الصبح و المساء مقنن سایه عنایت مایه لری اولدیفندن ماعد اجوار کرامت منار لری فی الدنیا  
 و الآخرة مهبط انوار فیوضات متالیه اولقی مصادقه سیمیه اولان وصیتلری او رده مدرسه مر قومده

دفن اولمغله مستجاب میامن مجاورت اولمشلردر و ینهماده گذران ایدن لطائف معانی و طرائف نکات بیرون حیطه تقریر و افزون حوصله تحریر در که اول ملاقاتلریدن نهایت مصاحبتلرینه وارنجه صدور یافتة اقتضا اولان عبارات و اشارتلرنده یلک حرف خاییده اولمیوب بالجملة ابکار حقایق اولدیغی مشهود علیه ثقات اخوان زمانه لری اولمق اوزره نکاشسته صحیفه وایت صحیفه در حتی اواسط سلوک و اشتغال نائرة اشتیاقلری واستیعاب عبادتلرنده ظهور ایدن سؤالیکه (متی یصیر السائل عبد الواحد) در جواب باصوابنده (اذابذل الموجود للواجد) بیورملری و احراز مراتب نهایتلرنده سرزده عمیم فؤاد هجران معتادلری اولان سؤالیکه (متی یجد العبد الواحد) در پاسخ را سئنده (اذابذل الوجد بالوجد) بیورملری نمودار کیفیت صحبت بی حشوتنقیج پیرالیدر و کاه و یکه تکرما و تلطفا کوشه و حدتیرین تشریف بیوروب مانند شهد و شیر اتحاد نما اولدقلرنده مداخل اطلاع بالکلیه مسدوده اولوب آشنا و یکه رنک و حیرت زده و کاهی در خانه کسی نیست و کاه آثار مصاحبت ممانعت انبوه محسوس و غیر معهود رجال نمایان اولمغله بین هذین البحرین الذخرین جاری اولان امواج انس و الثفت سائره قیاسله مفهوم اولمیوب علی ما کان علیه باقی قالمشدر حتی ملای مر قوم و ادای دعوت و تسخیرده ذوالبد الطولی اولمغله بعضیلر نمایان اولان صور احشه اولمق اوزره قرار ویروب لکن حضرت عزیز مشار الهله خلوتلری اثنا سنده اولمق رجال غیب اولسن مر بخدر و بعد الوفات اول حجره متبرکه غیره مسکن اولمیوب الی یومنا هذا مسدود البابدر و اوان سائره ده حدنا شناساندن بعضیلری ساکن اولمق مر ادا یلد کده و اقعاد فقه مصاب و متوهم اولدیغی دخی مؤید احتمال نایدن زیر اجماع رجال اولان محال مبارکه ده سگای افراد ناس سبب ابتلا و باعث تنبه اولدیغی کثیر الوقوعدر رحم الله امرأ عرف قدره ولم یعد طوره \* (چنانکه) \* فرموده اند (بیت) قاشی کلن ز تو نبود برون انداز خانه \* درون مسجد اقصی سگ مرده چر باشد \* و حضرت پیر قدس سره المنیرک (بیت) شمس تعریز یکه کاش بر سر رواج بود \* یامنه توسرینه برجایگاه کام او \* نهی اکیدلری مقتضا سنجه ارباب کلاک مقامات شریفه مناجات و تعبدلری معلومه اولدقچه اصحاب ادبه انسب اولان اول مقوله بقاع شمیمه بی مصلی و محل دعا اتخاذ ایدوب مکان بشری و مسکن طبعی ایتمیوب بلکه مکینی روحانینه توجه توسل و تبرک تشفعله بهره باب برکت صوریه و معنویه و مستخلص مضیق بلیات اولمق کر کدر کما شیر بقوله تعالی (واخذوا من مقام ابراهیم صلی) واری جری عاده المتقنه علی تعظیم مقامات المقبولین و علی استهانه غیر المبالین بشرفها و علی مواخذة متخذها امکنه نفسانیه حیث اسأوا فیها الادب و فاجوا انواع الالهانه و التعب و الحق الا حق بالقبول ان مقامات الانبیاء علیهم التحیات السرمیده و اما کن الاولیاء قدس سرهم اشار بقاع الارض و مهبط انوار العنايات القدسیة و مشارق شموس النوة والولاية فتعظیم ما شرفه الله تعالی یؤدی الی الشرف و عدم المبالاة بشؤونها المکرمة لا یخلو عن مجازاة اساءة الادب من اضعاء حرمتها یحرم ولا یحترم و یندم ولا ینفع الندم \* (قطعه) \* تختگاه پادشاه دین فروز \* نیست جای شغل مر دینه دوز \* مسندشاهی سزای همجو اوست \* جانشین او مشو خود را مسوز \* (نقلستکه) \* زمان دولت و لایتلری احقاد امجاد مولویه دن شاه جللی نور مر قدس نوبت امارته مصادقه ایدوب لکن بن بکار الاولاد الکرام قبل الوقوع و قیة فحیة غدریه زوال امارت صوریه بالمکاشفه معلوم و بالاشارة مفهوم و شیوع پذیر اولدقده حضرت شاه جللی ایله سائر معاصرین احقاد خضر و الیاسی عقد مجالس خرم و احتیاط ایدوب توقی غدر مترقب سیاقنده هر کس سوا نخ و جدانیه سن در میدان استشاره ایلد کده جناب ولایت مآب حضرت ارغون قدس سره المکنون حضار هر اسان سرایت شراره فتن ملوان کون

وفساده آثار مشاهده و حایه لر یله تسلی بخش اولوب (اتقوا الداهیه اذا اقترنت الصاعقه باین معاویه  
وسوف تنزل الاولى علی الثانیة) نفس تنفیس فرمالر یله هنگام بلیه مترصده و طهور مکافات سماویه سنه  
رمز و اشارت بیورلدیغی اولانوبت یعقوب جلیله بلدرم بایزیدک ظلم و تعدیسی و ثانیاً امیر تیمور  
کرکان استیلاسی خلاننده کاتفلاق الصبح شعشعه اندازا فاق اولمشدر فله الحمد والمنه (عسی أن  
تکرموا شیئاً و هو خیر لکم) خوای منیغجه شاهزاد کان خاندان صدیقیه ثم الجلالیه نك صفای حالری  
وفراغ بالریه مقدمه واستبداد دولت معنویه واستقلال ولایت مصطفویه واستدامة خلافت مولویه  
ایله سرافراز و آزاد دغدغه کیرودار و بیقید اشتغال حل و عقد امور یار و اغیار و مأمون الغائلة ضبط  
و نظام دار و دیار و کما هو حقه پیر و اسلاف علیه بزر کوار لری اولغله مدار پراعتبار اولمشدر (خانککه  
فرموده اند) \* (بیت) \* سرور ان دین و دنیا را بس است این امتیاز \* که یکی والی شود دیگر ولی بی نیاز  
\* (آورده اند که) \* اسحق فقیه نورالله مرقدہ اوائل حانده بین الامثال فقاھتله معروف  
وزهد و ورع له موصوف و علمه عمله مشغوف اولوب لکن اذواق رجال طریقت و حقیقتشدن بی بهره  
و حالات اشواق عارفین و عاشقشدن بی نشئه اولوب حضرت جلی ارغون قدس سره المکتونک صیت  
کمالات و ولولة کراماتی کوشکذار قطان دار و دیار اولتجه میانہ و فود ز و آورده متورائی برده اختیار  
و مسائل مشکلة فنون متعدده دن انبار در و نده استحضار ایندیکی موادمعضله بی عرضه تمیایام و تدقیق  
انظار و تعمیق ابحاثه اهتمام اوزره ایکن قلم و واردات جوشلری امواج معارفه خروش ایدوب (عالم کامل  
آنست که علم سکنانه شریعت و طریقت و حقیقت را جامع باشد و کر نه بجمعییت فنون شتی کسی عالم کامل  
نشود بلکه ذاتش مجموعه فنون شود که در دنیا مجلس آرای را سرزد و در کار عقی و سلوک راه رضائیم  
جونیرزد) مقدمات نفس الامر به سن تمهیدلری عالم مرقومه تأثیر کلی فرما اولوب تکمیل علوم  
مذکور به شوق زائد الوصف انبعائیه سر داده زانوای انا تلمری و تسلیم میدان ارادت لری اولوب زمان  
یسپرده احراز فضل کثیر ایدوب و خاندان الیاسیه دن برز کیه ایله اقتران ایتمه که من کل الوجوه محرمان  
دائرة تسابیردن اولدیغنه بناء یعقوب جلی فو بنده پایه استادیتله مستعد و مدت مدیده معتمد علیه  
و مستشار به و مشار الیه و جامع دولتین علم و عمل و فائز وجوه بر و خیرات و حسینات اولوب آخر الامر  
سعید شهید مر قوم مهبط صاعقه غدر معهوده اولدقه تولیت اوقاف شریفه سن کندویه و بعده اولاد  
استادینه شرط ایتمه که کویا احفاد اجماد یعقوبیه دن اولمشدر \* (مشوی) \* هم نشینی اهل معنی باش تا  
\* هم عطایای و هم باثی فنا \* دست زن در ذیل صاحب دولتی \* تازانعامش بیای رفعتی \* کتو  
ناجیزی و بی نام و نشان \* رو بخال راه مرد حق نشین \* تاشوی از پر تو حسن نظر \* مردم چشم همه  
روی زمین \* (نقلاستکه) \* زمان سعادت پر کرامت لرنده پر وانکان شمع اراد تلرندن انا لجه حاجی محمد  
نام محب مخلصلری **ک**ثرا و قاتنده مالا و بد نامقم مقام خدمات علیه لری اولوب بر وقت انبساط  
وصفو تلرنده اتهاز فرصت واستئذان تعبیر و توسیع خانقاه معالی در کاهلری سیاقنده فتح باب نیاز پر  
الحاح ایلد کده تغییر وضع قدیم عذیم التکفلرینه مساعدیه بیورلیوب (ومساکن المساکین منازل  
الآخران لایناسبها التفریح و العمران علی أن اساس راحة الناس رفع الکافة فی المسکن و المظعم و اللباس)  
نفس انفسلر یله صد دطلب راحتده بتلای محندن منزل سلامتیه ارشاد بیورملری عقیننده خدمت  
مرقومه اتمامه آماده ایلدیکی تقدینه فی شبهه بی وجوه بر و خیر سائر صرفه مأموریتی حبیبیه بر مسجد  
شریف احداث و چشمه لطیف اجرا سنه بدل و بقیه سن فقرایه انفاق ایتمشدر که حالا اول اثر خالصلری  
کندویه انتمایله معروف بر معبد پسندیده و جوارنده چشمه ماء معینلری ابدی صدقه جاریه اولمشدر

(همچنان) نوبت امارت شهر زادگان الیاسیه ده بالافعات طعمایه درویشان تجرد اندیشان اولی اوزره  
توفیر ابراد و وقف خانقا هله رینه رضای شریف لرین رجا ایدن لر (الارزاق والاقوات معینة قبل اعیان المحتاجین  
بالتأشیر الصهدیه حسبما تقتضیه الحکمة البالغة بالغام بلغ فنامست الحاجة الی تعیین آخر من علق  
موت به بالجوع فلا مرد له ومن لم یثق بوجوب امر الله العلی العظیم فماله مقام فی بقاع المتوکلین علیه عم  
انعامه وجم احسانه) نکات تعریض اشتغال لر به تنبیه و تأکید اعتقاده ترغیب وتردد ظنون و شکوک  
و همیه دن ترهیب بیور مشلدرر کانه سیدنا و سندن او مولا ناقوس سره الاستیغاثی علی هذه المواد المزلقة  
بهذا البیت الشریف \* هین توکل کن ملرزان یاودست \* رزق تو بر توز تو عاشق تراست (آورده اند که)  
حضرت اخي اورن قدس سره الانور زمان ولایت وآوان کرامت لر نه برکت نفس و مینت نظرایله  
معروف و کمال علم و عمل ایله موصوف مر دمیدان همت اولوب و جناب والامنقبت لری محافل اخوان  
الصفا و مجالس خلان الوفا ده آینه دار طوطی قلب اسرار سرای حضرت جللیء مشار الیه اولوب  
هنکام کرمیت محبت اتحاد بنیاد لری اثنا سنده کاهی اخي اورن و کاهی اخي انور تعبیر و خطاب  
بیور ملری دقیقه سندن استفسار اولند قدده (اخي ما بر قدم حضرت موسی علیه السلام کاهی چون  
عصا اورن و کاه چون ید بیضا انور مینماید یعنی قالب پاکش در چشم فرعون منشان ثعبان و قلب  
تابنا کش از جیب سینه صافش چون ید بیضا بر صفای روشدن لانت) و فی الحقیقه استیلای تیورده  
مشکل اورن نما اولملر به دائرة حمایه لری تاخت و سوخت تا ناردن مأمون الغائلة اولوب امیر تیمور  
توجه مر دانه لرندن هراسان و اکرام ذات شامل البر کات لر نه صرف مقدور و عرض اعتذار ایلد کده  
(مکرم الهی از اکرام پادشاهی مستغنیست) دم تمکین تو املر به مدافعه فرما اولوب تخلیص قننه زدگان  
تیور به ده مر اسلات شفاعت احتوالری مطاع اولغله ید بیضا غنای کرامت صیانت اولملر در  
والحالة هذه مر ارفیض رحمت منار لری متبرک و متمیز زوار و مظهر عجایب آثار در و خرب عزیز القدر  
حضرت مولویه به انضمام سرانی و الخاق معنوی لرینه غله وقف زاویه منوره لری طعمایه فقراء آستان  
ارغویه به الخاق اولنوب و خدمات تریه مقدسه لری و طیفه لازمه ذمت همت درویشان اولی اوزره  
هوید او امارت بی مرادر \* و دخی امیر مر بورک نفس کو تا هیسه بی حصار ایدوب حمله و هجومه  
قرار ویرلدیکی شب مشاوره ده واقعه هائله مشاهده ایدوب کویاعسا کرتاتار شهرک هر قنغی  
طرفندن دخوله قصد ایلد کلر نه براورن مهیب مقابله وارد و کاه لرینه وارنجه دفع ایلد یکی عزیز مشار  
الیه کرامت حمایته محمول اولوب و علی وجه الصلح والاستئمان دخول شهر و استحمام ایلد یکنده  
خاطرینه داعیه انتهاز فرصت خلجان اندازا ولیجی در حال در خلوة حمام مبنی و مسدود و مخرج و مخلص  
نایدید و محال و حرارت حمام دخی کار کربدن بی محالی اولغله معاینه هلاک ایدوب بالضرورة دفع  
داعیه مر قومه ایدنجه نه در خلوتی کافی الاول کشاده و حرارت حمامی اعتدال اوزره کوروب  
و وجودنده اولان اضطرارک دفعه مندفع اولد یغین مشاهده باعث ندیم خالص و سبب انبیا ثابت و بادئ  
اعتقاد اولیای کرام اولی اوزره نبوت یافته نقول متواتره در \* (چنانکه) \* حضرت پیر قدس سره  
المنیر فرموده است \* مشوی \* آدمی همچون عصای موسیست \* آدمی همچون فسون عیسیست \*  
ظاهرش چوبی ولیکن پیش او \* کون یل لقمه چوبکشاید کلو \* تومبین زافسون عیسی حرف  
و صوت \* آن بین کروی کریران کشت موت \* (نقلستکه) \* حضرت تقا و سلسله خداوند کاری  
علیه و علی اسلافه و اخلافه عنایات الباری صفوت مرآت خاطر الهام سمیر لری مر اتبندده مغیبات منزله  
محسوسانده ایکن کاه ویکاه سحبه شریفه لری غائب و باعث تجسس اولی موجب استغراب

اخوان و خلان اولدیغی عکس انداز اولدقدی بدمیه بویات لطیفه لر یله حقیقت حاله ارشاد بیوروب  
 (العارف بین التجلی والاستار) فحوا سنجی تفاوت احوالاری تحویلات حکمیه اولسنه (مانیر سنجی)  
 صفای مکشفه را که کم کنیم و باز میابیم) مطایبه جلیله لر یله تصریح بیور مشردر الله در قائله وافیض  
 علی كافة المتظلمین فی سلك ارادته برناطمه \* (نظم) \* کهی مرآت سراین و آتم \* که از سر کشتکی خود را  
 ندانم \* کهی نور سراپایم چو مردم \* کهی انبان و مشک آب و ناغم \* نباید هیچ بر حالی دو عالم \*  
 چه جای حال دیگر کون و شام \* (آورده اند که) \* اول سلافة سلافة اسلاف صدیقیه رضی الله عنه  
 وعن آبائه برضوان ابدیه جناب سعادت ما بلری مقام عالی حضرت خضر علیه السلامده مسند آرای اعتبار  
 آثار رحمت خلاق حکیم و متکازیب حلقة اخوان و خلان اولی التسلیم اینکن ناگاه بیکر پر بهجه لر زده  
 تغیر عظیم پدیدار اولوب و پشتیبیان محییه بروسه اولان کوه پرشکوه طرفه نظاره دوزخ  
 و انکسار و لنجه کویا پیش چشم دور بین غیب آشنا لر زده معاینه ایدر کبی و قعنه فبیعة احتضار  
 و ارتحال بابا سلطانی کشف و بالبداهه (بابا زمام کسخت بابا پرید) عنوانیه زمره سازیم افسوس  
 اولدقلری مرایای قلوب حضاره حیرت فرما اولوب هر کس مال حاله منتظر لرای کن چندر وز  
 مرور زده اول بر کیده عصر ک خبر فوای زمام عناصر دین قطع علاقه یله همای روانلری آشیان  
 اعلا علیینه پرواز ایلدیکی وقتله اتفاق شیعوع بولدقدی مقصود نفس قدسیلری عامه احبابه ظاهر  
 و مفهوم اولوب جمله یه بعد مسافه پرده میان آشنایان اولدیغی هویدا اولمشدر کما قال قدس سره العزیز  
 چو بیکر نکئی جانهار و نماید \* نباشد پرده دوری در میانه \* ز نزدیک چه باشد حاصل تن \* که از حاضر  
 همی جوید نشانه \* (منقولستکه) \* احباب صداقت شعار لر دین بری خدمه در کهلر دین چلبی افندی  
 اینجاست عنوانیه سؤال ایلدیکی مسموع شیر یقلری اولدقدی خادم میدان چل تانه تعلیم جواب ارشاد  
 آمیز (و چلبی اینجا افندی بیجاست بگو) امر لری اوزره مجیب اولنجه محب مر قوم دخی اول جواب  
 باصواب کشفی در درونی اوله جعین فراسطه فهم ایدوب حضور موفور الحبور لرینه دخولله شرفیاب  
 دستبوس کرم مأنوسلری اولدقدی عنایت بیوروب پرده کشای بیکر مر موز مذکور اولوب (چلب  
 در لغت ترکی نام خدای بزرگوار است پس مامولویان منسوب چلبیم ازان سبب ما را صفت نسبییه کشته  
 است چه مولوی واللهی و چلبی الفاظ مترادفه است پس منسوب مکانی و منسوب الیه لامکانیست  
 و افندی و مولاهمچنان مراد فندو منزله از جایند) بیان ارشاد عیانلریله اول مستمند لرین غرقه لطف  
 نوازش بیورملری ضمننده هنوز بر قصور مر اسم عبودیت اولنلره اطلاق لفظ افندی مناسب  
 اولدیغین دخی اشعار له کمال ادب و تواضع لرین مفید تذیل بیور دقلری رسیده حد شهرت اولوب بعد هذا  
 مر اسلات و مخاطباته فقط چلبی تعبیر یله اکثفا اولمشدر نفعنا الله تعالی بفوائد اشاراتهم و متعنا بفوائد  
 عباراتهم آمین یا مجیب السائلین \* (منقولستکه) \* اول زبده کروه پرشکوه عرفانوبت غوثی لر زده  
 ملجأ مکر و بین و ملازم مستغنین اولغله مستندان اخوان و دردمندان خلان عرض حال پر ملا لریله رجامند  
 پاسخ را سخ تسلی اولدقلر زده (مژده کافی دهید و شادمانی کنید که سامان کارها از همه بهتر و پایان حالها  
 از دلخواها خوشتر خواهد بود) نفس تنفیس بخشالریله دفع کربت و رفع ضجرت بیور دقلری اثناده  
 پروانگان شمع انجمن اناتلری بولنان خلان مخلصین خاطر لرینه عجباً چه کونه خواهد بود معناسی افکار  
 فرما اولنجه کرم بیوروب اول مخدره حجه معرفت دیدار گایه سندن برقع کشای توریله اولوب یعنی  
 (بر مراد میرد مطلق خواهد بود چه از کارها و حالها هر آنچه کرده ارادتش باشد از همه بهتر و خوشتر  
 خواهد بود) تفسیر لطیفه کشف و ایضاح بیور مشردر و کرارا و مراراً منوال محرر اوزره تسلی بخش

اولد تلری محزونک و مرثده فرما اولدیغی مکر و بک عجاله علی احسن الوجوه واسهل الطرق منزل رس سلامت  
 و معتنم تلافی کونا کون اولدیغی ثبت یافته جرائد تجارب محرمان راز لیدر حتی هر قنغی دردمندی  
 اسلوب معهود اوزره تطیب یور سه لری شبهه انکشاف کر بنه جازم اولوب پیشین تنیه ایدر لردی  
 فان مباشر الصادق بوقوعه فی المستقبل کالواقع فی الحال (بیت) دردمندا چون بمر دکار کردی عرفحال  
 \* چشم و کوش فتح ناکه باش و بکذر از ملال \* (آورده اند که) \* اول قدوة اصحاب تحقیق طیب الله ثراه  
 جناب لطافت مابلی مسندارای بزم معارف و نکات و مطایبات اولوب فرق فرق قمره جواهر زوهر  
 حکم و عبرت تار یله جمله همدان صافی ضمیر لری مننون بیورر لریکن جوار خانقاه عشاق پناه لریده  
 ندای بیع من برید خانه و مرثد کانی کوهر کیکشسته کرانها ایله کذران اولان دلال پریشان حالی پیشگاه  
 مستعدین اجتماع لرینه دعوت و احضار بیور رب بیست هزار در همه مزایده اولنان سرایه دودر هم  
 عرض بیور ملرین دلال غافل هزل و استهزایه حمل ایدوب و ککندونک کوهر کیکشده بی بهاسن  
 سؤال ایلد کده خنده ابلهانه ایدوب ککندونک فی الاصل بی کوهر اولدیغین اشعار ایدنجه جناب عنایت  
 مابلی کنجینه کشای جواهر معانی و لالی باش معارف اولوب ان الله اشتری آیه کریمه سن الی آخرها  
 تلاوت و تفسیر بیور رب دنیا و مافیها عند الله تعالی عدیل پر مکس ککل ایکن یک درهم صدقه  
 مقابله سنده جواهر باقیه و قصور عالیه احسان اولتمق بابنده صادره اولان مواعید شریفه فی ابراد  
 و سرای معهود فانی اولدیغی حسبله ایکی در همه بیع و شرا سی غنیدن خالی اولدیغی بیان بیور رب و اول  
 فانی خانه به فدای در همین ایدن خط نفسنی قصر باقی به ترجیح ایتسکه مغبون اولدیغین عیان و ککندونک  
 نیل مر دلالی ایچون کوچه و بازار ده فریاد و جواهر انضاسنی بر باد ایلدیکنی تو بیخ و تعریضله ارشاد  
 و ککند و کوهرنک جست و جویی فراموش و آخرک کوهر یاوه سن سراغ صد دنده بیهوده کرد اولدیغین  
 و اثنای کرد شنده در کرانمایه عمرین اتلاف و اضاعت ایلدیکن افاده بیور دقلرنده در حال اثر دم قدسیلری  
 و کرم نظر غوثیلری ایله بیزار باز دلالی و با هزار زار دسترن کوشه دامن کرامت پیرامنلری و سلک  
 اخوان طریقت علیه به منتظم اولدقده نکته پردازان حلقه صحترندن آواز ده دلال بدلیل رسید و هنوز  
 کوهر کیکشده رایافت مقاله سی و لوله انداز قباب افلاک و غلغله افکن صماخ املاک اولمشدر و بعد هذا  
 حیرتزدکان حضاره دخی عواند باش ارشاد (وقل کل یغفر علی صناعته) فقره جامعه سن سامعه خبر حیر  
 آشنایانه تلقین سیاقنده بسط بساط تفسیر بیور رب (ای علی علم صناعته حتی البغی و انفسق فان العالم  
 لا یصل ولا یشقی فاما من شیء علم کما هو حقه الا وقد عرف ان شیهته من المشیه فلا محالة ینقاد لامره و نهیه  
 فهو الموحی الیه بالوحی الغیر المتلو المکتون فی کنت کنز الخفیة فاجبت أن اعرف خلقت الخلق لا عرف  
 فان خلق الخلق فقط لا یستکفی فی معرفته عز شانه بل تمس الحاجة الی خلق العلم فی الخلق بنفسه  
 وهو المشار الیه بقوله علیه السلام من عرف نفسه فقد عرف ربه اذا الجهل حجاب ظلماتی فقی ارتفع  
 و اضاء شمس العلم اوانار قمر المعرفة فاین بقی المکروه و کیف یشتکی المکروب عبارات غامضه لریده  
 تعبیه بیور دقلری فوائد جلیله حجه حقیقی چند مجلد کتب تألیفی ایله افاده مشکل اولدیغی متعقین  
 بحار تحقیق پوشیده دکدر که \* البصیر یفهم بالاشارة و الا عی لا یتدی بالعبارة و یؤیده مانص علیه  
 المولی الماکشف القیومی مولانا جلال الدین و الملة الرومی فی مثنویه المعنوی بهذا البیت اللطیف (نظم)  
 کفر هم نسبت بخالق حکمتست \* چون بمانسبت کنی کفر قست \* و بین النسبتین بون بین \* (آورده  
 اند که) \* اخیار بصان نور الله ترته و شرف رتبه حضرت تلری جلای ارغون قدس سره المککونک  
 جمله نظر کردکان و خواص اخوانندن اولوب حتی رمیدکان و قانع هائله چسکیزیان و هجرتیان فتن



طوائف ملوک ایران و تورانند قصد توطن و جست و جوی ملجأ منیع صد دنده اطراف بلاد رومی  
کشت و کز ریدن رجال ذوی الخال استماع مفاخر جلیله ارغویه ایل طرف باهر الشرف لری نه منجذب  
اولوب دار الحمايه ولا تشری اولان کونا هیه نری اولد قلزنده هریری سالت راه غیرت اولوب غبه  
علیه لری نه التجادن سرکش غما اولر ایل غبه القدوم و تبریک منزل لری نه مخلص مرقومی ارسال  
بیور و ب جمله سته همت مرسل ایله قاله و حالا غلبه ایلدی کی معروض حضور عالی لری اولنجه لهجه پر  
همجه لریدن مخلص اربصان ایله تشریف بیور لدی غی عقینده کوشه سجاده میمنت اتمار لری نه ر و مال  
ضراعت و جبهه ساری تشکر اولوب بونده ناچیزه خاک پای لامکان پیماری اولق معناسیله اربصان لک  
اقصی المراتب تشریف جان ناواندر بو خسه (نظم) کمال همنشین درمن اثر کرد \* و کر نه من همان خاکم که  
هستم \* مصداقچه هر نه که بوی سر و پادن جلوه کساحه بر و زاوله بالجمه حضرت سلطنت اثر حسن توجه  
غونا نه بنده پرورانه لری دیر دیو ضراعت و اتمال ایلدی کینه آری فتح مرسل ارضم کسر مرسل است  
لنک هر دو مانده باز و باز و غمون یکد کراست دم ارشاد تو املر ایله فرق فقیرانه سن برابر فرقدان ایدوب  
دین الاقران عنایت اقتران امتنان غما لری به مشار بالنان کزید کان اخوان و خلان اولدی غی ثبت یاقه خریده  
التجارت منقبة خلیله لری دیر و تر به شریفه لری دخی جوار شفا غت مدار لری نه بهره یاب رحمت نازله رحمانی  
و سعادات دارین و مرادات عالین نیلله شاد کام اولمشدر طوبی له و حسن مآب (نظم) سروران  
قبله حاجات دعائندولی \* سبیش بندگی حضرت درویشانست \* (منقول است که) \* دادر دادار لری  
حضرت جللی علاء الدین اغلب اوان زیارت متبرکه و اکثر احیان صحبت متیمه اثناسنده ثنای  
دولت معنویه فقر و فتنارین رشک آمیز و حسرت انگیز اذالریه ترین و دعد غه کیر و دار و تحمل  
مشاق مصالح و دفع مقاسد اهلای دیاردن شکوه ریز اولد قلزنده مشایخ کزین رجال دواتر و حایه  
و سائقین ترغیب و تحضیض خیرات و خبشات و ارباب دول صور به سائبین ترهیب و تنفیر شرور  
و سیئات لر ایلر احباب بندوب و نازم کین بند در لیک دوله رجال مالی اوزره هر کس نظام الحال  
فریقین مرقومین ایچون جانب ربوبیت مطلقه دن نیابت حبسیله ماموضعه سی اوزره ثبات و استقامت  
اثر کمال معرفت دیر دیو تسلیم اولند قلری ذیلنده علاوه بیور و ب علی الخصوص جناب معدلت  
و استقامت مآب لری خصوص ماده میامن سمات ذات شامل البر کاتلری حبسیله جامع جمیع کمالات  
فریقین و والی ولی الولا تین اولدی غی الطهر من الشمس و ابر من القمر در عنوان بشارت تینا نیله تسکین  
حرارت نازله افسوس بیور ملری (والی برولی مزیت البی دارد که نشانه توحید نام و امارت تجرید مالا  
کلام و علامت استقامت نظام احوال اناست پس مراتب مخاطبان فاستقم کما امرت و عوائد  
\* عدل ساعه خیر من عباده سبعین سنه \* و اتب امراء عالین عاملین و وظائف عمای عادلین است)  
نکات غراسیله استحکام فرمای تمکین و استحسان بخشای الطوار دلتشین لری اولغله حضار و نظاره  
ارتفاع درجات صور به و اعتلای شئون معنویه سن اشعار و بدیهه بوقطعه زیبای انشاد بیور مشلدر (نظم)  
کاه اولور والی و لنک شایه سی \* بویه در دستور مد الظل ولی \* زائل وحدت کاهله ناکاه بیل \* نام  
جسم و جان اولور والی ولی \* (آورده اند که) \* حضرت شیخ الشیوخ زمان و قطب الاقطاب دوران  
و نتیجه السایج ارکان اغنی به جناب الغوث الاعظم جللی ارغون قدس سره المکنون نهیه کمال و کمال  
نهایت لری نه بر موجب واردات سبحانی و بر مقتضای الهامات سرانی اطراف واکاف قلرو ولا تدر نه  
اولان اولاد و احفاد خضر و الیاسیه و جلیان و خلفا و فقرا و احباب سائره مولویه و فرهم الله تعالی  
و وقرهم الی یوم الساعة جوانب مقاصد علیه لری نه علی الانفراد مرسلات دعوات اسرا و تهیه اسباب

اجلاس عظیم بیور و ب بالجمله صورت اجابت جلوه کر منصف تمام اولاد قدس عقد مجالس عذیده سماع  
وصفا بیور بلوب عقیب مجلسده هر کسه حسب المراتب اکرام و نوازش اولاد بیغی خنامنده ولی عهد  
از بیوری اولان شهنشاده والا منقبتلری چلی برهان الدین انار الله تعالی برهان سره الاقدس حضرت تلی  
دخی بالنفس نهیه اسباب اکرام جمعیت اخیر و کاسبق فی ترتیب واللہ تکمیل لوازم تکریم کونا کون  
بیورد قلی عقیقده بر موجب توصیه اصل ماجد دامن در میان خدمت و دست بر سینه بر صفوت قائم مقام  
نیاز و رومال پیمانه سوز و کداز اولجه مسند ارای ارشاد انام و متکازیب جمع اعلام مرشد مکمل  
والد امجد لری در بجه کشای خلوتخانه ضمیر منیر الهام سمیر اولوب جد اسعد لری حضرت پیر قدس سره  
النیرک\* یک کلاهی داشتم از بلبلو کم شد من\* در میان دقتر قلب سلیمان یاقم\* بیت شریف و نظم  
بلغتیک شرح لطیفین احسن عبارات و انسب اشارات ایله مسامع مستظرف نه القای بیور و ب (وما النهایه  
سوی الرجوع الی البدایه) رخصیله عمله خرم و منزل پیشین علمینه عزم بیور مرلی (ز جعنا من النهایه الی  
البدایه) واشتغلنا باسقاط القیود بعد الفزاع عن لوازم العهود واستخلفنا ولی عهدنا و نتیجه ذاتنا و ثمره  
عمرنا و خلاصه زماننا و برهان دیننا هذا فی امور اخواننا و خلاننا فکونوا علی ما نبهنا من الشاهدین) خطبه  
رافقه سن جهرا جمله به تلقین و خرقة مبارک دین الناس واستواء عارفانه تارک منیغفرین فریق سعادت قریننه  
اشعار و تسلیم و دایع ملکیه و ملکوتیه و توصیه و صایای قدسیه و تکمله تصایح و دعوات و کلبانک  
مولویه و مقر عالی برینه اجلاس و بعده عین الجمع حلقه اختصاص برینه تودیع و خلوتخانه حاصل برینه توجه  
و بقیه اوقات صافیه لری عزلت کامله ایله تکمیل ایدوب بالکایه دامنکش حلقه الفت خویش و بیکانه  
و دستشوی علاقه مزید و محب اولد قلی علامت و اخجه مسافرت عالم بالاری و امارت باهره التحاق  
اسلاق علیاری اولد بیغی کار آشنایان مجرمنه نمایان اولشد در فی الواقع مدت خلوت اخیر لری عدد  
مضاعف لفظ اسم جلال اولان شمار قلبه رسیده اولد قدس قلب جذبه تقلیلری جانب سایه عرش عظیمه  
مقلب و همای روح روان لری لانه قدسه منجذب و حال قالب منور لری سمت صحتدن متحول طرف بقای  
باللهی اولوب اثنای علت فنا زنده خند و زده عافیت نامه بیدار اولوب و خلف الخیر لری ایام معدوده  
مزبور ده انتهاز فرصت بیور و ب کافی الاول ترتیب مهام اجلاس و داغ بزم صوری ایله عقد مجلس  
و البسین مأمور به ایدوب سه شبان روزی تشنگان زلال معارف و توحید سیراب شراب تحقیق  
و هشیاران تعمیق ابجاث و افکاری سر مست و مدهوش ریحیور و خانی عشیق ایلد کلرنده خرخران  
سماع و صفایک نعره آتشبار لری شراره باش خرم ماومن و ناله نای و ولوله قدوم دماغ قباب جرخ برخی  
بر غلغل و جند و حال ایدوب کرمیت بزم عاشقانه سرحد نهایت به بالغ و مستان جام جمع الجمع فریق فریق  
و قدمدن فارغ و ذات پادربکاب و داغ لری و رای پرده عنصردن باز غور شسته علاقه بدینه لری قوت  
قریبه انقطاعه کاد کده مانند صحت قبیل القوت صحنه کاهی سر زده کر بیان محو و غیب آخریتلری  
اولوب مستظرفین کرم حسن خاتمه لری نه خزانة یدر ینغ عنایتلرندن ثنار بیور بلان حواهر معارف و لالی  
طاهره لطایفدن رشته کش حلقه مسترشدین اولان کلمات جامعه الفوائد لری کوشداران صوب  
روحانیه لری نه نونوصفا بخش صحبت سربلری اولق اوزره نکاشته صحایف سنیة سنیة نفیسة منقبیه  
جلیله لری قلمشدر\* (در بیان نکات بدیعه آن کاشف استار حقیقت و عطای لامعه آن واقف اسرار  
معرفت که در آن حالت عجیبه بدین اسالیب غریبه یاد کار مدی الدهور و الاعصار دلتشنگان اولی  
الابصار مانده است که خدمت شایسته بر اعنه کبضاغه این حال در که آن سلطان در دمنندان بنه  
و من احم دستکاهی شده است)\* هبتا لاهل المشارب العالیه و مرثا لمعطشی کوشه الجالیه (مال

کوشش فی کشتش کوشمال ملالست) یعنی بی جذبه اولان مساعی خود بخودانه غیر مشکوره بلکه  
نتیجه ده عنای بی جدوی اولغله باعث پختاب حسرت و خسراندر (بیت) بخت بد و همت عالی بلاست  
\*وای بران کس که بدین مبتلاست (دم بقدم ندم است) یعنی سرمایہ کار سلوک منزل مقصود قدم است  
ورنه آخر الامر بنفاد عمر بیاصل بشیانی مقرر راست (عالم مدرسه علم آدمست) یعنی وظیفه لازمه  
طالب حق (اقرا کتابک کفی بنفسک الیوم علیک حسیا) موجب جمیع عمل و تحصیل علم لندیده بدل  
ما فی الوسع و توقی تعطیلدر (خنانکه) گفته اند هر که دفتر خود بخواند بی بهره ز معرفت بماند (عصیان  
و نسیان اصل و فرع یکد کراست) یعنی فراموش عهد ازلی مورث عصیان و عصیان مورث نسیان است  
زیرا عصیان قسوت و قسوت نسیان اراث ایلد یکی مشاهد ارباب بصیرتدر (طل لیل اسلاف کھف  
الامان اخلافت) یعنی التجا با قضا آتار پیش قدمان باعث سلامت پیر و انست کما قیل من تخلف عن  
اثر السلف فقد آثر علی نفسه التلف (تردد عمره آرد ادست) یعنی مردود غیرت قلوب مردان خدا اولانه  
تردد اقرار و انکار مسلط و مستولی اولغله صدق و اخلاص و ثبات فواد نزع اولنوب انابت و تسلیمدن  
مردان اولور کما قیل من لم یرتد لا یردد (قصدر اغیر از صدق رھین نیست) یعنی قصد و همت سالک را بخدایه  
صدق اوقات فر شدن غیر بی دلیل یوقدر زیرانی صدق ارادنه انتخاب پیر مفیدد کما قیل \*صدق تو  
رھبر تو و صدق القصد یؤول الی المقصد (الحاضر بین العابر والغابر) یعنی اغتنام حضور قلب اندفاع  
شواغل ماضیه و مستقبله ایله میسر اولور زیر اماضی و مستقبل افسکار ایله مشغول اولان قلب حالدن غافل  
و محذور الاحوال دن فارغ اولنجه حضور متعذر در (ع) حضوری کرھمی خواهی از وغائب مشواظ  
(در رسم و علوم بی نکتہ کرسودای بی سود است) زیرا رسم بی علم جسم بیجان و سبب تعصب و خسران و علم  
بی رسم مایه غرور و خذلاندر خنانکه گفته اند الرسم کالجسم والعلم کالروح (اقرار و انکار کاملرا  
شناھدن کمالست) لایمما اثر المجانسه و غیر المنافره فلا بد فی اثبات السکال منھما کما سبق فی بیان کمال  
الادمیه حیث یجد الملائکۃ و استکبر اللعین و جف القلم علی هذه القاعدة الکلیه فی مباحث جزئیات  
صلی الله علیه وسلم و مجانسه السکال و متافرتہ محال (فرق الجلوۃ و الخلوۃ تفرقه) یعنی مرایای صورده  
جلوۃ کر عکوس آثار صفات دن تنفر و تخلی هنوز بقیه تشنت نظر دن ناشیدر که بادی حرمان ذوق جمعیت  
خاطر اولور (لوح محفوظ وحدت است) یعنی امواج حوادث تسایع نسایم صفاتله شون کوه ریکای  
دریای ذات اولغین بلا شبائۃ الحلول والاتحاد المقترضین تعدد الموجود مع وحدۃ الوجود خیال بخت  
و اعتبار صرف اولد یعنی محققین توحیدک عندندہ مشاهد و غنی عن الشاهد در کاتبه علیه السلام بقوله  
کان ولم یکن معہ شیء والآن کما کان (دفتر صوفی آینه را نوست) یعنی مراعات صفای وقت و محافظۃ جمعیت  
خاطر و تلقی واردات غیبیه ایچون مطالعۃ کتب ذات و مراقبۃ تحولات افعال و صفات کافیدر که همواره  
مقابل مرایای ذات و صفات و افعالی اولنلری عکوس طوابع و نقوش لوا مع عبرت قریرا العین ایتل مقرر در  
(لکل عبارة اشاره الا فتعرضوا لها یا اهل البشارة) یعنی طواهر ترا کتب انفس و آفاقیه مطالع نجوم  
الهدی و اسرار باطنه توحید سبحانیدر پس سالت برو بحر توحید لازم اولان تعرض اشارات  
کاتبه در که اکر قانع عبارات ظاھرہ اولور سه هالک مهالک کثرت و بختبرد قایق مسالک وحدت اولیق  
اقتضایدر (کل کله زیب کل نشود) یعنی آرایش بیرونی سبب ترین معیوب ذاتی اوله فر (لاله جای  
کلاله نکیرد) یعنی فضائل بر بسته بدل زیور بر رسته اوله فر و الا تمیز بحقق و مقلد مشکل اولوب نیچه  
ساده لوحان قناده دام تزویر و محروم تربیه پیر اولور ایدی نعوذ بالله الحفیظ من شرور ابالسه المرائین  
المزورین اللهم انا الحق حقنا و انا الباطل باطلا و انا رزقنا اجتنابه آمین (علیکم بتقلید

العزائم وایا کم وتیزل الرخص) یعنی انسان کامل اوضاع و اطوارنده ظهور از بدن عزیمت مقوله سخته  
تبعیت باعث ترقی مدارج کمال و افعال و اوصاف از بدن هویدا اولان رخصت مقوله سبندن خدر  
لازمدر که سبب تنزل و حافی اولیه که صحیحه اغذیه جرب و شیرین نافع و علیه مضر اولدینی ثبوت باقیه  
تجارب صحیح و قیاس العلیل علی الصحیح مع الفارق غیر صحیحدر (نظم) نه چون اهل دل رو در میان خال  
خون میخور \* که صاحب دل اگر زهری خورد آن انکین باشد \* آن می که تو میخوری خرامست \* مای  
بخوریم جز خلای (اخوان و خلان جناحین همای دولت دارین است) یعنی بر جمعیت ایشان شکری  
زائد الوصف لازمست و مرعات و خواطرشان از آثار توفیقست و بواعث از یاد نعم صوریه و معنویه  
است \* (در بیان وقعه فی عهده ان طب دوران و غوث زمان و کشف الامان در دمنده که از شمشین خال  
سیمرغ روان پاکش بلوان سمال پرواز فرموده است) \* ادام الله تعالی لطلال برکات روحانیه علی  
رؤس منسوبات عتبه اراده آمین بحرمه الشفیع الامین (منقولست که) چون نخله اسرار وجود ولایت  
بود کرامت اندود لری رسیده حد قرار و بار آور عجایب آثار لاسمیا الخص خواص ناس جلی برهان الدین  
البناس شایان البناس خلعت خلافت خداوند کاری اولدیده کویا کارخانه صورتده تکمیل بواعث  
خلقت و تقیم نوبت اقامت بیور و ب عادتار جعت موطن قدیم و سیر و سفردار القرار جنة النعم اقتضا  
ایتمکله دامخین باغ ظهور و خرامان حبله بطون اولوب بر موجب فقره آیه کریمه (فالمذبرات امرأ)  
بی غائله جسدانی تدبیر امور و صعالکه طریقه اولو به و بی دغدغه کون و مکانی تدبیر مقررین بخلافین  
فريق مولو به خصوصه تخصیص همت سرانی و تسلط غیرت روحانی بیور و ب علی وجه التایید سایه  
حمایه لری مقارن بپیمان منتیان در که لریه تعیین بیور لشدن فی الواقع الی ایامین هذا بل الی غایه الزمان  
شواهد ولایت و مواند کرامت روحانیه لری اغلب من السوابق اولدینی بعد الارشاح منصفه برای بروز  
اولان عجایب خوارق عاده لیه شایسته اشتباه اولشدن که محسنده صفیه رب ایجاز اولسه کر کدر که  
مضمون تاریخ مرثیه آمیز لری دخی بومعنائی مقرر و بوخوابی مکرردر \* (تاریخ پرواز آن شاهباز  
کشتن راز بمقتصد صدق و جوار رحمت رحمن بی انباز روح الله تعالی ارواح المسترشدين تحت سحابة  
قادمة شفاعته اینست) (نظم) حضرت سلطان ارغون ولی \* بر م وصل اصله ایستدی خوشخرام \*  
مرشد اخیلا یکن ایدوب شتاب \* اولدی امواته دخی پیرهمام \* یعنی ظاهرده بطونی کوستروب \*  
قیلدی باطنده ظهوره اهتمام \* کرچه شمع راه عین الجمع ایدی \* بولدی لیکن منزل بدر التمام \*  
سرزده اولوب نیام جسمدن \* سایه تو کستر اولدی اول حسام \* آیتده اهل خلاصه سرزنش \*  
و بر دی اخلاف و فاقه چون نظام \* رحم ایدوب فریادینه عشاقنک \* و بر مش آخردمه روحی خوش  
نیام \* کیم عجبدر غم روان شاد ایچون \* کیف یندب من به خیر الختام \* پس لسان الغیب تاریخین  
دیدي \* ره المولی دخی دار السلام سنه ۷۵۰ و اول نیراعظم اوج علینک انشاء احتراق هجرانلریده  
حضرت زین الدین بن جلی مظفر الدینک علی سبیل الترشیه بالبداهه قریحه و قاده لریدن شعله باش داغ  
فراق اولان رباعی پرسوز و کدازدر (رباعی) بی روی تو مرآت دل ماحه کند \* کردیده بجایست  
آماحه کند \* هر سرکه شد آستوده ظل کرم \* ای طوبی عتقیق بفرماحه کند \* و اول دریکای  
قلزم عرفانک هنگام اشتعال نازده فراق و آوان شکست صدف بدن و انتقال محیط هویتلریده حضرت  
برهان الدین قدس سره المینک محققانه نظم بیوردقلری رباعی غرادر \* ارغون ولی کدشت از سیر  
صفات \* در وجه شهود خرج کرد است حیات \* از ساحل تن بچست یکسر چوروان \* تا غوطه  
نخورد همان در لجه ذات \* و اول سر و خرامان روضه رضوان و نازنین دوحه روح و بر پچانک مقتم



سایه کرامت مایه سی و متمتع صحبت پر صفوقی ایکن ناگاه اسیر تبه هجران و سرکردان وادی خسرت  
و هیمان اولغله دادر بزرگوار لری حضرت علاء الحق والدین میانه پختاب غموموز بر کرد کردا کرد  
همومدن سر بر آو رافاقه ما اولیجی پور باغی زیبا ایله بیان حقیقت حال ویدارک دفع ملال سور مشلردر  
(رباعی) ارغون چلبی که دامن از بزم جهان \* در چید و پرید بخود از کون و مکان \* جانانه کشید  
چون بسر وقت وصال \* پیشین بمژده دادشکرانه جان \* بسر روح مقدس لری (بیت) من شدم  
عریان ز تن او از خیال \* میخراهم در نهایت الوصال \* مضمون سله ترخم بر خیمایان جنان و دامنگشان  
شما بان جوار رحمت رحمن اولیجی حالاته فردوس رتبه لری اولان بقعه مبارکه مدفن مطی لری اولی  
اوز ره قرار ویر یلوب رسوم خدمات محترمه و صیت لری دخی که هو حق رسیده سرحد اتمام و انضمام  
رخصت مثالیه لری به بناء تبه مکره لری نه دخی شدنطاق اهتمام والی یوم القیام زیارتگاه خاص  
و عام و مرجع درد مندان انام اولمشدر طوبی لسا کنیه و بشری لراثریه \* (در بیان عجایب آثاریکه  
بعد از وفات از قبل روحایت آن کج نهان عیان کشته است) آورده اند که همانا که آفتاب وجود به بود  
حضرت چلبی ارغون قدس سره المکنون آفل و رای تقواقی غربی صوری اولنجه ماجرای قصه بر حصه  
هیمل و اشترآ ثاری افاق مشرق ملاحظه نمودن نمایان و روز بروز کار دولت کریمان متابعه نهانخانه  
عقبایه توجه بیور و با کترینک مقامی خالی قالب و برجانشین بالا استحقاق قالمیوب کویادات با تمکین لری  
کردن شتر دولترنده مانند هیمل معروف حرز الا مان حوادث فرجه دوران ایملش بالکلیه اساس دولت  
طائفه کرمیاسان متزلزل اولوب و غدر سالف الذ کظه و رایدوب دغدغه دولت دنیویه دن خاطر  
صفوت مآثر آل مولانا قدس سره الاعلی فارغ و خاصه دولت معنویه لری به آسوده حال و مجموع البال  
معتمن راحت روحانیه و متمتع رفاهیت جسمانیه اولوب (ولا یحیی المکر السی الی اهل) هر که کند  
بخود کند \* کر همه نیک و بد کند (دیگر) بی ادب نهانه خود را داشت بد \* بلکه آتش در همه آفاق زد \*  
مضامین عبرت آ کینلری روغما اولوب هر کس حصه منند غصه فتن اولد بقه بقیه خلان هجران کشیده  
و پسماند کان زهر متوان چشیده لری نیک بوکونه منظومات افسوس نظام ورد زبان حسب حال بیان لری  
اولمشدر (قطعه) یاد باد آنکه سرکوی توام منزل بود \* دیده راروشنی از خال درت حاصل بود \* در دلم بود که  
بیدوست نباشم هرگز \* چه توان کرد که سعی من و دل باطل بود (دیگر) یاد باد آنکه نهانی نظری بام بود \*  
رقم مهر تو بر چهره مایید بود \* از که فریاد کنیم وز که دادی خواهیم \* که چهابی تو کشیدیم و همه  
برجا بود \* لیکن ببرکت سره الشریف و بیامین طله المظیف الی یومنا هذابل الی خراب الدنیا کروه پرشکوه  
حزب صدیق طینت و حیدری طوبی لری کثر هم الله تعالی الی وقت الجزاعنوان خیر الاقران وزین  
الازمان ایله معروف و کجنگاه سمت درگاه و بدخواه نیکخواه لری لقب شرالشرار و شین الاعصار ایله  
مشهور اولوب یومافو مارکان ایوان شانلری اعتلا و بنیان سمو مگانلری ارتقا اوز ره ولولنه نای و قدوم  
حالات قدسیه لری غلغله انداز سما غخانه عیوق اولد یغین مصدق ثواب مفر سعادت لری اولان خلفاء ذوی  
الاحترام و وجود معرفت اندود لری کویا اعلام العلی والویه الهدی اولوب سایه ارشاد مایه لری نه کر وها  
کروه اصحاب سعادت از لیه منجذبه و مستظهرة امداد لری اولغله هریری سرفراز اقران و ممتاز دوران اولوب  
العیاذ بالله الحاقط معتزل حلقه جمعیت ارادت لری و بدکوی الطوار مسلمة وجد و حالت لری اولنلر هلال حنف  
انف و ابتلاء علل مزمنه و انقطاع نسلی واضطرار حال و امثالها جزایای غیرت صمدیه ایله گرفتار زندان  
مکافات و عبرت بندیران اوقات اولمشدر در (چنانکه) حضرت پیر قدس سره المنیر میفرماید \* خیال شاه  
خوش خویم بسم کرد بر رویم \* چنین شدنسل برنسل چنین فرزند فرزندم (قطعه) هم نظام دولت

افلا کدر \* دور ملک مولوی بولز خلل \* جان و دل اولد قهر بر ابرقرار \* کردش عشقه دخی کلز کسل \*  
 حتی سایه دیوار کرامت استوار بارگاه بی کسان بنیاهلری وقایه تعدی سفهای انکار پیشه و جنة مکه اند  
 حساد کینه اندیشه اولدیغندن ماعد ابلده مر قومه به کاه ویکاه مستولی اولان آتش بی زهار و سیل دریا  
 کردار جوار تر به مقدسه لرینه کوند فرسا اولیوب مقابله تسیم عنایت و دفع بچونله مرفوع و اول قلزم  
 ولایت مضجع منور یله سیل مردمربا بینلرنده برزخ صیانت صمدی حائل اولغله مضرق مرفوعه  
 اولدیغنی رسیده حدود تکرار و متواتر دار و دیار اولشدر (یت) اولیار اهست قدرت از اله \* تبرجسته  
 باز کرداند ز راه (نقلستکه) ازمان ولایت ایات و اوان کرامت غایاتلرنده اکثر قاب اهالی مطوق ارادت  
 واسیر کندمها بتلری اولغله حدای تر به منوره لرندن دخی کمال احترامله کذر عادت متأدین اخوان  
 و خلان اولدیغنی بعض نود و لسان ولاته کران کلوب بلاهت اهالی به حل و تعنت ایله مقابله آستانه  
 سعادت لرندن بی محابا طبل و تقاره لر یله مرور بر غرور ایدنلر سر یعا و عاجلا عزل و بلکه فجأت نکبت  
 واد بارله مجزی اولدیغنی جمله به مؤکد صدق و اعتقاد سابق اولوب حالا دخی شادمانی عروس و ختانه  
 کذران اولان طوائف اضاعت ادب اسلاف ایتیموب تسکین صیت و صدا و تمکین خیر دعایله  
 عبوری کندولره سرمایه سرور عدا یلدکاری اثری باقیدرفی الواقع (من احترام احترام) فحوا سنجه سالک  
 منهنج حرمت مرقومه اولنلرده امارات بر خور داری نمایان و کربوه و خلاف اولنلرده دخی علایم  
 انکسار واد بار پدیدار اوله کلشدر حتی محبین نظر نده نغمه و میغضین اعتقادنده غصه اولان تار یخده  
 کلشن سماع وصفای مولویه نوبهار اشتهار اولدقده سکان بلده مژدن اولان ابراهیم کردی نام  
 مدرس مترسم طلبه سیله پیشگاه آستانه سعادت لرندن مرور اثناسنده از دحام اخوان و خلان کوروب  
 نخوت تهو رانکیزله اکر امر سیاست یدمه ده اولیدی قدمهاد به باب سماعخانه اولنلرک شکست بالرینه  
 حکم ایدر ایدم دیوهر زه درالق ایدوب مکر بیچاره تحصیل نزهت خاطر سیاقنده تفرجگاه کیدر ایش  
 سواد بلده دن خروج ایلد کده بغیره المغیث الغالب القاهر فوق عباده راکب اولدیغنی اسب اغر  
 برتوسن لکدن اولوب کندوی اوزرندن دفع ایلد کده دانشمند مرقوم (من حفر ثرا لایحه وقع فیه)  
 مصداقچه زمینه ساقط و عذر عرجه کرتار اولوب پاینده طاقت رفتار قالدیغنی کندونک دخی محسوسی  
 اولدقده امر سیاست معنویه انلرده ایمش که بزلر مظهر اولدق دیو بالضروره مشعر اعتراف قصور  
 و مؤذن اعتبار کسور ادا لر یله متوجهی اولان جای نرهندن بیغوله تیمار جراحته رجعت ایدوب و من  
 بعد مر کز میدان طعن و انکار ده نباتهای قدم اولامشدر اگرچه انکساری هزار تیمارله جبر و بند  
 اولشدر لکن بقایای اوجاع پایدار اولغله وقتا و قتا ماجرایی متجدد و اخلاف اجلافه زبان بند استوار  
 و کوش دل معتبرانده کوشوار مدی الدهور و الا عصار اولشدر که جمله ار باب انصاف وقت (هذا انکسار  
 الانکسار) عنوان یله امضای کارنامه اعتبار ایلدکاری الآن السنه اهل سته ده یاد کردر (یت) سینه  
 جرات در روی خدنگ غیرت \* عالمه بی ادبی جراتی ایلر عبرت \* اکر اول نازنین سر اپرده عزتک مرایای  
 متقابله محبین و منکرینده جلوه کرا اولان آثار جمالیه و جلالیه روحانیه لر کاهی رشته کش ضبط  
 و تحریر اولمق لازم کسه محتاج تدوین منقبه خاصه اولق اطهر من الشمس و ابهر من القمر در پس مقصد  
 اقضای منقبه نویسان مردان خدا تا کید عقیده احباب و تشیید صدق و خلوص اعقاب و تثبیت قلوب  
 و الباب و تطهیر سوء الظن و ارتباب اولق حبسیله ذکرا و لسان مر تبه دخی کافی و امراض تردد و انکاره  
 شافیدردیو (من لم یثأثر بالقلیل علی لا ینفعه الکثیر) موجبیه عمل و عمان کرامتدن قطره و برهان  
 کمالا تدن نقطه ابراد یله اکتفا و بوافی زیر قیاب غیر بنده ابقا اولندی (قطعه) چشم و کوش یوسف

ککشته به یعقوب وار \* مژده بی حرف و صوت بوی پیراهن تیر \* دلکه اوله همدردایوب استقر  
تدبیرا کا \* پای کوب چشمه جوش حالت بمن تیر \* علی الخصوص بوقبیر کثیرا تقصیر بر خود بخود  
بیهوده کرد بیابان هیمان و مانند تیر پرتابی سر سری جولان جو هوای خذلان و باعمال حوادث سنک  
مخت بار دوران واسیر تر ددره و قبول اخوان زمان و ناپسندترین انظار خلان ایکن ناگاه اول فریاد رس  
بی کسان و دستگیر افتادگان اولان ولی النعم علی الهمم جلی الکرم حضرتلرینک درگاه ولا یتنباه  
و کرامت دستکاهلرینه انساب و خدمت خاکروب جناب عنایت مآینه رخصت قبول یاب اولغله فحما  
ثم حمدا ثم شکرا میان امدادات روحانیت مقدسه لری عکوس مکارم صوریه و معنویه انداز مرایای  
احوال پریشان و انتظام غیر مترقب فرمای امور رخلل یافته بی سروسامانم اولوب اولاش بصریت  
احسانیه قریب العین امتنان بی پایان اولد یغمده اول دائره پرفیض رحمت رحمانی من الباس الی المحراب  
مالا مال کرامات کونا کون مشاهده ایدوب نهایت انتها جدن غریق لجئه روح وریحان وهر روز  
و ششم هزار عید قدری مشتمل اولوب اوراق اوقات گذشته و آئنده می شیراز بندر شت شعاع حسن نظر  
اکسیر اثر لری اینکله کویاد فتر وجود محن آلود می کلب مستطاب فرج بعد الشده اولمش  
ملاحظه سیله نیجه مدت مدیده و خجلی برهه بعیده مشغول مطالعه سفر سفر بر کدر سابقه و متوغل مقابله  
سفینه بر نفیسه لاحقه اولوب آخر الامر اور آخردن دستکش توسل و پنجه زن تشبث دامن مناقب  
مفاخر لری اولغله وقف بضاعت استطاعت و بعد ازین دست من و دامن تو یا ولی مدد ترانه سیله ساحه  
وسیع الراحة زاویه ذل و جان پرشکر انمی طربخانه شنای جمیل لری ایدوب مجموعه درون جمعیت  
مشکوندن حسب حال کشا اولد قدح بوقریض معذرت مضمون صفحه زیب اتفاق اولغله ثبت جریده  
تذیل قلمشدر (غزل) برولی النعمت اکرم که ایده \* بنده کستاخنی لطفیله شاد \* پایه رفعت ویره بامال  
ایکن \* آستان خدمتینه استناد \* قدر جرمندن فزون احسانه \* ایلیم قانون فضل اوزره یاد \* سایه سنده  
خوش کچوب عمری کبی \* روز و شب کاری اوله عیش و کشاد \* ایتیموب شاه جهان احتیاج \* کندی  
درگاهنده ایده بر مراد \* خدمت شکری ادا کرچه محال \* مد عمر اولسه الی یوم التناد \* بی سیاس  
ایترولی آرام دل \* اختیار الهه دکل نتسون فواد \* فاما عنایت سابقه دستکیر و حمایت مردان خدا  
فریاد رس اولوب محضایر و عقل مشوب بالحواس اولوب قیاس نفسله ادرالک خیابای احوال اولیا  
صددنده اولان قاصر فهمان وفاتر طبعان بی بهره و وصول قالوب حاشا ثم حاشا باقی بالله اولان جواهر  
ارواح و لطائف اسرار ی موتی اعتقادله سر ظهور و بطونلرندن غافل اولغله کندولرک اسلاف و امثالی  
نوبت ظهور لرندن محروم اولد قری کبی اخلاف دخی اقتضای اثر لرینه مبادرت و سلوک راه مخالفت  
ایتمکله مانند شجرة الخلاف بی عمر و دلردکان آسا محروم اثر اولمشلر و فلا یلومن الا انفسهم (بیت) بی  
عنایات حق و خاصان حق \* کرمک باشد سیاهستش ورق (لنشئه) لحن داود و جمال یوسفی \* کور  
و کرکیم جهله انکار ایدر \* صاعقه تفصیل مناقب ایتدن \* علم اجمالی کلوب اقرار ایدر \* و درین معنی  
فرموده اند \* بی راستعداد بر کافی روی \* بریکی جبهه نکردی محتوی \* همجو غنیمی که بکری را خرد \* کرچه  
سمین بر بودکی بر خورد \* و رکستان اندر آید اخشیمی \* مغزش از ریحان نکیر خرمی \* فی الحقیقه  
آینه داری در محله کوران و عطاری در بازار اخشمان و نغمه پردازی در حلقه کران و متعبه خوانی در میان  
منکران سودای بیسود است \* جعلنا الله وکافه الطالبین من المسکتلین بتراب اعتبارهم العلیه و المستنشین  
من فواج ارواحهم السنیه و المسترشدين بآثار اسرارهم السمیة و حفظنا و ایاهم من الخلف عن  
مسالكهم و السلوک الی طریق مخالفهم و من اساعة الظن و الادب فی محافل اخوانهم و مجامع

خلاصهم ومن حرمان الاعتقاد الخالص والتوجه الصافي الى محاضر روحانيتهم المقدسة ومضاجع احسادهم المظهرة آمين يا مجيب السائلين ويا موفق المتوسلين بجرمة من له الوسيلة والمقام المحمود انت انت الهادي الكريم الودود \* (درشتايش حضرت چلي ارغون قدس سره المكنون) \* تاجدار ملك بال وعارف صاحب كمال \* شهسوار صف حال وواقف سرمال \* رايه افراز كرامت دار فرماي نوال \* مسند آراي ولايت زيب معراج خيال \* قطب عالم غوث آدم مظهر نور جمال \* حضرت سلطان ارغون قره العين جلال \* ذات ياكى كوهريكاي درياي شئون \* سينه خال حسن وصفي كلك طبع ذوفنون \* سايه سي سرمايه آسايش اهل درون \* خال دركاهنده ايتز نقش پاريب المنون (ايضا) لهجه لطف بياني طوطي حكمت سرا \* بهجه قدس آسايش بليلي جنت سرا \* چندر و زاولسه نغم كهنه قفس تحت الترا \* مهجه اعلام سريكم اوله فوق الورا (ايضا) نوينو احساني درويشاني ممنون ايتده \* اشتياقي دمدم خلاني مجنون ايتده \* حسن خلقي يكيك اخواني مفتون ايتده \* ذكر خبري سربسرا كواني مشكون ايتده (ايضا) اولسيدي آدمه آينه دار كشمس دين \* ذره وار اولزدي مجذوبي عقول مرشدين \* پرتوي چشم و چراغ صادرين و واردين \* عوعوسكدر اكلستله حرف حاسدين (ايضا) سربالاس اولديغنده يوق سرموار تياب \* همتي و يرسه نوله روي زمينه آب و تاب \* قنده كيم بر در دمنده اولسه اسير پيكتاب \* جانب روح جنابندن كور ريك فتح باب (ايضا) اولشه غيبي خشمدر چون ولي ابن الولي \* عصر نك اولسه عجمي سرفراز واكلي \* انده جمع اولمش معارف آخري واولي \* آخر سابق كه دير لر شهمه سز اولدر بلي (ايضا) دامني افتاده بای اميده دستكير \* دست سودي حرز جان مستمند مستجير \* موميای التفاتي چاره قلب كسير \* كيميای خاصي كيميای دست فقير (ايضا) زانوي تسليمي بسدر سروران همته \* نيلسونلر سرفروي آستان دولته \* جمله جان و باشله آماده وقت فرصته \* منتظر در هر بری نا كه قبول خدمته (ايضا) اينم آباد تجلي طبع صاف خرמי \* تشنه آب بقايه خضر زنده هر دمی \* گوشه وحدته سغراق فنادر همدی \* نوعروس بخته ناز ايلر كينه محرمي (ايضا) فاتح كنج اشارت كاشف سر ضمير \* طالع اوج بشارت مرشد برناو پير \* فعل و قولي دلنشين و وضع و طوري دلپذير \* شيوة نادیده سي تسخير دلده بي نظير (ايضا) ظاهرا اولمش زمين تر به سنده منزوی \* باطنده انفس و آفاق ليكن منظوری \* مشربندن تشنه دللردائم اولسون مرتوی \* كيم او در حال اولي العهد پير مولوی (ايضا) سايه سنده اولدی كونا هيه برج الاوليا \* نامني دار السلام روم ايتسون اصفيا \* اولمش آسوده جوارنده كروه اتقيا \* مرقدین خلد برين ايتش جناب كبريا (ايضا) كشتي نوح حقيققدر مقام بيغمي \* اولز اول كلشنده طوفان حوادث ماتمی \* عدلتي نادر بولور سياح ملك عالمي \* جنت اولور مش مكر ماواي كامل آدمي (ايضا) مجمع روحانياندر صبح وشام اول دائره \* خوان الوان كرمدر نرلي فوج زائره \* شعله رحمت اولنجه ساحه سنده نازه \* سوز ندر اغراق اوصاف نعيم سايره (ايضا) سر سري كردجهان ايكن بحمد الله دلا \* ايلدك اول در كهو الايه نا كه التجا \* شكر توفيق قبوله اشتغال ايت دائما \* تاسراي روح وريحان اوله سن روز جزا (ايضا) شاه اورنك خلافت ماه كنعان كرم \* بنده پرور لطف كستر ياك كوهر لاجرم \* ايلز سربدرين محروم انعام حرم \* باخصوص اولسه عبوديتده بي تاب هرم (ايضا) اولمق استرسك محل عفو وغفران خدا \* حلقه وش ناقب درندن بر نفس اوله جدا \* ايتنيجه نقد عمري يقصور انده فدا \* ايتش اولمز احترامی حقني بنده ادا \* قطب عالم غوث آدم مظهر نور جمال \* حضرت سلطان ارغون قره العين جلال



(در بیان خلافت آن کزیده ناس و مهتر حق شناس و عمان کوهر استیناس اغنی به حضرت برهان الدین الیاس طیب الله تعالی مکانه و اعز فی الفردیس جنانه و متعنا و عامه الفقراء بشفاعته و فی عرصه العرض بحمايته) آورده اند که والد ماجد لری عازم صوب جدا مجد لری اولوب کندولر مسند نشین خلافت صور به و معنویه اولدین مشعر حضرت علاء الدین و جناب مظفر الدین و چلبی زین الدین و بونلر امثالی کبار اولاد کرام خضر و الیاسی و عین الجمع اخوان و خلان مولویه بالا جماع سر نهاده زانوی اناتلری اولوب کافی الاول دائرة جمعیت لری مرکز وجود پر جود لری اوزره دوران ایدوب سرموسه و رخنه اختلال نمایان اولمغله کویانشأتین بینده فرق فقط اسمی و جسمی اولوب سر و روحانیت کمال اتحاد اوزره اولغین اصل اصیل لریندن ر و نما اولان آثار جلیله حسب الاقتضا و قنایه اول فرع جمیلدن دخی بدیدار اولوب آشنایو بیکانه تحقیق خلافت و تصدیق و لا یتلرنده بکدل و نیر اعظم ذات ملکی الصفات لری دفعه بر تواسه تارافکن آفاق اولشدر حتی کاه و بیکاه مقاصد مشکله الحصول محبین و عوارض عسیره الدفع مستمدین معروض پیشگاه سعادت لری اولدقده کمال ابتها لله ر و مال سده رفیعه تر به فردوس رتبه والد ماجد لری اولنجه فی الحال تباشیر صبح فتح بشره مبارکه لرین طالع و آینه طلعت میمون لری جلوه کاه بشاشت بشارت و جمله مقضی المرام و مأمون الآلام اولدق لری ثبوت مدعای مرقومه دو کواهی اشتباه اولدین متفق علیه ر و ات ثقات و مجمع علیه ارباب حاجاتدر

(نقلستکه) \* حضرت زبده السلاله الصدیقه و قدوة السلسله الجلالیه جناب ولایت مآب چلبی برهان الدین الیاس قدس سره عن شوائب الادناس جامع جمیع علوم نقلیه و عقلیه و کشفیه اولوب سیماعلم تعبیده فرید عصر و وحید دهر بلکه یوسف صدیق ثانی اولمغله هر صبح ضحوة کبریه دکن حلقه مجلس عالی لری دیوانخانه صور عالم مثال و هر کسک منظر اولدین تفسیر ترکیب تخیلی کافلاک الصبح بلا تغییر جلوه کمر منصفه ظهور اولمغله لسان الغیب و ترجمان السر شهرتیه معروف و عید و قریب مشکلات مشاهده خیالی لری کاهی حل ایتمکه شیخ الدن عنوانیه موصوف اولشدر ایدی حتی نوبت از آنسای طریق مولویه اولویه دن مشق صورت سماعه مشغول بر مبتدی کندوی اداره دست ایدر لکن حاصلی انجی بر قبضه سبوس کور و ب ضیاع دانه سنک و رنج دست و کف تهنی مانده سنک افسوسیه بیدار اولدین واقعه غریبه سین معروض پیشگاه انتباه بناه لری ایتدکده حضرت پیر قدس سره المنیر \* دل چودانه مامثال آسیا \* سنک کوید آب داند ماجرا \* بیت شریفین قرائت و مضمون لطیفین شرح و سبب دورین بیان عقبنده بی اداره عشق مشق دور و تن افسرده به جور اثناسنده دانه فکر دن غذای روح حاصل اولیوب بلکه محصول غلیظ و قشری اولدخ شی قلیل اولمغله سبب افسوس اولشدر \* مراد تربیه مریدر ایدر که مدار دائرة سماع مولوی مانند آسیا آب عشق و تاب مشق و محصول غذای روح سحق و ترقیق دانه دل شوق دن حاصلدر یونخسه تحریک فکر و تکلف ذکر له اولان دور عانده سی مانند حفته سبوس لایسمن ولا یغیدر دیو تعبیر و تسلی سور دق لری ذیلنده

پرده بر انداز بیکر نوعروس سماع پر صفا اولوب (هر عمل کبی علم باشد هر آینه بی مزه گردد پس پیشین علم سماعرا آموختن باید که تا عملش پر ذوق و صفا و بی کدر تعجب و غنا باشد) تنبیه نبیه لری به تعلم علم کشفی حرکت دوریه و جدیه و تفرس اشارات لطیفه سماعیه و تعاطی فوائد توحید بخودانه به ترغیب بیور مشلدر \*

والحق احق بالقبول والامر كذلك عند اهل الوصول والبشارة حظ من فهم الاشارة (مشوی) اصطلاحات نیست مرابدالرا \* که نباشد زین خبر اقوالرا \* زان نماید این لطائف ناتمام \* که مرین خاکن بود فهمش حرام \* قبل عن وصل \* (آورده اند که) \* حضرت چلبی برهان الدین قدس سره

المبین ذات مرضیة الصفات لری کالقمر لیلۃ البدر مجلای سر حضرت شمس الدین تبریزی اولدیغی  
(بیت) درد و چشمش بین خیال یار ما \* رقص رقصان در سواد آن بصر \* مصداق آنجه بین الاخیار  
پدیدار و اکثر آثار عظام کبار آل خداوند کاره مصدر اولدق لری شایع دار و دیار اولغله انجذاب  
طالبن و انتساب سالکیندن صغیرای ارادت لری محشر عشاق اولوب وجهه نک مؤنات معاشیه لری  
خرانه کرملرینه مربوط و معونات معادیه لری همیان همت و دست سماحت لری نه منوط و هر کس  
علی قدر حده مکرم و مرعی اولدیغی عیون صغار و بکار ده باعث تفرقه نور نظر اولغله احتمال کیمیا  
و فتح دقان و خزان اسلاف دولت لری نه دست رس و بونک امثالی خرده وات کفت و شنید ظاهر اولدق  
تکلف خاقانه و طور بر مکیانه لری ن زائد الوصف ایلیوب دست کرم پیوست لری مفتاح خزان غیب  
وزیر سجاده کرامت احتوالری کیم خانه شایکانه و مدار ادای دیون محتاجین و جهات اتعاش ارا مل  
و ایتام و مساکین اولدیغین اظهار ده بدیضا انمای جیب غیب اولش لرد که یکسر مترددین احوال  
خارقه عادت لری موفق مضمون منیف آیه کریمه (و من یتق الله یجعل له مخرجاً و رزقاً من حیث لا یحتسب)  
اولش لرد \* روید الله فوق ایدیم تو باش \* همچو دست حق کزانی رزق باش \* دست زیر بور یا کن  
ای سند \* از برای رویوش چشم بد \* هر چه خواهندت بده مندیش ازان \* داد بز دنا تو بیش  
از بیش دان \* ز رشدی خالک سیه اندر کفش \* حاتم طائی کدای در کفش \* مضامین لطیفه سی  
موجب کفر کفایت لری جامع دعا و عطا و ظهر ظهیری مقبل شفاه سعدا و هونکام زیارت صبح  
و مسالرنده (بیت) امد دالی ید اتعوذ بطنها \* بذل النوال و ظهرها التقیلا \* صیت و صداسی  
نعره مشتاقین کبی کوشکدار سکان آسمان اولشیدی و ماهو علی المؤید من عند الله بغیر  
(منقول است که) \* اول کل بی خار کلزار سرخسکار نیک فصول عمر خجسته آثار لری همیشه بهار  
فضل پروردگری و پرستار و ازهار و رع و تقوی و بی کزند باد سر داییزهوا جس نفس و هوا اولغله  
صفوت جبلی لری مایه انشای ولایت و عصمت خلقت لری ماده صورت کرامت لری و خرمن کار  
بدخواه لری سوخته برق غیرت ناکاهی آلهی و کرد کدر کفت و کوی اصحاب جدال دیوراد بار الزام بار له  
رفت و روب گاهی و افواہ لم ای مترجمین ابنای زمانه لری دوخته سر رشته تنکیت دلتواهی اولغله ولی  
مادر زاد شهر تیلہ بین الخواص و لوله آرای ثنای جمیل و مناقب فاخره لری زین المحافل مفاخر و سلسله  
اقبال و اجلال روز افزون لری تا حضرت سلطان سر عبا پوش اغنی به جناب سماعی صہبای معرفت نوش  
نوبت ظهورینه دکن متبادی و غط ارتفاع شان و منوال اعتلای عنوان او زره پیوسته محمود الاوضاع  
و مدوح الاطوار اولوب حتی عزیز مشارالیه قدس سره دخی بو طعنه غرا ایلہ ثنا کار لری اولشدر \*  
(قطعه) لسان الغیب ایدی یکسر وجودی \* نوله برهان دین اولسه نشانی \* اولوب فریاد رس  
نزدیک و دوره \* دیمش لرنامنه الیاس ثانی \* کویازمان تأیید اقتران لری نوبت قران نیرین سرخضر  
والیاس اولشدر \* (آورده اند که) \* اول محیط معارف ملکیه و ملکوتیه نک هوای امواج انفاس  
کهرج و شلری ساحل نظم و نثره لائی نفیسه مضامین برجسته و جواهر ثمنیه معانی نادره القای تنکله نسخ  
اثر پر عبر لری دیباچه زیب سفسنه سنیہ صافی ضمیران زمانه لری اولغله بود در دست غریبه فاخره لری  
وشاح الصدر منقبه لطیف لری قلمشدر (غزل) آینه جانان اوله لی جان خرم \* بر تو فکن شش  
جهت روی زمین \* کر میت حالیه اولوب پردم و دوران \* همجلوه چرخ فلک و عرش برینم \* صد گونه  
مطلسم دخی اولسه در مطلب \* صمصام توجله کافتع میمنم \* معموره طینی صانور انجق کورن اما \*  
ویرانه کیم کهر ملت و دینم \* عینده عیاندر او ککه عالمه نه اندر \* سر تا بقدم دائره عین یقینم \*

خود بین اوله من محرم راز دل زارم \* مانند فی نغمه سر پرده نشینم \* شرطیله بیان ایلدی دعواسنی  
 برهان \* دیر سه نوله خیر الخلف جد کزینم \* پیر و لک ایدوب فی کبی انفا سنه زیر \* هو هو دیه رک  
 سیر مقامات رهینم \* و شیوه لهجه بر بهجه فارس لر نه سامعه پیرای سخنوران عصر لری و نیاز نامه  
 پر سوز و کداز لری اولان نوباوه بوستان حقیقت دخی یاد کار بر اعه اعتنا و نمونه بر اعت طبعیت  
 بهیمت لری قلمشدر (غزل) یارب از سوز محبت ناله جانکاه ده \* دیده شایان دیدار و دل آوا ده \*  
 چون دم آخر کند نو مید از هر چه که هست \* آنچه بایست جناب رحمت آن کاه ده \* توتیار و شن نسا زد  
 چشم شب کیم مرا \* شمه ای باد صبح از حال آن در کاه ده \* سدر اه بهره مندی خواهش بیوقت  
 شد \* مرغ غنی هنگام مارا فرصت نا کاه ده \* غیر خرسندی ندارد در ناداری دوا \* خواه زر  
 ده دهی ده خواه برک کاه ده \* عشرت یکدم دهد هشیار را سمر د خمار \* پس نشاط بخودی  
 از خاطر آ کاه ده \* نفس را برهان از قیود ماومن \* یعنی اورا جلوه آزادی هر کاه ده \* و نکات تربیه  
 آمیز و عظمت غیرت انکیز لری دخی هنوز زیر نیچ عنا کب نسیان اولیوب بلکه متداول السنه  
 مسترشدین اولنلردن بعض کلمات جامعه لری رشته کش ابراد و تمهید مقدمه ارشاد قلمشدر تا سلاست  
 آثار دلپذیر لری امارت صفوت قریحه الهام سیر لری اولوب بین المریدین و المحبین دستور العمل صدق  
 و اخلاص اعتقاد و وسیله التسابر و حاجت شفاعت نهاد لری قلنه و فقنا الله تعالی و عامه الطالبین  
 الی الاستفاضة والاستفادة من لطیف اشاراته و طرائف بشاراته آمین یا مجیب السائلین (لیس المغفور  
 کلنطور) یعنی آمرزیده انتخابی سالم ترتیب جزا اولوب مانند نظر کرده پرورده نعم اعزاز و اکرام اوله من  
 اگر چه التائب من الذنب کمن لا ذنب له در لکن معصوم و محفوظه مساوی دکلدر (العارف بین التحمل  
 و التحمل) یعنی مر د عارف آثار جلالتیه به تحمل و آلاء عجلاله ابله تحمل بینده در که تحمل سبب تخلیه  
 و تحمل باعث تخلیه اولوب ماسودن خالی و شؤنه مالی اولور (الخبر طلیعة التظر) یعنی محروم نظر اوله جق  
 محرم خبر اوله من که تظرفه غائیة خبر در پس ترتب غایت اولیج عبث اولور (البدع البدیعة الاولی کالسنن  
 السنیه للنبی) یعنی تربیه نفوس فایله ده رسوم طرق مستحذنه اولیای کرام سنن سنیه انبیای عظامه  
 هم فایله در بلکه فی الحقیقه سنن اصول و رسوم فرو عدر بینهماده اولان تغایر تخالف الاصل و الفرع در  
 زیر اذات ولی فرع ذات النبی اولیج صفات و آثار دخی فروع صفات و آثار نبی اولمق محقق و مقرر در  
 (نوازل المنازل و مسائل المسائل) یعنی واردات مراتب و الهامات مقامات موارد و مصادر در و نما اولان  
 مشکلات سلو که دلائل انحلالدر (الولی حمیم السقیم) یعنی جملة مر ایای ا کوانی مظاهر عکوس  
 صفات مقابله مشاهده ایتکه هر کسه شفقت و رافت موجهه اوز ره در (بواطن الامور و موطن  
 السرور) یعنی حقایق و اسرار محالی حکم و عبر اولمق حسبیله محال سرور و معارف و مواضع جبور  
 عارفدر (مراحم المحارم بمآثم الملاحم) یعنی محرمان اسرار که مراحم علیه لری که منشأ انظار حسنه  
 و انقاس نفیسه لری در حرز و تعویذ فتن و محن جسم و جاندر و راه شفقت لر نه دخیل دارالامان من حتم لری  
 اولنلر ما مون الغائله و وجهاندر ته کیم محل رافت ندمای سلطان اولنلر امین سطوت قهر خسر وانی اوله  
 کلشدر (ظواهر الحال مظهر الحول) یعنی صور کثرت اندود محل نقصان عیار شهود و نمودار غش حول  
 و پدیدار غل و جدلدر (العبارة قشر الاشارة) یعنی عبارت پرده و وقایه اشارتدر که قاصر نظران مانند  
 حشویه و معتزله محبوب لطائف اشارات و ادرا کاری فقط منطوق عبارت مقصود اولوب و عبارت دخی  
 طلسم کجینه اشارت و سدر اه مداخله یکنه اولور (برک و ساز ترک و سوز است) یعنی تدارک مهمات  
 راه تجرد ترک علائق و تعشق خالقدر که سال که اول دفع عوائق و ثانی قوی سائقدر (کارا میان تدبیر پیر

و تسلیم می‌برد باید) یعنی حصول مرام و وصول مقامه جمعیت امرین مذکورین لازم‌تر که اخذهما  
آخر نیز مفید اولمز (آخر کار بیکار نیست) یعنی عمل منزله نهایت دفع جنبش با خودانه و انتظار و الهانه  
ایله جلوه کراولان اوضاع و اطوار عارفانه در کما اشار الیه حضرت المکاشف القیومی فی خواتم المثنوی  
المعنوی \* عارفان از دو جهان کاهلترند \* زانکه بی حد بار خرم می‌برند \* کاهلیرا کرده اند ایشان سند  
\* کارایشان را جویردان میکنند \* کار بر دانا را نمی‌بینند عام \* می‌نیاسا سندان کد صبح و شام (منقول است که)  
اول شهرزاده دودمان ولایت سلیمان سیرتک رقاب انس دخیل ارادت لری اولدینی کبی طوائف می‌دیدن  
طریقه جدا مجد لری اولان اصناف معلومه العدد و الوصف اجنه دن مسخر امر استخدا ملری بولسان  
افراد کملازمت عتبه خدمت لری و مواظبت عهد عهده اطاعت لری مشعر نیچه آثار عجبه ظهور ایلدیک  
علی الخصوص اصحاب خصوصه صحبت و خلوت بیورلدیده شایان رخصت نه اختانہ غیبی مکان لری  
اولش لرتوجهنده افراد معهوده بعضی لری در حجره خاصه لریده کاه شیر شکل و کبی از در تمثال خدمت گزار  
در بانی اولدینی و کاهی باب سعادت لری بناء مرصوصه مسدود و رخنه در دخی یکسر دیوار مشید غما  
اولغله همواره دفع اجانب بیورلدینی ثبت کرده جرائد تو اتر و اشتها در و طبل زیر کایم زن طعنه لری  
اولنره دخی صور مستوحشه موخسه و تماثل مده شها یله واقعا و واقعه مسلط و مستولی اولوب آخر الامر  
هر کسک اعتقاد و عملته سز امتلا اولدینی عوارض و همیه و نواز خیمالیه دن سلوک طریقه توبه  
و اعتذار و جوش قلزم شفقت و رافت لری به بر ساعه و خلاص یکدم احسان بیوریلوب جمله اهالی بکرنک  
خلوص اتماء و ارادت اولوب زمان ولایت و نوبت خلافت لریده منکر و متعصبیدن فقط نام نامعقول  
و حدیث غیر مقبول قالب بدیده کوس کرامت لری قبه عالم کبر و نزدیک و دور هر اسان صدمه دار و کبر  
جلال و غیرت لری اولشدر (بیت) جز ساز و بند کی واضطرار \* اندرین حضرت ندارد اعتبار \*  
مضمون منیف دستور العمل صغار و کبار اولوب سایه عنا بتمایه لرینه التجا یله هر بری ادواء و اسقام صوری  
و معنوی سنده تدبیر اطباء دن مستغنی اولوب مستعین همت علیا و مستغنی نوحه بی همتا لری اولینی  
هر در ده و او دولت هر دوسرا عدا اتم که مغتم عیش خوش و مستفید کیش دلکش اولشدر و الا آن  
کما کان منوال محرر او زره رویمال در که وجهه سای عتبه علیای تربیه و الارتبه لری و اصل کیمیای  
سعادت و نائل سرمایه سلامت اولدینی نوینومعاین ار باب فراست و مشهود اصحاب صداقتدر (بیت)  
کنج عزلت که طلسمات عجایب دارد \* فتح بانس نظر رحمت درویشانست (آورده اند که) حضرت  
نقر النقا و زین النجا علاء الدین الیاس باشا شفقت عمومیه حسبیلہ فی اکثر الاوقات تفقد احوال لری  
ایله مشغول و خزانه سعی و همتی راه محفاظه و مراعات لریده مبذول اولوب ادنی خدمت لرینه ایشار ماملک  
وسع و طاقت ایدوب نوازش خاطر وارد مقاطر لرین دین ذمت ارادت شمارا یکن هرگاه که تفتحص  
چگونگی احوال و امور بیوریلہ (الحمد لله علی الحال و الماضي قد زال و من یدری الاستقبال) عنوان  
پرشکران یله پاسخ ارشاد آمیز بیورملری اول شیریشه هر قبه باعث غیرت اولوب آه سرد کش آرزوی  
تجربید و افسوس خور حسرت تفرید و شمیوه آزادانه رشک و جلوه یقیدانه غبطه غما کلماتله اظهار  
مافی الضمیر ایدوب متعجب اولد لریده حضرت جلی برهان الدین تحریک لهججه تسلی بلکه تسکین جوش  
تشنگی بیوروب (بیت) چیست دنیا از خدا غافل بدن \* فی قاش و نقره و فرزند و زن \* قوم دیگر سخت  
پنهان می‌روند \* شهره خلقان طاهر کی شوند \* این همه دانند و چشم هیچ کس \* بر نیقتد بر یکسان یک نفس \*  
هم کرامتشان هم ایشان در حرم \* نامشان را نشنود ابدال هم \* مصداق نبجه در مکتوب ذات علاء الدینی  
متواری قبه امارت و مستور سر پرده حشمت دولت و مدار دایره معدلت و قطب گردش آسایش خلق

و غوث آرامش عباد اولمغله کند و لیکن مقصد اقصی و مطاب اعلالری اولان مراتب سامیه بانفع  
 حاصل و مراتبی عالییه حالاً نائل ایکن باعث اضطرار لری انجق زحمت تحمل کرانبار خدمات شرع قویم  
 و مشقت مراعات نظام الحال صحیح و سقیم اولد یغین تنصیص و بوامانت عظمائک حسن صیانتی و بریه  
 بریه نک لطف حمایتی شعار و دنار شاهد و لایت کامنه لری و اوضاع حسنه و اطوار پسندیده لری بالجمله  
 کرامات و آثار جلیله کمال تلمی و لغی تصریح بیور و ب لکن انتظار نامحرمان اسرار حکیم ستاردن  
 محفوظ و مصون آفات اشتها و کنج مخفی طلسم کثرت و حائز رتبه صوریه و سیرییه خلافت اولد قلرین  
 تحقیق ذیلند هنوز طفل فی سوار اولد قلری ایامده قول و فعلا منصبه پیرای بروز اولان عجایب و غرایبی  
 تعداد و هنکام مستی صهبای شبانه بی خودانه جلوه کر میدان ظهور اولان مکاشفات پیرانه لرین ایراد ایله  
 ولایت لری مو هو به و ولی مادر زاد اولد قلرین تا کید و تاسیس ایشلردر (چنانکه) فرموده اند \*  
 درس هر نسخه زانستاد معایش بخوان \* و رنه این مردم خود بین سوادی خواند \* انکه از آینه ام  
 نه عکس آموزد \* ترسم از اصل ندانسته مرادی ماند (دیگر) شرح مجموعه کافحه نداند  
 هر مرغ \* کنه هر کو و رقی خواند معنادانست \* ای که از دفتر خود درس مرا میخوانی \* کی توان ماهیت  
 مسئله مادانست (منقول است که) اول خلیفه الحق بین خلیفه عادت حسنه لری عین الجمع اخوان  
 الصفا ایله هر سال بلده کوتاهییه به چار ساعت مسافه ده اولان آب کریمی تشریف اولوب و هنکام صیفده  
 اول آب قدر تک درون و حوالی سینده ظهور ایدن جانوران مار سیاه اعوام زهرتلرین بریده سنین سائر دن  
 از ید غلبه نما اولد یغی خلان ذوی الاعتباره باعث تعجب و استفسار اولد قده (ایشان امسال زیارت  
 یاران آمده اند) عنوانیه در بجه کشای راز اولد قلرینده چلبی مظفر الدین (چگونه ماران زیارت یاران آیند)  
 ماصد قیله استکشاف حال ایلد کده (آنان یاران سیرت و ماران صورت بد هر حال) بیور و ب و تعرض  
 و اهلا کلرین کف دست و پایه تنبیه ایدایدوب بلکه بی بصیرت ان متوهمان رنجش و تعدیلریندن  
 ستمیده اولوب و طائفه اجنه مؤمنه اولد قلرین تصریح بیور د قلری عقینده خارج بارگاه سعادت لرینده  
 بعض فقر اطائفه هر قومه دن کرد و انبوهله بر مار سیاهی اثر در غماخیه و حد تلرینه توجه و و مال خال  
 در کهلری اولد یغین معرض پیشگاه لری ایدنجه دفع زحام یارانه امر بیور و ب انلردخی دستور معهودی  
 فهم سیاقنده دخیل نظر کاهلری اولوب امیر لری کفش مبارک لرینه دهندن بر قطعه حبه مثقوبه جوهری  
 وضعیله کویا اجرای رسم مهادات ایدوب و مقدار ربع الساعه مغتنم انتظار حسنه لری اولد قلریند نصکره  
 رجعت و غیت ایدوب اوقات سائر ده بردخی غلبه هر قومه و اول پیشوالری اولان امیر طائفه رونما  
 اولوب اهدا ایلد یکی حبه غریبه نک آثار و منافع عجیبه سی پیدار اولمشدر که ثقبه اصلیه سنه بر ریسمان  
 کچور یلوب هر فنی مصر و عک کردنه قلا ده بیور لسه در حال افاقت یاب و هر تقوله حازه آبی نوش  
 ایته سبب بره ساعه و انواع عموم مضرتن دفعه پاد زهر غیبی اولوب و کپوس در دینه مبتلا اولنلره تقلید  
 اولنسه بر دخی روی بین کپوس اولمز ایدی بو آثار جلیله ایله زمان مهر بتلرینده مشهور و نوبت رحلت لرینده  
 کوهر و فاکبی کونایاب اولمشدر و کاه و بیگاه طائفه مذکور دن بعضیلری هیکل معهود لرینه نه انتخابه  
 صحبت لرینه بار یاب دخول اولوب شکل انسانیه تمثل و بعده ینه شکل مرئی لرینه تحول ایلد کاری کرارا  
 و مرار مشاهده اولند یغی رسیده حد اشتها در لکن اول انشاده جلوه کر اولان معاملات فعلیه  
 و قولیه دن پرده کشا اولوب هنوز زیر ستاره غیرته پوشیده قالمشدر انجق الی الآن بین الاخوان راخلان  
 تنبیه بیهلری دستور العملدر (و یار مارا به تر از مار یارناست) مثل لطیفی کند و لرین یاد کار قالمشدر (ع)  
 یارید بدتر بود از مار بد (آورده اند که) حضرت پیشوای جان اهل یقین و مقتدای دل حقیقت بین اعنی

به مجمع الولاية والكرامه وملتقى اجرار الرواية والدراية منيع الجناب ومعين الصواب جلبي برهان الدين  
 الياس بن جلال الدين ارغون قدس سرهما المسكنون والبرزكوار فردوس قرار لرى انتقالندن اون  
 سكر سنه مروت ورنده رسم و آيين مارالذ كراسلوبى اوزره جمله مريدن ومجيبى جامع براجلال عظيم ترتيب  
 بيوروب سه شنباز وز حلقه سماع وصفاد اثره وناثره وجدو حال مشتغله اولوب آخر الامر والد  
 بزرگوار لرى ذات ملكى الصفات لرين استخلاف بيورد قلنده قبيل الدعوة (يا ايها الناس قد جاءكم برهان  
 من ربكم) آية كريمه سنن تلاوت وتسكميل دعوات بيورد قلرى عقينده آية كريمه متلو ه دن قد جاءكم  
 برهان من ربكم فقره سننك اعداد حروفى تاريخ استخلاف اولديغين اشارت وكند و لرك (وازلنا اليكم  
 نور اميننا) ماصدق اولمه لرين بشارت وبعد سنه الحى دار البقاية انتقال لرين وكند شكان عرش مكاته  
 اتصال لرين اشعار بيورد قلرين تقرير اثناسنده مدآه كش اشتياق اولوب (حان حين الارتحال) فقره سيله  
 آفتاب وجوه ميبود لرينك تاريخ افولارينه اياما بيورد قلرى بعد الوفات ظاهرا ولمشدر كه من الاول الى  
 الآخر سمر مواتر والد ماجد لرندن سمت خلاف ر و اوليوب جلبي زين الدين حضرت لرين سجادة خلافته  
 اجلاس بيوروب ايام تهنيه لرى تمامنده مزاج لطافت سرشت لرينه تغير طارى اولوب طائر سدره پرواز  
 روح روان لرى آشيان از ليل لرينه شستابان اولمشدر وجسد منور لرى تربة معلا رتبه پندرسامى كه لرى  
 وسمت قدم شفاعت توأملرنده دفن اولنوب انلرك دخى سرمد قدس لرى وسايه روحا يتلرى بي پرده بدن  
 فرياد رس دردمندان وكهف الامان مستمندان اولمشدر طيب الله ثراهم ونور ماو يهسم الى ساعة القيام  
 ونوبة الختام آمين بحرمه سيد الانام وشفيع الآثام وجانشين خلافت لرى اولان حضرت جلبي زين الدين  
 تاريخ وفات لرينه اياما بيورد قلرى فقره حان حين الارتحال نظم بيورد قلرى مرثيه لرنده تضمين بيوروب  
 تأديا اختيار تاريخ آخر ايامه شلردر (چنانكه ميفرمايد) حضرت برهان دين دلپناه \* عزم دار القرب  
 عليا ايلدى \* سيرا اولوب جام حيات عالمه \* ترك عيش بزم دنيا ايلدى \* دردمندان ره اجدادك \*  
 اشك چشمين سيل ودر يا ايلدى \* بلبان كاشنين فرياددن \* هجرله مرثيه كويا ايلدى \* جاني  
 جانانه ايدوب رونما \* زادراين خوش مهيا ايلدى \* حان حين الارتحال بنده يه \* ظاهرا تمهيد  
 احيا ايلدى \* ليك تاريخ وفات اولوب دريغ \* مشهدين مرآت روي ايلدى \* (در بيان مناقب فخر  
 الرجال و ذخرا لابدال حضرت جلبي زين الدين ابن شاه ملك ابن الياس باشان نور ضرر بجهما) \* منقول استكه  
 جناب نجابت مآب سلسله الياسيه و حضرت تقا و سعادت انتساب سلاله خضر يه كه ذوالقرا بين دو دمان  
 خنكرا كبرى اولوب اولان نظر پاك ارغونى وثانياهو همت عليه برهانى ايله ترين شكرده ونشوغا يافته  
 وعلوم ظاهره وباطنه ده فريده عصر و وحيد دهر برشاهزاده بلند پرواز و ذات ستوده صفات عاليجناب  
 اولمغه همت والاسى كى سروبالاسى خس وخار علايقدن دامچين وكال تجريد و تركه سالك راه  
 جسد كزنى و پيرو پيش قدمان مسلک شمس دينى اولوب بين الاقران مشار بالبان وميدان جهادا كبرده  
 هممعنان مردان اولوب نوبت برهان يه ده مابين اولاد معنويه لرندن تاج ولى العهدى ايله سرفراز ويدا  
 بيد الياس خلعت خلافته ممتاز اولمشدر (مرو يستكه) حضرت شهزاده عاليجناب واسط خلافت  
 قدسيه لرنده (اولياى تحت قباني لايعرفهم غيرى) مصدا نجه متوارى قبة احتشام اولوب فقير منش  
 وامير روش اولد قلرى ظواهر بينان حدنا شناسانه كران نما اولمغه اكبر بلده دن بعضي لرينك اوائل  
 احوالده ترك وتجريد لرين تصنع و بعد زمان تسريره خشم لرين احراز فرصت وتمنعه حملى مشعر كلات  
 رشك آميز له غيتلرى اثناسنده بغيره الله تعالى سيرت سيئه كيمى يني ديده لرنده و صورت كريمه بد كوى  
 دهاننده هويد او فحاة عارضة لقوه يه مبتلا اولديغى كوشكداران خرده كيرانه سبب ابتياه اولوب هر كس

حضرت جلبي  
 زين الدين

حقارنده فکر نامه قبولدن خاطرین تخلیه و صدق و خلوصه درون تخلیه ایدوب قطعاً کند و زره  
و منسوبات در کله برینه فرد و احد کنسگاه و بد کو اولغه جرأت ایده میوب یومافو ما کو کبه ظهور لری  
از دیاد و بدیه بر روز لری اشداد یله اکثرار باب عناد دخیل حلقه انقیاد لری اولشدر (رباعی) دوش  
ان بت من دست در آغوشم کرد \* بگرفت بهر و حلقه در کوشم کرد \* من بانگ همیزدم که کوشم کوشم  
\* لب بر لب من نهاد و خاموشم کرد \* مصداقچه سرکشان دایره انا بتلین سر پنجه ولا بتلریله ناچار بنده  
فرمانبر ایدوب قابل ارشاد اولشدر نینجه سین دخی چراغ افر و خسته نور نظر کیمیا اثر ایدوب هر بری  
فتاده کرد اب زرد و انکار ایکن غرقه تود و اقرار و مسند نشین مشیخت طریقه اولویه مولویه و منشأ  
آثار جلیله صوریه و سربده اولشدر در حقی زمان شر بفارنده کلمات باهره لری کور و وب و مناقب فاخره لری  
ایشید نلردن مرید و محب اولشدر انجی گرفتار شقاوت از لیه اولشدر اولوب بو بیت شریف معرف وصف  
باکاری واقع اولشدر (بیت) نادیده هر انکس که نام نوشنید \* دل ناخرد تو کرد و مهر تو کرد  
(آورده اند که) حضرت جللی مشار الیه بروقت نشاط و هنکام انبساط لری زین مجلس اخوان دین  
وزیب محفل خلایقین اولوب ارشاد اللطالین و ارصاد اللبالبین سرگذشت عبرت اکتیلین بسط  
ورشته کش تقریر یور دقلری انشاده کند و لری ناکتای حالده و حضرت جلال الدین ارغون قدس سره  
المسکون خدمت شریفه لری نه کمال صدق و اخلاص ایله ملازم اولدقلری او ان مینت اقرارنده بر اجلاس  
زائد الوصف ترتیب یور و ب اخوان و خلایق مالا و بدنا و اولاد او اتبا عاصرف مقدور یور و ب هر چند  
ذات شریف لری پیمانه خدمتدن نشین آسایشه دعوت اولندی ایسه اعتذار یور و ب خدمت  
متبرکه لری جان عزیزه منت اولدیغین اشعار و شرف خدمت لریدن بالنفس محروم اولما ملری رجامند  
اولدقلری حین شفقت رهنده صادر اولان کرشمه پر راققلری قالبدن قلبه سرایت ایدوب در حال بر مر تبه  
صفای حال و شوق بال ضیعت و اول مایه لطیفه دمدم ازدیاد و انتشایاب اولوب آخر الامر بادی مبادی  
ارشاد و باعث ایادی احسان امانات اجداد اجداد اولوب حین استخلاف برهان الدین قدس سره  
المبینده دخی مقدمه توصیه استخلاف اولدیغی بیانی ذیلنده همانا سر مایه سعادت بر موجب (فادخلی  
فی عبادی) قلوب مردان خدایه فوز دخیل و در دیو حضاری تحصیل استحقاق انظار جمالیه رجال الله  
ترغیب یور و ب و بر هیچ حمل النقیض علی النقیض مبادرت اجترای استحقاق انظار جلالیه لریدن  
ترهیب یور و ب و در حقی بو کیفیت سر به معرض پیشگاه برهان الدینی اولدقده بشارت عظمایور و ب  
(این قضیه همانا قضیه شیخ صاحب کرامت بغدادی و حسن نظر شمس الدین و جوشیدن آب ابرقست)  
دیوتمیه ذیلنده (اثر حسن نظر ارغونی ابریق و جود شمس ابرق جوش صفا کرده است که فی الحقیقه آن  
بزرگوار از جمله ورثه سر به شمس الدینی بوده است) نفس نفیس لریله تحقیق مدعا یور و ب و در صدق من نطق  
وهو بالقبول الحق (چنانکه) فرموده شد \* دمی از مردنی دلها نواز \* دمی بیچاره کراچاره ساز \*  
بشوخی جان دهد در آب و در خاک \* بدم دادن زند آتش بر افلاک \* و کما اشیر الیه فی هذا الوارد اللطیف  
(بیت) ففی الخلق عین الحق ان کنت ذاعین \* و فی الحق عین الخلق ان کنت ذاعقل \* و کما اجاب  
حضرت الطیفور قدس سره المنظور لسائل الدلالة علی العمل المقرب الیه تعالی فأحب اولیاءه و ادخل  
فی قلوبهم فان لله تعالی الی قلوبهم کل یوم ثلثمائة وستین نظرة لعله یطرا الی اسمک فی قلبه فیغفر لک (مشنوی)  
گفت ادخل فی عبادی تلتی \* جنه من رؤیتی یا متقی (نکته) العین حق مصداقچه چشم زخمک  
آثار عجیه مزجیه سی متعین اولنجه احراز قرب نوافل ایدوب کنت له کذا و کذا و بی بصر مظهری اولان  
عیون اعیان فانیه فی الله انایات جزیه سی اولق ثابت بطریق الاولویه بدر علی الخصوص نظر سنک

پستی ده اولان اثر مشهود دیده آید باب شهوددن مریدین پرورلک و بیضه قایل بلریده اولان قلبیه ظهورینه  
 بادی اولقی شیبوه سیمله روغنا اولقی موجب دستور عادت متقنه افاضه فی امساک قوایل عالییه درونور  
 نظر لری قوایل نورانیه ده جمالی و قوایل نیرانیه ده جلالی اثر اولسی مقتضای محلد رطوبی لمن استناره  
 و بشری لمن نال لمعه و یا حیره لمن حرم عن رشته و اتلی بجزونه (نقلستکه) منبع زلال معارف  
 و عبر و معدن جواهر فضل و هنر جللی زین الدین قدس سره المبینک بر موسم تنیه عید سعید لریده  
 ار باب دولت صوریه مسعود دستبوس عنایت مأنوس لری اولنجه بعضیلری عید مر قوم فصل شستایه  
 مصادقه اتیکله و فرت کل و کثرت مزلقه دن صورت نمای شکوه نخوت اولدقده طوطی لهجه برهمجه لری  
 ترغیریز بندشکرین اولوب (فی فی جنبین بی اعتباری غیباید که آن کلهاسر رشته از خالک کلر خان ولاله  
 عذاران است و ضرر آن مزلق باثواب است و دفع آن سهل است) دم جان بخش لریله احیای مرده دلان  
 بیور و ب هر کس موطی قدمندن دهشت زده اولوب بخت و خیلا دن خلاص و تحری و احتیاط له مزلق  
 اعتقاد و اخلاق و اعمال اولان برازخ صعب العبورک تدارکنه صرف جل همت و بذل کل قدرت  
 ایدوب اکثری رها باب عقبات مخوفه دمایم احوال و رسیدنه منازل سامیه عزایم اعمال اولملر در  
 (چنانکه) سبب توبه داود طائی شنیدن این بیت پرسوز شده است (بیت) کدام روی و موی بود که  
 در خالک ریخته نشد \* کدام چشم است که در زمین ریخته نکشت \* (دیگر) بین بیدیه دل کاندین  
 فضای هلاک \* سواد مردم پاکست هر آنچه بینی خالک (آورده اند که) مسترشدان راه طلب و رهروان  
 منزل ادب اولنلردن مشتاق جمال ولی الهی و مترب عنایت نا کاهی حضرت قاضی پاشا نور رضیحه  
 (اولیائی تحت قبای لا یعرفهم غیری) مضمون شریفی مقدمه اشکال ایدوب بعد ازین ظهور ولی مستحیل  
 اولدینی کبی معرفتی دخی غیر ممکن اولقی لازم کلورف کیف یتوصل الیه و یسترشد به عنوانیه استکشاف  
 تحقیق حال و توفیق مآل ایلدیکنده جناب ارشاد مآب جللی زین الدین زبان دقایق بیانلریدن بواسطه  
 اوزره رفع ستاره ابهام اولمشدر که ولایت قرین دعوا اولدینی حسبیله ذات ولی معروف اوله من  
 و کرامت دخی ملتبس مؤنت استدراج اولدینی سببیله ظاهر احمراز اوله من پس اقسام ولیدن عندنفسه  
 و عند الخلق مجهول و مستور اولنلری محتاج معرف اولنل پس لا یعرفهم غیری اولنلر حقیقه محمول  
 اولور فاما عندنفسه معلوم و مکشوف و عند الخلق مجهول و مستور اولنلر و عندنفسه مستور و عند غیره  
 مکشوف و عندنفسه و عند الخلق معلوم و مکشوف اولنلر محتاج معرف اولدینی بدیهیدر و من لا یعرف  
 لا یعرف البتة مضمونی دخی مجزوم الصدق در پس عارف و معرف ولی فقط حضرت علیم و علام جل شانہ  
 اولدینی متعین اولور و اولو بالذات عارفیت و معرفتیه مستبد اوله دن ثابساو بالواسطه سائرک عارف  
 و معرف اولماسی لازم کلز بلکه از الة قیاب و تعریف الهمیله غیرک دخی عارف و معرف ولی اولسی  
 جائز اولور و ظواهر احوال دخی مؤید جواز مذکور و محقق بقید مزبور در ولذک قالوا (اماره الاماره  
 امارة الولاية) یعنی صور کرامات ملتبس و ولایت بلادعوی اولدینی تقدیرجه علامت معرفه نفس اماره یه  
 امیر اولوب و هو اسنه غلبه سی اولور و بعضی نفی معرفت اولیائی معرفت کامله یه صرف ایدوب علامات  
 و اماراتله حاصل اولان انتقال جزئییه ایلله عدم تناقضه ذاهب اولمشدر لکن هر شیده معرفت کامله ذات  
 علیه خاصه اولدینی بلاریدر و غلبه هوای اماره ده غائله التباس معهود اولدینی دخی ظاهر در پس  
 بودخی جمله اسباب الهیدن اولور دیو تحقیق مقام و دفع ابهام ایلدکاری نکاشته راعه اشتهارد در لله دره  
 و اناننا اعتنا بره و امداد سره حتی بعض عرفای اسرار انفا نسیه لری ختام تحقیق لریده مطایبه تحقیق  
 رائق حضرت جللی عظم الله ذکره موجبه عبارت حدیث شریفده تحفیف و تضعیف جائز اولقی اقتضا



ایدر دیوار ادنکته ایلدیکنده یعنی لایعرفهم فعل ثلاثی و رباعی اولسنه استفسار مسأغ ذیلنده بل التحقیف  
افیدواغنی ونفی المعرفة لتعرف اقنی کما قیل من لایعرف لایعرف آنفا لطیفه سلیله ختم کلام و بسط  
مراهم بیور مشلدر و بعده منظوق حدیث شریفک محمل حقیقیسی اولان صنف اولک احوالی  
استکشاف اولندقدده مأمور بالارشاد اولدقلری حسبله تعریف اقتضا الیمیوب و غلبه احوال واستیلانی  
استغراق وتلاطم امواج جذباتدن ساحل صحوه رد اولتمیوب واصابت عین بقیة الوجوددن حمایت  
سیاقنده انفس واغیاردن مستور قیاب غیرت اولمشلدر دیو علاوه بیور مشلدر (الحق کما حقق والامر کما  
وفق عند من اتی السمع وهو شهید وایقن بقلب سلیم و اتقن برأی رشید) پس اول کروه پرشکو هک وجود  
پرجودلری عین سود و قدم سعادت نوا ملری مایه سلامت دنیوی و وایه شفاعت اخروی اولغله ولو  
مستورین و غیر معروفا نادره عالمده مانند روح پرفتح ذاتلری مقسم الغنایات و واسطة الفیوض  
اولد یغنی محض کرم حمدانی و بخت لطف سبحانیدردامو امداد العالم وقامو اقام بنو آدم لاجرم جوار  
ولی منظور کشف الامان شور شرور و کشف الانام نامحصور در (بیت) از وصف شهی که عقل و حس  
معزولست \* پس قطع سخن ز بحثا و معقول است (منقولستکه) حضرت شهزاده والا منقبت  
خلی زین الدین هنکام دولت خلافتلرینده تبدیل الطوار سالفه و پرده ترینه تستر بیور و ب زین الدین  
والدنیا اولدقلرینده دخی بین الا کبرملبوس اولان انواع پوستیندن برینسه رغبت بیور میوب انجی فرجی  
وخرقه مور و نه اجداد اجداده اکتفا بیور ملری استغراب اولنوب بهر حال عدم تبلسلرینه بر سبب خفی  
اولق ملاحظه سلیله مستفسرین متأدینه علی طریق الارشاد ایرادیور یلان مقدمات منجحة الاعتبار  
واجوبه شافیه الانتظار در که یادکار اخوان اولی الابصار قلمشدر (درین پوستینها موبوه نور مرارت  
نزع جان بهمینی موجود و نزار باب شهود ملحوظست و در میانه آن مقدار تلخها ~~ح~~ و نه ترفه و ترویح  
قابلست ماز کفش و موزة که بحسب الضرورة استعمال کنیم از یابا برمالا مال دهشت آن مرارت  
ترغیم که در ادیم و چرمش مند مجست فاماس حاجت از جانب حکمت کاه کاهی سدراه ملاحظه آن باشد  
والا بایرهنکی صدار از بار آن ملاحظه سلیله است پس بدان پوستینها قصد ترین کسی را مناسب استکه  
سرتابقدم بی بهر اعتبار و غرقه بحار غفلت یابد ار باشد العیاذ بالله الحفیظ الستار و این غفلت مستحتر  
از آنستکه از حاصل لعاب گرمکی و مکسی که شهود حری است ترین وتلذذ کند ) دیو ختم کلام عبرت  
انجیام و تعریض نظام و پرده کشای ابهام و حیرت افزای افهام اولمشلدر در فی الحقیقه نازنین عبرت بین  
وحکمت کزین و سر پرده انسانیتمده رفعت رهین اولنلره بومقوله جسمانیات خسیسه ایله ترین وتلذذ  
وتمتع ملایم اولد یغنی مشهود علیه طباع سلیمه و اذهان مستقیمه در \* بلکه اول شاهان حقایق اقتدارک  
البسة فاخره لری خلع نفیسه ورع و تقوی و اطعمه لذیذ لری حلاوات عبادات و طاعات معالی و نشاط  
و ذوق و شوقلری مشاهدات و معارف و حکم و عبرت غرایله اولد یغنی ابهر من السکر و الطهر من القمر در  
طوبی لهم و بشری لمتابعهم و علی هذا المعنی بنه حضرت الشیخ ابو مدین قدس سره العزیز بقوله من نظر  
الی المسکونات نظر اراده و شهوة حجب عن العبرة قهراً و الاتقاع بها کما اشار الیه بعض العارفين فیاعجابا  
لمن اضاع جوهره و ما طلب والتهی بعرض لیس فی غیر التعب (نقلستکه) چون شهید سعید مرحوم  
و مغفور له یعقوب خان استشمام غدر له تیورک سیواسه استیلانی هنکامنده جانب تیوره کریزان اولوب  
لکن تیور اول نوبته حلب و شام و سیواسه مالکین خراب تاخت و سوخت و یباب نهب و غارت  
ایدوب ینه طرف ماوراء النهر اماله لکام رجعت ایلد کده خان مرحوم ناچار تمهید مقدمات اعتذار له سالک  
راه استعنا و مغرور و غفور و قبول صوری اولوب مقرر حکومت کلد کده حضرت خلی زین الدین قدس سره

العزیز جناب کرامت نصا بلریدن استمداد بیورد قدہ (آنانکه بحرب مادست تطاول زنند و پامال کنند حضرت عزیز ذواتقام ایشانرا بدست اشل و پای لنگ کس بیرحم کبر و دلکد کوب حوادث کند و روی زمین روم چون روی دولت ایشان ماصدق (علیہا غبرہ ترہقہا قترہ) گردد و ما بکروہ خویش ازین کونہ زمین بیزاریم و قست کہ از و یارداریم) انفس پر غیرت عالمسوز لر بلہ قضیہ متوہمہ یعقوبیہ ناک قضاء مہرم اولسنہ اشارت بیور و ب فی الحقیقہ قبل وقوعہا کند و لر پیشرو و حضرت علاء الدین جلی و مظفر جلی و اکثر بکار اولاد کرام خضر و الیاس پی در پی جوار قدس مدار اجداد اجداد مجاہدہ تحریر یک رکاب عزیمت ایدوب غدر معہود دخی واقع اولد قدہ بقایای منسوبات خاندان کرمانیہ و پروانہ کان شمع جمع زین الدینیہ بالضرورہ تغلب و سفاہت تحمل کد از نو دولتانہ طاقت کمورہ میوب اکثری دارالولایہ قونیہ بہ و بعضی لری دخی اطراف مدن و امصارہ اختیار ہجرت ایدوب ایکی سنہ مرورندہ اشارت علیہ زینہ جلوہ کرمنصہ ظہور ایدوب عودت تیور بہ ایلہ بقاع روم اوکار بوم اولشد رحتی بعد زمان خزانہ صرصر تاتار و تار و مار اولان دیار نو بہار جمعیت نظام اولد قدہ قلوب رجال دولت معنویہ مولویہ دہہ بیدار اولان غبار انکسار سبیلہ خانقاہ ارغونیہ منہش سجادہ ارشاد خلفا اولیوب فقط خدمت تربہ فردوس تربہ لرینہ بر در ویش تعیین بیور یلوب بعد الالف نہ کافی الا وائل الف بی عش و الوف انس عیش خوش ظہور بلہ استخلاف بیور یلوب و وزرای ایالتہ دخی توصیہ خسروانی حسن زندگانی و لطف نوازش اولاد و اعقاب کرمانی و توقیر و احترام بقایای آل مولویہ و اولغلہ تدارک انکسار گذشتہ اولنوب اللہ الحمد والمئہ اول بقعہ مبارکہ نہ جلوہ گاہ عاشقان مولوی و پر نشاط و ذوق سماع و صفای طریق اولوی و مقرر تقریر معارف منوی اولشد رادام اللہ عمر انہا و شیدار کاہن آمین یا مجیب السائلین بحرمۃ الشفیع الامین \* علی الخصوص کند و دہ دخی انساب نسب خنکارا کبری و ارا یکن اغماض عین اعتبار ایدوب مہبط صاعقہ انکسار اولغلہ تاج و تختی برباد و دار و دیار فی خراب آباد ایدوب موسی جلی و عیسی جلی دخی اول جوش در یای فتنہ دہ آسودہ ساحل سلامت اولہ میوب آخر تلاطم امواج تضاد ایلہ غرقہ کرد اب اضطراب اولشد ر در حمانا اللہ الحفیظ و کافۃ الانام عن حمی براخ انکسار الاخیار و مہالک اغبرار الابرار (بیت) ازستم ہر کود لیرا ریش کرد \* آن جراحت برو وجود خویش کرد \* بی ادب تنہانہ خود را داشت بد \* بلکہ آتش در ہمہ آفاق زد \* پیش مردان با ادب باش ای پسر \* پامنہ کستاخ ورنہ رفت سر \* و دخی اول قافلہ سالار سر منزل مقصد صدق بادر رکاب ایاب تختکہ روح پرفتوح لری اولد قدہ پسماندگان درد مندان نالہ گان و ریش و موگان طلب تعیین ولی عہد کون واستفسار جانشین ایلد کلرندہ (زمانہ این امر خطیر در دست اشارت متمکز بیان آستان ملائک آشیان خنکارا کبراست) عنوان پراخرا نیلہ سد باب رجاء و دفع تقاضای احباب بیور و بیکدمہ خرامان خیابان کلشن دار السلام اولوب پہلوی جلی برہان الدین نور رضیچہ دہ غنودہ مہد لحد خاکی اولشد ر طیب اللہ ثرا و جعل الفردوس مأواہ \* وائشای عزالندہ چارہ جوان احتراق ہجران مانند پروانگان شمع جمع اہل یقین حضرت جلی مظفر الدین سرو قنہ جمع اولوب بال و پرسوز شعلہ حسرت و اشتیاق اولد تلرندہ و ما بعد الزین الا الشین ایہا الاخوان افتخوا العین فقرہ ملائت افزاسیلہ جملہ بی مقام رضای قضایہ تو طین و کمال صبر و تسلیم تلقینی ایلہ خروش کر یہ خار اشکاف لرین تسکین ایتشد ر و اول شیر مرد میدان غیرتک (بیت) سر قدم کردیم و آخر سوی جیون تاختم \* عالمی بر ہم زدیم و چست بیرون تاختم \* مضمون ملاحم مشکونی حسب حال و وفق ما لاری واقع اولوب کند و لر بود اثرہ دن باکش اولق محضابقایانک سر ریز اولسنہ مقدمہ اولسہ کر کدر دیوانلر دخی مخذورات متوہمہ الوقوع

حضرت علاء الدین  
ابن الیاس پاشا

تحقیقه رهنر کشف آمیز یور مشلدر (چنانکه) فرموده اند \* مباشر در پی آزار و هر چه خواهی کن \*  
که در شریعت ما غیر ازین گاهی نیست \* (درد کر حضرت شهزاده عالیجناب و خانواده ساجی ر کب جناب  
ولایت مآب انی چلبی علاء الدین ابن الیاس پاشا و آهها الله تعالی فی اعلی العلیین مع الانبیاء والا ولیاء  
المقربین) \* آورده اند که حضرت نقا و سلسله کزین چلبی علاء الدین عنفوان شب با بلرنده علوم عقلیه  
و نقلیه و فنون رسمیه ولد نیمه ده بالغ مبالغهات پیران اولوب قطعاً گوشه دامان عصمت و عفته پنجه مکروه  
و محرر مرسا اولیوب سرو قامت استقامت خرامی زیب ککشن آزادی و مابه العیش بی تکلفی سود  
سرمایه تجارت و محصول کارگاه زراعت اولوب دست شوی تصرف مال و منال دائره دولت بدری اولغله  
بی دغدغه دار و کبر و مأمون الغائله التجای شاه و وزیر و بی کف و منت صغیر و کبر و مدوح برنا  
و پیر کوشه نشین فراغت و توشه کزین قناعت و منازل نور دند ریس و تصفیه گاه خلوت و گاهی جلوت  
و ایام ربیع و صیفه کشت و کذار دیار و تمتع زیارت اخیار و هسکام پاییز و شستاده اختیار صحبت عرفا  
و طر فایله اوقات صافیه کذار اولوب مجالس عالیة فسحت پیران زنده معارف و مواظ و عبر و حکمدن  
ماعدایه مساعد و اولیوب اتفاقاً دقیقه ناشناسان مشرب لطیفه لریدن بری سلوک منهج امارت متعلق سلسله  
جنسان صد داولسه (حکومت بی حکمت بغی احکام الحاکمین و ولایت بی ولایت خیانت امانت رب  
العالین است) عنوانیه اعتذار تعریض آمیز و سد باب محادثه ضد انکیز یور و ب علی الدوام خس و خار  
مالا یعنیدن دامنچین همت و پاکیزه صحبت اولد قلمی میزان انصاف و محک اعتبارده کمال مقدار ذات  
و صفوت عیار صفات لرینه شواهد بی شوائب اریاب اولشدر \* زهی رفقار بالک رشک عالم \* بود زبند  
وضع شان آدم \* ولی داد جناب ذوالمند \* نوله اولسم ثنا کوری دما دم (نقلستکه) اتباع علی شیردن  
بر ذی چشم متکبر و خود بین متعبر رغبت سلام سلامت فرمای حضرت چلبی ایتیموب نخوت بی مهابا یله  
قطع رهگذار لرینه اقدام صد دنده تحریک رکب عنف وزیران جراتنده اولان تازی بیچاره نک شکم  
و پهلوسین مهمیز خارانکیز له چالک چالک ایتد کجه رام اولیوب توسنیت و حرو بیتی از دیاد یله راکب بی  
بصیرتک دخی اصراری حددن تجا و زایتد یکن چلبی جنابی و اخوان و احبابی تماسا ایدر لر ایکن نا گاه  
اول حیوان مبارک حرکت زائد الوصفه مر قومی ز منه القایتد کده اعضا و جوارحی خرد اولد یغین  
معاینه بیور دقلرنده آمانا و صدقنمان تکبر وضعه الله بیور و ب جواد صفار قنار لرین سمت راس مزبور  
سور و ب (فرس متفرس و فارس متفرس نشاید) فقره پر نکتمه لر یله نصح شفقت آمیز و کدر مر حمت اثر  
بیور دقلری عقیننده اول حالت غریبه احبابه باعث تعجب اولد یغین مشاهده بیور دقلده (این تازی بازی  
فیلان ابرهه می نمود) نفس انفس لر یله وجود به بود لرینک مهبط انوار انظار صمدیه اولد یغین تحدیث و اشعار  
و مدح که احکام فیله تخریب بیت الحرام ایچون سوق فیل ایدن کمر اهان با مال لکد کوب اولد قلمینه  
اشارت بیور مشلدر (چنانکه) فرموده اند \* از هزاران کعبه یکدل به تراست \* دل بدست  
آور که حج اکبر است \* کعبه بنیاد خلیل آزرست \* دل نظرگاه جلیل اکبر است (منقولستکه)  
اول ایام قنرت و هسکام قننه ده موقع خلافت عظامای خنسکار اکبری سجاده نشین ارشاددن خالی  
و احوال کرده اخوان الصفا پریشان و پر ملال و عین الجمع خلان الوفا دیده دوز جمال علاء الدین  
اولوب (بیت) آنان که خاک را بنظر کیما کند \* آیا بود که گوشه چشمی بجا کنند \* مصداق بجه ذات  
پر برکات لرینک مرکز پر کار دائره جمعیت در دمنندان اولمیز رجا مند و بوقرعه صرصر حوادث بیوریه دن  
سایه عنایتیه لرین کف الامان اتخاذ ایتد که مساعد فرما اولمیز یله نیاز پاش پیمانچه رافقاری  
اولد قلمینه (روی زمین روم زمانی چون بیکرتیورسته کبری نور خواهد بود پس دیدن استیلای ماران

بر یاران ایشان مشکست که نسبت بدو مرگ کرمست) عنوانیله پرده برانداز روی ~~کار~~ روزگار  
اولد قلنده هر کس التحاق پیش قدمانی جانیه منت یلوب تیا سفر عالم بقای و تدارک وداع منزل فنانی اهم  
کوروب اندیشه و تشویش دار الغروری خاطر دین اخراج و توجه دار السرور له پرا تهاج اولمشدر در  
اول بزم پرسوز و حسرتده بوقطعه قطیعه مضمون سر زده طبع محزونلری اولوق اوزره نکاشته صحیفه  
منقبه شریفه لری قلنددر (قطعه) جلوه کاه طوطی قری و بلبل کیم اوله \* لانه زاغ و کلاغ و آشیان  
یوم شوم \* چاره سی ناچار هجرتدر بو هجرانک هممان \* جنت اولسه هم کمر آدمه اول مرز یوم \* فی الواقع  
مفهوم کلام فرقت نظاملری حسب حال مالاری واقع اولوب منزل کون پفساددن جوار اجداد اجداده  
هجرت بیوروب ایام دولت سلجوقیه و عثمانیه دارالاماره اولان سرایک سمت قبلیسنده و حذای جامع  
شریف حصار بکده متواری خاخالک و وهما ی روح قدس آشیانلری طائر اوج افلاک اولمشدر طیب الله  
ترتبه کما شرف ترتبه آمین یامعین بحرمه الشفیع الامین \* واول مرقد منور متعلق سر مطهر لری اولوق  
حسبیلله ظهور ایدن آثار عجیه روحانیتلری قریب بعد قرن قلاب جاذبه زیارتلری و حلال مشکلات  
مستمدان عنایتلری اولدن خالی دکدر از جمله ولایت بی اعتقاد و مظالم معتاد که اول مهبط انواری منظور  
اکرام و احترام ایتیه البته عجاله عزل و تنزیل و تأخیر له محضی و مدفوع اولدیغی مطرد و متواتر و حجرات  
جوار لرنده ساکن اولان خدمه و اتباعدن بی ادب و توقیرنده نهان اوزره اولنلر هممان و مبتلا و مدبر  
و نکبت فرسا اوله کلد کلری سابقا و حال مشهور و مشهود در و متبوع و اتباع سکندن سالک منهج  
صدق و اخلاص اولنلری مستفید برکات و مینتلی اولدیغی کذلک شایع و وقتا وقت مشاهد در حتی پونده  
خاکروب در کاهلری متوطن حمای بیشکاه حمایتلری اوله لی جلوه کرساحه تأیید اولان احوال غیرت  
مالدن بری اوشنب محمد یاشانک نوبت ولایت پرسیاستنده کخدا سی اولان طویل علی ر بوده تسویل  
نفسانی و غنوده فراش نخوت شیطانی اولوب عزیز بشار الهلک تربیه فردوس رتبه سی جانب قبلیسنده  
حین دفن لرندن الی هذا الاوان مفتوح اولان باب زیارتلرین سده جرات ایدوب محال عدیده سنندن قوی  
میللرا یلده سکر ایلد کاری آنده اول در پر فتوح دیوار یله معامندم و خراب و مانند کج نهان مطاف کرو بیان  
اولان مرقد مقدس لری عیان اولد قدده ینه ضلال قدیمه اوزره مصر ا دیواری بنا و دری سدا یتدیر دیک  
ساعت تربئه منوره لری کویا سمت قبله یه ساجد اولوب خاکله یکسان اولد قدده معتبرین آثار مترقب نتیجه  
مقدمین انهد امین اولد قدده اول وزیر مشتری تدبیره دخی نخوست طویل یلید سرایت ایدوب قریب ارباب  
همایون خدمته مدعو اولسی میقن ایکن مناصب بعیده یه دفع و جوار دولتدن ابعاد و کخدا ی  
منحوسه مد مر و در عقب کندوسی دخی سفر بصره عود تنده شمشیر تهر خسر وانی یله مقتولا عازم دار  
مجازات اولمشدر نعوذ بالله الحفیظ من شامت اساءه الادب علی بساط من یحمیه تأیید الرب \* ودخی  
مرحوم و مغفور له وزیر عالم و عادل نعمان یاشان زمان حکومتنده باعث قننه جلوس سلطان مصطفای ثانی  
و داماد وانی فی الذکر السجانی اولان مفتی مقتول سعایه و اغراس سیله دستور مشار الهلک اهلا کتی حاوی  
صادر اولان امر غدر مضمونک تسمیتنه مباشر تعیین اولنان میر میران ایالت قرمان عرب عمر یاشانک سوء  
قصدی استشمام اولد قدده دفع مضمر قی خصوصنده خیر خواهان امکدارانک عقد ایلد کلری مجلس  
مشاوره صندوقه شریفه ولی مومی الهلک سمت قدم سعادت رفته مصادف اولوب قرارداد آرای صائبه  
مباشر غدارک اخذ و حبسی اولد قدده همانا اول مشهد مؤیدک سمت راستنده مقدر شبر زمین سخته  
مرکوز اولان علم سر انداز اولغله متفرسین حلقه مشورت اشارت میمنت غونی بشارت عدا یدوب رای  
مزبور ی تقیید و اجرایه مسارعت ایتلر یله بغایت الملك الغیور تقال اولند یغی کتی ظهور ایدوب علم

حضرت چلی مظفر

مباشرت فسادى سرنگون و کندوسى مجروح و محزون مأخوذ و مسجون و بعد زمان نکبت تامه ايله  
هالك اولشدر و مبتلاى عارضه مصرع اولان كرمه لر ينك تدبير عافيتى خصوصنده بدل بضاعه وسع ايدوب  
دامن مر امه دسترس ميسر اولوب آخرا امر پايگاه صندوقه متبركه لر ينه وضع اولندقد بر عاسه  
حصوليله شادكام و احترام تر به منوره لر ينه كچاينبغى كچيند اهتسام اولشدر \* الحاله هذه انتظار  
فراست رهن اولى الابصارده خال باله مر قد منوره لر ينه منشأ عجائب تأييد و مورث التجاى على  
التأييد اولديغى ميانه زور و شننده مانند خرسيد جهات تاب بى پرده ارتياب و روشنای ديدة اولى  
الالبابدر (يئ) بادب روى بنه بر در شاهان ايد \* تايياني بمراد خود از نشان مدد \* زين درای دل  
مطلب مطلب ديكر هشار \* تانباشنى باميد غلط از احسان رد \* (دزد كرم نقيب نفيسه آن مشكاذ فر  
و كبريت احر و سرخنكارا كبر حضرت چلي مظفر قدس سره الابر و نور مضجعه الاطهر افيض علينا و على  
عامة الطالبين ميان روجه الازهر) منقولستكه اول ماهپاره منزل كمال مادر زاد ابتدای ولادتندن  
زمان كشاد بنده ناطقه به كنجه مفسح ذ كرهو هو اولوب هر چند مادر مشفقه و دايه مرييه لر ي قاط كش  
كهواره خواب نوشين اولد قلرنده كه تر غم ز نوای هو هو اوليه لر ايدى غنوده باش راحت اولق محال ايدى  
و هر كاهكه كرمه و زارى بيور سه لر ياد نوای هو هو ايله آرام پذير و خندان اولور لر ايدى و اول  
كشايش لهجه بر بهجه لر نده افصاح ذ كرجلاله بيور وب اكثر اوقا نلر ي نو ما و يقظة ذ كراسم جلاله  
كذران اولوب مبتلاى چارمخ كرا خواب غفلت اولنلره دخی باعث انتباه اولور لر ايدى و نوبت  
طفولت لر نده هر نه كونه باز يچه طفلانه جلوه كرسا حه دست و بالرى اولسه البته مرض و غمونه واقعه  
حادثه اولور ايدى مثلاً و چوبه سوار اولسه لر دائره تعلقلرنده سفر يديدار و خاك باز اولد قلرنده خيعة  
موت طارى اولوب و كاه كاهى و راي پرده خفا ده متوارى ارواح متجسده و محبين اجنه ايله مكالمه  
و محادثه لر ي بادی استكشاف امور آتیه اولوب و بعض ايام صيفده خرامان باغ و بوستان اولدقد  
مرغان و حشى كندولر يله موانسه و مار زهر آلودله ملاعبه ايلد كلرى كزارا و مرارا معاینه اولمشدر  
حق الانصاف اول سلاله ز كيه بومقوله صفوت جبليه ايله نشو و نما اولوب و بازار همتده بضاعة  
و هييه لر ين اعماله كسب ايلد كلرى نفایس اعمال و جواهر عرفان و لطائف اخلاق ضبط  
و تحريرى حوصله شكاف خامه تفصيل اولديغى جمال اجمال حاللرندن عكس انداز مر اياى خواطر  
مآل انديشاندر \* (قطعه) \* آنكه از رحم صدف كوهر ي بكار داده است \* هر چه دارد همه از دولت ابرد  
داده است \* كركويد كه چنين كرد و چنان يافت كسى \* از نسيمي بره داد و ستد افتاده است \* آورده اند كه  
اول نفس ناطقه مصورده هر كاهكه سلسله جنبان بيان و محرر لراع براعت نشان اولسه هر كاهكه طيه لر ي  
جامعه اشقات حكم و عبر و هر صورت حسنه لر ي انتظار اهل اعتبارده برز بيا اثر اولديغى حسيله آذان  
اخوان صفا و اذهان خلان و فامشغول رعایت و غایت انفس نفيسه لر ي اولوب نكاشته صحائف روايات  
صححه و مضبوطه جرائد شهرت شايعه اولنلردن چند فقر معارف مشحونلر ي يادكار كوهر يان كوچه  
تحقيق قلمشدر \* چنانكه فرموده است \* (الخلوات غرفات المراقبين والجلوات عرفات المشاهدين) \*  
يعنى خلوات غرف وحدت و تماشا كاه كثر عالم اكبر است و جلوات مواقف اسرار وحدت عالم اصغر  
است پس خلوت بى مراقبه و جلوت بى مشاهده اسراف وقت و اشراف مقت است (فوات الفرصة  
هى الوفاة الصرفة) يعنى تحصيل حيات طيه بقا بالله ده فوات فرصت وفات صرفه و هلاك محضه دركه  
محال التدارك و تمتع المدا ركدر (هر كه دورى نباشد دورى شود) يعنى سالكي كه چون دائره  
بكر دنقطه سر خود نكردد و بر حركت آن سه سفر كزيند سفر او قطعه من السقر كرد و آن مطلب خود

دور ماند \* چنانکه فرموده اند (رباعی) ای آنکه همیشه در جهان می بوی \* این سعی ترا چه سود  
 دارد کوئی \* چیزیکه توجوای نشان آوی \* باتست همی بجای دیگر جوی \* و مناسب این میفرماید که  
 \* (اول الخطا فی الخطوة الاولى فان المصیب مقيم لا یخطر بهاله السفر ولا حضوره الا فی الحضر) \* هرگاه این  
 رمز توحید را در یافتن ضرب بل السفر قطعه من السفر را فهمید لان السفر عبارة عن السفر الا فی  
 الجلالی کما ان الجنة عبارة عن السفر الوضعی الجمالی \* (راقب الحال وقارب المال) \* حتی تصل النهاية  
 بالرجوع الى البداية انه ولی الهدایة (مرویست که) اول تازنده مضمار بیروز و نازنده زینده  
 بهروز عنفوان شباب عصمت مأبلرنده ممتاز حسن روز افزون و سرافراز عفت نجابت مروهون اولوب  
 حسن خلق و لطف خلقیله ارباب نظر بالفتاده دام سود الری اولمشیکن ناکاه که وه پرشکوه  
 علاقه کرده لرندن برز لیا طینت جمهلی میدان محبده سبقت ایدوب مشار بالیان و مشهور میان عاشقان  
 اولوب اولبکر بیفکر با کوره خاندان دولت یقیاس اولغله دانه مناله تسخیر عنقای وصالنه نائل  
 اولق آرزو سیله بویان بیدای توسل وجویان راه توسط اولوب هر چند عرض کلاهی جمال و کمال و مال  
 و منال ایستد که مفید نیشگاه رغبت اولیوب ناچار کینساز انتهاز فرصت اولوب رهیاب خلوتخانه  
 عصمتلری اولدقده بی اختیار پنجه زن کوشه دامن طهارت پیرامنلری اولنجه کویا بوقت نازلند ارکی  
 ایچون آماده بر کار دسترنیزه کوشه دامنلرین قطع و بیرون در خلوتسرایلرینه برتاب ایدوب وجهیده حلقه  
 دام هم جناح اولدقلمری ذات ملکی الصفاتلری رشک یوسف اول اولد یغنه برهان قطعیدر دیو السنه ارباب  
 انصافده مابه الثناء الجمیل و مایه نیل اجر جزیل اولق اوزره ولوله آرای محافل اولوب هر کس  
 انکشت تحسین بردهن آفرین اولد یغنی معلوم طبع تواضع سرشتلری اولدقده (لله در والدی که نام بنده را  
 مظفر داد و برکت آنکه اصحاب نفس وزنده دلان این فقیر ناخیز را بدان نام یاد کردند خدای فیاض و هاب  
 بعزت خطاب و بمن یاد ایشان این حقیر ناتوان را بر هوای نفس ظفر روزی کرد) انفاش شریفه لر یله توریه  
 رفتار و چشم بند اغیار بیور و بولهبه بالمشربانده نام نسکه مذکور اولمه ناک آثار جلیله سنه  
 ایما بیور مشلدر که فی الحقیقه نام نیک و ذکر خیر و ذاکر باللهجه ناک میامن زنده نفسی بهر حال  
 مذکور به باعث جمعیت محاسن اولق مقرر اولد یغنی کبی خلاقی بادی تفرقه شمل اولق محرب و بی  
 اشتباهدر \* چنانکه گفته اند اسم و لقب و کسبه خوش باید که یا تفاؤل خیر و یا جالب خوشی باشد (بیت)  
 هر که بر خیل هوا چون جم مظفر می شود \* تحت بر بادش باتس و جن مسخر میشود \* مظفر بر کسی خوانند  
 نزد اهل همت کو \* نباشد چون زبون هوا فر مانکه توبوا \* آورده اند که چلبی مظفر قدس سره الانور  
 جناب جلالت انسابلری حلقه ارادت لرنده منظور عین عنایت او انلردن چلبی مؤید رحمة الله علیه  
 بر شب قدرده حضرت چلبی مظفر له صحبت خاص ایدوب لیله هر قومه ده صد هزار اسرار قدر و آثار  
 حکم و عبر استماع و شهود یله متلذذ و قری العین و اول قلم اسرار و معارف لک بگونه جوش و خروش  
 و کندویه اسلوب کمال محرمیت اوزره اولان و فور کرم و لطیف بر مر تبده فرط نشاط فرما اولدیکه ایام  
 مدیده سماع و صفاده وجد و حاله معتم اولوب بعد زمان عنایت سابقه ناک تشکری صد دنده همواره  
 سایه کرامت لری مفارقی ایتم طریقت جدا مجد لری اوزرنده مستدام بیور لمسی نیاز یله صبح  
 و شام گذار اولد یغین ارا دایلد کده (بلی دعای شما مستجابست که سایه خنکارا کبری دائم و قائمست  
 فلما سبیا ما یجوار آن بزرگوار زدند احباب این بزم اخیر باد) دیو پیر و اسلاف اوللرین اشعار  
 بیور ملریله اول عاشق صادق داغدار بیور دقلمرنده نالان و کر یان درد هجران اولد یغنده تسلیت  
 بیور و ب (مقصود اوات یاران است آخر الدواء الکی تیاران باعتماد ما مقنون نکردند که ملت عرفا

لا احب الاقلین است چه هر که واثق بآفل باشد غافل از حق و باطل باشد پس آنانکه عاقلند از معیت  
 و هو معکم اینما کنتم جدا نمی شوند هو الظاهر هو الباطن چون از هجران ظاهر و باطن رها یابد  
 باقی همه سهلست) دیو مرهم نه زخم جانکد از اولش در \* چنانکه حضرت ابوبزید البسطامی قدس سره  
 السامی فرموده است کن عبد حی لا يموت لمن اشتكى من موت مولا \* و حضرت مؤید چلبی عالم مثالده  
 تمثال مقدس لرین بر قصر عالیده اسلاف کرامله همنشین مشاهده یور ووب قرب ارنحال لرینه  
 انتقال یور دقلری خواب پریشان تعبیری نقل یور مق سرین کشف یور ووب عین مشاهده لرین  
 ابراد یور دقلده (چون در خواب جسمانی با شماییم پس در بیداری روحانی از مشتاقان دور نباشیم)  
 نفس جان بخش لریله اشارت بر بشارت یور ووب اول آنده وداع عالم فانی یور ووب موجب وصیت  
 شریفه لری اوز ره حال مدفن منوره لری اولان ساحه میدان سرایده واقع بقعه مبارکده آسوده  
 جوار رحمت رحمن اولش در \* طیب الله تعالی ثراه وجعل اعلا فرادیس جنانه مأواه آمین بحرمه  
 الشفیع الامین \* (روایت کنند که) \* اول چار بالش نشین روحایت مقدسه نک مشهد منور لری  
 مخفوف صنوف عنایت صمدیه اولدینی حسبله جوارنده چشم وکوش هبوط آثار رحمت اولنلرا کثر  
 اوقات متبرکده نوای حالت افزای فی وولوله بر شکوه قدم استماع وروایح طیه ریحان جنان استتمام  
 ایدوب خدمات احترام لریده بدل وسع ایتمکه نائل مرام دوجهای اولوب وکریودر و خلاف راه آداب اولنلر  
 گرفتار آثار نکبت اولش در حتی عهد قریبده تسلیمیدن برینک بر فرزند دلبندی صندوقه بر غیر لرینه  
 جریدن اولدینی آنده مصروع اولوب افاقت ممکن اولیوب معالجات مجریه اولند بقه مشد و متمد اولوب  
 آخر الامر سبب موتی اولدینی عامه اعیان بلده مز معاینه سی رسیده رتبه شیوعدر ودقیقه شناسان  
 آثار و عبرتگیران روز کرک انظار فراست مدار لریده همواره دائره خاکیا کلری کند اسائن اهل  
 هوادن مصون و بخشایش کونا کون متادینله مشحون اولدینی مشهود مشاعر بقندر متعنا الله تعالی  
 بقور زخایا احوالهم فی الحیاة والممات وحفظنا عن الجرأة بین ایدیهم فی الحركات والسکنات  
 \* (در ذکر حضرت چلبی مؤید قدس سره المؤید) \* اول کوهرا بدال ولایت و سرور و دبار کرامت و چشم  
 و چراغ ارباب حال و سرتاج اعزّه رجال خواهر زاده علاء الدینی اولوب اول حضرت جلال الدین ارغون  
 نظریده مستعد تسمیه نام نامی مؤید وانه کشت مبارک لریده دهن لطیف لرین کشاده ایدوب بریق  
 رایتلریلا مستفید غذای روحانی اولدیندن ماعدا ایام نوبت دولت ولایت لریده همواره منظور عین  
 عنایتلری اولوب بعده قائم بالذات و مرجع ارباب حاجات و منشأ انواع خوارق عادات اولش در حتی  
 اثر تسمیه متبرک کلری اولقی اوز ره مشهور و متواتر اولش در که اکثر یاسیر و سیاحت و کشت و کذار لری  
 مانند آفتاب تنها و یگدا اولدینی معلوم صغار و کبارا بکنینه هر مصادف اولان همواره جماعت انبوهله  
 معاینه ایتمکه نیچه بدخواهک شیشه دماغ جرأتی شکسته ورنل انکار و تعصبی کسسته اولوب سلک خیر  
 خواهانه انتظامله سعادت یاب اولدقلری رسیده رتبه تحقیق در \* (آورده اند که) \* حضرت چلبی مؤید من  
 عند الله ومرتبه ده صاحب انباه و سرائر و ضمائر دن آگاه امش که بدکویان صوب بی عیالیندن براسیر  
 نخوت ثروت وجاه ترتیب مجلس اغیاب ایدوب کرما کرم بحرمان بی آزرمله خائن عادت مؤلفه لری  
 اولدقلری آینه ضمیر منیر لرینه منعکس اولنجه بالدفعات جزا الله خیرا دعوت مستجاب لرله مقابله  
 غائبانه یور لدینی حضاره باعث حیرت اولدیندن ماعد مجلس مکر و مکروه مر قومه دخی کویا و رای  
 جداردن مسوع اولور کبی جمله نک کوشکدار غفلت لری و دلبر دکان فی انصافه بادی ضجرت اولوب  
 هرا یکی برنمک اصحابی کیفیت حالدن غافل اولغله هر کس پولندینی محفل صورت واقعه غریب سن

حضرت چلبی مؤید

نقل مجالس و نقل محافل ایتمکاه برده روی مکاشفه لری و برقع جمال کمال لری منج کشفه اولدینی  
 و بمقوله کرامت باهره لری محبین و منکر نه سرمایه اخلاص و محبت اولوب بیکانکن باجمعهم  
 دخیل حلقه آشنایی اولدینی جلوه کرمیدان اشتهار اولغله ر بودکان ارادت لری خراب صهبای وحشت  
 اولدینی لایح طبع الهام سمیر لری اولنجه (المؤید علی نفسه غالب علی غیره) فقره ارشاد مشخونه دفع  
 وحشت استعجاب و کافی السابق زمان لاحقه دخی بخوداته و یکد لانه بزم الفت بی کلفت زیب اولمشدر  
 و یزیده مانقل عن بکار طر بقتار روح الله ارواحهم من تحذیرهم المریدين بقولهم ایاکم واساءة  
 المعاملة الصوریة والسریة و ترغیبهم المسترشدين بايصاءهم الاحسان بکلمتهم العلیا علیکم بمراعاة  
 الآداب الظاهرة و الباطنة عند الحاضرین الغائبین و الغائبین الحاضرین فان الصاحبین غیب حضار  
 و الماحبین حضر نظار \* (منقولستکه) \* بدر التمام ذات بر برکات لری هنوز اوج پر برای مدار حالات و ذروه  
 آرای دائرة کالات ایکن کو یاقرب وقوع غدر مارالد کز و احیاط فوران تنور قن تیمو رایله سر یعامائل  
 سمیت محقق اولم لری تازیانه اقدام اولوب عنان کیمت هممتلرین جانب انتقال جهان پایداره امله و طرف  
 اتصال گذشتگان سلسله خنکاره عطفله پادر رکاب مبادرت اولدقلمین مشعرنا کاه عند لبیب لهجۀ  
 بر بهجه لری \* (نظم) \* مؤید بامظفر پیروی کن \* بنظم مولوی خود را روی کن \* بیت شریفیه  
 ترغم بر اولوب کاشن عاجلدن جنت آجله مستحجل پرواز و اول مجمع خوش الحانان حقیقته نغمه  
 توحید پرواز اولسنه ایما بیو ردیغین مقرر همنا ترتیب مهمام سفر دارالقرار بیوروب بیدغدغه داودا  
 مانند مهتاب بر صبح سعادت مشرق آفتابنده متواری تنق افق اولوب حالاسرای مرقومک باب  
 اوسط قریبده مهبط انوار عنایات الهیه اولان مرقدمقدسه آسوده فراش راحت رحمت اولغله تریبه  
 مشرفه لری ثالث ثلاثه و اول مشاهد متبرکۀ ثلاث مثلث روح و روحان و سه کوشه فردوس جنان  
 اولمشدر طیبها الله بالفواجح المسکيه و نورها بالوامع القدسیه آمین یا مجیب السائلین (مر ویدرکه)  
 میانه مرقدمظهره مذکورۀ مثله ده پابرجای استقامت اولان حقیقه عرعر فردین همسر خدا سنده  
 تریبه فردوس رتبه علاء الدینی متوجه و روضه جنت نشان مؤیدی مینه و دوحه قدسی آشیان مظفری  
 میسره اتخاذ بیله خالصا استدعای عنایت صمدیه ایدن ار باب حاجت مبشر اجابت اولقوبی احتمال تخلف  
 اولدینی مشهود علیه اصحاب تجارب و پوبنده ناجیز لری نیک دخی کرار امرار متعلق مشاهده بی ارتیابی  
 اولمشدر \* (بیت) \* ایخواهندۀ کام دل زار \* بیا و در جوار مقبلان خواه \* غمی مانند دران سایه تنی  
 دست \* کسی از بیش و کم با فضل الله \* و دخی ان مات المؤید فالمؤید دخی ابدامصد افتحه بعد وفاته قدس سره  
 آثار نایید غیور معیت کالبد مقدسین مشرق اشعه کرامات صوریه و سربیه ایتمکاه حالاز یار نگاه پیر  
 وجوان و مظنه اجابت دعوات عیان و نه اندر حتی بو خال آستان ملائک آشیان لری سرای مرقوم  
 بین عزل السابق و نصب اللاحق خالی قالدینی ایامده طائفة لوندات پر جر آندن بری انتهاز فرصت خلوت  
 ایدوب فواحشدن بر یله اول بقعه مبارکده اجرای مرام نفس خبیثه سنه در کار اولدینی جینه فاحشه یه  
 انجماد طاری اولوب صورت میت نما اولغله نادم و مندهش در کاه جلال الدین ارغونی به جبهه ساری  
 ضراعت و بوجار و یکشدن دخی استمداد کشف کربت سیاقنده پرده برانداز روی کار مشکل اولنجه حقیر  
 بیچاره دخی روح مقدس لری نه توجهدن غیر ی علاج یاب اولیوب کمال خلوصه طرف روح رفیق و حلزین  
 توجه ایلدیکمده (آن مردار غمرده است بلکه سهوش کشته است) معناسی خاطر فائده وارد اولغله  
 تسلیت بخش اولوب مبادرت رجوعه اقدام ایلدیکمده فی الحقیقه بهمت مردان منان عاقبت کار منوال  
 مقرر اوزره ظهور ایدرایسه قرابین عدیده نذر یله توبه نصوح قرار داده اولوب اول ملجأ دردمندان



رجعت ایلد کده مذکور هی حیاته مشاهده ایدنجه ایدکیسی دخرب معصیه میونه مغزاسیله توبه کار  
و عبادت و طاعتله بقیه اوقات گذار اولوب آخر الامر اشتیاق مجاورت بیت الحرامله تائبانم جهت  
مرفومه و تائبه طهارت ذیل اوزره هر حومه اولدقلین معاینه ایدوب ریزه خوان کرامت سراقدری  
اولق اوزره قرا بن و ندور لرندن آفاقا نامستفید اولدینمغن ماعد اخوان الوان نعم روحانیه و امارت  
ارشادیه سرانیه لریله شیرین کام و قری العین جسم و جان اولشد رله تعالی دره و لنا درار بره آمین  
بحرمة سید المرسلین \* (روایت کنند که اولو المناقب الفاخره و ذوو المآرب الزاخره اول شهرزاد کان  
معالی عنوانک نور سرهم و کثر برهم کان وجود بهبود محض سودلری اولان عابده بنت عابده که جامعه  
اوصاف ثمانیه منصوصه و نائله خصال نادره مخصوصه اولوب علوم و اعمال و اخلاق و اوضاع و اطوارده  
اکثر رجال عصرینه فائمه و بونلر مانند کوهرا اول صدف قلزم عصمتک ثمره طوبی ذات حورا سمانی  
اولدینمغن ماعد ابر تواند از ساحة فراش الیاسی و نکین حلقه خاتم آغوشی بلسکه یار عالی تبار همدوشی  
ایکن کند و به عارضه اختیار آمیز مستولی اولوب تدبیرنده اطبای جسمانی الطهار عجز ایلد کده و قسک  
لقمان حقیقی اولان خضر بیچاره کان و الیاس در ماند کان استمزاج تدبیر روحانی سیاقنده نبض کیر  
تقویض و توقو کلری اولدقده (الیاس عن الناس الیاسی و البأس الباس غیر الناسی) نفس عالی لریله  
رو بگردان جانب استمداد اولنجه اول کرداب بختابده قطعان کمره کینلرینه زلزل طاری اولیوب  
و بونک کبی قلم زرینه صحایف سمین سینه لره ثبت اولنمغه احرى نکسته زیاعلی الخصوص تحذیریندن  
افصح بلغا اعتراف قصور اید جل عبارت رعنا ایلده ادا تحریک ناطقه روانله اولدینغی آتشن نیستان  
دل و جان مردوزن اولوب آخر عقا قیر صبر و تسلیم و سكون و تقویض لری شربت راحت بخش بره  
ساعه اولوب فیاض مطلق بی سبب بخشایش قوت قلب و قالب و افاضه نور عافیت سراپا ایلده مغنم  
بیوردینغی (حلوا النفس من سمو النفس) مصداقجه امارت قربت صمدیه و کرامت رأفت احدیه لری  
و بلند همتان مردانه مایه رشک و غیرت و وایه انصاف و عبرت اولشد که مشهد مقدس لری حالا حرم دار  
الاماره مسفورده نل مابین البای بننده و شنای دیدۀ عفاف خلوتخانه و زرا و متبرک صالحات دولترادر  
اکر ازمان سابقه واکرا حیان لاحقه ایام و لیالی مبارک سنده اول مرقدم نور دن بدیدار اولان  
علام و آثار نورانی السنه صغار و بکارده مثابه دار اوراد دمدم و نوبت بنوبت شعله تبرک خاکیا کلری  
شمولیه تفصیل منقبه نفیسه لری (آنچه عیانست چه حاجت بیانست) موجب غنی عن الابرار اولغین  
رشحامن البحر و غرقان الدیم مرتبه سیله اکتفا اولندی کویا شاعر صحر آفرین بوقطعه غزالی اول  
نازنین حجله کرامت حسب حالی اولق اوزره انشاد ایتشدر (قطعه) زهی مر دیکه زیر چادر تمثال زن  
خود را \* ز چشم زخم نا محرم بدین صورت نکه دارد \* شه چاکسوار مزبان قالیست از دل \* بقلب صف  
هیجای هوا بجد سپه دارد \* (منقولست که) \* حضرت جللی طاهر بن علاء الدین که مادر حور ابرار لرندن  
نشئه جذبه ازلیه ایلده تولد بیور و ب و اول کرمیت نشاط جام الستی دن دماغ فوایح نفعات قدسیه آشنا لرینه  
فراغ صحو طاری اولیوب الی آخر العمر غاطس بحر بیخودی و خوشحال شراب سغراق استغراق اولمغله  
اسرک سلطان شهرتیه معروف و جنبش و آرام مردانه ایلده موصوف اولوب اوقات بی آفات لرنده حدیقه  
ارم نظیره دار الاماره دن حالا مدفن مکر می اولان بقعه مبارکده ذات ملکى سمات لری ایچون برزویه  
فراغت بنا اولنوب اول کیم و حیدر مانده کنج معرفت منزوی اولوب خویش و ییکانه دن مستغنی تعیش  
بیور و ب احباب صداقت مآب خدمتده بیدل موجود و وجودی جانه منت عدایدر لر ایکنینه  
آفریده په پرده براند از صورت حال اولیوب کل من دخل علیه و جده عنده رزقا عنایتنه مظهر اولوب نیچه

حضرت عابده بنت عابد

حضرت اسرک سلطان

دردمندان ریزه مواند غیبیه لریدن بهره یاب اولدیغندن ماعدا اصحاب علل واسقام تشفی ایدوب وارباب  
اشکال حوادث ایام کنوزرموز لیه مغتتم انحلال عقد و اوهام اولوب اتفاس نفیسه و انظار حسنه لر یله  
عباده سرمایه آرام دل و جان اولمشیدی \* هر ویدر که اتشای قنرت تیوریه ده امرای مغولدن برترک  
کرل منش اول نزهتسرایه علاقه ایدوب تغلبا غصب تصمیمین ایلدیکی شب دیجو رغفلنده اسیر اولدیغی  
قید کران خواب سکریده کندو بی اول محل شریفدن گذر ایدر ایکن بر بختی کوه کوهان سیه مست و کف  
باش هجوم طاقت و ثبات کداز یله کریران مشاهده ایدوب واقعه ده ناچار وجود پلیدنی بر مغالک پرخلایه  
القایله خلاص یاب اولوب لکن اول گرداب بلاده دخی دمبدم مانند قارون معاینه انخساف ایتکه  
بی کران پختیابد نصکره عرق ریزاجل جامه خواب محنتندن نیمزنده بیدار اولوب ویتندن هزار بار بیزار  
ونکهبان جایگاه خلد اشتباهدن خبردار اولدقه نیجه تحف امیرانه ایلدر که اعتذاره جمه سای اقتدار  
اولوب عرض هدایا اولندقه اعراض یوریلوب (مسکینی که یکسر مدفن خواهد بود مفسق دیگر نباشد)  
رضیله کشف مافی الضمیر یورملریله بند اثر اکران آزادوشر النعل مبارک لکرن قلاده کردن اقیاد  
ایتدیکی رسیده حدیثوت اولدیغی کبی بونده حلقه ارادت بکوش و رطل کران محبت نوشلری زمان  
مشیتسمزه قریب وقتده وزرادن بری ترتیب مینه و میسره جندیان ایتدر دوب معرکه جرید بازان کرم  
اولدیغی ائشاده بخیران سواراندن بری مقابله شریفه لریده حرکت بی ادبانه ایدنجه همانا کریران  
و فریادگان درون سرایه شتابان و کندو بی خانه زیندن زمینه پرتاب ایدوب برکوشه سلامت توشه به  
خریده اولدیغی معروض و وزر مسفور اولدقه احضار واستنطاق اولنوب بعینه امیرترکه هم واقعه  
اولدیغی معلومی اونجه تر به مشرفه لری اطرافی محافظه اولنمعه امر اولنوب بلکه نیجه مدت حمای  
روحانه لرینه اقترابدن احتراز و توقی اولنمشر و کافی الاوائل حالا زیارتلری متبرک و مستندانه  
استمداد لری علاج بر عساعه اولدیغی راهین تجارب صادق ایلده مثبتدر علی الخصوص اسبان ذی انسابدن  
متلای اوجاع مهلکه و مأنوس تدبیر بطاران مهره اولنلری اول مطاف عشاقی طواف ایتدر مکه حیاتیاب  
نازه اولدقلری بین الاهالی و الغربا مشهور اولشدر \* وزمانزده بعض اولادوز را جوار رحمت  
مدار لریده دفن اولنوب لکن تریه لطیفه لرینه تقلید اتریه بنا اولنمغله بالدفعات بلا سبب ظاهر منهدم  
اولدیغی دخی اثر غیرت سرانه لری اولوق ابهر من القمردر \* انار الله تعالی بدور اسرار هم علی الآفاق  
والانفس و اضاء شموس ار و احهم فی المشارق و المغرب و ادام امداد هم لنیل المآرب و المطالب \*  
واقفان اسرار تمثل و کاشفان استار تجسدن تلقی اولندیغی اوز ره ولی مشار الیه هیکل مر قومه مرئی  
اولسی فی الاصل متفرسان صاحب نفس طرفندن اسرل شهر یله مدعو اولمرین مؤیددر (چنانکه)  
در شهرت حیدری و تمثل شیری و غیره مقرر راست فافهم \* (بیت) \* در تحمل اشتر مستند مردان خدا  
\* زان بوقت عرض می گفتند اما ترا بی \* و از مان سالقه ده وزرادن تعمیر تریه فردوس رتبه لرینه استعمال  
بنایان کفره ایلد کلرنده ابتدای شروعده هجوم سالف الدکر له مغشی علیه اولدقلری استنطاق  
اولندقه نقل اولنان جواب و بعض مجومین پایگاه سعادت لرینه سر داده ناظم اولوب واقعه لریده کذلک  
هجوم سابق الیانه عرق عرق و اول نومه استمداددن عافیه قائم و ناقل اولدقلری اجوبه شافیه بالجمله  
توافق ایلدیکی رسیده حدیثواتر در طوبی للمصنفین المعتقدین و بشری للمستمدین المتفهمین \* (تقلستکه)  
حضرت اخئی محمد صادق که برادر اخئی مصطفی سابعدر رحمة الله علمهما ابدان اخوان ذی ثروت و جاه  
ایکن صید شاهبازان الیاسی نژادان و قید بند ارادت خضر نهادان اولوب و بالجمله راه محبت خاندان  
خمسکارا کبرده بدل سرمایه اقتدار ایدوب کما هو حق ادا ای خدمت بندکی ایلوب کندویه الباس

حضرت اخئی محمد صادق

خرقه خلافت اولنمشکن ینه کافی الابداءنشئه جام عبودیت شاهزادگان ولایت طینت اولوب دماغ  
 همت والاسنه موی اندیشه آزادی رهیاب اولیوب آخر فرط اشتعال نائرة اشتیاق کندوبی کلخن  
 خدمته تنزل ایله اوج کماله ترقی ینه مرقآت الهدی اولمشدر که حالا جای آسایش بدن انور لری اولان مطبخ  
 دارالوزراده زمان سعادت لریده کلخن وجوارنده واقع خرابه قباب حمام حرمسرای اولوب صد هزار  
 نیازله اول کلخن صوری وکلشن معنویه اوقات کذا ر خدمات شاقه ومتواری قبه ملامیه اولمشدر در  
 حتی اواخر عمر لریده جمله کبار خاندان التماس برشفقتیه چند روزه استراحت یوروب حجرات  
 خاصه دن ملائم طبع شریف لری اولانی ذات شریف لری نه تخصیص اولنغه مساعدۀ حسن رضالین  
 رجائند اولد قلریده بو طعنه بیانی بدیهه انشا و جلی خطله بالای کلخن مرقومه ترقیم یورمشدر در  
 (قطعه) من بکلشن ندھم کلخن کر مابه یار \* تامیان من و او کرم بماند هر یار \* دیدہ کر مابه عکسش دل  
 پرغم کلخن \* کی تو انم کدشوم بادل و دیدہ بیکار \* و فی الحقیقه اکثر آوانده اجتماع خلان الوفا ایله  
 رشک کلشن جهان بلکه نقد باغ جنان و پر نور معارف و مال مال نور لطائف و نظرائف اولوب قدر شناسان  
 صحبت کمین ساز فرصت اولغله کویا قائم مقام بین المیزلین خدمت و صحبت اولمشرایدی (بیت) صحبت  
 شاهان وحدت کتیر از معراج نیست \* قدر این دولت کسی داند که بامولی نیست \* (مرو بستکه) \*  
 اول سر حلقه ابدال بی بدل و قطب دائرة احوال بی کسل بروقت نشاط بی دغدغه خلل رنده که  
 خدمت کلخن و تدارک هیزمه دست و پای بی ماومن اولد قلریده اتفاق تسخین کلخنه وفایده جگ  
 مرتبه هیزم بولنمیوب و هنگام تدارک دخی اولمشدر بعد العیادت کرامت پیوست لریده اولان شمع  
 سوزانی تلقین وارد غیبی مقتضای سنجہ درون کلخنده مثابه مر کز دائره اولان محله نشاندہ و در کلخن  
 استوار سد و بند و مدت مدیده شعله شعله کلخن پر تاب و قطعاً شمع دخی کم و کاست طاری اولیوب لکن  
 وقتا وقت تعیین یوریلان هیزم محله جمع اولوب و اثر استعمال و علامت استهلاک نمایان اولمشدر متفرسان  
 احوال ماله مطلع و خبر قوت قدسیه لری درون و بیرون دیار و یار و اغیار دیار منتشر اولد قلده آفت  
 شهرت دن فرط کریر لینه بناء السلامه فی الملامه مضمونیه عمل یوروب متواری قبه صورت کلخن  
 اولمشرایکن اول پیغوله خوله دخی آفت معهوده نک سرائین مشاهده اید بجل ناگاه شمع فانوس وجود  
 بهبود لری انطفا سیمیه شمع کلخن تاب دخی بفکر دۀ سردیاد نفس و اسپین لری اولد قلده جسد منور لری  
 محل آسایش دیرینه دفر ایدوب هر چند تعیین و تمیز اقتضا ایدرتوقیر و تسکیریم تربه مشرفه لینه  
 شروع اولنسه البتہ واقعا و واقعه علامه صارفه و امارۀ افعا ظهور یله خلان الوفا دستکش بنای  
 تربه و صندوقه و طرف زن اولوب فقط نشان سروباری اولق اوزره دوباره سنسکه اکتفا اولمشدر  
 حتی زمان مشیخت مزمده بعض طبایخینک جوف لیا لیده معایه ایلد کبری احوال عجیه مسموع وزرا  
 اولغله بالدفعات قبر شریف لری اوزره بنای انبیۀ اکرام اساس پذیر اولیوب یا خود درون شبدہ هنگامه  
 مزعجه ایله جانب غیدن هدم و تخریب اولنوب خشب و اججاری جمله منافذ مطبخ مسدوده ایکن تربه  
 مبارکۀ اسرک سلطان قدس سره العزیز جانبہ القا و لشمس بولنوب هر کس وصول اسرار غامضه  
 روحا بیتلریدن قصور عقلنه معترف اولوب فارغ اندیشه تعمیر و تزین و انجق لیا لی مبارکده اشعال  
 شعله مرخص اولمشدر حتی یور وانه شمع محبت لری دخی تفصیل و توشیح منقبه شریف لری دن هراسان  
 اولوب انجق لعه من الشمس ایراد یله پیرامن کدر مشهد پرغیر لری اولان خواب آلود کان صورتی  
 حقیقت حاله ایقاف و اول حرم محترم کرو بیانی حسن آدابله طوافه تنبیه و ایقاظه اکتفا ایدوب  
 مفصلابین المریدین والمحبین شهرت شایعه دار اولان آثار جلیله بی ضبط و تسطیرہ جرأت ایدہ میوب

میدان مراعات رضای شریف مقدس سرانده عنان کششید بر خنامه اولشدر فی الواقع بر سلطان باهر  
 البرهانک نوبتو قوه قدسیه روحا بتلری جلوه کرمنصه ظهور اینک یاد مفاخر قدیمه و نقل مناقب عتیقه لری  
 از دحام نوبتدن خالی اولدیغی لدی ذوی الانصاف مقام حق اعترافدر و بوقطعه غرا کند و دست خط لریله  
 سر بالین رحمت اکسرنده بولمشدر (قطعه) صرصر آفت شهرت جو وزید از کلخن \* پس کجا ماند از ان  
 شمع دلمرا ما من \* کفتمش چاره ز پروانه بپرس ای پرسوز \* کفت پرسیدم و فرمود هما نامردن \*  
 اقامنا الحق بالاستقامه فی فناء منار هم و اعادنا عن الاساءه بحمی منار هم آمین یا مجیب السائلین  
 \*(در ذکر یعقوب چلبی و شاه چلبی و غیرهما) \* از اولاد کرام خضر و الیاسی که جامع بین الدولتین  
 بودندی و این دولتر ابدان رویش ساختندی عظم ذکرهم و کرم سرهم \*(آورده اند که) \* حضرت  
 چلبی یعقوب طوائف متسلطنه رومدن بر امیر عالیقدر ذوالحسب و النسب و شجیع و کریم و مکرم  
 علما و صلحا و دلنواز فقرا و غر با اولغله میانه افرانده ممتاز و سرافراز و مشام جان با کی دخی آشنای  
 نفعات سرحد امجد لری اولوب ملاحم تیموریه دن اختیار هجرت اوطان ایدن کجا مشایخ و عرفایه  
 قلمرو و لا تشده تملیک ضیاع و تعیین منار ع و وظائف اتم که طرف باهر الشرف لری نه جذب قلوب زکیه  
 ایدوب آینه و رونده دخی سرمنده ایادی عاطفتی و اطراف عمال که جلاب ذکر جمیلی اولغله امرای  
 دور و نزدیک سکان مملکت لریله بیعت اطاعت لرین جانه منت یلوب عرض عبودیت ایلد کربچه دائره ملک  
 اجداد مانده لریله قناعت بیور و ب توسیع مملکت و توفیر عسکر و تکثیر خزانه دن بیزار لک کوس تر و ب  
 مدت مدیده فارغ البال آسایش و آرامش اوزره ایکن سرحد رومده برهان الدین سیواسیله  
 صاحب خروج مر قومک قضیه سی کند و له مهیج عرق غیرت اولوب بالنفس تجسس استقبال آمیز  
 سیاقنده شحر یل رکاب احتیاطله اردوی تیموره ملحق و صورتا صفوف فرمانبرانه منضم اولد قده  
 کمال رشد و شجاعتی مفهوم اولتیق بالذفات طرفندن عسکر انجم شمار رومیان اوزر لری نه سرداریت  
 تکلیفی اعدا رطیفه ایلد دفع اولوب لکن اول انشاده کنندویه طرف ما و راء النهر رجعت اقتضا  
 اتم که الا یام بینا و الحبه باقیمه فواسیله انلر جانب عراقه و بونلر طرف یونانه توجه ایتد کده چلبی  
 مر قومی اخبار بد کانی یلدرم خانی استقبال ایدوب و هر چند امرای اطرافله اتحاد و یا خود جانب  
 تیمور دن استمدادله دفع خصومه ترغیب اولند فقه اصغایور میوب متوکلا علی الله و راضیا بقضائه  
 مقرر و لا یتلرینه مسارعت ایدوب و جمله مال و منال لرین وجوه خیرات و حسناته صرف و اوقاف عمارت  
 و مدرسه و ادارات بقاع اولیا و فقرایه نظام تام فرما و متهی فرمان جان و جهان آفرین اولد قده  
 سعایه دشمنان خاندان صدیقیه ایلد تیموریه و بربازیدی فوران ایدوب بهانه استشاره مر افعه تیموریه  
 ایلد تصمیم غصت ملک کریمیان ایدوب اگر چه جاده دعوتده انحراف و عسکر وافرما استعجال لری قرینه  
 ما فی الضمیر ایدی اما حضرت چلبی سعید الحیات شهید الممات قطعاً تغییر نما اولیوب مراعات نان  
 و نمک قدیم اوزره تسکیر میات و لوازم استقبال ملوکانه ده بدل مقدور و تغافل ایدوب خیر خواهانی  
 سلامه الاجر فی تسلیم الامر فقره شریفه سیله اسکا ت و حرکات حمیت انصاری الخیر فی اختیار الخیر  
 الحکم کلمه لطیفه سیله اسکان ایتلری غفلت و عدم جرأته محمول اولوب و اجرای مر امه تسمیر ساعد اقدام  
 اولوب آن لای تقسم اجل مسالرنده پیمانه نوش غدرست عهدان و جوار اجداد امجاد خرامان  
 اولد قد نصکره حقیقت صدق عهد وده و استحکام خلوص لری متیقن اولغله الآن قد ندمت و ما یمنع الندم  
 مضمونی دغدغه فرسای خاطر ی و مجازات اعمالک مجانست و مکافات افعالک موافقتی خلجان  
 انکسر قلوب عاقبت اندیشان اعوان اولغله اوقاف و اتباع و اشیاعه تعرض اولتیموب ابقا ما کان

حضرت یعقوب چلبی  
 و شاه چلبی

علی ما کان اولمشدر فاما بالجمله طوائف امرای اطراف بوغدر بی عذری ملاحظه ایدوب یکپاره  
 رویکردان سمت مواسات و معادل اسلوب مدارات اولوب نمره سی تیورک دفعه ثانیه دهر و مه مستولی  
 اولدیغنده ظهور ایدوب واقعه خیمه سی ارباب عهدده قضیه عبرت نما اولمشدر الحق (لا یحیی المکر  
 السی الا باهله) وعیدا کیدینه اعتقاد طباع مستقیمه اضعاف اولوب وکویت اسمیه نام شریفده  
 ذات عجم البرکاتلرینک عقب سلسله کر میانه اولمنه اشارت بولمنسه ذاهب اولمشدر (ومرویدرکه)  
 اول شهسوار میدان تسلیم و رضایه میانه رعد آزار دن صاعقه شمشیر غدر زولی قریب و فصح بزم  
 اعتذار تنک اولدقد اصل اول هر بر اسیله پریشانی کلمیوب بلبل زبان بلاغت بیانی فریاده کلوب (ای شاه  
 فلک دستکاه این چا کردرگاه و مخلص بی اشتباه راضایع مکر دان و بیخ و بار اقبال و دولت خود را بر مکن  
 و بخاک پشیمانی مرید فقیر خود یک مشت خاک بی سرو پایم بی سر کردن من تحصیل حاصل و از پایداری  
 مقاومت تو هم خیال عاقل است مبادا که خون ناحق بنده بر گردن شاه ماند و در روز جزا از روی خون  
 آلود مسؤل گردد) کلمات خارا شکافیه اول وقت پر مقتده دخی نصایح اعتذار آمیز خیر خواهانه  
 ایلد کده (مصراع) سخن شناس نه دلبر اخطا اینجاست \* مضمونی اوزره مفید اولیوب عرق شفته  
 انجماد طاری اولمغه برقی زهار تهو رله خرمن حیات مستعار لری سوخته و بعد ضیاع الفرصه و خراب  
 البصره کند و لر دخی مهبط صواعق مجازات اولمیرینه چشم احتیاط و دیده توفی دوخته اولوب و اذا  
 حل القدر بطل الحذر و اذا جاء القضاء قاض الفضا مفعومی مانند برق خاطف و رای پرده ابر غیریدن  
 جهان اولدقد سائق تقدیر و قاندد بیرله صاعقه جزای استقبال ایدوب آخر کند و بانیله میانه کرداب  
 انتقامه دوشوب گرفتار قفس آهنین و جرعه کش زهراب هلاک اولدیغی قصه غصه پرداز پر حصه سی  
 دولیان آخز زمانه کوشوار اعتبار اولمشدر و رب امنیه بجنه المنیه (ولا تحسبن الله غافلا عما یعمل  
 الظالمون) من لای رحم لای رحم الدم لای نام \* (بیت) \* یار اقد الیل مسرور باقوله \* ان الحوادث  
 قد یطرqn اسحارا \* و دخی مرحوم و مغفور له عالم شهادتدن گذران اولدقد اعزّه کرامدن حضرت  
 اخی انور حال امر قد متبرک لری اولان مقام لطیفک پیشگاه منده بین الاهالی شربت آب نکت تبرکی و مایه  
 شفا اولدیغی معروف شادروانک اطرافنده عقد اولنان مجلس سماع صفای مولویان حلقه سمنده  
 روان شادنی مشاهده ایدوب مافعل الله بک عنوانیه استفسار ایلد کده (له الحمد و المنه أو صلی بالشهادة  
 الی الشهود) یا خیر اسخبله پرده برانداز روی نشاء آخر و به ویکاه اول خوابگاه روح و روحیچا ندن  
 ولوله نای و قدوم استماع اولدیغی رسیده رتبه تواتر در طوبی له و حسن مآب فاعتبر و یا اولی الالباب  
 و اغتموا بالبلیات حتی تفتح لکم الابواب (آورده اند که) حضرت جللی شاه ماه سیم بر جلالت و مهر اوج  
 عدالت بر تاجد اوزر کو اوارونک شهادت در یکای قلم زخار نفاخت ایدیکیم مدت العمر جبهه کشاده لری  
 موقع چین کین اولیوب همیشه کل خندان کلشن بشاشت اولوب جمله بی رویدل شفقت آیینلریله  
 خوشنود و کف کفایت نوازش احسانلریله ممنون ایدوب قلمر و ولا بتندده مور ناتوان و بیر یابان یکسان  
 اولوب عامه رعیه و کافه بریه حوزة حکومتی آسوده حال و مرفه البال اولدیغندن ماعدامعارف  
 و علومده فرید عصر و وحید دهر و علی الخصوص خوش طبع نکته سنج و نادای یادی مبادیلری و فور  
 عطایای ظاهره ایه مالا مال اولدیغی کبی شور خیابای باطنه ایه مشحون و نقل بزم لطائف توأم لری  
 تازه مضمون اولوب اکثر یا حریفان عشرت روحانیه لری لهجه مقدسه لریدن سر زده اولان نوباهو لری  
 حسب الاستطاعه رشته کش بلاغت ایدوب معروض پیشگاه عنایت دستکاه لری ایلد کده  
 (شاهدان ماو زیوران شما) لطیفه سیله مقابله بیورر لرایدی و غنوه جودت مشرب عالی لری اولتی

اوزره نعت فاخره سیدالرساله اولان آثار شریفه لرندن نعت جلیل وشاح الصدر منقبه نفیسه لری  
 قلندرد که صادقان میدان مجتبری بولند ان خلان وفایه یاد کرر و حافی و ذ کر خیر آخرین حبیب سبحانی  
 اوله \* در نعت شریف سید الاولین والآخرین وسند المستدین فی العالمین صلی الله علیه وسلم وآله اجمعین  
 فرموده است \* خرمالت چون درون یا کرا محبوب نیست \* پس بعقل اسباب حسن جوهرت محسوب  
 نیست \* ذره های عالمی سر کرم آنت کیست آن \* در زمین و در زمان از مهر تو مجذوب نیست \*  
 اقتباس نورسرت جان موسیرا کشید \* ورنه در چشمش بن خرمایغیر از چوب نیست \* طالب حق راحه  
 کار آید چراغ مهر و ماه \* در ره مطلب بجز نور بیت مطلوب نیست \* رشک مشک و توتیادانتد خالک  
 روضه ات \* زان بنزد اولیا مانند او مرغوب نیست \* سایه دیوار در کاهت کرامیکشت پشت \*  
 در جهان امغر واکبر ابد مغلوب نیست \* چون ز نظم معجزات دیوان هستی کشت پر \* نیست  
 دقترا نچه در وی نعت تو مکتوب نیست \* بیم و امید من از رد و قبول تست از انک \* ماعد اچون این و آن  
 دلکسترو مرغوب نیست \* از نسب هر که حسب حاصل نکرد اند کسی \* تا که انساب شریقترا بجان  
 منسوب نیست \* دامن آخر زمان پر کرد شورا ست و ولی \* در میان دست و دامان تو هیچ آشوب  
 نیست \* کردوی بیند میان یکدلانت احولی \* در شمار صعب اگر هست او بدل معصوب نیست \*  
 هر که عیب مخلصانت جست و غیت جوی شد \* می ندانست از خری که چون خودش معیوب  
 نیست \* آنکه بینی کرد و سر از حلقه امرت کشید \* در دو عالم انچنان یک بدرک و مغضوب نیست \*  
 انچنان از جوش و جدت بی سرو پا کشته اند \* نیست کوی کاندرا و صدمه ولوی با کوپ نیست \*  
 سیرتم کویست کویادر سر کوی تومه \* کرچه هوش و اختیار از صورت مسلوب نیست \* دل اسیر  
 اشتیاق و دیده کریان فراق \* المددای کان رحمت همچو من مکر و ب نیست \* ماوصفت حق و صفک  
 کفتم و بس کرده ام \* حد خود دانم مرا بهتر ازین اسلوب نیست \* بنده خالک در مجرم پناه تست  
 شاه \* در حریم حرمتش خزا کروی خوب نیست \* (منقواستکه) \* حضرت شاه باالنباه حضور  
 فائض النور لریده بعض اصحاب سمعه امرای اطرافدن نقل آثار معدلت ایلد کارنده بوقرة لطیفه ایله  
 دفع صد دنده عدل النفس اقدم بیورر لرایدی فی الواقع کشی نفسی حقننده عدله قادر و موقوف اولینجه  
 غیره عدل بعید در زیر اطلومیت و جهولیتله انسان موصوف و تخلیه دن خالی ایکن عادلیت و عالمیتله  
 تخلیه متصور اولدینی مقرر در بس ظالم النفس جاهل الصلاح اولدینی حسیه منافرا العدلدر عالم  
 اولدینی صورته دخی موفق اولیحق عالمه جهلی مساویدر بلکه علم ابلیسیدر هر حال ظالم النفس لایعدل  
 الغیر محققدر فرضا طلمه نفسدن آثار عدل ظهور دخی ایسته عدل تحقیقی دکلدر بلکه تقلیدی  
 و ریائیدر و دخی اول فقره پر حکمت شرح و بیانی ذیلنده (شین شاه اشارت بشر عست پس شاهرا  
 استقامت درون لازمست و هاش ایما بچشم عاقبت نیست پس در هر امر و شاهرا ملاحظه عاقبت  
 و بلکه معاینه ثمره کاراهمست و با این همه در ثلثان اوقات از آه اعتذار خالی نباید بود که دو جز نامش  
 آهست و بین الاسم و المسمی مناسبت واقعست زیر اشوم ارتجال در یوم ارتحال بادئ ثشت حالست)  
 انفس ارشاد اقتباسلر یله غفله دولت دنیای دونه تنبیه بیور مشلدر و دخی و اخر عمر نازین لریده جمله  
 ماملکدر بن خرج راه خیرات و حسنات ایدوب سر موغخوار اولاد و اعقاب اولمدقبری بعضی اسیران  
 شفقت بشریه و متقیدان تسکینتر که مالیه عندند سرد نما اولغله بر مقدار مال و متاع ترک و باقاسنه  
 تعریض ترغیب آمیزایتد کلرنده (سلمنا العواری و الودائع الی ربها و تر کالورثه الی وارث الارض  
 و السماء) عنوان حقایق ارکانیه جواب شافیء امر اض و همیه و پامخ را سخ مضمار تسلیمه ایلهد سدر اه

طعن و بند افواه سوغطن ایتشلدردر (چنانکه) فرموده شد \* مال و منال را بخودش برد مرد کار \*  
 اهل و عیال را بخدا کرد امیدوار \* فله الحمد و المنة اول شاه توکل دستکاهک اولاد و اعقاب بی بلکه اتباع  
 و احبابی سایه برکت تفویض و تسلیم رنده آفات مضایقه و عجزدن سالمین و عیش رغدله غامین اولد قلمری  
 صدق حال لرینه شهود عدول اولشدر و اول خیر مخلص سرحد ملک کرمان اولان قوله قصبه سنده  
 و خیرات و اوقافی میاننده آسوده کاشن بهشت اولوب تر به متبر کهری زیارتگاه انام و کشف  
 الامان حوادث ایام اولوب ریزه خوان حسنانی فریاد رس دردمندان و مایه انتعاش بی نوا یان اولشدر لله  
 دره و ضاعف اجره آمین بحرمه الشفیع فی يوم الدين و خرامان خیابان حدائق جنان اولد قنده مکاشفین  
 مستفسرین مال حالی (شاهراوندکیء کدایان دستگیرشد) فحوا سبله محبت صعا لکه باب حققه ترغیب  
 بیور مشلدر و خالک بالک مشهد مقدس لری تریالک مستمندان او جاع و اسقام کونا کون اولد یعنی مشهود  
 علیه تجارب صادقۀ آری باب خلوص در و اولاد و احفاد کرام حضرت امیر عالم کبیر و اولو عارف و مطهره  
 سلطانن خضر بک و سنان پاشا و پیری پاشا و یعقوب پاشا و شاه افندی و قاضی پاشا و امثالهم امثال انسال  
 زکیه صدیقیه و جلاسیه اولوب انلرک مناقب نفیسه لری و مفارجه جلیله لری شقایق و سائر توار یخده  
 مبسوط اولغله هر برندن برکتۀ لطیفه ایلۀ اکثفا (و در خانه اکر کسست بک حرف بست) مضمونیه  
 استعفا و اولشدر \* (حضرت خضر بک) \* مجمع البحرین علوم رسمیه ولدنیۀ اولد قند نکره مأموریت  
 جانب جناب حکیم قاضی الحاجاتله ابتدای فتح بلده طیه دده قاضی القضاات اولد قنده مشایخ عصر لری  
 ظاهر حال لرین تخلف طریقه اسلاف ذوی الاحترامه حمل ایلد کهری عکس انداز مرآت ضمائر غماری  
 اولنجه (قضای مابقی قضا است و رضای قضا کمل نفس راضیه و شیمۀ مرضیه اصول مانضیه است)  
 فایحه شریفه سبله مشام منصفان بی مرابی معطر و دماغ متعصبان خود را بی مکرر ایتشدر و الحق  
 احق بالقبول و الراد جدر لافضول \* (و سنان پاشا عامله الرحمن بمامل و شاخص لری) \* جامع فتون  
 شتی و حائر شئون بی همتا و فائز تر و توجاه دنیا و میدان هیجاده صفشکن اعدا و اولوب سزداریت ایلۀ  
 هر قنغی غزوه به ارسال اولندیلر ایسه مانند سنان سینه شکاف ثبات دشمنان اولوب حتی سلیقه  
 منصفان بی نوع و زرای دولتدن حین اقتضاده (بشکستن صف این سنان آصف باید) مضمون اعتراف  
 مشکوفی بی اختیار کوشکندار مردان کارزار اولشدر و نیزه گذار لک فوبتندۀ شهنشاه زمانی (سنان  
 بدست سنان) دهید نکتۀ سبله (اعط القوس بارها دقیقه سن ایما بیور لر لرایدی و سفره بی دریغی الوان  
 نعم نفیسه ایلۀ همواره و وقف بی نوا یان اولوب مصارف روزمره لری خدمت عده ابراد معینلریدن تجاوز  
 ایتکله وکیل خرج مطبخ خوان یغمار لری بر مقدار امسا که استمزاج ایلد کده (نام ماسین و نان است پس  
 سین دندن از نان مادور بودن از نام مادور است تاسین قرین نان نام ماست میزبانی بی نوا یان کار ماست)  
 لطیفۀ تعجیه آمیز لر یله دفع تکلیف امسال بیور مشلدر و دخی میانه نامداران دوتده ذات آصف  
 سمانلری نشر لائی حکم بیور دقلرنده (نام انام باقدام مرام تازیانه اهتمام باشد که تعیین نام از الهام خالی  
 نیست بحمد الله تعالی نام من فقیر را بر خوردار باغ عمر کرد است چه معنای تحلیلی اوسن انست یعنی  
 از سال عمر ماضی لاید کرو مستقبل لایتنظر است و ملاحظه این معنی اهل حضور را صاحب حال گرداند  
 و در هر نام از هر لغتکه باشد هزار هجین معنی در کار است و لکن (این الثریام یدالتناول) بیور و ب  
 حتی (از نام ماتمام سال حیات مفهومت که سن ان که باشد معلومت که در سال احدی و خشین از دار  
 دنیا انتقال کنیم) مکاشفۀ شریفه سی بین الاحباب ثبت جزائذ امتحان اولنوب حلول مدت مر قومه کل  
 کلزار بسالت و سر و بوستان وزارت اولان وجود باهر الجود لری ضرر خزان زده اولوب جوار اجداد

حضرت خضر بک

حضرت سنان پاشا

حضرت یعقوب پاشا

شاه افندی

پیری پاشا

امجادہ تحریک رکاب مبادرت بیور مشلردر رحمة الله علیه وعلی اسلافه واخلافه آمین یا مجیب السائلین  
 \* (و یعقوب پاشا) \* عقبه الله الرؤف بعناياته الی ماشا حضر تلری دخی بر وزیر مجاهد و مشاهد و مشیر  
 معدن المحامد اولوب نیجه تألیفات رائقه به موفق اولوب تلامذه سسندن بری متعبد معجب و بری دخی  
 مرتکب صحیح العقیدہ بنوب دایما اول ثانی بی تحقیر و تعیردن خالی اولیوب حضور پر حبور لرنده  
 دخی حلقه زن باب جرأت اولدقده (ندم الاساءه خیر من عجب الاطاعة) حرز یله زبان بند نخوت غیبت  
 انکیز اولشلردر و عاقبه الامر اثر نفس انفسلری جلوه کرمنصه بروز اولوب اولک آخری تولیت  
 اوقاف و رباوار تکابه منتهی و انجسام ثانی توبه و ترک و تجرید و تقوا به رسیده اولوب نصاب شهادت کمال  
 حاللری اولشلردر بواء الله اللطیف الخبیر فی اعلا عرف الجنان و اوصله الی جوار جده فی شرف الاحسان  
 آمین بعزته من له الشفاعه العظمی فی يوم الدين \* (و شاه افندی حضر تلری) دخی وطن دفعیلری اولان  
 سنجاقلوقضاسی قرا سسندن کزلر نام قریده نشو و نما یاب و علم و فضله مرجع ذوی الالباب و شمع جمع  
 اخوان و احباب اولوب اول مدفن اولاد کرام صدیق اولان دارالقراردہ زاویه نشین خول ایکس جانب  
 روحانیت جناب جدا مجد لرندن مأموریت سرانیه حسبیلہ دارالدوله قسطنطنیه به هجرت و مسلك پر  
 حکمت علمای دولته سلوک ایدوب مدت بسیره ده عظمای قومدن اولوب فتوحات خدمات دولتدن  
 خزانه قناعت و عفت لرنده مجتمعه اولان اموال طیبه بی بالجمله خرج راه خیرات و حسنات ایدوب حال مدفن  
 متبر کلمری میانه خیرات لرنده اولوب روح پر فتوح لری موافق و اند فوائد صدقات جاریه لر یله معتقد  
 (مرویدر که) حرف اندزان و خرده کیران بی نوب علرندن بعض بی آزر م اول مهبط آثار تأییدک فضلای  
 الطرافدن ایکن واسط سن حال فرخنده مآ لرنده سالك طریقہ علمای دولت اولوب سر یغا و عاجلا  
 احراز مراتب رفیعہ بیور ملرینه حسد آمین (این یدق کالر بر اینید که چه تیز شاه شد) مضمون رشک  
 مشکونیلہ دق باب غیبت ایتدیکی کوشزد لری اولدقده (صبت مارا صدای قباب و بادبان مارا جریان آب  
 امداد کرد و اراده مسبب تهیئه اسباب فرموده تیز بمنزل رسانید و از مشاق سفر رهانید و از کلر جمیلہ  
 بنده را آفاق کیر کردانید) نکته توحید پر دازلر یله سدر راه مجال بد ککو و بنده هان عیب جو  
 بیور مشلردر فی الحقیقه ارادات جزئیہ ایلہ اسباب عادیہ بیننده وجود تناسب مهمل وصول مآ رب  
 اولد یغی عتد اهل التجارب رسیده رتبه ید اهدر متعنا الله الموفق و کافه الطالبین به فی نیل المطالب آمین  
 بحرمة من له انفس المناقب \* (حضرت پیری پاشا) \* جامع اشتات فضائل و قانع اصناف رذائل بر آصف  
 الهام سمیر اولوب نکین حلقه انکشتیرین دولت سلیمیه اولدقده معارک اسماعیلیه ده رای ریزی دستور  
 العمل خسروی اولغله میدان مصاف ماعدای تیغ تیزدن خالی و فریقین انجق هنرغای شمشیر بازی اولق  
 اوزره تعهد اولمش ایکن حیلہ شاه بی انبیا غدر سپاه مفهوم آصف صافی ضمیر اولوب و رای پرده ده  
 طوب و توفیق و تیر اندازانه تنبیه ا کید بیور و بوقت اشارت لرنده هر کس صرف مقدوره منتهی اولوب  
 مترقب اشارت معموده اولدق لرنده عسکر شاه مسارعت انتهاز فرصه عنان بر اولنجه هنوز لشکر  
 اسلام ثابت کار میدان ایکن طبل باز اشارتہ دره زن اولوب یکشست و یکقتیلہ اقدام خدمات مأموره  
 اولدقده صفوف اسمعیلیه مانند برک خزان خاکه یکسان اولد یغی بقیه جنود رخته معاین اولیجق  
 یکپاره در یای رحمت وار جوشان و خر و شان طرف دشمن دینه هجومه بالکلیه پای شباتلری مترزل  
 و قراری فراره تحویل ایلہ اساس دولترینه دثور و بازوی شوکت لرینه قنور طاری اولوب اکثر بلاد  
 فارسک حوزه تصرف اهل ستنه دخول و ماه اقبال لرینک باخترا د باره افولنه باعث اولد یغی منصوص  
 علیه تاریخدر که اثنای سرور نصرت جند مؤیدده سلطان سلیم علیه رحمة الرحیم سبب خلاف عهد



معهود ددن سوال بیور دقده حضرت سلطان دیوانی قدس سره النورانی جناب ولایت مآبیر نیک میانه  
صفوف عسا کر اسلامده ظهورنا کاهیلری وموافق تقدیر الهی تدبیرا کاهیلریله اولدیغین سر امرعروض  
یشکاه شهنشاهی ایدوب واکثراوقات اقتضاده اول غوث اعظم وپوخسر ومعظم بینلرنده واسطه اخیر  
اولدیغی حسبیلله خصوص مرقوم دخی ادای خدمت لرنه محمول وبادی از دیاداعتماد و قبول لری اولمشدر  
(مرویدر که) جمعیت دیوان همانیوندن ماعدا اگر خلوت ویا خلوت محرمات اولسه بهر حال لباس فاخره  
فقرا ایله مسند نشین عز و اقبال اولور لر ایدی حتی بومر تبه کسوت درویشانه رغبت و تعظیلری  
طرف شاهیدن مسؤل اولدقده (نام بنده پیر یست یعنی بحضرت پیر قدس سره المذیر نسبت داریم لکن  
منسوبیت فقیر دونا است یکی از نسب و دیگر از ادب پس منسوب پیر غیر مرید نباشد و مرید را غیر از او  
مراد نیست هر اینه بطریق تربی تشبیه مرادنا کزیر است) لطیفه سیله پاسخ ده را سخ اولوب آخر الامر  
فوائد خدمت موفوره ومواند مساعی عمشکوره لری اولان اموال غنایم وعطایا لری صرف وجوه  
مبرات ایدوب مقابله آستان ملائک آشیان جدا مجد لرنده بنای خانقاه وجامع شریف ایدوب تریه لطیفه لری  
دخی جوار خیرات لرنده اولوب روز و شب مهبط انوار ورحمت اولمشدر وهر کاهکه تبدیل جامه وزارت  
بیور دقده (توقع این خاکبای فقرا آنست که از مضمون منیف (من تشبه بقوم فهو منهم) واز مفهوم لطیف  
(المر مع من احب) بی بهره نمانم و ستر فقره محبة الصورة من علاقه السيرة جلوه کراندام بی آرام من گردد  
نه تنهادر دنیا بلکه در عقباهسم در میان تنهازی مولا نامحشور باشم که مرا این حله خله بس است)  
خواسیله ترانه سنج شکران و نیاز عاشقانه ایله خرج زان و اشک حسرت ریزان اولملری ذات ولایت  
سما لرنده سرمور غبت دولت صوره اولیوب بلکه مانند امثال اسلاف انجق حصول مصالح و دفع  
مفاسده آلت اولق اوزره بر موجب امر غیبی سالک منہج حل وعقد امور عباد اولملرین اثبات ایدر طوبی  
لهم وحسن مآب فأحسنوا الظن یا ولی الالباب \* (قاضی پاشا) ولی عهد جمال الدینی وعلم فقهده  
یوسف ثانی اولوب ضروری طرف دولت علیه دن کندویه رتبه میر میرانی توجه ایدوب بین الامثال  
مشار بالانان اقبال ونیجه مناصب رفیعہ ایله مختبر الاحوال اولغله معتمد علیه خسروان ونوبات ولایت لرنده  
قطعا اثره ایرادلرینه رسوم عرفیه ادخال اولتمیوب انجق بالظوع خدمه واتباع مستحق اولدقلری  
اجرت اجرا ایله تدبیر منزل بیور وب سرموحد شرع قوعیدن عدم تجاوزه بلکه کریوه روخلاف اولان  
قضاة وحیکامی تأدیب ادبیانه ایله سالک جاده استقامت اتمکله بین الالهالی قاضی پاشا شهرتیه مدعو  
اولمشدر وترکه آباواجداد وبرکه تجارت وزراعتدن خزانه عقتلرنده مجتمع اولان اموال طیه ایله  
نیجه عقار احداث بیور وب وقف اولاد کرام ایتمشدر که حال اقره حصار صاحبده آثار و قصبه لری  
باقیه ولوازم بقایای احفاده وافیہ درو ذات امیرانه فقیرانه صفات لری ظاهر ابرده پوش اتباع ومتواری  
ثروت بضاعه منافع حقار و ضیاع و باطن اوارث اسرار اسلاف کرام وحامل اوضاع اجداد عظام  
اولدقلرین مؤید در که طینت طاهره وطوبیت زاکیه ایله اوقاف کذار ومهابت ووقار احقاد واجر لری  
مدار راحت اهالی واساس تعمیر دیار اولوب احوال حسنه واطوار مستحسنة لری وآثار متفعه لری مایه  
تحسین منصفین وماده تبکیت متعین اولدیغندن ماعدا اعدا و حساد لری هلاک حنف انف وابتلای  
نکبت مدد العمر له من طرف الله الغیور مهبط صواعق مجازات اولمشدر در حتی قضات مدن ولایت لرندن  
برمدعی قضاة اکثر قضا باسند توهم احاطه اصول وفروعدن ناشی کریوه روخلاف لری اولدیغندن ماعدا  
حضور مهابت موفور لرنده استماع قضیه اثنا سنده فوران تنور نفسا یتبی حسبیلله امر قضا بزمه مفوضدر  
سزل اجرا به مأمور لر سزدیو تجاوز حد ایلوب انا قضیت هکذا دید کده (قضیت ومضیت واما مضیت) دم

قاضی پاشا

غیرت توأملر یله مقابله یور و ب دفع مجلس ایلد کارنده فی الحقیقه محکمه سینه دخول ایدوب بعض  
کلمات ناشایسته به شریوع ائناسینده در حال متغیرالون و شاخص العین وداع محفل حیات ایدوب  
وقضات مضاته ملحق اولدیغی عکس اندازمر آت ضمیر منبر لری اولدیغی حینده بدیهه یونفحه کشفیه ایه  
مشام حضاری معطر فواج فواج ایتشلدردر که اول بیت تشکر آمیز بودر \* (بیت) \* چو باری میکند باری  
بن حساد بردارم \* اگر باور نمی آری بده یک شمه آزارم \* و عواقب احوال کرامت ما للرنده  
جمله علایی و عواقب دن دست شوی و دامنه کش و کوشه کزین فراغ اولوب قدر شناسان  
وزرای عظامدن سننن باشا و کمال باشا و امثالک مر اسلات اکرامیه و مهادات احترامیه لری یله  
بالدفعات عتبه دولته دعوت ظهورنده دفع حکیمانه و اعتدال اربانه سور و ب سلامت آفات و صفوت  
اوقاتله مسند زین کامرانی و حانی اولوب جوار رحمت ذوالجلال والا کرامه منتقل و سایه شفاعت ایه  
حضرت سلطان دیوانی قدس سره النور انیده آسوده روح و روحان و غرقه لجه غفران اولمشلردر  
طیب الله ثراه و جعل العدن مأواه آمین یا عجیب السائلین \* (در بیان مناقب فخره شاهزادگانیکه  
ورثه امانت عظمای خلافت کبرای خنسکارا کبر عظم ذکوه و قدس سره کشته اند و در چاربالش  
ارشاد تریه فردوس رتبه مولوی بشری لزاثر یه سایه اندازم فارق خلفا و فقر اشدند و ائمه الهداه محراب  
اخضر غوث اعظمی بودند) \* ادام الله امداد اسرار هم الی الوری و مد ظلال انسالهم علی رؤس اولی  
الولایه حقیقه سید الانبیاء و سید الاولیاء \* (منقول است که) \* خلفای راستین سلطان العار فیندن  
اولا متکذریب ارشاد حسام الدین چلبی و ثانیامه الدین سلطان ولد و ثالثا فریدون عارف بزرگ و رابعاً  
برادر بزرگوار لری چلبی شمس الدین امیر عابد و خامساً چلبی امیر و احد و سادساً چلبی بهاء المله و سابعاً  
چلبی امیر عادل قدس اسرار هم حضراتک مناقب شریفه و مفخر لطیفه لری منقبه نویسان مولویه  
اولان سه سالار و احمد افلاکی و عبد الوهاب همدانی و مشوی خان محمودده اقلام اقداملر یله مضبوط  
اولوب لیکن چلبی امیر عادل بن عارف اکبر زمان خلافتلرندن سید محمد عارف ابن چلبی عبد الرحمن که  
وقت ترقیم سفینه نفیسه ده صاحب النبوه سجادیه مولویه در انلرک حین خلافتلرینه کنبه مابینده  
مسند آرای تریه معظمه اولان حلیان ذوی الاحترام اذکار جلیله و احوال جمیله لری اوراد السنه  
عاشقان اولوب لیکن هنوز رشته کش تسطیر اولمغله یوبنده کنبه بی بضاعه و قلیل الاستطاعه مدت  
مدیده سیر و سیاحتده قدمای اخوان الصفا و ثقات خلان الوفا دن تاقی کرده م اولان مرتبه بی املا  
و اخلاف ذوی البصائر اهدا ایلدم متضرعدر که سایه سعادت اولیای نعم گذشته ده یوفقی بر تقصیر  
دخی مستحلب آثار توجیهات رائقه لری اولوب و مجالس رفیعیه فقرای باب الله دفعات کرامات باهره لری  
تعطیر دل و جان مشتاقان ایلد کده (تنزیل الرحمة عند ذکر الصالحین) مصداقجه نزول بیور یلان موائد  
رحمتدن یوریزه خوارخوان و لایتلری دخی بهره مند نزل اولوب فی الدارین طفیل کروه پرشکوه  
و دخیل حلقه صدق و خلوص لری اولمغله مستفید شفاعت مبرورده لری قلنه آمین یا عجیب السائلین  
(بیت) زان یسارد اولیار ابرزمین \* تا کندشان رحمة للعالمین \* (پس) \* ایدی عقیب چلبی امیر  
عادلده که سنه ستمین و سیمجاه در چلبی امیر عالم کوچک بن چلبی امیر عابد و بعده چلبی امیر عارف کوچک  
ابن امیر عادل و بعده چلبی امیر عادل کوچک ابن چلبی امیر عالم و بعده چلبی جمال الدین بن امیر عادل  
کوچک و بعده چلبی خسر بن قاضی باشا و بعده چلبی فرخ بن خسر و چلبی و بعده چلبی بوستان بزرگ  
ابن فرخ چلبی و بعده چلبی ابو بکر بن فرخ چلبی و بعده چلبی عارف ثالث بن چلبی بهاء الدین ولد و بعده  
حسین چلبی بن حسن چلبی و بعده چلبی عبد الحلیم بن عبد الرحمن چلبی و بعده چلبی بوستان کوچک

ابن عبدالحلیم چلبی و بعده چلبی صدرالدین بن چلبی بوستان کوچلث و بعده چلبی عارف رابع محمد بن  
عبد الرحمن چلبی سنه سبع عشره و مائه و الفده جلوس اریکه خلافت برهان الواصلین ایله شرفیاب  
اولمشرسله الله عن الآفات و وفقه الی مواقف الحسنت \* پس بر موجب اخبار ثقات و مقتضای سلسله  
نامهای صحت آیات مشرع اول اسرار و جد و حال بدن تاریخ مر قومه کلنجه مراتب خلافت طریقه  
اولویه مولویه بالغ درجه احدی و عشرين اولمشرلکن نوبت بعض شهزاد کان سلف اوقات انقراض  
دولت سلجوقیه و جلوس شیخ مخلص پاشا و خروج ابنای قرمان و استیلای امرای مغول و تعارض  
امرای اوج و هجوم نوین زاده مکرم تیمور تاش بن جو بانه مصادفه ایتمکله تدارک فراغ بال صد دنده  
هر بری پرده نشین بطون و کوشه کزین کمون اولمغله اکثر احوال و اطوار لری زیر نسج عنا کب نسیان  
مانده اولوب انجق آثار خزیسه و اخبار قلیله لری مضبطه زیب خواص محرمان اولدینغی حسبله  
بلا زیاده و لا نقصان دیاجه آرای مجموعه محاسن کلیه لری قلوب (الذرة البارقه تنبی عن الذکاء  
الشارقة والذرة الفاخرة تبین البحار الزاخرة) مضمونیه عمل اولمشرلکه فی نفس الامر اول بحار  
زخارک ساحل ظهور شععه انداز اولان جمله جواهر عجایب معارف و غرایب خوارق لری رشته کش  
تسطیر دخی اولنسه بنه مضمون فقرتین مقرر در زیر کلمات باطنه لری غیر متناهی اولدینغی عند اهل  
التحقیق تلقی کرده تصدیق و الظاهر عنوان الباطن مصداقچه رسیده رتبه عین الیقیندر طوبی لغتفرها  
و بشری لغتفرها (در ذکر مخدوم اکرم و ممدوح انجم چلبی امیر عالم کوچلث ابن چلبی امیر عابد) \* نور الله  
مر قد هما و اصل مقصد هما آمین یا مجیب الداعین \* (آورده اند که) \* حضرت چلبی امیر عادل  
ابن عارف بزرگ مد الله الدائم المنان سلسله سرهما الی منتهی الزمان منطبقه الی امتداد الدوران چلبی  
امیر عالم بن شمس الدین امیر عابد مراعات احوال تعلیم و تربیه لری نصب عین امعان بیور و ب  
سر مونوازش و احترام لری انماض و تغافل ر و اکور میوب کو یا ذات نورانی صفات لری مردم دیده  
عنایت مر تبه سنه تنزیل و حقوق لوازم محافظه لری تقدیم بیور مغله جوهر ذاتیلرینه جلای حسن نظر  
انسان کامل منضم اولوب زمان بسپرده شایان تلقین سر حضرت پیر قدس سره المنیر اولمغله بحسب  
المأموریه الی و حایه الباس خرقه خلافت اولنوب او اخر نوبت عادلیه ده مسند زیب طریقت و تربیه  
فقرا و تسلیه احبا خدمته مستخدم و ولی العهد مر شدی اولمشر در حق امیر عادل حضرت لری قیل  
ظهور امارات الوقات اجلاس عظیم بیور و ب تمام محبت و نهایت صفویده نشاط و اهتمامه قیام  
و حضرت امیر عالمی مقام سامیلرینه اجلاس بیور و ب و بعد ازین عادل عالم میشود نفس انفسار لیه  
ختم کلام اشاره ختام عقینده خلوتخانه لری رجعت و چل روز مر و رنده جوار اجداد امجاد رحلت  
بیور مشلر در نور قبر السلف و اید امر الخلف بحرمه من له غایه العز و الشرف \* (منقول است که) \*  
حضرت چلبی مشار الیه ایام طلبیده شدت اشتغال قریحه صافیه و حده ذکاوت و افیه و کثرت تصفحات  
کتب مفصله و امداد همت استادله هنوز مشغول علوم آلیه ایکن متعالی فنون عالیله اولوب محافل  
رفیعه علمای بکارده واقعه اولان اباحت غامضه حلنه حواله ناخن دقت بیور و ب تحریر مقام و تفصیل  
مرامده میدان کبر اولدق لری جناب شفقت مآب چلبی عادل معاینه بیور دقچه (معلومست که ما تعلیم  
عالم و تحصیل حاصل میکنیم لکن ازین حال مر انا کزیر است که عدل وضع الشی فی محله و درین میان  
جزا و محمل نمی بینم) لطیفه سبیل مطایبه شکران نشاط انکیز بیور دق لریه پای مبارک فرقد پای لریه  
رومال ضراعت و ادب اولوب (کار از بضاعه خیزد که آن خزانه استاد عظم ذکوه و عظم اجره است  
و رنه صنعت تجارت بی بضاعه خیزد ان نیست) کلمات ادیبانه لریله عرض انکسار محبت افزا

چلبی امیر عالم کوچلث

بیور رایدی فی الحقیقه اوائل طلبده دسترس نهایت مطالب عالییه به موفق اولان وجود شریف  
نورانی لطیف بعد التکمیل والممارسة تقوله عالم تحریر وفاضل متبحر اولدینی قیاس اولته مع هذا  
مجمع البحرین علم ظاهر وباطن اولوب همیشه تمیج نسایم فیض علام الغیوب ایله سواحل الفاظ  
وعباراته جواهر نفیسه ولائی غنیه فشان اولدیکه اکثر قلوب اصحاب انصاف طرف باهر الشرف لینه  
منجذب و ورقاب قوالب ارباب طاعت مسخره اولغله مسند آرای خلافت اولدقلرنده باس ادب استاد  
وکنتم ملکه مادر زاده سندن کذر بیوروب بالکلیه در خزانه علوم و معارفه کشایش فرما  
وهر در یکنای نفس مشکل کشارین کو شواره اولی النهی ایتکه اراذل و اسافل منهومین معاشدن  
ماعداسی بنده حلقه بکوشلری اولدینی نودولتان ایالت قرمانه خلجان فرساویم ترزل اساس تمکین  
واستقبال القایلدیک لایح ضمیر منیر مکشفه سمیرلری اولدقلده کساد بازار اعتلای شان وهدم  
بنیان ایوان عنوانرینه چاره جو یلق سیاقنده عقد اولنان مجلس مشوره بر وسوسه بهو بیت لطیف  
ارشاد بیوروب جمله به دغدغه فرما اولان عقد موهومه بی مکشفه بالجماله ایله حل و تسلیه  
بیور مشلدر که بیت نظیر ناپذیر بودر \* مازیه بوندی اهل این جهان بس فارغیم \* لیل و روز و شب  
چومهر و مه برایشان بازغیم \* (آورده اند که) \* در زمان خلافت حضرت جلی موی ایله  
در میان اخوان و خلان عادت متبرکه بوایدیکه هر معصوم مضیق رحمن و مستغری عالمه کلد کده  
بهر حال حضور فائض النور لرینه عرض و استدعای تسمیه اولندقلده اسمای نادره الهامیه ایله  
تسمیه بیوروب و اکثر یا ذات مسمی دخی علی وفق التسمیه نشو و نما باب اولدینی قاصر فهمان  
طبیعت و فائز طبعان صورتیه کران نما اولوب مثلاً جمال الدین و بدر الدین و عارف و عادل و غیره اما قوله سی  
اسمای اختیار بیور ملرین خود بخود توهم ایدوب طائفه مولویه نیک تسمیه لرنده دخی بوی نخوت  
استشمام اولنور ایکن ادعای فنا ایتلری امر غریبدر دخی خرده کیرانه اداری کوشزدغیب  
آشنالری اولدقلده (بسمای نادر نام غریب مناسب است که گروه مامولویان نوادر دوران اند  
بس اسمای غریبه بدیشان موافق است علی الخصوص تسمیه ارباب نفس بالهامست و بامید تصدیق  
و رجای تحقیق ربانی مراد تعال خیر است انا عند حسن ظن عبدی ومع هذا بدان نامهای  
نامی کسی که از لهجه زنده نفسان منادی و مخاطب گردد بهر حال اثر برکت دم زنده بعنوان اعلام  
ظهور خواهد کرد فلا اقل معلما علم شریف تازیانه علوهمت و سرمایه اقدام و غیرت باشد که یاد دارم  
در حالت لطفولیت هرگاه که پدر و مادر و استاد این بنده را بنام عالم خواندندی از نفس شعله طلب علم  
سرزدی و از جاهل جلی شرم آمدی آخر الامر بدان شعله و شرم رسیدیم یا آنچه رسیدیم و ازین جاست  
که فرموده اند نام نیک مقدمه نیک گامست المنه لله تعالی و تقدس آن شعله طلب بنور مطلب و آن  
شرم بشکران و تحذیر انجامید) انفاست نفیسه لر یله دفع سوء الظن بیکانه و تا کید خلوص آشنا ایتلدر  
ومن لم یکن من ورثه علم الاسماء من جده الاعلی فلا یسمین من عند فکرة الاوهی کلام حقیقت  
نظام لر یله حسن ختام و تسمیه ارباب نفوس قدسیه شمره علم اسماء اولدقغه ایما بیور مشلدر و الحال  
کما قال لله دره و افاض علی البرایاره \* (منقول است که) \* زمان ارتقا عشان و اوان اعتلای عنوانرینه  
رشد سفلیه همتان و غیظتک مشربان آب زبر کاهله پرسش کیفیت و کمیت سلوک طریقه مولویه  
اولویه علی طریق الاحتجاج و الازام مطمح انظار کار محافل عالیه اولوب هرگاه که اصحاب سؤال طائفه  
مترسمان اولسه رایدی من لم یدق لم یعرف و من لم یدلم یدر فقره دفعی الفعوا سیله رفع بساط اعتماد  
و طی دقت ارشاد بیور ملری باعث اشتعال نائرة تعطش اولدقلده (منع المعروف عن الاهل بخل) موجب یله

عمله و سماحت و بذل معارف بی بدله خزانه کشای تحقیق اولوب لهجه پر هججه لرندن منصفه پیرای  
 کرم اولان نکات لطیفه لریدر که ایراد اولنور (طریق مولوی سلوک شمس است یعنی بانورایت جوهر  
 و کرمیت جذبه سیرمدارات شئون است که در هر دور تکمیل توحید آن شان میکنیم و شش  
 جهات عالم کبری احسن التوجیر از برکت بوارق لمعات معرفت مستنیر میکنیم و تربیه معادن جواهر  
 ثمنه حامد اخلاق و داد ثمرات و ازهار افعال مرضیه و احوال محموده میدهم و حرکت قسریه آفاقیه ما  
 بروفق ظاهر است فاما حرکت ذاتیه ما از غرب طبیعت بشری روحانیت است و دور ما طواف کعبه  
 حقیقت احدیت و مقام ما فلک المعرفه است که اول فلک شریعت و ثانی فلک طریقت و ثالث فلک  
 حقیقت و رابع فلک المعرفه است پس آنانکه بر حرکت مستطیل اینیه میروند از اوضاع و تسیرات  
 شمسیه کجا خبر یابند مگر آن ثمار و ازهار را نبینند) انفاس نفیسه لریده شرح کله جامعه فریور و رب  
 حضار حلقه استفاده لرین غرقه عجمان حیرت ایدوب سابقه عنایت دستگیری اولنره نو کرم هدایت  
 توأملری فریادرس اولوب کبار قومدن بر کرده انبوه دفع تلاش تردد له دخیل دایره ارادت لری و کلاه  
 و فرجی مولوی پوش اولغله اوساط و صفار دخی تقلید صدق تأید له سلوک طریقه معرفته مولع اولوب  
 زمان سپرده دار اولایه قونیه حرسها المولی عن البلیه محمیه مولویه و آستانه سعادت لری متوجه ذرات  
 و ذرائی انسانیه و کالات و کرامات عالی معلوم عالی اولشدر انا الله برهانه فی الاخری کما انشاء شانه  
 فی الاولی آمین بحرمه من له الشفاعه العظمی و الاغاثة القصوی \*(نقلستکه)\* نوبت بر غیر نلرنده  
 علی سبیل المناوبه مستولی ایالت قرمان اولنلردن بقیه اولاد نوین زاده نبور تاش بن جوبان و اعقاب  
 امیر الامرای ظهیر الدین ولد تاج قزل و نو ظهوران ابنای فرمان بینلرنده معامله نوم لنا و نوم علینا جاریه  
 اولوب لکن اکثر از باب فطنت و تدبیر و اغلب اصحاب ثروت و شمشیر بر وانه شمع ارادت و فتاده دام  
 محبت عالی اولغله بعضا عامل فعل مدارا و بعضا محامل صدق مواسا اولنلر دخی کیفی لری ناصیه  
 حال و ما لریده بیدار اولغین جمله عرق سلطنت قدیم لرین سندا اغنا ایدوب و ذات ملکی الصفا نلرینک  
 نکین انکشتیرین دولت اولمرین رجا مند و سایه معدلت و اقبال لریده آسیایش چند روز نیاز باشی  
 ولد قلرنده (سلطنت مغنویه خرب مانی نیاز از صورت ملاکست و دول ظاهره محتاج همم باطنیه  
 ایشانست و چون سایه تابع قامت استقامت آن غوثانست و کلاه و خرقه و سجاده آن اقطاب کم از تاج  
 و خلعت و تخت شاهی نیست) جواب با صوابله پرده کشای دیده احباب و دافع شبهه دل اولی الالباب  
 اولوب ترلزات دولت بیرونی اثر تحویلات ولایت اندرونی اولد یغین ایمایور مشلدر فی الحقیقه  
 اولی به تکلیف سروری بعینه جانه عرض سریدر مع ان حیات الرأس بالروح ادام الله دولتهم و انار  
 کالبدر اهلتهم (چنانکه) در هنگام تعارض طوائف ملونه فارس از سید نعمه الله ولی تشریف چار  
 بالش دولت رجا کردند و ایشان فرمودند که جان خان نمیشود و سلطان عالم را شبانی آدم زبید \*(بیت)\*  
 محراب روان کعبه رخساره ماست \* سلطان جهان ایندل چانپاره ماست \*(آورده اند که)\* مریدین  
 و محبین مخلصندن استدعای همت اولاد ایدن و خیر انسا الله مرزوق اوله جقلره بشارت و لطفله همت  
 کنیم اما بشرط آنکه نامش فلان دهی دیوا اسمای ذکور و انانندن بمقوله نام تعیین سورر لراییه  
 مسما سنمه موافق واقع اولوب پیشین مبشر اولور لر ایدی فاما محروم بالکلیه اولاجقلره سکوت و نسل  
 خبردن بی بهره اولاجقلره خدا خبر دهاده دعا بیورملری امارت مآل اولور دی و هر ولده همت زاده  
 بعدن زمان حضور فائض النور لرینه عرض و نیاز نوازش دست سودا و لند قدنه منوال اوزره نفس  
 مبارک لری ظهور ایدراییه مثلا ملا و امیر و قاضی و حاجی و درویش و غیرها بر حال اول معصوم ملکی

ذکر بیوریلات صنفه الحاق اولوب تخلف پذیر اولدیغی ثنای جمیلی بین الخواص مشهور وهر کس  
 علی قدر ادرا که محتمل ان بربینه حمله تفصیل مجتلی سمع هما یونلرینه رسیدہ اولدقدہ (الاول والخال  
 مرا یا الا و اخر و الما لمن یبصر بنور العلم المتعال) نفس قدسیلر یله حل عقد اشکال و دفع توهم احتمال  
 بیورمشلردر که فی بصر و بی بصر مضمون شریفیله مؤید در پس پوشیوه کشف آیینلری دلنشین کبار  
 وحرزالامان صغار اولمغله کبار کفر تار دام اعتماد و صغار مرید مادر زاد اولمشدر که اعتقاد سر دادکن  
 زانوی اناتلری عین البیقین و مأمون الغائله تشکیک و تردید اولمغله نومریدلری سبقت اوساط  
 سائرہ ایلوب مدت سیرہ دهر رسیدہ نہایت اولمشدر لان الاعتقاد جناح النجاح فهل یستوی الطائر  
 والساثر \* (نقلستکه) \* حضرت چلبی مشار الہدن طریقہ مولویہ سلاکی ظہر الخبج متوسل اسم  
 جلال اولوب مجامع ذکر تلقیندہ اسم جلالدن ماعدادی ذکر و تلقین ابتدا کرینک سری استکشاف  
 اولندقدہ (جد امجد حضرت سلطان العلماء قدس سرہ الاعلیٰ راسوال کردند از مبدا و منتهای توجہ  
 ایشان فرمودند کہ من اللہ باللہ فی اللہ الی اللہ پس در سیر و سلوک اصلی کہ غیر اللہ نباشد پیر و زائرین  
 واجب است کہ طی ادوات کنند و بقولہ تعالیٰ (قل اللہ) عمل نمایند علی الخصوص اسم الذات  
 مقدم علی اسماء الصفات و الافعال و مفید فوائدہا بالتضمن والاستلزام و مع هذا من تعقی فی تفسیر قولہ  
 تعالیٰ (اللہ نور السموات و الارض) یعرف ان الاسم ینورہما کالسمی والغرض منه الاعتصام  
 والتوسل والاستنارة والتتورفتی حصل فی الآفاق حصولہ فی النفس اولی پس اسم ذات در تنویر  
 آسمانهای ارواح و زمین طینت سالکان بی نظیر است چون ظاہر و باطن سالک کہ منور بتنویر اسم  
 ذات کرد و اولین ثمرہ اش عبودیت شود و این عبودیت مثمر معرفت باشد و هو المطلب الاعلیٰ والمقصد  
 الاقصیٰ و کما أجیب عن استفہام النہایۃ بالرجوع الی البدایۃ تنجیب بآئہ واللہ اولاً و آخراً و سائر الاسماء  
 متولد عنہ و راجع الیہ لان اسم الالوہیۃ جامع لہا علی مابین فی موضعہ و من هذا تبین کون طریقہ تاختم  
 دائرۃ الطریقۃ لان استدارة الزمان من استدارة الاسماء و قد استدارت و ادارت متوسلہا حسبما اقتضت  
 آثارها و المسمی فیاض حکیم باعث علیم) تحقیق حقیق القبولیہ کشف ستارہ اشارت بیورمشلردر کہ  
 اسلاف کرام مولویہ دن سر نسبت مولوی استفسار اولندقدہ بدرقہ ما اسم اعظم اللہ و راحلہ ماتوکل  
 وثقہ باللہ و زاد ما عشق و محبة اللہ و مقصد ما معرفة اللہ و باین معنی ما الالہمانیم چو اللہ جل اسمہ و عز کلمتہ  
 این راہ را پیشوا و مرشد حضرت مولانا قدس سرہ الاسرار تعین فرمود باین سبب مولوی نسبت شدیم  
 کہ در دائرہ این طریقہ جز الہی و مولوی چیزی از ذکر و فکر و حرکت و سکون نباشد بیورملرینہ توارد  
 اولدیغی ابہر من السحر و الظہر من القمر در \* من کان لہ عین \* یستبصر عن غیب \* فلیأت علی شوق \*  
 فی خدمۃ مولانا \* (آوردہ اند کہ) \* حضرت چلبی عالم قدس سرہ القا ثم جناب ولایت ما بلربنسک  
 اطوار اربع مضبوطلری مرایای احوال چارگانہ موافقین و مخالفیندہ جلوہ کرا ولدقدہ آثار جزیلہ  
 جلب و دفعلری کرامات باہرہ لرندن عدا و لمشدر کہ اولاً صورت و سیرۃ موافق اولنلرہ مواسا و مجاملہ  
 بیورملری موافق مر قوی نائل کمال ظاہری و باطنی ایدوب متفرسین احباب حال معاملہ لرندن ما لہ  
 انتقال ایدوب اول مقولہ نومریدہ باعتبار مایؤل الیہ منتهی نظر یلہ احترام ایدر لر ایدی ثانیاً سیرۃ موافق  
 و صورتہ مخالف نما اولنلرہ مواسا و منافرہ بیورملری موافق مذکور لہ پر توتربیہ حکیمانہ لر یلہ متورن  
 اولہرق ترقی و تخلیہ بقایا یلہ مجمل زبور محرمتلری اولوب معتبرین اخوان تقلید معاملہ تربیہ اندودلریلہ  
 اول فریقہ متوسطین مجاملہ سن بیوروب تسلیت فرما اولور لر ایدی ثالثاً مخالف السیرۃ و موافق  
 الصورت اولنلرہ مدافعہ سری و مدارای صوری بیورملری مخالف مار الوصفک تدریجاً پردہ

نفاق دریده اولمغله بین الناس شوریده حال و پریشان مال اولوب سامری وار نشانه تیر لامساس  
اولنجیه اخوان ذوی الالباب اول فرقه پرتفرقه ایله بیگانه آشنانما اولورایدی رابعاً مخالف مطلق  
و مستدرج اولنلرینه مدافعه و حافی و منافره جسمانی بیورملریله و غیر مستدرج اولنلری منزله  
اعدامه تنزیل و سیر و عاوج لاند میرلرینه توجیه همت و تسلیط غیرت بیورملرله خلان و فادخی  
یکدل و بکرنک اولوب مطلب مترقب و مقصد منتظر منصفه آرای ظهور اولدقدده سهام توجیه غوثانه لری  
مصیب غرض و مدار مصیبت اصحاب اغراض اولق نشانه عظمای ولایت و امارت کبرای  
کرامت لری اولد یغنی مفهوم بیگانه و آشنا اولدقدده اینها آثار رفتار مولویست آنانکه زند کانی خراش  
جو یند باثر ما یونند نفس انفسلریله توصیه و تعلیم بیورر لرایدی فی الحقیقه مراتب طباع چارکانه  
رعایتی بهره یان دقایق معاملات انبسیای عظام و محرمان اسرار حقایق احوال اولیای کرامه اوجب  
واهم در که خاک و آبی مزاجان جذب و تسخیرینه و بادی و ناری طبعان دفع و تدبیرینه بدل و سع ایدوب  
مقتضای علوه همت و نتیجه مقدمات غیرت و حبت اوزره نایند قدم مرکتکین اوله لر \* هزار خویشک  
بیگانه از خدا باشد \* فدای بکتن بیگانه کاشنا باشد \* و کاشنا بیگانه الی هذا الاثر بقوله قدس سره نحن معاشیر  
العرفا نعاشر بین الوفاء و الجفا \* (نقلاستکه) \* حضرت شاهزاده خاندان دولت ولایت مولویه و اواخر  
نوبت خلافتلرینده و فرقت تلامذه بضاعه دار و کثرت مریدان حقیقت شعار و غلبه محبان صداقت دثار دن  
حلقه دائره کرامت مدار لری سرچشمه زلال ذوق و صفای محیط کردار اولمغله دار الولاية قونییه حرسها الله  
من البلیة حسرت الملوك نواحی اولوب لیکن غیرت عالمیه دن قلوب رقبا هر اسان و داخل حد و دینه  
وضع قدم سوء قصد دن پشیمان اوللر بله اطراف محالک کونا کونا صلاحه مالا مال ایکن زیر قادمه  
حمایه لری آسایش نظام نام اوزره اولد یغنی شکرا نه سی تقدیم پیشگاه مرحمت مصیر لری اولدقدده  
تحدیثا و بدیهه شرفیافته انشاد اولان آیات شریفه لریدر که ابراد اولندی \* (بیت) \* عالم از عالم نیرد  
زیب و فر \* ورنه باشد بوستان بی ثمر \* وسعت و صفوت کجا بودی بیم \* کنبودی حامل یگا کهر \*  
صدمدر یابند از جان و تنش \* ککام دل جو یند کان بحر و بر \* فی الواقع بیور دقلری عالم علی  
الاطلاق حققدده بیان نفس الامر در و خصوصاً عالم خاص الخواص اولان ذات عظیم البر کاتلری  
حسب حالی اولد یغنی حق شناسان زمان باهر البرهان لری عندنده مجمع علیه و معتقدیه در و یونیده  
قول العلامة القنوی العالم لب العالم حتی سینه کوبان خبیعه و فائزیه استغرابا ماهذه القیامه عنوانیه  
استفهام کانه جمله واحسرتا کویان موت العالم کویان العالم فقره مقرر و سبیل جواب جواب الاشکال  
و پر مشلدر و لهذا قبل فی الاشراف لایمة العالم مقام فی العالم \* (آورده اند که) \* اول عالم عامل  
لامع الکاف دائره قطبیتلرینه پر تواند از آسایش درونی و بیرونی اولوب صغیر و کبیر سایه حمایه لریده بی  
قید آسیب ناخست و سوخت و خوشحال زراعت و خرید و فروخت و هنگام و ر و دقوافل محالک نایبده  
اخبار عجیبه فتن استماعیه هر کس حالنه متشکرا اولدقلرنده نقله اخبار غریبه \* (بیت) \* ماسینه صاف  
آدم و بی قید عالمیم \* صلح تمام و باهمه خوشحال و خرمیم \* مارا ز آمدن زید ز یادتی و از رفتن عمر و غمیری  
نیست) انقاس عطر تسلی فشانلریله دماغ قدر شناسان وقتی نشئه مند روح عنایت بیورر لرایدی کویا  
کوی علاقه لری دار النجاة و ذات قدسی صفات لری نائب نوح نجی اولوب امواج طوفان ملاحدن و افواج  
سیلاب مصائب دن مقدار شمه کز یندر سیده اولیوب و معاقبان ستم دید کان و مسارعان کریمتسکان این  
المقرره التجای سایه دیوار دارالامان حصار قونییه سرمایه فراغ بال و دافع درد خفقان نشئت حال  
اولورایدی بوطریقله سلامت باب اولنلرک اکثر دغدغه جمعیت دولت و حشمتلرین رعده بلامطر و حرز



بی اثر مشاهده اینککه ترک برک و نوا ایدوب کردن ارادت بسته است و ای تسلیمی اولشدر حتی امرای  
 قیصر به دن امیر سینی کریران صدمه فرمایان اولوب دخیل درگاه ولایت دستکاهلری والباس کلاه  
 و خرقه ایله ~~سکوشه~~ و حدت نشین و بقیه درد پیشیندن ضعف قلب ایله متعجز اولوب لیکن هنوز  
 معروض پیشگاه طیب الهی ایتوب قوه مکاشفه لرینه اعتمادله دیده نیازد و زجانب جنابلری  
 اولدیفی شب هنگامده و خلال بهوشی خواب اضطرابده کند و بی بردیار نورانی السنا بستانلرنده  
 مشاهده و میان پوستانده برقص فرح فزاده حضرت جللی عالمی لامع معاینه ایدوب و از یاد المندن شکوه  
 سیاقنده استمداده منتهی ایکن دست گرم پیوستلرنده اولان یکدانه سینی کند و نه اناله بیوروب (این  
 سبب مادفع آسیب شماسست) نفس خیالیرله تشبیر و دردمند سینی دخی بلاتراخی تناول ایلدیکی  
 ساعت مغنم برء و عافیت اولدیفی سرور یله بیدار اولوب لیکن سینه سنده هنوز بقیه انشراح  
 خیالیدن قوت قلب زائد الوصف اذعان اینککه علی السحر پیمانه میدان چل تنانه جهمه سای اولدقه  
 مترقب هوا لطف غوثانه لر ی ایکن بد مبارک کربن جیب کلیماته لرینه ادخال و اخراج بیوروب و در عقب  
 بهنایه الفتاح خدا التفاح مطایبه سیمله صحبت شبانه بی بعینا اعلان ایدوب و اول سبب غمیلر بغنی تناولله  
 کلیه او جاع و اسقامدن شفایاب اولوب و ثلاثه ارباعیله دخی نیجه مستمندانه عافیت بخش اولغله دائمی  
 علی وجه المباحات بو بیت دلا ویزله ترنم ریز اولور ایدی \* (بیت) \* بهم کردی بسبب غیب از جیب  
 \* بدیضا نمودی یعنی لاریب \* (منقولستکه) \* اول بدر منیر فضائل علمیه و عملیه و کالات کشفیه  
 و کرامات علویه ایلده دوره نامه نوبت زن خلافت خشکارا کبری اولوب او اخر عمر نازینلرنده سر اوقات  
 غیرت و قیاب عزتدن بالکلیه میدان ظهوره کیت ران اثمار اولوب جمله جنبش و آرا ملری و عامه  
 اوضاع و احوال لر ی ماتند نجوم زاهره اعلام ارشاد و سیوف خارقه عادات اولوب حواصل عقوله  
 کجایشدن بیرون اولغله بحر الکمال شهرتیه معروف اولدیفی جینده (ا کرچه لقب مستحسن است  
 اما از برز و ال پیام دهم) مضمونیه جوار رقیب رحیمه انتقال لر ی قریب اولدیفین ایما بیوروب و حضرت  
 جللی امیر عارف کوچل بن امیر عادل بزرگ جنبانی نظرو لی العهدی ایله ممتاز و تمهید مقدمات بدیهه  
 و وصایای حقایق حاویه تشریفیه سرفراز بیور مشلدر که وصایای مرقومه دن کوشواره جان عارفان  
 اولغله شایسته هفت کلمه جامه لر ی خیر الختام منقبه نفیسه لر ی قلمشدر (العلم اساس العمل و فوق کل  
 ذی علم علیم فعلوا و تعلموا) الاعمال اعلام الهدی و الهمم فارفعوها و اصاب قوی الشیم و ایا کم و خفضها  
 بهم وین التسویف و تعویق الهمم \* تحمّلوا احاشن المشاق و تحمّلوا احاسن الاخلاق و الاخلاق من  
 الخلاق \* توسلوا بالاخیار و ترصدوا الانار و ترقبوا الانظار فتوصلوا بها لرضاء الجبار \* افتحوا کنوز رموزکم  
 بکسر طلسمات الاضافه مستمدین بعجایب عزائم الافاضه \* سر و اعلی مدارات الشؤون و المراتب کی  
 تفوز و باقرب المناهج الی اقصى المطالب) لاتغفلوا عن الخطوة الاولى فتغفلوا بعیدا فی الاخری  
 \* (و مر ویدر که) \* اقتراب زمان ارتحال لرنده کو یاسینه برسکینه لر ی تور فوران حالات اولوب  
 مجالس سماع صفاده اکثر البسه لرین قوالانه بدل ایله تکریر آیین و جدا کین بیوروب نهایتده هذا  
 سماع الوداع بیور ملر یله خانمانسوز اصطبار عشاق اولوب آخر الامر داغ هجران لر ی مهرانمه  
 صحتلری و روز وفاتلری نمودار شور قیامت کبری اولوب و اکبر و اصغر کمد آخی اسطوانات قیاب  
 عالم بالا و سیلاب خوناب اشکنی کدردر یا ایتد کده کند و لر سایه شفا عتنامه جد بزرگوار لرنده دست  
 افشان ذوق وصال و پنهان کن اخوان سینه کو بان ضحیرت اخزان و جسد منور لر ی درون تربه  
 معظمه فردوس رتبه ده غنوده روح و روحان اولوب مرقومه دسلری دفینه العلم دعوتیه مشهوره



اولشدر والی یومنا مواجعه مدفن مشرفلریده صدق و اخلاصله مستکشف معضلات علیه اولان  
 مریدین و محبین در حال مغتنم انحلال و انکشاف اولوق مشهود علیه ارباب شهود در لازال غایب کما کان  
 عابرا آمین بجرمة السید الامین و اتنای خجسته و فائزنده سرزده قراچ جرایج اولان مرثیات  
 خارا شکافدن چند قطعه قطعه مضمون و شکایت فراق مشکون ایراد بیلده دعوی طاقته کدازی درد  
 هجرانلرینه استشهد اولندی \* ازان چلبی امیر عارف کوچک (قطعه) حضرت عالم اولوب عامل امر  
 علام \* برق لامع کبی جان آندی در علامه \* عالم علم و محمله علم المع ایدی \* پیشوا اولدی نه قافله  
 اعلامه \* ازان درویش فیضی الخی (قطعه) دردا که چنین عالم اسرار لدنی \* اندر لحد خاک سیه  
 کشت دینه \* با کردیتی کهرش فاش بینید \* از کل جواهر شود آن جای خزینه \* ازان  
 مخدوم سامی قدرش چلبی امیر عادل کوچک این امیر عالم (قطعه) کرچه معلوم اولدی بعد الغوت اما چاره  
 نه \* وقت سور صحبتنده بلند قدرین دریغ \* موت عالمه مکر یکسان بر ماتم ایش \* منزل بدر وجود  
 عالم اولوق زیر میغ \* لکن حامل سرمین و جانشینلری اولان چلبی امیر عارف کوچک  
 حضرت تارینک زاده طبع خریئلری مبنی علی المکشفه اولدیغین بیتاب تب حسرت و جویای چاره  
 دفع فرقت و دلشنه زلال وصلت اوله رقی پیورلی و شتابان التحاقلری اولوق مؤید و مبین واقع  
 اولشدر نعم الرفیق الشفیق و بهذا الدلیل الاصلیل طوبی لهم و حسن مآب فاعتبر و ایامعاشر  
 الاحباب \* (در بیان خلافت چلبی امیر عارف کوچک این امیر عادل بزرگ) \* مدالله الدائم المنان  
 سلسله سرهما الی منتهی الزمان منطبقه علی امتداد الدوران \* (روایت کنند که) \* اول شاهزاده  
 ولایت مآب و خانواده کرامت نصاب سرمایه دار سر عارف بزرگوار و یاد کار امیر عادل نامدار اولوب  
 کرچه علوم روایات و درایات بجشنده حائز قدر مشترک ابنای و قتلری ایش فاما معلوم کشفیه و فنون  
 عرفانیه ده فائق الاقران و اعمال شریعت و افعال طریقت و احوال حقیقتده یکنانه زمان و مشار  
 بالنان و من کل الوجوه اهل محل خلافت مردان ایکن مخصوص امر خلافتلری عموما اخوان الصفا  
 و خلان الوفا مرا یای صافیه خیاللریده عکس انداز استحقاق اولغله مجمع علیه و اجلاس و اسپین  
 حضرت امیر عالمیده جلوه نما اولان صورت تعین ایلده معلوم بقین اولمشیکن نهال وجود نازینلری  
 نوخیز بوستان زمان و استکثار کونه بین العوام داتره اولان کلیات ظاهره کوشزلری و سلسله  
 جنبان غیرتلری اولغله جسم عروق اشتباه سیاقنده بالذات امر خلافتلرین مفتاح الغیب انفتاحه  
 حواله بیور و بوز جعه عین الجمع جلیبان و خلفا و فقرای در که خنکارا کبریده حاضرین اولوق اوزره  
 تنیه و باب مولی انتساب تر به عرش ربه جلوه مواجعه سنده تقفیل اولغله تأکید بیوریلوب میقات  
 موعودده و جمعیت عظمای معهودده بر مقدار توجه و مراقبه عقیننده یا مفتح الابواب افتح لنا خیر الباب  
 نیاز بیلده قفل محکم کی کلیده تقدّم و اقدام استفتاح بیور دقلریده بعنایه الفتح المغیث هنوز بینهماده مقدار  
 ذراع بعد موجود ایکن ظهور از بر غریب و اهتر از بحیله منفتح اولسی عیون حضارک سرمه  
 اخلاصله اکتحالنه باعث وز بایند غیاب و سرمه آواز اغتیب اولوب علیه عین الله یا عارف اکاه  
 زمزمه سبله و لوله انداز قباب آسمان و ورد زبان سبجه کردانان زمین و محافل عالیّه ارباب انصافده \*  
 نادر جای عالم غیر عارف \* فقره شریفه سی مثل سائر اولشدر فله الحمد والمنه و علی حبیبیه اشرف التحیه  
 نوبه بعد نوبه صدر طریقت علیه بریدر کامل صاحب عزیمته منزل اناره و مشرق اضاءه اولغله منتظران  
 عنایتی قریر العین ایدوب انفس و آفاقه بر تواند از ارشاد اولشدر دامادام بنو آدم و قام مقام بناء العالم  
 آمین یا محیی الداعین \* (آورده اند که) \* حضرت عارف ثانی نقد وقت اول و اکثر اوقاتده سیر

چلبی امیر عارف

وسیاحت دار و دیار و تفرج باغ و فراغ و انهار اوزره و اوائل نوبت خلافتلری استقلال ابنای قره مانه  
 و واسط و اواخری زمان یلدرم خانه تصادف ایدوب هنوز قرت تیوریه سرایت کرده عروق بمالک مرزبوم  
 روم اولیوب احوال اهالی نظام تام اوزره بی کلال و ملال و لغین اطراف احباب بلاد و اکاف طوائف  
 امرای صداقت نژاددن تتابع دعوات و تلاصق مر اسلاتله استجلاب توجه قطبانه لری دخی بادی  
 نهضت و باعث حرکتلری اولوب و سوسو بشویش بفریلله قلوب مشتاقین تطیب و بی شمار نفوس قابله مرید  
 مخلص و محب خالص اولوب کویا اثره ملک روم یکباره مولو بیخانه و منکرین مولوی الاعتقاد  
 مانند مرده دیورجیم احاطه عظم نورذ کرا الهله بین القمر و المفسر کردان تبه هیمان و اسیر پابند  
 خذلان و معذب نکال تقدس قرا اولوب بومقوله لوی تعصبلرینک منکوس و طالع لری نک معکوس اولسن  
 زعمر نجه اشراط ساعتدن هدایدوب سرب بی دولت ارادتلرینه قیامت کونا کون قوچشیدی  
 همچنین بادابدالابادحتی آیدین اوغلونیا زیله کستل طرفن پرر و شنای ذکر و عرفان ییوردقلرنده  
 منعقد اولان مجالس سماع و صفای برخو شده نعره دهشت فرمای جلال آمین و پشت پای غیرت  
 بیای تدمیرانکیزلری نیجه نواقص سرمدیه نک اشارات حشف الانبی اولغله کچ نظران آیین وحدت  
 اکین اولان مقرر دیندن ساحه بزم معارف تواملری بالک و بی بالک نقش پای اغیار اولوب یاران یکدلانه  
 حلقه محبتلری کلشن و روشن اولشددر فی الحقیقه ثابت قدمان مر کدائرة وجد و حالتک حال پشت  
 یاونعره لرزه فرسالی آثار جلایه دن خالی اولدیغی آشنایان رفتار بهوشیده دکلد و کرارا و مرارا  
 جلوه کرمرایای تجارب صحیحه اولشددر نعوذ بالله الحفیظ مما یؤدی الی انکسار قلوبهم الزکیه والنظر  
 بالشزر والحوال الی اوضاع قوالهم الصغیه آمین بجرمة السید الامین \* (بیت) \* از نگاه کچ بسوی  
 راستان \* بد نظر را کور و کوری بهتراست \* (نقلستکه) \* اول کان کوهر عرفانک مخلص  
 اشمه لرلری عارف اولدیغی کبی اکثر مباحث مجلس عالی لری عارف و معروف و معرفت اوزره دائره  
 اولوب سر رشته تحقیقات رائقه لری بهر حال تعریف و توصیف و تحقیق امور ثلاثیه منوط اولورایدی  
 مثلاً العارف کله معروف و معارفه لاینکرها الا النکرات والعارف یتوج ولا یتغیر والمعروف  
 بلا معرفه کسر اب بقیعه ولا معرفه بغیر معروف عارف جان و ماعداجهان است والعارف تکفیه  
 الاشارة من احتاج الی العبارة فلیس بعارف والعارف من غاب عن التكلم والخطاب والمعرفة کیماء  
 السعادة والمعروف مرآة الشهادة والمعرفة روح الولاية والمعروف لب الکرامة ومحجوبية المعرفة  
 للحق توجب مطلوبة العارفة من الخلق فتی تخلف الموجب عن الموجب تقوم الساعة \* وشیوه همت  
 اسلاف کرام اولان تألیف معارف نامه نیازنده و مال پیمانیخه غوثانه لرینه (دل آگاه و دیده روشن  
 معارفنامه انفس و آفاقت و بی اینان هیچ دقت و دیوان مفید یاران نشود) مضمون ارشاد مشکونیه تشبث  
 اصل اصیل ترغیب بیور مشلدر حتی جملة آثار جلایه معارف لرنده اصحاب معارف پنجگانه اولان  
 سلاطین دیهم ولا یتله متوارد اولدقلرندن ماعدامتفرد اولدقلری ابکار معانی حسیرته افهام و با کوره  
 بوستان مشرب و اسعلری لذت بخش کام انام اولغله عرفان سیار و عجمان اسرار وصف لطیفیه معروف  
 عرفای دار و دیار اولشددر \* (چنانکه) \* گفته اند \* هر که ارث اثر یابد از سلف \* رفته رفته  
 میشود خیر الخلف \* ورنه در تبه هوا چون کردباد \* میدود بیوده و کردتلف \* (روایت کند که)  
 دخیل حلقه صحبت بر معرفت لری اولان خلص اخوان و خلان و زمردنوددی ایقان و فرقه تفرقه تردد  
 امتحان مرآت مواجهه سر بره صافیه لرنده سرائر کامنه لرین معاینه و هر کس شاننه لائق معامله ایلله  
 مبادرت مر اسم شکر و تدارک استغفای قصور ایدوب ضرب اول فتح باب خزانه عرفان و نشر فوایح

حکم و عبرت را به مقتضای کوه ثانی تبار جواهر نصاب ترغیب و ترهیل مستفید و فریق ثالث حصه احقان  
اولان سکوت سکون اند و دل به مندفع اولوب العیاذ بالله الرقوف حضور فائض النور لرزیده جز آتمای  
لم ولا اولنلدر حال متغیر سوء مال اولوب وقت احتضارده کلمه شهادت برینه لم ولا ایله ختم کلام ایله کلمی  
نخونه خسران ختام و اماره حرمان لثام اولغله افرای قرابت شعار لرزیدن عرق شفقت جبین اولوب  
بومقوله بی بهر کانه دشمنی شمول کرم عموم البر کاتلین نیاز مند اولنلره (رجا از فتاح هادی کسید که  
کوش ایشان کشاید و کونه باب دعوت همیشه کشاده و لوازم میزبانی همواره آماده است فهل من  
مجیب منیب ایله پاسخ را سخ فرما اولوب \*) (بیت) \* کچه ناصح را بود صدر اعیه \* بند را اذنی  
بیاید واعیه \* ختم الله را چاره جز قبح الله نیست نفس صمصامیلر یله قطع ریشه خلجان و حسم رک  
امتحان کردن کشان ایتش لدر \*) (چنانکه) \* فرموده اند \* کر سخ نکش یایم اندر انجمن  
صد هزاران کل برویم در چمن \* و ر سخ نکش یایم ان رهزن مجرد \* میگر یزد نکش از دل چودزد  
\* سمع چون مخموم دست حق بود \* نصح کردن ظلم و شوق و ذوق بود \* (مر و بستکه) \* اول  
کوهر شیخ را غلج مغارف ساحل صورته و خشکسار طبیعتده آرامدن ملول اولوب بنه جانب  
منشأ پیشینه بر تو انداز توجه اولغله غلبات حالات دمبدم افزایش پذیر و تلاطم امواج اشواق نفس  
نفس سفینه نفیسه بدن قدسی طینت لرنی سائق سمت استغراق اولوب آخر الامر باد بانکشای جانب  
ملک بقا و راست دار خله و احسرتا الی لقاء الا با و مبادر و داع دار القنا اولوب حضرت ولی عهد  
ولایت لری اولان چلبی امیر عادل کوچکی دست کرامت پیوستلریله مسند خلافت تریه معظمه نورها  
الله تصدیق یور و ب عامه خواصی خدمت احترامه تعیین یور و ب (من ارادنا فلیکن مریده) طغرای  
غراسیله منشور نیا بتلرین توشیح عقینده کلبانک مولوی کش تبریک اولوب خلوتخانه ملائک آشیانه لرینه  
رجوع اثنا سنده مانند سایه رومال بای علین پیمالری بولنان محرمان رازه توصیه تسویه جهاز انتقال  
یور دقلری هنگام شامک زمان ظهور تباشیر صحنده بدر کمال روح و انلری آفل باخترفضا  
و غوطه خور محیط خفا اولمشدر و عقیب و فاتلرنده احزان فوات نعمت صحبت شریفه لر یله نالان  
و کریان اولان عند لیان کاشن محبتلرینک نجات مرثیه پرداز لرندن جانشین ولایت لری امیر عادل  
کوچک و پرانین حرقت فرق لری جمال الدین حضرت لری نک اثر مؤثر لری ختام منقبه الطیفه لری قلمشدر  
\*) (از ان امیر عادل قطعه) \* حضرت عارف سر ملکوت \* بزم املا که ایدوب شد نطق \* ماتمی  
بو کدی بیلین افلاک \* فرقی طاقه ترا یلدی طاق \*) (از ان جمال الدین قطعه) \* عارف چلبی  
دعوت آبا ایله آه \* نا که چکوب کندی بقا ملک کنه آه \* کلد کده نظام صدقه یعنی خلل \* چکدی  
کهرین اهل فنا سلکنه آه \* ودخی نتیجه ذات مسله الصفات لری حضرت خلف الجمال جمال الدین  
قدس سره المبین اثنای احتراق اقترار لرنده بی اختیار شب و روز سینه کوب درد هجران اولغله آشنایان  
و خویشان بر وجهه تسکین و تسلی ایده میوب ناچار مستمسد سر بر زر کوار لری اولوب مخدوم محترم  
و منظور مکرملرینه و رای تقی اقق خیال دن عرض دیدار یلدیکی سرور نا محصور خلالتده (برای کهن  
بنای بدن ایتقدر دم سردزدن نشاید که در میانه لطائف ارواح و شرائف اسرار بهیج راه فراق نکنجد)  
نفس قدسیلر یله بالسکامه تسلی بخش اولدقلری و اول شهراده سامی تباری معیت روحانیه لرینه ارشاد  
و غم فراق دن آزاد یورملری عین الجمع خلان الوفا بی دشمنی دلشاد و تعرض نفحات سریه مقدسه لرینه  
معتاد ایتکه مشفقان صحبت ظاهره اسلاف عظامی یقیند تأسف و مأمون غائله تلف ایتشدر  
فی الحقیقه آشنایان روحانیه خفی دکدر که جمعیت روحانیه تفرقه پذیر او میوب و اجتماع اتحاد معرض

جلبی امیر عادل

افتراق اولدیغی متعلقان صور و نظار طواهره کرچه افاده بیرون حد امکاندر این یکی فلیسک علی نفسه  
فانه اسیر حسه) لکن مبدأ و معاد کثرت و وحدت و بدایت و نهایت اختلاف اتحاد اولدیغی لدی اهل  
الحقیقه رسیده درجه تحقیق قدر علی الخصوص بخلاف زاجات و مصایحه توافق و اتحاد اولدیغی  
منصوص علیه وقصه اشغال و اطفای شمع حضرت پیر قدس سره المنیر له جلوه کر منصفه عیان اولشدر  
متعنا الله الهادی بالاطلاع خبا یا اطوار هم و انتفاع ضرایا سرار هم آمین یا مجیب السائلین بجرمه من  
أرسل رحمة للعالمین \* (در بیان مفاخر جمیله قطب کامل و غوث واصل اغنی حضرت جلبی امیر عادل  
کوچک ابن امیر عالم) \* رضی الله عنهما وعن آبائهما أید الابد و ارضاهم بشهوده فی ریاض  
الانسیوم التناذ آمین یا عمیم الاحسان الی العباد \* (روایت کند که) \* اول سر خلقه جمعیت علم  
و عرفان و هر کد اثره ارشاد اخوان و خلان پای تمکین دار میدان امتحان و بیغائله تضاد و تقابل اقران  
مسلم الكل منسوبان خاندان اولغله معرفین بزم اولین و منشدین تنبیه داران هشکام جلوس تختگاه  
خلافتلرنده (السیریر للامیر العادل) فقره سیله دمساز قوالان مدایج سرا اولشدر در و اوائل نشو و نما و اوان  
جوش بهار صبار لرنده فطنت و ادب مادر زاد لرین و فراست و یکاست جلبی خداداد لرین مشاهده ایدن  
بکار سلسله زکیه لهجه برهمجه لرنده پیر عادل شهرتیه ممتاز اولوب یومافیه ما کوکب شانلری صاعد  
و توفیق ربانی مساعد و آخر الامر تقال یشین جلوه کر ساحة ظهور پسین اولوب عامه مریدانه پیر و کافه  
در دمنده دستگیر اولشدر در \* (چنانکه فرموده اند) \* رهبر منزل نخواهد بود جز پیر قدم \* ورنه  
در ماند زافت و خیز خود پیر قدم \* و گفته اند که پیر پیر حالست نه پیر سال پیری بکالست نه بامه و سال  
و حضرت پیر قدس سره المنیر در مثوی معنوی میفرماید \* پیر پیر عقل باشد ای بسر \* فی سبیدی  
موی اندر ریش و سر \* ای بسار یش سیاه و مرد پیر \* ای بسار یش سپید و دل چوقیر \* طفل کیش  
چون بود عیسی نفس \* باله باشد از غرور و از هوس \* (آورده اند که) \* حضرت شاهزاده  
سامی که هر کال قمر لیل البدر چارده ساله و چشم و چراغ پدر اینک پیران سلسله زکیه علی طریق  
المطایبه جناب فراست مآبر و شن جواب لرینه (ما جوان پیرو بی رعیه امیر و عادل بی دار و کیر ندیم  
جز شما) عنوانیه خطاب بیور دقلرنده بدیهه (ما جوان زمانی و پیر ذاتی و امیر رعیه واجب الرعایه عالم  
کبرای احسن التقویم و دادر میانه منازعات نفسانیه و روحانیه ایم) نفس نفیس لرینه کوش داران  
سعادت لرین و الهیه تعجب ایدوب جمله یک لهجه ثنای برهمجه لری و علیک عین القدر ای جوان پیر  
زمنه سیله ترخم سرای دعای خیر ایتشدر در علی الخصوص زبیب سریر خلافت و رایت افراز سر ولایت  
اولدقلرنده پیش ازین عادل صفت امیر بودا کنون مضاف الیهش خواهد بود در منزله بالدفعات تحریک  
زبان غیبی بیان بیور ملری محمد خان بن بایزید خان جلوس تخت سعادت مأنوس ایلد کده جلوه نمای  
میدان عیان اولشدر که سابقا کرچه دارالولایه قونییه صیبت عن البلیه و آق سرا ی حوزه تسخیر سلطان  
بایزیده داخل اولشیدی لکن مضافات ملک یونان هنوز مکائد و مظالم اولدقره مانده مذبذب الحال ایدی  
فامابین العادین نسبت اضافی تأکید پذیر اولدقره بالکلیه همای همت بی همتان مضاف سایه انداز فرق  
مضاف الیه اولغله بتأیید لیلک المغیث ملک مر قوم بجملة التوابع والواحق قبضه تصرف ملک مر حومه  
رام و دولت منصوره آل عثمانه ملحق بالتام اولدقره بین الاهالی و رد زبان شکران اولان المنه لله  
که ولی و والی ما عادلند مقدمه سی معروض پیشگاه امتنا لری اولنجه الآن بلغ الامانه الی اهلها و اوصل  
الاضافه الی محلها بیور ملریله کنز نهان رمز معجز بیان لری و نمای و رای پرده حرف و صوت اولدیغی  
اول پادشاه داد کسترک انک کبی بر غوث پر غریبه انتماسی و اشارات و عباراته از دل و جان انقیاد

واعتناسی مؤید ماجرا و مؤکد ماضی اولوب زمان دولت و لایستلرنده الظاهر عنوان الباطن سر  
 سر بسته سی ینشوران دار و دیاره هویدا ویدار اولشد که گفته اند (مالک و لایتر از صاحب ولایت  
 ناکبر است) \* نکته لطیفه \* والی بی ولی یک قامت الفستکه نه حرکت برکت و نه معنی مجلحت دارد  
 و لا ولایت بالفتح الا بالولاية بالسکسروالی اسکر بنفس نفیس خود ولی باشد فها و انچه والا فلا بد من  
 الاستظهار بأهل الولاية و الافعلها و انچه العارف تکفیه الاشارة \* (نقلستکه) \* حضرت حامل اسرار  
 اسلاف صدیقیه خداوند کبری حائز قصب السبق میدان مردان راه خنک کبری اغنی جناب خیر الراجال  
 وزیده الابدال پیر امیر عادل صاحب الحال فتح خزانه مقال بیور و لای غنیه رموز جدا مجد لیدن  
 پیرایه صحائف اعتبار و کوشکدار کار اولان افسوس و تبشیری جامع و مکاشفه حوادث آتیه بی  
 حاوی نفس قدسیلری و اثر انسیریدر که ایراد اولندی (دریغ اهل قونیه از سماع پرشوق ماملول میشوند  
 وزیر و زبر طعنه میرنند و بدین خوشها و شادیهای ماراضی نیستند و همچون قوم سبا کفران همت  
 حق میکنند همانا مالک یوم الدین جزای کفران و شوئی طغیان ایشان را چندانی غم و پریشانی برایشان  
 ریزاند که همه شان عاجز و بیچاره شوند و ترک عیال و جلای وطن کنند و اغلب مهتر زاد کن و اکثر  
 ابنای این دیار بادبار علت و قلت هلاک شوند آخر الامر چون مستعد توبه و استغفار شوند و اولاد  
 واحفاد و اعقاب مارا باعتقاد تمام میجل و مکرم دارند بفضل الله تعالی شهر قونیه از نومعمور شود و اهل  
 زمان سماع دوست و مردم ذوقی باشند و عالم عشق همه جهان را فرو گیرد و کافه مردم عاشق کلام  
 ما باشند و عظمت این خاندان چند آنکه رود در ترقی گیرد و خواست الله تعالی پیش رو دیاران مابر عالمیان  
 بجز بندهم بقال و هو بحال و سر (ولا یحیطون بشی من علمه الا بما شاء) معلوم اهل عنایت شود  
 ان شاء الله تعالی) بالتام یاد بیور و ببعناية الغیور المغیث و بامداد اغوا توبه بعد توبه او ان آثار  
 افسوسیه کذران اولوب پونده کتر لری اواسط مدت اثمار بشارت لرینه موقوف و اشارت علیه لری  
 اوزر و معتنم نعم فضلیه اولد یغنی محققدر که بایزید خاتک شهزاده قور قود مدافعه سنه اقدام ایلد یکننده  
 اغاثه توجه امیر عارف کوچک ایل به بعض ایالت مر قومه بی دغدغه جنگ جنگ تسخیر آلوب و سلطان  
 محمد دخی اعانه قلوب منکسره فقرای باب الله له بقیه سنه مالک اولوب اهالی دیار مر تصادم دولت چوبان  
 اثنا سنه با مال حوادث دوران اولمدن سالم و غانم آثار معدلت آل عثمان و یغاثه مکثد انسانی  
 قرمان اولشد در کند و زمان سعادت لرینه اولان وجوه تأیید و تسیری اعانه قلوب منه کسره عنوانیله  
 ایراد توبه آمیز بیور و مشلدر لکن بر توجها نیکو خرسید همت علیه لری روشنای دیده عجایب  
 دیده پادشاهی و معاینه کرده عیون اعیان دولت نصف بناهی اولغله هزار هزار صدق و اخلاص له  
 جانب جناب کرامت مآب لرینه با جهم منجذب اولوب حضرت بهاء الدین ولد قدس سره الصمد نو بننده  
 عثمان غازی عرقیه ارادت پوش اولد یغنی کبی سلطان محمد دخی زمان امیر عادلده تسجید عهد قدیم ایل  
 منیب طریقه مولویه و عرقیه پوش اولد قدس الناس علی دین ملوکهم عامه رجال دولت شرق اناتلریله  
 سرافراز و تاج استقلاله ممتاز اولد قری زیور صحائف تواریح اولد یغندن ماعد امدادر و حانی اخلاف  
 زکیم لرینک استجلابی و برکت اناتلرینک امتدادی رجاسیله اعقاب اریکه زیبانه و صایای اکیده لری  
 دستور العمل اولوب هر جلوس هما یونده اول شیوه لطیفه و عادت شریفه مراعات بیور یله کلوب  
 اهمال اولندیغنی نو تلمیده اثر اسلاف انصاف شیم تخلفنک کرد اتقالی مرایای رجالی مکدر ایده  
 کلشدر (من جرب انحر ب حلت به الندامة) و فی الواقع سلطان المکاشفین حضرت لرینک نفس قدسیلری  
 کاتغلاف الصبح تابشیر بشارت نما اولوب دیار یونان مجددا عمران و اهلی اصحاب ذوق و عرفان و سکن

آسمان آسامولع دوران و دست افشان و پای کو بان میدان و جد و حال و ورمال آستان ملائک  
آشیان لری اولمشلر آدم الله اذواقهم و ضاعف اشواقهم آمین آمین یا هادی المسترشدين فی الحقیقه  
مناسبات ارواح عالیہ و توجهات قلوب سامیہ و قلوب نورانیہ نلک ترقی عاقلیاتیہ باعث اولغله طرف  
محیط فیض اقدسدن استفاضه اقبال صوری و معنوی لری و وسیله اولق کویاندمای مقربین سلاطین  
ایله توسل ایدنلرک مقضی المرام و مرفوع المقام اولمسلیله متناظرین ظاهرو باطن واقع اولمشدر  
فالسعاده العظمی للتوسلین بهم الی الحقیقه القصوی و بها الی سر حقیقه الحقایق و الخساره غایه الخساره  
للتکاسلین المتنافرین المحرورین عن موافق و ائذ مقام الوسيله العلیا نفوذ بالدافع الحفیظ عن تنافرهم  
وتخالفهم الشاهدين علی الخذلان الازلی و الخسران السرمدی \* هنثیلا رباب الوفاء صفائهم \*  
و یا خیه للذبح و نعتنا \* (منقول استکه) \* زین المحافل مولویه و شمع المجامع الاولویه اولان آیین حکم اکین  
وارکن عبرتبیان و آداب لطافت مآب مجموعه عظمای توحید و معرفت اولوب هوش دردم و نظردر قدم  
و سفر در وطن و خلوت در انجمن و یاد کرد و باز کشت و نکاه داشت عظمای نقشبندیہ سماع و صفای  
وجد و حال و تجرد علایق و تفر د امثال و جذبه ذوالجلال شمسیه و عشقه ایله غمز و ج و محرم و آداب  
قدم او صوفیه و رسوم سلوک ملوک حقیقتله معنون و مستور اولوب حالین الاخوان متد اول اولان  
خرده طریقت عنوانیله معهوده حرکات و سکات مستحبه اشارات آمین کلدی الواقعین علاوه خاصه  
رفتار سالکان طریقتی در بالجه نوبت ولایت پیر عادلده براهین کشفیه ایله استحسان و استحقاق  
نمایان اولغله ترغیب التزام و ترتیب غیبی نظام ایله تزیین جنبش و آرام و تحسین رفتار و کفایت  
اخوان و خلان یوریلوب شیوه روش پاک و میوه منش تابنا کلری حسرت العرفا و حیرت الظرفا  
اولمشدر انچه عیانست مستغنی بیانست \* (بیت) \* نزد آنکه لم یذق دعویست این \* پیش سکان اقی  
معنیست این \* لاف و دعوی باشد این پیش غراب \* دیکتی و پر یکی نزد ذباب \* (روایت کنندکه) \*  
حضرت پیر عادل اعتدال سمیر و قطب الاقطاب تجلی تنور و غوث المظلومین غیرت تدبیر و سیف الحق  
مخالف تدبیر سایه دیوار حمایه لریده عامه بیگسان آسوده سرور بر قادمه صبیانه عنایتلریده کافه  
دردمندان بیکه را اولوب مجالس عالیة تصایح مآلیه لریده اکثر یادار الظالم خراب ولو بعد حین من أعان  
ظالم الماسلطة الله علیه حدیث شریفین ( ولا ترکوا الی الذین ظلموا فاقسکم النار و المظالمین من أنصار  
آیه کریمه سین و قدح ظلم و هجای ظالم و میل جانب ظلمه متعلق آثار و عیدیه ابراد و بیان یوریلوب  
طوائف ستمکارانه تهدید و توبیح و کر و مظلومینه تبشیر و تسلی و کذلک عدل و احسان باینده شرفیه افسته  
ورود و نزول اولان اخبار شریفه و آیات لطیفه و عذیه شرح و تفسیری ایله صوری و معنوی جور  
و ستمک مفسدن تحقیق و داد و انصاف فوائده و مصالحین تدقیق ایله الحقایق نائره ظلمه سعی و نشر فوایح  
معدله اقدام سیاقنده اغاثه مظلوم و اهانه ظالمین خالی اولدقلریدن ماعد اهر چند بشکاه ولایت  
دستگاه لریده که احوال ظلمه یاد اولنسه نفس عبرت توأملری متردما بین فرقتین اولوب کاه أصلحه الله  
و که هی دمره الله صورتنده ولوله فرمای صماخ آذان حضار اولدقلده هر حال بفضل الله المتعال و بغیره  
العزیز ذوالجلال مظهر خیر دعا لری سر یع و عاجلا متشبث دامن توبه و استغفار و معتدل الاطوار  
و پرهیز کردار دبد دعا لری قریبیا مخدول و غریق کرداب نکبت و سائر عبرت اولغله  
بدد ماغان نود و اتان هراسان صدمه سطوت غوثانه لری و دست تظاول کش آستین خول اولمشلرایدی  
و بو خصمه شدت اهتمام لری و جدت اقدام لری بیقیدان یارانه تعجب ایراث ایدوب و مترقب  
کشایش روزنه مکشفه اولدقلریده (عباد را بولات و لا ترا باولیا سپرده اند که در تدبیر و تدبیر ایشان

\* Pir Âdil Gelendi  
Âdel ve Erkân

يكدره تهاون شبان شبان شاهان معنی نباشد) نطق باهر الصدق بلیه سید باب بر دورد جواب بود  
 یور مشلردر کماشیرالی هذه البقیة بما قبل السلاطین خلال الخلفاء فان الخلفاء لیست الا اغواء  
 والاقطاب کما ان الظلال تتبع الاشخاص فکذا السلاطین تتقاد الخلفاء فی امور خلافتهم الجلالیة  
 والجلالیة فالکل آلات ید القدرة فالوظیفه للتأدین الاعتبار والاصطبار \* (نقلتک) \* اول شاه  
 اقالیم ادب وماء منازل طلب خزانه کشای احسان ورتوفشان سالیکن اولوب بمالك انفس وآفاقده  
 مدار نظام احوال انام و منای احکام تقویم افهام اولان اقسام عدلی اتمامه بر وانکان شیخ ارادیلرین  
 تعدیل ازکان سیر وسلوک ارشاد یور وب اولاتعرف عدل وطله آغازه (العدل عبارة عن رعاية  
 التناسب بين الارضاع والمواضع والظلم هو ارتكاب التفریق بين الاحوال والمحال) ثانیاً تصبیر به سر وعمله  
 (التصبر بعبارة الطريقة والحقیقة والمعرفة عدل وطله فعدل الشر بعبارة قد قضا او طارده علوم الفروع  
 والاعتقاد وهو المعبر عنه باعتدال السیر فی مناهج الاثبات والانتفاء واقتصاد التصدیق فی مناهج  
 الاثبات والاذعان وعدل الطريقة قد انارت براهینه کتب الاخلاق والاداب وهو المعبر عنه باعتدال  
 السیر الى ممالك الخلیة والخلیة واجتهاد الاخلاص فی مناهل التقیة والتصفیة وعدل الحقیقة  
 نظام الامر وعلم التصوف وهو المفسر باعتدال التحق فی المقامات الفرقیة والجمعیة والاستشهاد  
 فی المناهج الوجودیة بلا بقیة وعدل المعرفة قد جمع مثله زعامة فیض الاقدس وعناية السیر الازهر  
 فی الموی البیة بالوقفة فی عزفات جمع الجمع والخیرة فی مجمع بحری الفناء والبقاء وطلها خلافتها) یور وب  
 الی الخیرة عدل یور مشلردرین اشعار ومفارق مسترشده لآلی ثمنه قلزم حقایق وانوار وجواهر نفیسة  
 معادن اشارات السیر وشارت یور مشلردر فی نفس الامر من اعتدال آشنایان او لی الالباب عیاندرکه  
 والاحوال خیرات الرحمة وندة نفسه یور یلان فوالد جیب شایع مقدمات جملة علوم ولب الباب ثمرات  
 ریاض کتبخانة خیرات یور مشلردرین الله دره و قدس سیر و عجم بره آمین یارب العالمین \* (نقلتک) \*  
 محبت شریفه لایله محبت الصالحین ما یور مشلردرین وقطع بدعه امتداد یدیر اولوب هر کس بقدر عقله  
 وبقوله جل وعقله ویتع ویتع الی یور لیکن طایفه معتد بها بهتدی اولمغله شغای صدر حاصل  
 اولد یقین مشاهده یور مشلردرین شریک لهجه مهجه وموافق نفس الامر تعیین طایفه یور وب (العدل  
 اذا کان جامعاً للعدل الانفسی والافاقی باقسامه فهو صاحب زمانه وخلیفة قرنه ومالك اقترانه وهو محیی  
 السنة وممیت البدعة وان لم یکن جامعاً لهما فهو شیخ عصره ومنصف وقته فان اجتماعاً واتحاد الشیخ  
 والنصف یكون صاحب من کل منهما فالصاحب الاول مفرد فریدو واحد وحید وصاحب المائة نشأ  
 فی اثنا عشر امان لم یبق رأتها بذاته فان برکاته باقیة الی النوبة القابلة والصاحب الثانی مرکب ترکیب  
 الروح والجسد فکما امتزجا صار مزاج العالم علی الاعتدال بهما واذ اقترقا بالموت یختل النظام  
 الاول فان مات الشیخ یبقی العدل الصوری کالجسد بلاروح وان مات الملك المنصف یبقی العدل السری  
 کالروح بلا جسد وهو ایضاً صاحب مائة اذا عدم الاول فهذان الصاحبان أصلان أصلان وتكون  
 لهما فروع من المذاهب والطرق والملوک والامراء لکنها لا تصدر عنها آثار یعید بها اذ امضی  
 الاصل فصاحب المائة لا یوجد الا واحد بسیطاً ومزکبوفر وعه تعدد وشیخ حسیب ما قلنا فلهذا  
 اختلف فی اصحابها واتخذ کل فریق فریقاً اصلاً ولنا بین فیما یعشقون مذاهب کل حزب بمالدهم  
 فرحون وکل وجهة هو مولیها فالاول یكون علی قیسم اقدام المرسلین والثانی یكون علی قدم موسی  
 وهرون والفروع تكون علی قدم الانصار والحواریین) یان حقایق عیاندریله جملة فی اقناع واندلس بلرینه  
 الطماع یور مشلردر \* (بیت) \* مشودور از در صاحب زمانی \* که تابی زهر یداد امانی \*



(نظم) پس هر دوری ولی قائمست \* تا قیامت آرمایش دائمست \* پس امام حی دایم آن ولایت \* خوا  
از نسل عمر خوله از علیست \* مهدی و هادی ولی ای راه جو \* هم همان وهم نشسته پیش رو \*  
او جو نور است و خرد جبریل اوست \* وان ولی کم از وقتدیل اوست \* وان کزین قندیل کم مصباح  
ماست \* نور را در مرتبه تریهاست (آورده اند که) از حضرت پیغمبر علیه السلام سوره النبأ استغفار کردند  
که از کدام قسم بوده است فرموده اند که آن شهنشاها لامکان جاه و لا زمان دستگاه مقسم اصحاب  
ماه بود و صک و هر نابد از ذات او از مرایای اقسام نوبه بعد نوبه لعان محم و تلاو عظیم دارد که کر کسی  
او را صاحب الف ألوف گوید در وصفش تقصیر کرده باشد به جای صاحب مائه است که محی الفریضه  
معرقت و قاع البسج انا بیت و هیکل الامان کردن شتر کون است \* و سر چشمه آب و جدو حالت  
است ان اصبح ماؤکم غورا فانظروا الساعة فورا دم و جحش و بر قو حار یله منعطشین خلان الوفا  
سیراب زلال زندگی بیور و ب محیط کمال سلطان العاشقین و خداوند کار حقیقتدن رشته جزئیة ایل  
خستکسار طبایع اهل اخلاصی بالکلیه شادان این شلردر \* (چنانکه) \* فرموده اند \* چو آفتاب جمالت  
بر آمد از مشرق \* نوزده ذره شنیدم که نیم مولانا \* درون طلعت هستی و بست آب حیات \* خورید جمله  
ازین چشمه که خضر ساینده \* (منقول است که) \* اول قلم که هر جمله نوادر علوم جناب مکارم نصابتدن  
در یوزده کران در کرانهای اسرار فرغانه استندای تفسیر سابق بالخبرات و مقصد و طالم لنفسه ایلد کلزنده  
جامع عدل انفس و آفاق سابق بالخبرات و قائم بمیزان القسط فی دائرة نفسه فحسب مقصد است اما طالم  
نفسه فهو اطم لغيره اذا قدر فان من لا یرحم نفسه لا یرحم غیره ولا یرحم فالرحماء هم العادلون فقط  
فلا ترجوا المعروف من اهل الشکر و لکن طالم الغير طالم لنفسه انما عاقلایم الانفسه \* (ولا یحیی  
المکرا السنی الا باهله) فطوبی لمن طاب نفسه عدلا فی الاقوال و الافعال و الاخلاق و الاحوال  
و عدو لا عن الهوی و السوی و اعتد الا فی موازین الاختار بالضر ا و السرا فاعدل هو المشار الیه  
بالضر اما المستقیم فی الکلام القوم من اراد الوصول الی المنزل المقصود فلیس له که ومن تخلف عنه  
فلا یبال فی ای رزخ هلك) نسیان ارشاد عنوانر یله تعدیل ارکان و آیین ملوک ملوک بیور و ب  
کوشتن اران دل و جان سر مست صهای روحانی این شلردر \* (لخصرت ولد) \* قدس سره الاحد \* معنی  
بذیر جانا کزوی شوی تو بینا \* هش دارای روینده تاره عجز این نادانی \* (روایت کشید که) \* نوبت  
بر میمنت خلافت لریده اطراف دار الولاية قوبه آحسن الوهاب اهلها عینه و اکاف سواجل لاریده ده  
تن بهات محمدانیه اولی او زره مسئولیه اولان بلیات عامه فقط و و باو سائر لری کبی ممتده و ممتده  
اولد قده جانب جناب شفقت مآب لریه التجا یله درگاه کرامت دستکاه لریه جبهه ساری استشفاع و نیاز مند  
اندفاع اولان مضطربن اهالی بی ابتدا کند و قصور و جرمه لریه ابقای بیور و ب (ان الله لا یغیر ما بقوم  
حتی یرغروا ما بانفسهم آیه کریمه سن تفسیر ذیلند تغییر بالغرزة یورث التفریر بالغرزة فعلیکم بالغرزة  
وبالاعتبار یندفع الاختیار ایا کم و الا شحراف عن اهل الله فانهم محار یب الاعتذار و مفاتیح الاستغفار  
فبادر و ابالتوجه الیه و تشبوا بعلائق توسلها) نفس انفس لریه بند پیرانه واضح غوثانه لری عقینده  
آستان راستان مکان حضرت جد بزرگوار لریه قائد قوافل مستمدین و سائق و راحل مستغفرین  
اولوب توجه نام و رقت مالا کلامه و مال تضرع و نیاز و رجاء مند غفر چاره سازی ایناز اولد قریده  
بالدفعات آثار اجابت مشاهده و لعان عنایت معاینه اولنغله الی آخر العرسایه حمایتیه لری  
مرجع دردمندان و مصیر مستمدان و هر مبتلای قدر الصدق و الصفا بمنون الوان کرم رها و مظهر  
اضاعاف تلافی بی مرا اولد یعنی نکاشته عهد تصدیقندر \* (چنانکه) \* فرموده اند \* هر که



رو کرد انداز مردان حق \* رو بدو آرد بلا از غرب و شرق \* فی و را جای کرین و نه سپر \* جز دعای  
 خیر و اختیار البشر (دیگر) آنکه رو کرد انداز وی اولیا \* رو بدو بارنقم خواهد شدن \* منکر دد جای  
 رحم هیچ کس \* سر بحر ای عدم خواهد شدن \* اعاذنا الله تعالی عن التولی و الانحراف عن  
 سموتهم و رزقنا بالتوجه و الانجذاب الی سماتهم آمین یا معین \* (منقول است که) \* دائرة دولت  
 عثمانی اجتماع همت عادل و نصفت محمد خاقانی الیه مجمع البحرین عدل و احسانی اولوب صغار و بکار  
 معتمد راحت و رفاهیت و مستغرق آسایش و آرامش اولق دیده عاقبت اندیشانده امر عظیم غما  
 و اندیشه چشم زخم روز کار فرما اولغله اول کشف استار حوادث آتیه دن بونعمت غیر مترقبه کیفیت  
 امتدادی استفسار اولند قدده (تا زیشان نباشد از ماباشد تا منازل و جیران مامعور و مسرور راست این  
 عمران و احسان باینده و همز یاده هاز اینده است و العیاذ بالله من المفهوم المخالف) دم عیان توأملریله  
 بیان حسب حال مال بیور دقتری الی یومنا هذادستور العجل اولوب وقتا وقت آینه دولتدن صورت  
 مخالفت نمایان اولد بجه مفهوم مخالف کلام حکمت نظاملری بیدار و سکان دیار ضیاع و عقار  
 و تبارندن بیزار اولوب بیه اثر قدیمه رجعت و اقیفا اولند بجه حالت پیشین عودت ایتدیکی کرار امرارا  
 تجربه کرده روشن ضمیران فراست اولمشدر \* (چنانکه) \* حضرت پیر قدس سره المنیر  
 فرموده اند \* (مثنوی) \* کشف السیریم و کار ماهمین \* کاین نهانها را بر آیم از کین \* کار ما نیست  
 بر کوری آن \* که بکار ما ندارد میل جان \* اگر چه مکاشفه مرقومه لری کاتقلاب الصبح زمین قلوب  
 محرمان راز پر توافکن صدق و صفاییدی لکن متوهمین مترددین امثال سالفه دن ذاهل اولق حبسیله  
 شطحه حل ایتلری محتمل اولد یغی عکس انداز ضمیر الهام سمیر لری اولغله بدیهه بادی یاد قلندی (قطعه)  
 لوح دلکم ساده هر نقش اوله \* حافظ اسرار عکس الغیب اولور \* لوح محفوظه اولوب آینه دار \*  
 عین ثانی نسخه لاریب اولور \* (نقل است که) \* اول نبض شناس عالمیان و ضمائر دان آدمیان اخوان  
 مجلس پر حال و عرفا نلرندن درویش خزین نام بنده افکنده لرین اکثر یابی جوش و خروش مشاهده  
 بیور و ب و خلان بین و مای پر و جد و حال و دست افشان و پای کویان معاینه بیور دق لرنده دقیقه  
 مزاج فکرت امتزاج لرینه انتقال بیور و ب کند و ی اول برنخ هائل و دغدغه عاطلدن ساحل شوق  
 و ذوقه اراده جذبه اداره کلمات ارشاد آیات اثنا سنده (سر مایه ذوق و صفای انسانی در خزانه ذات  
 هر کس بی قصور و دعیه سجایست و مریوی آنست که این اسباب را کاینی در مواسم فرصت و محال  
 بسطت استعمال کرده منبسط شود که در هیچ زمان و مکان انحنان مقبل شان و عارف زمان بصفت  
 نمی ماند چون صفای وقت بدست آید باقی همه سهلست و دیگر چیز جستن جهلست و چنانکه ذوق  
 جماع بواسطه قوه لامسه از انفصال ماعنی مدرکست کذلک صفای اجتماع یاران بعلاقة محاسنه  
 روحانیه از اثر انقطاع ماو منی محسوس است هر که کین ماو منی در کار است در خلوت و جلوت مریدر امان  
 محالست) عنوانیه سدر اه ذوق و صفای بای من و ما اولد یغین ایما بیور و ب سالکان طریقه  
 وجد و حالی افنای وجود له ابقای شهوده حث و ترغیب و اسباب مطلب مرقومی بیرون دائرة وجوده  
 سرایتدن تریب بیور و ب بویت لطیف لریله ختم کلام تحقیق نظام بیور مشلدر \*  
 هر ذوق را که جوی در خود بجو که یابی \* ورنه چو حلقه مانی اندر برون بایی \* (چنانکه) \* حضرت  
 ولد قدس سره العمد فرماید \* (بت) \* در درون جان از خود مطرب بود \* هم ز خود ساقی و هم جام صفا  
 \* (آورده اند که) \* حضرت غوث اعظم و قطب انجم مشار الیه تکمیل دائرة عدل و ارشاد بیور و ب  
 جناب پادشاه اتباده مآب و معدلت نصاب مرید مخلص لری اولغله دخی فوق الغایه حیطه ولا یلری

وسعت پذیر و سرکش ر بقة اراد نلری انجق مانند ر بقة مار دین شاردین حلقه سعادت از لبه اولان  
شیا طین الانس اولوب انلردنخی ز بر نسج نفا قدیمه متواری وزندان خول و خندلاندن محصور قالوب  
استیلا سیف باطن و ظاهردن سر نما اولغه فرصت یاب اوله میوب تنور و هم واملرندن فوران ایدن  
طوفان تخیلات باطله کردانده هر بری مترصد نوبت هلاک اولدقده توفیق بی نهایت سبحانی و تأیید غایه  
الغایه صمدانی تشکری اثنا سنده (المنة لله تعالی و تقدس زمانی عادل پیر شدیم و اکنون پیر عادل کشتیم بدین  
دو معنی حسرة العباد بنده کینه را تشریف بخشیدند وقت است که پیری و نوجوانی و عدل و عدول  
مبدل شود) عنوانیه راه معاشدن مسلک معاده عدول بیور ملرینه ایما بیور ووب جمال الدین چلبی  
جناب نجابت مآ بلزین ولی عهد صوری و معنوی و قبل الانتقال دفع اشغال طاهر و باطن و اجلاس  
مسند خلافت و تسلیم زمام اطاعت ایدوب متکازیب راحت روحانی و چار بالش آرای آرام جسمانی  
و بی قید حل و عقد امور اخوان و خلان اولوب کویامر آت وجود نظر کرده لری جمال کمال لرینه  
مجلو جنبش و آرام عکوس دو کواه عدل یعدیل مدعای حسن انما اولشیدی بوا سلوب مرغوب  
اوز رده سال بقیه عمر ناز نیندن بهره و آسایش و حدیث شریف (نفسک مطینک فاروقیم) (قربانیا ترا  
پرورشیم ترا ز ریاضت است) نفس انفسلر یله هنوز اسپر نفسانیت اولنلره پرهیزنا کز بر اولدیغنه  
ایما بیور ووب تمام چهل سال اریکه نشین ارشاد اولوب آخر الامر غلبه جذبه جد امجد لر یله مسارع  
امثال امر آخر و خرامان روضات الجنان و آسوده زیر قباب رحمت اساس تربیه فردوس رتبه  
خداوند کاری اولشلردن روحین اختصار لریده توصیه و تجهیز لرینه مبادرت بیوران خدام دوی الاحترامه  
(ز قار عیادت ککن این چه حرکتست که هنوز در دائرته وجود حضرت چلبی ما هیچ نوعه عارضه نیست)  
دیو طعن آمیز کلمات ایلد کلرنده لهجه پر هیچ کشا اولوب (نی فی پیری هزار علت است) مثل مشهور یله  
مطایبه بیور ووب در ساعت سیم رخ و روح و انلری قاف قرینه پر واز و آشیان قدیم قالب مبارک لرندن  
هوا کیر نشین عرش برین اولشلردن طوبی له و حسن مآب متعنا الله و کافه الاحباب بیوم لا تنفع الاموال  
والانساب \* واول ولی والا منزلت طی مکان امکان ایدوب (وان الآخرة لهی الحیوان) مغز اسنجه  
غوطه خور لجه حیات جاودان اولدقده پسماند کان ساحل هجر انلری و تشنگان زلال عرفانلری اولان  
اخوان صفا و خلان وفادن هنگامه عزالرنده سر زده قراچ پر حسرت و اشتیاق و ثبت کرده صحائف  
آفاق اولان مریات شکیم کدازدن خلف الخیر و خلیفه السر لری چلبی جلال الدین و حضرت  
جمال الدین جناب لرینک اثر یراعه احتراق لری باعث یاد واقعه و اسپنلری قلمشدر (ازان چلبی جلال  
الدین ابن پیر عادل قدس سرهما \* (قطعه) \* پیرانه سر اول کوهر یگانه باشند \* دوشدی هوس و صلاه  
عمان فتایه \* ساحلده قویوب تن صدقین عادل بی عدل \* برداخی دو نوب باقدی بودار عنایه \* (ازان چلبی  
جمال الدین امیر عادل کوچک روح و وجهما \* (قطعه) \* عادل چلبی پیر ره حق و عدل کیم \* پیر ولک  
ایدوب بدرقه روح روانه \* رحلت اید یجک منزل مألوف بدن \* اولدی از لی منزلته ینره روانه \* یعنی  
وصل الی مقعد الصدق عند الملک المقدر جعله محفوف باصنوف کرمه و محاط بافتون فضله آمین یا مجیب  
السائلین بجرمه سید خیر الشافعین \* (مر ویدر که) \* هنگام فراغ و اوان استراحت لریده مرید  
راستینلری یعنی سلطان محمد ابوالغازینک هدا یای بهیه و تحف شبهه ایله پریش خاطر عا طر لری و تفحص  
کیفیت صفای و قتلری و استکشاف سبب اختلاف و استراحت لری صدقده عتبه علیه غوثانه لرینه  
ارسال بیور دقلری رسول پر اصول حین تبلیغ رسالتده کوشدار نفس نفیس لری اولوب (ما پیر عادل پیرس

جلبی جمال الدین

مرید ما پیر و ما باید بود) نکته مکاشفه مشکونلری ایله ختم کلام بیورلدیغی حضور هما یونه تبلیغ اولندقدہ  
 ندمای فراست شعار حسن وصیت و لطف نصیحتہ حمل ایلد کلرنده سلطان کرامت عنوان سمعاً و طاعة  
 بیرو بیرخواهم شد کبی بیروشن ضمیر از میری سیریم) مضمونیه تسلیم تام غما اولوب فی الحقیقه قوافل  
 خلان و اخواندن بیرو بیر عادل اولوب بی اندر پی سالک راه جوار رحمت رحمن اولنره کو یا شاء ملک  
 انبیاہ درویشان سپاہ اولمشدر طوبی لاسابق واللاحق ولیکن مثلهما المعشوق والعاشق نور ما واهما  
 مادام الغارب والشارق) (در بیان مآثر جمیلہ حضرت جلبي جمال الدين ابن جلبي امير عادل کوچک) \*  
 جل الله تعالى اذ کلره فی الاخری کما انار براهینہ فی الاولی آمین بحر منہ سید الاولین والآخرین  
 \* (نقلستکه) \* چون اول مفخر المخادم و مجمع المکارم و معدن المعارف و مخزن اللطائف اریکه آرای  
 خلافت بیر عادل و متکازیب مشیخت تربی معادل و حائز ترقی ءأشرف منازل اولوب از دحام ورود  
 وفود مسترشدین ایله حلقه جمعیتری دائرة فلک البروج آسار کواکب ثوابت عیون انتظار تجدد  
 ارادت اولدقدہ لیس الثانی اولی من الاول عنوانیه تأسیس انابت سابقه عالیہ بیوروب حضرت پیر  
 عادل قدس سرہ الکامل زمان حیاتندہ فرد و احد زانورده انابت اولوب کما فی السابق بیما نجه نشین  
 نیاز و آداب اوللر یله بالدفعات طرف بیرالهام سمیردن اجرای مقتضای مقام تکلیف اولندقدہ  
 (دست و زانوی شما و ما با اتحاد روحانی کویاد و عضو یکجاست پس چه جای رعایت ارکان است)  
 نفس نفیس لریله دفع غائله ملحوظه اولندقدہ (این بارگاه اشیر محل دومیر و این خانقاه خطیر متکای دو  
 بیرتوان شد پیر و میر عالم و آدم عادلست عادل نداند که عادل کیست) عبارت پر عبرتیه قیام خیام  
 غوثیتری نه اشارت و ثبات قدم ادب لری نیک سیرینه ایما ایله مادام العادل حیا رعایت رسوم و آداب ارادندن  
 خالی اولوب وجوه تحسین اهل حاله متحلی و بعد اقول الاصل و رای سمح آدابیدن متجلی اولغله قره  
 العین اصحاب انصاف و دره الزین سرتاج احباب اولوب حتی کندولر ایله همعنان اجلاس اولان مرحوم  
 و مغفور له سلطان مراد ثانی بن محمد خان دخی اقتضای اثر پدیدر بر کوار لریله علاقه موروثه لری  
 تأکید و ارادت سابقه لری تشدید بیوروب زمان ولایت و ثبوت سلطنت فرعین بعینه همشیوه رفتار  
 اصلین اولغله جمال الدین و الدیناقران فرما و آثار جمیلہ لری بسیط ارضی رشک سما ایدوب بینهماده  
 جلوه کرمصه اتحاد و ائتلاف اولان عنایات و امدادات قطبانہ و تشریفات و عواطف خسر اونه مانند  
 امواج بحار بیرون حیطه شمار اولمشدر و اول شه نشاه معارف دستکاهل ثمره نخله علاقه لری اولان  
 چند قطعه غرا که ستایش حضرت جمال الدین ایله دماغ عشاقی شیرین چاشنی لطافت زائد الوصف  
 اینتشدر غوغه کمال بلاغت و بادی یاد اید الابد الابد اولق اوزره تضمین منقبه نفیسہ لری قلتمشدر (از ان  
 سلطان مراد بن سلطان محمد رحمهما الله تعالی و حشرهما تحت ألویه أولیائہ یوم لا ینفع المال والجاه  
 \* جمال الدین ایدوب احیا جلال الملہ ارکان \* زمان آساز مینی ایلدی چون مولویخانه \* نوله  
 دورنده اولسه منکران حال سرکردان \* که ویردی حالت نو پرتوی بو کهنه دورانه \* (دیگر) \*  
 جمال الدین ایدوب پوشش جهاتی روشن وحدت \* سماع باصفا و یردی لطافت چارارکانه \* عجیمی  
 اولسه عالم جلوه کاه سر مولانا \* که اولدی انفسه آفاق یکسر مولویخانه \* (دیگر) \* جمال الدین اولوب  
 آئینه دنیا به عکس افکن \* محبت حالت افزا اولدی جان بنده و خانه \* زمانیدر اولور سه بر طرف  
 کرد کدر زرا \* صفا بخش سپهر اولدی زمین مولویخانه \* و اول پادشاه با انبیا هک کمال حال  
 و جمال مآلی مفصلایان سبب بنای خانقاه دار السلطنه ادر نه اثنا سنده اراد اولنور \* (آورده  
 اند که) \* اول حامل سر جلال الدین نام بال جمال الدین ایله مسمی اولوب بر مرتبه ذات قدسی

صفاتی مهبط انوار جمال اولمشید ~~که~~ زمان صباریدن او آخر آوان کمال رینه کلنجہ قطعاً و اوضاع  
 و اطوار لریدن آثار انفعال جلالی پدیدار اولوب دوست و دشمنه بکری مواسات و مصافات اولوب کویا  
 آینه بی رنک و بی طبع تابنا کارنده جمله بیکرنگ نمایدی دقیقه ناشناسان مشرب و اسعلری بو کیفیت  
 نادره لریدن دلتش و بین الموافق و المناق تسویه صوریه لریدن احتمال غفلته ذاهب اولوب و افراط حلم  
 و تحمل و کرملرن تفریط و عدم حسیته حل ایتملری کوشکذار لری اولدقده (جلال و جمال مردان میدان  
 حقیقت بی یکدیگر نیست چون تیغ و آب کاهی از روی جمال جلال و کاهی عکس آن نمایند نظر در  
 قابل است نه در فاعل خرسید که نور پاش سر تا پای هر چیز و کسست لکن از وهره کل رنگین و سر کین  
 دیگر است) عنوانیله دفع شبهه اخوان و بو بیت شریف ایله استشهاد بیور مشردر \* (بیت) \* تیغ حلم  
 از تیغ آهن تیزتر \* بل ز صد لشکر ظفر انکیزتر \* فی الواقع صمصام حلم و کرملری کردن انکار  
 و اصرار زن هزار مرد وزن اولوب توسیع دائره ارادت و تکثیر خزانه مهر و محبت بیور و سیرت  
 حسنه و شمه مستحسنه لری و در زبان انبای زمان و رشک آور قدسیان اولمشدر \* (چنانکه) \* در مثل  
 سائر است که (الماء یسقی والمرء یتسقی) هر اینه اغیار بی غیرت و اخیار بی صفوت نباشند شهد و شکر  
 شیر نیست و زدمیخوار زهر دیر نیست بالذفات قوایل غیرت مردانه لرینه خنده غریب لری  
 و بشاشت عجیه لری موجب کزیه فجیعہ تدمیر لری اولدیغی تجربه کرده فراست سمیران محرمان  
 اولوب جلال جمال اندود لریدن هر اسان و دمبدم مراعات آداب احسانده دقیق و امعان اوزره  
 و تجاوز حد ادب ظاهر و باطنندن تو فی ایدوب مستفید کرم بخت و مستعید لطف مشوب اولور لرایدی  
 \* (قطعه) \* چون نام شر یقنک اوله معنیسی یکدم \* شمشیر دود مدر نفس حضرت آدم \* بو کون  
 و فسادک کدر کرمه سردی \* هر دم کورینور مدمم با کته توأم \* (مرو یستکه) \* مساعدۀ بخت  
 همایون و معاونت طالع میمون و برکات و حایت اجداد عظام و عنایات ذوالجلال والا کرامله درون  
 و بیرون دائره نوبت دولتری ملو و محفوف ققوحات صوریه و سربیه و حلقه جمعین لری مجمع البحار  
 الزخارف ضلا و عرفا اولوب ظاهر و باطن لری تشریفات معارف لدنیه و تکریمات عوارف غیبیه ایله  
 آراسته و طرف شهر یاریدن افزون حیطة تقریر و بیرون حوصله تحریرا کرام و اقباله و لوله آرای  
 امتیاز و متمکازیب ناز اهل نیاز ایکن رینه پیرایه کلستان جمال و کمال اولان سرو بالای کرامت خرام  
 و ولایت قیام لری قنئی منزله آرام بیور سه قلب جناحین اخوان و خلان و کرانه کزین صفة تقدم  
 و کاره نشین بایه تعظیم اولوب آمیزش بی تکلف ایله حلقه محبت حسرت الظرف لری رشک آور شیر  
 و شکر و محط الرحال اشتیاق فرشته و بشر و وضع محمود و طور و محد و حله محبوب القلوب عالم اولغله کند  
 جذبه لری تسخیر فرمای رقاب قوالب قوایل اولوب سعادتخانه لری ثانی مهمانسرای خلیل رحمانی  
 و دردمندان طلبیه به دار الشفای لقمانی و عاشقان و عارفانه جلوه گاه کامرانی اولق حسبیلہ سیلاب خرج  
 و عطالری حیرت العقول محاسبین و کنجینه مایه انتعاش ملو کانه لری غبطه الفحول متدار کین اولدیغی  
 انظار ذوی الاقدارده امر عظیم نما اولوب حضور مستوجب الحبور لریده اکر این دولت بی نفاد را  
 اساس بر زمین فقر و فنا نمودی بهر حال محسود سلاطین کردی (عنوانیسه تشکر بر تفکر خیر خواهان  
 کوشند لری اولدقده) آری در میانه جود و وجود و سخای موجود در فی باهر است که جود الوجود غیر  
 متناهی و سخای موجود معدود و محدود است و دست منع و امساک از ساحل تدبیر خشک دامن موج  
 محیط طرار سد) نفس نفیس لرله دفع توهم مکاید حساد و رفع غائله قلت و نفاد بیور و قطعاً شیوه میزبانی  
 و انعام و احسان مهر بانیلری تغییر و تقییر بیور میوب (چنین آوردند و چنین میبردند) دیومهم فقرای

باب الله کافل اولشدر (نکته) خنانکه فرموده اند \* (بیت) \* کرمانند از جود در دست تومال \*  
 کی کند فضل الهت با عیال (دیگر) هر که کار کرد در دنیا برش تهنی \* لیکش اندر مژرعه باشد بهی \* علی  
 الخصوص ملائکه کرام اللهم اعط کل منفق خلفاء دعوات مستجابة سینه مداوم و کرم دید کان نام خیر  
 و برکت رجاسیله دست بردار در که قاضی الحاجات و نیاز سلامت حال اهل احسانه ملازم اولوب  
 و حضرت وهاب و فتاح و فیاض و محسن و مغنی و جواد و باسط اضعاف کثیره تلافی به و وعد عاری عن  
 الخلف یورمش ایکن شایان شان شکران جود و سماحت و زبردستان و دوستانه ایصال ذوق  
 و راحت اولد یغنی لیدی العقول السلیمه و النفوس الزکیه رسیدة رتبه بدهتدر و خوان سالاران عجم  
 الاحسان و عظیم السلطان که معتم نعمت تخلق با خلاق ولی النعم عالم و آدمند از ذمیه بخل و منع پاک  
 و از واهمه امسال و ادخار بی باکند \* (قطعه) \* زلال بسط خلقه مر دحقدر مقسم اول \* کلور  
 دلشنه مقبل ایغنه آنک آخر \* ولی مدبر اولوب سرکشته صحرای حرمانی \* ایدر کند کجه کندن  
 نعمت عیش خوشته کافر \* (نقلستکه) \* غدوه و عشوه دار الضیافه لریده غر باوشهر یاندن جم غفیر  
 و جمع کثیر علی الدوام متمتع الوان طعام و ارامل و ایتم دخی بهره باب صبح و شام و مسافرین و سیاحین  
 احسان زادور احله ایله شاد کام اولد قلریدن ماعدار هکذر کرملرنده صف کشان نیازمندان  
 سر اسر حسب مایساعده الموجود مننون و مطیب یور یلوب بعض نوبات جوش سماحت لریده تقود  
 حبیب و اکس اتباع دخی و افیه اولمغله بالدفعات فر جی و پوستین میمتلرین فدا و انعام عقیننده ایدی  
 قفرادن دولتمندان احباب ثمن امثالدن از یده اشترا و خاندان لریده تبرک ایدر لر ایدی حتی صورت  
 تأخیرده وجوه آخر ایله تطیب قابل ایکن سر حال استعجال و مال مبادرت لری استفسار اولند قد  
 حضرت اسد الله الغالب علی بن ابی طالب کرم الله وجهه و رضی الله عنه جناب سماحت مآبندرون  
 مسجدده تصدق ماتم یور ملریدن تعیه یور دقلری تعلیم تعجیل خیری ایراد و تأخیر و تسو یغده اعتماد  
 عمر مستعجل و شائبه بخلی یاد یور و وب و همالا یبغی لامثالنا بند حازمانه لر یله اقتضای اثر کرامه  
 ترغیب و تخلف رفتار اسلافدن ترهیب یور مشلدر و کرار او مرار او فرت بدل و کثرت انفاقه حالت  
 تعیش لریده ضعف ملاحظه ایدن اصحاب ثروت امداد جنس و نقد و اهدای ذخائر و البسه فکر یله  
 رومال عبه ز یار تری اولد قدغه ملاحظه و فکر لری خلاف ظهور ایدوب نظام حال تعملرین کافی الاول  
 مشاهده ایلد کلرنده استکشاف طرق فتوح ترددنده ایکن آیت کریمه (و فی السماء رزقکم)  
 تلاوت یور یلوب \* (بیت) \* کفت پیغمبر که دائم بهر بند \* دوفرشته خوش منادی میکند \*  
 صکای خدا یا منفق سار اسیردار \* هر در مشا نرا عوض ده صد هزار \* بیت لطیف لری انشاء اولنوب  
 امداد غیبی و تعویض لاری اولد یغین اشعار له سد باب استفسار ایشلدر (ومن یتوکل علی الله  
 فهو حسبه ومن یتق الله یجعل له مخرجاً و یرزقه من حیث لا یحتسب) و بدیهه بوقطعه غرای تحدیث  
 و تشکر فرمالرین ایراد ایله قطع ریشه اندیشه یور مشلدر \* (قطعه) \* چون رسد هر دم زد خلی  
 حدشاهم مدد \* نس چرا باشد عجب از بنده خرج لایعد \* دخل و خرجم جز رومدی از محیط  
 اکرمست \* کی بدامان حساس دست تدبیری رسد \* (آورده اند که) \* حضرت جللی جمال الدین  
 والدینا جناب جلالت مآب ذات نجابت سمائی مرآت صفوت صفات و کیت نمای کمال حال و منبع  
 معین جود و سماحت و معدن کرم منبع النوال اولوب بین البدایه و النهایه لهجه بر بهر لری دمساز  
 نفس سر وادای تلخ و روی تابناک و پیشانی کشاده لری آلوده کرد کدر و سوده چین اغرار و ترشی  
 اولیوب همواره بگر و و بکرنک و بکدل اولماری حیرت افزای ارباب تمکین اولد یغی جلوه کر ضمیر الهام

سهر لری اولدقده التوحید یورت الوحده و یدفع الکثرة و مجاملة المعاملة بالجملة تجلب التجل بالذکر الجمیل والاجر الجزیل و معاملة المجادلة في الجملة تجذب التجل من هجر الخلیل و قهر الخلیل انفس مؤثره لریله کشف استار جمال بیوردقلری ذیلنده چون آفتاب عالم افر و زیاروی تازه فیروز تاخت و سوخت باید کردنطق با کثر یله ایمای دقیقه جلال بیور و ب و جدت حال لریده کثرت مال اولدیغین اشعار بیور مشلدر که فی الواقع اگر جمال و اگر جلال هر کس مقابله ارادت و رذالتین آینه صفوت خیر وجود بهود لریده مشاهده و معاینه ایدوب مانند خرسید آسمان حکمت کلزار قلوب قوالب قوانله نزهت و طراوت بخشا و خار زار آزار و انکاره خار خار حرمان و تدبیر فرما اولدقلری الطهر من الشمس و أبهر من القمر و یاد کار بر عیبر اولمشدر \* (یت) \* هر که بر شمع خدا آرد بنفو \* شمع کی میرد بسوزد یوز او (دیگر) \* خار و خال از جمال خور کرد دلعل و زر \* تشنه تیه بلارار و بیرس از وی خبر \* روشنائی چشم ذرات و نخواهد کور و موش \* از جمال با کمالش در جهان و جان اثر \* (منقولستکه) \* ارباب استطاعت همسایه لرندن و پای چراغ تاریکست مثل سائری مظهری اولنلردن بر فقیه بی بصیرت اول قبله حقیقت مطاف ارواح مقدسه اولدیغندن غفلتله عازم زیارت بیت الحرام اولوب اثنای راه بادیده طرار ان اعراب دستیاب همیان تقدینه خر جراحی اولوب بالکامیه تھی دست و پای عزیمت سست و کار دباستخوان و کریمان بیدرمان ایکن اول فریادرس در ماند کان مانند مهر جهان و رای ابر خفادن عیان اولوب دست احسان لریده اولان صر صر بهری اناله و بکیر و دم مرن تبیه یله بند فرما و روح روان آسا چشم ظاهر بینندن غائب و ناپیدا اولدقده کو یا فقیه بیچاره نک جسمنه جان تازه کلوب اول معلوم غیبی تعداد ایتد کده هم شمار مبلغ مسرو فی اولدیغین کور د کده چشم انتظار بر اشتیاقنه جمال با کمال لرندن ماعداسی نقش دیوار غما اولوب بی شمار اعتذار له ر و مال در که سعادت مال لری اولدقده \* ای قوم بچج رفته بجایید \* معشوقه در اینجاست بیاید \* مضمون وحدت مشحونه تشکر کان کلاه پوش و ماملک باش خدمت اخوان اولوب الی آخر العر مقیم پیمانچه ارادت لری و پروانه شمع محبت لری و کاه و بیکاه شور و رون پر نورندن فوران طوفان حسرت مافات عنانر بای کتمان اولوب والله مارایت فی بیت الحرام مارایت فی جمال الکرام فقره شکران آمیز یله رمز و ایما ایتکه تسکین ضرام غرام ایدوب بعد اقول شمس الجمال تفصیل حقیقت حال و پرده برانداز روی کار مقال ایله شراره فشان نیستان ناله کان هجران لری اولمشدر و اوقات فرصت نهاییده طوفان ذرات پر بر کاتلرین برابر هزار حج و عمره شمار و مساعی جلیله خدمات میر و ره لریده بدل تقدینه اقتدار ایدوب بوقطعه شریفه بدل تلبیه اولق اوزره آواز بلند ایله انشاد و کوشکداران انفس مردانه تمهید ارشاد ایلدیکی ثبت کرده صحایف خولدر \* (قطعه) \* تویی آن کعبه جانها که طوفت میکنند عالم \* تویی آن قبله دلها که احرامت کشد آدم \* منم آن حاجی بیت الحرام کوی پر نور \* ز طوف وسیعی جان و دل در و بجحد صفا دارم \* بواسلوب اوزره سر زده و رای پرده قباب غیرت اولان خوارق عاده لری ابراد اولتسه مستقلا برد قتر جمیل و مفصلا بر کاب جزیل اولق مقرر ایدی لکن زبان عجز خامه عنبرین جامه دن بالبداهه صادر اولان قطعه لطیفه اختصار بنده مکتوبی اشعار ایتکه قطره من الیله اکف اولوب ماعداهه حسن انتقاله احاله اولندی (قطعه) \* میخواهد کرد وصف آن جمال \* لهجه کلکار کند صرف کمال \* نقد ذاتی که شد از دست زمان \* هر مدحش بس بود صرف مثال \* (آورده اند که) \* حضرت جللی جمال الدین اکاه بروفق دلخواه پنجاه سال چشم و چراغ هر روان منازل طلب و دستگیر افتاد کان شیب و فراز ادب

اولوب جبین حال جناب چلبی خسروده لامعه استعداده شجاعت عیان و روی کمال مال لرزیده بر تو  
استحقاق خلافت نمایان و من کل الوجوه خسرو دوران مولوی و خلیفه کیتی سستان معنوی اولوغه  
شایان شهزاده جوانبخت و پیر مشرب اولدینی مسلم کل وجوه اخوان و خلان اولدیده ذات ستوده  
صفا تلری دخی بخشش عامست دم کرامت تو املر یله علم افرار دعوت اولدیده عین الجمع مریدین  
و محبین سعادتخانه خسرو به به توجه ایدوب کاینچی ترتیب اجلاس ایله فوق الغایه جمله به مواند صوری به  
وفواند سریه ایله ضیافت و اکرام بیورد قمری ختامنده یداید تسلیم اریکه صدارت و تقویض امانت  
خلافت بیوروب تکمیل میقات مناجات و تتمیم معاد قاضی الحاجات یعنی چله کزین و کوشه نشین  
اولد قمری عقیننده طور بدندن کلیم روح روانلری بزم اعلا علیینه عروج ایدوب و لفظ جمال  
بحساب ابجد برابر عد اولوب و سن شریف قمری دخی اربعه و سبعین اولدینی مکاشفه جامعه آخرت لری  
اولشدر و هنگام ارتحال و اثنای انتقال لرزیده طباع محترقه نیران هجراندن بیستان قلوب دردمندانه  
آتش افشان اولان مرثیات فریاده دن حضرت چلبی خسرو و اخا کرملری چلبی جلال الدین جنابنک  
ارز بانلری ثبت جریده یاد احباب اولق اوزره مهر منقبت نامه نامیلری قلنشد \* (قطعه خسرو  
چلبی) \* کمال دین و دنیای ایدوب جمع \* اولنجه کندودن هرکامی حاصل \* چکیلوب عرق جنسینله  
اولدی \* جمال الدین جلال الدینه واصل \* (قطعه جلال چلبی) \* حضرت جدی جلال الدینله \*  
امر حق ابتدی جمال الدینی جمع \* باطن اولدی چشم ظاهرده ولی \* نقل اولندی بزم ار و احه او شمع \*  
ودخی جمیع وفاتلری زمان بایزیدخان بن سلطان ابو الفتح محمد بن مرادخان ثانی به مصادفه ایدوب پادشاه  
مرقوم دخی مانند اب وجد محب خاندان خنکارا کبری و عرقیه کشر طریقت مولوی اولوب علی  
الخصوص والد ماجد لری حضرت ابوالمغازی جنابنک کندولرا ایله اثنای توجه تسخیر قسطنطنیه ده  
اولان مراسلات سرانه لری حاوی اولدینی لتفح بلده طیه اشارت پر بشارت تحتنده وضع اولنان  
رقم تاریخ فتح منظور همایونلری و او ان محاصره ده پی اندر پی ظهور ایدن آثار همت عالیله لری  
مبعوض سامعه محرمانه لری اولوغه حاصل اولان رابطه اخلاصی پیر عادل قدس سره الفاضل طرف  
باهر الشرف لریدن جدا سعد لری کیسه ابو الفتح مشهور برشاهزاده شهابت نژاده مبشر اولدینی کبی  
بونلر طرفتدن دخی بدر والا کهر لری بایزید ولی شهرتیه معروف برنواوه نجابت نهاده مسرور  
اوله بجی کشف بیورلدینی تو اترامعلوم لری اولوغه بالکیه اعتقاد لری تا کیدیدن اولوب وجود  
شریف لری مایه الافتخار بوبت سلطنت ابو الفتح اولدینین اعتراف و فتح مبین دارالدوله متینله جمال دین  
بر توافکن اطراف زمین اولدینین محض انتیجه اقترا کوب سعادت لری اولق اوزره انصاف  
و تحقیق ایلد کارندناشی بیشمار تشریفاتله اکرام انساب زکیسه مولو به و تطیب قلوب منکسره  
قصرای طریقت اولو به بیورلدیندن ماعد اصنادق متبرکه آسود کان تربیه فردوس رتبه تجدید  
و پوشیده لری دخی هم قماش لباحه شاهی اولق اوزره ترین اولمشدر رحمة الله علیهم و علی مخلصیم  
مادام رحیم و شفاعة حبیبیه لهم و لیکرمهم ابدام قیما آمین یا مجیب الداعین \* (در بیان خلافت  
حضرت چلبی خسرو بن قاضی پاشا) \* نور مشهد بلوامع الاحسان و شوارق الرضوان ابد الاباد بالشفیع  
الاکرم فی يوم التناد \* (نقلستکه) \* قاضی پاشا حضرت لری خضر پاشا قدس سره الاسنا جناب کرامت  
مایلرینک کلائے زکیه لری و حقه نبیره نبیره لریدن عابده نام کریمه مکرمه مینت اقترا تلری صدقند  
کوهر تابدار وجود خسرو یله بر خوردار اولوب فی الواقع الاسماء تنزل من السماء مصداق نبیه بین  
الاسم و المسمی توافقی نام و تناسب مالا کلام بولنوب یوما فیوما آثار خسرویه ملک احسن التوفیق مزاید



وانوار ولایت کشور کرامت تضاعف پذیر و تنایع و جوه جلال و تضایف شکوه اصالت بدر  
سمایلر بنده بیدار و اطوار علوشانلری سرمایه و قار و اقتدار و اوضاع مکننت شعارلری غودار کوه  
نایدار افتخارلری اولغله کروها کرده ارباب همم دلبسته شیوه و مجتہلری و فوج اصحاب نعم  
ماملک تشار میوه مودتلی او لوب نظام دائره دولتلی رشک خسر و ان زمان وساحه سرای ارادتلی  
مخط رجال رجال دوران و جمعیت امتعه و نفوذ و عقارلری حوصله شکاف ها خیمه شمار اولدیغی  
مقدمه عقیقه کید حساد و محر که عرق نفاق فساد اولدیغندن ماعدامکر نو دولتان ولات و حکام  
و سعایه شقاق لئامله اگر چه قبل الاستقصا خیمه ناساز روز کار کامل آ زاردن نشیده (در ملکئی جای  
دو خسر وی نیست) شنیده کوش نناخوانان اولمشیدی لکن بعد الوقوف علی حقیقه الحال صدمه  
کوبال تهدید اساطین سلطنت خانه نصف ارکان دولت عثمانیه ایله چرخ دولاب قنبر لری شکست  
پذیر اولدیغندن ماعدام شکست خاطر فیض مآثر لری اعتبار کونا کونله جبر باب او لوب میان  
خسر و ان ملک باطن و ظاهردن کرد کدر خلاف بر طرف و غبار انکسار تبدل اتحاد و اعتبار او لوب  
حضرت بایزید ولی طرف باهر الشرفندن هر زه درایان کچ نظران (اراده تذلیل من اعز المعز تورت  
الرداءة و تفر الرذالة و ليس للاعزة غير اعزازه) عنوانیله اسکات و اعما و لوب تشید مبانی خلوص  
و تجدید عهد اختصاص قلمشدر کما أنصف بعض الملوك بقوله لا ولاية للولاة علی الاولیاء بل لهم  
الولاية علی الولاة) پس القوم علی اثر رئیسهم مصداقجه مناقب فاخرة اولیای کرام زین المجالس عالیسه  
و فخر المحافل سامیه او لوب در و ن رجال دولت کوهر محبت عظمای ملتله مشکون و یوما فیوما آثار  
انشاب مقبولان خدا ساحة سرای اقبال شاه پرا تبا هده هویدا و بین الملوك و السلاطین عنوان  
سعادت نشان بایزید ولی ایله و لوله آرای زمان و سال که ولته و ارنجه استه قلال تامله معمر و همجور  
و هر میدان غزو فی سبیل اللهده لوی نصرت التواسی و الا و جیش در یا جوشی مبشر انا فتحنا و کافه  
دشمنان دین و دولته مظفر و منصور او لوب آیین کرامت اکینلری اخلاف خیر لری نه دستور العمل  
سعادت دارین و جاده استجلاب الجمع بین الدولتین اولشدر نور الله مرقد و نصر به مشهده کاعظم  
تریه الهام المعروف بنسبة البسطام (مفرد) دوبایزید میزید است در زمین و زمان \* بکم  
ولی جهان و ذکر ولی تمهان (آورده اند که) آوان خلافت خسر وی و احیان جلال شان  
مولویده سلطان سلیم علیه رحمة السلام الکریم جنبای برادر لری شاهزاده بایزید سرکش اطاعت  
فرمان و علم افزاز عسکر طغیان اولدیغی تقریبیله غصت فرمای مدافعه او لوب جواردار الولا به قونییه ده  
وضع خیام قیام و رفع رایت انتقام و دفع مضار بغاته اقدام سیاقنده جامه تبدیل زیارت آستانه  
کروبی آشیانه حضرت سلطان العاشقین و برهان العارفینه مبادرت ایله داخل حرم تریه معظمه خنکار  
اکبری اولدقده بی محابا متوجه باب مهایت مآب او لوب عتبه کرسی پایة قبه غوث اعظمیده صاحب  
نواقب المناقب مثنوی خوان محمودده ده حضرتلری حاضر بولنوب (در حضور شاهان با کان وضو و خضوع  
باید) دم آدب توأملر یله تذکیر رسم زیارت ایتمکله شاه نصف سپاه دخی عنانکش کمیت جرأت او لوب  
ترتیب لوازم آداب زیارت صد دنده تشمیر ساعد خلوص و اسباب آبدست سیور و ب محراب اخضره  
مستقبل ادای نوافل عقینده اسلاف سلاطین و وزیرای دولک اول مهبط انوار رحمت رحمانه اولان  
تکلفات احتراملرین معاینه و تمناش و عجب او مزار ستانده انلرنه مشاهده ایتمکله که بمقوله زائد الوصف  
ترتیب و تکریم اولمش اندیشه سبیله نگران قباب فاخره ایکن ناگاه دید سرلری و رای پرده صورته  
نفوذ اید و بی مواجعه صندوقه خنکارا کبریده ایکی هزار بی امانی کند و جانته نگران هجوم مشاهده



ایدیجک پیشین جمله جیش مهاتلری عروق و اعصاب رجعت و قرار لرین سست ایدب محمودده  
 حضرت نلرندن استمداد وار واح شاهان هفت اقلیم ولایتدن استغاثه یوردقلرنده (این پایتخت سلاطین  
 حقیقت است بی شیران خوارق نباشد ولیکن خرق ایشان بخارق پرده ادب باشد) تسلیه و تنبیهی  
 دلنشین شاه سلامت نهاد واقع اولغله روز فردا تمام حشمت خاقانی و کمال شوکت خسروانی ایل  
 شرفیاب زیارت مرقد منور خداوند کاری عظم بره و قدس سره اولدقلرنده سده سعادت روضه  
 پر همه لرنده حضرت شاهزاده صدیقی ایل تلافی حصولنده استیلای سطوت ولایت خسرو معنوی  
 ایل جمعیت حشمت سلطنت خسرو و صوری متلاشی اولوب هر چند مقام حاصلرینه تکلیف جلوس  
 اولدقلقه ابوتاد باتاخر یورملری واسطه استجلاب اعانه روحانی اولوب درونلرنده خلجان انکیز غائله  
 غلبه برادر سرکش لرین (یک سرکش در میان دو خسرو چه کند) نفس سلوت بخشلریله بر طرف یوروب  
 فی الواقع روز فردا صفکش میدان هیجا اولدقلرنده تارنخچر وطی قبه خضرای تربه معلای جدا مجد لرندن  
 علی رؤس الاشهاد مانند دوددل عاشق بر کردسر آمد سرکش مقعر عیو فی و هابط مفارق صفوف  
 سرکشان اولغله جمله سی حمله اولاده مردم چشم جهان بینلرندن دخی مددیاب فرق مینه و میسره  
 اوله میوب ناچار متفرق انخای دیار و مهجور یار و اسیر اغیار و غرقه کرداب عار واکثر دلبران  
 و غاططه شمشر دمار اولوب شاه سلیم سالم و غانم پیشکاه دردمند پناه خسرو پرا تباهاه متشکرا و متبشرا  
 توجه یوروب شرفیاب مشاهده جمال پریشا شتلی اولدقلده (بدو دسرکش از دسرکش کرد بر آوردند)  
 نطق توریه فرمالر یله کویا بر تیر سرتیز محبت مصیب هدف درونلری اولوب همان آن شرفیاب تکبیر عرقیه  
 محبت مولویه اولوب نوازش واکرام چلییان ذوی الاحترام و الباس و اطعام و انعام فقرا و مشایخده  
 بذل خزانه جود و ایثار ماهوالموجود یور دقلرندن ماعدا کنندولر تشنه لب رشحه غلبه ایکن زلال  
 نصرت و ظفر ایل مالامال کاس استمداد لری شکرانه سنه حالا والی آخرالایام تشنگان واردین  
 و صادر یخیار وایلین شادر و ان سلسبیل عنوانی بنا یوروب روان شاد لرینه صدقه جاریه ایلدکاری  
 مشهور دارباب مشارب صافیه در و محمودده حضرت تلی نه دخی مقابله قبه سر سبز رحمتده الان مدفن  
 منور لری اولان حدیقه نزهت فزایی تمایک یور مغله خاطر خراب لرین بروق دلقواه تعمیر کرم  
 یور مشلدر و دخی وقایع اسماعیلیه و غوریه نمودار چهره شاهد استظهرا اولان اسدادات  
 روحانیه متعاقبه لری محاط ضمیر منیر فراست سیر لری اولغله اتمام لوازم احسانه شمیر ساعد اهتمام  
 و تأسیس جامع شریف و تکمیل ناخجانه و عمارت و تتمیم لواحق و قافله اکاف حرم محترم حضرت  
 سلطان العاشقینی رشک ذات العباد التي لم یخلق مثلها فی البلاد ایتمکله نام نامیلرین سرنامه خیر دعا  
 و ذکر جمیل لرین شیر و شکر مناقب اولیا ایتشلدر \* (بیت) \* جانش مقیم روضه دار السلام باد \*  
 جایش مقام رحمة رب الانام باد \* آمین یا مجیب السائلین \* (مرویدرکه) \* حضرت ابوالغنایم  
 والاحسان سلطان سلیمان علیه وعلی آباءه الرحمة والغفران جناب معدلت نصا بلری دخی آمدشد  
 غزوات عراقیه لرنده فنای دارالولایه قونیه حرسها الله تعالی به ضرب خیام آرام چند ایام یور دقلرنده  
 بجملة التوابع والخواص حاضر مجالس رفیعه سماع باصفا و ناظر احوال نشئه ارباب فنا و بالکلیه  
 ربوده رفقا مردان خدا اولوب بادی یاد گروه پرشکوه عارفان مولوی و باعث علاقه درون همت  
 مشکون عظمای طریقه اولویه اولوق نیاز یله دائره تربه مقدسه ده انشای اثر و استجلاب حسن نظره  
 شمیر ساعد اهتمام یوروب حالانماز کاه فقرا و نیاز کاه عرفا اولان مسجد شریفی بنا و قدیمه اتمای  
 بهاء الدین سلطان ولد قدس سره الصمد ایله معروف مدرسه مندرسه الارکانی تجدید و تشید و محمودده

حضرت تریبیه ترتیب ثواب المناقبی فرمان و اول بهانه ایلہ غرقه محیط احسان بیوروب و زمان رجعت تسخیر بغدادیه لرندہ دخی ترہ دار عثمان دہدہ حضرت تریلہ مجلس عیدہ صحبت روحانیہ والفت عرفانیہ و نظام الملک صورت و سیرتہ متعلقہ مشکلات شتی عرضیلہ استیفای انحلال عقد خلجان ایدوب برکت میامن توجہ قلوب صافیہ ایلہ کندولہ صفوت قریحہ احسان اولنوب نیجہ عاشقانه و عارفانہ آثار جلیلہ انشاسنہ موفق اولوب کویلو کیفیت پر نشاط ذات همایون لرندہ صہبای محبت اولیادن جلوہ نما اولدین اذعان بیور مغلہ محبی مخلصین اختیار بیوروب سلاک سالکین و سبط محبینہ منتظم و موفق تدبیر نظام العالم اولشردر طوبی له و حسن مآب زہی خسر و سامی مکان کہ دغدغہ بی کران دولت دنیادہ بنہ مستعد محرمیت اسرار شاہان دین و مجمع سعادات الدولتین اولہ \* ذلک فضل اللہ یؤتیہ من یشاء و اللہ ذو الفضل العظیم \* (مرویدر کہ) \* اول ثانی ثانی ثانی سلیمان حضرت خسر و کبتی سستان روحانی ایلہ مانند شہد و شیر خوش آمیزی کلفت اولد قری اجلاس عظیم سماع و صفادہ استماع عجایب اسرار مشوی و التماع لوا مع غرایب معنویدن کند ولرہ کر بیان چالہ پیرهن ناموس اولہ حق مرتبہ غلبہ حالت مشاہدہ بیور ملر بلہ حضرت جلی مشار الہیہ عرض کیفیت و استفسار حکمت سیاقندہ بونوعہ تأثیر و تنویر محافل آخردہ و نما اولوب انجق مجلس رفیعہ آثار باب قلوبدہ اولدین ایراد استغراب کون بیور دقدہ (کل شیئ یؤثر فی مایعہ) یعنی قالی و قالی اولان آثار مؤثر حواس ظاہرہ و حالی و قلبی اولان اوضاع منور حواس باطنہ و قلوب و عقول وار واحد عنوانیلہ بیان منشأ نشئہ باطنہ بیوروب جوانب اصحاب احوالہ تکمیل توجہ و تنجیم تعلقہ توصیہ و بند دلید بیور مشلردر کہ دستور العمل تمیز عیار فعل و قولدر اکر اشیا اضدادندہ مؤثر اولدین بین الماء و النار محسوسدر دیوسوال اولنور ایسہ مقام قرینہ سیلہ مراد تأثیر لطفی و جلیسدر بین الاضداد اولان تأثیر قہری و دفعیدر دیو جواب ویر یلوب علی الخصوص متنتسین رسوم و متعتسین نخوت علومک اقوال و افعالی جہلی و تقلیدیدر فکیف تصور منها التأثير \* (بیت) \* از پی این عالمان ذوقنون \* کفت از در نبی لایعلون \* علم جو بای یقین باشد بدان \* و آن یقین جو بای دیداست و عیان \* اندر الہیکم بیان این بین \* کہ شود علم الیقین و عین الیقین \* (منقولست کہ) \* جناب ولایت مآب خسر وی علی الدوام طلبہ علم و معرفتی علم الیقین و حق الیقین و عین الیقین و معرفت حالی و معرفت فنائی و معرفت بقائی مراتب رفیعہ سنہ ترقی بہ ترغیب و اسفل السافلین تقلیددہ قراردن ترہیب بیور ملری خصوصندہ ضرب مثل بیوروب تخریر بحث و تنویر مدعا ایلہ رعایت تفاوت طباع ایتلری بایندہ مقلدین و محققین مابیندہ اولان بون بعیدی جملہ بہ کشف و ایضاح بیور مشلردر مثلاً کلمات حقہ سهام اصابت قوام و مقلد کولد چوبین کمان و محقق قوس محلق کش و صاحب ادمان پہلوانہ تشبیه اولنوب طرفینک هدف مطلبہ اصابت و تخلفی ایلہ تھریر مقصد اولنمشدر ثانیامولود و رجال دولک ارقام امر و نہی منشای آثار جلب منفعہ و دفع مضرہ اولوب ہر چند شکل خطیلری پرکار حسندن بیرون ایسہدہ نہ مضامین عباراتی مبدأ انشای مصالح و افنای مفاسد اولور لکن اقلام مقلدیندن ہر تقدیر حسن شکل ایلہ قرطاس زیب مشق اولسہ مقدار ذرہ مؤثر اولدینغندن ماعداد محمول سفہ و موجب تعمیر اولدینغنی مزیف تقلید و مزین شان تحقیق در ثانی اسمای قدسیہ صمدانیہ و ادعیہ مأثورہ نبویہ و قعہ واحدہ قرین انفس نفیسہ محققین اولدقدہ برعساعہ و دفع خطہ امثالی تأثیرات مشاہدہ اولنوب لکن مقلدین غنلہ دہانندن ہزار تکرار و الحاحلہ دخی غنویہ جزئیہ بدیدار اولدینغنی کواہبی اشتباہ فضل تحقیق در الحسام للضراب و الحصان للربکب مصداق تجہ نقیصہ شامت

تقلید و فضیله شهادت تحقیق در دیوتا بدتر غیب و تأسیس ترهیب یو رلدیغی خامه زبان تو ترا میله ثبت کرده  
 جریده منعیه جلبله لریدر والحق آحق آن بطاع فالتقلید معبر للتحقیق لا مقرر وموطن فعلیک باستیحال  
 العبور وایاله والقرار عنده فاعبر واعبر وعلی کذا المرور اصطر ومحیط ومشرّب صافلری وصاف قلب  
 روشن اولوب بداهه سر زده اولان غزل رعنا ی قلبسه لری قلب زیب صف ذکر جمیل لری اولوق اوزره  
 یادکار مردان میدان تحقیق قلنشدن \* (غزل خسروی درنمای دل تابدار نیست که ثبت شده است) \*  
 قبله روی نیاز جان آدمدر کوکل \* مقصد صحرانوردان دو عالمدر کوکل \* رویوش عزت  
 اولشدر سوید اقدیرینه \* روی معنده ولی عرش معظمدر کوکل \* اصبعین لطف وقهرک کویا  
 قلندر اول \* رفعت تقلید حکمتله مکرمدر کوکل \* سر هر صاحب زمان دست حل وعقدینه \*  
 وفق غوثیت نهاده لعل خاتمدر کوکل \* دفع زنکار من وما یلبسدن خسروا \* مظهر فیض جمال  
 اسم اعظمدر کوکل \* (وسایق معهودده بوقطعه غزادخی نو باوه باغ طبع لطیف لریدر) \* قلندر  
 کوینده بزم اثر \* یار مغیله اوینادر حقالبی \* اصبعینله ویرلدن تقویت \* پرده ایتشدر کالحق  
 قالبی \* (آورده اند که) \* اول شاهباز بلند پرواز لانه علوجناب واستغنا طرف باهر الشرفلرینه  
 جانب جناب ثانی سلیمانیدن تتابع تشریفات وتکاتر عطا یار و غما اولدقده بی نوایان مریدین ومجینینه  
 حسب الحاجة تقسیم وبقایاز هتسرای مرآمده خر جراه ذوق فقر اقلنوب یکعبه نفس نفیس لرینه بهره  
 ابقایور مدقلری کونه نظران خدام واحولان رسولان لثامه کو باعطیه هما یونه عدم مبالات  
 واسراف وتبذیر له مباهات وتبذیل الشکل لاجل الاکل کونه کورنگکه وعنقایان قاف توکل وقناعتی  
 کوشه استغنا توشه فقر وفناده برای شکار حطام دنیا خریده کین فرصت ملاحظه ایتکه حضرت  
 خسرو دهم حقیقت انشای سماع وصفاده کرما کرم خرچ تیزاندر تیزایکن صورت ظنون فاسده لری  
 آینه مکشفه تویر ضمیر الهام سمیر لرینه عکس انداز اولدیغی حسنبیله بالدفعات نعره مستانه شیرانه  
 و پشت بایزن بخودانه دلیرانه اولوب دل سوزان ودیده کر یانه لهجه حقایق بیانلریدن قرع صماخ  
 آذان اصحاب اذعان ایدن دو قطعه غیرت مضمون خدمه مر قومینک رل وریشه درخت خلافلرین قطع  
 ایدوب هر بری بر نوهال باغ ارادت وکلاهپوش محبت اولدیغی معلوم شهنشاهی اولدقده رسول وصول  
 مسؤلله بهره یاب اولجه مرسل دخی محروم قلنلر اذای نیاز غمار یله اتهاج سیاقنده بو بیت شریف  
 سر زده طبع لطیف لری اولوب حسب حال صداقت مال واقع اولشدر \* (بیت) \* بیگ و نامه اولیحق  
 بهره وریم اثر \* بوحی دخی قلنلر اوله بی حسن نظر \* (قطعه ازان خسروی) \* ماخسر ودوران  
 وکدای ره یاریم \* برهمزن ملک خرد وکشور عاریم \* از نعمت اگر پرده بروی سر کاریم \* لیکن بدل  
 ودیده بجز یار نداریم \* (دیگر) \* درویشم وتشویش دل و جان ندارم \* در جان و دل اندیشه  
 سامان ندارم \* سر تا بدم دولتم اما که چو خسرو \* در سر هوس این و غم آن ندارم \* (منقول استکه) \*  
 شاهزاده سامی رتبه و عالی منقبست نوبت خلافتلرینده جاری اولان عادت مستحسنه لری شاهد سیرت  
 فقیرانه لرینه صورت عیش امیرانه لرین رویوش ودریای کمال جمالرین بواسطه اوزره خس پوش  
 ایدوب جمله خلفای زمانلرین دخی آیین مأمون الغائله آفت شهرت اولان سمت نعل باز کونه تسیم  
 پیوروب محافظه حالله تنبیه سیاقنده علیکم بالتحقیق الملبس وایاکم والتقلید المجرد وعلیکم التواری  
 تحت قباب النعم وایاکم والتعرض لمواقع التهم الاولی بالامانه والثانی آحق بالخيانة عنوان احیاط  
 بنمایسه الزام وتحدید پیورملرینه متحرکان مناسکت تجریدن بعضیلری احتمال فتنه ارباب استبدادی  
 نهانه ابراد یله استکشاف دقایقه مر ام ایلد کلرنده \* (نظم) \* من کان له شأن یستکف عن شین \* فلیأت

علی زین فی خدمه مولانا \* من كان له عين يستوعبه عين \* فليأت علي ربن عن قربه مولانا \* دم  
 ارشاد توأملريله دفع واهمه واهيه مرقومه وسد باب تدبير جلب مناسب ودفع اجانب بيور ماري نه  
 الارواح جنود مجنده الى آخره حديث شريفين برهان قوی اتخاذ بيور وبسلاطين اوليا واساطين  
 الهدى اولان اعزه كرامك پروانسانك شمع انجمن كاللري بولنان مريدن ومحبين پيشين قبول كردكان  
 خداورسلدرلر كه اجله عظام تربيه وتنميه ليله مأمور اولوب هر برينك قابليت كامنه لري هويدا  
 اولدقه كارفرماي فيض مرقوم اجرى حكم از لى بيور وبسعادت ابدية ايله مستعد اولورلر  
 بومقوله كاراستوارهرنه كونه محك زده اختبار تشكيك اولسه قابل تفكيك اولزو بوسابقه  
 عنايتدن بي بهره اولنلردخى وجوه تسخير مدت العمرله زائل اتما واصل اتصال اولزد يو همچنانك  
 انجذاب ومخالفتك انفصال اوزره مجبولينلرين تحقيق وتوبيخ اندیشه جذب ودفع بيور مشلدر  
 \* (مشوى شريف معنوى) \* اهل نار و خلدراين همدكان \* درميان شان برزخ لايعيان \* اهل  
 نار و اهل نور آميخته \* درميان شان كوه قافى انكيخته \* همچودر كان خاك وزر كرداختلاط \*  
 درميان شان صديابان ورباط \* همچنانك عقد در در و شبه \* مختلط چون ميه مان يكشبه  
 \* (نقلستكه) \* جناب نجابت انساب وخسر وسامى ركاب ولايت مابك او اخروبت غوشه مرند  
 طائفة عليه مولويه نك ولولة كوس اعتبار وديده تقارء اشتهارى كوشكار سكران هفت طباق زرين  
 وزرين وزير كلاه وخرقة فقيرانه ده عيش خوش اميرانه لري مغبوط عقلای عالم ومحسود كچ فهمان  
 بنى آدم وزمان سعادت نرند خرد كيران بكم اولد بغي نعمت بيقمى مستدام اولق رجاسيله خبر پروهان  
 حوادث ازمان آتیه به تسليه بخشاومكاشفه فرما اولوب (من استغنى فقد استأمر ونازى نیاز از اربد  
 كروه پرشكوه ما كه از همه ماسواي نیاز ندر همه احيان ناز نيند وناز نينان دولت دنيا كه نیاز مندان  
 ماسوايند در سايناز ايشان آسایش كنند وانكاه كه اهر بالعكس باشد ووسر كشان جاه ومال بخوت  
 وثروت تكبر نمايند واز نیاز ناز نينان خدا كردن كشد خفت انهم بگردن اقتدنا باز نيا ندر بخيزند  
 راحت از میان دولتبان ورفاهيت از رعيه بردارند بندگان باغى وسروران باغى نه آسایش صغار ونه  
 آرامش بكار ماند جزای كفران نعم بر كات اوليارا اولياي نعم از بند كان چشند مصلح مفسد ومستمع  
 خائن كردند و همچو حيله بجز اقرار و نیاز جانب مردان ازین عقوبت عامه غير هندايلومن الاشوم  
 انكار هم وسوء اصرار هم فاما بجمع شمل اخوان وخلان مارا چون دخيلان دائره هود عليه السلام  
 همچو نوع كرد كز ندر صر حوادث آن ايام تفرقه نخواهد رساند خوش ميزيند و خوش ميرند والعباد  
 بالله الحفيظ وقسيكه محيلان مترسمان قدوه باشند وعوام بدیشان اقتفا كنند و رفته باب تفرقه  
 زير كاهر ياومعه اجراي مقاصد فاسده كنند بطعن كويند و بيهوش شوند وبانكار نكرند وبانكسار  
 متلاشوند از آثار انكسار جنود الهى انكسار عسكر نامتاهي پديد آيد واز مغلوبيت احباب بيزار  
 باشند و بمغلوبيت اعدا زار ميرند دار وديار باغيار دهند و بايار اوقاف جبار را استكثار كنند و همه ملل  
 و نخل در دائره ايشان معذو ر باشند پس هر چه كنند بعيال ومال وعرض واقبال خودان كنند از صفای  
 نعم مأیوس و بچفای غم اعدام بئوس باشند اگر از طرف سلطان البصر امدادى نرسد جمله روم را شوم  
 ايشان منازل كفار واو كار بوم كرداند (هذاما وعد الرحمن وصدق المرسلون) كلام حفايق نظام  
 ونصايح انجمايله من بارز اوليايى فقد حاربني مضمون منيفه ايمايور وب في الواقع تفصيل نفس  
 قد سيلرى اوزره دانشمندان قته سرشت انساب دولت بي تميزانه نسخ واقافه واطفای قناديل مشاهد  
 مقدسة اوليايه و تخريب مرقوم منوره كاردينه اغراومشروطات فقراني توجيه اجانبه اجتر او عظمای

ملتی نفی و اجلاوار اذل و اجلاف و مخنثینی تصدیر و اعلا ایلله نظام مؤبد قیام اجداد اجمادی خلل پذیر  
و کند و لری دخی ذلیل و اسیر ایلد کبری مانند شدت شتا و حدت اشرا دماغ آزار پیرو برنا و جگر خراش  
اعلا و ادا اولد یغنی مشهود عالمی اندر یا محمول الاحوال حول حالنا الی أحسن الحال و اختتم ما لنا علی  
اسلم المال آمین یا معین \* (مشوی) \* بی ادب تنهانه خود را داشت بد \* بلکه آتش در همه آفاق زد  
\* تادل مرد دخنه انا بدرد \* هیچ قومی را خدا رسوا نکرد \* (روایت کنند که) \* السنه مشایخ  
شاخ المرابده شهرت نامیه حضرت چلبی خسرو عظم ذکوه عین الغنایه اولوب کائنات منظر و لری  
اولان سر یغا و عاجلا محفوف الوان نعم صوریه و معنویه اولوب دفعه واحده کفش کردن لری اولان  
در دمنده دخی محرم اولوب مخدومیت مرتبه سین احراز ایتشد رحتی دقیقه شناسان عصر لری  
خسروی چنین باید شناسیده زمره پرداز محافل تحسین اولمشدر علی الخصوص کوهربا بدار و شمع  
شبستان اسرار اولان ذات نورانی سمات حضرت چلبی فرخ ایلد قریب العین اولوب اول مردم دیده دل  
وجان عاشقانی واسطه افاضه و استفاضه و ولی عهد ولایت و مقسم انوار کرامت سیوروب بین الناسطر  
و المنظور و لوا مع کمال اتحاد بارقه اولد قدده اول برق جولان میدان امکان عنان زیر صوب لامکان اولوب  
حضرت چلبی فرخ همایون طالعی سر بر خلافت اجلس و از مه امور اخوان و خلایق دست اقتدار  
پیوستلینه تقویض سیوروب کند و لرشرف بخش دیرین اریکه علین و سجاده نشین خاتقاه عرش برین  
اولوب پسماند کان زمین ارادت لری اورد سنخ آه و این ایلد کبری روز قیامت نماده مانند مد آه مرزده  
طبايع خزینه اولان مرثیات مؤثره دن خزینه قریحه حریقه جگر کوشه لری یاد کاری اولوق اوزره  
خامه سیه جامه ماتم شکیب کداز لری کبابه آخرین منقبه نفیسه لری نه ثبت ایلد یکی قطعه قطعه  
فرسادر اشغل الله تعالی مشهده المقدس بود و دشوده و اشعل مصباح مرقده بود و نور \* (قطعه ازان  
چلبی فرخ) \* خسرو دوران سر مولوی \* ایتدی عزم تحتکاه معنوی \* ترک ایدوب صحبت سرای شش دری  
\* تریه جنده اولدی منزوی \* (در بیان مفاخر جمیل حضرت چلبی فرخ) \* قدس سره و فیض علی الباقین  
بره آمین بحرمة من خلق له العالمین \* (مرویسکه) \* حضرت چلبی فرخ فرخنده طالع طالع مشرق  
ظهور و حاوی لغاوی نور علی نور و لامع اوج ذات البروج شرف و جامع جمیع فضائل سلف و وارث  
اریکه خلافت و والی هفت اقلیم ولایت ادار من لیس غیره دیار کوس حمایتیه علی رؤس المستمدین  
متکازیب تریه معظمه و مسند آرای قطیبت دائره مکرمه اولد قدده عین الجمع اخوان و خلایق بکر بان  
شکران \* اکرمیل دل هر کس بجایست \* بود میل دل ماسوی فرخ \* غلام خاطر آتم که داتم \*  
چو حافظ جا کر هندوی فرخ \* دو بیت نشاط انکیزله ترغم ریز امتنان اولوب فی الحقیقه در یتیم وجود  
بهبود لری فائز کمال مادر زاد ایکن نه سایه سعادت مایه والد ماجد لریده انتهاز فرصت و اکتساب فضیلت  
رسمیه و کشفیه و تسخیر قلوب خاص و عام ایدوب و پسندیده رفتار و دلپذیر گفتار اولغله اطراف دار  
الولایه قونییه ناکسویه امور مشکله سی و ابسته دست تدبیر اصابت تأثیر لری اولغله محمود الفعال  
و محمود الخصال مغبوط الاخوان و محسود الاقران اولوب ولایت و اعیان حق ناشناسان اجرای غرض  
صد دنده طرف شاهی به بدق ران سعایه اولد قلم نجبه آثار تأیید صمدانی منصفه پیرای بروز اولوب  
مدرسه موروث لری اولان بقعه مبارکه التون بایه مدرسه قره طائی ضم و الحاق سیورلوب و بین علماء  
الدوله مسکنه و مؤسسه اولان قوانین و قواعد تربیتی اوزره محافظه تصدیر لری سیاقنده بایه قدس  
مبارک علاوه اکرام قلوب مجالس خاصه خواصده بین الحاکم و المفتی قلب العلماء و مجمع عامه و کلا  
وامراده صدر میمنه پیر اقل غله سرافراز امتیاز اولملری الی یومنا هذا اخلاف کرام لری نه دخی میراث

حضرت چلبی فرخ

و مورت دعای دوام دولت اولشد در همچنان باد ابد الابد بالنبی وآله الامجاد حتی مریدین و محبیندن  
 راغب جوار تر به معظمه بولنا نلرتکثیر سواد ایتکه سائر اهالی فراموش عهود قدیمه رعایت جوار  
 ایدوب بولری دخی عوارض دیوانیه و تکالیف عرفیه به تشریک مراد ایلد کلرنده طرف عتبه علیه دن  
 اکید معافنامه لرا احسان بیور لغل ساییه سعادت لری توقیری دخی تتمیم بیور یلوب همسایه لرینک  
 آسایش دنیویه و اخروی لری کالشمس فی وسط النهار یار و اغیاره پدیدار اولشد ربنا الله تعالی فی جوار  
 اولیائه سرمد آمین یا مجیب السائلین \*(قطعه)\* تربه مردان حق چون از ریاض جنت است \*  
 پس جوار او مهب خوش نسیم رحمت است \* هر کرا همسایکئی آن گلستان شدنصیب \* در دو  
 عالم از المهادریناه راحت است \*(آورده اند که)\* در کگاه مر احم دستگاه حضرت شاهزاده  
 معین من عند الله مرجع کبار و ملتجای صغار اولوب و فی اراده الحکیم المقتدر ممکن الدفع و الاصلاح  
 اولان مفسدک جهنم امری و محتمل الحصول اولان مصالحک جهت تسهیل تحصیل رای رزین  
 توفیق قرینلرینه رهین و زمان سعادت لرنده ظاهر و باطن اذات شریف لری مدار جذب صلاح و دفع فساد  
 عباد و بلاد اولغله حساد فساد ستر راه مر اجعت مراد ایدوب هر چند حل و عقد خصوصنده  
 بذل مقدور ایلد کجه عقد لری حل و حلاری عقد ظهور ایتکه ناچار اعتراف حکمت جبار ایدوب  
 \*(بیت)\* حکمت محض است کر لطف جهان آفرین \* خاص کند بند مصلحت عامرا \* مضمونه  
 قائل بی شبهه اولوب ردت ترددن سمیت سلم و تودده رجعتله فیضیاب حسن نظر لری اولوب عناد  
 و اصرار قدیم اوزره ثابت اولنلر نکبت زده و مد مر اولد لری سبقت کرده تجارب اولی الانصاف  
 اولوب و کیفیت فریقین مجانس زیب اعتذار و شکران اولدقه لایقدر علی تغییر تعین الصمد  
 احدوان اصراض بنفسه و یرد فقره شریفه سبیله تبیین حال خود و تعین مال غیر بیور مشلدر و بعض  
 امور سهل غما عرض اولنلر قدده اعمال سامعه بیور لیوب اهمال تمشیت و یا خود حواله تمشیت  
 بیور لری فی علم الله تعالی دلیل امتناع الوقوع و امارت استحاله حصول اولسی کرار و مرار معهود  
 محرمان دقیقه کار اولد یغی دخی مکاشفه عواقب امورده تمسکین تاملرینه شواهد الحال اولشیدی حتی  
 بعض احیایده عدم اهتمام و اهمال کار محقر لرنه اسائنطن ایدن لری اهمال مهملات لازمست  
 نکته سبیله تأدیب بیور لر ایدی یعنی عارف مکشفر اهملات فی المشیة را اهمال واجب است  
 زیر اغیار ارادت حرکت باعث ردادر و بالجمله عاقل و غافل کیفیت نادره لرین \*(بیت)\* هر که  
 در در که کرامت اوست \* هر دمش میرسد عنایت دوست \* شاهد حکمت از پس رایش \*  
 روغود است و این هدایت اوست \* مضمون اخلاص مشخونه امضا ابتدا کلری رسیده حدتواتر  
 و اشتها در \*(نقلستکه)\* حضرت شیخ خلوتسرای عبادت و سر و آزاد کلشن فراغت کاهی انجمن  
 ارای کرامت و کاهی کوشه کزین جملہ ولایت و کماله سالک راه مدارا و مواسا اولد لری حبیلہ  
 مانند خرشید کیتی فروز محبت خانه اکثر اشراقی روشن تشریف بیور دقلری نودولتان کونه نظران  
 عندده عدم تمکین و وقاره محمول اولد یغندن ناشی سبب کفت و کوی بیوده حسودان و باعث حرکت  
 عروق حمیت خیرخواهان خاندان اولد یغی عکس انداز مر آت ضمیر منیر لری اولد قدده و ینبغی للولی  
 آن بکون عارفار زمانه مقبلا علی شانه مصداق تنجیه زمان ماهنکام زمن علیلان هواست و ما طبیبان خدا ایم  
 پس از رفتن بسر بالین ایشان چاره نیست تا موجب امر حکیم کریم تمشیت کرده شود آری پیش ازین  
 هنوز اسیر فراش نمودند و پیاپی طبیبان امکان تردد باقی بود تلک أمة قد خلعت الدیار عنهم الحاله هذه  
 الاعمال مبنیه علی اقتضاء الزمان اینقدر دست و پای از معامله بالمعامله مامنانی اقبال شان نباشد

بیان ارشاد عیانر یلدهان بند اعتراض اولمشدر کما اشیرالی هذه الدقیقة بقوله قدس سره ومن آثار  
رحمة الله تعالى علی قوم أن یعین الرءاء ویؤمر الکرام فان شکروا ائمتا مدهم وان کفروا ائمتا مدهم  
فی الواقع نوبات اخلاف علیه لرنده قاعده شکران اهالی دستور العمل اولدقچه طیل ظلیل حمایه  
روحانیت خنکارا کبریده جمله ممنون راحت ورفاهیت وکریه و کفران اولدقچه محزون تشنت  
حال اولدقیری همواره معاینه اولمشدر \* (قطعه) \* انعام کار نیست کرمنداری باور \* جرب به  
وایقن بالامر فی الغرامه \* لیکن ازین مثل کن کار قیاس محکم \* من جرب المجرب حلت به  
الندامه \* (مروسته که) \* حضرت چلبی فرخ منش وخرم وش مترفل خلعت حشمت و متزل شعار  
ثروت وجمع کمال ظاهر و باطن وزیر قباب عزنده کامن برولی والا منقبت اولوب محضا صغار دنیا  
کار دینه نکران دیده صغار و مبتلای بر زخ دمار اولسون دیور و پوش تکافات صوریه ایلده تدارک  
محافظه ده اقدام اوزره ثابت قدم وایا کموت کدیر اعتقاد العوام تحذیرنده راسخ دم وذات شریف زیر  
البسه نفیسه ده کهنه عبا پوش و سباطلری بر الوان نعم و کندولر روزه دار وعلی الدوام مولع قیام  
الاسحار و جمله غنوده بستر راحت واول نوافل کزار اولوب کرفتاران درد نفاق ساده لوحان وفاقه القای  
وسوسه شقاق ایتکه میان اخوان وخلانه دغدغه تفرقه انداز و او اخر صدت خلافتلری ترزل یاب  
فته ناخلفان خلفا اولوب غیر تکشان احباب بر اضطراب تدبیر اندفاع سیاقنده عتبه دولته تحریک  
رکابه سوق ایلد کلرنده (ایس اول قار ورة کسرت فی الاسلام) مثلنی سر سخن اتخاذ و عقیب خیر  
القر و نده ظهور ایدن وقایع فرجیه ایلده تسلیت ایتشدر و بعد الوفا قلم شریفلر یله مجموعه آثار  
لطیفه لری هامشند دستانر اوستان باید تا کام دل و جان یابند فقره مکاشفه مشحونلری مکتوب  
بولنوب تحقیق بوستان اول حضرتلری ظهورنده بکماله مفهوم اولمشدر ذلک تقدیر العزیز العالیم \* (آورده  
اند که) \* حضرت چلبی فرخ نامدار تاجدار ملک صفوت حضورنا محضو را اولوب مجالس معقوده ذکر اسم  
جلالده و طیفه معینه جهر اولان نصاب فروج که فی الصبح درس و فی المساء قلب درهنوز انعام بیور یلدن  
غلبه وجدله مسارع سماع باصفا و اثنای نشر معارف مشنوی معنویه دخی کذلک مبادر اداره دایره  
حال بین و ما و کاهی معجوده سر بحیب خرقه شهود حکمت و کاه غائن قلزم حیرت و کاه انسلخ تامله فتاده  
طو رحالت اولوب بعد زمان سر بر آو میان بزم ارشاد و کجینه کشای جواهر واردات اولوب اثنای  
استغراق لرنده افاضه بیور یلان معانی ثمنه و معارف نفیسه بی مفارق بی سر و پایان فقرای در که  
ارادتلرینه نثار له هر کس بقدر التحمل نائل عطیه تحمل و معتنم فوائد مواند کونا کون اولور لر ایدی  
حتی اوقات صافیه لرندن بر حین مینت فرینده عادت مشرب دریا جوشلری اوزره ساحل عبارتیه نشر  
عجایب نکات بیور ملری خلانده مشام آشنایان نجات الرحمن و بوی کیران ازهار کاستان عرفانه  
خطا باالبداهه انشاد بیور یلان قطعه غرالده حامل سر مقدسلری شاهزاده بوستان اول جناب  
نجابت نهادلر ظهوری و واسطه ذات جسیم البرکاتلر یله بوستان حضرت خداوند کاری قدس سره نل  
احیا کرده طراوت زائد الوصف اولسی تبشیر اولمشدر \* (قطعه) \* بوستان از بوستان راستان \*  
دوستان را عیب باشد اخشی \* کرشوی یعقوب این بیت الحزن \* بوی اویت میره انداز عجمی \* واول  
مهمپاره همایون طلعت شارق افق ولادت اولدقه نام نائی بوستانله تسمیه بیور یلوب اعلام قدیمه اسلاف  
علیه دن برینه توجه بیور یلیوب بواسطه سائی نوسکه ایلده ناخر دیور ملرینل سری استفسار اولند قدقه  
سرش سرور دوستانست پاسخ بشارت ما ایلده دخی تأیید مدعا اولمشدر وقوع کما خبر و اثر کما شعر فله  
الحمد والمثنه علی مافدر و یسر \* در اثنای این ثنا گفته شد \* تا ابد بر نور باداجان بال عاشقان \* باجمال

فرخ شهرزادگان خاندان \* بکنفس چون وادی ایمن مکن یارب تهی \* بوستان عارفان از نخله اسرار شان  
 \* (نکته) عادت تیزجوش و دیرصمود و رکش لریدن استقصا کتان حریفانه (ماشیر کیر و نیم مست جام  
 الستم هر گاه که یکدو قدح کشیم همانا بخود و سراندازشویم این کیفیت از ایست نه از تنگ  
 ظرفیست) دم حالت توأملر یله پرده برانداز روی کار اولمشلردر \* (چنانکه فرموده شد) \* بمشرب  
 از خیال چشم او صد جام جم دارم \* و کرنه ترغی سازد می عالم دماغرا \* (منقول است که) \* جناب  
 مشرب فرخی و آخر زمان خلافت لریده طی بساط مدارا ایله مانند جواب با صواب عدم اجابت مسجد  
 ضرار شرار نفاق آلوددن رفع ستاره تغافل بیور و اولثک الذین یلقون أنفسهم بآیدیهم الی تهلکة الغیرة  
 تو بخینه مشافهه و اشاعة مکنونات ضمائر فاسده لریده مبالغه و مصداق و امتاز و الیوم ایها المجرمون  
 اوزره اصحاب اخلاص و ارباب وفا قدن ظاهرا دخی امتیاز له امر بیور ملر یله ناچار با جمعهم اصرار  
 و انکار ده یکدل و یکدست اولوق اقتضای ادب مالا ویدنا افکارا و اقتراء اریکه خلافتسندن خلعلرینه  
 بذل اقتدار ایدوب مساعده حوادث روزگار غدار له نائل مر امی سرانجام اولوب و آثار  
 امدادات روحانیة انقطاع عیله مکدر الحال و مشوش البال و لکد کوب متعصبه ایله با مال و سال حی  
 مرورنده جناب محیی فیاض زلال فیض مقدسیله به بوستان صدیقیه مولو بهی شاداب و قلوب غمزه  
 احبابی کامیاب حیات تازه ایلدوب انلرک بیج درخت تلبیس لرین (قطع دابر القوم الذین ظلموا و الحمد لله)  
 منصوصی اوزره ماصدق کان کان لم یکن و فسانه غدر لرین سبب اعتبار یار و اغیار ایلدیکنه کویا  
 حضرت برهان المکاشفین بواثر بر عبر لر یله ماجرای ناخلفان مر قومینه اشارت بیور مشلردر \* (بیت)  
 روزی دو کرباغ طماعی سبزینی غم مخور \* چون اصلها بیخشان از راه پنهان بشکنم \* و متشیخین  
 کستما حاکم تفصیل حال فضا یح مآلی مناسب سلاک انتظام منقبه لطیفه اولیای کرام اولمغله  
 سفینه نفیسه به درج اولقمیوب مانند سیئات بیمار انداخته تعدد ریای نسیان اولمشلردر \* (بیت)  
 چه جای نام اغیار ست این ترتیب پر بهره \* نزدیک در میان لؤلؤ شهرار خرمهره \* و دخی رشه تغافل  
 و اهمال لر یله اطفا ناره فتنه لری و سد سیملاب تعصب لری و صرف مکائد تغفلری قابل اولوق  
 ملاحظه سیله هر چند خبر اندیشان سمت مقابله النار بالنوره اسب ران هاضمه اولمرین رجامند  
 اولدقلریده وقوع خصوص آتی الی ان مبرم اولدیفین اشعار و کاراز کار خیزد فو اسنجه بواصر غریب  
 مقدمه نتایج عجیه اوله جعین تقریر و تصریح خلاصه معامله متصلبانه لر به بویتین شریفینه  
 استشهاد بیور مشلردر \* (بیت) \* بایدان بدباش و بانسکان نکو \* جای کل کل باش و جای خار خار  
 \* یار معیدار باید خاصه اندر دوستی \* تا توانی دوستی بایار معیدار دار \* و دخی منشأ تفرق و امتیاز طائفة  
 باغیه چلبی فرخ امین الاسرار جنابک کلم الناس علی قدر عقولهم و الحکمة ضالة المؤمن مصداقچه  
 صحبت محرمان صعال که به معتبران تکلفات صوریه بی محرم ایتیموب هر کسه مقال و معامله لری  
 مقتضای مقام و قابلیت لری اوزره اولدیفین بخل و نخوت حمل ایتلر یله کرپور و عناد اولدقلری غمایان  
 اولدقده دفع غائله سیاقنده نیازمند تسویه اولنلر \* (بیت) \* بامدعی مکو بید اسرار عشق و مستی \*  
 تابخیر بمیرد در در خود پرستی \* مضمونیه و نحن معاشر المشایخ امرنا ان ننبع اثر الانبیاء و ننزل  
 القوم منازلهم و نکلمهم علی قدر عقولهم مارا چه کار بتدارک مکار قول شریفیه اسکات بیور یلوب  
 و از دست کوته آستینان غیر از عزل نظارت اوقاف نباید و این چیزی خسیس است چون منظور بیت  
 جدبزر کو ارم برجاست باقی سهلست نطق ظاهر الآثار یله ختم کلام تسلیت نظام بیور دقلریده  
 مصدق عزل و نصبلری بنسده قصر یدمداخله ایراد و مصرفدن ماعداتفاوت بولقمیوب کافی الاوائل



اقبال واجلال خداداد لری برجا اولوب طائفه رديه نك دمايم سابقه سنه عقوق ولي النعمي وكفران حقوق  
 قديمي علاوه گرانبار نحوست نفساينه لری اولمشدر \* (مرويسكه) \* مازانعام نياخور ديم سبر \*  
 استخوان پيش سگان انداختيم \* بيت رضامضمونيله سجاده مشيخت طاهره دن چاربالش خلافت  
 باطنه به نقل بيور وب حضرت قرة العيون دوستان اغني به چلبی بوستان جنبانی تربيه و نيمه و ولي عهد  
 وقيل الوفات الباس فرجی خلافت واجلاس اريکه اجازت وتسليم خزانه امانت بيور وب كندولر  
 رخت اقامت كش دارالقرار ورسیده سراپرده جناب خداوند كار اولدقده بوستان چلبی  
 حضرت تليرنك عندليب جان هجران زده لرينك اثنای فریاد و ناله واحسرتاده تضمين بيوردقلى مرثیه  
 مهيجه الاخرانلريد \* (قطعه) \* فرخ چلبينك رخ پرتابی دوران \* پنهان ايديجك قويدی سر جانه  
 قیامت \* حيفا كه كچوب منزل مهر ومهره كيوان \* قالدى قلانك بخشنه افسوس وغرامت \* أفاض الله  
 تعالى سحار رحمة على روضة تریه ودخی پیام عزل كوشزدلری اولدقده بدیهه انشاد بيوردقلى غزل  
 رعنا خاتمة منقبة لطيفه لری اولمق اوزره ثبت كرده خامه سينه چال \* ماتم خلع وفوتلری اولمشدر كه غزل  
 العزل تسميه اولمشدر \* (غزل له قدس سره) \* يارب بزم بر تسليت خاطر اولورمی \* بوخسه بوقفورايله  
 دم آخراولورمی \* خوش طوت كوره لم دامن صبری هله الهه \* تغيير خداداده عدوقادر  
 اولورمی \* ناكه ایده جكدركرم حق سكا چاره \* ناچاره انك كیبي مكر ناصر اولورمی \* نخر  
 ايلسون جامه فقرايله مقلد \* زشت اولسه كشی خلعت ايله فاخراولورمی \* صاحب نظر استرر چلی  
 مسند كارك \* بستانه سرلاشه خزناطر اولورمی \* فریاد رس غائب اولور حاضر وزنهار \*  
 شكيله ديمه غيرت حق ظاهر اولورمی \* ادناستم شاهله هيج بنده فرخ \* رومالی خدمتده دلا قاصراولورمی  
 \* (در بیان مناقب شریفه حضرت سروسرافراز باغ عرفان اغني قرة العین دوستان چلبی بوستان) \*  
 نورازهار روضة منجعه المنان بعزة من له الشفاعة المقبولة فی كل الاحیان \* (آورده اند كه) \*  
 حضرت باغبان بوستان طریقت ووروشنكر آینه دوستان حقیقت فضیلت مادر زاد و ذات خداداد لریله  
 كالات مكنسبه طاهره و باطنه لرین جمع ایدوب و سرسراستلا مكانلری بایدار مجمع البحرین  
 وعین خضر زمان وفق احيای نفوسده ثانی مسیح دوران و جملة انسال زكية جلالیه صدیقیه نك  
 چشمینا و دست كیراسی ومظنه فتح ومشكل كشاسی اولوب اولادواحفادواخوان وخلانك انكسار  
 درون واغبرار برون و پریشانی حال معاش و تعاشری باعث خروش دریای همت مردانه لری  
 وبادی باد وصیت صمیمانه والدماجد لری اولوب دفع غائله خلفای مختلفه و رفع شماتت ناخلفان  
 مخالفه شدت طاق اهتمام و تسمیر ساق اقدام بیور وب داعیه تنفیذ وصیه سائق وقوت دست و بازوی  
 حمایه و حمیه قائدر احواله توجهری اولغله نوبت خان احمد اولده جانب دارالدولة قسطنطنیه به عطف  
 عنان عزیمت بیور وب رهبری توفیق صمدانی ايله ممنون سعی مشكور و مسرور انعام نامحصور  
 اولمشدر \* (در بیان وصیت پدر بزرگوار) \* اول وقت ناز كده كه كندولر مانند شمع سربالین  
 پدرده سوزان و كریان و دیده راست پدر جانب جهان بقایه و چشم چپ روی عالم فناءیه نكران ایكن  
 دیده دلد و ز روی سیر عالی كوهرا اولوب نفس ناطقه لری بوهنكام تنك رحلتده سلسله جنبان درای  
 بان و چند كلمه طیه بشارت فحوائی زیب كوش جان اخوان وخلان ایدوب لیكن الامور مرهونه  
 باوقات مضمونی مراعات و اغتام فرستله تنبیه بیوردقلى لالی نفیسه منتهوره رشته كش تحریر  
 و یادكار احباب صداقت سمیر قلمشدر \* (یا بنی اغتم بالابن وابن النعاء علی امره فان شانه عظیم  
 وخطبه جسمی وانتظر بناء تكمین معه بوستان بان فاذا ناب وبان انب الیه أنت الشهاب الثاقب تطرد

حضرت چلبی بوستان

المرده و تحرس المريدین) \* مثنوی \* نجم ناقد حارث آمد دیوران \* هین بیل دزدی ز اجد سرستان \*  
 و بو وصیت مشهوره لرین بیت مثنوی ایله تدبیل بیور ملرنده قواعد استخراج موز مثنوی اوز ره مضمون  
 و صیقلیری اندن مستخرج اولغه اشارت احتمالی وارد در فلیمعن الفطن العارف با سراره فی الواقع اسم ساعی  
 احمد مساوی ابن اولوب جلوس همایون و ظهور میمون نرنده مأمور منیب عبثه علیه و تأیید عالیر یله  
 بوستان خلافت بان اولشلردر کاسیجی تفصیله \* مرغ و ماهی داند آن ابهامرا \* که ستودم مجمل  
 آن خوشنامرا \* اینکه میکفتم بقدر فهم تست \* مردم اندر حسرت فهم درست (منقول است که) اول در نیم  
 صدف نجابت \* اشتدی از مه تنفر چی \* قد آذن لیک بالبلج \* مصداقچه جلوس خان احمدیه ایله تقال نیل  
 خبر و تباشر صبح اقباله تفرس دفع شریور و ب طرف ر و حایت سلطان العاشقین و برهان الواصلندن  
 صادر اولان امر عالی موجب بجه صوب مأموره راهی و منزل مقصوده واصل اولد قده مهممان  
 دائرة حضرت ایوب انصاری و متشبث دامن صبر و منتظر فرج طفر اولد یغی ایامک بر شب قدر احتمالنده  
 مکر احمد خان علیه الرحمة و الغفرانک طائر روانی پرواز او کار عالم مثال ایدوب سرای همایونده اولان  
 قصر مخصوصی حوالیسنده ازدحام درویشان مهابت نشان مولوی مشاهده سیله برسان کیفیت حال  
 اولد قده خواص خدامدن بری پادشاهم حضرت مولانا قصر بکزه تشریف بیور و ب کورین فقرا  
 ملازمین رکاب متبر کاریدر دیو جواب ویر و ب انلردخی شوق تمامله درون قصرده دخول ایدوب حضرت  
 خداوند کار حقیقی مسند میمنه پیر مشاهده بیور دقده اکر امانت کایف سر بر سلطنت ایلوب انلردخی  
 (کرسی نشینان سایه عرش برین برین تخت شش تخته رافرونیانیدن تخت و تاج آن شماسست) نفس  
 قدسیلری بدل اجابت و جواب هر مشکل پادشاهی واقع اولغله انتهاز فرصت بیور و ب درد تغلب طغات  
 وقتنه تسلط بغاته دواجوی خیر دعا و دافعه خواه همت علیا اولنجه (تودر ظاهرا کردوای درد تغلب  
 طغات اولاد ماکنی مانیز پیاداش آن از باطن دفع قننه تسلط بغات ولات شمایک کنی بستان مارادر یاب  
 و همت بستان) دیو تنبیه بیور و ب نهضت ولایت احتشام غوثانه لرینه تشییع عقیمنده انلردخی بیور  
 سعادتلری وز یارت تر به فردوس رتبه ایوب انصاری علیه رحمة الباری ایله مستعد اولد قده جناب  
 صحابی و الامرتلی اول بقعه مبارکه ده حیات کامله اوز ره بر شاهزاده خاندان ولایت مولوی ایله مصاحب  
 معاینه ایدوب اتمام لوازم یارت و تکمیل مراسم صحبت و قیام و داع اثناسنده (بوستان من اینست)  
 اشارتیه سلطان معنوی باطن و خاقان صوری ظاهر بیدار اولد یغی ساعت بو کرم بی عدیه شکرانه  
 تدارک قرابین حسبه ایله ظاهر ادخی ز یارته مسارعیت بیور و ب بستان جللی حضرتلرین کافی الواقعه  
 مشاهده لر یله مستبشر اولوب تنبیه نبیه جلال الدینی اوز ره زیر پای آسمان پیمانه لرینه بای انداز  
 اکرام مالا کلام فرش بیور و ب سرای همایونه دعوت و انلردخی تشریفه اجابت بیور دقده دار الواقعه  
 معهوده نشین جدا مجد دن تاخر بیور و ب تکلیف تصدرا اولد قده (فرع بجای اصل نشستن بی  
 اد بیست) عنوانیه محاکات خیالیه لرین کشف بیور مغله هنوز بستان مارادر یاب دقیقه سی کاهو  
 حقه مفهوم اولمشیدی لکن بودفعه کمال حال ولایت ماللری معلوم شهنشاهی اولغله استفسار داعیه  
 سفریه لر ی ایله استنطاق بیور یلوب ظاهرا لازمه ذمت همت خسروانلرینی کاینیغی اجرا و تنم  
 و قریب امکافات موعوده حصولته انضمام توجهلری التزام بیور لدیغی آثار جلیله سی همان روز  
 جلوه کرمصه ظهور اولوب قلمرو شاهیلری هرج و مرج فتن طغات و بغات ایکن بعنایه  
 المقتدر الدافع کلستان آسایش و راحت و تار یخ بغمیده اهالی بالسکایه معکوس و مشکوس و سرز پر  
 پرد غیب اولد یغی جمله بی اوراد گزار احمد الله علی سلطان ایلدیکی کبی بوستان دوستان خداوند کار

اکبری دخی خار و خس اغیار دن تطهیر و تنظیف اولوب کما فی القدیم هر گوشه سی جلوه کاه بلبسلان  
عشاق و طوطیان عرفا و مجرای زلال سماع و صفا اولوب آبروی سلاله صفیة صدیقیه و جلالیه نث  
ریخته خالک صغار اولسنه سعی ایدن کفره نعمت و مرده ارادت مرجع جزای اعمال سیئه لری و محو  
و مضحیل اولوب فقط حدیث خبیثلری یادداشت ارباب اعتبار و بندا احتراز انکسار اولشد (بیت)  
ز آسمان آیدت ابن بخت نه از عالم خالک \* کار اقبال ستاره است نه کار بازو \* مضمونی اوزره مکائد  
و تزویرات خباثت اساسلری کی کند و لر دخی منقلب هوای فنا و بختیاران ازلی ینه کامران  
عطایای لم یزلی اولشدر \* (چنانکه) \* فرموده اند (من أراد ان یذل من أعزّه الله تعالی فلن ینال  
مراده و یناله تعالی بعزّه غیره) و دخی سلسله عزیزه صدیقیه نث شرف و احترامی \* (بیت) \* این نسب  
خود پوست اورا بوده است \* کز شهنشاهان مه بالوده است \* (دیگر) \* مغزا و خود از نسب دور است  
و بالک \* نیست جنسش از سمل کس تاسمالک \* (دیگر) \* تاپشت آدم اسلافش همه \* مهتران  
بزم و رزم محکمه \* (دیگر) \* خیال یار خوش خویم تبسم کرد بر رویم \* چنین شدنسل برنسل چنین  
فرزند فرزندان \* مضامین حقه سی اوزره مسلم اوائل و معضای او اخر اولشیکن خلاف اجماع اوزره  
جرات حرکت بی ادبانه لری کند و لری تشهیر و تدمیره مفضی اولشدر فلا یلومن الا طباعهم اللثام  
و نفوسهم الخصاص علی الخصوص عموما مناقب نویسان خداوند کارینک اتفاقیه عدد دجله مردانه لری  
بالغ نصاب جمع اولوب و رای حجره خلوتدن میان حلقه محبته نشر یفلری خلا ننده دست بدست  
بهاء الدین ولد قدس سره الصمد ایکن هر سر راهده مشاهدین بیکر انور لری آینه وار پشت بر دیوار  
حیرت زده کمال جمال لری اولغله خروش دبدبه صلوات شریفه بی ولوله اندازنه قباب ملکوت ایلد کمری شرف  
زائد الوصف عجب انکی خنیا طر ولدیه اولدیغی مشهور لری اولدقده (این دولت پاینده خوش کواری را  
بفرزندانت بخشیدم) احسان غوثانه لری مدی الدهور و الاعوام اولاد و احفاد ذوی الاحترام لری نه  
خاصه لازمه و ساریه جمله عترت سائر لری اولدیغی کالشمس و القمر اطهر و ابهر ایکن تقاضای  
نسب و یلاته سالک راه تباہ شقاق و غدر اشراف اولق محض و وقوع برزخ هلا که مبادرت اولدیغی کام  
اولده نمایان عاقبت اندیشاندر \* (منوی شریف) \* ای مری کرده پیاده باسوار \* سر نخواهی برده  
اکنون پایدار \* تو مری باهمچو خود موشان بکن \* باشتر مر موش را نبود سخن \* الا فاقتلوا النفس  
الخبیث و بادروا \* ولا تترکوها حیه فهی عقبرب \* (مرویسکه) \* دقیقه شناسان هنروران  
بوستان بان لفظ نده اولان اشارت اجتماع قطب معنوی و صوری که ظاهر و باطن عالمه مبداء فیوض  
نظام کلی اولغله دلالت ایتمکه هر کس چشم و گوش ظهور امر مشارالیه ایکن بان دو حه معدلت  
اولان حضرت خان احمد ایلده حضرت بوستان حقیقتک امتزاج لری و تعارف لری نه اول مکنون و رای  
پرده غیب جلوه کرسا حه سرای عین اولوب و آثار برکات اتحاد لری روز بروز کار کربروز و بار آور  
دفع تفرقه اولدیغی معلوم اصناف عباد اولدقده میانه ملک و ملکده ارتباط جسم و جان و مابین قطبینه  
علاقه جان و جانان نمایان اولغله ~~سکان~~ دارالدوله و قطان عامه مملکه محب خاندان مولویه اولوب  
خواص و عوامده اشقیای سرمد به دن ماعداسر سبز تکبیر مولوی اولدیق فرد واحد قالمیوب شد و ذا  
بولسنه دخی فرد باطل عد اولغله و لوله تقارنه و نای اقبال مولویان جهان کبر و ار باب سعادت دارین  
غرق نعم ذوق و شوق و صفای حالات و معارف اولوب هر کاه که مشرب شهنشاهیدن استمزاج  
مساعده و داع اولسنه عدم طاقت هجران تحمل کداز لریه مقابله ییور یلوب آخر الامر ~~اکل~~  
اجتماع فراق مضمونه قائل و وداع لری ظاهر و سراتوجه و هم تملری در کار اولدیغی معلوم شریفلری

اولد قده استیذان عزم و رجعت دار اولایه قونیہ بیور یلوب زهاب درویشانه وایاب ملوکانه ایله چند منزل وفود مشیعین و مستقبیلین ملازم رکاب ثریا قرانلری اولوب لادیق نام منزل ایله قونیہ مابینی غونہ ساهره قیامت اولوب جهات چار کانه لریده پر وانسکان بی پروای عاشقان نعره زن و پای کوبان ورقص کلان سماع راهی اولوب ومطر بان وخوش الحانان ومقرئان خوش خوانان آواز هسی کوشکدار ملاعلا ولدت تنیه نشیده \* (بیت) \* سپردور خوش اکنون زند که ماه آمد \* جهان بکام دل اکنون شود که شاه رسید \* ز قاطعان طریق این زمان شوند این \* قوافل دل ودانش که مر در راه رسید \* کجاست صوفی عدجال فعل و ملحد شکل \* بکوبسوز که مهدی دین بناه رسید \* دماغ احبابه چاشنی جان تازه رسان اولوب وتلخکامان زهرابه عنادی جرعه نوش جام خفت الانف ایدوب قدوم مینت موسوملری مرایای قوایل متقابله ده جلوه کرات حکم شعرا اوله رق کرد راهلر ومال عثبه علیه تربه معظمه وحشم وجمه سای طیلسان تبرک صندوقه منوره جدا مجد بزرگوار لری اولد قده تهیج رقت قلب تابنا کلری تأثیری ایله کریمه شادی کردا کردا آستانه سعادت کویا سلسبیل وشادر وان کاشن شکران ایدوب اول سرور وموفور له سماعرزان راهی خط مستقیم سپردور یلرین تدویر ایله حلقه بند سماع حضری اولوب اول محضر عالیده بر مرتبه غلبه حال مستولی رجال اولشیدیکه جوش بحر ذوق وصفاخلان وفای مستغرق آلا ونعما ایلدیکه کبی مخالفین برجفای قناده کرداب غموم رشک و جزا ایدوب بر سینه تمامه د کین هر بری ابتلای اسقام فرمونه واستیلای هموم عمرضه وممرک خناه ایله هالک و راجع تحت اللواء مالک اولوب ساحه بوستان سرای عرفان خس وخار وزاغ وزغن آزار انکار دن مطهر وبوستان افروزان صدق و اخلاصه مزین وخزیدکان کوشه خمول وهجران شب تاسحر \* (بیت) \* در این شب سیاهم کم کشت راه مقصود \* از کوشه برون آی ای کوکب هدایت \* مضمون ناله مشکونیه ایلد کلری نیاز کریمی انبارک وفق المأمول وفوق المسؤل متنع ثمره صوری وسریسی اولوب معاندین نابود و ناپیدا وموافقین مهر و مه آساهوید او ظلت اصرار وانکار دن حمای شاه عرفا محروس الساحه ومحفوظ الار جا اولشدر (فن نکت فاعنا ینکث علی نفسه ومن أو فی جماعه علیه الله فسیؤتیه أجزاعظیما) منطوق معجز مفهومی بود فعه دخی رسیده میدان عیان عیون اعیان ذوی الاعتبار و بوکرامت نادر الامثال لری علم افراز اشتهار دار و دیار اولشدر \* (چنانکه حضرت پیر قدس سره المتیر فرموده است \* (ابیات) \* دل خسان چوبسوز دبروی بوی بد آید \* دل شهان چوبسوز دفر و دغیر و عود \* نشسته بر رخ هر مستر و که جان بردی \* نشسته بر لب ساغر که عاقبت محمود \* نشسته بر دق مطرب که زهره بنده تو \* نشسته بر کف ساقی که طالع مسعود \* بخند موسی عمران بکوری فرعون \* بخور خلیل خدا نوش بکوری نمرود \* (روایت کنند که) \* نخل بار آور حدیقه عرفان و طوبی سایه انداز مفارق درد مندان آغنی به جلی بوستان قدس سره المنان دخی نونال زمین صبا و مر اهقت ایکن بالطبع مائل شکل وزی اصحاب ترک و مقبل خدمت ار باب تجرید اولوب البسه نفیسه دن نفور و بی شائبه شین غر و رونا صیه مبار که لریده بر تو نور علی نور لامع و نایاره خشکه قانع اولوب والوان الطعمه به طامع اولیوب اکثر اوقات خلوت و سکوت و سکون اوزره گذران اولغله مال شناسان احوال ومهره عرافت واستدلال و بهره امارت انتقال حقلریده مضمون (قل جاء الحق وزهق الباطل) ایله تقوه وموجب فراست آثار نجابتلر به تفأل یور ردقلری انفس شریفه منتظر الظهور لله الحمد والمده و علی حبیبیه الصلاة والتحیه تخلیه اغیار وتخلیه اخیار ایله علی اسهل السیل رسیده منزل حصول اولغله اقصی بلاد و افاضل عباددن منجذب سده سنیه ارادتلری

اولان گروه پرشکوه دیده کار نادیدگان زمان لرزیده و شک مردان اولغله سدره چشم زخم روزگار  
ادانی پر و سیاقنده اتخاذ چشم آروی صید و شکار بیور و ب لکن هر نوبت اصناف شکار درن  
فتاده حلقه دام تسخیر لری اولنلرک مرتبه و شمار لر نجه الی التوبه الایة مراتب ثلاث نوع انساندن  
وفق العدد نفوس مستعدده مستعد قبول حلقه ارادت و شرفیاب تکبیرا نابلری اولنلر شاهباز بلند  
پرواز همتلرینک صید کاه صورت و معناده شهیدار تأیید و توفیق اولسنه دلیل مورث یقین اولدینگی  
حسبیه سر باز داران دائره لری اولان طغانی احمدده ده ننگ (کرم عجم جلبی عمادر کار شکار هم  
در کار است که اگر بصید صغار نزار رغبت و تنزل نفرمودی کار همچو مایان مشکل بودی) نکته سیله  
مطایبه سنه (ومن الناس من یحبک أجسامهم) مصداق و اکثر اهل الجنة کل ضعیف متضعف  
فوا سنجیه بلکه صغار صوری اوساط و بکار معنوی باشند ان الله لا ینظر الی صورکم بل الی قلوبکم  
و نیاتکم مضمون شریفیه یا سخر یا سخر فرما اولمشلر در کار مانع رفان کار فرمای شکار است مارا بصغار و بکار  
چه کار است نفس انفسلریله امور رنده مأمور و بی غائله مداخله نفسانی اولدقلرین ایما بیور مشلر در  
(مثنوی)\* الصلا کفتم ای اهل رشاد \* کین زمان رضوان در جنت کشاد \* هین بیای  
طالب دولت شتاب \* که قمتو حست این زمان فتح باب \* (آورده اند که) \* حضرت جلبی عمشار الیه  
متواریان قباب ملامتدن اولوب جمله اطوار ظاهر لری مقوله رموز فعلیه دن و تحویلات الهامیه الیه  
اولدینگی مشهور باب فراست اولدینغدن ماعد اسبق تجارب صحیحه الیه اکثر اهل البینک دخی معلوملری  
اولمشیدی مثلا صید و شکاره مولع تمام اولسه لر کثرت مرید و محب و وفرت قمتو حه امارت و استعمال  
آلات حربه اشتغال نما اولسه لرنا کاه تسبیح عساکر و جهاد ظهورینه علامت و علی التعاقب تبدیل  
لباس و عمامه بیور یلسه تبدیلات مناصبه اشارت و کندوزی معهودلری اوزره مستمر اولسه لر نظام  
راحت و رفاهیه نشان و کف کشای انعام و احسان اولسه لر رغد و خصب و رخایه دلیل و امسالک  
نما اولسه لر قلت و غلایه ایما و حمیه دار و صدقه گزار اولسه لر ظهور علت و بایه اشعار اولورایدی و قس  
علی هذا تهی و ضعلری اولوب بالجملة حرکات و سکناتلری انتظار اولی الابصار ده نمونه نمای مغیبات  
آیه و علی الخصوص بعض مشکلا ته منتظر جواب اولنلره فعلا و قولاً رنلری شافعی درد خلیان  
اولدینگی بالغ حد تو اترو شیو عدرا زین جمله مسافر یندن برکسنه حقه خبر مو حش تقوه اولنوب صدق  
و کذب احتمالی حسبیه خبر پر و هانده اکر آق شهر و یکی شهر ده دریغ اول بیور یلسه حیاته تبشیره  
محمول اولوب واکر قراجه شهر واسکی شهر ده در دیو دفع غله امر بیور یلیوب سکوتله معامله اولنور  
ایسه الیاس احدی الزاحتین مغز اسنجیه تحقیق خبر و حشتمه حمل اولنورایدی القطر تذل علی الغدیر  
والقلیل ینبی عن الکثیر \* (بت) \* شیخ کوی نظر بنور الله شد \* از نهایت و از نخست آگاه شد  
(منقول است که) \* جناب نخر الرجال و ذخر الابدال مومی الیهلک من جهة الارث و الفتوح جمعیت  
اسباب و ثروتلری وافی دائره معاش فقر و اقربا و اتباع ایکن ینه علی الدوام \* (بت) \* اینست  
نصیب من ازین دیر خراب \* یللقمه و یلخرقه و یلشرب آب \* فوا سنجیه خورد و نوش  
و پوشش خصوصنده قطعات کفهر رغبت بیور میوب سرای عامره لرنده اولان قصور لر بریسنده بیتوت  
دخی بیور میوب جوار و لا دتخانه شیر یقه لرنده واقع باغچه صحنه برخلوتخانه تختصری احداث بیور و ب  
آسایش شبانه لری انده و آرامش روزانه لری سکه خانه ده اولوب و اول بقعه مبارکده اکثر یا جمع  
رجال الغیب اولدقلری استقام اولمشدر و مدت العمر کبسه دارا در در هم و دینار اولمیوب  
یکشبه بیکر همله غنوده بستر تملک و هر وقت شام فضله مصارف یومیه لرین جبب نه فردا اولمشلر در

بلکه قلیل و کثیر هر نه بولنو رایسه ناداران محله لینه اتفاق بیور و ب تجرد تام او زره نماز گزار شام  
 او لور لرایدی و هر کاه تجریدنو بنواجراسیله خواص اخوانه بند مشفقانه بیور و ب ثقة بفضل الله  
 تحمل بارتد بیر فردادن خلاص فرماو لور لرایدی \* (بیت) \* قطوبی لعبد آثر الله به \* و جاد بدیناه  
 لما توقع \* (دیگر) \* الا بانفس ان ترضی بقوت \* تسکونی حرة ابد املیه \* وایاک المطامع والامانی  
 فکم امنیه جلبت منیه \* (مرویس سکه) \* اول سیر غ قاف ملکوت و شاهباز اوج جبروت ایام  
 خلافتده و زرای عظام دولتدن بر آصف بلند همت اخلاص تامله زیارت تربه مقدسه خداوند کار  
 ملک معرفته کلوب و اجرای مراسم مخلصانه بدل موجود و صرف مجهود ادوب همانا خرجه بها  
 فقرای آستان قدسی آشیانه هزار دینار نذر و افراز ایلد یکی مسموع بیگانه و آشنا اولغله رهگذر وزیر  
 مر قومه سیصد مقدار درویشان از دحامی نمایان اولغله هزار دینار ل فقرای مزدحمین خرجه بیاسنه  
 وافی اولد یغین ملاحظه و خواصیله مذاکره و دخی ضمیمه تصمیم ایلد یکی کوشنر حضرت جلی اولد قدده  
 منع بیور و ب اول مقدار دینار انلر خرجه کمهالینه کفایت ایلد دیومبلغ مر قومی اخذده سر آشران  
 مطبخ فقرای تعیین بیور و ب لیکن میانه درویشان صفکشانده دهده قرآل و دهده صبه و حی حاضر  
 اولیوب تقصد و سؤال بیور ل قدده انلر قضیه هزار دیناری استماع ایلد نجه حواله خواه و جانب مر امه  
 روان اولد یلر دیو افاده اولند قدده مشیر مشار الیه ککار زیارتی تمام و راهی اولد قد نصره فقیرین  
 مزبورین مقررینه رجعت ایلد کلرنده مناصفه مبلغ مر قوم کند و له ارسال بیور یلوب آنلر دخی  
 پیمانجه اعتماد جبهه سای اولوب آیایو آزمایش بنده له عین الجمعدن نگاره کیر اولد یغی کستا خلق  
 مقابله سنده میدردیوناله واضطر ابلی خلا لنده تقدم معهودی عتبه میدان مر دانه وضع و نیاز عفو  
 ایلد کلرنده جناب جلالت مآب حضرت جلی امر یله درویشان سالف الیابن باجمعهم سر برهنه اولنوب  
 سکه لری سکه خانه آستانه حضرت پیر قدس سره المنبرده حفظ اولنوب فقیرین مر قومینه فقر لری  
 مزید اوله کلبانگی احسان بیور یلوب هجده روز مر ورنده یسه فرد و احد ک شفاعتی مقبوله  
 اولیوب انحق اول ایکی کدای شاه مشربلر جای عفو لری قرین قبول اولوب بعد الصبح حصه  
 خرجه بهالری اوله حق مبلغ هر برینک مصرف دیک جوش تکبیر کلاه تر یه لری اولوب حالامیانه فقرای  
 باب الهده باعث اتباه بر ماجرا اولوب یومقوله استشمام حطام اولنور زوار کار ظهور رنده هر کس  
 مقررنده قرار ایدوب دامن افشان کرد تنزل و کوشه شین استغنا اوللر نه لنگر تمکین اولشدر کلورد  
 فی الحدیث الشریف (اذا احب الله عبد احماه عن الدنيا کل جمعی أحد کم سقیمه عن الماء) \* (متوی) \*  
 ما طبیبان فعالیم و مقال \* ملهم ما یرتو نور جلال \* دست فردی مینخواهیم از کسی \* دست فرد  
 مارسد از حق بسی \* و دخی نوبات اسلاف کرامدن برنده کثرت کلاه پوشاندن رسوم دیوانیه جمعنه  
 مأمور اولنلر نقصان دقتر عرض ایلد کلرنده بااعلام کثرت معافان مولوی اولد یغی معلوم پادشاهی  
 اولد قدده صورت اعلام مر فروع پیشگاه سجاده نشین وقت اولنجه صحرای مصلا یقونیه یه ضرب خیمه  
 امتحان بیور یلوب و شیخ الشیوخ زمان بین الاخوان و الخلال ندای اعلا یله ندا ایتدیر و ب بیایسد ای  
 قر بایان راه خدا حضرت شیخ شمارا برادر ساند عنوانیه دعوت اولند کلرنده بر مر دوبرزن فدای  
 جان و تن ایتکه درون خیمه یه شتابان اولد کلرنده تهیه و اخفا اولنلر اغنامدن ایکسی فی الحال ذبح  
 اولنوب خونلری بیرون خیمه یه روان اولد قدده سائر صفکشان امتحان رمه و حشیان آسار مان و کریران  
 اولنجه شیخ مشار الیه عامله (بر و رسوم دیوانر بکیر کرد ویش مالزین میانه یک و نیمست یکش مر دونیش  
 زینست) دیو تمیز مخلص و متزنی اولنمش قلله الحمد و المنة در نو بت مادوشیر مر دودر ویش مجر دیافته شد

عبارتیه اقامت رسم شکر و سپاس ایلد کیری السنه ثقات اخوان زمانه زدن تالی اولمشدر که اکثری  
حضرار مجلس مرقومدن روایت ایدوب کمر بسته کسان تجرید و تفرید اولق اوزره مظنه صدق  
وصفا و بی قید سمعه و ریادر فله درهم و ضاعف اجرهم و کثر برهم (چنانکه) حضرت پیر قدس سره  
المنیر فرموده است \* همه سرهای مشتاقان بر می بین درین میدان \* بخون عاشقان سنکرا کند  
لعل بدخشان \* اگر در بندن باشی رفیق اهرمن باشی \* اگر می خوردی و خفتی یقین میدان که حیوانی \*  
حرف درویشان بدز دیده بسی \* تا کمان آید که خود هست او کسی \* خرده کیر در سخن بر یازید \* تنک  
دارد از درون او یزید \* نه آن درویش میگویم کمر بسته بفلاشی \* که بدبخت شقی بسیار همی  
ماند بدرویشان \* من آن درویش میگویم اگر آهی کشد از جان \* که لبیکش جواب آیدز پیش  
حال درویشان \* (مرو بسته که) \* زیر دست همت پیوست تر به لرزیده نشو و غما یافته و آینه  
جمال کمال روحا یسین زیر غند سیمه توریه کرده و بین العشاق قره کینک شهرتیه معروف بنده  
ارادت و افکنده محبتلری فیض زلال تنبیه و پر تو مهر تر به لرزیده بوستان و لا یتلرنده بر نخل سر بلند و میوه  
کرامت پیوندلری بالکلیه ترک برک و نوا و دا منجین خس و خار ماسوا درویش قلند در روش و چاکر  
قنبر منش و محرم اسرار و همدم جانسپار لری او لوب بر وقت انبساط و هنس کام بخودانه غوثانه لرزیده  
انتهاز فرصت ایدوب پیمایچه طلبیده پای بر پای نیاز او لوب غلبه حالت مشاهده انکیزله بخیر چاشنی  
فوت مستانه عبور پل موت رجاسیله دست بر سینه پرسوز اشتیاق اولد قده اول نازنین سر ابرده ولایت  
نظر کرامت اثر زنده نیازی قرین شرف قبول اولغله در حال سر بحیب خرقه فنا فی الله و بعد زمان بسیر  
آفتاب لقای نر تابلری مشرق جیب خرقه فنادن پر نور بقا بالله شارق اولنجه بیچاره تاب آور مشاهده  
جمال مرآت کبد از لری اوله میوب بر شقه عاشقانه و دم واپسین هوا یله خرقه بدندن تعری و غند سیمه فام  
عنصر بدن مرآت روح روان تجرید ایلد ملحق خبر رفیع الشان روحانیان اولوب جسده لطیفی  
بعد التجهیز و الدفن دور و زمر و رنده قصه لاد قده مبادرین مجلس سماع و صفا اولان خلص احباب  
عادت قدیمه لری اوزره صوب تر به معظمه به مسارعتملری اثنا سنده تریه خضرای حضرت  
مولا نا نمایان اولد یغی صحرا ده قره غمدمر حومی هیکل معهودی و تیز اندر تیز کاه بر زمین و کاهی بر هوا  
سماع راهیله شستابان معاینه ایلد کلرندن استغراب ایدوب مرقوملش و زفر و ز سماعه خلقه  
اخواندن بیرون بولمقی طرف باهر الشرف جلییدن مأموریتیه اولق کر کدر دیواستخبار سمت توجه  
ایلد کلرنده نائل جواب شافی اوله میوب متعجباً حضور فائض النور حضرت جللی به وصول لرزیده تقریر  
معاینه واستفسار استیحال ایلد کلرنده بیچاره قره کینک بار واج عالیه مدبرات ملحق کشت و پیش از سه  
روز ازین عالم گذشت نطق حقیق القبوللری ایلد پرده برانداز روی کار و ذات ولایت سماتلرینک  
کار فرمای حل و عقد روز کار اولد قلمین اشعار بیور مشلردر و بالذفات سائر ارباب مکاشفه دخی  
منوال سابق اوزره مشاهده ایتلر یله حقیقت حال استشکال اولند قده آن دردمند بسیار مشتاق  
خدمت مردان بود ازین سبب بتدبیر امور عباد مستخدم و متسلی کشت نفس انفسار یله حسب  
ما یکن تعبیر و قدر ما یحسن التفسیر کشف دقیقه حال مال بیور یلوب و کار اولیادن بعد احیان الوفات  
هیکل حیاتلر یله معاینه اولوب بل هم احیاء مضمون شریفنه عین الیقین اطلاع اولند یغی کثیر الوقوع در  
دیودقیقه نادره بر زخیبه خواصه ارشاد بیور مشلردر کما تشهد ازهار و روضات مناقب الرجال و تشید  
اخبار عجائب اطوار الاخبار \* (بیت) \* مرده باشیم من حق بن کرد \* به ازان زنده که باشد دور ورد \*  
جان من طغرای باقی دارد اندر دست خویش \* این نسیم امر و زو فردا یست آ ز مرده صکیر \*

ای یار ولد کشته در عشق شوا غشته \* در کتم عدم می بین یلک همه احیارا \* در فقرا کر مردی  
از خویش تو بر خوردی \* دادتن و جان بردی آزاد شدی یارا \* (مرو بستکه) \* اول نخله اسرار  
طور ولایتک بر تو تجلی جمال سر مقدس لرینه تاب آور اوله میوب افنای وجود ایدن سیه نمدر دمندل  
مقرا اختصا صلری خالی قلوب میانه خواصدن پروانه شمع جمال کاللری و عندلیب کلستان فیض  
نواللری اولوق دولته قرتال ددهده حضرتلری نائل و اول عنقهای قاف قرتلک آینه دار طوطی کویای  
سر مقدس لری اولغله خرا لائل و مدت مدیده مقابله علیه و پیا نیجه سینه لریده ملحوظ نظر کیمیا اثرلری  
اولوب لالامصطفی پاشا حضرتلری ولایت شام جنت مشامله سرافراز عا طقت خسروی اولد قده قدیمیا  
آشیمانه شاهبازان مولوی اولان ز اویه سهرایه جلوه سماع و صفارینه تنک اولغله حالاحمل آسایش  
مردان خالی اولان میدان عالی بنا اولوب رجانامه ارسال خلیفه رسیده پیشگاه کرامت دستگاه  
چلبی مشارالیه اولد قده مستحقین مقام خلافت سرجه منتظر جانب جناب عنایتلری اولوب لکن  
سایه دست کرامت پیوستلری زیب فرق ددهده قرتال و سر بلند احسان استوای خلافت مال  
اولد قده دال مابال آورد و پرید مطایبه سیه بشاشت فرما اولد قلری ائناده اتماز فرصت وقت نشاط  
وانبساطلری صد دنده حاشیه بساط صفا خانه لرینی لب ادبله بعد التقیل کوشه سجاده ارشاد  
لرینه رمال اعتذار اولوب (ع) طلبکار ترافردوس دامنگیر میگردد مصداق نبه قریر العین صبح وطن  
ایکن اسیر سیاهی عشام غریبان اولوق نه مشکدر الطاف علیه غوثانه لرندن متضرع در که برلری دخی  
هم لانه سیه نم دیور و پیر و کدشتکان ایدهلر زیر ادر در قافلری بیرون حد تحمل و طاقسکد از در  
و جاشنی حیات دخی نعمت صحبت شریفه لری ایلده در دیوناله و فریاد ادوب علی الخصوص مرآت  
ضمیر منبرلری نقوش علوم و فنون سده اولغله اجرای مراسم وعظ و تذکیردن اظهار عجز لهبانه جوی  
ثبات پایه رفیعه خدمات علیه لری اولد قده (ع) شیخ شیوخ عالمست آنکه تراست او مرید \*  
دهن از تو و سخن از ما مضمون تسلی مشکونه سترام معذرت بیور و ب صوب مأموره بی ترد در احوال ران  
شتاب اوللرینه تا کیدیور لشددر فی الحقیقه میامن انظار شریفه لریله مقرر خلافتلرینه وصول بولوب  
روز مقابله ده کرسی موعظه لری مجمع خول اولوب عزیز موی الهلک کیفیت بضاعه علیه سی معلوملری  
اولان اخوان و خلان غرقه دریای حیرت و سر بحیب خرقة احتمال نخلت و هر کس کوشدار جانب  
جنابلری اولد قده لهجه پر بهجهری منبغ زلال مواظ محبیره العقول اولوب تشنکان حضاری  
سیراب فوق المأمول ایدوب سابقه احوال شناسانه زبان و دهان همان و کونده بستانست دیمه دن  
غیر بی قرارگاه اولیوب ان الله یلقن الحکمة علی لسان الواعظین سر سهری معلوم خاص  
و عام والی آخر العمر بو کرامت مجیه لری باقیه بلکه روز بروز کمال بر زده اولمشدر حتی علی  
ددهده کبی فاضل نحریر اسیر دام عالمگیرلری اولمشدر که مخلصده تفصیل اولنور اول سیمرغ قه قاف  
حقیقه تنک برکات همت و حمایتلری ایلده دال فارغ بال هدهد ارشاد حال و مانند دال قد خیمه پایگاه  
خدمت علیه لری اولغله الف وار مظهر اسرار توحید پروردگار و علم افراز کرامات یشمار اولمشدر  
حنانکه حضرت پیر قدس سره المنیر فرماید \* هین قرائت کم کن و خاموش باش و صبر کن \*  
تا بنحو اتم عین قرانت کم نیکوشنو \* ای صدف چون آمدی در بحر مانمگین مشو \* چون  
صدفها کوهر افشانت کم نیکوشنو \* (رباعی) \* علیست حقیقی درسی نبود \* درسی نبود آنچه  
درسی نبود \* صدخانه پر از کاب سودی نهد \* باید که گنجخانه در سینه بود \* وسعادت ارادتلری  
بهره اصحاب صداقت اولدینی کبی صداقت شقاوت و ردائت دخی حصه ارباب حماقت و سرکشان



ر بقاء اطاعتی و لدیغی مرایای قوابل و مجالی مقابلنده جلوه کر عین البقیع اولمشدر \* ( بیت ) \*  
 بردقار عشق بقدر ساد کست \* بر کائنات نقش نشان کن کمال نیست \* ( منقولست که ) \* حامل  
 اسرار طریق مولوی و شارح شش مجلد مشوی حضرت شیخ اسماعیل الاقروی اوائل سلوک کنده  
 منتظم سلسله خلوتیه اولوب و طریقه مر قومه دن مجاز و عابر قطره مجاز ایکن ناکاه قوت عارضه  
 رمد سببیه مبتلای ضعف بصر اولوب هر چند تدبیر لریده کمالان صوری چاره جوی اولدجه قوت  
 عارضه مشتمد و ضعف باصره نمند اولغله تدبیر باصره ده موجب الهام بصیرت لیه عامل و جوینده ارباب  
 نظر و کمالان معنوی اولوب سائق سابقه عنایت عنان خست سراجین دارالولایه قوتیه حماها الله  
 تعالی عن البلیه جانبیه اماله ایدوب و شیخ فر قوم اتنای جست و جوی چاره چشم جهان بیننده  
 سدر مقوی غایله مضایقه تدبیر مها مسفر خصوصنده بر موجب الکاسب حبیب الله سائر تجارت  
 و هر مدن و امصار ده مظان حسن نظر و محال بمن نفس اولملر زیارت و استجلاب دعوات خیریه لر لیه  
 جامع بین التجار بین اولوب قوتیه ده دخی بوستان و قرة العین دوستان زیارت بر تجارت رانجه لر لیه  
 مستعد اولدقه ده همان انقاس نفیسه سلطان العاشقیندن \* ( بیت ) \* گفتد باری کم کوری  
 تا کم نکرد دم بصری \* که چشم نابینا شود چون بگذرد از حد بکا \* کفت او دو چشمم عاقبت  
 خواهند دیدن آن صفت \* هر خرم من چشمی شود کی غم خورم من از عما \* در عاقبت این چشم من  
 محروم خواهد ماندن \* تا کور گردد آن بصر کونیست لایق دوسترا \* ایات پر نکاتلین انشاد  
 ذیلند آتار جلیله ولدی ده دخی \* ( بیت ) \* آغینک توزی سورمه چکن کوزیه \* نسته کورر  
 کوزیکیم واله و حیران اولور \* بیت لطیفین ایراد عقیمینده ( کشف برده بصر صله شرح اثر سلطان بصر  
 خواهد بود پس شمارا از شرح مشوی لابد است که آن شرح شریف شمارا کشف الغمه و شرح البرء  
 خواهد کشت ) کفته بشارت فرمالر لیه پیشین دیده بصیرت لینه نور بخش سرور اولوب بی اختیار  
 اختیار خدمت شریفه و ناچار شکر دام ارادتلری و همان ساعت شرفیاب تکبیر کلاه خنککاری  
 اولدقه و جمع قدیم لری ساکن و کند ولر مقام بند کیده ماکن و زمان یسیرده مظهر نظر عاطفت  
 حضرت شاهزاده صدیق اولوب انضمام تعیین روحانیت جدا مجد لر لیه نظر گاه قدیم حضرت سلطان  
 دیوانی قدس سره النورانی اولان خانقاه محمیه غلطه به استخلاف یوریلوب اول بقعه مبارکده  
 سالف البشاره شرح شریفک اتمامه و آتار جلیله عیدیه انشاسته موقوف اولمشدر در فی الحقیقه نفس  
 نفیس لرندن تلقی اولندیغی اوزره ابتدای شرح ده بد انشراح و اتمامنده انجلائی تمام احسان  
 بیوریلوب توفیق الملک القدیر اول دردمشکل الدوائی کور مدک کی اولوب چشمه چشم لری کشایشی  
 ایله تشنه کان زلال مشوی سیراب و کلزار مولوی شاداب اولوب شیخ مشار الیه اول بوستان معالی ارکانک  
 میوه سی اولغله نه بوستان کرامت لرندن نوع ایدن چشمه نور لیه اروا اولمشدر و اول آتار جلیله  
 حقیقه کند و اجرا سور دقلری صدقات جاریه دن اولدیغی الخلیفه شعبه المستخلف مصادق خه عمره  
 شعب اصولدن مستفاض اولق مشهود علیه آرای سائبه هر \* ( چنانکه ) \* حضرت پیر قدس سره  
 المنیر فرموده است \* ضمیر هر درخت ای جان زهر دانه کمی نوشد \* شود بر شاخ و برگ او نتیجه شرب  
 او پیدا \* زدانه سبب اگر نوشد بر وید برگ سبب از وی \* زدانه قمر اگر نوشد بر وید بر سرش خرما  
 \* ( بیت ) \* هر یک مثل موجی سر کرده هر اوجی \* وان جمله زیک در یاسر بر زده هر جانی ( دیگر )  
 پیوسته است سلسله عاشقان بهم \* از بلبلان ترانه مامیتوان شنید \* ( منقولست که ) \* مدینه کایه ولیده  
 رایت افراز کرامات باهره اولان اغازاده شیخ محمد افندی حضرت تلری خاندان دولت موروثه ده

شباب نشأ علی طاعة الله تعالی مظهری بر خرد و مسامق و هنرمند و صاحب حسن پاک زائد الوصف  
 اولوب مقتضای جبلت زکیه سی اوز ره مولع تکمیل علوم و مکب تکمیل اعمال ابکن بر شب  
 قدر آساده کند و بی انشای راه فرار عباغات و روضات لرده آرامگاه دلنشین لری اولان چشمه سار  
 و چمن صفا دن کافی الواقع ممتنع زهت و تماشا مشاهده ایدوب ناکاه و رای پرده غیبتدن بر شیر  
 مرد مولوی همکل رونما اولوب دست کرم پیوستنده اولان بر لطیفه سیب کرامتی اناله صد دنده شمارا  
 بیوستان مولانا دعوت می کنند نفس جذبه فرمالیله تعریض تماشا منده یه بدر جمال لری زیر کش میغ  
 خفا اولدقده اولیک دانه سیب سرمایه هزار کونه آسیب اشتیاق اجابت اولوب خلال اقدام  
 نهضت صوب دعوت خیالیده سر بر اور بالین جامه خواب راحت و غوطه خور لجه حیرت اولوب  
 مراجع وجدان الهام اقترا نلری اولدقده محل مشاهده واقعه یه توجه فکری غلبه سیمله خواص  
 خدمه در پی اول جای آرام دل غمناهیه مسارعت بیور و ب کافی الواقعه صورت محکمه پدیدار و در حال  
 سیب سبی خاطر و داعی ناظر حاضر و غائب اولغله یک ساعت آرام و تسویه اقتدار ی قالمیوب بالکیمه  
 قطع رک و ریشه تعلق و جانب اناطولی یه عبور ایدوب و طی منازل ایدرک رسیده تختگاه خندکار  
 اکبر و مال سده سدره سای تربه فردوس مرتبه اولدقده اول داعی زهت سرای ارشادی محراب  
 اخضر ده متوجه روحانیت جذر بر کوار لری و سر بحیب مکاشفه و مستغرق مشاهده معاینه  
 بیور و ب واقع و واقعه دهر و شنای دیده دل و جان لری اولان پیکر مخزون خیاله مطابق کلی اولدیغندن  
 ماعد ابادی رؤیتده خوش آمدی و خوش آوردی عنوانه تر حیب و نوازش فرما و در حال ذات  
 شریفی لبس اولدیغنی کلاه رفعت دستکاه لردن برینی الباس و تکبیر بیور و ب سلک خدام مطبخ ارواح  
 پر و آستانه سعادت نظم و سماطی خدمتبله تشریف وزیر قادمه حمایه لرده پرورش و زمان سپرده  
 ارشاد و خرقه اجازه رشک آورده اما اولق اوز ره احیا بیور مشلدر حتی دائرة انشای لری حلقه  
 کاملین مکملین و مجمع عرفای کاملین اولدیغین اسماعیل ده ده حضرت لری غزل تشکر لریله وصف  
 بیور مشلدر که تبرک ابراد اولندی \* غزل حضرت رسوخی ده در وصف جمعیت جناب و لایتمآب جللی  
 بوستان اول اعلی الله دوخته و افاض علی الطالبین برکته \* (غزل) \* لله الحمد ایلوب تجدید  
 عهدشانی \* روشن ایتدی شیخراغ و لیا برهانی \* باغبان روح پرور یعنی مولانای روم \*  
 نوهار ایتدی یه باغ دم و دورانی \* تازه لندی ذوق و شوقی که نه بزم عالمک \* رشک فردوس  
 ایلدی پیرامن بوستانی \* سبزه خوابیده و ش پامال اولان یارانک \* همسر سرو بهشت ایتدی  
 سر و سامانی \* بلبلان کلشن عشقه اولوب فریادرس \* ایلدی سرکوب نکبت سر بسر مارانی \*  
 قالمی بر خشک لب کشت زمین حائده \* اول قدر موفور قیلدی رحمت بارانی \* نوها لان ارادت اولدی  
 جمله میوه دار \* طوبدی مردان خدا خنک کار مر دیوانی \* خار و خس بر باد برق غیرت اولدی غم  
 کبی \* ایلدی آباد خلائک دل ویرانی \* قالمی زاغ و زغننده زهره چون و چرا \* زیب روی عالم  
 ایتدی پر تواریختی \* دوستان بوستانی خوشدماغ عطرا ایدوب \* قوت جان آدم ایتدی نکبت عرفانی \*  
 نویتده عیسی روی زمین اولدر که ایدر \* فیض انقاسیمله احیا زمره اخوانی \* همسیره بری  
 بر خله اسرار اولوب \* امین آباد ایلدی فی انامیدانی \* دمبدم امداد روح لایزال ایلسون \*  
 صاعدا و ج ترقی پایه عنوانی \* خاک کاین تو نیما ایتش رسوخی بنده سی \* سبقت ایتسه راه  
 سیرتده نوله اقرانی \* اولشه قدسی مکالمک دائم ایلسون ذوالمنن \* فرق هر یکس کداده سایه  
 احسانی \* (مرویدر که) \* دست عنایت پیوسته لریدن اول نوها مال بوستان ارادت شکوفه دار کلاه

انتباه اولدقه تغییر لباس نفیس دیرینه مرخص اولیوب انجق علایم فقردن ساده کلاهله مقیم  
مقام خدمت اخوان و خیلان اولوب و مدت مدیده مکر کشا اولیوب اوساخ تو برتوی دود و عرق  
مطبخله لباس کهنه لری بالکلیه پوشیده و کتسه تار و پود اولوب ناگاه وجودش بر نظرند مکر کاهلرندن  
ریخته ساحه پای جان اولدقه حضرت چلبی چار بالش کرم در و نلرندن لوامع عاطفت و سواخ  
شفقت پدیدار اولوب همانا حبیب سعادت لرنندن ید بیضا نمای اناله سیب معهود اولوب سببی و بخودی  
مطایبه سیمله دست نیازمندانه مخدوم منظور و تسلیم بیوروب (قسمت از لیه شما و در ما مانت بود بخور که  
اهله محله) فرمان لریه اطاعت و دفعه تناول بیور دقلرنده مو بمو کند ولده آتار ارشاد مشاهده سیمله  
بیموش اولوب بحکوه کد کده سربار کلرین زانوی حضرت جلیسده معاینه ایدوب بوظف بی کرانک  
تشکرند اظهار کمال عجزله کف پای سدره پیمالریه و مال ضراعت اولنجه احضار بیوریلان فرجی  
و جامه شیکانه ایله تربین و استواء خلافتله سرافراز بیور لدیغی نشاط بی انداز سی حوصله شکاف  
هاضمه نونیا زانه لری اولغله سیر و سیاحت جانب حرمین محترمه استند ان ایدوب لمصلحه خفیه مأذون  
اولملریله سنین عدیده کشت و کذار دار و دیار له تکمیل قصور سائر اولنوب آخر مقرر قدملرنده  
بر موجب اشارت ر و حایه ضرب خیام آرام ایدوب بر شجره طیه سایه انداز و میوه دار اولش لردر  
قضیه نیموشی تناول سیب معهود ده سواله (سیب آسیب سبی خاطر و تفاح فلاح تاظم کشت) جواب  
مضموندار من لم یدق لم یعرف لری اولوب تفصیل حال العلم عنده و عند خلیفه الله حواله اوانتم در  
و درین معنی فرمودن ایشانت \* (قطعه) \* چه باغست آن زیلک سبیش دل هر خسته به = کرد \*  
مکر بستان خلد است و بدیده مشته کرد \* زلال زند کی آبش هوایش نفحه رحمن \* از وی  
بهره زرد و تیره رو آخر چوبه کرد \* (آورده اند که) \* حضرت شاهزاده خاندان صدیقی اگر چه  
صورت تجرید و سیرت تقرید ایله اوقات کذار و بیغائله زن و فرزند ذوقیاب صفای روزگار  
اولش لرایدی لکن ذات عمیم البرکات لری حاشا شام حاشا که ارباب حد و تعصب عقیم و ابتدیک لری کبی  
محروم اخلاف حسنه اوله لر زیر اجماع ثقاتله سرداده زانوی ارادت لری هجده هزاره بالغ و اکثری مبلغ  
مشخته و اصل اولغله الی هذا الان خوانق طریق تمزده جنبش مردانه ایله معروف اولنلر دخی بالجمله  
اوستانلک ثمرات یا نعه اشجار نافع لرندن اولدیغی رسیده رتبه اشتهار در پس اولاد و اعقاب معنویه  
انجم شمار لری الحاله هده موجوده اولدیغندن ماعد الی آخر الزمان و انقراض الدوران تراید و تکرار  
اوزره ایکن انک کبی ابوالاولیا و العرفایه نسبت عقم و بتر کنند ولرک عقم ادراک و بتر انصاف لرندن  
اولدیغی انلرک دخی حالا عالم بر زخده معلوم و مشهود لری اولش لدر حتی نوبت ذات جمعیت سمات لرنده  
دخی حشر و نشر اسرار و وقوعه دقیقه شناسان خلان قائل اولش لدر لان النشر علی الاخلاف هده  
الوجه لا یمكن الا بعد حشر اسرار الاسلاف فی ساهره سیرت مع خواص هویته کاهوا الظاهر عند  
الفاطن علی اسرار الباطن خلاصه مقال نظام حال کرامت مال لریدر که طوبی ذات شر یفلرنندن  
متشعب اولان خلفا و عرفایله کافی الاوائل جمیع خوانق وز وایپر نور نجوم الهدی و ارباب همم  
عالیه لک دفعه توجه درون غیرت مشحون لری رجوم ابالسه مکر و دغا اولوب آشکارا و نهان حرب  
خلفای ناخلفان مقهور و مدمر و گروه پر شکوه بندکان سلطان العاشقین مسرور و همرا اولدقه  
هنکام فتن سابقه ده اولاد کرام جمال الدین قدس سره المبیندن لوای قره حصار صاحب مضافاتندن  
سجنانو قضا سمنه تابع کرانام مشروطه موقوفه قریه لریه بالضروره هجرت ایدنلرینه امکنه  
قدیمه لریه رجعت و سائر پراکنده کان اخوان و خیلان دخی موطن دیرینه لرن تشریف ایدوب

حتی چلبی ابو بکر بن چلبی فرخ دخی دارالولایه استانبوله هجرت بیوروب بالا قضا سالک مساک  
کتابت و رئیس الکتاب اولمشیکن استعفا و اختیار تقاعد بیوروب خاندان دور و تنه عودت و تجدید  
عهد قدیم و انتهاز فرصت چند روزه بیوروب شاهزاده ولایت مدارک پر وانه شمع جمال کمالی  
اولوب وندارک تقصیر گذشته و تکمیل ارکان طریقت ایدوب ولی عهد ولایت لری و فائز رتبه رفیع  
ارشاد لری و جانشین اسعاد لری اولمشدر و چلبی مشارالیه استادی قدوم لرنده کثرت مل و منال  
و وفرت اتباع و عیال و ثروت محسود الامتاله و رود لری علی وجه الاختیار باعث صدور اولوب بین  
الاقارب و الاباء بدائی گفت و شنود اولدقده حضرت ابو بکر چلبی بوقطعه غرابی انشاد و رفقه  
ضراعت لرنه تضمین بیوروب و حضور شفقت موفور لرنه ایصال ایتلری جوش آور قلم راق لری  
و سبب استجلاب حسن نظرو عین توجهر لری اولمغله قطعه الوصله و رفقه القطیعه شهرتیه معروف  
اولشدر \* (قطعه اینست) \* از ریاست پاکشیدم سر بیات کرده ام \* نهاز یکست بل زیاری  
هدایت کرده ام \* بویه یاد چشم جان از خالک بابت روشنا \* هر چه میگردم بامید عنایت کرده ام \*  
\* (مرو بستکه) \* حضرت مفخر الرجال و معدن الاحوال جنابک التزاکم کرده عهد همت علیه لری  
اولان خدمات مبروره و مساعی مشهوره منوال مشروح اوزره منصفه پیرای اتمام اولدقده  
شاهباز عرش پرواز روح روان لری منجذب لانه از لیم لری و بیزار نشین سفلی بشر لری اولوب  
اجلاس آخری نلرنده بسط بساط وصایای مفیده بیوروب صماخ حضاری پر ولوله نصایح مهمه و عیون  
صغار و کاری نیایع دموع احزان هجران ایدوب لکن عمل پند پیرانه لری ولو بعد حین باعث  
التحاق اسلاف کرام اولد یغین اذعانله فی الجملة سلو تباع فراق چندر وزه اولشدر زیرا مشکل  
صعب التدارک اولدر که ایام عدیده محبت دنیویه نیک انجامی فرقت ابدیه اوله یوخسه اتحاد منزل ایل  
مبشر اولدقده اول قافله ایله آخری بنسده اولان مسافه تفاوت اعمار اجتماع مترقبه تلا فی پذیر  
وسهل المسیر و مظهر الطاف اجابت و الحقنی بالصالحین و مورث اشتیاق و مسارعیت جوار مقربیندر  
\* (وهذه وصیته المهمة ونصیته المفیده) \* علیکم بالتشبث بأذیال انقیاد الاولاد والتوسل بهمهم  
الی نیل برکات الاجداد والاحیاء و تخلیص الاعتقاد فی حقهم عن شوائب وسواس الازداد واستقصاء  
اشارات المشوی من الاستاد واستفراغ الوقت لطلب الارشاد واستغراق الجدی فی دخول قلوب  
العباد و تقلید در بقة تسلیهم فی الاجیاد و ایاکم و التقاعد و التهاون فی الریاضة و الجهاد و العجبة  
بظنة سوء الظن و العناد و النظرة بالعداوة و الحقارة فی الآحاد فحاملوا فی معاملاتکم و حافظوا علی  
حالاتکم و قوموا بنیاتکم و حسنوا أخلاقکم کمالا تدموا علی ما فاتکم یوم التاد سیری الله تعالی  
قبولها و اقبالها بالحبیب الاکرم و آله فی المعاش و المعاد و دخی نظام امور طریقت و قیام احوال  
اخوان و خلان و اقام تمشیت و صایا لرنه تعیین کرده لرندن صادقانه استفسار اید لری الخلافة لابی بکر  
فقره سیمیه تسلی بیوروشدر و کیفیت انتقال لری بعینه صورت انسالخده ظهور ایدوب سر موسقم  
و علت عارض اولدین کو یادر قفص بد لرنین فتح بیوروب طوطی روح روان لری بوستان علیننه  
پرواز ایتلدر که جانشین و حامل سر مین لری چلبی ابو بکر جنابک زاده طبع لطیف لری اولان  
مرثیه لرنده هم سال و هم حال انتقال لرنه اشارت بیوراشدر \* (قطعه مرثیه بدیعه) \* دامن تجرد زن  
اولوب جانی میانه \* اولدی حرم حضرت جانانه روانه \* یعنی سنه غمندن ایدوب خاطر لری وحشت  
عزم ایلدی بوستان چلبی باغ جنانه \* ۱۰۴۰ \* متعنا المنان بجزاوه و کافه السالکین بالنبی و آله  
\* (در بیان خلافت حضرت ابو بکر چلبی بن فرخ چلبی) \* اقره الله تعالی فی قبره و نور انحاء قبره

حضرت ابو بکر چلبی

بحرمة حمیه الاسمی وبعزته مجدده الاعلی آمین یا مجیب الداعین \* (منقول است که) \* حضرت صدیق  
ثانی مسند آرای خلافت اولوب ذاتا و زامانا مشار الیه پیر و جوان و مالک اسباب جمعیت معاش و معاد  
و مجمع البحرین علم و عمل و عارف اسرار جمله ملل و نحل و اوصاف ملکیه لری دلفشین و اوضاع فتوت لری  
جاذب قلوب اهل یقین و کشف الغر با و ملاذ الضعفا و زبانیان زمان و صاحب حسن زیند کانی اخوان  
و خلان اولغله برکات دعوات خیریه عباد و میامن حمایت روحانیت اجداد اوله رقی سر رشته حل و عقد  
امور ملک و وابسته دست لطف تدبیری و ملتحای ارباب مصالح و حاجات و محسود ارباب حقد و حسد  
اولوب یومافیه مایه اقبال صمود و دایه اجلالی صعود و اوزره اولغله کویا قلب ایالت قره مانه قلب سلیم  
و بیگسان اهالی دار و دیار دولتی حمیم اولمشیدی و سایه دولت مایه حمایت سنده عین الجمع اولاد کرام  
و قاطبه منسوبان دائره طریقت امام همام آسوده حال و مرفه البال و زخم نادیده چشم شوخ روزگار  
ایمشار لکن آینه پر زنگ قاضی زاده دهر و نما اولان پیکر معکوس اول مردم چشم کلچین باغ  
مرامه ایرات کرد کدر و کوش پر جوش ثنائین جای حرف هجای بیجا ایدوب \* (بیت) \* خون کریه  
میکند در دیوار روزگار \* تاشیده دل که خدا یاش کسته است \* مغز اسنجه جمله خوشخاطران  
خاندان صدیق ملول و \* (بیت) \* فلک با مردم ممتاز خصمی بیشتر دارد \* کمان اول کند آواره تیر روی  
ترکشرا \* مصداقچه کند ولین دخی زاویه باب جدید دار الدوله ده پیغوله کزین خمول ایلشدر  
تسکیم تفصیل اولنور \* (مرویدر که) \* سلطان مراد رابع فوت سنده ملا کورانی جامع شریف سنده  
قاضی زاده نامیه بر متشیخ مرف اولوب قطع اعداد مشایخ دار الدوله ده نام و نشانی مذکور و معهود  
دکل ایکن قضا را پادشاه مر قوم واقع سنده نیمه بدن سیاه فام مشاهد ایتکه مر عوب و متغیر  
و تعبیر واقع سنده طالب اولوب عامه مظنه حسن تعبیر و عرض اولند قدده هر کس غمناخ راحت جان  
و سلامت سراسر است مضمونیه عامل اولوب عباره حق تعبیری لسانه کتورمکه جرأت ایتوب انفعال  
طبع پادشاهی مز داد اولغله کوشه کوشه کاشته کمان معبرین میانته شهره متفرق اولوب شیخ کنام  
دخی جامع مر قوم جوارنده واقع قلندر خانه فقر اسندن در ویش حسن نام کوشه نشینله آشنا اولوب  
قضیه واقعیه حضورنده یاد ایلد کده بالا لهام حسن دده حضرت تری کعبه مکره به سیل وارد اولوب  
حرمه نصف مرتبه سنی خراب ایتشدر قریب اخباری کلور دیو تعبیر سیور دقه قاضی زاده متجسسین  
مر قومیندن برینه اظهار کمال سربسته ایدوب مسموع پادشاهی اولد قدده فی الواقع هفته مرورنده  
نخابین و ساطیه الر و اعلی مایعبر مضمونی ظاهر اولوب شیخ بوالعجب باعث انتسابی و سبب اشتیاری  
و واعظ شهر یاری اولمشه بادی اولشدر فی الحقیقه در ویش مر قومک تعبیری وجود سلطان متوجه  
عالیان اولمق حسبیه و سیاهی امارت خرابی اولمق مناسبیه بر جادر لکن اولقوله خلاف جنسه  
معامله محرمیت بیجا بلکه اثر فضا و بعینه \* غرست التمر ثم جنیت شوکا \* کذاک الغرس فی غیر الحبل \*  
یتک مضمون عبرت مشکونه ماصدق اولقدر زیر امتشیخ مر قومک ظهوری اول اول بدعه مبارکدن  
قلندر ان طریقتک آواره لکنه بادی و رفته رفته اشتعال نائرة انکاره و علی رؤس المنابر  
طریق احمدیه فقر اسنه اطالنه لسانه و اشاعه رسوم تعصب و عناده و بین الامه المرحومه القای شقاق  
و خلاف مستحیل التوفیقیه دفعی اولوب غلات معتزله مفاسدی مرتبه سی ایقراطیه مدار اولشدر  
حتی شخص متدع مخدول محروم مر قوم متولی اولان طائفه رذیه الی هذا الان قاضی زاده لی  
نسبیه معروف و مستغنی معرف اولد قلندرین ماعدا کند ولره اقتدا ایتمین اهل سنتی بدعه نسبت  
و تقسیمی و تغلیط الیه تقاخر مرتبه سنده بالغ و منع مقابله محبین اولیاده مبالغ اولشدر العیاذ بالله

الدافع الحفیظ عن مکائد هم الباطل و دسائسهم العاطل جعلهم الله تعالى مدمرین و صیرهم کان  
لم یکنوا بتسلیط بعضهم علی البعض انه قوی مغیث غیور آمین بحرمه النبی الامین و بادشاه مرقوم  
تسخیر دار السلام بغداد هم علیه عسکر کش جانب عراق اولدینغی اثنای عزیمتده دارالولایه قونیه  
صینت عن البلیه صحراسنه ضرب خیام نزول بیوردقه سعایه شخص مارالد کرایله تبدیل جامه آستانه  
سعادت آشیانه حضرت خداوند کاریه کلوب بالنفس تجسس احوال فقر و تحسس رفتار اولیا  
ایدوب ادنی بهانه شرعیه و قوفیه ترتیب جزایه شد نطق سطوت و اجرای مافی الضمیر مفسد معهوده  
تسمیر ساعدت ایدوب لکن بعنایه الله الحفیظ اول مهبط انوار رحمت رحمن و اول روضه عرفان  
و بوستان روح و روحانده عبادات و طاعات و تسبیحات و تهلیلات و افاده و استفاده علوم و ذوق  
و شوق غلبه حالاتدن ماعدا مغایر جوار اولیا فعل و قول و طبع و طور و واقف اوله میوب آخر الامر  
متوجه باب سیمین تریه فردوس رتبه جلال الدینی اولوب و بی تکلف سر موزه لری ایله دخول مراد  
ایتد کده تریه دار در ویش محمد تعلیم ادب زیارت الزام کونه سیاقنده (این سده سعادت سلطان  
العارفین و مالشکاه چشم و روی قدر شناسان عظمای دین و ملت است و زیارتگاه قدسیان و وفود  
ارواح پاکانست جنبین خالک پاک رابی بالک بزیر سر موزه آوردن مناسب شان انسان نیست) کلام  
حکمت نظامین القای سامعه شاه ای دینجه تهویر بیور و ب لکن زیر کاه اعتدازده آب تشفی  
اجراسی قصد یله دستبوس در ویش محمد تریه داره مبادرت و اثنای دستبوسیده مهارت پنجه شکنی  
الظهارین تصمیم ایدوب دست بدست اولد قلمزده در ویش محمد زور بازوی ولایتله پنجه تاب شاه شیر  
صولت اولوب مراد مصمم دست داده اولد یغندن ماعدا تخلیص پنجه لینه بس است در ویش دست  
بر بالای دست دن غیر ی چاره یاب اولیوب ناچار تدارک آدابله باریاب دخول اولوب رسید قبه غوث  
اعظمی اولد قده انوار روحانیت اقطاب ثمان عشر احاطه و مهابت محضر عالی لری استیلا سیمله  
بار در و نلری اولان نیت عارضه خیره تبدیل اولنوب شیخ مسعودی الزام و اول مجمع مشاهد مقدسه بی  
ارائت و کلمات سابقه ناشایسته سنه و لوا کراهات تکلیف توبه ایله تأذیب ملاحظه سیمله دعوت ایلد کده  
اجایتدن ایلد که پنجه قول ناسر اتقوی تحریک عرق غیرت شهنشاهی ایدوب تعین جانداران بیور و ب  
ریش و کریان گرفته احضاره استعجال اولد قده بغیرت الله الدیان آستان سیمین سنک راه دخولی  
اولوب مواجه اولیاده قیامه یوزی اولمغله مکبعلی وجهه صرع الاعمه عارض اولدینغی معاین  
خسروی اولد قده رد و طردله تجازات و خواجه زاده ایلغونی مقام مشیخته تعین بیور یلوب نعم  
البدل و بش المبدل منه مشامی جللی نام ندیم لهجه سندن مطایبه انطافی و بدله مجلس قسج شهر یاری  
اولشدر و اول عارضه دن کندویه افافت حاصل اولیوب عاقبت علی ارذل الوجوه و اسفل الاحوال  
رختمکش اقامت کورستان و عبرت پس ماند کان اولشدر فاما بقایای تسویلات مفر خرقه سندن  
مر کوز و فواد و مراد آخرین شاهی اولان معنای معنا که اولیای کرامت بدن مبارک لری کافی الحیات  
بی شائبه تغیر در قبرش یقین نیش و فتح ایدوب اگر کیفیت اولی اوز ره بولنورایسه فهان و نعم  
والا تریه شریفه هدم و حجرات فقرا مدرسه اولق اوز ره مترجمین متفنیندن برینه توجیه اغرا  
اولمشیدی و بومیزان مرقور ساده لوح خاقانیده نقش اولمشیدی آخر الامر بوجوب الحفظ و ریان  
زمین خاطر یادشاهی اولوب سندن و قه منوره مشهد مقدس برهان الواصلنده اولان تکلفات نقوش  
خرده کاری تمشاشی بهانه سیمله بدلر زده اولان سجه مرقور ایدنی رخنه کار سندن و دن درون دخنه  
مقدس لرینه امر ارایدوب و افسوس حیلله آمیزله اخراج سجه سیاقنده فتح ذفینه بر طلمس کرامته

اقدام و حضرت جللی ابو بکره تکلیف اولند قدده هر چه بادا باد امر پادشاه صورتها طاعت و سلطان  
حقیقه عقوق هر اسبیه سرکش طاعت فرمان و بوی خصوص برتره نسبت تکلیف مالا بطا قدر دیو دفع  
اولمغله نائره غضب شاه می ملتیب اولوب پشت تحمل سرشتلرینه مشت تهور لریله آزار فرما اولوب  
و همان ساعت زاویه باب جدیده اجلا اولنوب بعده مشو بخوان و طریقی ده ده لری احضار و اول کار  
پر خطری انلره دخی ابرام ایلد کده انلر (شاهاتوصند و قهر ابردار و بقیه کار بمابکذار مضمونیه سهل  
متمتع کونه دفع نما اولد قلنده همان پادشاه مزبور فرط جرات نما و کوشه صند و قه منوره به پنجه زن  
تحریرک اولد قدده مقدار اصبعین حرکت ایتدین بالای قبه خضرادن ترزل جلادت سوزله همان  
ساعت کرد و غبار و سنک ریزه و خرف باره و وریک و کچ قباب و دیوار مانند باران و پنجه ریزان  
سرور وی پادشاهی اولنجه و اهمه انهدامله کریزان کوشه سلامت و سر بسینه مدت و حیرت زده  
اسرار ولایت و بقایای افکار و اهمه پیشیندن بالکلیه رهایاب و حیات طیه مردان خداده  
بی اریاب اولوب جلیان سائره تو حیه مشیخت تریه معظمه استخراج اولند قدده (جللی ابو بکر خلیفه  
منصوبه سلاطین حقیقت است بعزل پادشاه صورت معزول نسکردد ما زانکساروی هر اسانیم  
معذوردارید) عنوانیه تعلل قبول ایتلریله ناچار قهر حصاردن عارف و کوچک خضر تلری باخط  
شاهی دعوت و سجاده مشیخته اجلاس اولمشدر و دخی استخراج سبجه ده مشورت اولنوب  
معصومین خاندانن برنی اذخالدخمه شریفه و اول طریقله اخراج قرار ویریلکین بر غنجه کلشن  
عصمتی اذخال و سبجه بی اخراج ایلد کارنده کیفیت مشاهده جدا کنند استخبار و استنطاق  
مرا دا اولند قدده حیران و معقود اللسان بولمغله نه ع کازا که خبر شد خبری باز نیامد فخواست سبجه  
خبردن اثریاب اوله میوب نه زور باز وی شاهی ونه دقت حمله کاهی ایله اولدخمه حقیقت فتنی ممکن  
اولد یغندن ماعدامعصوم مر قومک اوچ کون مرورنده مرحوم اولدیغی جمله به مبد اندم و رقت  
و روح بی قنوح قاضی زاده به منشأ لغت اولمشدر که خبر فوت صغیر مزبور کوشن ده همان اولد قدده  
صد هزار لغت بفرزند قاضی که مارا سبب کسر خاطر و آزار بیگانهی و باعث هدم قالب معصومی  
کردانید نفرخی لسان نصفت سیانلری اوزره جاری اولمشدر \* (نسکته) \* چون طبیعت پادشاهیده  
بومر تبه نصفت جایکیر و سبب جراته لعن لسانلرندن جاری اولدیغی صورنده معصوم حالی اگر چه  
مستحیل التدار لایدی لکن بیگانهک جبرانکسار خاطر می ممکن ایدی کهینه مقربنه ارجاع و مشیختی  
ابقا و نوازش واستعفا اولنسه بلکه مکافات بین اولمز لر ایدی کویا ظاهرده جلیان قبول توجهیدن  
ابالری و عارف جللی خضر تلرین عزل معاقب نصب اولق قریحه پر حمتلرینه کران نما و یا باطننده  
قضای مبرم اولمغله اولطرفه اعمال مفکره اولنمیوب ابو بکر جللی محل اجلاسندده اهمال اولنوب  
و فتح و تسخیر بعد اذله رجعت عقیمنده هجوم صفوت عیش و کثرت عوایق و غلظت پرده نخوت حسیمیه  
دخی جبرانکسار لری خاطر کذارتا ثیری ایله پادشاه هر قوم مبتلای عارضه شیر پنجه اولوب تدبیر  
اطبای صورتدن نا امید و مراجع طیبیان الهی اولد قدده جمله بکر بان اولوب پشت شیر پنجه را مشت  
زدن شیر پنجه آرد و حسن تدبیر سوء النضا از دست مانیاید و دیر کیر دستخت کیر مضمونیه دفع ایدوب  
عاقبت عریان لباس عفو و عاقبت اولوب و ابو بکر جللی دخی سال بنمده (۱۰۵۲) منکسر  
الخاطر عابر بل حیات مستعار و فائز درجات بایدار اولوب و انجق نصب سلطانی ایله مسند نشین  
شیخوخت اولان عارف جللی خضر تلری دخی اگر چه بالطوع الصاف متقدم پیشگاه مشیخت  
اولد قلری ظاهر در لکن اباعقبوله اثر عین الجمعیدن تخلفلری سبب غیرت قلوب اولوب شدت



خلافتی سیمای تجاوتیوب هدف سهام اسقام و نشانه انظار اعتبار اعلام اولمشدر ودخی  
قاضی زاده نیک داهیته سوء التضاء محروم را به فوت و تدبیری مسموع چلبی خزن اولدقدده \* چه غم از غم  
اگر غمزا ببرد \* زده کم کیریک غماز زاعم \* نطق شریفی سر زده لهجه الهام بهجه لری اولدقدده  
غماز و غمزا و زاعم و از غم و چه غم لفظ لری نیک تار یخ واقع اولسی العجوبة ارباب طبع اولمشدر  
\* ( بیت ) \* دهقان ساخورده چه خوش کفت با پسر \* کلی نور دیده ام بجز از کشته مندر وی \*  
\* ( نقلستکه ) \* حضرت چلبی ابو بکرک مضاف الیه نام شریفی تعلیب روز کاز زور کار ایه مقلوب  
و ابوبکر اولوب بر حجره تنگ و تازی مقام اتخاذ بیور وب و آشنا و یسکانه دن اختیار عزتله حسب  
الامکان پاس وقت عز بر ایدوب \* ( بیت ) \* پاس اوقات شریف از در کشودن مانعست \* کعبه  
حاجت روادر بسته از امساک نیست \* مغز اسنجه سداب معاشرت و بند پای محالست و تقریب  
بال و تنظیم حاله مبارت بیور وب کرور یکسال و مورور چند ماهه جمله اضدادک فطاعت عواقبین  
تماشا ایه طرف غیرت صمدیه دن مجبور الانکسار اولوب بدایت ظهور آثار انکسار رنده بالذفعات  
تمهید معذرت سیاقنده معزز و محترم مسند خلافتی نه ارجاع مراد اولدقدده حضرت جابر المنکسرین  
این بنده را آن قدر نوازش و تمجید معنوی احسان فرمود که هیچ راه احتیاج بجهت ضروری نمایند است  
عنوانیله صرف بیور ملریله بهر حال رئیس قومه ستم مورث انکسار خواطر جمله درباری فقرایه  
انعامله تقریب قلوب بلکه استجلاب میامن توجه لریله مقابلیه فی الجملة طریقنه سلوک و طعامیه  
فقرایه یوزالی یک درهم ضمیمه احسان بیور یلوب لکن مدعا عرض اولیا اولوب و چلبی مومی الیه  
واحد کالف و بل ازید اولغله رخنه توجه لری مبلغ مر قومه دکل بلکه خزان روی زمین فداسیله منسد  
اولق محال اولغله مضمون ان خربنا لهم الغالبون سر زده و رای پرده غیرت و \* هر که راه برش غراب  
بود \* عاقبت منزاش خراب بود \* مفهومی جلوه کرساحه بروز اولدقدده کند ولردخی بعد ازین  
کار ماهم تمامست نفس انفساریله قرب ارتحال لرین ایما و مر قدمشای کذشته زاویه مر قومه  
اولان مقام متبرکده دفن اولغنی ایصا و کمال غربت و کربته مبشر انا عند المنکسرة قلوبهم اولدقرین  
امضا بیور مشلدر طاب ثراه و جعل مقعد الصدق مثواه \* ( تریب ) \* زهار و صد هزار زهار  
از مکافات انکسار قلوب خیار که بوجه من الوجوه مندفع نخواهد شد و نایکدلی بیازاری و هزار  
دلها را بنوازی آن نوازش مقابل این آزار نباشد \* ( بیت ) \* هان و هان این دلق پوشان منند \*  
صد هزار اندر هزار و یک تنند \* اولیا الطفال حقندای پسر \* غائبی و حاضری خوش باخبر \*  
غائبی مندیش از نقصان شان \* کوکشد کین از برای جان شان \* کفت اطفال منند این اولیا \*  
در غیری فردا ز کار ویکا \* از برای امتحان خوار و یتیم \* لیک اندر سرمن یار و یتیم \* پشت  
دار جمله عصمت های من \* کویا هستند خود اجزای من \* و شخص مستدع خبیث الحدیثک  
اگر چه دور باش دافعه باب سیمین صدمه صرع فرساسیله حالی خراب اولمشیدی لکن وقت احتضارنده  
مدفع سفلی بالکلیه مسدود اولغله فضلات عضلاتی فضول کلماتی کبی مدفع علوی به منعکس و حضار  
بیزار و العجل العجل نیازیله دعوتخوان موکلین جان فشار اولوب ماجراسی مایه اعتبار یار و اغیار  
و گروه مکر و هنه الی آخر الزمان خرده سرزنش ابناء دوران اولمشدر و قصه پر حصه تدبیری شاهزاده  
صدیقینک بهره یاب ارت جد اعلای اولدینین تأیید ایتشد که نوبت مورثه صاحب الیمامه  
قاضی زاده مفسده سی میان امت مر حومه دن مندفعه اولمشدر \* ( بیت ) \* کر خدا خواهد که پرده  
کس درد \* میلش اندر طعنه پا کان کند \* و حضرت چلبی غربت کشیده و کربت چشیده مسافر

حضرت چلبی عارف کوچک

دارالقرار اولد قده صبحی دهده جنابک رشته کشارثا اولان قطعه دلنشینلری یاد کارا خلافت کزین  
اولق اوزره ختام خیر الکلام عبرت نظام سرگذشت نیک انجاشی قلمشدر \* (قطعه) \* دنیاده سیر  
ایدوب هله انجام دشمنی \* عقبایه قالدی غم حیف و کزندمر \* میدانکیر کیفر اولوب جدیا کنه \*  
یوز آقغیه کندی ابوبکر افندی \* (در بیان خلافت حضرت چلبی عارف کوچک ابن ولد چلبی) \*  
قدس سرهما واسس برهما \* (روایت کنندک) \* جناب ولایت مآب و نجابت نصاب عمده السلاله  
الزکیه الصدیقیه وزیده السلسله الطاهره الجلالیه عظم الله تعالی قدر کتبه العلیا اعنی به حضرت  
عارف ثانی قره العین حضرت ولد چلبی اولوب والد ماجد لرندن هفت ساله یتیم قالوب اول دُر کرامتیه  
حجر تریه قطب العاشقین شیخ کوچک محمد افندی ده رسیده حد کمال علمی و عملی اولد قده آرز و مند  
سیر و سیاحت دار و دیار و مولع زیارت اخبار و متمین ر و مال مراقد ابرار اولوب اکثریابلا زاد  
و راحله کشت و کذار تحمل و توکل مدار ایدوب بقید راحت و آرام و بیغائله اندیشه آغاز و انجام  
قلندرمنش و خال نشین روش بی سر و پای ترک و تجرید برک و نوا و کرم و سرد آرز و خوشک و ترک و  
و صحرای عالم نور دایکن دام کستران کین ارشادک برینه رام اولوب عاقبت نه اول صیاد کهن سال  
بوغزال رمیده بالی کند جذبه محبت پیرانه ایله ضبط و تسخیر ایدوب هرگاه که \* اذار کد الماء آنن \*  
فکری جنیان و حشت تمکین اولسه کن بحرا لا بتغیر ایله منع تلون معتاد و مسافر بمر درسد و مقیم  
مرد شود تعریف ضحیه ثبات اقامته ارشاد اولوب آخر کمر بند خدمت و نفس پذیر حضرت و سایه  
سعادت نماید لرنده تکمیل قصور و تحصیل حضوره قرار داده اولوب عزیز مشارالیهک اولاد کوری  
اولمغله حائر رتبه ولی عهدی و فائز دولت دامادی و بعد الاقول مقام عالی برینه استخلافه بر و مند  
اولمشدر و بوفوتیده اولان تشریف خلافتلری اشارت علیه جدا مجد و باخط همایون و وحائی  
خنسکارا کبری ایله اولدینی حسبه امداد و امتدادله مؤید اولوب نوبت ثانی دهده انجیق حکم تغلب  
شاهیه اولمغله رونق یاب امداد و امتداد اولوب ظاهر بی باطن مانند قالب بی قلب اولدینی جمله  
نمایان اولمشدر و الا عارف همان عارف پیشین و دقایق لازمه مشیخت مومو در کار اولوب فقط تخیل  
خشونت مر قومه خلل انکیز اساس صفوت و قتلری اولمغله زمان لرینه عارضه قلت طاری و زمین  
وجود لرینه باران علت ریزان و بین الاخوان و الخلان اولان قاعده قائمه اتحاد مترزل و معجوره اطف  
آمیزش و حسن زند کانی و یران اولدینی جمیع علیه کبار طریقت علیه اولدینی کبی کند ولرک دخی  
هزار افسوسله اعتراف یورد قلری مشهود علیه ثقات حاضرین بالمجساریدر \* (بیت) \* هیچ دردی  
بدوای دکری به نشود \* هر سبب کاری و هر کارمداری دارد \* (دیگر) \* قفل معنی راجح مفتاح غیبی  
چاره نیست \* غنچه این عقده کل از نسیم همست (دیگر) حل مشکل را توفیق خداوندی سیار \*  
ورنه از تدبیر بیجا هیچ حل مشکل شود \* (مرو بستکه) \* چلبی عارف کوچک آستانه گروبی  
آشپانه جناب ولایت مآب سلطان دیوانی قدس سره النورانیده مستند نشین خلافت اولد قده ذاتا  
وزمانا مالا و مالا فائق الاقران و فاضل الاعیان و محسود النعمه و مغبوط العزّه اولمغله اول درگاه  
سعادتک و قی رعیه سندن بعضیلری اغراض حساد و تحریک فساد و قاضی زاده دن امیداشتیرالک  
اهانتله سالک راه شرت و واقع بر زخ کفران نعمت اولوب بولوادن نام منزلده دیوان مراد خانه افک  
و اقترای مالم یکن ایله تشکی ایدوب عارف چلبینک احضار لرینه فرمان صدور ی هنسکامنده بالاها م  
کند ولر حاضر بولوب تلید و طریف و ناطق و صامت اشیا و املا کنه نظر مالکانه ایتیان وجود شریف  
عالی جنابدن ادعای حقوق صد دنده مبلغ وافر مطالبه سبیله خصما تقرر بر دعوی ایلد کارنده عرق

صدیق و کرم جبلی مقتضای سنجه مبلغ مطلوبی قول مجرد لایله ادا و ذمترین ابرایور و بین الرجال  
کیفیتلری باعث کفت و کوی کونا کون اولغله خواص دولته منوال کریمانه و درویشان و حکیمانه  
اوزره و یردکلیری پانخ را سنجدر که خصمانک مراد لری بوقیری تجیز اید و کی عبد اولی الهی ظاهر در  
بس موادمطلوبه به علی الانفرادیسان طلب ایتسک بزانیلری تجیز ایتش اولور ایدک عجز لری هویدا  
اولد قد صورت استخلافده حالف اولسقا اثر جدا اعلامزدن تخلف ایتش اولور دق که حضرت صدیق  
اکبر رضی الله عنه هزار دینار غرامته راضی اولوب بری الذمه ایکن حلفه مبادرت بیورم شلدر علی  
الخصوص بزرا نلرک اها تملریله مثاب اولوب انلر محروم و مؤاخذ اوله لرمنا سب حالزد کلدلر  
برمقداری فدای یمین و فضله سی صله خصوص متمز و پادشاه معدلت پناه و مقرب بین کرم دستکاهلک  
سرباد و لترین تصدیعدن توفی اولمشدر دیوسان حسب حال بیورملری مسموع همایون اولد قد کمالیه  
استحسان و الحقی اثبات عرفان ایلش دیوشما بیورملری و آثار عواطف شهشاهیه ممنون و خصما  
جریمه شریله مؤاخذ بیورمق مراد اولند قد عفو و صفح لری خصوصنده رجالی مقبول همایون  
بیورمغله مسرور اولد قلری دل رشکین و جان پر کین قاضی زاده بی قاضی محاکم الحجاز اتدمیرا و تسکیلا  
داغ برداغ حرمان امید ایدوب و مبتدع مغری مقترینک افراط القاسیه دخان کبی محبت کملدن تلقی  
اولمش حکم شرعیسی متعین اولیوب بلکه لازم التوقف اولان خصوصنده ادنی بهانه ایله سفک دمایه  
تخریض ایلدیکی حسبیه کوشه کوشه غمرا مقتوللریله قلوب ناسه تسلط هر اس عادت مستقره سی  
اولمشیکن عارف جلی حضرت لری نه مساعده بیوروب رغماله مجلس شریفلرنده استعماله رخصت  
فرمادخی اولمشلدر و شیخ محمد عارفک مهابت خلقی و لطافت خلقی ثبوت ولایتنه شاهدین عدلندر  
دیوسان شاهدین سامعه آرای خواص اولان تنای بی مرا عموما توجه قلوب رجال دولته بادی  
و تبکیت بوالفضولان اندکار و اصراره باعث و بوسا بقه علاقه لری وقعه لاحقه ده مشیخت تربیه معظمه  
ایله تشریف لری نه مقدمه اولمشدر فی الواقع وجوده بود عارفی طول قامت و عرض سیننه و فرط ضخامت  
و سمیرتون وحدت نظر زهره کذار لریله نادره زمان و مهابت عیون پیر و جوان اولغله انشای جوش  
غیر تلمرنده صغیر و کبیر باب آور خطاب عتاب و شدت تأثیر نظر باخطر لری اوله میوب بلکه مراعات  
حد ادیه موقی اولمشلرک مهبط بارقه خرمسوز حیات و عاقبتلری اولدیغنسک کثرت وقوعی حسبیه  
سرکوی اتنالی نقش پای ارباب کفت و کوی نامناسبدن مأمون الساحه اولدیغی لدی ذوی  
الاعتبار رسیده مرتبه اشتهار اولمشیدی و اشراء مارالد کرک اکثری سربعا و عاجلا ترلنم عاجله  
حیات و برکات بتلای نغم آجله و فائله مکافات دیده و باقیلری توبه کار و بند خدمت کزار لری اولمشدر  
بوقوله منکرین پراسائمه اولان احسان و معامله عفو و صفح لری و قبول خدمت علیه لریله تشریف لری  
تک حوصله کان ابتدایه مورث کدر حمیت اولدیغی جبین پرچین غیر تلمرنده پدیدار اولد قد تعلیم الهی  
و ارشاد الی الحقیقه سرزده طبع الهام همیلری اولان آیات شریفه در که ایراد اولندی \* منکر انرا  
بچشم بد منکر \* خاردیوار کشن رازند \* بلکه در بان در که بارید \* چون عبث نیست در جهان  
ایدر \* پس بکار خدا نظر باید \* تا خود بایده اهل دید خبر \* (منقول است که) \* حضرت جلی مشارالیهلک  
توبت خلافت پیشینلرنده آستانه جناب سلطان دیوانی قدس سره النورانی و قی قرا سندن قلعه جلک  
کیر نام قریه مشرف قدم قدم بیوروب انشای تماشای اطراف قریه مر قومه ده صفا مشال  
اطرافی خالی بر صخره عالی مشاهده و اول تحلی رفیع صعود مراد ایدوب چند بایه بردبان ایله عروج  
بیوروب جبال و و هاد و حرا بسنده اولان سنکستان عجیه به نکران و ملاحظه حکم و عبرله حیران

اولد قلزنده اهاالی قریه دن بر ققیر مضحک نردبانی اخفا ایدوب نزول قصد یله تفقد نردبان ایلد کلزنده شخص  
 معهود دهر بار احبابدن رجای تسهیل امور و نیاز دفع شرو و رطیر بقیله قربان و ندور آ لور سز بود دفعه نوبت  
 نذر و قربان کرامتی افند من کدر نذر و قربان اولمیتجه نردبان اولز دیومطایه اولند قدده راست کوی کار  
 بنوبت است دیوب جیب مبار کلزندن اوچ دفعه ملی الکف مخلوط درهم و دینار مفارق فقیرانه لرینه  
 نثار سیور و اهاالی مزاجه نامه ایلد نثار چین اولد قلری حینده فرصت کزین ولایت و مانند روح روان  
 عیون حضاردن نهان و سجاده اوزره عیان اولملری طی مکان مر داند اولان اقتدار لرین اظهار  
 ایدوب غیبت محیر العتولاری قلوب فقرای رعیه وقفه باعث اضطراب بحساب اولوب هر کس سوسو  
 سراغ نقش پای کرامت پیمالری و جست و جوی حیز و اثر لری اولد قدده شخص مرقوم شهره ایصال  
 خبر غیبتلری سیاق قدده شتابان اولوب آستانه سعادت و وصولنده ذات ملائک سمات لرین مسند کرامت لرینه  
 خند ان معاینه ایستد کده غرق غرق شرم و ندیم اولوب بدین دروغزن کوش مدارید که حاضر را غائب  
 خواهد گفت دم لطافت تو املریله مزاج سیور دقلری کوشداران جانب جناب لرینه پیام رسان آخر  
 اولوب تفصیل حال استنطاق اولند قدده و رای پرده نثارده تستیور و رطیر بقیله کرامت غما اولملری  
 عین الجمع خلان و اخوانه مایه استغراب زائد الوصف اولد قدده این کرامت موروثه ماست غریب نیست  
 نسکته شمر فیض لرینه حضرت پیر قدس سره المنیر جناب نیک زمان طفولیت لرینه عالم بالا یه طفره کرامت فرما  
 اولملریله ماجر الزینه اشارت سیور مشلدر لیکن آن رتاب کجا و این کجا که آن از سفل بعلو بود و این بعکس  
 آن لطیفه لرینه اظهار هضم نفس و ابرازها خیمه دولت ولایت ایتمشدر رطوبتی له و حسن مآب (مثنوی)  
 چون دوم بار آدمی زاده براد \* بای خود بر فرق علقها نهاد \* میبرد چو آفتاب اندر افق \* با عروس  
 صدق و صورت چون تنق \* بلکه بیرون از افق در چرخها \* بی مکان باشد جوار و اح و نهی \*  
 \* (مروسته که) \* حضرت عارف ثانی و جامع المثانی قدس سره جناب ولایت نصابتک اوقات عزیزه  
 کشایش لرینه سر زده قریحه صافیله و نسکاشته جرائد صدور خلان و اقیه لری اولان کلمات جامعده دن  
 انتخاب کرده یراعه افتخار و کوشوار اولی الابصار بولسان انقاس غالبه لری ایراد و حسب البضاعه  
 شرح و ابضاح اولندی (نفس دایل نفع جبرئیلست) یعنی ذات عفت سمات مر عبیده اثر نفع جبرائیل  
 سبب تسکون مسیح اولد یعنی کبی وجود مرید مخلصده دخی نفس مر شد سبب حدوث ولد قلبی و واسطه  
 نزول فیض صمدی اولور (الریاضه بلا انابه کالتجاره بلا بضاعه) یعنی کوشش خود بخودی اوزره  
 فائده معتدیه به اثر بتایز که حصول مقصد اقصادی مشاهده و وصول مرتبه علمیای معرفتدر تجارت  
 بی سرمایه کبی زیر اعدا تجارت بی بضاعه مال الخو لیا و افکار و اهییه مقوله سید در راجحه حسن معاش  
 و رابطه لطف اتعاش اولق محالدر کذلک مجاهده بی انابه مکیده صرفه در (المشاهدات موارث  
 انجاهات) اولد یعنی اقتران اعانت اناته در \* ودخی عنده معاصرین گروه پرش کوه مولوی حقنده  
 عقید مجلس مساوی ایدوب گفت و شنید لری اول طائفه علیه ناسائی محضه و کلا ندن بی بهره  
 اولد قلرین امضا بلکه عارف و معروف بین العرفا اولان مر دمید انک شهرتی ذاتیه غالبه اولمغه ختم کلام  
 ایلد کاری مرفوع پیشگاه معارف دستکاه لری اولد قدده یکسر قلدن بالبداهه انشای رساله و جیزه  
 رهینه الالهام سیور و بعبار دانش و معرفت لری محک زده اختیار اولمشدر و رساله شمر بقه لری خاتمه  
 منقبه نفسیه لری التمشدر که رتبه عرفان و احاطه وجدان لری اخلاف مخلصینه دخی مفهوم اوله  
 (فهذه هي الرسالة العارفيه) بسم الله الهادي الى المنهج القويم وبه السؤل على الصراط المستقيم  
 الحمد لله جعلنا عارفاً بشأنه والشكر لشكره جعلنا عارفاً بحسنه والصلاة على المدعو بداعي الله

والسلام على تابعيه في سلوك رضاه أما بعد فاعلموا أيها المتشاغلون بالطعن عن الغظعن والمتغافلون عن  
الزين بالشين آجرنا الله باغتيا بالاغيار وأجاركم من ارتيا بالاخيار وفتح بيننا وبينكم أبواب النصفة  
والاعتبار ان العارف رفع راية الإشارة وكلت عن كنهه العبارة وليس المنكر به غير الخسارة وان اسمه  
ورسمه وجسمه محسوس وأثره مأنوس وأثره معكوس ومن غير معروفه مأنوس وبغيره الغير منكوس  
لا يفارقه القدر والعبد ولا يفارقه القدر والوعيد ذاته لا تتحد وصفاته لا تعدد وزمانه الى الابد وهو المؤيد  
بالمندعيشه رغد ظهيره الصمد واحد يغلب الالوف عاجز يظفر السيوف ظاهره متكلم ومخاطب  
باطنه حاضر وغائب معجور بتأسيس الفنا معمر بتغير البقا فوائده موائد وشواهد موائد لا تتكده  
الا كدار ولا تتكدره الاعسار جنانه جنانه وكثره عرفانه ونفله واراد الوجدان عرائس الاسرار  
له الحور والغلمان براقه بارقة الجذبة مقامه في نفسه السدرة في عين عرش الانفس انسان وفي رفرق  
الحال له الجولان محدودا ثم ومخوفات ثم وصفها ثم قصد الهداية سبيله صدق الارادة دليله تستتبه  
الاعيان وتخضع له الا كوان سلطانه معظم برهانه مسلم حلتبه الكرامة وناجه الولاية لا يساويه ملسواه  
ولا يعرفه حقا غير الاله وينشط بعرفه من واساه فيا ليت شعري بشعره فأين الشعور بسر لكل لاه  
وساه وفقكم الله الى منازل الانبياء وارشدكم طرق التوقي عن الاشتباه انه مجير الفقير ومغيث  
الاولاء \* هر زمان می کفتم از درد درون \* اهد قومی انهم لا يعلمون \* دشمنی عاقلان زین ساز بود \*  
زهرايشان ايتماج جان بود \* (قوله) رافع اه لان خطابه وتكلمه في مقامه مع عارف نحوه والعارف  
يكفيه الإشارة والمحاذية بما فوق قدر الكفاية لا يليق به (قوله) وكلت اه لان العبارة انما في قدر الحد  
والرسم وذاته لا تتحد كما سيجي والرسم غير وافي الا كنهه بما قرر في محله (قوله) وليس ادان ذاته واسطة  
الاستفاضة فانكاره يكون حجابا لهم فيصرون به محرومين وخاسرين لا يستفيضون بعد (قوله) وان اسمه  
اه مدر كية الثلاثة المذكورة بالحس ظاهرة ومأنوسية اثره من حيث انه ينزل القوم منازلهم ويكلمهم  
على قدر ادراكهم فيستأنس الكل بأثره ومعكوسية اثره تورية منه حذر عن آفة الشهرة وهي قمة  
من قبابه عز وجل تحميه عن قننه من لا يميز المستوى والمعكوس ومأنوسية عن غير معروفه لانه عارف  
محقق بأن لا مانع ومأمعطي الامعروفه عم احسانه ومنكوسية الغير بغيره بحسب ان غيرته بهم  
مصيب البتة فينكس الغرض باصاته لا محالة اما تدميرا واما تخذila (قوله) لا يفارقه اه فان ليا ليه كلها  
قدر باستيعاب انوار الشهود والخيال وأيامه أعياد باشمالها على صنوف النشاط والوقف الانبساط  
(قوله) ولا يفارقه اه لانها أثر الجلال المتضمن لاسباب الجمال اذ هو ليس مجلى الجلال البحت بحسب  
العادة المتقنة الحكيمية (قوله) ذاته لا تتحد اه فان جنسه وفصله لا يعلم بالقياس الى ماهية الانسان من  
حيث تبدل حياته ونطقه ولان صفاته مستفاضة من الصفة الالهية واذا كان الاصل لا يتحد فالفرع  
كذلك ولان زمانه غير ازمنة الفانين لاستبقائه بالله عزت ديموميته فهو من الازل الى الابد ولانه لما فني  
عن وجوده الوهمي تداركه الامداد العيني في تأييده ولان عيشه في السر اعواضر اعلى سعة قالوا ولا  
شدة الا وفي جنبها نعم الله تعالى وتلك النعم ما قاله ابن عمر رضي الله عنه ما لم يبت ببلية الا كان الله تعالى  
على اربع نعم اذ لم تكن في ديني واذا لم تكن اعظم منها واذا لم احرم الرضا واذا رجوت الثواب علمها  
فسبحان من اتسعت نعمه لا وليا له في نعمه \* (بيت) \* چندین جمال هست نهان در جلال دوست \*  
خوشترز کوشوار بود کوشمال دوست \* ولانه كلما عجز يظهر الصمد استظها راولا وهو  
الغيور المغيث (قوله) واحداه لان غلبته بتغليب الغالب على أمره فلا يقاوم بكثرة الغريم ولان عجزه  
بالنظر الى ظاهر بشرية والا فلا عجز فكيف تظفر عليه السيوف الظافرة بذاته تعالى فاذا لم تظفر

السيوف عليه فهو ظافر عليها كظفر الذئب على جراحة الخليل عليه السلام ويمكن أن يكون ظفره  
عليها بالدعاء فإنه أحد السيوف واقطعها (قوله) ظاهره أي في المسامرات يظن أنه متكلم مخاطب  
للجاسين مع أنه حاضر في المشهد القدسي غائب عن الحضرة لأنسي من حيث عرفانه (قوله) معجوراه  
لأن الفناء فيه تعالى أساس لا تهديمه الأدوار والبقاء به تعالى تجميرا لاسرار بحيث لا يكدنجر به  
مرور الدهور والاعصار (قوله) فوائدها يعني كل ما استفادته من قبيل المائدة في عدم التعب  
في نيله وكونه أثر محض فضله تعالى وكل شواهد ولا يتهم من السكرات معدة في خزائن التأسيد فلا  
انتظار على التأسيد لأن الانتظار أشد من النار فإذا كان المفضل عليه حراما عليه فالمفضل بالظريق  
الأولى وإذا لم يجر بالانتظار فلا سبيل للاكدار والاعصار إليه لأنها أسباب الزجر والعتاب (قوله)  
جنانه أنه فانه عرش الله ولا يسعه شيء إلا هو ولأن من شرب في جنان الجنان من كأس العرفان  
لا يظما أبدا وهذا من خصائص الكوثر فإنه وجدفه وكوثر وإن لم يعرف باسمه ولأن الواردية تملذذه  
انشاء العرفانه مثل النقل خلال العشرة ولأن الاسرار الخفية كلها ظهرت للعارف بحصله النشاط  
والتمتع أزيد مما لا يحل من الحور والعلمان فكان أسرار الانفس حوره واسرار الآفاق علمانه ولأنه  
ببساطة الجذبة يصل إلى المقامات السامية أسرع مما يكون بالبراق فان سير البراق بالطيران وسير برقي  
الجذبة باللمعان ولأن السدرة مقام الفائقين في القرب الآفاق وله مقام الفائق الغريب الانفسى وهو  
سدرة التحقيق ولأن عرش الانفس فلا بد له من عين يشاهد هذا العرش كفي صورة العرش فن حيث ان  
الشهود يتأتى بواسطة سره كأنه انسانيه ولأن الرفرف مقام الجولان لا الاطمئنان فالحال والوجد  
بالنسبة إليه رفرف بلا اشتباه (قوله) صمودائم يعني بسره وهو وبارادته محو وبقلبه صب (قوله)  
قصده الهداية فانه متى ما سلك على قصدها مقارنا للصدق بقر عينه بمنازل المعرفة فلا بد منه ماله كما لا بد  
لناثرنا صلين من طريق مستقيم ودليل قويم (قوله) تستنبراه فانه شمس الحقيقة وخليفة الحق ولأن  
سلطانه وخلافته لا يختص بفرق دون آخر فبرهانه مسلم الشك الا بليس ومن تبعه ولأن الولاية ترأس  
ماله والكرامة ترجع ماله فبمناسبة الاول للرأس عبر عنه بالتاج وبلائمة الثاني لكل سماه حلة ولقد  
أحسن قدس سره في تعبيره لله ذره (قوله) لا يساويه شيء إلا أنه لا يساوى المعرفة شيء وهي مبدأ الخلقة  
ومنشأ الخلقة فترتب الحكم على المشتق يفيد عملية المأخذ ولأن عدم المعرفة من الغير منطوق اوليائي  
تحت قباني لا يعرفهم غيري ولأن مواساة ثورث الدخول في قلبه اشرف فكيف لا ينشط من دخل  
العرش العظيم (قوله) فيما لته كمال انصاف وحقيقة اعتراف منه قدس سره فان شعوره كائن  
من كان من الامور المشككة للحكماء المدعين العلم بأعيان الموجودات على ماهي عليه فأن الآخرين  
منه وابن الشعور بسره من عنده العالم لا يساوى شعورته وأن اللاهية بغية العارف والسا هي عن  
حدود المواقف (قوله) وفقكم الله فيه اشارة الى انهما كهم في الغفلات وارشاد الى سبيل السلامه  
وابعادا بجارة الفقراء من كيدهم واعانة أو اواء الانكسار على انتقامهم وفي حسن الختام باليتين  
المدكورين اشعارا بشير القبول ان أنابوا واعطاء لطف العفوان تابوا فكان كما أشعر وأوما وأشار  
وأرشد للذين سبقتم لهم الحسنى ادام الله رشحات روحانياتهم مرشوشة على متعششي عين الحيوان  
عرفانهم آمين آمين بحرمه حبيب رب العالمين وبعزة سلطان العارفين وليكن هذا آخر ما شرحتنا ذرة  
من الشمس وقطرة من البحر تو سلا به الى لحاظه عين عنايته وتوسكا بطرف ذيل كرامته \* (نقلستكه) \*  
كو يا وصول رسالته معارف فليرى باعث حصول اقرار وبإدنى تيسر انكار اولوب الطاعوا برسالة  
الرساله يسور بلوب عنده وعنده عنده برابر خزان اولوب وهربرى براسخه شريته سين محفظة

اوراد واذ کارلرنده حفظ و اعتنای تامله مستفید حقایق مضمونهای بلکه مهره فن لدنلری  
اولش لردر و قلم العارف علم المعارف فقره لطیفه سن ضرب المثل ایتش لردر و بعد زمان احراز رتبه  
محریت ایدنلری کندولرک علوم شریفه عقلیه وفنون لطیفه نقلیه و کتب نفیسه تصوفه انسابلری  
وارایکن عقده انکارلری انحلالی نفس انفسلریله اولدیغنه تقدیم شکرانه ایلد کارنده الامور  
مهره بآوقات مضمونیه و در وقت رسالت رساله مازنبل عقده شمایل رسیده بود و به بیشتر  
کله خندی انحلال زوال پذیرفت نکته ها ضمه سیله توریه کار بیور و الجوارح علی طاعة الرؤس  
مصد افجه بکاره تبعیتله صغار دخی معتنم برکات سامیه اتمالری و اول دارالکرامه ده د کرجیللری  
اطراف کبر و ملجای مقیم و مقصد مسافیرین اولش لرایکن فوت مشیخت تریه مقدسه دده مفهوم  
العارف بین التحلی والاستتار پدیدار اولغله ضجرت استتاره تحمل ایده میوب تخلیص پنجه قسر شاهی  
سیا قنده چال کریسان حیات مستعار ایدوب شتابان جوار حضرت خداوند کار و تارنج غیمده  
عازم دارالقرار اولوب مهتاب وجودلری زیر میغ عدم اولدیغین مشو بخوانلری اولان قاسم دده  
حضرتلری بوقطعه قطیعه مضمونلریله ثبت جریده مرثیه لری ایتش لردر \* (قطعه) \* عارف افندی رافع  
قید وجود اولوب \* چکدی لویای هجرتی اطلاق ملکته \* سال غیمده منخسف اولدی او ماه آه \*  
ویردی شکست خرنه عشاق سلکنه \* نورالله مرقد و زین مشهده کاطیب مضاجع الاسلاف  
الکرام بفواج عواطفه الجسام آمین بحرمة صادق الوعد الامین \* (در بیان خلافت حضرت  
حسین افندی بن حسن چلبی بن فرخ چلبی) \* اسکهنم الله تعالی فرادیس جنانه و احاطت بها تم  
دوائر احسانه \* (روایت کندکه) \* حضرت حسین چلبی منظور جدا مجددی اولوب حجر تریسه  
فرخیده نشو و نما یاب و حین ولادت لرنده پیر حسین عنوانیه بزم عالمه دعوت بیورلش لردر که حسن چلبی  
حضرتلری حضور والد ماجد در جامند فرزند ارجمند اولدنده اللهم یا محسن العالمین احسن الحسن  
الحسین دهای اجابت قرینیه ممنون بیور و بوحمل ظهور ایدوب وقت وضعده عسرت عظیمه عرضیه  
هلاک والداه احتمالی خاطر حسنی به دغدغه فرسا اولغله (بند و وشنای دیده خواستم اکنون آرام  
دل خواه درفت عنوانیه همت علیه بدر والا کهر دن استغاثه بیورد قلرنده حضرت شاهزاده  
فرخ رخ و پنجسته قدم تشریف ولادتخانه بیور و بای نور دیده پیر حسین بست یا نفس مینت  
تو املریله ولادت ساعه و نما اولوب والده و مولود بزم دنیا به تازه گلش کبی اولوب هم بیم فراق  
مدفوع و هم لطف وصال موضوع اولغله پیر حسین شهرت مادر زادلری اولوب وفی الواقع رسیده سن  
اقصای شیخوخت و واصل مرتبه مشیخت و خلافت و جامع بین المشیختین اولش لردر و دخی عقب  
حضرت عارف کوچکده بین الاولاد الکرام اسن و احق بولملریله مختار الکل و مسند آرای مشیخت  
تریه فردوس رتبه اولش لردر و دخی کمال جبلی و صفای طینت لری مقتضا سنجه که واره بند و شیر خواره  
اولد قلری آوان و هنگام خواب نوشینلرنده فصاحت تامه اوز ره د کرجلاله و امسال ایام مبارکه و اوقات  
حدث دایده شیر نوش اولدن امتناع و لیالی شریفه ده ترک خواب راحت و مجبول علی الاحیا  
اولملری بهر حال کوه زاتلری شیخراغ عین الجمع میدان مردان اولملقنلری به امارات ظاهره  
اولش میدی و امارات مذکوره ارباب قلوب آوان طفولیت لرنده کثیر الوقوع در زیر ارجان و دلدله اولان  
کله صغر بدن پرده و نوم و سائر مشاغل حائل اولر کاهی خاصه اصحاب نظره ظاهر و کاهی اهل  
ظاهر دخی نمونه نما اولوب کرامته و ارهاغه محمول اولوب بهر حال فانوس بدن سدر اشعه شمع دل  
و جان اولر \* (چنانکه فرموده اند) \* شاه سیدار است حارس خفته کیر \* جان فدای خفته کان

حضرت حسین چلبی افندی



دل بصیر \* (رجال لاتلههم تجارة ولا بيع) \* الآية على الخصوص بوسلمه زکیمه ناسلاف  
واخلا فلرینک ازمان طفولیتلریده امارات مر قومه دن اهر شواهد الیکال طهوری اکثر من ان  
یحصى در کما حرر فی مناقبهم النفیسة أولا و آخر فلا تستعجب ولا تستغرب الیکال من اهله صغرا و کبرا  
وانما الاستغراب فی غیر المحل کان طفل الذی وجد فی یدیه جوهر ثمین ان کان ابن الفقیر یستغرب وان  
کان ابن الامیر لا کما اشار الیه قدس سره حین عدوا محاسن طفولیتیه بقوله صغارا البکار بکار و کبار  
الصغارا صغارا فتنیه و کن ناظر الی اطفال البکار بعین الاحترام ولا تستبعد کل ما قالوا فی اقبالهم و علو  
شأنهم فان الناس معادن والنور للتمفرس الفاطن والافال لیلیدوالاعمی یستوی عندهما الزبرجد والمدر  
والصفاء والکدر \* (بیت) \* بحس ظاهر و باطن کسیر نیست اکاهی \* چو بادام دو مغز از بس  
دو بالا کشت کور یها \* (آورده اند که) \* حضرت جلی بی رحسین جناب ولایت مآبک اواسط نوبت  
خلافتلریده میاندا اولاد کرام و فقرا ی در کهده شراره نفاق شعله انکیر شقاق اولوب حسین افندی  
حضرت تبری خلج و درویش جلی به خلعت مشیخت بافرمان الباس اولمق رجا سینه بر مقصد ار مدعی  
سلوک طریقت مراجع عتبه دولت اولوب بقیه فقر ادخی فرقه تفرقه کیشی تکذیب صد دنده پیر ولری  
اولمق نه استئذان ایلد کلر نده شما بسده سنی خنکارا کبر متشکر باشیدوا کرایشان بدر که پادشاه  
متشکی باشند غم نیست بینید تا کد ام صر فیه بر عنوانیه اخوان الصفا و خلان الوفا ی تسکین بیور و ب  
و بر موجب آیه کریمه (قل اللهم مالک المملک) الی آخر الآية تسلیم و تقویضه ارشاد و در طریقه مردان  
شکایت از نفس باید نه از غیر مضمونیه و طیفه راستروانی تعلیم و مرابشا کر و شاکی کار نیست  
مفهومیله شغل حالی تفهیم بیور و ب بقیدهانه ذوق و صفالریده یار ایدن اغیارا امتیاز یله غمون اولوب  
رفتن بکین آسان و آمدن بدن مشکست نفس کشف العاقبه لر یله توطن قلوب و تطیب نفوس  
بیور مشلدر در فی الواقع طائفة طاغیه افتراء مال یکن ایله مالا مال مزور عرف خمال شکایت مال ایلد کلر نده  
لهجه ضمیر فرست سمر صدر مشیر تدبیر خبیر دن فغ کلام معدلت نظام بواسلوب نصف ختام اوزره  
اولمشدر که حقیقت حال معلوم رجاست لکن کرو هیرا که پیر و پیش قدم بچنین فضا یح و قبا یح متهم  
باشد مریدان و پیروان اورا قتل عام بر ذمت شاه اتام واجب است تعریضیله جمله شکاتی اسکات  
و خاصه درویش تادب والا تودب تو بیخیله رئیس قافله غافله بی تقریر بیور و ب همت شاهان معنوی  
دفع غائله اولنوب لکن شرمه شریره غرق عرق خجالت و هراسان دار و کبر سیاست اولد فلرندن  
مقام شکایتلرندن پراکنده و پریشان آفاق اولوب فردوا حد سلوک جاده اعتذار لهجه ساسای  
آستان قدسی آشیان خنکارا کبری اولیوب بی نام و نشان اولمشدر در و درویش جلی دخی دارالدوله ده  
کوشه نشین خمول و حرمان و مدت مدیده خمیازه کش هجران اخوان اولوب آخر عرق انسا نه رعایت  
ارلنوب غلظه خانقا هنه شیخ اولمقله قانع و غلظنه معترف اولمقله مشیخت زاویه مر قومه ایله مکرم  
اولمش ایکن یه درد قدیم سر زده مزاج سقیمی اولوب سلطان محمد بن ابراهیم خان خججه قلعه سی تسخیرینه  
سفر بر اولدقه حین فتحده حصول مر ام خاطر ده انتهاز فرصت امید یله ملازم آوردوی همایون  
و مشاق خط و تحالیه مزاجی منحرف و حاجی او غاویام قصیه ده مسافر دیار خاموشان و حالناک  
مدفن اسلاف علیه دن دور و جوار جدا مجدر حمت مدار لرندن مهجور اولمشدر \* (نظم) \* ای بسا  
دولت که آید کاهکاه \* پیش بی دولت بکر دد اوز راه \* ای بسا معشوق کاید باشت ناخت \* پیش  
بدبختی نداند عشق باخت \* زین غلط ده دیده را حرم باشت \* وین تقلب قلب را سوء التضا است \*  
فی الحقیقه درویش جلی اگر درویشک و جلیبک ایدوب اول پیر روشن ضمیرک مستجاب حسن

نظر و بمن نفسی اولسه بلای خویش و دیگران اولمبوب بلکه سائر اولاد کرام مانند مکرم ذکر خیل  
و مغتنم عیش خوش اولور ایدی لکن کار از بخت خدا داد و یاری یاری خیزد \* (نقلستکه) \* اواخر  
سلطنت ابراهیم خانیده استیلای ضعف دماغ و غلبه سودا و غلیان تضاد اخلاطه فساد مزاج پادشاهی  
تدبیر دفعه بذل مقدور ایلان طبعیان بیرون و اندرون دست شوی علاج اولغله طرف حذقه حقیقته  
مر اجعت اولند قدده آیین گذشتان سلاطین عثمانیه اولوب ابتدای جلوسارنده تبرک ایلد ککری  
تلدس عرقیه مولویه تذکیر اولغله حضرت جللی مشارالیه دعوت اولنوب عین الجمع مشایخ طرق  
علیه ایلد حضور شاهیده عقد اولنان مجلس ذکر و سماع و صفا عقینده عرقیه شریفه تکبیر یوریلوب  
سربادشاهی به الباس اولنه حق و قنده مکر شاهزاده مهینلری سلطان محمد کلاه کرد حلقه مرقومه  
ایمش هما ناقر بجه صافیه پادشاهیدن عرقیه شریفه بیوک افندی به الباس اولنسون مضونه صادر  
اولان فرمان بخودانه اطاعتنه بناسلطان محمد الباس و سر بعامجلس معتود مرقومدن قیام ایدوب  
و عاجلا وطنلرینه رجعت رخست خواد اولوب همان روز اسکدار عبور و هر سکن نام محله و اصل  
اولد قدده سر استعجالدن استخبار اید نلره عرقیه احوالی تقریر و بوضورت غیر متفکره امارت  
انتقال نوبت اولدیغین تصویر اثناسنده ابتدای ظهور ملحه عظمای خلع و قنلری اخباری وارد  
اولوب و شاهزاده مهین عرقیه پوش تاجدار سلطنت اولدیغی منشوری رسیده اولوب مشاهده  
شریفه لرین تحقیق ایشدر \* (بیت) \* کلاه رفعت و تاج معل \* هر کس کی رسد حاشا و کلا \* و بوفاتحه  
متمینه حسبله جل سال پادشاه بالا استقلال و کامران دولت لکن اواسط نوبتنده شیخ وانی غبیه  
دولته انساب و عقیده پادشاهی اول بوم شومنا القاسمیه جانب اولیادن منحرف اولغله اعداد  
انزامله مکدر الاوقات و بنه خاتمه سی فاتحه سی کبی خیر اولمشدر که مخلدنه تفصیل اولنور و حضرت  
پیر حسین تفتن فی الطریق ایدوب ایابلرنده بر و سه و کوتاهییه و قره حصار اوزریدن متوجه دارالولایه  
ور هکندر لری و موقع مقامات اولیا اولان مدن و امصار ده تعمیر و ترمیم بقاع مبارکه و اکرام قسرایه  
متعلقه آثار جلیله انشاسنه مبادرت و کزلر نام قریده آسوده اولان قدمای احفاد کرام زیارتیه و تجدید  
آثار لریله تقریر عهد قدیمه یوروب و آستانه ارغویه و عبا پوشیده چند ماهه مشرف اقامت  
و کونا کون اذواق صوریه و معنویه ایلد مغتنم اولمشدر \* (بیت) \* مردان حق که خضر زمان  
ولا یبند \* هر جا که یانه ند سرش سبز می شود \* (آورده اند که) \* حسن پاشا رایت افراز عصیان  
سلطان محمدی اولد قدده یوز بیک مقدار عسکر له دارالدوله به توجه ایدوب اوزرینه جیش دشر عامله  
مر ترضی پاشا تعین اولنوب و الیغون جوارنده مقابله و مقاتله ایلد کلرنده سردار مرقوم عسکر یله  
منهزم و کریان اولد قدده طائفه باغیه کندولر چون میانه نملد کتده مناصر روزشتا و ملاذ هجوم اعدا  
اولغله مناسب قوسیه قلعه سن تخمین و نخوت ظفر مرقومه صحرای دارالولایت ضرب خیام قیام  
ایلد کلرنده ناچار اهالی دیار حصن خیمه مرقومه ده تحصن ایدوب لکن شدت عسکر جلالیدن  
هر اسان و طرف دولندن مأیوس آمداد اولوب و جنکه دخی عدم اقتدار لری غایبان اولدیغنه بناء  
پیر حسین افندی حضر تلییه التجا ایدوب بومقوله او ان و ازمان ملحه ده قسرای دیار مرکز سایه حایه  
خداوند کاریدن ماعد ایلد استظهاری اولمبوب و سایه عنایت مایه لری دخی همسایه لرین غیره محتاج  
بیور میوب کفایت کرامت روحانیه لری بالدفعات مشاهد اهالی قرون و اوقات اولغله الحاله هده  
مسند آرای خلافت سراقدری بولغله علی العموم دخیل در که والا دست که کز اولمشدر در  
دنواستش فاع دفع داهییه مرقومه ایتملریله عزیر مشارالیه دخی شفاعت ازما و قبول از فضل خدا

مضمونیه مایندہ شمیر ساق توسط بیوروب کروه کروی شکوہ درویشانہ منزل باشای مزبوری  
 تشریف و نصایح عجیبہ وقت انکیز و شفقت آمیز لہ دل سنکینتی نرم و نقش ختم کلام کرامت نظاملری  
 موم قلب ہموملرندہ اثر فرما اولوب بعناایہ الحفیظ الدافع مانند سحاب عذاب اول عسکر جراد حساب  
 سہولت غیر مترقبہ ایلہ اولحوالیدن نمضت و طرف عربستانہ توجہ ایلد کدہ اتق شرمن احسنت الیہ  
 معدنہ انجہ منغار و کبار دیارک تشکری دیک حسد حساد و فساد دی جوشان ایدوب خفیه پیر حسین  
 افندی حضرتلری حسن پاشایہ سیف بند دولت و عرقہ بخش همت اولق اوزرہ محضر ساز اقرا  
 و ترویر اولان مشو بخوان زادہ و دوسردی خوان شہرتیلہ معروف رئیس نفاق ایکی شخص فی شخص  
 اولدیفی متعین اولد قندہ ہر دو بیگ رسن آلودہ مخنوق خواہند بود نفس غیرت زدہ لری اولوب  
 و محضر لری مرفوع پای تخت پادشاهی اونجہ (ان جاءکم فاسق بنبأ فتینوا) آتہ کریمہ سبیلہ  
 عمل بیوریلوب استقصای حقیقت حالہ صادر اولان امر عالی موجبہ حین حصار دہ سور قونیہ دہ  
 بولنوب بعدہ طرف دارالدولہ یہ واردہ اولان امیر خزائنہ مصر و سائر محصورین و خدمتہ دولت  
 استنطاق اولند قنرندہ حاشا و کلا کر پیر حسین افندی حضرتلرینک آثار نصایح خارا کذار و قلوب  
 قاسمہ جلالی ککاز لری وانضمام دافعہ و حایت اجداد عظاملری اولسیدی ایالت قرہ مان  
 بمضافاتہا قبضہ تصرفلرینہ و خزائنہ مصریہ بدخی تغلبلرینہ تسلیم اولنق مقرر ایدی دیوشہادت حق  
 اولنغہ محرز عروق فساد شخصین مرقومین اولدیفی معلوم ہمایون اولوب جزالری ترتیبہ امر قضا  
 جریان اسرا اولنوب نفس انکسار مدار لری و قنچہ کند و خانہ لری آخورندہ مرابط گوان اولان  
 بر قطعہ رسن مردار لہ اول ایکی رئیس شقی مخنوق و سزا دیدہ جریمہ نہاد قنہ سرشتلری اولدیفی حالا  
 بین الہالی قصہ شہر حصہ اصحاب اعتبار در \* (بیت) \* بر بزرگان مشو بحکم دلیر \* سپر آفتاب تیغ زن  
 است \* (قطعہ) \* دوستان حق دور و شمشیر دست غیرت اند \* دشمنان از دست برد لطف شان  
 در حیرت اند \* در برابر روی دل دارند خوب و زشت را \* در سزا دیدن ولی آئینہ دار عبرت اند  
 \* (نقلستکہ) \* حضرت پیر حسین جوان ہمتک مشرب غالیلری دم بدم تعطش زلال اسرار مشوئی  
 معنویہ مہر تی و ہمیشہ حضور فائض النور لرندہ منشدان خوش الحان ترجیع لطیفہ مشو بخوان  
 و اکثر یا نوسانوش ر حقیق معانی دیوان حضرت پیر قدس سرہ المنیر لہ نشستہ یاب و ہنگام جوش حالتدہ  
 عقد مجالس سماع و صفا اوزرہ اولوب حتی محافل رفیعہ مقابلہ دہ حضور پر غیبتلہ چشم بند مراقبہ  
 حال و کوش کشای ملا حظہ مال اولوب مشو بخوان ختم درس مقابلہ مرا دایمہ کجہ \* (بیت) \*  
 مادہاں بر بستہ ایم امر و زاز و \* توحیدیت آن لقار باز کو \* مضمونیلہ شغف غمائی امتداد نقل  
 حضرت مشوئی حقایق محتمی و وقتا وقت قبضہ عرش برینہ رسامد کش آہ و اشوقاہ اولملری سلسلہ  
 جنبان غلبہ حال و بی اختیار مدیر دائرہ وجد فائق الامثال و پروان کمان شمع اشتیاقلری سرکردان مرکز  
 وجود ہر دولری والی غایۃ الغر اشتعال سوز و کداز لہ ملازم آیین کرامت اکین جسد بزرگوار لری  
 و سایہ عنایت سایہ لرندہ کهن فسر دہ دلان تاثیر کرمیت حلقہ صحبتلری ایلہ نوجوان میدان مردان  
 و دست افشان ویای کوبان اولملر در و اوقات قوت ضعف پیریدہ قیام و قعودہ قابل اولسغہ سجادہ سلام  
 آمادہ لرندہ مستند و متکی و یوت بت تسلیم اندہ مومئی اولوب حتی غار ضیہ و ایستہ لرندہ مدخی ترک جماعہ  
 و جمیعہ العشاق ایتیموب سال عوارضہ لطیفہ سباز امر لطیف دستار اولمشدر و بالکلیہ حضور  
 حلقہ تربیہ مقدسہ امتداد اولوب سعادت خانہ لرندہ صاحب فراش اولد قنرندہ مدخی فرش بساط  
 انبساط بیوروب و مقرر خالصہ دعوت مشو بخوان و اخوان و خدایان و قوالان و منشدان و حسب

الامكان تدارك اغتنام آثار جليله خداوند كرى ايدوب صماخ آذان طالبان طر بقة عليه بي برانفاس  
وصايى قدسيه اجليه احيان مرقومه ده اولان نصايح پيرانه لرى ختام منقبه نفسه لرى تلمشدر  
ايها الاخوان عليكم تلقى نكات المثوى وتوغل الدور المعنوى فان كبا هذا ينطق عليكم بالحق وسما عنا  
يوصل اليه فهذا طريق وذال مرشد ومن رام غيره دليلا في هذا الزمان فقد غفل عنه وسلك السبيل  
على غفلة فلان سالى في اى برزخ هلك لانه لب القرآن وسر العرفان كما أشار اليه منتهى جدى وسندى  
في جدى ومكان الروح من جسدى بقوله القائل بقوله كل محقق موحد \* (بيت) \* ما قرآن مغزرا \*  
برداشتيم پوست رايش خسان انداختيم \* شش جهت را نوردن شش صحف \* كى يظوف  
حواله من لم يطف \* آب جيكوزا اكرتوان كشيده \* هم ز قدر تشنگى نتوان برید \* كوشدى  
عطشان بجر معنوى \* فرجه كن در جزيره منوى \* فرجه كن چندانكه اندر هر نفس \* مشورا  
معنوى بنى وبس \* اين شنيدى موبويت ككوش باد \* آب حيوانست خوردى نوش باد \*  
آب حيران خوان خوان اينرا سخن \* روح تو بين در تن حرف كهن \* ويا ايها الخلان عليكم بالتمام  
جواهر المعرفة ما صادفتم فان الآيات والاحاديث والآثار تنفع المتلقين عن القسراطيس فسارعة  
الاغتنام مناسبة لاستعمال الايام واياكم والتسويف الى وجدان اهلها فانه يورث الملل ويضيع رأس  
المال ويشغل عن النظر بالمآل واياكم والتغافل والتشاغل عن نتيجة النتائج اللازمة من مقدمات  
الازمان في نهاية الدوران فان ولى آخر الزمان اولى كنبه صلى الله عليه وسلم وان الاواخر اجمع فيهم  
خيرات الاوائل وصار واجوامع المنافع وان اعمارهم قصيرة المدة وطويلة العدة فطوفى لمن انهرز  
الفرصة وبشرى المغتنم الفرجه وزمان بركت عنوانه ساحة سراى سعادت لرى محشر فقرا وغربا  
وهر برى ميا من بريله شتون ومسر وراولوب انحاء بسيط ارضدن ذات حرم سماء لرى مقصد اجله  
ومتوجه اعز اولوب وجوه اكرام ليريه بدل خزانه موجودا يلد يكي مقابله سنده احسان بيوريلان  
فواضل اموال صالحه دن دار الولاية قونه سورى خارجنده مجمع جماعة موفور داولان در وازة اسب  
فروشانده برجامع شريف بنا ومجمل احتياج عديده به چشمه لراجراسيله صدقات جاريه لرى وساثر  
خيرات ومبراتى هنوز حسنة حسنيه نسبتيه بين الاهالى معروفه در جمعيت احتضار لرندة ميمنه  
وميسره عين الجمع اخوان وخلان قرآن عظيم الشأن ومثنوى همم الاحسان ومعارف عرفان تلاوت  
وقرائت اولنوب قلوب حضار نظار ديدار ياك وكوشكذارا آثار بانك اولوب كندولردخى غرة محيط  
معرفت وتوحيد ايكن سر برآورمبانه امواج غلبه اولوب بشاشت زائد الوصفه لهذا فليعمل العاملون  
انا لله وانا اليه راجعون دم شهود توأميله طى طومار حيات مستعار ايتشلى رحمة الله تعالى عليه  
وبركاته واسعه وشاملة وعقيب فوت لرندة متكزيب مشيخت اوله بحق شاهزاده جوان بختدن  
استفسار نام و نشان ايدن لره اطيعوا صاحب الجذبة رضى له اشارت بيوريلوب بعد النساء التى مراد  
شر يفلرى عبد الحليم افندى اولد يغبى هويدا اولشدر وانساي انتقال لرندة سرزده مشارب ارباب  
طبع اولان مرثيه لرده به جانشين وحامل سر ميبندلى اولان مجذوب سالك حضر تلىك زاده قريحه  
صافيه لرى رشته كش صقيه ياد قلتمشدر \* (قطعه از ان چلبى عبد الحليم) \* پيرانه سر بروده حسن  
سلوك اولوب \* دوشدى بي نجسته پيران وحدته \* كجدى بل وجودى وكيردى حسين پير \* رحمتى راى  
تربيه جسته خلوته \* نور الله تعالى مرقد ه و بشهود الروح والريحان اسعده آمين يامعين  
\* (در بيان خلافت حضرت چلبى عبد الحليم بن چلبى عبد الرحمن بن الشيخ ابى بكر افندى) \*  
اعلى الله تعالى مراتبهم واسمى روايتهم \* (روايت كنده) \* حضرت عبد الحليم چلبى حال صغرندة

حضرت چلبى عبد الحليم

پدر سامی کهر لری وفات یله آغوش حضانه والده مکر مه لرنده نشو و غایاب اولوب غلبه جلیله لری  
 حسب یله جمعیت علوم رسمیه دست داده اولوب اول در تیتیم پرورده قلزم علم لدنی ومالك صفوت  
 قریحه اولغله مکشف مرتاض وصلاح اعمال وفلاح اوصافله ممتاز اولوب عقیب حضرت چلبی پیر  
 حسینده مستند خلافت تریه معظمه ده مستشار اولنلر بعضا هر اس صدمه غیرت مجذوبانه لری و بعضا  
 بین الاقران مهاب و دو قرا اولد قری اوصافله اجماع واتحاد سیور و بختار اولاد و الفقرا اولد قری  
 معروض عتبه دولت اولد قده صادر اولان منشور تصدیق لری میدان جل تسان و محضر عین الجمع  
 اخوان و خلایده فتح و قرائت اولنوب تأکید عهد و تجدید بیعتیه مبادرت اولد قده طریقی امیرده ده  
 حضر تلی قفسر مرموزة حسینیة اولان الطبع و اصحاب الجذبیه بیادله سر تسلیم نهاده زانوی  
 اناتلری و حلقه اطاعت صغار و کبار تمام و کمالنک کش تنیه اولد یغنده مقصود مرضی و جمعه  
 هویدا و بادی تأسیس اخلاص بمر اولشدر اکر چه انتظار قاصره ارباب صورته آینه حقائق  
 انطباع ذات الطبع لری ساد غمایدی لیکن عند اولی الهی جلوه کاه عجائب آثار و حمله وصل عرایس  
 اسرار خداوند کارایدی \* (بیت) \* یوسف اندر چشم اخوان چون ستور \* هم وی اندر چشم یعقوبی  
 جو حور \* اهل دل را بد و اهل نظر را بنظر \* دوستداران زبان را زبان باید حسیب \* (منقول است که)  
 اول نازنین سر پرده جذبیه من جذبات الرحمن توازی عمل الثقلین جناب ولایت مآبک اواسط نوبت  
 مشیختلرنده ثانی غلام الخلیل متشیخ وائی کامل منتسب دولت محمد خانی میدان پایتخت عثمانی  
 شیران بیسه علوم و تحقیقندن خالی بلکه نود و نمان نکبت سرشتدن مالی بولوب انقادی بذرا نکر لزمین  
 دولتی خارزار اسرار ایدوب اول کر به وائی میدان شیر زبانی اولوب آخر الامر طرف طرق احمدیه  
 سلطان محمدی بدکان و کج نسکا ایدوب جمله ارباب طرف کسرخ و اطرو و تعطیل آیین وار کانه اغرا ایل  
 بافرمان شاه ایام احباب اجتهاد و قیاس و ترجیحده منعه محکوم بها اولیان سنن سنن اولیای کرامی منع  
 و جلب انکسار بشمار اولمشدر حتی زمان فتنه و انیده مفتی اولان منتقاری زاده سوال غیر واقع  
 اولان رفقه افتاسنه املائی جواب ناصواب ایلدیکی آن افتاسنده مباشر امضا اولان طرفندن مفلوج  
 و اسیر فراش مرض موت و واحسرتا و یاند امتا کویان وزانوی تغابن کویان مسافر منزل خاموشان  
 و میدان امتحان مردانده نشان اولمشدر عیاذ بالله الخفیض حیل عجمانه و شیموه و العجمانه سمنه روده  
 و جلاب ملک رومی و پشت و پناهی اولان کویر بلی زاده احمد پاشای عقم و ازمانله و کند و یله کار  
 مار الذ کرده یکدست امضا اولان رغم انقه ابتلائی قلم و دمار اعتبار مدارله و صاحب آخرینی اولان قره  
 مصطفی پاشای انزام و قتل سیف انتقام لهر و سیاه و مرجع نفرین ابد الابد اولغله و منسوب اولدیغی  
 دولتی تزلزل اساسله و کند و بی سامری و ارفضیحه لا مساسله مجزی و مذکور ایدوب المنة لله و بتقدس  
 حالاینه فقرای طرق محمد یصلی الله علیه و سلم پیران پیشقدمانک سنن سنیه لریله معتنم و موصول اولوب  
 اول قسان جهانندن احادیث سنیه و اولیای اللهدن کرامات حسنه و اطوار جلیله و معارف جمیله بی  
 متضمن مناقب نفیسه و آثار شریعه قالدیغی فریقیه کواه بی اشتباه حال مال اولمشدر فطوبی الممتنین  
 المعتمرین و بشری الممتنین المذنبین و اول وائی مساعی اذ کار جز یله الهیه اجرای مرام فاسد و بازار کار  
 اولیای کاسد ایدوب علی رؤس المنابر مباحات و زره ای اهل باطن اهل ظاهر ستر لره سیف صوری ایل  
 غلبه ایلدی ستر لدخی سیف معنوی ایلده دست اقتدار کرده اولان قوی محکمه صریقه اثبات مدعا ایلد  
 دیوتشهر و تعمیره جسارت ایلدیکی و جهال متعصبه نک گفت و کوی بی فروغ و جدل پر کسینه رسامیهل  
 و لایمهل الحق یعلو ولا یعلی علیه الامر مرهونه باوقتها ایلده جواب باصواب و بی لوب یساعید (۱۰۷۷)

تاریخ بنده \* (بیت) \* چونکه زانغان خیمه برهمین زدند \* بلبلان خاموش شدند و تن زدند  
مصدق بقیه و لعل الله يحدث بعد ذلك امرا فلو اسبيله خريده كنج صبر و خمول و متوجه ر و حانیت  
جوانب اصول اولوب مدت يكهفته ده گروه پرشكوه مولویه دن مقدار هزار نفوس زكیه حیت نهاد  
مسافر سماعخانه اعلاى علمین اولوب بقایای بقاع مبارکه دخی شرق و غربه سیاحتیه پریشان و کریان  
و نالان اولوب ناچار اختیار هجران اخوانه ترك آشیان ایدوب عاقبة الامر نتیجه مقدمات خزن  
و انكسار لر ی غصه تاریخند هیدار اولوب وانی و اعوانی بالکلیه مقهور و مدمر و وقعه غیر مسبق  
المثل ایلده دامادی فیض الله مفتی و سلطان مصطفی خلعهنده بقیه اولاد و تابعی دخی صدمه سیوف  
باطنه ایلده مظهر مضمون عنایت مشکون (قطع دابر القوم الذین ظلموا و الحمد لله) اولمشلردر  
و حضرت جللی عبد الحلیم پیام حسرت منیع سماع و صفار سیده آستانه سعادت خداوند کلری  
اوازدن برکون مقدم اتنای و جدو حالده شور زاندا الوصف غما و قولان و مطر بانه فدای شال و خرقة  
و عطای زر و نقره ایلده بالدفعات تجدید دوران دائرة سماع و صفای ایدوب حلقه کش اطراف یبولنان  
انخوان سماع عزنان بیتاب و توان و کشت و لر مانند محوری قرار دائرة کردان اولد قده دست کرامت  
بیوسه تملریله اشارت مکشفه قرین بیور و ب بس است پس ازین زمان سکوت و سکونت عنوانیه  
اسکات نای و اسکان قدمه لر مخر ایلد کلری روز فردا فرمان منع و اصل اولد قده لدی الجمیع آشکار  
اولوب سائر طوائف طرق بر طریقه بیه اجرای رسوم لرینه رخصت یاب اولوب لیکن سادات  
مولویه کتر هم الله تعالی منعنا بالامر و نسمع بالامر طریقه سالک و تحویل بحول الاحواله مترقب  
اولمشلردر تا اون سکر سینه تمامنده قره مصطفی پاشا محاصره قلعه بچده و مقابله چاساردن منبرها  
رجعت و بدرقه سی وانی نکبت زده اولد قده مرحوم سلطان محمد حضرت مولانا من کل الوجوه اولانا  
و من جمیع السموات اعلا نا جنبای واقعه ده تیز اندر تیز چرخزان مشاهده ایدوب و دیدار فرخنده  
آثار لرینی معاینه مری ادا لیکه مواجهه ممکن اولیوب قری العین و جنات تابنا کی اولد قلدن مخزون  
بیدار اولوب و صورت واقعه لرین شیخ بلغراد عدنی دده حضرت تلمینه حکایتله طالب تعبیر اولد قلدن ده  
ظاهرا انی خدیو بسط نصف سابقا منع مقابله لاحقا مانع مقابله اولمشلردر دیوند کیر ماجرا ایلد یکنده  
بیه اجرای کفی القدیمة امر صادر اولوب فی الجملة منعدن ممنوع اولوب لیکن جبر انکسار و تلافی  
آزار گذشته یه موفق اولیوب و اخرونجی تسلط دشمنان دین و دولته ابتلا ایلده کنران ایدوب تاریخ  
رخصت فقر ایدو نسبتله نهمه (۱۰۹۵) و رجال دولته قیاسله غصه (۱۰۹۵) واقع اولمشلردر انصاف  
اولسه بوا امر لغرابتی ظاهر در که تلمر و دولنده اصناف ملل و انواع نخل احبابی و هفتاد و دو بدع اربابی  
مستریج و فی الصبح و المساء دعا گو یان از دیاد اقبال لری متأذی و مضطرب اولقی و لو بعد حین باعث  
جوش لجه غیرت صمدیه و بادی زوال ایدای احدیه اوله جنی اجلا ی حوادث عاده متقنه دن ایکن و کرا را  
کثیره و ممر اراجعه مسبق الامثال اولد یغنه حکایات فر عجه عنده سالفه شواهد اعتباری چون  
و چرا اولسی این بیناتدن ایکن تجر به مجرب سبب ندیم پیوده اولد یغندن قطع نظر فی الحقیقه بومقوله  
طائفه حق ناشناس مخالف ارباب تحقیق و انغله وجود و عدم لری متخلل سلسله ایجاد  
احکام کمال اولقی محض مقتضای اسرار حکم بالغه اولقی کر کدر کما اشیر الیه \* (بیت) \* سفلیکان رازند  
چرخ چونیکان بر سنک \* محک سیم و راز بر مس و آهن نیست \* و مژمر معهود دخی تمام  
استدرا چنده بورس جوارنده کستل نام قریه سنه مدفوع و اجتهاد غیر معقولیه حرمت طبقه یه جازم  
ایکن غموم فراق دولت ناپیدار له حلیه سیمای بی آب و رمی غار ضه چل پایه گرفتار اولد قده ناچار ز فیر

دخانی طلای جای حلیه حلیه ایدوب قلندر ان عجمدن اولدیغی آخر عمر نده یوزه چیقوب رسوای خویش  
ویکانه اولدیغندن ماعد اوقت احتضار نده دغیر اش منکسرین طریق علیه اولان زبان زبانه پاشی  
نرسیمه دراز سمت طعن و دخل اولش ایسه اولقدر سوراخ دهانندن مانند مار ~~سک~~ نریده جانب سینه  
پرکنه سینه اوز انوب ارباب طرقدن منقطع اولدیغی کبی اصلندن منفصل اولوب چهره سنده دخی بهره  
شکل آدمیت بقیه سی نابود اولغله بین المغرب والعشا غسل ودفن ولاشه سی اجا بدن اخفا اولدیغی  
بعد زمان اقارب واتباعدن متأثر و محب طریقت اولتوردن شائع و عالم برزخده اسطرافی و ابن قاضی به  
ثالث ثلاثه اولشددر لکن چه سود زهراب تزویری مزاج دولتی علتیندر ریشه تزلزل ایدوب ربع  
دائرة ملک قبضه تصرفدن بیرون و بقایا دخی خراب مظالم عونۀ خونه و هرج و مرج و اغلب بقاع روم  
مواقع بوم واهانی ویکردان وجوده امر حومه اولغله بی راحت ورفاهیت و محروم امداد روحانیت  
اولشددر \* (ع) \* بوم رفت و شوم در ویرانه ماند \* و شخص عجیب الهیکلی و بلاء الدوله و لواء الفتنة و بلاء  
الامه اولدیغی اجماع کرده ارباب فطنت اولی النصفه اولوب اولمقوله لک ساحة اتما ی دو تندن یای  
نخوستی مرفوع و کندولرک مهبط سوء القضا سی اوله جق محمل نکتۀ مدفوع اولیری خیر دعائی  
لازمه ذمت همت امت اولدیغین تشید ایتیشلدر آمین یا مجیب الداعین \* (بیت) \* بی ادب تنها  
نه خود را داشت بد \* بلکه آتش در همه آفاق زد \* (آورده اند که) \* حضرت عبدالخلیم افندی آوان  
شمول فتن و انیده فقرای نوسلرک هدیانات سفهای متعصبه دن دلگیرانه رفع شکوه و نقل ترهات  
ایلد کلرنجه \* هر کسی شهید کدوی خود خورد \* مضه و نیله دفع مجلس و کفّت کوی مخالفینه عدم مبالات  
یوروب (وتری الجبال تحسمها جامده وهی تمر مر السحاب) آیه کریمه سیله عمله ترغیب و صورت  
سماع مورد منع اولدی ایسه سماع معنوی به دسترس منع ملوک محالدر سماعخانه سینه صافیه ده  
سماع قلبی ایله صفا باب اولق کر کدر دیوار شاد را هتدارک یورور لایدی وائشای فوران تنور قننه  
متعصبه مدوام ذکرخی حیه تمام بیان حی است رمز لطیفه مدت استدر اجلرینه اشارت یوریلوب  
فی الواقع مرور هجده ساله الویه تغلبلری منکوسه و کعبتین تغلبلری معکوسه (فأنا هم الله من  
حيث لم يحتسبوا) وعیدینه مجلی اولوب وان چند نالهم الغالبون وعدشرفی رایت افراز تحقیق  
اولشددر \* (بیت) \* هر چند نقش مایک واز دیگران شش است \* نومید نیستم ز بردن خدا یکبست  
\* (نکته) \* بعض بدکمان و کج فهمان \* هر کسی شهید کدوی خود خورد \* فقرۀ جامع سن یاوه کولکه  
حمله بین مخالفین ایقاد نائره حصومه شروع ایلدیکی معروض پیشگاه حقائق دستکاهلری اولدوده  
فی فی حاشا که از دهان پاک فقر احراف آلوده سر زید مراد آنست که این قوالب انسانیه مانند کدو  
و حواس ظاهره و باطنیه و افکار چون زنبور اند پس هر کسی بمقیاس تخمین خود منهورم و مدراک  
مشاعر خویش که مشبه شهید است شیرین و خوشبوداند و مقبوله دارد لکن این قضیه بمنزله ان نفس  
الامر راست آیدنه معیار هر کس یمانیله اطفا ی شعله شقاق یور مشلدر که بعض کدوهای قوالب  
انجق مذاق صاحبه شیرین غماشده پراولوب و بعضیسی دخی فی نفس الامر و عند من له الذوق  
السليم غسل مصفا ایله مالامال و هر کسه کند و کندوسی شهیدی خوش کلوب انکه تنعم ایدر لکن  
الاول باله و احس والوساوس والمسانی بالوحی الربانی و ابن اثری من الثریا والداع من الدعاء \* (بیت) \*  
چونکه اوحی الرب الی الخلی آمدست \* خانه وحیش پراز حلواشد است \* اوکه زنبور و حی حق  
عز وجل \* کرد عالم را از شمع و غسل \* انکه کرمناست و بالامیرود \* وحیش از زنبور  
کتر کی شود \* و دخی سینه منکری بدن خشونت آمیز فعل و قوله بنسم و سکو له تلطفلری مشارب



مبتدیانہ کران وعدم حجتہ محفل اولدیغی عکس انداز ضمیر الهام تنویر لری اولدقده مابنده حلیم  
 بخلاف خوی مولی حرکت تناسیم کرد جواب ارشاد مایله سداب خشونت وجدال بیور مشلدر  
 \* (بیت) \* طور آخر کل تجلی حید \* کار افتاد کان خدا ساز است \* حتی آثار شیخانه و اشعار عارفانه لری  
 مخلص حلیم ایله خوش طرا ایدوب انقاس نفیسه لرندن استنهام بوی نمود و غر و خشونت اولمشدر  
 \* (چنانکه میفرماید) \* از خامه حلیم حروف هجا مجو \* در نیشکر محال بود تلخی نوا \* لکن نظم  
 لطیف لری خیر الکلام ماقبل و دل ماصدقی اولغله شیراز داریدوب اولیوب جسته جسته مجموعات  
 فقراده ثبت کرده یراعه یاد اولمشدر \* (نقلسته که) \* اول سیم رخ قاف قرینک او آخر نوبات تریه  
 و ارشاد لریده دردمندان فقراد بر نو نیاز موقع بارقه جلال غوثانه لری اولوب اولبی سر و پای  
 سر با ایله تأدیب بیور دقلرنده بیچاره مر قوم نالان و کریان اگر چه نشان کلاه واستوا از سر و گردنم نزع  
 کردند و بنده خالک بای اولیارا از مسکن اخوان طرد فرمودند لکن صد هزار سپاس و منت بحضرت  
 مولانا قدس سره الاعلی که هنوز کجینه محبتش درد دل و پراغم برجای خود است و ابن سلسلارند نیرا  
 پایگاه مزار عاشقان مأوی بس است مضمون اثر مشکونیه عتبه علیای باب خوشانه ر و مال اقبال  
 و سمت قدم مزار عاشقانده هزار آه و اینله زانوزن ثبات و متوجه قبله العشق تریه معظمه اولدیغی  
 باعث جوش رافت و شفقت مردانه لری و صدارا کرتوبه شکستی باز آغوا ی پر جدد واسیمه عامل  
 اولوب دردمند مذ کوره کما کان تسکیر کلاه و الباس خرقة و انعام است و ایور یلوب المرء مع من احب  
 مقتضا سنجه آستانه ملائک آشیانه مولویه انتظام سلاک اخوان الصغایه مساعد اولوب \* برینا تا که  
 خراب اولیه معمور اولمز \* مصداقچه بر تو جمال مردانه لریله اول ویران بارقه جلال لرین تعمیر و احیا  
 بیور ملری پایگاه سعادت لرینه التجا الندیکی عاشقان جناب لری نیک شفاعت مبروره لری ایله قبول  
 خداوند کاری ظهور ایدوب تکرار نواز شلرینه مأمور اولدقلری حسبیه استیصال اولندیغین محرمان  
 اسراره کشف و اظهار بیور ملری ذات منشأ البرکات لری نیک مهبط انوار حمایت جدا مجد لری اولدیغین  
 تحقیق ایشدر \* (نظم) \* عاشقانرا هر نفس سوزید نیست \* برده ویران خراج و عشر نیست \*  
 عشق و ناموس ای برادر راست نیست \* بر در ناموس ای عاشق میث نیست \* خا کر امن خار کردم  
 یکسری \* ناز دل عاشقان بوی بری \* هر کجا شمع بلا فروختند \* صد هزاران جان عاشق سوختند \*  
 کر بریز خون من آن دوست زو \* پای کوپان جان بر افشا نم برو \* سوی تیغ عشق ای نیک زمان \*  
 صد هزاران جان بین دستک زنان \* عشق چون دعوی جفا دیدن کواد \* چون کوا همت نیست شد  
 دعوی تباه \* چون کواهی خواهد این قاضی مریخ \* بوسه ده بر مارتایانی تو کج \* (آورده اند که) \*  
 حضرت سالت راه اوبه و مالک ملک جذبه عبد الحلیم افندی قدس سره اللطیف آوان جوش طوفان  
 مکر و اسده سغنه حلم و سکنه ایله علی رؤس الامواج المسکدره کویا سیر عالم آب اضطراب ایدوب  
 و قال حکمت ما لریله حالدار سکون و سکوت و وقار اوقات گذارا اولوب \* (بیت) \* از ما اثر مجوی که  
 رندان با کاز \* عنقا صفت نمود فراموش کرده اند \* صائب خوش نشین که درین باغ بلبلان \*  
 زافسردگی سر و دفراموش کرده اند \* آغوا ی پر جدد و اسی موجنبه درون پرده جموده خواص  
 اصحاب قبوله عیش نهانی ایدوب افواج امواج قنرت کالنجاب المظلم و اللیل الداجی مرور و عبور  
 اوزره ایکن هرق نزاع جذبه زور آور رجعت وطن اولغله سال غسل ده کرد کدر عالم خاک کدن اغتسال  
 و حرم جوار با کانه اتعال بیور دقلری قیلنده حضار حلقه احتضار لری نیک خلجان فرسای خاطر  
 فاتر لری اولان خصوص کشایش مشکل سماع صفایه سر بر آور بالین تسلیم روان و سلسله خندان

کشف و بیان اولوب این خادم فقرا وان مقصود اخوان الصفا اثر بوستان ثانی خواهد رسید چنانکه از بوستان اول دفع خارها میسر شد و ازین نیز خارها بشادی مبدل میشود عنوانه چشم و کوشش دار صوب سعادت ترین تسلیم و تبشیر بیور و مداومت اسم پاک حیده تعینه بیوریلان تحدید و توقیت موجب بجه بوستان چلبی حضرت تبری جانشین اولمیرنه اعیان بیوریش اولوب کلا بخفی علی المتأمل فی سبک الکلام چون هر بری واحد کلا لاف اولان ایکی مشکل خاطر خراش منحل اولیجق عین الجمع اخوان و خیلان پختاب در ویدن خلاص اولد قلمری ائناده انردخی اضطراب حبس قفس تندن آزاد و خرامان خلوت سرای اجداد اولوب اشارت و بشارت علیه لری اوزره قره العیون دوستان حضرت چلبی بوستان جانشین لری اولوب زمان خلافت لرنده \* (قطعه) \* سال آزار و مه غصه و آزار آخر شد \* زدم این نفقه تو که نه خمار آخر شد \* شکر بحد که باجلال کله کوشه پیر \* فرصت ماومن و نوبت خار آخر شد \* مصداق بجه کار بنوبت روز کار خرب وانی به تعین غصه و کر و عاشقان حق تعصیم نفقه ایلدیکی طریقتی امیرده مرثیه لرنه تضمین بیور و و تبرکات مرثیات کثیره لرندن انتخاب و خاتمه منقبة نذیره لری قلندشدر \* (قطعه) \* عبدالحلیم افندی ایدوب مژده سماع \* کندی سماعخانه عدنه صفایه \* سال نغمه حالت برز و رجز به دن \* بخود حکادی مشهد شوق لقایله \* عامله المنان الرحیم بلطفه العجم و جامله الخنان الکرم بفضل العظیم آمین یا مجیب السائلین \* (در بیان خلافت حضرت بوستان ثانی بن عبدالحلیم افندی قدس سرهما و افیض علی عنادل ریاض جهیم برهما \* (روایت کرده اند که) \* اول مایه سرور سینه دوستان و نور دیده جان و دل محبان و پشت و پناه درد مندان خاندان اغنی به چلبی بوستان بن چلبی عبدالحلیم علمها و علی اسلافهما رحمة الرب الرحیم حضرت ولی جبلت و والا همت لری اثنای مشیخت بدر ساهی کهر لرنده تحمل دغدغه تسویه امور فقرا و اوقاف و تکفل مدافعه حکیمانده سفهای عنده بی انصاف بیور و والد ماجد لری سایه عبرت و مأمن حمیت و نشیم راحت همت فرزندان جند و وفی عهد نیر و مندر لرنده مربع نشین چار بالش آسایش و بی قید خرج و دخل و مأمن الغائله خوارج دغالین اولغله دمدم مظهر انظار حسنه و نوبت و بهره و رد عوات خیره لری اولوب اعیان و اخوالدن جم غفیر سال خرد گانه تعین سبجانی و تقدیم صدقانی ایله سبقت و که (۲۵) سالده ایکن سجاده نشین تربه کوسی رتبه خداوند کاری و سر بلند امثال روز کاری و کندم کون و آدم اللون و مستقر بیه ملامت و متحصن حصن سلامت و بی بالک لومه لائم و میدان مقابله ده مقدم قائم و بوستان ثانی و قره بوستان شهر تیره معروف اولوب \* (بیت) \* زر سرخست اوسیه تاب آمده \* از برای رشک این احق کده \* دید این هفت رنگ جسمها \* در نیابدن نقاب آن روبرا \* متعاسیله نظار چشم سر آشنای سر لری اوله میوب لیکن دست مکر پیوسته لرندن دخی رخنه بین اولیوب مأمور و معین اولد قلمری خدمات مبروره و مساعی مشکوره در وسفید فوز مرام و حارس پیرامن مقام اولمشلردر و پدر ساهی کهر لرنه وراثت نامه لری اولغله شیخراغ خزانه کمال خلقیلری اولان جوهر تابناک جذبه رحمانیه دخی نائل و کاه و سگاه عرق جلایه لری خیلان اولوب فعلا و قولاً ظاهره اولان آثار جلایه لری تهی اولمیوب بهر حال رخصت و اشارت و کنز کرامت اولدیغی شفاها و وجاها و ادعای مسبوق العیان عیون اعیان اخوان و خیلان اولمشدر تکم بعض اعیان تضمین منقبة نفیسه لری قلندی \* (بیت) \* دل ز فیض صحبت آینه دار آدمی \* طوطی اسرار سنج کاشن اهماشود \* قدر این لطف و صفای منظور هر بقدر نیست \* کش ز قبض رنگ انس تیره دل اهماشود \* موجب بجه لوح خاطر ذخیره لری ماند در یاسینه

حضرت بوستان ثانی

صاف خس و خارفنون رسمی و پرتقوش امواج وارد غیبی و سینه سینا سکنه لری آینه و آرساده و عکوس  
نسکات و الهامه آماده و لمغله دور اندیشان عقل فضولی محروم موافق اند ذات جسم البرکات لری  
اولد قلریدن ماعد اخرده **ک**بیر وضع و طور نادره لری و لمغله هدف تیریدمیر اولوب و مدت پرمینه  
خلافتلریدن پنج سینه مرورنده مشکل منع سمع دخی اغلال عقد و وجود قته فرسود وانی ایله منحل  
اولوب بوستان عارفان مولویه یسه کافی الاول پرتاب و طراوت و مالا مال عیش خوش و نشاط دلکش  
اولشدر لله الحمد و المنة و علی نبیه الصلاة و علی ولیه التحیه **(تظم)** \* علم اوازجان اوجوشدهام \*  
پیش اونه مستعار آمدنهوام \* ای بسا علم و ذکاوت و فطن \* کشته رهرو راچو غول راهزن \*  
خویشرا عریان کن از فضل فضول \* تا کندر حمت ترا هر دم نزول **(منقول است که)** \* اطراف  
دارالولایه قونیه حرسها الله تعالی عن البلیه **و** **ا**کناف بلاد بعبده دن برا کنده صدمه جلالی  
و پریشان تعدی باجوج لوندا و راغبین جوار رحمت مدار اولنلر همسایه کف الامان تربه معظمه  
خداوند کاری و لمغله سواد محله تربه شریفه خار دیده اغیار اولوب تحمیل تکالیف شاقه ایله تقریق  
مراد ایلوب ائمه مساجد دارالولایه ده خوش آب لقیه مشهور تر وزیر امام ناخلف و خلف و امام  
ناشناس قافله سالار شرمه شیریه اولوب باله دفعات معافیت محله مر قومه بی الغا قصد یله ساخته  
و پرداخته عرض و محضر لرایله دیوان معدلت ار **ک**کانه تشکی و بوستان افندی و اتباعندن  
تظم ایلد کارنده مرحومان و مغفورلهم مصاحب و داماد شهر یاری مصطفی پاشا و یوسف اغا نام  
دار السعاده اغاسی و خیر خواهان دولت علیه نک حسن تربیه و لطف تعبیه لری ایله عمل بیور یلوب  
معافیت قدیمه لری بنی تجدید و اساس راحت اهالی محله بی تشید و بوستان افندی حضرت لری دخی  
صنوف عواطف و الوف عوارف خسروانیه اکرام و لمغله اکثر کار و صغاره ایاس انتقام و حرمان  
نیل مرامله بالضروره انصاف پذیر اولوب سالک اعتدال جرائم گذشته اولد قلرنده و امام معهوده  
استئذان هجوم ترتیب سزا ایلد کارنده رخصت فرما اولیوب ماز کسی نرنجیم و کسر انرنجانیم و در میان  
امام و جماعت چه کرداریم و از ماتمام و شماید و امام عنوانیه یاخرا منجده ارشاد اولنجه حضرت  
عزیز ذوات مقام قلوب جماعت مؤلفه انشای حمیت اکریده و احداث عداوت شدید بیور و ب همان  
ساعت متهم ایچون بر متهم توجه دار القضا و احضار امام ضروره تعیین خدام محکمه و ارسال اتباع  
شکنه ایلد **ک**کارنده بقضاء الله و قدره امام بد فرجامی باغ عشرتده فارغ البال مآب شراب و شاهده  
مستانه اخذ و مجلس قضا و محفل دعوا یه احضار ایتد کارنده ایراد جرائم سابقه یه حاجت قلمیوب  
علی العموم مقتدای ناس ایکن مقتدی خناس اولوب بومقوله ارتکاب صاحبی عبرت عالم اولقی  
کر کدر دیوسعی بالفسادین دخی بیان ایدوب قتلنه امضا اولند قدده خوشایک شرابله اخذ و محکوم  
علیه بالقتل اولد یغنی معروض پیشگاه حضرت جللی و رأی صواب دید لری استفسار اولند قدده  
خوشاب شماست خواهید بخورید خواهید سر که کید لطیفه سین تخیر قتل و حبسه حمل ایتلر یله صلب  
اولنسنه قرار ویر یلوب سردارده عبرت دیار و پند یار و اغیار اولشدر و استئصال خصم جان و خاتمان  
و هلاک دشمن عرض و خاندان لری گوشه **ک**گذار لری اولد قدده دعای خیر له یاد بیور و ب حقننده عفو  
و مغفرت خواه در که غفار جواد اولملری پشت شکاف ها ضمه محبان و تابکد از تحمل معذران  
اولد یغنی مفهوم طبع فراست **م**میر لری اولد قدده محبین خاندانه (اوسر خود خجراه کار خودی کردوسر  
دار رسید و شما آسوده سرمانید پس شکر این نعمت دعای خیر آن نعمت جوست) و معتذرین سوابق  
بغیانیه (شما بال و پرا بودید اکر هواداری شما نبودی امام بیچاره بسر دار نیریدی پس هر **ک**س

عذر خویش تأمل باید کرد و انصاف دادن این کار در حق او رجای عفو و مغفرت غفار است نطق  
معیندار لرزیده تسکین تاب هر فریادی و من لم یشفق علی الموق فیلس من حمیدة الشفقة فی شیء لا سیما  
علی قتلی الحدود و السیاسة مضمون حقیقت مشکونیه رقت بخش قلوب واذ کروا موتا کم بالخیر  
حدیث شریفند دقت مر قومه به اشارت بیورلد یغین افاده بیورمشلدر و الحق الحق أن یتبع پس  
قصا دفساد راه کنه و حسد مرده اضاعت بضاعت عمر نازنین و فدای سر و جان شیرین ایدنجه مقتضای  
شیمه مر و متغای شکر عنایت انزلک روح و نفس لرینه شفقت و رجای عفو و مغفرت در دیوم غنیمت  
توفیق صلاح و مستعد علاقه ارباب فلاح اولنره تعلیم و ارشاد بیورملری اکثر اجانبک جانب جناب لرینه  
التجاء و انا بنه سبب و بقایای مخالفین سرمدینک یوما فیوما از دیاد خند لانه و اشتها رخسار لانه  
وسيله اولشدر \* (نظم) \* بنده را باید که باشد خوی شاه \* شفقت او پیش باشد از گاه \* بد کند دشمن  
تو نیش بد کنی \* پس چه باشد پیشی مردان راه \* (تقلستکه) \* حضرت چلبی مشار الیهک واسط  
مشخته لرنده قاضی محمیه قونیه لحومی علی نام کاپر واری هیکل بر شخص خود بین و بی فرق غث و سمین  
اولوب نزاع تکالیف سببیه مزاج سکان بلده بی منحرف سمت انصاف و مائل جانب اعتساف مشاهده  
ایتمکه امید جلب حطام ارتشا و اتحاد متعصبه آزار قرا ایدوب ادنی بهانه تقمیش اوقاف آستانه  
سعادت ایله سوار فیل نفس بد کردار اولوب ابره و ارا اتباع صاحب اضرا له تخرب حرم قلوب  
در ویشان و ناخت و سوخت ملک آسایش اهل عرفانه سردار علم کش مبادرت اولوب ابواب پر فتوح  
دائرة تر به معظمه دن باب خاموشان عنوانیه معلوم در کشایش اثرک خدا سنه کلوب تغافل کونه جامع  
شریف سلمی خار جنده و آشتی باشیلرینده و جلوه گاه در مندان مطبخ عامره خداوند کاری اولان  
باغچه تحصیله شروع ایدوب سر آستان وقت اولان جعفر دده ایله متولی وقفی مر افعه ایدوب هنوز  
وقف مر قومک اعمال لندن اولدیغی بیان اولمدرین بلکه فی الاصل عرصه باغچه مر بور و وزیر جامع شریف  
بجمله التوابع و اللواحق توابع دائرة تر به مقدسه مولویه دن اولدیغی مشهور و متواتر ایکن قول مجرد  
متولی ایله وقف ثانی به حکم غیر مقبول و تحصیل مقاطعه مثلی بهانه سبیل جعفر دده بی حضرت چلبی به  
ارسال ایلد کده چلبی مومی الیهک دخی قلم سماحتی جوشه کلوب محکوم به اولان گذشته مبلغی بالتمام  
اد او خدمه قاضی به دخی فوق المأمول عطا ایله ارجاع ایتمکه کیفیت حال مفهوم اهل جدال اولد قدده  
بعضا مر و توبعضا توهمه حمل ایدوب و جمیع ماملکی فدای تکمیل عرض بندکان اولیا بیورملرین  
دخی اذعانه درون دائرة به قدمهاده جسارت اولد قلرنده سر بازان در ویشانی صفکش میسدان  
مدافعه مشاهده ایدوب هر بری کسر عرض و تلف وجود دن هراسان و امر و زان قدر بس است  
الایام بیننا عذر غدر ما نیله دار الندوه لرینه رجعت ایدوب و اول ایام قنیه بدخواهانده ذات  
شریف لرله انیس صفة تسلی و جلیس حجره توقی اولان عالم تحریر که المالی خلیل افندی مر حومدر لرله  
یوم مر قومنده بین المغرب و العشا دهند کشای مکاشفه اولوب ای خلیل آوان سر اوضر امزده  
تسما که از جانب سر مقدس جدا مجدم عنایت نا کاهی خواهد رسید دم میمنت تو املر یله خطاب  
بیور دقلرنده مخا طبر لری دخی و ما علامه ذلك عبارتیه استفسار امارت ایدنجه اتی لا جدنی و جدانی  
ساخته ساره بلا سبب مع وجود امثال هذه الآلام و التعب فلا جرم انه طلیعة البشارة نطق شریف لرله  
تبیین حال بیور و بباران مجتمع متفرق خوابگاه اولد قبری شب غنیمت مملکت متصفنده طرف دولندان  
برقیوچی باشی منزل ایله وارد اولوب بر کبسه سر جمهری امانت شیخ الاسلامی اولمق اوزر و تسلیم خدمت  
حضرت چلبی ایدوب صوب مأموره عازم و تباشر شیخ اقبال دمیده اولد قدده مهر مر کبسه مر قومه

فسخ و در و ننده اولان تمسکات فتح و قرائت اولوب اولامراسله سیابت قضا و ثانیامکتوب اذن افنا و ثالثامکتوب تقابث شرفا و سائر طایبان طوائف عسکرک عزل و نصب کاندلری ظهور ایدوب لکن مواقع اسامی منصوبین بیاض اولوب بر موجب رأی رزین حضرت چلبی مستحقین مراتب اسامیسی املا اولتیق اوزره وارد اولان مکتوب شیخ الاسلامی مضمونه بناء نائب نصب اولوب لحوقی منحوس فراره قرار و یروب مروء و کرما کسنه کند و یه سدر اه اولمغه مساعدده اولتمیوب بدرقه خوی بد و همراه کار زشتیه معزولا و منکوباد دفع ثقلت ایدوب علی السحر بونعت غیر مترقبه شکرانه سی عین الجمع اخوان الصفا و خلان الوفا ایله متوجه زهتسرای مرام اولوب طائفة باغیه دخی کاهو المعتاد مساویکا هلیینه جمیع اولوب سر نقش غریب عزل و فرار قاضی ماضیدن تساؤل ایلد کزنده کسنه واقف تفصیل قضیه اولمغه جواب سیاب مقنع اوله میوب آخر الامر دوه جی علی افندی نام متعصبی تجسس اخبار ایتل ایچون جانب حضرت چلبی به ارسال ایدوب فقیه مرقوم باغ حضرت چلبی به واصل و برکت مجلس شریفلرینه نائل اولدقه نامنی مکتوب فتوایه قید و تنبیه افنا اولنوب رجعت قهقریه ایله طرف کر و مکر و هه بعث اولتمی مایه حیرت مضاعفه اولوب سادات کرامدن سمنان نام شریفی دخی تکرار ارسال ایلد کزنده اولدخی نقابله تشریف یوریلوب ثم و ثم رؤسای منافقین عزله تأدیب اولنوب و کلب معلم کبار مخالفین اولان متولی مبلغ مستردی کار صفة دیوانخانه مکر متلرینه وضع ایدوب سر داده پیمانچه استعفا اولدقه مبلغ مرقوم بین الرد و القبول ایکن ناکاه پی اندر پی خواهند کان ظهور ایدوب بالجمله انلره احسان یوریلوب از قبول ما دادن برای خدا اولی تراست مضمونه متولی دخی تطییب و عفو یوریشدر مکر اصحاب اغراض فاسده مجلس مشوره مفسده لرنده کرما کرم تدبیر تعجیز اصحاب حضرت مولانا قدس سره الاعلا ده ایکن مقر بان دولتدن بر مخلص بر حمت منزل شورا به نزل اولدوب کیفیت جمعیت معلومی اولدقه تسمیت امور لرینه تعهدله توریه ایدوب بالکلیه واقف ضمائر فتنه جوشلری اولوب واصل دارالدوله اولدقه صدر اعظم وقت اولان دستور سعید و صدر شهید ابن کمال ثانی کوپر بیلی زاده مصطفی پاشا حضرت تلمری استقصای احوال مملکت صد دنده استنطاق ایلد کده پیشین قضیه اهالی دارالولایه بی ایراد و مراد لری محض تحقیر و تزییف فقرای باب الهدر دیو افاده ایلد کده بوا مرک صلاحی رأی صوابید شیخ الاسلام و المسلمین ابوسعید زاده فیض الله افندی حضرت تلمرینه حواله یوریلوب انلر دخی صورت تأدیب عزلی مناسب عدا ایدوب قلوب مرقومه افراغ اولنش صورت حال بوموال اوزره اولد یغی مکاتیب احباب دولتدن مستفاد اولنجه حضرت چلبی سجده گان شکر \* (بیت) \* تو با خدای خود انداز کار و دل خوش دار \* که رحم اگر نکند مدعی خدا بکند \* نظم لطیفه نغمه سنج ابتهاج اولوب و عنده فسنده دخی من حیث لا یحتسب بو تأدیب غریبی کورم که تشفی و انتقامدن مأیوس و طائفة علیه ایله مأیوس و رب غیظه میمون تورت محبة مصداقچه خلا فلی و فاقه مبدل و فقط چار نفر نفرت از لیه ناچار له مانده چار میخ اصرار اولوب انلر دخی علی مهمل گرفتار مجازات مناسبه کردار و مابه الاعتبار یار و اغیار اولمشدر \* (بیت) \* اسم اعظم بکنند کار خودای دل خوش باش \* که تبلیس و حیل دیو مسلمان نشود \* عشق می ورزم و امید که این فن شریف \* چون هنرهای دکر موجب حرمان نشود \* و مرقوم خلیل افندی فی الاصل اعمال لواءه که دن المسالی نام قصیده ابنای قضا دن اولوب علوم و روایات و درایانده فرید عصر و وحید دهر و مشایخ دارالولایه دن شیخ احمد کوشچ نام مربی کمله مرید اولوب صاحب ترک نسب و اضافات و مالک مراعات مراتب

وجودیه و بعد وفات شیخه منسوب دائره حضرت بوستان ثانی اولوب صحبت و حمایت غوثانه لرنده  
منتظم الحال و معتنم البال اوقات گذار و حین ارتحالده ته دیوار در تر به مقدسه ده دفن ایله هرگاه  
منظور عین رأفت قفرا اولق رجا سی قرین قبول و حالا اول محل سامیده آسوده سایه دیوار تر به  
رحمت مدار اولشدر طیب الله ثراه و جعل مقعد صدقه مأواه آمین یا مجیب الداعین و صدر شهید  
و دستور سعید حضرت لری دخی هذا عذب فرات و ذلك ملح اجاج ماصدق برادری احمد پاشا معین مبین  
مقبولان محمدانی یعنی مرئی رواج بخش بازار وانی اولدیغی کبی کندولر مجمع البحار فضائل شتی  
و کتابخانه سیار بین الوری و محب اولیا و مرئی الفضلا بر وزیر آصف نظیره و علی الخصوص  
استیلای چاساریه ده کفره بد فرجام نیش قلعه سن تجا و زایدوب پنجا کران اعدای دین قلبه صحر اسنه  
دست رسای غارت اولوب عقلای دولتی بیم زوال و هراس انتقال متحیر و متفجر ایلدکنده مسند آرای  
وکالت کبری اولوب مختصرای دولتی پرزب معدلت و آرام ایلدیکندن ماعددا کفار خا کساری  
ورای نهر صا ویه دفع و بلغراد مانند نیجه سرحد اسلامی نه قبضه تسخیره آلوب حیات تازه دولته مدار  
اولش میکن و رادن محاربه سنده صهبا کش شهادت اولدقده کویا همای ظفر و تأیید انلرک سر پر  
سعادتیه سایه انداز ایش همان نخوست سابقه عودت ایدوب نام نسکی زن المجالس و سبب ظهور  
ملکمه فریجه اولان وانی متوفی و مر یسی اولان قره مصطفی پاشا نیک ثمره فضیحتی عالمی تلخکام  
و حدیث خبیثلری سر محافل الاحزان اولشدر و نام نائی فیض اللهک مسمای برابری اولان ابوسعید زاده  
کبرا عن کابرخاندان عظمای علمای پایتخت دولتن اولوب جامع مفاخر علم و عمل و اسلاف  
و اخلاف نهر سمره محب جانب جناب اولیای کرام ایسه معاقب معاقبی و داماد وانی اولان فیض الله  
مانند لفظ مفاز نه نامزد نادر برابرا اولوب اولدن آثار فیض الهی و ناسیدن فتن قبض نامتناهی پدیدار  
و آخر (ولای تحقیق المکر السی الی باهله) مظهری و غیر مسبوق بالمثل مستلای سوء القضا و مسافر دار  
الجزا والی یومنا هذ ابقیه فساد زمانلری دغدغه فرسای دماغ دولتان اولشدر خمدانم حمدا  
مبغض طریقت مردان خدا اولنلر مد مرو فروع خبیثه لرینک دخی کارلری اسیر صغار و صغارلری  
پامال لکد کوبر وز کار اولوب اصول کرام طرق علیه تحقوله مکرم کرامات جلیله اولشدر ایسه فروع  
لطیفه لری دخی محترم من عند الله و مؤید بغیرت الصمد العزیز اولشدر همچنین باد اید الی باد بالنسبی و آله  
الاحجاد \* (بیت) \* بسخن دعوی حقرا نتوان برد از پیش \* هر که سر در ره این کار کند منصور است \*  
(دیگر) \* کرچه دست اهل دوات هست در ظاهر بلند \* دست ارباب دعا بالاترین دست است  
\* (نقلستکه) \* وقعه و قیعه لخمیده عزاله تأدیب اولنان رؤسای طوائف عسکره سحر بر اولدقده  
بقایای خدله متعصبه ایله یکدل اولوب سلطان احمد ثانی به عرض حال مزور ایدوب بر ساده دل پادشاه  
اولغله بادئ رأیده اجلای حضرت جلایی مومی الهه فرمان اولنوب لکن واقفین احوال قضایای سابقه  
اولان مقربین حسن تدبیر یله اول سنه مبارکه ده حج شریفه توجیه مهار را حله همت یور یلغیه  
تحويل اولنوب و وزیرای رهگذار لرینه اکر ام و امیرا الحاج و امین صره و خدمه دولته احتراملری  
سپارش اولمش ایکن یننه طبع مردانه لری و غیرت شیرانه لری تحت الامر خلاف انها اولمدن  
ابا ایتمکه مابین امر که مبادرت امر حج نکسینم مضمونی امضا و بجهه الالوا حق و العلائق شام  
شریفه هجرتیه اقدام تصمیم یوردقلری اتساده مرحوم و مغفور له شیخ الاسلام سابق الذکر  
طرف باهر الشرف لریدن مستوب نوازش محبوب و رودی نوعا نسکین تاب حیت جلایه ایتسمیله  
باعث هجران اخوان و اوطان اولان هجرت داعیه سندن روگردان و طریقی حج شریفه روان اولق

نخستین سده سنی تریه بر رخت جدا مجدلی نه رومال ابتها و دیده سودر خحال رقت مال و تودیع  
شکس کداز اهل و عیال اثنا سنده فریاد و غریو منسوبان خاندان صدیقی کار کز قلوب عامه اولوب  
کافه پیر و جوان بوقوله کارنا هنجار سبب اولنلرک تدمیر و نکینه درددل و اشک دیده ایلده دست  
بردار بد دعا و کور و اثاث آمین خوان اولوب دائره حوالی آستانه سعادت شور قیامت خیز و سیلاب  
حسرت ریز اولغله حضرت مجیب الدعوات و مقبل العثرات سربعا و عاجلا آثار اصاب سهام رجا  
و نیازلرین جلوه کرساحه ظهور ایدوب مکرما و محترما مقرر کرامت لری نه رجعت بیورد قلرنده پادشاه  
مرقومک و فائله علاقه و مدخلد ارا هانت جانب اولیا اولنلرک شیرازه جمعیتلری بالجمله کسسته نار  
و پریشان صدمه آنکسار و زمین بوستان دولت نوغمالان دانه محبت ایلده تازه لنوب و چند ماهه سایه  
حمایه نری مفارق فقرای اها لیدن دور اولغله مصادرات و مظالم طوائف اهل عرفدن  
و استیلائی متغلبه اعیان غصابدن کار دباستخوان تحمل ایدوب هر برلری دیده دوز راه انتظار  
تشریفلری اولغله قدوملری قوالب دیار و اهالی به کویا حیات تازه بخش و سرمایه راحت و رفاهیت  
اولوب و لهجه داران انصاف بوقطعه غرا ایلده ترغیب تحذیر و شکران کویان علیک عین الله و صونه  
اولشردر \* (قطعه) \* انصاف بده ای فلک منافام \* تازین دوکدام خوبتر کرد خرام \* خورشید  
جهان تاب توار مطلع صبح \* یاماه جهان کز دمن از جانب شام \* (بیت) \* کوش ایلجیک مژده  
تشریفی ثاقب \* دیدی برینه کلدی نه روح روانم \* و همنکام عزیمت زیارت بیت الحرام لرده  
ذات قلزم صفات لرده سویدای قلب ثبات خاصیتلری مرکز دائره کداب هموم و غموم اولش سیکن ناگاه  
روی تابنا کلری مرآت بشاشت زائد الوصف و پیشانی کشاده لرندن نور انبساط تسلی فرمانان  
افزا اولدینغی سر غری عدم وسعت و قلمه سر بسته قلوب لکن امارت الخیر عد اولنوب فوق المأمول  
و فوق المسئول صحیح و سالم و غنا و اصل و وطن و مستند زب اغتنام نعم کونا کون اولوب حکایات  
سیر و سیاحت حرمین الشریفین و ایراد ظهورات و فیوض غیر مترقبه بیورملری خلال لنده کثیبا  
و خرنایده کریان و دل نالانه و داع کعبه العشاق تریه معظمه بیورد قلرنده بالذات سر مقدس  
خداوند کاری تمثیل بیور و ب سرتا بقدم برکت دست سودلریله دفع عوارض و اوجاع و بوستان من غم  
مخور که از ابدال رجال بههمات حظ و تر حال مردی بر ادخاطر خزینت و همچنان دیکری نظارت  
احوال اهل و عیال تعیین فرموده اند و اندرین میانه خوشد دل باش و خوش برو و خوش بیا نفس  
انفسلریله تنفیس کربت و تبشیر پر شفقت بیورملری باعث ابتهاج سابق ناگاهلی اولدینغی قبل  
الاستفسار شرح و بیان بیور و ب خصوص مرقومده اولان حیرت حضاری اضغاف مضاعفه  
و کندولر زیر قادمه حمایه سیمرغان قاف فر بنده سفر او حضرا مستفیض آسایش صوری و معنوی  
اولد قلرینه شکر و تحذیر بیور مشلردر و سائر فروع سفر حرمینلری رشته کش ترقیم اولسه حجم  
سفیقه نفیسه مجلدات عدیده اولق اقبضا ایتمکین طی طومار تفصیل اولندی اندک دلیل بسیار و مشت  
نمونه وار است \* (بیت) \* رهبر کعبه مقصود ثبات قدمست \* قطع این راه محالست که سبکسیر شود \*  
(دیگر) بشکر آنکه تراره درین چمن دادند \* مباش در پی تاراج بوستان زنهار \* (آورده اند که) \* بوقت  
سلطان سلیمان ثانیده اقبضا ایدن نفیر عامده حضرت جلی مشارالیه دخی بولنوب لکن دارالدوله  
ادر نه صحر اسنده اوردوی همایونه ملحق اولد قلرنده از دحام احباب و کثرت فقر و صلابت و جسارت  
سلاله خداوند کاری مشاهده حازمان دولت و محفل جمعیت ر و گردانان سلطنت اولغله مواجهه جد  
بزرگوار لرده اشتغال دعوات نصرت و ظفر پادشاهی اوز ره اولوب مطیب الخاطر موطن



و مقررأول فترینه ارجاع اسلم من كل الوجوه ملاحظه اولنوب استمراج رجعت ایدنلره جمله به لزوم  
 جهادی ناطق اولان فرمان مضمونیه مقابلیه وسؤال مسقط وجوب و تقصص سبب منع خیر اولند قده  
 کند و لدن دفع زحمت سفری و جلب دهای خیر لری در دیو توریة خطر جمعیت مو هو مه اولندیغی  
 استشمام اولنمغله آینه ضمیر الهام تویر لری مودار انکسار و طبع لطیف همیشه خرملری مکرر  
 اغیرار اولوب وجوه اکرام لری دخی چندان منظور التفات لری اولیوب همان روز غصت صوب  
 دارالولایه بیوریلوب وقتا وقت شوق جهاد خاطر کذار لری اولند قده و اهمه باطله و اسائت ظنونه  
 بناء عنو عت لری مدفوعت لینه کواهی اشتباه اولمغله (این قدر ناشناسان دوستان زود باشند که  
 بغداد دشمنان مبتلا شوند و بدفع اهل حق باطل را جلب کنند) نفس بارقه کردار لری به خصوص معهودده  
 مدخل ملری اولنملرک جمله سی خرمن وجود سوخته و تیر دشمن دوخته و آب روی دولت  
 پادشاهی خالک انهم را مر یخته و کفره نجه نکیش و ویدین واسکوب و کوستندل حوالیسنه قدم  
 نهاده ضبط اولوب پامال تاخت و سوخت ایتلرینه بادی اولمشدر و انشای اشتعال جلال مردانه لریده  
 برچاشتگاه حرمسرا لریدن مستغرق آلات حرب و اثواب سفر و ذوابه مولویه لرین زیر ذقندن  
 آلوب ارسال طلیسنا له طشره حقیقوب فیما بین البایین بعد التردد المعدود سل سیف ایدوب ککار  
 باغچه ده واقع بر درختی ضرب شدیده مقدمه ارجار انکشت زخم دار ایدوب بروای سلک سرمست و بین  
 نطق شریقلری ختم کار و تبدیل جامه سفری ایدوب مقام لرینه تشریقلری ضبط و تارخیج وضع  
 اولنوب ظهور اثره انتظار اوزره ایکن جانب دولتدن منزل وارد اولوب مدبرین مدبرینک حین ضرب  
 الرقاب لری وزمان رمز قطبانه لری اتحاد ایلدیک تفریر لریدن ظاهر و خفیة قتل و تدمیر لری فی الحقیقه  
 جانب جلال جناب لریدن اولوب سیف سیاست ملوک آلت و لایتلری اولدیغی باهر اولمشدر \* (بیت)  
 آنکه کستاخ آمدند اندر زمین \* استخوان و کاهار اتوبین \* (منقولستکه) \* طائفة طاغیه وائی  
 مانی قلمرو دولت عثمانیه ده مانند جراد منتشر اولوب مزارع قلوب ملله النقا اولنن بذر محبتک محصول  
 معامله سن افسادله زمانه مری ماصدق (یوم یقر المرء من أخیه) الایة ایدوب مجاملات و مواخات  
 دینی و طینی معادات و مخالفته مبدل اولمغله سرا سر ملک روم دار المساوی و العناد و بعد هلاک الوانی  
 بر مقدار آتش فتنه لری خامد و غار دهند لریده کاکمکیر اولان شعبان زبان زبانه فشانلری صامت و جامد  
 اولمشیکن شیخ محمد مصری رحمة الله علیه مامات الوانی بل سیظه را شد من الاول نطقی سر زده  
 پرده حوادث ویدری متلائی وانی اولدیغی کبی سلطان مصطفی دخی مسکور دامادی اولوب سلطان  
 محمد وقتنده و عقیب جلوسنده کونا کون مکر و فتنه سی ظاهره و وطن قدیمی اولان ارزن الروم طرفنه  
 تأیید ادفع اولمشیکن (من جرب الحزب حلت به الندامة) مقدمه سن اهمه الله ینه دولته دعوت و صدر  
 فتوایه تصدیق اولنمغله اساس قدیم اوزره طرف طرف بنیاد کارخانه تعصب و اضار ره شروع و شرط  
 الواقف کنص الشارعدن تعامی و سالک شارع غیر مشروع اولوب اوقاف مشروطه و بقاع موقوفه  
 فقرای طریقی اجانب سوخته واته توجیه ایدوب کویامعاش و مقام لری آخره توجه ایتکه بالضروره  
 سلوک طرق اولیادن تخلف و انحراف ایدر لر ملاحظه فاسده سبله اولاد کرام اولیا و فقرادر که لرین  
 مزیف و مکسور الخاطر و محروم العیش ایدوب و اولاد عظام خداوند کار نیل طرف دولت علیه دن  
 مدار توقیر امتیاز لری اولن اوزره من غیر طلب ایلدکاری اعتبار پایه قدس رفع اولنوب سائر لریله  
 تسویه اولنمغله قناعت ایتوب مدرسه سلطان ولدی و بقعه قره طایی طلبه اکراد و اترا کدن بی ذات  
 وزمان برر شخصه توجیه مصر عقیده فاسده اضار اولند قده حضرت چلبی صاحب همت دخی

نخن قوم لا نعتبر فی ذواتنا باعتبار المعبر وجود او عدم مضمون له عامل و متغافل و بلکه غاصب  
 نایاره لرینه تعیین راتبه و سکا و کسوه احسانیه تعزیر بالکرم ایلدکاری جواسیس اخبار الایخار  
 اولان اشراک سعایه شراره فشانیه کندویه عکس ایدوب تور و تأثری حسیه به تعمیق تدبیر تحریب  
 خاندان صدیقه ترتیب مقدمات محوئه سفسطه سیاقنده پادشاه مر قومه آستانه خداوند کارینک جمع  
 تقاریق ذی قیم و مخزن کتب نفیسه و محل اوقاف کثیره اولدینغین ایراد و حفظ ایراد و ضبط مصرف  
 و حراست کتبخانه و نظارت تقاریق بحیه سیاقنده تولیت آخره و جلیان و فقرایه سدر مق و طائف  
 ویرملک اوزره تعبیه آب زیرگاه و تحویل مشرب ساده ایلدیک آوانده مقدمه قنرت زوالی ظهور  
 و وقایع نویسان دولتلک تفصیل ایلدکاری اوزره کندو و اتباع و اشیماع و پادشاه خالی درونک  
 حالتی تباه و واقع لرین ارباب غفلته قصه انبیا ایتشدر و مواقع و مدارج دولت اول گروه  
 مکر و هک جیف وجود لریدن تنظیف و تخلیه و اصحاب استحقاقه تخلیه اولند قد نغم البدلان اولان  
 رجال مراتبک اول وضع قلمری انلرک رفع بدع جیف وجود لری اولغله نیه بایه اعتبار و مدرسه  
 و بقعه لری ابقا اولنوب رفع ایدنلر مرفوع و افنا اولنلشدر که زمان اشتعال قننه لرنده هر رخنه که  
 ظهور ایتسه دولت ماخذ اداست حاشا که از دست سید ادمشت خار و خس زوال بدیزد نفس  
 تسلی بخشلری بعینه جلوه کرمنصه بروز و روز بروز انلر تنزل درکات زوال و بونلر کما کان مرقی  
 درجات اولده در لرمنه و کرمنه و مدرسه لری آخره توجیه اولند یعنی مسموع لری اولد قد نظم و شعره سبق  
 مشعلری ناشنیده ایکن بالبداهه صدور ایدن کلمه بخودانه موافق قانون شعر و مناسب حال واقع  
 اولشدر که بیت شریفدر \* (بیت) \* ماصوفیان راهیم این صفه جای مانس \* ارمدرسه نباشد کج  
 فراغتیمس \* (نکته) \* مفتی ماجن محموتک استیلا و تغلب طوائف علمای پایتختک جانلرینه کار  
 ایدوب مشایخ طرقدن استمداد ایلد کلرنده کار نبوت است وانی نبوت ما وانی نبیصه شما افتاده است  
 صبر بایده که الصبر مفتاح الفرج عنوانیه نصیح و اشعار منشأ استلا اولمشدر زیر استدای ظهور  
 و انیده جمله محافظه مقام حسیه سکوت و امسالک نطق حق ایدوب و خدمت تأیید اولیاده قصور  
 و نصرت حزب اللهه قنور غما اولملر یله من اهان لی و لیا فقد بار زنی بالمحاربه مصداقجه میدان معرکه  
 اولیا و اعداده گاره کزین تماسا و نهی منکر اهاننت منکرده نهان لگان اولملر یله فرقه قمرانک  
 مبتلا اولد قلمری بلیه نک مثلیه مجازات بین اولمشدر در فی الحقیقه کار صدور علماد کل بلکه ادنی پایه  
 مدرسین ایله متشیخ و انیده مقاومه زهره اقتدار اولدیغندن ماعدام معتزلی المذهب اشخاص  
 عدیده دن غیر متقدمین و متأخریندن سلاطین اولیا و اساطین الهدانک رسوم حسنه و آیین  
 متبرکه لرینه کسینه دخل و طعن ایتمش ایکن علی رؤس المنابر مهاجرات و مساوی اخباره جسارت  
 ایدن دخال دجال رفتماره مساعده اهل مال اگرچه جواب الاحق السکوت ایله عاملینه ملائمدر ایکن  
 معین مقامات نهی منکره مناسب اولد یعنی بین بنفسه در و دخی دفع غائله مکر و غدر وانی ثانی  
 ایچون علی نهج الدار امر اجعت هر چند معروض پیشگاه علوجنا بلری اولدجه \* (بیت) \*  
 سرما فرو نباید بکن ابری کس \* که درون کوشه کیران زجهان فراغ دارد \* مضمونیه سداب  
 ندرک و تانکید عقد عهد تقویض و توکل ایدر لر ایدی و مکر بیوجه لرین برابر کرم اعتبار بیوروب  
 بین المدافعه و المراجعة ترقب عاقبت اخباری اختیار ایدوب بویاسات حقائق سماتک انتظار ظهور  
 آثار فی دستور العمل ایتشلر ایدی \* (نظم) \* ای دریده پوستین یوسفان \* کلک برخیز دازین  
 خواب کران \* کشته کرکان یلک اعدای تو \* می درانند از غضب اعضای تو \* زان نعب خوانده است

دنیار ا خدا \* کین جز العباد است پیش آن جزا \* این جزا تسکین جنّت و فتنه است \* آن جزا انحصار  
و این چون خسته است \* (فائده) \* زهی تعجبه دقیقه قدرت و حیدر ابوالعجب الغار دقیق حکمت مدرکه  
حمله زمانده اهل حق میدانگیر و مخائفین قید و بند خدا نده اسیر اوله کیشلر ایکن اگر دورئی  
وا کر نوبت ولی اولسون ینسه بقایای سیوف غیرته کلال طاری اولیوب کاؤل مره واسبق کره  
نا تقدم صف هجوم اولد قلری مقتضای ابرام قضا و موجب تمکین قدر ظاهر اولد یغی کبی مدعای  
کمال مقبولانی شاهدین ماهدین تناسب و تنافز ایه اثبات و کر وه مکر وهه کرها و طوعا ارائت آیات  
اعجاز و الزام اولد یغی دشمن و دعلیه ایسات آتیه در فار جمع البصیره هل تری فهامن قصور (نظم)  
کر خفاش بر از خورشیدی خور یست \* از دلیل آمد که آن خرشید نیست \* نفرت خفاش کان  
باشد دلیل \* که منم خورشید تابان حلیل \* کر کلابی را جعل راغب شود \* آن دلیل نا کلابی میکند \*  
کر شود قلبی خریدار محک \* در محکمی آن در آید نقص و شک \* باز بان معنوی کل با جعل \* این همی  
کوبد که ای کنده بغل \* کر کر زانی ز کلشن بی گمان \* هست آن نفرت کمال کلستان \* یکن نشان  
آدم آن بود از ازل \* که ملائک سر نهندش از محل \* یکن نشان دیگر آنکه آن بلیس \* نهندش سر که  
منم شاه و رئیس \* هم سجود آن ملک میزان اوست \* هم سجود آن عنو برهان اوست \* هم کواه  
اوست اقرار ملک \* هم کواه اوست کفران سکک \* (نقل است که) \* سپهر سفله پرور قلبی قوز  
لقبله مذکور بر کم کوهری بالا استدراج صدر و کالت کبرایه تصدیق ایدوب اول کعبیار ک مکر در و ننده  
حضرت جللی حقننده غل و غش سابق اولوب و اول آوانده مربی وائی مانی اولان مقتول قره مصطفی  
باشازاده وائی قره مان وائل دخی مهابت حضرت بوستان ایه غصب و نهندن ید تعدیسی کوتاه اولمغله  
طرف شر بقارینه عقد خفیه سی بولنوب بولنک عرض بی عرض و پر غرضی وائل فرمان مظلمه مفسده  
جنابله قبر بس جزیره سنه نفی اولنوب لکن یکر می بر کون مرورنده منکوس مر قوم اول مسند  
سعادتن منکوس و معزول و من جنس العمل جزای جزیره بند یله مجزی اولد قدّه نعم الخلف بئس  
السلف اولان باله جی محمد باشا تصدیق اولند قدّه اول وضع قلم نصف علم و فتوت رقی اطلاق حضرت  
جللی کار خطیرینه اولوب مطر و دمعه و دامه فقرای طریق بقتل مهبط صاعقه خزن و انکساری و حلاب  
دعوات مستجاب تنکبت افزای اولد یغی و مسعود صاحب الفتوح ک مستجاب آثار همیشه توجه  
قلوب ارباب حال و مستسعد میامن امدادات روحانیت رجال اولد یغی نمودار عیار ذاتلری اولوب  
غدار ک قلائی آبروی دولت مستعاری ریخته و همان جوز بوسیده قلوب و دین و دولته شایسته  
بر خدمت خیره استخدا مدن محروم و ذکریضی مجالین عالیه مشوم اولشدر و کرمکار ک رونق  
سعادتی روز بروز افزون و فتوح جلیله سی و ذکریضی احاطه دائره وصفدن بیرون اولشدر تنکم  
محلنده بسط اولنور (قل کل یعمل علی شاکته) و یجری عا عمل فی العاجله و آجلته انه هو الدیان  
الحکیم و میوه تلخ درخت شامت دخی ولایت دارالولایه ددن معزول و فرع خبیث وائی اولمغله سرحد وانه  
مدفوع و ذکریضی ددن بهره و اثر خیردن عقیق اولشدر و اعجب عجایب احوال دندر که اصلی معادوم  
المقامد اولان فرع خبیث مرتکب حمله کاتر و مظالم اولد یغی معاین عالیمان ایکن عباد الله تسلیط  
و محالک عنیده نلک و لای ایه تشریف اولند قد نصر که ینه امید نظام و تأیید اولتی عقلا و نقلا محال  
و رجاء الحسلا و من الخنظل اولد یغی ملخوط مدعیان خیر خواهی دین و دولت اولیه \* (بیت) \*  
قضا اول کند چشم خرد کور \* پس آنکه میکند بر عاقل زور \* و مدت اخبار مر قوملری  
رسیده چل روز اولمغله حله سفر گذشت بعد ازین مدت حضر است بیوروب امتداد حضور لر ینه

اشارت علیه لری کا اشار آشکارا ولوب مسافر دارا اقرار اولنجه بردخی سفره حرکتله زحمت  
کش اولمشلردر واثناى اجلالزنده فرصتیاب و عیلمیری جلال چلبی اون سکر کون سجاد نه نشین  
مشخت اولوب اتمام رسوم مشخت دکل بلکه خرج مطبخ آستانه دن اطهار عجزی و اتفاق فقرا ایله  
چلبی صدرالدین مقام والد ماجده اقامت اولنوب بعد الاطلاق نه تختگاه خلافت مولویه کند و لره  
مسلم و مخدوم آکرم با کشیده کمال ادب اولدقه حاشا که بوستان خیر صدر دین اشغال کند عنوان  
استغفا آمیز یله اختیار کوشه عزله رغبته نما اولد قلزنده حضرت صدرالدین دخی کف پای  
غربت پیمالزیه رویال ضراعت و دیده سودا بهال اولوب (بنده دیده بان و جار و بکش مقام بود  
نه صاحب چه در زمان جناب والد ماجد صاحب مقام دیگر نخواهد بود) حسن اعتذار یله والد و ولد  
بنلر زنده ناز و نیاز و قوعی مخدومئی سامی قدرک ولایت عهدله سرفراز اولمیرینه و مظهر کمال توجه  
خاطر فیض مآثر لری اوبغه باعث قوی اولمشدر \* (بیت) \* بوستان عاشقان سرسبز باد \* آفتاب  
عاشقان تانده باد \* دیوان کبیر حضرت پیر قدس سره دالمیردن بو بیت شریفله استشهاد یوروب  
بنده یل غنچه نشکفته ازین کستان وسیعی نارسیده ازین بوستان \* و یکنزرة ناچیز پیش این  
مهر درخشان است امید است که بنسیم همت و پر تو تربیت شکفته و رسیده باشد و بکرمیت جذبه  
از حضیض بشریت بذروه قربت ترقی کند ادای بخویشانه لریله تشمیر ساعد خدمت و تقریر مقام  
خلافت ایدوب منظور جان و دل پدر والا کهر و کافه ارباب نظر اولمشلردر \* (بیت) \* خالک شو  
تا تو نیامی دیده بیناشوی \* تو نیاجون خالک شد بر دیده بینا نشست \* (منعواست که) \* نو بهار فیض  
روحانیت خداوند کاری نظارت فرمای کلشن سماع باصفا اولقی تباشیر صبح بشارتی مطلع خرشید  
مکاشفه اولان وجدان لوا مع اقتران لرفدن بیدار اشارت اولوب تاریخ نغمه نثر بر روز فیروزه میدان  
جلتانه جمع عین الجمع فقرا یوروب مشق آرای حرکت دوریه آیین حالت ایکن اون سکر عدد تنوره  
نذار کنه تنبیه یوروب بعد التکیین والادمان و عقیب الترتیب والاطعام اجرای رسوم قدیمه سماع  
وصفا یه صادر اولان امر عالی وارد و عشاق مأمورین دخی حاضر اولوب عقد مجلس پیشین اولدقه  
اکدار ایام خالیه مانند اعمار متعصبه منقلبیه و تلافی مافات اوقاتله مغنم انواع ذوق و صفا و بشارت  
عبد الحلیمی و اشارت بوستان جلوه کرمیدان ظهور اولدقه مستعین متشکرین تنبیه قیوح بعد  
القروح مضموننده هر کس حسب البضاعه نظم تقریضات و عرض حضور فائض النور لری ایدوب  
متمتع انفاس نفیسه و متمتع انظار حسنه لری و یوفقییری مایه دخی شرفه فوادم معتادم اولان چند بیت  
دردمندانه بی مانند برک سبز درویشان اول بوستان عرفان پیشگاهنه کالکمون الی الکرم انرفع  
ایلد یکمده صله جواهر دعوات خیر یلری تعمیر خاطر کسیر و اکسیر حسن قبولاری سر بلند توفیر  
یور مغله ایسات مذکور هضمیه منقبیه جلیله لری قلنمشدر روح الله روحه و افاض علی الطالبین  
فتوحه آمین \* ازان فقیر بر قصور \* بهار بوستان دوستانست \* ز زور نشئه کل دلستانست \* کل  
و بلبل بیاری عهد بستند \* یکی نانی و دیگر دغ زانان است \* سماع باصفا ی مولوی \* صلا ی  
اکهان بوستان است \* درین فرصتی و میرا هم کن \* که وقت عشرت آخر زمان است \* بیاید  
دست افشان پای کویان \* هر انکودر از لزلین کستانست \* نداند زاغ قدر عیش خوشرا \*  
که این دولت نصیب بلبلانست \* چه جای روضه رضوان که ثاقب \* جهان امر و ز سر در شک  
جنانست \* و بتوفیق حضرت باری و یاری همت مردان این خاک پای و سرگردان هنوز از سیاحت  
بدار کرامت آمده بودم که فتح و قرائت امر عالی و کلبانک تنبیه کشیدن عین الجمع فقرا و دست بوس

اخوان الصفا وکلبانک میمنت قدوم یسلشام سح وطن مشام اتفاق افتاد و طریقتی امیردهده  
 نوازش بسیار فرمود و بین قدوم نسبت کرد و این کستاخ سرتاقد مر اهما ن روز و آن شبکه افتتاح  
 سماع باصفا بود دستور دخول حلقه چرخزان بخشیدند و در کدر آن شمع عالم افر وزیر و انکی تشریف  
 دادند و بحمد الله تعالی و شکر احسانه بذوق اسرار آن ادوار عرفان مدار متعم کستم و در خدمت  
 فقرا بر خوردار شدیم المنه الله تعالی و تقدس والهمة لاولیائه مادارت الافلاک و الاملاک و دامت  
 الاشواق و الادواق \* (ازان حضرت پیر قدس سره المنیر) \* انشر وایا قوم هذا فتح باب \* قد نجوتم من  
 شتات الاغتراب \* افرحوا قد جاء معیقات الرضا \* من حبیب عنده ام الكتاب \* قال لا تأسوا  
 علی ما فاتکم \* اذ بد اذ خروق للحجاب \* (وله قدس سره) \* حقا که سماع مایبازی نبود \*  
 سربست حقیقی که مجازی نبود \* آنها که سماع مایبازی شمرند \* مر دار بود که هیچ غازی نبود \*  
 ودخی بودند که نه رجعت سفر قبر ریسبه لریده مستقبلین اخوان سلک کننده منتظم اولوب صبح وشام  
 ملازم خدمات علیه لری ایکن وزیر روشن ضمیر صداقت سمیر چنانچه تنهیت نامه صدر تلرین ترقیم امر  
 بیور مغله اطاعه حسب الاستطاعه ایله تحریر وراثت اولند قدغه این اسلوب ارباب انشاست  
 وحاشیه اش بر غلط لهجه مایباید نوشت پس بنویس که این دغدغه را تو باعت بودی قضیه مرا مرا  
 یاد کن و بیاری توفیق باری عز اسمیه از جانب جنابت دفع شد و کر نه کار مشکل بودی برین عنایت  
 شکرانه واجبست امر لازم الاتباع لری اوزره تحشیه اولوب ارسال بیور لدی لکن بو حاشیه  
 مبنی علی الحکایه خواطر حضاری مولع استفسار ایلدیک می آت قلب شریقلریده نمایان اولمغله مشیر  
 مشار الیهک سابقا میر آخور شهر یاری اولوب مأمور بعض خدمت ایله دار اولایه قونییه دن عبوری  
 انشاستده مهمانخانه عامه اولان دار سعادت لرینه نزول ایدوب کما هو حققه میر بانی بین و صدق و خلوصه  
 عرقیه پوش مولویه اولوب وبالذفات فریاد رس دردمندان مضطربین اولان همت علیه لر یله اضطراری  
 دفع اولنوب و کرار او مرا بر کات انساب در کهلرین مشاهده ایتکه که مر و رندن بر فو شده اکر اما  
 زهنگاه مر آمده کند و به ضیافت اولنوب انجام اکر ام و هنگام وداعده دست پوس حضرت چلبی  
 ضمننده قلبی قوزا قبالی ایچون فاتحه رجاسیله الحاح ایتد کده اوچ دفعه دفعه مرفوع اولیوب  
 مغلوب حرص ممنوع اولمغله برای تطیب شما و آزار خویش رواداشتم مضمونیه کشف مال  
 و مساعدت حال بیور ملر یله اخطار و تذکیر در که انلرک شفاعت ناجبار لری بو خصوصه مقدمه اولشدر  
 دیورده برانداز روی کار غائله استفسار اولشدر و دخی مکتوب تنیه مصحوب لری ایله رجعت ایدن  
 بشیر اخلاقه لسانی بعض خصوص سپارش بیور و ب ظهور اثرندن امتداد انتظار اتباع بنده لرینه  
 دخی بادئ فکر اولوب بحسب مکث عدم مساعدت رجال دولتمسدر دیواندیشه نالک ایکن اندیشه  
 ممکن کار بگاهست لکن اسپان منزل بی تابست نطق شریقلری کمال شدت صوت لر یله نازیانه بارتید  
 و تیر آید دیو اولا قله رندا بیور دقلرندن مقصد اریک ساعت مر و رنده اثرند لری پدید بیور دقلری کبی  
 بار کیر لرک ضعیفی باعث بطو و مکث اولدیغین نقل ایلد کارنده حق الانصاف در و نلر ده خلجان فرسا  
 اولان بقیه تر دمه قلب شغف و تودا اولشدر \* (بیت) \* بی سبب بیند چو دیده شد کذار \* تو که در  
 حسی سبب را کوشدار \* انکه بیرون از طایع جان اوست \* منصب خرق سببها آن اوست \*  
 ودخی احباب صداقت مآبدن بر منعم مخلص عین الجمع قتر ایله مر امه دعوت ایلد کده روزا جاتی  
 بعد الغده تأخیر له جواب ویر مکنده داعی تسویه حمل ایدوب مغیر اولدیغی وساطت خواصه  
 اعلام و تأخیر خبر نیمه خاطر صکر میرنده بیان موجب نیاز اولنسلقدغه مر اد تأخیر تعلل

نست بلکه علتش سماویست که فردا سه نازل است یکی بفناء در وازه چشمه و دیگر بخانه شتو بخوان  
زاده و سیوم بر هکذا مرام تفصیلی ایله مشکل کشای داعی و راجی اولوب فی الحقیقه روز فردا  
عظیم برق و باران اولوب صواعق ثلاث محال تعیینلرینه نازل اولدیغی معاینه اولمشدر سبحان من  
انزل علم النوازل فی قلوب خواصه الاعالی قبل الانزال ومن علمهم بتدارک صفاء الاوقات والاحوال  
\*(نظم)\* کوشه کیران کامیاب از عالم بالا شوند \* فکرها در کوشه کیری آسمان پیماشوند  
\*(نقلستکه)\* زمان دولت سلجوقیه ده مرحوم و مغفوره سلطان علاء الدین جناب خیرات  
نصابتک اثر خلوص و ارادتی اولان قبه خضر ای تربه مقدسه خداوند کاری بقیه مفاسد اغرای  
قاضی زاده ایله وقعه تحریک صندوقه منوره لریده بر مقدار منشق اولوب و نوبت حضرت چلبی  
موی الهده واقع اولان زلزله عظیمه دن اکثر معجوره نك خرابی خوف اولنور ایکن اول قبه کسد  
اثر بقه دن ماعداده قطعا اثر ضرری ظاهر اولوب و ظاهر بدن باطنه سرایت ایتیموب کویا سرفقه  
غوث اعظمیدن کلاه سبزی دوشمش کبی اولدیغی بعد التفحص معروض حضور فائض النور لری  
اولدقه انهدام او بانهدام قبه زمردین برابر وجد امجد برای حمایه همسایگان کلاه قبه خویش  
فدا فرموده است بیور و بکنند و مال لر یله تجدید مراد ایدوب لکن آثار ملوکدن اولغله معروض  
عنه سلطان اولوب طلبکار اذن تعمیر اولدقلرنده مرحوم سلطان مصطفی انلره انتساب نسبه لری  
کافیدر بو خدمت تعمیر دخی بز لر کدر که سلطان العارفینه وسیله انتساب از اولسون دیو کلاول تعمیرینه  
تنیه بیورلش ایکن مسند آرای وکالت کبر لری اولان عی زاده حسین پاشا حضرت تلیری اوچ  
دفعه تا کیا بیوس تخت لری و از دل و جان اول خدمت پر حرمت کندویه احسان بیور یلقی رجا سنده  
اقتراح نما اولغله انلره فراغت اولنوب و اول وزیر آصف نظیر و فلاحون تدبیر فی الاصل پدر  
والا کهر لری کو پر یلی صدر اعظم محمد پاشا نك برادری حسن اغا ایله شیخ مولو بخانه باب جدید  
اولان قاری احمد ده حضرت تلیرنك بیعت کرده و عرقیه پوشلرندن اولغله واقف آداب طریقت اولوب  
بوستان افندی حضرت تلیرن دخی نیاز مند مساعده اولوب و کسد و لرک انحراف درون غیرت  
مشکو تلیرندن هراسان و طیب خاطر فیض مآثر لرندن جویان اولق اوزره نذر مولوی اولان اون سکزر  
عدد کیسه و اوچ کیسه دخی خرقة های فقر ای نیاز نامه لر ایله فرستاده صوب سعادت لری ایلد کده  
اگر ایشان خدمت مالی کند فقیر رانیز بحکم و جان در تکمیل آن خدمت آرزوی مشتاقانه است  
مضمونله اکتفا بیور و ب من الا قول الی الآخر میان خدمت کز ارانده خدمات مناسبه لر یله و فقرای  
عمله به احسان فراوانله اوقات کز اراولمشدر \* مکر اول قبه رفیع هه همان سرقه اندرون تربه  
سرقه دن کلاه آسار فعت افزا ایشینه اول سبز پوش سر سبز کلاه رفعت دستکاه اولدیغنه مستعد  
سایه عنایت به سی اولان دردمنددر ویش نا قب دخی تار یخ سنج اولوب محضا طفیل ذ کرجمیل لری  
اولق امید یله تضمین منقبه جلیله لری قلتمشدر مسئولدر که ارباب نظر قصور بدن اغماض عینله نمون  
نچینکاه کرم خیر دعایوره لر آمین بحرمه سید المرسلین \* (تاریخ تجدید قبه خضر ای حضرت مولانا  
قدس سره الاعلی از ان نا قب دهنه عقی عنه) \* ایدوب تجدید عهد کهنه بینه سر مولانا \* سر عشا قه  
اولدی سایه کستر کعبه معنا \* ویروب آسایش نودست حسرت کشت دیداره \* پراولدی تازه  
داغ رشکله نه کسد پنهنا \* کرامت کوسر و ب یعنی جناب قبه خضر \* کورندی شکل اولده تمثلدن  
ایدوب منا \* کورندی منکران حشر احساد اول تماشایی \* ایدوب اقرار دیر لر دی بلی الان آمتنا \*  
نه قبه بر سر آمد سرو سخن روضه رضوان \* کدر ویشانی ایش سایه سی سر سبز استغنا \* نه قبه

توده کحل جواهر دیده جان \* عجب می اولسه دائم نصب عین مردم دانا \* مدار مهجی سی زواری نه  
 عین عنا بدر \* ولی اهل سیما خنده قی مردم بینا \* حقیقتده اودر الحاله خضر جمع البحر \*  
 که اولمش تشنه جام جالی پیر وهم برنا \* فلک فوقنده جتر و اختر انک سیم زردوزی \* اودر طاق  
 ورواق تختگاه شاه کرمن \* زمینی چون مقام حضرت خنکارا کبردر \* بریدر هر زمان اولسه  
 مقیمی کیمی مستن \* اولجه مالک کجینه عرفان اولیک قبه \* نیچون اینتر کدای صد هزاری یکیک  
 اغنا \* اساس خانه همسایگان اولدقه پرلرزه \* فدای جمله اولقی اوزر هاتمش کندوی افنا \*  
 دکادر زلزله شور تجلیدر خراب ایدن \* درونی امن آباد و برونی قله سینا \* نه رفعتدر که خدمتکاری  
 اوله صاحب الدوله \* نه عزتدر کیم اوله همت والای شه بنا \* اوقدسی مشهدک تعمیرینی منت بیلورجانه \*  
 دو عالمه معمرلک نذر فسم ایلین جانا \* ایدردی جوهر جاندن انک هر خشتی معمار \* اولیدی جمله  
 جانانه محرم جان هر ادا \* کور ردی روز کارک اولده بلکهر وی آزارین \* مطاف سبز پوشان  
 اولسه اول غنچه رعنا \* شب و روز اولزایدی مهر و مه خالی زیارتدن \* معین اولسه ارباب حاله  
 نوبت احیانا \* اولوردی شیخ شهر اول سبز پوشک طوطی وصفی \* مشام طبعه کلسه هر دهنندن  
 نکمت معنا \* جدا اتمه خدا یاسایه سین فرق فقیرندن \* کرم ایتدکجه ارباب فنایه کنز لایقی \*  
 انکچون نقش لوح سینه سیدر آیه الکرسی \* که دینه نه قیاب لاجوردی انت اعلانا \* زهی صنعت  
 کالوب استادینه سر مایه رحمت \* کور نلردیرالی یوم القیام احسن احسانا \* کوروب اعیان  
 عبرت صورت اتمام بی مثلن \* دینجه من رای غیر التماسها لها منا \* دیدی تاریختی بادی نظرده  
 ثاقب حیران \* کورولک کلمده اولمش نه قیاب الطف منا \* (سنه ۱۱۱۰) \* ودخی دستوراکرم  
 صاحب الخیر بهانه قبه خضر ایلده دائر امدار آستانه سعادت خنکارا کبری تعمیر و قلوب منکسره  
 فقرای نوازش بیوروب الی یوم القیام نام نیک ودعای خیری منتظم خیرات کنند کن این درگاه  
 اولمشدر و سابقا والی قره مان اولدقه جوف لیا لیده نه یارت بیت الحرام عشاق ایدوب مظنه  
 خیر اولان فقر ایلده محبت بلکه هر برلرینه خدمت و حرمت ایدوب طالب یاری و همت اولدقه  
 حضرت جللی مشار الیه مشیر مکرّم مر قومه غم مخور باندک مدتی مشرف صدر عالی شوی و در میانه  
 دوست و دشمن سبب اصلاح و عاقبت خیر باشی نفس نفیس لریله بشیر بیور مشر ایش فی الواقع انحرام  
 جنک سنیه ده جمله وزرا صها کش شهادت اولوب بونلر محافظ بلغراد بولمغله تصدیق اولوب مژده لری  
 رسیده منزل تحقیق و مرض قدیم لایحسن الصلح الا بالصلح جلوه کر میدان بر وز اولوب حسین باشا  
 حضر تلیسک و ساطت صدارت بر بکاتیلہ صلح منعقد و عسا کر مستریم و اهالی دیار اسلام مأمون  
 الغائله استیلای کفار اتمام اولمشدر رحمة الله علیه و بشارت مر قومه ایلده مهتج اولملرینه و سبیل  
 قرغانی احمدده ده حضر تلیسه زیاده جه ثقلت ایدوب مال حاله متعلق نفس جوی اولمش اولدخی  
 مانی سر و پایم برو خبر از سر کبر دفعیله جللی حضر تلیسه حواله و انلردخی درویش مر قومی  
 تصدیق و تبشیر ایتمشدر که قضیه منوال محتررا و زره اولدیی کرار او مرارا پاشای مر قومدن علی  
 طریق الشکر و الثنا تلقی کرده محرمان اولمشدر \* (بیت) \* از مردم افتاده مدد جوی که این قوم  
 بالی پروبال پروبال دکرانند \* ودخی انشقاق قبه خضر اهر قنغی وزیرک انای مرور و عبورده  
 منظوری اولدیه جمله سی حین مساعدت فرصتده تجدیدنه تعهد ایش ایکن بودولت عظمایه  
 حسینیه اولدیی سائر باعث غبطه اولوب علی الخصوص پادشاه وقت و شاهزاده خاندانه میسر  
 اولدیی بین الاخوان تعجب آمیز کور اولدییغه خربدار بسیار و اختیار اندکست نکسته لریله

حسین صلح  
 ۱۲۸ ۱۲۸



جواب فرما اولوب دستور مرقوم ایچون وزارت بایخت تقریب اولنمزا یکن مدت سپرده هم صدر اعظم وهم واسطه صلح وامن وامان ومشهور عدل واحسان اولدیغین کواهی اشتباهه بختیاری ازلی عدایدوب وبومقوله حسنه و ذکریه دخی موفق اولمزلین امارت تمام بخت خداداد لری وعلاوه اقبال همت بنیاد لری اولوق اوزره تحقیق بیور مشلدر \* (بیت) \* صحبت خالنه نادان جهان اکسیر است \* توتیانی زی دیده بینا بردار \* دست خالی مرواز تربت روشن کهران \* مشت خاکی زی دیده دنیا بردار \* هر دیده نیست محرم آن چاک پیرهن \* تا بر رخ کاهین در کلزار واشود \* واول آصف بختیار نکوکار و محب خداوند کردن مرویدر که همیشه ایام صدارتده فرصت جوی تعمیر قبه خضر اولوب لکن هدم وتجدیدینه جسارت خود بخود ایده میوب اشارت اذن شر یقه منتظر ایکن طریق تزلزل ایله انهدامی معروض عتبه شهر یاری اولنجه نیل مرام جان مشتاقه مولع وانتهاز فرصت آرزوی چند ساله تسمیر ساهدر جاوچه ساسی سده نیاز ومبشر مساعده سلطانی وموفق تقیم مقصد جانی اولدقه حاصل اولان ایتهاج وفرط سروری مدت العمر مشاهده ایده میوب بلکه جمله ازمان مہر بتند اولان تفاریق جبور مجتمع اولسه عشر عاشری اوله میوب خلاصه حوصله شکاف هاضمه دل در باوسعت لری اولدیغین ایراد و شرفیاب استخدام آستانه سعادت اولدیغین نهایت المرام عدایتکه مستحلب عنایات روحانیه سادات مولویه اولشدر نور الله تعالی مرقدہ وعلی سنادس الغفران ارقده آمین یا مجیب الداعین \* (بیت) \* سالها کردن کشیدم چون هدف در انتظار \* تا مرا تیری ازان ابرو کان آمد بدست \* ومن عجائب الحکم تقلیب قلب الابون فی التسمیه نحو اسم بصیر وسمایال الاولاد گانه المراد بقوله الاسماء تنزل من السماء حيث تقفوا الاءاء الکرام فی التسمیه حتی فی الثوبین سمو ابابوستان فی الاول صار سمه لتضیر الطریقه المولویه و تطہیرها عما لایناسبها و فی الثانیه لتطریب متفرجها و تعمیر متدرسها و تدمیر متعنتها فاذا کان العلم كذلك فی کون الاعضاء والجوارح والاوزاع والاطوار علامه للاحوال الآتیة لایرتاب بال طریق الاولی فلا شک فیہ للتفرسین الاختیار فطوبی لمن له حسن الاعتبار ودخی احزان قدیمه فتنه وانی بالسکامه مندفعه واخوان الصفا کما کان ذوق وصفارنده اولوب برکات وجود فائض الجود حضرت بوستان ثانی ایله دخیریاض مولویه طراوت پذیر و نوبت خزان بهره خزان اولشدر \* (نظم) \* پس ہر دوری ولی قائمست \* آزمایش تاقیامت باقیست \* پس امام حی وقائم آن ولیست \* خواه از نسل عمر خواه از علیست \* مهدی و هادی ویست ای راه جو \* ہم نہان وهم نشسته پیش رو \* پس بومقوله ولی برجعتہ جان جهان و روح زمان و سرا کو ان تسمیه اولنور سائر اعضاء و جوارح وجوانح وآلات در لر فلیتسمه ولینعرض لتفحات فیضه \* (نقل استکہ) \* بین المتبتولین مضاف ثانی وموصوف اول اوله حق شخص بی تشخیصک زمان تسلط وآوان تغلب سده فرصت یاب تحریک عرق فساد اولان حساد حضرت جللی مومی الیه قبر پس طرفه مدفوع اولدقه ہربری مسند تعین کندویہ تخصیص اولنحق تمییسندہ ایکن باجمعهم قلعه بند اولنوب هتک عرض وانواع اذیتله اموال وافره لری مصادره ومدت مدیدہ حبس مجازات اولند قلرندہ جمله اول پشت و پناه خیار و سرکوب وجان فشار شرار کقدر سبایہ حمایہ سنی اذعان ایدوب سر یعانواعاجلا مقرر سعادت لری عودت بیور دقدہ یکسر خاکبای اکسیر پایلر بنہر و مال وقبول عذر لری بایندہ پیمانخاستہ معایہ جہہ ساس اولدقلرندہ مشو بخوان زادمدن ماعداسنک عذری قرین قبول وانک حقندہ آن پیر و پدرش خواہد شد عنوانہ حسین افندی وحسن پاشا وقعہ سندہ سبقت ایدن ماجرایہ ایما بیوروب فی الواقع مشو بخوان زاده لیکدہ اولان

انتساب خاندان مولوی بی ادراک ایوب و افتاده بر رخ افلاس ایکن دستگیر لکری نعمته کفران  
 ایوب اجانبندن زیاده مصر طغیان و مضرت منسوب بات خاندان اولمغله بنه ادبار اولی رجعت و کوکب  
 منخوسی هبوط ایوب ظهور اصحاب استرداد له مجلس معقود شرع مطهر ده حالی مآلی کبی ذکر کون  
 و محفل خربوری تلویث ایوب جسد ملوثی طپیده صرع و غشیان اولوب اول طریق غیر مسلوک  
 السعد الیه کندونی محکمه دن عربیه تحمیل و اطفال واراذلک شماتت وهای وهویله خانه نکبتی  
 قیوسنه ایصال ایلد کزنده روحی بدندن انفصال ایوب مائل غربت طرف افراط جاده اعتدال  
 اولمشدر همیشه بدخواهان و کج ننگهان در جانب شمال راه انبیا همچنان باد بالانبیاء و آلهم  
 الامجاد \* (یت) \* کرکیری بند از حال سلف \* از تو کبر غیر بنده ای ناخلف \* کما قیل من لم تعظ  
 بالاسلاف \* یکون موعظه للاخلاف \* (آورده اند که) \* جناب غیر عتاب و حمایت نصاب اغنی به  
 سلافة السلافة الزکیة الصدیقه و نقاوة السلسلة الیهیة الجلالیه جللی بوستان بوستان بوستان مدت  
 خلافت اریکه خداوند کزیده سیف دوروی عریان اولوب قطعاً کویوه ر و خلاف اولنلردن برینه  
 شفقت اولم یوب هر کس علی حاله مهبط صواعق سوء عمال اولوب بالکلیه دائره طریقه علیه دوران  
 قدیمی اوز ره مدارت ککمل نفوس قابله و جمعیت خانه میا من اتمالی بر علما و عرفا و بلغا و بلغا  
 مایع مالک خزانه اذواق صوریه و معنویه اولوب لکل ریسع خریف مصداقچه بوستان وجود شر بفلری  
 کمال پذیرا و لدیغی کبی مهذب باد سر دخران و خراسان ریاض جنسان اولد قنری روزشکیاسوزدن  
 برکون مقدم کافی العافیة جامه خواب علتدن صفة صفتیه لباس مخصوص مشیتلریله تشریف  
 و جمع اخوان و خلان و هر کس ایلد استحلل و وداع بیور و ب المنة لله و تقدس بقیه نیازم ربه  
 شهادت بود آن نیز بحرمة سر مقدس جدا مجدم واداشند و عزیز زاده آمدیر اید عوت فقیر فرستادند  
 و اوراد خارجیه بنده خانه منزل کردم بروید بروایح طیبیه و تلاوت و ذکر میزبانی کیند دیوار از مرتبه  
 شهادت بیور دقلین تشکر و تحذیت و در حال محل احتضار ه توجه و سفر دارا اقراره مبارک  
 بیور مشلردر و اشتداد علتتری ترقی اوز ره اولدیغی مشاهد سیمیه مستفسر بن جانشینه سلفی خلفی  
 و صدر الدین لایقدم علیه نکسته لریله جواب شافی لری رسل آور سخنوران کامل العافیة اولمشدر  
 و تاریخ انتقال روضه رضوان لری خاتمه منقبة جللیله لری قلمشدر \* (ازان بنده ناقد) \* شیخ بوستان  
 ایل یوب عزم لقا \* اولمش اجداد عظامی بیروی \* روح پاک ترک فانی بنم ایوب \* اولدی  
 قندیل بقاده منزوی \* ایلدی اخوان و خلان دین \* لاله و ش داغ فراق مکتوی \* اولوق اوزره  
 تازه جان سالکان \* سرین ایستدی جانشین معنوی \* یعنی صدر الدین افندی حضرتی \* تحت  
 ارشاد اوزره اولدی مستوی \* ایلسون باز وی تحت و دولتین \* همت والای مولا ناقوی \*  
 عند لیب فی کور و ب اول حالتی \* نغمه سنج اولدی یوتار یخ نوی \* کیم همان اولد قد بر سر وی  
 روان \* تازه لندی بوستان مولوی \* دائم اولسون تشنگان راه حق \* سلسیلندن اوباغل  
 مروتی \* روشن ایستون دیده بلبلارین \* عیش خوشله شمس دینک پرتوی \* کور مسون روی  
 خزان ماتی \* بردخی ناقد بحق منوی \* (در بیان خلافت حضرت جللی صدر الدین بن بوستان  
 افندی) \* انار الله برهانه و ادام علی الفقراء احسانه آمین \* (روایت کنند که) \* هنگام فوت پدر  
 هاشمی که لریده داماد سلطان محمد و صدر اعظم خان احمدی اولان حسن پاشا ولایت مصر قاهره دن  
 محافظه ایالت انطولی به نقل اناس سنده دارالولایة قونیة صیفت عن العاهات و البلیه حمر اسنه  
 چند روز ضرب خیام قیام ایوب زیارت بیت الحرام عارفانه مستسعد اولد قد قصبیه اختلاف

یعنی مصر اعثانی هزار و هجده است  
 از ویلک سر و کمر و ان باشد الب  
 و مائه و سبع عشر مائده سنه ۱۱۱۷

حضرت جللی صدر الدین



بقراری متدار کرم بشمار اولوب صدر سعادت و مولده نهضت غزوه عسا کرج ادر چهارم کر  
 بند اتمام اولوب حتی داود پاشا منزلدن جانب دشمنه نقل اوردوی شاهی و تسییر جند الهی تصمیم  
 یورلدیغی روز فیر و زک چاشتگاهنده مکاتب موعود رسیده دست تدبیر پیوستلری اولوب فتح  
 و قرائت اولند قدیم حرکتدن چل روز تمامنده اتمام مهام و حصول کام پادشاه اسلام و نصرت  
 و ظفر صلح انجامله موقعا بمشرا ولد یغین بعد التحقیق تخیص عبسه شهر یاری ایدوب سمت مقصوده  
 تحریک رکاب کاتب انجم حساب اولند قدیم حضرت و اهاب الامال یوم توقیتده عسکر اسلامی کفار  
 موسقوا و زره منصور و مظفر چار و ناچار چار دوزخ قرار ی فتاده کرداب احصار ایدوب متوالیه  
 سنین کثیره اسفار فرصت مدار له تسخیری مستبعد اولان ازاق قلعه سن مضافات سائر سهیله  
 قبضه تصرف شاهی به تسلیم و مراد هما یون اوزره عقد صلح د نصکره تخلیه سبیل اولنوب بعنایه  
 الملك العلام و بهمة اولیائه التکررام ظلمة نحو ست دیرینه قننه وانی مرفوع و دشمن مسلط مدفوع  
 و نور نصرت و ضیای ظفر دل و دیده مسلمین و غزات موحدین روشن ایدوب غیر قابل التعبير احسان  
 بی نظیر و مظهر اولمشدر مشیر مشتری تدبیر دن ثقات صحیح التقریر نقل و ثقی اوزره کرجانب جناب  
 جلای صدر الدیندن منوال مشروح اوزره مرده ایله سموم غموم زده تردد اولان قلعه قوت کلمه  
 ملاحظه نایب اداری عسکرانهم معتاد و اندیشه شدت هجوم کفار ریک روان تعداد له تصمیم غیبت  
 و فرار باندۀ الفرار عمالایطاق اهون من الهلاک فی المشاق مضمونیه عمل مصمم اولدیغی رسیده  
 رتبه تعجیدر \* (بیت) \* بی عنایات حق و خاصان حق \* کرمک باشد سیاه شش ورق (نقلستکه)  
 خاندان دولت صداقت ارکاده قانون قدیم اسلاف سلاطین اولان تسکیر عرقیه جلوس امداد ایله عرق  
 ذکوت شعار شاهزادگان اضطراب صرع و بیچتاب سوء العین و عارضه سحریات مدفوعه ایکن  
 نوبت احمدخان نالده غائله خروج اراذل و قننه هجوم اجل افله فراموش و اهمال اولنغله اول حرز  
 مبینک قوت خاصیت عظیمة وجودی معرفه قدر النعم بعدز و الهاتورت نقم الحسرة و الندم خوار سنجه  
 روی عدمدن پدیدار و غار فؤاد شهر یاری اولان نو باوکان پتر مرده عوارض مذکور اولنغله  
 چاره جو یان حواشی مختلف جاده رشاد اولوب زیب فریق فقرا اولان عرقیه تمدن تسویلات  
 نودولتانه مناسب تارک شهر اذکان کورلیوب حریر عرقیه لرتکبیری رجاسیله ارسال اولنسان  
 قاصده پیشقدمان طریقت علیه خد اوند کاریدن عرقیه شمشینه دن غیری به تسکیر مرئی و مسموع  
 دکادر دیو جواب واقع ویرلمکله بالذات دعا و دست سود سر باد و تلری استصواب اولنوب دعوت  
 حضرت جلای مشار الیه قرار ویرلمکین دعوت نامه نائی شاهی به اطاعت سیاقنده راهی اولوب  
 اقشهر جوارنده مزاج لطیف نلرینه انحراف اعتدال مستولی و بالضروره مقرر عالیلرینه راجع  
 و مکتوب اعتذار محکومله متدارک اولوب یوما فیوما قوت ضعف و قوتله اسیر فراش و نو بهار  
 عمر نازینده باغ حیاتلری خزانده فوات اولوب مسند نشینان خلافت اسلاف کرام مذکورینله سایه  
 قبه خضر ای تر به جد امجد لنده آسوده جوار رحمت اولدقلری کویا اجابت دعوت مرقومه به مساعدت  
 روحانیت حضرت پیر قدس سره المنیر اولدیغنه امارت و تحفیر سکه شاهان حقیقت سبب حرمان  
 فوائد حمایت اولدیغنه اشارت اولمشدر لله در الامام الهام الشافی فیما نظمه و رننی الله عنه  
 لئن کان ثوبی فوق قیمته الفلس \* فلی قیمه نفس دون قیمتها الانس  
 فثوبک شمس تحت انواره المدحی \* و ثوبی لیل تحت ظلمته الشمس  
 \* (منقولستکه) \* بدار الولا به دو صدر آمده است \* یکی بدر و دیگر هلالی رفت \* مصداق فیم حضرت

مخدوم مرحوم وولی مادر زاد معصومک نوبت خلافتی مذکر عهد صدر اول اولوب بلکه ثانی اوله  
 غلبه ایتک متوقع ایکن موقع چشم زخم روز کار غدار و یارانی بیوفا و اغیاری پر جفا اولان بزم  
 فانیدن دلسرد اولوب \* (نظم) \* ای دل انجار و که باتور و شند \* و زیلاها مر ترا چون جوشند \*  
 در میان جان ترا جامیکند \* تا ترابر باده چون جامی کند \* در میان جان ایشان خانه کبر \* در فلک  
 خانه کن ای بدر منیر \* پیش خویشان باش چون آواره \* برمه کامل زن ارمه پاره \* موجب  
 کشد جاذبه کسل متقدمین کرامله علاقه قلوب ضعیفه متأخرین مقاومت ایده میوب روح پاک و سر  
 تابنا کارینه غلبه حالت انجذاب باعث همت مسارعت ارتحال اولغله حبانة از دو جلزنده اولان  
 بانوی شبستان حسن زائد الوصفله دخی رغبت انس سور میوب بعد وفاته علی بکارت باوالمشدر حتی  
 تکثیر نسل زکی بهانه سیه ترغیب معامله زوجیت اید نلره ار و اح عالیه مطلقه راسبب انزال عالم  
 سفلی و واسطه تقیید بخار منج عناصر بودن مناسب انصاف نیست ما آمدم چه کردیم تا اخلاف زمان  
 اختلاف چه خواهند کرد مضمون ثبوت مقرونی و حدیث شریف خفیف الخاذله جواب و یروب  
 و هنکام اختصار بنده اخوان و خیلان تودیع استخلال انسا سنده طوّل الله تعالی حیاتکم و زاد  
 فی عمرکم عنوانیه داعین و مؤمنینه کسیکه در میان بزم بکار خیار و سفار شرار باشد بکدام جمعی التحاق  
 اولی بود بدیهیست پس غریب بوطن میر و مهربی هدر هی من ~~کرامت~~ مقابلت نفس الامر به سیه  
 معامله الزام آمیز و اطرافه توجیه سامعه اختیار و اداره نظر رحلت اثر بیورد قدّه کسینه دن زهره  
 رفاقت نمایان اولمغله و هو الرقیق الاعلی و الشفیق الاسنی و یاهو و یامن هو و یامن لا اله الا هو حسن  
 ختم سیه طی طومار زند کئی صوری و غواص بحر الحیات سری اولمری و اولمقوله ضعیق و قدّه  
 بوموال اوز ره وسعت مشرب اطهار ایتلری جمله بی مهوت و مستغرق حیرت ایلدیکی کبی کمال  
 ذات ولایت طمیتلرینه کواه بی اشتباه اولمشدر صدره الرحمن الرحیم فی غرف جنة النعیم فاین الفضل  
 الموهوب من المكسوب والله ذو الفضل العظیم و خواطر حضارده اولان عقده امر خلافتی ومن  
 یشغل حیر الصدر غیر العارف نفس نفیس لریله حل بیورملری عم زاده لری سید محمد عارف حضر تلرینک  
 متکازیب مشیخت تریه فردوس رتبه اولمسند ده دفع چون و چرا ایلوب دواتر جلیان ذوی الاحترای  
 خس و خارتلوی و تردد دن تظہیر بیورمشدر و انهای ماتمجان عالمسوزنده سوختکان آتش فراقک  
 مرثیات شراره حسرت فشانلریدن اثر خامه سینه چالک خالدر که لاری تندیب منقبه نفیسه و توسل  
 شفاعت حسنه لری اولق اوز ره اید اولمشدر \* (از ان ناقب مسکین) \* باغ دنیا ک سرانجامین  
 ایدوب درک ایلدی \* بوستان خلده صدر الدین افندی خرام \* سایه سی سرمای آسایش خلان ایدی \*  
 صدر ریغ اولدی هنوز اخوانه خود راحت حرام \* اللهم متع العشاق ببر سره و روح روحه  
 و افض علی المشتاقین بحال فتوحه آمین یامن لا یخیب السائلین \* (در بیان محامد صاحب نوبه  
 الولایه و ذکر مالک امانه الخلافة اعنی به صفوت الانسال المولویه و قدوة سلاله الطریقه الاولویه  
 سید محمد عارف بن چلبی عبد الرحمن بن عبد الحلیم افندی) \* ادام الله طلال رأفته علی مفارق  
 الفقراء و سلمه السلام عن اکدار الملوّان و مکائد الاعداء آمین بحرمه شفیع المذنبین \* (نقلستکه) \*  
 پیشوای ارباب طریقت و جد بزرگوار حقیقت جامع اشتیقات معارف و جمیع اصناف عوارف بالفعل  
 سجاد نشین مشیخت آستان حضرت پیر قدس سره المنیر اولان سید محمد عارف چلبی عظم الله تعالی  
 ذکره و کثر برّه جناب نجابت مآبی حضرت صدر الدین چلبی ایلّه خواجه تاشان و سیر و ساول آداب  
 درس و نفعده هم معنان اولوب الشی لا یتنی الا وقد یتلّت مصداق کج عارف ثالث و حامل اسرار عارفین

حضرت سید محمد عارف چلبی

سابقین و ذات شر بفقری مکمل نصاب جمع و مردم دیده عین الجمع و مرشد را مبارک میان فرق  
 و جمع اولدین کبی قطب دائرة جمعیت خواطر اخوان و خیلان و غوث دردمندان و مستندان اولوب  
 عارف برمانه و مقبل علی شان اولد قلمی کبی یاس لسان اوزره مستمر و تواضع و مسکنته مستقر  
 و قور و مهاب و مکرم و وهاب اولوب قطعاً پیش و کم احوال ناسه ملتفت اولوب حل و عقد اسلافه  
 معناد اولان حواشی و اتباع رجای اتباع اثر گذشتگان ایلد کار بنجه تخصیص الوقت بامر النفس  
 اولی من تعجیله الی شغل الغیر کله بجایه نریله دفع یور و بزمان همانست و اینا دیکر نطق شر بفقریله  
 دخی و وجه وضع توجه لینه اشارت یور و با اکثر اوقات لطیفه لری صفوت و وحدت ایله گذران  
 ایتشدر \* (بیت) \* کلید کنج سعادت زبان خاموش است \* صدف بجز دخیوشی کهرز بیسان یافت \* لب  
 خوش سخنهای دلنشین دارد \* ضمیر نامه مامیتوان ز عنوان یافت \* (دیگر) با حاشان بود در و دیوار هم  
 سخن \* چون بزبان شوی همه جاهل بنان پراست \* (دیگر) خانه در بسته فانوس حضور خاطر است \*  
 مهر زن بر لب اگر خاطر بجایا بدت \* (نقل است که) \* حضرت چلبی مشارالیه کمال تواضع و حلمه موصوف  
 وجود و عفو و صفیه معروف اولغله پرورده ریزه خوان احسان خاندان بوستانانی اولانلردن عبد  
 القیاح چاوش نام چراغ افروخته لری کرپور و کفران نعم سابقه و مغرور و معامله با الجماله لاحقه  
 اولوب فعلاً و قولاً اظهار عقوق حقوق و اصرار جسارت شماتت ایلد یکی مرفوع پیشگاه ولایت  
 دستکاه لری اولد قدّه بالدفعات \* (نظم) \* مانگو بیم بدومیل بناحق نکنیم \* جامه کس سیه  
 و دلق خود از رق نکنیم \* کریدی کفت حسودی و رفیق رنجید \* کوش خوش باشکه ما کوش  
 باحق نکنیم \* حافظ ارخصم خطا کفت نکیریم بر او \* و ربحق کفت حدل با سخن حق  
 نکنیم \* مضمون انصاف مشکونیه دفع شکوه منسوبان خاندان بیور مشلرا یکین روز بروز نائره  
 استیلای طغیانی بلند و تجاوز حد تجاسری شمش و ذیل وید اولد قدّه آن داشکن راز و درنده تن می  
 آید شمشا خوش باشید و در در تن کویید لطیفه دقیقه سیه مهبط صاعقه غیبت و انکسار لری اولوب  
 فی الواقع مدته سیر میورنده اول پرغور و مرتکب انواع شرور و الی ایالت قره مان عثمان باشا  
 شمشیر سیاستیه بجهت التوابع مقهور و مدمر و خرب منتیان در که سعادت لری مسرور و مهر  
 و فرمان مطایبه عنوان لری اوزره در در تن سرا اولشدر همیشه اینچنین باد ایلد الی آباد بالنبی و آله  
 الامجاد \* (چنانکه) \* حضرت برهان العارفین فرموده است \* (نظم) \* کردار دشیرم و نایدا زین \*  
 و انما یم شاخهای دیکرش \* تو ممکن شاخش چو مرداندر خری \* کا و بخیزد بایسه شاخ از محشرش  
 \* (نقل است که) \* حضرت چلبی والا همت و ولی خلقت پر هیزمالا یعنی اوزره مجبول و علی الدوام  
 مهمات کمال نفس ناطقه تحصیل ایلد مشغول و انشای قنوح غیبیه روحانیه استیلای نشاط و جدانی  
 حسبیه چرخان میدان وجود و حال اولوب بعد الفراغ غلبه استغراقه معتاد صمت و سکون و متواری  
 پرده کون اولغله برسان باعث انقلاب حال تحقیق مآلرینه و حین هبوب صبا الصبا علی القلوب  
 تطیب و تطرب و القوال تبسط و ترقص کافی النساء و الاشجار الرطبه الطریقه فاما الیابسه فلاحظ  
 لها غیر القطع و الا حراق و عند الانقطاع فلا بد من الصحو و السکون قول معوللریله کند و لک حرکت  
 و سکون و سائر کجود و قسوتک اسرارنی کشف و بیان یور مشلدر \* (نظم) \* این صدفهای قوال  
 در جهان \* کرچه جمله زنده اند از بحر جان \* لیک اندر هر صدف نبود کهر \* چشم یکشادر دل  
 هر یک نکر \* چیست در عالم بکوی نعتی \* کهنه محرم و مندا زوی امتی \* (دیگر) این طرفه که از یک خم  
 هر یک زینی مستند \* این طرفه که از یک کل در هر قدمی خاری \* و هسکام سماع پرسوز و کداز لرزنده

اولان نعره عاشقانه و کربه مشتاقانه و آه سر رفسا نلریدن و فی ریا حمال تسیر سحاب الاشواق فشهقه  
القلوب رعدھا و آه بارقھا و المذموم امطارھا فھذه هی الکائنات الجویہ الانفسیہ فلیس فی الکائنات  
الافاقیہ شی الا ولہ اصل فی الانفس نفس انفس لریلہ کشف قناع خفایہ و روبر کوشداران لھجہ  
برہم لربن ممنون کنجہ کوھر مکنون ایتش لدر ادم الله تعالی نثارھم علی مفارق الفقراء و آثار  
آثارھم لتأید الضعفاء \* (مرو بستکه) \* مجلس ملائک جلیس و محفل معارف انیس لریدن اشد البلا یا  
بالانبیاء ثم الاولیاء ثم الامثل فالامثل حدیث شریفنک معنای لطیفی ماده بحث اولوب حضار فقول  
حسبما ادرکہ العقول شننا و ورقنم تحقیق اولدقدہ حضرت عارف حقائق و کاشف دقائق و ألعی فائق  
تحریرک سلسلہ بیان ایدوب البلا بقدر الاولی فلما کن ولای الکمل اکمل صار بلا وھم اشد لان من  
دونھم لا یحمله فلا یلقی له مصرقا و موثلا ولا ینظر من فوائدا اشد البلا غیر الجزع و الشکوی مع انه  
لیس فی الکیون شی سدی بالنسبہ الی الحکیم التقدر الی علی فاما الکمل فکالعود و العنبر و المسک  
الاذفر کلما احترقوا زادوا طبا و فائزہ ومتی ما امتحنوا فافوا نشر او رائجہ لیسرایہ الولاء ذر ذرة  
بوجودھم و لقمعھم و اغتنامھم بالانوار الجلالیہ کاستسعادھم و استبشارھم بالانوار الجمالیہ فکونوا  
کالمرآة تجلی بیاض الخد و سواد الصدغ کما اشیر الی ھذہ الدقیقہ بقولہ لا بلا عن قال بلی بل ولا ولای  
فی ولا عنوان الھام ارکانیہ جسم عروق اشکال بیور ملری تسلیم تام و امضای مالا کلامہ صحیفہ  
زیب تحسین اولشدر \* (نظم) \* من نخو اھم رحمتی جز زخم شاه \* من نخو اھم غیر آن شہر اناہ  
غیر شہر ابر آن لا کردہ ام \* کہ بسوی شہ تو لا کردہ ام \* کر برد او بقهر خود سرم \* شاه بخشد  
شخت جان دیکرم \* نقر آن سر کہ کف شاهش برد \* ننگ آن سر کہ بغیری سر برد \* شبکہ شاه  
از قهر در قہر کشید \* ننگ دارد از هزاران روز عبد \* و ہمچنان حضرت زبده سلاک زکیمہ  
صدیقہ و قدوة سلسلہ بیہ جلالیہ جللی محمد عارف از کرامات بلند اولیا اول شعر است و آخر کیمیا  
مصدقہ نظر لری اکسیر سعادت و نفس لری فواج حکمت اولوب آثار طبع صفوت سرشت ملری  
زیب کوش هوش اخوان اولغہ بونوا و نوا و نظم دلپذیر و ثمرہ بوستان وجدان لری دستاو یزخامہ سینه  
چاک بندہ کینہ اولق اوزرہ میانہ لالی مفاخر نفیسہ لرندہ رشته کش ایراد و بادی خیر یاد فلشمشدر  
\* (غزل از ان جللی عارف) \* چمن دی دیدہ ہامہ تماشای عبرتہ \* محرم اولیدی راز شہستان وحدتہ \*  
خاطر نواز عالم و قدر آشنای کرک \* مالک اولان خزائن اقبال دولتہ \* دور خوش آمد فلک ایتہ  
اعتماد \* مغرور او لوری عاقبت اندیش فرصتہ \* کندہ سیر ایدرد و جہانک عجایبین \* بیکار  
چشم اولان رخ مرآت حیرتہ \* او یزفر از صفت ذوق و صفای خلق \* لطف هوادہ دامن صحرای  
وحشتہ \* نا کہ دودست جراتی یکسقم کورر \* بارمق بسان خلاف ادب حرف حکمتہ \* وارین  
ویرر معاملہ یکیمالہ یہ \* دوشمز فنادہ مشرب اولان قید نکبتہ \* کردن کشان حلقہ تسلیم پیردر \*  
آماج اولان بو عرصہ دھب تیر حسرتہ \* دلسر دینم الفت اخوان عصر اولوب \* عارف چکلدی  
کوشہ بی کرد کفتمہ \* بعد ازین چهل سال اریکہ نشین خلافت عظمای و اعتلای شان دولت  
واقبال و کرامت آن عالی نسب کہ دبذہ کوش اشتمار لری صماخ عالمی طوتمش ایکن چرخ کج باز  
شعبدہ بازی بہ شرع و وافول و بطون لریہ مقدمہ اولق و شان و کرامت عظمای لریہ استدا و اشتمار  
و مہمور تہ لریہ اعیان او زرہ ظهور ایدوب بیک بوزاللی بش نار بخلرندہ قنہ شرفدن ناشی شاھان  
عجم نختہ جالس خارج ظهور طہماس قولی نام مر دختین عثمانیہ الیچی بوللق مر ایدوب کل  
کبریدن اون بیک مر دسلح قوشوب بغدادہ کلد کلرندہ مر حوم و مغفورہ حسن پاشا زادہ احمد



باشاد و البته عرض ایتمکن بیک آدم ایله کلسنه اذن ویر یلوب قطع مر احل ایدر لبلده طسه قونیه به  
 کلد کده طمعکاران روز کردن نائی ایوب نام بر شخص بی تشخیص ووالیسی ایوب بکر باشانام  
 برخیت بولنوب مفتی ماجن شهر دخی بولنره همیا اولوب فقرای رعیه به اولقه در ظلم و تعدی ایتشدر که  
 تعبیری ممکن دکل از جمله بوالچینک مرو وینه در تیز کسه افچه صرف اولندی دیوتضیق رعایا  
 ایتد کلرنده فقرای رعیه نلدود آهی آسمانه پیوسته اولوب استمداد ظاهر و باطن اولنسه کیش  
 حلیان سوا بقدر بولنر لدخی عقلی باشلرینه جمع اولوب حضرت جللی مشارالیه طرف باهر الشرفلرینه  
 فریادگان استغاثه ایتلر یله حضرت جللی عارف دخی کمال غیرت دینه لرند نائی بوطالم لره خطاب  
 باعتبار ایدوب انصاف کز یوقیدر ایلمچی به اللی کسه اتجه مصرف اولدی باری ضعفه قناعت ایدل  
 فقرایه مرحمت اولسون دیویر دقلرنده طمعکاران حضرت جللی به غبط ایدوب تکدیر قصد یله  
 در دولته هزارا کاذب تخریر ایدوب خلاف سوزلرا یله دولتی اغفال وکند و کذب لرینهر واج ویردی لر  
 اما غیور مطلق عالم السرو الخفیات کذب له اغفالدن منزهر و حایت حضرت پیر کذلک بواثنا ده حضرت  
 قهار مستقیم امهالی تمام اولوب وقت جزا قریب اولغله ایوب بی صبر و سکون منعزل بر عارضه ایله  
 قونیه دن هزار مشقت اید استانبولده ایلسنه دوشوب التی آی مقداری مرض دق ایله آغشته منزل  
 دار بواره مسارعت ایتشدر بکر باشاد دخی ردیفی اولوب ویدین سرحدینه القبا اولنوب کونده بیک کوه  
 عزل جاننه منت اولوب لیکن دولت زبان حالله در عذاب میایدیر لر ایش یومامن الایام سرحد  
 عسکری اوزرینه هجوم ایدوب کتخداسنی قتل مر ادا ایدر لر اوجاق خلقنه زیاده التجا وفدای مال ایله  
 کتخداسنی خلاص ایدر بوقتریدن خلاص بولنجه در دولته هزار رشوت والتجا و تلقی برله قونیه منصب  
 اخذ و کمال ذل و هوان ایله کلد کده لیکن تقدیر ربانی بولده رعه مر ضنه مبتلا اولوب زحمات عدیده  
 ایله قونیه به دخول و زبور بلای کونا کون باشنه اوشوب خاچه مرک کریمانکیر اولوب ایوب محیل  
 یانه مسارعت ایتشدر فاعبر وایا اولی الابصار متنعین اذکیه خفی دکادر که عاقبت منکرین همیشه  
 بولنر کبی وخیمدر آخر تلری ایسه عذاب الیمدر کتخداسی اتراسکن اولوب الت دخی خراسی  
 بواولشدر که ویدین سرحدنده عسکری سمیفی انتقامندن کوجه خلاص بولوب باشاسی دخی قونیه ده  
 فوت اولیحق دولتدن قوی مباشر لر تعین اولنوب آلتی آی مقداری قلعه بند اولوب بعده هزار حیل  
 و رشوتله قلعه دن خروج وکند و یی استانبوله ایصال واعدادن ره ملاحظه سیله وارد قده هزار رعایا  
 فقراسی ظم دید بونخسندن رفیع رعه ایدر دولت ایسه راشی و مر تشی ایله ملو اوقات ماضیه ده اولسه  
 اشد عقوبت ایله قتل اولنور ایدی لیکن جمله خائن اولدیغدن بر برینه معین اولوب بوترک کنز عامتی اولان  
 قری کوتا هبه قریب اولغین ا کادفع ایتدیلر رجعتنا الی ما نحن بصده که حضرت جللی مشارالیه در  
 \* (متنوی) \* مرده مرده ای کروه عیش ساز \* آن سلدوزخ بدوزخ رفت باز \* ترخمیری ایله اخوان  
 الصفا یه بیور مشلر که بعد ازین جمله دوستان راذوق وصفای متراید باد که دشمنان مقهور شد و خرای اعمال  
 شان بدید آمد و مارا نیز سقری قریبست نفس انفسلر یله قرب ارتحال لرینه ایما بیور مشلر در وکان ذلک  
 فی سنه ست و خمسن و مائه وائف من هجرة من له العز و الشرف بعده اللی سکر او اخرینه قدر اعتلای  
 شان لری وصفای جسمانی و روحانی لری یومافیه ماضی داد اولوب جمله رفاهیت اوزره عیش خوشده  
 لیکن سنه ثمان و خمسن و مائه و الفده بغتة جانلرین پروانه شمع جمعی ایدوب بعض وصایا عقینده غره  
 فواد لری اولان ایوب بکر جللی افندی عزیزی ولی عهد لری اولقی اوزره غیر ازین شیخ دیگر مجویید عنوانیه  
 تنیه اسکید بیور وب پستیر راحت آخر یلرینه غریده و سمر و زمرو رنده عالم علینه خرامان

در بیان محمد جلیان

امیرزاهد کوچک

اولش در روح الله وجهه وابد قنوج وجهه جعل الفرادیس مقبره وعلی تخت حمایات اجداده اسکنه  
آمین یا من لا یضیع انین المضطربین \* (در بیان محمد جلیان ذوی الاحترامیکه) \* بکالات ظاهره  
وباطنه آراسته بودند و در دارالولایه قونییه حرمها الله تعالی عن البلیه ودر بلاد سائر مسند آرای  
تدریس و مشیخت بقاع مبارکه سامیه بودند تا اخوان و خیلان از برکات ایشان هم مستفید باشند  
وهم بقاع و دیار با نوار و آثارشان بلند ارکان و مجمع الوان نعم و مأمون غوائل نعم شوند نور الله مرادهم  
باناره شمس التجلی و الاحسان انه الرؤف الکریم المنان \* (حضرت جلی امیرزاهد کوچک) \*  
حضرت زین الابدال و فخر الرجال اولو عارف افندی جناب ولایت مآب ملک احقاد کرامتند مجمع کالات  
صوریه و سرب و مخزن اسرار لدنیه و معدن خوارق عجیه اولوب امیر عالم بن امیر عابد حضرت تلیک  
زیر پر توترب و خدای نظر تنبیه لریده نشو و نما یافته روح شئون و صدف وجودش بر قلری خزانه  
در مکتون اولوب اوائل سلو کلزیده امیر صورت و زاهد سیرت یعنی دایره جمعیت معاشری امیرانه  
و کند و کیفیت تمتع و تعمیری زاهدانه اولوب قطعاً حساب و کتاب غائله فرمای دست و خامه لری اولوب  
بعض خدمه مغشوش حرصدن استشمام خیانت اولو مغله تفحص ایراد و مصرف و تقشیش دخل و خرجه  
متعلقه کلمات احتیاط امیر معروض پیشگاه استغنا پناه لری اولو قدّه ما خلقنا لان نبحت فی افکار  
الدخل و الخرج و ما جلینا علی اسراف بضاعة الاوقات بالتدارک فیما فات و انما اعتمادنا علی بسط  
الجواد و مالنا بقبض العباد نفقه عالمه لریله دفع کدر قیل و قال بیور و ب مظنه جنایت خیانت  
اولو لری عواطف کونا کونه شرمنده و خالص و مخلص بنده ایدوب و لا یستعبد الا انسان الا بالاحسان  
وهون علی الکفر یم المرتاض فوت الاغراض من هتک الاغراض مضمونیه عمل بیور و ب سلوک  
طریقه کرم و شمیمه جلیله عفو و سترله احیای نفوس قاصره دهیدیضا انما اولمشدر و فائز رتبه کمال  
اولو قدّه عامه اولاد کرام و کافه خلفای عظام رأی صوابید لریله آستانه کروی آشیانه حضرت  
شمس الدین تبریزیه مسند آرای مشیخت و خلافت اولوب دایره سعادت و سایه عنایت لری ذرات  
منسوبانه سرمایه استناره و سایبان استراحه اولوب مشرق کریبان ذانتریدن سرشمس حقیقت  
طالع و سینای سینه پر سکنه لریدن نور معرفت لامع اولمشدر و خرشید ولایت سر مقدس لری بر تواند از  
انحای مملکت اولو قدّه استدعای انباء قمر مانله آستانه والده سلطان علیا رحمة الملك المنان مشیخته  
سرافراز و اول بقعه مبارکه به نقل اولمشدر و کثر سنین مشیخت مر قومه لریده عین الجمع  
اخوان الصفا و خلان الوفا یله زیارت بیت الحرام عشاق و شرف طوف تربه جدت بزرگوار لریله مستعد  
اولوب اگر درون تربه معظمه و اگر خاتقاه حضرت شمس الدینده ترتیب اجلاسات عظیمه اولوب  
اذواق روحانیه سماع و صفا اولوب به مقتر سعادت لری به رجعت بیور لر لری حتی نوبت و اسپین لرینک  
هنکام و داغنده رقت زائد الوصفه این ذوق و صفا بعد ازین بسما غنا خاتقاه بقا مانده است عنوانیه  
کشف برده قرب انتقال و اول سال هجران مآلده رختکش دارالقرار و جوار جده عصمت  
شعار لریده آسوده جلیب غفران اولمشدر و فقره مخزنه فات الامیر الزاهد \* سنه ۸۱۱ تاریخ  
ارتحال واقع اولمشدر \* (حضرت جلی نورالدین) \* قدس سره المبین جلی امیر شاه بن شرف ابنه  
السلطان ولد سر سره الا و حد حضرت تلیک تبریزه کرام لریدن اولوب مدت مدیده ترک و تخرید اوزره  
سیر و سیاحت و کار علما و مشایخ زماننده استفاده علوم و آداب نفس ایدوب کامل و مکمل وطن  
شریف لری تشریف بیور قدّه نه سائر اهل ابتدای کبر بسته خدمت میدان مردان طریقت  
جدد اسعد لری اولوب دست کرامت پیوست پیر عابد قدس سره العزیزه خرقة و استوا پوش خلافت

حضرت جلی نورالدین

و مسند پیشین مشیخت حضرت جلی حسام المله والدین اولان دارالذاکرین نام بقعه مبارکده سجاد  
پیرای مشیخت و خلافت اولوب نشر علوم جلیله و نثر نفایس موعظه ایلد اوقات گذار و مشهور دار  
و دیار و ملتجای صغار و بکار اولمشلردر کالات سائر لرندن قطع نظر همان عجایب سیاحتلری علی  
التفصیل بیان اولنسه مستقلا برکاب عجاب اولوق مقرر در لیکن نبذه من الکل ایلد اکتفا و لطف  
انتقال مردم دانیه حواله اولمشلدر از جمله شهر قیصریه ده سید برهان الدین محقق ترمذی تریه  
مقدس لریده انزو اواعتکف بیور ووب بالکایه مستورا الحال ذکر و فکر حضرت منان متعالله  
مشغول البال ایکن فقهاء بلده مرقومه دن و تلامذه علامه شیرازیدن بر مر دمعتبر ههنگام تدریس  
و مجتده بین الطلبة بر شمه وارده نل دفع و مشکل تولید حلقه خالی بولوب حیرت تام و ضجرت مالا  
کلامله اذاتخیر تم فی الامور فاستعینوا من اهل القبور موجب نجه تریه منوره معهوده داخل اولدقه  
حضرت جلی مشار الیهی رقه نوس مشاهده ایدوب بعد الاتمام رقه مکتوبه بی ید فقه انا له بیور دقه  
مکر بعینه در دمند ققیمت آرزوی دل و جان مستهای اولان جواب باصوابی تخریر بیور مشلر بر طرفدن  
سرور دفع شبهه و طرف آخر دن حبور حصول نعمت غیر مترقبه صحبت شریفه لری بیچاره بی غرقه بحر فکر  
و شکر ایدوب هنوز مشکل دو جهات حل شد عنوانله کوشه خال انداز در ویشانه لرینه رومال صدق  
و نیاز اولوب کتم سر مرقومه تنبیه ایدلری ایلد عمل و رقه مرقومه بی حرجان ایدوب بلده مزبور دن  
سفر بیور دقلرند نصکره دائمد در فراق لریله کرمان و نالان اولغله هدف تیر طعن بخبران اولدقه اهل  
تعصب الزام سیاقنده ارائت رقه و نقل قصه ایلد بکی رسیده تریه اشتها ور وایتکرده اولی الانصار در  
\*(بیت)\* آسمان کرواقف اندی زین فراق \* انجم و شمس و قمر بکریستی \* (آورده اند که) انشای  
کشت و گذار باعتبار لریده محمیه موصله واصل و زیارت قبر حضرت یونس علیه السلام مشوباته نائل  
اولدقه صاحب موصل خانه مسنده مهمان اولوب لکن میزان خوشدار پیر و جوانی غمکین  
مشاهده سیمله پرسش حال ملاله اقدام بیور ووب ماده غصه غمزه قواد و ولی عهد دولتی اولان فرزند  
ار جندک ابتلای درد بی دواسی اولد بی معلوم اولدقه عرقیه مبارک لرین ارسال و الباسیمله شفای  
ساعت و عافیت دفعیه حاصل اولغله صاحب مرقوم اول لقمان حقیقتک خاکیا نه ماملک نثار اولوب  
واکرام واحترام لریده بذل اقتدار ایدوب آشوب شهریدن احتیاطلری حسبیله عازم جانب مصر  
اولدقلرند لوازم سفریه لری ترتیب اولنوب سلطان مصر طرفنه مراسله اخلاصه نیجه و عهده علیه  
اتباعن خدمت شریفه لرینه تعیین و چند منزل تشییع و وداع ایدوب مکر مکتوب صاحب معبوب  
اوصاف ذاتلری امش مصر دقرب منزلده محفظه کشتکندن ضایع اولوب و حضرت جلی نورالدین  
دخی مانسد آفتاب آفل و رای برده خفا اولغله خدمه مرقومین متخیر و متعجب مصر قاهره به کلوب  
سلطان مصره کیفیتی عرض و اعلام صد دنده حضرت جلی مشار الیه جوار سرای سلطانیده دوچار  
اولوب مکتوب معهود کند ولرده اولوب و پنج منزلن طرفه العینده طی مکملری و پوشیده نادره  
کار لک لریه محضات سرو فرار اشتها ردن غیر ی باعث اولد بی معلوم رفقا و لنجه تدارک حسن رجعت  
صد دنده مر اجعتلری حسبیله مکتوب معهودک حاشیه سنه قلم مبارک لریا تحشیه سلامند نصکره  
خدا ملک قصور ادای خدمته و معذور اولدقلرین تخریر و ذیلنده (از قلم دلنوازی رقم غمازی نبایستیکه  
مردان خدا از شاه و کدای دنیا بیزارند و در ایشان از قبول بهر شمارند مطایبه بند آمیز یلده ختم کلام  
بیور ووب زیر قبه خوله بی دغدغه صحبت خلاف جنس آسایش عارفانه زیارت مقامات متبرکه بیور ووب  
راه مصر دن عازم طوف بیت الحرام اولمشلردر و وطن و غربتده ذات وصفاتلرین تعریف و توصیفه

مساعده بیور میوب لایعرف ذالفضل الاذوه فخوا سنجہ دیندار روحانی راجحت تعریف نور الدین نیست وغیر او را از توصیفش چه سود است مضمونیکه سد باب رد و قبول یار و اغیار بیور مشاگرد \* (نظم) \* خلوت اندیشه ام چون غنچه لبریز کست \* خار دیوار است هر نقشی که بیرون از منست \* بر کرد جهان دور زره بر تو خلاست \* خرسید صفت دیده بینایی اگر هست \* (حضرت چلبی صلاح الدین) \* اولشاهزاده ولایت طینت اسباط کرام شاه ملک بن امیر عابد روح و روحه و نشر فتوحه دن اولوب فضلی خلفا و عرفای مشایخن تلقی علوم و معارف ایدوب حضرت چلبی نور الدین خدمت شریف لرنده رسیده حد تکمیل فنون و مدرس مدرسه های الدین ولدی اولوب جوار آستانه خداوند کزیده دامنچین فراغ و تعلیم قرا و احبابه اتباع دماغ بیور وب واسطه عمر نازین لرنده تخصیص مشو یخانی کرسی تربیه مقدسه ایلہ سرافراز اولوب روضات قلوب متعطشینی سیراب زلال معارف و حکم ایدوب و اعقاب تذکیر لرنده منعقدہ اولان مجالس سماع و صفائک ترتیب جمیلی اولاد کرام حلقه اولادہ و خلفای ذوی الاحترام حلقه ثانیہ ده و سائر فقر حلقه ثالثہ ده دوران ایدوب سجاده نشین تربیه معظمه اولان یکنانه دوران حاضر اولدقده مقام قطبیده جلوه فرما و ابق او زره در و دخول دائره حرکت دوریه موقوف اجازت روحانیہ حضرت پیر قدس سرہ المنیر در خود بخود مشق وادمانله دور معتاد دکلر و قانون قدیم سلاطین حقیقت مراعاتده نکاسل باعث ندیم بهوده اولق مقرر در و من ارتاب فلجختبر و لکن الخبر بعد الضرر غیر مفید فاسعید من تأدب بتأدب الغیر \* حتی اول بلبل کلزار مشوی به میان خامان ها مان منشدہ مذکور اولان کلام غفلت نظام که طریقت علمیہ مولویه دن سلسله ارشاد منقطعہ اولوب و سلا کی دخی انجق اسم ثانی مرا تبیه واصله اولوب بعده البتہ طرق آخر جالالت تربیه و اسلا کنه محتما جلد در مقدمه مصنعه و همیه حسدیه سی افواد مقلدین عصرده واصل شهرت کاذبه اولدقده حجتداران اخوان بوسفسطه واهییه بی بر رقعہ باره به تسوید و حین کرمیت نقل معارف لرنده علی رؤس الاشهاد فوق المنبر حضور فائض النور لرنه رفع ایدوب کوش کذار نیاز جواب شافی اولدق لرنده مقتاح خزائن الغیب لهججه حقائق سرالری فتح باب تحقیق و ثنار جواهر تدقیق بیور وب (اساس کارگاه و بنای خانقاه سلسلہ مولوی بر توبه نصوح و ترک و تجرید و ثقه بر فتوح است و راحله اخلاص و زاد قناعت و براق همت و قائد جذبه و سائق حال و مشعل مشویکه مغز قرآن است جامع اسباب و لوازم و پیشوای سالکان اوست و عنایت و توفیق باری یاری ده و نکهبان ایشانست و مردان میدان فقر و فنا مربی و مرشد و روحانیت انبیا و اولیا علیهم السلام و الرضوان شفعا و آیین وارکان حضرت مولانا قدس سره الاعلی و اوراد و اذکار سادات نقشبندیہ نور الله تعالی تراهم و سائر و عزائم این طائفه عزیز است سیم اسم اعظمیکه مستجمع اسمای سائرہ است خزرار و اح این گروه پر شکوه است و آداب و سنن سنیہ و مستحسنات و مقررات سمیه خلع اشباح این فرقه ناجیه است و بعنایه الملک المعین النصیر کینه در دمنده این طریقه مستقیمه ثابت قدم مجمع البحرین جمع و فرق و در دائره ولایت بین نفس و برکت نظر نظیر خضر علیه السلام منشا کرامات باهره و مخزن معارف فاخره و معدن اخلاق حسنه و مجمع اوضاع مستحسنه است در آئین طریقه و اندر میانہ اصحابش که سر رشته ارشاد کم کرد پس طرق سائرہ اسم بی مسما خواهد ماند مع هذا آثار تأیید ربانی روز بروز باعلای کلمه مولویه و اعزاز حالش را تعلق بی علت دارد معلومست که قائل جاهل آن کلمه خبیثه بعلت رشک و خود فروشی بدین طریقه راست مهتدی نیست و سر رشته ارشاد را خود کم کرده است و در مرآت صافی ضمیران مولوی عکس آن دید و از اصل غافل

ماند مضمون حقائق مشکوئیه غیر تکشان اخوانی ممنون و خسد کیشان اغیاری محزون یوروب  
 خزه کیران جدل منشاندن فرد و احده اقتدار بنت شفه اولیوب ترویج مسیح خداوند کاریده سرد  
 یورد قلری تحقیقات راتقه مسلم الکل اولشدر فی الحقیقه اوقات پیش قدمان قریب العهد اولغله بلکه  
 نوعا مجال کفت و کوی خلاف مسدود المنشأ و المورد اوله لکن فی یومنا هندا که تاریخ ظهور مولویان  
 پنجصد سالدن تجاوز ایتشدر فله الحمد و المنه و علی حبیبیه الصلاة و التحیه همواره ترقی سلاک و اعتلای  
 شان و امتداد آرزویشله و احیا و کدشتن کان اربابی محترم من عند الله تعالی و خالک بالمشاهد  
 مقدس لری زیارتگاه مخلصین و مضطربین اولوب کویا هر بری بر درخت سایه انداز و میوه دار بوستان  
 رحمت عامه اولشدر ابد الله ظلال حمایتهم علی محبتهم و ادام سیوف حمیتهم علی مبغضهم \* (بیت) \*  
 طوطیان در شکرستان کامرانی میکشند \* و زنجیر دست بر سر میزند مسکین مکس \* و دخیل  
 حلقة تعلیم و افاده لری اولنلرده فرد و احد محروم فوائد علمیه و عملیه اولیوب اکثر بعد تکمیل  
 العلوم الظاهره طالب علم لدنی اولوب سالک راه فقر و فنا اولشدر اغلب او ان تعیش لری کثرت انفاق  
 حسبیه قلمت و قناعت اوز ره اولغین مشفقین احبا قدر معروف اسماک و نظام حال و رفاهت لری نه  
 اعمال ذرّه انفاقی ایراد ایلد کده (فقیر صلاح الدین راشغل صلاح دنیا مناسبت ندارد بیم است که  
 بسبب امتناع اجتماع ضدین از اول ثانی مردود باشد و یا از صلاح ثانی بفساد اول مبتلا شود که و هو  
 اکثر الوقوع و بین الشیوع) نفس جان بخش لریله سد باب شفقیت معکوسه و نیجه منعمان مرده دلانی  
 احیای زلال بند و ترغیب و خواجه جهان فقر و فنا و معتزم درجات ملک بقا ایتشدر آخرا امر اول  
 شش حیاض مجلد آنده لبریز اولان مای معین ارشاد لک سر چشمه سینه اشتیاقله منجذب جنان عرفان  
 اولوب مبادرت حلقة قدسیه سلطان العارفین و دفتر دیواندن تلقی کرده لری اولان معانی و اسرار ی  
 بالذات لهججه بر بهججه روح مقدس لریدن استفاده ایله تسکین عطش روحانی ایتلک اوز ره سمند  
 همت ران ملک بقا و حقیقه الارواح مولویه ده فائز منازل رفیعته مشو بخوانان اسلاف اولشدر نور الله  
 مرقد و بوصول المرام اسعده و نفعنا الله تعالی بفوائدهم العلمیه و العملیه آمین بحرمه سید  
 الاولین و الآخین \* (حضرت چلبی بدر الدین) \* جناب جلالتاب احمد سلجوق بن امیر و اجدین  
 حضرت سلطان ولد قدس سره الا حد نبیره کرامندن اولوب چلبی امیر عارف کوچک بن امیر عالم  
 حضرت تلیک قطب دائره مشیخت تریه معظمه اولد قلر نه ده مقتضای امر مرشدی اوز ره حجرات  
 آستانه خداوند کاریده منزوی ترل و تجرید و تحصیل علومه کمر بسته اهتمام اولوب بعد استیفاء الخلط  
 ترویض نفس و تهذیب اخلاق و تقیم بقایای لوازم سلوک اقدام ایدوب زمان پسیرده طهارت جوهر  
 پرتو همت امیر عارفیه فائق الاقران و امثل الامثال و چشمه لهججه بر بهججه لرندن زلال معارف توحید  
 و حکم جوشان و آثار مکاشفه ضمائر مرآت قلب صفوت سمیر لرندن غمایان و انوار خوارق جبین مبین  
 حال لرندن رخشان اولغله باجماع کافه المشایخ و العلما آستانه حضرت شمس الدین تبریزیده مسند  
 آرای مشیخت اولوب اولقام عالی منزل قران اعظم زبرین اولوب آمیزش ضیای سر شمس الدینی و نور بدر  
 الدینی ایله پروانگان دائره ارادت و خدمت لری مستغرق روشنائی اولغله هر بری مدت قلیله ده قطع  
 مسافه مرآت نفس و طی منازل روح و عبور بر ازخ انانیات ایدوب محسود الاخوان اولد قلری  
 منعکس لوح ضمیر الهام تویر لری اولد قدده (سکندر در تاریکی برهنه ای شجر اغنی جست و جوی آب  
 حیات جسمانی کرد و تشنه بیرون آمد اما اخوان مابرونشائی شمس و بدر در ظلمات طبیعت سراغ چشمه  
 زندگی و روحانی کردند و زود یافتند که شجر اغنی پیش ایشان کم از کرم شبتا است) نفس انفس لریله پاسخ

حضرت چلبی بدر الدین

را سخ فرما اولش لرد درین معنی میفرمودند \* (قطعه) \* رهبر هر رو که باشد مهر و ماه \* افت و خیزش  
 میگردد سنک راه \* اویک طفره بر و ن آید ز خود \* بس چه ماندیش تا ایوان شاه \* (نکسته) \*  
 وجودیم بود حضرت چلبی بدرالدین استیعاب ریاضات شافقه ایله هلال اولوب نو عارف و ترفیه مطبئه  
 نفس بیورملری باینده رجامندان مشفقانه (در جوار شمس بدر از هلالی ناگزیر است کلمه جامعه لر یله  
 تسلیه بخش و قرب روحانلیرنه اشارت فرما اولش لرد آخرا امر و نهایه العمر تحت النور شارق  
 خاور بقا و هاله بدن انور لر ی دائرة تریه منوره شمسیه ده آفل باختر فنا اولش لرد انار الله تعالی بدر سره  
 و افاض علی المستمدین سجال بره \* (حضرت چلبی واجد) \* حضرت امیر و احد کبیر ابن السلطان  
 بهای الدین ولد قدس سره الصمد جناب نجابت مآبک اسباط عظامندن اولوب ذات یاهر البرکاتی  
 مجموعه فضائل جلیله و کنجینه فضائل جمیله سالک مسالک همت و فتوت و مالک عمالک معرفت و مروت  
 و مجمع البحرین سر شمس الدین و جلال الدینی اولغله درون دارالولایه ده اول بحرین ذاکرینک مجمع  
 و ملتقاری اولوب مسجد مجمع البحرین شهرتیه معروف اولان بقعه مبارکه ده اکثریامنزوی  
 و معتکف و مرصاد کزین صفای وقت اولوب آخر جوار رحمت منار لر زنده بنای سعادتخانه بیور و ب  
 اول مقام عالیده کاه و سیکاه تنوچ دریای تجلی نیرین عظیمین آسمان روحانیه قریالین عیان اولدقه  
 فی الحقیقه اولمکان سامی مجمع البحرین ولایت اولدیغین تحقیق بیور و بار باب حاجات و احباب  
 دعواتی صدق و اخلاصه ملازمه ترغیب سبب یافتد مظهر اولدقلری عوطف خیر یله ییاد و طریقه  
 آداب اغتنامنه ارشاد بیور لر لایدی ازان جمله کرار امرار حضرت خضر علیه السلام صحبت شریفه  
 سیمیه مغتنم و غالباً تجسد و تجلی زندکن ابدی اولیای کزینله مشرف و ظهور و حضور مستوران قباب  
 عزت و متراریان حجاب غیرتله مبهج اولش لرد و سعادتخانه لر ی مهبط انوار برکات جوار حمایت مدار  
 اثران قدسی شعار اولوب مهمات معاش و لوازم اتعاش لر زنده و رودامدات غنیه خزانه فتوح من  
 حیث لا یحتسب بحساب اولدیغی مشهود علیه ثقات محرمان اسرار لر یدرا کرچه اول موقع اجابت  
 سائلان حاجاتک مرورا عوام و کزورایامه نامنی نشان و اسمی رسمی حاشیه زینب دقتربت خلافت  
 چلبی صدر الدین صدره الله تعالی فی غرف العلین ایدی لیکن والی قره مان درویش مصطفی پاشایه  
 اشارت روحانیه صدور یله رسم قدیمی فی الجملة احیا اولنوب حالامینت بقاع مبارکه معتقد اولنلر  
 نظرنده کفی الا وائل متوجه ساز منسدان و محراب فتح الباب دعا کلندر ادام الرب الحکیم آثار عمرانه  
 و شید بتأید دارکن بنیانه و ازال السبل و الحول عن عیون السخط و توره باکحل الرضا عن جوانب  
 الاولیا و ارشد المائلین عن سواء السبیل الی مقام الدلیل فان المسکین یقعده فی مکانه و المقیم یتفقده  
 فی مقامه فن لا یلازم مقامات الاختیار فلیتذلل علی ابواب الاشرار و لیستغرق فی دردور الانکار  
 و لا یجد مناصعن مهالک الادبار \* (نظم) \* هر کدر و گرداند از سمت مهمان \* کرد از غیرت سهر و  
 و مهمان \* کچنکه کردن بمنظور خدا \* کزینده راست آید با خود آ \* اول خضر زنده عین الحیات  
 بقا بالله مجمع البحرین ولایتیه ملتجای دردمندان و محتاجان اولوب هر چند ذات کرامت سرشتلری  
 واسطه الفیض اولدیغی بی شائبه مرا ایکن ینه هر کاه که بر حاجت ند عرض حاله نیاز نوال ایلد کده  
 تجدید و وضو بیور و ب کمال ابتها لله محراب مسجد مذکور ده رکعتین نافله کذار و مراقب وارد الهام  
 مدار اولوب حسب الفتوح و متوال السنوخ ظاهرا و باطنا چاره کروفر یاد رس اولغله توبه کار و توفیق  
 اشتهار بیور لر لایدی \* (بیت) \* چیست تعظیم خدا افراشتن \* خویش ترا خوار و خاکی داشتی \*  
 و طرف باهر الشرف سجاده نشین تریه جد امجد لر ندن مجاز و سر بلند استواء خلافت النبوا اولدقه

مریدین و محبین ایلہ فی الصبح والمساء درون مسجد شریفہ ذکری خدا و سعادت خانہ لرندہ اجرای سنت  
حضرت مولانا بیور مغلہ دائرہ تردد و تودلی خانقاہ سلاکہ پناہ اولوب یادر رکاب براق ارتحال اولدقدہ  
موجب وصیت الہامیملری اوزرہ ہمساہیقبہ خضر اولان حدیقہ الارواح عاشقان مولویہ یقین  
اولنوب بدن تابنا کاری اول خالیا کدہ آسودہ روح و ریحان روضہ جنان اولمشدر \* (لطیفہ) \*  
وجدان صفوت نہادرندہ حلول سریانی نور وجد جبلی اولغلہ ادنی بہانہ مشاہدہ حکم و عبرایہ  
جوش و خروشہ کلوب سراند از نشیئہ رطل کران حال و بیخویش و پر شور نوراض محلال اولملری  
مستغرب امثال و رشک آواراقران اولدیغی حضور فائض الحبور لرندہ تشکرا ایراد اولندقدہ  
این ہمہ برکت اضافت است عنوانیہ نام نامیلرندہ اولان اضافت العبد الی الواحد عز اسمہ بشارت  
و بندہ واجد بی وجد بودن از عدم تحقیق اضافت خواہد بود تعریض عریض لیلہ تحقیق انتساب  
عبود بتلرینہ ایما و کثرت شغل اسم سائی واجد بیور ملریہ مظہر نور و سر و مہبط موافق فوائد  
صورہ و معنویہ سی اولدقلرینہ تحسین بیور مشلدر طوبی لہ و حسن مآب فاعبر وایا اولی الالباب  
\* (حضرت چلبی علاء الدین) \* صلاح الدین امیر زاہد بن امیر شمس الدین غالب بن بہاء الدین سلطان  
ولد نور سرہ الاحد جناب ولایت نصابک احقاد کرامندن اولوب حضرت چلبی امیر عادل کوچک  
ابن امیر عالم حجر تریبہ و سالیہ تنیمہ لرندہ احراز مراتب عالیہ صورہ و معنویہ ایلہ فائق الاقران  
و سابق الاخوان اولوب صیت علوشانی و صدای سمومکانی دار و دیار کبر اولغلہ ملوک و امرای  
اطرافدن راغبین صحبت شریفہ لرینہ حوالہ دفعہ استغنا بیور و اوقات صافیہ لری مأمون الغائتہ  
کرد کدر مدخلہ اغیار و ہموارہ ذات نورانی صفاتلری شمع انجمن مشایخ و علما و صلحا و عرفا  
اولوب ہر چند مساعدہ زیارت جویانہ توسط شفعا اولندقدہ طوائف اربع مدد کوردن ماعدایہ  
سد باب اذن بیور یلوب از نام خود شرم دارم کہ در میان علای دین و سفلیہ دنیا جہت جامعہ نیست پس  
زیارت بمودہ اضاعت بضاعت عمر عزیز است (واللہ لا یحب المفسرین) مع ان اشنع التبدیر اسراف  
نقد الوقت معذرت موعظہ پیر الیلہ جسم عروق طعن بد کمان اتیکہ غنہ علیہ لری خاصہ محط رحال  
رجال و بی دغدغہ ازدحام عوام اولوب بفضل اللہ تعالی سرمایہ تلذذ و ارادتلری طلبہ و فقرانی فضلا  
زمان و عرفای دوران ایدوب و آخر آوان مجریہ لرندہ اختیار خیار و اصطفا ی کبار لہ مشیخت  
خانقاہ حضرت شیخ صدر الدین کندولرہ تقویض اولنوب اول مسند رفیعہ تدریس و تذکیر ایلہ  
مشغول و حلقہ جمعیتلری مزدحم مریدین اخلاص روش و محشر محبتین صداقت منش اولوب  
اغلب اوقات شریفہ لری کتب خانہ صدریہ دہ تصفیہ آثار اسلاف کرامتہ گذران ایتہ شد و دخی  
منظوران ظاہر و باطنلری اولان اخوان و خلائک اطراف و اکافہ منابر تذکیر و بقاء تدریس  
و خواناترینہ دہ مشار بالبنان و ہرہ یاب خانمان اولدقلری خواص خدمتہ در کھلرندن درویش رشید  
در مددک محرق عرق خزن و حسرتی اولوب اندیشہ عاقبت حال و حیرت ضجرت مآلہ دست در جیب  
مسلال و سر بدوش انفعال یای بریای پیمانیخہ اہمال اولدیغین مشاہدہ بیوردقدہ پردہ برانداز روی  
کار اولوب آتہ بلون الذی ہو الذی ہو خیر فوای تو بیخ آمیزی اوزرہ ای رشید چشم زخم  
خود رسیده ارشد لہ اللہ تعالی الی الحقیقہ اما یکفیک ما اذخرت من نفائس العلوم و الایسیلیک  
ما استفدت من جواهر المعارف فما رغبت عن صحبتنا فلیس الاجتراء علی الفراق بہین وان التجاسر  
الی التفرد ضرر بین و لکن الخیار یدلک خدمت صفا دع ما کدر جالس الحسن و ابن سیرین نفس  
فریاد رسلیلہ تنفیس بیوردقلرندہ بیچارہ رشید مستتر شدہ انتباہ تام و تہقظ مالا کلام کلوب ادای

حضرت چلبی علاء الدین



مراسم اعتذار و وفای لوازم تشکره اقدام سیاقند قدم مینت توأملرینه رومال و سده سعادت  
 انتمالرینه جبهه سایی (نظم) \* امیدخواجیم بود بندگی تو جستم \* هوای سلطنتم بود و خدمت  
 تو کردیم \* بخاک پای تو سوگند و نور دیده حافظ \* که بی رخ تو فروغ از چراغ دیده ندیدم \*  
 مضمون صدق مشکونله عرض سوز و کداز ائنا سنده آه و این پشیمانی آ کینه نسیم رأفت و زان  
 و قلزم شفقنلری جوشان اولوب دست سودمر حتملرله سر بلند و تجدد عهد مرو تله شاد کام  
 اولشدر فی الواقع عبرتخانه و حکمتسرای عالمده و کرم و سر دوش و نیش و کم و بیش سرگذشت بی آدمده  
 صحبت انسان کامله معادل بر نعمت و دوات و فراق عارف مکمله بمائل بر نعمت و ذلت اولدیغنه مؤلفه  
 القلوب نائل حظ اوفر غنائم هوازن و تقیف اولوب انصار خزین حرمان اولد قلزنده حضرت رحمة  
 للعالمین صلی الله علیه وسلم جناب عنایت مآبی جانبندن مظهر عواطف تسلی اولملری شاهد عادل  
 اولدیغی بی شائبه رب اولدیغندن ماعدا اکثر یا مانند کاتب الوحی مقابله مرشدین و انتظار لطیفه  
 مکملندن عکس ایدن صفوت و تمکینه مرید مقلد مغرور اولوب هنوز رسیده رتبه تحقیق اولدن  
 نظر پیردن مفارقت و اختیار تفر دایه کله فتاده دام ابلیس مرید اولوب فریفته استمدراج و بلکه  
 سرکش امر مریدی و مردود سرمدی اولدیغی مشهود علیه مناقب احوال ارباب کالد رنعود بالله الحفیظ  
 من الخور بعد الکور و من الغین بعد العین \* (نظم) \* عکس چندان بایدای یاران خوش \*  
 که شوی بی عکس از بحر آبکش \* عکس که اول زد توان تقلید دان \* چون پیانی شد شود تحقیق آن \*  
 نانش تحقیق از یاران مبر \* از صدق افتد نکشت آن قطره در \* چون شوی دور از حضور  
 اولیا \* در حقیقت کشته دور از خدا \* چون نتیجه هجر همراهان غمت \* کی فراق روی  
 شاهان زان گشت \* سایه شاهان طلب هر دم شتاب \* ناشوی زان سایه بهتر از آفتاب \*  
 پرتوشیخ آمد و مکمل ز شیخ \* فیض شادی نه از مریدان بل ز شیخ \* چون سپید در آب و نوری  
 بر زجاج \* کر ز خود داند باشد آن خداج \* چون جدا کرد ز جود داند عنود \* که اندر و آن  
 آب خوش از جوی بود \* آب کینه هم بداند از غروب \* کان لمع بود از مه تابان خوب \*  
 و روح روانی خرامان فرادیس جنان اولد قدس جسم مظهر لری سمت قدم تر به شریفه سلطان العلیا  
 قدس سره الاعداده مانند کنج غنای دقین زیر خالک بال اولشدر رحمة الله علیه و علی مجاور به  
 ابد الابد بالنبی وآ له الامجاد \* (حضرت جللی حسام الدین طاهر) \* حسام الدین بزرگ ابن امیر و اجد  
 ابن بهاء الدین سلطان ولد قدس اسرار هم اسباط کرامندن ولایت مادر زاد و کرامت خداداد ایل  
 نشو و غایاب اولوب علوم عقلیه و نقلیه و لدیه ده فائق الاقران و وادی انشای آثار نظمیه و نثریه ده  
 سابق الامثال بلکه اکثر انفاس قدسیه لری واردات عرفان اولوب رفتار و گفتار لری میدان قبول  
 قلوب صافیه ده هم معنان استحسان و سیف صارم نفس جلالیلری صف شکن و منکرا فکن اولغله  
 زمان اعتلای شانلرنده جانب منسوبات جناب غیبت نصایبلر ینیه بی ادبان روز کردن فرد واحد  
 کنکهای و حرف اندازی به زهره سی و ایوب بلکه ظلمه و قند منظم و سده سعادت لرندن استغاثه  
 کانه فریا درس اولوب خوشدل باش کار او تمامست عنوانله تسلی بخش اولد قلری عن قریب هلاک  
 حتم انفسله شکوه رز اولدیغی ظالمش و کید و مکرندن رهایاب و بعد ازین بکار خود رو و امین  
 شو تعبیر یله تطیب بیورد قلری منظم عزل و نکبت جائری ایلله مسرور اولور ایدی حتی بین الظلمه  
 شکایت عتیه سلطانیدن بیقید اولان سنکد لان نظم سده غیرت حسام الدینندن هر اسان اولوب  
 وقت شریفه لرنده جور نهادن و تعدی پیشکان والی قره مان اولدن امتناع و ابایدوب تولیت امرای

جللی حسام الدین

نصفت روش دستور العمل صاحب توجیه دایره دولت عثمانیه اولشیدی و جامع شریف سلطان  
علای الدینده وعظ وتذکیر بیور مغله اکثری ارباب حاجات پای منبر لرینه رفع رقعہ استدعا  
ایلد کارنده تأثیر کر میت انفاست قدسیه لری ایله قلوبه رقت مستولی اولوب صاحب عرض حالک سر یعا  
وعاجلا حصول مرآته ایلد کلری دعوات خالصه استجابة سنه آمین کویانک سوز درونلری  
واشک پر خونلری هیچ شفقت ملا اعلی اولوب انلرک دخی انضمام امداد ایله دفعه قرین اجابت اولوب  
همان روز برؤ وعافیت وتدمیر خصم مفسد ودفع بلیه وجلب منفعت ایله مغنم اولور لرایدی بی اندری  
صمصام نفس وانکسار لری خونریز ظلمه ومفسدین اولغله بعضی کوبه دست وزبان درازک صورت  
خیر خواهییده بخون ناپاک این کروه مکروه آلوده شدن مناسب شان حضرت چلبی حسام الدین  
طاهر نیست بصلاح حال دعای خیر کردن باید که بیرونی پیشقدمان نیک خصال اینست حسن تعبیر  
خرده کبرانه لریه حسام الدین طاهر آن قدر نیز وآبدار است وزنده نیز آتخنان تیز دست است که  
هیچ خون آلوده نکرد داکر همه عروق مفسدانه قطع کنده همانا بر طهارت ازلیه است  
دم مردانه لریه باسخ وراسخ فرما اولوب من الاول الی الآخر اول سیف عربان بی زهارانه کار گذار  
اولشدر وفی الواقع مفسدین حقنده علاج سیف غیرت دینیه قدر خیر اولمز که مفسدک قلت وبالله  
ومظلومک سلامت حالتہ باعذر کما قال مالک بن انس رضی الله عنه للحجاج حین استدعاه دمرک الله  
وقائک فقال کیف ذلک یا شیخ فقال الشیخ هذا خیرک ولغیرک حتی ابنای قره مانک نعدیلریدن  
اطراف دارالولایه ودست بردر هرناندن آئنده ورونده امین وسالم اولوب هر اس تیغ دعا لری جمله  
همسایگان وانبای سبیلہ سایه آرام وحصن حصین سلامت اولشیدی و یوغزل رعنا لری غونه آثار  
دلنشینلری و یاد کار یاران صدق رهینلری اولق اوز ره حسن الختام ذکر تحسین نظاملری قلمشدر  
\* (غزل رعنا از ان طاهر چلبی) \* هر که کبر دست پیش آن عنایت ابراست \* خرده بر کار بر رکن  
هدایت بد تراست \* کی توان از نقش یار قنار کس رایافتن \* در ره دل پایه کفتار زائر و کتراست \*  
بخیبر از لذت عیش و نشاط یکدمست \* انکه از افسون تن آلوده خواب و خوراست \* کرچه  
در کردار و کردش جمله همکاریم ما \* لبیک چشم و کوش سر از سر خود کور و کراست \* طوطیان  
کاستان حکمت و تسلیم را \* در مذاق جان و دل زهر شکبیا شکر است \* در دماغم رنگ زنگ  
وبوی مویست و مرا \* از سیه جوش بهاران سویدا غنبراست \* می نخواست و هیچ آزادی  
زینده بند کیش \* در رکب حضرت خنک کار طاهر قنبراست \* واطیفه کله قدسیه لری منیب  
نعم المرجع والمصیر اولد قدس جسد اطهر لری جوار تر به انور جدا مجد لریده مهبط انوار رحمت رحمن  
و غرقه احسان روح و ریحان اولشدر فطوبی له و حسن مآب \* (حضرت چلبی عبد الصمد) \* جناب  
مظفر الدین احمد پاشا ابن شریف عارفه بنت حضرت سلطان بهاء الدین ولد قدس سره الاحد احفاد  
کرامند صاحب ثروت عظیمه دنیوی و فائز بهرۀ وافیۀ دینیۀ اولوب نفس دارالولایه ده اولان سرای  
موروث حسرت انکار لری جلوه کاه عرفا و آرامگاه فقرا اولد یغندن ماعدات که کاه خداوند کاری  
والی یومنا هذا اثر انکار لری نمایان اولان بید سعید خدا سنده و راه عاشقانله جاده اهلای ملتقا سنده  
بر باغ ارم نظیر و زهره افز احداث و تزیینه آیدوب و متر دین کوشه کزینان ایچون حضرت آتش بازولی  
نور قمره العلی جوارنده بر زاویه لطیفه بنیاد و تعیین ادرات بالغام بلع بیور وب طاهر اوباطنا ساعی  
ترفیه اخوان الصفا و مراعی تدارک وقت خلان الوفا اولوب روز و شب صحبت علما و عرفا و فقرا ایله  
مالک عیش خوش و مستند زین کاهرانی وز پرده قباده مظهر اسرار آل عبا اولشدر و عیبه علیای

حضرت چلبی عبد الصمد

سرای سعادت نلری مقصد زائران سیما جان هفت اقلیم و سایه دولتری ملتجای هنرمندان روزگار  
اولغله زندگانی عارفانه لری رشک آورند بجان ملوک و غبطه فرمای اجله سلوک اولشدر و خاصه  
ذکر لری نام نامی واسم سائی الله الصمد و فوق شر یفلری وسیله فوز مراملری اولغله مدت العمر  
وجله الامر بی احتیاج التجای شاه و وزیر فتوحات غیبیه و موائد هبیه ایله مترفه و متمتع و در که حمد  
منان دن لای تقطع فیوض غیر متر قبله مغتنم اولشدر و اول مقام عالی و دار الضیافه ده شبوه عبد الصمدی  
زمان عقوق ناخلفان خلفایه دکن نظام پیشین اوزره باقی اولوب لکن اول نوبت بر نکسته قلوب  
زکیه آل خنکار اکبر کی الطرادا للباب اول بهشت آباد دخی خراب و بیاب اولوب انجق کسدر تریه  
رفیعه آتشباری مانند آتش منزل اول گروه پرشکوه بدن نشانه و ربیع و اطلالی کان کان لم یکن  
اولشدر متضرع در که ینه ایام سعادت انجام شاهزادگان خاندان خداوند گزیده برکت انظار حسنه  
و مینت هم علیه لریه احیای آثار و رسوم اسلاف کرام و تجدید عهد قدیمه کدشتکان بیور یلوب  
آثار فترت مرده مر قومین دخی کندولر کی محو و معدوم اولوب همان ذکر خیشلری باعث عبرت  
و تذکر غیرت اولغله دقیقه زال المانع و عادات ممنوع منصفه پیرای ظهور و ساحه آرای  
بروز اوله آمین یا مجیب السائلین بحرمة الشفیع الامین و دخی میانه کمر بستکان خدمات  
شریفه لرنده بولنان نوجوانان زائد الحسن و کامل الهام انه سبیله عروق سوء ظن لری خیان اولان  
سخن خیان (عبد الصمد نخواهد شد و لکن فی تریه الملاح و تمیة الحسان و محافظتم حسنات عظمه  
و برکات جسمیه) دم مردانه لریله سدر خنه دهان بد کویان ایدوب و سایه کرامت مایه لرنده بتوفیق  
الباری جل شانعه هر بری شاب نشأ فی طاعة الله تعالی و پیر روشن ضمیر و بهره یاب علوم نافعه  
و اعمال صالحه اولوب چراغ پر فرغ ارشاد افر و ختمه لری اولغله شهود عدول مدعای ولی النعمان لری  
اولشدر و مظهر آثار جلیله صمدیه اولدقلرین مؤید وقت ربیعده بر سیل مهیب المسیل ظهور  
ایدوب اطراف دائره سعادت لرنده خسارت محتمل اولغله خیر خواهان سد مجری و سکر مدخله  
اهتمام و اقدام ایلد کلرنده منع بیور و ب (عبد الصمد لای قصص فی الجلب و الدفع الی غیره ولا یعتد الی  
الاسباب و الصمد عز اسمه لایحیله الهیاء علیکم بالتظار و الفرج و حسن الظن به تعالی) نطق شر یفیله  
تحقیق و تعلیم عقبنده ذات ذوالبرکات لری مشغول ذکر الله العمد و متوجه محراب مدد اولوب هنوز  
عدم معنلرین تکمیل بیور مدن بتحویل الدافع المقدر روی سبل جانب آخره صرف اولنوب معنی  
حوالی شر یفیلرین آب افشانله تلطف و خار و خس و کرد و غبار بدن تطهیر و تنطیف ایلدوب  
و مقدار حبه ضرر دخی اصابت ایتیموب لکن محال سائرده کدکجه طوفان خروش اولوب قلع و هدم  
و غرق امثالی مضار بیشماره سبب اولشدر \* (بیت) لیلی هیچ آتی صنع صمد \* اختیار شرا کنند  
او کنند \* و اغلب احیان اجلاسات واقعه ده بالذات خدمت اخوان و خلانیه مباشرت و مبادرت  
بیور و بلا ابالی مواسات و تنطف نما اوللری دیدة قدر ناشناسان حکسده کلفت کون و خفت نمون  
اولغله انای جلوه عارفانه بقید انه لرنده (این طائفه ماخخدم و خادمند و ماصدق من خدم خدم اند  
و مخدومیت مایکاسته که بحسب الظاهر است و خادمیت مامضا عفت که من حیث الظاهر  
و الباطن است و بموجب المؤمنون من نوری خدمت شاهان بقین بحضرت نور احمدیست) وارد  
معارف مشکوئله خواب آلود کان غفلت حقیقت حالی روشن دل و دیده کثرت دیده و سرافات نوریه  
تفرقه ده سر منزل عین الیقینه ارشاد بیور مشلدر \* (نظم) \* نرد بانها ایست پنهان در جهان \* پایه یایه  
ناعنان آسمان \* هر که رانرد بانی دیگر است \* هر و شرا آسمانی دیگر است \* هر یکی از حال

حضرت جلای عبد اللطیف

دیگر بخبر \* ملک باپناوی پایان و سر \* سخن ارض الله واسع آمده \* هر درختی از زمینی سرزده \* و اولجوه کاهمشت اشتباهده عموما آل حضرت مولانا قدس سره الاعلایه و فقر او خلفایه ضیافت عظمای یوروب جلای فوق الحد ا کرام و احترام و تطیب عقینده بعد ازین در ضیافتخانه دارالسلام مشرف شویم عنوانله ایمای مال یوروب همان شب روز جذبه اشتیاق جمال با کماله شتابان سر پرده حضرت جلال و سمت مبینة مرقد منور اولو عارف قدس سره العزیزه غنوده جلباب عنایت حضرت وهاب ذوالجلال والا کرام اولمشدر ادام البر الوفاء احسانه علیه و علی اسلافه الی یوم القیام آمین یا مجیب السائلین بعزقه من له الشفاعة الکبری فی یوم الدین \* (حضرت جلای عبد اللطیف ابن جهان ملک) \* ابنة حسام الدین ابن امیر عبد الواحد اول ابن سلطان ولد قدس سره المجد نبیره زکبه لرندن اولوب تحصیل علوم و اخلاص اعمال و تصفیة اخلاق عقینده هوس تجرید علائق و آرزوی تفرید عوائق ایله مائل سمت سیر و سیاحت و انهای کشت و کذار لرنده محبیه حالب الشهباده مدرسه حلاویه ده مقام متبرک حضرت خداوند کاری اولق اوزره مشهور اولان حجره مقفوله ده ساکن و مدت مدیده اقامت انزو او خول اوزره اولوب یوما فبوما فواج مسکیه ولایت و رواج طیه کرامت لری مشام اعالی کبر و دماغ اهالی پذیرا و غله هر اسان آفت اشتهار و متوقی قنیه اختار و متوجه جانب دیار ارزنگان اولوب امید راحت و حدتله خزیده کوشه غریبت اولمشکیکن بحکمة الله الملك القدر بقایای کمنه سرخوشان صهبای ارادت و محبت عارف اکبر قدس سره ازهر استشمام نکست مأنوس قدیم ایتکله بیکپاره سر داده زانوی تسامیری و دست اعتصام در دامن حمایت پیرامن لری اولوب ذات شریفسازی نامنه بر خانقاه عالی بنا اولنوب اول مقام سامیده سجاده نشین خلافت و ملتجای مستترشدین طریقت اولوب قدم مینت توأم و سبایه رحمت مایه لرنده اصناف الطاف غیر مترقبه ظهور یله جمله سسکان ارزنگان مرید و محب لری اولغله من قدیم الایام مجمع متعصبیه اولان مملکت همت عالم تسخیر لر یله فتح پذیر والی آخر العمر رایت افراز بروز بالحق اولوب الی یومنا هذا اولاد و اعقاب لری آثار سطوت سیف و حایلر یله مغتنم نعم آسایش خوش و آرامش دلکش اولمشدر هرچنان باد ابد الابد بالنبی و آله الامجاد \* (مرید کره) \* خانقاه مذکور بنا اولوز مسائره سی تمیم و تکمیلنده جمله اغنیای بلده مالا و اکثر قرایدنا درکار اولملر یله علی طریق الامتحان امیرلوی مرقوم دخی صد دینار اهدا ایدوب مصارف مرقومه یصرف اولمغنی تعیین و توریة احتمال ادخار ایتکله قبول یوریلوب ماوکیل خرج کسی نیستیم و از کسی عمارت خانقاه نخواستیم عنوانله دفع و بر رقعیه \* (بیت) \* تابدانی که بزر طامع نه ایم \* مازرازز آفرین آورده ایم \* فارغیم از زر که مانس پرفسیم \* خاکرا سر بسر زرین کنیم \* دو بیت شریفین کاتب و میر مرقومه ارسال یورملر یله متأثر و خاطر گذاری اولان فکر نامه عقولندن استعفا و مالایه بدنا تعیم بر خانقاه و تعیین اوقافنه بذل مقدور و موجودله دائره ارادت صادقه لرنده امیر صوری و فقیر معنوی و منظور عین عنایت سر پیر مولوی اولمشدر \* (بیت) \* اذا صبح منك الود فالمال هین \* وکل الذی فوق التراب تراب و دخی خانقاه سعادت ارکان بجملة التوابع و كافة اللواحق تعیم و ترتیب اولنوب آیین اولیا و ارکان اصفیا اجرا سیله رشک شبت برین و درون و بیرون جسلوه کاه مریدین و مجبین اولغله صیت ولوله نای و قدوم کوشکندار سسکان علیسین و روز بروز دبدبه مولویه نشاط انکیز قلوب قابله و بازار زهد خشک سرد کساد زده اولغله رشکین رواج کار اولیا و مکدر کرد کساد داد دوست اهل هوا اولان

فضلاى فضولى مشرب اتحاد ايدوب معضلات حواصل شكاف اهل ظاهر اولان احوال ورسوم  
 طريقة اولويه ده بحث وجدال وبلکه قصد الزام له حاضر پای منبر تذکیر حضرت چلبی مشارالیه  
 اولدقه مافی الضمائر منعکس مرآت حاضر فیض مآثر لری وجوش آور حجت مردانه لری اولوب  
 بالبداهه برخطبه بلده حقائق انشاد بیور وب وعظ وتذکیره شروع وصدد برمدد لری دخی من  
 الاول الى الآخر مشکلات مستحضره لرینک حلنه مناسب ظهور اتمکله دفعه جمله سنک عارضه  
 انکار لری مندفعه وعقد اشکال لری منکله اولغله معارضه به متحد اولدقلری کبی موافقه یکرل  
 اولوب هر بری کونا کون نیاز وقرابین ایله سر نهاده زانوی بیعت لری وکلاه پوش ارادت لری اولوب  
 معصوم الظاهر والباطن بر مرد میدان طریقت وحقیقت ومعرفت اولمشدر فبشری لهم وحسن  
 مآل وتبرکات ویتنا خطبه مرقومه بی استنساخ و دیبا جهز یب مجموعه درون اخلاص مشکون وبادی  
 انشراح صدر اولق اوز ره یاد کار معاصرین غائبین و اخلاف مسترشدین ایتلریله حسب التوفیق  
 حسن ختام ذکر رحمت فرجام لری قلمشدر \* (فهذه هی الخطبة الشریفة) \* فحمد الله حمدا علی  
 ما اولانا مولانا السلوک بالصافات الجیاد النورانیة الى المنازل الرفیعة الروحانیة العرفانیة مقتفین  
 أثر الاولیاء الوارثین سیر سیر سید الانبیاء فی سن سنته السنیه حتی ان فصلنا عن اسافل الانانیات  
 وانسجنا عن النسب والاضافات المفضیة الى درک الفراق واتصلنا بأعلى الشئون واستغرقنا  
 فی الهویات المفیضة نوال الاشتیاق فتابی الا الظاهر والمظاهر وما فی غیر الاغیار الکوافر  
 فأن من أمثالنا الاتهام بالهوی وما لنا باستماع الملام من الوری ان بطش الرب لشدید وما هو  
 بظلام للعبید فیا من تحیر فی أمرنا وتوله فی سرتنا فاعلم أن الأطباء الاعلام جعلوا ترطیب التطریب  
 تدبیر السقام الافهام وخرجوه بعقاقیر المعارف تنقیة عن اکدار الاوهام الى أن طارت القلوب  
 ودارت القوالب وطابت الارواح وذابت الاشباح وسارت الانراح وجاءت الافراح فشکرا ثم  
 شکرا علی ما أفاض من کؤس الوجد والحال علی رؤس مشاعر معاصر الرجال وأجال نقطة  
 الوحدة علی دوائر المریدین المتوحدین وأحال الحول بحوله حول مدار أحدات المتوحشین وأثار  
 براهین المحبین بالعنایات الباهرة وأباد آثار المتمردين بتدمير السطوة الظاهرة وشید مبانی المتحدین  
 بجمع الشمل وصفوة الاوقات وشتت جمع فرق الفرق بعواصف التفرقة والآفات فالتمس له ثم  
 التحیة السرمديه حیث رحم الداخلین تحت الانابة ورجم الداخلین بسوء الظن والاساءة فکبوا  
 بحصائد ألسنتهم علی المناخر وأهلکوا فی فیا فی الخیلاء والمفاخر وصلاة ثم سلاما علی من حی خربه  
 بنسائم أسرار سره العظیم وقرع یون المشتاقین بتباشیر بره العمیم فهیات هیات الخوف من  
 لومه اللثام وعلی آله وصحبه الکرام ماضت الصلاة بالسلام \* ودخی اکثر اعوام شریفه لرینه  
 خواص احبابه زیارت کعبه العشاق تربه معظمه جد بزرگوار بیور وب اغتنام اذواق بی نهاییه  
 ایله مقرر خلاف قلم لرینه رجعت ایلد کاری مواسم توفیق ثنوبه آخره سنده احتراق بی اندازه ایله  
 وداع بیور وب بعد ازین بجوار چراغ این تربه خواهم رفت روضه قرب رحلت لرینه ایما و فی الواقع  
 او اخر سنه مرقومه ده متوجه سر پرده خنکارا کبری وزیر خیام افلا کدن رختکش آرام اولوب  
 طی طومار حیات مستعار ایتلشدر ومقام شریف لرینه قرن بعد قرن اصلح اولاد کرام لری استخلاف  
 اولنوب اجانب بانهاد سجاده اختصاص لری اولمشدر ووجود نازین لری درون حریم خانقاه لرینه  
 خالک بالک اشارت کرده لرینه غنوده خواب راحت فنادر ادام الله تعالی وجوه اکرامه الی یوم القیام  
 واقام خیام حمایه روحانیته علی مفاوق الانام آمین بحرمه السید الامین \* (حضرت چلبی عبد

الکرمیم) \* تقاوه سلسله از کیه احفاد ذوی الاحترام مخدوم سامی چلبی محمد صادق ابن امیر عادل ابن بهاء الدین سلطان ولد قدس سره الاسعد وسلافه طاهره سلاله بهیه اسباط کرام حضرت امیر عالم بزرگ اولوب ذوالجناحین شرف انساب خاندان صدیقی اولدیغندن ماعد اولایت مادر زاد وکرامت خداداده میانه اولاد عظامده مشار بالینان ومعروف علوشان ومقیمین ومسافریندن آرزومند مشاهده دیداری وحسرتکش تلقی کفتاری اولنلرک از دحامی وکیفیت خاصه نادره لری خصوصه عموما واصفین احبابک وفرت مدایج رغبت انتظامی دائره درون احتیاط مشحون لریده دغدغه فرسای صفای وقت اولغله حالاجلوه کاه عاشقان مولوی اولان زاویه دورودی احداث بیوروب ومرحوم ومغفوره جل علی حضرت تلی نیش سرمر قدس یفرلنده اتخاذ وحدتخانه ایله یا کشیده محافل ورکردان مجالس انشای زمان اولغله میمنت قدم سعادت توأملری ایله اولحوالی معهور وجای زهت وسرور اولمشدر وجوار سعادت لری نه مسجد شریف وجامع منیف وحمام لطیف بنا اولنوب وباعات اطراف فی دخی مریدین ومحبین تملک وتریه ایدوب صبح ومساجبت خواصله اوقات گذار اولمشدر فی الاصل اولحوالیده انجق جل علی حضرت تلی نیش تربت شریف لرندن غیری اثر عمران اولیبوب بلکه عمارت جانب مراره مخصوص امیش لیکن فیض لطف سایه وبرکت حسن نظر لری اول موقع فرح فرای مرام ثانی وکوشه قناعت توشه لری نه زهت سرای عارفان مولوی ایلوب اولقدر زائران اخوان وخلان ممنون الوان نعم وسیر خوار ضیافت سباط کرم لری اولمشدر که کویانم خانه غسین پی اندر پی امدادی بیوریلوب هر مهمان دارا الضیافه لری آرزومند اولدیغی اطعمه نفیسه بی آماده بولغله مطبخ عامره لری وفهم ماتشتمی الانفس جامعه قدسیه سبیل نامزد اولدیغی رسیده حدتواتردر حتی متعجبین طور محیر العقول وطرز حسرت الفحول لری نه (ان الجواد الفیاض الباسط یحسن للنواص فی الدنیا مثل ما یحسن للعوام فی الآخرة فخطور البال عندهم علامه الحضور فی الحال) جواب محرر لریله سداب سوال مقدر بیوروب والخصوص مع الخطوط نفس متعبر لریله حکمه بالغه عادت متقنه صمدیه امضا سنده اشارت بیورمشدر \* چنانکه کفتند \* هر چه در دلم آید از درم در آید \* حضرت جل علی خا کزادان ماوراء النهر دن اولوب ملازم رکاب همایون حضرت سلطان العلی ومهاجرین انصار اولی النهاده مر دغریب الشکل وعجیب الیهیکل رفیع القامه وعظیم الجثه ومخصوص خدمت لایائی شاهزاده محمد جلال الدین اولوب توطن قلب شریف لری وتألیس طبع لطیف لری قصد یله تقلید اوضاع شترانه ایله تجمل اتمکین جل لقبه مدعو وجانب سلطان العلی قدس سره الاستناده نعم الزاکب ونعم الجمیل تحسینیه مشرف اولمشدر حتی مشهور در که اکثریالباس درویشانه تلبس ایدوب نشست وخیز خدمات علیه لریده چابک وچالاک ایکن اتفاقا مجاوز ساق وملاصق کعب کند ولره برقیافت اولوب تلبس اتم لریله جناب شاهزاده جلالت نصاب رکوب دوش جل قدیم لرندن اباییوروب وقتا که نزع ایدوب جامه قلندرانه مأنوسه سین تلبس ایدر کده ینم رغبت نامیه ایله آشنایی ورکوب بیورد قلندرانه متفرسان حقیقت حال تجمل مر دازر تجمل بایدنه تجمل مضمونیه یکزبان تحسین کمال مادر زاد جلال الدینی اولمشدر وسابقا تربت شریف لری حریم زاویه مرقومه ده ایکن مرور اعصار له حریم زاویه شریف یفه تغیر وتضییق طاری اولغین حالاجوارنده اولوب بی ادیان زمانه پیشگاه مرقد مقدس لریده قهوه خانه احداث اتمشدر \* (ومریدر که) \* حضرت چلبی عبدالکرمیم متعنا الله بیره العمیم جناب کرامت مآبک اکرام اخوان وخلان خصوصه ایلد کاری مبالغه تک حوصله کان خدای سوق میانه اسراف

و تقیر جراته اولد بجه لاسرف فی الخیر ولا یصیر عبد الکریم لثیما فقره سیله مقابله واقعه کریمانه  
 بیور و بینه وضع قدیمی اوزره احترام آئنده ورونده بدل موجود بیورملری آشیزلرین  
 تجاوز حد دقاند و تجاسر دقت سائق اولغله بقضاء الله تعالی وقت غیرت مردانه لرینه مصداق  
 اولوب تراز بان بند باید دم کرامت توأم لری ایله سدر خنسه عجز و دق بیور و ب آشیز قوم لال ابد  
 و محروم نعمت اولشد رحیم الله امر اعراف حده ولم یعد طوره \* (دقیقه) \* ملوک ظاهره سلاطین  
 باطنه حضرت ائمه ظلالی اولدینی براهین کشفیه ایله ثابت اولشد پس امدی ملوک حقنده ایاکم  
 و الملوک فانهم یستعظمون رب الجواب و یستحقرون ضرب الرقاب مضمون عبرت مشکونی حسب  
 حال اونی اوزره امضا کرده ارباب تحقیق اولیحق سلاطین معنا که جواسیس القلوب و اصولدر  
 بهم حال فروغ اوزره مزیت لری مقرر در سعادت اول مرید و محبه کیم حضور و غیبه مراعات آداب  
 صوری و معنوی اوزره ثابت اوله که من ثبت ثبت فحواسی اوزره نبات ثمره معشوق نبات اولدینی  
 بدیم بدر بلکه اثر نبات معتدیه در که نبات علی الادبدر کما قبل الادب علامه سعود الطالع و طلیعه  
 العقل القامع و حضرت موسی الیه مقدار جل سال اول جلوه کاهر عناده اوقات صافیه گذار و قبیل  
 الوقات نفس دار الولا یده اولان سعادتخانه لرینه نقل بیور و بی الصبح و المسام و اجهه تربه  
 مقدسه جد امجد لرینه متوجه و مراقب و دست شوی سفره تنعم و پاکش حلقه صحبت اولوب  
 جل و زمر ورنده عبور قنطره فنا و نزول منزل بقا بیور و بر وضه الارواح مولویه ملحق  
 اسلاف عظام اولشدر نور الله قبره و ضاعف اجره و مقام شریف لرینه فرزندار چندی چلی سعید  
 قائم اولوب انلرک دخی زمان سعادت عنوان لرینه و الدما جلد لری کبی اول بقعه بهجت افزا محراب  
 دور و دآلا و نعمما اولوب بعده مستحقین فقر از او یه دار تعین اولنه کلمشدر و حالا بقیه آثار  
 روحانی لری سرمایه اغتنام وارد و صادر اولدینی ظاهر و باهر در حتی بوخاک پای فقر ایام کثیره  
 من حیث لا یحسب اخوان و خیلان ایله فوق المرام معتنم و جود و ذوق و صفای و ممنون عنایات  
 روحانی لری اولشدر که مفردات فتوح نعم غیر مترقبه تفصیل اولنسه بالکلیه کرد تر دزائل رفت  
 و ر و ب ریا ح تودد اولور ایدی ولیکن الحبل لا یتحمله \* (قطعه لراقه) \* ایتسه طوفان حوادث عالمی  
 یکسر خراب \* ذکر خیر یله ینه مهمان سر امعمور در \* مردم چشم کریم اولنر سیم روز لحد \*  
 شیخ راغ جود دن چون دخیه سی پر نور در \* (حضرت چلی جلال الدین) جناب ولایت مآب  
 و نجابت نصاب امیر عادل کوچک ابن صلاح الدین بن امیر زاهد بن چلی عابد بن بهاء الدین  
 سلطان ولد قدس سرهم الاسبعد اسباط عظامندن اولوب عمران طاهر و باطنه فائق الاقران  
 و بوستان ولا یتنک ازهار و ثمار کراماتی ایله اخوان و خیلان ممنون صنوف احسانی اولوب بالذات  
 متکای خلافت عظمای تربه معظمه یه شایسته برشاهزاده کامل و مکمل ایکن استعدای  
 سلطان مراد خان ثانی ایله ادرنه خانقاهنه استخلاف بیورلشدر که واسطه دولت و متصف سلطنت  
 پادشاه مرقومده ناگاه عسکر سرای و دشته خانان قریمدن برخودین اول سلطان دین اوزره هجوم  
 ایدوب مصلحت دره سی دیمکه معروف محله کیمینسا زاتم از فرصت اولدینی معلوم شاهی اولدقه  
 ارسال رسول و استخار باعث نزول اولند قده دماغ پرش و شورنده غلبه سودای ادعای سلطنت  
 مور و نه جنکیزیه اولوب آمده حرب و قتال اولدینی معلوم طوائف سیف و قلم دولت اولنجه بعد المشاوره  
 اوائل فتح دیار روم ایلی اولغله بالکلیه اقدام قتالی معقول عدا یتیوب ماجرا نزاع دولتدر سیوف  
 غزات موحدین آلوده خون ناحق مسلمین اواق مشروع دکنار دفع مفسده اتمده مصلحت اتم الصلح

حضرت چلی جلال الدین



واما الامتحان مضمونی امضا کرده جمهور عقلا اولمغبین خان خائن صلحدن ابوشقی امتحانه حریص  
اولوب میدان امتحان حالامدقنی اولان مقامده یوم میعادده خواص میرزایان ویم ادران تاتار له انلر  
ووزرا و امرا ایله یونلر صف کش وایکی غریم متوجه صحن میدان امتحان اولوب لیکن طرف تاتار  
تاریک درون و بی بهره بصیرت و جانب پادشاه با انباده روشن کوهر و بهره یاب شهود اولمغله آتی دره سی  
دیم کله مشهور محمدن ایکی درویش مولوی الارنده اولان ایکی قطعه پای بندله خانک یای اسب  
هجومنی بسته بنداد بار ایلدن کارین مشاهدده ورکاب ثریا انسا بنده ملازم وزیرایه تشبیر بیور مغله  
جمله پیشین مبتهج اقبال اولوب همانا پادشاه مؤید من عند اللهی ظاهر انخیف وضعیف و کندوی  
جسمیم وزیر دست کور مکه فتح باب جنکه عجله ایله تحریر کاب مر ادا یلدیکی آنده یابند غیبی  
اجرای حکم ایدوب قدم اولده اسبیله معاصر نکون و سرانداز اولوب مر ادخان غازی مانند شاهباز  
سینه پر کینه سنده بولنوب خنجر نیزه سر بی دولتمین بدندن جدا ایدوب آتش فتنه سنی اطفا و زمرة  
تاتاری حلقه بکوش اطاعت ایلوب فی الاصل ذات ملکی الخلقه و ملکی الصفه لری جلی امیر عابد  
طرف باهر الشرفلرندن عرقیه پوش اولمغله بود فعه جلوه کرساحه امداد اولان عنایت خفیه بالکلیه  
ربوده عشق حضرت خداوند کاری ایدوب یوم قوله کرم عیدیم النظیرنه تقدیم خدمات شکر بنده  
حیران و متوجه محراب استخاره اولد قلرنده مانند قنبدیل محراب جمال جلال الدینی ایله دیده جان  
مشتاقی روشن اولوب این دولت شما الی آخر الزمان در سایه حمایت روحانیت ماست تار جانش  
از زیر این سایه سرکش نشوند باز دیاد اقبال و نصرت و ظفر پر خوردار باشند و شکر این نعمت  
بقای حیات واستقلال ملک برای فقرای طریقت مابینا دنا قاهست و بد اثره او چون کاه کشان  
از کاه نشانی ریخته شدن نفس قدس سیر یله تلقین لازمه همت خسروی بیور یلوب غلبه نشاط آشنائی  
خنک کارا کبری خمار شکن خواب کران اولوب در حال دولت بیدار و ش جمیع رجال و تقریر واقع و علی  
السحر روی زمین جوار لرینده که کشان اشارتین واقع معاینه بیور ملریله جمله نل صدق و اخلاصی  
نا کجای حلقه تعریف و توصیف اولوب همان آن حفر اساسه مبادرت بیور یلوب بعد التکمیل  
هدایای بهیه ایله سجاده پیرای خلافت کبرای مولوی طرفندن نیاز مند استخلاف اولوب و اول حین  
میمت قرینده شایان مشیخت خسروی حضرت جلی مومی الیه اولمغله منشور خلافت خانقاه  
شاه مرادی نام نامی زدلری و هزاران عز و شرف و سعادت و جم غفیر اخوان و جمیع کثیر خلانله  
تشریف فرما اولوب روز غیر وز قدوملرنده بالذات و بحمله الرجال شاه غازی مرقوم استقبال  
بیور وب کونا کون عواطف و احتراماتله استجلاب انظار حسنه اولنوب لیکن وقت امداد  
معهوده ده معاینه بیور دقلری ایکی درویش لبری ذات شریف جلال الدینی اولدیغی بود فعه جمال  
آفتاب مثاللرندن رأی العین بیدار اولمغله عرقه حیرت و پذیرای منت بی اندازه اولنجه کرم شاهان  
از روی بند کان نمایان کردد مضمونیه اصل عنایت جانب جناب خداوند کاریدن و کندولر آت  
محض اولدیغین افاده ایله هضم بیور ملری اثنا سنده خاطر شاه مر ادعجا ثانیلری کیم اوله معناسی  
خطور ایلدیکی عکس انداز آینه ضمیر منیر لری اولد قدده اورا همان خواهید دید عنوانیه کشف  
و تشبیر بیور مشاهددر لیکن انتظار وعد کریم لری زمان وفاتلریه متمد اولوب کندولر د نصیره  
مسند آرای خلافت خانقاده مرقوم قنغی ذات ملکی الصفات اولق کر کدر دیو طبع هما یونه عبادت  
و ابدینلرنده افکار استکشاف ساخت اولدیغی کشف بیور یلوب و ما بعد الجلال الالجمال کله  
جامعه سبیله پرده برانداز روی کار بیور ملری اوز ره وفاتلری معروض آست تانه خداوند کاری

اولدقد برادر جان برابر لری جلی جمال الدین حضرت تهرینه خلعت خلافت الباس بیوریلوب جانشین  
برادر مهینلری اولوق اوزره تشریف لری کافی الاول استقبال اولندقد مرآت جمال الدینده  
تشریف لطیف و اثر و عد کرمیلری نمایان اولنجه ثانی انبیین اولدقلری ظاهر اولنخله طبع پاک  
پادشاهیده اولان نائرة فراق جلالی بر مقصد ار بروی جمال الدینله تسکین یاب و سرجامه و ما بعد  
الجلال الاجمال کاتفلاق الصبح عیان اولشدر و حضرت شاه ابوالغازی مد الله تعالی ظلال  
شفاعاته علی مفارق عصاة العرصات اول قطب یگانه و غوث زمانه محضر نه علی الدوام قائم مقام  
ارادت و ملازم لوازم صداقت و مستفیض انتظار حسنه غوثانه لری و بربر لر یله ظاهر و باطن اولنخله  
مجمع عالی لری محل قران قطب صوری و معنوی اولوب تمام قرائت مشنوی شریف و منطلق الطیر  
والهی نامه ایله مستعد اولشدر و سابقا جامع شریف سما غخانه و حالا سما غخانه قصر حوض دار  
اولوب ایام سماع و صفاده خواص و مقربین لری یله شاد بانه تشریف بیوروب حضرت جلی  
ایله صحبت خاص و ملازمت مجلس تذکیر مشنوی و مداومت حضور بزم آیین مولوی و تین کلمبا نیک  
خنکرا کبری بیوروب معتنم موافق و اندام نازنین و متمتع لذات نعم و جانبین اولشدر بعد زمان  
وضع قدیم تبدیله بادی محکمه ایراد اولنور حتی تأثیر فیض صحبت پرکرامت لری شاه ذوالسلطنه یی  
دلسرد التفات چند تخته بندار بیکه و دیم شاهی ایتکه هر روز و شب مسکن خاص لر نه لابس کلاه  
و لباس درویشان اولوب بالکلیه دفع دغدغه دولت و ترک ولولت سلطنت مراد ایدوب شاه ملک  
نامرادی اولوق تصمیمی ایله دست تسلیم بر سینه نیاز و یای بر پای مقام رضا اولدقلر نه  
\*(التفت الساق بالساق الی ربک یومئذ المساق)\* مصداق کریمی اوزره منتظر اشارت حکمت  
آیات مرئی مکمل اولیق سلامه الا کدار فی تسلیم الاقدار الخیر فیما اختاره الجبار ما کان لکم الخیره  
فی الاطوار نفس انفس لری یله منزلت رضا و تسلیمه ارشاد بیوروب مشنوی شریفدن \* از رضا که  
هست رام آن کرام \* جستن دفع قضا سان شد حرام \* در قضا ذوقی همی بیند خاص \* کفرشان  
آید طلب کردن خلاص \* نظم شریف لری یله استشهد اذینلنده (علیکم باهتمام القلب فانه منظر الحق  
و ملک ملک الوجود و القاب منظر الخلق و تبع له) دمر و ح بخش لری یله ختم کلام ارشاد نظام  
بیور مشلدر و موجب تنبیه نیه لری اوزره جنبش و آرام و صورت شاهانه لرین برده بیور  
سیرت درویشانه ایدوب کمال عرفانه کامران و کامبخش پیر و جوان اولشدر و آحرار رتبه رفیع  
ولایت و منشأ خوارق عادت اولشدر و طوبی له و حسن مآب \* و بالذات تخصیص و تعلیل مزارع  
و فرایله اکرام اولوق استمراجنه نام بنده بجز دفتر خداوند نشاید دفعه سیه مقابله رجای قبول  
بیور مشلدر حتی معروض جناب لری اولوب و طبع پادشاهیده تصمیم بیوریلان قرا و مزارع  
بعد الانتقال جلی جمال الدین حضرت تهرینه تخصیص و تعلیل اولنخله اندرخی اولاد کرام لر نه  
وقف ایتشدر که لوای قره حصار صاحبده کزل و قشلاق و حقتلک نام قرادر کثر الله  
خیرهم و ضاعف اجرهم و قبیل انتقال لر نه قلیل و کثیر تولید و طریف تحت ید لر نه بولسان آثار قنوجی  
بالجمله فقر و مستحقینه اتفاق ایدوب روح تابنا کلری کبی مجرد آدمیم و پاک رویم نکته لطیفه  
سیه نغمه سرای سرنویر لری پرواز عالم سماک و بدن معصوم لری بی پاک جهت قبله جامع شریفده  
غنوده زیر جلباب خاک اولشدر و بعد الوفا مرقد مقدس لری لیا لی مبارکه ده مهبط انوار اولدغی  
کرار و مرار معاینه اولمشدر کاهی پی اندر پی مانند کواکب ریزان اولوق اوزره و کاهی ستون  
آساده سینه لر ندن مقعر فلک قره عباس مشاهده اولنوق اوزره شب بکیران فقر و احبابدن علی

حضرت چلبی جمال الدین

وجه التواتر ثبت کرده جراند روایات موثقه در بردفعه مؤذن درویش احمد محترم و وقت تجسید  
 علی شرف المروزاو لوب عدم مبالا بشریه بینا عتیم ایدوب تجسیده یا مولی ایلده ابتدا ایلدیکی ساعت  
 قبرش یقیندن رغد شدید و برق مدید کند و به توجه ایلد کده بیم احتراقله مد هوش اولوب سائر  
 مؤذنین بی هوش اولدیغی حالده کند و بی حجره سینه کتور و بوجه دما هه اسیر فراش اولوب بعدینه  
 صوب سعادت روحا یلریدن برکت دستسود غیبی ایلده مغتنم عافیت کما کان اولدیغی رسیده حد  
 تحقیقه رافاض الله تعالی علی الاخوان سجال آخسانهم و آنال بتوفیقه الحلالن کؤس انعامهم  
 آمین یا مجیب الداعین \* (حضرت چلبی جمال الدین) \* علوم و اخلاق را عمالده همدم و عرفان  
 و ولایت و کرامتده همقدم برادر بزرگوار لری و توانان مادر طبیعت و احدده حقیقت سرشت اولوب  
 انجق مرآت وجود بهود لری بحالای انبساط و تحمل و دائرة جمیت پر سود لری مدار نشاط ارباب دل  
 اولغله سایه همت همای ذات لری دارالدوله ادرینه بی ختم کاه قیوح و نصرت و ظفر ایدوب یوما فیوما  
 طالع مسعود شاه درویش دوست رفی اوج استیلا و استقلالده بر تواند از اطراف عمالک اولغله  
 محض ایدوب سعادت زائد الوصف اثر انضمام همهم سامیه مردان خددا اولدیغی مفهوم رشید و یلید  
 و مسلم شفی و سعید اولد قده کمال جمال الدینی غلبه سینه حمل اولند یغی مسموع عمر یقاری اولد قده  
 الفضل للمقدم مقدمه مسلمه سین منای بیان ایدوب کمال جلالی در باب تخلیه بوده است که تخلیه اساس  
 و اصل تخلیه است کجا فرع ارباضل ضربت خواهد بود نفس نفس سیرله دفع توهم و وضع جناح انصاف  
 و رفع ریاات هضم و تواضع بیور مشلدر حتی السنه عرفای و قتلرند نعم الوقت و قننا حیث اجتمع فیه  
 جمال الدین و مراد الدینا ترکیب جمیلی ادوات ادای شکر نعم ذوالجلال والا کرامتین اولشایدی  
 و زمان خلافت ولایت عنوانلرند حکایه حمایه سرخسکارا کبری شایسته و کوشکدار سخن  
 فهمان طائفه تاتار و هدا یای بهیه و تقاریق نفیسه ایلده رومال عیبه محبت لری و نیاز مند همت  
 علیه لری اولد قده تبر توجه ماهداف اعلار سید و کار تمام شده همانا دعای خیر مردان خددا ابراست که  
 ربه الطاعت در رقبه امتثال امثال شما مستحکم بادا عنوانله استمداد لری نه مساعدده بیور ایدوب  
 و شاهد توجه موجه لری بکروی و جانب جناب دولت عثمانیه لازالت دعائهم نصفه قائمه الی قیام  
 الساعه به اولدیغین اعیان و کرمه سائر به حسن اطاعت و ائمه ازله توسیه بیور ملایک بفضل الله تعالی  
 الی یومنا هذا آثار جمیل و برکات جمیل لری کالشمس فی وسط النهار بدید ادریده اعتبار یار و اغیار در  
 و حضرت شاه عالم کادخی فوق الغایه قدر آتش نای ذات و محرم اسرار زمان لری اولوب اوان اخراج  
 توغ پر فر و غ و ضرب خیام و قن غصت جهادده مقتضای ارکان طریقه صمدیه اوزره مستخدمهم  
 و مستظهر قلوب فقراء باب الله اولم لری مهمتیه ظاهر بالحق و فی الخسبته ارباب تحفه ملکی  
 اولشلردر \* (مثنوی معنوی) \* آن دعای بخودان خود دیگر است \* آن دعا زو نیست گفت  
 داو راست \* آن دعا حق می کنند چون او فناست \* آن دعا و آن اجابت از خداست \* واسطه  
 مخلوق فی اندر میان \* بخبر از لایه کردن چشم و جان \* بندکان آن رحیم و دربار \* خوی حق  
 دارند اراصلاح کار \* مهربان فی رشوتان باری کران \* در مقام سخت و در روز کران \*  
 هین بجو این قوم را ای مبتلا \* هین غنیمت دارشان پیش از بلا \* (مرویدر که) \* آخر خورنده ناکاه  
 صلابور و ب عین الجمع خلانله سیر باغ خاصلرینه توجه اتناستده تا در باغ لطیف لری نه وارنجه آثار  
 خزان غایبان اولوب حرم باغ لری نه قدم کرامت توأم نهاده اولد قله رنده بعض استجاری از هاری و بعضین  
 اثمار ی ایلده و کابلری پر کل خندان و بلبلانی نالان و هزار دستانی ماجرا کویان و چمن و شکوفه لری

کمال جوش بهاران اوز ره مشاهده ایدوب و نقد صفای روضه بهشت ایله خوشوقت و تهنیت  
اولدقلری حیرة الحضار و حسرة النظار اولوب هر کس موجب صفوت قریحه ایله مقتضای نشاط  
ترنم خیز اوز ره \* (نظم) \* هر سرخاری آن شمع تجلی میزند \* تا کد امین آتشین رخسار ازین  
صحر اگذشت \* مشک میجوشد بجای خون ز داغ لاله زار \* تا ازین وادی کد امین آهوی  
مشکین گذشت \* خار دیوارش همه گلخیزد ریایزشد \* از زمین باغ ماند خضر قرخ گذشت \*  
ایست مناسبه الحال ایله بواسطه و نغمه سرا اولوب همانا وقت رجعتده بنه در باغ فرحفر ازین  
طشهره حقد قد برک ریز خندان غیری و آثار موسم خریغدن ماعد ابرنسنه بدید اولوب مانند  
واقعه اول غمناش واقع چشم بندتوت قدس میله نابود اولدیغی معروض حضرت شاهی اولد قدده  
آن عکس جمال الدین بود شما بعکس از اصل غافل بودید و ما همواره آن بهار همیشه را در باغ جمالش  
می بینیم دم حقیقت تو املری به بینماده اولان مراتب آشنایی دن حسب مساعده العبارة بنده فرمای  
بیان و صورت کرامتله سیرت صاحبندن محبوب اولدقلرین عیان ایتسکه بنم ارشاد آرا اولمشدر  
\* (مشوی) \* کشت دریاها منخرشان و کوه \* چار عنصر نیز بنده آن کوه \* این خود  
اکرامیت از بهر نشان \* تابیند اهل انکار آن عیان \* ودخی ذات پر برکات حضرت جمال  
الدینی گویا کردن دولت شاه مرادیده هیکل امان و حرز جان ایش همانا که جمال دین زیر پرده فنا  
اولد قدده اطراف ملکیتدن هجوم عام ظهور ایدوب قوص او وده وقعه سی باعث پریشانی جمعیت نادره  
زمان اولمشدر و وجودش یقلری جوار برادر برز رکوار لرنده آسوده تحمل انقال حواس جسمانی  
اولمشدر نور الله مرقده و علی مدارج القرب اصعدده آمین بحرمه سید المرسلین \* (حضرت چلبی عبد  
الجلیل) \* سالف الذکر الجلیل چلبی علاء الدین قدس سره العزیز بنای کرامتدن اولوب والد ماجد  
لرندن تکمیل علوم ظاهره عقینده حجات آستانه سعادتده انزوا و تصفح آثار کار طرق موصله ایله  
حسب علو الهی نصاب اسلاف عظامله عمل و ریاضات شاقه و مجاهدات فوق الطاقه تحمل  
بیور و ب من عمل جماعلم و ربه الله علم الم یعلم مصداقچه علوم و اعمال و اخلاق و عرفانده یکنانه زمان  
مشار بالبنان دوران اولوب صدور اشارت و حانیة جدا مجد لرله خانقاه مصر قاهره به استخلاف  
اولمشدر \* (مر ویدر که) \* فی الاصل دار العزیز مصر قاهره ده خانقاه مولوی جامع از هر جوارنده  
زاویه حاده و شتک اولوب لکن نظرگاه حضرت سلطان دیوانی قدس سره النورانی اولغله منفرجه  
معنویه و مهبط انوار فتوح و حانیة اولوب نوبت حضرت چلبی مشارالیه کلنجه اول بقعه مبارک جای  
آسایش سیاحین اولمشیدی لکن زمان سعادت عنوان لرنده همان ملازمین خدمات رکاب همایونلری  
حلتان اولغله بوجه من الوجوه قابل سکای عین الجمع اولمغله بر روز فیر و زده حضرت شاهزاده  
والاجناب میدانی بنده لرینه خطاب بیور و ب در میان زندگان مارا یل جای قابل سکین نداده اند این  
مجاهد را بردار و بمیان مردگان قرافه برانداز تا در انجایی مضایقه آسایش چند روزه کنیم دم غیرت  
توأم و فرمان قضا جریانلری اوز ره درویش نفس بنددخی مجاهده ارشاد پیرامنلرین بردوش صدق  
ایدوب باب زاویه فرقه به توجه ایتد کده حضرت چلبی دخی غرضت پر حکمت بیور و ب مانند  
ذرات جمله ارباب ارادت اول مهر سپهر و لایته پیر و اولوب بواسطه اوز ره قلب الهام نقبلری  
قلب مکانه تصمیم ایله قلب صفا اخوان الصفا ده بر تواند از در دیوار و بام جانبین اوله ورق سوق الصلیه  
جوار فی تشریف بیور دقد دنا کاه رجال دولت مصریه ده بالفعل عمید الاقلام اولان رشید فحاشه  
مصادفه بیور دقلرنده اول مطلع خرسید فراست کیفیت حال و مآله منتقل اولوب اسب صبار فتاردن

حضرت چلبی عبد الجلیل

نزول ایدوب دست بوس لر به مشرف اولد قده دعوت داعی خانه قصد یله و براه صوب سعادت لری  
اولد یغین عرض حضور عالی ایدوب هزار ایتاله نیاز مندا اجابت اولنجیه کرم و لطف و مساعدت  
رجای پراخلاص بیور و بسرائی عمید سعیدی پرنور جمال ایلوب هرگاه که صوب مصممه حرکت  
اشعار بیور سه لرتکرار مکث و آرام بیور ملین اقتراح ایتکه مهمانی سه روز باشد بعد ازین رفع  
کرائی میاید لطیفه لر یله مقابله فرما اولد قلرنده عمید مخلص دخی مهمانی در خانه دیگران باشد این خانه  
آن مردان مولو بست عنوان یله عرض خلوص و برقطعه وقفیه معمول بها کتار سجاده مبارک لر یله  
وضع ایدوب کندوسی لباس خاص ایلد استئذان و داع ایلد کده مناع خیر بودن و قبول ~~کرده~~  
حقرا در کردن نشاید مقدمه شریفه سبیله عمل و بشیر و قبول بیور و بسرائیام ضیا قنده عمید  
صادق حرم و اسباب سائر حسن سرائی آخره نقل و بساط و اوانی و ذخائر و لوازم مطبخ مقوله سن  
ابقا و سرائی معهودی بحمل التوابع والاواحق ققرای حضرت مولانا قدس سره الاعلا یه وقف  
و وقفیه سن تحیح و تسجیل ایدوب انحق عرض مقصده بهانه جوان و وقت مناسبه نکران ایش  
و اتم از فرصت ایدوب نائل مرام و منظور اولیای کرام اولوب جناب شاهزاده ولایت نصایب قیام  
و قعود لر یکنده بونک کبی فتح من حیث لا یحسب ظهیر ایدوب اتسای حرکت و نهضت لر یکنده عدم  
تحمل و اضطبار لر یکنده حمل ایدوب لر جنیش و آرام لری تهی اولد یغین ابقان و اذعانیه موفق اولوب  
عمید حمید ناگاه مظهر اولد یغی عنایت رشک و تحسین ایتش لر در فی الحقیقه اول محب مخلص  
بوگونه مناسب وقت جلب حسن نظر ایلد یکی دقیقه معنادار الی آخر الایام زین المحافل خلص احباب  
اولغیه شایسته اولد یغی انصاف پیشکان عهد و عنده فی شایسته اشتباه در بشری له و حسن مآب  
لکن مصارف و زمره خانقاهه مدارا و لایق اوزره ضیاع و عقاردن وقف مراد ایدن احبابه  
مساعده بیور میوب (این قوم ما از خزانه فتوح صمدانی مرز و قند و از ادراک غله اوقاف خلافت  
مستغنی اندلا سیما متوکلرا متاکل کردن رهز نیست) نفس محققانه لر یله سد باب مراجعت و بدیهه  
بو قطعه شیر یغه لر یله جدا مجد لر یکنه پیر و راستین اولملین ایما بیور مشلدر \* (نظم) \* رزق ما برما  
زما عاشق تراست \* اینچنین فرمود پیر حق پر است \* در میان ما و اوتار و نیاز \* هر دور روی  
عشقرا زیب و فراست \* حتی بعد زمان حالا اولان اوقاف جهه معاش فقرایه تعیین اولد قده  
بقایای اخوان حضرت جللی مشارالیه دن چند نفر متوکل مخلص حواله خواه سیاحت اولوب  
سبب اختیار سفر دن مسئول اولد قلرنده (در میان که جگر افتاد ذوق حضر خیرد و کرد سفر از کدر  
حضر سه لرتکرار) مقدمه مکاشفه انجام لر یله باغ را خنده اولد قلری الی یومنا هذاسکان  
خانقاه مر قوم بدقلرنده صفای وقت و ذوق اتحاد اولغله ثبوت یاقه نظر دقیقه شناسا در و بعضی  
ایامده قلمت فتوح مقضی قناعت و بذل و صرف موجود مقضی توکل اولغله ضعیفای القلوب السنه  
سندن کلیات افسوس عدم قبول اوقاف مسموع اولد قده ان فی زماننا و انا للقناعته و التوکل  
وفی ابداننا و ارواحنا تر و یحیالهما القناعته عزه و التوکل ثقت به تعالی و الجوع طعام  
الله یحیی بیدان الصدیقین انفس نفیسه لر یله تدبیر بیور دقلری عقیمند سه ابواب فتوحی  
اندری کشایش غما اولوب سکان خانقاه و عیال متاهلین الوان نعم ایلد معتم اولد قلرنده ماعد افقرای  
احباب و ضعیفای محله دخی سیر حواریان خوان ضیاق لری اولور لر دی فطما و عر و جل فضل شکر  
و مزید و منعه تعالی لطف صبر العید و نوبت خلافت خانقاه مر قوم برادر لری جللی عبد الجمیل  
حضر لر یکنه نقل ایلد کده کافی السابق تکلیف قبول وقف صورتید پراخا اولد قده (این رباط دودر

عالم مهمان سراي ميزبان اكرم الاكرمين است كه پيش از خلق خلایق تسویه امور و اوقاف مسافرين  
 اين رباط را كرمها فرموده و در لوح محفوظ وقفیه های ارزاق و اقوات را تسجیل نموده و از امنای  
 مملكت كه متولیان نصب كرده و آن موقوفات مرهونه بالا و اقوات را بدان متولیان تسليم فرموده و امر  
 فضل و احسان كرده كه در اوقاتش بار بارش رسانند و لا یعصون الله ما امره پس چگونه مردم و من  
 بوقف حق خرسند نباشد و بوقف خلق اعتماد كند) تحقیق حقیق الاعتقاديله سدر خنة ارنیاب  
 و شد كسره احتجاب بیور مشلدر لله در هم و قدس سرهم و نور قبرهم و عظم اجرهم و اید برهم آمین  
 یا مجیب السائلین \* (ودخی) \* تریه نوزبان طریقه اولویه مولویه خصوصند مقرر الارای خواص  
 اولان هزار و یک روز تعیین خدمت مطبخ اخوان نادیده مشایخ عرب و بلغه استفسار وجه تخصیص  
 اولند قد (ان الجملة البشرية علی حب المحمودية فالخدمية ادخل فی رعم الانوف و زجر النفوس  
 واجلب للانظار الحسنة و ادفع للصفات القبيحة و هي انفع النوافل فی التخلية و التخلية فاما تعین  
 خدمة الطبخ فلا اعتبار فی ان النبات و الحيوان یترقی بالطبخ مقام الکمال فالمرید الرشید یتبر بخدمته  
 فیسعی فی طبخ نفسه حتی یصیر كالطعام مقبولا فی طبائع الاخوان و یتجهد فی تحصیل الغذاء الروحانی  
 فیستعبد بالتربية بهیوما فیهوما فالقصد من هذا التخصیص التربية و التنمية و سر العدد ان هذا المقدار  
 جامع لمرتبة بداية العدد و نهايته و ما بينهما فالجهت اذ الیوفوق بالدقائق التي اشرنا اليها فی هذه المدة  
 المدیة الجامعة للراتب العددية فأمره مشكل و زمام تربیته مفوض الی يد المرشد فأما أن یخلی سبيله  
 و یأمره بالسباحة و اما أن یسلمه الی من یتكفل بنظارته من الاوساط أو یبقى فی مرتبة قابلية بیان  
 ارشاد عیان لریله بسط بساط توضیح فی الجملة بیور و ببقیه دقیقه حقیقت حالی من لم یتحقق فی المقام  
 لم یتیقن بالمقال مضمون غیرت مشكونه حواله بیور مشلدر و المقال یتقصی فی مقامه و المقام  
 لا یتستكشف من مقاله فاین الخبر من العیان سر و صلا و الا فلا تحرك سلسلة المشكل فهذا هو المشار الیه  
 بقول الشيخ الاعز الاكرم و النعوت الاشراف الاعظم اعنی به ابومدین الانعم من جالس الصالحین ان شبه  
 من غفلته و من خدم الصالحین ارتفع بخدمته فطوبی لمن ساقته الهديا الی صحبتهم و قادته العنایة الی  
 خدمتهم و دخی هر سمنه جمعیت مقیاس نیل مبارک همنكمنده جمله مشایخ و علماء و صلحا و كافة رجال  
 دولت مصریه حاضر و اولوب صنوف قربات ایله نیازمند ترقی رتبة نافع و اولد قلدیده حضرت شاهزاده  
 و الاجناب دخی تفرج کیفیت جمعیت مذكوره بیور و عین الجمع اخوان و خلائله مذاكره  
 احوال مسبح و جوش و نفع و ضرر و دمع و داثنا سنده قدر مقصود و رتبة مطلوبه عدم وصول كافة  
 اهالی به بیع غلارسان اولدیغی معروض پیشگاه و لا یت دستكاهلری اولنجه دعوت قوالان و عقد  
 مجلس سماع و صفایو ریلوب ای نیل تونیز جو عاشقان بجوش خطاب كرامت نصا بلری عقیدته  
 شیدا فشیئا از دیاد پذیر و تحا و ز حدم معینه قریب اولد قدس بیور و داعی اتمام دعا و کلمات كش  
 دوام جوش اولدیغی محضا توجه قلب تأیدر هیلری مدار برکات دار و دیار اولوق او زره مجمع علیه  
 مفرسان آثار عبر اولدیغی رسیده حد و دواتر و اشتها در \* (نظم) \* مصرع المرعزیرانند  
 بر تحت قنا \* چون دل و جان است ساری فیضشان هر فوجرا \* چون بجوش آیند از بسط  
 نسیم بجودی \* نیل رحمت کف بر آرد بر لب هر موجرا \* و چون ذات عمیم البرکات بلری مانتد یوسف  
 کنعان و لا یت راویه حاده خمودن سرای منبر حجة عزت اشتها كرامت شعاره تشریف بخش و متوجه  
 اخلاص کبار و صغار و مقدار سی سال دادده ارشاد سلاله صداقت دثار اولوب و بحر تربیه لرده  
 حضرت چلبی عبدالحمید دخی رسیده رتبة ولایت و شایسته پایة خلافت اولد قدس حضرت چلبی

حضرت جلبي عبد الجمیل

موی الهی استخلاف بیور وب کند و لربها نه صلہ رحله متوجه وطن اولق اوزرہ جملہ اخوان و خلانہ  
استحلال بیور وب لاعن عارضه و داع بزم فانی و عزم جوار رحمت سبحانی ایلہ رخت اقامت کش  
دار بقا اولمشہ لر در و قرافہ دہ خوشان قدیم مولویہ دہ آسودہ روح و ریحان روضہ جنان و خاک  
بالک و سربابنا کاری خزار مشتاقین و مستمذ مخلصین اولمشہ روح اللہ تعالی روحہ و آفاض  
المستمدین فتوحہ آمین یا مجیب السائلین \* (حضرت جلبي عبد الجمیل) \* لآب و آم برادر کوچک  
حضرت عبد الجلیل اولوب دیار رومہ مدت اولہ اولان فنونی تحصیل و مصر دہ دخی اقسام علوم ادبیہ  
و حدیثی جمیع ایدوب و سایہ حقیقت مایہ اخ بزرگوار لرندہ شدن نطق تسلیمہ سالک منہج معرفت  
نفس و مالک منہج علم لدن و فائق الاقران و سابق الاخوان و ولی عہد مربی و طمع نظر عنایت  
مرشد اولغملہ احراز رتبہ خلافت ایدوب جائشین شیخ سایہ کسرت لری اولد قلری معروض سندہ  
ولایت آشیان جناب خنکار اکبری اولد قدہ انضمام اشارت روحانیہ لرلہ صوب سعادت لرینہ  
تقریر نامہ خلافت واستوای مشیخت ارسال بیور لدیغی ضمیر الہام تنویر لرندہ جلوہ کرا اولغملہ عین  
الجمع اخوان و خلانہ بولاق نام محلہ مبادرت و لب نیلہ مرہط معاش اولان موضعہ برید آستانہ  
جدا امجد لرین استقبالی بیور وب تجدید عہود قدیمہ و تنہیہ دولت جسمہ اولمشہ در و وجود بہبود  
فائز الجود لری ماہ مصر حسن زند کافی و مشرق انوار معارف روحانی اولغملہ اکثر رجال دولت  
مصر یہ سردادہ زانوی ارادت و محبت و عرقہ کش انتساب لری اولمشہ در واصل اسعد لرینہ خلقا و خلقا  
اشبہ اولغملہ حق لرندہ طرفای احباب دن لولا التماسخ باطل لقلنا فی حقہما حل روح فی جسدین  
نکستہ می مثابہ کیر مثل سائر اولمشیدی \* (مر ویدر کہ) \* بقاع شمیمہ مذکورہ دن بردہ لیں تلک و تار دہ  
سحرہ بخار دن بری اشعال نائرہ فساد ایدوب رؤس معدودہ کلاب ذکور ی بر برینہ ربط ایدوب  
و بنیرینہ بر کب مادہ سرین بند و ہر سر د کوردن طرف راس کلب مؤنثہ بر سر رشتہ علاقہ تعلیق ایدوب  
و جبباد رؤس ذکورہ اسائی رجال دولت مصر یہی رسم ایدوب برقازغان ایچندہ تعلیمہ و بعضی افسون  
سفلی قرائت و آتش قرغانہ نفخ ایتہ ککہ در حال میسانہ عسکر مصر دہ آتش قتشہ مشتعل و دیک فساد  
جوشان اولوب باجمہم قتال و خرابہ مہئی اولد قلریہ حضرت شاہزادہ ولایت نرا د شفق بیور وب  
ناکاہ حضور سعادت موفور لرندہ اولان کوزہ پراچی الوب سمت مطبخہ شستابان اولوب کانون مطبخہ  
اولان آتش اوزرہ دو کوب بقیہ ناری پای مبارک لرلہ لطفای بیور وب تادراین میان نور عبد الجمیلست  
نار سحر وقتہ راجای نباشد نفس غیرت فرما لرلہ اشارت مال حال بیور د قلری عقیندہ بفضل اللہ  
تعالی من حیث لا یحتسب بین العسکر مصافات بیدار و فرد و احدک خون ناحق ریختہ خاک دار  
الاولیا اولدن جملہ لک قلوبی نورائلا فلہ متور اولوب و ساحر ماہر مسفور ک دخی حضرت قطب زمان  
صب ماء کرامت ایلد کدہ آتش مکری خامد و کندوسی مصر و عا و مخنوقامیت و جامد اولدیغی معلوم  
خاص و عام اولد قدہ عمو ماشا کرو جامد اولوب لاشہ ما کرم قہوری طعمہ کلاب ایدوب داستان  
کرامت آشیان حضرت غوث العبادی وجوہ احترام و صنوف اکرامہ مجمع شکرانہ بقیاس ایدوب  
فی الواقع ذات پر کاتلری سایہ انداز ساحہ مصر قاہرہ اولد قہ سریران دغدغہ صرصر قتنہ دن  
آسودہ و عیش خوش و لطف اتحادیہ کامران و اوقات کنارا اولمشہ در ہمیشہ ہجنان باد بالنبی و آلہ  
الاجداد کما اشیر الیہ بقولہ قدس سرہ اذا جعل الحسکیم عزت کلمتہ رئیس القوم من اهل التوحید و جمع  
الوحدہ تستفید الباہم بالائتلاف و تستغنی ارا و احہم بالائتلاف و تستکف نفوسہم عن التفرقة  
والاختلاف و اذا انعکس الامر تغلب الحال و یجری الی السیف المآل فہذا سنتہ السنیہ و عادۃ المتقنہ



ولن تجد لسنه تبديلا ولعاده تحويلا \* (نظم) \* چون سایه ولی است سرمایه سلامت \* باید سپرده  
 سر در نیل این سعادت \* جانم ازین دین ~~بدل~~ هدم شوند تنها \* تنها نه انکه باشند این زهر ملامت  
 \* (مروسته که) \* دار السلام بغدادن اینکی صاحب دل طوف حرم خدمت احترام لری قصد یله  
 روبراه مصر اولوب هزار شوق و بشمار اخلاص ایله طی منازل ایدوب نازل منزل مرام اولق  
 اثنا سنده باب النصر دن دخول و میان ازدحام خلا یقه قبل الزوال خانقاهه تشمیر ساق شتاب وصول  
 ایدوب پیش و پس لریدن اغماض عین احتیاط ایتشیمکن ناگاه مابین لریدن برسوار گذار ایدوب  
 و هر ایکی رکابی طرفینه باعث آزار و بادی انکسار اولغله بایر هواری خطا ایدوب سوارین انداخته  
 خالک حنف الانف ایتکه افتاده بیچاره نکدر حال حالی ذکر کون و مشرف مال احتضار اولدین  
 آینه کیتی اسرار غما اولان طبع انطباع سر شترنده جبهه کراولجه آشیجی باشیلرینه شور سمه ایکی  
 کستناخ خراب کار مردم آزار کسه کر کدر قبالة باب خانقاهه مترقب اولوب و خراب کرده لرین آباد  
 ایتدیکجه رخصت الحاق اخوان اولدینغین افاده ایتک اوزر تیه و تأسکید یوروب فی الواقع  
 درج معدوده مرورنده ظهور و آشجی باشی به عشق ایدوب اراده و لوج درگاه پیر آگاه ایلد کلرنده  
 مضمون تریه مشکون تیه سیه لری اوزر جواب دفعه مقابله اولدینغین اول ایکی مشتاق کار افتاده  
 کند و جنتا تیرینه و حضرت عزیز لرتیه عنایتنه واقف و مشغول ندارک تعسیر کار افتاده اولوب  
 در خانه ماتمکده سینه و اصل اولد کلرنده اذن عیال و اتباعه سر بالین خراب مرقومه کلوب درد مندی  
 میت متنفس معاینه ایتلریله کمال مرتبه بشیمان و دائرة قطیبت و حوزة غوثیت شاهزاده مشار  
 الهده کردار بی جزم لریدن شرمسار اولوب \* (بیت) \* ای بدر ماندکی پناه همه \* کرم تست عذر خواه  
 همه \* مصداقچه نه قلب تابنا کارندن استمداد و همت علیه لریدن استشفاعله توجه مدید و کریمه شدید  
 و برعساعه سینه نیازا کید ایدوب بعنایه الرؤف الشافی اسیر فراش احتضار ایکن مظهر عفو و عاقبت  
 اولوب طرفیندن استعفا و اعتذار رسیده مطمح نظر اعتبار اولد قده رجعت ایلد کیری دخی وجدان  
 مکاشفه عنوانلرنده لمعان ایتکه نای و قدوم و عین الجمع اخوانله استقبال امر اولوب مساعده  
 جمیله بیور لغلله اتمام خرد طریقت واکمال رسوم قدوم عقیننده محرم خلوتسرای محبت و انس  
 اولد کلرنده \* (بیت) \* تا توانی بنده شو سلطان مباش \* کوی باش و زخم خور چو کان مباش \* تادیرین  
 خرقة ایم از کسی نه برنجیم و نه برنجانیم \* خوای پر جسد و الیه نصیح و تعلیم بیوروب مردان  
 صاحب السیف غیرتک آثار جلایه لری البت حق ایله اولدینغندن ماعد اقتل و هدم و خرق خضر  
 علیه السلامی قیلندندر دیو کرامت نادره خصوص مذکور لری مضاعف و انجی صورت قهر  
 و تدمیر یکتا و اثر سرائعند المنکسرة قلوبهم و انضمام عفو و صفح و تعیم بعد التخریب ثمرة ان الله تعالی  
 عفو یحب العفو و یوفی باو و ذخاره لرین جامعه جمال و جلال عد بیوروب کمل رجال الله شیموه حسنه لری  
 اولدینغین تحقیق اثریده مشرب وسیع الشفقه لری اثبات و انبات اوزر جاری و انوار کریمانه لری  
 جمله به ساری اولدینغی عامه اهل دیاری یار و علی الخصوص سابق الذکر سواری جمله متعلقات یله  
 قتاده دام ارادت لری ایلدینکی حالا بین الاهالی سمر عبرت اثر و روشن ~~کر~~ خواطر نصفت نظر و تردد  
 شکن طباع خیره فکردر \* (لطیفه) \* وفور کرم کرامت تو املری مهابتزد کان صورتی جسور  
 ایتک سوال مضمون به چه کنیم که قانون عزیز مصر صدیق لا تریب علیکم الیوم یغفر الله لکم و هو ارحم  
 الراحمین بوده است و امثال ما از هر آن نیست که فسخ این کند نفس نفیس لری جواب ارشاد مآب  
 بیور مشلردر \* (چنانکه) \* حضرت پیر قدس سره المنسیر فرموده است \* (مشوی) \* حق بدید آن



جمله را نادیده کرد \* تا نکردم در فرصت روی زرد \* باز رحمت پوستین دوزیم کرد \* توبه شیرین چو جان  
 روزیم کرد \* هر چه کردم جمله نا کرده گرفت \* طاعت نا کرده آورده گرفت \* علی الخصوص انجمن تیری  
 و عقوبت در میزان حضرت قرآن نقصان دارد که نص کریم \* (و ان عاقبتکم فعاقبوا بمثل ما عوقبتم به)  
 است و این سوار بر کب زده و ایشان بالکلیه خراب خواهند کرد و این ظلم صریح است مع هذا ختم آیه  
 کریمه \* (ولئن صبرتم لهو خیر لاهل البیت) \* است و اعتبار اولی الابصار بر خاتمه باید بود عنوانیله پرده  
 بر انداز روی حقیقت کار اولش در \* (مرو بستکه) \* طور لطیفی مستعدین استفاضه انتظار  
 حسنه لرب علی الدوام جمعیتخانه حضور لرزیده ایوا ایدوب حلقه صحبت شریفه لرزیدن دور اولغنه  
 رضا و بر میوب مانند پروانه پیرامن کرد شمع جمالری و حاضر بالوقت اقبال لری اولده اتم از فرصت نا کاهه  
 ترغیب و انزوای حجرات و اجتماع بر کردن ترهیب سیاقنده اطلبوا الفضل من رجاء امنی و عیشوا  
 فی الکافهم حدیث منیفیله استثمادیور و \* (نظم) \* بهر حال که باشی نزد او باش \* که از نزدیک  
 بودن مهر زاید \* جدایی زهر رانی آزمایی \* کسی خود زهر را چون آزماید \* اگر تو پاک و ناپاکی  
 بمکرین \* که با یک هم از نزدیکی فراید \* آیات شریفه لرزیده حضور بی غیبه استعدا بخش اولش در  
 فی الحقیقه تسلیم فرمان الزم الاذعان لری اولان اخوان و خلاندن اکثری اثنای صحبت بخودانه لرزیده  
 دوچار حسن نظر لری و بر مراد لطف نفس فیض اثر لری اولش در طوی لهم و حسن مآب \* (قطعه) \*  
 کرچه در کار همتم وایک \* هست در زیر چرخ بوقلمون \* همچو نوش بهار و نیش خزان \* کل امر بوقته  
 مرهون \* مصداق آنچه که همیشه سابه همت پیران مقارن مریدان اوزره در کار حمایه در لیکن  
 مراعات وقت سر آخردر پس مریدا کاه اوقات پیرده زمان استفاضه سن ادرال ایتکه حضور علی  
 الدوام اسهل سبلدر طالبان ساعت قدره احیای لیالی اولدیغی کبی و جناب ولایت مآب حضرت  
 جللی موی الیه شیوه اصحاب صفه نما و صفا بخش خلان وفا و لدیقه کویاد اثره سعادت لری وفق اعظم  
 راحت و رفاهیت حوزه ولایت مصریه اولوب الباطن بنیان الظاهر اولای فقره ثابته الظاهر عنوان  
 الباطن اولش میدی ربه فتوح لری ترقی پذیر اولدیقه بین الخلائق صحت و عافیت وسعت ارزاق و نعم  
 و ائلاف قلوب دخی مزدا و هر کس کامران عیش خوش و وقت صاف اولوب دقیقه شناسان وجود  
 فائض الجود لرزیده هر لحظه قریب العین دل و جان اولور لری کن بر روز مقابله مسند آرای تذکیر  
 و تمکاز یب تحقیق مشوی اولد لری خلانده ابراز رقت و کریمه زاید الوصفه جمله حضاری مانند  
 بلبلان نالان و بعد السماع و الصفا حلقه صحبت عارفانه لطائف پیرانده عین الجمع اخوان و خلایق  
 اظهار کمال نشاط و خنده شکر بنایله کالر کبی خندان ایدوب محرمان راز بو کیر حالتین متعاقبتین  
 اولوب آخر برنده اگرچه اولعاشاقی زار یور و ب لیکن ثابته احسان تلافی الیه شادان اولدیلعبار تیل  
 عرض شکران ایلد کلرنده آری مقتضای تعاقب فراق و وصال اینست کلمه جامعه لرزیده ایمای  
 مرام یور بلوب مراد شریف لری فراق یاران حضار و وصال دوستان غیب اولدیغی بین المقابلتین  
 مبادرة جوار خداوند کاری یور ملرندن ظاهر اولوب ذات عرش مکن لری \* (بیت) \* کریمه او خنده  
 او نطق او \* نیست از وی هست محض خلق هو \* مضمون وحدت مکنونی اوزره مظهر شون  
 قدسیه اولدیغی تحقیق الیوب ادنی بهانه انفعال مزاجی ایلد و کردان بزم فانی و خرامان خیابان جنان  
 و پهلوی برادر بزرگوار لرزیده غنوده آغوش مادر خالک پاک اولش در طیب الله تراده و جعل مقعد الصدق  
 مثواه امین یا مجیب السائلین \* (حضرت شیخ محمد زنجیر شکن) \* شاه جللی بن محمد جللی بن فرخ  
 جللی بن جللی خسرو اولاد کرماندن اولوب جذبه مادر زاده ایلد و لوله انداز شهر شهرت و شکار کند قوت

حضرت شیخ محمد زنجیر شکن

قدسیه بوستان اول وزیر بازی ولایت و لطف تربیه و حسن حمایت لایه رشته کش ارباب صحو و سکون  
 اولوب قدر مشترک کسب علوم عقلیه و نقلیه د نص کره مدت مدیده خدمت شریفه لرنده مستفید  
 انظار حسنه و مسترشد انقاس نفیسه لری اولمغله باطن فاطن لری کلشن اسرار الهی و مخزن معارف  
 نامتناهی و ظاهر طاهر لری مطلع لوا مع خوارق اولوب شمع جمع خلافت اولمغله شایسته بلکه اجرای  
 مراسم غیرت اسلافه بایسته بر صاحب السیف والا همت ظهور ایتکه جانب جناب سرت مقدس  
 خداوند کاریدن اشارت علیه صادر اولوب ناگاه تخصیص خلافت خانقاه بلده انطا لیه ایله کویا مرده  
 شهبان قولندن بقایای سیف اولنلرک حسم عروق فساد اعتقاد لری و اول حوالی و اها لیسین رذائل  
 انکار و مزابل اصرار دن تطهیر و تنظیم خدمته تعیین اولمشلردر و کاینغی آثار جالبه پیشقدمان  
 طرق ارشاد دن متأثر اولوب سنکین دل و فسرده جان اولان منکرین مقرر دینی آخرا کلام  
 الصمصام موجب بجه طعمه شمشیر جلال ایدوب سفهای دیار خار زار مر قومدن آزار اصحاب قلوب  
 منکره یه فرد واحدک قوت جسارتی قالمیوب سرداده زانو ی ارادت و محبت لری اولنلر مطموره  
 کزن خمبول و نفاق و سرزیر شیب ادبار و بقیه رهین عماشات رفاق اولمشلردر والی یومنا بقایای هراس  
 شمشیر غیرتی قلوب اخلافده جایگیر و وصولت و هیبت مردانه سی ضما نرا خلا فده نذیر واذکار وقایع  
 دهشت افزا لری السنه خاص و عامده سمر دلپذیر در \* (مر ویدر که) \* آستانه کروی آشیانه مولودین  
 خوانق اکثافه ارسال خلفا اولند قدده عادت حازمان سجادده پیرایان تربه معظمه ثابت قدمان و تمکین  
 ر و شان فقرادن حسب مایه قضیه الامر تعیین رفقا اولمغله حضرت شیخ محمد جنبانه دخی ایام فقرت  
 تغلب منکرینده خانقاه مر قومک نظام امور مقابله و مطبخی بالکلیه خلل پذیر اولوق حبسیله مطبخ  
 و مطر بخانه و حلقه سماعه اسباب قیام و مدار نظام اولوق اوزره اون سکر نفر صاحب درون نمده  
 قلندر ی پوش و تنوره شمسی کش اخوان صفاه همراه اولوب واصل مسند مشیخت اولدقلرنده پیشین  
 رفت ووروب دائره بقعه مذ کوره ایله اشارت تخلیه مزابل و تخلیه منازل عزت نشان محققین اولند قدده  
 ولوله نای و قدوم صماخ بید ماغان انکاره زور آور آزار و دوران بر وجود و حال چشم اعمشان اصراره  
 کرد بادغبار کمار اولوب رؤسای ابالسئه انسبیه تزویله غبی منکر عند المنکره جهله بطله طلبه  
 مبادرت ایدوب جوار خانقاه کین عناد آ کینله کلوب دخول مراد ایلد کلرنده حوالی مقام مردانی  
 مانند حصار افلاک برج مشید و باروی رفیعله محاط و محروس معاینه ایتکه مجال یاب اضرار اوله میوب  
 استراق سمعه قرار ویرد کلرنده پسماند کان خندل دن بر کروه مکر و ه سنک انداز لکه ایدای فی الجملة یه  
 قائل اولمغله حجاره مر میه لری مانند شهبانه کند ولره رجعت ایدوب اکثرینی حریق آتش غجز و جرح  
 ایتکه قرار ی فراره تبدیل ایدوب بعد التفرق دارالندوه لرنده جمع اولوب عقد مجلس شورای دفع  
 ایلد کلرنده سر حلقه قنیه اولان شخصی تشخص مبتلای صرع لای قطع و مخنوقا فوت اولمغله بر مقدار  
 نثره عتق و طغیان لری منطقی اولوب لکن ایام شریفه مقابله ده صدای نای و قدوم واصل اولان  
 مواضع دن دخی تا عدله اوقات کذا را یکن بقضاء الله الغیور المغیث اول قوم با غنک طعنه لری طاعون  
 ایرات ایدوب ذوق و صفای اولیای کرامه بغض و اها نلری کند ولری گرفتار ماتم تمام ایدوب نصف  
 اها لی مرتبه سی سوخته نیران و با اولوب مطعون اولنلرک بعضیلری رقیه قدسیه لر یله سلامت یاب  
 و بعضیلری واقعه لرنده دست سود مبارک لری و نذور و قرا یینله خلاص اولدقلری بین الاها لی شایع  
 اولیجی اکثری موفقی انصاف و توبه کارا عتساف و شرفیاب حضور مجلس مقابله اولوب کوشدار  
 تحقیقات حضرت منوی اوله رق دخیل حلقه احباب اولمشلردر و محرومان سعادت از لیه و ناتهان

سرمدی اولنلر مابق للبقیه الا التقیه متغاسنجه متواری پردۀ مداهنه اولوب حضرت عزیز مشار  
الیه رایت افراز تا بید صمدی اولنلر هچنین بادا بالآباد بالشفیع وصحبہ الامجاد \* (قطعه) \*  
بکروانزابدکن وکچنکاهی راستان \* از کین خبث کوهر منع ماعون آورد \* چون زبان  
طعنهان از حد درازی میکنند \* از کین غیرت حق تیر طاعون آورد \* (مرو بستکه) \*  
حضرت زبده الابدال و قدوة الرجال زنجیر شکن صاحب حال بکار مردان ملامیه دن و مستوران  
قبا ب شون سلامیه دن اولغله نعل باز کونه اوضاع و اطوار لری حواصل شکاف ظاهر پرستان  
و باعث هجوم خرده کیران اولوب لکن قوت دافعه روحانیه لری سسد سدید و زخم جانکاه سیف  
سرا لری اشد من الشدید اولغله بعضی جنایات ظاهره ایله هر اسان تطاول ولات عرف اولانلر  
سایه حمایت ماید لری نه التجا ایلد کده خصما ارضا اولنوب دست تعدی مصادر دهن رها یاب اولملریله  
ناکاه قتل خطا ایله بر شخص متهم اولوب حبس زندان دن بر تفریله یدکاشت کانندن تخلیص کریسان  
ودامن ایدوب حرم حایه عزیز مشار الیه دخیل اولدقده خدام امیر لواتکه درگاه اولیادن کرها  
اخراج تصدی ایلد کلرنده منوال سابق اوزره اصلاح خصما و دفع نزاع شرعی اولنوب طریفنک  
صلاحنه سعی سیاقنده حنדר و زاستمهال اولدقده بنهماده آتش نفاق مشتعل و حیمت امیرانه  
و غیرت غوثانه تصادم ایتکه امیر مسفور کتخدا سنی پای حال قاتل مر قومی خانقا هندن اخراج و وضع  
زندان ایتکه اوزره حضرت یکانه ر وز کار قدس سره العزیز ک حضورینه ارسال ایدوب کتخدای  
مربور دخی حق ناشناس بر یلید عامی اولغله امیر مسفور ک توصیف شد تیله عزیز مو می الیه سی  
تخویف صد دنده تجا و زحد و هرزه درای ایتکه غیرت روحانیه جوشه کلوب (تو کوئی که پاشای  
مارا بدیکران قیاس مکن و ما هچنین میگو ییم پس حال پاشای خود را بین) بنومقام خدمت مید انیده  
قام اولان درویشه تیر و کان مایار دیوب دست جلادت پیوستلری نه تیر و کانلرین الوب پیشگاه میدان  
مردانده اولان لیون اغاجنک اوزرنده اولان بر لیون مقابله بر تاب تیر جکر شکاف ایلد کلرنده تیر  
ند میر قضا مسیر لری خطا ایتدیوب حد الزنده اولان لیون نشانه اصابت ایدوب هر ایکسی پای درخته  
ساقط اولدقده برو تجهیز پاشای خود مشغول باش و از بن دخیل در که مردان خدادست تعدی  
بدار دم غیرت توأم لریله دفع اثنا سنده بی اندر پی خدمه پاشای مر قوم کتخدای مسفوره کلوب ناکاه  
پاشا مری درد شکم طو توب یوزی اوستنه دوشوب حالا سکر ات موت اوزره درد یو خبر و یرد کلرنده  
کتخدای بی شعور ضروری انصافه کلوب الامان الامان ای مر دم میدان زمان عنوانیه دامبوس  
استعفا اولدقده اکر لیون سفتادی بموجب \* اولیا را هست قدرت از اله \* تیر چسته باز کرد اندز راه \*  
باز کرد انیدن ممکن بودی لکن قضای مبرم بود بعد ازین هچنانکه وصل آن لیون بحسب العادة  
تمتع است دفع آن زخم جانکاه محالست مضمونیه دفع بیور وب وامیر مذکور ک تدمیری و قاتل  
معهود ک دخی خصما سبیله بینلری اصلاح و مدعی و مدعی علیه منیب در که حضرت مولانا قدس سره  
الاعلی اولوب هر بر لری سلوک طریقه اولویۀ مولویه ایله احراز مراتب صلحا ایلد ک لری جمله متر دین  
متر دینه باعث اعتبار و بادئی توقی انکسار اولدیغی رسیده ربه تواتر و یقیندر و بومقوله فوت قدسیه لری  
معلوم خاص و عام اولدقده کیفیت مردانه لری حدیث افزا و هر اس فرمای دور و نزدیک و دهشت  
اند از قلوب شیخ رشاب اولدیغی منعکس مرآت ضمیر الهام تو بر لری اولوب تنبیه و باقراط غافلین سیاقنده  
ذات مر د خدا قبله حقیقت است و مطاف کعبه صورت پس حرم حرمت او بتخیل من دخله کان آما  
اولیتر است \* ای بسا کسرا که صورت راه زنده \* تصد صورت کرد و ر الله زد \* مردان خدا خدا باشد

لیکن ز خدا جدا نباشند \* (قطعه) \* کعبه طواف میکند بر سر کوی یثقی \* این چه بنیست ای  
 خدا و این چه بلا و آفتی \* ماه درست پیش او قرص شکسته بسته \* برشکرش نباتم آچون مکسبت  
 ز حقی \* من اهلان لی و لیا قد بار زنی بالمحاربة \* (بد الله فوق ایدیم) \* امثالی آیات شریفه و احادیث  
 منیفه و آثار لطیفه تضمین و ترصیع ایله ترین دائرة معارف بیور و ب مفارق فقرای در که جدا سعد لینه  
 نثار جواهرز و اهرنکات و حقائق خلانده تنور و جد و حال جوشان طوفان سماع و صفا اولوب  
 کشتی نشین ارادت لری سلامت یاب تلاطم امواج اکدا و اولش لدر \* (بیت) \* شیر مردانند  
 در عالم مدد \* آن زمان کافغان مظلومان رسد \* نوح و قنند اولیا هین هوشدار \* هر دم شربی  
 تردد کوشدار \* (مرویس تکه) \* جناب استغراق نصاب و همیشه حالت مآب قلب تابنا کلردن  
 نور جذبه جمیلی شعشه انداز سربایای وجود به بود لری اولد قده کاهی سماع پر صفا طرفه قانده و کاهی  
 کشت و کذار سمنه سائق اولغله بیقرار لعلری خلانده اسب آتش عنان لینه سوار و معتبر  
 ز نه سرائی حوالی دارالولایه ایکن زنجیر جاذبه روحانیت جدا مجد لری و ضربت باز یانه اشتیاق بی  
 اندازه ایله مجذوب و مسارع زیارت تربه فردوس رتبه و بی محابا صوب در خاموشان حرم محترمه عنان زیر  
 اولد قده سدر راه رخصت فارسین اولان زنجیر ذوالشعبتینه رسیده اولنجه اول زنجیر مستحکم کریبان  
 عاشق مانند یاره یاره اولغله بین الاخوان زنجیر قران شهر تیله مدعو اولش لدر لکن شکست مرقوم  
 زور صدمه سینه اسبله می یا خود بی سبب و بفضل المسبب الکرم میسر هونوز تمیز اولنمیشدر  
 اگر اول اولور ایسه زهی جلادت و ثانی اولور ایسه عجب کرامتله خرق سلسله آهنین و متین خارقه پرده  
 عادت متقنه اولشدر مع هذا معانیه متانت و غلظت زنجیر مرقوم اول وقت کاشاک فراستی شق  
 ثانی به قائل ایلد یکی روایت کرده آحاد خلاندر حق الانصاف بر شه سوار میدان حقیقت کز زور صدمه  
 سینه سمنند همتله سلاسل معنویه علائق ماسوایی یکپاره شکسته پیوند ناپذیرانده بکنار زنجیر حسنی  
 سدر راه توجه مردانه لری اولغله تاب آور اولیه جغی مأمون الغائله اشتباه و مرادر کما اشار الیه  
 المکاشف القیومی مولانا جلال المله والدين الرومی فی المثنوی المعنوی \* (بیت) \* زین بد ابراهیم ادهم  
 دیده خواب \* بسط هندستان دلرای حجاب \* لاجرم زنجیر هار ابر درید \* مملکت برهم زد و شد نابدید \*  
 آن شاه دیده هندستان بود \* که جهل از خواب و دیوانه شود \* میفشاند خالک برید برها \*  
 میدراند حلقه زنجیرها \* (مرویس تکه) \* امارت خلعت مشیرانه لری اولان و فرت شارب  
 مردانه لری مشارب خرده کیرانده موی دماغ نخوت انکار و هر سر موی بروت حیدرانه لری دیده  
 عیب جو یانده بر نیش و خار اولوب مجالس خاصه مساویده جای دخل و بیجا و منشأ طعن ترک سنت  
 خیر الوری اولد یغی جلوه نمای آینه فراست لری اولغله علما و صلحای بلده انظار لیه دن اجرای سنت  
 سنیة قص شاریده سالک راه افراط اولنلردن بر جماعت زیارت پر بر کاتلر یله مستعد اولد لری  
 مجلس عالیده مصادف وقت تراش سر ولایت افسر لری اولوب عقیب تراشده آینه سر تراشه نظر  
 بیور و ب علی طریق التعریض مقراض بیار و بروت مانیز چون شارب صلحا کن و از تشبه مبتدعه  
 بالک ساز عنوانیه خطاب مستطاب بیور مغله سر تراش ساده لوح دخی موجب امر لری اوز ره حرکتله  
 مقراض زن موی بروت مبارک لری اولنجه دهن کارزدانان نمای دست آره و هر موی کرامت نمالری  
 مانند سوزن آهن اولد یغی محسوس حصار اولد قده صرصر حیرت لری ضربل خس و خار بقیه  
 انکار لری و جمله سی یکسر سرداده زانوی ارادت لری اولنجه (آنانکه بسبب روی پوش موی رویکردان  
 بودند اکنون از روی آن موی روی باستان ورشته کش دلداد کان کشتند) نکته سیمیه موع وجود

فائز الجود لری مدار ارشاد عباد اولد یغنه اشارت بیور و بر ویش و پروت زیب سیماست  
 کویا از دیوان حسن انسانی بر ویت وابر ویکریا عیست پس دروزن ابر و بودن اولیست نه انکه همرنک  
 عانه باشد و تراش کنند عنوانیله تعلیم اعتدال و تفهیم حسب حال بیور مشلدر \* (و همچنان) \* مزاج  
 عشق سرشت و طبع شوق نوشتلرینه عارضه و حائیه طاری ویدن لطیفلرینه حرارت زند کی ساری  
 اولغله خیر خواهان علت عاشق ز علتها جداست مضمون شورانکیزندن بی خبر اولق حسبیله  
 و الفصد بورت الفصد مصداقچه دفع حرارت بادی اولق ملاحظه سبیله الحاج فصد ایلوب هر چند  
 حسن رضار وی تابنا کلرندن بدیدار اولوب (ع) بسا شکست که از و کار مادرست شود \* غلوی  
 پر جده واسیله مقابله ابرام ایلد که مفید اولوب زمان استغراقلرین وقت مدهوشی قیاس و احضار  
 فصاد ایدوب شور عشق سبجانی ایلد مالامال اولان عرق شر یقلمرینی زخم دارنیش تراشک او ز ره  
 تهمیر ساعد جرات ایدوب مباشر کار فصد اولد قدده اثر فصد کند ویه منعکس و ساعدندن قواره خون  
 روان و قطع اعزیز مزار الهل محل فصدنده اثر سریشتر نمایان اولمغله کر و خیر خواهان بی خبرانه  
 انتباه و فصاد بهیهوشی کلوب و مند کرماجرای ابی یزید بسطامی و صوفیان اولوب حضرت غاطس قلزم  
 فنا سر برآور ساحل صحو اولد قدده اثر دست سود عنایت فرمود لریله فصاد دیده کشای کرانخواب  
 غشیمان ور و مال خاکی ای اکسیر یادلری و بنده ارادت سعادت مایه لری اولمشدر و خیر خواهان  
 خبردار عظمت شان حضرت زین الابدال اولد قلزنده ما کمان بردیم که فصاد ایلعلیل آوردیم بدانستیم که  
 علیرا بقصاد آورد ایم سابقه عنایت مکر دستگیراوشد و فصد رسید فصد و اقتصاد کشت  
 و مزاج روح و از حرارت زانده سودای ماسوار هیمد و بعافیت سرمدی رسید سرود بر سرور یله  
 ترنم ریز و شکر انسر ای بزم انصاف و تحسین اولد قلری نکاشته قلم توثیق رقم روات مناقب فاخره لریدر  
 چنانکه حضرت پیر قدس سره المنبر می فرماید \* (مثنوی) \* هر که اندر شیخ تبغی میخاید \*  
 باز کونه از تن خود میدرید \* یک اثرنی برتن آن ذوقنون \* وان مریدان خسته و غرقاب خون \*  
 یا خودی یا بخودی دوچار زد \* یا خود اندر دیده خود خار زد \* ای زده بر بخودان تو ذوالفقار \*  
 برتن خود میزنی آن هوشدار \* (مرو بستکه) \* پرتویر ولایتلری اطراف مقرر خلاقلرینه منتشر  
 وار و اح متعارفه مشتاق دیدار و مولع خدمات احتراملری اولوب علی الخصوص دیار تسکه نک هنر کام  
 تابستانده هواسی و خیم و آبی حمیم اولغله طبع شر یقلمرینی اجابت دعوات محبینه مائل و اغتمام تبدیل  
 آب و هوای اعتبار آثار رحمت خدایه نائل اولق طریقله کاه جانب دار الوایه و کاهی طرف دار الدوله یه  
 تحریک رکاب بیور و عین الجمع اخوان و خلائله دائره زهت خاطر فیض آثارلری بر خانقاه  
 سیار و مانند سیر آفتاب حرکتلری عالم تاب قلوب مشتاقین مخلصین اولوب اتفاقا سمنین سفر کرامت  
 اثر لرینک اولاسطنده صیت انکار و اغرای قاضی زاده کوشیزد و مهیج غیرت و حمیت مردانه لری اولغله  
 ناکاه صوب قسطنطنیه یه عطف عنان غرضت و مبادرت بیور و غلطه خانقاه نه نزول و چندر وزه  
 اختیار کنج عزالت و دخول ایدوب ناکاه خلوتخانه لرندن خروج و خواص خدمه لرینه تمیسه اسباب  
 اسب امر ایدوب هنر کام اقتضاده سلاح پیکارلری اولان خریه سرتیز صخره شکاف و جوشن درلرین  
 آویخته پیشگاه زین و جبین غیرت نمالرین دخی چین بر چین ایدوب فرد و احدی سمت توحه لرینه محرم  
 ایتیموب سوار اسب رهوار اولد قلری مرفوع میبدان حضرت آدم اولد قدده بالذات شستابان قصد  
 تحویل اولد قلزنده مفید اولوب پیل کاغذ خانه دن عبور و باب ایوان سران دخول و جاده دیوانه  
 سلوک ایلد کلزنده مدشخ مرقومی کروه انبوه مرده سبیله مصادفه اثنا سنده عرق جلادت

غوئانه لری جنبان و قلزم حیمت مردانه لری جوشان اولوب همانا حربۀ معهوده بی دست ظفر  
پیوستلرینه الوب خنجر زبان ترا غریم حربۀ بی زهر مار منست نعره زن عاشقانه و حمله بی درنگه عنان ریز  
جمعیت طائفۀ باغیه اولدیغی نهدن مردۀ بی جگر من نجا فقد نجابر آسه مصداق فیه هر بری بر جانب  
فار و متفرق و متشیخ بی ثبات دخی فریادی فائده ایله پیشرو و کریان و حضرت زنجیر قران پیر و  
بی امان و حربۀ جانستان نشان کاه ظهیری طهرینه ناز یانه و اومه هلاک رسان و دستار پریشان و آبرو  
ریزان و سخرۀ پیر و جوان اوله رق دخیل در که شیخ الاسلامی اولوب اول شیر نزدخی شکارجوی  
و حضور حضرت یحیی دهر و بروی اولد قلزده عرض المؤمن کدمه دکلیدر دیوز زنجیر قران صاحب  
قراندن تشکی و تظلم ایلد کده (بلی بین عرضک و دمک مما ثلثه فی النجاسة لان عرضک مدار خیلانک  
و المأمول من الدیان عز شأنه انه سوف تصیر المأثله کامله حیث صار ماء وجهک مسکوباً علی ارض  
الصغار و کان زجاج عرضک مکسوراً بأحجار الانکسار فی هذا اليوم لعل الله یحدث بعد ذلك أمراً  
یه یق دمک علی نطع الاعتبار لکنه یجهل و لا یمیل) نکتۀ واثقه سیله مقابله بیورد قلمی دلرایی یحیای  
عارف اولوب دفع مجلس بیور ملری مسموع همایون اولد قلده اول مقوله وقت ضیقده اولان نکتۀ  
پرواز لکری محضا کرامته محمول اولوب دفعۀ ثانیۀ تشکی حضور پادشاهیده ضحکۀ حصار پای تخت  
اولوب (بروآن اسب چالا کرانعل بسیمین کن که ترا ازین مهله که هائله بملاذمیع رسانید و از التجای  
در که یحیای ماحیات یافتی و کر نه ای قاضی زاده قضیه مشکل و قضای مبرم تدبیر کسل بودی) لطیفه سیله  
سبب تظلم حال بیور و حضرت زنجیر قراندن سیاق استدعاده برزی قیمت پوستین سمور و اوچ  
یوز دینار اشر فیه استجلاب خبر دغا اولندیغی مبتدع پر کینه به داغ برداغ سینه بی سکنه اولشد رفله  
الشکر و المنه تیر جالری مصیبت هدف مسؤل اولوب سفر بغداد امری حدوثاً آتید کده عتۀ  
علیای تربۀ معظمۀ خداوند کاریده معرض قسرا حضار پادشاهی اولد قلده طی طومار امهال  
بیور یلوب دفعۀ منفعل سوء القضا و علی أسوء الوجوه منتقل دار الجزا اولشد کما سبق تفصیله  
(منوی) \* نردبان خلق این ماو منیت \* عاقب زین نردبان افتاد نیست \* هر که بالا تر پردا بله  
ترست \* استخوان او بتز خواهد شکست \* (مروستکه) \* خانقاه غلطه ده آرا ملری او اننده  
خلان حضرت آدم افندی دن امین ترسانۀ عامره اسمعیل افندی نام مخلص منعم صورت و درویش  
سیرت انشای کفت و شنید آفاقیه ده تکرار مقطر اولان عرق خوارک فکاً نمایا کون فی بطونهم  
النار حسب حال اولق شدت حرارت امعاش کافندن هویدارد دیوعلی طریق المطایبه مبالغه  
ایلدیکی سامعۀ حضرت زنجیر قرانه سرد و بیوجه قرق عتۀ که عرق چه چیز است که امعاش کاف  
آدم باشد فقره سیله مقابله بیور ملریه مخلص مرقوم دخی اطرا ده هیچ مدنی نیست که بیانی سه قدحش  
هضم کند و هلاک نشود هر تبۀ سینه ترقی ایلینج حضرت شیخ دخی اگر کسی باشد که سه وقیه اش  
خورد و متغیر نشود چه کوی فحوا سیله کرمیت نما اولد قلده اسمعیل افندی دخی پیمانچۀ خدمتده  
قائم اولان غلام پری پیچکر هزار دینار خرید سن فدای بحث مذکور ایدوب کویا مقدر معهود  
استعجالنده هلاکی مقرر ملا حظۀ ایتسیله تملیک غلامه محل باقی اولمیه جعی جازم اولشدیدی همانا  
جناب شیخ کرامت مآب اصرار فرما اولوب بیار و بین عنوانیه خطاب بیورد قلزده تفتیش مظان  
اولنوب بالذفات تطهیر له مانند سیماب لرزان و زبانه آتش وار پرتواند از وسوزان اولان صفتندن  
تماما اوچ وقیه حضور فائض النور لرینه احضار اولد قلده بلاجره نوش بیور و سربس مودات ولایت  
سمات لرینه تغیر نمایان اولم غله وفای وعدۀ لزومنه بناء غلام مرقومی تملیک و تسلیم ایلدیکنده

دست عنایت بیوستلریله الیاس کلاه شریف و اعتناق و خدمات علیه لرینه قبول بیورملریله مجمع حسن ظاهر و باطن و سایه شفقت مایه لرده نائل ترقی موطن اولمشدر \* (بیت) \* تو صاحب نفسی ای غافل میان خالک و خون مجبور \* که صاحب دل اگر زهری خورد آن انسکین باشد \* و بوقوله دریا حوصله و بی عوج غلبه اولدقلری علی رؤس الملائه هویدا اولغله آدم افندی حضرتلری خانانکه نارغورد دربرون خلیل علیه السلام بردوسلام کشته است آن آتش تیزی دود نیز در درون شمابر دوسلام شد و از میان جنبین غنچه رعنایشکفت عبارت برزنا کتبله ستایش بیوردقلرنده بنده نیز از کلهای آن کشتنست نفس انفسلریله انتساب وراثت خلیلله لرینه اشارت بیورمشدر \* (مشوی) \* گفت آتش من همان ای شمن \* اندر آتاقوبینی تاب من \* طبع من دیگر نکشت و عنصرم \* تیغ حقم هم بدستوری برم \* و آدم افندی حضرتلری دخی نثر ابرا دیوردقلری نکشته لطیفه بی نظم بیور و بوقطعه غزایی زب سفسنه نفیسه محمدت خزیله لری و یاد کرد لشنمکان زلال اوصاف جمیله لری قلمشدر \* (قطعه) \* کربودی شیخ مادر یا کهر \* در کف آتش ترس برسر \* از میان آب و آتش سر برد \* اینچنین کلیرهن زیبا برسر \* (مرویدرکه) \* حضرت شیر زبان بیشه همت و قهر مان میدان عزیمت معرکه آرای مخافین بی تمکین اولدقلری ابتدا سندن نهایت نوبت غوثانه لرینه و ارنجه رایت افراز غلبه اولوب سرمو پای سمندمقا و متلرینه لغزش طاری اولوب همواره کله لری عالیله و عزیمتلری عالیله اولدیغی علی طریق التشکر حضور عنایت موفور لرده یاد اولندقدده (مردرا عزیمت باید تاهزیمت ناید) مقدمه جامع لریله اساس کار ثابت قدمان میدان همته اشارت بیورمشدر که فی الحقیقه اولیای کرام قدم انبیاء عظام و رسل ذوی الاحترام اوزره ظهور ایدوب و هر بر ولی وارث اولدیغی نبی و رسولک رفتارینه موفق و مظهر اولسی دلائل نقلیه و کشفیه ایلله مبرهندر پس انبیاء علیهم التحیه و التسلیدن اولی العزم اولنلرک ورثه سی دخی ذوی العزیمه اولوق تأیید علی التأمیدله مفضل و ممتاز اولسی اقتضا ایلدیکی مسلم اولی الهادر و اشارت علیه لری اوزره کندولر کر و پرشکوه ذوی العزیمه دن اولسنی مؤید اولملریله محکوم به و مدلول علیه در والی هذا الفرق بقی أشار النبی علیه السلام بقوله فی لا عرف اقوامهم بمنزله عند الله تعالی ما هم بانبیاء ولا شهداء یغبطهم الانبیاء و الشهداء علیما کانهم عند الله تعالی هم المتحابون بروح الله تعالی \* (مرویدرکه) \* ذات ستوده صفاتلری مقدار چل سال خانقاه مرقومده اریکه نشین خلافت اولوب نام نامیلری عالمکبر و شان عالیلری دلرای برناو پیر و آثار شمشر غیرتلری زهره شکاف پلنلک و شیر و بدخواهلری جمیعاً اسیر چاه تدمیر و تیراقباللری اوج کمال مسیر اولدقدده کوهر تابدار کنجینه وجود عین سودلری اولان قره العین عاشقان احمد جلایی حضرتلرین ولی عهد و پرورده زیر جناح عنایتلری و سرفراز خلعت خلافتلری بیور و بجانب آستانه سعادت خنکار اکبریدن دخی رجامند تقریر اولدقلرنده مساعده نامه بیوریلوب قبیل الوفا یدایم تسلیم سجاده مشیخت و تقویض امانت ولایت بیوردقلرنده شیخ احمد افندی حضرتلری مظهر جمال محض اولغله قلوب اخوان و خلانده باعث تردد اولان معنا که ضابطه نظام این حلقه بزور صمصام روحانی بود و این پیر زاده ماعین جمال و محض حلم و لطفست پس احتمال احتمال باشد مضمون احتیاط مشکوئیدر هنوز متواری پرده افکار ایکن در نوبت اوجال بکار آید زرامدت کارزار بنهایت رسید و ضربت وصیت شمشر مردان در بن دیار دیر باید نطق شریف لریله دفع خلجان خواطر اخوان بیورملری جلوه کر میدان صحت اولوب تقدم جلاللری نتیجه بحش راحت زمان جانشینلری دخی اولمشدر بلکه



الى آخر الزمان فرقة ناجیه به حصه ده عبرت وكر ودمكر وده متعنته غصه فرما اولوب بعد الاستخلاف  
المدكور اتمام مبعقات اربعنده گذران پل حیات مستعار و مسر عن زهت برای خوار رحمت غفار  
وسما غنا به بقعه مبارکه مرقومه نك سمت قبلي سنده مغتنم آسایش وجوه عنايات متعاقبه اولشدردر  
وبعد الانتقال مثال مقدسلى صورت مأنوسه زندگانى ليله بالدفعات صحن سما غنا نه ده و درون تربيه  
پر رحمتلرنده معاینه اولنديغی دهشت انداز قلوب اولوب و حمله سر مقدس لیرین غائب حاضر اعتقاد  
ایتمکه بقایای مظموره بندتقیه ده زهره روز اولوب بوسیده مآل اولشدردر ادام القهار خذلانهم  
ودمر أعوانهم ابد الآبى بالحبیب وآله الامجاد آمین یا مجیب السائلین \* (حضرت لطف الله جلبي) \*  
احقاد کرام امیر عادل بن بهاء الدین سلطان ولد قدس سره الصمد اولان عبدالکریم جلبي اسباط  
عظا مندن اولوب عنفوان شبا بلرنده مظهر الطاف شاب نشأ فی طاعة الله تعالى و صحو و تمکین اوزره  
سالک منهج بالمولوی و واقف اسرار جرد امجدی و آراسته معارف و علوم باطنی و ظاهری و پیراسته  
آداب درسی و نفسی اولوب لیکن اغلب اوقاتند مطالعۀ آثار منشطه و تصفح مؤلفات مهیجۀ اسلاف  
کرامه توغل نما اوللر ليله صفوت جوهر و لطافت طینت مجتذذ از دیادتقوج جذبه و حالت اولوب بعد  
صلاة المغرب باب غائب آستانه سعادتدن متوجه مسکن مألوف اولد قری ائتاده مابین البابین  
دست برداشته دعای گذشتگان ایکن احاطۀ انوار و رحایت آسودکان حرم و فرط غلبۀ شعور  
انجذابله بالکلیه صحیفۀ ذاتلری شسته نقوش فرق و لجه بحور فناده غرق اولغله الى آخر العمر  
سر برآور ساحل صحو و هشیارى اولوب سر و پا برهنه بادیه پیمای استغراق اولشدر و اسباب عیش  
خوشدن انجق توکل و اثواب پوشش بدندن فقط بر تنوره و کینک ایلۀ استغفار و ب الوان نعم  
قدوحاق فقرایه اتفاق بیورم لریله وجودش یقلری مقسم ارزاق و نوالی کسان اولشیدی نیجه  
محتاج قوت یومی عیال اولنلره حالت مخمضه لرنده فریا درس اولور لرایدی و آستانۀ کروی آشیانه  
خداوند کاریده شرف خدمت میدان مردانله سرافراز اولان درویش حاجی احمد آینه دار  
اسرار لری و همدم شهنشکام لری و واسطۀ افاضۀ بخودانه لری اولوب اکثریا عرضحال دردمندان  
و محتاجان انک لهجه شفقت آثار لریله اولوب انلردخی مشو بات توسط ارباب حاجاتله مغتنم و خدمت  
حضرت فخر الابدال و ذخر الرجال ایلۀ مستعد اولشدردر و مرقوم درویش فوتند نصرکه دوشه لک  
قهوه خانه سته یورای آرام انداز اولشدردر لیکن هر روزینه زیارت کعبه العشاقله تجدید عهد شوق  
ایدوب خدمۀ مطبخ عامرۀ خنکرا کبری مفارق دردمندانلرینه سایه انداز تشریف اولد قده  
هر بر بخی صوری و معنوی عنایت ناکاهیه لریله شاد کام ایدر لرایدی از جمله خدمۀ مرقومندن بری  
موحش واقعۀ کور و ب متوهم ظهور تعبیری ایکن تشریف یور و ب سالکرا باید که آزمهالک  
روی همت نتابد کجا ماند که از خیال خواب پریشان کردد عنوانیله صاحب واقعۀ به تعریض  
بیورمشدردر و دخی میان خدمۀ مرقومنده جناب ولایت مآب لریلک دوشه لک قهوه خانه سته نقل  
بیورم لری مدکور و میدان جلستاندن مهجور اولم لری مستغرب اولغله علی السحر تشریف لری  
خلالنده \* (بیت) \* این قالب فرسوده کراز کوی تو دور است \* القلب علی بابک لیلا و غم ارا \*  
نظم لطیفیله غیبت صوری حضور معنوی لرینه مانع اولدیغنی افاده بیورمشدردر و دخی فقرای  
تجرد پیشۀ مزبور بدن بری آرز و مندر خرقۀ جدیدۀ و نادر اولدیغنی حبیبیله مکدر اولوب لیکن  
کس سته به کشف مافی الضمیر اتمیوب طرف شر بلرندن حصول مرآته مستمدر و فی اولغله ناکاه  
مطبخه تشریف لری عقینده احباب صداقت نصایدن بری ذات شر یقلرینه خرقه نذر ایدوب شهر

حلبده خرقه بی دیکدیر و بدارالولایه قونیه به دخولنده حضرت چلبی جنبان جست وجو ایدرک  
سوق مظان آرا میرله کلوب اولبقعه مبارکه ده بولوب تسلیم مندنورایلدیکننده طالب خرقه اینست  
مارا کینک بس است بدوده امر عالیری موجبجه طالب مرقومه ویر بولوب وقوف اسرار ضمیر لری  
نمایان اولوب وطالب خندا اولانه آرزوی ماسو املایم اولدیغنی ایما بیور مشلدر بونک امشالی  
مکاشفاتی حیطه تعد ادن بیرون وضابطه تفصیلدن افز وندراقطر تذل علی البحر واللغة علی  
البدر \* (مرویدرکه) \* کرماسر ماده سربا برهنه کشت وکذار چارسو و بازار ایلد کزنده چشم  
آفریده ناخن قدم کرامت توأملرین مانند بشر حافی آلوده کردوکل مشاهده ایتدیکنندن ماعدا  
هر قنغی خانه مشرف تنزل لری اولسه موطنی قدملرنده غبار و خلایدن اثر مرئی اولدیغنی شهادت اهل  
دقت نظرایله رسیده ربه ثبوتدر \* (چنانکه) \* حضرت پیر قدس سره المنیر در حق شیخ مغربی  
در مشنوی معنوی فرموده است \* (نظم) \* روز کشتی باش را مایا بیوس \* کشته و پایش چوباهای  
عروس \* فی زحاک و فی زکل بروی اثر \* نه از خراش خار و آسیب حجر \* (مرویسکه) \*  
محافظین ایالت قره ماندن برینک خادم مفتاح خزانه سی محمود الاوضاع اولغسله محسود الاتباع  
ومنظور المتبوع و بک شهری الاصل و صله رحم طریقیسه زیارت وطنه مأذون ولی النعمی اولوب  
عطیه وافر ایلد بمنون بیورلدیغنی تا کید عقد عقد و حسد دیر به باعث اولوب میان حساد فساددن  
خزینهدار و کاتب دیوان یکدل بهتان و فرصتیاب سرقه اولوب خزانه دن اشیای کثیره سرقت و اخفا  
و مرقوم غیبتنده افل و افترا ایدوب معلوم باشای بی تحریری اولدقه بی جرم معهودی هنوز قریب العین  
خالک وطن اولمدین احضار و کونا کون رنجیده ایلد کلری اثناده حضرت لطف الله چلبی ناگاه  
سرایه توجه بیور و بمقابله باشای مرقومه مربع نشین تمکین و جهره جلال آمیز نما اولدقلرنده  
کاتب دیوان و مخزن دیوان تجاوز حمله قضیه موحشه سرقه بی یاد و کویا حقیقت حالی استکشاف  
ایدراولدقه روی خیانت غماسته تیزاندر تیزنکران اولوب سربار کلرین متعجبانه تحریک  
عقبینده آن اشیار امانا یکدلانه دزدیدیم مضمونیه پرده در بی ادب مسفور اولنجه باشای مرقوم دخی  
بیدار کراخواب غضب و تمور اولوب همانا کاتب دیوانی اخذ و منزلنده مظان اخفا اولان محالی  
تفتیش و تفحص ایلد کده اشیای مرقومه بعینها ظهور ایتکه و شر یک شر و فسادی دخی نمایان  
اولغین اشیای مسروقه تمام مظلوم سابقه احسان اولنوب و وجوه اعتذار و استخلاصه خاطر  
مکسوری معذور قنوب و ربه خزینهداری ایلد تکریم و معزز و موقر وطنه ارسال و خائنین  
سالفینک اشبالی دخی اخذ و کند ویدانعام و کند ولری خائبا و خاسر اردو طرد اولندیغنی محض اثر  
مکاشفه لطف الهی و برکت قدوم ناگاه میری اولدیغنی بین عامه الاهالی و کافه الاحباب شهرت  
شایعه یاب و قصه عبرت مآدر \* (نظم) \* مرد حق آینه سیرت غماست \* عرض حسن صورت  
اورا بس خطاست \* پس چه سود از لایب کوه ران \* می نماند و انمود الا کدر است \* (مرویسکه) \*  
نکده وی علی باشا محافظ ایالت قره مان و حضرت چلبی مشارالیهک محب مخلصی اولوب سفر  
همایونه روان و نیاز مندهمت علیه لری اولدیغنده شمابر ویدمانیز از آن جمعیت دور نه ایم مضمون  
تسلیمت مشکونیه جواب شافی درون فرما اولوب وقتا کد عسکر اسلام مستولی اولدقلری قلعه  
چهر بی حصار ایدوب وزمان محاصره امتدادی و ور و داماد اشتهاد ایلد جمله تسکدل اولدقه  
باشای مرقوم کیفیت تسلیم لری تفصیل کرایله سر نهاده بالین استخاره اولنجه عرض جمال مثال  
بیور و بفر داکار تمامست دم جان بخشیر یله تکرار قوت قلب حاصل اولوب فی الواقع بعد البأس

والیاس بن الصلانی بنده واقعه مبشره صادقه جلوه کرساحه ظهور و غزات موحدین عنوة قلعه مسفوره فی فتح و تسخیر لری اثنا سنده باروی قلعه ده وجود عین سودلرین خندان و اشارت کلان معاینه ایلد کده سابقا سر زده و رای برده غیب اولان رمن خفیلری و شنکر مرآت ضمیر اخلاص سمیری و لاحقا تصمصی بیوردقلری کار تمامست نفس نفس مثالیلری توار دایدوب اساس صدق و اشتیاقی استحکام پذیرا و لشدر و فضل الهی و لطف نامتناهی و کرم ناکاهیلریله عامه عساکر اسلام غرقه دریای سرور و اولوب مژده فتحله طرف پادشاهی به از سال اولان برید صبارفتار و یاشای مرقوم دخی جلبی مومی الیهک وجوه کرم و کرامت لری حاوی مکتوب و یروب و متسلم ایالت اکرام نامنی تنبیه و تأکید و حین اضطرار ده منذور ی اولان اون سکرز بیک افجه تسلیمنی سپارش ایدوب لکن مکتوب صدق معصوب محلمنه و اصل اولد قده اول سیمیر غ قاف ولایت لانه جهان فایندن پر واز آشیان از لی ایتش اولغله اسلوب مذکور اوز ره طی مکان و امداد عسا کرایمان و اهتمام ند میر جند شیطان ایتلری کند ولر لیکار اولیادن اولدیغین تحقیق ایتکاه اهالی دارالولایه تجدید ماتم ایدوب مبلغ مرقوم ایلد دخی گوشه گوشه حلوا طبخ اولنوب عامه فقرا به انفاق اولنمی مناسب رای اولنغله اول آسمانه حضرت بیدر قدس سره المنبر ده جمله فقرا و احبابه و فالیده جلک مرتبه و ثانیاد رکاه حضرت شمس الدین تبریزیده و ثالثا خانقاه صدرالدینیده ثم و ثم هر گوشه ده قزغانلرایله حلوا طبخ اولنوب کافه ارامل و ای نامه انفاق اولندیغی مشهود و صغیر و کبیر و معاین غنی و فقیر اولمشدر \* (مرویدر که) \* ایالت قره مانلک مدن و امصار و قصبات و قراستنه بامر الله تعالی و قدره و بای عظیم و طاعون اکبر مستولی اولوب سکان ایالت کیفیت شدت و کمیت موتدن متخیر و هر کس منتهی سفر آخرت و متجهز ارتحال و مستحل احباب و عیال و دلیر دمال و منال اولد قده و قتا وقت جلبی مومی الیه جنک آورانه وضع دار و کیرایله اسواقده و میان محللاندده جلوه نمای دفع اوللرایله چندر و زه ساکن و تکرار شدت ظهور ایلد کده کذلک بالذفات بومقوله مدافعه و محارسه معنویه لری و متسللا اولنلر لک دخی نیجه لرین حرز نفس لریله و تعویذ دست سودلر لریله و قرا این و ندور و صدقاتله ره یاب زحمت طعن طائفه نادیده بیور و آخرالامر دفعه محاربه و اسپینلرنده درون شهر دن اخراج و تاباشا چشمه سی دیگه معروف محله تعقیب اولند قلیزده کتند ولر دخی بقضاء الله تعالی مطعون اولوب الملری شدت پذیر اولد قده قهوه مرقومه دن ینیه مقمر عز قدیلری اولان میدان چل تنانه نقل بیور و بقیل الوفات موقع لطیفه کلوب متوجه قبله استطاله بیور و ب لطف الله مجذوب است بحضور محبوب شایسته نیست اورا برین و در اولیست لطیفه رقت انکیز یله شرحه کن سینه حسرت عشاق اولوب مقام لری به رجعت عقینده در حال پادر رکاب انتقال اولوب وجود نازینلرین کو یاره محبت و محافظه همسایکانه فدایور و ب عسکران به کدشت سکان علت مرقومه به دمدار اولوب کتند ولر د نصکره عارضه موحشه دخی بالکلیه مندفعه اولغله جمله به دقیقه تقدیه لری ظاهر و حیات و همات لری واسطه فیض و رحمت و مایه عفو و عافیت اولدیغی هویدا اولمشدر و کتند ولر د نصکره غاطس دریای جذبه مادر زادیغی نام بخویشه کینک و کمر لرین توصیه لری به بناء اول ایکی امانت کند و به تسلیم اولنوب کو یاجانشینلری اولمشدر و زمان حیات لریده دخی شیوه جذبه ده پیر وی اولنلرا احمد نام مجذوبی نابلوسه ارسال و درویش محمدی سویسده مقام خضر علیه السلامه اجلاس و قره مانه کفری نسیم بدلانی استخلاف بیور و ب مذکور بندن آثار و اتاد جلوه کرم نص ظهور اولمشدر نور الله تعالی قبره و افاض علی المستشفین بره آمین با محیب الداعین

حضرت علی چلبی

\* (حضرت علی چلبی) \* نقشی جلال الدین بن حسین چلبی بن فرخ چلبی متعنا الله ببرکات اسرارهم  
اولاد کرامندن اولوب دیار فرس و روم و عربده ادرالک مجالس رفیعہ فضل و تحصیل علوم عقلیہ  
و نقلیہ ایدوب یکنه عصر و کیده دهر اولوب بعده العرق نزاع مغز اسنجہ سالک مسالک اهل تحقیق  
و ملازم اعتبار سامیه مشایخ و عرفا و فائز کنجینه عرفان و حائر قصب السبق میدان و مائل کشت  
و کذار جهات عالم امکان اولش یکن انسانی سیاحتلرند موذت و لطف طبع اهل مغنیسا عنان کبر  
سمند سیر و کردش بی آرا ملری اولوب و محبیه مذکورده اولان خانقاه مولویه دخی اول نقشده  
بر سر حلقه زیبار و شه محتاج اولغین عرض و محضر اولوب عتبه خنکارا کبریدن منشور خلافتله  
تشیف بیور ملری رجا اولغله نیاز نامه احباب محبیه مر قومه به مساعدده بیور یلوب استخلاف  
اولمشلردر و مدت مدیده اول مقام عالیده مسند زینب کامرانی و متکا آرای دوستکامی اولوب  
چشمه طبع صافیلرندن نوع ایدن زلال معارف منظومه و منشوره ایلده دلش نکان طریقت علییه  
مولویه بی سیراب و حدائق قلوب مشتاقینی بر ریاحین حبیب محبت و اخلاص و خیابان زار عشق  
و عرفان ایتشلردر و نعت یالک سید الکوین علییه الصلاة و آله فی العالمین نظمنده همشیره خاقانی  
اولوب آتاری مقبول طباع سلمیه و مرغوب مشارب مستقیمه و مستعدین دیار مر قومه سمیت نظمده  
و تعلیم فارسیانده استاذ کل اولوب او اواخر خلافتلرند چند ساله تقاعد و زمانت اقتضاسیله ثمره  
شجره ذاتلری اولان محمد لطفی چلبی بی ولی عهد ایدنیوب انلردخی مجموعه لطائف علییه و عملیه  
و هر وجهله تقد و وقت پدر بزرگوار لری اولغله کسند و لردنص کمره جانشینلری اولوب زمانلرند  
بین المشایخ نشانکاه سرانکشت شمار اعتبار اوللردنر عمره الله تعالی بالذکر الجمیل و دخی شیخ  
احمد عار فی عقیدنده وزیر اعظم و مشیر انجم ابراهیم پاشا دعوتیله دارالدوله استنبوله تشریف  
ایدوب صدر دخیخت خانقاه باب جدیده اجلاس مراد اولند قدده (اگر خواهد دستورا کرم خدمت  
اولیا و دعوات فقراست در غیبت اولیتر است عنوانیله اعتذار و استعفا بیور و بکمال توقیر  
و احترامله بنه مقرر خلافت سابقه لر بنه رجعت بیور و بکوشه فراغت توشه و حد تلین ترجیح  
صدر حسرت المشایخ ایتشلر که فی نفس الامر اول محشر کجاده حلقه نیکین اعتبار اولوق چشم زخم  
حساد فسادله نتیجه زای قننه اشتهار بی زخم اراولوق مقرر در و خانقاه مزبورک و قفی اولان قریده  
اشقیادن خیره نام خیر سوز نسکون تغلب ایدوب و حضرت لطفی چلبی غله وقفه متعلق کسندویه  
منکسر الخاطر اولغله سیر عا و عاجلاناطولی والیسی حاجی علی پاشا قلع و قمع عروق فسادینه مأمور  
اولوب او حیوز مقداری اعوان و انصار یله کرفتار دمار و اول لطف سرباقدمه جرأت عقوق ایله  
مہبط صاعقه قهر حضرت قهار و عبرت دار و دیار اولشلردر \* (بیت) \* مباح سرکش و مغرور بی  
ادب که هدف \* همیشه از لر کردن نشانه تیراست \* (حضرت عبدالاحد چلبی) \* فرخ چلبی  
احفادن شاه چلبی سبط مکرمی بیرام چلبی اولادندن اولوب کوشه کزین خمول و قناعت و همواره  
ملازم تریه مقدسه خداوند کاری و حسب الاستطاعه دلنواز فقرا و زراعت و اعمال جماله  
تعیش فرماو بیعید پست و بالا و ابائی قدح و ثنایر دانه و وسیع المشرب اولوب نود ساله عمر بتلرند  
اوقات خمسہ بی مسجد شریف تریه معظمه دده ادا و حضور مجالس قربت اسم جلال و مقابله  
وند کیر مشوئش یفدن خالی و درون تریه مقدسه دحیای لیاالی مبارکه و اجرای نوافل صوم و تحجد  
و اشراق و ضحی و او ایندن فائز اولوب بالذفات مسند مشیخت آستانه سعادت کسندویه عرض  
اولند قدده بنده زیروی قائم است پیری کجاست نفحه لطیفه سبیله اعتذار بیور و بکامی پرده

حضرت عبدالاحد چلبی

خلافت معنویه ده متواری و مقدار کشفای وقت اولش در و بوقیه بر تقصیر و خاصک پای فقرا  
 اوائل سلوکده تحت امر المری عدم اصطبار مدن ناشی مولع سیاحت و هر موسم بهارده بردفعه  
 ر و مال آستانه سعادت عادت اولوب نظر شفقت اثر لینه مظهر اولد یغمه ای درویش ثاقب  
 کن حسابا سباحتی متی التردد سیما حاسا حانفس انفس لریله تنبیه و ایضا ظیری سرمایه آرام  
 و سکون اولوب همت علیه لری امداد یله یهوده کردی و مساحت طول و عرض روی زمین خلاص  
 و طلب اخلاصه صبر و سکونه موفق اولدم لله در و علی الدیان اجره و حوصله استعد آدم مرتبه سی  
 اول فقره مبارک کنی کن مبالغی حساب احوالک بحسب التزل و الترقی و فی التسلیم بالاسماء  
 و السباحة فی بحر المعنی اذلا یفیدک التردد بین المدن و الامصار و المساحة فی الانحاء و الاقطار  
 فلا تسرف وقتک ولا تضییع عمرک ولا تتعب جسمک فنفوت الفرصة ولا تنفع الندامة ایله تفسیر  
 و کوشواره جانم ایدوب تبرکا و تشکر انقبیه نفیسه لرینه تفهیم اولمشدر و آخر وقت لریده  
 فرزندار جسد لری بیرام چلبی به ازین صحت مراملال آمد بعد ازین انتقال است عنوان یله  
 ایما یورد قلی عقینده مسافرت دار البقا و عزم بزم حضرت مولانا من کل الجهات اعلانا ایدوب  
 حدیقه الارواح خداوند کاریده سایه حمایت نشین اولمشدر نورالکریم ثرا و طیب نفسه  
 بجانه واه و اکرم فوق المتی مثواه آمین یا مجیب الداعین \* (حضرت خلیل چلبی) \* عارف کوچک  
 حقه کرامتدن اولوب جامع اخلاق حمیده و اعمال مرضیه و فائز نعمت عیش خوش و آستان  
 حضرت شمس الدین تبریزیده مسند نشین مشیخت و حمله ابنای زمان یله صاحب زند کافی دلکش  
 و موقع ظنون حسنه و مغتنم قنوجز یله و منشأ آثار جمیله اولمشدر و اغلب اوقات صافیه لری  
 صمت و سکون اوزره مراقب و محزون کذران ایتمکله رجاء مند ما مره اولنله لهجه کوینده  
 زنا گفتن کلال و سامعه شنونده ز گفتنهای ملال دار دین چه جای گفت و شنود است کلام  
 جامعه لر یله تعریض ارشاد منهیج سلامت حال بیور مشدر در او ان معریت لری سالم و غانما مرور  
 ایدوب و کما تعیشون تموتون مصداقجه ادنی بهانه در در سیرایله مانند برقی خاطف فطره موتدن عبور  
 ایدوب سیمای معانی چهره پر نور حیات لریدن فرق اولنمیدوب کویا پیکر مبارک لری مرآت سرالقوم  
 اخوانوت اولمشیدی و موجب وصیت لری اوزره صمت قدم رحمت توأم جد بزرگوار لریده آسوده  
 روح و روحیحان روضه جنان اولمشدر اعلی الله در جته و اسکنه فردوس جته آمین یا مجیب  
 السائلین \* (حضرت حسن چلبی) \* جلال الدین بن حسن چلبی ابن فرخ چلبی قدس سرهم  
 العزیز اولاد کرامتدن اولوب تکمیل آداب نفس و درس و جرات آستانه سعادت آشیانه ده  
 انز و اوتل و تجرید و تقرید اختیار ایدوب روی عالمیانه در بسته اختلاط ایکن موجب اشارت  
 روحانیه ایله لریده ده مشیخت درگاه والا پیشگاه حضرت والده سلطان علیها الرحمة والرضوان  
 ایله تشریف بیور یلوب الی آخر العمر اول مسند حمایت مستندده صوری و معنوی مراد مرید  
 بخش و کامران تأیید قنوج غیبی اولمشدر \* (مریدرکه) \* پر و انکان شمع جمع لریدن اکثری زمان  
 بسریده بهر یاب انتظار حسنه لری و بر در دمندیرینه حصه مند یاد اش خدمات موفوره و مظهر  
 عاطفت غوثانه لری اولد یغنه اخوانکدر و نلرنده خلجان فرمی تردد اولان معنایه آینه احسان  
 منان بنده ساکن راضیت نه ساکت ساخطست عنوان یله پاسخ تعریف آمیز و جواب دفع انکیز  
 و سکون رضا مضمونه ترغیب و سکوت سخط مشحوندن ترهیب بیور مشدر (نسکته) در که حضرت پیر  
 قدس سره المنیر ده مدت مدیده انتظار له میسر الیل اولان مرام آستانه حضرت والده سلطانیده زمان

حضرت خلیل چلبی

حضرت حسن چلبی

بسیار افتقار له حاصل اولور دیو بین الفقر امتداد اولان مقدمه مبشره سری استکشاف اولند قدہ  
 همچنین است که روحانیت حضرت تش شفیعہ مجبرہ شفیعہ است و انحلال مشکلات بطریق شفاعت  
 سهلست از آنکه بطریق سائر و وازانست که مجرمان طریق تراسر باوس میاحت فرمایند و از آستانہ  
 ایشان با کمال پریشان حالی و شکستہ بآلی رومال این عتہ رفیعہ و جہہ سالی این سدہ سنیہ باشند  
 و در مدت چهل روز از آن غائلہ رهایانند و بعبود و قبول ر و سفید و دلشاد عودت نمایند کہ شفاعت  
 حسنة این بزرگوار در حضور خداوند کارش هر آنستہ مقبولہ است بخواسیلہ مژده ده اخوان الصفا  
 اولوب و بندہ روسیہ نیز بدین امید دست سوال بخلقہ این در زدم مسؤلست کہ تہی دست غنا م مصدوقہ  
 تعلیم غنائیلہ ختم کلام ارشاد نظام بیور مشردر \* (بیت) \* باشفاعت مجرم از دوزخ رهد \* باشفاعت  
 مرغزار از فسخ رهد \* توشفاعت را چون نور مہر دار \* بادی از حبس فسر دن بچ رهد \* و برکات  
 صدق و اخلاص لیلہ سایہ عنایت مایہ لرنده محی و آغوش روحانیت شفقت وایہ لرنده مرغی و منشأ  
 اطوار پسندیدہ و مظهر تائیدات مزیدہ اولوب جوار رحمت مدار لرنده آسودہ اغتنام روح پروردگار  
 اولمشدر جعل اللہ تعالی ما واه مہبط الانوار بمنہ و فضلہ آمین بحرمہ سید المرسلین \* (حضرت حسین  
 چلبی) \* فخر النسب وقت و جناب عفت مآب کاملہ بنت چلبی عارف کوجک حضرت تلیک اولاد کرام  
 صوریہ لرندن وزیر قیہ قباده متواری و صاحب ثروت و غنا و مائل خیرات و حسنات و جامع جمیع  
 اخلاق حسنة و موفق اعمال مستحسنہ اولوب آبا و اجدادی زعامتہ متفرقہ کان عتہ دولہ دن  
 شجاعت نہاد و سماحت معتاد مرد عالی ہمت اولمغله تہ کنای حلقہ صحبت اہل دنیا دن بزار  
 و هموار ہر شکن آزادان لا ابالی رفتار اولوب نان بارہ دیرینہ قناعت ایدوب زراعت و حراست و غلال  
 عقار یلہ تعیشہ خر سندن و برومند نخل دو حہ غافیت اولمشدر بونندہ کینہ لری دخی بقعہ مبارکہ  
 ارغونیہ دہ جار و بکش و خدمت فقرای باب اللہ مستعد اولدیغیز اول شجرہ طیبہ ثمرات لطیفہ  
 سندن حوّا خانم نعمت صحبتیلہ مغتنم و اول سایہ غنیمت مایہ دہ شیخ محمد مخلص و شیخ احمد خالص و شیخ  
 محمود حامد و شیخ علی شا کر و حلیمہ عابدہ و فاطمہ صالحہ و عایشہ زاہرہ نام جواہر ہفتہ گاہ  
 احسانیلہ سر بلند فللہ الحمد و المنة جامع دولتین خدمت اولاد کرام و فقرای ذوی الاحترام اولمغله  
 شرفیاب صوری و سری اولمشدر ادام اللہ تعالی طلال برکتہم علی مفارق الفقراء و رؤس الاحیاء  
 و اقام فی اعتاب خدمات اسلافہم العلیا بکر و واسیلہ آمین یا معین بحرمہ الشفیع الامین  
 \* (مر ویدر کہ) \* نوبت خلافت عظمای چلبی عبدالحلیم حمد ذکرہ و فضل برہدہ زیارت تربتہ مقدسہ  
 اصل اسعد و رومال عتہ جد المجدلہ شرفیاب و کونا کون برک سبز و نیازلہ دلنوا از اخوان اولدقدہ  
 بنای مطبخ آستانہ سعادت حق محتاج تریم شہادہ ایتہ کہ جناب سجادہ نشین مرقومدن استئذان  
 اثنا سندہ آتشچی باشیلری جعفر دہدہ مرحوم در حال اخبار انہدام ایدنجہ باذن ما احتیاج نمائند و جد  
 امجدت مساعده فرمودیور ملربلہ بذل مجھ و دوصرف موجود و اول بقعہ مبارکہ کی اولی من الاول تمہیر  
 و تجسدیلہ منتدار اولمشدر و شیخ خانقاہ بلغراد اولان مرحوم عدنی دہدہ تعمیر مرقومہ نظم ایلدیکی  
 تار بچہ دخی ضمیمہ منقبہ لری قلمشدر \* (تاریخ اینست) \* برکرم اہلی صاحب الخیرہ \* ایریشوب عین  
 عون ذات خدا \* ہمتی خاندان مولوی ید \* لازم اتسا بن ابتد ادا \* فقرام طبعین ایدوب خوش طرز \*  
 آفرین او قودی غنی و کدا \* واصل روح بالجدی اولہ \* کندودن مالی چونکہ اولدی جدا \* بکینوب  
 عنیادیم تار بچ \* اولدی مطبخ فرحزاجدا \* و او اخر عمر عزیز لرنده فلاخن حکمت انداختہ غربت  
 و کربتزدہ ایتہ سکندر روم ایلیدہ صوفیہ نام شہر دہ و داع جہان فانی ایشدر و مرحوم و مغفور لہ مرقومک

حضرت حسین چلبی

صوری و معنوی پیر و اسلاف و متسین سنن پیشقدمان اولغه کمال آرزو و اشتیاقندن ناشی اولاد  
 و اقربا لرخی ایاکم و الخلف عن اثر الاسلاف و الخلفه لری الاشراف و علیکم بالاثر و الری جمیعاً عنوانبله  
 تحذیر و الزام بیور مشلردرفان فی جمعهمما جمع الشمل دینا و دنیا و فی فرقهها متفرقه کما شمل بعض الاکابر  
 بماذا تامل یوم التناذ جاب بقوله الحشر علی زی العباد متعنا الله الهادی باقتفاء اثرهم کما متعنا  
 بالتشبه فی زیم آمین یا مجیب السائلین \* (جون) \* فاتحه جلیله مقاله اولی اصول عالیة خضر و الیاسی  
 قدس اسرارهم الیه توشیح و ترصیع قلنوب و بین الفاتحه و الخاتمه دخی اذ کار جمیل سائر جلیان سلاله  
 زکیة خداوند کار یله ترین اولندی بس خاتمه لطیفه سی فروع سامیه اصول مذکور ه الیه تحسین  
 اولنمق رعایت دقیقه حسن خاتمه بی متضمن اولغله لازم التقدیم اولان بعضی شاهزادگان مثله  
 نفیسه لری تأخیر اولنوب حسن خاتمه فلنمشد نه آنکه بحسب الطبقه بعض مناقب فاخره لری تقدیم  
 اولنا نلردن منازل رفیع لری متأخره اوله که مفارخیزه لری علوط طبقه لرینه امارات باهره در  
 بلکه مقصد بنده اول و آخر یکنر نک عرق انتساب اولد قنری حسیله دائره اذ کار رحمت نثار لرینه  
 توهم تقدم و تأخر اولدیغنه اشارتدر که اجزای دائره متساویه المراتب و بی تفرقه تقدم و تأخر درسیما  
 دائره اهل توحید و وحدت اوله فلیفهم ولا یتوهم مالا یخلفه الحکیم فی حقهم فانهم علی ما کلفوا علیه  
 من الازل الی الابد لا یطرؤهم الفرق و العدد \* (حضرت خضر شاه جلی) \* صدق صلب کوهر ولی  
 پر ورجنب سلطان دیوانی قدس سره النور انیدن سرزده ساحل امکان و لای ثمنه کرامت افواج  
 امواج عیان و لا یتدن جلوه نمای میدان صورت انسان اولوب ککو شریب نوعر و س ایجاد  
 و روشنای دیده اجداد اجدادی بدر بنگای بهمتادر و عقیم صاحب السیف ملک معنا اولان بدر  
 والا کهر لرینه اریکه نشین خلافت کبرای سر حضرت مولانا قدس سره الاسنی و مجمع البحرین  
 دولتمین حضرت خضر باشا سیده مظهر تعین شاهی اولمشدر نعم السلف و حبذا الخلف بر کوهر تابد ارکه  
 پر و رسیافه قلم و لایت و یاب و یاب و یاب و یاب که میوه نخله کرامت اوله انک وصف حد ذاتی بیرون دائره احاطه  
 حواصل اقلام اعلام اولدیغی اجلائی بدیهیاتدر رانجق علی طریق التظنیر تقریب افهام سیاقنده  
 ثانی سلطان ولد عنوانله سر نامه نعر یقنری نیکارید غیبه غیبی قلنوب زمان سعادت لرینه شهرت  
 مرقومه الیه مدعو و آثار متشابه لواجماء الدین ولدی الیه ساحه لهجه بر بهجه لری مازا و ایشدر که  
 نمودار وراثت کلیه اصل اسعد لریدر \* (مشوی) \* تو بکوداده خدا به تروید \* یا که انکی  
 راهوارانه رود \* (بیت) \* خود فزون آن به که آن از فطر تست \* تا زافزونی که جهد و فکرتست \*  
 \* (مرویدر که) \* اولمجمع البحرین ظاهر و باطنده دردمندان و بیچاره کانه خضر زمان و تشنه نکان  
 بادیه سیر و سلوک چشمه حیوان اولان ذات پاکیزه خصال خلقتا و خلقتا و الدماجد لرینه اشبه و انکن  
 بی پرده ملامت اولمیری خصوص خلافت نامه لرینه اهل عمومه مورث شمه و تردد اولغله (آن شهسوار  
 میدان ولایت در قبه ملامت متواری بودن برای سلامت سر بود و اولاد سرابه چون سر از واری پرده  
 سرزده باز نکرده) لطیفه تحقیقانه لرینه سر کشف استار ملامته و سدب تر لریش اهل باز کونه یه  
 اعیان و رب بدیهه بنی انشاد بیور مشلردر \* (بیت) \* سوز آبا و سوز فرزندان \* شور دریا  
 و صفوت کهر است \* و هم عیان سلطان مافرموده است \* (بیت) \* رنج بی پایان و بیدریده ایم \*  
 ره بر اهل خویش آسان کرد ایم \* (معه و است که) \* اول صدق و ابرار دعا عقیب ارتحال بدر  
 ولایت افسر لرینه غلبه احتراق هجران و استیلائی سوز و کداز فراقه ناله دهن مانند نال و تب غمدن  
 هلال اولوب وجهها من الوجوه تسلیمیندر اولوب بر طرفان دردمست و الدماجد لریش و بر یکاخرن

خاتمه مقاله اولی

حضرت خضر جلی



و کریمه مخدوم اگر می جان و دل اخوان الصفا و خلائان الوفا به کار و هر بری ماتم زده کونا کون  
 اولغله نه اول فریاد رس در ماند کان صوب روحانیت قدسیه لریدن استمداد علی العموم اولند قدسه  
 سر اقدس لری و غمائی مشرق جهان خیال و کافی الواقع واقعه فی شائیه خیر الخلف لریده مثال قدس لری  
 مقرر عزت زب صوری نمایان اولوب (فی فی همچنین نمایان بخود آورده خوراهی از خود و در خوی پس  
 بخواه و بین آن قدر هسته که نوب چشم سر گذشت دیده سر باید که در واقع نیز چون واقعه محجوب  
 نباشی اگر بعین عنایت منظور شوی و این دیده سر پیش چشم سر چون عینک باشد و در واقع  
 و واقعه روشن خاطر حضور بی غیبت شوی) انفا من نفیسه و کلمات قدسیه لریده تسلیت و تکمیل  
 ارشاد بیور لریده اول شمع جمع اصحاب نظر رها یاب سوز حـ و در در سر و کریمه شب تاب سحر اولوب  
 همواره پیمانه ضراعت و ابتهاج نشین و سجاده خلافت سلطان ابوالسیفیه فی زهره وضع قدم ایکن  
 امداد نا کاه لریده کشف غیبه و انشراح سینه سر سکنه احسان اولنوب قائم مقام صوری و معنوی  
 اولوب کاه سکه عینک دیده ظاهر لریده دخی مثال منور لریده مشاهده مستند معتمد اولد قری عواطف  
 لا عین رأت ولا اذن سمعت سـ و حبله تمیز خاطر کسیر لریده تلقی کرده ثقات روات معاصرین و لهجـ  
 بر به لریدن نقل فرموده ارباب یقیندر که حس با صبره ایله معاینه مثل ار و اح عالی به ناک امکان و صحتی  
 مأمون العائله ارباب و مشهود علیه عامه اولی الالبابدر \* چون یکی حس غیر محسوسات دید \* کشت  
 غیبی بر همه حسها بدید \* هر حسیت پیغام بر حسها شود \* حمله حسها را بجنبست میکشد \*  
 فلیراجع الی مناقب الرجال و آرزوی الاحوال \* (منقول است که) \* اول مردم چشم عاشقان  
 و اول چراغ جمعیت خانه عارفان نظاره کردان حلقه اخوان اولوب ارباب حضور دن سینی غائب  
 مشاهده و تفقد بیور دفریده او بیمار است جوابی کوشن در لری اولنجه (اگر بی مار و یابیم اربودی  
 به بیماری تیمار بخوردی) دم ارشاد تو املر به تسلیط اورام و اسقام یا مارا قماره کزیده لکدن و یا  
 فی با کـ لکدن اولد بغنی ایمایور و ب کمال طرافت تحلیل و تحقیقه نسکته برد از حقیقت اولری سخن  
 فهمان دور و نزدیک رپوده محبت و اراد لریده ایتشدر \* (منشوی) \* لحظه لحظه امتحان می رسد \*  
 سر دلها می نماید بر جسد \* لا ابالی بر کسی باشد مباح \* کش زبان نبود ز غدر و از صـ لاج \*  
 \* (آورده اند که) \* اول معدن جواهر لریده محفل حقائق احتموا سنده بین الاخوان و الخلائ بحث  
 الذالشیاء و امرها عتمد اولوب هر کس بقدر الوقوف و التجربة تعیین محل بحث ایدوب السـ  
 ابعاضدن الذالشیاء فحاة النعمه عند جفوة النعمه و مساعده الطاع و هلاک الاعداء و الوصل بعد الهجر  
 و اللطف عقب القهر و سلامة العاقبة و حسن العاقبة و امر الاشیاء پیری یا بینوایی و مرگ در جوانی  
 و بخت بد و همت بلند و گرفتاری تضاد و غریبت با کربت و دیدن اغیار در نشین یار و دین لثیم اولق  
 او ز ره سلسله اختلاف متمادی اولد قدسه امرها الوجود فانه ذنب لا یقاس علیه ذنب آخر و الذها  
 الشهود و فرط مرارة نهاية الذنوب و فضل غایه خلاوة الشهود بدیهیتان عند اهل التحقیق و خرب  
 التوفیق) جواب با صواب لریده حس عمروق اشتباه و اختلاف بیور مشـ لدر \* (مروید بر که) \*  
 اول نیر اعظم سپهر مکاشفه نوبت خلافت لریده دخی اندست شفا پیوست و رقی دهان پرد کرسبحان  
 و حرز رقیه و آ نارسائره اسلاف علیه لری با حمله در کار اولغله هر صریع و علیـ که مستثنی  
 و مستدعی و هر کلیل صریح حوادث هر محمـ کیم مستند جانب جناب ولایت مآ لری اوله محرم اولیوب  
 از دما و لریده مخزون و هر باب اولد لریدن ماعدا معصومان نوزاده که تسبیح و کشایش همان سلسله  
 پیشگاه سعادت است که هر صریح اولد در ویش فلان عنوانه تسبیح بیور و لاسلـ خـ لاسـ



مسعود انابت طریقت مولویه و سرانکشت مبارک را بیده دهن کشا اولد قلمری علما و صلحا و مجتهدین  
 ظهور این قلمری و قوف عواقب احوال و وراثت اسرار اجداد را بدین شمه و دمعدله واجب الاعتقاد  
 و لازم التصدیق و الانقیاد در \* (مشوی شریف) \* خاگ با کان لیس و دیوارشان \* به تراز عالم  
 رز و کزارشان \* بنده یک مرد در و شن دل شوی \* به که بر فرق سر شاهان روی \* (مرو بستکه) \*  
 اول ملجأ دردمندان و پشت و پناه مستمندان معنای جزین اسم سامیلمین جامع اولوب باطن خضر  
 دائرة ولایت و ظاهر شاه اقلیم لطف و کرم اولوب هر متقوله حاجتمند سده سعادت غوثانه لرینه  
 عرض حال ایلسه جانب اولیا کرامدن حصول پذیرا وله حق مراملین توسط معنوی و طرف مالوک  
 و ولادت شفاعت مقبوله لری ایله دست داده اوله حق امور لرین تنزل صوری و مطلقه التماس لرینه  
 قضای حاجات مستغنیه مساعی متوعه لری مبذول اولوب رجال عقبه دولتدن فردوا حده زهره  
 تسویف ورد اولوب حامل شفا عتنامه لری مجبور الخاطر و مقضی المرام ارجاع بیور لغله تراحم  
 و توار دظهوریده تنگ حوصلکان و نودولتان استسکنا لرینه این مراد خضر شاهیت کبدر بخالفتش  
 خطر غیر متناهی مقرر است تو بخینه جواب صواب دیدار باب اقبال اولمشیدی \* (بیت) \* هست  
 یکا مش امام القبلتین \* نام دیگر هم ولی الدولتین \* (مرو بستکه) \* اول شجر اغ کنج خانه عرفان  
 و رشک آور خوش عیش پادشاهان جامع منافع دولتین و فائز سعادات دارین ایکن من کل الوجوه  
 محسود اینای زمان و محکورا الاقران اولق احتماله اعمال مفکره خرم و احتیاط بیور میوب علی  
 الدوام بقید آب زیرگاه اغیار و مغنم عیش خوشکوار بی خسار کید روز کار اولد قلمری ساده دلان  
 خیر خواهانه احاطه مشرب و اسعاده دور نما اولد یغی جلوه کرم آت خاطر فیض مآثر لری اولد قده  
 (اخوان و خلان مادر سایه کلاه سیفی آن سلطان باهر البرهان آسوده حال و فارغ البال میز بند که  
 برکت آن سایه راحت مایه باخچا زمین و آناه زمان ساریست کس رازهره آن نیست که بدخواهی  
 کند هر که باور نکند کویید که تجربه کن و بین) نطق تسلیم بخش لریله دفع خلجان او هام اولنوب  
 و فی الحقیقه زمان شریف لری بهار همیشه عیش خوش و بی کرم و سرد مواسم حوادث اولشدر هنیئاله  
 و مرثیالمن حوله و اورث الذی احبه آمین بعز دموع المشتاقین و بحرمة انین المحبین \* (مرویدر که) \*  
 حضرت مخدومی آگاه حکمت دستکاه و فراست پیشکاه هرگاه که بزم آرای جواهر زواهر حکم  
 و عبر و معارف اولسه لهر کله جامع لری آحاد جمعیت لرینه مشکل کشای وافی و افراد آشنا و بیگانه به  
 جواب شافی و عقده ضماثره حل کافی اولوب جمله بی مسرور و بمنون بیور مق شیوه مشرب کریمانه لری  
 و کام الناس علی قدر عقولهم فحوائی بر جد و اسی دستور العمل لهجه پر بهجه لری ایکن ناگاه مجلس  
 حقایق احتمالی خلل یاب تخیل اهل نفاق اولد قده کل کون سیان لری میداند که نفس و چوکان زن  
 کوی معنای انفس ایکن در حال نگاره کرد صدد و سمت صحبت آفاقیه به عطف عنان بیور ملری  
 و سر یعاس کوت و مراقبه لری دخیل مر قومک نفاق منش و دخال روش اولد یغنه امارت و محرمان  
 و همدمانه تعلیم و تنبیهی متضمن اولور ایدی که پوشیده حسنه جلوه کرسا حقه ظهور اولد قده صورت  
 کتم اسرار دن استسما بخل اید نلره ما وارث آن سلطان ملک معرفت و کان کرم و سما حتم که مردم  
 اندر حسرت فهم درست فرموده است پس مراد توفی عن وضع الشئ فی غیر محله و پرهیز از رسوا کردن  
 عرایس مخدرات قدسیه است که عرض ان انکار معانی بنا محرمان جزای حرمان از دیدارشان دارد  
 و احتمال اقرار هم مسلوب است \* (ولایزید الظالمین الا خسارا) \* انفا نغیسه لرینه سمدخل توهم  
 زایغ ایدوب کتم الاسرار عن الاغیار ده پیرو پیشقدمان محققین اولد قلمرین اشعار بیور مشلردر

وهرگاه که سد باب خزانه معارف اقتضا ایده وقت فدای خرقه است لطیفه سبيله دفع بیگانه تدارک کننده  
 ابو بکر شبلی حضرت تریک نظر فلزینه اشارت یورر لرایدی و محرمان راز نه نطق لری کبی سکوت لری  
 دخی نافع بلکه لسان الحال انطق من لسان المقال موجب بجه همدان اضاعت بضاعة صحبت ایتیموب  
 تجلی واستتار لرزیده مستقیم اولمربله بو بیت شریف حضرت پیر قدس سره المنیر ایله استشهاد  
 یور مشلردر \* (بیت) \* ذکر چنانکه توهم خرقه و هم رازی \* بگو اشارت آن ناطق خوش چه بود  
 \* (مرو بستکه) \* اول قبله حقیقت نما و منزل طریقته پیشوا اولان ولی والا منقبت بر سال فرخ  
 مآ لده هزار قوافل اشتیاقه راهی زیارت خالک یالک خنکار اکبری وعین الجمع اخوان الصفا  
 و جم غفیر خلان الوفا به قائد اخلاص اولوب انشای راهده اقامت فریضه صد دنده سمیت قبله ده اشتباه  
 واختلاف تحری واقع اولنجه جواز العمل بالتحری اذالم یوجد من یسأل عنه والعجب ان المسؤل  
 عنه موجود والسائل معدوم عنوان تعریض آمیز لری اراده دفع اشتباه هله ارائت سمیت مطالبی  
 مشعر اولغله بیکار ه متوجه سمیت قبله حقیقت ذات مستجمع صفات قدسیه لری اولد قلزنده  
 انلردخی متوجه سمیت قبله صوری اولنجه کویا وجودیم بود لری محراب کعبه الحرام نما اولوب جمله  
 معاینه بیت الله ایلد کبری متفق علیه شهادت جماعت مر قومه اولد یغی ثبت کرده جریده مختلدر  
 فی الحقیقه ذوات مردان خدا عند الحق قبله حقیقت ولدی الحق قبله حقیقت نما اولنجه بیت المعمور  
 و بیت الحرام نما اولق امر سهلدر متعنا الله الهادی بالتوجه الی وجوه اسرار هم ونفعنا بالا هتداء  
 الی اقتداء بنجوم آثار هم \* (مرو یدر که) \* اول شاهزاده والارکاب و اول ماهپاره خرسید جناب تخت  
 عالی تخت خلافت سلطان ابوالسیف الصارم او زره جلوس همایون یورد قدده همایان بهانه تعزیه و تمینه  
 ایله وارد اولان وفود وثیق العهودک نثار ایلد کبری نقد و جنس و تقاریق و تحف هدا یا مقدار خزانه  
 مور و ثلر ند از دیاد او زره و ایراد لری اضعاف مصارف امیرانه لری و دولت صور یلری مانند عز  
 و رفعت معنوی لری و زافزون اولد یغی نویسان ظاهر بینی خیره چشم صدق انابت ایلد یکی  
 هکس انداز آینه ضمائر غم لری اولد قدده زمین باغ دولت مافقر است که درختانش بارور و فیض  
 آن زمین است پس نظر بصیرت بر زمین باید که زیر اهر زمین دفین ضمیرش رو یاند ولا ینبت من ارض  
 الفقراء الا الخیر لان ارض القبض والفقیر علی خاصه العصمة کما ان ارض البسط والغنا علی خاصه  
 البغی \* (والبلد الطیب یخرج نباته باذن ربه والذی خبت لا یخرج الا نکدا) \* لله الحمد والشکر  
 والمنه از زمین باغ مامت و کلان اشجار لطیفه طیه الثمار رو یانید و ثمرات نعم طیه را سرمایه خیرات  
 و حسنات و مبرات کرد اند و ذخرا خرت شد نعم المال الصالح للرجل الصالح دست داد و توفیق بی علت  
 دست کبر افتاد کان کشت فله الثناء الجمیل علی ما هدا نا و ما کالنه ندی لولا أن هدانا الله و ما توفیق الا  
 بالله ولا حول ولا قوة الا بالله منه المبدأ و الیه المصیر نعم المولی ونعم النصیر عقود لالی نفیسه تحقیق  
 نثار مفاقر فقیرانه اهل ابتدا و بیان حسب حال کلین انتها یور مشلردر و یؤیده ما اجاب به کبار الاولیاء  
 المتنعین بالثر و دوا لغنا عن سؤال الناظرین بعین العنا بقولهم نحن معاشرا لا و ایا مع جماع النعماء  
 والآلاء و مخادیم الدنیا و مطالبها لا یخادعها و خدامها و لعشاقها الفساق غساق و اشتاق ربها  
 الاذواق \* (آورده اند که) \* اول قرة العیون اعیان طریقیت دائرة محروسه لرینه سوء قصدله طائفه  
 شبر و ان دخول ایدوب محل اموال اولان خانه یه فرصتیاب اولوب هر بر لری حسب التحمل نقد  
 و جنس و نقاشی پردوش منجر چه توجه ایلد کلزنده جانب تریه مقدسه سلطان ابوالصم صام و لایه تدن بر برق  
 سوزان لمعان و طائفه طاغیه نک ابصارینه اصابت ایدوب جمله سی مبتلای درد عمی و حریم حرمه

سرکردان اولوب غصب و نهیدن بزار و کریان زار و زار و روی بخاک اعتذار و دست درد امن  
استغفار اولدقلری حالد نور صبح دخی پرده کشای اسرار لری اولوب اهاالی بلده تفصیل حال و مال  
واقف اولوب هر بری ترتیب جزا الرین استصواب ایدنجه حضرت شاهزاده کرم سرشت ایشان جزا را  
دیدند و بی دیده کشتند و شخص الانسان عبارة عن انسان عینه آدمی دید است و باقی پوست است بسزای  
دیگر حاجت نماند است عنوانیه مقابلیه و تخلیه سبیل مساعده فرما اولدقلرنده اعاده فریاد و زاری  
ایدوب انما الاحسان بالتمام مصداقجه کحل الجواهر خا کیمای لامکان پیمالرندن نیاز مند توتیا  
اولمزی ذیلنده والا بعد ازین سائل عتبه علیالری اولدن غیری چاره فریاد قدر دیو ختم کلام توبه نظام  
و حصر مرام سعد انجام ایلد کلرنده اول کان مروت و بکانه کرامت کلرنم عنایتلری جوش آور موج  
عفو و صفح اولوب کف پر کفایت نور پاشلریله مسح یور و ب چشم جهان بینلری سزاید لکدن  
رها باب و کما کان روشن اولغله اول مردم چشم جان عاشقانه بنده افکننده والی آخر العمر هر بری  
مقیم مقام خدمت پر حرمتلری و معتنم احسان با صره اولدقلری کبی مستعد نعمت غیر مترقبه بصیرت  
دخی اولمشلردر \* (بیت) \* بی ادب حاضر ز غائب بهتر است \* حلقه کچه کربودنی برد راست \*  
موجبجه جنایت طریقیله در کهلرنده بولنا نلر مستفید عنایت اولق لازم کنبجه صداقت اوزره ملازم  
خدمت اولنلر ز سیمه مظهر لطف و کرملری اولور قیاس اولنوب انتهاز فرصت خدمتلرنده تشمیر ساعد  
مبادرت ایتل کر کدر \* (مریدر که) \* اوقات اقتراب انتقاللرنده ایام کثیره ضیافات متابعه خلا نده  
اظهار ایتهاج و سرور بی اندازه و زهتگاه دلکشلری عین الجمیع اخوان و خدایانه مکرر تشریف  
و بیرون حیطه تقریر و تحریر آسود کان سایه اقباللرینه احسان و انعام و نوازش صوری و معنوی  
و کمال اشتیاق و احتراقله اداره دواثر حلقه سمع و صفا و تشنه کان بادیه طلب و ادبی فوق الغایه  
سیراب زلال معارف توحید ادا یور و ب جمله حمله اسرار بو وضع عبرت مالری نیک نتیجه سته چشم و کوش  
ایکن نهضت سفر میون جوار حضرت خداوند کاری قدس سره الباریدن اوچ کون مقدم سالف  
الذکر جلوه کمنصه بر و زاولان اشواق و اذواق ثمره انجذاب و طین ازلی و برکت دعوت عنایت ابدی  
اولد یغین اعلام همدما نه اعلام و ولی عهد و لایتلری اولان صاحب المناقب الجلیله جللی شاه محمدی  
اجلاس مستند خلافت قطبیه لری یور و ب بلا عارضه جسمانیه بادر رکاب براق انسلاخ و غمضه  
عین بدن و فتحه دیدر و ان بیننده مودع بزم حواس و راجع مقصد صدق استثناس اولوب جوار مرقد  
مقدس والد ماجدلرنده کالبد معطر حکم سرشتلری و دیعه آغوش مادر مشفق خالک پالتانک قلنمشدر  
ادام الله تعالی نثار آثار روحانیه علی رؤس الفقرا و اقامهم تحت ظلال عروش حمایت یوم الطامة  
الکبری آمین یا مجیب السائلین و یا محسن المسؤلین \* (حضرت شاه محمد جللی) \* اول شاهباز ممتاز  
مانند عارف بزرگ زیر جناح پر جناح حضرت نیای عزیز و پدر سامی کهرده نشو و نما یاب و مجموعه  
المعارف و جامع العوارف اولوب ابتدای تشریف عالم صورتده ولادت ممیت عقبسلری نوعا عسرت نما  
اولغله والد ماجدلری جید امجدلرندن استمداد یوردقلرنده بالذات خانه ولادته پر نور قدوم (وشاه  
محمد ماخوش سیا و خوش بزی و خوش برو) نطق کرامت توأم لریله خطاب مستطاب یوردقلری ساعت  
علی اسهل الوجوه تولد ایلر و مال حضور فائض النور و استلال آورشای موفور اولمشلردر  
وناف مبارک لری و شست و شوی و لباس خدمتلری اتعاضی عقیده درون خرقه ولایت مشکو نلرینه  
الوب و سر کرامت افسر لرین جیب مر اقبه به چکوب استغراق مدید دکنصکره اخراج و غنجه ذهن  
ناز کارین ریق ذائقلریله کشاده ایدوب روز بروز بروز عواطف غوثانه لریله مظهر اولمشلردر که

حضرت شاه محمد جللی

علوه مستله بلند پر و از مرآت عالمه و شکارگاه کرامت ده پنجه زن فوز حظوظ و آفره و سابق الامثال و فائق الاقران و نادره دوران و ملتجای نزدیکان و دوران و نمودار اسرار گذشتگان اولغله تسلیمت بخش فراق اب و جد و سایه سعادت نری سرمایه آرام بیقراران هجران اولشدر و دخی والد ماجد لرینک کیفیت ارتحال لری محیر عقول دلبستگان اسباب و کرامت و اسبین اخلاص فرمای اولی الالباب و منشأ تشعب عروق انجاث مشکل الجواب اولغله (ارتحال امثال حضرت خضر شاهی اجابت دعوت ارجعیت که درین عالم ایشان معتاد انسلاخ جلی بود اندو قتی که بکوش ارواح و اسرارشان ندای دعوت) \* (یا ایها النفس المطمئنة ارجعی الی ربک راضیه مرضیه) \* رسد بلذت آن ندای الکلیه منسلخ باشند چه با حضار ایشان حاجت سرهنک مرض موت نباشد که تدریج ضعف و ذبول منسلخ شود و اینچنین انسلاخ هادر مردان خدا کثیر الوقوعست) تحقیق حقیق التصدیقه جله بی بکرینک اقناع ایدوب و کشف القناع روی عرایس ابکار اسرار اولغله وراثت سربلری جلوه کر عرصه افهام و حاتم ریشه دغدغه او هام اولشدر و ذوات مقدسه انبیای عظام و اولیاء کرامدن عوارض شدیده ایلہ متوجه اعلا علی علمین اولنلرک تعارض حاللرینه اشد البلا بالانبیاء ثم الاولیا بفعل و بحکم مایریده سبحان من اتسع نعمة لا اولیائه فی شدة نعمة عنوانیه مقابله و سؤال مقدر حضاره پاسخ را سخ فرما اولشدر در الحق ما حقه و علیه تعویل اهل التعديل فن بدله بعد ما سمعه فعليه و زرا التسویل \* (مر ویدر که) \* اول کوهر بنگای صدف نجابت عنفوان شبابلرنده قریحه لطیفه لری کمال صفوت و طبیعت شریفه لری نهایت استقامت اوزره و مشرب طریقلری مشاهده بیوردقلری معانی نفیسه و حکم نمینه بی جلوه کر لباس نظم ورشته کش سجع و قوافی ایتکه مائل اولوب نظم آیدار و نثر تابدار لری دست بدست عسرفا و طرفا و محافل پیرای اعلام و کاردیار و پسندیده اصحاب نصفت و اعتبار اولمشیدی حتی بین الاخوان مشاجرة ما وقع عنده طریفنلری دانشور و آخری ساده لوح اولغله اول ثانی به او طون لفظیه تقریع ایلدا کده بیچاره خالی درون ایکن بر آتش غضب و حضور والد ماجد لرینه رافع رقعته تشکی اولد قده رقعته مر قومه منظور جناب حاضر جواب لری اولنجه بدیهه بوبیت لطیف انشادیه اسکات شاکی بیوردقلری حضور خضر شاهیده باعث ابتهاج زائد الوصف والباس کلاه و خرقة مبارکه لرینه بادی و یوما فیوما از دیاد توجه غوثانه لرینه سبب اولشدر که بیت مر قومه بودر \* نفس بدخو که اوله بر آتش او طون انظندن \* همه نار غضب اولد یغنه شاهدر \* و خصوص سینه صافی اخوان و اصلاح ذات البین خیلان عهده توفیق رفیق لرینه حواله بیورد لغله قضیه نامرضیه خلافده حصه دار اولنلری میدان مردانه جمع بیورد و نیاز فقیر آستکه همه یاران یکزبان باشند و این کم از همه را او طون کویند که ببرکت انفاش شما چو هیزم خوش خوی باشیم که هیزم بیچاره سرد و خام تبر زنان خود را کرم و پخته سازد و افنای وجود خویش میکنند مسئول بنده نیز آستکه در خدمت دوستان همچنان باشیم عنوانیه صد دانکیزانه تمهید مقدمه لری نتیجه بخش سعی مشکور و مورث خزن و پشیمانی موفور اولوب در حال جمله سی مصافح یکدیگر و معتذر گذشتة هفوات و توبه کار زلات و کما فی الاول ملازم عهده مواحات اولمریده ظهور تأثیر نفسلری نامزد ولی عهد اولمرینه مفضی اولشدر \* (نظم) \* عمرها نافه صفت خون جگر باید خورد \* دکر از دل نفس مشک فشان باید جست \* هر کلی را چنی هر صد فی را کهریست \* از دم پیرمغان بخت جوان باید جست \* اهل دل را بدل و اهل نظر را بنظر \* دوستداران زبان را زبان باید جست \* (مر ویدر که) \* اول نخل سابه اند از حدیقه حمایت نوبت خلافت لریده آثار جلالية اسلاف علیه لری مهابت انداز

عیون جرأت اغیار و برتو اجلا لری دخی چشم بند کج نیکاهان دیار اولوب دائرة النجا و انتہائی  
بالکلیه مأمون الغائله کرد کدر روز کار ایکن میرلوی قره حصارى منافقین تقیه دار اغفال و اغرا  
ایتمکله رعایای وقف شریف آستانه سعادتلرین آزرده تجریم و مصادره ایتمکله تصمیمین کار  
صدقت شعار اشعار ایلد کارنده ایشان بیرکت خدمات درکه اولیا معاف و مسلم و منسوب ذوالعلم اند  
ملوک دست مطالبه اموال شان کشیدند اندهر که تجار و زحد کنند و اولی الامر را اطاعت نکند  
بهر حال کوشمال بیند اثر نفس غیرت آمیز لری هنوز شمیر ساعد دست تپاول اوزره ایکن مدیر  
مکورری عزل و قید بند و نام شو منی دفتر امر ادن حاک و رفع و نقیله مجازات بین و کرداب نسکت بقیه  
العمرده الحاق زمره هالکین ایلد یکی سائرده عبرت و نصیحت و سرمایه سلامت فقرای رعبه اولشدر  
والی هذه الايام حمایت حرز غیرت لری و مدد صیانت روحانیه لری در کار اولوب اثر اسلافدن تخلف  
ایدن اختلاف ناخلفان ظلمه دن هتک برده حرمت وقف اولیاء کرام ایدن لری نسکاء نسکت زده  
اوله کلد کاری بین الاهاالی حکایت عبرت آنکیز شایعه در که مال حال اوائل ایله معتبر اولمیلر و اخره  
بند و دست تعدی بند و سبب توقی آزار اولشدر \* (مر ویدر که) \* (و ما لظالمین من أنصار) \* (در هم الله العزیز  
القهار بحرمه حبیبه المختار) \* (مر ویدر که) \* اول کان معارف و خزانه لطائفک صحائف اعضا  
و جوارح و دفاتر افعال و اقوالدن قوت اشتعال قریحه وحدت نور فراستله استخراج حال و استنباط  
مآل بیورملری نهایت درجات غرابته رسیدله اولغله ارباب بصیرتی تعلیم علم مرایای ذواتله  
معرفت نفسه ارشاد بیور مشلدر مثل اولات لواء دیار لریدن شرفیاب رخصت زیارت لری اولنلرک  
بعضیسنه موفق بمنون و آخره مفرق مغبون عنوانله تعبیر فعل و قول لری کائنات لک الصبح بیدار صدق  
و اصابت و تمیئی سفر تجارت و مسندهمت اولنلرک کاه تجارت رابحه و کاهی خساره و افره و زائرین  
و جوبند کان شفا و رهایه سالمین و غامین و عاقبت باد و نجات باشد مضمونبله و مخالفی ایله هر حقوله  
نفس انفس لریله ظهور ایدر ایسه تیرمکش فیه لری مصیب نشانه اولدیغی قلب تابنا کاری جلوه کاه  
عکوس غیبیه و ضمیر منیر الهام سمیر لری ترجمان الغیب اولدیغنه کواهی اشتباه واقع اولشدر و کذلک  
حرکات اطفال و اصوات طیور و سائر حیواناتدن نیجه حوادث آتیه به انتقال بیورملری تخلف  
ایتمه شدر کویامر ایای کونیه نظر کرامت اثر لرینه نمودار کوا من غیب و حجب صور مجلای اسرار  
و عبر اولشیدی حتی پی اندر بی ظهورات مذکورده تأیید کمال حال ایلد کده \* این نه نجمست و نه رملست  
و نه خواب \* و حی حق و الله أعلم بالصواب \* بخت شر یقینه تحدیث و تشکر ایدوب ترکیه نفس نفس لریله  
پرهیز ایله تعلیم بیور لر ایدی \* و من عجائب مکاشفاته قدس سره العزیز آنه مر باطفال محله و رای  
طفلین یتشاجران فتسم متعجبا فبعد ذلک کشف سر التعجب و التبسیم بأن أحدهما یصیر امیرا و الآخر  
قاطع الطریق فیأخذ الامیر فیقتله بالسیاسة فوقع الامر علی ما قاله بحکمة الله القدر المتعال و تلک  
من نوادر احوال الرجال فلا یستبعده الا الناقص الختال و لا ینکره غیر المنافق الفعال فن اقرقله  
و من انکر فعلیه \* (ولا ترز وازرة ووزر أخرى وماربک بظلام للعبید) \* فسوف یری عقوبته و عاقبه  
یوم التناد \* (مر ویدر که) \* اول مسند آرای ارشاد مجلس حقایق پیر الیزده مشکلات منازل طریقت  
ایراد و ریاضات شاقه پیشینیان یاد اولنلر قدس در ماند کان بودائی طلب فساد خالک ایاس اولق  
مرتبه سی صفحات سیمای حضارده نمایان اولغله کرم فرمای استمالت وقوت القلب بخشای عنایت  
اولوب الطریقه خطوتان خطوة الترتک و خطوة الدرك و الحقیقه منزل و الحق معک فلا تلتفت الی  
تعجب تعجبک و لا تیأس من و صلب الحقلک و لا ترجع عن نصب سبقتك نطق شر بفعلیه قوالب

دهشتزدگان عقبات مخوفه راه اقتضای پیشقدمانه نفخ روح تازه و کرم شوق بی اندازہ بیور و بویاسی  
بدیهه ختم کلام تحقیق نظام بیور مشلردن \* ذکر و فکرماسوائی ترک آیدن \* حال و قال و سرکاری درک  
آیدن \* حیرت آیلہ ایلوب طی زمان \* قنده اولسه عیشی پورک آیدن \* قدر و عید اولوب  
شب و روزی تمام \* اولدر دفع تلاش مرک آیدن \* ودخی متوسطین طریقه علیه حقنده  
سخن در سخن فهم است و اصحاب انته صاحب حالنده کار در کار شناس است و واصلین سر منزل  
تحقیق شتایشنده مجمع البحرین جمع و فرق و جامع الشئون جمال و جلال و کلمه جامعه المعانی  
بیور ملری نظم شریفلرینه ملایم واقع اولشدر \* (مر ویدر که) \* حضرت سیمرخ قاف تمکین زمان  
خلافتلریده بحکمة الله الملك القدیر زلازل شدیدہ مدیدہ ظهوری مہیج امواج دریای واهمه خلایق  
وعموما عرصات خالیہ ده خیمه نشین اولوب لیکن ذات عالم و قارلری مانند مرکب و قطب مقرر کرامتلریدن  
مفارقت بیور میوب و منسوبات دائره ارادتلرینه دخی حرکتہ مساعدہ فرما اولوب این المفر علیکم  
بالمقر آیلہ نفس تسلیمت بخشدری سرمایہ تسلیم و سلامت اولدیغی مشارب نصف نموده کرامت عظیمه  
و حایه جسمه نما اولوب هر کس ان زلزله الساعه شیء عظیم ده دخی سایه دیوار انتمالرینه صدق  
و اخلاصله دل بسته و آستانه ملازم تلرینه سر نموده اولغعه تجدد عهود وثیقه ایدوب خاصیت جوهر  
علاقه مردان خدا دفع بلا و رد فضا اولدیغی فهم و بلیسده کالقمرا لایه بریدید اولشدر و انشای وعظ  
وتذکیرلریده \* (الم تر ان الله کیف مد الظل) آیه کریمه سن تفسیر بیور و بویاسی عالم امکان مانند  
سایه خرسید حقیقت و مقابله اجرام انانیتدن وجود نما اولوب فی الحقیقه وجود استقلال آیلہ  
موجود اولدیغین تحقیق ذیلندہ (پس موحدین بیور بیا از جنبش سایه توهم عیب است) نفس  
مؤسس لریله متزلزل العقیده اولنره دخی القای تمکین و احسان تأکید بیور مشلردن و الحوادث  
موازن العقائد \* (بیت) \* من چومیزان خدایم در جهان \* وانما یم هر سبک را از کران  
مصدقہ \* (وبیت) \* فارقم فاروقم و غریل وار \* تاکه که از من غی باید گذار \* آرد را  
پیدا کنم من از سپوس \* تا نمایم کین نقوش است ان نفوس \* غلوی پر جد و اسی اوزره (این  
غریبال زلزله و میزان ولوله بسیار کرم کرد و هر مدعی وقار و تمکین قصور دعوی خود را اعتراف  
و بر علو مکان مردانرا انصاف کردند و بتصحیح عقیده اهتمام نمودند) عنوان تعریض بنیاسله تشید  
اساس اتمام احسان بیور مشلردن \* (مر ویدر که) \* اول قطب دائره حقیقت نوبت بر صیانه لریده  
ولات لوای قره حصار دن بر مرد میدان جهاد و شفیق احوال پریشان عباد خدمات محافظه حیطة  
حکومتده مجسد و سامعی و مصادره اموال رعبه دن متوقی اولوب و طرف باهر الشرفلریدن عرقیه  
محبت پوش و لائی نصاب در کوش اولوب هنکام کمال اضطرار رنده روی استمداد نه پیمانجه میدان  
چل تان اولغله دست عنایت پیوستلریله اول مخلص دیرینه نلک سر صدق و روی تو جهن غبه میمونه دن  
رفع و کرد کردن تنظیم و سر شلک دیدہ حبتین کوشه آستین مبارک کار یله مسیح بیور ملری عقبنده  
بیا و خوشدل بنشینیم و عن قریب از خزانه غیب عطای غیر مجذوذ میرسانند دم بشارت توأملریله  
نوازش و تطبیملریدن اوچ کون مرورنده امطار متالیه شدیدہ نزولیه سمل مہیب ظهور ایدوب صحاری  
واودیه لبریز آب اولوب بعد الايام العیدیه بالتدریج مباحه زائده مسافر صوب دریا اولدقده بر خم رو بین  
میانہ خلایدهر و نما اولدیغی والی مرقومه اعلام اولندقده اوزرینه واروب حاوی اولدیغی عطیه  
غیبی آیلہ منتظم الحال و مرفه البال و شکرانه بر عتبه علیای حضرت جللی موی الیه و فوق الغایه  
اکرام فقر و احسان تبععاده کوی سبقت ربای میدان عدل و کرم افران اولشدر و امیر مذکورہ

انتساب در که سعادت نلری واحترام دیار جلیل الاعتبار لری و همسایگان ولی حقندن کف دست غصب  
و نهب ایدوب ادب و حیا و انصاف و اخلاص اوزره حرکتی بضاعه برکات عمر و دولت دارین اولدینی  
وضیع و شریف و صغیر و کبیره مدار اعتبار اولشدر \* (قطعه) \* آنانکه بنده را بیکرم پادشا کنند  
\* آیا بود که سایه دستی عیا کنند \* فقرم نکفته به پاشای سنکدل \* باشد که ازیم کفر رفت  
عطا کنند \* (مروستکه) \* اول نخل سایه انداز این آباد حقیقت عیون اعیان و اعلامه لمعه نمای  
اسرار لدنیه اولوب نوبت دعوت و اجابت تمام اولد قده دعوت خداوند کاری به اجابت سیاقنده  
جانشین ظهور نوبتی موسم خلافت بطونه متبدل اولد یغین اشعار و کند ولرک عقبنده حامل اسرار  
خنسکاری دستینای ثانی اولد یغین تحقیق و تنصیص بیوروب گاه و بیگاه ملصالح خفیه حکمیه نوبت  
خلافت مردان میدان صحو و تمکین زنان صالحات و مجادیب غاطسینه انتقال ایدوب طی طومار  
نشر معارف و حکمت ارشاد صوری اولمغله قواعد نظام ظهور دیکر کون و عرایس اسرار الهیه  
مرایای بطوندن رونما اولمسنه اشارت بیوروب جمله اشیا لری بین الاخوان و الخلال توزیع و مناسب  
شان دستینای اولان نفایس خزانه حرملین ذات سستوده صفات لری نه تخصیص و محجود پاک نشین  
علا یقندن پر واز نزهت سرائی اطلاق و پهلوی حضرت شاهیده اریکه نشین بقا اولشدر انا الله تعالی  
قنادیل محاریب روحانیه فی مساجد قلوب المشتاقین الی جمال حقیقه آمین یامن لایخیب السائلین  
\* (حضرت جلی کوچک محمد افندی) \* اول تقا و بهیه سلاله از کیه جلال الدینی احفاد کرام حضرت  
سلطان دیوانی قدس سره النور انیدن اولوب عقبب دستینا بانوی ولایت دستگاهده مسند نشین  
خلافت اسلاف سامیه لری و بحسب القامه کونه نما اولمغله کوچک شهر تلمه مدعو اولوب لیکن من  
جهة الهیه سر و بالای کاستان کرامت و زمان فترت اهل بغی و طغیانده سایه آسایش مایه لری مفارق  
اهالیده حترهمایون حمایت روحانی اولوب کرداب فتن و زکاره دائره اتنالی ساحل سلامت  
و صرصر حوادث فرجده دن ساحة التجاری کھف الامان اولمشیدی زیرا ابتدای ظهور علایم قنده  
اذن روحانی طلمبله اختیار هجرت قرار و بیوروب استخاره بیور دقلرنده بالذات حضرت صاحب السیف  
ملک ولایت عرض دیدار بخشسته آثاری اتناستده بود و بیت لطیفه ترغیر و مقرر سعادت لرنده اقامته  
اشارت جلالیت آمیز بیور مغله کو یا عالم طوفان فتن و آستانه پر کرامت لری کشتی سلامت اولمشیدی  
تبرکا اول بیتین شریفینی دیباچه زیب مجموعه درون تسلی مشکو نلری و ورد زبان تشکر مرهون لری  
ایتش لرایدیکه اول دو بیت عنایت مضمون بونلدر \* (بیت) \* صورت را بر و ن کم پیش شهنشاهی  
شوم \* کتف او منورم و از کف او مصورم \* چون بروم برادر اهیچ مگو که نیست شد \* در صفر و ج  
حاضر مگر بر تو مسترم \* و بالذات قصده لا کبری و نهب اموال لری و اخراق عقار لری نیتله اطراف  
بلده قر حصاره رخس فساد تاز اولد قلرنده اهاالی باجمعهم قلعه یه تحصن ایلد کارنده قلعه ما حصن  
حصین دائره مردانست فحواسمه عمل بیوروب و مواجهه پر رحمت جدا مجد لرنده مر اقب حال  
و منتظر مال اولد قده بغیره الله القهار المغیث من حیث لا یحتسب کین غیدن عسکر وافر هجوم  
و ناخت و سوختله مقهور و مدمر و فلاقل کند و عسکر و ا همه لری انکسار یله خائب و خاسر  
اولور لرایدی حتی بالکلیه تشفی و انتقامدن مأیوس بلکه ندیم اساتیلریله پائوس اولمش لرنیدی و دخی  
خلافت لری خصوصی بین العوام و الاعیان محل اختلاف اولوب حد اثت سننه اقامت بنده خلاف  
اولند قده اذن روحانی استفساری سیاقنده صاف ضمیران درویشاندن استخاره قرار داده اولوب  
اویچ نفر مظنه خبر خیر اولان فقر اتوجه تامله استخاره ایلد کارنده بین النوم و البقظه سر حضرت

حضرت جلی کوچک محمد افندی

دیوانی قدس سره التورانی تمثل خیالی بیور وب\* (نظم)\* منسوخ کجا شود بتقریر ومثال\* منشور  
خلاق که در مهندرسد\* بیت شریفه تعریض بیورملری وشاهزاده ساجی رکاب حال صغرنده  
هر چند که حضور فائض النور دستینای ولیة الحق حاضر اولسه شفقت تامه سروروی مبارک برینه  
بوسه ده تکریم واحترام اولملری خدالنده\* (نظم)\* فی المهد یطق عن سعادة حده\* اثر النجاة  
ساطع البرهان\* ان الهلال اذ ارایت غمّه\* ایقنت بدرا منه فی المعان\* قطعه غراسیمه تقال خبر  
سوزملری تعاضد وتوارد اتم که خلاقملری مسلمة الکل وارادت وانا تلری مرغوبه الجمل وآثار  
منسوخة الذکر خاندان خنکارا کبری طهوری دخی تأیید وتأسیس فرما اولمشدر علی الخصوص  
قضیه مرضیه سیف صارم سالف المکارمده سر سوخته باغی سوخته بارقه کرامتلی اولمق اوزره  
تمهید مقدمه تنبیه وتأسس کیدلری نتیجه بخش مقصد اقصای شهر یاری وفیصلده مدعای اهالی  
دیاری اولمغله شایع نواحی مملکت وباعث اعتلای شان حرمتلری اولوب سر مقطوع باغی مر قوم  
غلطان خالک فنای سرای خاقانی وتفصیل حال مر فوع پیشگاه سلطانی اولدیغی عقبنده منوخ ایدن  
عواطف متابعه خسروی شواهد الولایه صغیر وکبیر خاندان مولوی وقلاب جاذبه قلوب کافه سکان  
خطه اناطولی اولمشدر انا الله براهین اخلافهم کارفع اعلام اسلافهم وفاض علی الممالک برکات  
اسیافهم آمین بجرمة سید المرسلین ودخی ظاهرا سارق ومعنا مباشرتد میر طاعی مسفور اولان  
درمند حقیقه سوخته آتش شرم وندم ور و مال عقبه علیلری اولدقده حسن قبولله تلقی اولنوب  
ومظهر نوازش کریمانه اولدیغی تنک حوصله کان منسوبانه کران غما اولمغله سبب گفت کوی بی معنا  
اولدقده\* (بیت)\* لعنتم ان خسته اندر رحمتان جسته اند\* ماز پی رحمت قوم لعین آمده ایم\* مضمون  
شفقت مشکونیه استدلال بیور وب وحضرت فضیل سابقه وخاتمه سن بیان ودرگاه اولیاد کان  
جامه شویان خندان اولدیغین عیان ذیلنده شمارا چه شد که سربلای سران از روی سرقه او بریده شد واین  
کار خطیر دراز لبدان کار حقیر مرهون بود نفس انفسار لیه سد افواه کار در کار ناشناسان بیور وب وقبل  
الوقوع سارق مر قومک زی درویشان یله تستر ایدوب خانقاهه ورودی و سرقه سیف کرامتله  
صدوری آشجی باشیلرینه افاده ومقدمه خیر عظیم اولسی اشعار وتغافل وتجاهل ایله امر اولندیغی  
ووقعه سرقه شیوعنده برنده را آرد وکشنده را کشد دم طرافت توأملری وقوف عواقبه محترم  
اولدقده شهود ابراث یقین اولمشدر وبوباده بدیهه بور باغی سر زده طبیعت صافیه لری ومشید ارکان  
اجوبه شافیه لری اولمشدر (رباعی) صاحب کرمان که راه شفقت کیرند\* شرمندة جرمر ابر رحمت کیرند  
\* چون کار زکار خیزد زین رو\* زلات فقیر رباطعت کیرند\* (مر ویدرکه)\* اول وارث اسرار اسلاف  
عظمای طریقه صدیقیه تعویذ صرع وحی وآبدست شفای مرض وریق دهن ودست سود عارضه  
سرتابای جسد امثالی آثار جلب لہ خاندان حضرت مولانا بی حائز اولدیغی کبی امراض سائر ده دفعنده  
نفس تیز وتوجه الهام سمیر لری حزمین وبرعاعه رهین اولدیغین محقق اهل اسلادن بر درمند  
رعشه داری نظر عاطفت اثر لرینه احضار واستشفای ایلد کارنده اول اندام که مانند سیما لر زان  
ومر تعشی آرام یکدم ایکن حسن نظر شفقت ثمراتنا سنده ایتها العلة انصر فی وایتها الجوارح  
اسکنی وتمسکنی نفس عافیت بخشار لیه کالاقول ساکن وتمسکنی بطش اولدیغی خاصه علاوه کاللری  
اولمق لدی ذوی البصائر مشهود و معاین اولدقده حصول مطلبده اسکنی کنایت ایدر ایکن وتمسکنی  
لفظنک فائده سی اگر فقط اسکنی اولسه ساکن محض اولوب بیوست صرفه کبی حرکت و بطشه مجال  
اولزیدی تمسکنی خطا سله تمسکین حرکت واقده اربطش دخی حصول پذیر اولمغه اشارتی متمم دینو



تحقیق اولمشدر و تأثیر نفسلری رسیده رتبه کمال اولدیغنی تأیید ایتشدن من الاول الی الآخر مستمد  
صوب سعادتلری محروم اولیوب انفاس نفیسه و دست سود متینلری و کلبانک پیرانه لری تخلف  
ایتمیوب مشکل کشای درد مندان صوری و معنوی اولغله طیب الظاهر و الباطن و دیوانخانه التجا  
و استمداد لری محشر مستندان و مجمع طالبان اولمشیدی طوبی لهم و حسن ثواب \*(نظم)\*  
چون قبول حق بود آن مرد راست \* دست او در کارها دست خداست \* عالم رحمت وجود اولیاست  
\* رحمت عالم از نشان رونماست \* هر چه خواهی رو بخواه از مرد حق \* که ز امرش خلقترا نشو  
و نماس \* مردان خدا خدا نباشند \* لیکن ز خدا جدا نباشند \* ای اولیای حق از حق جدا شمرده  
\* کرطن نیک آری در اولیا چه باشد \* (مرویه سکه) \* اول شمع دلفروز انجمن حق بستندان  
و روشنای دیده امید جان و دل در دمنندان اغنی جناب و الامتسکی میبدان مردان قطب دائرة  
دور زمان و غوث و فریاد افتاد کن و مستندان اعلی الله تعالی رتبه تریسه مادام الدوران و اقام الانسان  
و اتم الاحسان علی صعا لکة ملک الامکان ترقی بخش عرفان و تسلی باش اخوان اولملری خلائنده  
صد دان یزید عجايب قدرت و کرما کرم ایراد غرایب خلقت اولد قلرنده سلسله بیان کشیده  
جانب اغراق دریای حکمت منان اولغله فیافی عخواطر مستعنده کرد باد اشتباه خار و خاشاک  
تردد ریز بصائر اولدیغنی جلوه کرم آت ضمیر وارد تویر لری اولد قلده تکمیل لصد و تفصیل لصد شرح  
و توضیح معضلات احسن التقویم طرفه عطف عنان کیمت تقریر یوروب بحسب المناسبة عوج  
ابن عنقی غارتگران جبارین خزیده کیمیم و توهم بولوب کند و له نسبت عوجی صورت لعبده  
مشاهده ایتکه اطفال مزه بونی دخی ملعبه ایدر زدیو خرچینلرینه وضع و شدت امطار دن بر غار منبع  
الغوره التجاری اثنا سنده غار متزلزل و قوم جبارین باب غار و هوادن روی زمینه ریزان اولوب  
تفحص کیفیت ترزلزل ایلد کلرنده مکر غار ظن ایتد کلری برقهای خشک امیش اول حوالی به برشبان  
کاوب رمة کوسفندینه کرکان هجوم ایتکه قفای مذ کوری سنک فلاخن ایدوب هوا کیر اولنجه  
بونلری انداخته وجه ارض ایلد یکی ظاهر اولمشدر پس عوج سائر ناسه نسبتله بنقله ایسه بونلر دخی  
شبان قیاسله اوله اولقی کورینور دیوایه اطراء پیشیندن مرادل کثیره کاکون تاز منازل مبالغه  
اولد قلری مطایبه بر بسته به حمل اولنق ملایم مشارب مستعین اولغین همانا امتسکای و لا یتلرنن قیام  
نامه اقدام یورد قلرنده منطقه فلك البروج کمر کاهلرینه موازی والی ماشاء العلی القدر منتهای قامت  
سر بلند لری احباس سندن حاسه باصره اظهار عجز و تحمل مهابت عظم جنة کرامت سر شستلرندن  
حواس باطنه ابراز استغراق حیرت ایتکه فحول حضار نظاره خور و غشیان غلبه سیه چند ساعت  
هر بری بهوش و بخویش اولوب ینه ساحل افاقندن سر بر آور صحو و دیده کشای روی عالم و آدم  
اولد قلرنده دامن عنایت پیرامن اعتذاره تشبث و عروة الوثقی استغفاره اعتصامه بن چاه مضیق  
شهود حکم و عید بردن صحرای پهنای تصدیق صدیقانه عروج ایدوب بلکه جرم مور زارده آتار محبیره  
الافهام قدرت معاینه سنه فائز اولغله تأکید کربند اعتقاد ایلد کلری رسیده درجه شهرت شایعه در  
فله الحکم و الحکم فی مجالی الوجود والعدم وله الاستبداد بالتصرف فی الحدوث والاستقلال  
فی القدم آمنا و ابقنا بکل ما اظهر علی مرایادوات انبیائه و اولیائه من النعم والنظم \*(مرویدرکه)\*  
روز فرد اینه اخوان و خلائان حضور فائض النور لینه کمال ایتها و ندیم ما فی الضمیر سابقله رویمال  
اعتذار حالی و قلوب جملة شوب ریدن خالی اولوب و عدم تحمل حواصله معترف و جوش دیم افاضه  
حقا یقلرندن مغترف اولملری سیاقنده اول مرشد و وافل طلب سلسله جنیان لهجه پریمجه اولوب

غریبه

بمعاینه معالیم قدرت حواس را بنور عقل قانع تویر و عقلا از شوائب او هام تطهیر لازمست که  
 حضرت کلیم علیه صلوات الرب الرحیم هم مقام عصا بود و بطرفه جلدی سر عصا بشرول عوجی رسید  
 و زخم زد و از آن جرح هلاک شد هیچ بخاطر در یا مقاطرش خس و خاشاک و آنچه تکدیری نتانست  
 رساند که یک لکد کوبش چند موسیرا بس بود زیرا عقول انبیا صافیه و قرائع شان مشتعل و عاقبت  
 امر را نمودار بودند و جای او هام نمایند پس از درازی قدما بهوش کشتن نشانه آرایش حواس است  
 بکوتی مانوس که مغایر مبالغ مانوس دهشت آرد و فوران دهشت مفضی غشیانست عنوانیه بیان  
 قصور بیور و بمعاینه معظمت غیبیه به قابلیت حواس و عقول لزومته تهید مقدمه تنبیه کران خواب  
 عادات حسیه بیور مشلدر در فی الواقع و افعات دخی را اینک قابلیت تنه کوره مرئی و معبره اولد یغی  
 بو خصوصه شاهد تور شوم و در و مشارب و وسیع مبسوطه معارفه دراز و کوته و خوب و زشت و نعمت  
 و نقت و قبض و بسط بکر نک نما و صور مانوسه و موخسه آینه حدقه لرزیده برابر اولد یغی نتیجه مقدمه  
 مقرر و اولد یغی الازعاند \* چنانکه فرموده اند \* (نظم) \* کونبودی تنک میدان حواس \*  
 انس کی کردی زبون صرع جن \* قته را هر کس ز خود باید شناخت \* بخود از چیزی نکر دمفتن  
 \* (مر ویدر که) \* اول مرد میدان کرامت حریم دانه سنه کلیمان وصفیه معروف بر نادره حوادث دوران  
 قدم تعرض نماده اولوب مقتضای حمیت حمایتلری اوزره اخذ و بند و بیتی خود بینی سنه مطلبم  
 رغم وضع ایدوب میانه جواریده استخدا م هفت سنه دنصکره عین الجمع اخوان و خلائله قزلی  
 کول دیککه مشهور حرام قدرته ذهاب و دخول مشاعلی اثنا سنه انتهاز فرصت و کونش خان کبری نام  
 کریمه مکرمه لرینه لایه پرناله ایدوب اندر دخی مرحمت و انفا انقیادندن اخراج حلقه مذ کوره ایتکه  
 رها یاب قیسد تسخیر و دیارینه فرار ایتکه اوزره کفره ذمت خانه لرینه موسم اقتدار معهوده دکن  
 اختفا اوزره اولوب خبر فرار و قضیه اخراج حلقه مسموعلری اولد قده اکرچه از حلقه صوری  
 رها یافت است لیکن از دایره سران حلقه بیرون نخواهد شد نفس مقدس لرینه تهید بیور ملری تازمان  
 ظهور حالت کلیمانده سر زده پردر و زاولشدر که وقت مزبور کاد کده کندویه مر قومه عجیه  
 غلبه سی ظاهره و طی مکندن قاصره اولغله رضای شریقلری بند کشای تسخیر و حایلری اولد قده  
 رهای نام و فوز مرام محال اولد یغین ادراک ایدوب ناچار خالک پاک سده سعادت لرینه و عیال اعتذار  
 وجهه سای عجز و انکسار اولد قده اول مدت هفت سال خدمتین استخلال و بعد زمان دواثر امت  
 مرحومه به عدم اضماره ایمان غلاطله تا کید عقودعه و دیور و حلقه کشای تسخیر معنو یلری  
 اولد قلری یومک لیل سنده حالت مر قومه غلبه سیمیه وطن مألوفته واصل و هدایای فرنکیمه ایل  
 مکتوب و صولی رسیده پایگاه اریکه قطبانلری اولد قده فتح و قرائت اولنوب مضمونی مهج حیرت  
 خلان اولوب کلیمان تعبیر اولنان عرق حاصل حقیقت حالی استعلام اولغله حضرت عیسی علیه  
 السلام زمانده نزول عذاب مسخ امر کریمی و رودنده ایل نزول فهرده امتی جماعتن غمی بایکه  
 عبادات و تسبیحات و تمیلات و احیایله امر بیور ملری بعضی اتفاق پیشکان اصغاییم یوب جماعتلرندن  
 حاصل اولان اولاد عارضه معهوده به مبتلا اولوب عروقی نسب لرینه دخی ساریه اولشدر دیو تحقیق  
 مقام بیور مشلدر در کور یا طائفه مر قومه دخی سرار عذاب نازلدن حصه منده متخ موقت جزئی  
 اولشدر در \* نعوذ بالله الحفیظ من مخالفة الاوامر و مبادرة النهای انه خیر مجرب و افضل نصیر نعم المولی  
 و نعم المعین \* (نظم) \* مشو و منکر یا کن بترس از زخم بی باکن \* که سر جان غمنا کن  
 ترافاتی کند فانی \* هر آنچه او فرماید سمعنا و اطعنا کو \* زهر چیزی که می ترسی بخیرست او

محب برست او \* کیست کونشید آن طوفان نوح \* بامصاف لشکر فرعون و روح \* روحشان  
 بشکست و اندر آب ریخت \* ذره ذره آب شان بر می کشیخت \* (مرو بستکه) \* غافلان حقیقت  
 دعادن بر ساده لوح توسل حصول مراحى سیاقنده خانقاه عالی بلرینه قربان کتور و ب قربانی دده  
 استند ان قبول ایلد کده رخصت فرما اولوب نیاز مند بیچاره دخی رجای دستبوس ایتسه بیه مساعده  
 یور یلوب اثنای دستبوسده استمد عایتمه کین قبول قربان دعای مردانست ا کردعای دور و دراز  
 خواهی آنزاده ده قربانی داند مقاله جلیله لری و در عقب دده ده قربانی بهر و مجردش جوزها بشمر  
 لطیفه لری کوشکداران جانب جنا بلرینه مطایبه نما اولدیغی آینه قلب الهام انقلاب بلرینه عکس  
 انداز اولغین صوب تعلیم طالبین و طرف ارشاد سالکینه عطف عنان بیان یور و ب ادا اراد الله  
 تعالی آن بحسن مراد عبده و بعامله بحض الفضل و الشکر یوجه تلقاء اولیانه و بوفقه الی التوسل  
 هم فاصل القبول منه جل احسانه و قبولهم من قبیل الفروع و الامارات پس درین باب نظر بحسن  
 قبولست و دعای دور و دراز تصنع کرسته چشمان آنزاست و هم رنک جوز شمردن است تحقیق  
 را ثقل یله جند جندان کیز اولدیغین افاده یور و ب کار در قبول قلوبست و قلاب دعای زبانی کار قلابست  
 نطق لازم الاعتقاد لریله مهر زن ختام اولمشلردر و یئیده ماناننده جند الالمجد و ابدع اصله الاسعد  
 نور قبولهم کما شرح صدورهم \* (نظم) \* چون قبول مقبلانزایافتی \* هر چه خواهی دانسته آنزایافتی \*  
 کرهی یابی سوری ارباب دل \* کام دل چه بلکه جانزایافتی \* بعد ازین حاجت نماد با دعا \* کاصل  
 دعوات چهارزایافتی \* یعنی در عین نظر گاه خدا \* قره العین عیانزایافتی \* (مرویدرکه) \* اول  
 نخله اسرار طور معرفت و طوبی بهشت حقیقتک او ان ثمره خلافی نونم الان باغ ارادت حضرت شاه  
 محمد نیک نوباو ده کرامت اولد قلی موسمه تصادف ایتکه شایان سجاده استخلاف اولمشلرینی چراغ  
 افروخته نور هم تلمری ایدوب اکثر بقاع مولویه بر تو ذات شریف لریله شعشعه انداز آینه خانه شش  
 جهات اولوب علی الخصوص حضرت عارف کوچک جنابنی ولی عهد و قیمل الارتحال مسند  
 سعادت بلرینه استخلاف یور و ب جناب ولایت نصا بلرندن اسلاف علیه لری کبی بر جانشین صلی اولوب  
 ولد معنوی بلرینه انتقال مسند ایلدیکی ظاهرا کران نما اولوب لیکن خلف الخیر سر بلری نمونه نمای  
 سلف الفضل اثر لری اولغله کویا جمله به تمهید مقدمه تسلیت یور مشلردر حضرت عارف ثانی اوقات  
 هر ج و مرج دارالدوله و تلام امواج قهرت و قن اناطولیده سواد قره حصاره سایه انداز حمایت  
 ظاهره و باطنه اولوب رای رزین لری دستور العمل ولات اولغله ظلمات مظالم طغات و بغات مانند  
 شب تاریک گذرایدوب روی آسایش اخوان و خالانیه کرد کدر طاری اولوب سبب مظلمه مظالم  
 انلره نسبتله ابر نیسان کوهر بار راحت و رفاهت اولمشلدر \* (نظم) \* چه غم از چشم زخم  
 روز کار آن خلعه را که ایزد \* ز نور مهر دیدارت کند روشن چراغش را \* چه بال آن جمعا  
 کز شمع رویت روشنی یابد \* کجا کرد پریشانی رسد کرد فراغش را \* بلکه بجمد و لا یعدد خس و خار  
 مردم آزار سوخته نیران فساد اهل شقاوت اولغله بقایا مأمون الغائله تعدی جباره اکلف اولمشلدر  
 فسحان الملك القیوم غریقان جزایای اعماله طوفان اولان بلیه عامه بی سیر عالم آب جمع حق پرستان  
 ایتشد رفله الامر و الحکم یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید \* (مرو بستکه) \* اول کهف الامان  
 دردمندان و اخرون بلریده حسن جلالتی اول قننه سی حوالی لوی قره حصاره مستولی اولوب هر کس  
 قدر المقدور جور دیده و ستم کشیده اولد قدسه سایه حمایت لری مایه سلامت اهل التجا اولدیغی ثابت  
 و ظاهرا اولغله بد کوهرا کج نظر ان اساعت ظن و ادب و تجاوز حد انصاف ایدوب کند و لری محل سوء

القضا و حزب مریدین و محبینک آسوده حال دفع بلا و ملین عزیز مشار الیه طوائف باغیه ایله نهانی  
آشنا لغته بلکه یکدلانه حسن زند کاتیرینه حمل و هرزه در الکات سگله اضطرار مستمعین خیر  
خواهانی (ماکروه جلال الدینیم و ایشان زمره جلال الدینا پس سبقت رحمت بر غضب مقرر است  
از ان روسته که جرأت اندازی حزب ماندارند لکن این بدگمانان و پوچ گویان پس از زوال این  
جلالیان بجنّت جلالیان دیگر مبتلا گردند و روی راحت نبینند) دم تسلیمت تو املریله تسکین بیوروب  
فی الحقیقه بعد الاندفاع و تجدّد الاوضاع و القدر باران بخش جلال منصب اولشدر که عقلا حسن  
وقت جلالی حسنه قائل اولوب بالکلیه اهالی را کنده حال مظالم متابعه شاقه اولشدر در کویا  
منسوبان دائره حضرت خشکارا کبری درون دائره حضرت هود علیه السلامه اولان ضعیفای  
مؤمنین کبی امین صدمه صرصر عاتیه حوادث مکدره و منکرین و منافقین برون دائره اعجاز لریده  
بولنان زیر دستان کبی پامال جنود بلیات اولشدر در سعادت و سلامت دارین انجق حلقه محبت اولیاده  
اولدیغی معلوم رشید و بلید و مفهوم مرید و مرید اولشدر طوبی لهم و بشری لمن انابهم لایشقی بهم  
جلیسهم و انشای فقرات مر قومه ده اضطرار عباد مسموع و منظور لری اولدغه طبع اطمقلری عیش  
بزم پر تلویندن سیر و سرد و رخت آرام کش جوار خد اوند کوری اولوب ماندگان کرداب طوفان  
بلائی محض عنایت حفیظ و دافع بیچونه حواله و سالک راه شفاعت اولشدر نور الله مسیره و منزله  
وفی مقعد صدقه آنزله آمین یا منان المتضرعین و حنان المبتلین و موجب وصیت ادیبانه لری اوزره  
ترتبه فردوس رتبه حضرت سلطان دیوانی قدس سره النورانی یمانچه سنده دقین اولنوب حیات  
پر بر کالرنده نگار صغه نشین اولدقلری کبی محات شفاعت سمانلرنده دخی یمانچه تربیه کزین اولشدر در که  
بوخوی درویشان لری فی الحیات و الممات کند و لره باعث رفعت و بادئ عزت و زمان شر یفسالرنده  
کثرت نظر کرده لری حبیبیه ابوالمشایخ و الخلفاء عنوانیه حائزاد کار جمیله و حال دخی هر ممبرک  
زیارت مرا قدم مقدسه اسلاف علیه لری اولاد امان توسل و رابطه توسط طریقه تشبث و بعده محاضر  
سمیه آسودگان جوار عزته بارداده اولوب و اوقات صلوات و مقابلاته عین الجمع ارواح پاکه  
اولان دعوات و کلبانک اعقابنده دعا و کلبانک مخصوصه یاد خیر احترام لری ملتزم ذم ارباب خلوص  
و سرپوش کالبه و طیبسان دستار خجسته آثار لری ملتزم اصحاب حاجات اولشدر طوبی لرائیه  
و بشری لسرائیه و منوال مقرر اوزره اجرای مراسم ادب احترام خداداده لریده تمامان گان بهر حال  
مال ملال انکیزله محروم حسن ختام آمال اولق تجربه کرده دقیقه شناسان اولشدر و مرئیات  
بجیه طاقه کداز لری میانندن زاده طبع ختن اکرملری خاتمه منقبه نفیسه لری قلمشدر  
\* (مرثیه حضرت عارف افندی) \* آن همای همت و عنقای قاف مکرمت \* ناکه از روی زمین  
پرواز علین کرد \* چون مزاج قدسیان بودش بیک آمدن \* آشیان خال و خس را ترک سفلین کرد  
\* و قفا که رجال آل ذوی المعالی جلال الدیندن مناخر خزیله لری و ما ترجمیله لری زین المحافل مردان  
اولان کبار طریقت مناقب نفیسه لری حسب الطاقه رشته کش تحریر اولدی ایسه نه اول سلاله  
زکیمه دن چند کلاله بیمه که زبر چادر افوننده انظار نا محرم اندن مستورات الاحوال و بین العشاق  
مد کوره الا تارد در صف اخیر سطور صد و رچلبیان ذوی الاحترامه انلرک دخی مروارید اذکار  
حسنه لری حسن تخلص و لطف ختام مقاله اولای سفینه نفیسه قلمشدر که مراد وصف ازهار کلزار  
خد اوند کوری قدس سره الساری اولنجه جمله اول کاشنک کلرندن اولوب رجال مرآتیه متوازیه  
و متواری پرده نقص صوری اولغله کویا تحت قباب غیرته مستور اولنلردن اولشدر در پس نقفات

ذکر معاصر محدثان عفا ینف که سلاله  
زکیمه جلال الدین منسوبند

در ذکر حضرت دستینا

قدسیه اولیاء کرام نویسنده اولان اسلاف عظام دخی مخدرات عفا یف ولا یتک محامد فاخره لری ایله تین  
وتبرک ایتلریله یوقه بر نصیر دخی پیرویش قدمان مسلک اند که اولشدر مر جودر که اول شمس  
حقیقتک اضواء و حانیه لرین بوزره ناچیز لری دخی بهر یاب روشنایی اوله آمین بحرمه سید الانبیاء  
والمرسلین \* (در ذکر حضرت دستینا) \* حضرت شاه محمد قدس سره المحمد دختر بلند اختر لری  
اولوب قبل الولاده والده مکرمه لری واقعه صادقه سنده جناب سلطان دیوانی قدس سره النورانی  
کنندویه بدستینه مرصع احسان و ساعد مبارک لری نه کند و دست کرم پیوستلریله طاقوب و ابن نیز  
ولادت بخدومه راهدیه نیاباد مضمونیه تبشیر پیورملری والده ماجد لری نه عرض اولند قدده انوثت  
حمد بعد البقین دستینا نامیه تسمیه یه ایمایه جل و دستینای اولی که افندی بوله شهر تیله مدعو  
و ولیه مشهوره در آنکدخی قبیل ولادنده طرف جد امجد لرین شیوه عنایت مر قومه ظهور یله  
تبرکات و تیناوند کرا و امتاناد دستینا نامیه تسمیه اولندیغی تفاء و لا بمشابهة الاولی فی الاولی والاخری  
بونلرده دخی دستور العمل قلمشدر و دستینای ثانی شهر تیله مذکور دو خلقا و خلقا و وضع و طورا  
و ولایه و کرامه ثانیه لری اولدیغی دخی رسید قرینه تواتر و اشتها در مرتعنا الله ببرکات روحانیاتهما  
فی الظاهر و الباطن آمین یاد قیل عثرات العاثرین \* (مر ویدر که) \* اول ولیه ثانیه الولی دخی صغر  
سنلرنده مولعه ریاضات و عبادات و تارک تنعم و ترین و حافظه فرقان کریم و سالک صراط مستقیم  
اولوب والده ماجد لرین تیلدا یله علوم و فنونده فائزه حظ عظیم و واصله اسرار مشوی معنوی و واقفه  
حقایق تفسیر و حدیث نبوی اکثری اوقات لری تربیه معارفه سلطان ساطع البرهان ابوالسبف  
در وننده خواتین صالحات ایچون معد اولان ففسده اذکار و نوافل و مراقبات ایله گذر ایدوب  
سابقا اشارت اولندیغی اوز ره عقیب پدیر والا کهر لرینده از مه حل و عقد امور دست تدبیر  
ضمیر منیر لری نه تفویض و انحق تد کیر حضرت مشوی شریف ایچون پروانگان شمع ارشاد شاه محمدیدن  
براست و ادار خلافت مشویخوان تعیین و اجرای رسوم سائر خدمته دخی ثابت قدما مقام اخلاص  
و تمکیندن برینی طریق و سر حلقه نصب پیور و بالذات انضمام رای و نفس لری اقتضا ایدن  
خصوصده صورت حال پیشگاه سعادت دستکاه لری نه رقع پاره ایله اعلام و جوابی اشارت اولمغله  
زمان تعیین و استقلال لرینده اداره دواتر نظام طریق و انوب آوازه حسن سیرت مردانه لری عالم کبر  
اولشدر \* (بیت) \* در ثانی چون ذکر کامشور بود \* زیر نورش صدق مستور بود \* مردی تن  
کر بریشت و پروت \* مرد حق آنست کومنظور بود \* (مر و یستکه) \* مدت تولیت وقف  
شریف اجداد عظام لرینده والی لوای قره حصار اولان مرتکب غافل اغرای اهل هوا ایله معافیت  
رعیه آستان اولیای کرامه اعتبار ایتوب قصد مصادره و افک و افترا ایله بر نیجه غیلمین اخذ و حبس  
و کردن برنجیر و پای در قید ایدنا ایتسیله اولاد و عیال مأخوذین فریاد استمداد ایلد کلرنده اگر والی  
ایشانرا گرفته است ولی نیز اوزرا گرفته است تا ایشان خلاص نشوند اویز خلاص نشود عنوانیه  
تسلیم فرما اولملری در حال غمیان و فحشاء والی مسفور بجای زنجیر خنق و بدل قید و نقریس شدین  
ایلله مأخوذ و مسلسل و مقید اولوب اطباء عرض و علاج اولند قه مشتهد اولمغله حرم والی محبه  
صادقه طرف باهر الشرف لری و مستعدی دافعه توجه عالیه لری اولوب بدل نذر و قرا بینله متوسل  
استشفاء اولد قدده تاریه اولیا زیند کردن و پارهانیاید مر اد حاصل نشود جواب غیرت آمین لرین  
سبب ابتلا معلوم لری اولمغله اطلاق محبوب سینه مبادرت اولنوب فی الواقع ساعه اطلاقده بر عالمه  
مغتنم و جرات سابقه سینه نادم و عتبه علیه سلطان ابوالسبف شکرانه جسمیه تقدیم یله معتذر

و عرقیه پوش محبت و اخلافه نصیح و عبرت اولدیغی تبوتیافته روایات موثقه در \* (نظم) \* هر که  
 دارد التجا بسایه مرد خدا \* باشد اندر امن سرمد از همه درد و بلا \* بنده اش را کرز بردستی  
 کند زور و ستم \* حق کشد کینه زبیدادش بسر همت قضا \* و بو باب رجال کرامده مردان قوم  
 واسطه استفاضة انفس و معارف اولد قلمی کبی بونلک وقتنده دخی صالحات زنان و سائل وصول  
 مغاظم اولمشدر و ذوات پر بر کاتلری درون حرم و جوار تربیه پر حرمتده بر تنک و تار یک خلوتخانه اتخاذ  
 بیور و ب فقط بر حصیر و برخال انداز زره تسکینه زن دیوار خشک و خرقة و کلاه فقر پوش صائمه  
 و ذاکره و مراقبه و باکیه و خزینه اوقات کذا اولملری مشفقات صالحانه رقت فرما اولوب بر مقدار  
 معامله رفق مطیبه نفس نفیسه لایینه القای ترغیب اولند قدده ازینها ناکزیر است چه رفق را کب  
 هر آینه توسنی آن جو حرا یغزاید دم احتیاط و تأملریله و سد باب رخص ایله نابد از بروز بر تنک عزیمت  
 اولمشدر \* چنانکه حضرت جد اسعدم فرموده اند \* کردن خر کبر و سوی راه کش \* سوی  
 ره بان و رهدان خوش \* هین مهل خر را و دست از وی مدار \* زانک عشق اوست سوی سبزه زار  
 \* کر یکی دم تو بغفلت و اهلیش \* اور و دفر سنکها سوی حشیش \* دشمن راهست خر مست  
 علف \* ای که بس خرنده را کرد و تلف \* (بیت) \* من لی برد جماع من غوائتها \* کز بد جماع الخیل  
 بالجم \* (مرویدر که) \* وجودنا زینلری چشم زخم زده روز کار غدار اولوب ضعف و ذبوللری نمایان  
 اولد قدده زیر پهلوی مبارک لرنده انتجی یکا پوست بولمغله هر چند جامه خواب راحت و فراش حضوره  
 تشی بفرلری رجا اولند بجه مایوست را زریا کریم بود که دامن رضای دوست را بدست آرم علی  
 الخصوص این پوست آن کوسفندی بود که در راه حق قربان شد پس ازین روز هزار بار از جامه خواب  
 بهتر و راحت انتخاب بخش تراست عنوانیله جامه خواب غفلتدن اظهار توفی و فقر اباب اللهک فرش  
 پوست اختیار لریلک سر لطیفنه تنیسه بیور مشلدر و بالذفات خلوتخانه خاصه لرنده رجال غیب ایله  
 صحبت مردانه لری استشعار اولنوب بعد فتح الباب ایس فی الدار غیرها دیار حالتی بدیدار و بعض  
 هدایای نفیسه اقالیم بعیده محسوس اولمشدر و مدت خلافت سرید لرنده فقرایه انفاق اولتمق اوزره  
 ظهور ایدن فتوحی قبول و خاصه ذات جامع البرکاتلری اولان اکراماتی رد بیور ملری اثناسنده اولان  
 الحاح نیاز مندانه عطای جیب خوران برغیب خوران نادر برابر است عنوانیله تفهیم حد و تعلیم قدر  
 بیور مشلدر که مانند مریم صدیقه مکرم لاری بی و مرزوق غیبی اولد قلمی شهادت موثقه شجر مان  
 اسرار لریله رسیده درجه ثبوت حق الیقین اولمشدر \* (بیت) \* کار درویشی و رای فهم تست \*  
 سوی درویشی تو منسکر سست سست \* زانکه درویشان و رای ملک و مال \* روزی دارند زرف  
 از دل و جلال \* (مرویدر که) \* کوچک محمد افندی حضرت تلمین مادر مشفقه لری وفاتی عتیمده  
 آغوش بنی یه چکوب خدمت تربیه و تمیبه لرنده بدل خزانة مقدور یله ولی عهد ایدینوب جمله ماملک  
 صوری و معنویلرین کند و به تملیک و تسلیم بیور و ب مقرر سعادتلریه دخی اجلاس بیور و ب کند و ب  
 بالکلیه دست و دامن شوی کرد علایق و غوائل اولوب خلوتخانه انسا انسلرنده الی آخر العزم عزالت  
 کزین و هشتاد ساله متوجه دارالقرار و یابکاده مرقد مقدس خضر شاهیله غنوده جامه خواب  
 راحت فنا و مریم مع نشین چار بالش حجله بقا اولمشدر در روح الحی القیوم روحها و آدم علی  
 المستمدین فتوحها آمین مظهر الدکا و ماخلی السها \* خود همان بددیکرا ورا کس ندید \* خون پری  
 از آدمی شمد نابدید \* چون ز چشم جسم عالم شد نهان \* بر توه هر روانش شد همان \* (حضرت  
 کونش خان کبری) \* حضرت چلبی کوچک محمد افندی قدس سره العزیز لک چار دختربلند

حضرت کونش خان کبری

اختر لری ثلاثی ذوی الجناحین نسب وحسب اولی کونش خان بزرگ و نائیه کریمه و نائیه رحیمه  
 و رابعه سحر نام ولیکن سحر سر به زاد اولوب میانه لریده حضرت کونش خان سیمای تام نام سامیلمری  
 و نشأه عظیمه عرق ز کبیری و آیه من الآیات واقعیه اولشدر که مانند آفتاب بیقید جفت و پر نور  
 معارف و علوم ظاهره و باطنه و کلمه جامعه اخلاق حسنه و آداب مرضیه و مهبط واردات و مورد  
 الهام و منشأ کرامات و مرآت مکاشفات اولشدر حتی بین الاولاد الکرام المولویه مظهر آثار اسم  
 اعظمی اولق اوز ره مشهور در زیر اسخیرات و تدمیرات و توفیراتی امارات تحقیق مدعای مرقوم  
 اولدینی بی شائبه اشتباهدر کاستنقر نبذه منها ان شاء الله تعالی \* (مرویس ته که) \* والده سحر خانی  
 امه صالحه و خادمه صادقیه اولوب لیله قدره باغچه زیب حرم اولان عرعرى ساجده مشاهده ایدنجه  
 یدنده بولنان پیشکیر آیدستی شاخ و الاسنه بند ایدوب علی الصباح کیفیتی کونش خان جنبانه نقل  
 و شاهد حال اولق اوز ره پیشکیر مرقومی اراثت ایلد کده این مشاهده ترا از برکت و دیعه حمل است  
 و کره از قابلیت ذات ترقی این درجه رفیعیه هزار پایه دور است پس این امانت عظمای را خوش نگه دار  
 تا تراسبب دولت دارین باشد نفس نفیس لریله بشیر حمل و تنبیه محافظه بیوروب مع هذا اولوقته دکن  
 تسریدن دخی وجود حمل کبی بوی ظهور است تمام اولنما مشیمکن مکاشفه نور فراست ولایت  
 درایتلری کانفلاق الصبح نمایان اولدقه والد اکملریدن رجاء مند مساعده و سحر نامیه تسیمیه اولنمی  
 نیاز بیوروب اول و دیعه ید قدرتی حجر ترسیه لریده محافظه و چراغ صوری و معنوی بیورومش لردر  
 \* (مرویس ته که) \* اوائل حال و بلوغ چارده سال لریده جلی بدرالدین ایل اولان اجرای خطبه  
 مراسلاتی حاویه اولدینی فاوی لطیفه دن بدیه غلبه کمال اشتیاق و انتظار له مبتلا اولدقلری ضعف  
 و ذبولی مشعر \* (حتی عاد کالعر جون القدیم) \* اقتباس شریفنه \* (لا الهمس بنی لبسان ندرک  
 القمر) \* آیه کریمه سی و نهایت هضم و تواضع لرین مفید و زاده طبع لطیف لری اولان \* (بیت) \*  
 کونش کیم شاه شرق و غرب و پر نور و لایندر \* اکا آینه داری بدر در ویشه کرامتدر \* مفرد ممتاز  
 \* (بیت) \* کونش کیم ذره و سر کرم مهر شمس و حدتدر \* انک آینه داری بدر اولق جای حیرتدر  
 مشوئی یکسلیله شاعرانه و محققانه تمیق جواب حاسم علاقه مرقومه بیوردقلری دیباچه زیب مجموعه  
 دل صاحب نظران خیلان وفا اولدینی کرار اتلی کرده روات ثقات و مطالع نموده اخوان صداقت  
 سماتدر \* (مرویدر که) اول ولیه و الاهتمک اموال موروثه و محصولات عقار و فتوح و اکرامات بکار  
 الحراف دیاردن مجتمعه اولان ثروت و غناسی حیطه تعیندن بیرون ورتبه تخمیندن افزون و صرف  
 و انفاق و انعام و احسانلری دخی حیرت فرسای عقل معاش اولغلله ساده لوحان ترک علاقه ماسوایه  
 و کونه آستینان ترک تذیر و اسرافه حمل ایلد کبری هوا جس نفسانه لرینه علی وجه التحدیث پاسخ  
 پاسخ فرما اولوب هم نام ماخرانه نور خود پای انداز عالیشان و زر جواهر کانهای پرورده اش را نشر  
 آدمیان کرد و متوج در پای کرم عمیرانمودار کشت پس زهم نامان همکاری بعید نیست با آنکه یکی  
 از عالم صغری و دیگر از عالم کبری باشند برابری بدیعت عنوان حکم بنیایله ایراد حسب حال  
 سعادت مآل بیورومش لردر و مانند حیا روشنید کن ابادی بیعت مبادیلریدن ستایش و ثنای جود  
 و عطا کس تر لری اولان درویش یقینک اثر طبع شکران اندیشلری مذکرسواقی کرم کرامت  
 توأملوی اولق اوز ره معاقده منقبه نفیسه لرینه تضمین اولمشدر \* (نظم) زهی سعد السعود طالع  
 و بخت کنش خانی \* کدابتدی بر تو لطفیله اخوانی ثنا خوانی \* زهی شمع شبستان و لایتمکیم کرامتله \*  
 پرایتدی دائر امداد برم هفت ایوانی \* زهی نخل تجلی کیم ظهور شعله سری \* سرای وحدت ایتدی

خانقاه چارارکائی \* جوامع مردان اسلاف توله طی اولسه طوماری \* که عالم کیرد دعوت در صلاهی نعمت  
 خوانی \* اودرقائم مقام شمس تبریزی مروت کیم \* نثار فرق خیلان ایلدی ابریز احسانی \*  
 عجب می اینسه شمع جعنه پروانه خورشیدی \* فلک کرد سرزمند برفانوس کردانی \* نیجه وصف  
 ایلدون طبع بشر اول کوه قدسی \* کدلال حسرت ایلر فکر شکری اهل عرفانی \* الهی  
 کور مسون کرد کسوفی روی اقبالی \* فلک کله ملک کار ایلد کده عیش دورانی \* سریر اوج  
 همت متکا شمدی یقین اولدر \* زمین احسن التقویه ظل فیض یزدانی \* (مریدرکه) \* جمله  
 آثار خزینه خاندان خنکارا کبری وجودیه بود عین سودولایت اندودلرندن حسب الاقتضا نمایان  
 اولدیغندن ماعدامورث مورث امجدلری اولان حرز و تعویذ صرعله مندفعه اولمیان عارضه شدیده  
 تدبیر دفعنده عقد مجلس خاص دعوت بیور و برقاب اجابت بسطه رباق دعوتلری اولان کار طائفه  
 اجنه یه بقوة العزائم الاسماء تکلیف و تحمیل دافعه مرقومه بیوردقلرنده خدام تسخیرلری اولان  
 سرهنکان شدادبای حال فتنه انکیزان باغیه اطاعتلرین اخذ و حبس و تدبیرله مقنضای همت علیه لری  
 وجود پذیر اولدیغی دفعات کثیره مشاهد و معلوم و مالک که خدام و صاحب عزا یم اولدقلری مفهوم  
 اولشدر بو خصوصه سرزده برده خفا اولان عجائب احوال و غرایب آثار لری مفرداتمه تفصیل  
 اولنسه منقبة مستقلة تدویننه احتیاج مقرر ایدی لکن الدرّة والدرّة منبتان عن صفاء البحر و ضیاء  
 الشمس فحواسمه عمل واکتفا اولندی فاعتبر وایا اولی الالباب \* (مریدرکه) \* محبات صالحان دن  
 بر فقیر و واقعه ده پدر و مادر لرین حیاته و حبیب پدر لرندن بر مهر منیر طلوع ایدوب حبیب مادر لرینه  
 دخول و غروب ایلدیکن مشاهده ایتدیکن نقل ایدنجسه سمعاً و طاعه قول شریفته ضم استرجاع  
 بیور و وجه تسمیه لری والدّه ماجدلری بعینها بوقوله برواقعه لرین پدر ساهی کهر لرینه نقل بیوردقه  
 حملکن دختر و نامی شاه خاور اولمغه دلیلدر دیو تعبیر بیور و و کاتقلاق الصبح بدیدار اولدیغیدر لکن  
 اول تعبیر حال حیات و بو تقصیر حال محاسن زیر اشمه دیکی حالد پدر منر فلک و مادر منر زمیندر افول  
 و غروب محققدر دیو بیان اصل استرجاع و صاحب واقعه بی احسان عمیم و انعام جسمیه ممنونه  
 بیور و عامه مهمات انتقالی تنیه و کافه حقوق لازمه بی توصیه و حمله ماملک لرین فقر او اولدکرام  
 و حضرت جللی عارف کوچکه تقسیم بیور و بعد ازین نوبت عارفست نفس قدسیلریله تنیه نوبت  
 و تبریه ذمت ایدوب کیوم ولدتها امها بالو و محردخرا مان حرمسرای خداوند کاری و پهلوی حضرت  
 دستبناده جلیب خاص کما که متواری اولمشدر نور الله تعالی تربتها کما نور مویجتها آمین  
 بحرمة شفیع المذنبین \* (حضرت کامله خانم) \* ابنه جللی عارف کوچک و حامله اسرار اسلاف  
 علیه لری و کمال مادر زاد او زرّه محبوبه و مالک آداب شریعت و طریقت و صاحب معرفت و مکشفه  
 اولوب بونلردخی شیخ محمد کوچک بنات محترمه سنددر مثال چارکوه رتایدار اولی کونش خان  
 صغری و ثانیه کامله خانم و ثانیه عایشه و رابعه کریمه نامیه مسمیات و میانلرنده حضرت کامله خانم  
 سائر لرندن بییه و عایده اولوب کونش خان ختمال باش یاشایه و کامله خانم اهالی کوتا هیمه دن حبیب  
 و نسیب و خالد انزاده و صنف متفرقه کان دولتدن مصطفی اغایه و عایشه خانم عبدالخلیم افندی یه  
 و کریمه خانم محمد اغا نام زعیمه تزویج اولنوب کامله خانم حضرت تلیک کوتا هیمه یه تشریف لری اول بلده  
 نزهت فزاده تحسید عه و قدیمه و تهمیر رسوم رمیه آل خداوند کاری یه بادی و اها ایسنک کما  
 فی الاوائل برکات کرامت مولویه ایلّه اغتنامه باعث اولمشدر اغراض المان المنان سحاح احسانهم علی  
 صعا لکه انواب سلطانهم \* (مریدرکه) \* حال صغر لرنده کمال صفوت کهر لرندن و فرط اشتغال

حضرت کامله خانم



قریحه لرند نثانی مشاهده ارواح متجسده اسلاف عظام و معاینه اسرار ممثله اجداد کرام لرله قریب  
الباصره و البصیره و واقفه خیایای حوادث آتیه اولوب لکن موجب سن و سال لرله مالک ضابط  
و کتمان اولوب در فلان جا حضرت جدم چنین فرمود و چنان کرد عنوانیه اشاعه اسرار کافیه  
مردان خدایور ملرندن محافظه صد دنده حضرت جللی عارف کوچک اطعمه سوبقه دن اطعام  
بیور مغله پیش چشم غیب آشنایینه پرده کش اولوب بعد الرشد و البلوغ فوت حالات سابقه یه تأسف  
بیور دقلرنده شفقت و رأفت قطبانه لری جوش ایدوبینه انضمام توجه عارفانه ایله عودت ایلدیکی  
ظهور آثار مشاهده معهوده ایله رسیده درجه تحقیق و درخی هنگام صغر کنارتی تکیه پرده نشین تختدر  
اولوب استاده کوردن تلذذ رخصت یاب و معلم انا ثدن تعلیم تنزل غما اولملری حسیه بالاقتضا والد  
ماجد لرندن استفاده یه اقتصار اولوب و گاه سیکه در سر و زمره لری فوت اولمغله مغموم و گریان بوده  
خواب کران تحسیر اولدقلرنده عالم خیال دن کنس و لرده استادتتمیل و تعلیم و میانه نموده تعلیمی مسموع  
حضار بیدار و بعد الانبیاه تعلم کرده لری اولان سبق مثالیلیرن کلمات الجاری بلارکا کتولا رکود  
قرائت بیورملری احیان کثیره ده واقع اولق محمیه من عند الله تعالی اولمیرینه امارت باهره اولدیغی  
مشهود علیه نقول ارباب وقوف در فی الواقع اول نهال نازنین برینخل بارور علوم نافع و معارف لدنیه  
اولشدر نور الله مرقد ها و علی عریش القرب ارقدها آمین یامن لایخیب الداعین \* (مر ویدر که)  
اول کان کرم و مروت مالک اولدقلری نقد و جنس و ناطق و صامت فقرا و ارامل و ایتام و متابع  
اسفار جهاد فی سبیل الله تعالی ایلدز و جلیرنک مصارف سفریه لرینه انفاق و امداد بیورملریلدنوعا  
مضایقه معاشه مبتلا اولدقلرنده بر شبانکه سعادتخانه لرنده انجق کندولرا ایله خادمه لرینه وفایده جگ  
عشوه لری اولوب ناکاه خارجیه دایره لرینه مهمان ظهور ایتد کیده عشوه مرقومه فی دخی  
\* (ویژرون علی آنفسهم ولو کان بهم خصاصة) \* مصداقجه صرف اکرام ضیف ایدوب کندولر کرسنه  
وصایره و شاکره مصیحه اولدقلرنده دق باب اولوب خادمه لری و رای بادن من علی الباب ایلد سائله  
اولدقه سیده سی حضور بی طالب و حضرت کمله خانم و رای باب به بالنفس حاضرده اولدقه صورت  
قدمای فقر ایلد ممثیل بر پیر روشن ضمیر یدایید بر صر سر جمهری دست کرم پیوستلرینه اناله سیاقده  
این عطای خداوند کاری و احسان خنکار یست که از خزانه \* (و ما عند الله باق) \* است بعد ازین  
عیش رغد و غنای سرمد است عنوانیه تعریف و تمثیه دنصکره مقتضای شمیمه جلیمه کریمانه لرینه  
بناء عطیه مرقومه ده تشریک مراد ایلد کارنده نظر لرندن غائب اولوب اول صر در برکه حاوی  
اولدیغی نقد سرمایه دولت بیدار خوشکوار لری اولوب هر نقد در توفیر خرج و صرف بیور سه لرینه  
کافی الاول قطعاً نقصان طاری اولوب \* (و احسن کما احسن الله الیک) \* موجبجه اجرای عادت  
قدیمه لرند بیدل موجود ممدود بیور و ب تقصص حال غریب لاققه دن چقلر بی افکار و اهیه دن صون  
وعون سیاقده کیسه سینه مبلغ معهود دن چند دانه خفیه تعبیه بیور و ب اولدخی عدم نفادی مستشعر  
اولدقه بونوع کرم خزانه غیبی کندویه تخصیص بیور بلقی قیاسیه کنتم راز ایدوب وسعت ید  
و فحمت دولتمه مشارالیه اولوب زمان وفات حضرت کمله خانم دکن خاندان لرنده شمیوه عنایت  
مر قومه جلوه کرو بعد الانتقال منقطع اولدقه اول برکت غیبیه غیر نافذه میامن سایه همای دولت  
صاحبه کمله لرندن اولدیغی نمایان و اکثر محلات بلده لرنده اولان فقر اوارامل و ایتام مک قسم  
رزاق و منشأ اقوات لری اولدقلری ظاهر و عیان اولشدر و فراش مرحوم و مغفور لهادن محمد  
ارحسین و ابو بکر و خضر شاه و خلیل و علی نامان جلیمان ذوی الاحترام و فاطمه و امینه و خدیجه

وصالحه و کریمه و رابعه نامون عفاف کرامله مقتضیه اولوب میانہ ذکور دن محمد و حسین و ابو بکر  
جللی کبر سنله معمر و باقیملری حال صغر لر زنده مقبر از لیلرینه مسارعت ایدوب و مابین بناندن فقط  
فاطمه خاتم حضرت تبری عمر طویل ایله مننونه و سائرہ لری حال صبا و مراہقتہ حر مسرای  
جد امجد لر ینہ مبارکرت ایدوب محمد و ابو بکر جللی تربیہ شریفة ارغونیه ده و حسین جللی دیار آخرده  
و فاطمه خاتم دخی والدہ ماجده لری سمت رأسندہ و ماعد اجامع کبیر بایزید خانی جوار زنده مشاهد  
مقدسه اولاد کرام حضرت مولانا قدس سرہ الاعلی اولق اوز رہ معروف مقام مبارکده آسوده نزول  
رحمت رحمن اولمشدر در رحمة الله علیہم اصولا و فروعا مادامت الارض و السما \* (مرو بستکه) \*  
حضرت ابو بکر جللی فی یوم من الایام سعادتخانه لری اوکنده متفرج آینده ورنده ایکن ناکاه  
سمت مقام متبرک حضرت خضر علیہ السلامیدن برک و ہر شکوہ فارسان مولوی ظہور ایدوب  
پیشروان سلطان باغی جانبہ مرور و میانہ حزب کذرانده برشاد ولایت دستکاه مروری اثنا سنده  
جللی مروقی خانہ زیندن آغوش کرامتہ چکوب نوازش بی شمار عقیدہ مانند قرصہ آفتاب  
برقرص نان احسان بیوروب ای نور دیده این ناترا در میان خویشان و خلان و پرستاران دائرہ قسمت  
کن و تو بخور که تونزد ماہ ترازین میخوری نفس جان بخش لریلہ توصیہ فرما اولوب مرا میدانکه من  
جد تو مولانا یم عنوانیلہ تعریفدنصکرہ کذران و عامہ حواسیلہ چشم سردن نمان اولدقدہ  
شاهزادہ عالمگیر دخی اول قرص تورغینی والدہ کراملہ لر ینہ ایصال و وصیت مروقیہ بی  
تأدیہ بیورد قلمزده بلی کوہر شاہوار شمارا کوش این کنیزک جای شایستہ نبود مضمون رضا  
و مسکنت مشکونیلہ تسلیم نما و موجب وصیت قدسیہ اوز رہ جملہ منسوبات دائرہ لر ینہ قسمت بخشا  
اولوب ہر کسہ اقمہ سی سربوہ اکبر دن خلاصہ تر یاک اعظم و اصابت شرار حریق دیار سوزدن نجاتہ  
طریق اسلم اولوب لکن مخدوم ساسی کھرک خراج کرامت سرشتی منحرف و دوروزہ انفعالہ  
میقات جداسعد لر ینہ انتقال بیورملریلہ کویا وجودناز نینلری سائرہ فدا اولوب اول آتش بی امان  
کشتہ آب احسان حضرت دافع منان اولدیغی فاطمہ قطانہ کالشمس فی وسط النہار بیدار و شمول  
ایادی مردان خدا یدیکل اقرارلہ مستدار و اکثری دولت اثابتلہ برخوردار اولمشدر مکر مادہ وجود  
مخدوم پاکد حاملہ اولد قلمزده کندوزہ طرف سلطان دیوانی قدس سرہ النور انیدن برکوشوارہ زبیا  
احسان بیوریلوب شعشعہ اولوی شہواری ضیا بخش چاردیوار خانہ لری اولغله سرمایہ سرور و موفور  
اواق اوز رہ مشاہدہ بیورد قلمزده مبشر صدقہ و دفعہ ثانیہ ده اول کوشوارہ عالمہا کشدہ لکی  
مورث اولدیغی خزن غیر محصور اوز رہ معاینہ اولنن واقعہ فریجہ لر ینہ اشارت قصدا ولوب  
اول بلای طاقت کدازہ بلی بیوریلش ایش \* (انما یوفی الصابرون اجرہم بغير حساب والیہ المرجع  
والمآب) \* و اول جناب عصمت مآب حضرت تبری دخی قبیل الاحتضار جملہ حضار بالینہ وداع و ذات  
یا کریم قربان وفدای اخوان و خلان ایدوب کلبانک سفر آخرت کش مولوی اولدقدہ نفس  
نقیس و اینیلری ہوی کلبانک اولوب اول شاہباز حقیقت آشیان قدیم عرش برینہ پرواز ایدوب  
فی الواقع کروہ و باز دکانہ دمدار و حسن خاتمہ و سردار اولوب کندولردنصکرہ فرد واحد مطعون  
اوانیوب مقدم اولمشدر دخی عاقبتیاب اولد قلمزده ثابت بالتواتر در وجبہ وفاتلری عامہ خبرداران  
ماجرالین ماتمزدہ ایدوب سوکوران دیار کند و آلام و اخزانلین فراموش و اول خاندان رحمت  
نشانک غم و ہم تحمل کدازیلہ خانہ لرین تکرارہ ہر نک شیمونکدہ قیامت ایدوب وصیت  
شریفہ لری اوز رہ تربیہ مقدسہ ارغونیه نک داخل روزن بیر و نیلرندہ دفین خالک بال نور استقبالک اولغله

قبالة منظره مر قومه مدت مدید صبح و مساحشر ارباب دعا و زیارتگاه پیر و برنا اولوب قدر شناسان  
 کوه را بدارینه \* (نظم) \* برخاستن از جان و جهان مشکل نیست \* مشکل ز سر کوی تو برخاستن است  
 (دیگر) \* ماذا الفراق فراق الوامق الکمد \* هذا الفراق فراق الروح والجسد \* بیت  
 حسرت انکیزلری وورد زبان اولمشدر طیب الله المفیض ثراه بفواجح روح رضاه و اوصله الی غایات  
 رجاء آمین بحرمة رحمة للعالمین \* (مرویدرکه) \* اول ولیة ابنة الولی جناب معارف نصابک قدر مشترک  
 علوم نافعة اعمال و اخلاق و عقاید و وقوف و استحضاری اولاد یغندن ماعد انوار علوم خطوط  
 و قیافته اصابت رأی فراست اندودلری محیر العقول و موله الفحول اولوب خصوص مر قومه  
 صادر اولان عجایب آثار لری زین المجالس اولمشیدی حتی کریمه مکرمه لری حضرت حاجه فاطمه خانم  
 جنابی اشترا ایلدیکي جاریه نث برخی دستموسلرینه ارسال ایلد کلرنده قیافته نظر انداز فراست  
 اولد قلرنده نقش علی النعش بیورملری جاریه مر قومه نث یوم ثالث و زراشترا سندن و فایله جلوه کر  
 منصفه صدق و ظهور اولمشدر \* (مرویدرکه) \* حضرت عارف کوچک جنابک شیرزاد نام  
 ام ولد لری فراشندن متولد ولد نام جلبی بعد وفات الوالد وزیر قره مصطفی پاشا توجیمسی ایله مشیخت  
 آستانه حضرت سلطان دیوانی قدس سره التورانی بی برات ایتدر دوب مسندن نشین خلافت اولملری  
 مسموع بنات ذوی الاحترام اولد قده هر بری نفس ران غیرت اولد قلرنده حضرت کامله خانم جنابی  
 این کار بعد الاستقرار معلوم شود دم تعریض توأم لریله بایدار مقام والد ماجد اولیه جعفرینه  
 اشارت مراد ایلد کاری اول توغال باغ نجابتک اول مقابله شیر یفه ده مرتعا سجادده مشیختدن  
 قیام و حال دکر کونله اسیر فراش علت غیرت و چندر وزه انحرافله مستعجل دارالقرار اولد یغندن  
 جمله به شیوع بولوب هر قابل تصدیر هر اسان صدمه انکسار لری اولغله عدد عالی ذات مکرمه لری  
 تکلیف اولند قده بجان ناوان منت بودی لکن همپا تکه آن درجه رفیع مرتبه شیر فنجشای کنش  
 خانست نطق الهام سمیر لریله پایه خلافت کونش خان صغرایه تخصیص اولنوب صمصام سابق  
 المناقب کامله خانم حضرت تلییه تعیین اولمشدر و قضیه حضرت ولدی دستور مشارا اله افاده  
 اولد قده فقرای طریقت علمیه به جل عدد قربان و همچنان خرقة بها ایله اظهار اخلاص ایدوب شراره  
 زده غیرت اولد قلرینه شکرانه پاش اولمشدر فی الحقیقه دولت ارباب طریقه دهرات و منشور خلاف  
 قوانین مؤسسه ملوک سلوک کدر که اول دائره دهمدار توجیه اتحاد قلوب صافیه و استصواب عقول سلیمه  
 و استحسان طبایع صادقه در عیاذ بالله المانع مقامات عالیه اصحاب خلافت دینی توجیهات ملوک  
 دنیو به ایله نیجه بی بهره ارشاده تخصیص اولغله بالکامیه نظام احوال طالبان و سالکان خلیلذیر  
 و شامت و و خامت کار معکوس رفته رفته موجهین غافلینه راجع و بونله نفوس غلبه ایلدیکي کبی  
 انله دخی کفره مسلط اولوب عالم ظاهر و باطن کرداب هر ج و مرج و طرف طرف اشراط ساعه رایت  
 افراز ظهور اوله کیشدر \* (نظم) \* کار حل و عقد دین از مرد حق باید نظام \* شه بکار شه کرافند دست  
 رایش راز مام \* نوبت این کار چون دونان دنیا راز سد \* اهل دین را آن بود عین قیامت را  
 قیام \* (مرویدرکه) \* اول کان عفو و حلم هر تقدیر سو ادب دیده پرستاران اولسه حسن صفحه  
 مجامله نما اولوب غایات اذالری ای طبعی لفظ سندن تجاوز ایتیب اکثر بی ادبانی احسان و کرم ایله  
 تعزیر و استعباد بیورر لرایدی لکن نعوذ بالله من سخط الخلیف خواستجه و قما که قطعاً جین جبین  
 نما اولمیوب درون تابنا کلریدن توجه انکسار فرما اولد قلری بوجه من الوجوه قابل رها اولمیوب  
 اغلی جتف الانف هالک و بعضی لری حلول آجال مسمایه دکنین پند و عبرت شقاوت

منشان و جرأت نهادن اولور لر ایدی حتی همسر لری نهانی تشری به اجترایله در حال اسیر حصر  
البول و اولاد تشریلری دخی مهور و محروم و هجران لری یله پدر و مادر لر یسه هر بری داغزن ماتم  
بی اندر بی اولوب یه خاندان لری فراش متین لر نه نامیه حاجه فاطمه خانم روی طالع فرخ اثر لر ندن  
آبادان اولمشدر و بعد انتقالها قدس سرها ام الولد معهوده تصدر و تخت و استقلال صد دنده حرکت  
نافر جام ایتمکله واقعیه سنده کند و بی اول صاحبه السراخامی و مالکة البراسامی جنبانه طشت دار  
دست شوی کور و ب ناگاه چهره بی بهره سنه یعنی صاحبه البیت کشتی تو بیخیمه خطاب پر عتاب  
اثنا سنده سبیلی زن حمیت مردانه اولوب فی الحال مزبور ره پریشان بال بیدار اولوب پیکر نه آثار  
اصابع دست کرامت پیوستن لر معاینه ایله آینه دار حیرت ایکن سر بی دولتی آماں کبر و جماله  
اندامنه سرایت ایتمکله اسیر فراش علت غیرت اولوب بال دفعات مشرف کار بام هلال اولدقه عتبه  
علیه ارغویه طابت تراها و دامت حمایه نذر و قرابین ایله جبهه سای اقبال و ندم و آستان  
حضرت کریمه مکرمه لرینه رومال عرض حال پر هلال ایلدیکنده نوعا میا من التجاسیله فراش علت  
مدیده دن قیام ایدوب لکن کوشه چشمندن چشمه قیج و دم نبوعیله متأثر ازنده اولوب و چشمه  
مرقومه منسد اولدقه منتفحه و جریان ایلدیکه منتفحه اولوب عاقبت مقطوع العقب هزار ذل و هوای  
و علت قدیمه سی غلبه سیله هاله و سائر باعث اعتبار اولمشدر کو یا قیامت و کناه نکه بدنده و سر  
کردن کشنده اولغله بومقوله مجازاته مبتلا اولمشدر فنعوذ بالله الحفیظ الدیان من سوء النظر و شوم  
الفکر الی جهات وجوه الامه الکامله و وقفنا الی الصدق و الاخلاص و احسان الاداب عند خلاصه  
المسالکة خبا یا اسرار شؤناته و الحامله تعویذات حمایته آمین یا مجیر المضطربین و یا مقبل عثرات  
العاثرین \* (مروسته که) \* اول وارثه آثار جمیله خاندان خداوند کاری حال حیات ده اجرای احکام  
وراثت کلامه ایدوب مراحم علیه لری مراهم التمام جرایح صوریه و معنویه اولدینی کبی قبیل وفاتها  
دخی زلزله مور و نه ظهور و ریدن هر اسان اولان احباب خاندانه تسلیمت فرما اولوب این لر زه مادر مشفقه  
زمین برین دختر است تابا غوش لحدن کشد آرام نکیر دو متر سید که جز خانه بدن این بنده خراب نشود  
نفس انفس لر یله اگر چه دفع بیم خرابی بیور مشلدر لکن زلزله عظیمه انداز قلوب اولوب نائرة فراق  
و هجران لری ماکرم و ما یوسات کرامت لرین حریق شعله افسوس و غریق کرد اب اضطراب ایدوب  
فی الواقع تریه مبارکه ارغویه ده تابوت پر رحمت لری عباس مقعر لحد اولدقه دفعات اولدن اشد بر دخی  
سلسله جنبان انبیا و اشتیاق اولوب ساکن اولدینی مصدق ماجر لری اولمشدر طوبی لها و حسن  
مقام الی ساعه القیام و عایشه قادین حضرت لری دخی بوستان ثانی جنبانی فوت خلافت ده  
برادر لری عبد الرحمن جللی ایله آستانه ابوالسیف قدس سره ده صاحبه النوبه و مالکة التولیه اولوب  
اول معبد عالیده عبادات و طاعاته صرف بقیه بضاعه عمر نازنین ایدوب تریه عدن رتبه سلطان دیوانی  
ادام الحق روحه و روحه و روحه آسوده جوار اسلاف کرام اولمشدر رحمه الله تعالی علیها و علی اصواتها  
و فروعها آمین یا مجیب الداعین و کونش خان صغری و کرمه خانم دخی اول عشرت لری راحت  
ورفا هیته بر رمدت کامران عیش خوش و نوبت زن تولیت و آخر بو خانقاه فائیدن متولیه و متوجهه  
دار النعم بانی و غنوده زاویه منفرجه بر رحمت تریه معلا رتبه اجداد امجاد لری اولمشدر بشری اهن  
و حسن مآب بالنبی و الال و الایحباب \* (حضرت حاجه فاطمه خانم) \* حضرت کلامه خانم ابنة جللی  
عارف کوچل بقرأهما الکریم الحنان بجانب جنبانه ولایت مآبک کریمه مکرمه صدر یلری  
و نتیجه التسایح مقدمات انسال زکیه خنکارا کبری و خیر النساء الصالحات و غیر القائنات

حضرت حاجه فاطمه خانم

العارفات اولوب عبادات مالیه و بدنه دبدل موجود و صرف مقدور ایدوب اگرچه عنفوان سال  
معریتلرنده عثمان پاشا زاده محمود بکه ترویج اولوب و فراشندن انجق خدیجه نام کرمه  
مخترمه ایلد قریب العین و اولدخی حال صغرده مسارعه سائین فرادیس اولغله بعد وفات سازوج  
مرقومنه نیجه اما عسنا احسان ایدوب دامنشوی علاقه شوی اولوب نیمه اموال طیه لرین خرج راه  
زیارت حرمین محترمین ایدوب سایه دولترلنده نیجه عاجزان زادوراحله استطاعت تامه ایلد زائر بیت  
الحرام و متمتع نعم نفیسه مناسک جللیله اولوب لیکن زوچی ارتحالند نصرکه بالکلیه تارک علایق  
دنیا و دوستکش اخذ وادخار عوائق ماسوا و الیوت حصون الامان عن مکائد الزمان فحواسیله  
عمل فرما و کوشه کزین انزو اوهمر قنار حضرت دستینا و مظهر آئرسالقه الذکر خاندان حضرت  
مولانا قدس سره الاسنی اولمشدر و کندولر تهی آغوش اولاد و برادر لری حسین جلی وفاتند نصرکه  
کرمه مکرمه لری یتیمه و فریده اولغله حوا خاتم نام دختر بلند اختر لری حجر ترسیه و نگار تمیمه لرنده تعلیم  
و تأدیب و برکات انظار حسنه لری یلنوازش شفقت بی پایان و افضال و چراغ دودمان عز و اقبال  
بیورمشدر و والده ماجده لری نیک جملة کالات و کراماته وارثه اولد قلرندن ماعد انظم و نثرده فائقة  
الامثال و نادره الاقران اولد قلری آثار کلام ابد علرندن غمیان و رسوم خامه لطایف نیکار لرندن  
بیدار در که مشیخین زمان لرندن بر ساد لوح ربوده شیموه احسان بی امتنان لری اولغله اول عنقای قاف  
قر بتی مانند عنکبوت شکردام لعاب قیل و قال ایتک آرز و سبیل بعضی ترغیب انابت و تریهیب  
انفرادی حاکی رقعات ترویج ارسال ایلد کده بالذات فقرات دفعه نثریه ایلد نثار لائی نفیسه  
تعریضات بیورملرندن مجاب اولوب آخر یونظم لطیف لریله کسسته سلاک امید اولمشدر که رشته کش  
تحریر منقبه شیر یفه لری و غنونه شعله قریحه و فاده لری قلمشدر \* (غزل) بیعدیل آن عارفه زمان  
و مقبله شایسته \* مولایه در ولا ضر و بر مولو یلرز \* سرمست سر معرفت مشو یلرز \* نیکر کبی که سپر  
مقامت ایتده \* همپای وجد و حالت هوی قوی یلرز \* بیکانه لره پیرو پیرا و لمر زهله \* همدملریله  
قافله مغنوی یلرز \* بی افت و خیز طی مکان ایلر زمدام \* سلاله زادوراحله بر تو یلرز \* مانند شمس  
فاطمه تهنار و اول یوری \* مولایه در ولا ضر و بر مولو یلرز \* وائشای راه زیارت حرمین محترمینده  
رومال آستان ملائک آشیان حضرت جدا مجد لری اولد قده عجماله الوقت طبعیت صافیه و مشرب  
عالی لری نیک تدارک بیور دقلری دستا و یرتیا ز پر سوز و کداز در که والادست که سلطان العاشقنده  
مظبوط حریده حسن قبول اخوان الصفا اولمشدر لله در قائله و علیه تعالی آجرناطمه \* نیاز نامه  
جناب رابعه ثانیه بحضرت خداوند کبری قدس سره الباری اینست \* (غزل) دلی خلوت کزین  
راز ایدن عیش خیال کدر \* دودیدم ره نشین زار ایدن شوق وصال کدر \* دل و دیده نیجه بی  
دود و درد اولسون بواشاده \* از لدن هر بری بر کونه سرمست جلال کدر \* نوله دائم خراب نشسته  
فیض اولسه لر زیرا \* دو عالمده ایکی قرداش حیران کمال کدر \* بریدر اولسه لر رومال فرصت  
آستمان کده \* بری بیکاره اخلاص و بری عین جمال کدر \* عجمی اولسه لر آینه دارد دست  
احسانک \* بری درویش غم پیشه بری ابدال حال کدر \* کرکیز و ششانی مهر و مهدن انلره شاهها \*  
که بونلرده حریف مجلس جامه لال کدر \* اگرچه کم نماد فاطمه کیچین و کم فهمه \* ولی چشم  
آشنای حکمته کیچ نوال کدر \* (مروسته که) مدت مدیده دامنه کش مجالس انس و انس و خیر  
الانیس فی الزمان الکتاب النفس مضمون شر یفیله و تصفح کتب کبار طریقه موله و عالمه  
و عامله و سالکه و عارفه و ملأ الحلات و ملاذ منیات اولوب و دار القناعة ارغویه ده ساکن

نیزه من احوال المؤلف

قصر اعیان الهی که همه و خرقه لری خصوصاً نوازش مردانه دن خالی اولموب همیشه تطیب قلوب  
منکسر ده بدل موجود او ز ره مقدمه اولمغه بین الطائفة العلیة المولویه ام الفقرا عنوانیله مدعو  
واذ کار جمیله و اوصاف حمیده و آثار مطبوعه لری زین المجامع مردان و مابه الافتخار اخوان و خلان  
اولوب علی الخصوص بود در منصبی سروریا و احقر الفقرا و اقر الوری و خاندن درگاه اولیاد و ریش  
ثاقب مصطفی جماعت درویشان ایلله مهمان بقعه مبارکه حضرت جلی جلال الدین ارغون قدس  
سره المکنون اولد یغمده فضلاء و کرمان کل الوجوه یتیم و بیگس ایکن بنی بیوروب و غلطان خال  
مدلت و در مانده بر زخ نکبت ایکن دستگیر و فریاد رس اولوب و اول بقعه میونه ده سر حلقه فقرا  
و مشو یخان آیین حضرت مولانا ایدوب جمیله ماملکارین راه حمایت بنده کینه لری نه فدا  
و برادر زاده لری و تربیت کرده لری اولان مخدومه مکرمه حقانم حضرت تلرین تزویج فرماوشش جهت  
سروسامانی تعمیر و چار کوشه راحت و رفاهیتی ترمیم ایلله یکسر احیا بیوروب و یکرمی اوچ سینه  
سعادت خدمت ایلله سرافراز و انظار حسنه و همم علیه لری یله ممتاز و رشک آورامثال و اقران  
بیور دق لری ائاده کستاخانه آزمایش صد دنده این بنده بیگانه زادرا جمیله املا کراتملیک و صفرا اید  
ماندن حیرت فرسای عقول اهل خدمت شاید بیوفانی نماید و اسراف و استهلاک سرمایه معاش  
کند مضمونیه استفسار تعریض آمیزه عطای خدای خطا نکنند این کار سر سری و خود بخودی  
نیست بلکه اعتماد این ضعیفه با حسان قوی ذوالمن است مارا با فکر و اهیه بود و نبود چه کار است  
فقرات ارشاد سمانیه تعلیم ثقة بالله العلی العظیم و ظرف باهر الشرف چند اسب عدل نردن روغما  
اولان اشارت مثالیه کشفیه لری نه ایما بیور مشلردر که مکر قییل الوقوع جانب جناب والده  
ماجده لرندن ذات شریفه لری نه ز ر خالص العیار دن دست ابرنجن اناله و این آن شماسست دم عنایت  
توأم لری نه تم نیه بیور ملرین مقتضای تعبیر مجر بلری اوز ره اولاده حمل بیوروب و زمان حمل و وضع لری  
مرور ایتمکه ولد معنوی یه قرار داده اولوب بنی بیورلش ایش خمد ایش شکر آثار مهر فضل  
صمدی مشرق وجود هم بود لرندن طلوع ایتمکه بودر فنا حیز ظاهر اوباطنا داخل سایه ولایت مایه لری  
وزمانه من قطر رجال نوبی ایکن اول طیه کرامت طینت روی مهمت بر تو و خوی بنده پرور لرندن  
مستفیض عنایت کونا کون اولوب و گرداب حیرته سرگردان حسرت ایکن ساحل سلامت حاله  
وعیش خوش فراغ باله رسیده و التهای در که شاه و وزیر دن رهیده اولمشدر \* (نظم) \*  
یاد مهر بیکه فروغش رومرا چون ماه کرد \* سایه بر فرقم فکند و بی نیاز از شاه کرد \* صد سپاس  
ان کوشه چشم نوازش کارا \* که التفاتش بنده را از بند چه بر جاهد کرد \* (مرویس تسکه) \*  
اول نازنین سر پرده حمایت سعادتخانه سینه بر دزدی توفیق جرأت ایدوب وزیر صفت صفا لری نه نمان  
و هنر کام فرصته چشم و کوش کشا اولوب نصف الیلده محل اختفا سندن خروج مراد ایلد کده  
در د خول دخی دیوار و کند و ببر زندان استوار اولد یغین معاینه اید یجک دست شوی امید علاقه جان  
و از دل هزار بار پشیمان و انجام کاره نکران ایکن روی صبح نمایان و پرستاران خدمت مانتد شتابان  
اولد قدینه کلاؤل در زیر صفت مرقومه بی کشاده کوروب بیم بی انداز ایلله کیران اولد یغزل  
هفته سینه دزد آخر کبر و داری اتنا سنده اخذ اولنوب من غیر تراخ و لا امان سیاست بردار اولق اوز ره  
میان بازار در رسن بر کردن و منادی در پیش ندا گن روان اولوب دزد بیچاره دخی بر طرفدن  
ای مسلمانان مرا درین کار مدخلی نبود کواه باشید لکن این قضا بر سر من از سوء قصد سعادتخانه  
حاجه فاطمه خانم آمده است دیوندای بلند ایتمکه اصل قضیه کند و دن سؤال اولد قدنه منوال مشروح

اوزره اقرار و تفصیل ایلدیکی مسموع جم غفیر تماشایان و همکار لرینیه وقعه اعتبار اولشد  
 \* (نظم) \* هر که بانیکن بدی دارد روا \* هیچ کارش نزد حق نبود روا \* زانکه من آذی و لیا  
 شد کوا \* کاولیس از بود تحت اللوا \* (مرویدر که) \* پرستاران دائره خد متلرین بری  
 اکثر یا حضور مهابت محصور لریده آواز بلندله تکلم و رد جواب ایتمکله تراکت قلب تابنا کاری  
 وقته مصادفه ایدوب آهسته تر بکوا این چه بی ادبیست مضمونیه صادر اولان دافعه غیر تلری عقیننده  
 جاریه مرقومه نك صوت جهیری همس مرتبه سسته نازل اولوب الی آخر العمر بردخی حضور الزم  
 التاد بلریده مرتبه سابقه اوزره تکلمه اقتداری اولوب کندویه ادب کرهی وغیره ادب فرمای طوعی  
 اولشدر \* (نظم) \* ای که پیش نازنینان خدا \* دم زنی بارغ صوت اینت جزا \* که کند  
 مرفوع تو مخفوض او \* پس بفتح پوزید لا ترفعوا \* (مرویدر که) \* اعتلای شان ولایت عنوانلری  
 حوصله ها ضمه شکف متشخین دیار فر اولوب بعضیلری ناقص فهمانی مفسد اخلاص کلمات  
 مزخرفه ایله جانب اعتقاد جناب والا انسا بلرندن تحریف مراد ایدوب در پیره زنی چه باشد لفظ  
 مهمان دلیل عامی فریب ایلدیکی مسموع شریقلری اولدوقده (مردیکه سفیه زن دنیا باشد نك زن  
 وزیکه حیرت مضاف هوا باشد رشک مر دانست نكته لطیفه محال الانکار یله اسکات و دام  
 تزویر لرین یاره یاره صدمه ندمیر ایدوب انلر نقیمه پرداز لکلی کندولره عائد و نكاز دة نكبت  
 اولشدر علی الخصوص طریق زیارت حرمین محترمین ده بونده کینه لری حقننده سئو ح ایندن  
 ماملک تشار لکلی شواهد عادل مدعالری اولنجه کندولری سلك اصحاب کف و کره اباهریره  
 و غله حضرت سلیمان دن ریزه خوان نهانلرین دریغ ایلد کلی حب دنیا لرینه براهین سلطه و مغلوب  
 هوا اولدقلرینه امارت ظاهره اولشدر ماجیل ولی الاعلی الجود و حب الدنیا راس کل خطیسه کمان  
 ترکها اصل کل عبادة \* (بیت) \* عارفان که جام حق نوشیده اند \* رازها دانسته و پوشیده اند  
 \* (مرویدر که) \* اول همای اوج همت ملازمت مقابلات شریفه طریقت و مشایخ و خانقاه  
 نشینان اخوان و دست بر سینه بندان خلان و جمله سیاحانه حسب المراتب و قدر الاستطاعه اکرام  
 و احترام اوزره ایکن بهانه حسن زند کانی فقرای طریقت جدا سعلر یله بینماده منافسه غیرت  
 ظهور ایدوب شیخ وقت دخی متجاوز حد اولغله بردفعه رحم الله امرأ عرف قدره و لم تعد طوره  
 صد پر مدنی تفسیر و توشیح و تفصیل و تحقیق حایه نك کره نتیجه الارشاد رسالیه کرم و شفقت  
 فرما اولملری عیاذ بالله الحفیظ الهادی بادی اصرار اولغله چند نوبت پایکش ملازمت دائره  
 حضور اولوب لکن درون همت مشکونلری بیحضور اولسندن شیخ مرقوم متأثر اولدیغی  
 عقیننده نه کافی القدیم قدم صدق و اخلاص اوزره قائمه و ثابته و شیمه حمیده سابقه لری  
 اوزره خادمه الفقر اولنکه ام الضعفا و المساکین مرتبه سنده مهر بانی و مدد کاری بیور مشلدر  
 لله درها و علی الکریم اجرها بجرمة الحبیب الامین و بعزة كافة الانبیاء و المرسلین و قربه عامه  
 الاولیاء و المقربین \* (نظم) \* ای سزای انکه تخم جهل کاشت \* وان نصحت را کساد  
 و سهل داشت \* اعتمادی کرد بر تدبیر خویش \* که برم من کار خود با عقل پیش \* نیم ذره زان  
 عنایت به بود \* که ز ندبیر خرد سبب صدرد \* (مرویدر که) \* اول کان کرم بونده در بدر جد  
 اگر ملرین غوطه خور قلزم نعم ایلد کارنده خیر خواهان خرم اندیشاندن برکوه احتیاط شکوه عواقب  
 امور مهمه و اواخر احوال محتمله در دیو ترغیب مال اندیشی سیاقننده بر مقدار نقد و جنس  
 ابقاسنه اغرای متضمن رقة نصیح تمیق و فرستاده حضور فائض النور لری فبلغه دریای عنایتلری

جوش ایدوب قلم میمنت رقلریله آشهدکم ایسا الاخوان والخلان ان جمیع مافی ایدی العباد عوار  
مستودعه وان لا مالک لئلاک الا الله فالودائع التي فی ید هذه الفقیرة الی لطف سیدها الغنی قد سلمتها  
الی فلان الفقیر بجمالها والهبة للعیر عز وجل وانی أبقیم لنفسی ثلاث جواهر نفیسة للحزم  
والاحتیاط فی مال امری وهی حسبنا الله ونعم الوکیل \* وما عندکم ینفد وما عند الله باق \* ومن  
یتقی الله یجعل له مخرجاً ویرزقه من حیث لا یحتسب \* عنوان توکل تبیاننی ترقیم حسب حال سعادت  
مال و جواب قاطع عروق سؤال بیورملری من کورینی کندو حالارینه ابکا وتوجه اهل حق  
ارشاد ایتشدر والقول ما قالت خدام فصده قوها مثل سائری هنوز موقعین بولدی فی الواقع حق خرم  
بودر دیوجله سی اعتراف وتحسین ایتشدردر کما حقق حضرت المکشاف الصمدانی فی المشوی المعنوی  
(نظم) \* هر چه جز آن وجه باشد هالک است \* مالک و مالک عکس آن یل مالک است \*  
کر چه سایه عکس شخص است ای پسر \* هیچ از سایه نشانی خوردر \* هین ز سایه شخص  
را میکن طلب \* در مسبب رو کذر کن از سبب \* (روایت اولنورکه) \* بنده زاده لری مرحوم  
ومغفور له شیخ محمد مخلصک هند کام ولادی قریب اولدقه لوازم ولادت و ولد هرنه ایسه جمیل سن  
بالنفس تهیه و تکمیل بیور و ب شیخ محمد آن ماست پس خدمت او برعهده این خالته است مضمون  
بشارت مشکونیه قبل الوضع تسمیه بیورملری کما کوشفت ظهور ایدوب و حق تربیه و تهیه سنده  
والده سی حوا خانمی سبقت و فوق الغایه شفقت و مهر بانی فرما اولوب و اولدخی برکات همسم عالیه  
و میامن انظار حسنه لریله شاب نشأ فی طاعة الله مظهری و سال سبع عشرده حائز علوم عقلیه  
و نقلیه و فائز آثار مشایخ طرق علیه و صاحب مشرب و سبب و طبع لطیف اولوب بین الاولاد الکرام  
المولویه آیه من آیات الله و بالغ مبلغ ارباب انباده اولمشدر حتی چشم زخم زده روز کار و مبتلای طعن  
وبای جانکذرا اولدقه عبادت کلا و شفای عاجل جویانه این عارضه برنده است و کذر بنده نیست  
همان از اخوان و خلان مسؤل این بنده مردان ادعیه عفو و غفرانست عنوانیه عرض سوز و کداز  
ایتدیکندن ماعد بعد الوفات میانه اوراق کسده زاده قریحه محرقه فراق لری اولان تاریخ وفاتی  
دست خط لریله بولنوب اشعال نائره هجران ایتکه بادی یاد خیر اولوب رجاسیله منقبه نفیسه خالته  
جمیله لرینه تضمین اولندی متوقعدر که اول ولیقه کیه نک سفر اخر و یسنده طفیل اولدخی کبی سایه  
ذکر خیر بنده دخی من کور بالرحمة والرضوان اوله آمین بجه و کره \* (تاریخ وفات شیخ محمد مخلصکه  
پیش از انتقال خود بنظم آورده و اندر میان گفته های خویش تعبیه کرده بود رحمة الله تعالی  
علیه و علی اسلافه ابد) \* روز کار زور کار لیسیر ایدک هند کامه سن \* کاتش هجرانی صالیدی  
کلبه اخراجه \* کور مدن کلزار عمر لری روی خندان کان \* خاکپاش کور اولدی دیده کرایه \*  
غنچه عیش شباهم ایلیموب افنا زده \* کوتدی کوش کرم زار هزار جانه \* آشیانن تار مار صدمه  
مرک ایلیموب \* کیردی آخراول سبک کاسه بنده قائمه \* بن کذر قیلدم هله اول برزخی جانن  
کچوب \* عبرت اولسون لیک احوالم قلان اخوانه \* یاد ایدوب دائم دعای خیر له مخلصین \*  
فالمسولنلر راه خدمتده اولان نقصانیه \* دیدی جان برلیم تاریخ حال نزعنی \* سر بعزم صوب دیدارم  
وداع یارانه \* سنه ۱۱۲۴ (روایت اولنورکه) \* اول شمع شبستان ورع و تقوی سال نواله  
یعنی هشتاد و هفت سنه بالغه اولتجه اوقات شریفه لری نعم صوریه و معنویه و عبادات و حسنات  
ایله کذران اولوب وقتا که حکم سال مرقوم حلال ایلد کده کمال استغراق و صیام ایام و قیام  
لیالی و وحدت و خلوت و صمت و سکون و خزن و تفکر اوز ره و گاه و بگاه و کاه و آنین و آهله و آتشین آثار



انشاد یله اقتراب زمان ارتحال لربن ایما ایدوب جان و جسم پر روان کان بزم انتمالین داغدار و دل  
 و دیده معتادان احسان و انعامنی نالان و خونبار ایلد کلری اوانده سرزده طبع پزاشتیاق عالم  
 بالالری اولان انفاس نفیسه دد بوقطعه غرا نمونه حالات شوق زائد الوصف لری اولق اوزره ایراد  
 اولندی\* (قطعه لها قدس سرها)\* بوتی سی خانه ده آرام دل زارم بوق\* یعنی بر محرم اسرار اوله جق  
 یارم بوق\* حکدیلر رخت قراری سرکوی یاره\* شمدیلک بزم فناده هله غمخوارم بوق\* (پس)\*  
 یوماقیو ماغلبه انجذاب جوار رحمت رحمن ایلد مزاج ولایت سرشتلرینه انحراف طاری اولوب  
 ترغیب و سوق مداوات ایدلره\* (قطعه)\* مرابکدشت آب فرقت از سر\* بدین حالم مدار اینست  
 درخور\* هم اکنون راه شهر شاه کیرم\* که کرمیم هم اندر راه میرم\* مضمون شفقت مشکونیه  
 یا خج شاف بخشاوتی نام اوزره اقدام و اهتمام فرما اولوب جانب روحانیت جناب پدربز کوار لرندن  
 (یا نور العین الحق صف حور العین) عنوان دعوت آخرقین و تقاضای اجابت\* (ارجعی الی ربک  
 راضیه مرضیه)\* ایلد هر دم پاد رکاب استیجال و بیزارتد اوئی جسمانی اولوب التداوی یشرع عدم  
 الرضا و نحن مأمورون بالرجوع الی رب القضا راضیه فاذا کأ راضیه نیکون مرضیه نفس انفس  
 و اقدس لر یله من ممکن غائله اسبابی ارشاد و تعلیم حسن ادب بیور مشلدر علی انه آخر الاداب و العبرة  
 بالخواتیم و لکنه لا یتسیر هذه المرتبة الرضیه الا للتمکن فی مقام التسلیم و الرضا و التملک ملکة الثبات  
 فی محساری القدر رب هب لی من لدنک الثبات و الثبات و لكافة المؤمنین و المؤمنات ان  
 عنایتک لمحیطه بالذی مضی و بما هوآت یا قاضی الخ الحاجات و یا مجیب الدعوات و یا محوّل الحالات  
 و یا رافع الدرجات و العجب کل العجب ان الدعوة مصادفة لعام ارتحالها فی الحساب و هو عدد حروف  
 غم الولیه\* (سنة ۱۱۲۳)\* مال الحال و خلاصة المقال نفس نفیس لری ایچون ابقا و بعد الهیة  
 تملک بیور دتلری کتب نفیسه بی بقعه مبارکه ارغونیه ده منزوی اخوان و اولاد کرام انسال زکیه  
 صدیقیه یوقف بیور و ب و امانت جلیله قدسیه لرین صاحبیه تسلیم و جوار رحمت رحمانه مجرد و پاک  
 شتابان و غمضه العینده لاحقه خیل حور العین اولشلدر مات کمالدت و عاشت کما وصفت  
 طوبی لها و حسن مآب و وفق وصیت شریفه لری اوزره تربیه مع لارته حضرت جلال الدین ارغون  
 قدس سره المسکونده جوهر وجود لری دفینه متبرکه قلتمشدر طیب الله تعالی ثراها و افاض علی  
 الباقین بقا یا برکاتنا آمین یا من لا یتخیب السائلین بمنه الجسیم و کرمه العمیم و فضله العظیم و هنسکام  
 احتضار لرنده بوبنده کینه لری سرافکنده دوش خزن و انکسار منتظر کرم و اسپینلری و اشک در درد  
 فراق جانکد از لری اولدیغیمده بقیت غریبا عاملک الماک التیوم بعین عنایتیه دم اجابت رهینلریله  
 جبر انکسار بیور و ب غنیمت آثار همت علیه لر یله اوان حیات پر برکات لرنده مستسعد اولدیغیم کبی  
 نفس آخری نلرنده دخی میامن دم حیات بخش لر یله تنفیس کربت بیور مشلدر و فی اماننا هله مقوله  
 مشکدر حوادث اوقی اقتضا ایتسه مناظر قصور جهان خیالدن روی آشنائی نمانا و نطق فرح حشر الریله  
 تسلیمت فرما و اشارت بخشا اولملری بیدر یغدر ادام الله تعالی رشحات افضا لها فی الدنیا و الآخرة  
 و عنایت مذکور داتنا سنده کافی الاسلاف الکرام آوینده سر بالین احتضار لری اولان سیف  
 موروث سالفة المناقب او چ دفعه عادت معهوده سی اوزرده هتیز اولوب سعادتخانه لری دخی معا  
 متزلزل اولدیغی جمله حضارک محسوسی و اشد درازا نار الله المعز عرشانه برهانیم تبعث کما علی اعلام  
 اعتسلا عنواها یوم ولدت و یوم توفت بحرمة اسرار اصولها و بعزّة انوار فروعها آمین یا معین  
 \* (وهجنان)\* خلیعة محرقة و فانیلرندن برهنه مقدم بنده زاد لری حلیة زکیه سر بالین احتضار یله

حاضر اولاد قلزنده کویا تشیع بیور وب ای دردمند حلیمه نوم مقدمه ما کشتی ما خواستیم که  
 جمله را فدا شویم میسر نشد پس بیور و تو باشم عنوان شفقت تبارک رقت نما اولمیری حوصله شکاف  
 اصطبار اولوب جمله متعلقاتی خونابه بار ایلد کبری کاستواء الشمس برهفته صکره عزیمت عرش  
 برین ایتباریله مشهود ذوی البصائر اولوب لکن بوقف رات رقت مشکون خذلانده استعجال  
 بیور دقیری صبیغه نفس مشکوم مع الغیر عزیمت دارالقرار لرزنده جمعیت رفقای مشعر اولدینی طبع  
 پر کلالی غوطه خور کرداب ملال و مترقب آثار مشارالیه ایلوب اوان انتظار طهورات و رای  
 پرده ده تمام سینه انتقالی قبیلنده حوّا خانم و فرزند ارجمند لری شیخ مخلص و شیخ علی شا کر  
 وفا طمّۀ ثانیه و عائشۀ بییه بیور لری اولمغله اول سال ملال مال سر مال دردمندان مهجورینه عام الغم  
 اولشدر و شیخ محمد مخلص بزم عالم فایده معناد آغوش مهر بانلری اولدینی کبی پهلوی مرقد مقدس لرینه  
 دفن اولنوب شیخ علی شا کر و حوّا خانم و فاطمه و حلیمه ملیحه مقابر اولاد کرام مولویه اولان بقعه  
 مبارک سالف الذکره وضع اولنمشدر و عائشۀ بییه جوار فقیر خانه ده صاحب الاثار الجلیله  
 مرحوم و مغفور له بسم الله و فاشهرت بیه معروف اولان ولی کاملک تریه شر یقه لرزنده دفن اولنمشدر  
 نور الله تعالی مضاجعهم و انشاء مصایح منافعهم فی الاولی و الاخری باطافه الجلیله و الخفیة و ام داده  
 الصوریة و السریة آمین یا مجیر المضطربین بحرمة سر سید الانبیاء و المرسلین \* و دخی حلیمه زکیه دفن  
 اولدینی و زبیر سوزک فرداسی ساحه حرم بنده خانه ده بعینه صوت معتادی ایلده حاضر باشید که  
 در تمام هفته می آیم و می بریم صداسی جمله سکان خانه مزک مشعومی اولوب تفقد اولند قدده ندای هاتقی  
 اولدینی نمایان و فی الحقیقه میعاد مر قومه اول آماده سفر اوج قربت و رحمت مجیه دعوت ارجعی  
 اولشدر و الیه المرجع و المصیر نعم المولی و نعم النصیر و بعد چند روز محبات صالحان دن بری واقعه سنده  
 شبان بهشتدن بر محبوب معجب الحسنه مرحومه بی دست بدست مشاهده ایدوب پرسش حال  
 اخروی ایلد کده مر ابان نکاح گردند و این محله منست دیوب بر قصر منیع الارکان جناته دخولین  
 اخبار یله قلب محزون محترق الهجرانه تسلی بخش اولشدر و شیخ علی شا کر دخی قبیل انتقال  
 الطفاله علی طریق الملعبه تسنیم صورت قبرا دیوب اطرافنه بعضی مر اقد مر دانه وضع اولنه کلان  
 اشیا و سر خالتودۀ مر قومه اتخاذ خانه ایلدیکی مشاهده و این مر ارتبه کیست عنوان بیه سؤال  
 و تریه منست لفظیله رد جواب اولدینی یومدن هفته مر ورزنده عبور حرم موت ایتشدر و یوندن اسبق  
 بعضی البسه نفیسه سرن بهر روز تلبس ایدوب کندویه این لباسها برای عید است دیوز عن ترغیب  
 ایلدیکمه ای پدر که داند که من بعید بعید می رسم نطق طفلانه سیمله مکاشفه جلیلی جلیله کرساحه  
 ظهور اولشدر و فاطمه ثانیه دخی بر کون کثرت اکل و فرط شربله کورلد کده انقدر اکل و شرب  
 ضرر است لفظیله کویا بند و محافظه مر ادا اولند قدده من قسمت خود میخورم شمارا چه شد که اتمام  
 قسم ترا زانده مضمون بیه حدت آمیزه مقابلۀ دن فقیر حیرت نامه عارض اولوب که حال صغرده  
 مستبعد مقال البیه می مال اولز بودخی آنا مقوله نتیجه ز اولور دیر کن مرور چند روزده تکمیل  
 قسمت ایدوب اسلافه و حقه اولشدر کیفیات محرره مشاهده سی عرق طاهر صدیق کرامات  
 جلیله و کلات مادر زاد یله تولد بیور سنده ابقای ذرۀ اشتباه ایتیموب خدمت مراعات و احترام لرزنده  
 جواز نمائون و جرأت تکسلی افنا و نومۀ غفلت عدم مبالات شان سامی لریدن باعث انباه اولشدر  
 الحمد لله الذی هدانا لهذا و ما کانت ندی لولا أن هدانا الله و ما توفیق الا بالله اللهمنا الهادی الموفق  
 القيام علی أعقاب خدمت اسم العلیه بالصدق و السداد و الاخلاص فانها علی الملاذ و أنجی المناص

واول سلسله زکيه دن وجود فائض النور ليله قري العين وفراقليله سهر روز هجران اولدي غمز  
 مرحومين ومرحوماتك توار يخ توديعاتي ديوانمه بتمامها ثبت اولنوب لکن محضابها نه خير دعا اولوق  
 اميد يله هر برندن اوج يتيله بومقامده اکتفا وانجق حاجه فاطمه خانم قدس سرها العزيرلک  
 تاريخ انتقالی بتمامها ثبت وحسن خاتمه مرتبه اولی اولوق اوزره ذیل منقبه نفيسه لرينه نياز  
 دردمندانه وپای انداز مستندانه قلمشدر \* (تاريخ وفات شيخ محمد مخلص) \* خاندان حضرت صديق  
 اکبر دینه \* بر بلند اختر ايدوب پرواز بام عرش وکرس \* عشق شمس الدينله طی منازل ايدوب رک \*  
 ايلد کده کندوبی صاحب مقام برج قدس \* دیدی تاريخ صعودن ثاقب انجم شمار \* جان مخلص  
 اولدی سیاح جهان اوج انس \* سنه ۱۱۲۴ \* (تاريخ انتقال حوا خانم مادر شيخ محمد مخلص  
 رحمهما الله تعالى \* نسل مولانا جلال الدين حوا خانمي \* ايلدی احیای رحمت حضرت قبوم حی  
 یعنی کلک حکمت بی علت و دست قضا \* ابتدای عمر نازینی دقترین امضا وطی \* کن دعای پنجکه  
 تاريخش و ثاقب بکو \* شاد کام از روح وريحان بادر و جبالک وی \* سنه ۱۱۲۳ \* (تاريخ ارتحال  
 حلیمه مليحه همشیره مخلص نور الله مرقدها) \* مردم چشمی بولوب راحت خواب عدم \* اولدی  
 وجودی تمام آینه انبیا \* ثاقب پردود و در دیر و تابوت وهم \* پشت دوتایه ايدوب روی رضای  
 پناه \* حقه مناجاتله سال وفات دیدی \* بزم بهشتی اوله جاریه که جلوه گاه \* سنه ۱۱۲۲ \* (تاريخ  
 فوت شيخ علی شاکر قدس سره الفاخر) \* وارد غیبی اولوب سلویده طبع خزن \* دیدی کوش  
 هوشه تسلیم و رضادر افضلی \* دامن افشان اولدی اول شمدن کبر و بوخا کدن \* سن همان  
 الدن قومه دامن صبر اجلی \* هم ايدوب تلقین ترجیع و دیدی تاريخی \* بلبل کنار مولانا اوله شاکر علی  
 \* (تاريخ رحلت فاطمه ثابته بنت حوا خانم رحمه الرحمن علیها) \* کسدی عمه دن فاطمه بی  
 مادر دنیا \* سیر ایلدی متله اتی شیر حلاله \* اول کوهر یگانه ایدیک عالمه پدرود \* کادی برینه  
 دکدی علم خزنه ناله \* ثاقب دیدی تاريخی بآمد و رفتک \* عزم ایتدی قیزم عالم عقبایه دوساله \*  
 سنه ۱۱۲۳ \* (تاريخ موت عائشه بیه صدیقیه جلالیه نور الله تعالى قبرها) \* سر بر ایتز ایدی  
 حقه لعلن حکمت \* شیرتک شکر غیه اولیدی مقسوم \* خرده دان خرده اولدی کندی حالا \*  
 وجه تشریفی کبی سر و داعی مفهوم \* دیدی آمدشدا کاهنه ثاقب تاريخ \* کادیکی کبی پناه  
 کتدی او بکر معصوم \* (همانا) \* بو غربت سراده کربت کدشتکان بی بدلانله واله و سرکردان  
 ونالان و کریان وسینه کویان ایکن تنزل الرحمة عند ذکرا الصالحین مضمون منافی اوزره توسل استنزال  
 غیت رحمت رحمانه صد دنده لاطیب لداء القلب غیر ذکرا الحبيب و الأبد کرا الحبيب تطیب القلوب  
 فحوا سنجه جمع نفایس مناقب سابقین و تألیف مفاد خلاصه تشبث اولنوب و تدارک بقیه  
 عمر کرا نهایه دهبقیه نقیمه سلسله زکيه اولان شيخ احمد خالص و شيخ محمود حامد نام کوهر تابدار اسلاف  
 رفتار و اصول کردار و کرامت شعار لرک خدمت پر حرمت تربیه و تنمیه لريله دل و جان محزون و مجروح  
 تسلیت و مداوات اولنمشدر متعهم الله المنان الوهاب بطول العمر وحسن الخلق ولطف العمل  
 وأسعدهما سلوک منهاج الاصول الکرام وأنعم علیهما بالتوفیق والارشاد الی منازل الفوز بمعرفته  
 وقربه عز شأنه نعم الکریم ذوالرحمة والعناية ومنه الهدایة فی البدایة والنهاية وتجاوز عن  
 نقائص أنفسنا وشرور انانیاتنا انه الرؤف اللطیف و ليس للعالمین سوى التجاء بابه العالی طریق  
 النجاة و بیده أزمه الصلاح والفلاح \* (همچنانکه) \* اول یکنانه میدان صدق و خلوص اثنای حج  
 شهر یغلیزده زیارت روضه مطهره سید سادات انبیاء و دخول مسجد محترم ستمه قادات اصفیا علیه

الصلاة الابدية والتحيات السرمديـة ايله شرفياب اولديغنده اشتياقالصاحبها واستشفاعمن جنبه  
صلى الله عليه وسلم وآله وصحبه فراشان دركسعادت لرندن دريوزة مشت قنامه واول اكسير عنايتي  
الى وقت الاقتصاخراته احترامامده اخفايوروب وقت حاجت احتضار لرنده احضار وبعد الغسل  
روى مبارك لرينه صلوات شريفه وتسليمات منيفه ايله على وجه الاستشفاع حتى ونثرى توصيه لرى  
كياينبغى تنفيذ اولنوب اول وجه غبار آلودله متوجه دركحى ودود عزاسمه اولدولرندن ايام عديده  
مرورنده برليل موى ليلي فامده اول روى مسكنت خوى ماندمهر منير تابدار مشاهده اولندقدده  
تعجب رؤيت صاحب واقعه يه اين سيماي عجب انكيز بيركت آن قنامه عنبر بيزاست مضمون صداقت  
مشجونه مجيب اولدقلى صدق راى وخلص طويته نظر تحقيق واراده فضل حضرت عجم  
الاحسانه وانارة شفاعت حبيب الرحانه اعتماد اتصديق اولنمشدر ومن اعتقد غبارا فقد اناره  
مضمونى جلوه كمنصة اعتبار اولمشدر فطونى للصادقين المخلصين حيث فازوا بصدقهم الى قصدهم  
وداموا على مراعاة عهدهم هذا يوم ينفع الصادقين صدقهم نفعنا النافع القريب الرقيب بمنافع  
شفاعات الذين صدقوا ما عاهدوا الله ان الله لا يخلف الميعاد وانهولى الارشاد الى سبيل السداد  
\*(نظم)\* برق وقر روى خوب صادقين \* تن فناشدو آن بجانا يوم دين \* رنك صدق ورنك تقوى وبقين \*  
تايد باقى بود درمتهين \* (تاريخ نقل مقعد صدق آن رابعة ثابته اظهره الله تعالى تحت عرشه يوم  
لا ظل الاظله وأجلها دارسلامه بفضل وكرمه آمين بحرمة شفيع الاولين والآخرين) \* ناك اولدى  
برسر آمدسرو باغ مولوى \* كلشن عدن وجوار رحمت حقروان \* چونكه دامنجين خاشا ليدن اولدى  
دلى \* صحبت اجداد اجداديه جان اندى همان \* يعنى حاحمه فاطمه خانم ايدوب افناى عمر \* منزل باقيدده  
اولدى خيمه زن مانند جان \* صورت خيرالنسار وپوش قدر كوهري \* سيرت مردانه رفتارنده مهر  
آسا عيان \* رابعة اولسه زماننده اولوردى ثابته \* ايتده ترلنمال ومال وبلنكه خانمان \* مقعد صدقه  
نوله ايتسه شتاب يكدمه \* انجذاب ارجعيدر ايلين بخود دوان \* ماسواسمته اصلا ايتدى  
كندى نكاه \* چشمه آينه ششم ايدى كويا كيم جهان \* اولسيدى طينتى كلن كرامت آشكار \*  
بى ترده اهل دل ديردى اكا كنچنمان \* برتوديداريا كى روشن ايلرديده كز \* مست جام روح اولورسز  
مژده اى حورجنان \* آل مولانا كوله برجه شمع دلفروز \* جمله يه پروانه سى اولق كركدر  
بيكمان \* محرمان حمله اسرار حيرت زا ايدى \* حالت خيز ونشستنده اولان تمكين شان \* نقد  
جانى هم نثار پيك جانان ايلدى \* دعوت دارالسلاميله اولنجه درفشان \* كارايدلن خاطر احبابه  
سوزماتى \* فرق اولنمزشعله آوازله دودفغان \* آخر الامرايلوب شوق لقاصيرين تمام \* دركه مولايه  
قلدى عشقه عطف عنان \* رحلتى تاريخى ناقد دعا كوي ديمش \* رحمة الله عليها كلما املا الزمان \*  
ايلسون فياض بچون غرقه بحر كرم \* غرقه فردوس زيب اولدق ارواح مهان \* خسر ايدوب  
زيرلواسنده حبيب اكرمك \* فرقه جتر شفاعت ايليه نسرمان \* وليكن هذا آخر ما وقفنا لابراده  
فى المقالة العليا والمرتبة الاولى على الدرجة الاخرى من النمط الاخرى الى الشان الاعلى أنزل الله  
تعالى علينا رنحات من رحمانه النازلة عند ذكر المرحومين المرقومين فيها فى الاخرى والاولى

\*(معذرة لقصور المقدرة من أضعف الامة الى ذوى الهمة والنصفة)\*

ان شؤن الازمنة لما تغيرت بتقاعس الاخوان وتقاعد الخلان وان أحوال الامكنة لما تقربت بتصدّر  
الرؤس الجهال وتغلب النفوس العطال وبطون الكاملين المكملين وظهور المتشجنين البطالين اختل  
أمر الفقراء السالكين واعتل مزاج عالم الناسكين وقرب انقطاع سلك نظام الطريقة وبعد أخبار

ملك سبأ الحقيقة فساقت الالهام الى تشويق تجديد العهد وقادى الاهتمام الى ترغيب تشييد العقد  
فتشبت بذيل الاستمداد من أسرار السوانق في تذكري الآثار المؤثرة الواحق لكن بغلبة الاهمال  
والنسيان لما صارت تلك الآثار كأن لم تكن وأضاعوا الاخلاف خيرا أذكار الاسلاف صرفت جل  
قصدى في سياحتى الى التقاطها من أفواه القدماء فجمعت جماعا عظيما تساوى عدة مجلدات وتأملت  
في خلودهم أبناء عصرنا حازما وتفكرت في جمود عزم سلال زماننا جازما فاقتصر على ذكر المشاهير  
العظام واختصرت من كراماتهم على ما أجمع عليه الرواة كي يسهل الانتفاع ويندفع  
الانقطاع حتى طوبت أسماء رجال الروايات والتواريخ على أن الامر مبني على صفو  
الاعتقاد وخلص الاعتماد على عظماء الملة وأساطين الحكمة فن تعارف عرف قدر  
ذكرهم ومن تناكروا ليالى في الانكار الى رواية الاخبار كيف لا وقد ضيعوا الاخبار  
والآثار مع كونهم ممتونة تعنعة التخرجات الموثقة والروايات المعدلة والتزمت  
في سبكه اللغة التركية اتعم عوائده وتشمل فوائده ويتيسر تعاطيه مع قلة  
البضاعة وضعف الاستطاعة وتشتت البال وتفرق الحال والمسؤل  
ممن لا يجيب السائلين افاضة سؤالي من مطالعة الفقراء  
السالكين والقراء في مجالسهم العلمية للطالبين  
لعل الله يشبث فؤادهم ويوصل مرادهم وينفقوا على  
مشتاقهم الكتيب من ذخرا دعيتهم  
الخيرية انه موفق كل مأمول ومحسن  
كل مسؤل وماتوفيقى الابالله وحسبنا الله  
ونعم الوكيل ولا حول ولا قوة  
الابالله العلي العظيم  
وصلى الله على سيدنا محمد  
النبي الامي وعلى  
آله وصحبه  
وسلم  
تم  
تم

تم الجزء الاول من سفينة المولويه نفعنا الله بانفا سهم الرحمانية ويليه الجزء الثاني في ذكر مشايخ  
الطريقة العالية المباني

\* (فهرست خلفای عظام و مشایخ کرام طریقت مولویه کثرهم الله الخلاق الباقی الی یوم القیام) \*

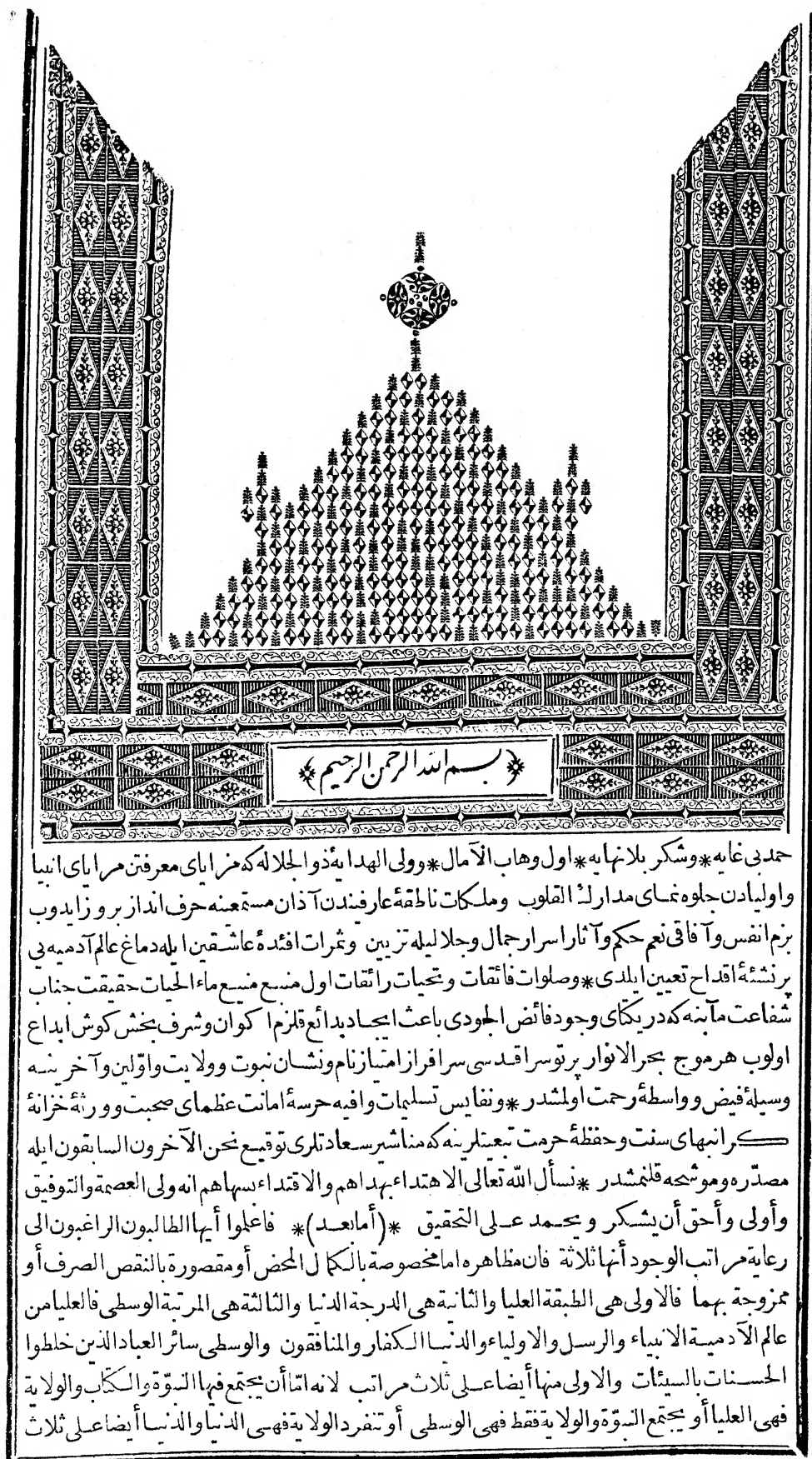
صحیفه	صحیفه	صحیفه
۳ حضرت الشیخ ابوبکر الوفاقی	۱۳۰ حضرت وجدی دده	۲۱۳ حضرت محمد دده
۵ حضرت شیخ احمد القاری	۱۳۳ حضرت حمزه دده	۲۱۴ حضرت خلیل دده
۷ حضرت ولی الدین بابا روح روحه	۱۳۵ حضرت عدنی دده	۲۱۶ حضرت محمد دده
۱۲ حضرت فدائی دده	۱۴۰ حضرت سید محمد دده	۲۱۷ حضرت رحمة الله دده
۱۳ حضرت خدائی دده	۱۴۳ حضرت عثمان دده	۲۱۸ سیاهی مصطفی دده
۱۵ حضرت شاهدی دده	۱۴۴ حضرت غوثی احمد دده	۲۲۰ حضرت محمد دده
۱۹ حضرت عبید الله دده	۱۴۹ حضرت ناجی احمد دده	۲۲۲ حضرت انیس دده
۲۰ حضرت سینه چال یوسف دده	۱۵۱ حضرت هندی محمد دده	۲۲۴ سید نسیم یوسف دده
۲۲ حضرت قرآل دده	۱۵۵ حضرت ابوبکر افندی	۲۲۶ حضرت سید محمد دده
۲۶ حضرت شیخ محمد آغازاده	۱۵۹ حضرت مروی احمد دده	۲۲۷ حضرت عبدالباقی دده
۳۷ حضرت رسوخی اسمعیل افندی	۱۶۱ حضرت حسن دده	۲۲۸ حضرت قدری دده
۴۴ حضرت آدم افندی	۱۶۴ حضرت ابراهیم دده	۲۲۹ حضرت نابی عثمان دده
۵۰ حضرت شیخ عبدالکریم	۱۶۶ حضرت محمد دده حافظی	۲۳۱ حضرت طابائی حسن دده
۵۴ حضرت عبدی دده	۱۶۷ حضرت عارفی احمد دده	۲۳۲ حضرت محمود دده
۵۷ حضرت جنونی دده	۱۶۸ حضرت منجم احمد دده	
۶۴ حضرت کمال احمد دده	۱۷۳ حضرت جلال علی دده	
۶۶ حضرت شیخ تبردار محمد دده	۱۷۵ حضرت سید محمد دده	
۶۹ حضرت رمضان دده	۱۷۸ حضرت فقری احمد دده	
۷۱ حضرت طغانی احمد دده	۱۸۱ حضرت شاطر محمد دده	
۷۶ حضرت صبوخی احمد دده	۱۸۲ حضرت سید عبدالفتاح دده	
۸۱ حضرت عرضی محمد دده	۱۸۵ حضرت نصیر دده	
۸۵ حضرت علمی دده	۱۸۶ حضرت مصطفی دده	
۹۰ حضرت سید خلیل افندی	۱۹۰ حضرت حسن دده	
۹۶ حضرت نشاطی دده	۱۹۱ حضرت یوسف دده	
۹۹ حضرت رمضان دده	۱۹۵ حضرت حسن دده	
۱۰۲ حضرت صالح دده	۱۹۷ حضرت عثمان دده	
۱۰۶ حضرت جامی احمد دده	۲۰۱ حضرت محمود دده	
۱۱۰ حضرت قاری احمد دده	۲۰۴ حضرت مصطفی دده	
۱۱۵ حضرت عتیق دده	۲۰۵ حضرت یحیی دده	
۱۱۸ حضرت توکلی دده	۲۰۶ حضرت مصطفی دده	
۱۲۲ حضرت رمضان دده	۲۰۹ حضرت حیدر دده	
۱۲۴ حضرت حسین دده	۲۱۰ حضرت دانشی علی دده	
۱۲۷ حضرت داود دده	۲۱۱ حضرت سلیمان دده	

نیم خانقاه مولوی محمد درویش  
کتابخانه  
۱۷۸



الجزء الثاني من السفة النفسة فى ذكر  
خلفاء الطريقة العلية المولوية افاض  
الله علنا من اسرارهم الالهية  
وآثار قلوبنا بلوامع  
انوارهم القدسية  
آمين





مراتب لانه اما أن يجتمع فيها الرشد والارشاد والخوارق فهي العليا أو يجتمع الرشد والارشاد فقط فهي الوسطى أو يجتمع الرشد والخوارق فقط فهي الدنيا وكذلك كل من المراتب في العوالم كلها متفاوت بهذه الاعتبار وتتميز بقصولها وخواصها الى ماشاء الحكيم المطلق الدائم وهذا هو المشار اليه بالتفضيل المنصوص في التنزيل فالعليا أعنى جامعة الرشد والارشاد والخوارق في العالم المولوية من عالم الانسانية كذلك على المراتب الثلاث لانه اما أن يجتمع فيها النسب الظاهر والحسب الفاخر فهي العليا وأولياء الاولاد الكرام فهم كبناء السلاطين على أرائك الولاية الجليلة والكرامة الموروثة والافان اجتمع معها الخلافة عنهم فهي الوسطى والخلفاء العظام فهم كالوزراء والامراء في الولاية الشاملة والنظارة العامة والافهي الدنيا والفقراء ذوى الاحترام فهم ككسائر رجال الدولة النظاره والظاهر عنوان الباطن فلها ذرئيت السفيته النفيسة المولوية على هذا النمط الوجيه والسبيل النبويه فاذا تمهدت هذه المقدمة فلتشرع في المقصود وبالله التوفيق الى حصول المأمول ووصول المسئول فنقول \* (المرتبة الثانية) \* في بيان الخلفاء المولوية الراشدين الى الطريقة الصديقيه الجلالية الشمسية الشوقية الاولوية المؤيدين بأنواع الكرامات الباهرة والمنعمين بأصناف المعونات الطاهرة متعنا الله تعالى بعيان من اذكراهم الساميه والانتفاء الى آثارهم العاليه آمين يامعين بعزة مفخر الاولين والآخرين وجعلنا وكافة الطالبين معتمدين ببركات عناياتهم وشفاعاتهم في العالمين ولتقدم ذكر من هو آخرى بالتقديم وأليق للتكريم وأنسب للتعظيم وهو المدعيون العاشقين والعارفين \* (بحضرت الشيخ أبي بكر الوفاي) \* قدس سره الزهير وروح روحه النبويه \* (أورده اندكه) \* اول هزبريشه صدق واخلاص (بيت) مكواري باب عشق رقتند وشهر عالي شد خالي \* جهان پر شمس تبر است مردی كوچو مولانا \* مصداقته في الاصل كوه رتابدار صدف نسب تاج العارفين قدس سره المبين ايكن نه سوا حل جست وجوده سمنين عديده غلطان وراه طلب مر د خداده پويان ودوان وبال دفعات بلا زاد وراحله وخدمة ستقاية العطاش حجاج ايله باديه پيما و شرفياب زيارت حرمين محترمين اولوب آخر الامر سابقه عنايت ازليه فر يادرس وحضرت نغرا ابدال وذخاير جال سلطان ديواني قدس سره النوراني كبي برغوث والا همت كندويه دست كبر اولوب سايه ولايتا به لرندويه دار حظ او فر ارشاد واستخلاف و بر در و يشي سرو پا ايكن قوافل سالكين راه صدق و سداده پير و قافله سالار و شجره طيه سلسله زكيه خنكاري دن بر شعبة ميوه دار اولمشدر انا الحق برهانه و شيد بنيانه \* (نبويه) \* اول تشنه زلال ارشاد صدق واخلاصه ستقاية عطاش وسيله وصول سر چشمه حيات ابدى و كندوسيراب زلال زند كى جاويد اولديغند ماعدا الى ساعة القيام و قيام الساعة سر مقدسى تشنكان باديه قبله العشاق ارواده و خاك بال مرقد متورى عيون اعيان امته توتيا وسايه حمايت و ايه سى كهف الامان دردمندان اولنده و آستانه ملائكة آشيانه سى جلوه كاه عرفا و فقرا و آيين طريقت عليه سى فوجا فوج و فود ذوى العهوده مدد فرما اولده دوام و ثبات ياب اولديغى نظر بازان شاهد عزته تاز يانه غيرت و اقدام اولمشدر و اول طوطى كويى گلستان معرفت بوقعة تشكر و تحديت مضمونى حسب حال سعادت ما للى واقع اولمشدر \* (تظم) \* بفضل الله عشنا كالمولود \* ولد كاخسر نافي الجوافى \* وان كاعيننا فى السلوك \* فدهرا بالهنا فزنا التلافي \* (مرو يستكه) \* اوليكانه ميدان تسليم ريش مباركار يله زمين سماع و صفاي اخوانى رفت و روي بيلد كده لجئه عنايت سلطان سماعه جوش فرما اولوب سر سعادته لرندويه اولان كلاه شبانه و غدجه لرين بالنفس النفيس الباس ايتلر يله بالكلية ربوده شيوه كرم غوثانه لرى و ملازم ركاب همماير نلرى اولقى نياز يله مساعدته جوى اولديغنده (هذا وصل بلا فصل) دم بشارت توأملر يله متسلى و موجب نفس عالملى او زره و القام حسرت الانامده قيامت اولوب بركت نفس پير و ميمت قدم ثباته

حضرت الشيخ  
أبي بكر الوفاي

ابن بکر الوفا  
حضرت خلیفہ مسیحی  
در اقصیٰ قسطنطنیہ  
در اقصیٰ قسطنطنیہ

موقع سایه ذات ستوده صفات لری روضه العاشقین ودولة العارفين اولمشدر واول كلاه استودار  
 شعار اخواني وکلاه وفائي عنوانيله صاحب اشهار اولمشدر که بحسب القامه کرچه کوتاه غادر لکن ظل  
 ظلیلی مفارق مستمدین بی شماره ما هنر وملتجادر وبعد الاستخلاف مربع نشین چار بالش تمکین و انزوا  
 اولوب مقر سعادتلر ندن قدم نهاده بیرون دائره اولیوب کافی ایامنا هذه عامه اکبر واعیان زیارتلر یله تمین  
 وتبرک الی یوب (نعم الامیر علی باب الفقیر) مدحندن بهره یاب اولمشدر در فی الواقع مژده وصل علی الدوام لری  
 وقتا وقت کافی الحضور وقایع اسفار عراقیه حضرت ابوالسیف الغیبی مفصل ومشرق کشف  
 واخبار لری یله تأیید ایدوب بعد زمان اصحاب عیانک نقولته تطبیق اولند قد طابق الخبر بالعیان فحواسی  
 وفراق صوری وصال معنوی یه مانع اولدیغی غمیان اولمشدر \* (بیت) \* این قالب فرسوده کراز کوی  
 تودور است \* القلب علی بابک لیلانهارا \* (دیگر) \* دورم بصورت از درد و لتسرای تو \* لیکن بجان ودل  
 زقیمان حضرت \* (دیگر) \* آشنایی کردرون دل بود \* کی غمش از دوری منزل بود \* (تقلستکه) \* بقعه مبارکه  
 لری فنای حلب الشهباده آشیانه شهبازان فنا ومانند شهری وکلی متوجه قلوب اهل قبول و اقبال اولوب  
 فی الصبح والمساءل فی الصیف والشتا جم غفیر یکدلان وجمع کثیر خلاندن خالی اولیوب دائره  
 ولا یتدار لری جمع الوان نعم ومدفع ادواء تقم واخوان الصفا وخلان الوفا بر ساه نخله کرامت لرنده شیر  
 وشکر وش خوش آمیز عیش خوش اولوب انلرک صفوت وقلری سرمایہ جمعیت شمل سکان حلب  
 وسدراه تفرقه قطان حوالی اولمشدر علی الخصوص اول محبیه سلاطین الهدایه نوبت آخر الزمان ودوره  
 فاخر الاوانده اعاده نظره قیومی ایلہ نعمت روحانیه شرف الجوار آستانه حضرت مولانا جلال الدین  
 الرومی دست داده اولوب اول دیار عظیم الاعتبار کججمع البحرین وموعده الخضرین اولسندده فرد واحد  
 اشتباهی قائموب هنوز کلشن همت علیه اسلاف وکلزار اخلاف حقیقت اولدیغنه عقد اجماع اولمشدر  
 وخضرت شیخ مشار الیه رخصت جوی سماع مولویه اولدیغنده لهجه بر بهجه سلطان دیوانی قدس  
 سره النور ایدن وله نفس نفیس لری صدور یله سر سبز نغمه ظهور اولوب سعادتمندان ملکت قلوبی جذب  
 وقبولی حلب ویکپاره وفائی مولویه اولمیرینه وسیله اولمشدر ادا مهم الله تعالی علی حب اولیائه وصدق  
 اصفیائه آمین یا معین \* (نظم) \* هر که شد همسایه مر د خدا \* در جوار رحمت است اودائما \* در پناه  
 عزتش گردد امین \* از جفا و مزید اندر صفا \* (منقولستکه) \* اول پیر خاقانه تجرید و میر پیشکاه تفرید  
 جناب ولایت مآبک انشاس نفیسه قطبان لریله در درمندان ظاهر و باطنه دوا و مستمندان ممالک حقه شفا  
 وانتظار حسنه غوثانه لریله فریاد رس درویشان دلریشان ودستگیر اقا دکان بی سروسامان اولوب  
 مجالس عالی لری همواره معارف ومقاصد زوار صداقت کردار ایلہ مالا مال اولغین جرائد خیال ومحافظ  
 امثالده مضبوطه اولان کلمات قدسیه وآثار انسیه لری وشاح الصدر نفیسه منقبه جلیله لری قلمشدر که  
 مضامین جامع لری چاره فرمای ییچتاب صدور هر زمان و مکانه رفهی هذه الواردات لاتر دحولها  
 التسویلات ولا تأتی من جهاتها التردیدات (رعاية العهود وقایة الصدود) \* القدم عنوان القدم \* (استقامه  
 القوالب من صفوة القلوب) \* مصادقه الاشباح من مصادقه الارواح \* (من فتح طلسم وجوده فقد فاز  
 بکنز مقصوده) \* من لم یفن فی حیاته لن یبق فی مماته \* (الغیبه مفتاح الحضور والعزله مصقال الصدور)  
 \* الثبات حبه البات \* (ترقب المدد عند ترتب الکبد) \* الفقه الاشرار وحشة الاسرار \* وفقره عاشره  
 معاشرت ترهسلری سیاقنه ملائم اولان قطعه قطیعه ترغیلری فاتحه نشر فوائد احتوالری قلمشدر  
 \* (نظم) \* نهانشین ور که درین مسطر وجود \* از الف نقطه الف وال ف الف میشود \* مقدار نقطه که  
 زوحدت سفر کنی \* در یکقدم الوف دمت خلف میشود \* (روایت کنند که) \* آستانه سعادتلرنده ایکی

شیرجه سگ پرورده لری همیشه عین و یسار لرند دوران و هتنگام با سبانه بری میمنه و بری میسر  
در کهلرند سر باستان اولوب اصحاب چون و چرا کی فیتلرند اقوال کونا کونا ایله اضاعت بضاعت  
ایدوب لکن حقیقت احوال هر هیاب و خوف اولمغله هر بری بادیه طننون سیئه و کرداب تخمین بی یقینه  
سرکردان ایدیلرنا کاه عجز این حوالی عجمیه مرقومه دن بر فقیره نلثمره فؤاد غم معتادی و حاصل خرمن عمر  
بر بادی اولان فرزند لندی راه تجارت دریاده اسیر قید فرنگ اولمغه بیچاره مذکور تخلص فرزند  
خصوصنده عموما اسباب سائره دن مأیوسه اولوب دامن استدعای حضرت عزیر مومی اله دست آویز  
استمداد اوله رق مساعدده جوی اولوب انشای التجاده راس المال اولان ایکی مرغ خانه سن کباب  
و پیمانه نیاز بک سبز فقیرانه ایلد کده جناب ولی والا همت هر برین برسک در کهنه لقمه ایدوب بعد  
الاکل و انبلع (این لقمه نفیسه در مقابل خدمت خسیسه است پس فرزند این فقیره را نیز بیارید و دستش  
بدست او دهد) امر عالی لری موجب خدمت مأموره لرند مسارعت صد دنده انتظار حضار دن غیبت  
و زمان یسیره فرزند اسیری احضار و دست مادی نه تسلیم ایتد ککری محسوس اولیجی صورت  
سکانه لری روپوش و خدام ذوی الاقدام دن اولد قلی معلوم خاص و عام و سد ثلثه افواه بدخواهان  
و زبان بنده خرده کیران اولد قده (کانا حاجین للجبوبین الحاله هذه قدر ترفع الحجاب هیو اعلی الباب  
یا احباب) نفس قد سیر لیل ایشاد تعریض آمیز یور مشلر رک شک سنلره آدم اولو مناسب  
حال عزیمت صادق اولد یعنی بی شائبه اشتباهدر (نظم) هست هر جسمی چوکسه و کوزه اندرو هم  
قوت و هم دل سوز \* کونه کونه شربت و کوزه یکی \* ناخاندن می غیبت شکی \* کوزه می بینی ولیکن آن  
شراب \* روی نناید بچشم ناصواب \* قاصرات الطرف آمدن مدام \* وین حجاب طرفها همچون نیم  
\* پس سکان در کهلری مراتبی مفهومی و مسکن حلقه ارادت لری نلثمعالی عمیره العقول و موله الفحول  
بوعونه و متیاسله صغیر و کبیر معلوم اولد یسه کمال عظمت حضرت سر حلقه و علوشان جناب  
ولایت نصایبری اذعان و حسن توجه صواب صواب لری مراعاتنده ادمان الزم ذم هم ذوی البصائر  
و حسما یساعده الحواصل و العبارات حل مشکلات نفوس قاصره و ازاله شکوک عقول فائره اهم  
مهام و نصرت خرب عزیز ذوانتقام اولد یغن رسیده درجه قندر فاعتر یا او لی الالباب و تفقد را  
ضعفاء الالباب شکر العنا یقرب الارباب \* و حق الانصاف بر کوه تابدار که صدف ابو الوفا فی و دریای  
ابو السیفیده پرورش یافته اوله بوال امثالی کرامات باهره شایسته های ذاتی و بایسته سنان صفاتی  
اولد یعنی کالشمس فی وسط النهار مأمون الغائله غبار انگار در \* و دخی اول مرشد راه سداد و پرخا قاه  
رشادک تفصیل حالات عجیبه و تفاضیل کرامات غریبه لرین ولایتنامه خاصه لری کفله و بعض تواریخ  
و فتوح و تدا کیری ضامن اولد یعنی حسب یله قطره یسیره بحر کمال تری اوزره اقتصار اولندی فن استدل  
به اعلیه فها و نجه و اولد جمع الی منقبه المخصوصه و یستنزل غیث الرحمة عند اذکاره الجمیله  
و یسترشد بدقائق سلوک و حقائق احوال و مشاتر ریاضاته و شداد مجاهداته لعل الله تعالی بر زنه  
بنعم تعلیمه و اقامتانه \* و قنا که نیر ذات ذاتی البرکات لری تکمیل دور زمان عمران و تسیم مراتب علوشان  
یور دقده شروق ظهور له مبدا افول بطون اولوب نه مقام حیات لری مرقد وفات قلوب \* الشیخ  
ابوبکر الوفا فی و به الحق لطف \* قد قال اهل الحق فی التاریخ یا شمس شرف \* تاریخ شریفنده احدی  
و تسعین و ستمائة سنه انتقال دار الوفا لری اولی اوزره تعیین اولمشدر نور الله تعالی مشهده المقدس  
بأنوار فیضه الاتقدس \* (شیخ احمد القاری) جناب الشیخ ابی بکر الوفا فی حضرت لری اگرچه عموما  
سماع و صفای مولوی اجرا سنه مرخص اولوب لکن اوقات صافیه لرند بین الاخوان و الخواص

حضرت شیخ احمد  
القاری

منوی شریف قرائت و قصائد دیوان کبیر انشاد ایندیر وب اثنای استماع رنده مستولی اولان وجد و حال  
ایله حرکت دوریه ایدوب ذکر خاص الخاصله معنیم اولر یله شیخ احمد حضرت لری دخی خدمت قرائت  
وانشاده تخصیص بیور یلوب تأثیر خنجره روحانیه لرندن حاصله اولان حالاتک ثمرات انتظار حسنه سی  
و آثار توجه قلوب مقبله سی و برکت دعوات خیریه لری اجتماعی اول و وجود بالقابلی مقبول و منظور  
حضرت شیخ مربی ایدوب احراز رتبه ولی عهدی ایتمکله بعد غروب مانند بدر منیر اول شمس برج شرفه  
قائمقام و خلیفه سعادت انجام اولمشدر و حال اول بقعه مبارکه حسرت العرفاده نقش پذیر ترتیب و ترین  
اولان تحملات آینه واوانی ولوازم سائر نک اساس احدائی نوبت خلافت لرنده وضع و نوبه بعد نوبه  
الوان غبطه فرمائیده تاسیس و تأکید اولمشدر \* زاد الله تعالی نعمها و عمرانها و صانه عن ترزل الحدثان  
فی آوانها \* و عقیب حضرت مرشد کاملر رنده و غما اولان اقبال زائد الوصف و جمعیت اسباب عیش  
خوشکوار و دست داده اولان تسخیر قلوب و توجه ار باب اجلال افضا ایلدیکی جنبش عروق رشک  
حساده (رأس مالنا الهم السامیه و ریح ما لنا النعم النامیه) نفس انفس لیه تسکین بخشا اولمشدر  
فی نفس الامر بازار سلوک راه خداده هم ملوک ملک فقر و فنادن راجحه بضاعه اولدنی مقام خدمت  
مردان میدان ولایتده نشو و نما یاب و مایه دار حسن نظر و لطف نفس اولنسلرک ارتفاع شان صوری  
و معنوی و آسایش عالی و ما لیرلری ایله متیقن الثبوتدر \* (بیت) \* کتوسنک خنجره و مر مرشوی \* چون  
بصاحب دل رسی کوه رشوی \* (دیگر) \* یلک نظر افکن شوم ممتاز از ابنای جنس \* سلک کدشد منظور  
نجم الدین سکا نراسر و راست \* همنشین مقبلان چون کیمیاست \* چون نظر شان کیمیا بی خود کیمیاست  
و حضرت ثمره شجره طیبه خلافت لری وجهه حمله اسرار ولایت لری نوبت متابعه الکرامات و اوقات  
متوالیه البرکات لرنده جلوه کرساحه ظهور اولان آثار غنایات و تأییدات اصل اصیل و مأخذ خربل سر  
دلیله راجع و عائد اولدنی عند التحقيق ثابت و حقیق التصدیقدر \* پس عقیب سلطان وسیع الملک  
و الخزانده شاهزادگان بی تعب استیلا و بیرنج جمع کیم مالک دولت و ثروت و کامران عیش و صفوت  
اولد قلی کبی مدت مدیده آسایش بی دغدغه و جمعیت زمان و مکان و اخوان و خلایقه مسند آرای  
اعتلای شان اولوب آخر الامر حاکم تریه مقدسه لری طاقنده صحائف خنجره نقش اولنن بیتین شریفین  
حسب حال ما لری اولمشدر \* (تظم) \*

ما لکون سوی صحیفه الاقدار \* خطت لذوی العقول والابصار

کم موعظه تضمنت اسطرها \* ان انت جهلتها فاین القاری

طوبی له وحسن مآب \* عاش تحت خيام الولاية حمیدا \* ونال الخط الاوفر فی مقام الکرامه مدیحا \*  
ودخی زمانزده امام محمدده ده نام سالک المنهج الوفائی المولوی پایگاه مرقد منور لرنده منزوی و اثر  
اسلافه مقنی و اول موقع مبارک کدن طشره وضع قدم ترجیح ایتمکله بمدوح الاوضاع و محمود  
الاحوال و مشهور الحوالی و مرجع الامثال اولوب مقصد عامه آئیده و رنده اولدیفندن ماعدا  
متبرک رجال دولت و متین وزرا و امرای حوالی اولوب آثار جمیله کشفیه لری و ثمرات توجه و همتر لری  
مشاهد و معاین اولوب حمله اسرار دن اولدنی شهادت موثقه ار باب تمیز یله ثابت و مقرر اولمشدر  
و روزمره قنوح سائر واکراماتی بالکلیه مسند نشین مشیخت اولان عزیزه سوق و ارسال ایدوب  
(هم بحار لا تنکدر) بیور لر ایدی و کندی به الحاح قبول اولنسه (نحن من الخدام والقبول للخدام)  
عنوانیه تعلل و اعتذار ایدر لر ایدی و مدت سلوک کنده کندوده سر مواخراف جاده ادب مشهود و مفهوم  
اولمشدر حتی کثرت زقار و وفرت قصاد و غلبه اشتها ردن متأثر اولوب مواجهه ساداته و محاضر

اوسا طه بزم کبی ناچیز مقصد و مشهور اولق آثار اختیار اولق احتمالی و باعث غیرت قلوب ذوی الهمم  
اولق شبهه سی دغدغه فرسادر و هجران عتبہ مشکل و کسر قلوب احباب و سد باب زیارتگاه اصداقا  
اشکل پس بوسده بی سرو پایہ التجای عتبہ معنوی به اسهل غمار دیواخوانه تودیع طریقه انابه  
کوشه و جدت خاموشانده دامنچین فراغ بال اولشدر رحمة الله علیه رحمة واسعة و طیب ثراه  
بقوایح الاحسان فی غرف الجنان آمین \* و عمر نازینلری تر به حضرت شیخده عزلت ایله کذران  
وسرمبار کلری بایکاه مرقد شیرینلرنده نه ده خالک بالک لحدلری اولشدر حشره الله تعالی تحت ظل من  
احب مع حزب المحبین المخلصین بحرمة حبیبیه و رحمة لاعلمین \* (حضرت ولی الدین دده) \* فی الاصل خالک  
محبة اسکدار و ماست فروشان ایویدن اولوب ایام جمعیت مقابلات عاشقانه اول جوانبخت مادر زادی  
سابقه عنایت ازلیه بیشکاه جناب ابوالسیف سماعی قدس سره العزیزه سائقه اولوب امید فروخته  
منتظر نینکاه رغبت اینکن اول دستگیر افتادکان و فریادرس در ماند کأنک کوشه چشم کرملری اول  
دردمنده راست کلوب حضور عالیرینه دعوت و اجابت اتنا سنده نامنی سوال سیور و ولی الدین اولق  
اوزره صدور ایدن جوابنه (ولی الدین) ماستفر و شی مناسب نیست (دیو طبله سنده اولان ماستی بالجملة  
ثم ازیدله اشتراک نکرده موجب امر الزم الاتباع لری اوزره کاسات ماستی یکان یکان سر بختیارنده  
صب و سکیبه اقدامله سر تا بقدم سفید اندام اولدقده (ولی الدین) چنین ر و سفید باید) مطایبه لری یله مطیب  
الخالط و مقام تسلیم و امتحانده حاضر اولقله دائره ارادته قبول و در حال کلاه و خرقة و تنوره الباسیله  
تشریف و اول اشجی باشیلک و بعده سماطی خدمته تعیین سیور و لشدر و فیض نظر غوثانه و تسلیم  
صادقانه برکاتله سائر کسین کثیره ده نائل اوله مدینجی مرتبه یزمان قلیل و ساعت یسیره فائز و خواص  
و مقربیندن و کار خالصیندن اولشدر که گفته اند نظر پیر بی نظیرا کسیر است و سیر و سیاحت و سکون  
و اقامت لرنده خدمات معنوی و وظائف مقننه لری نیک ادا و تکریمینلنده بدل بضاعت و سع ایدوب عنایت  
سلو کلرنده ادنی به نثر و پوشله تاجدار اریکه خلاقلری اولشدر \* (چنانکه) \* نقل میکنند اول  
بدر التمام ولایت منازل نور سیاحت اولدقلری اخیانده شیوه قدیمه مور و نه سفر به لری اولان اجتماع  
المشیعین و المستقبیلین فی مابین المزلین نوبت واحد متخلف نما اولنجه مشیعین ایله صحبت اتنا سنده بعد  
المراقبة الیسیره سر برآور حجب مکاشفه اولوب سماطی به اتیان ماحضر اشارتی ایله ولی بابا حاضر تلیری  
دخی زوائد اطعمه منزل نهضتدن احتیاطا ذخایر سیور دقلری بره بریانی در میدان ایدنجه اذکار لری بهانه  
آزار صوری اولوب جانب غربیده دارالجاهدین اولان جزائر سیاحت فرمان اولندقده اول عاشق بی  
چاره تاب آور فراق و آزار اوله میوب \* (نظم) \* آدم تو نیستی دور از نظر \* لیلک اذا جاء الهضاعی  
البصر \* عمرها باید بنادر کاه کاه \* تا که بنا از قضا اقتد بجاه \* مضمون اعتذار مشکونی اوزره سر زده  
و رای پرده غفلت و خرم نما اولان زله ارکان تو کلی عفوینه بیشتخته شفق لرنده خونابه بر تیار و بیشکاه  
راقتلرنده و مال شفاعت پرسوز و کداز \* (بیت) \* ای بدر ماند کی پناه همه \* کرم تست عذر خواه  
همه \* فخوا سیله جبه سالی سد توبه و استغفار \* (نظم) \* کرشدم در راه حرمت راهزن \* آمدم ای  
شه بشمشیر و کفن \* جز بدست خود مبرم باوسر \* که ازین دستم نه از دست دکر \* از حدانی  
باز میرانی سخن \* هر چه خواهی کن ولیکن این ممکن \* مضامین اخزان کینیله استغفاگان  
اولدقده (مابره بریان تره بوستان خویشرا کباب هجران نکینم لکن اقتضت الحکمة البالغة ان دوری  
صور است و قبة خلافت سر است و مایه سرور است) نفس انفصلریله طرد و ابعاد اولوب بلکه صحنده  
حکم خفیه اولدینغین اشعار سیور مغله بشیر و تسلیم فرما اولشدر و حضرت ولی الدین دده دخی

حضرت ولی الدین دده

نور الله مرقد

چهارم از سلسله معارف الیه  
بروید و از آنجا که

\*(بیت)\* چون خبر عاقبت نه بحسن تدارک است \* پس بهتر آنکه راهی شهر رضا شویم \* موجب عیله عمل  
 و صوب مأموره مبادرت و سر تسلیمی نفس بند پیر الهام سمیرا بشدر که بنای ارکان طریقت نفس بندی  
 و دردمندی و آینده پسندی و زنده خرسندی او زره در که نفس شکن و عاقبت پرست و شکوه زن  
 آینده و غمگین فوات زنده بسلولک راه مراد است استطاعت مناسبت ندارد رابطه قوی سی امضا  
 کرده جمهور محرزان منزله حقیقت در فانی لم تطمئن بها فاسل عمن وصل \* و تبرأ عن البطالة والکسل \*  
 \*(مرو بستکه)\* اول شیر مر دمیدان امتحان حیرتو دیع اخوان و خلانده \* \*(بیت)\* ان لم امت یوم  
 الوداع تأسفا \* لا تحسبونی فی الموده منصفاً \* مضمون حسرت مشکون بهر و مال در که افتاده بناه لری  
 و روبراه فراق و داعیلری اولوب صله رحم سیما قنده و طراش لری اولان محبته اسکداره کلوب  
 خویشاوند مشتاقین ایله دخی بعد الوصل والفصل نناره در یاده فرید ابریا ده یه نزول یوروپ  
 کشتیان سائل سمیت مقصود اولد قده جزائر لفظیه تعین بیور ملرین هرله حمل ایله خنده ناله اولنجبه  
 کند و بی در حال دریای غیر معهودده مشاهده اینککه دست و باسنه خلل واضطراب طاری اولدنده  
 (تورکار خود باش و کشتی را رساننده رساند) عنوان کرامت بنیانیله خلجان خاطرین دفع عقینده ساعت  
 نحو می قدر وقت سپرده سواد جزائر نمایان اولوب و ساحل بلده به خر و جلری حالنده کشتیان دردمند  
 مأیوس رجعت و چاره جوی همت حضرت ایکن جلند خزانه غیب ابراد لرندن بر مقدار مبلغ اخراج  
 و اعطالری اثنا سنده (کما سیرت ارجع بالسلامة) نفس منزل مراد سر لری مدت اولی قدر و قنده یه  
 کند و بی سالم و غاتم قریب ساحل اسکداره معاینه اینککه غرق امواج حیرت اولوب و مبلغ عطیه لری  
 دخی خرجه نقصان پذیر اولد یعنی تجربه سی کند و یه سرمایه سعادت و خرب حضرت مولوی به التماس  
 سبب اولوب اولد دخی اثر نفس و نظر جناب خیر الابدال ایلا زمان سپرده صاحب حال و واصل مال اولمشدر  
 والی آخر العمر \* (نظم) \* آن شاه تو و کشتی من تحت جی بود \* دست کرمش کف عطارن جوی می  
 بود \* نا که بسرم ریخت کهر هاجه کم لیک \* اندازده فرصت قدر خنددمی بود \* فوای افسوس آنکیز یله  
 دمیدم تجدید در حسرت ایده رنک امید موصلت اخرویه ایله غوطه خور لجه فنا اولمشدر رحمة الله تعالی  
 علیه و علی كافة المشتاقین المتحسرين الی لقاء الاخیار و فناء الاربار \* (نقلستکه) \* اول شاه اریکه  
 طبیعت ساحل سمیت مأموره قدم نهاد اولزدن یک هفته مقدم تطب البلد اولان سید عبد الرحمن شمالی  
 حضرت تلری جمله فقر اسلیله بیرون سور و نقل بیور و ب مقاملرین تخلیه ایتد کده محرمان راز لرندن  
 در ویش ابراهیم اشعث نام بنده لری حرکت نا آکهیبه لری سرندن استفسار ایلد کده (از طرف غوث  
 عز لنامه همی آید و بجای ما ولی الدین ده ده رانصب فرموده اند که از روی همت او بدین شهر ولایت عطیه  
 ر و غما خواهد شد) عنوانیه کشف راز بیور ملری بعد الايام المعلومه جلوه کرمنصه ظهور اولوب علی  
 الدوام مقام اکرام و احترام لرنده قائم اولوب سر مورضای شریقلرندن تخاف ایتوب کردن دل و جان لری  
 طوق تسلیم نه هر هون اولوب ستره ملامت لری در ویش ابراهیم مرتومه پرده اقرار نام و شیخ مرتوم  
 حقنده دخی بد کمان و متردد اولمشکن ولی الدین قدس سره العزیز حضرت تلری بادر کباب ارتحال دار البقاء  
 اولوب خدمت غسل و تجهیزینی شیخ مشار الیه ارزانی و وصایای اهم التنفید لرینه دخی مختار بیور و ب  
 وقت غسلده دست کرامت پیوستلریله دست شیخ غسالی صقوب کرامت باهره لرین آشکار مشاهده  
 اینککه بی اختیار بای مقعد صدق پیمالریه و مال مراد ایلد کلرنده پاکش اولد قلرین در ویش  
 ابراهیم دخی معاینه اینککه نائل اقرار نام اولوب شجارینه دخی اولان ترددی زائل اولوب درونی شیخ  
 لوم ایلد بکر دخی کشف بیور و ب (دیدم قدم مقدم آن عزیز را سزاوار نشدیم) مضمون تو بیج مشکونیه



تأدیب یوردقلری رسیده رتبه تواتر و اشتہار و السنہ سکنان دارالجهاد منور بورده یادگار ابرار در  
 \* (مرویتکه) \* اول دیارده قهوه خانه لر کبی مسکن الغربا و لغله زیر قبه ملامندہ ستره سلامت  
 پوش و کچ خراباتده کچ نہان فنا فی اللہ و مہمان خانقاہ پیر منان اولوب مرابطین سرحد مر قومدن فقط  
 فرد واحد محرم رفتار و خدمتگزاری و مدت مدیدہ منزوی سکوشہ خمول و مقواری بردہ ذہول  
 اولوب ناکاہ اسپانیہ قرالی معمرہ جزائر لہ خراب و اہالی سین اسیر و اموال تاراج قصد یلہ دیدیوز قطعہ  
 سفائنہ تخمیل عسا کرو مہمان جنک ایدوب محل مقصودہ وصول لرندہ جملہ اجزاء بنا و لوازم تاسیس  
 آمادہ اولغله برابر قلعه مذکورہ در برج جدید احداث و باروسندہ محال طوب و خیمارہ اولان مواضعہ  
 وضع اسباب حرب و دائر امداد قلعه مر قومہ بی کردا کرد محاصرہ ایدوب جنک بی زہارہ شروع و اقداملہ  
 سر محصورینہ حصن حصینری کرداب ہلاک اولوب چند روزہ محار بہ ایلہ میدان مقاومت تنکانتک  
 و سنک دزو بار و اثر طوبہ لقمہ اولوب در و دیوار قلعه بی قلع و یکسان خالک و ضرب خیمارہ ایلہ اندام  
 ہز بران جنکی چالچال ایدوب (کل محصور مأخوذ) مقدمہ سی در و دیوار دن نمایان و فقر و الی اللہ  
 زمر مہ سی صماخار و اج اجنادہ رسیدہ و ارباب تدبیر امکان خلاصدن نا امید اولدقلری وقت پر مقتدہ  
 عزیز مشار الہیک خادمی اولان جندی نالان و کران الامان الامان ای قطب دوران و غوث زمان کو یان  
 حضور فائض النور لرندہ ماجرای عسا کر مجاہدین غزوہ کبرای و شدت حروب کفار دوزخ قراری  
 ہزار آہ و افسوسلہ حکایہ ایدنجہ ہما نا غیرت غوثانہ لیلہ مقرر سعاد تیردن نہضت و دروازہ لیماندن دریاہ  
 نزول یوروب (ای غرقہ دہ فراغتہ و سبب سلامت سبطیان حق پرست ماجوش کردیم تونیز برآ) نفس  
 پرائر لیلہ دست کرامت پیوستلرندہ اولان عصا پارہ بی مانند کلیم سہ بار روی در بایہ ضربیلہ فی الحال  
 طوفان بوالعجب ظہوری سفائن کفار ی ساحلہ القاویارہ بارہ و اکثرین غرق ایدوب انجق سفینہ  
 واحدہ رہایاب کرداب ہلاک وقعہ ہائلہ و سرگذشت ہالکینی دیار اسپانیہ بہ ایصال ایلہ ملک  
 فرنکستانی یکبارہ ماتمخانہ ایدوب بر راس اسیر فرنک یکیمازہ مبادلہ اولندیغی و اکثر اموال و اسباب  
 جنگلری غنیمت غزات دین مبین اولدیغی مسرت بی اندازہ سی خلاصندہ بومقوله عنایت بی نہایہ روی  
 کرامت باہرہ بابا ولی الدینندن پدیدار اولدیغی نمایان اولیحق شریف و وضع و پیر و جوان خاکبای  
 اکسیر بایہ لر نہ ر و مال تشکر اولوب و حالاً مر قدمنوری اولان مہبط انوار رحمتہ شکرانہ کرم  
 ناکاہلری اولق اوزرہ برز او یہ منفرجہ بنیاد اولتوب مقرر ملامت و مقرر شہرتدن اول مقام عالی بہ نقل  
 ایدوب سجادہ پیرای ارشاد و ملجأ قصاد اولوب الی بومنا ہذا سایہ سعادت مایہ سر مقدس لری سایان  
 حمایت و صیانت کسترمقار ق اہالی مرز بوم مذکور در کہ ہر تقدیر مجرم غلیظ بیم سیاست جنایتیلہ  
 اول حرم پر حرمت و دائرہ احترامہ دخیل اولسہ مأمون الغائلہ تعرض خصما اولوب و برکت التجاسیلہ  
 اکثری سالک راہ صلاح حال و واصل منزل فلاح مال اولشد ر فطوری لن التجی و بشری لن اتمی  
 فی الاولی والاخری و برا و بحر انائل غنائم جہاد اولنلر بہر حال حال حیات و وفات لرندہ ولی بابا حاضر تلرینہ  
 افراز حصہ غنیمت ایتکلہ اغتنام نصرت و طفرہ توسل بین عسا کر الجزائر دستور العمل اولشد و اول ولی  
 و الاحمیتک کرامت مر قومہ لری بین المشرق و المغرب شایع و باعث ہراس بدخواہان اولغله قرال  
 بد مال مصالحہ دن ماعد الملجأ و مناص بولیوب جانب جزایرہ سوء قصدی مادام الزمان حرام عدا ایدوب  
 ورثہ دولتلرینہ دخی و صیتنامہ لر تحریر ایدوب خزانہ لرندہ حفظ ایتشلردر والی ہذہ الايام صلح سابقہ  
 مغایر حرکت ظہور ایتماشد بلکہ سائر اصناف کفرہ بہ دخی مادہ اعتبار اولوب مابیندن ہر قنغی  
 فریق تجاوز و تجاسر سر حد ایلدکدہ مظهر اولدیغی صواعق بد میر و انتقامدن ماعد اینی بوعنک تو بیج



و تسفیه و شجاعتی کار کرجان برانفاللری و دست و بایکش جرأت مقدره اولمیرنه بادی اولمشدر  
 همچنان باداید الابد بالنبی و آله الامجاد \* (مروستکه) \* اول مستور پرده ملامت ظهور نور کرامتی  
 سبیل انقضاء نوب بطونلرینه انتقال و مقدر ظهورلرینه نقل بیورد قلزنده انکشف الاسرار و ارتفع الاستار  
 و طلع الشمس من مغربها فهموا بالاجاب رحرش بقدر یله تغییر حال پیشینلرینه اشارت بیور و ب فی الحقیقه  
 تشریف سجاده ارشاد لریدن تودیع خانقاه عالم فانی ایلد کلری و قته کلنجه قطعاجاده سن سنیه دن انحراف  
 و سمر و طریقه آداب مرشدیند کربوه و خلاف اولوب دائرة پیرانه لری طریقه خانه مسترشدین  
 و مرجع ارباب طلب عجم و عرب و حلقة اصحاب ادب اولوب اوقات شریفه لری تریشه اهل ارادت  
 و تنمیه نوخیزان باغ اناتله کدزان و اطوار عارفانه و اوضاع مشیخانه لری یله پسندیده ذائق شناسان  
 اولوب دفعه رفتار مجدد و بانه لری محتول قالب کمال صحو و تمکین اولدینی حیرت افزای حقائق بنیان اولوب  
 و دغدغه فرسای خلجان استفسار نو هوسان اولغله بوظم لطیف حسب حال سلامت مآل لری اولق  
 اوزره انشاد و یاد کار خلان ذوی الرشاد استقامت نهاد ایتشدر در نلله دره قال \* (نظم) \* چارسوی بیش  
 و کده قالدی یلجبه سود \* شمعی بازار فناده معرفت دلالوز \* و ارایسه وارین و یور و ب یوقلق آتور  
 برکاردان \* آشته کالاشته سودا مالک ملالیوز \* برمه کلسون طی قیل و قال ایدن اهل طلب  
 \* ساقیابر جامله هر مشکالخلالیوز \* وصیت خارقه بجزیره لری ملک بر رومه منتشر اولوب کشتیان  
 سالف الذکر لماجرای ذهاب و ایاب وله انکیزی ایله جمع اولدقده دیدیه کوس استهار لری عالمگیر  
 اولوب حلقة جمعیت ابوالسیف قدس سره العزیزده اخوان صفاعلی سبیل المباهات نقل و تفصیل ایتدکده  
 (آری حلاب بهمت مردان حلاب نام و نشان کرد) نطق شرف بخشلریله انضمام بهمت علیه و امداد  
 نصرت سمیه لرینه اشارت بیور مشلدر و اول دار الجهاد فی سبیل الله غزات صداقت نهاد و جلادت  
 معتاد لرینه براوجرا و افعا و افعه اولان اضطرار دره فریاد رس و دستگیر اولمیر یابنده حکایات رؤیا  
 و عیان بیرون دائرة بیان و تحدید و توصیف زباند و معتقدان احکام و ولات و رؤسای عسکر سرحد  
 محمیلری جانب جنابلرینه صدق توجه و آستانه پر برکت لرینه لطف حرمتلری بین الاهی ثابت اولدقده  
 عنایت روحانه لری قائمه اولق اوزره در (مادام الحرمه قام النصره) مضمونی اوزره اتفاق ایتشدر در  
 و قنایه وقت عهد قدیم مراعاتده تهاون اولدقده نکبت دیده و خسارت کشیده اولمیر مؤکدا خلاص  
 و مشید احترام اولوب بلکه ساز اولیاء کرام مر اقدعالیه و دوائر حرملرینه اکرام و احترام اولغله باعث  
 اولمشدر که ایام فتنه ده سایه دیوار لرینه ملتی و درون در لرینه دخیل اولنلرک نفوس و اموالی محروس  
 مداخله و تطاول اولق اول دیار و حوالیسنده دستمور العمل اولمشدر حتی جهال اعراب بادیه دخی  
 ایدی کش تعدی و تعرض اولمشدر \* (یت) \* شیر مردانند در عالم مدد \* آن زمان کافعان مظلومان رسد  
 \* سایه شاهان طلب هر دم شتاب \* ناشوی زان سایه بهتر از آفتاب \* یاسبان آفتابند اولیا \* در بشر  
 واقف از اسرار خدا \* اولیا راهست قدرت از آله \* تیرجسته باز آرندش ز راه \* (نقلستکه) \* کفار  
 اسپانیول هر جمعی اصناف ملت فرنگه باعث حمیت باطله اولوب بعد زمان مترصد احیان فرصت اولوب  
 بعضیلری هجوم ایلدکده انلر دخی اعقاب اسلافدن مسار عین زیدان سعیر و پای بندرق و اسیر اولمیر یله  
 بوجبه خفر و نصرتی قدم مینت توأم ولی مومی الیه دن ملاحظه صائبه ایدوب نوب انتقامی عقیب  
 انتقال لرینه تاخیر ایتکه السنه اسرار دن اخبار اتفاق اصناف فرنگیه دخر اش مجاهدین جزائر اولدینی  
 عکس انداز مرآت فیمیر مکاشفه تنویر لری اولغله زمانلری دولتلوسی و امیر عسکر ظفر مآثر اولان امیر  
 صورت و قدیر سیرت زیارت شریفه لری ایله مستعد اولدقده (غم مخورید که عدوالدین در جوار

ولی الدین جای ندهند) مضمون بشارت مشحون به صغیر و کبیرک انقلاب و اهمنه سن دفع و اختلاج  
خاطر ه سن رفع یو رمغه جمله به قوت بخش قلب و ثبات قدم اولوب حالا عامه فرنگستان هجو مندند  
هر اسان اولوب استمداد و حایات اولیاء کرامله فضلا من النصیر الحفیظ الدافع معتنم ظفر و نصرت  
اوله کلمشدر ادا الله قوه قلوبهم و نصره فی حروبهم آمین یا مجیب السائلین \* (تقلستکه) \* اول  
قافله سالار راه تحقیقک و آخر عمر پر بر که لرنده قلوب طوائف عسکریه طرف باهر الشرف لری نه منجده  
و اغلب عرقیه کش ارادتی اولدیغندن غیری اسارای کفره ده رقاب کثیره قبول ربقه اسلام و زنا ر شکن  
اشراک و بنده در که انابتی اولغله آزاد قیود کفر و ورق و سالتک راه عبادات و طاعات و اصل منازل قرب  
اولدیغی اخبار ساره سی شایعه و رسیده فرنگستان اولدقه نیچه سابقه دار هدایت اولان رها بنه  
و قسین منجذب صوب سعادت لری و شرفیاب هدایت اولغله متکبرین فرنگ کونا کون داغدار و اسیر  
اضطرار و متضعفین از درون مؤمن و موقن اولوب اسرار اسلام ایدوب خفیه اسارای کفره بهانه سیمله  
در که عالیرینه بنور و تحف و هدایا ارسالیله اظهار صدق و خلوص ایدر لرایدی و حالادخی اولاد  
و احفاد گذشتگان اسرار اسلام ایدن سیاحین و تجار اظهار اتحاد و نهانی نقل ماجرای اسلاف  
ایلد کلمی تلقی کرده احباب صداقت نصایدر و ظاهرا ای نمای فی الحقیقه موشکاف ابجاث غامضه  
فنون شتی و هر مر اجعت حل اولنان مشکلاته اجوبه شافیه راسخه فرما اولملری سخن فهمان  
و قدر شناسان جزائر و حوالیسین ر بوده شیموه نکته بردازی لهجه بخودانه لری ایدوب اغلب  
انفاس نفیسه لری ثبت کرده جرائد حافظه اولغله نوادر کلمات شریفه لریدن بعضی خوش آینده  
و مقیدر ونده و جامعه المعانی و لامعه المعانی ایله نفیسه منقبه لری ترصیع و اخوان الصفا دن (المرء تحت  
لسانه) سرینه محرم اولنلره یادکار اولق اوزره ایراد اولندی متعنا الله تعالی باستفاده آثاره و نفعنا  
باستمداد انواره (المريد من لا يريد بل يدور على مراد المراد) \* السالك بالاحوال لا يلحظ الخط والترحال  
\* (الفقر شهود الاقتدار في المسار والمضار) الاعتصام بهمة الولي بضاعة العصمة \* (اعمال الانفاس  
بالد كرتجارة رابحة واشغال القلوب بالفكر فراغة رائحة) التسليم جبل السلامه \* (التجريد والتفريد  
جناحا المريد) الشغل بالنفس والحوال ينفس كرب المال \* ودرین معنی قدس سره العلی میفرماید  
\* (نظم) \* من اگر شیخیم و کر شوخ چه دارم با کس \* ناظر حال خود و فارغ فکر در کرم \* کی توانم که  
بخود نیکرم و چون دکران \* نقد و قتم ببرد رهن ذکر در کرم \* و نهایت اعتلاء شان و غایه ارتقا  
عنوا لرنده جانب جناب سلطان دیوانی قدس سره النور ایدن مشعر تنیه اهدایو ریلان کلاه مسبق تبرکا  
بر که سربار کلرینه وضع و در حال نزع یو ر و ب (این کلاه کالیده خواه شد) اشارت شریفه لری ایله  
کلاه پوش اولدق لری و قدسین بحساب سال تمیاز تحاله شروع و عدد حروف کلاه تمامنده کوشه و حدت  
رهن مدفن متبرک لری اولغله سیف صارم مقدس لری غلاف بدندن عریان ایدوب کافی الحیات پشت و پناه  
مستمدین اولمشدر و حالا آستانه کروی مطاف لری مقصدن وار و محترم ابرار و آثار حمایت روحانیه لری  
نوبتو دیدار اولق اوزره مشهور و برکات معجبه مودی اولغله معر و قدر و رساننده هدیه بهیه  
حضرت مرشد سالتک تحقیق مقام عالیرینه استخلاف یو ر مشدر در زمرة آشنایان ابد الدن تلقی  
اولمشدر که قلب کلاهده هالک و هلاک و هلاک و هلاک کده تنیه تحلیلی مقرر در پس هلاک اختیار لری  
فنا فی الله کدر ایدوب موت اضطرابی به اشارت اولدیغین علی الخصوص قالب سینی تأیید ایتک  
حسبیمله انتقال ارتحال اولدیغین ترجیح ایلوب احتمالات سائر و وجوه ایمان شق محرر انطب  
واقرب عدا اولمشدر \* (یت) \* اصطلاح نیست مر ایدالرا \* که از ان نبود خیر اقولالرا \* (نظم) \*

حضرت فدایی

محمد دده  
پورده و قریب در کاتبی شیخ

زانکه پیش از مرگ او گردست نقل \* این بگردن فهم آید نه بعقل \* نقل باشدنی چون نقل جان عام \*  
همچو نقل آن مقامی نامقام \* آثار الحی الباقی مرقدہ العالی تعاقب الاحسان الی یوم المیزان انه هو المیزان  
ذوالجلال والا کرام \* (حضرت فدایی محمد دده) \* سابقا حضرت ابوالسیف قدس سرہ العزیز لک میانه  
منقبہ نفیسہ لینه تعبیه و تضمین اولئذ یعنی اوزرہ فقرای صوفیہ دن ولواء حمید مضافاتی و پور دور نام  
قصہ دن و محترقین حیا کندن اولوب نعمت غیر مترقبہ تشریف حضرت خیرالجال و ذخرا لبدال ایلہ  
رسیدہ عید و قدراقبال و اجلال و سرافراز تاج و خلعت خلافت مولویہ اولوب قصہ مر قومہ دہ ذات  
شریقلری ایچون خانقاه بنا اولدوب الی آخر العمر اول جلو کاه عالیدہ اخوان صفا و خلان وفا و مساعدہ  
روزگار برجفا ایلہ کاهمران عیش خوش اولمشدر لکن بعد برہقہ من الزمان رئیس الملاحدہ شیطان قولی  
خروشنندہ اول بقعہ مبارکہ آتش اصابت ایدوب میانه تاخت و سوخت محالک اہل ستہ دہ اولدخی  
محترق و خراب اولمشدر مسئولدر کہ نہ بررحمن قولی ظہور یلہ معمور و جلوہ کاه عاشقان مولوی اولہ اول  
جراغ افر و ختہ نور غوث اعظمی روشنای چشم جان طالبان مولوی ونیچہ قابلان مقام تسلیم و اخلاصی  
ارشاد راہ مراد ایدوب اول حوالیدہ صیت کمال حال عبرت ما لاری سہیر المجالس الرفیعہ و آثار فعلیہ  
و قولیہ لری بسندیدہ فحول انصاف سیرت و علی الخصوص میزبانی یکشبہ ایلہ نائل اولدقلری عنایات  
بی نہایہ میانندہ کلدستہ منظومہ لری دست بدست کمل ذوی العقول السلیمہ و تحسین کردہ طباع مستقیمہ  
اولمشدر کہ تبرک و تینا محض اثر تأثیر حسن نظر پیر دستگیر لیدر \* (غزل) \* طعنه دشمندن ایدوب  
اجتناب \* عرض جمال الیز اول آفتاب \* صون بزہ ساقی ایچہ لم بادہ بی \* اولدی کوکل خانہ سی  
غمدن خراب \* بکلیہ لم کل در میخانہ بی \* برقبودن شاید اولہ فتح باب \* عمر اقرصو کیدر فی المثل \*  
جسمک اوصواوزرہ یورر بر حجاب \* یاسہ کوکل خانہ سنی اول صنم \* کعبہ یہ وار مقدر ایلر ثواب \*  
قلسہ فدایی ایشیککدہ مقام \* کوکدہ ملک کردیہ نعم المآب \* اگرچہ دیوان معروفی منقول و مرئی دکلدر  
لکن بین الفقرا و الاحبا نظم لطیف سالکانه لری مجالس آرا و محافل پیرادر فی الواقع مظهر اولدقلری  
عنایت بی غایت نا کاهہ نظر اولندقدہ ہر نہ قدر و صفلرندہ مبا لغہ اولنسہ مستبعد دکلدر و بقولہ کرامت  
و معرفت نقل ایدر لرایسہ شایستہ شای بخت خداداد لیدر \* (مروستکہ) \* رجال طریقت عشقیہ  
شمسیہ جلالیہ دن مظهر آثار قدسیہ حضرت عید اللہ دہ دہ جنابی اولاد کبار قضات دیندن و اشراق  
اعیان لواء حمیددن اولوب لکن شیخ فدایی حقندہ مرد نادان یکشبہ میزبانی ایلہ زمردہ مردان و مشایخ  
رازداندن اولوق نیچہ محل اعتقاد و مورد تصدیق اولغہ شایاندر دین کروہر دزددن اولوب اولقولہ مستبعد  
فیض نا کاه اولنلرہ (لیلہ تأتینا کانت لیلہ القدر و لیلہ القدر خیر من الف شهر) نفس نفس الامر یلر یلہ  
جواب جواب الاشکال فرما اولمشیکن نہ قاضی مر قوم مجاب اولمیوب برشب صحبتندہ احبابیلہ مساوی  
حضرت شیخ مشارالہہ متوغل اولوب غافلانہ آفل مغرب خیال اولدقدہ کندوی دستندہ برچہ باز  
شکار کادہ مشاہدہ و وقت حوالہ شکار دہ چہ بازی طوطی کو یا صورتہ متمثل معاینہ ایدوب و ما  
خلقت للصيد والجرح اداسن لہجہ فصیحہ آدمیہ ایلہ تعریض سرا اولدینی بعد الانتباه باعث تعجب  
حیرت فرا اولغہ تخمین عرض و طلب تعبیر صدندہ متوجہ حضور شیخ مذکور اولوب ہنوز فتح کلام  
و تقریر مرام ایندن (بتدل ما چون تتحول چہ باز شماسست و ما هو علی اللہ بعزیز) عنوانیلہ کشف صورت  
رؤیا و بیان سر ارا دت مولا ایلد کز ندہ قاضی ماضی الذکر لیسرت سابقہ سی متحول صورت انصاف و ارادہ  
اولوب جملہ مسترشدین دائرہ انابتلرندن و مقیمین مقام خد متلرندن اولغہ راہ اخلاص لرنہ بدل مال و صرف  
موجود ایلمیوب بہرہ یاب ثمرہ سلوک طریقت و حصہ مند انساب ملولہ حقیقت اولوب فرزند ارجمند لری



تعارف وادشوق معتاد لری قلمشدر که کلمات الاخبار اخبار الکلمات و آثار البکر کار الآثار اولدیی  
 مسلم الثبوتدر \* (غزلش اینست) \* ای دل استرسلا کر کامل اوله نقصانک \* سجده کاه  
 ایت ایشکین حضرت مولانا ناث \* خالک در کاهنی اکسیریل اول شاهک کیم \* غل وغشدر اریوب  
 خالص اوله ایمانک \* صدقه سالک اولان سلک جلال الدینه \* شبهه سز واصل اولور رحمته رحمانک  
 \* مشویدن ایشیدوب جمله کلام الهی \* ییلور اسرارنی کنهیله قواشیانک \* نای پرماغیله یول  
 کوستروب ارشادیلر \* نیدو کین سر سماعن بزه اول سلطانک \* ویرسه لر برقوله ذره قدر میل ایتیز  
 \* قافدن قافه دکن سلطنتن دنیانک \* شوق شمسیله خدای کو که حقسه نوله سوز \* ذرئه حال رهسین  
 قودور ویشانک \* ودخی لطائف آثار ثریه لری اکثر کتب متداوله نیک مواضع مشکله سنه تعلیمات  
 و بین الفرق من القی اقدام اولان مجال اختلاف حضرت خضر علیه السلامه بر جواب طرافت نصاب ایل  
 و معتد علی واقع اولمشدر وقضیه اختلاف حضرت خضر علیه السلامه بر جواب طرافت نصاب ایل  
 فیصل رسان اولمشدر که بالاتفاق مستحسن طباع صافی در (وهوان انکر الحیاه فی حق الخضر علیه  
 السلام تکذیب للذین نقل عنهم الرؤیه والعجبه علیه السلام مع ان القول متواتره فکیف لا یفید العلم  
 البقین التواتر عن امثال تلك الاجله الکرام علی ان اخبارهم المتواتره مبنیه علی عین البقین فاذا جاز عدم  
 الاعتماد علی نقولهم والرد علی اخبارهم فما یبقی للتواتر محل فی افاده العلم لاسیما اذا کان الرد مبنیا علی  
 الاصول الرائعة المرحه للاعتزال والمزیفة لسلک اهل السنة والاعتدال فانه یرجع الی التکذیب بالقول  
 الممقود المشوب بالاوهام وهو عناد بحت وضلال محض \* (وازان جمله نقول مصدقه) \* آنستکه حضرت  
 سلطان العارفين میفرماید \* (یت) \* دران ساعت که درویشان سماع باصفا آرند \* در آید خضر  
 بغمبر شود سقای درویشان \* وما جرای سماع وجد وحالدهل هو عباده ام لساؤلنه (لا تحمل  
 العباده علیه بانتوا طوبی بالاشتقاق وانما یحمل علیه بانتوا طوبی الصفاء والوفاء للذان هما عبارة عن  
 صفاء القلب ووفاء العهد الازلی فیلزمه انافس العبادات واعظام الخیرات وکون حمل اللوازم علی ملزوماتها  
 بالاشتقاق مقرر بالاتفاق مع ان السامعین من کمل الاولیاء اکثر من ان تخصی فکیف بتصور الاجتراء  
 علی نسبتهم الی الشهوة والعبث والبدعة المذمومة عیاذ بالله تعالی من سوء الظن فی حقهم ومن اجترأ  
 علم باخاف علیه سوء الخاتمة کما جوزی بالعقیده الفاسدة فی احوال الاسلاف الصالحین وکما تعیشون  
 تموتون وکما تموتون تخشرون فهذه کلمة جامعة لخال الفریقین وما لهما فأتاهوا لعظماء الاولیاء فلا خوف  
 علیهم ولا هم یخزنون) تحقیق الزم التصدیق ایله جواب اشفاى أردأ امراض اعتقاده یفرما اولوب اول  
 حوالیده مفتون اقاویل من خرفة اهل عناد وتمررد اولمشدر اکثری تصحیح عقیده ایله مغتم وظنون سینه  
 مفاصدندن سالم ومحب خرب طریقت مولویه ومستفید نفائس کتب صوفیه ومستعد عزایم صافی  
 اولمشدر \* (الحمد لله الذی هدانا لهذا وما کنا لنهتدی لولا ان هدانا الله) \* والشکر لله الذی  
 ارشدنا الی حسن الاعتقاد فی حق کمل العباد والمتضرع من کمال کرمه وتمام احسانه عز وجل الخیر  
 تحت الویه اولیائه یوم التادب عزة حبیه الا کرم وآله الامجاد \* (مرو یستکه) \* ذات ستوده صفات لری  
 در بای علوم ومعارف وکان اعمال صالحه واخلق حسنه وضيع آثار نفیسه اولوب لکن فوائد موائد  
 نعم خانه صوری ومعنوی لری خاصه خواص اولغله عوام مهمه منش بخل وامسا که حل ایدوب ووساطه  
 السنه ساده دلان احباب صداقت مآبله تعیم منافع صدقده وضع وحشت غمار لری انس والفته تبدیل  
 ومجامع جوامعه وعظ وند کیره شفاعت طریقیله کره کشای استنطاق اولدقده (من لم یستفد بالتصحیح  
 المصور لا ینفعه الخبر) عنوانیله دفع یوروب وضع قدیم عارفانه لری تغییرله اغیاره وغانا اولوب یاران

همدمانله خلقه محبتلرین حدیقه المعارف ایتشلدردر فی الحقیقه سرتا قدم قولاً وفعلاً وخلقاً وخلقاً وخلقاً  
 وطوراً وحرکت و سکوناً تصحیحه مصوره و حکم متمله اولان کامل و مکمل غافل بی ادراک کد صرف تقدیریه  
 انفس نفیسه ایلک دخی عبث و اسراف اولدینی (ولهم آذان لا یسمعون بها) نص شریفله ثابت و لیس  
 الخبر کالعیان نفیحه قدسیه سبیله نظریق الاولویه مبرهندر علی الخصوص مزمار عسجنه اسماع قلوب قاسیه  
 بی دردانه تشرحبوب نصایح کالزرع علی الحجر اولدینی عندالکمل هویدادر والا مستحقین قایلین علی کل  
 حال مستفید کمرلی اولدینی معاصریندن ماعدا ازمنه آتیه دده موفق اذعان اخبار لطیفه لری اولنلرده  
 جلوه کراولان استفاده و اعتبار ائله مشهود علیه در \* (نظم) \* از کجا پیغام و این قوم از کجا \* از جمادی  
 جان کرا باشد رجا \* کرتو پیغام زنی آری وزر \* پیش تو بنهند جمله سیم و سر \* ورتو پیغام خدا آری  
 چو شهید \* که با سوی خدا ای نیک عهد \* قصد خون تو کنند و قصد سر \* نه از برای حمیت دین  
 و هنر \* بلکه از خفسید کی بر خان و مان \* تلخشان آید شنیدن این بیان \* (مرو بستکه) \* اول  
 پیر و شن ضمیر عیش بزم فائیدن سیر اولوب منزل جوار اسلافه عزیمت برک ساز و آستان خداوند کار  
 و جمعیت راستانه رمال و التحاقه آماده اولد قدس نتیجه مقدمات ایجاد و ثمره بوستان فوادی مخدوم  
 ساهی نژادی حضرت شاهی سربالین تودیع لریده اشکار در دفرای اولد یغنده دیده کشای جمال شاهد  
 نوخیز انسا للری و تسلیت بخش خاطر پر ملا للری (وغم مخورای نور دیده بدر که ترا بهتر از بدر یلک بدر بدر  
 مانند بدیدار شود که همه را فراموش کنی و از جام جمال او شراب زندگی نوش کنی) دم فرخنده لرله کویا  
 دولت جاوید انساب حضرت سلطان دیوانی قدس سره النورانی دست داده اولسنه مژده فرما اولمشلردر  
 (و کوهر شاهوار شمار ابدان قلزم کرم سپرده اند و از صدف آغوش پرورش مادر و پدر مستغنی  
 گردانیده اند) نفس و اسپن لرله اول در نیمه وجهان امید و بیمه و داعاید و بحالابین الاهی متبرک  
 و تمین اولان خاکنما که حبه محبه وجود معرفت اولدری زرع اولنوب و مقام نشو و نما لریده انبیه الله نباتا  
 حسنا مصداق فیه اول نونهال نخل سربلند اقبال اولمشدر انالنا الله تعالی ثمار برکات و ثمار شواهد کالاته  
 آمین بحرمه سید المرسلین \* (شاهدی افندی) \* اول نوباوه بوستان دوستان خدای سال مر اقهتلرنده  
 سیما ی نجابت لری مشرق مهر منیر اقبال و اجلال و دائرة آبا و اجداده بر توفکن حمایه و افضال اولوب  
 جیب اصالت لرندن ید بیضای قابلیت و تمیز و ذیل طهارت لرندن ستر عفت و پرهیز سر زده پرده کون  
 و روز و شب مجد مساعی عجم و مقدم تحصیل هنر و زهد و یاری عنایت سابقه حضرت باری ذوالجلال  
 والا کرامله سن شباب سعادت مابلرنده رسیده رتبه کمال و رهیده برزخ قبل و قال اولوب پیر و والد  
 ماجد و همحال اهل تواجد و محب فقرای طریقت و مقلد مشایخ حقیقت اولوب لکن \* (بیت) \* دست  
 رامسپار جز در دست پیر \* حق شد دست آن دست اورا دست کبر \* مقتضا سجنه مشایخ عصر دن برینه  
 دست بیعت داده اولوب مترصد ظهور اثر مژده بدر والا که رایکن ناگاه آفتاب طالع خدا داد شارق  
 درجه شرف و دایره مدار سعد السعود و راه طایلری موصل خدمت سلطان سماعی قدس سره العزیز  
 و سابقا تفصیل اولدینی اوزره مرید مخلص مولوی اولغله همت حضرت مرشد مکمل قائد و زور  
 بازوی مجاهده سائق و تسلیم و توکل زاد راهی اولوب زمان سپرده طی و سیر مقامات ایدوب واصل  
 منازل عالیة حالات و خاتمه مغله ده سجاده نشین خلافت طریقه صدیقیه اولمشدر و انشای مشیخت  
 مسله لریده مغنم انشای آثار و تحفه و کلشن توحید و کلشن اسرار امثالی کتب حسرت الاررار نظم  
 و تالیفنه موفق اولمشدر نفعنا الله تعالی بما تحوی آثارهم و تنطق به انما هم \* (مرو بستکه) \* اول  
 کوهر بکاسایه تریه و مایه تنبیه مرشد کامل و مکمل برکاتیه و اتف اولد قری اسرار برزخیه و حکم ملکیه

حضرت شاهی افندی

وعبر ملكوتيه تنبيه اكيد بخرم تدبيره متوارئ سرادق كتمان ونخفي تنق اسرار اولوب بعد الوفات اثر لسان  
براعة تحقيق قلرندن جاليات كذا راينا وجلايات كذا راينا وطرف سر بيرقدس سره المنيردن تلقى اولنان  
اسرار كذا افيدو جانب مرشدون استفاده اولنان معاني كذا القن عنوانه مفصل ومفصول ومبين  
ومشروح بولنوب مشاهدات شاهديه تسميه اولنشددر لكن مأمور بت كتمان تكلميه اولديني كبي  
كوييا كاشنه دخي سرايت ايتيكله نادر الوجود در جسته جسته منقول اولان عجايب احوال وغرايب  
اسرار اول نسخه جليله دن شايعه در وحضرت مفخر الابدال وحناب مرشد الرجال خلفاسي مياننده  
همحال مستخلف اولغله ممتاز الاقران ومسلم الامثال اوللر نه بوقطعه غرايه تشكر وتحدث بيورملري  
دخي اول درمكنون وسرمكتومدن مرويدر \* (قطعه) \* كچه از يك كنويم بيجد كهر پيدا شود \*  
ليك مرآت الصفاي ذات اويكاشود \* از ميان چار يار يار ياري چون الف \* يار غارش زان فضيلت  
راست مستناشود \* (نقلستكه) \* اول نسخه جليله بعد الوفات اوراد يوميه وليليه لري كراسه سيله  
مشرز ومجلد بولنوب خاتمه سنده وصيت اكيد بيورلشكه بوامانت عظمافا در كتم اسرار اولان اولاد  
كراملرندن غيره واستنساخه دخي رخصت ويرليه الامكر اشارت ر وحايه لري به مساعده بيوريله  
اكر حد توصيه لري تجاوز نه جرات اولنوار يسه مؤاخذه غيرت مقرر در بناء عليه مكتوم وممكنون  
خزانه خرم واحتياط اولغله نادره مقرره اولنشددر لكن السنة مشايخ شواخ المراتب اوزره جاريه  
ومضبوط مزاولنلردن چند تنف جامعه تحف محرمان اخوان تلمشدر كه احوال برزخيه واهوال اخرويه  
استكشافنه وسيله اهتمام در (ومنها) مآل ماحكاه قدس سره في الانسلاخ انه قال ارينا كجاري النائم انه  
مات ويغسل جسده على النعش ويدفن في القبر وهو ناظر مندهش الى ما فعل به لما قطع السلطان الاختم  
والغوث الاكرم حلق ابي انس لخت من البدن كما تسليح البيضة عن طرفها وانا كما كنت بعيني في عالم الصورة  
لكن مع خفة عظيمة وصفوة جسمية وارفرق كالطير فطري على خاطري التفرغ من الجسد فاذا المرشد حاضر  
وناظر الى حالي فأمرني بعدم التخلف عن اثره فاقفيت على خطوات عديدة فوصلت الى ملك عجيب وعالم  
غريب لا توصف نضارته ولا تبين لطافته فيه قصور عالية وقياب فاخرة وانهار جارية وحدائي ناضرة كلها  
مضيئة مثل لثة فقال قدس سره النوراني هذه هي دار الدولة المولوية البرزخية فقصدا نجلس السلطان  
فلما حضرنا المشهد الاعلى تشرفنا بمجال حضرة سلطان العارفين مولانا فألبست في حضرته الكلاه الكبير  
الاسمي الازهر والخرقة مما يشابه الجوخ الاخضر الزمردى الشفاف ور جعنا فقيريا كما قصدا فاننا  
المنزل فتغلب على العطسة فقمقيب عطستي فتحت عيني الى الملك فقبلت قدم التقدم وقبلت بفضل الله تعالى  
المكرم عباده الخالص بانفس النعم عم احسانه وعز سلطانه \* (ومنها) \* محصل ما نقله في الاقرار  
والانكار انه قال لما وصلنا الى فناء دار الدولة المولوية بريا حديقه وسبيعة الراحة وضيعة الساحة ابوابها  
مفتوحة وثمارها مبدولة وحياتها صافية ومياها شافية كلما ورد عليها واردمت مع من ثمارها وتزده  
بنضارتها ويتشفي بمائها وينسبر بلطف هوائها لكن حولها اقوام دائرون حارون عطاش غاية العطش  
حتى يكاد ان تحترق اكادهم من الحرارة لا يجردون مدخلها ولا يجردونهم من مدخلها فيدخلون  
ويقصدون الور ودعلى الحوض فيعكس من صفوتها عكس فلا يقدر ون على التقرب بل يقفون من حوله  
كأنهم يقفون من السباع والنار فتعجب من دوران الحرمان عليهم مع كون انعمها غير ممنوعة فلقن الغوث  
الاعظم بان المكتفين شراب مائهم المحبون وان المتعجبين بجميع نعمها هم المريدون وان الهاربين من  
عكوس انفسهم هم المنكرون فهذه مثل لا يكاد ان نعم او يحرم احدهم محالي قوالهم الامجاستع او حرم  
مثاله فسبحان الحكيم الخبير يفعل ما يشاء ويحكم ما يريد \* (ومنها) \* نتيجة ما افيد اليه من حضرة سر



مولانا قدس سره الاسنى انه قال لما شغفت بالسماع والدوران على الوجد والحال غلب يوما على مشاعرى  
 الحيرة وبقيت غاطسا في بحر الوله حتى صرت كالحماذيب الذين يمشون في اسواق الملامه ولا يحيطون بما لهم  
 السلامة فيمنما الفقير بهذه الحالة في الخلوات والجلوات اذ كوشفت من حضرة قدس سره العزيز بالبحر  
 المذاخر الذي لا يدري ساحله وعليه السياحون فوجافوا جاليتقطون من عنبره وغواصون يستخرجون  
 من جوهره وامواج ذلك البحر الرائق العذب كلها على شكل هو الله صغرا وكبرا فاذا على جوار السماء اريكة  
 معلقة وعلمها سلاطين مولوية فاشتقت الخبر عن البحر والكشف عن سر عجائبه فافيد الى بانه بحر الحال  
 والسياحون رجال السماع والصفاء والجواهر الحكم والعبر والذين على الاربيكة ثمانية عشر من الاقطاب  
 المولوية المدفونين تحت القبة الخضراء فرجوت بالتوجه الى جنبهم العجو والافاقه فأققت وصحوت من  
 ساعه رجاى وهو الحبيب ذو الطول العظيم والكرم العميم \* يارب بهم وبحز بهم \* عجل بالفتح والكرم \*  
 \* (ومنها) \* خلاصة ما لقن اليه من حضرة مرشده الساقى شربة البقاء بعد انالته كأس الفناء قدس  
 سره النوراني انه قال لما فتيت من البشرية كسفت عن بصيرتى الاستار وارىت ان الارض مكوكبة  
 كالسما وكواكب السماء تنزل الى الارض وكواكب الارض تخرج الى السماء بحيث لا يتقطع النزول  
 والعروج فتحيرت منها فلقت من مشهد حضرة مرشدى وذخري بومى وغدى بان الكواكب النازلة  
 هي انوار الارواح العالسية التي تنزل الى الارض وتتعلق بالابدان في الارحام وان الكواكب الصاعدة  
 هي انوار الارواح العالسية التي تطلق من اتصال الابدان وتصعد الى منازلها التي اقيمت فيها في الازل  
 والخطاب الاول والعادة جارية على هذا المجرى الى قيام الساعة فالابدان هي المطالع والمغرب في الملك  
 فكما طلع كوكب روح من مشرق بدن يشرق بالحيات وحينما غرب يموت وتقوم قيامته الخاصة والمنازل  
 والمعارج لا تخلو عنها فسبحان القادر الفياض على العالمين بانوار اسمائه واسرار صفاته ولا يحيطون بشئ  
 من علمه الا بما شاء \* (بيت) \* پس هر دورى ولى قائمست \* آرمایش تا قيامت باقيست \* (منقولستكه) \*  
 اول كان دقائق وبحر حقائق يروى ويدينه واسطة استفاضة صحبت ورسوم الفت شاهان ارشادى  
 جمع وتنقيح وصحبتنا ما يلهى مسمى بررسالة وجيزه وذى الفوائد الكثيره ايدوب اثر مرقوم معتبر لرى  
 شيوعى حسبه له محمية مغنيساده مسند آراى سلطنت خاصه اولان شاهزادگان جوانجمنان نظريه دخى  
 دخول ايدوب قول وقائلى جمع وحكمت از لقمان پيرس مصداق فجه عمل قصد يله دعوت يوروب عزيز  
 مشار اليك صحبت شريفه لى مستفيد اولوب مقرر قد بغيره رجعت اثنا سنده الوبه حوالى دار الدوله ده  
 غربت كشيده وكربت چشيده لكربن عرض ونيل سلطنت عامه خصوص سنده دريوزده همت عليه  
 ايتلر يله بداهه بويت شريفلى كوش كذا لرى اولغله در حال دست خط لى دياجه مجموعه  
 معارف لى قيديوروب ظهوره وهو منه متقرب ايكن طلب عسا كز طفر ما ثرباى دولته تحت على بخته  
 دعوت اواند قلى محضا امد ادهمت عليه لى نه محمول اولوب قريحه همايون دن سنو ح ايدن الطاف  
 خسر وانه وتكريمات ملوكانه اليه غايت المراتب احترام اولنوب وخانقاه توكل اساس وقناعت  
 ادرار لى نه ضميمه ضياع وضرار عوقارا يله عيش فقرايه دخى سماحت فرماو مستجلب انتظار اوليا ونائل  
 اذ كار خيريه فقرا اولش لدر وبيت مرقوم \* (نظم) \* شاهباز هم تنك دستكده اولسون برقرار \*  
 اولور البته هم اى سلطنت بركون شكار \* اولمق اوزره مسمو عدر وعجايب اوضاع نادر براب روز كار  
 غدار دندر كه انك كى بقعه مباركه جلوه كاه عارفان مولوى ايكى خلاف شرط واقف ناقصين اهل  
 جدله توجيه اليه اول آشيان عاشقان دن اصحابى آواره ايدوب او كار طرفه بومان ايتك دانش وانصاف  
 ارباب قلم توجيه ملايم دكل ايكن مقادير اهل حق دن غفلت وتغافل حسبه فقراء واحباب طريقه عليه



مولویه بی داغدار غم حرمان ایتمشدر مترقیدر که قریبا و عاجلا اول داغ جانکاهه تلافی تمام ایله نه قبله  
الآمال انام اولان درگاه بلند دستکاه شاهان قدر شناسادن جلوه کرمنصه عاطفت اولوب کافی القیم  
اول مقام سامیده دخی فی الصبح والمساء اجرای آیین اولیا و کلبانک از دیاد نصف و نصرتلریله دعا اولمق  
میسراوله بمنه و کرمه علی الخصوص بومقوله توجیه نامعقول باعث تأییدی ادیان جر بره وجدل اولغله  
بالکلیه آزار قلوب مریدین و مجینه مدار اصرار اولوب مدار ایله دخی حسن زند کافی ممکن اولوب  
اکثری ترک اوطان و هجران اخوان و خلاقی اختیار ایتشدر \* (نظم) \* سکندر تشنه میبرد درین راه \*  
برود امان خضر یر ابدست آر \* بزور بازوی شاهی نباشد \* میسر دست برد اینچنین کار \* یا و همت  
مردان حق جو \* بهر حالی ره دلها نکه دار \* اگر غفلت کنی زین مایه کلام \* بنا کاهی شوی با مال  
هشدار \* (مروستکه) \* ذات ستوده صفات حضرت شاهی همیشه بهار نشاط و انبساط اولوب  
ودائرة قلب تابنا کلرینه بای غم نارسا و بهر سال زیارت پیر مرئی ایدوب انهای راهده سماع و جولان  
ایدرک ذهاب و ایایی ملتزم اولمق احبابه باعث تحسین و سائر مدار کلمات تخمین اولدیغی کوشکداری  
اولدقده (پیش ازین غم مانده شیشه مرلک بوده است او را نیز دیدیم و گذشتیم پس از آن چه غم بماند)  
لطیفه خاصه لریله بیان حسب حال (و جانی که در راه و مال عتبه جانان رقصان باشد بدنش چه گونه  
کران و بیجولان خواهد شد) نکته دلنشینلریله معذرت گونه تعریض یور مشلدر و اسلوب زیارت  
هر سینه بعد انتقال المرشد الحی دخی ملتزم ذمت همت پر صدق و اشتیاقی نهایت لری وسده سعادت تربه  
مقدسه لریده شور بی اندازه عاشقانه لری و پرسوز و سکند از دردمندان و ارادت نیاز آمیز لری دیده  
ظاهر پرستانه سردنما و بلکه (اینان پرستش مرا اقدمیکند) ادای ناسزا سیه هرزه در انچه مضی اولدیغی  
طرف باهر الشرف لری نه القا اولدقده (مایر وانکان شمعیم که کشتن نپذیرد و شورش مانع امانتال ما انحنان  
نماید که میکویند و میشنوند کسی که پروای خود ندارد چه جای دیگرانست) عنوان حقیقت تبیانیه  
سدر خنة افواه یکانکان و ختم اسماع آشنایان یور و ب کافی الا وائل ذوق و شوق و سوز و کداز لریله  
تکمیل مر اسم تجلیل تربه عرش رتبه لریده و تتمیم لوازم تعظیم سایه سعادت لریده بذل خزانه وسع و صرف  
لآئی مدایح یور مشلدر بشری له و طیب المقام ماله و سفسطه الملام \* (بیت) \* دریا بد حال بخته هیچ  
خام \* پس سخن کوتاه باید و السلام \* حتی زیارت اخیر لریده و مخدوم سامی کهر لری شهودی  
افتدی حضرتلرین دخی معا آستانه سعادت حضرت سلطان دیوانی قدس سره انورانی به کتور و ب عادت  
قدیمه لری اولان چل روز اقامت تمامنده شهودی حضرتلری سفر و طنه رغبت نما اولدیغنده (هذا حضر  
بلا سقر) نفس انفس لریه تسکین عزیمت و بعد تکمیل الاربعین الثلاث مقام عالیرینه استخلاف  
یور بلوب انلرمقر خلاقلرینه واصل و تجدید عهد و دله مسند آرای تسلیم افاضل اولدقده و الدما جدر لری  
جوار مرشد کامله مسافر اولوب مدفن شریف لری دخی درون تربه حضرت سلطان ابوالسیفده اولمق  
اوزره کار فقراده هو هذا اشارتیه تقریر اولمشدر اگر چه لسان خلقده بدر لری خدای حضرتلری  
جوارنده اولمق مسموعدر لیکن شهودیدن غلطه محمولدر که اول قره العیون اهل شهود دخی مانند ذات پدر  
قدس کهر جامع صفات بسندیده و حاوی اصناف علوم و هنر و نقد وقت حضرت شاهی و خلف الخیر  
جناب و الدما جدری اولوب نظم و نثر محامل سر آیه بر شاهد نجیب و نبیه و راه صدق و صفاء و روش  
خلوص و شوق و حالده پیر و اسلاف علیه و ثبات قدما و نجسته دمان طریقه عشقیه مولویه بدن اولمشدر  
و نوقطه مصنعه غرا زاده طبع لطیف لریدر \* (نظم) \* هر که اوله شهدش و شاهدیدن بی مذاق \* که  
شهید اولسه او در همستک سنک مشهدی \* حال و قالی قیل شهودی شاهد و مشهودا کر \* اولمق استرسک

حضرت عید الله ذروه  
الروح فیه روح الله

شهادتده شهودك أشهدی \* مساعده زمان وموافقة اخوان ومناسبة مكان ايله مدت مدیده مسند  
عزیده کامران عیش خوش وآخرا امر پیمانه کش فنا وجوار جسد امجدنده وسایه خداییده آسوده  
روح وریحان وغنوده شادر وان عفو وغفران اولمشدر رحمة الله علیه مادام ذکره الجمیل جار یاعلی  
الس الانام وما زال اثره الجزیل شایعابین الاعلام آمین وعلى آباءه السکرام یامعین بحرمه سید الانبیاء  
والمرسلین وسند الاولین والآخرین ومدد عثرات العاثرین المستغثین \* (عید الله ده ده) \* حضرت تلمری  
فاخره مؤخره الذکر نتیجه مقدمات خاندان وثمره لطیفه بوستان خانمائی بر چهره باز شکارگاه آسمانی  
اولوب \* (بیت) \* آن خیالاتی که دام اولیاست \* عکس مهر و یان بستان خداست \* مصداق  
قتاده دام خیالی شیخ محمد فدایی وغنوان شبانده موفق خدمات مردان خدای اولوب خزانه  
وجود وموجودین خرج راه صدق و اخلاص مرشد کامل ایدوب کمال ذات و جمال صفات ایلہ تلافی بین  
وجواهر معارف وعوارفله محلی بر مردود و تمکین ومکان خلافت حقیقت مکین اولمشدر اوائل انساب  
اراد تلمرنده سعادتخانه حضرت شیخه سقایه خدمته تعیین اولنوب مخدوم خدمه بسیار و نازنین دوش  
و آغوش نرماده پرستار ایکن اختیار اختیار له درویش خدمته کزار اولنجه اقارب و اصدقای پیشین  
\* (بیت) \* وقالت نساء الحی عنابد کرمین \* جفانا وبعد العزل لاله الذل \* موجبچه رویکردن صوب  
یتیمانه فقیرانه و بلکه سنک شماتت زن سمت بی کسانه لری اولدقلرنده یگناخره عباپوش و رطل کران  
محبت نوش ایدوب اثنای خدمت سقایه ده دودست نیاز میوستنده ایکی سبوا یله چشمه دن آب کش  
اولدقله صبیان های وهوی ملامته یگن زبان وسنک انداز و سبوش کنگلکده یکدست اولنجه بالالهام میانه  
دوسبوده چرخزان اولغه ناچار قرار ویروب تیزاندر تیز سماعه مشغول اولملریله کویاد اثره سماعلری  
کندولره وسبولرینه حرز سلامت اولوب \* (بیت) \* کوی عشق مولوی دیوانه سی اولمش عید \* سنک  
اطفال رهی حصن حصینیدرانک \* بیت شریقلری مضمون ثبات مقرونی موجبچه وبالجمله سنک  
طفلان اطرافنه حلقه زن احاطه اولوب بر یسندن نخل میوه دار وجود وسبولرینه ضرر اصابت ایتدبکی  
معاین صغیر و کبیر اولغله مصون حمایت حق ومحفوظ صیانت رب اولدقلرنده مقدار ذاتلری نمایان و بقیه  
استبانه خواطر خاص وعام سترده کولک تحقیق اولوب قننه اشتها ردن خراست صد دنده میدان فقرا  
خدمته مستخدم اولمشدر \* (نظم) \* از برای امتحان خوار و یتیم \* لیک اندر سرمن یار و یتیم \*  
پیش خلقان خوار و زار وریش خند \* پیش حق محفوظ ومقبول و پسند \* (منقول است که) \* بعد  
وفات حضرت الشیخ شور مذاق کندویی سر بحر ای سیر و سیاحت ایدوب قنده بر مرد صاحب درده  
دوچار اولسه آنکه مجلس حضر و انیس سفر ومقام خدمتده شد سمرایله سیاح بحر و براولوب اقامت  
وسبیا حئلرنده کاتب آثار جلیله کبار حقیقتی وظیفه لازمه ایدوب احیای آثار و تسکین سواد اسرار  
ایتلریله مجمع کتب نفیسه ومجموعه علوم شریفه و کاتبی وسیله مطالعه ایتکه انفاست لطیفه لری لواضع  
المطالع ارواح قدسیه و اطوار شریفه لری مطالع الشوارق اسرار انسیه اولمشیدی و بهار و صیف  
موسمده آستانه سعادت خنکارا کبر قدس سره الازهر زیارت و آرامیله معتمم وهنکام خریف و شتاده  
گاه وطن قدیم ومقام نیل مراملرنده آسایش واقامتله متعمم و گاهی بلاد کرمسیر آخرده نشی ایلہ مراعات  
صفای وقت ایتک اوزره ثابت وسبیا اولوب ونوبت اقامت سایه عنایتیایه قبه خضر اتریه خنکار  
اکبریده حجره نشین از و اولدقلری اوانده اخوان صفا و خلان وفاهر کاهکه تفرج عبرتگاه مرام ایلسه لری  
عیدده ده حضرت تلمرنسک اثر قلم حکم رقلری اولان نوادر آثار اولیای کرامدن بر نیچه تحفه نفیسه ونسخه  
لطیفه فی زین مجلس ایتکی التزام ایتلریله بهر روز و فیروزه عادت معهوده اوزره منطق الطیر حضرت

فریدالدین عطار قدس سره العزیزی التماس ایدوب لکن وقت مرقومده ملتسلری موجود حجره لری  
اولیوب رد جواب خلاف مرادی دخی ملایم شجعه عارفانه کور میوب (شما پس رو بد فقیر نیر آن کاب  
مستطابرا از پس یاران میرسانم) عنوانیله عوق و تاخیر سیاقنده دست کرامت بیوسلرینه برکراسه کاغذ  
سفید آلوب تحریر نسخه مطلوبه شروع یور وب ساعت واحده مقداری تأخیر و تراخی و وفاء وعده اہم  
الانجاز اقتضا ایتکه بسماندگان یاران تخمین رفاقت ایلہ حجره شریفہ لری نہ کلوب یاخی مسدود  
بولغله سوراخ مدخل مفتاحدن بری ناظر اولدقدہ دائر امداد حجرہ بی افراد عید اللہی ایلہ مشکون  
وہر فردلیندہ برکراسه و قلم کاتب اوزرہ مشاہدہ ایدوب وسائر دخی ارات ایلہ عیاناجلہ کال  
حال حضرت عیدہ واقف اولوب دق بابہ جرأت ایتوب صوب مرامہ روان اولدقلری عقیندہ صحیفہ  
واحده کاتبہ انجیق واسعہ درجات مرورنده انلردخی کاب مر قومی تکمیل ایلہ پیرو لری اولوب مجلس  
اخوان و خلانہ تشریف لری رونق افزا اوللری مردان خدائک تعدد اجساد کرامتہ دخی مظہر اوللرین  
اثبات ایتشردر والی یومناہذا آثار قلم صیبت رقلری بین الفقراء والاحباب متبرک و مرغوب القلوبدرکہ  
باخط ہمایون عیدی اولان نقایس کتب ہنوز موقع کرد کساد اولمشدر و دست بدست زیب کاتبخانہ  
ذی قدر تان اہل عرفان اولق اوزرہ در و بومقوله کرامت باہرہ لری جلوہ کر میدان عاشقان اولدقدہ  
ارباب طلب جانباز راہ اقدام خدمت لری اولغله سیاحتی اقامتہ تبدیل و اعمال لواجمیددن اکیردر نام  
قصبہ نور اللہدہ مرقد شریفہ سی جوار بندہو ریا انداز آرام و تمکین اولوب مقام توطنلری ندریحلہ  
خانقاہ آیین وارکان و کند ولردخی استواء خلافتلہ سرافراز اقران و معارف و کراماتلہ برکریدہ و رزمان  
اولوب تربیہ طالبین و تنیہ محبین ایلہ اوقات گذار اولمشدر و مدت مدیدہ معمور و معمور و آخر الامر  
غلبہ اشتیاق آستانہ سعادت حضرت پیر قدس سرہ المنیر ایلہ مشرف زیارت تربہ معظمہ خداوند کاری  
اولدقدہ احتراق تاملہ التحاق جوار لری نہ نیاز باش اقتراح اولغله تیر جالری مصیب ہدف اجابت  
اولدقدہ مضاف و مجیب دعوت دار السلام و حقیقۃ الارواح و روضۃ الاشباح اخوان و خلان مولوی  
اولان تہ دیوار رحمت استوار قبہ خضر ادہ سر بحیب خرقہ فنا و سر زدہ سماعخانہ بقا اولمشدر و عاشقانہ  
قصائد و عارفانہ مدایج و نعت شریفہ سید المرسلین و نیازنامہ سند العاشقین و مقطعات و رباعیات سفاین  
المعارف عشاق و احبابدہ مانند حرز جان محفوظ و مضبوط و استنساخ یور دقلری کتب جلیلہ ناک  
مواضع مشککہ سنہ تعلیقات مفیدہ لری ناک اکثری نسخ کاک لطائف نکار لریہ مطالعہ و مشاہدہ اولمشدر  
افاض الفیض الکریم برکان آثارہ علی کافۃ الطالبین آمین یا معین\* (حضرت سینہ چاک یوسف دہدہ)\*  
حضرت لری ناک کلبن وجود پر سود لری خاکراد کلشن دارالدولہ ادرنہ صیبت عن البلیہ و اولاد کرام علماء  
عظامدن اولوب سایہ تربیہ پیر سامی کھر دہ احراز فضائل علمیه و اکتساب فواضل عملیہ ایدوب انتساب  
آثار جمیلہ اولیای کرام کندویہ وسیلہ انجذاب و سابقہ بخشایش سبحانی واسطۃ التحاق و صحبت فقراء  
باب اللہ رابطۃ انتظام سلك ارادت مولویہ اولوب قوانین مقررہ طریقہ اوزرہ چلہ کش خدمت مطبخ  
پرورش اولغله پختہ و پرورده و سردادہ زانوای انابت و کلہ پوش تسلیم و جرعه نوش تسنیم اولدقدہ  
قلندرانہ تنورہ و غمددر بر و هوای آستانہ بر سر مسافر زیارت قبلہ العشاق و اول مطاف کرویان دخی  
تکمیل چلہ ثانیہ و تجدید تکبیر اولانہ تجدید سیف عزیمت و متوجہ طواف بیت الحرام و قاصدر و مال  
سدہ آسمان رفعت سید الانام اولوب بلا زاد ولا راجلہ و توکل و وثوق بفضل اللہ الطیف ایلہ نائل مرام  
و واصل مقصد کرام و بین الحرمین المحترمین (مصراع) کربکہ منزل و کردر مدینہ جا کتم\* ماصدق و حریم  
مسجد اقصا دہ اولان زاویہ قدیمہ مولویہ دخی چند سال معتکف و سائہ خمرہ معلا دہ عبادات

حضرت سینہ چاک

یوسف دہدہ

وطاعت له اصباح لیالی وامسای ایام ایدوب و هزار اشتیاق و بشمار اقبال ایلاره مال خالک بالک کر بلا  
 وجهه سای عتبه تر به عرش رتبه سلطان الشهد اولوب و یکان یکان جمله انچه اثنا عشر و اولاد اجماع درینک  
 مشاهده مقدسه لرین زیارت ایدوب و اثنای سیر و سیاحت لریده رسمیده صحبت رجال کثیره واستفاده  
 احوال شریفه به موفقی اولغله ذات ستوده سمانی مجموعه العجایب آثار و سینه پر سینه لر صندوقه  
 الغرایب اسرار اولوب مجالس پیرای انس و محافل آرای الف اولدقده انقاس نفیسه لر مشام دل و جان  
 کوشه نشینان کلبه اخزان فراق یوسف مصر وجوده نوری پیراهن رسان و در دیده انتظار شهود لرینه  
 درمان اولوب تکمیل دائره سیر و سیاحت ایلینه واصل حرم کعبه العشق اولدقده سایه قبه خضر اده  
 سنین عدیده راحت و آرام یوروب مشیخت خانقاه محیه مرقومه کتدویه توجه ایدوب خلافت طریقه  
 علیه مولویه ایلده دخی شرفیاب و اثنای مشیخت لریده عمان الاسرار حضرت متویدن بر جزیره فاعره اطهار  
 ایدوب و جزیره متوی نامیه اتمیه ایشدر آثار نظمیة سائره لر دخی حسرت العرفا و تحفه البیاع و بالغ  
 مبلغ اشمه در لته دره ناظمه و افیض نثار بره نثار \* (مروستکه) \* اول ماه کنعلن طریقت و مهر سپهر  
 ملکوت حقیقت و عزیز مصر ملک معرفت پر توهمت در دمنان پرور لر یله مستنزیب آسایش فراغ بال  
 و سجاده نشین مراعات نظام حال ایکن اصلاح الجهاد متولی ترفیه عباد اولان پادشاه عالی نژاد و معدلت  
 نهاد تشریف دار الدوله قدیمه آبا و اجداد ایدوب لکن بقضاء الله تعالی و قدره در مکر و وزیر وزیر  
 و خزانه و عسکر کرمولع توفیری اولوب سوق نسخ اوقاف الهی تمثیت و قرا و فرائع و توفیق محتاجان امة  
 مرحومه بی بیار وزعامت اتمکاه قضیه نامرضیه و ولوله انکیز تعجب و انفسوس خبر خواهان دوات  
 تصقت اساس اولوب هر کس انجاستدن هر اسان و مجلس بحلس حیف و در یغ سرایان اولملریله اول خبر  
 بخیر رسیده کوش مبارک لر اولنجه لهجه پر غیر تارندن (نساخ الوقف خناس) فقره سی سر زده و ورد  
 افواه غریب و شهر اولغله وزیر برتر و بر منفعل و عقده کبر عدوت اولوب اثنای سفر اولغله (سوف  
 تری مازرع اللسان) کینه عسکر کش مکر انتقام و سقرده دخی کاری مفر اولوب عودتده کین کشای  
 مکر اولق صد دنده پوستانچی باشی به نهانی تیه و کشتیلردن بری قتل و سماعخانه خانقاهه القاد و رجال  
 شیخ منذ کوری فقره سیه اخذ و سباق تحکص مال قیلد دز جرمه اکیده ایلده امور مضطر دخی اجرای  
 کیدینه شد نطق اقدام ایلدیکي مرآت ضمیر منیر الهام همیر حضرت شیخ مشار الیه عکس انداز اولدقه  
 بعد العصر رأس المال بازار علاقه سی اولان مشوی شریفی تعوید کردن جان و عین الجمع سکان خانقاهله  
 راهی صوب دار الدوله استنبول اولغله موقع همت و بهتان شریعه مدیون انصار ایدوب انلر مأمون  
 القائله مکر خن و ر خاتقاه سیار و نهوض و نزول لریده یاری توفیق حضرت باری عز اسمه ایلده ذوق و صفای  
 او زره اولوب و نلر بعد العشا کید ایلدیلرینه صورت و یردکده اخذ و زجره قابل ساسکن و ما کن  
 بولوب همسایگاندن تحکص حال ایلد کلرنده کیفیت عزیمت لر علی وقوعها اخبار اولغله مباشر  
 مفسده منذ کوره بشیان و نائب و مستغفر اولوب آمر ظالمه تبلیغ مال ایلد کده مهوت اولوب  
 جواسیس عیدیه ایلده تعقیب ایلد کده خارج سو در دار الدوله ده سود ایجه دیمکله معروف محل زهتسه  
 نزول و قوطن ایلد لر خبرین کتوروب لکن مقهور و مغنرم کلشکن نومقوله عزیز الوجوده مکر و بهتان  
 مراد ایدوب و اولی الامر جثانی نسخ وقف الله اغرا و اغوا ایلده دول سابقه دن برنده مسموع اولمیان  
 غدرله مشهور و انظار خفدن ساقط و سر یغا و عاجلا مضط صاعقه سوء الجزا اولد یغی مسموع شریقلری  
 اولنجه (از مکر رستم بمر ل رستم) لطیفه لر مشهور میانه ظرفای زمان اولمشدر و اول آستانه سعادتده  
 خلیفه ولایت نصایرینه نومقوله سوء قصد اولند یغی اریکه نشین استقلال درگاه ختمکارا کبری به کران

نما اولغله قرون ممر الیه اول مقام عالی به خلفا ارسال اولغیموب تاسلطان احمد اول نوبت سلطنتنده نه  
 اول خسرو داد کرک انصاف واستعفا سی ایله ماجرای سابق فراموش اولغوب کافی الا وائل دار الخلافه  
 مولویه وجلوه کاه عاشقان وعارفان اولمشدر ودخی وزیر شریر مسفور اخلافه بند وعبرت وعزیز صافی  
 مشربک کرامات باهره سی رسید سمع هما یون اولغله تطیب انکسار ودفع انفعال نیت حسنه سبيله  
 اول مهر سهر اجلال کازه درویشانه وکلیه فقیرانه لرین پر نور تشریف ایلمک اوزره اول شیر عریض  
 نیستان اثر واسنه قریب اولدقده سوق استقبالی این ساده دلان اخوانه (محبت بفردا ماند) فقره  
 خفیه سبيله عجیب وخرقه شریفه لر یله مسترا ولوب وقتا که شاه مکر م پناه سربالین مبارک لری نه کلوب ندای  
 یا هوایله بیدار ایتمک مراد ایتد کده نور فراستله انتقال لرینه انتقال ایدوب روی لطیف لرین خرقه  
 شریفه لرین کشف ایدنجه انصراف پیشینلری کبی دار المجازات اخرویه به مسارعت یور دینی ظاهر  
 اولغله اول بادشاه با ابتباه فوق الغایه محزون ومتحیف وبالذات لوازم تجهیز وتکفین تکمیل ونماز  
 ونیاز سر قبری نه خشوع وخضوع اعتذار آمیز له تتم اسباب احترام ایدوب (فیصل این قضیه بدیوانخانه  
 عرصات در حضور حضرت غیور احکم الحاکمین خواه شد) عدوانیله وزیر مد مره نفرین لغت قرین  
 ایدوب رجعت یور دقلمنده نه دفع بلاورد قضا جاسیله بی اندر پی تعمیر قلوب منکسر ددن خالی اولغوب  
 اوقافی دخی تقریر یور مغله ندرک حال ومال یور مشر در کر چه سفینه تنیسه مولویه ده تنصیص  
 بالاسامی اولغدی لکن دفاتر دولته نسخ اوقاف ماجراسی ضبط اولان مواضع تفصیل حال بدما له ناطق  
 اولغله مساوی ظلمه مساوی منقبه اهل الله اولقور واکور یلیوب محضا نصیح واعتبار اخبار اخلاف  
 امید یله اهام اولمشدر فنعوذ بالله من شرور انفسنا وسیئات اعمالنا وقبایح اخلاقنا وفضایح انانیاتنا نه  
 هوالمغیث الحفیظ الرؤف الرحیم \*(نظم)\* دل چراغ نیست کد نور از رخ دلبر کبر \* ورمیرد غمش  
 زند کی از سر کبر \* صفت شمع به پروانه دلی باید گفت \* که این حدیث است که با سوخته مکان در کبر  
 وفوائد نثر به لرین بونفحه لطیفه لری جامع ترغیب وترهیب اولغله خاتمه ذکر جمیل ووصف محاسن لری  
 قلمشدر (علیکم بمراققة اذلة الارشاد وایاکم ومصاحبة اذلة الافساد) فی الواقع رغبت مجانس ورهبت  
 مخالف جناحین طائر جناح وفلاح اولدیغی مشهود علیه تجربه صحیحه در \* (حضرت قرتال دده) مدینه  
 لارنده خاک کی واولاد قدمای فقرای طریقه مولویه دن وخدمه عبیه سعادت حضرت والد سلطان علیها  
 رحمة الرحمن اولوب حضرت بوستان اول جنبه دبدبه کوس ولا بتلری عالم کبر اولدقده خدمت  
 شریفه منجذب ویدر ومادری کندوبی بایند عیال ایتمک قید یله مشغول لریکن انلردن سرانه پران وکریزان  
 ومطبخ جانبر ورفقرا یه دخیل ومأمون الغائله والدین صوری اولمشدر وحضرت شاهزاده قدسی نژاد  
 برکون مقدم شکار کاهده کشت وکذا را یدرکن میانه خدمه دن بری دستنده اولان شاهبازی بردال  
 بیچاره به حواله ایدوب دردمند قرتال جماعت شکار کرانه الله ایدوب حضرت شاهزاده ولایت مآبک  
 زیر کیمت باد باسنی پناه ایدند کده اخذ اولغوب نوازش کریمانه لری برکات یله مدت العمر اول شاهباز  
 حقیقتک سایه کرامتده عیش خوش گذار اولدیغی مشرب عالم لری مقضاستجه محمول تقال خیر اولغله  
 درویش فریور لردن قومی مرفوع سده سعادت لری اولنجه پیشگاه سعادت لرینده دامبوس قبوله مرخص  
 اولدقده (خوش آمدی دده قرتال ما) نفس شریفه لر یله تبریک اولغوب کندوبه ادای اشتیاق اولمشدر  
 وصورتا مر دجسم وخفیف الهامه وطویل العضد اولغله مناسبت دلیه لری محسوس اولغله سامعین  
 (انقب یترل من السجاء) مضه ونده قائل اولمشدر وزمان انسانی قره کیمک حضرت تلرینک وقت  
 وفات لرینه مصادف اولغله انلره قائم مقام وخدمه مجرّه خاصه لرین اولمشدر وسبب فرار والدین استنطاق

حضرت قرتال دده

شیرین و شیرین

بیورلد قدہ اسیر پای بند عیال اولق خوفی اید وکن ایر اید نجه قر تال لاترق نکته لطیفه سیله مطایبه  
 وقلب لفظ قر تال ایلد قبول رق عیال ایتد کلرینه اشارت بیورمشدر و دال مر قومی دخی حجره داشت  
 وانلر لجر تر یسه لرینه تسلیم ایدوب دودال در یلک آشیان اولمشدر و میامن خدمت شریفه لر یله  
 زمان یسیره طوطی کو پای بوستان معارف و شاهباز شکرگاه حکم و عبر و لطائف و خاتناه دمشق  
 الشام مشکیله چراغ افر وخته نور کرامت لری اولمشدر و دال مر بیور شرف صحبت دده قر تال ایلد وحشت  
 جبلیه سندن خلاص و انس انسانیه اختصاص بولوب کاه ویکاه پر واز ایدوب بنی نوعیه دمساز اولوب  
 یسه نشین انس انسانیه رجعت ایدرایمش و عین الجمع شاهبازان مولوی بر طرفه توجه ایتسه لر انلر  
 زمیندن واول هوادن همراه اولوب واول مقصد نزهت خاطر ده دخی پیرامن کرداخوان وخلان وهر برینک  
 دست کرم بیوستلرندن لقمه چین و نوازش بین اولور ایمش حتی دده قر تال حضرت لری مشیخت مر قومه  
 ایلد راهی اولد قدہ چند منزل تشییع د نصکره (جای تودردیوان سلیمانیت) نفس لر یله تعریض رجعت  
 خدمت سلیمان حقیقت ایتلر یله بال و پر مال خال نیاز اولوب ولانه معتاد یسه پر واز ایدوب و حضرت سلیمان  
 حقیقت د دیوان معالی ارکانده صرف نقد یسه عمر ایتمشدر \* (مر ویستکه) علی دده حضرت لری رجعت  
 زیارت بیت الحرام و دخول دائره شام جنت مشام ایلد کده مشرب شریف لری علایق ماسوادن مکدر  
 و طالب مربی و رهبر اولغله جست وجوی مر شد خیر ایتا سنده هر کر وهه آشنا ویده دوز منفذ  
 روشنا اولوب میانه مظان الخیار باب تجریده جاریه اولان اذ کار جمیله لری حضرت دال الخیره رابطه  
 محبت اولوب رجای قبول خدمت شریفه لری سیاق قدہ آشیجی باشیم لرین دلیل انخا ایدوب اولدخی  
 عرض مر ام ایلد کده (ایشان علی و مامی و تسلیم علی بامی مشکلت) عنوان امتحان آمیز یله دفع  
 واستنطاق اولد قدہ علی دخی (ایشان امی فنون آلیه و علی علوم عالییه اندوان فقیر بعکس آن یعنی  
 امی علوم عالییه و علی فنون آلیه است) مضمون مسکنت مشکونیه اطهار ایتال ایلد یکی وضع ادبیانه سی  
 باعث علاقه خاطر فیض مائثر لری و بادئ شفقت و قبول لری اولمشدر لکن بعد زمان بعضی ناسپاسان  
 ظاهری بنان ایلد محبت کندوبه سدر راه الفت محرمانه اولوب مجلس شریف لرین حجره تنبع و کوشه  
 تصفیه تبدیل ایتد که دلیل مشفق لری ترغیب حضور حضرت مر بی ایلد کده (مجلسی که در او مصاحبت  
 علیه نباشد از حضورش چه سود و از غیبتش چه زیان) هفوه مبتدیانیه سیله مقابله دلیل کلیل ایتد که  
 ملال دال مر آت ضمیر منیر الهام سمیر حضرت دده قر تالده هویدا و روی التفات پیشین مر ایای اصحابه  
 نایدا اولغله صفای خاطر لری کدر پذیر و آرام کوشه و حدت لری دخی بیچتاب و یقیناری به مبدل اولوب  
 \* (بیت) \* هر دلی رافرح و کشتیان شناس \* صحبت این خلق را طوفان شناس \* مصداق بجه در دهند  
 علی دده طوفان تردد زده اولوب نه چاشنی عبادات و نه لذت اوراد قراری فراره تبدیل ایتد او زره  
 جوف ایلد حجره سندن خروج مر اید کده قباله باب حجره دهر شیر مهیب مشاهده ایتد که هزار  
 هزار اسله در حجره بی سدا ایدوب و شکاف دردن نکران اولد قجه میات شیر مستولی اولوب نه امکان رفتن  
 نه آرام بودن بومقوله اضطراب و انقلابه مترقب تا شیر صبح ایکن مانند آفتاب اول پیر روشن ضمیر ثلث  
 اخیر ده و حدتخانه لرندن تجدید وضو به خروج بیور دقلرنده (دو شیر در بیشه نناشد) هر چه بنجه اول  
 صورت هائله نظر نندن غائبه اولوب علی السحر نرم اسم جلاله و مبدان فقرایه حاضر اولد قدہ حضرت شیخ  
 سربجیب مر اقبه و سکوت اولوب (شما مصاحبه علیه کید) عنوانیه تعریض تقریر مع انکیز ایتلری  
 سبب انبیا اولوب ذیل دلیل تشبیه و سرگذشت و حال پر ملالان نقل نیاز پند اید کده اول اضطراب  
 و انقلاب اثر تحوّل وجود تردد و صورت شیر نمونه جلال سیرت جناب پیر اولد یعنی افاده و عهد اولی اعاده به

دالالت ایدوب سابقه عنایت کند و به فریاد رس و شیخ اخی غمانت بقوله فائز ربه علیا اولد یغین  
 اذعان ایدوب تجدید عهد و تشدید کرم صدق و تسلیم ایتشدر وقتما که جانب جناب شیخه توجه نام حاصل  
 اولد قده جمله کلماتی لب الباب علوم و کافه افعال و اوضاعی کرامت و ارشاد اولد یغی معلوم اولوب هنوز  
 علی شدم حقواسیله تحدیث و تشکر ایدر لرایش \* (نظم) \* هر که خواهد همنشین با خدا \* کونشیند  
 در حضور اولیا \* هر که ادب و اکریمان و ابر \* بی سرش باید سرش را و اخورد \* (تقلستکه) \* دلالت  
 دلیل شفیع ایلدینه مطبخ فقراده چیل روز مقیم بایکاه خدمت اولوب بعد تمام المیقات لقبه معتاده ندارد  
 و پای بر پای پیمانچه اعتدال اولد قده (پیش ازین بامیت خود معترف بودی و اقتداء بالامی جانی جائز  
 است پس انگاه ادعای قرائت کردی و اقتدای خود افساد کردی سدر راه نیست) نفس انفسریله تخصیص  
 و جنایات و جرمه لری نه اعتراف بیوروب کلمات بخش عقوا و المریله خصوص مذکور آخر بر زخلری  
 اولوب برکات دم کرامت تو املریله بردخی استفاضه سر حضرت شیخدن محبوب اولوب بر خوردار قوز  
 منازل عالیله اولشدر و آینه پیر و مرید کمال حسن تقابل پذیر اولد بجه کند و بی ساده لوح نقوش علیه  
 مشاهده سندن ناشی بیم احتمال نسیان کلی و عروض چهل ایلد خاطر خراش اولان خجانه (ساده لوحانرا  
 آینه صلف باید و الزم الصقوة عند الاصفیا) نکته شریفه سیله صفای مرآت قلب و تصفیل انکار  
 افکار سرمایه استفاده اولد یغین اشعار و علی الخصوص وقت مقابله المراتب ده نقوش هوا و امورث  
 انعکاس اولغله باعث تذکیر وقت مرئی اولق مقرر اید و کن تنبیه بیور مشلدر \* (بیت) \* در حرم  
 سینه صافان ماسوا نا محرمست \* در شبستان تجلی خیزد انا محرمست \* (مروستکه) \* حضرت  
 عزیز مشار الیه اثنای ذکراسم جلالده اولان شدت جهر یدلری نازک دماغان بی شوق و عشق و سرور  
 من اجان محرومان کرمیت ذکره کران و خراش انکیز و میدا کففت و کوی هزل آمیز اولغله کمال رافت  
 بی علت مرشدانه لری سلسله جنیان و پرده برانداز روی کار اند کار اولوب (این شدت جهر ذاکر قاصر  
 یا آنکه حضرت مذکور قادر چیل ذکره و عزا سمه علم و سمیع و خبیر است در نفس خود از چند فائده  
 جلیله خالی نیست یکی آنستکه بواسطه تصویت شدید همه جوارح و جوارح من حصه مندر بر توذ کر باشند  
 دوم آنستکه اگر چه حضرت مذکور چیل جلاله سمیع و خبیر است لکن نفس ذاکر قاصر من اصم  
 و غافل است باشد که بدین طریق اسماع و ایقاف حاصل شود و ذکر فقیر بحاصل غماند سیوم آنستکه  
 در اجرای چنین کار خطیر امسال قدر و سع و در یغ داشتن اتمام جای خطر است پس در باطن یدل و جان  
 و سر توجه تام و در ظاهر یدفع شو اغل و حسب الامکان از روی شدت جهر و تسل و اقدام خودن آسپل  
 نماید و بواسطه این مشاغل سائر را محلی غماند چارم آنستکه چون در دائره وجود ذاکر مشتاق سلطان  
 عشق کارخانه ذکر حضرت معشوق سازد کیفیت سر و جهر و کمیت مد و قصر و موجب امر اوست پس  
 اطاعت امرش خواهد و ناخواه مقرر راست اراده خلافتش عبث و تخلف جاده او پست کاهی باشد که بغیر  
 سر محرم ذکر نباشد و کاهی باشد که هیچ جزئی از درون و بیرون محرم و ملت و سر غماند و بواسطه العجب  
 آنستکه قومی ذکر حق را فراموش کرده اند و طعن جدد را کران و در زبان ساخته اند) نکته شریفه  
 لریله تفصیل حال و تبیین مال و تبکیت اهل جندال بیور مشلدر و همجنان دائره سماع و صفاده کردش  
 تیزاندر نیز لریله استغراب کافی (سرعت و بطو و دوران سنک آسیا و فافوسرا از آب و آتش باید پرسید)  
 عنوانیله سرکشته و ادی حیرت و غلبه وجد و حالتلرینه اشارت ایتشدر \* (نظم) \* کر نام و حرف  
 خواهی بگذری \* بالکن خود را از خود هین یکسری \* چون در اید نام پالاند و دهان \* بی لمیدی ماندونی  
 اندهان \* بی تفکر پیش هر داند هست \* آنکه باشور ید و شور انده هست \* پس یقین در عقل



هر دانه است \* آنکه با جنبنده جنبانده است \* (مروستکه) \* اول عاشق سر باز هرگاه که  
مدایح سادات مولوی و رفتار خسرت العرفای طریقه شمسیه و گفتار زبان آوران محیره انجوائی گروه  
پیشکوه عشقیه خصوصند بدل خزانه الهجه پر بهجه ثنایه آغاز بیورسه لرار باب اقباله مایه وجد و حال  
و اصحاب ملاله باعث خواب کلال اولغله ترویج خرب و افتخاره محمول بلکه طوائف علیه طرق آخره  
عدم اعتباره احتمالی اولوب بین فقراء الطرق جلوه کراولان اتحاد و کریمت محبت خلل ده اولدن توفی  
و احتیاط سیمایانده (این سواد اعظم خنیفه که دارالدوله محمدیه صلی الله علیه وسلم است اندر حوائی  
او کستانها و بوستانهای عجایب و غرایب که کار و خیاراته مرحومه خیر الامش را مسلمه است و دران  
ریاض وحدانق ذی بهجه انهار و اشجار و ازهار و غرف و قصور لا عین رأت ولاذن سمعت جاریه  
و ملتفه و غریبه است هر یکی بولی کزین از اولیاء دین مینش مخصوص و بنام او مد کوراست و این جمله  
گرامتها از تشریفات آن رحمة العوالم است کرامه الولی معجزه ثنیه و هر ولی راجاعتی از اولاد و اصحاب  
و احباب و آیین وار کافی است پس هر فردی از ان جماعت که ظاهر امدایح ولی نعمتش و لطائف نعمش  
میگوید در باطن آن همه بساطان آن سواد اعظم را عائد است بلکه بجانب جناب ولی النعم اولیاء عالمرا  
راجعست اجمع جماعات درین حال متساویه الاقوال است المرء محبول علی حب محسنه و شکر منعمه  
پس چه جای احتمالات و اهییه و چه محل توهم اغراض فاسده است) تحقیق احق القبول لریله دفع غائله  
هائله تقریه بیور مشلدر لله دره و قدس سره و ضعف اجره و عجم بره \* (نظم) \* گفت پیغمبر شمارا ای  
مهان \* چون بدر هستم شفیق و مهربان \* زان سبب که جمله اجزای منید \* جزورا از کل چار  
میکند \* جزوا از کل قطع شد بیکار شد \* عضوا از تن قطع شد مر دار شد \* تانیو ند بکل بارد کر  
\* مرده باشد نبودش از جان خبر \* تودلا منظور حق آنکه شوی \* که جو جزوی سوی کل خود  
روی \* (منقولستکه) \* اول عنقای قاف فقر و فنا و اخر نوبت خلافتلرنده استیلای شیخوخت  
و غلبه نشئه بجام معرفله ککوشه نشین فراغ و وقار و بقیق آمدش دیار و اغیار اولوب علی دده  
حضرتلری دخی زیر جناح تربیه لریده رسیده رتبه کمال و ولی عهدلری و میانه اخوان و خلانده واسطه  
حل و عقد امور اولوب کند و لمقام آسایشلریدن حجره قبه نقل ایدنجه مراعات وحدت کامله او زره  
سد منافذ ریاح کثرت ایتلری بخیران لذت انفراد و قدرناشناسان دولت انتطاعه احتیاس استیجاش  
نما اولوب دفع ثقلت ایتلریله مستدار نعمت هجران بیوفایان زمان اولوب بونظم دلپذیر حسب حال راحت  
مآلری اولشدر \* (نظم) \* در خار لیکن همچو کل \* در جنس لیکن همچو کل \* در آب و گل لیکن  
چودل \* در شب ولیکن چون سحر \* باری تو از ارواح شان \* وز باده و اقداح شان \* منستی  
خوش از راح شان \* فارغ شده از خیر و شر \* منوال سحر را وزره کامران صفای وقت اولد قلرنده  
الحاح گان اذن دخولی (جوینده مادر علی یابد) مفهومیله دفع حسن فرما فی الواقع کند و لر بطوننده سر  
مقدس لری و نفس زنده لری موجب پنجه انلردن ظهور ایدوب هرگاه که کیش قریحه مشتعل و قبضه پر  
تمکین طبعست مستقیمه علمیه دن بر تیر اثر راست اصابت هدف حسن نظر و تحسینلری ایلله ممتاز اولسنه  
(پراپن تیر نیز از بال این دال کهن سالت) مطایبه لر لریله نظر کرده لرین چشم زخم اغیار دن محافظه بیورر  
لرایدی \* (بیت) \* ای خنک انرا که ذلت نفسه \* وای آن کز سر کشی شد چون که او \* نزدبان خلق  
این ماو منیست \* عاقبت زین نزدبان افتاد نیست \* (مروستکه) \* محمیة دمشقده حالا جلوه گاه  
عاشقان مولوی اولان بقعه مبارکه مرحوم و مغفور له لالا مصطفی پاشا آتارندن و اندن اسبق نظرگاه  
حضرت دیوانی قدس سره النورانی زاویه سهراییه اولوب گاه و بیگاهینه فقر اعباب الله تجدد عهده قدیم



واول مقام شریفه عین الجمعه زیارت و عقد مجلس سماع و صفا اولنه لکله عزیزمومی الیه دخی اجرای  
 رسم دیرین تبرک رهین سیاقنده خدام مطبخ و مطر بخانه و جمله مجردین و متاهلین الیه اول زهتسرای  
 ارواحه نقل و عامه مشایخ طرق علیه بی فقر اسبیله دعوت ایدوب سه شب با نوز علی التوالی مجلس شور  
 و وجد و حال و صحبت معارف اولنوب هر کسک سابقه اشتیاقنه تلافی نظر و کرم باش اولوب آخر صحبتده  
 لکل اجتماع افتراق دیو جمله به تودیع و استخلال ایدوب مقرر خلافتلرینه متغیر المزاج عودت ایدوب علی  
 دهده حضرتلرینه وصیت امانات شیخانه و درویشانیه و تسلیم سجادۀ خلافت ایدوب روح و انلری  
 پرواز آشیان علین ایدوب و بدن منور لری دائرة خانقاهده حالاز زیارتگاه و متبرک خاص و عام اولان  
 مهبط روح و ریحانده خزیده کنج لحدور و حایتلری مستمدین دردمندانه سرمایه مدد اولمشدر  
 و بخودانه استخلافلری طرف آستانه خداوند کاریدن تقریر بیور یلوب مسند عالیلری حامل سر  
 سامیلریله کما فی السابق مدار عیش خوش و منار سلوک دلکش سالکان طریقه علیه مولویه اولمشدر  
 همچنان باد ابد الابد سر الحیب و آله الامجاد \* و سابق النقل مجلس اولند کبر لرنده ظهور کرامت  
 عجبه لری عقیننده (نمضت امیا و نزلت علیا) نفس قدسیلری حسب حال و مال اولدینی راز آشنایان  
 اشارات مشیران ولایته پوشیده دکلدر سعادت سوزده اوزی درک و اوزده سوزی ترک و کندوزنی  
 اوزا و زنه برک ایدن حضار بالوقته که اضاعه بضاعه فرصت ایتیموب مردان خدائک انفس و انظار  
 و احوال و رفتار لرنده منطوی اولان دقایق و حقایقندن مستفید و مستفیض اولمشدر در طوبی لهم و حسن  
 مآب \* (حضرت شیخ محمد اغا زاده) \* زاده الله کرامه و سعاده مدینه کلبولی اهل یسندن و اغایان طائفه  
 یکچیر یان متقاعدینندن حسن اغا نام صاحب الخیرات و الحسنات بر ذات نیکو صفاتک ثمره فوادی اولوب  
 اصل منشأ لرندن دخی جمع علوم و کسب معارف و تحصیل اخلاق حسنه و تعطیل خصال ردیه و تجمیل  
 اعمال و تلطیف اوضاع و تکریم اطوار اوزره مجبول و جامع حسن صورت و سیرت اولوب حضرت  
 بوستان اول منقبه سنده بیان اولدینی اوزره دعوت داعی الی الله اجابتلری هنگامنده عقار و عروض  
 و اراضی و نقود و عباد و اماء و دواب و مواشی جمله ماملکلرین برادر لری آصف اغایه هبه و فراغت ایدوب  
 قطعاً کندولره دام نکیر اولور علاقه ماسوالری قالمیوب مجرد یاک خدمت مرشدۀ شرفیاب و وصول  
 اولمشدر در و افراد مطبخ ایچره خادم پر حرمت و ادیب بامسکنت اولوب خدمت سماطی و میدانی الیه  
 تخصیص بیور یلوب مدت مدیده جمیع خجانه خلعتانده فائز انظار حسنه خوان و روشنندل و یوما فیوما  
 زهد و صلاح و تقوی و خدمات اصحابده مبالغ اولوب حتی لباس اولین و قبای پیشینلرین تبدیله اذن مربی  
 اولمغله اول قشاق نفیس ریزه ریزه اولوب آخر کمر کشای اولمدقلری سیبیله کمر کاهدن پوشیده  
 و ریزده اولدینی منظور حضرت جللی غافقت شیم اولنجه سرتا بقدم کندولباس متبرکلرین لباس  
 و تکبیر کلاه استوادار و احسان خرقه خلافت مدار بیور و بجمیع غیسن اناله اولنجان سیب معهود  
 الذکرک حسب الامر مسارعت تاوللرندن حاصل و مستولی اولان جوش حالاته حوصله هاضمه لری  
 تنک نما اولمغله استئذان سیر و سیاحت ایدوب کمال ترک و تجرید و تقرب الیه زائر حرمین محترمین  
 و آستانه روضه مطهره سید الکونینده ر و مال نیاز صحر و تمسکین اولمغله اول سکر زائد المحودن مفیق  
 و متوجه قدس مبارک و منزوی مسجد شریف صخره معلی و معتکف حرم مسجد اقصی اولوب اول مقامات  
 پر عنایتده فیض صحبت رجال اللهله فائز انواع ترقی و حائز اصناف تلقی اولمشدر \* (نظم ازان او قدس  
 سره العزیز) \* جان ما چون سیب ما از باغ شمس الدین بود \* از شراب پر قوش پر لذت تمسکین بود \* سرفدای  
 ساقی کز سوی سر پرور رسد \* تابرا نکیز دز حیرت کرد و در تسکین بود \* (مرویس تسکه) \* اول یکانه

حضرت شیخ محمد اغا زاده  
 علیه السلام

میدان تسلیم سایه خنجر معلا ده مراقب تابش بر صبح اشراق ایکن ناگاه مشرق غیدن لامعه وارد  
غروب رخشان اولوب مالتنه نام جزیره کفره به سیاحتله امر ظهور بدن تعجب کلان وارد مر قوی اصحاب  
در وندن و قدمای طریقتدن عوض دده نام روشن ضمیره عرض و مستخبر و مستخبر اولدقدن انردخی  
بنجودانه \* (بیت) \* در طریقت هر چه پیش سالک آید خیر اوست \* بر صراط مستقیم ای دل کسی کراه  
بیست \* مضمون رضا مشکونله خبر ده خبر و کلیات بخش سلامت اولر یله در حال جانب ساحله  
مسارعت یوروب معبر یافه دن بر سفینه آماده به نزول و ناخذای کشتی دخی کو یاقدملرینه منتظر ایمش  
همان ساعت بادبان کشای صوب مقصودی اولوب چند روز و شب تمامشای عالم آب دریا و سیر کردش  
دولاب سمایده رل مترقب سواد ساحل سلامت ایکن دیده دور بینان فرنک جزیره معهوده سفائن  
قورساننه راست کلوب سکان کشتی سمت فراره تحویل خله همت آتد کجه مفید اولوب آخر الامر  
جمله سی اسیر قید فرنک اولوب اسارای مسلمان جزیره مر قومه به اخراج و بین الامیر و العسکر تقسیم  
اولند قلدیده اول آزاد قید هر دو عالم حصه امیره اصابت ایدوب سائر اسیران میری ابله خدمت ثقیله حفر  
و نقل احجاره تعیین اولنوب خدمت لازمه لیه اشتغال اثناسنده بر مار زهر بار یای مبارک لری نه لغ  
رسان اولغله و رای پرده جلال غیرت بنجودانه لری بدن نفس دمار مدار لری کونوا حجاره عنوان کرامت  
تبیانیه بارقه اولوب اول مودئی مد مر ی سنک سیاهه تبدیل و تحویل ایلد کده رقیق تریاق تأثیر لری یله دخی  
موضعنی طلا یورملر یله تسکین ده وجع اولد قلدی معاین خدمه سائر و مبلغ کوش هوش حاکم جزیره  
اولغله اول هر بریشه ولایت پیشه یی قید و بنیدن آزاد و حبس اسیردن اطلاق ایدوب و کاینغی اکر ام  
واجترام اولند یغی ائنه جابجا مودیات مستحجر بولند یغی بین الاهالی قضیه خارقه معجزه لری شهرت  
یاب اولوب خفیه بعض کفره جزیره دن رغبت اسلام استنشار اولغله توهم سرایت اولنوب بر طرفه  
رغبت و جانب وطنه توجه لری استمراج اولغله و قوف ضمیره بناء ارا المجاهدین غرب اولان جزائر  
وطنه توجه نما اولر یله بحاله بحمله الالوازم بر سفینه هلال شکل و برقی سیره ارکاب اولنوب محل توجه  
موجهلرینه ایصالی تعهد و سالما و غانما اول امانت کبرای مأمینه ایصال ائمه خلائنه دارالجهاد  
هذکور اید لندن و اولاد معنوی حضرت ولی الدین دده دن بر مر در و شنیدل دخی صاحب التوبه جزائر  
قدوم ممیت رسوملری و اقامت هر اسم استقبالی لری به بشیر و ترغیب ایدوب (ایها الامیر سیحی الشیخ الکبیر  
فعلیک بالاستقبال والتوقیر) تبیینی تکرر هنکامنه سفینه لری نمایان جانب استیمان اولوب کوه  
مستقبلین ایله اول قطب سیار مکر ما و فخماسا حله قدمهاده برکات اولوب پیشین خالک حضرت ولی  
الدین دده یی زیارت و بعد اداء الاداب سرای صاحب التوبه به تشریف فرما اولشلر در عقیب الترحیب  
و التکریم روی مبارک لری ائنه افعال اندیشه محسوس اولغله وقت سرور و ابتهاجده باعث تغیر استفسار  
اولند قدنه هنکام غارت اموال اساراده ضایع اولان نسخه شریف تحسری اولد یغین بیان یور د قلدیده  
بالای نشینلر دده زبیب رفع اولان کباب لطیفی کندولره اراثت و بدل کشده لری اولق اوزر قبول رجا  
اولغله وقتا که دست شریف لری ائنه اولند قدنه مقصد اقصای دل و جان لری اولان مشوی شریف لری  
اولد یغی ظاهرا و لجه کمال ابتهاج لری پر نور لرینه سوروب هنوز از اسیری آزاد شدیم عنوانیه سرور  
زائد الوصف اظهار ایدوب سؤال کیفیت وصول کباب مستطاب یور د قلدیده صاحب التوبه برایکی  
کون مقدم غرات موحدین مالتنه قورسانلر بدن بر سفینه فتح ایدوب غنائم بدن حصه بحملری نه اصابت  
ایدن غنیمت میاننده بولند یغین ایراد ایدنجه کندولر آخذی اولان رئیس اولد یغی ظاهرا و لد قدنه  
کند و سفینه لری به بحمله المال والرجال استبدال وفدا اولنق رجا لری دولت لرونک و طوائف عسکرک

جانان به منت اولوب طرفیندن بعد المراسلات اول مراملری دخی بلا نقصان حصولیندر اولغله رفقای  
خندرز و زه لری دخی برکات صحبت شریفه لری مجانا قید اسردن آزادایدوب مالتده جلوه کراولان کرامت  
باهره لری السنه فرقادن شایعه اولغله اهالی جزایر بالجله زبده مجتبی و اکثرین اسیردام ارادتلی  
ایلدیکندن ماعدا استبدال مرقومه از بجان و دل رضاداده اولان عزات مدت یسیره مضاعفه  
تلافی دیده غنائم اولملریله محوما کبر بسته احتراملری اولوب چند سال ولی الدین دده آستانه سنده سر  
حلقه فقر او دانه لری مجمع تحف هدا یونفا یس امتعه و اموال کسیره اولوب حین نهضت سفر یلرنده  
جمعه سنی اول بقعه مبارکده وقفیت اوزره ابقا و کندلر کلد کلری کبی کال تجریده وطن اصلیلرینه  
عزیمت بیور مشلدر \* حافظ از دست مده صحبت آن کشتی نوح \* ورنه طوفان حوادث ببرد بنیادت \*  
مصد افتحه خم غفیر قدر شناسان ملازم رکاب خدمت شریفه لری و معا کلیولی به هجرتله والی آخر العمر  
مالا و بدنامم مقام محبت و آسوده سایه و لا یتلری اولغله فائز حظ و فریتم ظاهره و باطنیه اولمشلدر  
\* (مر ویدر که) \* اول قافله سالار صادق جماعت مخلصین مهاجرین ایل و وطن اصلیلرینه رجعت  
اوزره شد نطق همت ایدوب اسعد ساعته واصل سد البحر اولد قلرنده کرامت باهره لری ولوله فرسای  
صماخ الاذان اهالی دار و دیار اولغله طرف طرف و فود مستقبلین و رود یله دانه جمعیتلری محشر  
اخوان و خلان اولوب هر کس اول سائق صوب رحمتی کند و جانشنه قائد و علی الخصوص برادر حسرت  
کشیده و فرقت جشیده سعادتخانه آبا و اجداده نزول لرین نیاز مند اولغله بعضی عنون و آخری محزون  
ایتمک نامناسب و عامه بی تطیب خارج حیطه امکان اولغله میانه شهرده زاویه اخ الدوله شهرتیه معروف  
منزل متبرکه \* (بیت) \* روی در دیوار کن تهناتین \* از وجود خویش هم خلوت کزین \* گوشه  
بکزیده هر کو عاقل است \* زانکه در خلوت صفاهای دل است \* مضمونیه عمل و نزول بیور و ب  
دامن عین عزلت و متواری پرده خلوت و گوشه کزین وحدت اولوب بعد زمان کثرت اخوان و وفرت  
خلان اول زاویه حاویه ده مضی از دحام و مشارب صافیه دخی اجرای آیین خد او ند کاری به مشتاقه  
و مجدد اذات شریفلری ایچون خاتمه بناسنه مواعه اولملری حالا مدفن منور لری اولان مقام مبارک وضع  
اساس اولغله رخصت و اجازت فرما اولد قد آصف اغا حضر تلری سابقا کند و به انعام اولنان اموال  
و افره مایه ثروت عظیمه اولغله استقلال بالخیر و الحسنة مراد ایتد کده سائری محروم ثواب جمیل  
ایتمک اوزره جمله بی تشریک بیور و ب اکثر احباب مالا و بدنا صرف مقدر ایدوب بر جلوه کاه لطیف  
احداث ایتشلد در که مقصد طالبان و مسکن عاشقان و موقف عارفان مولوی اولمشدر اساس الله بنیانه  
علی الطاعة و الحاله و آوی مکانه علی الصفوة و الراحة \* (منقول است که) \* اول عزیز مصر معارف جمله  
علوم و فنون ثقلیه و عقلیه ده فائق الاقران سیماعلم کشف و فکرنده سابق امثال زما لری و تحقیق و حل  
مشکلات حضرت مشنوی شریفه قد نعیدیم النظیر اولوب لهجه پریمجه لرنده اولان لطافت و حلالت تقریر  
بین المقابله عشتاقی سر انداز صهای حالت ایدوب ملازم پای منبر موعظه لری مأمون الغائله خمار شغل  
ماسوا اولوب همیشه صحبت پر حکمتلری و یاد غرائب مستفاده لری ذوق و صفای نوبنور یله تازه حیات  
بخش ارواح مشتاقین اولور لر ایدی و صورت سبک حسرت البلغا و حیرت العرفاسی عامه مستمعنه حسب  
القبایله تسلیت فرما و مشکل کشا اولغله کافه حضار ممتون استفاده نکات نادره و مسرور تلقی معانی  
با کره اولوب حلقه جمعیتلری دائر امداد رکوش هوش و مدار اقداح جوش و خروش دفعه واحده حاضر  
مجلس شریفلری بالکلیه بوده جذبته روحانیلری و اقتاده علاقه اناه و اراده لری اولغله زمان سعادت  
خلاق لرنده اغلب اهالی کلاه ارادت و عرقیه محبت پوشلری و حالا اخلاف پالسر شتلی دخی مانند

اسلاف صداقت نهاد خدام درگاه دردمندان پناه لیدرگاه و بیگاه اثنای تذکیر بر تأثیر لرنده غلبه حالات  
ایله کند و لری سر منبر بدن و گردید ان سماعه بر تاب ایدوب اداره حلقه و جده مدار و لهجه بخودانه لری  
جواهر آثار نثار اولور لرایش حتی بین الاخوان جرائد زیب تبرک و اعتبار اولان غزل رعنائی نغریه لری  
قبیل واردات مر قومه دن اولوق اوزره مشهور در \* (این غزل رعنا) \* ازان حضرت عزیز سریر  
فناست قدس سره \* وارث علم لدنی آدم معنابرز \* واقف سر رموز علم الاسمابرز \* فقر له فخر ایلدک ملک  
فراغت شاهیز \* لا ابالی بزا کرحه عارف دانابرز \* سی و دو خط او قودق یارک جمال دین عیان  
\* استوار منی بلدک امت وسطابرز \* مظهر منلای روضه منوی برهانیز \* سالک راه حقیقت  
واصل مولابرز \* برده در سر محمد نطق بالمولوی \* مخزن کنج الهی صاحب اسمابرز \* بنده اولاد  
احمد خا ک راه مصطفی \* مرتضای کجا کریوز عاشق زهرابرز \* منکر آل عبای طغندر هر نظمر  
\* قاهر اعدای دین و سیف مولانابرز \* حضرت سلطان عشقه قول ایلدن کند و من \* فرقه ناجیدن  
اولدق عروۃ الوثقی برز \* لکن مشرب شریف لری یقید تعین و لا ابالی تمیز اولغله مقطع کلام لرنده مخلص  
خاص مربی مسموع اولیوب انجق آب و تاب کوه ر اثر لری کواه انساب اولشدر \* ولای نفیسه نثریه لری  
اسباب و رودی ایله موار د خاصه لرنده رشته کش جواهر ثمنه مفاخر قدسیه لری قلنور \* (مر ویدر که) \*  
خدمه میدان کرامت ارکان لریدن در ویش عبدی نام عاشق صادق حجره کو چکانده خدمت لازمه سبیل  
مشغول ایکن ناکاه بر قلندر سینه چالک مولوی حجره به داخل و دخان فیمق ایچون تخته و سکن طالبی اولغله  
مطلبی کند و یه ویر یلوب کارینه شغل اثنا سنده کار دسر تیز خطا ایدوب ساقی جرح ایلدیکی حینده ر بق  
رائق لرین مرهم براتی ایلدیکی معاینه سندن ناشی سر کشته حیرت و تعجب ایکن مقام خدمت حضرت  
مر شده قائم هاتم اولدقده (رقی مردان مرهم سلیمان و نفس ایشان نفحه رحمن بلکه ذره ذره جوارح  
و جوارح شان مشرق لعان شتون حضرت حکیم منان است) دم ارشاد قرینلریله اولیاء اللهک مظاهر  
شوارق اسماء و مرایای بوارق صفات مولی اولدق لرین تحقیق و جمله اوضاع و اطوار بخودانه لری من  
قبل الحق اولد یغین افاده و احوال رینه صدق و خلوص و تسلیم و تحسین ایله معامله بالجمله آداب  
لازمه دن اولد یغین بیان بیور مشلدر \* (نظم) \* کیف مد الظل نقش اولیاست \* کودلیل نور خورشید  
خداست \* سایه یزدان بود بنده خدا \* مرده این عالم وزنده خدا \* طبع ناف آهواست این قوم را  
\* از برون خون و در و نشان مشکها \* جسم شان راهم ز نور اسرشته اند \* تاز روح و از ملک  
بگذشته اند \* (نقلستکه) \* اول مردم دیده شهودل شمول مشاهده و قلوب فقراده عموم مهابت و استیلا  
احترام لریدن ناشی در حرمر الزدن خروج اثنا سنده اگر صفة مطیع نشین و اگر کوشه حجره دین بولنان  
سکان خانقاه علی الجموم بر پای اکرام و تعظیم و دست بر سینه تفخیم و تکریم اولوب نامسند ارشاد لری  
اولان مقرر سعادت به جلوس بیور منیجه فرد و احد قعوده جسارت ایده میوب داب ادب غائبانه لری  
اولشیدی حتی نو آمدن کان خانقاه سدن بعض خواناتق سائر هده نادیده وضع نادره مخصوصه اولغله قیامه  
اقدام ایتمیوب خادام میدان اخبار قرب خروج ایدنجه (الترام مالا یلزم نه کار ماست) عنوانیله اسائنات ادبه  
جرات ایتمکله مدت مدیده معقد اولوب سائر قیام و قعود نه حسرت کش و بعد زمان تعلیم ادبیان  
اخوانله غر غر ان عثه میدان استغفار سه نهاده و نالان و کر یان هنگام عبور لرنده کفش مبارک لری نه  
رومال اولغله قلزم راقتلری جوش ایدوب فیض و برکات دست سود لرنده سینه اقتدار قیام و قعود له معتتم  
و اوقات اقامت ادب معهوده جمله دن اقدام قیامه اقدامه ممتاز و استحکام رعایت آداب مردانه اساس  
دوام اولشدر \* (بیت) \* از ادب پر نور کشت است این فلک \* و زادب معصوم و پالک امد ملک \* هر چه

بر تو آید از ظلمات و غم \* آن ز بی باکی و کست استاخیست هم \* از خدا خواهیم توفیق ادب \* بی ادب  
محروم کشت از لطف و ب \* (مروسته که) \* شیخ محمود قلندر از روی التحاق بندگان در کهرلی  
باب خانقاهدن دخول و عزیز مشارالیه دخی در حرم سران خروج ایلد کلرنده مصادفه ظهورنده  
نگار ره کذار لرنده امید نیم نگاه سلام ایها ملریله پشت بر دیوار روی بر روی دلدار اولد قلرنده  
اول درویش بی سرو پایه ای شیخ محمود خوش آمدی عنوانیله ترحب و کوش و سر بیگانه سینه دست  
سود عنایتلریله نوازش کریمانه لرنیک آتار جلیله سی عاقبت محموده درویش مر قومه ظهور ایدوب  
سیاهی دده مشیختی عقینده خواهش عین الجمع اخوان و خلان و اشارت علییه پیرانه اولدار اختلافده  
سرافراز خلافت و محمود الاطوار و مدوح الاوضاع بر شیخ عزیز الوجود اولشدر که مینت نظر و برکت  
نفس و احاطه کشفیه لرنه برهان ایقان اولوب بلکه الی آخر العر عاقبت متصله ایله عیش خوش گذار  
و بیغائله او جاع و اسقام اوللرین دخی شیخ مر قوم اثر دست سودلری اعتقاد ایدوب مادام حیا متسکر  
و جوه احسان دست کرم پیوستلری اولشدر \* (نظم) \* آنچه تودر آینه بینی عیان \* پیراندر خشت  
بندیش از ان \* آنکه از حق یابد او وحی و جواب \* هر چه فرماید بود عین صواب \* دست پیراز  
غائبان کوتاه نیست \* دست او جز قبضه الله نیست \* (منقولست که) \* اول سیمرغ قاف قریبک زمان  
اعتلای شان لرنده خاکزادان بلده لرندن بر عالم عابد و عظم و تذکیری ولوله انداز قباب مساجد الجوامع  
ولکن ظاهربین و منکر آیین مولا ناجلال المله والدین اولوب کاهی اثنای وعظنده سنک انداز جانب نخل  
میوه دار لری اولغله سر بازان دائره لرندن صوری و معنوی کند و بی محافظه صد دنده وزیر مصطفی  
پاشا بر اداری ارنود سینه چال عثمان دده حضرت لرنین بای منبرند کیرینه تعین بیور و ب حمیت  
جسمانیه و غیرت روحانیله هجوم ایدنلری دفع تنیه ایتمکه اول مرد میدان همت و شیر زیان نیستان  
شجاعت موجب امر لازم الاطاعه لری اوزره ملازم و محافظ شیخ مر قوم و اوچ دفعه خراستند نصکره  
حال شیخد کر کون اولوب سائری زیارت مولویه دن تنفیر ایدر ایکن کندوسی طعنندن کف لسان و هر  
مقابلده حضور بای کرسی موعظه حضرت غوث زمانی التزام ایله بالکلیه بوده شیوه جانشکار لری  
اولغله انابت و قبول نیاز اید کده (نصیب شما از هدایست) نطق مکاشفه رهینلری ایله عمل و جلوتی  
محمود افسندی نور مر قده خدمته مبادرت ایدوب طریقه جلوتیه اخوانی میاننده غنوری شهرتیه  
معروف بر شیخ روشنندل و صاحب نفس اولد قده سر امر محافظه لری نمایان و احوال آتیه به وقوف  
تاملری لدی الککل کالشمس فی وسط النهار دیدار اولشدر \* (نظم) \* اندر آینه چه بیند مر دعام \*  
که نیند پیراندر خشت خام \* چشم بینا به تراز سیصد عصا \* چشم شناسد کهر را از حصا  
حتی بعد وفاته طیب الله تراه شیخ مر قوم بهانه صله ایلد مدینه مر قومه به کلد کده اخوان صوفیه ایله  
مدفن منورین زیارتده و خال پاکنه رومال و ساحة سما عثانه دده موطنی قدم کرامت تواملری اولان  
موضع جبهه سای و هزار افسوس حرمان محبت بر برکت لریله کریان و نالان اولد یغی جمله اخوان و خلان  
سبب تجدید عهد ماتم و احزان و بادی یادایام نجسته فرجاملری اولد یغی حضار و زوار مر قومینک  
اکثرندن تلقی اولمشدر \* (نظم) \* کزن من همچو تنها خفته است \* هشت جنت در دلم بشکفته است  
\* کرخواهد بی بدن جان توزیست \* فی السماء رزقکم روزی کیست \* کرخواهد زیست  
جان بی این بدن \* این فلک ایوان که خواهد شدن \* (منقولست که) \* اول پیر خانقاه عصرک او ان  
انتشار مفاخر شریفه لرنده مشایخ خوانق اطرافدن بر پیر مر دصاحب صدق \* (نظم) \* من نجویم  
زین سپس راه اثیر \* پیر جویم پیر جویم پیر \* ای مرا تو مصطفی من چون عمر \* از برای خدمت

بندم کمر \* ای لقامه تو جواب هر سؤال \* مشکل از تو حل شود بقیل وقال \* ترجمان هر چه مارا در دل  
است \* دستگیر هر که پایش در کل است \* مضمون اخلاص مشکونله مشیخت خانقاه اطراف  
اراده در کهرلینه قد او خدمت جاروب ساحه میدانلین رجا ایدوب لکن ساختورده اولوق حسبيله  
مدار جنبش مردانه و عصای نشست و خیز پیرانه اولوق اوزره استعمال ایلدیکي غذای افیونی قطع  
ایدوب بای حرص کندن فتاده اولغله هر چند کافی الاول استعماله ترغیب اولند بجه بین الفقره اثره  
اولان افیون مانع فیضدر کلام شهرت نظامی ایله مقابله ایدوب هلا که آماده ایکن عزیز مشار الیه  
کندوبی احضار پیانجه تسلیم ایدوب پیشخته لیدن دست کرم بیوستلر یله برقرص افیون اخراج  
ویدا ایداناله ایدوب (فیض الهی آن سبیل تیرنا کاهیستکه کوهها سدر اهش غیشوندان شیر خشکاش  
چه باشد) نفس انفسلر یله تناوله تنبیه (و در خدمات مردان این عصای پیرانست) لطیفه سیله دخی تأکید  
بیوروب فی الحقیقه اثر نطق جان بخشلر یله استعمال افیون کندوبه سدر راه اوله میوب سایه سعادت لرنده  
جوانلردن ازید مقدم خدمات آستانه لری و مستعد فیوض غوثانه لری و زمان سپرده رشک اقران و نخر  
امثال و شیخ صاحب حال اولمشدر که بوندن اقدم پیشخته لرنه دکل بلکه دایره خانقاها لرنه افیون  
داخل اولیوب فقر ادخی استعماله مرخص دکلر ایکن صورت مذکور کرامته جل اولمشدر که  
در دمندم قومک ظاهرا و باطنا حیاته باعث اولمشدر \* (نظم) \* چون کفتی بیرهین تسلیم شو \*  
همچو موسی زیر حکم خضر رو \* (مرو بستکه) \* اول واقف اسرار مرآت و وجود و مرآت و قایق  
امارات نمود شو و حکم آلودی موجب بجه هر کسه معامله خاصه بیوروب مرید واحد ایله اولان روی  
صحبتی آخردن محبوب اولوب هر کسه کیندو گابی در سنی تعلیم ایله اکفایور ملری تلذذ رس عامه معتاد  
اولنلر استغرابنه (اقرا کتابک کفی بنفسک الیوم علیک حسبیا) نص کریمیله جواب جواب عروق  
الاشکال بیوروب کتب و درس و تعلیم غیره تعرضدن منع بیوروب شغل مر قومی مالا یعنی عدا ایتشلردر  
زیرا هر فهم رسم تحصیل مقصد انجق معنای تراکیب احوال نفسی اولدینی ظاهر در که معرفت احوال  
نفس معرفت نفسه و معرفت نفس معرفه به وسیله اولوق ایچوندر بناء علیه صحبت خاصه لرنه صاحب  
و محکوم بدن ماعد اواقف اولیوب هر کس کند و حالیه مشغول اولغله دایره سعادت لری قولا و فعلا دغدغه  
مالا یعنی دن محروس الارجا اولمشیدی که اکثر یافتن ارباب فطن تفرقه ذکر و فکر دن اولدینی مجمع  
علیه احتیاط حال و محل احتیاط اهل کمال در جمعیت میدانلری ذکر خفی نقش بندی و صحبت مقابله لری  
تحقیق مشوی و سماع و صفاء و وجد و حال اوزره اولوب وقتا که بحسب التریبه صحبت خاصه اقتضا  
ایتد کده احضار مصاحب مخصوص ایله بحسب الاقتضا داده تسلی و ترغیب ترقی و ترهیب تنزل  
بیورور لرایدی \* (نظم) \* هر کجا که بوسنی باشد جوماه \* جنت است ارجه که باشد دهر چاه \*  
هر کجا باشد شه مار ابط \* هست صحرا کر بودسم الحیاط \* هر کجا دلبر بود خود هم نشین \* فرق  
کردونستی روی زمین \* کفت معشوقی بعاشق ای قنا \* تو بغربت دیده بس شهرها \* پس کدامین  
شهر زانها خوشتر است \* کفت آن شهری که در وی دلبر است \* فی الحقیقه درس حاصل قبول شریک  
ایتدیکي بی شائبه اشتباهدر \* (منعولستکه) \* اول بالک دامن آلاش بشر به یقید از دواج و اولاد  
اولوب انجق خدمات معرفه و حرم سرالری ایچون جوارری اتخاذ اولاد دسریدلرین نعم البدل انسال  
صور یه ایدوب ذات ملکی السمانلری بیعلاقه ابناء و بنات اولوب لیکن برادر والا کهرلری نعمت معنوی  
مرقومدن بی بهره اولغله آرزو مند فرزند اولوب هزارندور و قرا بین ایله در که حضرت و اهب الامال دن  
در یوزه و در که اولیادان حصول مقصده کلبانک و وصول مرآمه همت نیاز ایتکه وقت مساعده قدرت

وعقیب ولادتده ظهور یله مبشر اولدیغی فرزندارجمندی عتبه خدمت و تربیه لری نه تسلیم و وفاء ندورن  
 دخی ربقة رقبه صدق و اخلاص ایتکله باذن الله القدير المتعال وقت تذکیر مقابله ده بر فرزندارجمندی  
 تولد ایدوب مسارعت و فاءند زسیاقنده پیچیده حریر باره و ودیعه پای منبر موعظه لری قنوب بتأیید  
 اللطیف الخبیر اصلا مستهل اولیوب بلکه مستمع و ساکت اولوب بعد المقابله الشریفه اولودیعه جلیله بی  
 سر تا قدم دست سود عنایتلر یله و تسمیه شیخ محمد یار سا ایله تشریف و عتبه نسبتلر نده نشو و نما ایله سر  
 افراز یور مشردر که رسیده موسم تعلیم اولدقده هنرمندان دائرة ارادت لری بولنان افاضل درویشان راه  
 افاده سنده بدل خزانه معلوم ایتکله مجموعه فنون شتی حتی علم خط و نظم و موسیقیده دخی صاحب ید  
 طولا و صابر مخلص یله مدعو و صاحب دیوان اثر خوش آئنده عاشقانه اولوب اولو مخدوم عالی قدر احباب  
 طریقت علیه نکت تکبیر یکنای عرفیه ده اولان تکلفات ایشارلرین مشاهده ایله طالب تکبیر مولوی اولوب  
 وفور مطلبده نیاز کامل و نثار شامل ایله توسل ایدوب زانو سعادتلرینه تسلیم سر اراده ایلد کده  
 (ع) این در که مادر که نومیدی نیست \* مقتضای سنجه تکبیر و الباس کلاه یور ملری عقیبنده خفیه کوشنه  
 القای چند کله کشفیه یور ملر یله نوعا متغیر الحال و منتظر مال اولغله شیخ محمد یار سا نفس لری ضایع  
 اولیوب مقام عالیلرینه جانشین و شیخ متقی اولوب لکن وقعه سالف الحکایه منقاری زاده دهر بوده  
 ریودیو و طریقه الرضاء مولودن تخلفله سالک طریقه الرضاء مولویت و قاضی بوسنه و قلبه و ماضی محله  
 خاموشان اولشد که عزیز مصر مکاشفه حضر تلرینک عقیب تکبیرده جاری اولان نطق لری (ای یار سا  
 این کلاه ندین پوشان ترا از میان اخوان بدر خواهند کرد) کلام وحشت نظامی ایتمش آخر جلوه کرساحه  
 بروز اولوب رتبه ارادتدن پایه محبت تزیل اولمشدر تجا و زلاله عن اسرافه و حشره مع اسرافه \* و دخی  
 زمان مشیختلر نده خدمه میدان و اقرار بدن بر امر دباهر الحسنة ار باب جذبه دن بری عاشق شیدا اولوب  
 حد ادبی تجاوزه جرأت ائناسنده طریق سیاحت ایله ابعاد اولغین اول عاشق مهجور ک نمشیر  
 انکساری معشوقنه اصابته مصاب اولدقده دقیقه غیرت قلوبه و قوف تا مندن ناشی قوضی ایدوب و دو  
 رکعت غماز حاجت کزار اولوب عقیب صلاتده سجده بر کوشه محراب توجه تام و رجا مند قصاص  
 اولدیغی ساعت تیرد عالی هدف اجابته قرین و مجذوب هر قوم دخی فجاءت ایدوب سرعت اجابتله  
 اشتهار لرینه (عاشق صادق بود که پیر و معشوق شد) عنوانله پرده کش طرافت اولشد و دخی منصب دن  
 وطنه رجعتلر نده اعیان و اشراف استقبال ایدوب و سائر احباب دخی تنیه قدوم ایدوب شیخ وقتیکه قلندر  
 محمودده در نه کروه استقبالده ونه وفود تنیه ده موجود اولمغله اندیشه ناک اولوب آخر ترتیب ضیافت  
 ایدوب تکلف و خشمیله زیارت تریه مطیبه ولی النعمی به کاوب سما عخانیه قریبده واقع نشین فرح فرزاده  
 شیخ و فقر ایله محبت ایدوب وقت و داعده عتبه علایاده ثابت اولان کل کنج عمامه عظام لرینه خلیده  
 اولغله دستار لری غلطان ساحه باغ اولدیغین مشاهده ایتد کده اشارت ارتخاله حل ایدوب و مسرعین  
 اخذ و ایصال عمامه لرینه (سر رفت چه جای دستار است) عنوانله خطاب ایدوب و خانه سینه وارد قده  
 اثر عارضه مهله که شیر پنجه ظهور ایدوب مقدار یکم اسیر فراش و مودع خانمان معاش اولشد و بولیه  
 خلاف جنس اولسا ایله اولان محبت چند روز شامتی اولدیغی مقرر در \* (نظم) \* ای فغان از بارنا  
 جنس ای فغان \* هم نشینی نیک جوییدای مهان \* زان جلیس الله شد آن نیک بخت \* که  
 بهلوی سعیدی بردخت \* حال پا کان ایسی و دیوار شان \* بهتراز عام و روز و کلزار شان \* دوستی  
 جاهل شیرین سخن \* کم شنوکان هست چون سم کهن \* حق ذات یاک الله الصمد \* می بود به مار بد  
 از یار بد \* (منقول است که) \* اول ولی والا هم نیک احباب صداقت مآبلریدن محمد جلای نام دردمندک



خانه سنی تشریف یوروب و لوقوله نزول نا کاهلین سرمایه برکت عظمای اعتقاد یله راه خدمت اکر آمده  
 بذل ماملک عین الجمع درویشان و خواص احبابی دخی دعوت ایدوب بشاشت تامه ایله بالنفس مقیم مقام  
 احترام لری ایکن اندرون حرم دن نیا حیاتم ظهور ایدنبجه باعث نالش و فریاد نه ایدوکن سؤال یور مغین  
 ثمره فواد اخلاص معتادی اولان فرزندار جنس دنک وفاتی اولدیغین بیان ایدنبجه (مادر برون بصفا باشیم  
 و مادر باندرون در عزرا باشد مروت نیست شما خوش دل باشید که فرزند غمرده است بلکه بخود شده  
 است خلوت کنید که برویم و به بینیم) عنوانیله تنبیه یوروب خلوت اولدقده سر بالین میتی سایه حیات  
 بخشار یله تشریف یوروب چند درجه مر اقبه عقبنده سر بر آور جیب خرقه مسیحانه لری و پوشیده  
 برانداز روی فرزند نو حیات اولدقنده نکران و متنفس بوانمغله عیان و وفاتی مشاهده ایدنلر بکرامت  
 باهره نک مهابت شانندن مغشی علمیم اولوب بالکایه اندفاع ضعف و عارضه سینه دخی کلبانک اسم  
 اعظمی کش اولغله علیل کلیل مر قوم حیات تازه و عافیت ساعه ایله مغتنم و غذا خواه اولدقده نه مستند  
 حلقه اخوانه رجعت فرما اولدقده مترقبینه (ماجرای کیفیت بیمار چون کفته ما بوده بفیض الله المحی المعافی  
 صحت یافت) نفس رو و بخشار یله اجمال تبشیر و توری یوروب لکن مانند آفتاب عالم تاب نیر اعظم  
 کرامت مر قومه لری ولوله انداز آفاق اولغله تجیر ماران خزیره مالتسه و احیای مرده و احسان صحت  
 ساعه یوروملری جامع اقصى الخوارق جلالی و جمالی اولدقده برهان قطعی و دلیل لاری اولغله طرف  
 طرف سامعین صیت ولایت لری عتبه کرامت لری نه منجذبه و فوج سیاحین قاصدین انتظار حسنه لری  
 اولغله دبده اشتغال لری حد احاطه دن بیرون و رتبه تستردن افزون اولدقده ناگاه وجودش بر فلی نیمه  
 نما اولوب آخره حیات بخش اولان کند و بدنه نیچون قوت حرکت فرما اوله مر سیاقنده اشعال نائرة  
 کف و کوا یله پرده پوش احتیاط قننه اشتها راولمشلدر والا اندام لطیف لری سر مولی خلل دیده  
 اولوب نو عا مدققین محرم اندن بویکی حقیقت حال اولنلری دخی (نیمه خود را دان هر که بد کرده بودم  
 این نیمه سستی اندام از وست) نغمه سیله اغفال یوروب بر مقدار تسکین جوش قننه شهرت ایتشلدر  
 \* (نظم) \* هین که اسرافیل وقتند اولیا \* مرده رازیشان حیات است و نغما \* کر بکویم شمه زان  
 نغمها \* جانها سر بر زنده از دجها \* ابرص واکه چه باشد مرده نیز \* زنده کرد از فسون آن عزیز  
 \* (مروسته که) \* اول مر کدائرة کمالک خانقاه اهل حال بناهی مورد سیلاب انجذاب اولغله مجمع ارباب  
 مراتب و جمعیتخانه صحبت اخوان الصفا لری هنگام کرمیت انس هر جنسده کویا کستخانه کویا  
 اولوب هر عندلیب کلزار اسرار نغمسرای حسبال اولدقده برکرو هلسد دتکلم و خطا بلری بوتما شاگاه  
 پر عبر و حکمدن مسافرت دار اقرار شدت مطلعی خصوص صنده متمدادی اولغله بر شاه باز بلند پرواز  
 سلسله جنبان بیان لا ابالی اولوب (دریای جان این بدن مانند کنده است پس زحمت انحلال و بیرون  
 کردنش چه باشد) عنوانیله سهولت ارتحال قائل اولوب و بر طوطی کویا دخی (طائر روان را این بدن مانند  
 قفس است انگاه که رخنه باید که از خروج ممکن باشد بادر قفس را کشاده بیند زحمت آزادی چه  
 باشد) کلام بیقیدانه سیله افاده مر ایلد که بعض اخوان ذوی الحزم و الاحتیاط (این دعاوی را کواه  
 باید) تعریضیله تأکید حمیت مر دانه ایدنبجه همان قائل اول کواه حاضر است دیو بریدن قیام و تسخین ماء  
 و احضار نعشه اقدام و نزع لباس و ربط چانه و اصبعین و نعش اوزره استظاله ایتدیکی حینده درویش  
 میدانی مسارعا کلوب (امر عزیز است که از بنجار بخیزی و در حجره خود بمیری) مفهومیله تبلیغ رسالت  
 ایدنبجه سمع و طاعه دیوب همان صورت مر قومه لری بله حجره به نقل و خال انداز لری اوزره متوجه  
 قبله انتقال ایدوب اثبات مدعا ایتشد و قائل ثانی دخی مراعات ادب و محافظه عادت اوزره وحدت



کوشه سنده مستقبل قبله دهند کشته و قاعدا آزاد مرغ روح ایتش در که حال مال و قالری توافق ایتش در  
 و مد فسلری دخی جوار خانقاه و خاموشان فقراده همهلو واقع اولوب لیکن قاعدا وفات ایدی تقویم  
 ممکن اولیوب نه صورت فوقی اوز ره دفن اولوب حدای سریده سنک نشان واحدله اکتفا اولوب  
 قبری تسنیم اولوب خاموشان عالم ایچره مزار یکسنک انک قبر شریقی اولوق اوز ره مشهور اولمشدر طوبی  
 لهم و حسن مآب حیاتلری عقوله یقید بود و نبود ایسه عاتلری دخی بخیر اش سکران واقع اولوب سائر  
 دخی تازیانه اهتمام تمیؤ تام اولمشدر و لیل هذا فی عمل العالمون \* (نظم) \* مرک کین جمله اوز  
 در وحشتند \* میکتد این قوم بروی ریشخند \* تلخ نبود پیش ایشان مرک تن \* چون روند از چاه  
 و زندان در چن \* چونکه ایشان خسر و دین بوده اند \* وقت شادی شد جو بکشایند بند \* دانه  
 مردن مر شیرین شد است \* بل هم احیاء پی من آمده است \* مرک شیرین کشت و تقلم زین سرا \* چون  
 قفس هشتن پریدن مر غرا \* (نقلستکه) \* قیودان حسین پاشا محب مشایخ و فقرای صوفیه اولوب  
 ذهاب و یابده طوائف مر قومه به تحف و نذورات و قرابین و هدایا ایله اظهار خلوص و اکرام ایدوب اصلا  
 حزب مولوی طرفه مراعات ایتزایکن بردفعه ایاب دارالدوله دهموسم لنگر اندازی ترسانه قریب اولوب  
 استیجالی لازم ایکن لیان کلیولیدن لنگر بردار و بادبانکشی مسارعت اولدقده بالدفعات جزیره  
 مر مره به قریب وارد قلرنده باد مخالف مقابله سیله نه لیان مر قومه ناچار رجعت ایتلریله بالضروره  
 رجای باد مر ادله مراجع جوانب مظان الخیر اولدیغنده داغی محمد افندی حضرتلری پرده برانداز  
 روی کار روز کار اولوب هر چند سفائن سلطانیه جزیره مر قومه به قریب اولدقارنده حضرت قطب  
 وقت اغازاده افندی جانب جناب تصرف نصا بلریدن اشارت تحول صدور یله باد مخالف وزان طوفان  
 امواج رجعت خیز و اضطراب انکیز اولدیغین سرا افاده بیور ملریله منتقل حقیقت حال اولوب مشایخ  
 و فقرای طرق علییه صوفیه به عقوله اولنور ایسه حزب مولوی به دخی اکرام اولنوب کمال صدق و اخلاص  
 شرفیاب زیارت شریفه اولدقده (از نیمه مر دان اینچنین کارهاید اید پس قیاس باید کرد که از نام و اتم ایشان  
 چهار وجود عدم پیوندد) نطق مکاشفه سمیر یله مافی الضمیر مشیر فلاحون تدبیره مر و ایما دیلنده (بعد  
 ازین باد مر ادست و هنگام کامرانیست نفس قدسیلریله نشان و بشیر بیور و هوز دائرة سعادت لرنده  
 ایکن باد مناسب هبویله غرضه مبادرت و زمان یسیرده لنگر انداز لیان ترسانه و چلر و زمر و رنده  
 وزارت عظام و وکالت کبرایله دخی مکرم و کامران اولدیغنده بالکلیه ر بوده محبتلری و بشکطاش  
 خاتماهی ذات شریفلری چون بنایله تشریفلری نیاز مند اولغله اجابه للدعوه عین الجمع اخوان الصفا ایله  
 مسند خلافت بقعه مبارکه مر قومه بی تشریف بیور و ب چند ماهه احباب دارالدوله انک مقصد  
 و ملتجاری و اصناف عواطف سلطانی ایله مکرم و محترم اولوب لیکن کند ولرک کشتیان خاصلری  
 و درویشلری اولان بنده لرینه رجعت و طئه اذن فرما اولیوب بلکه ملازم آستانه اولسنه تنیه بیور ملری  
 ناخدای مر قومی غرق لجئه حسرت اولاد و عیال و سرکشته واهمه سوء مال ایتشیکن (ناگاه حاضر باش  
 بوطن میرویم) عنوانیه صادر اولان امر اوجب الطاعه لر یله آماده و منتظر اولدیغنده علی السحر  
 زورق پر رونق خاصلری نه نزول و مقر پیشینلری نه رجعت بیور ملری عقینده دستور مر قوم وفاتی  
 شایع اولدقده (مراد برای اخوان صفا دارک منزل مشرف دریا بود حاصل شد و آن در دهن نیز بمرادش  
 رسید و بیش از آرایش کثیره مظالم باحباب و خدام خداوند کارا کبر قدس سره الازهر و اصل شد) دم  
 مشکل کشا لر یله بیان سر اجابت و رجعت بیور دقلری ثقات حضار مجالس عالیه لر ندین شفاهاتلقی  
 کرده اکثر اخوان زماند مکر و وزیر مر حوم و مغفور لهه محبان طرف باهر الشرفلری سوق اکرام

و ترغیب زیارت ایلد کلرنده (کسی که بوجود خود مدد نکند بغیر چه فریادرس کند) عنوانیله وبالذفات  
 اثنای رجعت اضطرار یه ده طرف شریفلریدن استمداد استصواب اولند بجه (از تمامان چه امداد دیدیم  
 که از نیمه همت درست میخواهیم دید) لفظیله تعریض ایتشلا ایش رموز سالنه لری اول افکار واهییه  
 والفاظ سقیمه به اشارتی متضمن اولدیغی لسان وزیر آصف نصفتدن روایت کرده محرمان اسرار لریدر  
 بفضل الله المنان المتعالی سایه برکت مایه لرنده اگر مقرر قدیم لری واکر بواثر جدید لری بهشت آسایکی  
 آستانه عشاق آشیانه اولوب وز و شب جلوه گاه عارفان جلال الدین و خرمن گاه ادعیه خیره عامه بریه  
 اولمشدر همچنان باد ایدالاباد بالنبی وآله الامجاد و ملایم رجعت مسند دیریش فرموده شد \* (نظم) \* من  
 این مقام بذات العباد هم ندهم \* و کچه در پیم اقتد خلق انجمنی \* که هر که کنج قناعت بکنج دینی داد  
 \* فروخت یوسف مصری بکمرترین غنی \* (مرو بسته که) \* برو سه خانقاهی حرا سندن بر در ویش  
 دلریش هزار آتیهال وانکسار له آستانه سعادت لرینه التجا ایدوب چل روز مطبخ ار و اح پرور لرنده مقیم  
 مقام خدمت اخوان اولدیغی عقبنده بار داده عز حضور فائض النور لری و شرفیاب داموس شفقت  
 مأنوس لری ویای بریای پیمانیجه توبه واستغفار اولنجه استنطاق یوریلوب بیچاره گناهکار و تبه  
 روز کار ایدادن برینک چشم جانشکارینه مائل و سائل یکبوسه و نائل مسئول اولد قده صحیفه خاطرنده  
 منقوش اولان صور علوم محو و صفای صغوی مبدل بچکتاب لایندفع و مقام ترقی سندن اسفل سافلین  
 اشاره یه مدفوع اولدیغین اراد و اعتراف سیاقنده نیاز مند قبول توبه و چاره جوی شفاعت حسنه  
 اولدیغین معروض پیشگاه غوثانه لری ایدنجه (یک بوسه چشم فدای دیده شهوت دیده باید) عنوانیله  
 تعیین مجازات یور و ب مجرم معهود دخی در ره قبول توبه (فدای سرنیز چیز سهلست و بجان ناتوان منت  
 است) فحوا سیله دلم غما اولدیغی ساعت بعینه جزاین و تقبیل ایلدیکی عین مینه اولغله دیده راستی خانه  
 چشمندن کف دستنه کلوب عمای یتیمی ایلله تمام مقبله واحده منیه حرمه سندن روی قبول توبه نصوحی  
 بیدار و کفای الاول علوم و معارفی و ذوق و صفاسیله قریب العین والی آخر العمر تحت الانظار الحسنه علی  
 وجه الترقی مغتنم مشاهدات و مستعد نیل مراتب اولدیغی بقایای نظر کرده لریدن علی وقوعه استماع  
 اولوب و علاقه احدائی قطع و محبت لریدن نفرتیله بلکه قصد انظره یه جرأت اولنمق ایچون مجازات  
 مرقومه مطمح انظار شوخ چشمان ابتدا قلمشدر من اراد السلامه یستسلم الملامه من نجافند نجابینه  
 \* (نظم) \* بنده شهوت ندارد دخنود خلاص \* جز بفضل ایزد و انعام خاص \* چون براندی شهوتی  
 پرت بریخت \* لئک کشتی وان خیال از تو کر یخت \* برنکه دار و چنین شهوت مران \* تا بر میل  
 بردسوی جنان \* و درویش تائب سبب جرأت مرقوم سنک فتنه ایلله جزا دیده و نیمه صری فدای بصیرت  
 نامه ایتکی غنیمت شمار و بوبیت حسب حال ایلله ترنم ریزشکران اولمشدر \* (بیت) \* مردم اندر  
 کف دستم خویش را غلطان کرد \* چشم دیگر کف دست از نظر خو بان کرد \* (مرو بسته که) \*  
 آستانه کروی مطاف حضرت پیر قدس سره المنبر جراتنده ساکن اولان ایکی درویش غفلت کیش  
 در حجره بی بند و نمائی زعمیله فسقه شروع ایلد کلرنده هنوز نیمه جرحه کش کاسه عیش نا کوار اولدن  
 هر برینک کاسه سرلرینه سیاست غیبی رسیده و کلاه لری غائب اولغله سرکردان تیه حیرت و ضجرت  
 اولد کلرنده آکاهان اخواندن بری بیرون درده (سکه را از دار الضرب حضرت اغازاده باید جست)  
 عنوانیله کشف پرده راز ایدوب اول دردمند و در مانده لر دخی هنکام شبیده سیر ایدوب درگاه عامره پناه  
 عز بزمشار الیه افتان و خیزان و نالان و کریان سرو یار همنه شد رحل ایدوب چار طاق نام محل عبوره واصل  
 و زورق مروره نازل اولد کلرنده حضرت مرشد آگاه آتشی باشیلرینه استقبال و خانقاه احضار لرینی

امریو رمغله موجب فرمائری اوزره عمل اولوب کدر اهلر یله حضور ناشر الحبور لرینه اذخال اولندقلرنده کلاهلرین پیشخته لری اوزره معاینه ایلدکلرنده دهشت مشاهده و مهابت مواجهه و ملاحظه شناعت سابقه دن عروق و اعصاب و اعضا و مفاصله غلبه قنور و استیلای شرم قصورله روی آلودلری اوزره دوشوب رینا طلمنا انفسنا وان لم تغفر لنا وترحمنا لنكون من الخاسرین آیه کریمه سیله توسل واستشفاع ایلدکلرنده لهجه برهجه بند و ارشاد کشا اولوب (نابا کی عی با کی آن حرم برجلالت که بکرمیت جرات عالم آب شمار از تاج ابتهاج با کلا باز داشت اکتون شست و شوی آن آلاش بالم آب سرد خواهد شد) خواسی اوزره سرچاه خانقاه ده هفت شباز و زجام و سر برهنه لرینه آب کشان بر دلوما صبر و رضا و هر سائل سبب محازانه جریمه لرین نقل و تقصیلی تعهد اوزره اولان میناقلری منتهی میقات اولدقه سسکه شریفه لری تکبیر و الباس یوریلوب بین ارباب کمال العصر امتیاز رتبه عالیه لری مسلم الکامل اولشدر و نقله معاینه قضیه مرقومه اول فقیرین صادقیل مدت مرقومه ده صوم و سهر وصال اوزره نباتلرین و ولاعیون بریدملرین دخی سبک دموع و صب خونابه لای تقطعدن عدم خلولرین تحقیق ابتشدر \* (نظم) \* چون خدا خواهد که مان یاری کند \* میل مارا جانب زاری کند \* ای خنک چشمی که آن کریمان اوست \* ای همایون دل که آن بریان اوست \* زانکه آدم زان عتاب از اشک رست \* اشک تر باشد دم تو به رست \* هین امید اکتون میان را چیست بند \* خیرای کرینده و دائم بخند \* که برابر میکند شاه مجید \* اشک را در وزن با خون شهید \* (نقلستکه) \* قدمای بندکان در کهلرین سر تراش محمد بر مرد صاحب ثروت اولوب قائد عنایت سابقه کند و بی دائر مسعادت لرینه جذب ایدوب جمله مال و جان در میدان مردان ایلد که آشیجی باشیلری دلائله حضور فائض النور لرینه دخول ایدوب و مستعد ر و مال عتبه لری اولدقه کند و به تعداد کثرت و صفات و ارتکابیدن سؤال و استنطاق اولوب بیچاره ساده دل اولغله ارتکاب صغیره دن دخی استعاده ایله اظهار طهارت نامه ایتکه (بس ما کنه کاران از سعادای خیر میطلبیم و کاش کردی و گذشتی و دعوی با کی نکردی) مضمونیه تعلیم هضم و انکسار و افتقار و تعریض ترک ادعا و استکبار یوروب روی رجاسته سد باب قبول اولغله دردمند بیچاره در دیوار دن استمداد ایلدیکی ائاده دقیقه شناسان رفتار و کفزار لرین بر محرم دیرینه حال پریشانیه مرحمت و شفقت و خلاصه مجلس خاصدن سؤال ایدوب مال مفهومی و آنچه جواب مناسب حال تعلیم ایدوب بعد زمانینه احضار و عاده سؤال سابق یورلدقه در روی زمین وزیر چرخ برین سپهر و وزیر و تجر و تراز خود کسی ندانم مضمون مسکنیت مشخونه عرف حال پراپتهال ایدنجه امانه کند و به بر سکه شریفه احسانیه تمغازه قبول و مطبخ خام پرور لرینده حالته ملایم خدمتمده مستخدم اولوب تکمیل چله سنده مستعد تکبیر مولوی اولوب یکدره مسکنیت کند و به سرمایه عز و علای سرمد اولشدر \* (نظم) \* هستی اندر نیستی توان نمود \* مالداران بر فقیر آید جود \* نیستی و نقص هر جایی که خاست \* اینیه خوبی جله پیشه است \* نقصها آینه وصف کمال \* و آن حقارت موجب عز و جلال \* هر که نقص خویش را دید و شناخت \* اندر استکمال خود ده اسبه تاخت \* (مروستکه) \* جناب ولایت مآب لر یله حضرت رسوخی ده ده بر پوسنانک ثمره لری اولغله بینماده علاقه اتحاد اکید اولوب علی التوالی مراسلات و مهادت جاری اولوب برچاشتگاه ده حرمسرا لرین مخالف وقت معتاد خیرین و کتیب خروج یوروب حالا مدفن مشور لری اولان موضع مبارکه نظر میدید یوروب (انجام مناسب است) لفظیه تکلم یورملرینک وجهی خفی اولغله قلوب مستمعینه باعث اندیشه اولدغی ضمیر منیر لرینه لایح اولغله افسوسکه طوطی کویای گلستان مشوی و عندلیب حقایق سرای پوسنان مولوی برادر جان



مستحبه لرین منع صد دنده ایراد ایلدیکي مواد منازع فیه اده قول مجر دمستول مرقومه اعتماد دگان اولیوب علما و فضلا ی رجال طریقه دخی مباحث فریقین عرض واستفنا اولمغین ضبط اقوال المناظرین صد دنده هر بری تأیید حزب اولیای عظام واستحسان آثار مندوبه لری سیاقند حسب البضاعة و قدر الاستطاعة تحریر اجوبه شافیه و رفع حضور همایون ایلد کلرنده سماع و صفاء خصوصی دخی حصه رسوخی دهده به اصابت ایدوب هر ادره کلام و اعاده مرام ایلد کلرنجه مدافعه مسکته اولمغله اوچ کونه دکن بکرمی بر قطعه رساله و جیزه تحریر بیوروب مرفوع سده سعادت اولدقه بالضروره شیخ الاسلام وقت مرحوم و مغفور له یحیی افندی و سائر کبار علمای پایتختلری محاکمه سبیل الزام و تنبیکت و قریحه پادشاهی دخی اغرای متعسف مذکور و اقدام ایلدیکي جرم نامعقولدن تحویل اولمشدر که سماع مولوی اطراف طرق سائر به حصن حصین و سد سید در ابتدای هجوم متعصبه اول دائرة توحید مداره در اول معرکه ده منزه اولدقلرنده ماعدادن مأیوس التشی اولور لر و فقرای صوفیه انزل و رای ستره و قایه لرنده مأمون الغائله اذای مخالفین و مقتضای وقت اولور لر بومقوله مقابله هائله ده سپه دار تأیید اولان وجود مکررم کل الوجوه فی الصبح و المساء سزای خیر د عادر دیو تنصیص و تشکر لری خواص طریقه جلوتیه دن تلقی کرده عامه اخوان و خلان طرق علیه در \* (نظم) \*

ادخلی توفی عبادی یافتی \* ادخلی فی جنتی در یافتی \* اهدنا کفنی صراط المستقیم \* دست تو بکرفت و بردت تانیم \* (مرو بستکه) \* اول مردم چشم ارباب بصیرت و عسی ان تکره و اشیاء و هو خیر لکم مصداق بجه خلیفان انکیز خاطر لری اولان وجع العین کند و بی سابقه عنایتیه قائد اولدیغی کبی سائق بوستان طریقت خنکار اکبری اولوب اول بوستان معرقتل نخل بار آوری اولان هر یلر لابتدای الباس کلاه کرامت دستکاه لرنده اندفاع مردم و سبیل ایله سالک سبیل شکران و نادر شرح شش مجلد مشنوی مولوی اولمغله مقرر خلاقلرنده وفای نذر لرینه موفق و انشای نظم و تصنیفات کثیره مفیده ایله دخی مستفیدین طرق جلیله بی متدار نیل غوامض اسرار ایلوب کویامن طرف الله الحکیم و من جانب روحانیه الغوث العظیم ظهور ذاتلری متشخصین زمانه دن قاصر الهمة و فائز العظمه اولمغله فریادرس اولوب اثنای تذکیر لرنده تحریف و تفسیر بالرای ایله و مستمعینه القای معانی غیر مراده ایله دغدغه فرسا اولدن نجاتیاب اولمشدر در نه دره و علی الفیض اجره و فاتحه دعوات مستجاب لرنده (الحمد لله الحکیم الذی جعل داء بصری دواء بصیرتی و رزقی بنفایس عنایاته من حیث لا احتسب و اغثنی عن من السکل و صیرنی من اهل الحال) فقر تشکر یله فتح باب مناجات بیوروب بقیه اثر و جمع مرقومل دخی زوالی عتبه پیر میریدن نیاز درونی اولندقه ضمیر منیر لرینه منعکس اولوب بر مقدار رریق راقلرین سر انکشت متبر کلر یله سوده روی مردم دیده لری ایدنجه کان لم یکن اولوب بلکه سابقا اولان قوه باصره لرینه غلبه ایلد کده حضرت پیر قدس سره المنیر دن مروی اولان دمع شعله مریج بیور بلیوب ساده ریقله دوا بیور ملری اندیشه لری خاطر کذاری اولنجه (خاصه در لعب خواص اهل نفس و ذکر است و روغن پاره پرده چشم ظاهر بینان است) نفس انفس لر یله توبتانه بصیرت لری اولوب واقف اسرار و رای پرده اولمشدر در اول مایه استفاد نور نظر رسیده مردم اولدقه عطاس متابعه ظهوری دخی کند و به حیرتده اولمغله خاصه مؤثره لری قوت بخش دماغ اولوب عطسه پرز و ره مجرای نوره اولان بقایای انجیره نل اندفاع دفعیسنه سبب روحانی اولدیغین بیانله پرده برانداز روی کار تدبیر کرامت ضمیر اولمغین نقل سیاقند مردان خدائک لعب دهن مبارک کارنده کلمات دور بینانک اظهار عجز تدبیر ایلد کلری داعسیر الدوا به دفعه بومقوله عنایت محیره و دیعه صمدیه اولنجه انفس و انظار لرنده بلکه

ذره ذره وجود بهبود فائض الجود لرزیده کامنه اولان برکات جلیله انکاری و قیاس نفسله و میزان و هممه  
دقایق طواهر و بواطن اجله دین مبینة قصد و وصول اصراری \*(بیت)\* هیهات ان تصطادع نقاء  
البقا \* بلعابهن عناكب الافکار \* ماصدق اولق بین بنفسه در دیومفارق پروانگان شمع محبت زبانه نثار  
انوار معارف یور مشلدر \*(نظم)\* کرتوسنک صخره و مر مرشوی \* چون بصاحب دل رسی کوهر  
شوی \* مهربا کان در میان جان نشان \* دل مده الایمهر دلویشان \* چشم راباروی او میدار  
جفت \* کرد منکیزان ز راه بحث و کفت \* اهل دل را باز دان از اهل کین \* همنشین حق بجوبا  
اونشین \* زان جلیس الله کشت آن نیکبخت \* کده بهلولی سعیدی بر درخت \* چونکه کنجی  
هست در عالم مرغ \* هیچ ویرانزادان خالی ز کنج \* چون ترا آن چشم باطن بین نبود \* کنج می  
بندار اندر هر وجود \* کز تر باز است آن دیده یقین \* زیر هر سنگی یکی سرهنگ بین \*(ومن العجب  
فی هذا الباب ان المحرمین من انوار البصیرة یرجون التأثير فی الاثم والکحل و یقررون تأثیر نظر  
السکھفة و یمنعون اثر انقاس الکاملین و مدد انظارهم فیکرمون عن فوائد موآئدهم العیاذ بالله من شر  
مثل هذا الخیال الزانیغ و شوم الادراک الناقص و الغیاب به تعالی شأنه و توالی احسانه من التثبث بکل  
حشیش لامد دلنفسه و لاسند لغیره \*(مرویسکه)\* اول شیخ کامل عارف و مر شد مکمل مالک  
المعارف اول مسند سامی و مر صد عالیده چشم و چراغ پروانگان شمع الهدی اولوب و جوهر ذات جسیم  
البرکاتی ز مر ددیده بد نظران و سایه کرامت سایه سی ما من تعرض معارض ان اولوب و فای نذر و الطاعت  
امر صد دنده تکمیل شروح بر فتوح شش مجلد مشنوی حضرت مولوی به موفق اولد یغندن ماعد اجامع  
الآیات و فاتح الایات و منهاج الفقرا و شرح تائیتین حضرت ابن الفارض و شرح فصوص الحکم و شرح  
هیأ کل النور اماثالی آثار بدیعہ انشاسنه مظهر و منظومات بلیغه خوش آئیده عارفانه و عاشقانه ایله  
ترتیب دیوانه و حجة السماع نام منصف بذیر و بین اهل الحق و الدق دائرة اولان مباحث غامضه حللی  
سیاقنده اجوبه حاسمة النزاع و شافیه الطبایعی حاویه رسائل و جیزه و مفیده اختراعنه مورد و منشأ  
اولوب احیای سنن اولیاده و اسلاک سنن انقیاده تا تقدم ورا استخدم اولغله السنه ملاء اعلاد نرسوخی  
مخلصیه تخصیص اولمشدر و مزور کریمه الذکر کلدخی مقدمات و همیه نموده سی میدان مباحثه ده  
کوی چوکان الزاملری اولغله مأیوس غلبه علیه اولوب طریق آخر تبلیسه سلو کاه طوائف علیه  
طریقندن تشفی صد دنده آب زیر کاه و تحریک حمیت مر ادخانی و سابقا تفصیل اولندیغی اوزره جمله  
مواد حرصندن حرمانله و سده ولایت خنکارا کبر قدس سره الازهرده مرزادیده و جزا کشیده اولدیغی  
مریدینه بادی تا کید عقیده و مدار ناسیس محبت و ماردینه باعث تبکیت و تزییف اولوب بفضل الله  
الغیور مکائد قولیه و فعلیه لری حبال و عصی سحره فرعونیه مانند نابود میدان وجود اولشدر همچنین  
باد ابد الابد بالله الصمد و عباد الایجاد \*(نظم)\* آنکه جان در روی او خندد چوقند \* از  
ترش روی خلقش چه کنند \* در شب مهتاب مهربا بر سماک \* از سکان و عوایشان چه بال \* ملک  
وظیفه خود بجای آورد \* مه شعاع خود بر خ میکسرد \* کار خود را میکزارد هر کسی \* آب نکذارد  
صفای هر خسی \* خس خسانه میرود بر روی آب \* آب صافی میرود بی اضطراب \*(منقولستکه)\*  
اول قلم ز راخرو مر د ذوالخفا خروار خاتقاده دکاکین موقوفه ده مستاجر اولان بقال یوسف نام  
کسنه به مانند حضرت یعقوب ارائت برهان قوی بیور و برهنه کام شامده غلبه نشئه صبا ایله وصول  
منزلندن مأیوس بر شاپ بری بیکر بقال مر قومل دکانه التجا ایدوب استیلای سرگرافی ایله بهوش خواب  
سکر و بخیخیر و شر اولغله بقال غافلله هجوم تسویلات نفسانیه اغرای بوس و گار و انتهاز فرصت غیر

مترقبه تحریض ایتمکین در کار اولی صد دنده ایکن ناگاه در و دیوار دکان مترزل بردهشت و در دکان منفعت  
 اولوب حضرت شیخ عزیز الجنب انکشت بر دهن تعبیر (این بیچاره بجوار آستانه مردان خدا معتمد شد  
 و خود را بدین دکان انداخت رسم میزبانی و مروت مهر بانی اینست که تو خانه خراب جرأت میکنی) تو بیخ  
 و تقریبه آزار سیور و ب و روح روان آساید خیانت پسندیدن نهان اولغله اولدخی بهوش صهبای  
 جلال و غیرت فریاد رسانه لریله شاب مر قوم سالم العرض و بقال دخی غامغ النعت اولوب لکن تأثیر توجه  
 شیرانه لریدن متأثر و شش ماه اسیر فراش عارضه غیرت اولوب هزار توبه واستغفار واعتذار بی شمار ایله  
 عافیت یاب اولد یغی ساعت جمله موجودین بذل خدمت فقرای خانقاهلری ایدوب مطبخ ترسیه لریده  
 کمر بسته حله خدمات شاقه اولوب تکمیل مدت صواب دید مری کاهلده رسم طریقت انیقه خنکاری  
 اوزره مغتنم تکبیر و کلاهپوش ارادت و حجره نشین اولد قده دخی دامن کرامت پیرامن خدمت پر حرمت  
 در کاهلرین دست همتدن قوم یوب الی آخر العمر خدمت باغبانی ایله اوقات گذار و برسالک نامدار  
 اولمشدر که ذکر مناقب فقراده احوال درویشانلری ایراد اولنور و اول شاب اخلاص مآب دخی  
 خبردار ماجرا اولد قده خرب فقرایه ملحق و سلامت صوری و معنوی ایله شرفیاب و مالا و بد ناده ده یوسف  
 مر قومک ناتوانلغی ایامده مقیم مقام خدمت شریفه لری اولمشدر زهی نخل سایه انداز ولایتکه همسایه  
 یکنانه لریده دخی غره کرامت باهره لری سرمایه آزادی بلای دوجهای اولوب سر سبز آسایش دار السعاده  
 فقر و فنا ایتمشدر افاض الله الهادی رشحات روحا یتنه العلیه علی قلوب متعطشی الطریقه السنیه آمین  
 بحرمة سمسید الاولین و الآخرين \* (نظم) \* این غمی بنی که قرب اولیا \* صد کرامت دارد و کار و کا \*  
 کز جوار طالبان طالب شوی \* و ز طلال غالبان غالب شوی \* ای که تو طالب نه توهم یا \* تا طلب  
 یابی ازین یار وفا \* سایه شاهان طلب هر دم شتاب \* ناشوی زان سایه بهتر از آفتاب \* (مرو بسته که) \*  
 اول یکنانه میدان مردانک خانقاه ادب دستکاهلریده سر نیزان اولان بنده لریدن ناگاه بحسب الطریقه  
 موجب سیاحت جنایت ظهور ایتکه سیاحت امر اولنوب اولدخی بر موجب فرمان الزم الاطاعه  
 خانقاهلرین خروج ایدوب لکن وقت بعد العصر و تنک اولغله عزیز مشار الیهک احبابندن امین اسماعیل  
 افندی خانه سنده شبکدار اولوب علی السحر تصحیح سفر و تنیم اتمار شد نطق تسلیم نفس مر شد  
 ایتک حسبله محب مر قومک مترلنه واروب اولدخی اصل قضیه دن بخیار اوقات سائر ده اوله کلان آمد  
 شد قیاس ایدوب صحبت همدانه اوزره مقیم قدوم و منتظر فرصت انس و الفت ایکن ناگاه حضرت شیخ  
 رسوخی دخی تشریف سیور و ب و بوم مقوله بی تکلفانه تشریف لری نعمت غیر مترقبه عد اولنوب اکرام  
 و احتراملرینه اهتمام قصد یله اخوان و خلایندن غم دده و امثالی دعوت اولنوب \* (بیت) \* لیلله  
 القدری که کویند اهل خلوت امشب است \* یارب این تأثیر دولت از کدامین کوکب است \* نظم  
 خوش آینده سیله ترغم ریز اوله رق دامن خدمت در میان همت منشین خوش آواز و مطربین دمساز  
 احضار اولنوب بعد العشاء و العشاء عیش روحانی موسیقی به آغاز صد دنده مر قوم نیزین باشیلری دخی  
 مجلس شریف لرینه التحاقه مساعد لرین نیاز ایلد کده سکوتله معامله لری عقیننده عاده رجا اولغله  
 (از مارخصت بی منت است اما اورادم فی نوازی نمانده است) نفس غیرت آمیز لری ایله مقابله  
 سیورلد قده درویش مزبور لحن تشریف عزیز موعی الیهده اختفا ایلدیکی گوشه به بالدفعات ارسال  
 خدمه دعوت مجلس شیخ اولوب سر برآور جیب مراقبه اولغله و دعوتیانی اصغاور و جواب واجابه  
 شتاب اتمدیکمندن ناشی صاحب خانه تعجب کان بالنفس احضاره مسارع ایدوب کارا و مرار بر خیز  
 و بیاد نسکره (این چه جای خوابست) دیوایق اظ صد دنده تحریک ایدنجه دردمندی میت متحرک معاینه



ایتمکه غرقه لجه حیرت و قتاده کرداب ضجرت و سرنفس حضرت شیخ آشکارا ولد قدسه کند و ناک بومقوله  
 ککار بوالعجب میانته مداخله سی باعث افسوس مدت العمر او لب پیران و مرشدانک مریدان  
 و درویشانیه معاملات جمالیه و جلالیه لری خصوصنده قطعا مداخله و توسط شناعت آمیز جائزد کلد  
 بلکه بادی صدمه غیرت انکیزا و لور دیوماجرایی محل محل یادیدر لرایش آخرالامر حسن ادب  
 و اعتباری کند و بی همسایه تربیه شریفه لری ایدوب فی الحیات و الممات بهره مند صحبت و معرفت  
 و حصه دارانوار نواز لر و روح و رحمت لری اولمشدر که اول موقع فیض قدسی مرقد اسماعیلین مراد و مرید  
 و یادباخیر لری بین الاخوان و اخلاق فواید جمیله ادب و تسلیمی مفید اولمشدر نورالله تعالی تربیهما و رفع  
 رتبهما آمین یا من لا یخیب السائلین \* (نظم) \* برخط و فرمان اوسرمی نهیم \* جان شیرینرا بزرگان  
 میدهم \* بس زیادتهدارون نقصهاست \* مرشیدانرا حیات اندر فناست \* ذره سایه عنایت  
 بهتر است \* از هزاران کوشش طاعت پرست \* خرم آنکه عجز و حیرت قوت اوست \* درد و عالم  
 خفته اندر ظل دوست \* گرم و سردش نو بهار زند کبست \* مایه صدق و صفای بند کبست  
 \* (منقول است که) \* بوالفضولان اینای شهر استنبولدن بر طائفه مداهنه معتاد متشیخین متعصبه دن  
 اشخاص معدوده ایله ناظر آتی الذکر خانه سنده ترتیب جمعیت غایت گروه پرشکوه مولویه کثر هم الله  
 تعالی الی قیام الساعه ایدوب قرارگاه گفت و گو یوچلری اکر خدا مکنده اولسه لقمه نان و شربت آب  
 کند و لردن دریغ اولمغه سزالردر دیو ختم کلام خشونت نظام ایلد کارنده صاحب خانه ناظر حسن  
 اغا دخیری و نیسای استصواب اولد یعنی ساعت مزاجنه انحراف کلی طاری و مدت مدیده حمای محرقة  
 مسلطه اولوب و اهتمام دفع حرارت حماده کثرت استعمال آب سرد له کرمیت غریزه سینه ضعف عارض  
 و آثار انتفاخ و استسقا دیدار اولمغه خیر خواهان احباب جانب الطبای جسمانیه دن روی مراجعتی  
 طرف شفاخانه ولایتته تحویل صد دنده حضرت رسوخی قدس سره العزیز دن استمداده سوق و ترغیب  
 ایتمکه بعض هدایای بهیه ایله بر محب ادیب و فہم توسیط اولنوب پیمائجه میدان درد مند ان پناہلرینه  
 عرض هدایا و حال پریشان مال اولند قدسه (شفای ایشان در دفع تشنکی و درویشان است) عنوانسله  
 سر زده اولان بشارت منتظره لری کوشزد مجموع مرقوم اولنجه فتح ابواب خزانه اقتدار له ماملک نثار طریق  
 حصول اشارت لری اولوب اجرای امر لری نه کاشتکان پراقدام شدن نطاق اهتمام له زمان بسیرده خیر  
 کثیر صدقه جاریه لری رسیدہ حد اتمام و حالا مجراسی اولد یعنی محمله چشمه انعام و درویشان و جیران  
 سیراب مالا کلام اولد قدسه حضرت عزیز مشار الیه دست کرامت پیوستلر ایلہ بر مشربہ لطیفه فی ومن  
 الماء کل شیء حی نکتہ سینه مجلا اولان زلالدن پرایدوب و عین الجمع درویشان و جیران محضر ندہ علیل  
 مذکورہ دوا ی شفاء ساعه اولق او زرہ خیر دعا و کلمات مولوی بیور و بارسال و بلاجرعه نوش  
 ایتمه سن تبیہ و شفای عاجل ایلہ تبشیر بیور مغله فی الواقع بشیر مرقوم تسلیم مشربہ و تبلیغ تبیہ و تبشیر  
 ایلد ککہ وفق التبیہ اطاعت صادقانه لری عقینده بفضل الله الشافی و کرمه المعافی در حال اثر  
 عافیت ظاهر و حرارت حماسا کن و امارت استسقا زائل و مدت یکسال مستولی اولان ضعف قوتہ مبدل  
 اولمغه بالکلیه اردای امر ارض نفسانیہ اولان انکار و تعصب دن دخی خلاص و حیات نازہ بولوب یوم  
 ثالث عافیتہ جبین سالی عتبه علیہ لری و فیضیاب دست و دامن بوسلری اولوب نیاز عرقیہ شجبت  
 صد دنده اجلاس ناکلف ایدوب فرق صادقانه سی موقع سایه دست تکبیر عنایت و سر سودازده  
 تکبیری آسوده در دخوت اولوب منتظم سلك احباب خداوند کاری اولد یعنی اتباع و اشباعه دخی  
 دلیل اولمغه افراد جمہ ناک دخل در کہ حضرت مولانا قدس سرہ الاعلی اولمسنه وسیله اولمشدر طوبی لہم



وحسن مآب \* (نقلستکه) \* اول قطب دائرة تمکینک معتاد صفوت بنیاد لری هر وقت صبح اعقاب  
ذکر اسم جلالت عین الجمع اخوان و خلایله صحبت ارشاد و تعلیم بیور و ب زمان ضحاده قوالان و منشدینه  
مقدار ساعه طرب آرائی اقتدیر و ب تجدید صبوحی صفوت و بعدد خواصله تألیف و تدوین مشغول  
اولوب غنم دهده امثالی اخص خواص لری انتخاب و ماعدایه اذن تفرق صوری فرما اولوب تتبع و تصفیه  
اعمال جل همته اوقات گذار ایکن بر وقت نشاط و حین انبساط لریده مطایبه کان (این غنم ماه مهال کبش  
حضرت اسماعیل علیه السلام خواهد بود) عنوانیله نفس ران دنلوازی اولملری اول روح پر فتوح قوالب  
اخوان و روح و ریحان قلوب خلایک بر عارضه شسید و علت مدیده ایله فراش رهین و حجره حرم نشین  
اولد یغنده ناتمامی آثار جلیله لر یله داغدار افسوس اولد قلری خواطر محرمانه خلجان هجران لری قدر  
دغدغه فرسا اولد یغی مشاهده اولند قدده همان غنم دهده حضرت لری اغتنام فرصت سیاقنده (ازین غنم  
بیچاره غیر از قربانی چه می آید) عبارت پراخان داغدار یله قائم مقام نیاز و مال پیمانچه جامندی  
اولنجه دعا کوی خانقاه اولان پیر روشن خمیرا کاه سر صمیم القوادی اولمغله کلبانک کش قبول فدا  
اولد یغی آن غیر منقسمه بحکمة الله القدیر العزیز مانند کبش ذبیح الهی فدا ای حضرت شیخی اولوب  
لوازم تجهیز و دققی تمامنده جناب رسوخ دخی عاقبت تامه و صحت کامله یاب و تکمیل آثار شریفه لرینه  
تشمیر مساعد مبادرت ایله موفق اتمام اولد قلریده نفس طیب آمیز لری متضمن کاشفه طرافت  
اندو لری اولد یغی اشتباه آشنا و بیکانه دن میرا و سر باز مر قومک خال باکی متبرک پیر و جوان  
وذ کرم جلیل تحسین و آفرینی یاد کار مردان میدان اولمشدر \* (نظم) \* ظاهرش پیش و بیاطن اندکی \*  
ظاهرش ابتر نهان پایندگی \* تلخ نبود پیش ایشان مرگ تن \* چون روند از چاه وزندان در چمن \*  
رفت آن طاوس عرشی سوی عرش \* چون رسید از هاتقانش بوی عرش \* جان مجرد کشته  
از غوغای تن \* میرد با پر دل بی پای تن \* چون تنم و اموت گفت ای صادقین \* صادق جان را بر افشانم  
بدین \* کشته و مرده به پشت ای قر \* به کدشاه زندگان جای دگر \* آزمودم من هزاران بار پیش  
بی تو من شیرین بنیم عمر خویش \* و اول مرد فدایی شناسنده محبی افندیکن سر زده قریحه صافیة  
الهام سمیر لری اولان قطعه غرا بودر \* (قطعه) \* قربان سرت کشت و غنم یافت غنیمت \* از راه فدا  
سوی خدا کرد عزیمت \* در پیروی پیر چنان طی مکان کرد \* که پیش قتادن همه را داد هزیمت  
\* (منقولستکه) \* اول مسند آرای طریقت و متکازیب حقیقت و چار بالش نشین معرفتک نوبت  
خلاقلریده پروانسان انجمن ارشاد و تریه لرین اصناف ثلاثه اوزره ترتیب بیور و ب نوبت زانی خدمات  
مطبخ و حجرات و میدانه تعیین و دانشوران و معارف و ورزانی زوایای حجرات و حدیثه تخصیص و توجه  
و مراقبه به تحقیق و بی سرو بایان و قلندرانی و خانه بردوشان بی قیدانی (در ویشرا هر کجا که شب آمد  
سرای اوست) دین اصحاب سفة کیشانی حالات تریه شریفه لری اولان مهبط انوارک تحت قدمده خواص  
حرمسرای صاحب الخیرات و الحساندن و اقرب اقربای سکندر پاشا بیدن اولان دوشیزه عابدۀ نک  
تریه سی اولان قبه شریفه دهه ابوا و اسکان ایدوب و عامۀ لوازم قالیه لرینه بالنفس و الهمة تکفل بیور و ب  
قطعا اول گروه پرش کوهل مشغله بیرون در مسکن لری اولیوب اوقات شریفه لری مصرف صحبت بی  
ماومن طاعت و عبادت و تخلیه و تخلیه اولوب کند و لر دخی ثلث اخیر لیا لیده حلقه انس و دائرة القلرینه  
داخل اولوب الفت سرانی و صحبت روحانی و دقایق و حقایق ثمرات معاملان لری به فریقین مذکورین  
واقف اولیوب انجمن نجه عقود مشکله نک انحلال سهولت مآلی جمله سنک بالاتحاد و الائتفاق انضمام  
همت علیه لرین اشعار اتمکله اول قبه جلیله نک عیبه باب التجاماتی در دمنان ظاهر و باطنه و مستمدان

فوز مطالب صوریه و معنویه به ملاذ و مجاوسایه حمایتیای دیواری کشف الامان و مفاز المرام اولوب  
 عزیز مشارالیه قبل انتقالنده اول جمعیت پراکنده و هر بری و رای پرده غیبه قدم نهاده اولمشدر  
 و اول قبه رفیعیه ده دامنچین فراغ بال و چار اندر چار نشینان خالک اند از صفای حال اولسرا یله بکرنک  
 اوللرین مؤید هر نور و زفیروزه جمله ماملککین محتاجان متأهلین و عجزه شجر دین و بی نوابان احبابه  
 انفاق یوروب نور و زفیروز و زی و یوم جدید و رزق جدید مضمونیه عملی التزام یورملریدر حتی  
 سنه مانیه ده فتح اولان کتب نفیسه لینه دخی وقف تحریر یوروب کتب موقوفه خانقاهه ضم و الحاق  
 ایله جامعه بکالیدن تجرد تام یورولرایدی \* (نظم) \* دام بدران و بسوزان دانه را \* باز کن درهای  
 نوابان خانه را \* چون چنین رفتی بدیدی صد کشاد \* چون شدی در ضد آن دیدی فساد \* حق  
 همی خواهد که تو زاهد شوی \* تا غرض بگذاری و شاهد شوی \* شاد از وی شو مشوا و غیروی  
 \* او بهار است و ذکرها ماه دی \* هر چه غیر او است استدر اراج تست \* کرچه تخت و ملک است  
 و تاج تست \* امتحان کن فقر را روزی دو تو \* تا بفقر اندر غنائی دوتو \* صبر کن با فقر و بگذار  
 این ملال \* زانکه در فقر است عز و الجلال \* (مر ویستکه) \* اول دستم کیر افتاد کان برزخ  
 هوا و پشت و بنه در دمنده ان بی سرو با در که عنایت دستکهارنده میانه و فود طالبان حقه بریکس  
 مستندر و مال عشق اتما و جبین سای شوق اهدا اولوب در یوزه قبول خدمت پر حرمتلری سیاقنده  
 برداشته دست تهی بر نیاز لری اولان عرض حال صداقت ماله جواب شافی طرفیندن حواله استخاره  
 اولغله اول بیچاره دخی اقامت رسوم استخاره ده بدل مقدور ایدوب توجه مامله استکشاف پس پرده  
 مال ایلدیکنده اندای قدمندن انتها سینه وارنجه پی اندر پی مبتلای اختلام و آلوده خیال ملام و اندامی  
 کثرت انزالدن سببست اولوب علی الصباح استخبار صورت واقعه استخاره اولند قد غرق شرم و حیا  
 اولوب نه بیان حاله جرأت و نه طریق حجه خواب و خیالندن فرار و غیبه طاقتی اولوب دنک و حیران  
 و لال و کریان اولدینعی معروض پیشگاه حضرت شیخ الشیوخ قدس سره العزیز اولدقدله لهجه جنیان  
 مکاشفه حال اولوب (آن عاشق صادق بعنایت روحانیت پیران پیش قدمان برزخی که دیگران در بیست  
 و سی سال بهزار ریاضت و اجتهاد میگذرند در شبی گذشت و از لوث شهوت بالشد مسؤلستکه  
 از ما و منی نیز چنان رها یابد) مژده حیات بخشیده اول بزم مرده دلشده بی همان روز تکبیر سکه خنکار  
 اکبری یوروب خدمت خاصه میدان مردانه تخصیص ایله سر بلند و بهره مند حسن نظر کیمیا اثر  
 یوروب در ویش عقیف شهرتیه تشریف خطاب مستطابه ارزانی یورمشدر در فی الحقیقه کمال  
 عفت و طهارت او زره سلوک ایدوب زمان بیدیده امداد فیض نفس و اغاثه بمن نظر لر یله اصحاب  
 مراتب سامیه دن و ارباب رواتب نامیه دن اولمشدر \* (نظم) \* منکراندر نقش زشت و خوب  
 خویش \* منکراندر عشق و در مطلوب خویش \* منکرانکه توحقیری باضعیف \* منکراندر  
 همت خودای شریف \* کین طلب در تو ز احسان خداست \* زانکه هر طالب بمطلوبی سزااست  
 \* کز ترا آنجا بردنبود عجب \* منکراندر عجز و منکر در طلب \* بانک می آید که ای طالب بیا \* جود  
 محتاج کدایان چون کدا \* جود میجوید کدایان ضعیف \* همچو خوبان گانه جویند صاف \*  
 روی خوبان ز آینه زیبا شود \* روی احسان از کد ایداشود \* الصلا کفتم یا اهل الرشاد \*  
 کین زمان رضوان در جنت کشاد \* هین بیا ای طالب دولت شتاب \* که فتوح است این زمان و فتح  
 باب \* جهد کن تا این طلب افزون شود \* تادلت زین چاه تن بیرون شود \* (نقلستکه) \* چون  
 قاضی زاده مہبط صاعقه غیرت مردان خدا اولوب محصول زراعت تخم تفرقه بین الامة المرحومه

وحصاد لسان طعنه زن قلوب منکسره سن ادرالک وماخلق له سن تکمیل ایدوب عنه سیمین حضرت  
 خنکارا کبر قدس سره الازهرده مبتلا اولدینی غشیان صرع لا یفصل الیه دارالاولا به قونیہ صینت  
 عن جمیع البلیه دن رجعتله مقهورا استانبوله واصل ویکانه و آشناسنه ماده عبرت اولدقدنصکره علی  
 اسوء الوجوه واقبح الصور مد مر اولدینی شایع اولدقد حضرت رسوخی جناب ولایت مآ نسل دخی  
 تألیف آثار مفیده سی اتمام پذیر اولغله لهجه بر بهجه لرندن (خدمت مابا لیفات و تصنیفات تألیف قلوب  
 ضعاف رجال طرق محمدی صلی الله علیه وسلم ومدافعه طاهره ومقابله باطنه مخالفین بوده است  
 اکنون که رئیس پرتلیس ایشان مندفع شد سائر جوارح بی رأس ماندند کار تمامست بعد ازین بوصول  
 اصول مشرف خواهم شد) انقاس وداع آمیز لری ظهور یلد قرب ارتحال رینه اشارت ومستعدین  
 استفاضه به تنبیه انتهاز فرصت بیوروب فی الحقیقه هر مجلس وعظ و تذکیر لری هزار و صد هزار مرید  
 مسترشد کحل مشکلاتنه کافی و هر محفل انس و صحبت لری اصناف سلاک تسلیمه وار شاد لرینه وافی  
 اولوب ایام عبیده ده شمع ذات لرندن چراغ کثیر بسندیده فروزان اولوب قیل عارضة الوفات شیوه  
 نوروز لرین اعاده الیه مجرد بالک اولوب (آمدن و رفتن اهل تجرید همرنگ باید) لطیفه لر یله استعداد  
 انتقال رینه ایما (و حق دوست بقید پوست باشد) دم ارشاد توأملر یله انسلاخ و اسپین لرخی اشعار بیوروب  
 هفته تجرد و تها لریده چارمخ عناصر شکن و پوست بدن افکن اولوب سیمر غروح پر قه و حلیر آشیان  
 علیمنه پرواز له قاف قربت نشین وجوار اسلاف کزین اولشدر و جسد متبرک لری موجب وصیت لری  
 او زره حالاً تر به شریفه لری اولان منار اشعه روح و روحان و مدار طوف عاشقان و عارفانده مانند کنج  
 نهان متواری استار عفو و غفران اولشدر نور الله مرقده و علی سنادس العنایات ارقدہ آمین یا مجیب  
 السائلین \* (نظم) \* چونکه ایشان خسر و دین بوده اند \* وقت شادی شد خوب بشکند بند \* سوی  
 شاد روان دولت ناخندند \* کنده و زنجیر را انداختند \* چون نفعت بودم از لطف خدا \* نفخ حق  
 باشم ز نای تن جدا \* صورت تن کو برومن کیستم \* نقش کم باید چومن بایستم \* (حضرت آدم  
 افندی) \* مدینه انطا لیه ده چاوش زاده خاندانی دیمکه معرفت برداره دولته نشو و نما یاب و مالک  
 ثروت مال و منال و صاحب جمعیت خاندان و اتباع و عیال ایکن ناگاه مظهر نینکاه عنایت حضرت شیخ  
 محمد زنجیر قران اولغله بالکلیه ر بوده محبت و ارادت لری و آستان خدمات علیه لریده ماملک نثار و بنده  
 خدمت سکرار لری اولوب بعد وفات الوالدین اذن حضرت شیخ الیه سیر و سیاحتده پنجه و غانم صحبت  
 کار طریق و آغازاده و رسوخی افندی حضرت لری سایه حمایه لریده دخی خوشحال انظار عاطفت  
 مآ لری و حسن سلو که بین الفقرا علم و لطف سیرتله عند اولی النهی محترم و حضرت شیخ اسماعیل  
 رسوخی عقبنده مقام عالی لرینه استخلاف بیوریلوب آدم صفی الوقت و عالی دم و فی العهد اولشدر در  
 ومن الاول الی الآخر ساحة سرای دائره لری مطاف ارباب طلب و مقصد و مجمع اصحاب ادب اولوب  
 \* (بیت) \* بوتکیه بزم تنکیه عشرت کده فردر \* درویش لرز حضرت آدم دده فردر \*  
 خواستجه خانقاه تربیت پناه و تمیت دستکاه لری جلوگاه عارفان و عاشقان اولوب اکثر رجال دولت  
 محب مخلص لری و اغلب مستعدین مرید خالص لری اولغله مترددین هر صبح و شامدن ماعد اخوان  
 صاحب رشاددن همیشه ایکوزمقداری کزیده و پرورده پرتیمکین متمکن اولدن خالی اولدینی تلقی  
 کرده ثقات اخبار صحیحته الاخبار در و مکاشفات طاهره و کرامات باهره الیه ذکر جمیل لری وصیت کرم  
 طبع و ولوله آثار انقاس جمالیه و جلالیه لری عالم کبر و کوشکدار ملای اعلا اولشدر حتی افضل فضلاء  
 العصر شیخ الاسلام وقت یحیی افندی حضرت لری کبی وجود نادر النظیر مخلص عهد ارادت لری اولوب

حضرت آدم افندی

قاسم پاشا درگاه بیوروسوی افندی

عزیز مشار الیه حقنده (پدر و مادرش) اورا آدم گفته اند و ربه در حق آن حق پسند ان هذا الاملك  
 کریم شاید گفت) تحقیق اطمینانم میمیرم و عرض پیشگاه همملری اولدقه آن در حق یوسف صدیق  
 علیه السلام حسب المعرفه گفته نسوان ناقص ادعان مصر است و رنه اهل ادراک شامل و خرب انصاف  
 کامل آن جناب نبوت نصابر انخدوم اکرمل ملائکه کرام میگویند) عبارت تعریض اشارت لریله بیان نفس  
 الامر بیورملری کوشش دشج الاسلامی اولدقه \* (بیت) \* خنک فطنت سوی صورت تاختم \*  
 آدم مخدوم را نشناختیم \* مضمون اعتراف مشکونیه اعتذار بیوروب همواره مشکات سر مقدس لریدن  
 اقتباس اشعه هم اوزره تا کارلری اولدیفی مشهود علیه حضار مجالس علیه لریدر جذا الوقت ونعم  
 العهد که صدر الصدور علماء اعلامه مشایخ طرق علمیه اولیاء اعظام یتیده بوسه کونه معاملات  
 مجاملات رونما و اهل ظاهر و باطن بر برلرینه مرایا اولوب مرأین ماینه رخصت باب القای تفرقه  
 اولیه لالهیم یا محول الحول والا حوال حول حالنا و احوال اهل الی احسن الحال انک انت الفیاض  
 المتعال والمنان ذوالافضال \* (نظم) \* اسب همت سوی اختر تاختم \* آدم مسجود را نشناختی \*  
 اختر انداز و رای اختران \* که احتراق و نخس نبود اندران \* سائران در آسمانهای ذکر \* غیر این  
 هفت آسمان مشتمل \* راسخان در تاب انوار خدا \* فیهم پیوسته و نه از هم جدا \* حسم شان راهم  
 ز نور اسرشته اند \* تاز روح و از ملک بگذشته اند \* برتر اند از عرش و کرسی و خلا \* ساکنان مقعد صدق  
 خدا \* (مر ویستکه) \* اول آدم بهشت معارف و انسان العین عنای لطائف عاده حسنه لری عین الجمع  
 اخوان و خلائل یله هر سینه موسم کتارده سمت حصاره توجه بیوروب بدل موجودله صفا بخش  
 فقرا و درویشان و جمع فرمای اذواق ظاهره و باطنیه اولق اعش ینه معتاد قدیم لری اوزره قیام  
 و چند زورق صبا سیر و نسیم جریه انزال یاران و همدمان بیوروب روی در یاده تماشای عجایب قدرت  
 ایدر لک شمت مقصوده عزیمت اثناسنده بقیه مرده ابن القاضی ماضی باهی و سر بوستانات شاهی  
 اولان نادان عید زورق نیزان و منشده خنک انداز مؤاخذه اولوب نای و قدوم لری شکست  
 ایلدیکی منظور قطبانه لری اولنجه انکسار زائد التمدید و حدث و افرا التمدید له مقرر خلافت لری نه رجعت  
 بیوروب و در خانقاهی سدد و مناظر میدان چلتانی بند ایدوب یک هفته توجه تدمیر لری بله فقرادن فرد  
 واحد خروج حد دائرة اتحاده مرخص اولیوب تمام اسبوعه فی ادب منکوس مر بور طعمه سبع تهور  
 خسر وانی اولوب نای و قدوم اولیابی شکست ایلدیکی محل مجازاته نای خلقومی بریده و قدوم سر بد  
 بختی شکسته اولدیفی مکشفه سن اشعار سیاقنده فتح باب خانقاه و مناظره امر بیوروب (درش مسدود  
 و مناظر مشاعرش مسکور شد پس نوبت فتح باب و مناظر فقرار رسید) دم بشارت توأملریله تعیر قلوب  
 منکسره بیور دقلری در ساعت شیوع قضیه تدمیر شریر مسفور له جلوه کرمنصه تحقیق اولمشدر  
 \* (بیت) \* مرده مرده ای گروه عیش و ساز \* آن سک دوزخ بدوزخ رفت باز \* بیت شر یقیله ترغیر  
 اوله رقی ینه عزیمت سابقه لری ینه شد نطق تمکین و اخوان الصفا و خلائ الوفا یله ذوق اجلاس شکر  
 اکین و بوانقلاع و انجماع و ابتهاج سسئل راه توجهر یله زهتسرای مقصد لری نه عقد مجالس متابعه آیین  
 وجد و حال مردان دین بیور مشلدر و بومقوله جرأت سیده دولت نصف مدار آل سعادت مال عثمانیده  
 (اول فاروره کسرت) قیلندن اولغله معلوم همایون پادشاهی اولدقه جبر انکسار و تلافی آزار مر بور  
 صد دنده عزیز مشار الیه وجوه کرامات شایسته ایله محترم و انما الاحسان بالتمام مصداقچه فقرای  
 طریقه علیه نیک بحسب الشرع الشریف اقتضایدن حدود لری نیک اقامتی و استیفاء حق و قری نیک تحصیلی  
 دخی خلفای خواجه تقویض اولوب ولات و حکام مباشرت لری منع و امور شرعیه و سائر له ینه مداخله

اجانب دفع اولتی مضمون حسن نظام مشحونیه او امر عیدہ اسکیده اصدار اولمغله دفعه مؤهمه  
مرقومه لری علی احسن الوجوه مندفعه اولدیغندن ماعداتسهیل اندفاعی اعداد آتیه به دخی تمهید  
مقدمه واقع اولمغله ایلیس نشان زمانلرینک جانب جنب آدمی به تعرضلری بالکلیه شهب محرقه  
غیرتلیله مرفوع و ممدوع والی یومناهد ابرکت کرامات باهره لری سرائیل طائفه علیه مأمون الغائله  
اولمشلردر همچنین باد ابد الابد بالنبی و صحبه الامجاد و آله الاسعاد آمین بحرمة سره المبین \*(نظم)\*  
مؤمنانرا برد باشد عاقبت \* بر منافق مات اندر آخرت \* چون نشان مؤمنان مغلوبست \* لبک در  
اشکبست مؤمن خویست \* در اکرچه خرد و اشکسته شود \* توتیای دیده خسته شود \* تومین که  
بر درختی یا بجاه \* تو مرا بین که منم مفتاح راه \* تا توانی بنده شو سلطان مباش \* زخم کش چون  
کوی شو چو کان مباش \*(مروستکه)\* اول شیر شریزه بیستان غیرت وزرای پایتختدن برینک  
دعوتیه اجابت بیورملری خلاننده رسم معتاد استقبالیلرینده ظاهر اولان قصور جوش آور بحر حیتلری  
اولمغله عتبه کاخ مخصوصدن رجعت قهقریه ایله پس پایکان میر میراندن بر مأیوس نیل رتبه وزارتک خانه  
پیشان بساطنی تشریف ایدوب اول بیگس دخی تنیه قدوملرینه و شکرانه تشریفلرینه فدای موجود  
و بدل مجهود بیوروب حسب الاقتدارا کراملرینه مبادرت اثناسنده اولان حسن ادب و صادقانه  
حرکاتی قلب شیرینلرینده جایگیر اولمغله قریبا و عاجلا حراز مرتبه رفیع و کالت کبرایله تشریف بیور دقلری  
القای جواسیس التزویله مسموع وزیر نخوت تدبیر اولدقده تا کید عقده کین مکر اکن و تأدیب  
و تشفی خصوصنده اندیشه باطل کونا کونا ایتمک اوزره ایکن بشارت عظمای مطیع اقبالدن تباشیر  
نما اولوب هرور زمان یسیرده کند و قید سریدولتی ایله مشغول اولوب عزیز مشارالیه حاضراره وقتی  
مساعدا اولوب نکبت زده و مخلص مرقوم اقامت مقامیله شرفیاب و وجود صداقت نمودی منشأ سود  
عباد و مبدأ آبادانی بلاد اولمشدر \*(بیت)\* آتانهک خالک را بنظر کمیما کند \* آیایود که گوشه  
چشمی عبا کند \*(دیگر)\* یکنظر افکن شوم ممتاز از انای جنس \* سلک که شد منظور نجم الدین سکانرا  
سرور است \* حتی میر میران مرقوم مژده شریفه لرین رتبه استحالده استبعاد ایله یکی آینه خمیر  
منیرلرینه عکس انداز اولمغله (تنهانه ترابلیکه اولاد اولاد اولاد و اتباع ترا) تدبیلی ایله تفصیل و مبالغه  
بیورملری دخی کاتقلاق الفجر شارق افق غیب اولوب اصل وفر و غندن الی یومناهد اخدمات دین  
ودولته استقامت دلخواهی و جان و سر سپاری ظهور ایتمکله عروق نسل و تبعیتلریله تبرک و تین  
اولتی اوزره درکه حالانده انظار عاطفت خسر وانه شامل و اولاد و اتباع کراملری پیر و اسلاف  
ذوی الاحترامدر لرا اکثری جامع علوم و اعمال و فائز عدل و اعتدال اولمشلردر و حین رجعت پر غیرتلیله  
بداهت سرزده طبع صافیلری اولان کوهر بیکای نظمدر که منقبه شریفه لری تعمیمیله ترصیع اولمشدر  
\*(بیت)\* دستورا کرناز دبا منصب نیابت \* آدم چرانناز دبا خلعت خلافت \*(منقولستکه)\* اول مسند  
نشین خلافت کبری ریب لبیلری اولان غنچه نوخیز کلشن ملاحظت نظارت و حراستی خدمتیه تعین  
اولنان صداقت کیشی عشاق صورت دشمن انتخاب ایدوب اولدخی خدمت محافظه ده اهتمام ایتمکله  
آخر کاری شهادته منجر اولدیغی معلوم حضرت عزیز مومی الیه اولدقده آشیجی باشیلرینه ایکی میته و فایده  
جک لوازم تنیه اولنوب عجباسر تنبیلری نه اوله دیوهر کس منتظر و رای برده ایکن ناکاه اولمخدوم  
مکرم دخی بلا عارضه جسمانیه فوت اولوب شهید مرقومی محل شهادته دفن و کشته شمشیر و لاتلرین  
حضرت رسوخی افندی پهلوی مرقوم نورینه دفن ایتمدر دوب (خادم و مخدوم زیکدیگر جداشدن  
مناسب نیست) عنوانیه سد باب خواطر حضار بیوروب انلرک روز شهادت و وفاتلری هفته سنده

جریمه قبل خادمه حرات اید نلردخی بر محل فسقده تیغ و دشمنه فسقه ایله پاره پاره اولوب قصاص بین  
معنوی اولدقلرنده (الآن حخص الحق) اقتباس شریفیله اظهار بشاشت بیور و بوز و شب هفتیه  
سابقه ده اولان یچناب و بیقرار قلری دفع و مستریج اولوب حادثه فریجه مر قومه شامت وجود  
احداثدن اولغله غیر طریقه دفعی مناسب کور یلیوب انتقاله توجه بیور لدیغی جمع منشأ و تلقی  
اصل قیلندن اولدیغین تنصیب بیور ملری شهادت کدره نقات حضار مجالس عالیله لریدر و یلایم هذا  
ماقاله حضرت المولوی فی المثنوی المعنوی \*(نظم)\* کفت آن کس رابکش ای محتشم \* کفت پس  
هر روز مردیر اکشم \* کشتم اورارستم از خونهای خلق \* نای او بر من به است از نای خلق \* پس  
انک کبی دیده بان ظاهر و باطن نظرنده و حجر تریه سنده اولان سادهر و نک بولنسی بوقدر مفسده یه  
بادی اولنجه ار باب خرم و احتیاطه الزم و اهم اولان اول مقوله قننه اخوانی دائره خانقا هدن ابعاد ایتکدر  
مع هذا کار طریقت و طیفه احداث اولدیغی مسلم الکدر پیران ورسیده کان انتساب اظهار عجز ایدنجه  
جوانان هزار آرزوی اتmadan نه حاصل علی الخصوص که مفسده قبح قننه سی مصلحت حسن صورت  
و لطف خدمته و سم نظره و محبتی تریاک عفت و پر هیز فقرایه غالب اوله کوچک میدان جل تنان اولق  
اوزره مشایخ شفقت نه اددن هر بر خصصده اهمال قاعده خرم و احتیاط ایدنلری الان قدندمت  
و ما یفیع التدم مضمونه ماصدق معاینه ایتش لدر فاعتبر وایا ولی الابصار و اتقوا مواضع التهم و الانکار  
\*(مروستکه)\* اول مقصد اصناف ار باب طلبک دائره خدمت پر حمتلرنده بولندان اصحاب هنردن  
در ویش حسن نام استاد هزار فن مفتی الانام و شیخ الاسلام بهای افندی رجاسیله بر قطعه اعجوبه زمان  
پیشخته مر مر ی نخت و تسکمیانه سرای فاضل مر قومدن بر حجره تخلیه ایدوب الواح منجوته سنه نقوش  
کونا کون حلک ایدوب هنوز تالیف و ضم اولندن اول وجود مکر م تماشای صنعت اوستاد صد دنده  
ایکن لوحک بری یدندن بغیر قصد زینه دوشوب شکست اولغله هزار فن مر قومک عرق بشریتی خشونت  
طبیعیه ایله جنسان اولوب بقایای الواحی دخی کندوسی بر برینه اوروب شکست ایلدیکی عقیننده  
انکسار کسر سهوی ایله خانقا هده اولان حجره سنه کلوب خلوت و ریاضت متعلله ایله شجر اغ کنجینه  
علوم و معارفک کسر ینه توجه غیر موجه ایلدیکی عز بر موی الهیه و جناب مسند آرای فضل و بهایه  
منعکس اولدقده هر بری تطیب و جبر انکسار سیاقنده اضعا فیت پیشخته مر قومه بی عرض  
ایلد کلرنده قرین قبول اولیوب توجه سابق اوزره اصرار و نقش شکستی بیدار اولنجه همتا نا آشی  
باشیلر ینه تدارک تجیز جنازه فرمان بیور لغلله بعد الاتمام و دید آن سرکش و نقش شکن را بیرون آرید  
مضمون جلال مشکونلر یله اتمار اجره هزار فن مر قومه وارلدقده بیجان بولنوب غسل و تجیز و دفن  
اولندیغی ائناده (بیچاره) کچه هزار فن بودا مافن تسلیم ایلدن کدر دشوئی سرکش اش بترک سرکشیدجه  
صنعت شوم بوده استکه سبب هلاک استاد کشت \*(یت)\* الله الله یا مننه از حد پیش \* نازینی لیلک  
اندر حد خویش \* مضمونیه بیان باعث عقوبت بیور دقلری مشاهدین وقعه مذکور ه دن شفا ها تلقی  
کرده اکثر اخوان عصر مر در که (نفس شکن نفس شکن خود است) مقدمه مشهوره سنه شاهدی مرا  
اولشدر و حضرت بهای افندی دخی واقف تفصیل حال اولدقده جمله اتباع و اشیا علیه محب مخلصلری  
اولوب راه شکرانه همت قطبانه لرنده ماملک نثار اولمشلردر \*(نظم)\* باقضا پنجه مر ن ای تند و تیز  
\* تانکیردهم قضا باتوستیز \* مرده باید بود پیش حکم حق \* تاناید زخم از رب الغلق \* چون قضا  
آید شود دانش بخواب \* مه سیه کرد بکیرد آفتاب \* چرخ کرد انراقضا کمره کند \* صد عطار در  
قضا ایله کند \* جرم بر خونده که تو خود کاشتی \* با جزا و عدل حق کن آشتی \* این قضا صدار

اگر راحت زند \* بر فراز چرخ کاهد زند \* شرط تسلیمست فی کار دراز \* سود نبود در ضلالت  
 تر گاز \* (منقولست که) \* ماجرای مزبور مصادف روز مقابله شریفه اولغله جوش رقت و غیر تلری  
 تسکین یاب اولیوب مجلس تذکیر لایحه دخی ایاز خاص حقنده وزیران حسودان انلیدی تشنیه و شماتتی  
 دفع سیاقنده حضرت سلطان العاشقین و برهان الواصلین جناب ارشاد ما سنک مشنوی شریف لایحه ایراد  
 بیورد قلی ایات شریفه بی سر سخن و مبتدای صدد بیور وب \* (نظم) \* کفت ایازای مهتران ناهور  
 \* امر شه بهتر بقیمت یا کهر \* امر سلطان به بود پیش شما \* یا که این نیکو کهر بهر خدا \* ای  
 نظرتان بر کهر بر شاه نه \* قبله تان غورست و بادۀ زانه \* من زشه بر منسکر دانه بصر \* من چو مشرک  
 روی نارم بر حجر \* ایات شریفه لایحه معانی لطیفه لایحه بیان ذیلند مطمح نظر مرید رضای پیر و نصب  
 عین سالت تسلیم مرشد اولدیغنی تحقیق لزوم و انجق واسطه استفاضه و رابطه ارشاد بونلر اولدیغنی  
 بایید بیور وب و حقیقت حال منوال مقرر اوزره اولدیغنی شان مستخلف و خلیفه قاعده واحده  
 اوزره مطرد و ممشی اولغله تشبیه بیور مشلردر که نوبت اولاده آرزوی شجره خلد که حضرت آدم  
 صفی دن سر زده اولان عدم انتها و غلیان کبر و حسدا یله ابلیس دن صدور ایدن عدم اثمار و اصرار باعث  
 هبوط و سبب طرد و لعن اولدیغنی نوبات لاحقه ده دخی عامه مخالفین انبیا و اولیا حق لایحه دستور العمل  
 و امر و نهی خلیفه جانب مستخلفدن و مطاوعت و مخالفتی راجع حضرت اصل ذوی الجلال و الجلال  
 اولدیغنی نصوص قطعیه ایله بیان و انقاس اصحاب کمالی کوش قبول و اطاعتله اصغاف و تلقی و خلافتدن  
 کمال توفی سرمایه سعادات صوری و سربیه و واسطه فیوض باطنه و ظاهره و رابطه قلوب مقبله و قوالب  
 قابله در دیونجه غرات قبول انقاس نفیسه کاری و آثار مجازات استنکار و استبکاری مشعر مناقب  
 عدیده پراعتبار له ختم تذکیر بیور مشلردر که قیل نکت العهودیست جناب الصد و دوکل ماقاله الخلفاء  
 العظام ان هو الا وحی و الهام فلا ینطقون من اله و اجس و الوساوس بل قولهم و فعلهم من الواردات  
 الالهیه و الملمات الملکیه \* (نظم) \* اتصالی بی تکلیف بی قیاس \* هست رب الناس را با جان ناس \*  
 اتصالی که نکند در کلام \* گفتنش تکلیف باشد و السلام \* پیش من آواز آواز خداست  
 \* عاشق و معشوق حاشا که جداست \* چونکه باحق متصل گردید جان \* دیگران اینست و دیگر  
 نیست آن \* مضامین منیفه سی اوزره مبادرت حسن اصغای کلمات قدسیه لایحه ترغیب و مسامحه جهت  
 خلافتدن ترهیب بیور مشلردر (ومن نکت فانما سنکث علی نفسه و من اوفی بعا عهد علیه الله  
 فسیؤتیه اجر عظیم) و عزیر مصر ولایت مر قومک مانند آدم صفی اکثر یاورد پردرد زبان ادب  
 بیانلری و مفتتح موعظه لری (ربنا ظلمنا) الی آخره اولغله علی الدوام اعتراف قصور و اجتناب غرور  
 اوزره اولوب مجلس ارشاد آینلرند ار باب معارف و هنردن شطح و طامات و مفاخره متعلق آثار معجبه  
 کوشلری اولدقده علیکم باعتراف القصور و ایا کم واعتراف الغرور ابد الدهور نطق احتیاط  
 مناظر لایحه الزام خرم و تحذیر ترکیه بیور لر لایحه الله دره و علیه اجره و ضوعف بره آمین یا معین بحرمة من  
 انزل علی قلبه القرآن المبین \* (مر ویست که) \* اول سیمیر غ قاف قناعت و استغنائک دیار لایحه اولان  
 اوقاف آبا و اجداد لری فائضدن حصه لایحه اصابت ایدن مبلغ بهر سینه ارسال و ایصال اولند قده  
 جمله سن فقرایه تقریق ایدوب کند ولره بقای جبه بیور میوب ار واح واقفین اسلافه اهدای فاتحه  
 شریفه و اتخاف کلبانک شادی روح و ان ایدوب مراد اوقاف از اوقاف همینست دیو حاصل املال  
 و اوقافدن دست رغبت شوی اولد قلدن صددا کراملرند ملوک و وزرادن سنوخ ایدن عواطف  
 و طائف دخی مستحقین فقر و احبابه فراغت بیور مغله جوانب اصحاب قلم توچمیدن بی نیاز اولوب (وظیفه

ماز دیوان مثناسبت نه از خزانه احسان ساطع است (عنوان توکل بنیانیه اعتذار فراغت ایدر لرایش نه  
بومر تبسه دست و وزن خود آید نعم غیر متر تبسه ایکن انواع قنوجات جانب جنبای نه منجذبه اولغله  
بوعیش خوش امیرانه اید و اوقات گذار صانیه اولوب رهگذار لرنده بولنان مجامع مسا کین و سائلین و اطفال  
نثار کریمانه لری مبدول و طعاهلری نفیس و لباسلری فاخر اولغله کیفیت ایراد و مصرفلری مفهوم عقول  
مدبره معاش اولوب محتمل معانی تخمینیه اولشد و اکثر یاغله بیضا سوار اولوب محال از دحام خلافتده  
تستیر ملامت نعل باز کونه قلاشان وقاری مشوی اولان عرضی دده حضرت تلیزین ارداف بیورر لرایش  
حتی بردفعه قیودان باشد دعوتنه اجابت اثنا سنده راهلری میانه لوندا ترسانه یه اوغرایوب ردیفلری های  
وهوی تسخر طائفه اجلافدن محافظه قصدیه نزول مراد ایلد کده رضا و بر میوب (ایشان مارانه بینند)  
نفس نفیسار به تسلیمت فرما و ماللری عقینده عمر مر قومه مرور لری وقتنده طرفینه نثار معهودلرین بدل  
بیور مغله طرفینی مشغول خطف نثار ایدوب کند و لری دغدغه استیضای ارادل اول معبر تعرض عرضدن  
سالماعبور بیورملری حیرته افهام دور و نزدیک و اولوقت تسکاتسکده جلوه کرمنصه طرافت اولان  
تدارکاری کرامت طرافت نما نامیه مشهور اولشد و رکه مقرر خلافتلرینه رجعت بیور دقلرنده عرضی دده  
حضرت تلیزین عرض شکران سلامت عرض ایلد کده (مردان خدا نیز ازین معبر بر آفت اشتها رد نیابدن  
نمط گذر کنند که حضرت حکیم غیور بیکانکارا بمشاعل ماسوا چشم پوش کرده است که بجز مطلب  
خویش نبینند که الحب یعنی و یصم است پس از میانه ایشان مستور ان قیاب غیرت مأمون الغائله اصابت  
العین اغیار گذران کنند چون گذشتن ماز میان ارادل) عنوانیه منشاند ارک آنیلری بمشاشات عادت  
پر حکمت اولد یغین اشعار بیور مشلدر \* (نظم) \* حس ابدان قوت طلمت میخورد \* حس جان از آفتابی  
میچرد \* چشم حس است مذهب پر اعتزال \* خویش راسنی نمایند از ضلال \* سخره حسند اهل اعتزال  
\* دیده عقل است سنی در وصال \* چون ز حس بیرون نیاید آدمی \* باشد از تصویر غیب او هم عی \*  
کر بیدیدی حس حیوان شاهرا \* پس بیدیدی کاو و خرا اللهرا \* دیده حس را خدا اعماش خواند \* بت  
پرستش گفت وضد ماش خواند \* (مرو بستکه) \* تتابع کرامات باهره و تلاحق خوارق عاده لری  
وعلی الخصوص مشایخ اسلامیه دن یحیی افندی و بهایی افندی و سائر کبار علمای دارالدوله دن جم  
غفیر بجمیع الاتباع و الاشیاع محب مخلص و عرقیه کش عهد بیعتلری اولغله دبدبه کوس اشتها لرلی  
قیاب عالم بالایه و لوله انداز و تراحم زوار و مستمدیدن و تسکات دعوات الزم الاجابه دن محافظه وقت  
شریفارنده عسرت هویدا اولغله حج شریف بهانه سیله طی طومار اشتها را ایدوب همدمان سعادت مند لری به  
جانب مصره توجه بیور و ببلاد مصر به ده مدت مدیده اقامت و زیارت خا ک پاک مردان خدا ایله تبرک  
بیور و ب مشیخت خانقا مصر کند و لره عرض اولند قدده (زمانی خانقا ثابت بودیم بعد ازین رباط سیار  
خواهم شد) عنوانیه استعفا و اعتذار بیور و ب شیخانه و درویشانه طور جامع ایله تدارک صفای وقت  
بیور و ب هر چند رجعت مقرر خلافت سابقه و یا خود امضای عزیمت سالفه عرض اولنسه (مامهمان  
حضرت شیخ صدقه ایما کرایشان اذن فرمایند خوش باشد) سر سر بسته سیله مقابله بیور ملرینک آنکشافی  
بعد ربه من الزمان انحراف مزاج و لایت شریفلری و عزیمت دارالسلام و وار شیخ مشار الیه ددفن  
اولنلرین برده برانداز روی زیبای عروس مشاهده لری اولشد و نورالله مرقده و علی الطیب الثری  
ارقدده \* حتی بوقفیر کثیر انقصیرک دخیره خوان آسمان کرامت خنکرا کبر قدس سره د زهر دن  
بهره یاب اوله سینه باعث لامعذ کرجیللریدر که استاد مز و حید علمای عصر و فرید صدر الشهد  
والیدر السعید وزیر اعظم کو پر بلی زاده مصطفی پاشا و الدسالف الذکرینک نکبت عظمای سابقه سن



یاد و امتداد جمعیت اقبال منسوبات خاندانلرینک اقامت مرا اسم شکری سیاقنده (ابن همه از عتبه عنایت اوست) عنوانیله تجدید عهد قدیم یورملرینک تفصیل و توضیحندن متأثر اولوب آخر الامر غلبه ظهور انجذاب زائد الوصفله بحمد سبحانه و تعالی خرب عالیله بنه ملحق واذ کار جمیله و مناقب نفیسه لری تلفیقنه موفق اولق میسر اولشدر افاض الله العلی العظیم سجال برکات اسرار هم علی متعطشی میان ر و حانیاتهم فی الدنیا و الآخرة آمین یا من لا یخیب السائلین \* و او اخر حاللریده کمال احتراق و اشتیاق ایله مشرب عالیله نبدن نبوع ایدن زلال نظم لطیف لری زیاده دل و جان عشاق سوز اولغله بین الفقر امشهور و محرک شوق و شور لری بولنان نفس جان بخش لری حسن الختام نفیسه منقبه لری قلتمشدر که القطرة تدل علی البحر و الحفنة تنبی عن البدر طبع یقیدانه لری نفور قننه اشتها ر اولغله تدوین دیوانده خرم و توفی یور مشلدر دیو خسه همان بدیهه سر زده قریحه صافیه لری اولان آثار شریفه لری زیب مضبطة مراعات اولنسه مستقلا دیوان اولغله وسعتی مقرر در لکن اکثری بر اعثلهجه بر بهجه لریدن محکاف سامعه اخوان و خیلانه مر سوم اولوب مداد و قلم و کاغذه تنزل ایتمشدر انجی منتهزان فرصت بنه اهمال ایتیموب حسب الحافظه مخزون خیال اولان بدایع منظومه لرین محافظ خلوصه قیدد قتر تین ایتمشدر کل محافظ فرو کل ما کتب قمر موجب به رشته کش ترقیم اولنلری مشهور و ماعدا بنه خزانه قدس و غیه رجعت ایلشدر \* (مناجات ازان حضرت آدم افندی قدس سره العزیز) \* یارب عزتک حق \* قورتار بری نفس الندن \* کمال نصرتک حق \* قورتار بری نفس الندن \* معرم ذاتکجه جانندن \* ابرمه جانی جانندن \* حفظ ایله نفس و شیطاندن \* قورتار بری نفس الندن \* و ارایم بن بدن سکا \* کوسر سنی بنسز بکا \* مست اولوبن قالم طاکا \* قورتار بری نفس الندن \* آدم اغلتمه بنی \* توبه مقبول ایت یاغنی \* آل بنی ویر بکاسنی \* قورتار بری نفس الندن \* و اول ابوالمشایخ و قتلک خجیعه فوتنه عربی و فارسی و ترکی مرثیه و تاریخ اکثر ارباب طبعندن علی سبیل التظنیر اولغله جمع و تضمین متعسر اولوب بمصر عرب جسته ایله اکتفا اولمشدر (مصرع تاریخ انتقال حضرت آدم افندی) \* آدم دده مرقع ایدرک کردی جنانه \* سنه ۱۰۷۳ انار الله تعالی مشاعل شفاعاته فی العقبات المظلمة لعامة السالکین الضعفاء المتأخرین بحق قوافل السابقین الاجله آمین بحرمه سید الاوائل والاخر من الاعزة \* (حضرت شیخ عبدالکریم) \* لارندوی الاصل و عند لسان کلشن ارادت حضرت بوستان اولدن اولوب هنکام خجیعه فوتلریده تاب هجران و تب حسر تلر یله بی آرام و سر بحر ای سیاحت و اثنای کشت و کذارده طالب عدیل مرشدی بدیلی اولوب خلال افت و خیز و حظ و تر حاله بنه اول کل کلزار اسرار خنکارا کبری طرف و حایت بنده پرور لرندن و نمای اشارت علیه اقامتله دیار روم ایلنده سلانیلک نام شهرده اقامت ایدوب لکن اول دیارده مسکن فقرای صاحب انزوا اولغله سزا کوشه و وحدت بولیموب احیاده دخی قابل تکلیف خدمت کسینه بولنمغله میانه خاموشانده بر کلبه تنک و تار یلک پید ایدوب ارواح امواتله صحبت اوزره ایکن بعضی فوایح مسکینه کمالاتی دماغ اهلالی به تأثیر ایدوب دردمندن برکات حسن توجه لریله شفا یاب و نکبت زدکان لطف هم تریله فائز اقبال اولغله اشتها ر یاب اولوب صغیر و کبیر محبت و زیارت لریله مظهر میامن طاهره و باطنه اولوب اول بقعه فراغدن بر مکان وسیع الراحة به نقل رجامندی اولد قریحه (هنوز هنکام انتقال نیست) عنوانیله دفع یورملری اثناسنده اول دیارده جانب سلطانیدن محصل اموال میریه اولان اتمکچی زاده مال التزامدن ضرر کلی ایتش ایکن یدخواه لریدن بری دفتر دار اولوب محاسبه بهانه سیمله دارالدوله به احضاری ایچون اصدار اولنان امر عالی موجب به مباشر احضار بلا امهال و لا تراخی آستانه دولته استبحاله اقدام

الشیخ عبدالکریم  
سیدنا و مولانا

او زره ایکن بیچاره مال خالده ترسان و پرسان اعزّه مستجاب الدعوه اولوب کوشه کوشه بر مرد صاحب همت جست و جوستده ایکن سائق توفیق کندونی کلبه فقیرانه عز بر مشارالیه سوق ایته کله همان اول نظر ده (مترس تو محاسبه اورا مباشر باشی) نفس نفسلریله تسلیت بخش اولوب اولدخی نومقوله مکاشفه دفعیه مشاهده سبله بالکلیه ر بوده محبتلری اولوب فی الحقیقه مرده لری دخی مکاشفه لری کبی جلوه کرساحه ظهور اولور ایسه ابتدا ذات شر بفلری ایچون برخانقاه عالی بناسته بذل موجود و صرف مقدوره عزم و خرم ایدوب اول قوه قلبله صوب مأموره مسارعت ایلوب دارالدوله قسطنطنیه یه بر ایکی منزل مسافه ده خبر عزل بدخواه مسفور استقبال ایدوب تازه حیات بولغله اعتقاد سابق متضاعف اولوب اصلات رد و شبهه سی قالیوب روز و وصول اهل و عیالنده دخی خیر خواهان و دوستدارانندن بری منصب دقتدراری ایله سرافراز اولدینی مرده سبله مبشر و علی الصباح فرد مغز و لک محاسبه سی خدمته بافرمان تعیین بیور یلوب خدمات مأموره سنده کمال استقامتی ظهور ایته کله نقصان محاسبه سی کندویه انعام اولوب روز و روز ترقی یاب و زمان سپرده دقتدرار اولشدر و اول رتبه رفیعیه یه نائل اولدقه عزم و خرم سابق تمثیتیه تصمیم و برکون مقدم وفای نذر تشریح ساعد اقتدار ایدوب خارج سورده مانند حصن حصین برخانقاه متین بنا و اوقاف و ادارات دخی بالغامایلع تعیین ایدوب اول ذات شریفه و جمع شمع ارادت و محبت جلوه گاه زیبا اولوب واقف مرقوم دخی برکات صدق و خلوصیله مدح و عظمتی دولت عثمانیه دن و مأمون الغائله کید اعدا و حساد فساد و موفق و جوه خیرات و حسنات و مظهر اذکار خیریّه عالیّه و آتیه اولشدر اگرچه اول اثر خربل انشاسنه صرف موجود و بذل جنس نقود ایتشدر لکن حضرت وهاب و فتاح ذوالجلال اضعاغ مضاعف تلافیلر یله ممنون ایلوب علی الخصوص طائفه علییه مولویه التحاقنه وسیله اولشدر \* (نظم) \* هر که کار کردد انبارش تهی \* لیکش اندر مزرعه باشد بهی \* وانکه در انبار ماند و صرفه کرد \* اسپش و موش و حوادث بالخورد \* آن قوت بخشش بی علت است \* با کازی خارج هر ملتست \* و بو خصمه صده اتکلی زاده درد مننده اول همای اوج همت سایه افکن امداد روحانی اولمق لازم کلسه نانبار یه محتاج و بلکه قعر چاه زندانده اسیر بند افلاس اولق مقرر ایدی لکن توفیق الهادی راه سراغی دوچار کلبه انشاسی اولغله فریاد رس دینی و دنیویلری و ماصدق نفس ترجمان الغیبی اولشدر \* (نظم) \* دوش کفتم بکند لعل لبش چاره من \* هاتف غیب ندا داد که آری بکنند \* کوکرمی که بزم کرمش غمزده \* جرعه در کشد و دفع خماری بکنند \* (منقول استکه) \* خانقاه حمایت دستکاهلری خارج سورده و قریب ساحل بحره اولغله احباب و اصدقادن بیتوته کلنلر قورصان فرنگ و رومن احتیاط آلات و اسلحه و جمعیتله کلوب کتملری ایله اکثر محالس شریفه لریده و هم انکیز مصاحبت و اطراف و کافه نهب و غارتلری حکایات موحشه سی مذکور اولدبچه (بدین دایره غیرت مدارا اکثر مسلمین راه دخول نیابند و پای ایشان بقید انکار و اصرار بسته شود پس کفار کجا با نهاده ساحت رخصت کند) نطق حقیقت منار لری بالدفعات طوائف مرقومه نک تجسس تامله جرأت خسارت ایلد کلرنده دفعه اولاده دایره امداد ارخانقاه بر حصن حصین و بر وجی ملاصق چرخ برین مشاهده اولغله و دفعه ثانیّه ده اصلاتر بنا مرئی اولیوب بر عرصه خالیّه معاینه اولغله و دفعه ثالثه ده جاسوس و دلایلرینک حواسی غلط ایدوب کندولرین بریه بعیده یه قائد اولغله علی الصباح طرف سفاینه مسارعت انشاسنده اکثری اسیر و قیل اولغله بالکلیه مایوس فرصت اولدقلرین و جسارت معهوده بنیلرنده ممنوعه و متنبه اولینلر ملعون اولق اوزره رهبانیه و قسطنطنیه اجماع و تنبیلرین و بنیلریندن هتکام معرکه اسیر و قتلده میان باغات محبیه مذکور ده اختفا ایدوب بعدیوم دخیل در کس عادتلری

و شرفیاب اسلام و خدمتگاری اولان اوچ نفر مهندس ماجرای شبانه لرین تقریر و تفصیل ایتیمکدین  
 یکایک سرگذشتلرین کشف و کویامعیت مرتبه سی اطلاع و مشاهده لرین بیان یوردلرین دخیلان  
 مرقومین تصدیق و تحقیق ایلد کلرنده حضار و غلبه قوت قدسیه لریده شمه سی قالیوب اهل ترد دخی  
 اصحاب تودددن اولوب اتصال اسلحه و واهمه تحملندن آزاد و یقید خرم و احتیاط اولدقلری الی یومنا  
 هذابین الاهی سمر اخلاص اثر در که حالینه آثار حمایت روحانیه لری در کار در و جسارت کان - سارت  
 حمای حیت مردانه لری دستبرد تعدیدن ناامید اولمشلردر و مکشفه مذکور و مدافعه باطنه لری  
 ظاهره اولدقده متعجبان اطوار اولیای کرامه (اینها از دریای حمایت مردان خدا قطره نیست که اغلب  
 حراست آن چند رحمن از مکائد عسا کر شیطان و فتن نفس بد پیمان است ان الشیطان لیفر من ظل عمر  
 اگر چه خاص المورداست لیکن همه عدل و رزان ظاهر و باطنرا حکم شریفش شاملست) عنوانیه  
 همواره مریدین و محبین سایه حمایتیه مقبولان صمدیده محیی هزار گونه مکر و کید اعدای صوریه  
 و معنویه اولغله بالقلب و القالب حرم التجارینه دخیل مخلص اولغله ترغیب یورمشلردر \*(نظم)\*  
 زبادشاه و کد افار غم بحمد الله \* کدای خال در دوست بادشاه منست \* ازان زمانه که برین آستان  
 نهادم روی \* فرازمستند او نشیب تکیه کاه منست \* مکر بتیغ اجل خیمه برکنم ورنه \* رمیدن  
 از در دولت نه رسم و راه منست \* اقامنا الله علی اعقاب آدابهم و ثبت اقدام اقدامانی خدمات ابوابهم  
 \* خدا را رحمت ای منعم کدر ویش سرکویت \* در دیگر نمیداندره دیگر نمیگردد \*(مروسته که)\*  
 اول سر و آزاد گلستان فراغت و نخل برومند بوستان ولایت سر بلند تاج و استوای خلافت و مستند نشین  
 بارگاه کرامت اولدقده کلبه کزین خول ایکن جلوه نما اولان اوضاع فقیرانه و اطوار در ویشانه لرینی  
 تغییر ایتیموب فقط آیین شوق آنکیز مولوی سیاقنده چند نادستار مختصری اختیار یور و ب اثنای  
 صحبت اخوان و خلانده قصد زیارت و دستبوس ساریله وارد اولان مستمدین تمیزه قادر اولمغله اشارت  
 تعین حضار و محتاج اولملری معتبران اصحابه کران نما اولوب زی مکاف مشحمله تری مانع کمال اسلاف  
 اولدیغی کبی ذات شریف لرینه دخی منافی رفتار اهل فنا اولمق اوزره اداره مقال ایلد کلرنده (ماهر چه  
 رسیدیم درین کسوت دردمندانه باقیم پس از حصول مطلب تغییر صورت طلب بیوفای و خلاف  
 شیوه رهنمایست) عنوانیه توریه حال یورملری ضمننده طالبان راه مقصدی شکل دردمندانه  
 و کسوت مستمندانه ترغیب و رثا البسه ده اولان اعانت فوز مر ایه و جذب انظار حسنه شفقت  
 مدار کار کرامه و رغم انف نفس خود کامه و عدم مبالات احوال اندامه و سائر یونلر امانالی فوائد مناسبه یه  
 اشارت یورمشلردر و حقیقت دخی موافق مقال لری اولدیغی بی شائبه اشتباهدر و بومعنا پر جود وایی  
 مؤید سر زده مشرب صافی لری اولان بیت بداهت سنوح تبرک رشته کش نفیسه منقبه لری قلمشدر  
 \*(بیت)\* \* نظیر بجوهر ذات است ورنه براندام \* برابر است لباس و پلاس مرد مرا \*(نظم)\*  
 مارا کلاه فقر بافسر برابر است \* سدر مق بملک سکندر برابر است \* پیش کسی که سلطنت فقر یافته  
 است \* جمعیت حواس بلشکر برابر است \* و دخی بعض امتحان صد دنده منتظر ظهور کرامت اولان  
 ظاهرینانه (این مسا کن مسا کین حق همه کرامت اندر کرامت است لیکن از مسمیع و بصیر بیچون دیده  
 کرامت بین و کوش اشارت شنو باید خواست انکاه که از کرم آن کریم مطلق این عطیه صمدیه رو نماید  
 هرا نچه اکنون پنهانست پیدا کرد و کونه اهل نظر جز کرامت چیزی نیند) نفس نفیس لریله ترک  
 انتظار و طلب نظره ارشاد یورمشلردر \*(نظم)\* \* مهر خموشی که مر آبردهن زدند \* آوازه اش  
 بطبل سکندر برابر است \* صائب بچشم هر کد ز یاد لان شد است \* بحث سیه کلیم بعبیر برابر است

\*(منقولستکه)\* اول ماه خرکه وحدت کلمه نشین عزلت و مسند زین خانقاه طریقت اولدینی  
ازمانده درون هاله سوره قدم نهاده اولوب طهور ایدن دعوات اکرام احباب صداقت نصایب (از اجابت  
دعوت حق با اجابت دعوت خلق بحال و جان نم انداست) کلام اعتذار نظامیه پاسخده را سخ اولم ریله  
هر کس اسباب ضیاع قبله نزهتسرای دائره لرینه کلوب عین الجمع اخوان و خلائله معام کرم اولوب فرد  
واحد محروم و منه کسر اولد یغندن ماعد الاحبابه دخی باعث از دیاد اجر و وسیله ترقی عتقرب  
او لور ایدی حتی غلبه اشتیاق مشاهده لری واقف مرقومه دخی تکلفات و افره لوازم سفر به ایل  
دعوت لرینه بادی اولوب دعوت نامه و لوازم معهوده رسیده پیشگاه سعادت لری اولنجه سائر ویریلان  
حوایله انلر دخی محباب اولوب اجابت لرندن مقصود اولان اکرام و احترام لری مقام شریف لرنده اولن اوزره  
اکر خاصه ذات لری و اگر فقرایه شامل اولان انعامات بالجمله نثار خاکیا لری و فرستاده عتبه خلافت لری  
اولد قده کلبانک کش قبول اولوب همان ساعت جمله سنی فقرا و احبابه تفریق یوروب \*(بیت)\*  
اینست نصیب من ازین دیر خراب \* یل لقمه و یل خرقة و یل شربت آب \* مضنونیه اظهار استغنا  
و قناعت یور مشلردر و قیل الوفات کوشه سماعخانه ده تنک و تار یل بر چله خانه احداث ایدوب بقیه  
عمر نازیننی اول کیم و حشتمده صرف عبادات و طاعات ایدوب حین اختصار لرنده مدفن لری خصوصی  
خلجان آنکین خوار و اطرحضار اولنجه (محل فوت و دفن فقیر زیر و زبر این حصیر است) نفس واپسین لرینه  
عمل اولنوب فی الواقع فوق حصیرده واصل جوار رحمت نعم المولی و نعم النصیر اولوب وجود شریف لری روی  
نعشه نقل اولنوب و حصیر مرقوم تختنده حفر قبر مراد اولنسد قده قبر لری محفور و حاضر بولنوب اول  
مهبط روح و ریحانه دینه رحمت و کجینه کرامت قلمشدر طیب الله تعالی ترسته و اعلى الی العلیین رتبه  
آمین یا مجیب السائلین \* و حال حیات لرنده مانند مر کد اثره دن بیرون نقش نمایند کبری کبی زمان  
انتقال لرنده دخی مانند پرکار کارگاه کیر حیطه دارالامان آشیان و مقام اولیا اولمشلردر چنانکه در ملازمت  
اعتکاف کهف الاتحاد سایه مردان خدا کفته اند \*(بیت)\* بجز این کوشه مر اجای خطر خواهد  
شد \* که چو پرکار ازین دائره بایم نرود \* و قیل الاحتضار حلقه انتظار و مسایای شریفه لرینه (هر که  
مثنوی حضرت مولانا را پیشوا و نقش پای پیشقدمانرا اقتفا کند و دارالسلام حلقه عین الجمع را  
ملتجا و ترک و تجرید و خدمت اخوانرا عادت و وظیفه صبح و مساسازد بآسایش دو جهانی فائز گردد و رفته  
رفته بسابقین پیوندد) کلمات جامع لرین حسن ختام محبت و لطف تمام ادای حقوق خدمت و خلعت  
یور مشلردر و دخی زمان شریف لرنده آشنا و یکنه هر اسان دافعه ظاهر و باطنه لری اولغله خلاف سنت  
سنیه حر کته جرأت ممکن دکل ایکن بعد الوفات ار باب هوادن بعض اهل ارتکاب حجرات مطربانده  
یتوت ایدوب شرب الیهوده جسارت ایلد کبری سببیله \*(بیت)\* بی ادب تنهانه خود را داشت بد \*  
بلکه آتش بر همه آفاق زد \* موجنبه نصف اللیل و میان خواب مستانه ده کمال جلال ایلده سر مقدس لری  
تمثل یور و بید لرنده اولان شعله عالمسوزی در و بام سماعخانه یه او مغله بر حریق بی امان ظهور  
و دائر امارت خانقاه ای احاطه ایدوب سغهای مرقومین بیم جانله جست و جوی مخلص ایدر کن (ای بی  
ادبان شمارا آتش شقاوت شما خواهم سوخت) عنوانیه نعره تهدید شدید لرندن سید ارا اولد قلدیده  
فی الواقع حسب حال واقعه لری آشکارا اولوب درون و بیرون خانقاهی آتش اولمش حجره قبوسنی دخی  
کشاد ایتسه زبانه بیرونی هجومیه کباب اولغی مقرر بللریه ناچار روزن حجره بی شکست ایدوب  
هزار محنت و بیشمار ندامتله جان ناتوان لرین خلاص ایدوب آزار مرقوم صکنند و لره سبب توبه نصوح  
اولدینی کبی کلید قفل فتوح اولوب نه کلاول تجدید بنا اولمشدر که اول حریقدن فقط قبایله مطبخده

اولان نشین خاص عزیزموی الیه سلامت بولوب کویا اول موقع فرح فراده ساقا جلوه کرمناجات  
و عباداتلر بک انواری شراره شدت ناره سدا ولوب ماعدامیان خاکستر وانکشته انکشت نغای  
اعتبار ذوی الابصار اولوب ظاهر منشأ آتش بروجه له متعین اولوب آخرا لمر نقول صحیحۃ انصاف  
انکیز اصحاب واقعه دن اصل وقعه مد هسه مفهوم اولشدر \* (نظم) \* آهن نفس وهو ابرهم مرن \*  
کین دومیز ایند همچون مردوزن \* هین وهین از نفس شوم بی ادب \* ناکهان اندر جهمان میزد  
لهب \* ودخی غیب فجیعۃ ارتحال لریده هنوز ایام اولاد معنوی لری کران ونالان هجران لری ایکن  
شیخ قله اولان حسود هوا دار لر یله مستبشر وقاصد تفرج حدیقه آستانه مرقومه کلوب اثنا ی صحت  
خود فروشانه سنده عزیز متوفای قدح صد دنده ژاژ خالقی قلوب منکسرۃ یتیلرین بال کلبه خراب آباد  
ایتمکله هر بر لری محزون کونا کون ودر وفی والیه المشتکی من اطالة السفه راه تشفی پناه نه سالک  
اولوب روحایت حضرت مرشد گذشته به توجه له رخت انسان جهان ملکدن عالم خیال ومثاله نقل  
ایدنجه نظر کرده لرندن پیری نام درویشه عزیز مشار الیه ممتل اولوب بالبداهه \* (بیت) \* عبدالکریم  
راجه غیم از فتنه لثیم \* کاودر حمای مقصد صدقت ودر نعیم \* بد کور ابریکو کبر ودر خودی جبر \*  
کان از وجود خویش بغسق است ودر بحیم \* نظم بتحدیث مضمون وتسلی مشحون لر یله تریم  
یور وب (بیچاره شیخ قله را بین چه کونه همره قارون کشت) خواسیله امر عالیلری اوزره سمیت خانه  
وخاندانه نظر انداز اولد یغنده کرد غبار خسف برابر ومیان اولاد و عیالندن فریاد وفغان پیوسته  
عیوق اولد یغین مشاهده دن طاری اولان دهشتله بیدار ومال حاله چشم وکوشدار اولد یغی وعلی  
الصباح انحراف مزاجی و فی العصر موتی و فی المساء من قبره خسی تتابع ایلدیکی اصحاب معاینه دن تلقی  
اولمشدر وحالین الاهالی سمر بر عبر در حفظنا الله تعالی وكافة المؤمنين من اساءة الظن والطعن  
فی حق المحققين والمستحقين لیل المآثره الاعین ولم یخطر القلوب فی یوم الدین آمین یا نعم المولی ویا نعم المعین  
\* (نظم) \* هر کرا افعال دام ودد بود \* با کریمانش کان بد بود \* تاتونکرستی عزیز انراشر \* دانیکه  
میراث بلیس است آن نظر \* چون خیدا خواهد که پرده کس درد \* میلش اندر طعنه با کان برد  
\* (حضرت عبدی دده) \* ملک بابلدن روحوای الاصل واولاد کبار علمادان وائسالز کیه اولیادان  
علوم ظاهره ده فائق القرآن وورع و تقوا ده بایز دزمان اولوب کتب نفیسه اولیای کرامه کثرت  
تصفه لری کند و بی مولع علم لدنی و وحدت اتمکله دور ابواب مشایخ طرق جلیله نبویه و کشت و کذار  
اطراف بلاد و زیارت مشاهده مقدسه خیار العباد ایدوب آخر السیر ونهایه الامر آستان کروی آشیان  
خشکارا کبری یه رومال اخلاص اولد قدس فتاده دام ارادت مولویه و دور و دراز خدمت اخوان ایله  
مالک بضاعه مرجه تخلیه وتخلیه اولوب و بازار فقر و فتنه صاحب تجارت راجحه اولغله استحقاق  
رتبه خلافتی کالشمس فی وسط النهار بیدار وروی تابدار بوستان اولدن تاجدار خلافت و سر سبز استوا  
اولوب خانقاه محجبه غلظه مشججه سرافرازا مثال اولشدر لکن زمان طوفان فتنه ناخلفان خلفاده  
آستانه مرقومه نك وقف وادرا ر بک ارکان نظامی مترزل ومانند تلندرخانه بقعه تدیس اولق اوزره  
اجانبه توجیه اولمش ایکن نوبت فرصت اکرام حضرت خان احمدده انضمام همت بوستانی ایله اول  
حدیقه حقیقت دخی خار و خس اجانبدن تطهیر و لوازم سکاکی اخوان الصغایه کمال تنظیم ویریلوب  
صورت اولاسنه متحول اولد قدس شیخ مشار الیه تصدیق اولدوب مدت مدیده بمدوح الح و محمود الفعال  
دادده تربیه مریدین و تسلیم بخش مجبین و قطب مدار اعظم آیین صفا کین اولوب ناکاه و رای پرده  
حکمت محمدیه دن رونما اولان نوعر وس اشارت قدسیه ایله خدمت مشیخت مرقومه دن استعفا

حضرت عبدی دده

بسم الله الرحمن الرحیم

و حالا مدینه فاطمه باشد اثر همت علیه لری اولان خانقاه ک احداثه استئذان ایلد کده سده سنیه  
مفخر مردان بوستان دوستاندن مساعده سامیه و توجهات نامیه سنو حیل اول بقعه مبارکه صورت پذیر  
تکمیل و طالبین آداب نفس و درسه مقام تحصیل اولوب اولاد و اعقاب لریله قرن بعد قرن کند و فرش  
دست تصرف قطبانه لری اولان بساط انبساط اوزر و مقتنم جمعیت زمان و مکان و اخوان اولش لرد  
همچنین باد اید الی باد الحبيب و صحبه الامجاد \* (نظم) \* اولیا اصحاب کهفندای عنود \* در قیام و در  
تقلب هم رفود \* می کشد شان بی تکلف در فعال \* بخیر ذات الیمین ذات الشمال \* (مروستکه) \*  
اول یکانه فزون حکمتک تدبیر منزل خصوصند قرارگاه رایزین لری خدام دائره لری صناعت و تجارت  
ترغیب ایدوب مکاسب و فوائد دن فضله معاش روزمره اولان مبلغ طیبی خرج راه اجراز رضای شریف  
حضرت باری عزاسمه ایتکه تخصیص بیور مغله هر کس موجب استحسان لری اوزر و حرکت و مبلغ  
فاضلی کفشگاه لری نه نثار ایتلریله جمع اولان مال حلالی اول اثر جمیلک بناسنه صرف ایتکه جمله  
اخوانی حصه مند خیر و بر ایلد کلریدن ماعدات تسلیم و انفاقه معتاد و جلب ثوبات و دفع بخل و صرف  
شهو اتدن استبرایه توطن ایدوب سلاله سائر نک انواع نوافل صوم و صلاته فائز اولدقلری مر اتدن ترقی  
ایله مستعد اولوب امور دنیاده بی منت رجال دولت تعیش خوشگوار ایله متمتع و احوال سلو کارنده  
دخی زیر قباب کسب و صرفده مستور و مأمون الغائله کبر و ریا و عجب و ثنا و سابق منازل فقر  
وفنا اولغله انکشت نمای اهل بصیرت و خرم و نادره کارخانه دقایق سلوک طریقت علیه اولش لرد  
\* (بیت) \* از درون شواشنا و از برون یکانه باش \* اینچنین زیباروش کم میشود اندر جهان \* (مثنوی  
شریف) \* گفت پیغمبر با واز بلند \* باتو کل زانوی اشتربند \* رمز الکاسب حبیب الله شنو \*  
در توکل از سبب کاهل مشو \* کر توکل میکنی در کار کن \* کسب کن بس تکیه بر جبار کن \* یا طالب  
الدنیا التبر ترک لهما اثر اثر جمیلی ایله تعارض توهم اولنسونکه اول سالکین منهج فقر و فنا ک  
طلب دنیاری رو پوش طلب رضای مولا اولش درا کر چه ترک الدنیا راس کل خیر امضا کرده ائمه  
فقر و ترک در لکن بعد تحصیل انفاق و ترک و صرف طریقی آخر ترک مجرد اولدن اولی اولد یغی رسیده  
پایه پداهند و هم الذین اثی الحق جل ثناؤه علیهم فی القرآن العظیم بقوله تعالی (رجال لا تلهیهم تجارة  
ولا بیع) الی آخره و لیس لهم مطلب سوی الحق فی کل حال و مال \* (بیت) \* و ما هممت بشرب الماء  
من عطش \* الارأیت خیالاً منک فی الکاس \* و ما جلست الی قوم احد هم \* الا وانت جلیسی بین  
جلاسی \* و من داخل کن حاضر اغیر غائب \* و من خارج خالط ک بعض الاجانب \* (منقولستکه) \*  
اول مجمع البحرین شریعت و طریقت مراعات رسوم نورانه طاهره و محافظه احکام حقانیه باطنیه ده  
کند و لریکسر موتهاون و تکاسل نما اولدقلری کبی پیرامنکرد مقام خلاقلری بولنان اخوان و خلان  
دخی روی رخصت نما اولوب علی الدوام قانون احتساب اوزر و اوللریله آنلر دخی خوی پر خوری  
و احتیاط مرشد لریله تخلق و بندلرنده طاهر اولان تقصیرات جزئییه ده دخی تدارک اعتذار و قضای مافات  
التزامه اهمال و ستری نقص و کستاختی عدا ایدوب رفتار خاصلری مخالف مشرب ابنای زمان اولغله  
زهد خشک و تصنع و ریا و محفلات و اهیه سائره حل اولنوب اکثر یا کند و انابت کرده لریدن ماعدات  
فقر اخاقا هلرنده مقیم اولنرایکن درویش احمد سینه چال نام بر قلندری سرو پا و خانه بردوش و ملامت  
کیش گوشه مطبخ لری نه پور یا انداز آرام و اطوار نعل باز کوی مهج غیرت طبع سلامت جو بلری  
اولغله بالذفات پیمانه اعتذار ده ادای حق طریقه تنبیه اولنوب انتخابی فرمان سیاحته منجر اولدقده  
درویش دلریش مر قوم در حال اطاعت نما و آستان خانقاه جبهه سای اولوب بک اوغلو شهرتیه

مهر و فرسخ خالک انداز اقامت و متوجه صوب خلافت آبادی اولوب جمله سه روزه تمامانده  
سیر و توجهی مصیب هدف مقصود اولوب عالم مشاهده شیخ مشارالیه سر پاک و روح تابناک حضرت  
خسکارا کبر قدس سره از هر پدیدار مشرق تشریف اولوب اکرام تام و احترام عامله دعوت و مقر قدیمه  
ایوا و حالی کند و به احاله اولمغه تنبیه اکیدی مشتمل امر الزم الاتباع صدور فی افاده ایتکه علی  
الصباح اول مصباح هدی پروانگان انجمن جمع وار باب مناقره و اصحاب مناقره بی خواه و ناخواه  
وقوالان و منشدانی تسبیح و تمثیل امر قدسی به مبادرت ایتکه در خدمت قومک جبران کساری  
و تلافی آزاری کما هو حقه مرعی و مؤدی قلوب از جمله پارسای ابدالانه سته قضیه جرو سوال شیخ محمد  
سرری ایله مقابله بلکه رجال الاهدن برکزه پرشکوهر خدمت زنبیل کردانی و قهرای محبوبینه  
ارزاق رسانی ایله مأمور اولمیرین ایرادله مدافعه بیوریلوب عهد بعد مکشیه تبیین ایتشدر که اول مقوله  
مستوران قباب عزتی میزان احتسابه وزن خلاف دقیقه لدنیه حضرت خضر علیه السلامی اولدینین  
تحقیق بیورمشدر \* (نظم) \* کدای در که مردان اگر چه کدیه غماست \* ولی بزیر دوستش  
هزار کج غماست \* (مبین فقیر کدایان عشقرا کین قوم \* نهان بی کمر و خسر وان بی کلهند \* (نسکته) \*  
مشایخ شواخ الاطوار عصر لرایله فرزند سعادتمند لری سیدخلیل افندی جمعیت ختاندنده فرش بساط  
کمال انبساط بیوروب جمله نک یکایک در که قاضی الحاجات دن مسؤل دل و جان سوال بیوروب هر کس  
دخی بعد التامل و القرار ایراد اقصی المرام ایلد کده علی العموم مرادات و مقاصدک احسانه دعای  
پرسوز و کداز و کلبانک کش اجابت اولدقلری عقیننده جمله دخی جناب ولایت مآلری مقصد اقصاس  
استفسار ایلد کلرنده حضرت متکلم بکلامه جل شانعه و عم احسانه طرف ابر الشرفندن بای متکلمه  
ناضر دعبدی اولقدر دیوهر مطلبلرنده تضمین بیوریلان طرافت کرامت اندودلری مایه تحسین عامه  
خواص اولمشدر که فی نفس الامر متلذذان نعم بی بدل عبادت عندنده اضافه العبدالی المولی دن اعلا  
تشریف اولمدی غنی عن البیان در عین الجمع مشایخ دخی حصول مرام سعادت انجاملرنده دعای  
یکدلانه ایله کلبانک کش همزنگانه اجابت اولمشدر در فطوبی لهم و حسن مآب و بشری لهم بالا جابه  
من الوهاب \* ما خلقت الجن والانس این بخوان \* خز عبادت نیست مقصود از جهان \* (لطیفه) \* اول  
عنقای قاف قربت و قناعت احداث بیوردرقلری خانقاهلنه آینه ونه وانی و بساط ولوازم سائر سنده  
غیری تشریک ایتیبوب انجق کندولره و قهرایه تخصیص بیورملری منع خیره حل مرتبه سنده  
استغراب اولندی مسموع شریقلری اولدقده (بوالعجب تماشااست که مجموع درویشان و یک شیخ  
عالیشان در نظر محبان قدر کجشکی نیست که تنها لانه خود سازد و بامداد دیکری محتاج نباشد) دم  
تعریض توأملریله توریه مسلك خاص بیورمشدر و بفضل الله تعالی و توفیقه تجارتلری رایحه  
و صناعتلری رایحه اولمقله هر کس عیش رغد و رفاهیت اوزره زندگانی ایدوب جانب اجانب و اجابه  
اماله عنان التفات و استمداد اولمشدر حتی و اخرا مرلرنده دخی تجهیز و تکمین و غسل و اقبالرنده  
بالجمله اخوان بربرلرنه (خدمت واپسین برادرانست چه جای یگانگانست) دیومدا خله اغیاره کائنا  
من کان مجال و رخصت ویرمزلرایدی بناء علی هذا خانقاهلرنک و فی حدائق و مسقفات اولوب بیت  
المال دن وظائف و ضیاع اولمشدر که واقفان دقایق حاللری عیشه راضیه اول حزب شریف الکسبک  
عیشی اولق اوزره اثبات ایتشدر در زیر کسبلری کندولره سرمایه عیش خوش دوجهمانی اولمشدر  
نفعنا الله بشفا عاتهم و بالدفعات اول مال طیب و کسب خلادن اشترا اولنان ذخائر بر برکات وقت  
شامده بقیه یسیره هنسکام مسجد زباده کسیره اولدینی مشاهده سی ثقات خدام مطیع عالیرلرن



روایت کرده بقایای زمان ولایت اقترا نلریدر ودر بدران ودر یوزه کران وظائف وزوایا اولان قاصر  
 فهمان وسفلی همتانک طائفة علیه والا همتلری حقنده اهل سوتند واهل شوقیم کونند مضمونیه اولان  
 خرده لرینه \* (بیت) \* لذی الجمع فرق یستضی به \* کالجمع فی فرقه مازال بقیه \* درکارخانه کدره  
 عقل وفضل نیست \* وهم ضعیف رای فضولی چرا کند \* بیت حقایق مشکونیه جواب شافی  
 ویرمشلر کما قال بعض العارفین حین سئل عن اعجب مارأی فی حجه رأیت شخصا اخذ بحلقه من حلق الکعبه  
 وهو یطلب شیئا من الدنیا و رأیت شابا فی منی باع متاعا بنحو ثلاثین الف درهم و ما غفل عن الله فی بیعه ذلك  
 لحظة و اخذتني منه غیره حتی تقیأت دما منه (وذلك فضل الله یؤتیه من یشاء) و لهذا قال رویم قدس سره  
 لیس التوکل بالتجرد ولا بترك السبب وانما هو طمأئنه من القلب الی الله تعالی فی هذا المقام یتسوی  
 التسبب والتجرد و لکل وجهه هو مولها \* (منقولستکه) \* اول پیر راه سداد و شیخ خانقاه ارشاد  
 نهایت سن همره واصل اولدقه حضرت سید خلیل افندی علوم ظاهره و باطنه ده نادره دوران و مشار  
 بالسان اولوب مستند زب ولی عهدی اولغله جمله امور اخوان و خلان وابسته رای صواب دیدلری  
 و بقعه مبارکه لری محل قران نیرین و جمعیت ار باب دانش و بیشک دائره لری رسلک آور فلک البروج اولوب  
 آفتاب ذاتلرینک آثار افولی ظهورنده امانت سر خلافتی ولی عهد لرینه تسلیم و فقیرا و سالکینی امر و نهی  
 تربیه لریده لم ولادن تحذیر و ارکان شرعیه دائره افعاله و رسوم طریقت مقامات اخلاقه تخلیه تبجحه  
 و ذمیمه و تخلیه حسنه و حمیده و علوم حقیقت و اسرار معرفت مقبیه فی الله و مقبیه بالله و مقیم مقام خلافت  
 حصول نتایج شریفه مر قومه ده مقدمه اقدام فوز منازل اولد یغین تحقیق و تکامل و تهاون و تردد سنک  
 راه نجات و سد مجرای آب حیات فیض اولد یغین تبیین ایدوب دامنکش حلقه صحبت بزم صورت و آخر قدم  
 نهایتدن اول قدم بدایتیه رجعت و مقابله باب سما غنائنه ده بالنفس حفر و اعداد ایلد کاری مهبط روح  
 و منزل ریحانه متوارئ خالک باله و آسوده جوار رحمت تابانک اولمشلر در نور الله تربیه السلف و انار رتبه  
 الخلف بجرمه من له کمال العز و الشرف آمین یا مجیب السائلین \* (حضرت جنونی محمد ده ده) \* فی الاصل  
 خاکر د شهر لارنده و اولاد مشایخدن و کل صدبرک کلشن ارادت حضرت چلبی خسر و قدس سره  
 العزیزدن اولوب بعد الارشاد و الاجازه آستان ملائک مطاف حضرت والده سلطان علمها تقدیسات  
 المنان السبحان حجرات شریفه سنده کوشه وحدت کزین وصفه صفوت نشین ایکن ابتدای ظهور  
 محمده خلایای ناخلفانده آستانه مر قومه صدریدن دخی اولاد کرام عزل و مقام مور و ثلرینه بوالفضول  
 ناخلف نصبنه عدم اسطبارینه بناء صله اقارب باقیه بهانه سیله وطن آبا و اجدادی اولان شهر روز  
 طرفیه اختیار سیاحت بیور و ب برهه من الزمان آواره هزار وطن اولوب اثنای سیر و سفر لریده دار  
 السلام بغداد و جلوه کاه حضرت سلطان دیوانی قدس سره النورانی اولان بقعه مبارکه ده مقیم و منزوی  
 اولوب چند ساله خدمات مبروره اخوان الصفا ده اولان مساعی مشکوره لری مقدمه نتایج کرامات  
 و مکاشفات اولوب آثار کارلری ولوله انداز میان ار باب طلب طرق جلیله اولغله جمله فقر و احباب نیاز یله  
 قبول خدمت مشیخت ایدوب زمان شریف لریده اول مختصر ز اویه بر مفصل خانقاه و محل اجرای آیین  
 و ارکان مولوی اولد یغندن ماعدات متوجه اصحاب صدق و اخلاص و مقصد مسافران خواص اولمشلر  
 و مشرب عالی لرینه غلبه حال حد اعتدال دن متجاوز اولغله ظاهر امدت مدیده استغراق و محو اوزره  
 بی شعور ریح و راحت و فارغ البال مشاغل خورد و خواب و متوحش آشنا و یگانه اولغله مخلص جنونی  
 ایلد مدعو و مشتمر اولمشلر در و ابتدا تضمین مخلص بیور دقلری \* جنونیدر جنونیدر جنونی \* اولوبدر  
 نفس اشاره زبونی \* بیت شریفی اولیق اوزره مسموعدر و آثار عاشقانه و محققانه لری اصکر چه شیرازه

حضرت جنونی محمد ده ده  
 در سوره درویشی



بند جمع و تدوین اولیوب انجق محافظ عاشقان و عارفانده جسته جسته بولمشدر لکن هر بیت  
 و فقره سی جمعیت فوائد نظر برابر تألیفات مفیده و هم اثر مدونات پر عائد در جعلنا الله تعالی من  
 المستفیدین من انفسهم القدسیه و من المسترشدين باشاراتهم الانسیه آمین یا معین بحرمه الصادق  
 الوعد الامین \* (مرو بستکه) \* اول شیر بیشه ریاضت و استاد بیشه قناعت کو یا مظهر قدم و سر  
 خضر ولایت و سایه انداز اولدقلری خرابه سبزه زار عمارت و عتبه علیه لری محط رجال رجال زیارت  
 اولغله دار السلام بغدادده اولان زاویه حاده منفرجه و سیغ الراحة و فسج الباحه اولدقه خدمت  
 معنه لری رسیدة حد اتمام و دبیده تقارنه اشتها لری کوشکدار فارس و عراق و قلاب جذبه محبت لری  
 قلاده کردن عرب و عجم اولنجه و رای پرده غنیدن اشارت نقل صدور بیه قدمای خواص اخواند شایان  
 پایه خلافت لری اولان درویش احمد نیازی مخلصی قائم مقام ایدوب قلندرانه و خانه بردوشانه نهضت  
 و درویشانندن متحمل داغ فراق و هجران لری اولنلرایله جانب رومه عنا تناب توجه اولمشدر در صورت  
 اشارت مثالبه لری کند و خاندان لری کلشنندن بر کلین رعنائی اخراج و سرچشمه دارالدوله بروسه به  
 غرسه مأمور اولملرایله حسب الامر حرکت خیالیه بیور و ب اول کلین زیبا محل غرسارنده نشو  
 و غیاپ و بر کلشن نزهت افزا اولوب واقار بلرندن برین مقام شریف لری نه اقامتله تعبیر اولنغله اثنای  
 سفر لری و وطن لری و جلوه کاه قدیم لری اولان لارنده به مروری و بیور و ب خواهر زاده لری صالح دده بی  
 کلستان مسقط رأسنندن اخراج و بیکار باشی نام محله احیا بیور دقلری زمین مواته غرس ایدوب  
 بر کلین خلافت و بر کلین اخلاف حسنه اولمشدر ادام الله نفعات اسرارهم فی مشامات طلبه  
 اطوارهم ما دامت الافلاک دائره و فاحت الاطیاب ناشرة آمین یا من ملأ احسانه اکف السائلین  
 \* (منقولستکه) \* اول مهر جهان سکر دانفس و آفاق جماعت کثیره فقرایله منوال تعبیر مشروح او زره  
 اولان زیارت آستانه و والده سلطان و تجدید عهد محبت خلان وطنی عقبنده صالح دده حضرت لری قلبا  
 و قالبا بنده افکنده لری و ملازم رکاب حمایت مآبی اولوب ثانیاد که عنایت دستکه خنکرا کبری به  
 رومال ضراعت و ابتهاج و امر مأمور بهی تهنیه کلبانک مولوی انضمامه نائل اولوب ثالثا بقعه  
 مبارکه حضرت سلطان دیوانی قدس سره النورانی و رابعام مقام مقیمین حضرت جلال الدین ارغون قدس  
 سره المکنون عتبه علیه تریه کرسی رتبه لری به جبهه ساری نیاز پر سوز و کداز اولوب استمداد تام و سمنند  
 اقدامله صوب مقصوده توجیه لجام عزیمت و صحیح او سالما و غانما و اصل سواد اعظم مذکور اولدقلری  
 جامع کبیر جوارنده واقع زاویه قدیمه مولویه به نزول بیور و ب لکن منزل مرقوم کثرت اخوانه و وفرت  
 و فودخلانه تنک اولغله تکمیل میقات حله مر دانه خواص بارانله مقامات متبرکه اولیای کرامی  
 زیارت و مشایخ عظام ایلله مصافحه و ملاقاتد نصکره دائر امدادار محجیه مر قومه بی تماشا اثناسنده بیکار  
 باشی نام محله قشرب بیور دقلریده حال امر قدمنور لری اولان مهبط انوار خدا سنه کلد کده (هذا  
 ما وعد الرحمن و صدق المرسلون) \* آیه کریمه سن تلاوت و این گوشه خالک توشه مدفن مشایخ مولوی  
 خواهد بود) رمزیه اول موقع لطیف محل غرس مشارالیه اولدیغنی اشعار بیور و ب و بعد زمان توسیع  
 رجال مضحکله جای معهودی بجملة الواحق اشترا مر ادا بیلد کده مالکی متعصبه دن اولغله اضعا ف  
 قمتله دخی سبغ ایتوب (ازین خانه مر امر لبرون می کنند و کزنه بتام مال عالم او را غمغیر و شمع و جایگاه  
 خود مسکن اهل هوانکنم) عنوانیه صادر جواب یأس کوشد عزیز مشارالیه اولدقه (این نیز میشود  
 لیکن بحسب الاقتضا از شمار مجردان بیرون خواهم شد) نفس انفس لری مقابله غنیه لری بعد چند  
 روز علم افراز بروز و وسیل تند و تیز موت مفا جأ ایلله اول سدره مر فروع اولوب زوجه متر و کده سی حصه

ارثیه و مهری مقابل سند منزل مر قومه مالک که اولوب رسوم سابق کند و به عرض اولند قده اول  
آسیه ثانیه نفسی ملک نکاحه عقد و منزلتی هبه صحیح ایل قبول یور ملرین رجایه تنک که نیازی فوق المراد  
وجه له رجایی وفق المکاشفه قرین قبول و کندوسی فریاد رسی عنایت از لیه ایل مریده طریقت  
صدیقیه و منزلی مسکن فقرای باب الله اولمشدر و تحت نکاح حلزنده محبت و خدمت شریفه لریله صرف  
بقیه عمر ایدوب تقیه روزگار و نقیمه اوزار و عارفه اسرار کار اولمشدر \* (نظم) \* عمر خوش در قرب  
جان پروردنست \* عمر زاغ از بهر سرکین خوردنست \* این غمی بینی که قرب اولیا \* صد کرامت  
دارد و کار و یکا \* نارخندان باغرا خندان کند \* محبت مردانت از مردان کند \* مهر یا کن در میان  
جان نشان \* دل مده لاجمهر دلخوشان \* (مر ویستکه) \* اول شاهباز اوج استغنائیکار باشند  
آشیان ساز بی پروا اولد قده طرح خانه مو هو به اسلوب خانقاهه تحویل اولند و محتاج مصارف کثیره  
و کندولر و اخوان الصفا اذخارد در هم و دینار دن در هم و بیزار اولغله لقمه و خرقة یومیه و ستری به دن ماعدا  
ما صدق مال قلیل و کثیر بر شیشه مالک اولد قلی حسبیله خواطر هم راهانه خلجان فرسا اولان افکار  
واهی عکس انداز ضمیر منیر الهام سمیر لری اولنجه (ماسر چشمه را کفتم پای اوهر آینه سبز و شاداب  
خواهد شد) نطق بشارت فرمالریله دفع غائله آتیه یور ملری همان ساعت تباشیر نما اولوب اغنیادن  
بعض کسینه لر خدمت تحویل مر قومه بدل ماملکی تعهد ایدوب مدت بکاهه ده صورت خانقاه بهشت  
اشتباه جلوه کراسحه عمران اولوب اصحاب خیرات دخی آثار حسنه انظار غوثانه لریله اول سر چشمه زلال  
معارف وار شادده سر سبز دعای خیر و شاداب سعادات دارین اولمشدر \* (نظم) \* در فکن تدبیر  
خود را پیش دوست \* کرچه تدبیر هم از تدبیر اوست \* کار آن دارد که حق افراشت \* آخر آن  
روید که اول کاشت \* هین از و خواهی دنی از غیر او \* آب دریم جو مجود در خشک جو \* خود  
نداند که جزا و دیار هست \* هم از و مخمور و هم از اوست مست \* عاقبت زینها خواهی راندن \* هین  
کرا خواهی دران دم خواندن \* آن دم او را خوان و باقی را جان \* نالو باشی وارث ملک جنان  
(منقولستکه) \* اول مظهر انواع فتوحات صوریه و معنویه مر کز مدار معاش جسم غفیر فقر اولوب  
لکن بحسب الظاهر غله وقف و فضله کسب و تجارت مقوله سی مؤنت و تسبیل نه کندولر و نه آحاد  
در ویشان مشغول اولیوب نه امثال و خوائق بر اید اصحاب بدن مصارف اکثر و تعیش و تنعمی ایسر  
و او فر اولدینی محضا کندولر لک اثر قوت قدسیه لریله محمول اولوب همانا تجد دازمان و تغیر احیانله قلوب  
ضعیفه اربانه عنایت سیما قند بعض مرتبه نعوذ و مسقه فاندن وقف مراد ایلین احباب خالصه (این  
خواهش اخلاص اندود و شفقت آمیز تحصیل حاصل و فتنه انکیز اعتماد باطل است چه ارزاق واقوات  
انسان و حیوان غله اوقاف مهمانسرای عالمست که حضرت رزاق باسط و جواد و هاب و فتاح پیش  
از خورنده تعیین فرموده است پس ارزاق اخوان مانیز درین جای بوقت خاص معین است هر آینه  
میرساند و اعتماد ایشان بداده از لیه است نه بغلال اوقاف حادثه بشریه است) نفس نفیس لریله قوت بخش  
قلوب و تعریض تردد سوز متوهم مقولریله پیرامن کرد سر شمع جمع اعتقاد لری و دل داده عهد و تسلیم  
نفس و پیر و احقاد لری اولان اخوان حالبه و آتیه بی مأمون الغائله معاش دنیا و مشغول مهمام دین  
و معاد یور مشلر در و حالا بولنان وقف جزئی انتقال لریند نکره اولمشدر \* (نظم) \* بدل خود کم نه اندیشه  
معاش \* عیش کم ناید تو بردر کاه باش \* ساهها خوردی و کم نامد ز خور \* ترک مستقبل کن و ماضی  
نکر \* کر بخواهی و رنخواهی رزق تو \* پیش تو آید دوان از عشق تو \* کر ترا صبری بدی رزق آمدی \*  
خویشتن چون عاشقان بر تو زدی \* ورتو نشنایی بیاید بر درت \* ورتو نشنایی دهد در درت

فی السماء رزقکم نشنیده \* اندرین بستی چه بر جفسیده \* های وهوی بادوشیرافشان ابر \* درغم  
 ما اندو یکساعت توصیر \* هین توکل کن ملرزان پاودست \* رزق تو بر توعاشق تراست  
 \* (منه و لستکه) \* اول پشت و پناه یکسان و سایه انداز فرقی فرقه دردمندان فی یوم من الایام حضرت  
 سید ناصر الدین مقام بهشت آینی زیارتی قصد یله مقرر حاصلیدن قانده خواص اخوان الصفا و مقصد  
 متبرکه که قدم مینت رسا اولد قده اثنای صحبت نشاط افزاده مستوران قباب ملامت و مستان خرابات  
 و لایتدن بر شیر کبر جام اخلاص سکه اختصاص بردست خاکبای دشت کرامت پیمالی نه ر و مال ابتها  
 اولوب سکه مبارکه سن پیشگاه نظر مرحمت اثر لرینه وضع ایدوب سر برهنه پای برای پیمایه اعتذار  
 اولوب (این نشان عالیشان سلطان حقیقتکه بند کاشرا امر و زفر یادرس نباشد بس فرداز رویش  
 چه خواهیم دید) عنوانله عرض حال سبب افنده استنطاق بیورلد قده بروسه اغاسی اولان ظالم مقرر و جائز  
 متعصب کند و بی اصرار و انکار مجردینه بناء افک و اقترای سکر ایله اخذ و تعزیر ایلد یکن تفصیل ایدنجه  
 لکل محال احوال بس اکنون در مقام سید ناصر یم رعایت لازمست دیودست عنایت پیوستلریله یه  
 کلاه مفارق بنا هارین مجددات کبیر و الباس (و بر و تودر نیاز خویش باش و بر ماست نماز او خواندن) دم  
 سردت میر تو املریله تسلی بخش و کما کان صحبت پر معارف لری اوز ره وقت گذار اولوب سر و صفای وقت  
 اخوانه کدر تلون و کرد تغیر رسان اولمش لدر در مکر ظالم مسفور در اثره شهر و حوالی بسنده تفحص  
 اشقیادان خانه تحوشت ارکانه کلوب اسب خسارت رفتاریدن سنلر کله نزول صد دنده مینا و مد مرا  
 ساقط و حریف الانف هالک و شتابان جوار مالک اولدیغی بین الا هالی شایع و مکاشفه دیر و زانه قطبانه لری  
 افق غیرتدن لامع اولمش پس علی الصباح انجاز و عید ایدوب جامع کبیرده صلات جنازه سینه حاضر  
 اولمش لدر و بدیهه بوتعریض لطیفی انشاد بیور مشلدر \* (نظم) \* سایه دست جناب مولوی \* جلوه  
 بر سر دارد و نامش کلاه \* سرکه بی بهره شود از فیض آن \* عاقبت کرددن کون و خرجه \* کربنجد  
 خاطر سر داده اش \* سیف و سیمی باشد از قهر آله \* عکس او معکوس رفتار ازا \* حسب حال  
 پر ملامت و کل اه \* بر سر جان جنوبی جنبه است \* نیست باکش کربود عالم سپاه \* عکس کلاه  
 هالک و معکوس رفتار ان اصحاب شمال اولوق اوز ره تعجیه و قضیه مانحن فی صددهایه اشارت و تحلیل  
 لفظ کلاهله حسرت سرمدیه بد کمان و کج نظر ان جوانب فقرای در که حقه ایما بیور مشلدر \* (نظم) \*  
 دست پیراز غائبان کوتاه نیست \* دست او جز قبضه الله نیست \* کزنی بانازنین تراز خودت \* در تک  
 هفتم زمین زیر آردت \* آن پس را کش خضر برید خلق \* سر آردار نیابند عام خلق \* کرخضر  
 در بحر کشتی را شکست \* صد درستی در شکست خضر هست \* کچه باقوشه نشیند بر زمین \*  
 خویشتن بشناس و قدر همنشین \* نیم جان بستاند و صد جان دهد \* آنچه در و همت نیاید آن دهد  
 \* (مرو بستکه) \* اول رایت افراز راز سید القوم خادم هم عادت حسنه درویشانه لری اوز ره  
 مطبجده آش پر لک ایله اشتغال ایدوب تعلیم المبتدین رسوم و آداب خدمتده دقت نماید کن بحسب  
 الاقتضا نظر کرده و ولی عهد لری صالح دده حضرت تلری نه ند او خدمت خاصه امر بیور دقلریده آنلردخی  
 تحریمه بند نماز اولوق اوز ره ایکن امر عالیترین کوش اید یجک تأخیر صلات و الا برار لا تحمل الانتظار  
 مصداقجه مسارعته اتمار بیور ملری غریب نما اولغله اثنای سیماطده صالح دده حضرت تلری خدمت  
 معنیه لری اولان آبدار لغه مشغول ایکن خلان وفادن بعضیلری استماع ند اید یجک تأخیر تحریمه  
 و احترام تامله خدمت مأمور بهایه مبادر تلرین یاد و حسن انقیاد و لطف تسلیم لرینه تحسین و ثنا  
 ایتلریله قلم عنایت حضرت مربی جوش آور کرم اولوب یدنده اولان کاسه آبی طلب و بعد استیفاء

الشرب سور مبارک کرس سور المؤمن شفاء حدیث شریفه تینا اناله و بیاشام و خوش باش امر  
غوثانه لرینه اثمار و بلاجرعه نوش بیورد قدّه باذن الله اللطیف الفتاح و بهمة المرشد المکمل در حال  
صدر مبارک لرینه انشراح حقایق غاوده بصیرت لرینه انفتاح سرائر انجلا احسان اولوب دمدم غلبه  
صغوت قریحه ایله منشأ لوا مع مکاشفات عجیبه و مورد یوارق واردات غریبه و کمال روزافزون لری مسلم  
ارباب انصاف و آخرالامر حامل سر مبین و خیر الخلف و جانشین لری اولوب میدان نفس بندان و میسان  
منقادان فرمان مردانده علم و بهانه جویان استغاضه به پیشقدم اولمندر \* (نظم) \* جانانوبده شربت  
و جانم بستان \* مستم کن و از هر دو جهاتم بستان \* یک عنایت به ز صد کون اجتهاد \* جهمدرا  
خوفست از صد کون فساد \* و آن عنایت هست موقوف محبت \* تجربه کردند این ره رائقات \* ذره  
سایه عنایت بهتر است \* از هزاران کوشش طاعت پرست \* (منقول است که) \* اول شمع شبستان  
هدایت و قندیل محراب عبادت درویش میدانی به اشعال قندیل میدان مردانله امر بیورد قدّه خادم  
دخی ابریق روغنی خالی بولد یغین ایراد و وقت شام دخی تدارک روغنه مساعد اولد یغین اساس اعتذار  
ایتد کده ابریق روغنی ید خادمین اخذ و مسلک آب خانقا هدن آشکارا آبله پرایدوب اینک تراروغن  
بی نقاد عنوانله اناله سیوروب میدانی مخلص دخی ترد قدقه یله هر شام پرایدوب تاسحیر فروزان  
اولد یغندن ماعد انچه محتاجین حین اقتضاده اکل دخی ایدوب روز و فالتیرینه کلنجه برکت مر قومه  
ساریه اولد یغی و شام ارتحال لریده خالی بولنوب روغن بازاره محتاج اولد یغین بعد الفوت اشاعه ایدوب  
مانند شمع سوزان و کریان اولد یغی مشهود علیه قدما ی اخوان زما نمزد در فی الواقع بو خارقه مضاعفه لری  
که تبدیل حقیقت آب و امداد با امتداد و هاب مطلق متضمندر کند و لرک زمره ابدالن اولد یغین  
مؤیدی اربابدر نفعا الله تعالی ببرکات مبانی روحانیاتهم فی الدنیا و الآخرة آمین یا مجیب السائین  
\* (نظم) \* ماهیان قعر دریای جلال \* بحر شان آموخته مهر حلال \* بس محال از حال ایشان حال  
شد \* نخس انجارفت و نسکو حال شد \* (مرو بسته که) \* اول خزانه دار غیب بر روز مقابله تنعم یاران  
ایچون نعم کثیره اشترا سیوروب و تانها یتده حبوب خر بزه فروشاندن بر مقدار حبوب الوب هر کسک  
حصه سن افر از دن مسکوره کند و حصه لریدن بر مقدارین دست کرامت پیوست لرینه الوب اصحاب نعم  
مشتراکین یکان یکان دعوت و عن میعلین عد و تسلیم و بقیه حبوبی دخی صاحبانه انعام سیوروب و بالجمله  
کف پر کفایت لرینه الدقه لریده حبه خر بزه هنکام تعداد نموده دراهم جدیده به متحول اولد یغی جمله  
حضارک معاینی اولق اوزره مشهود علیه ثقات احباب صداقت مآبدر \* (نظم) \* سایه یزدان بود  
بنده خدا \* مرده این عالم وزنده خدا \* هین که اسرافیل وقتند اولیا \* مرده رازیشان حیاتست  
ونما \* اوز آتش و ردا حرا آورد \* از زیانها سود بر سر آورد \* اکه و ابرص چه باشد مرده نیز \*  
زنده کرد از فسون آن عزیز \* (مرو بسته که) \* اول غوث بیچارگان و کشف الامان رمیدگان  
فی یوم من الایام اخوان و خلانله زیارت حضرت ابدال مراد قدس سره العزیزه واروب هنوز مراسم  
زیارت تمام اولقسزین قرابین عیدیه منندوره ظهور ایدوب اول بقعه مبارکده زاویه دار بولنان عاشق  
صادق دخی عین الجمعه خدمت سیاقنده آرام سیورملرین رجامند اولغله اندر دخی لوازمه مطبخ فقرای اول  
زهرتسرایه نقل و اول قرابین و ذخایر فقرادخی اولنجه آرامه قرار و یروپ صحبت خاصه مولویه ده ایکن سائر  
مشایخ طرق جلیله و افراد منا هیچ جلیله دخی منجذبه اولوب هر کس ذخایر و لوازمیله برملرینه ملحق و حلقة  
القلری اجزای آحاد سمجه دن منتظمه بر دایره عظیمه تسبیح و تقدیس و وجد و حال اولوب اثنای  
ذوق وصفای ظاهره و باطنه لریده بر خر کوش دردمندر میده هجوم سک تازی اولوب کند و بی حلقة

جمعیت لرینه القادان ماعداراه رها به موقق اولمغله ناچار دائره برسلامه لرینه دخیل وبرکوشه ده پنهان  
اولق اوزره خزیده ایکن حضرت عز برمشار الیه رهگذر جست وجوینه آستین مبارک لرین سد ایدنجبه  
کویا کلام قدیمه رجعت ایدرکی اول مأمین منیعہ دخول ایدوب وسل تازی دخی در پی کار حلقه آخوانه  
کلوب سر برآستان وروی برآستین بسط ذراع ومانندسلک اصحاب کھف ملحق دائره آنتسابلری اولوب  
هر چند ساده دلان احباب دفع مراد وابعاده سعی ایتد کلر بنده مفید اولوب سر حلقه اتحاد و مجلس آرای  
عالی دخی کند و حالته بقا امر ایتکله مأمون الغائله تعرض اولنجہ درون آستیندن خرکوش و برون  
آستاندن تازی بر برینه نگاه آشنایی ایدوب تضاد جلیلری انس والفته مبدل اولوب اول آستیندن  
وبو آستاندن میدانه کلوب ملاعبه عجیبه نما اوللری اثنا سنده صاحب تازی دخی شتابان سمت حلقه  
جمعیت اصحاب اتحاد اولوب بونلر لمیان بنی آدمده بلا تحاشی ولا تضاد ملاعبه سن مشاهدہ الیه  
غریق بحر حیرت اولدقده حضرت جنونی دریچه کشای کاخ والای عرفان اولوب (این حلقه جمعیت  
فقرا لک دائره اتحادیست کدراوشیر و آهو وشهباز و تیهو و تازی و خرکوش و ککر به و موش  
بایکدی بکر اتحاد و الفت دارند و آن تضاد جلیلی بیرون در مانده است) عنوانیله حلقه توحید لک اجزایی  
کمال اتحاد اوزره اولنجہ استه فاضله دائره توحید محالدر دیومعارف وحقایق تفصیلنه عطف عنان  
بیان ایتد کده جوان شکارینک دخی عنان اختیاری دست اصطبارندن ربوده رسته تها لک اولوب  
دام ارادتلرینه فتاده یهوش اولنجہ مکر اول بوجوان بر سنکستان انکار و اصرار درده نشو و غما یاب  
بر نهال تازه امش ماجرای مسموغ خویشاوندی اولدقده بالجمله شکار شست محبتلری اولدقلری دفعه  
نظر حضارده کرامت عظیمه نما اولمغله (این جذب وانجذاب برکت اتحاد است هرگاه که این جلوه  
کند آن در پی است) عنوانیله جمله بی جانب اتحاد اراشاد بیور ملریله هر کس انتهاز فرصت صد دنده  
رومال پای جانی و دست بوس سینه صافی اولوب بنلرنده اولان شوائب بقایای غل و غش زدود و صیقل  
همتلی وجهله بکرو و بیکدل و بکرنک و مصافات تامه و مصافحه راححه الیه مغتنم اولوب والمؤمن مرآة  
المؤمن نفحة مقدسه سی و رای سر اوقات اسرار احمد بدن عرض دیدار نخستہ آثار محبت الستیه ایلد کده  
هر کس مست صہبای محبت ازلیه و خراب جام اتحاد ابدیه اولدیغی ذیلندہ خرکوش بیچاره میداندن  
رجعت جانب بچکان و سنان اولوب تازی و صاحبی ملازم آستانه علیه لری اولمغه عاشق اولغین مانند  
سایه پیرو لری اولشلردر هنکام نهضت مقرر خلاقلرنده (اسرار ابدال مراد همه را حیران و ابدال  
نامرادیغی بزرگ نام و بر مراد و نامرادی کردانید) عنوانیله ترنم ریشکران و کلبانک کش شادی روح روان  
اولوب و مفارق طرقدہ هر کروه تجیل نامله تودیع کان مقام سامی لرینه عودت بیور ووب بهر سال  
حال معهودی منوال سابق اوزره مر اعانت بیور ووب اول بقعه مبارکده مسند آرای جمعیت اخوان  
طریق علیه اولوب جمله نک تجدد عهد اتحاد بنه و تصفیه اوقات آتیه لرینه باعث اولور لرایدی\*(نظم)\*  
اولیسا اصحاب کھفندای عنود\* در قیام و در تقلب هم رفود\* میکشدشان بی تکلف در فعال\* بخبر ذات  
الیمین ذات الشمال\* چیست آن ذات الیمین فعل حسن\* چیست آن ذات الشمال اشغال تن\* هین غدا ی  
دل بده از همدلی\* رو بچو اقبال را از مقبلی\* منکر اندر نقش و اندر زلف او\* بنکر اندر عزم و در آهنگ او\*  
حق زهر چیزی خور و چین آفرید\* پس نتایج شدز جمعیت بدید\* پس صلہ یاران ده لازم شمار\* هر که  
باشد کرمیاده کرسوار\* راه سنت با جماعت خوش بود\* اسب با اسبان یقین خوشتر رود\* زانکه انبوهی  
جمع کاروان\* رهزنا تراشکند تیغ و سنان\* یار باشد را هر ایش و پناه\* کمر تو نمیکو بنکری  
یار است راه\* اتحاد یار با یاران خوش است\* پای معنی کیر صورت سرکش است\* یار شو یار

بنی بی عدد \* زانکه بی باران بمانی مدد \* چشمه را چارکن در اعتبار \* یار کن با چشم خود  
 دو چشم یار \* (منقول است که) \* اول پیر پیر و اهل فنا نهایت که ولسلرند نظر کرده و ولی عهد لری  
 اولان صالح دده حضرت لری خدمت مشو بخوانی و نظارت احوال اخوان و خلان سده سیاتله ممتاز  
 بیور و بکند و کوشه نشین فراغ بال و معتنم صفای حال اولوب قضا را اول مجلس آرای تقریر حقایق  
 مشوئی شریف ابتدا کرده حسن ادای پرسوز لری زیاده کار کربوب حضار و هر کس بقدر القدره ثنا کار  
 و معیون چشم زخم روز کار اولغله بعد المقابله دستبوس لری به شرفیاب اولنجه پرسش حال سیاقنده  
 (بجمل این بار کران حکونه) عنوانیه نواز شلری مقابل سده خلاف طور بخودانه وضع خود فروشانه  
 محتمل تحدیث و ترکیه صدوری منشأ غیرت مردانه لری اولوب (آن حسن تقریر و لطف تأثیر همین  
 نوبت است) نفس تریه ترکیه سوز لری به آخر الدواء الکی فواسجه داغ زن دل دردمند لری اولغله  
 فی الحقیقه نوبات آیه ده تقریر لری ماعدای حرف و صوت مفهوم اولیوب لیکن صدر میدان صحبت  
 معارفده نه کافی الاوائل طبع و قادی لری که هو حقه دادده تحقیق و تدقیق اولوب فقط حین تذکیرده اثر داغ  
 مرقومک بایدار اولدیغی تلقی کرده جمهور اهل حضور بزم فائض السرور لریدر \* (نظم) \* جز خضوع  
 و بندگی واضطرار \* اندرین حضرت ندارد اعتبار \* این همه غمها که اندر سینهاست \* از بخار  
 کرد باد بود ماست \* تا کیم اندر جهان پیچیم \* چون الف او خود چه دارد هیچ هیچ \* پیش یوسف نازش  
 و خوبی مکن \* جز نیاز و آه یعقوبی مکن \* معنی مردن ز طوطی شد نیاز \* در ساز فقر خود را مرده ساز  
 \* تادم عیسی ترا زنده کند \* همچو خویشست خوب و فرخنده کند \* از بهاران کی شدی سر سبز سنک \*  
 خاک شوتا کل بر ویدرنک رنک \* و ظهور امر غریب مذکور محتمل مقاصد مختلفه اولغله بین الاخوان  
 واخلان بادئ صدور اشکال و بحث و باعث محل محامل و اشتباه اولدیغی منعکس آینه ضمیر الهام تنویر  
 مرشد مربی مرقوم اولدقه حضرت سلطان العارفین جناب ولایت مابلیسک خصوص مرقومدن  
 تسلی به مناسب آیات شریفه لریله استشهاده حال شکران ایشلردر که ایراد اولندی \* (بیت) پس  
 مرازان رزق نطقی روغود \* ذوق کف من خردهای ربود \* کفتم این فتنه است ای رب جهان  
 بخششی ده از همه خلقان نهان \* شد سخن از من دل خوش یافتم \* چون انار از ذوق می بشکافتم \*  
 کفتم ار چیزی نباشد در بهشت \* غیر این شادی که دارم در سرشت \* هیچ نعمت آرزو ندارم ذکر \*  
 زین نبرد از من بجز کارم ذکر \* کویا بقیه درد وجود لری نه دخی بوداغ کاوی ایل مدوات بیور و بکند  
 نامه روحانیه و حیات طیه قدسیه ایل مقام عالی لرینه استخلاف و چراغ خاص و اول شفاخانه معنویه دن  
 طیب حاذق تدبیر دوا دردمندان راه طلب بیور مشلردر \* (نظم) \* ای خنک آن مرد که خود رسته  
 شد \* در وجود زنده پیوسته شد \* موم و هیزم چون حذای نار شد \* ذات ظلماتی او انوار شد \* سنک  
 سرمه چونکه شد در دیدگان \* کشت بینانی شد انجاده بان \* و اول کلین رعنائی محل مثال لرینه غرس  
 بیور و بکند الی بومنا هذا اخلاف خیره لریله اخوان و خلان روشن دل و دیده جان اولشلردر و بو خدمت  
 پرکرامت و ایتینلری تمامنده کند و خرامان روضه رضوان اولوب قبل الوقوع محل دعا لری اولان مهبط  
 روح و روحانیه متواری خالک بال و مشهد مقدس لری زیارتگاه اصحاب دل اکاه اولشدر نور الله تعالی  
 مرقد و علی سنادس الرحمة ارقده آمین با مجیب السائلین و مجلس آخرین عمر نازینلرند حلقه زن  
 اخلاص و اختصاص بولنان بارانه صدور یافته احسان اولان نصیحت جلیله لری (علیکم بالتساب  
 ابواب الرجال فانها محط رحال الآمال و مقسم رواتب الاحوال القابل منظوری فی کل حال و القائل علی  
 شرف الارتحال و به نال الكل مانال و الصالح حاصلنا فاعنتم و المحصوله فقرات لطیفه لریدر که خیر الختام

کمال احمد دده

کمال احمد دده

منع به نغیسه لری قلندردر تلک رجال قد خلت بر حی نوالهم وبلتجالدی الشدا اذالی جنابهم یارب بهم وبحبهم  
 \*فرج بالنصر وبالنعم\* (حضرت کمال احمد دده) \*فی الاصل خا کزاد آقشهر وشیح سنان الدین مولوی  
 اولاد کرماندن اولوب مجمع البحار علوم ظاهره وباطنه وحقیقی وزاهد متورع و قائم مقام بدریس وند کبر  
 ایکن ورا ی سحاب شفاف قلب ز کبیرندن بارقه جذبه غالبه لمعان ایتکله حضرت چلبی خسر وعالم  
 انفسه منجذب ومدت مدیده خدمتات مبروره لریده مساعی مشکوره به موفق وفائز انظار حسنه لری  
 اولغله اول سرچشمه زلال ارشاددن سیراب اولوب قبرت ناخلفان خلفاده طاقت تحمل واصطبار لری  
 کدازان تاب حیت وغیرت مردانه لری اولوب ناچار مائل سمت سیردار و دیار و مولع ذوق کشت و کذار  
 ومانند بر کردور کار و سیر اما کن شرقیه وغریبه ده تماشای حکم وعبرایدوب آخر الامر حسرت  
 الاقالیم اولان دارالدوله قسطنطنیه صیفت عن البلیه ده اختیار آرام ایدوب حالا خراج باب جدیدده  
 جلوه گاه عاشقان مولوی اولان بقعه مبارکه نیک جوار ی میدان اجتماع هنکامه کبران دکا کان  
 ومشعبان اولوب اول کروه مکروهات مهتره دل و حیلندن بر شخص بی فروغ ظهور ایدوب خلائق  
 محیه مر قومه نیک اکثر رجال ونسوانی ر بوده تماشای صنایع غریبه سی ایتکله روز ملعبه غنونه یوم الحشر  
 اولوب یومافیمانا ز شهرتی شدت یاب اولغله اول نکهبان بلاد وعباد ک عرق شفقتی خندان اولوب بر  
 کر میت هنکامه سنده داخل سواد جمعیتی بولنوب جمله دل وملاعین عقد ومقابله ایتکله کونا کون جد  
 وجهد ایدوب اصلاحی واقدا می مفید اولدیغندن مقابل مستولی نورانی و روحانی اولدیغنه انتقال  
 ایدوب مدافعه دن عجز فی ادراک ایتکله بحسب الفراسه صوب سعادت لرینه التجا واعتذار ایلد کده  
 (از اینجا دکان هنکامه بر چین که مجمع روحانیان مولوی خواهد بود) نفس تنیه فرمالرله اول حوالیدن  
 جمعیت بودکان خواب وخیالی تقریق ایتدیکی طائفه کاب دولتدن بر سابقه دار عنایتک مفهومی  
 اولغله مقرر سعادت لرین جست وجو وکوشه معارف توشه لرین زیارت ومقام خدمت لریده اقامت وبروقت  
 نشاط لریده عرض حال واستدعای فوز مر اام ایلد کده بر رفته باره به بعض خط تحریر ومانند حرز  
 وتعویذ لایبوروب تا وقت نیل مر اده کشف ونظره تأکید تنبیهله انا له و فریق سر نه حفظ واحترامه  
 ترغیب یوروب اول محب مخلص دخی موجب امر لری اوزره حرکت ایدوب زمان سپرده آرزوی دل  
 هوسناکی اولان یکجیری افتدیلکی منعبنه نائل اولدقه کشف ونظر یوروب کندونک منصب  
 مر قومه نیلنکمه وسال وروز وساعتی تحریر اولتمش بولوب سابقا اولان صدق و اخلاص یکی در هزار  
 اولغله خدمت شریفه لریده نثار ماملک و اشارت یوریلان موقع رفیع ذات لطیف لری ایچون برخانقاه  
 احداث ایدوب الی انقراض الدوران مجرای آیین وارکان حضرت سلطان العاشقین وآرام صگاه  
 فقرای باب الله اولوب نشان کمال حال لری اولمشدر ووالد ماجد لری بکار ارباب شهود ومکاشفه دن عزالدین  
 نام شیخ بزرگوار اولوب هنوز کوهربایدار وجود بهبود لری صدف رخده ایکن بین الاقارب فرزند و دختر  
 اسامی سی بیننده اختلاف تخمین تسمیه مسموع شر یفری اولدقه نام نامیش کمال الدین احمد است دم  
 کشف توأم لرله قطع سر رشته اختلاف یورملری جلوه کمر منصفه روز اولدیغی کبی اسم شر یفرینه  
 مسمای موافق ظهور ایتشدر و باب جدید جوارنده پرده برانداز روی کمال ذات واول عرصه برزقهتی  
 مهبط عنایات مردان خد او مقسم تشریفات کرامات لانتحصی و باب جدیدی مورد ومصدر  
 عاشقان وعارفان وموطی اقدام صادقان وطالبان ایتکله روی دارالدوله حسرت الملو که جهان  
 فیض ورختدن در کشای نوالملری انظار اهل اعتبار ده فال خیر واول سواد اعظمه هم علیه قطبانی  
 سورسور نورانی اولق اوزره مجمع علیه اولمشدر انا الله براهین سکاها وادار علی الوار دین والصادرین



کوس جانها \* پس ذات ستوده صفات لری یاد کار خسروی و نخل سایه انداز بوستان اولی اولوب زمان  
سعادتلرنده نجوم الهدی اولان مشایخ طرق سائر تحت الشعاع اولغله حامل سرشمس الدین اولدقلری  
مانند مهر عالم آرا عامه اهل بینشه هویدا اولشدر \* (نظم) \* اخترا انداز و رای اختران \* که احتراق  
و نخس نبود اندران \* سائران در آسمانهای دگر \* غیر این هفت آسمان مشهر \* را سخنان در تاب  
انوار خدا \* فی بهم پیوسته و نه از هم جدا \* هر که باشد طالع اوزان نجوم \* نفس او کفار سوزد در  
رجوم \* (مروستکه) \* اول مهر منیر ذره نهاد و میر سر بر عزت و مسکنیت معتاد بجملة اللوازم و اللواحق  
خاتناه خاصه ذات لری اتمامنده تواضع و بخودی اوزره صفة مطیع نشین و چله کزین اولوب پروانه شمع  
انجمن لری اولان اخوان و خلان مسند زین مشیخت و تبدیل زری قدیم در ویشانه و تجدید عهد و انابت  
ربا مندی اولدقلرنجه (درین کار مدخل جای و جامه نیست) عنوانیله دفع حسن بیور و بوقت اتمام  
میقات مصمملرنده جانب جناب حضرت خیرالابدال وزین الرجال بوستان اول طرف باهر الشرفلرندن  
منشور خلافت وارد اولوب بعد الفتح و القراءه کند و لرا اجرای رسم پیمائیه مردان بیور دقدنصکره  
صدر میدان مشیخته قدم نه ادب و مجاهده خلافت زانوزن و ر و مال و وجهه سالی حضرت مشیو شریف  
و تقال تبرک قصد یله دست بدامن تسلیت و امداد غیبی اولدقلرنده \* (یت) \* حاصل این آمد که بار جمع  
باش \* همچو بتکرار از جریاری تراش \* نفعه قدسیلری حسب حال تنبیه مال ظهور ایتککه جل  
همملری تسکینراخوان و توفیر خلافت مصروف اولوب زمان سعادت خلافتلرنده کار و صغار محمیة  
مرفومه دن کلاه ارادت و عرقیه محبت پوش اولیان انجق ناقصان سرمدی و قاصران ابدی قلوب جمعیت  
مقابلده اجانیه جای نشست اولمغله دائره کالدن محجور و آشکارویان دیریندن مهجور اولمشلردر  
\* (یت) \* تا ابد معمور باد این خانه کز خاک درش \* هر نفس با نوبی رحمن میوزد یادین \* (منقولستکه) \*  
اول آینه عالمهای اسرار وجود فائض الجودین غدپوش ایدوب و کلاه غمدین اوزره علا و دستار امتیازی  
معقول کور میوب سائر در ویشانه بکر ننگانه صوری و معنوی اوزره حسن زند کافی کزین اولدقلرین  
ادراک ایتیمان ساده دلان احباب اهد الیلک کبری کزیده دستار لری غنیه علیه بوستانی بهرک سبز و دست  
آویز احباب اولوق اوزره ار سال بیور دقلرنده حضرت جللی مشارالیه علی طریق المطایبه (ماورای برای  
دستار ربانی نصب نکردیم از و مریدان راه خداوند کاری خواهیم) نفس انفسلریله تحریض پرورش  
سالکان و تعریض عدم قبول فضول هدایا بیورملرینه (پیشین دستار شان میر با بیم و پس با فساد ارادت  
می بندیم و پروریم و اگر هدایای ایشان قبول کنیم بی تلاقی مع الزیاده نیست با امید آنکه مهدی و مهدی  
الیه از مضمون نهاد و انتخاب و محروم نمائیم پس بهادات توسل محبت و محبت توسل ارادت آسان نمود و لیس  
فی الدین من حرج) جواب معذرت مضمونیه حسن تدارک بیورملری مرفوع پیشگاه حضرت مستخلف  
اولدقد باعث انسا لار زائد الوصف و بادی جوش قلم کرم لری اولوب (آن قلاش بدین ادای شیرین دستار  
ما را نیز بدست آرد) لطیفه سبیل اتمام احسان و کلاه خاص سر سعادتدلرین دستار یله انعام بیور و ب  
(ذات شیخ در حلقه اخوان چون امامه دائره سبجه است پس امامه را از عمامه امتیازنا کزیر است) امر  
لازم الاطاعه لری نه بناء فقط انبای طریقت علیه دن اول عمامه متبرک ایله ممتاز اولوب اولدخی روز  
مقابل و تذکیر مخصوص اولمغله ماعداد دستاره رغبت ایتیموب الی آخر العمر اول امامه مأموره و علا و  
مأثوره ایله سرافراز اولدقندن ماعداد صندوقه تریبه شریفه لری نه دخی علامت اولوق اوزره وضعی تنبیه  
ایتککه توصیه لریله عمل اولمشدر \* (نظم) \* عارفان و معرف فارغی \* خود همی بینی که نور با زنی \*  
کر برش و جامه مرستی کسی \* مهر بر زاریش و مو باشد بسی \* هین روش بکرین و ترک ریش کن \*



نرمان ماومن و تشویش کن \* تاشوی جون بوی کل با عاشقان \* پیشاور همنای گلستان (مر و بستکه) \*  
 اول کاشف استار اسرار مال شیخ کمال احمد صاحب حال تأیید حضرت ذوالجلال عم نواله ایله مسند  
 خلافت خداوند کاریده مالک رقاب قلوب اهل اقبال و پای منبرند کبر لری ملتزم عرفا و فضلا و مستم معالکة  
 بی سرو پا و لغله زیر جناح تربیه و تنبیه لریده اکثر من ان تحصی نفوس مستعده پرورش یافته و انتساب  
 طریقت اولویه مولویه و پرتو کمالی مرایای قابلینده جلوه کرات محیره العقول و احیا کرده لری اولان  
 خواص مقر بینک اطوار نادره لری موله الفحول و کند و لردن مطلوب اریکه نشین خلافت تربیه معظمه  
 خنکارا کبری کاهوا المقصود رسیده حد کمال اولدقده اختیار تجردیور ملریله یاد کار ذات کثیر البرکات لری  
 اولق اوزره بر نتیجه عمر کرامی و خیر الخلف مقام سامی لری بولند یغندن احباب صداقت مآب الطهار خزن  
 و تأسف ایلد کلرنده (خیر الاخلاف الاعقاب المعنوی ولو کانت اشجار اوا کرچه آل ما کم است و کمال زوال  
 پذیر است لکن احمد تاهفت نوبت بجاست) نطق شیر یغری فی الواقع قرن بعد قرن قرین صدق ظهور  
 و کند و لر خرامان روضه فردوس اولدق لریده جانشین لری طغانی احمد ده ده بعده صوحی احمد ده ده بعده  
 حاجی احمد ده ده بعده قاری احمد ده ده بعده ناجی احمد ده ده بعده عار فی احمد ده ده خلافت لر یله نوبات  
 اشارات کرده لری رهین مرتبه کمال اولمشر \* حتی بین الحاجی و القاری شیخ اسماعیل مرکزی به  
 رجای رجال دولته مشیختنامه وقت عصرده وارد اولوب علی الصباح مسند مشیخته جلوس تخمین  
 اولمش ایکن بقضاء الله الحکیم اول لیله بر انتظار ده غآه فوت اولمغه شیخ احمد قاری حضرت تریسه  
 امر خلافت مقرر اولوب نظام کشفی لری خلل پذیر اولمشر و عقیب شیخ احمد ناجی ده ده مدتی سیره  
 سید نسیم یوسف تصدیق اولوب لیکن کان کان لم یکن اولمشر و در عقب شیخ احمد عار فی نوبت یله  
 تکمیل قرون مشهوده اولمشر \* (نظم) \* زمک نام لکوتش حجاب بردارند \* هرانکه خدمت  
 جام جهانما بکنند \* مصداق یله نفوذ پیشین لری معاینه اولمشر \* (منقول استکه) \* اول نازنین سر پرده  
 قربت بردفعه غلبه علت طبیعت و فرط شدت ریاضت سیبیه مزاج تحمل سرشت لرینه انحراف طاری  
 اولوب یوما فیوما ازدیاد داعم امکان دوا بی مشعر اولمغه اخوان و خیلانند بیم هجران ایله انین  
 و بکا خیزان اولنجه (تاب کمال ترسم زوال نپذیریم) اشارت بشارت فرمالر یله دفع خزن احباب بیوروب  
 لیکن مراد شیر یغری نود و یکساله انتقال لریدن نمایان اولمشر و کیفیت ارتحال دار البقاری  
 بر روز مقابله و عظم و تد کبر لری خلاف معتاد قدیم بالجمله و داع بزم فانی و فراق دوستان جانی و وصال  
 گذشتگان کرامه متعلق و پرسوز و کداز اولوب و وقت سماع و صفاده کمال هر ملریله من الاول الی الآخر  
 تیز اندر تیز چرخ و نعره زان انشای دور و جد و حال مآله ایکی دفعه تلبیه شیدی بیوروب دفعه ثالثه ده  
 سماع و طاعه مسرعاً علی الوجه و الهامه عنوان یله ختم کلام کرامت نظام بیوروب و بعد المقابله حلقه حضاره  
 و داع و هنگام سماع و صفاده دعوت شریفه ارجعی کوشزدی اولمغه تلبیه و اطاعت سربیه اقتضاسنی ابراد  
 بیوروب لیله یوم مر قومی احیا و سجاده تهجد لری اوزره ذکر اسم جلاله مشغول و طلوع تابشیر صبحده  
 تجدد وضو و بعد الاسفار مسافر جوار رحمت رحمن اولمشر در و جنب سماعخانه ده مقدام مدفن مشایخ  
 اولق اوزره افراز اولنان موقع غفرانه دفن اولوب خالک یا کلری زیارتگاه خاص و عام اولمشر نور الله  
 تعالی ترته و اضاء سیرته و شرف رتبه آمین یامن لایحیبال راجین \* (حضرت شیخ محمد تبرادر) \* فی  
 الاصل لواء حمید اعمالندن اسبارة نام قصبه خاک اولوب عنقوان شبانه سرای سلطانی تبرادرانندن  
 صالح ورشید و مولع عبادات و محب اخبار اولوب اندرون همایونده اوجاع و اسقام و حوادث اذار  
 و نکبتله پریشان احوال اولان شاهزادگان و مقربین سلطانی همیشه ضد داستمداد و استعداده

شیخ محمد تبرادر

جواب مشایخ و قریه ملتجی و مستشفی مشاهده ایدوب و آثار جمیله لر به مغتنم و مستفید معاینه ایتمکله  
 دلسر د علاقه د نساور و بگردان توجه مراتب و مناصب ماسوا اولوب سر حلقه کروهی اولق قوه قریه به  
 کلمش یکن ترک مال و منال ایدوب طلب مرشدی سیاقنده عالم کرد اولدینی ائشاده آستانه سعادت  
 بیرقدس سر المنیره دخیل و مدده مدیده سلاک خدمه مطیع عامره لر به منتظم اولوب آخر الامر سایه دست  
 کرامت پیوست حضرت بوستان اول ایله سرفراز و فرق دردمنده سی موقع توقیع تکبیر مولوی اولوب  
 بالذفات صاعما و ماشیاز یارت حرمین محترمین ایله مستعد و قرتال دده حضرت تلری خدمتده مشق  
 محو و فدا ایدر لک متوسل معرفت نفس و متمتع نعمت ارشاد و معلم نشانه استوا و امر عالی مرشدی  
 موجب بجه وطن قدیمه عزیمت و حالا آرامگاه فقرای باب الله اولان مقام مبارکده اقامت و امداد عنایات  
 مردان خدا ایلله اول بقعه شریفه بی مسکن درویشان و مجرای آیین وارکان ایدوب زمان سعادت لر بنده کامل  
 و مکمل عد اولنان مشایخ شواخ الا وضاع عد ادینه ملحق اولمشر \* (نظم) \* یارب آن بقعه صفایاد \*  
 دائم از غم شود امان آباد \* ساکنش بعیش خوش خرم \* زائران کامران احسان باد \* (مر ویستکه) \*  
 اول بادیه پیمای صدق و خلوص قرتال دده حضرت تلرین موقوفه معاینه ایدوب رجعتده شام شریفه  
 کلدکده حضرت شیخ جنبانی موسم عرفانده اخوان صفا و خلان و فایله آشیان شاهبازان حقیقت  
 اولان میدان جل تسانده جلوه نمای محبت اولد قترین استخبار ایتمکله کتم سر بیوروب ایتمکن  
 اول سفرده کندولر مبطلون اولغله زحمت عظیمه مبتلا اولوب مداوات اولند بقعه علتلری مشد و مایوس  
 عافیت اولدینی جمله نیک معاوی ایکن ناکاه قلب آگاهلری مهبط نور الهام الله اولوب \* دردم نهفته به  
 ز طیبیان مدعی \* شاید که از خزانه غیش دوا کند \* مصداق بجه مداوات مور یه دن دستکش تدبیر اولوب  
 عزیز مشار الیه دست پر میبنددن بنیه الشفاوش ایلد یکی ساعت بد ننده اثر عافیت پدیدار و چند  
 روز مرورنده نه محبت سابقه سیله مغتنم اولغله بعد ازین دست من و دامن آن سرو بلند خواست بجه  
 بنده حلقه بکوشاری و افکننده جرعه محبت جوشاری اولوب فیض حسن نظر کیمیا اثر لر به اخراز رتبه  
 رفیعۀ خلافت ایدوب محل مأموره متوجه اولد قده قدمای خدام حضرت شیخ رشک آملر کلمات ایتمکله  
 تبردار بر خوردار کشت بفرمان خداوند کافر ستاده مقام اختیار شد عنوانله سد باب اعتراض اولمشر  
 \* (نظم) \* در طلب زن دامناتو هر دو دست \* که طلب در راه نیکو رهبر است \* این طلب مفتاح  
 مطلوبات تست \* این سیاه و نصرت و رایات تست \* کرچه آلت نیست تو می طلب \* نیست آلت  
 حاجت اندر راه رب \* (منقولست) \* اول مست سر انداز صهبای وجد و حال اکثر باتلاوت  
 حضرت مشوئ مولوی ایله سلسله جنبان شور و عشق اولد قزنده منشدان و قوالان حاضر بولوب سماع  
 و صفا ایله بر مقدار تسکین غلبه استغراق و محو بیورور لر ایدی لکن کاهیجه حلقه دوران سماعده  
 بر رطل کران دهنی مانند از دیاد وجد و فوران طوفان حال و جوش و خروش ضبط نایز اولوب رسم مقنن  
 سماع خداوند کاری و چار سلام تمامند \* مطربا اسرار مارا باز کو \* قصه های جانفشاز باز کو \*  
 نظم شریفه اعاده دور بیوروب نه کندولر دفع عطش حاصل اولمغله تکرار \* مادهن بر بسته ایم  
 امر و زازو \* توحید آن تقار باز کو \* نطق پر شوقیه ثم و ثم بوغل قد سینک هر بیله تکریر دور اولوب  
 آخر الامر طول مدت مکشدن کالیاب اولان اخوان و خلان متفرق و دور و دراز انشادونی نوازیدن  
 ملال زده اولان مطربان پریشان و ذات پر تمکینلری محور فلک وارد و اری ماشاء اللودود امتداد  
 نهایتده بخود و مدهوش سواد شهر و خانقاه و داع ایدوب \* (بیت) \* بعد ازین دست من و دامن کوه  
 و صحرا \* سر سباده هوس تازه جنونی دادم \* نشیده حسب حال لر به ترنم زین و نغمه ککنان کاه سدره

طرفه وکاهی میناسون نام مسیره لرچانه بر وان چرخزان اولوب وکاهی انجمن ارواح مقدسه اولان  
مشاهد عالیة اولیاء الله توجه یوروب چند روز و شب حالت مرقومه لری تمتد اولدجه مریدین  
و محبتیدن فرد واحدک پیرامن کردلری اولغه جبارتی اولمغله احوال اوقات کمال استغراقلری معلوم  
اولوب بعد الحوینه مقرر عز خلافتلرینه رجعت یوروب کما کان حسن تمکینه تنیه و تربیه طالبان ایله  
اشتغال نما اولور لرایدی انجق حواصل محرماته ملائم اولان بعض مشاهدات و احوال عجیه لری یسه  
کند و لردن نقل اولمشدر از جمله سدره نام مقام رفیعہ ترقی یوردقلرنده حضرت خضر علیه السلام ایله  
ملاقات و میناسون نام محله تنهانشین و وحشت کزین اولوب اطرافده آسوده جوار رحمت اولان مردان  
خدائک ارواح عالیة متجسده لری و مستوران قباب عزت رجال الله صحبت یوروملری و دقائق اسرارک  
انکشافی و موائد غیبیه نک ظهوری امثالی عنایاته مظهر اولملری لسان راست یسانلردن تلقی اولمشدر  
وما هو علی الکرم الفیاض الوهاب الفتح بعزیز (نظم) لوح محفوف طست اورا پیشوا \* ازجه  
محفوف طست محفوف از خطا \* مؤمنای نظر بنور الله شدی \* از خطا و سهوا عین آمدی \* انکه از حق  
باید اوحی و جواب \* هرچه فرماید بود عین صواب \* (مروسته که) \* اول شاهباز اوج همت علی  
طریق التدریج آشیان ساز احوال اولدقه احباب ذی ثروت دخی زیادہ توسیع و تعمیر و تعیین اوقاف  
مراد ایدوب استئذان اولندقه قطعه عارذ و قبوله متعلق کلمه ظهور ایتیم سکوت و سکون ایله معامله  
یورلدن قلوب منتظرین جوابه خواطر و اهمیه مستولی اولنجه (فی الزمیع الخیر و فی القبول دفع النقر  
واللائق بحالنا التسليم للامر) عنوانیله بیان حال یوروب (در خصوص مسکن بقدر الحاجه موقوف  
شدیم که سماعخانه بهر آیین اولیا و مسجد شریف برای عبادت مولا و میدان جمعیت بهر صحبت روحانی  
فقرا قدر الکفایه ساخته شد و پیش ازینها از فضول و بدین مرتبه خرسندی افضل است) نطق لطیف لریله  
اراده زیاده دن ترهیب و ترکت تکلفه ترغیب یوروب و عادت عارفانه لری دخی ماکل و ملبس و مسکن  
ولو از مسائره ده طرح کلفت و قدر التیسیر له قناعت اولوب علی الدوام ذکر و فکر حضرت خالق الانام  
وصیام و قیام و تجرید تمام اوزره ثابت و قائم و مدت اوان السلوک کنند و لردن خلاف رسوم طریقت  
تکاسل و تجاسر دیده و شنیده اولدیغی حسبیله اشراف ذوی الانصافک تحسین و ثنای بلیغ لری کوشمزدلری  
اولدقه (ما پیش ازین خدمه سلطان دنیا بودیم و هرچه از قبیل او بما میرسید از لطف و قهر مردد  
شاکر و راضی و بخدمت معینه مشغول بودیم اکنون خود بفضل ایزد متعالی بند کان سلطان  
دینیم پس داده و قیمت کرده را از جلال و جمال بهر حال خرسند و تسلیم شدن و طیفه لازمه و اقامت  
مراسم اتمار و انتها طریقه مسلوک ما مست بالطریق الاولی در این چه مزیت است که باعث تحسین  
و ثنا گردد) عنوان هضم ارکانه تعلیم دقائق ادب یورومشدر \* (نظم) \* خود چه باشد پیش نور مستقر \*  
کروفر اختیار بوالبشر \* کوشش پاره آلت کویای او \* به پاره منظر بینای او \* مسمع او آن دو پاره  
استخوان \* مدرکش دو قطره خون یعنی جنان \* ای خندل انرا که ذلت نفسه \* وای آن کز سرکشی  
شد چون که او \* نردبان خلق این ما و منیست \* عاقبت زین نردبان افتاد نیست \* هر که بالاتر رود ابله  
تراست \* استخوان او بتر خواهد شکست \* (منقول است که) \* اول مجمع عواطف صمدیه خدمت الملوک  
نصف السلوک مصداقچه جامع خدمت ملوک دینیه و دنیویه اولمغله حائر جملة مهام سلوک اولوب زمان  
التحاق طائفة علیه مولویه ده انجق فائز رتبه سواد خوانی ایکن میامن خدمات ملوک حقیقه نائل نور  
انشراح صدر و مهبط بوارق الهامیه و منزل واردات کشفیه و ملتقی الابحار علوم عقلیه و تنلیه و کشفیه  
لدنیه اولوب نفایس اعمال و جمائد اخلاقه آراسته و منشأ نادر معارف و مشرق شوارق خوارق

اولوب ولات و حکام صحبت شریفه لایله اغتنام صد دنده استغنان زیارت واستمزاج اجابت دعوت  
استخدام ایلد کوری رسل سخن فهمانه (نخن معاشر الفقراء و هم مفاخر الاغنیاء فلا جناس بینا فکیف  
یتنظم امر الاستئناس) قول شریف لایله ردلین بیوروب سائر اعیان و اشراف قوم دخی جمعیت مقابله ده  
دیدار فرخنده آثار لایله قریر العین اولوب صحبت خاصه لری همانا طوائف مشایخ و درویشان طرق  
علیه ایلله اولغله ولاتدن بر صاحب همت و خلوص جامه تبدیل زی فقراده مجلس خاص لری نه داخل  
اولدقه مکاشفه و بدیهه بوقطعه غراسر زده طبیعت ضمیر آشنالری اولغله والی مر قوم از دل و جان بنده  
در که ولی والا همت و مرید مخلص طریقت حضرت پیر قدس سره المنیر اولوب جمله مامله کین فدای  
خدمت فقرا ایدوب بالدفعات ینه کندویه طرف رجال دو اتسدن عرض پایه برترین اولغله جانب علاقه  
دنای دونه جذب مر ادا اولند بجه استبدال الدین بالدنیای غنیش مضمونیه دفع بیوروب آخر الامر  
دفع دغدغه مکر و تصدیع دولیان سیاقنده اختیار سیر و سیاحت و مقام آرا ملین چشم و کوش  
جواسیس اغیار دن اخفا ایدوب مأمون الغائله رهنان دین اولوب عاقبت احوالنده آستانه ملائک  
آشیانه حضرت امام علی موسی الرضاده معسکف کوشه امن و راحت و منزوی و حدتخانه قناعت و اول  
جوار غنایت پروردگار دیده صرف نقد نسیه اوقات و ملحق ارواح عالیه محبان خاندان خیر الال اولدینی  
السنه سیاحتان انفس و آفاق اولان ثقات درویشاندن استخبار اولنمشدر و اول باعث قطع علاقه  
دنیا و بادی ترک هوس و هو اولان قطعه رعنا یاد کارخانه ارشاد لری اولوق اوزره منقبه نفیسه لری  
عقدینه درج و تضمین اولنمشدر \* (نظم) \* بیابندیل سیرت کن که آخر صورت و جامه \* مبدل با کف  
خال و کفن کرد که و مه را \* برو این دیده سر را بید و چشم سر بکشا \* که تابی عیان اصل همه چیز  
و بدویه را \* (مر ویستکه) \* اول پیر روشن که هر که قرب سفر دار الحضر لر نه مر قدس پیرین حفر  
ولوازم و ایدنلرین آماده و فضله تجهیز و تکفیلنرین فقرایه ایتار و کوشه و حدت لری نه دخول بیوروب  
(انرا که خبر شد خبری باز نیامد معدا فچه منتظرین کشف حال مایوس خبر مال اولد قلمری وقت سحرده  
در خلوتخانه لری کشاده و مر غر و روح روانلرین پرواز او کار علینه آماده و دست خط لری نه توصیت  
نامه لرین سربالین احتضاره نهاده مشاهده و جمیع فوقی مر دوزن و پیر و جوان دیاری حریق آتش هجران  
و غریق دریای اخزان ایدوب جمله کار تشمیر ساعد خدمت اخیره لری و خدمات مالیه لرین بالجمله مهیا  
معاینه ایتلر لیه خدمات بدینه لرین غنیمت عدا ایدوب هر کس حصه بر حمتیه انتهاز فرصت ایدوب  
ینه و حدتخانه لری خلوتخانه آسایش اخر و یه لری اولوب خال یا کوری تریال اکبر طالبان شفا  
وزیارت متبرکه لری سر مایه بر مر ادی اهل دعا اولنمشدر و خط شریف لایله اولان و صایای لطیفه لری  
بعینها خیر الختام نفیسه اذ کار خیر یه لری قلمشدر که ابر ادا اولنشدی (رحمت رحمت اند و در بنظر خرم  
ملاحظه باید کرد و رحمت غمار افسکر عاقبت تحمل و مدار تحمل روحانی خواهد انکاشت و رسوم  
و عبارات از ظواهر و اذواق و اشارات از باطن مراعات کنند که هر دو چون قشر و لب است بی یکدیگر  
مستقیم نباشد و قره العیون تسلیم الانسان الکامل لله دره الشامل و علیه بره الفاضل نور الله قبره و یسر  
امر و افاض علی المستحقین المتعطشین مدرار دره آمین یا مجیب الداعین \* (حضرت رمضان ده ده) \*  
دار الولا به قویه حرست عن البلیة الجلیة و الخفیة خالک تا بنالک زادندن و تلامذه دانشوران فقرا ی  
خداوند کوری قدس سره اللطیفدن اولوب بعد تکمیل العلوم المتد اوله تأثیر صحبت استادله دخیل  
حلقه فقر و اسالک مسلک اهل فنا و زمان بیدر امداد صفای جوهر له آشنای اسرار و سر فراز تاج  
خلافت حضرت خنکار اکبر قدس سره الازهر اولوب و کلاله زکوة خاندان صدیقین بر نیک اختر له قران

رمضان ده ده

حضرت در ماه رجبی

السعدین اوج برج ازدواج وقریر العین ثمار القواد نجابت نهاد اولغله بین المشایخ والفقرا اسمای  
 علوشان وسمو مکان مذکور و آتار بدیع لری وکل حال لری رشک آورا کثر رجال معروفه اولوب  
 و دستور مکر سلطان مرادی بیرام باشا حاضر تریله اولان سابقه نخا لری رابطه مر اسلات  
 اسرار اولوب بینهماده جاریه اولان بشارت ومواهد مقتضا سنجه مترقی صدر وکالت کبری اولدقده  
 وفای عهد و قدیمه سیاقنده و طنلری اولان محبیه قیصریه ده ذات شریف و وجود منقاری ایچون مخصوص  
 برخانه بهشت اشتباه بنایدوب عزیز مشار الیه اول مقام عالی به استخلاف سیوریلوب اول دیار جلیل  
 الاعتبار تکیون حشرات شرار انکار له بر خار زار آزار اولمشیکن بفضل الله تعالی بوین قدمه کلزار  
 عند لیان اسرار و جلوه کاه عاشقان طریقه خداوند کار اولمشدر امد الله امداده و ابدا خرابه الی یوم  
 التناذ بالنبی و محبته الاسعاد \* وتوالی التثامات وتتابع اکرامات بیرامیه الیه ایام عیش حضرت  
 رمضان بالجمله عید اکبر کامرانی اولغله حقنده رمضان بیرام ~~کر~~ در مثل سائر واقع اولمشدر  
 \* (مروستکه) \* اول مرد مؤید من عند الله مسند مشیختلریده قائم بنفسه و مستغنی استعدا شاه و وزیر  
 اولوب لیکن بقایای مرده منکرین کویا مؤید من السلطان والوزیر ملاحظه سیله نوبت صدارت  
 بیرامیه ده تجا وز جده جسارت اید میوب مانند حشرات ارض هر بری سوراخ اتهاز فرصته سر کشیده  
 اولوب کله عیدیه عالی و نافذه و اخوان و خلان شهد و شیر آمیز عیش خوش اوزره اوقات گذار لرایکن  
 دست تقلیب حوادث بساط نور د عید اولدقده سر بر اور کین کین اولنلردن بر واعظ طعان نایده سنان  
 لسان شراره فشان اولوب تزییف رمضان خصوص صند خرده کیرانه (حل رمضان بینا و عرض  
 المرضان قومنا یعنی البدعة والفرقة) عنوانیله هر زه درانی ویاوه کوی صد دنده ترویج متاع کاسد اصرار  
 و تشعیل نائرة اضراره تمهید مقدمات تسویلات ایلد کارنده عزیز مشار الیه بومقوله کریوه رو (انا تطیرنا  
 بکم) اولان کروه مکروهه (طائر کم معکم) فحوا سیله معامله ایلد که الزام پذیر اولوب نو بنو  
 سلسله جنیان معادات اولغله تنور سینه پر غیر تریندن طوفان حمیت مر دانه سر زده اولوب حاشا شمشا  
 قدوم رمضان متشام باشد ما آمدم و بموجب الشریعة افعالی والطریقه احوالی والحقیقه قرأس مالی لب  
 اللباب سنت آوردیم که حقایق طریقه و دقایق حقیقت است و در میانه سعادت اهلالی عقد مواخات  
 وعهد موالات بیستم و نفس واحد و نور متصل ~~کشتند~~ آنقدر هست که شرمه خسیسه اشقیای حکم  
 (وامتاز والیوم) پیشین منفصل شدند ما را باقرار احرار وانکار اغیار چه کار است (قل کل من عند الله)  
 لیکن اینچنین کج گفتار رادهن راست مناسب نیست پس اورا مرض لقوه باید که دهش چون گفتار کج  
 شود و کرائی سامعه لازمست که ولوله نای و قدوم و بدیده نعره عاشقانرا نشنود (نفس تأثیر غالی  
 در ساعت حکم فرما اولوب محرک مغبون لقوه و صمیم الیه مبتلا و رها یابفته و دغدغه کفت و شنید  
 اولدینی جمله مابه الاعتبار و مقدمه توفی انکار اولوب بقیه مجتمعه دخی متفرقه و دخالتین داخلین حلقه  
 محبت لری اولغله بومافیه مآخرب اولیا به کثرت وقوت و طائفة باغیه به ضعف و قلت طاری اولوب زمان  
 سعادت لری زوایه قدیمه مولویه عزالدینی و آستانه سعادت ارکان حضرت سید برهان الدین دخی مخرای  
 آیین اولیا و مسکن آسایش اصفیا و مقامات فقرای باب الله مثلثه نوریه اولوب مخالفین چارمچ نعت  
 و عناده اسیر تحس تریعات روز کار اولمشدر و منوال محرر اوزره کمال سن و سال صفوت مآلارنده  
 وجود بهبود لری سایه رحمت مفارق اهلالی اولدینی عامه مخلصین و منصفین ظاهر و کافه واردین  
 و صادرینه باهر و راه ریاضت و تقوا ده امسال شهوت و طریق عبادت و طاعت به دل همت و محن و بلا و ده  
 حسن اصطبار لری مسلم الكل اولغله تطیر سابق تبین و تبر که مبدل و ایام مبارک لری مریدین و محبین موسم

عید معنوی اولوب هر کس حسب القابله بهره یاب ذوق صوری و روحانی اولشدر و آخر عمر نازینلرنده  
عارضه انتقالی مشیت اولغله یاران معتاد صحبت و همدان نشسته یاب القتری بیم هجرانه محزون  
اولدقلرنده تسلی فرما اولوب (غمکین مباحثه که ارتحال ماعید است و حمایت سرما از معید بعید نیست  
مضمون مکاشفه مشخونه هنگام وداع بر زم قانیرینه اشارت بیور مشلدر که فی الحقیقه لبسه اخیره  
رمضان شریفده وقت انفلاق صبح یوم هیئده آفتاب روح بر قنوجلری مغرب جسد مبارک لرندن  
طلوعه جهان احسن التعمید غروب ایدوب متمتعین موافق فوائده احسان غوثانه و متعطشین زلال  
ارشاد قطبانه لری اوزره قیامت فراق قائمه و حمله ناکه مؤذن جان و دل نالالری منارات ابدان اوزره آه  
الوداع کویان و السنه عرفای احبابده تراقق الرضائن ملایم کیمغیت سفر وطن اصلیلری واقع اولشدر  
و سعادتندان آشنایان کافی الحیات اوقات حاجانده آثار حمایت ر و حانیله لریله مستعد اولدقلری ذوی  
البصائر عیان و پیمانه موتدن نوش آب حیات سرمد ایدوب زنده جاوید اولدقلری نمایان اولشدر  
(نظم) \* عمر هار طبل عشقت ای صنم \* ان فی موتی حیاتی میز نم \* من نیم سل شیر حقم حق  
برست \* شیر حق آنست کز صورت برست \* شیر دنیا جوید اشکاری و برک \* شیر مولی جوید  
آزادی و مرک \* و بعد النوبات حقیق نجیلری علی جللی مقام عالمیله شیع اولوب لکن فوق الغایه  
اهل فنا اولغله غائله مشیختی تحمل ایتیموب درویشانه طور ایلده آستانه سعادت جسد امجد لری نه ر و مال  
و اول عتبه پر رحمتدن ر و برام جوار عنایت ذوالجلال اولشدر نور الله تعالی مرقد هما و بشر بنشایر  
التجلی ر و حهما \* حتی فقیر بر تقصیر آستانه حضرت پیر قدس سره المنیرده خدمه مطبخن ایکن اول  
نازین صدیق حجره شریفه سی خدمتده بولتوب ظاهر ا و باطنابر کات انظار حسنه لریله مستعد  
اولشدر و بعد اسعد لری مقامنده سرافراز اریکک خلافت ایکن جرات دائره تربه معظمه ده دردمندان  
خلوت و آراملری سری استفسار اولندده سلاله زمانه قدر ناشناس تریه اولغله بعضیلرک عدم قبول  
امر و نهی طریقت سیاقنده جرأت ایلدکلری عقوق کندولری طعمه تیغ غیرت ایدوب مأمور تنبیه  
و تعمیر ایکن مبتلایندمیر و تخریب اولق مشکل ایمش دیو کرانبار خلافتی دوش همندن تنزیل و کوشه  
و حنده فراغ بال و تدارک حاله رغبتلری بالذات لهجه بر بهجه پوزش تشار لرندن مسموع نظر کرده لری  
اولشدر اسعد الفیض سره بالحقاق مجامع اسلافه العلیه آمین بحرمه سید المرسلین (نظم) \*  
طبع ناف آهوست این قومرا \* از برون خون و درون نشان مشکها \* از حدیث اولیا نرم و درشت \*  
تن میوشان زانکه دینت راست بشت \* کرم کوید سر کوید خوش بکیر \* تاز کرم و سر دجه از سعیر \*  
کرم و سر دش نوبهار زند کیست \* مایه صدق و یقین و بند کیست \* (حضرت طغانی احمدده ده) \*  
حوالی دارالولایه دن افسرای نام قصبه خاگ باکننده اولاد زحمادن و صاحب اتباع و اشباع  
و مالک خانمان و پاکد امان بر نونهای بوستان همت و عفت اولوب سعادتخانه سی مهمانسرای فقرای  
سیاحین و ذات شریفی صدف کوهر تابدار محبت ابرار و راه خدمت مسافرین راه حقد ماملک نثار  
اولوب و همیشه مراعات آداب احترام و مظنه خیرالدعا و الهمة العلیا اولنره عرض ابتهال و مسکن  
اوزره اولغله قلوب ارباب توجه مؤثره تخم انداز علاقه اولوب یومافیو ماعلاقه ماسوادن بیزار و سودای  
دماغ فراغ مشتاقه صید و شکار طریقیله تسکین فرما اولدق غلیان انجذاب جنود مجنده ارواح  
عارفه متعارفه غلبه فرسا اولوب هداای بهیه ایلده زیارت تربه مقدسه مولویه ایلدکده اول دائره دارام  
عارفنده بر مقدار آرام یاب دل اولوب و لقای صحبت بوستان اول قدس سره الا کمل ده بالکیمه دست  
سوی تصرف مال و منال و دامنکش خس و خوار تعلق اولاد و عیال اولغله دست انابت زن دامن کرامت

طغانی احمدده ده

پیرامن حضرت جللی مشارالیه ومنتظمین سلك خاصه لرندن اولوب استاد بازدار اولغله بینه خدمت مهارت یافته لرنده مستخدم والمیل المائل یسقط نحو میله وکل یغفر بضعفه ماصدق و مدت یسیره ده بازدارلق طریقی بقیله رسیده منزل رازداری و بین الفقراء طغانی شهرتیه معروف بلکه عارف آگاه صفتیه موصوف اولشد زهی شکار کیر و بازدار که مانند کیک و تپه و اول شاهباز بلند پروازه شکار ورهیده جنک عقاب عقاب عزیز قهار اوله و شکار که حقیقت و معرقده اول شاهزاده عالیجناب ساعده متندن پروازایده و نشین ولایت و کرامتده منظور عاطفت و ملحوظ عنایت غوثانه لری اوله و نهایت مساعی عمشکوره سنده تاج خلافتله سرافراز و مسند عالی مشیخت خانقاه باب جدیدله ممتاز و مفاخر سامیه سی مجالس آرای کلین مشایخ و عرفا و سکه زن مفارق جمع کثیر فقر او داغ درون کینه مشحون اتباع متشیخ ضرور ابن القاضی بر مر اوله علی الخصوص خیر خواهان اندرون همایونک اکثری طرف باهر الشرف لرندن انابت کرده و عرقیه پوش اولغله محامد جلیله لری حضور سلطان مرادیده مذکور اولدقچه صاحب تلبیس مسفور هر چند تأسیس تزییف و تشید ترجیف اقدامده بذل مقدور ایدوب جناب ولایت مآلرینه افک و اقترا صد دنده اجرای فرصت ذات البلیس سمان ایلدکده قریحه مشته عله همایوندن شعله انتباه بالا کیر اولوب (سیمای صلاح آن پیر مبارک و رفقا راستوار و کفتمار دلپذیرش شه و دعدول سلامت حال اوست) عنوانیه سد باب تسویل و تحویل صد دجرح و تسلیم دعاوی تعدیل بیور ملری مقرین و خواص را اخلاصدن علی سبیل التواتر تلقی کرده ثقات احباب زمانلریدر \* (نظم) \* پیش ینایان کنی ترک ادب \* نارشهو ترازان کشتی خطب \* حق چوسیمارا معرف خوانده است \* چشم عارف سوی سیمامانده است \* کفت سیماهم وجوه کردکار \* که بود غماز باران سبز زار \* و کافیل السیمامر آة الفراسة والفعل والقول بشهدان علمانی الضمائر \* (منقول است که) \* اول شاهباز بلند پرواز صید قلوب و تسخیر قلوب صغار و بکارده صاحب بد طول اولوب زمان اعتلای شانلرنده سلطان مراد کی خسرو کیتی کرد بوده شمیوه پیرانه لری و محبت وضع و طور عارفانه لری اولوب قاضی زاده و ش کینساز فرصتک جمله حیل و مکورین ابطال ایدوب کاه و یکاه عین الجمع اخوانله سرای شاهی به مدعو اولوب نقل حضرت متوید نصکره عقد بزم سماع و صفنا و زائد الوصف وجد و شور و حال نما اولدقلری عقینده سنوح ایدن عواطف خاقانیدن حبه واحده به نیم نگاه ایتوب بلکه کندولره لباس بیوریلان پوستین سموری دخی اولاعلی وجه الادب تلبس و قبول و ثابا این لباس امثال مایست پس بهر حال فروختنی است و فروخت عطیه شاهان سوء ادبست دیونرع و جامه دار سلطانیه تسلیم ایدوب قیمتی اولان مبلغ وافر موجب امر بادشاهیله کندویه احسان اولند قدده افی دخی عطیه فقرایه ضم و الحاق ایتکه هم ظاهر اقبولله تطیب خاطر کرم مآثر بادشاهی و دفع ریا و سمعه و هم باطننا تألیف قلوب منکسره فقر ارفع کرانبار دوش آزادی بیوروب قطعاز ریا راسایه دست عطای مخلوقی اولیوب همیشه خزانه غیب جواد و باسط مطلقدن مستفید و دست کرم بیوستلرینک بذل و عطاسی محیر العقول محاسبین اولشد رکه و قتا وقت زندان مدیونین اولان بابا جعفره عطف عنان شفقت بیوروب قدمای محبوسینی تفحص و دینلرین تحمل و مال قلیل و کنیر دیموب بعد الاداء اطلاق بیور ملری خصوصنده کیسه نقدیه لرنده تخمینا بش اون غروشدن زیاده وسعت تخمین محال ایکن دفعه بر ایکی بیل غروش مقداری اخراج و صرف ایلدکاری حیرت انگیز اهل عیان اولشد و تأدیب و اصلاح دزدان صورت اولیا خصوصی طرف شاهیدن رای صوابیدلرینه حواله اولغله جم غفیر در رکاب انشای اجابت دعوت احبابده دقتدار زاده میرا لوده مشرب کلاه و خرقه ایله سر مست کورد کده



اجرای حد شرع و نزع صورت طریقی ایتمکه تحریر یک وعرض حال سده سعادت اولند قدیده متشیخ  
متشددی اجرای حدود و وظیفه حکام شرع شریف ایکن علی ملاء الناس بومقوله سوء ادبک مجازاتی  
لازمه حجت سلطانیدر دیوتحریر یک عروق غیرت ایلد کده لهجه بر بهجه شاهیدن \* (بیت) \* مرد  
حق را بنده باش و برخلاف شاه شو \* مهر را آینه باش و بر کواکب ماه شو \* مضمونیه  
اسکات و الزام اولنوب و ولایت و نظارت شاهان بر عساکر و رعایا و وظیفه خوران خزانه ایشانست  
فاما فقرای باب الله را تسلط انسانی جنس ماباعث تدبیر و نصیحت باشد که خلفای اولیا مانند وزرای  
ملوک است پس نظام امور بندگان شاهان حقیقت بدیشان منوطست ماریدر ویشان چه کار است  
غیر از خرید عاونیه بسط کلام نفس الامری ضمننده متعنت مر قومه تعریف یور مشلردر  
والحق کماحق والسلام علی من اتبع الهدی والمال من غوی و اتبع هواه فتردی \* (نظم) \*  
کرداری تودم خوش در دعا \* رود عا میخوای ز اخوان صفا \* کان دعای شیخنی چون هر دعاست \*  
فانی است او گفت او گفت خداست \* آن دعای بخودان خود دیگر است \* آن دعا ز ویست  
گفت داور است \* آن دعا حق می کند چون او فناست \* آن دعا و آن اجابت از خداست  
\* (مرویستکه) \* اول گوشه نشین تجرد مستغرق ذوق و صفای تفرّد حقننده بالذفعات توجه  
خاطر حاتم مآثر مراد خانقانی سنوح ایدوب جمله لوازم تاهل و جمیع مهمات تزویجی خزینه عامره دن  
ترتیب و تکمیل اولنوب و امای حرم سرالری کزیده لرندن بر یله عقد از دواج تکلیف و استمرار  
اولند قدیده (فقیر هنوز بدر جهر جال نرسیده است از دواج چه گونه صورت بندد) عنوان استغنا بنیانیله  
اعتذار نما اولوب و بیکقدم و یکدم ز آستانه اولیا بیرون نشدن و از صحبت همدمان دور بودن  
غرامیست که بسککای قصور ارم و الفت حور و غلمان تلافی نپذیرد مضمونیه خرید و ثابتقدم  
صومعه انزوا و خمول اولمشیکن بحکمة الله تعالی محبین مخلصین طریقت علیه دن حاجی محمد نام بر تاجر  
منعم ظهوره کلوب قریب خانقاهده بر خانه دلکش اندازد ایدوب و نتیجه مقدمات حیاتی اولان دختر  
زلیخا پیکرینک اسکروازم عریسی واکرمه مات خانه سی فرش و بساط و اوانی و جزئی و کلی تمامات  
سائره سن و البسه و اکسیه نفیسه سن ترتیب و تکمیل ایدوب انجمن موقوف اذن عقد نکاح اولمغله  
اکادخی درویشانه قریبان و لقمه عین الجمع و ندور و بر لاسرله پیمانچه میدان جل تانده نیاز غما اولمغله  
ناچار اذارد الله شیناهیا اسبابه مصداقچه مراد الهی اولدیغی مرآت ضمیر الهام سمیر لرنده  
جلوه انکیز اولوب رضا و اذن فرما اولد قلمری ساعت عقد نکاح اولنوب اول رابعه طیف ایلد قران  
السعدین واقع اولوب و بینهماده نیجه سر بازان عصمت نهاد تولد ایدوبینه کلدکاری کبی پالک و معصوم  
وقبل البلوغ آشیان از لیلیرینه پرواز ایتمکه ذات شریف قلمری اعقاب معنوی و اولاد روحانیله قریب  
العین و شمار نخست آثار باغ وجود به بود لری جانشین اولاد گذشته اولمغله هر برین بر نور دیده لرینه  
بدیل و عدیل ایدوب زیر جناح تربیه لرنده پرورش بخش اولوب اسکتری نخل سایه انداز بوستان  
خلافت اولمشدر و مر قوم حاجی محمد ده دخی دختر بلند اخترین خدمت شریفه لرینه تسلیم ایلد  
تکمیل انتسابه توسل ایدوب الی آخر العمر الا و بدنام مقام خدمات علیه لرنده قائم و فائز انظار حسنه لری  
و نائل عواطف قطبانه لری اولمشدر و صاحبه خالصه لری دخی ام الفقراء عنوانیه مذکور  
و سعادت خدمت پر حرم تریله رسیده رتبه صالحات عبادات قانات اولمشدر و هر فرزند ارجمند لری  
وفات ایلد یکی روز فرقدن او خنجی گونه دکن ظهور ایدن نوبساز طریقت علیه بی نظر شریف لرنده  
و مقام دلند گذشته لرینه اقامت و معامله پر محامله شفقت بیور و بر حال زمان قلیلد بر و مند ثمرات



عمر طویل و مور دذ کرجلیل و منشأ اثر خریل اولور لر ایدی بمنه و کرمه و ببرکه بر سر و لبه \* (نظم) \*  
 دل تراد رکوی اهل دل کشد \* تن تراد رحس آب وکل کشد \* هین غذای دل بده از همدلی \*  
 رو بجو اقبال را از مقبلی \* چشم را بار وی او میدار جفت \* کز منگیزان ز راه بحث و کفت \*  
 یار با یاران چون بنشسته شد \* صد هزاران لوح دل دانسته شد \* لوح محفوظست پیشانی یار \* راز  
 کونینش نماید آشکار \* کم ز خاکی چون ~~که~~ خاکی یار یافت \* از بهاری صد هزار انواع یافت  
 \* (منقول است که) \* اول مهر منیر اوج برج شرف از زمان غایت ارتقا علرنده عامه قلوب اهل اقبال  
 میل کلیسی جانب جناب لرینه اولغله جمعیت مریدین و محبین حیطه قیاسدن بیرون و سیلاب فتوح حوصله  
 تخمین و ضبطدن افزون اولوب جمله مصارف لازمه دائره لریدن و غله و قفدن فاضله اولان نفود و امتعه  
 مر قوم حاجی محمد و اضع الید امانت و مستظرا مر حضرت عزیز مشارالیه اولوب لکن قطعاً لسان  
 شری بفرندن فاضله مجتمعه به متعلق کلمه ظهور ایتیموب انتظاری بالغ رتبه نهایت اولدقه عرض کیفیت  
 و کیت مقبوض و تعیین جهت صرف نیاز ایلد کده عمده مارا بسست فضله تراست عنوانیه پاسخ راسخ  
 فرما اولور لیل اولدخی اشتراک مستغلات و الحاق اعمال وقف و اطراف خانقاهی توسیع و احداث  
 حجرات ایتشدر و فراق اولاد و ضیاع مال و منال دن عدم انفعالی مر معجب طباع اتباع و موجب کفت  
 و کوی استغراب اولد یغی استشمام اولد قدیده بدیهه بوییت شریفی انشا و تمیق وید حاجی محمد اناله و ارباب  
 استغرابه ارائله تنبیه و بیان لازمه مذمم همسمله صورت خیر خواهی نماییده ارشاد سر منزل تقویض  
 بیور مشلدر \* (بیت نیست) \* طغانی قایم من طو لو نوب اولانی \* تیرا که هر دم ~~که~~ وکلدن طوغانی  
 \* (نظم) \* حیله کرد انسان و حیله اش رام بود \* انکه جان پنداشت خون آشام بود \* ماعیال حضرتیم  
 و شیر خواه \* کفت الخلق عیال لاله \* کرج خواهی و رنج خواهی رزق تو \* پیش تو آید دوان از عشق تو \*  
 رو حیات عشق خواه و جان مخواه \* تواز و آن رزق خواه و جان مخواه \* انکه اواز آسمان باران دهد \*  
 هم تواند کوز رحمت نان دهد \* رزق از وی جو مجواز زید و عمر و \* مستی از وی جو مجواز بیک و خمر  
 منجی ز و خواهی از کج و مال \* نصرت از وی خواه و نه از عم و خال \* (مر ویسته که) \* اول طبیب  
 دار و خانه جسم و جان او ان خلافت لریده مسکان دار الدوله اوز لرینه برو بای عظیم مستولی اولوب لکن  
 اکثر و بازده کان خواب و خیال علن لریده مد هوش ایکن کند و لرین حضور سعادت موفور لریده مستثنی  
 و مستند مشاهده ایدوب دست سود عنایت و تعویذ بر کاتلری تعلیق لیه اصحاب واقعه صحت و عافیت یاب  
 ساعه اولد قاری بین الاهی شیع و پذیر اولیجی درگاه دردمندان بناهلری هر ساعت دیوانخانه  
 مبتلایان و بفضل الله تعالی مغتنم نیم نگاه کرم لری اولانده محروم بولیم یوب ~~که~~ کرم آبدست و اگر  
 تعویذ واکر رقی رائق و نفس تسلیم و دعای خیر لری سیف قاطع رک و ریشه عارضه مو حشه مر قومه  
 اولوب بالکلیه طاعن و مطعون اولن لر طرف شری بفر لینه التجاد ان استنکاف ایتکه بی بهره میامن  
 روحانیه لری اولغله همان در دسر و چشم و سائر اورام و امراضه مبتلا اولن لر شفاخانه کرامت لرینه دخیل  
 و متوسل نعم جزیه عفو و عافیت اولد یغی دکان الطبای طاهره کساد فرسا اولوب بلکه الطبای طاهره دن  
 مبتلا اولن لر دخی شفا و عافیت جوی دوا و صحت یاب دار الشفای روحانیه لری اولمشدر که شهرت  
 شان و رفعت مکان و اصابت نشان لری تجربه کرده عقول سلیمه و طباع مستقیمه اولغله هر نوزاده  
 سر داده زانوی نیم لری و ابنا ی زمان لری ~~که~~ که وارده دن بد پیمان اخلاص لری اولوب کویا صحن دار الدوله  
 شکارگاه ولایت لری اولد یغین ارباب طبیعت بو طعه غرا لیه تنصیص بیور مشلدر \* (نظم) \* سنبولک  
 دخی نازه طغانی \* اولوب پرو رده پیر طغانی \* ایدوب پروازی کبک دل و جان \* اولور نقش و نگاری

تن طغانی \* و ذات حکمت سرشتلری لقمان اسقام جسمیه و تدبیر سرانه لری دافع امراض نفسانیه  
و وجود عین سودلری شعبه شجره رحمت عامه اولد یغین یاد و ثنا کانه بو کله طیه لری ایلله افاده حقیقت  
حال سور مشلدر که اول نفعه جلیله رب نسبت خیر من نسب فقره شریفه سیدر فی الواقع سلسله  
دولت ظاهره ده متثبت دامن انتساب اولنلر و سلطنت متحد و متبله احراز مراتب رفیعہ و خاندان زاده لر  
تنزل انتساب ایتمه که بامال و خاکسار بلکه ده قانی زاد کان منسوبینه بالاضطرار التجا ایده  
کشلدر و الظاهر عنوان الباطن حضرت پیر طغانی دخی فی الاصل عامی و عامی زاده و مولع صید  
و شکار بی خبر عالم اسرار ایکن شاهزاده صدیقی خدمته اتما ایلله فائق الاقران و نادره دوران و اعجوبه  
زمان بر شیخ عالی شان اولوب وجود شیر بفرلری مقسم عنایات صورت یه و معنویه اولدیغی حسب ایلله نفس  
نفیس لری نفس قدسیلرینه شاهد عدل خیر من الف شهود اولمشدر که این الخیر من العیان \* (نظم) \*  
چونکه بامعشوق کشتی همنشین \* دفع کن دلالکار اعدا زین \* چون ازان اقبال شیرین  
شده دهان \* سر دشر آدمی ملک جهان \* این خبرها از نظر خود نائب است \* بهر حاضر نیست  
بهر غائب است \* هر که او اندر نظر موصول شد \* این خبرها پیش او معزول شد \* (منقول است که) \*  
اول تازه حیات بخش مستفیدان انظار اولی الابصار ده واسطه الافاضه اولدیغی غایبان اولنجبه قاضی  
زاده قتاده کرداب سوء القضا اولوب متأثر ادار الدوله پیر جعت ایدوب قضیه سی مفهوم خاص و عام  
اولد قده اکثر احبابی روگردان و ملحق سلسله طریقت اولوب بقیه متمرکدین که کندوا ایلله همراه دار  
المجازات اولنلدر کردان کردس پر نخوت و علتی اولوب لکن غلغله کرامات حضرت طغانی دماغنه  
ولوله فرسا اولغله خواص مرده سندن بر بدبختی استند عای تشفی صد دنده خاکبای اکسیر پایه لرینه  
ارسال و تبلیغ رسالت ایلد که آن زخم کاری اثر شمشیر خنکارت است چاره اش استعجال مردن  
و رهیدن است عنوانیله رد علف آمیز بیور ملری همان ساعت جنوه کر ساحة ظهور و حضرت مد مر  
المدبرین کریمانیکیر حیات مستعاری اولوب خار آزار وجود پر خار خاری سوخته شعله غیرت قهاری  
اولمشدر حتی ساده لوحان احبابدن بعضیلرینک خوان یغای کرملری عامه یه میبذول ایکن متعنت  
مر قومدن دریغ اولتمسه بلکه سبب انصاف اولور ایدی مقوله سی مقاله مالا یغیلری مسموع  
شیر یغلی اولد قده مستکبر مقهور غیره مشاهده ایلدیکی آثار عجیبه یی کند و ذاتنده دخی معاینه  
ایلمسه (ولایند الظالمین الا خسارا) ماصدقی اولور ایدی زیرا فانا خصمه فی الدارین و عیدینه مظهر  
اولشیدی اولدرجه مبارزت اولیا و محاصمه عزیر متقدمه جلادت و جسارت و عناد و اصراری امارت  
شقاق و سرمدیه اولدیغی هویدا در بش الرجل من قتل نبیا و قتله نبی حدیث شریفی ورثه انبیا حقنده  
دخی جاری الحکمدر بس ازمنه امهال کندویه کید و اغفال اولانه مرگ کرم و تدبیر حسن تدبیر در  
دو دفع اشکال و اهمه سکانکان اسرار پس برده غیب ایتشلدر \* (نظم) \* هر که باشد طالع  
اوزان نجوم \* نفس او کفار سوزدر در رجوم \* خشم مر بختی نباشد خشم او \* متقلب رو غالب  
و مغلوب جو \* نور غالب ایمن است از نقص عشق \* در میان اصبعین نور حق \* (مروست که) \* اول  
قافله سالار ابرار نوبت مشیخته که حقه نشر فواج اسرار بیور و ب کافه اخوان و خلایک دماغ دل  
و جانلری بر نشاط وجد و حال اولوب آخرتیم دائره کماله شکارگاه معنایه پرواز ایدوب لانه بدنلری  
خالی و روان با کوری آشیان ساز معصود صدق و پهلوی شیخ احمد کالده آسوده خوابگاه روح و روحان  
اولمشدر طیب الله عیسه فی منقلب و نور حجره قبره با صنف کر مه آمین یا مجیب الداعین و حقیقت توحید  
و نهایت تجریده یوایی بیت شیر یف زاده طبع لطیف لریدر \* (بیت) \* صورت و هاجمالش را نقاب \*

او محیط و این تعینها حجاب \* (بیت) سر را کلاه و خرقه بدوشت بپسست زیب \* سر بار خورده کن  
 چو کدو بن عمامه را \* وقیل الوقات عزیمت زیارت آستانه حضرت پیر قدس سره المنیر ایله توریه حال  
 ارتحال بیور مغله اکثر فقر و احباب همراهی باز مندی اولد قلزیده موجب مکاشفه لری اوز ره  
 بعضه رضاداده و بعض آخری منع بیور ملری بعد الوقات ظاهرا و لشددر که رضادادگان همراه آستانه  
 سعادت جهان قدس و منع کردگان افسوس گان فراقلری اولشدر احسن المنان الی ارواحهم  
 الرفیعه فی غرف العدن بأنواع النعم والوان العنایات السنیة و اوصلهم الی مقاصدهم بمنه و کرمه انه هو  
 الرحیم \* (حضرت صبوحی احمد دوده) \* دارالدوله قسطنطینییه ده احفاد کبار علمادان اولوب اوائل  
 حال و سالیله مجد و ساعی تحصیل علوم و مجموعه فنون شتی و صاحب طبع و قادی اهل مشرب صاف  
 انصاف معتاد و پیرامن کرد مجالس عالیة مشایخ طرق علیه و مولع صحبت فقر اودر و یشان مولوی  
 و بکتاشیه اولغله حضرت ابی ایوب انصاری قدس سره الباری جوار تر به معیار تبه سنده  
 حجره نشین از و او قاسم دوده بکاشی ایله مناسبت ا کیده سی و مصاحبت مدیده سی اولوب آخر اول مرد  
 جذاب کند و بی حلقه طریقه جلیله بکتاشیه به جذب و الحاق ایدوب و چند سال خدمته  
 کمر بند صدق و اخلاص اولوب بعد وفاته سمت سیر و سیاحت عطف عنان رغبت ایدوب انشای  
 سیاحتلریده دارالولایة قونیة صیفت عن البلیه سواد اعظمه داخل و کلستان کرامت و آستانه  
 سعادت آشیانه حضرت سلطان العاشقین ظاهرا و لدیغی ساعت عرق مجانسه ازلیه جنبان و بنده  
 خالک در حضرت جللی بوستان قدس سره الحنان اولوب مطبخ عامره خداوند کاریده تکمیل  
 حله مقننه مردان ایلدیک عقیقنده سر بلند تکبیرانابت طریقت عشقیه مولوی و کلاه و خرقه پوش ارکان  
 و تیره ذوقیه اولویه اولشددر و سابقه تخلیه و تخلیه و لاحقته تذبذب و نصفیه سی حسیله حجرات اوساط  
 مکان دائره حرم پر حرمند اسکان اولنوب مهره خواندن تلذ حضرت مثنوی و استماع حقایق و دقائق  
 دیوان مولوی ایدوب جوهر ذات تابدار لری یوما فیوم ایدیدار اولوب جانب شعر و نظم مه میل کلی لری  
 اولغله مشق سبک اشعار ایدرک بر سخن و رفصیح اللسان و تاز و زبان بلیغ البیان و صاحب آثار بدیعه  
 و موفق ترتیب دیوان نوادر ارکان اولشددر که نظم فارسی و ملعانه دادده حسن ادوین العرفا جالب  
 لطف ثنا و غرر نعوت یا کبره حضرت سید الانام علیه و علی آله الصلاة والسلام و سایر مدایح اولیای  
 کرامله فائز تقرب اسرار مقدسه و حائز حمایه ارواح زکیه اولوب حضرت بوستان کلستان ولایتدن  
 شیوه مجذوبانه ایله دلفریب عالم اولان حضرت بابا اخی زاده نور ضریحه ایله تحصیل آشنایی عمقوی  
 ایدوب انلرک وصف جمیلند دخی (بیت) اشتر تر تیغ عربان مست و بی صبر و سکون \* حضرت  
 بابا اخی زاده شه بک جنون \* مثنویسی ترجیع بندر عن ایدوب نسخه شریفه سن جلبد اعتداده  
 اخفا و حضور سعادت موفور لینه اهدا قصدیله خوابگاه بیقیدانه لینه علی السحر زو مال و منتظر  
 حال اولدقدده اول ولی والار تبه نل علی رؤس الاشهاد بخوان عنوانیله امر بیور ملری موجب معناد  
 قدیم لری اوز ره ابد الانه بین الملاء اثر بلیغ لری انشاد و جمله مستمعین تحسین گان آفرین خوان اولدقلزیده  
 صله این مدیحه اخلاص نظام شمار اخلافت خانقاه شام دادند مضمون بشارت مشکونیه مسرتبخش  
 اولدیغی همان روز چهره پیرای بروز اولوب مشیخت خانقاه مر قومک محلولیتی خبری وارد اولوب اتحاد  
 روحانیه لرین مشعر حضرت مرشد مکمل لریدن دخی عنایت غیر مترقبه روینما اولوب صبوحی درد مندی  
 دعوت و الباس کلاه استوادر خلافت و احسان خلعت و کالت طراز مشیخت بیور یلوب مکرما  
 و مجبلا صوب شام جنت مشامه ارساله اثر صله موعود قریبا و عاجلا صادر اولوب اول ایکی شیر مردک

صبوحی احمد دوده  
 شامیه درگاه کاشی

اقراران هم عليه وانضمم انظار حسنه ليله نوبت مشيختلری حسرت الامثال اولمشر \* (نظم) \*

لی سادۀ من حیم \* اقدامهم فوق الجباه \* ان لم اكن منهم فلی \* فی حیم عز وجاه \* لا ابرح الباب حتی  
تصلحوا عوجی \* وتقبلونی علی عیبی ونقصانی \* فان رضیت فیما عزی ویا شرفی \* وان ابیت من ارجو  
لعصیانی \* فیایها الاخوان اذا اطفرتم بواحد من الرجال فلازموا عتبة بابه بعفر الخدین من ثری جناحه ولا  
تترددوا فی نیل المآرب توسل احبابه وتقرّب اصحابه \* (بیت) \* سعدت اعین رأئتک وقرت \* وكذا اعین  
رأت من زآک \* (منقولستکه) \* اول سرمست صبوح ألت عن الجمع اخوان وخیلانله موسم  
نوبهارده توجه تفرجگاه یوردقلری اناده برکل رخ ولاله خدوسمن سیماسروقد بدعسته دوچار اولوب  
اقتضای نشئه صهبایله سرراهدۀ عزیز مشارالیه دامنگیر ولا ابالی خنجر بران در دست کندوشکل  
وشمائلن وتمام حسب حال نشاط مآلن حاوی نظم ترتینۀ ابرام واقدام وحوالۀ دشئه خون آشام  
ایلدکده قطعاً تمکین ذاتلرینه تغیر طاری اولیوب نظره اولاده بداهه \* (نظم) \* خنجرالده تیغ بلده  
باده سرده سینه چاک \* شهلوندم طرز حاصل آدمی ایله هلاک \* بیت لطیف من انشادوبعدۀ برتر جمع  
بندر نکینی وزیب دیوان بلاغت ارکان ایتشدر دروجوان سرمست دخی هشیار اولدقده ماجرای کندویه  
تقریر ایلدکلری حینده بلاتأخیر هدایای فاخرۀ مناسبه ایله شرفیاب دامنوسلری ور و مال پیمانچۀ  
اعتذار لری اولدقده (کردۀ ام الخبائث است ولا تؤاخذ أحد ابوزر غیره) مضمونیه نوازش بیوروب ولکن  
قرین السو عزیزی المحاسن اعوانیه معاشرت دختر رزدن تغیر بیورملری در حال اثر فرما اولمغله اول  
جوان هشیار ادبیه دست توبۀ تصوح فریادرس اولوب کرداب عالم آبدن ساحل سلامت آبرویه القا  
ایدوب بیزار صحبت ام الفساد ومولع وثابت سمت صلاح وسداد اولمشر وکندولردن مدت یسیره تلذ  
ایدوب مینمت نفس عالیربله برمر دسجن فهم وسجن کوی اولوب استادله بعضی نظیره سنجلک  
ایدوب عیشی مخلصیه معروف اولمشر فی الواقع مشربلری کبی مخلصلری دخی مناسب ظهور ایتشدر  
وبومقطع غرای تمدحی حسب حالی اولقی اوزره یادکار طبع پالۀ دراکلریدر \* (بیت) \* نوله خوش  
اولسه دل عیشی که مهر آسایوزم ایچره \* اکاجام صفادست صنو حیدن ویرلمشر \* (نظم) \* هم نشین  
اهل معنی باشتا \* هم عطایای وهم باشی فنا \* هم نشینی مقبلان چون کیمیاست \* چون نظرشان  
کیمیای خود کجاست \* هر که جوید هم نشینی با خدا \* کونشیند در حضور اولیا \* (مر ویستکه) \*

اول واله اسرار هویت و غاطس بحر محبت غلبۀ اشواق متالیه واستیلائی جذبات متابعه ایله بالکلیه  
بیموش و بچویش و مانند وحشی غزالان رمیدۀ اختلاط نوع انسان و صحر اوکوه سکائی اولان وحوش ایله  
موانست کنان اولوب قدر آشنایان انسان کامله تغیر حالی و اطوار افسوس مآلی حیرتفرما اولوب مدت بعدۀ  
استغراق مر قومه صحر انورد و کوه نشین بی زبانانله صحبت حالی بیوروب متفقدین احبابک کلمات دعوت  
ومقالات حسرت مضمونیه جنبۀ تنجینی پرده ایدوب و رای پرده دن تماشای مراتب اخلاص اصداقا  
بیوروب آخر الامر کبرای مشایخ طرق جلیله نک عروق شفقت و رأفتلری خیانت اولوب باجمهم فقرا  
ایله زیارتلرینه توجه ایدوب اکرفساد دماغ و هیجان سودا ایله عارضه دار اولمشر ایسه اندفاعنه توجه تام  
وهمت واقدام ایتک اوزره یکدلانه حضور فائض النور لینه واصل اولدقلرنده وجودش یفلرین نکین  
حلقه وحوش وهر بریله انیسانه ملاطفه لرین معاینه ایلد کلرنده خلجان فرسای خاطر لری اولان  
احتمال واهیدن بالجله بشیمان و بزار و مصداقه غمائی اعتذار اولدقلرنده بداهه سرزده قریحۀ  
صافیه لری اولان \* (بیت) \* بی مجنونه قیاس ایلالای وحش و طیور \* شرراهم ایریشور طاعنک یا نمدن  
\* نفس انفسلری کوشد خلقه زنان وحش اولنجه کویا اول طوطی کویای کلشن معرفتک هربری

مضمون لطیف نفس شریفه آشنا قلربین اشعار و دفعه پیرامن القلربدن پریشان اولد قلربین مشاهده  
 ایدنجه جمله زوار ذوی الابصار کمال حالربنه انصاف و اقرار ایدوب اجرای مراسم دستبوس و مقر  
 سعادت لرینی تشریف رجا ایدوب مانند سایه آفتاب ذات لرینه پیرو و هزار سرور و ابتهاج شه شام جنت مشامه  
 رجعت ایلد کلری علی وجه التواتر نقل کرده ثقات احباب صداقت مآبدر \* (نظم) \* موج خاکی وهم  
 وفهم و فکر ماست \* موج آبی محو سکر است و فناست \* تادر آن سگری ازین سگری تو دور \* تا از آن  
 جامی ازین مستی تو کور \* راه فانی کشته راه دیگر است \* زانکه تیناری نگاه دیگر است \* هست  
 هشیاری زیاد ماضی \* ماضی و مستقبلت پرده خدا \* آتش اندر زن هر دو نابکی \* پر که باشی ازین  
 هر دو جونی \* هر چه غیر شورش و دیوانگیست \* اندرین ره دوری و یکانگیست \* پس فنون باشد  
 جنون این شد مثل \* خاصه در زنجیر آن میراجل \* هیچکس را ناسکر دد او فنا \* نیست ره در بارگاه کبریا  
 \* (منقول است که) \* اول سابق سر منزل فنا منزل محروان و زره قلزم استغراق مر قومدن راجع ساحل  
 صحو و تنگینی و کافی الاوائل چار بالش ارشاد نشین اولوب لیکن صیت کمال معرفت و ولوله کرامت لری غلغل  
 اندازنه قبه افلاک و سامعه کذار عامه املاک و دیده فرسای چار ارکان ربیع مسکون و لغله عظمای  
 دارالدوله نل قلاب اشتیاق لری اول محبوب القلوبی طغانی ده ده حضرت لری عقبنده خانقاه باب جدید  
 مشیختی بهانه سیمله دائره سواد اعظم استانبوله جذب ایدوب نقل مذکور سیاقنده احباب جوار دولندن  
 مسند آرای خلافت خداوند کاری اولان جلای افندی به وارد اولان رجانه لرینک مضامین پراخلاصی  
 مفهومی و ملری اولد قده (مترده عیش خوش قومیرا که صبوحی ولی حمیم ایشان باشد که این از ولایت شام  
 بولایت عام نقل است) نطق مشاهده قریب لرله حضرت صبوحی ده ده نل قطب الاقطاب و دائره  
 علیه لرینک پر نشاط آسایش اولمیرنه اشارت بیور یلوب و ملتبس احباب مر قومینی حاوی محضر و محتوم  
 خلافت نامه لرین قبل الوقوع آماده بیور وب برید معهودید به ناله و صوب نیاز مندان فرستاده ایلد کلری  
 مقام اولدن مقام ثانی به اتقا لرری اثر نقل معنوی اولد یغین تحقیق بیور دقلری نقل کرده روات اخبار  
 موثقه الاخبار در \* (نظم) \* ذره سایه عنایت بهر است \* از هزاران کوشش طاعت پرست \*  
 خرم آنکه عجز و حیرت قوت اوست \* درد و عالم خفته اندر ظل دوست \* هم در اول هم در آخر عجز  
 دید \* مرده شد دین عجایز را خرید \* زند کی در مردن و در محنتست \* آب حیوان در درون ظلمت  
 است \* چون ز خود رستی همه برهان شدی \* چونکه بنده نیست شد سلطان شدی \* من غلام  
 آنکه نفر و شد وجود \* جز بدان سلطان باافضال وجود \* (مرویست که) \* اول سر باز میدان  
 حقیقت مسند نشین مشیخت خانقاه مذکور اولوب جمله فقر و احیای تجدید عهد انابت و اخلاص  
 ایلد کلریده عزیز مشارالیه حالت عجیه مستولی اولوب کویادست کرامیلریده برالزم الرعا به شی خطیر  
 السقوط امسال ایدر کبی کمال تحری و توقی اوزره جنبش و آرام و فرط محافظه ده اقدام صد دنده جل  
 شبان روز بخورد و خواب و اینچنین بمان و بایار خوش نمود عنوانه تردد کوشه کوشه میدان جل تنانی  
 و تکمیل حله نا کاهی بیور دقده به کمال صحو و بشاشته حالت اولارینه رجعت ایدوب شعاع فقر  
 و ازار و دنا ردن ماعد ازیر دست تملک کلریده موجود اولان جنس و نقدی بالکلیه نثار شکرانه ایدوب  
 نشاط زائد الوصفه عقد مجلس عیدیه سماع و صفا و اجلاسات عجمیه عین الجمع اخوان الصفا و خلان  
 الوفا بیور وب بعد هذا مانند صبح صادق بیکر مبارک لرین علی الدوام خندان و علی وجوه الامام و مرور  
 الاعوام و کور و الايام و بنمای دل و بیقید کدر و لا ابالی حوادث عامه و خاصه معاینه ابتلایله هنوز  
 صبوحی شدیم نفس صفا بختلری آفتاب ذات لرینک اوج کمال موعوده صعود لرینه اشارتی متضمن اولمشدر

یعنی نشسته در صبح حیات تازه ثابته شدیم که بنا بر احییتنا اثنتین و امتنا اثنتین فنا فی الله و بقا بالله مظاهری  
اولان مردان خدا حقیقتده اولد یغی غنی عن الیساندر پس بعد ازین صفا اندر صفا و سرور نا محصور  
دست داده اولق امر مقرر در و خواص و مقرر بندن محرمان راز دم و غم و همدمان انباز نعم و نقملری  
خبر بتر و نه نادره طور عجب انص کیز لری اولد قده داعی عجمیت خانه اولیا تکمیل دعا اندنجه  
کلماتک کش ثنیه خلافت اولوب اخوان الصفا امر خص تفرق اولد قده همدان دست تصرف روحانیت  
خداوند کاری پرده کشای نصر بصیرت لری اولوب بر مر دعلی سیرت موجب فرمان صدر نشین دیوان غیبی  
اوزره سر لری ن تلریدن جدا ایدوب و کف محافظه لری به وضع و اهتمام صیانت سقوط طله تنیه سورملری  
باعث حمله امر قومه اولد یغین و حین اتمام میقات اربعینده به کافی الا قول دیوان معهود آشکار اولوب  
بر موجب امر غیبی سربسار کلرین کف کفایت لریدن اخذ و محل خلقیسته وضع و وصل ایلد کلری  
ساعت دیده کشای روی عالم صورت اولق اوزره بالذات لهجه پر بهجه لریدن استماع ایتش لردر  
و بین المشایخ الکرام بعضا بوقعه غریبه لری همصال حضرت شاهی و مر دعلی سیرت حضرت  
سلطان دیوانی قدس سره النورانی و فرمانده حضرت سلطان العاشقین خداوند کار اعظم قدس سره  
الانخم اولق اوزره توضیح و بعضا حامل سمولان شمس الدین تبریزی اولمرینه امارت اولق اوزره تصریح  
اولمشدر العلم عند الله الحکیم الخیر \* (نظم) \* مردن تن در ریاضت زند کیست \* رنج این تن  
روح راهم بند کیست \* آن ریاضتهای درویشان چراست \* کان بلا برتن بقای جانهاست \* کشته  
مردان پشت ای قر \* به که شاه زندگان جانی دیگر \* آرزو دم من هزاران بار بیش \* بی تو من شیرین بنیم  
عمر خویش (دیگر) نخواهم عمر فانی را تو بی عمر عزیز من \* نخواهم جان پر غم را تو بی جانم بجان جان \*  
\* (منقول است که) \* اول فریاد رس افتاد کان و دستگیر در ماند کان قدم خضر علیه السلامی طاهر بالله  
اولد یغین مبین حضرت شکوئی جلوی رحمة الله علیه هدای مانده بر صوفی سال خورده سی کاه و بیگاه  
آرزوی نیل مراد دل و جانیله کند ولره ایصال مجلس خضر علیه السلامیله تصدیع و تسکلیف ارائت  
ایتسیله اول پیر روشن ضمیر دخی کرم و لطف بی منت سیاقنده فی یوم من الایام بر رفته کف مقداره  
(حامل غیمه خلوص طالب خضر علیه السلامست) عبارت و جیزه سن ترقیم و ختم ایدوب بد طالبه  
دفع و حضرت شیخ صبوحی جنبانه ارسال ایلد که به پیچاره طالب غافل دخی موجب امر مری اوزره  
حرکت و کار در بایه نزول و روی بخرده جوش و خروش طوفان هلاکی مشاهده ایدنجه به امکان عبور  
ونه اقتدار رجوع غرقه کرداب حیرت اولد یغی هنگام خجرت فرجامده ناگاه ساحله قریب بر زورق  
صغیر ایچره کشتیان پیره دیده انتظار دوچار اولوب پیر مر قوم دخی کندونی طرف مأموره عبور ایتک  
اوزره دعوت ایدوب هزار بیم جانله زورقه نزول و بر مقدار تلاطم امواجه حواس و واهمه سی اعتیاد  
ایتسکین پیر کشتی رانک برکت نظر امن اثری ایلد قوت ناطقه سی مکالمه به شروع و اولاسن و سالندن  
سؤال ایلد که هزاران سال مقدم بوجای دریا اولان محل خشکستان و خرمشگاه ایدی بلکه بقیه  
خوشه و کاهندن حال دخی بولنه دیودرون بجره دست اعجاز پیوستن دراز ایدوب قعر در یادن یکمشت  
خوشه خشک اخراج ایدوب نظر صوفی به عرض ایدنجه ساده لوح بیچاره بیم موج و شور بحریه بی فراموش  
ایدوب کثرت سال کشتیان پیردن غرقه قلزم تعجب اولوب ازمان سابقه ده اولان بعض حوادث غریبه  
سؤال و جوابیله اصاعت بضاعه وقت فرصت و کار استانبوله وضع قدم ایتد که بالکلیه احوال پیری  
دخی فراموش و صوب مأموره مسارت ایدوب جناب صبوحی مجلس شریف لری به واصل و تسلیم رفته  
شیخ ایلد که فتح و قرائت ایدوب مفهوم معلوم لری اولنجه طالب خضر علیه السلام اولد یغین استفهام

واثنای راهده مصادفه لریدن سؤال ایله استنطاق بیور ملریدن حرمان وعدم قابلیت ظاهر اولدقد نصکره  
 ینه عرق راقشلی جسیان اولوب صوفیدن آبدست طلب ایتمه و ضو اثناسنده توره بیور وب  
 خضر یا آبدست کنده و یا آبدست دهنده است عنوانیه تعریضلرینه اول حضرت شهابانی فقیری  
 نواست خضر کجاست مضمونیه مقابله ایتمکله طهر رقه شیخه عالم اگر خضر باشد بی بهره رسود نکند  
 عبارتتی تحریر و ینه سر بهر شیخه ارجاع ایدوب صوفی دردمندخی حضور شیخ شکوری به تسلیم  
 رقه و خضر حقیقی و حکمی ایله جاری اولان اولان تقریر تعجب انکیز ایلد کده خدمات سابقه سینه  
 مکافات صوریه ایله تأهل و تزوج ایتدردوب چراغ ظاهر یلری و عتبه حضرت شیخ هدایده اوقات  
 کذار اولوب ماجراسی مابه الاعتبار اصحاب اختیار اولشدر \* (نظم) \* کردانی یار را ازده دله \* زین  
 مشام فاسد خود کن کله \* کرداری نور جان و شناس \* رودمانی دست آرو و شناس \* آن دماغی که  
 بران کشتن تند \* چشم یعقوبان هموروشن کند \* این سخنهایی که از عقل کست \* بوی آن گلزار  
 سرو و سنبلست \* بوقلا و وزاست و رهبر مرا \* میبرد تا خلد و کوثر مرا \* بینی آن باشد که  
 او بوی برد \* بوی او را جانب کوی برد \* بودای چشم باشد نور ساز \* شد ز بوی دیده یعقوب باز  
 \* (مرویستکه) \* اول عندلیب گلزار طرافتک جمله ابکار نوادر معانی نفیسه اولان منظومه خوش  
 آینه هلمعلری شیرازه بندند وین و دست بدست ارباب فصاحت زین المجالس بلغا اولوب لکن آثار  
 دلنشین فارسیه لری هنوز جلوه کرم تمام اطوار حروف اولدن عشرتخانه بقایه مبادرت بیور ملر یله  
 پریشان یاب مجموعه المعارف زبان آوران زمانلری اولغله کلدسته عیدیه لری کشتن زیب منقبه  
 لطیفه لری قلندشدر \* (غزل عیدیه حضرت صبحی دهده اینست) \* دولت و صلش میسر شد مرا هنکام  
 عید \* شد مبارک بر من از فضل خدا ایام عید \* شد صباح عید از خورشید رویش مستجاب \*  
 \* هر دعایی که سر اخلاص کردم شام عید \* کشته ام زان ترکس مخمور روز عید مست \* نیست  
 کس را همچو من کیفیتی از جام عید \* چون نظر افکند سوی من تبسم کردیار \* ساخت مستقی  
 مرا از شکر و بادام عید \* روز عیدم که نمودی روی زیبا دور نیست \* میسر شد از بادشه درویش را  
 انعام عید \* ساختی از وصل در آغاز عیدم شادمان \* یارب این دولت میسر باد تا انجام عید \* قطره های  
 اشک خونین صبحی شام وصل \* جمع طفلانند کایم کون پوش در ایام عید \* و فراش احتضار  
 پر انتظار لرزیده زاده قریحه راضیه اولان اثر تأثیر فرسای در دفر اقلریدن بنده دیرینه لری عیشی بیچاره  
 خمار زده بزم هجران و کریان و نالان اولنجه (سرخوش باش و تصدیع ممکن که عیشی راز بزم صبحی  
 ناگزیر است) دم تسلی تو آملر یله همقدم راه نشاطگاه قدس اولملرین ایما بیور دقلری پیش از مرور  
 هفته منته پیرای ظهور و عیشی مخمور دخی صبحی زن بزم قدس اولمشدر و اول هنکام اخراج انجام  
 و تسکاتک سکرانده انداخته کار نظم بخودانه لری اولان غزل مکاشفه مضمون واپسینلری بودر که  
 حسن خاتمه منقبه شریفه لری اولق اوزره ابراد اولنور \* (نظم) \* ز رشک آنکه چرا لب نهی بجام  
 شراب \* مراست دیده پر خون چو شیشه می ناب \* بخواب سوی تو آید خیال من کفتی \* ز انتظار  
 خیالی شدم نیامد خواب \* نشد ز چشم پر آیم خیال ابرویت \* علاج نیست چو کشتی فتاد در کرداب \*  
 دلم بسجد از آن سجده میکند شب و روز \* که ساخت صورت ابروی یار در محراب \* فراق یار و غم  
 روز کار و جور رقیب \* مگر خدای مرا آفریده هر عذاب \* بحسرت سخنی از لب تومی میرم \*  
 خوش آنکه با تو سخن گفته و شنیده جواب \* بگوی دوست صبحی شهید عشق شوم \* وصلت  
 خیر مقام بلغت حسن مآب \* و شب هنکام وفاتر زده ینه کافی العافیه اوراد واذکار و نافله لرین

عرضی محمد ده ده

تکمیل بیور و بصبوحی در مجلس انس خواهم کرد عنوانیله قرب ارتحالترین اشعار بیور و ب علی  
 السحر سفر بر جوار حضرت خنکرا کبر قدس سره الانور و پهلوی حضرت طغانی ده ده آستانکیر  
 آرام روح و روح بجان دار السلام اولمشدر نور الله تعالی مرقد و علی رفرف الخلد ارقده آمین یا عجیب  
 الداعین \* (حضرت عرضی محمد ده ده) \* خاکزاد استانبول و شعبان زادگان شهر تیله معروف خاندان  
 قدیم کبار مولیدن اولوب حیل همملین جمع فنون وکل عزیمتین ادرالک صحبت خول عمومه صرف  
 ایدوب طبیعت صافیله لری خزانه معارف و مشرب عالیله سر چشمه زلال لطائف و قریحه مشتعلله لری  
 رهیاب خفایای اسرار و سلیقه نیره لری منشأ اخباری آثار و بسندیدۀ روز کار و مشهور دار و دیار  
 اولوب محضاتماشای گلستان حکم آفاق و زیارت احیاء و اموات کبرای دینه مولع و مشتاق اولوب موائی  
 عظامله علاقه نیابت بهانه سن سر رشته وصول مرام ایدوب محمیه دیار بکر قاضیسیله سواد اعظم  
 مر قومه واصل و مسند نیابت ده دادده کمال عفت و استقامت اولمغله متوجه کروه افاضل و انظار حسنه  
 اولاد کرام عزیز نائل اولوب مسند آرای خلافت نقشبندی اولان عزیز ابن العزیز دن انابت مراد  
 ایلد کده کامل مشار الیه جواب قبولی استخاره به تعلیق ایدوب بعد الاستخاره (شمار افاض از منبع  
 منبع التیل نیل خداوند کارا کبر است ما و اقران مابست دادن امثال شما زهره داریم) عنوانیله بشیر  
 التحاق خرب پر شکوه مولوی ایتلریله طرف سائر رجالتدن علاقه دل و جانلری طرف اخوان الصفا  
 حضرت مولانا قدس سره الاغلیه صرف ایدوب آیا اول قبله حقیقت قنغی محراب ذات خلافت مآلرندن  
 رونما اوله دیو مشایخ و قه متردد و استقامت پوی پیرهن عزیز مصر مرقد متبرک ایکن ناگاه راه  
 اخلاص لری آدم کامل حلقه صحبتته رسیده اولوب پیشگاه سعادت آدمیه ده موضوعه پیشخته اوزره  
 بر کلاه ولایت دستگاه مشاهده ایدوب عجب انوسری سامان نه زمان سایه سکه شاهیده آسوده اوله فکر  
 پر حسیله سکه مر قومه یدیکران ایکن آدم افندی حضرت لری سلسله خبان مکاشفه صحیح اولوب (عجب  
 آنستکه طالب و مطلوب منتظر و متحسر یکدیگر اند که این کلاه سعادت تا از شب استخاره عزیز ابن  
 العزیز در اینجا منتظر شما و شما نیز از آنسگاه منتظر و متحسر اوی) نفس انفسریله پرده بر انداز روی کار  
 اولیجوبی اختیار زانوی مبارک کرینه سر نه تسلیم اولوب همان ساعت کلاه معهودی تکبیر مولوی ایل  
 سر سعادت مند لری نه الباس بیور و ب خدمت میدان و بعد در تبه قرائت متوئی شریفه مستعد اولمشدر در  
 و حیثیت ذات معارف احتمالی معلوم حضرت مرشد مکمل اولوب لکن کند و لرتمسکن و تواضع  
 اوزره اظهار مکنت علمیه و اشعار طبیعت شعریه ایتوب همزنگ آحاد سادۀ دلان مقیم مقام خدمت  
 معنه لری اولوب اصلا احیان مذاکره حقائق و دقائق و فائده و انشای مشاعر و مناظره و دصد و بحثه  
 صاحب چقمیوب صدقه سامعیندن اولسی قدر شناسان ذاتلری احباب ذوی الالبابه کران نما اولمغله  
 آدم افندی حضرت تلریدن مداخله صد و بحثه مساعدۀ ولای صدف مشرب صافیلرین رشته کش ترقیم  
 ایتلرین رجائند اولمغله مساعدۀ عامه و مراعات تامه بیور یلوب بلکه عرض آثار مشرب و وسیع  
 الاقتدار له مأمور انظم ایلد کلری غزل زیبا که مطلع غراسی \* خیالک دیده دن نقش دل بی کنه دن  
 چقمز \* او بر معجز غماصو پر در آینه دن چقمز \* بیت الغزلیدر تما بر رقه پاره یه بیض و کمال آدابله  
 صورت عرض حاله کند و بی نام و نشان لدن الغما و مقطعه جای ثبت مخلصی خالی قوملریله منظور  
 سعادت حضرت آدمی و آنچه مآل حاله انتقال و دست خط عنایت آمیز لری ایل اول جای بیاضی رسم  
 لفظ عرضی ایل اهل او عرضی مخلصیله معروف میان سخنوران اولمغله غلبه بیور مشنردر  
 وفی الواقع ذاتلری زمانه و بلکه الی آخر الزمان مسلم کزیدکان زبان آوران و آثار شریفه لری دخی



بسنده منصفان دوران اولشدر که خصوص مرقومه اولان حرکت ادب کسترلری کند و به سرمایه سعادت صوریه و مغنویه و مستجلب انظار حسنه و سود بخش بر خور داری طریقت علییه مولویه اولشدر فاعتر و ایا اولی الابصار \* (نظم) \* سرمکش از خط فرمان و نکته دار ادب \* زانکه مقصود خداوند ز فرمان ادبست \* هست آرایش هر چیز بجیزی مثلاً \* طرفه اینست که آرایش انسان ادبست \* (مروستکه) \* اول خالص العیار دار الضرب امتحان پیر راه تربیه لری طرف باهر الشرف لریدن محال زده اختیار اولوب هنوز تبدیل جامه افتخار ایتیموب انجق سکه دارانابت اولد قده ظاهر اشرط ارادت و تکبیر خداوند کاری اولان حله معینه جلوه کر میدان اطاعت و اجرا اولدین دفعه الباس کلاه اثبانه تلت حوصله کان ابتدایه بادئ خلجان خاطر فاتر اولغله حجه علیهم و اراءه لاستعداده الازلی زی محتشمانه لریله سوق محجیه غلطه و میانه اهل بازاردن ایکی قطعه جکر اشترا ایدوب علی رؤس الاشهاد و فی اعین اهل العناد عجله مطبخه ایصاله مأمورا ولدینی ساعت سمعوا و اطاعه مشیاع علی الهام لای علی الاقدام دیوب دامن در میان مسارعت و تسمیر ساعد مبادرت ایدوب فی الحال مقبل اهل اقبال اولان دست همت پیوستی خون و پیمهله تلویث و تلوین ایدوب مزرحم خلافتدن صورت مأموره اوزره ائتمار ایلد کده سابقا محجیه مرقومه ده مسند نشین نیابت اجرای احکام ایکن محتشم و سوار مر و رایلد کده منتظرین سلام و دست بر سینه قیام احترا می اولنلر و یکر دان و بلکه سنک شماتت زنان اولملرینه قطعاً التفات ایتیموب و اهمه اعتبار کند و به سننک راه اختیار اولدینی ظاهر اولنجه سائره سنین عدیده حله کش اولغله دست داده اولیان رضا و تسلیم ذات یا کته اول قدمده متیسرا و لقی سبب انصاف اولدینی غمایان اولد قده تشکر اوستین سمور و حله البسه فاخره عالمانه لرین سیر و فقرایه ایشار ایلد کیری و بدن معتاد تعملمین چارمغیر ریاضته بند و کهنه عبا پوش و نشاط زائد التعبير له خدمت کوش و دمام دست ساقی خنجان حقیقتدن پیمانه ذوق و صفانوش اولملری بینات خلوص عیار قابلیت لری و بلاندر بیج درجه تکبیر والباس کلاه و خرقة طریقه ترقی بهره استحقاق ذات لری اولدیغنه شواهد عادل و مدعای السلامة فی الملامه به پراهن ساطعه اولشدر حتی قبل ظهور الامر سالک سمت مر اولان احداث طریقت رجعت صوب تحسین و غنیه ایلد کلرنده دو جکر خریدن و آوردن چه باشد عنا نیست که مدت العمر چون اجلاف جکر فروختن و بلکه کباب جکر خود خوردن بمقابله او کار سهلست و شکرانه محقر است عنوان اخلاص تبیانله رتبه عالییه صدق و تسلیم لریدن نبذه یسیره لرین نمونه وسعت حوصله تردد ناپذیر لری اینکه جمله نک سمنده همته تازیانه زن غیرت اولشدر لر \* (نظم) \* ای عدو شرم و اندیشه بیا \* که دریدم پرده شرم و حیا \* عاشقم من برفن دیوانکی \* سیرم از فرهنگی و فرزانکی \* عشق مکیوید بکوشم پست پست \* صید بودن بهتر از صیاد نیست \* کول میکن خویش را و غره شو \* آفتابی را رها کن ذره شو \* بر درم ساکن شو و بی خانه باش \* دعوی شمع بکن پروانه باش \* تابینی چاشنی زند کی \* سلطنت بینی نهان در بند کی \* صدق عاشق بر جمادی می تند \* چه عجب کربدل دانا زید \* من غلام آن مس همت پرست \* کو بغیر کیما نارد شکست \* برک کاهم پیش تو ای تند باد \* من چه دانم که کجا خواهم قتاد \* خال را من خوار کردم یکسری \* ناز دل عاشقان بوی بری \* کرب بر د خون من آن دوست رو \* پای کوبان جان بر افشام برو \* (مروستکه) \* اول ثابت قدم میدان تسلیم جانب جناب آدم و فیدن عرضی مخاصیله تعین پذیر اولملرین جمله افعال و اقوال و احوال معروض پیشگاه مربی ایتلک و طیفه لازمه ذمت مرید اولدیغنه اشارت اولق اوزره فهم ایدوب علی الدوام عرض امور مذکور ه دن خالی اولم یوب هر نه کیم نظر حکمت اثر پیرده نام قبول اوله ترک و معتبر اولانی اتقان

و استحکامه همت عادت بر خرم و احتیاط لری اولش سیدی نو باوۀ طبیعت صافیه لریدن سر زده اولان  
 ثمرات بالغة فائقة المضامين رفته تسویده حضور فائض الذور لرینه عرض اولوب مستحسن و مستصوب  
 اولانی جریده آثاره قید و مسدود کون عنه اولانی خرق و حرقله محو ایدر لرایدی و بومقوله امور ظاهره  
 و باطنه لریده دستور عرض مرعی و رای صائب مرشد معمول به لری اولوق بر کاتبه مستفیض عنایت  
 ارشاد و مستعد ولی عهدی و عقیب آدم مکملده مانند شیث نبی مستعد خلافت و بین الامثال سرافراز  
 آثار بدیع و ممتاز اطوار منیع اولش در هنثیاله بر حقیق التوفیق و التلذذ بنعم التحقيق \* (نظم) \* هر کسی  
 اندازۀ روشنندی \* غیب را بیند بقدر صیقلی \* صیقلی کن یکدور و زری سینه را \* دفتر خود  
 ساز آن آینه را \* تادلت آینه کرد در صورت \* اندر و هر سو ملجی سپهر \* حق همی گوید نظر مان  
 بردلست \* نیست بر صورت که آب و گلست \* منظر حق دل بود در دوسرا \* که نظر در شاه آید  
 شاهرا \* علی الخصوص خزانه فتوحات غیبیه دن بهره یاب و صاحب جمعیت بال و مال اولوب مؤنات  
 اخوان و خلایندن فاضله اولان اموالی خراج خیرات و مبرات ایدوب مقرر خلافت لری اولان خاتقاه و دار  
 الانسابک اعمال و قفیه لرینه عقار کثیر ضم و الحاق ایتسکه کویا واقعه ثانی و تغییر و ترمیمه صرف مقدور  
 و بدل موجودله ثانی بانی و مستجلب ثوبات خزیله صدقات جاریه و مستفید عوائد عیه خیریه و متمتع  
 اذکار جمیله دهریه اولش در طوبی له و حسن مآب من العزیز المعز الوهاب \* (منقول استسکه) \* اول حکیم  
 حاذق دار و خانه هدایت هنوز چار بالش نشین خلافت اولندن خدمت قرائت حضرت مشوئ برهان  
 الواصلین ایله ممتاز الاقران ایکن امرا زادکان فرسکیه دن بر غنچه نوخیز گلستان ملاحات نیاز مند تعلیم  
 فارسیات اولغله موجب شیمه کریمانه لری اوزره بخل و غریب و ر میوب مدت یسیره فیض نفس لریله  
 مستفید فوائد جمعه و راغب التحاق خیرالامه اولغله قدمای کفره دن استشمام رغبت اهتدا ایدن لریدیر  
 تدبیر انجامله اول نو نهاله زهراب اسقا ایدوب مشرف هلاک اولدقه دردمند بیچاره اخوان و خلاینه  
 سر بالین عیادت لرین تشریف رجا ایتسکه قدمهاده خانه ضعیف و ذبول دواندیری اولوب مسموم مر قومی  
 روبراه و داع عالم فانی و جوانی مشاهده ایتسکه قلم طبع شفقت جوش لریدن بدیهه بوقطعه غراساحل  
 عبارت و کوشش در ابد و محبت بیمار اولدقه در حال صمیم فؤاد معارف معتادنده اسرار ایلدیکی  
 کوهر ایمان و اسلامی و سلطت ترجمان زبان شهادت بیانیله اظهار و اشهار و ماعدای ملت محمدیه دن  
 بزار اولدیغن تبصیر و استاد کرم نهادندن استحلال حقوق تعلیم ایدوب تلاوت یس شریف و ذکر ادعیه  
 مأثوره ایدره رک خزانده سرد باد فنا اولدیغی مشهود علیه حضار مؤمنین و نظار کفار معاندین سدر و اول  
 قطعه قطعه مضنون که باعث عبرت و اظهار اسلام مغدور شهید مر قومدر یاد کار اولی الابصار اولوق اوزره  
 نفسیه منقبه لرینه و شاح الصدر قلمشدر \* (نظم) \* بوحسنله چون ناره کیره اول بت ترسا \* دوزخده  
 اولان اهل هوای کدر اولسون \* مالک اوله حفسک او کهر پاره به آخر \* ای نارجهنم سکاصد مرده لر  
 اولسون \* و مسموع آشنایان طائفة مخدوله در که کیفیت امیر زاده سعید و شهید اکثر مالک فرنگستانه  
 شایع اولوب و حجت جاهلیه و صیانت کافر لرینه بناء درویشان مولودین تعلیم و استفاده یه لعن  
 منع انکیز ایلد کوری ثبت کرده و صایانامه قیسین و رهبان اولوب و قنאות دیار اسلامیه به مسافر  
 اولانله گروه مکر و هه تجدید وصیت و تنبیه نفرت ایدر لرایش \* (نظم) \* روح خود را متصل  
 کن ای فلان \* زود بار و اح قدس سالکان \* روح محبوب از بقایش در عذاب \* روح  
 واصل در بقایک از حجاب \* ای دریغای دریغای دریغ \* کلچنان ماهی نهان شد زیر میخ  
 \* (منقول استسکه) \* اول فریاد رس در ماند کان بر رخ تلویک الوان اوضاع عارفانه لریدن مکدر العقیده

اولان تنك حوصله كاندن ناظر طو پخانه عامره على اغا نو بتنده دخی طوب دو كولك جمعیتی اثنا سنده كاه  
 اصابت سوء العين وكاهی مكائد سحریات اعدا وحسادله ظهورایدن مجرای ماده آتشین روی آبكون  
 انسدادی باعث خجرت رجال دولت اولوب امثال سابقه سنده تجربه كرده لری اوله كلان اسباب  
 اجرا غیر مفید وصلحا و مشایخ عصر دن استمداد خیر دعایی اثر اولوب و نذور و قرابین و صدقات واسطه  
 حصول مر اام اولدیغین مشاهد ایلله اغای بیچاره هر اسان قهر پادشاهی اولدیغین مقر بین فراست  
 شعار معاینه ایتكه عرضی دهده حضرت تلمیدن دخی استمداد و استمداده سوق ایلد كلرنده خندان  
 رغبت غما اولیوب بلكه الغریق یتشبت بكل حشیش فواسیله عامل اولوب ارسال ایلدیكى برید الخیر  
 ادیب شرفیاب دستبوس كرم مانوسلاری و مبلغ رسالت رسائل عنایت اولدقه هما نابركاغد باره به  
 \* (بسم الله مجریها و ثم السبیل یسره) \* آیه كرمه لری نخریر و میانه ماده منسد المجرایم اننه القاتیه میله  
 ارجاع بیوروب موجب امر جلیل القدر لری یله عمل اولندیغی ساعت بفضل الفتاح الكرم و بتأثیر  
 الحرز العظیم جریان تام ظهور یله جمله مسرور علی الخصوص اغای مرقوم نائل حیات تازه و انكزری  
 ارادته مبدل و مراد دیده كرامت دیده سی اشك یرشادی اولوب بی شمار هدا یا و هزار تویه و احترامه  
 زیار تلمینه و ر و مال در كهلمینه مبادرت ایدوب عرقیه پوش صدق و اخلاص و هم نو یتلری اولمشدر  
 \* (نظم) \* هر انكه آشنایی پدر و یش كرد \* بفرصت كمش راهمه یش كرد \* اكر سندر و بین  
 بر ایش نهند \* بیاری توفیق از یش كرد \* و بعد وفاته نور مرقده عبیه رفیعتر به بر رحمتلرنده و وظائف  
 معینه فراش و آب كشیله بر آید ستخانه احداث و وقف ایلیم لكن و فرت محبت و كثرت مالتلری به نسبتبه  
 شی قلیل اولغله سبب استغفار استفسار اولندقه مراد لری انحق متبرك زیارت تر به شریفه لری  
 اولسره خدمت تسهیل و تعلیم ادب اولدیغین بیان و همت سامیه لری دائره وقفده رخنه نقصان  
 و احتیاجی بالكلیه سد ایتكه فضولی جرأت زیاده وقفه حضور و و حایس لرندن شرم و حیا مانع اولدیغین  
 ایراد ایتشدر \* (مروسته كه) \* اول طوطی شیرین زبان شكرستان معارف عقیب حضرت آدم  
 قدس سره الاقدمه منبر آرای تحقیق معانی حضرت مشوی اولدقه ~~كو~~ بالهجه غرائب نكات  
 كویالری ترجمان الغیب ضمایر حضار اولوب هر كس لذت تقریر لری یله شیرینكام دل و جان و حالت  
 تنظیم لائی كلیا تلمینه مست و حیران اولوب بعد الدعا و المقابله هر بری همدمنه حضرت شیخ بعینه  
 مافی الضمیری كشف و عیان ایلدی دیو تقریر ضمیر و تطبیق مقاله ایتكه جمله كوشداران مو عظه لری ن  
 شاداب زلال تسلی ایتلری حیرت افزای شركای كارتند كبر اولغله مجالس عالیه ارباب كمال لطائف تعبیه  
 و ظرائف طبعه لری له مالا مال اولوب عامه سخن فهمان زمانلری ر بوده شیوه نادره لری و واله اسرار كامنه  
 كنجه و جود فائض النور لری اولوب كبر رجال دولتن آرز و مندقر ایتلری اولان ماملك نثاران خدمت  
 ازد و اجرینه (طرفه اینست كه ما اطلاق ایشان خواهم و ایشان پای بند ما خواهند) نكته لری له مقابله  
 بیوروب تجرد و تفرده محافظه اوقات و تدارك بدل مافات و مراعات احكام حوادث ایام آفات بیور مشلدر  
 و من الاول الى الآخر عیش خوش و روش دل كیشلری رشك آور امثال اولغله پناه آوران سایه آسایش  
 مایه لری مأمون الغائله اكدار صوری و معنوی روزگار اولوب حلقه انابت و محبتلری مجمع العرفا و محشر  
 الفضلا و روز شب و صبح و مسالری غیر كرامتیه سی دغدغه معاش عیال الله و مشغله دخل و خرج  
 و مال و منال الله كذران اولدیغی كبی بی كرد كدر علایق و عوائق و بی در سر جلب منافع و دفع مضائق  
 و روز لری عید سعید و شب لری قدر مدید و كیابنخی فائده مند مساعده فرصت اولمشدر رجا بده جوهر  
 ذاتلری بر كره دخیل بزم سعادت لری اولانی البته مانند سایه آفتاب وجود لری نه طفیل ایتلر نوب تلمینه قاعده

مقرر اولغه متأثر اولميا نلرک شقاوته استدلال و کائنات من کان استر ذال اولمشدر و هر چند شقاوت نهادانک و رذالت بنیادانک کند و لره شایسته اراجیف من خرفه سی یاد اولند قدده دوائر مردان خدا آینه خانه هر کس نخواست نیکان جز نیک و بدان جز بد نینند دم ارشاد تو اولمیه بیان حسب حال فریقین بیور مغله احوال اجانبه اعمال مشاعر دن تحذیر و ملاحظه صدق و صفا و ذوق و شوق آشنایانه تأیس و ترغیب بیور و ب (ذکر الحبيب حبيب و فکرة احب و ذکر الحیث خبیث و فکرة اخبث) مقدمه سبیلہ نتیجه بخش فراغ بال هر حال اولد قلمری ثبت کرده جرائد السن لسان احباب صداقت مآید رحتی همسایگان خاتقا هدن برلیم بد بخت انتفاع خطام دنیا قصد یله دختر بد اخترینی کند و لره عرض ایلد کده امتناع نکاح لری حسبیلہ حق لرنده بد کولکی کاه ویکاه مسموع اصدقا اولد بقیه آتش غیر تلری شراره فشان آزار اولدیغی معلوم لری اولد قدده همسایه راهم حرمان سایه کافست آزار زیاده و تعدیست عنوانیله منع بیور و ب و همسایه بد مایه دخی نجار و زحله هذیان سرا اولد قدده دفعه مهبط صاعقه غیرت و مبتلای غارضة مسنده و منعقد اللسان و مسافر کورستان اولسی بقیه بی ادبانه بند بند زبان اولمشدر \*(نظم)\* عالمیرایک سخن ویران کند \* و بهان خفته را شیران کند \* ای زبان هم آتش و هم خرمی \* چند این آتش درین خرم زنی \* ای زبان هم کنج بی پایان تویی \* ای زبان هم رنج بی درمان تویی \* بانک گفت بد جود و وامی شود \* از سقر تا خود چه در و امی شود \* چون خدا خواهد که پرده کس درد \* میلش اندر طعنه یا کان برد \* (منقول است که) \* اول موش کاف مرا تب وجود حلقه صحبت پر حکمت لرنده کوشد ار حسن ادا و چشم انداز لطف جنبش و آرام لرنده بقدر القابلیه خطاب صواب و فتح باب معامله ارشاد مآب بیور و ب قول و فعل تریسه غماری پر حکم و عبر اولوب قطعاعنی و مالا یعنی کفتار و رفتار مسموع و مشهور اولدیغندن ماعد ازمان اختصار لرنده حضار بزم و صایای واپسین لرنه مهمات و لوازم اخرویه لری بقایاسن تعداد و تسویه ایلد توصیه بیور دق لرنده نالان و کریان درد هجران اولان اخوان و خلان شفای عاجل ایلد دعا و تقاول و امور وصیت کرده لرنینه بعد العافیه بالنفس تسویه بیور ملری رجاسین متضمن کلمات تنی مدار له تکلم ایلد کک لرنده \*(مصراع)\* هب دیدیکر معقول اما کیمه سويلرسن \* دیوانک کبی هنگام تنکات کده بونک کبی سنجیده کوی اولملری و لطیفه سنجی غائله سکرات اولق عظم شان تمکین و متانت حسن رضا و توطین لرنه امارت باهر و علامت ظاهرا اولدیغی اجلا ی بدیهیات متنع الاشتباه در تادم آخر همرهان بزم عافیت لرنه کما کان صحبت بی علت بیور و ب بعد ازین عرضی احقر را در مجمع عرض اکبر خواهد دید کلام و داع مضمونیه روگردان حیات بی بقای عالم فنا اولوب هوایهو و یامن هوایمن لاله الهو ذکر قدیم و ورد هر دم لریله غوطه خور محیط هویت و پاییکش اقامت ساحل صورت و یکدمه و اصل سر منزل حیات جاودانی اولوب قفس عندلیب روح روان لری پیشگاه نشین حضرت سلطان دیوانی قدس سره النور انیده و دیعه خالیاک و تر به والار تبه لری زیارتگاه عارفان و عاشقان اولمشدر که کمال صحت و عافیت لرنده خدمه در که لرندن در و کرده عبد الباقی به مدفن لری اوله جق مهبط روح و ریحانه حالا اسلوب تربیه شریقه لری اولان صورت بد بر قصر بناسنی تنبیه و مصارفن تسلیم بیور و ب امر لری اوزره اتماعی خبری تبلیغ اولند قدده بعد از هفت روز آن نشین را با بساط شایسته فرش و تزیین کنیم و بنشینیم عنوان کرم نبیایله رخصت لری روزمر قومه وفات و جسد متر و حلری اولد دخمه رحمتی تشریف اینک که جلوه کر میدان ظهور اولدیغی مکاشفه اخیر لری اولمشدر نور الله مشکا سره بمصباح التجلی فی جوار بره آمین یا مجیب الداعین \*(حضرت علی دده)\* دارالسلام بغداد بهشت آباد موالیدندن اولوب ایام طلب

علی دده

شعر و کلام

علمده موصل و بلاد کردستانده تحصیل علوم و تسکیم فنون متداوله ایدوب دارالدوله قسطنطنیه  
 تماشاسنه عازم و جامع شریف ابوالفتحیده درس عامله مشغول ایکن مخادم کرام کار علما تعلیمی ایله  
 انتساب دار اولوب شاگردلری قاضی محمیه مصر قاهره اولدقده نیابت ایله مکرم و کمال استقامت  
 وعفته مستخدم و بین علماء القاهره معزز و محترم اولوب مجامع شریفه مرقد منوره اولیای کرامده  
 منعقد اولان مجالس رفیعیه ملازمت ایله معتنم میامن روحانیات اجله عظام و مستفید برکات  
 زیادات اعزّه ذوی الاحترام اولوب علی الخصوص فقرای طرق علیه ایله صحبت پر خلوصلری کندویه  
 سائق سمت اولیا و قائد صوب اصفیا اولغله علاقه ماسودان بیزار وجاه و تعمدن دل سر دو بیقرار و عازم  
 بیت الحرام و جازم التحاق کروه منقطعین حضرت رب الانام اولوب رجعت زیارت حرمین محترمینده  
 جانب شام جنت مشامه عطف عنان اهتمام ایدوب سابقه عنایت صمدانیه رهنمون اولغله دخیل دائره  
 ارادت حضرت دده قرطال نور مشهد بر حقه المان المتعال اولوب عزیز مشار الهلک نفیسه منقبه لریده  
 تفصیل اولندیغی اوزره نائل پایه محرمیت و ولی عهدی و عقیب مرشد سکیم لریده واصل رتبه خلافت  
 خداوند کاری و خانقاه حسرت السکان دمشق الشامه سر حلقه عاشقان مولوی اولشدر \* (نظم) \*  
 ترک دنیا هر که کرد از زهد خویش \* پیش آمد پیش او دنیا و پیش \* هر که از دیدار برخوردار شد \* این  
 جهان در پیش او مر داشت \* کریمی میل خود سوی سما \* پر دولت برکش همچون هما \* و رتوبنی میل  
 خود سوی زمین \* نوحه میکن هیچ منشین از چنین \* هر چه از وی شاد کردی در جهان \* از خزان آن  
 بیندیش این زمان \* ز آنچه کشتی شاد بس کس شاد شد \* آخر از وی جست و همچون باد شد \* از تو هم  
 بجهد تو دل در وی منه \* پیش کر بجهد تو خود از وی بجه \* مال و زر سر را بود همچون کلاه \* کل بود او که  
 از کلاه سازد نهان \* انکه زلف جعد و عنایا باشد \* چون کلاهش رفت خوشتر آیدش \* انبارا کار عقیبا  
 اختیار \* جاهلانرا کار دنیا اختیار \* زانکه هر مرغی بسوی جنس خویش \* می برد او در پس و جان  
 پیش پیش \* (مرویسکه) \* اول مجمع البحر علوم بالذات و الزمان شایسته صدر خلافت اولدیغندن  
 ماعدا حضرت دال الخیرک ولی عهد و وصیت کرده خرقة و سجاده و سجه لری اولوب اختیار اخبار ایله  
 مسند آرای و کالت و صوب سده ولایت خداوند کاریدن اصالة منشور خلافتله مجمل اولوب توار دظا هر  
 و باطن کمال حاللرین تأیید و تقریر ایتدیکن قبل المشیخه ولایت و حکام و اعیان و اشراف محبتخانه لرینه  
 تشریف ایدر لر ایکن لکل محال احوال مصداقچه دامنکش زیر پای و کوشه وحدت آرای اوللرین  
 و قار مصنعه بلکه رذیله کبره حمل ایدن خرده کیران بیجایی و بدگمانان بادیایی بوغزل تحدیث مضمون  
 و اثر زیبای تحمید مشکونیه اسکات و الزام بیور مشلدر که اول با کوره شیرین نقل بزم منقبه نفیسه لری  
 قلمشدر \* (غزل خفیه حضرت علی دده اینست) \* بحمد الله جهان ایچره بو کون عنوانر واردر \*  
 شهید عشق یار اولدق فدایر جانر واردر \* قدوم و دف و نایله نوله رقص ایلسک هر دم \* صدای لامکانی  
 سمع ایدر ایقانر واردر \* کدایر کرچه صورته معانی ملکته شاهز \* نیچه شهرها کادریان اولور دیوانر  
 واردر \* نه غم گفتار من فهم ایتسه هر جان بیغی \* معارف بحیرتک غواصیوز برهانر واردر \* نوله باش  
 اکسک شاهان هفت اقلیمه علی وار \* جهانده حضرت ملاکی سلطانر واردر \* و اغلب آثار  
 آبدار لری تابدار سوز عشق و خوش آینه دلنشین و پرشوق اولغله انفاس نفیسه لری نمودار وسعت  
 مشرب و محیط قریحه لری اولوب زمان سعادت اقرار لری انسانی ر بوده شیوه عاشقانه لری و فتاده دام  
 ارادت و محبت لری و تلید کفتار و رفتار حکیمانه لری اولشدر اول مرده نفس وزنده نفسک احیای  
 نفوس قابله ایتسی کویا مقدمه تذکره نزول حضرت روح الله اولشدر \* (نظم) \* آدمی مخفیست

در زیر زبان \* این زبان برده است بر درگاه جان \* زین قبل فرمود احمد در مقال \* در زبان پنهان بود  
حسن رجال \* جوش نطق از دل نشان دوستیست \* بستگی نطق بی آشفته کیست \* دلکه دلبر  
دید کی ماند ترش \* بلبل کل دید کی ماند خشم \* این سخنهایی که از عقل گشت \* بوی آن گلزار و سرو و سنبل  
است \* (منقول است که) \* اول حلال مشکلات ظاهر و باطن و ادای نظم و نثر ده فائق المعاصرین و حضرت  
شیخ محی الدین عربی جنابک فصوص الحکم و فتوحات و آثار سائر غامضه لریده اولان بعض محال  
معضله به صاحب تحریرات رائقه اولوب و رسائل و تعلیقات مستحسنه لری لدی الافاضل و العرفادست  
بدست تبرک زین الحافل کمل و دیوان اطائف نظمیه لری قرة العیون ذوی البصائر اولوب جوهر شجیر اغ  
وجود عنایت نمود لری نکین خوشنشین حلقه سواد اعظم دمشقیه اولمشیدی و حضرت شیخ غوث  
الاغوات و خاتم الولا یه جنابک ظهور کرده و بر شکوه مولوی حنفیه نظم بیورد قبری قطعه جلیله که  
یحیی الشام اقوام تصافوا \* تسمی بالقبائل مولویه \* محاسنهم علی التحقيق صمت \* تراهم بالصفا  
خیر البریه \* نفقه قدسیه لریدر مجلس شریف لریده ایراد و کنوز رموزی است که کشف اولند قدیه  
لفظ صفا یله سماعه اشارت بیورملری سماع و صفا بر بر یله صورت و معنی و عدد حساب حروفده  
اتحاد لرینه مبنیدر و تریم لفظ الصفا یله مشام جنت مشامده آیین حضرت پیر قدس سره المنیرک  
اجراسنه تاریخدر و خیر البریه تعبیر شریف لریده ضدیت لری اوز ره مصر اولنلرک شری البریه اولملرینه  
تعریض بیورمشدر دیو تحقیق و رکنین طریقت علیه مولویه تحقیق و صمت و صفا اولدیغنه  
اشارت بیورملق اوز ره تخصیص ایدوب فلا ینکرنا الاشر البریه مال حال مخالفین خرب حضرت سلطان  
العارفیندر دیو جاریه اولان نفس مبارک لری جمله مترددین و مترددین عروق رشک و عنادین حاسم  
و ظهر مظاہرین غیر طاهری قاصم اولمشدر \* (نظم) \* توازان اعراض او افغان کن \* خویشتر را  
ایله و نادان کن \* بلکه شکر حق بکن در هر سخن \* که شکستی در جوانی تو کهن \* این جفا ی  
خلق با تو در جهان \* که بدانی کنج ز آمدن نهان \* خلق را با تو چنین بد خو کند \* تا ترانا چار روان  
سو کند \* مهربان به مهر خرس آمدیقین \* کین او مهر است و مهر اوست کین \* این نه مردانند اینها  
صورتند \* مرده ناند و کشته شمش و تند \* خرده کیر در سخن بر یازید \* نیک دارد از درون او یزید \*  
بی نوا از نان و خوان آسمان \* پیش او ننداخت حق یک استخوان \* و عزیز مشار الیه تحقیق لری حق  
بودر که قطعه مرقومه اسراریده اسلاف تفصیلاتیه توارد ایتشد که قدمای رازداران در تریم  
بالصفا لفظ شریفی خطه شامده ظهور سماع و صفا به واقوام تصافوا سیر و سیاحت طریقیه فقرای  
طریقت علیه مولویه نک اول زهتسرایه قدمهاده تماشا و مریای دل و دیده اهل یسند روعا  
اولملرینه و یحیی الشام اول آرامگاه ابرار و ابدالده کند و لری چون آسایش و آرایش بهانه سیمیه زاویه  
انزوا و گوشه راحت و صفا حادثه تاریخی اولق اوز ره منقول معنندر ابدالله تعالی اذواق الاخوان  
و اشواق الخلال علی ساط الحلال فی بقاع النوال آمین یامن لا ینحیب السائلین \* (مرویست که) \* اول  
کل زیبای کاشن و لایتک فواج طیه انفاس لطیفه لری مشام اهلای شامی بر عطر رواج بهشتی ایدوب  
و اکثر عند لیان گلزار طرق سائر سرگردان کلن ذات عمیم البرکات لری اولغله بین المشایخ منافسه ما  
کوشه کذا اولدقه همه بی نوع سلاک کلهای یک کاشند که از یک دست آب خورند و هوا گیرند  
و مستفید رنگ و بوی و مستفیض خواص لطیفه شوند پس حسب حال بلبلان این کاشن و و در زبان  
روان عاشقان آن وردها لانفرت بین احد منهم است هر که از میان ایشان ببرزخ تفرقه افتد هر آینه  
خار و خوار گردد (نطق حقیقت نمود و طرافت اندود لری دلپذیر نصفت نهادان اولغله باب تفرقه منسد

و جانب جناب ارشاد ما بلیه علاقه عشاق مشتد و جمله اخوان و خلان هر طریقه مانند شهد و شیر خوش  
 آمیز و یکدل و یکرنک کامران عیش بی غش تلون و هر بری سایه اتحاد مایه لرزیده ترقی باب مقام تمکین  
 اولشدر و یوئیده ماقال بعض العارفین نحن معاشر سلاک الطرق الاحمدیه اختلافنا علی واتحادنا علی  
 فالفرق بین السائرین فی مسالک العمل و اما الواصلون الی منزل علم التوحید فجمیعهم جمع لافرق فیسه  
 \* (نظم) \* مردجی همزه حاجی طلب \* خواه هند و خواه ترک و یاعرب \* منکر اندر نقش و اندر رنگ  
 او \* منکر اندر عزم و در آهنگ او \* حق ز هر چیزی چو چیزی آفرید \* بس تسبیح شد ز جمعیت بدید \*  
 بس صله یاران ره لازم شمار \* هر که باشد کرمیاده کرسوار \* راه سنت با جماعت خوش بود \* اسب  
 با اسبان یقین خوشتر رود \* زانکه انبوهی جمع کاروان \* رهزنا ترا بشکند تیغ و سنان \* اتحاد یار  
 با یاران خوش است \* پای معنی کبر صورت سرکش است \* صورت سرکش کدازان کن برنج \* تابعینی  
 زیر او وحدت چو کنج \* یار شو تا یارینی بی عدد \* زانکه بی یاران بمانی بی عدد \* چشمهارا چار کن در  
 اعتبار \* یار کن با چشم خود دو چشم یار \* (منقولستکه) \* اول منبع زلال معارف و علومک مجلس  
 نوادر نکات احتموالرئیده بحث و اختلاف کم و کیف اشراط ساعه امتداد پذیرا و لوب لکن میانه اشراط  
 مفصله ده اشد و اده شنی تعیین خصوصنده اقاویل افاضل گذشته بی اصغایورد قفلی خلائنده قرار داده  
 رأی رزین و خلاصه فکر صائب لری اولق اوزره و اشد الاشراط انسداد باب التوبه فی النفس نفس  
 انفسلینک سری استفسار اولند قدده العالم لا یخلو عن الانسان الکامل المکمل و هو باب التوبه و مدخل  
 الانابه فکلما کان ظاهرا علی الخلق بالحق فباب التوبه مفتوح حسب ظهوره فاذا صار باطنا بالکلیه  
 یسد الباب و تقوم الساعه الحقیقه و الظاهر عنوان الباطن و الآفاق لا تنفارق النفس فی الاحوال  
 فخرمان تلقین و سائط فیض و الرحمة عین قیام القیامه لان من فاتها فقد مات و من مات فقد قامت  
 قیامته فبادر و ابغتنم الفرصه و لا تجعلوا نفوسکم للهلاله عرضة عبارت رائقه پر اشارت فائده لریله  
 کویا حضرت پیر قدس سره المنیر لک \* (بیت) \* پس بهر دوری ولی قائمست \* آزمایش تا قیامت  
 باقیست \* نفعه قدسیه لرین شرح و بیان یور مشلدر \* (نظم) \* هست جنت راز رحمت هشت در  
 \* یل در توبه است زان هشت ای بسر \* آن همه که باز باشد که فراز \* و آن در توبه نباشد جز که باز \* هین  
 غنیمت دارد در بازست زود \* رخت انجا کش بکوری حسود \* عمر بی توبه همه جان کند نست \* مر لک  
 حاضر غائب از حق بودندست \* اندرین اقامت بند مسخ بدن \* لیک مسخ دل بودای بوالفطن \* از جهودان  
 صد هزاران ذکر \* کشته از توبه شکستن خور و خر \* (مرو بستکه) \* اول جامع اخلاق حمیده بین  
 المشایخ علی شهرتیه مدعو اولمیرینه مدرسین دمشقیه دن برخود بین غلیان دیک رشکندن ناشی عامه به  
 مخالفت و اعزاز حقه عدم رضادن مصر استکبر اهریادا اولند قدده لسان قننه خبانیله جهلی تعبیر ایدوب  
 مدح اولنان مجالسده قدحیله تصدیر محبان ایلدیککی طرف عالیلرینه منعکس اولد قدده نمودة خود را  
 میگوید و یاعجهلی متسکمیست و یاعلی نسی است و لاجرم همه طلبه علم نسبت بدو دارند و اودرین  
 باب خود را بجهل موصوف ساخت بلکه آن اقبیستکه از آسمان بر و نازل شده است عنوانیه مطایبه  
 و تسلیه فرما اولمیری بعینه ظهور ایدوب بین الاهالی جهلی لقبیه مشهور و مذموم و حاسد مر قوم و خیدا  
 غیره وضع ایلدیککی لقب ذمیه عند الجمهور ملقبی اولوب نوبت مورثا کرملرنده صلی الله علیه و سلم ضد  
 اجهلی ابو جهل ایلد مذکور اولد یعنی کبی زمان وراثت لرنده مخالف جاهل لری جهلی لقبیه معهود اولشدر  
 آخر الامرینه کیمدی کند و یه اصابت ایدوب غم و حسد و کبر و عناد و هم شهرت مذمت بنیاده علل  
 و اسقام محیره الاطباء مبتلا و مسارع ارتحال منزل خاموشان اولد قدده کور باطن بماطن کور رفت



حسب حال انتقالی اولشدر \* (نظم) \* علم او خود را اگر چه کول ساخت \* خویشتن را اندکی باید شناخت \* دیگر اگر باز ماند امشب دهن \* کربه راهم شرم باید داشتن \* خویشتن کرخفته سازد آن بستر \* سخت بیدار است دستارش مبر \* صد هزاران حلم داران دین \* هر یکی حلی از آنها صد جو کوه \* شمول فیض روحانیت حضرت برهان العارفین ایله مادی و قادی \* (نظم) \* کریم منی آمدحه آمدحه والوری \* معی و اذامالته ملته وحدی \* مضمون لطیفنه قائل اولشدر درومن قدیم الايام اهالی شام \* (بیت) \* آن سواری که سپهر را شد ظفر \* اهل دین کیست سلطان بصر \* مرده مرده ای گروه عیش و ساز \* آن سگ دوزخ بدوزخ رفت باز \* مصداق فیه من کل الوجوه مستدار سایه حمایه خداوند کارا کبری اولد قلندن ماعدانوبات خلفای راشدین طریقت علیه لریده دخی بالکلیه روی دل و جان لری صوب کعبه العشق دائره لرینه اولوب کینه فقرای در کهرینه اولان عین خلوص و برکات اعتقاد لری کند ولره سرمایه سلامت نواب روز کار اولشدر که اسلاف کبار طریقت علیه مولویه دن منقول و مثبت بالتجارب المصادقه المستقره در که فقرای باب الله خوش خاطر و مکرر و درگاه اولیا آبادان اولان دیار معمر و مسرور و آفات و عاهات دن مصون و محمی و محروس و عیاذ بالله من کسرة القلوب و متأذی و مساکن بر رختلری دخی خراب اولدقه موقع بلیات و مهبط صواعق فتن و اضطراب اولق مقرر در زیر اقلوب و قلوب فقر او دوا اولیا مدن و امصار و اهاالینکار و احی مشابه سنده در لاجرم اضطراب ارواح تسکدر اجساد مقتضیدر حسب القدره تعجیر قلب و مقام لری باعث راحت و رفاهیت و عمران دیار و دیار در و قننا الله تعالی و کافه الاحباب الی الاعتماد بخدماتهم العلیه آمین یا هادی یا معین \* (مرویسته که) \* اول کشف الضمائر یا نه منبر و عظم و تذکیر لری مجمع علما و فضلا و نوادر تحقیقاتی مجالس ارای فحول واذکار جمیله فضائل تذکاری و لوله انکیز صماخ امثال اولغله موالی حمیه مر قومه دن بر محب فقر ادخیل حلقه سماع و صفاء و مستجلب خیر دعا و لوق آرزو سیله دفع نخوت جاه و جلال ایدوب مجلس و عظم لرینه حاضر اولوب لکن صیت صفتلری ذات لرینه غالب دکل ایسه ده صد دلری حل غوامض توحیده متعلق ظهور ایتسن نیت امتحان آمیز ایله مجلس شریف لرینه حاضر اولدقه بتوفیق الله تعالی زبان لطائف بیان لریدن مر کوز صمیم الفؤاد لری اولان نیت تردد تو دقیر نلری علی اکمل الوجوه جلوه کر منصبه تفصیل اولوب توحید شریعت افعالی و توحید طریقت اسمائی و توحید صفاتی و توحید معرفت ذاتی و اول بهره عوام و ثانی بهره خواص و ثالث حصه اخص الخواص و رابع خاصه کلمه جامعه عارف بین و ماوهر مر تبه مادی و مشتمله و جای دور سماع و صفای مولوی مراتب اربعه توحیده اشارت و اول علم الیقین و ثانی عین الیقین و ثالث حق الیقین و رابع لیس فی الدار غیر نادیا اولوب مراتب ثلاثه جارئی میزاب تقریر لری اولان تحقیق و تدقیق حسب قابلیات الحضار فی الجملة مفهوم و معلوم اولوب لکن مرتبه ابعده مجرد رموز و اشاراتله اکتفا و افتتان مستعیندن احتیاط بیور ملری کویا چار سوی معمریت ذات لرینه مراتب انصاف و مراتب اعتراف اولوب و خاتمه تذکیر منذر العهد الازل لری مهج در بای اشتیاق اطلاق اولغله جندی علی و عینی بودیم بعد از بن حقی خواهیم بود عنوانیله امضای نامه ارشاد بیور ملری محرمان اسرار حسان خیام اشارت لرینی داغدار بیم هجران ایتسکله بی اختیار اتسای جلوه وجد و حالده سخن سماعخانه آبکیر خونابه دم و عوا و این پرسوز شراره فشان قباب ملکوت اولوب ملای مر قوم دخی کند و نیت ناجی امتحانی بوخصه مادی اولق توهمه لیه غرقه کرداب ضحیرت و پشیمانی اولوب پیشگاه معذرتیه تقدیم الوان تسکیریمات ایلدیکی خلالتده پیش بی سرو پایان



چه جای اعتذار است این کاری ز حکمت عالم الاسرار است که از سر کار معزول گشتیم و عمر بپایان رسید و هر دو با هم رفیق شفیق راه آن مراتب سامیه خواهیم شد که اکنون از راه سامعه و ناطقه واقف حال شدیم و قریباً از جاده عیان و اصل سر منزل تحقیق و تحقق می‌شویم عنوانیله کشف استار حال بیورد قلمری سر یعوا و عاجلا پدیدار و اولاً حضرت شیخ علمی ارتحال دار البقا ایدوب و ملای مر قوم دخنی پیر و لری اولمشدر و تن بی من تسلیم لری نه دائره خانقا هده دستور مشایخ گذشته اوزره مستور عنبرین ستاره خالک اولمشدر نور الله قبره و اعلی قدره و ضاعف أجره آمین بحرمه سید الاولین و آخرین \* (حضرت سید خلیل افندی) \* مرحوم و مغفور له عبدی دده جناب ولایت ما بنک منقبه نفیسه لریده اجمال اولندیغی اوزره ثمره فؤاد و نتیجه شجره حیات مستعار و ولی عهد ولایت لری اولوب اجزای زمانیه عمر نازین لریدن ماعدای ضرورت بشر به مصر فی اولان اوقات عزیز بدن اضاعت دقیقه بیور میوب او ان استفاده دده طلب و سعی و ایام افاده دده نشر جواهر علیله ایل ازمان شباب و پیریده پسندیده طور و حکیمانه وضع استاد الکل مستعدان دارالدوله و جمعیت علمیه و عملیه و اخلاق حسنه درویشان ایله معروف و ممدوح الافاضل و عقیب و الدماجد لریده سجاد نشین خلافت مولویه اولوب و مرجع مستندان و ملاذ در دمنان و فن تربیه اخوان و علم تسلیه خلانده دادده سحر حلال اولوب مدت العمر کند و لردن چین جبین مشهور و ادای آتشین مسموع اولمیوب وجود جمال اندود لری مرآت صفای وقت مرید و محب و سایه سعادت مایه لری مدار نیل مراد صوری و معنوی اولمشدر و اکثر کتب متداوله کند و خط شریف لری و جمله مواضع مشکله نک حل و ایضاح حواشیده ملتزم الضبط و التثبت اولوب نوعاً مستخرج محل طلبه بدیده مغنی و تعلیم و تلقین اولدیغی حسبله کتب الاستاد استاد الکتب قلب مستوی و لقب مساوی اولمشیدی و بعد التوبه آثار جلیله وقف مستحقین اولاد و فقرا اولغله صدقه جاریه دولت بدار و جان لری اولمشدر ادام الله منافعه الی یوم القیام \* (منقول است که) \* اول بیکانه حلم و کرم اگر بدر مانده واکر موقوفه اموال و عقارک حساب و خرج و دخلنک تفحصی خصوصه اعمال فکر بیور میوب و بیده از مه الامور ایله کتفا و تدارک جلب و دفعده تقویض و تسلیم الی الحقله جمله دن استغنائتمش ایکن در دمنان در که اتسا بلرندن درویش صفای مخلصیه معروف بر صادق صافی مشربی خدمت و کالت دخل و خرجه استخدام بیوروب لکن صفای در دمنان اکثر ایدی کند و صفاسنه خرج ایدوب اقتضایدن مصارف مهمه به استندانه ایتمکه وقت محاسبه ده ارباد غالب مصارف ایکن کیسه تامه دین تحمل ایلدیکی دفتر لرندن معلوم اولد قده مضمون دفتر لری کمال بشاشته مقبول طبع و وسیع الحلم و الکرملری اولوب حساد درویش مر قوم منتظر جواب و تقریر ایکن بالکلیه خلاف مأمول لری ظهور یله غمگین و مأیوس تشفی اولد قلمری روز فیروزک چاشت فرداسته اشراف رجال دولت طرفندن برخادم ایدوب و لبیب یدیه وفای نذر اولوق اوزره بر کیسه تامه و قیمته عدیل نیم کیسه ذخایر و اشربه و البسه اهدا و ایصالی هنر کامنده نقدی دینه و بر یلوب ذخایر مطبخ فقرایه تسلیم و اشربه و البسه بین الاخوان و الخلان الهدایات شترک مصداقچه تقسیم بیور یلوب رب نقیمه تورث فضیله نفس انفس لریله صفای بیچاره بی غرق لجه صفا و حسادنی رذیله حسدن تخلیه و حمیده حسن مواساته تخلیه بیورملری حلیه عرایس اذ کار جمله لری و یدنه عرق انساب خلیلیه لری اولمشدر \* (نظم) \* ظن نیکو بر براخوان صفا \* کچه آمد ظاهر از ایشان خطا \* ستر کن تابانوستاری کند \* نایبنی ایمنی بر کس مخند \* مهر و رقت وصف انسانی بود \* خشم و شهوت وصف حیوانی بود \* سبق رحمت بر غضب هست ای فنا \* لطف غالب

بود در وصف خدا \* بند کن دارند لا بد خوی او \* مشکهاشان پر ز آب جوی او \* (مرو بستکه) \*  
 اول بجز ذالخر ذوالمفاخر \* سایه همتارنده تربیت یافتگان پرتو کرامتارندن احمدده برکات انتمار یله  
 جمله علومده فائز رتبه سبقت اقران و حائز شرف تسلیم اخوان اولوب هر چند کندویه عرض کالای  
 مشیخت خوانق اطراف اولند قده جار و بکش در که خدمت لری اولغی مسند نشین مشیخت اولغیه  
 ترجیحه استعفا و مقام تقریر لریده استبقا و زرره ایکن ناکاه پایگاه تسلیمه احضار بیور یلوب  
 و بر قطعه تذکره مهور و مستور المضمون ایله مصاحب و داماد شهر یاری عمده الوزراء الکرام  
 مصطفی پاشا محب لینه ارسال ائنا سنده \* (بیت) \* در طریقت هر چه پیش سالک آید خیر اوست \*  
 بر صراط مستقیم او کسی کراه نیست \* خوا سبیله توصیه رضا و تسلیم بیور یلوب و از موجب  
 این رفیع سر نباید کشید که کف الفقر املا ذالضعفا خواهی شد تنبیه نیه یله تأکید اولغیه نفس بند  
 و رضا جوی مرقوم شمشیر ساق ائتمار و صوب مأموره استبحال ایلر و براه دارالدوله اولوب لدی  
 الوصول والایصال ملطفه جلیله لری فتح و قرائت اولند قده رساننده ورقه نل سر منجمان سلطانی  
 اولسنه معاونت رجاسنی متضمن اولد یغی مفهوم دستورانه لری اولد قده حالا مقام مرقومده قائم اولان  
 ذاتک عزل اقتضایدر نقشی ظهور ایتیه کسین عزل و آخری نصبه اعانت مخالف شیمه شریفه لری  
 اولغیه درویش احمد خانقاه ادرنه ده ساکن اولوب و جواب تذکره معهوده منتظر اولق او زرره دفع  
 مجلس سیاقنده و تعمیق فکر و انتظار مال ائنا سنده خبر انتقال منصوب ناکاه رسیده سامعه  
 آصفانه لری اولنجه قبل الوقوع مکاشفه غوثانه لری و درویش احمدک نصبه توجه لری امر موجه  
 غیبی اولد یغنه جرم و مقام مرقومه اقامت بیور لغه عزم و تمشیت لری مثر آثار جز یله اولوب فی الحقیقه  
 درویش احمد بنده لری ندیم شهر یاری و سر منجمان در کاه عالی اولوب رفقه رفقه از دیاد تقرب ایلر سرفراز  
 و مجالس معقوده مشاوره امور مشکله دولته انباز مشیران اولوب انضمام رای حکیمانه لرندن  
 استحکام نظام پدیدار و دوام دولت و قیام خیام نصرته اغاثه و مظاهرت فقر اوضاع دان استجلاب ادعیه  
 خیریه و تعمیر قلوب منسکسره ایتلر یله برکات راحت و رفاهیت هویدای روی دار و دیار اولشد ر علی  
 الخصوص بوقت فترت عنادی متشیخ و انیده کونا کون مدافعات شدیده و مباخثات مدیده ایلر تأیید  
 گروه پرشکوه فقرای باب الله تعالی خدمت نه شدن طاق غیرت ایدوب مساعی مشکوره سی آشکار  
 اولشد که منقبه سنده تفصیل اولنور و بعد السنین سالک سن بیزاری و سابقا غبه علیه قطبانه لریده  
 معتزم ذوق و صفای روحانی و فارغ البال و مجتمع الحال و بقیه شاه و وزیر و لایا بائی کرم و سرد  
 حوادث خیران و زمهریر و کامران کنج وحدت و تاجدار کلاه سعادت و کمر بسته یاضت و آسوده  
 محالطت اغیار اولد قلربن یادله نالان و کریان و کافی الاول ترک و تجرید و کم نام و نشان اولغیه استئذان  
 ایتمی جواب باصوابده (تو منجم نه بلکه منجم سعادت این دولتی پس در سعادت دولت منافع کافه عباد است  
 و خبر الناس من ینفع الناس است هر که ازین خیریت بیزار گردد در بازار کار گزاران حقیقت بازار  
 میرد) کلمات خوف و رجا آمیز لری ایلر کرانبار مرقومی الی الوقت المعلوم حسن تحمل و وریای پرده  
 کتریده مراعات حالات وحدته ترغیب و خلاف رضا حرکاتدن ترهیب بیور مشلدر \* (نظم) \* مرده  
 باید بود پیش حکم حق \* تا نباید زخم از رب الفلق \* چرخ سر کردان که اندر جست و جوست \* حال  
 او چون حال فرزندان اوست \* که خضیض و که میان کاه او ج \* اندر او از سعد و نحسی فوج فوج \*  
 چونکه کلیات رارنجست و درد \* جزو ایشان چون نباشد روی زرد \* چون کمرانها اساس  
 راحت است \* تلخها هم پیشوای نعمت است \* زان حدیث تلخ میکویم ترا \* ناز تلخها فر و شویم ترا \*

توزنجی چونکه دل بر خون شوی \* پس ز تلخها همه بیرون شوی \* (مرو بستکه) \* اول سه سال را  
 معرکه ~~کبر~~ برای اماره همواره میدان خرم و احتیاط ده ثابت قدم مرکز اقدام و سرمود اثر افعال  
 واقوال و اوضاع و اطوار لرزیده مدخل شائسته من و مانایاب اولوب کمال حسب و نسب و جمعیت فضائل  
 صور به و سر به ایله نینه جنبش و آرام ادبیانه و نشست و خیز در ویشانه لری دلفریب معتبران زمان  
 و جانسکار قدر شناسان لری اولغله پیر و جوان و جوانمردان جوانبختان محب مخلص و مرید مسترشد لری  
 اولوب شعشعه اقبال و اشتیاق لری روشنکر عیون اعیان دولت و قلاب جاذبه و حایه لری کند تسخیر  
 رقاب اعلام حضرت اولوب پی اندر پی مدایج جمیل لری صفابخش سمع همایون محمد خانی اولغله \* والا دن  
 تعشق قبل العین احیاناً \* مصداقچه دارالدوله قسطنطنیه به تشریف یور دقلرنده زیارت مشار  
 الهمی تصمیم و صحبت خاصه لری به رغبت تامه ایله سرای ترسانه به نقل یور و بوم زیارت مصممه لریده  
 منجم باشی احمد ده بی پیشین ارسال و قدوم پادشاهی اخبارنی امر ایدوب اولدخی موجب امر تمثیته  
 مبادرت و رفت و روب و ترتیب بساط و فرشه مسارعت اوزره ایکن مر اقبه یسیره یور و ب سر برآور  
 جیب خرقة مکشفه اولنجه مقدمه حواشی سلطان دخی رسیده اولوب حضرت شیخ المشایخ عصر دن  
 تعظیم و استقبال طلب و باب خانقاهه تنزله سوق اولند قدغه عنانش بسمت دیگر تا قند نفس قدسیلری  
 کالبرق اللامع ظهور فرما اولوب بادیای عزیمت شاهی میدان حکم اندازانه توجه و سایه دیوار خانقاه دن  
 عبور ایلدیکي مسموع حضار اولیجی درویش احمد در دمند غرق عرق شرم اولد قدغه نیه المؤمن خیر  
 من عمله مضمون شریفه تسلیم و تطمیب یور و ب (بر و حقیقت حال از صاحب اقبال پرس و برک  
 سبز دعای خیر مرابه پیشگاه آن سامی رکاب برسان) امر عالی لری اوز ره پیر و موکب همایون و شرفیاب  
 عز و وصول حضور عالی اولد قدغه اول نظر سیمای ندیم عیدم النظر مذکرم ~~کرم~~ و تصمیم القواد لری  
 و محیر خاطر و قاد لری اولوب لهجه بر همه لری بن اعتذار انصاف شعار له حسب حال حیرت مال کوی  
 ایدوب مفرق طریق خانقاهه کلنجه خاطر دن شوق مر سوم بالکلیه محو و صحنه ذهنه بوجه کاهل  
 فکری اثبات اولنوب دست ~~حکم~~ عنانتاب اسب همت اولمشدر دیو بیان واقع یور مرلر دن  
 خصوص مر قومده صدور یافته طبع کشف لری اولان دعای خیری یاد ایلد کده و هو المقصود کلام  
 تبرک نظامیله انتهای شیخ باد افعه قلبه معامله فرمود و این از قصور قابلیت ماست عنوانیله هضم نفس  
 یور و ب بعض عواطف عطایا ایله تدارک تخلف سوق اولند قدغه آنکه شاهرا دفع فرماید عطیه راجه  
 کونه پذیر دمصد اقبیه عمل و بعد زمان مخدوم اکرملری سید محمد جلبی به تعیین و طائف کثیره ایله اکرام  
 و اجرای قانون کرم شهنشاهی یور مشر در و حضور همایونده فضائل و کمالات حضرت عزیز مشار الیه  
 ذکر اولند قدغه درویش احمد علی طریق المطایبه مریدین و محبین بال و پر مشایخ است کله تعریض  
 آمیز لریله پراننده شیخ مریدانست مثل سائینه ایما یورملری تهج عرق غیر ندیم شیرین لهجه لری  
 و بود قوله تعریض نظر یفانه استنطاقه محمول اولغله درویش احمد بنده لری دخی ~~کرم~~ حضرت  
 شیخ غائبست کرامتش حاضر است که چون بنده ناچیز و خس خلقت را بلحاظ عین عنایت بدرجه  
 رفیعۀ مصاحبت سلطان البرین و البحرین رسانیده است ازین روشن کرامت چه باشد عنوانیله  
 جواب نفس الامر و طبیعت غمایله مقابلۀ ادبیانه لری مقبول قرین بجه نصف قرین شهر یاری اولوب  
 اکر این کرامت آنست کرامت مانیز اکرامست که کویند درملوک و سلاطین قوت هفتاد و لیست  
 عنوان احسان بنیاتی بهانه کرم بی گران ایدوب احمد دعا کوی و دولجو یلرینک فرق فقیرانه سن  
 همسر فرقدین و غرقه الوان عواطف و شرمندۀ اصناف عوارف یور دقلری متشکر مر قومدن

و حضار بای تخت پادشاه کرامت دستکاهده تلقی کرده جم غفیر احباب صداقت نصایدر  
 \* (منقول است که) \* اول نخل بار آورده بقیه عرفان و سایه راحت کسرت مزارق مستندان حضرت  
 بر راقبلینسلجمه قاسم پاشا و جوار ترسانه عامره مقام نشو و نما و محل نشرف و اوج جانفزازی اولغله  
 اکثر احباب و اصدقاری رجال ترسانه دن قبودانان و امرای دریای و قبودان پاشا لردن اولوب هر وقت سفر  
 در یاده ندور و قرا بین و هدا یای فاخره تسدیمی و اثنا ی سفرده دریای سفید و سیاه سواحلنده اولان  
 معجوره لر کثرت و امتعه سندن تحف ارساله سی و سال و غانما رجعت هنکامنده دخی هر مرید و محب  
 مالا کراملرنده بدل و وسع و صرف مقدور ایتسمیله نعمتخانه دائره لری مجمع نوادر و نقایس اولوب تازمان  
 و قعه سنان پاشایه کلنجه قبودان پاشا اولنلر زیر قادمه همای همتلرند محمی اولوب لکن پاشای مرقوم  
 خود بین و کثرت سواد دونا نامی همانونه مغرور اولغله طرف باهر الشرفلرینه التفات مایتمیوب سوق  
 استیجاب دعای خیر اولند بجه آمر نابالعزم و الغلبه مالنسا و الالتهاء الی السفله مضمونیه دفع  
 بی ادبانه لری السنه صادقین مجاهدین بحری و ساحطیه کوشه کذار لری اولد قده (آری لسان سنان  
 دلدوزانسانست) عنوانیه تعریض بیورملری مجربان محرمان حاللری عندنده مأخذ فال شوم اولغین  
 هر اسان فضیحت عاقبت و منتظر کشف مال حال استقبال اولان مقربین خواص محبینه (غم مخورید که  
 بهجده کشتی غنیمت رجعت خواهند کرد) دم غیرت توأم توریه مد غمیلر یله پرده برانداز روی کار عاقبت  
 اولملری سطحی الا تنقال اولان طباعه خوش آینده اولوب لکن مال حاللری مناقض مکه کاشفه  
 تسلیمت غمای سالقه اولوق ملاحظه سیمیه مجلس عالیلرنده ماجرای انهرام و هلاک سفن و عسا کتفصیل  
 اولند قده آن کشتیهای هجده کان را نیز برده و کرفته بودند پس بدین اعتبار غنیمت است عبارت لریله حل  
 و ایضاح اشارت سابقه بیورمشدر که سنه مرقومه ده نوز یکرمی عدد عسا کرومهمات یله مالا مال اولان  
 سفن سلطانیه اول هجوم فرنگ و نیکده اکثری غرق و حرق و بقیه سی ساحل زده اولوب بعد المعرکه  
 محل جنبه کده ابقا یلد کلری اون سکز قطعه شسته بسته سفنی مجروحین یله ترسانه به کور و رب  
 اول سالده اولان نقیصه عرض دولت غیر مسبوق بالمثل اولغله بین اطفال استبول معرکه مرقومه ده  
 بولنان طوائف عسکراسواق و محلاتده سخره اولوب باشند قره لفظ یله ملعبه اولد قلری مسموع  
 شیرقلری اولنجه آری این سیاهی از سر است مطایبه لریله منشأ فضیحه هزیمت خشونت و نخوت سنایه  
 اولدیغنه ایما بیورمشدر در نعوذ بالله تعالی من بظرا الغنا و کبر الجاه انه مفیض العنایه و الا تنباه  
 \* (نظم) \* هر که امر دم سجودی میکند \* زهر اندر جان او می ا کند \* آن تکبر زهر قاتل دان که هست  
 \* از می پر زهر شد آن کیج مست \* چون می پر زهر نوشد مذبری \* از طرب یکدم بجنباند سری \* بعد یکدم  
 زهر بر جانش فند \* زهر در جانش کند داد و ستد \* حد خود بشناس و در بالا میر \* تانیفتی در نشیب  
 شور و شر \* هر که بالاتر رود باله تراست \* استخوان او برخواهد شکست \* این فروعت و اصولش  
 آن بود \* که ترفع شرکت یزدان بود \* (مر و بسته که) \* اول سر باز میدان و جسد و حال محالس سماع  
 و صفاده جمله اخوانله یکرنگانه پیرهن دوران و جامه سماعرزان اولان تنوره حسینی پوش اولوب از اول  
 تا باختر تیز اندر تیز رقص کتان و اعقاب سماع معتادده دفعا تله اعاده دوره مولع اولغله کاهیجه همپایان  
 بیتاب و توان و ذات سریع الدورانلری مانند قریه ویر تنوره لرینه استداره تامه هویته و اولوب تماشا بیان  
 اطراف سماعخانه دن حاجی محمد نام کسنه اول قطب دائره تحقیق صاحب وقار و سبک کون ایکن  
 بومقوله دوران سرعت قراندن تعجب و تخمین افکار و اهیبه متفرقه یله نسکران و حیران اولدیغی  
 حالده ناگاه وجود فائض الخود لری برهوا بر سر و سر تا بقدم نور صورتده و عجمه سماعخانه دخی دوار

ورقاص کورینکه هر چند ارجاع باصره ایلدکجه دفعه سابقه دن اغرب واعجب نما اولمغله بی اختیار  
 شہقات شدیده ایلہ بیوش اولوب بعد تمام السماع حال مدہوش مر قوم معلوملری اولنجه دستمال  
 مبارک لری ارسال وتشمیم اولمغله افاق تباب وهشیار اولدقده سرداده زانوی ارادت لری وکلاه پوش  
 اناتلری ووقیم مقام خدمت لری وواخر حال ده داعی خانقاہ لری اولمشدر وکیفیت معاینه سی بین  
 الخلان والاخوان شهرت پذیر اولدیغی منعکس طرف باهر الشرف لری اولدقده صورت مشهوده خاصه  
 مانیت همه متحققان سماع همچین است واکراور از یاده قابلیت شہود بودی جمله ثوابت رارقصان  
 وکردان دیدی (وتری الجبال تحسبها جامده وهی عترت من السحاب) آیت کریمه سبله استثم هاده منی تحقیق  
 راقنلریله کوشه برق کشای پیکر پر نور نعر ووس حرکت دوریه وجد وحوال سیور مشلدر \* (نظم) \*  
 سماع مازمین چون دید لر زید \* زهیت آسمان هم کشت لر زان \* سماع ماچودیدند این دو گفتد \* کسی  
 از ماند د طاق آن \* سماع ما بود ز افلاک برتر \* مکش این رازی عقلی بجزان \* سماع ما ا کرچه بر زمین  
 است \* همی کرد داز وخورشید وکیوان \* (فیضی قدس سره فرماید) \* صوفی صافی دلت طائر اوج  
 فناست \* در طیران سماع بال فشان از دوا \* تابی زادرهت دانه دل بشکند \* رقص گل سینه کرد آمده  
 چون آسیا \* از سر و او وجود ناخط میم عدم \* دائره مرسم کرده ز پر کار لا \* (منقول استکه) \* اول طبیب  
 شفاخانه کرامت احباب ندن حاجی لایه لقیله مشهور اولان بنده لری زمان شبانده الشبای شعبه من  
 الجنون فحوا سنج ملامیون فقرادن برینه نظرها تله تسخرو کسر خاطر ندن افراط اتمکله \* (بیت) \*  
 عقل باطل شمر وچشم توهر خون که کند \* ظاهرا بجز از بکته العین حق است \* موجب  
 طرف غیرت ابد الاله سندن نیم نگاه غیرت تاب آور اوله میوب دفعه اسیر فراش ومبتلای درد جالینوس  
 کش و مشرف هلال اولدقده بدر و مادری جامه دران وموی گان عتبه ولا یتلر ندن استمداد دفع بلای  
 ناگاهی ایلد کار ندن این زخم نگاه غیرت است غیر مر دم فدای مر دم نسکر دد نفس قدس سیر لریله مر دم  
 دیده لری کندویه فدا اولوب سری راچشمی بسست ماصدقی ودر حال صحت یاب ومده العمر بنده  
 در کهلری وما لاوبدنا خدمه عتبه اخلاص لری اولوب علی الدوام مشایخ وعین الجمع درویشان ومحبان  
 چار خانقاه دارالدوله قسطنطنیه یه اکرام واحترام اوزره ثابته قدم اولدیغی جمله اخوان وخلان زمان غزل  
 تحصیل تعیین ایلد کلری ماجرای عبرت نادر فی الواقع امداد حمایه روحانی لری اولسیدی هلاکنده  
 اشتباه احتمالی اولیوب محضا اقتران شفاعت حسنه لری سبب حیات تازه اولدیغی شفاهامحب  
 مر قوملن دخی تلقی اولمشدر واکرامات سالف الذکر علی سبیل الشکر اولدیغی اعتراف کرده زبان  
 حال ودلی اولوب و حال و قالی کواه انبیا وپند کست خان راه اولمشدر فاعتبر وانا ولی الابصار  
 واستمد وافی دفع البلیات من الابرار \* (نظم) \* اولیا راهست قدرت از اله \* تبرجسته باز کرد اندز راه \*  
 کر نه بنایان بدندی وشهان \* جمله آن مرده اندی در جهان \* کر نباشد سایه اوبرق کول \* پس تر اسر  
 کشته دار دبانل غول \* اکمه وابرص چه باشد مرده نیز \* زنده کرد داز فسون آن عزیز \* چونکه  
 دست خود بدست اودهی \* پس زد دست اکلان بیرون جهی \* پس محال از حال ایشان حال شد \* نحس  
 انجارت و نسکو حال شد \* (مر و بستکه) \* اول کنجه لطائف و اخروبت خلافت لری اوائل  
 قرت وانی متشیخه مصادفه اتمکله بین المحبین والمنکرین دائره اولان کلمات جدال مآل مجلس عالی لریله  
 یاد و آزار طعنه متعصبه دن اظهار عجز تحمل اولندقده در خزانه کشای معارف اولوب و نشر جواهر  
 تسلیت نفس الامر یه بیور و بای عاشقان رضای حق نالیدن از جفای خلقی از دون هم نیست که دق  
 ایشان بتاید غیور مطلق آخر بمرض دق روحانی مفضی باشد وعشقر از وشات ورقبانا کریر است

و شاهدان خاندان عصمت را لایان بدخو و ترش رو و تلخ کولاز مست و سرایم های شاهان را در بایان  
 مهم است پس این دخالان بدو ریاض زبان خلاف جنس خرب اولیا را از پیرامن سرای طریقت  
 و سکا نش ابعاد کنند و طائفه علیه طرق جلیله از ثقلت از دحام کران جانان و دست و زبان درازان و کوفه  
 آستینان و ناشسته رویان و تلخ کویان و خود بینان و خود ستایان و بدمنشان و بی آرمایان در ساحة  
 امان باشند چه مشکل بودی اگر این رقیبان نبودندی و موصوفان این صفات قهریه روز و شب در صورت  
 محبت متردد بحال فقرای باب الله کردند که در ویش را قضای مبرم استلای محبت خلاف جنس  
 است تعارف من تعارف و تاسک کردن من تا کر کلمات جامعه لری تحقیق حال فریقین بیور و ب  
 و رهروان طلبه طرفین جاده راستدن کوشکدار اولان صیت و صدای امتحانه عدم مبالات و سمند  
 همی صوب مقصوده اسراعه توصیه بیور و ب اسکر قداحان رفتار مردان چند بدبخت و بدکامنت  
 مداحانرا بشکر که لا بعد و بی پایاست و روز بروز روز اهل حق در تریاد و صعودات و کروه مکروه  
 بدخویان در تنزل و نسکبت و انحطاطست جفا القلم با عز از اهل الحق فی الدارین و سبقت الحکمة  
 و الغیرة باذلال المخالفین المهنه فی العالمین و السلام علی من اتبع الهدی و الملام للذی اتبع الهوی  
 انقاس قدسیه لریله سداب ماجرای اغیار و سکار اغیار را بغیرت غیور مغیث سپارید و خوش خاطر  
 بایاران باشید بیور مشلدر لله دره فیما قال و علیه بره فی الحال و الاستقبال \* (نظم) \* اذا أنت مع  
 شخص جلست و لم تجد \* حضور لریه فاجتنبه و فارق \* و لا تحب الاغیار و اختر مصاحباً \* یفیدک  
 جمع القلب من غیر عائق \* (نظم) \* اهل دل را باز دان از اهل کین \* هم نشین حق بجو با آن نشین \* سوی  
 این مرغایان رور و زچند \* تا تراد آب حیوانی کشند \* هم ره را جو کو و یای مدد \* همدل و همدرد  
 و جو یای احد \* ناریان مرغ ناریان را جاذبند \* نوریان مرغ نوریان را هالند \* جان هاما ن جاذب قطبی  
 شده \* جان موسی جاذب سبطی شده \* آن یکی را صحبت اختیار خار \* لاجرم شد پهلوی فجار جار \*  
 دوستی جاهل شیرین سخن \* کم شنوکان هست چون سم کهن \* جان مادر چشم روشن کویدت \* خرم  
 و حسرت از آن نفزایدت \* جاهل ارباب تو نماید همدلی \* عاقبت زحمت زنده از جاهلی \* (منقول است که) \*  
 اول خضر زنده مجمع البحرین فنا و بقا ایام خلافت پرگرامتارنده علی اتم الوجوه دادده مشیخت و شمع جمع  
 فضلا و عرفا و اولوب اکثر فضلا و عرفا شمع استناره لریه پر وانه بی پروا راه خدمت و خلوص لریه بال  
 و پر خاتمان فدا اولوب کوید اثره دارالدوله اول کوهر بنگای صدف و روشندلان مشاهده دیدار یله  
 قریر العین جان و شیخ الشیوخ زمانلری اولوب و اکثر علومده مجرای انجاث اسلاف اولان مواضع  
 عیدیه به رسائل و تعلیقات و محاکمات لری لدی الطباع المستقیمه و العقول السلیمه مسلم و ممد و حه اولغله  
 افاضل تلامذه پیشگاه همت دستکاه لریه اثر مستهل کلی رجامندی اولد قلزنده (العلم نقطة کثرها  
 الجاهلون) مضمونیه و قوله تعالی (اقرأ کتابک) الی آخره منطوق شریفیه ارشاد استعفا آمیز  
 بیور و ب و بقیه وقت لطیف لری دخی مساعد مأمول اولد یغنه اشارت الیه فرزند ارجمند لری شیخ محمدی  
 ولی عهد انتخاب بیور و ب دفعه معتاد صحبت همدان ایکن روی الفتی کوشه عز لته تحویل و مطالعه  
 کتب و تصفح صفحاتی ذکر و تسبیح و نوافل صلوات و مر اقبیه تبدیل و لسان حال الیه قرب انتقا لریه  
 ایما بیور و ب فی الحقیقه کیفیت غریبه مذکور لری مدت سنه کمله به متمدده اولموب انحراف جزئی  
 مزاج لطافت سرشت لریه بادی تغیر کلی اولد قده صبح روز انتقا لریه جامه خواب علت لرین رفع  
 ابتدیر و ب و جامعه عیدیه لرین تلبس و تطیب بیور و ب دیده دوز در خاتقا اولد قلزنده بشاشت زائد  
 الوصفه قائمقام استقبال اولوب جمله آیند کان نادید گانه یکان یکان تعظیم و تکریم و اتمال الیه

اجلاس و پیمانچه مجمع ارواح متجسده مشهوده لرنده کمال آداب له دست بر سینه پرسکنه ضراحت  
و مسامرات اشراقیه اتماحی عقبنده نه میقات اولده مباردت احترام تشییع ایدوب و کزوه پرشکوه  
عیادتیان ارواح متمثله انبیای عظام و اولیای کرام اولدین اشعار و فرش فراش راحت آخرینه امر  
بیوروب صلوات و تلقینلرین سکان محمیه مسعوی و مستورین قباب عزندن پوشناق شیخ شهربان مدعو  
اولان ذات ستوده صفاته توصیه اتناسنده روی حضاردن اغماض عین و دیده کشای روغایان  
غیب و همراهان دارالبقا الیه عازم جوار رحمت رحمن اولشدر و مجمع صلوات جنازه مکره لری  
محشر عامه علما و عرفا و مشایخ و صلحا اولوب بلکه اول محمیه قدیمه ده کا معادل جمعیت سبقت  
ایتموب موت العالم کتوت العالم مفهومی جلوه کرمنصه اعتبار اولوب عزیز وصیت کرده لری قائم محل  
تلقین اولدقه بخود و سرانداز اولوب نفیق اولدقه کمال شرم و آداب له مستقبلدر خانقا هیدن  
خروج و عبادتخانه خاصه لری نه دخول ایدوب کسنه بی حقیقت حاله ایقاف ایتموب لکن اغلب اوقاته  
احتراق طاقه کداز له التحاق نیاز مندی اولغله میقات اربعینده کندولره پیرو و نائل مراد دل و جان  
شغف عنوانی اولق قیلنده برقع کشای عروس راز اولوب حین تلقینده حاله مقابله باب سما غنا و پهلوی  
مرقد و اندام جدر لری اولان مهبط انوارده بر صفة رفیعه مفروضه اوزرنده حضرت سرور کائنات  
و مهتر موجودات علیه و علی آله افضل التحیات و أجل التسلیات جناب عنایت مآب صدر زین صفه  
و حضرت سلطان العاشقین و برهان الواصلین مولانا جلال الملة والدین جنابخی کنار نشین صفه  
وسید خلیل افندی حضرت نلرین بینماده کفی الحیات نشاط تام اوزره معاینه ایدنجه مجال تلقین تنک  
و مهابت روحانیه و سطوت نورانیه لرندن بیوش و دنک و خرقة حیرت فناده بی درنک اولدین تفصیل  
و بیورولی و ملحق جمعیت لری اولق اوزره حله کزین رجای مسؤل الاجابة و بفضل الله تعالی قرین  
قبول اولوب هنس کام رحلت و التحاق لری اولدین تقریر عقبنده دامنچین علاقه خار و خس بدن اولوب  
خرامان روضه جنان اولشدر و شیخ مرقومک قضیه محکمه سی بین الاهالی شایعه اولدقه حسرت  
و افسوس و ماتم پسماند کان سکان علین کریان و اخوان و خلائی مانند رباب و فی نالان و قدوم آساینه  
کوب زخمه و اشوقاه و واحسرتاه ایتشدر طوبی للسابق و بشری لللاحق \* (یت) \* لی ساده من  
حیهم اقدامهم فوق الجباه \* ان لم اکن منهم فلی فی حیهم عز و جاه \* (حضرت نشاطی سلیمان دده) \*  
کل زیبای کلشن دارالدوله ادرنه صینت عن البلیه و اولادخان دان بگرد و لیدن حسیب و نسیب و ادیب  
و لیبب الانشا و عنفوان شبابلرنده مجموعه لطائف علوم و کنجینه اصناف جواهر معارف و صاحب  
قریحه صافیه و مالک بضاعه و افیه اولوب انشای آثار نظمی اوزره نسکین حلقه طرفای و قناری ایکن  
حضرت اغازاده قدس سره العزیزک صیت کالات کراماتی حوالی کبر مملکت و جایکبر قلب قابل  
انابت لری اولغله طرف باهر الشرف لری نه منجذب و اقرار داده عتبه خدمت پر حرمت لری و میقات تکمیل  
حله مردانده کلاه و خرقة پوش ارادت لری و ملازم استفاضه سایه سعادت لری اولوب نهایت کار شفقت  
مدار لرنده سرا فراز استوا و تاجدار خلافت سریه حضرت مولانا قدس سره الاعلی و وطن مأنوس  
و خانه مألوف لرنده گوشه نشین انزوا و بعد المدة البسیره خانقاه ادرنه ده مسند ارای خلافت صوریه دخی  
اولوب مجالس رفیعه لری مجمع فضلا و عرفا و انظار حسنه لری نشو و نما بخشای دردمندان فقرا  
و انفاس نفیسه لری حیات افزای اهل فنا اولشدر و انشای مشق آثارده ایات مقطع بی تخلص اولوب  
تضمین مخلص سوق اولندنجه هنوز شایان شرف تعیین و امضا نیستند عنوانیه هضم نفس و تحقیر نفس  
بیوروب تا وقت تدوین رسیده اولدقه مدح حضرت مولوی قدس سره العلی اولق اوزره رجای تعیین

نشاطی سلیمان دده  
اورده لری

مخلص سیاقده نهاده کوشه پیشتخته حضرت عزیز مشارالیه اولان رفقه رفیعه لری منظور جناب  
 مرشد و الاهمتملری اولدقده این اثر عشق آمیز و نشاط انگیز را مخلص مناسب نشاطی است نفس  
 الهام سمیرا لینه بنائین و تبرک و اول کلمه جامعه البرکة الیه تخلص بیورملری بفضل الله العزیز  
 عمر کرانمایه لری یکبار و نشاط خاطر الیه کذران و صفای وقت و مساعدت روزگار و امان حدثان  
 الیه رسیده حد کران اولسنه مژده بخش اولشدر و نشاطی عنوانیه تخصیص بیورلدقده حاصل اولان  
 ذوق و نشاط و خیال خیر فال متیقن مینت نفس زنده عنایت مآل لری بیرون حوصله طاقت و وهم آور  
 شادمرکی اولغله همانا حضور سعادت موفور لریدن دست افشان ورقصان و باکو بان خروج  
 و سماعخانه به دخول و زمان مدید چرخانک الیه ندارک ایتلری دخی مقدمه نتایج حسنه دم کرامت  
 توأملری عدا و لنوب عین الجمع اخوان و خلان نهیه شهرت مرقومه ده از همه ا کدار مخلص باقی قولیه  
 یکر بان اولشدر و توافقا انقال و الحال بعون الفیاض المتعال \*(نظم)\* انکه از حق باید اوحی  
 و جواب \* هر چه فرماید بود عین صواب \* لوح محفوظست او را پیشوا \* از چه محفوظست محفوظ  
 از خطا \* از پی و پوش عامه در بیان \* وحی دل کویند او را صوفیان \* وحی دل کویش که منظرگاه  
 اوست \* چون خطا باشد جود لکاه اوست \* نه نجومست و نه رمل است و نه خواب \* وحی حق والله اعلم  
 بالصواب \* (مرو بستکه) \* اول زین المجالس بلاغت و عرفان وحدت کزین سعادتخانه مور و نلری  
 ایکن هنوز مستور قبه خمول و آثار کالات باطنه لری کنز خفی ویرانه کمون اولوب انجوبین الامثال  
 انفاست ابدار لری دست بدست یادگار هنروران دیار و سر خط مشق نظم باید ارا و لوق اوزره شمیوه  
 شاعریتی و فنون شتی ده ماهریتی مسلم انبای عصر لری و دیوان حقایق ارکان لری زهتسرای مشارب  
 صافیه همکاران اولشیدی لیکن سلطان مصطفی بن سلطان محمد از دحام سور خمانده شهر عینتاب  
 فتواستندن محجور اولان سید محمود افندی مسکن ندارکنده مضطرا اولوب ناچار حضرت نشاطی ده ده  
 سعادتخانه لرینک تختانیه سن استیجار ایدوب نیل تهریر اذن اقایه منتظر اولدیغی از مننه ممتده و محن  
 غربت و شدائد کربت متزاید اولدقده واضطرار و انتظاری کمال پذیر و برشام ملال انجامده بی زاد  
 و چراغ خزیده کنج تنک و تار یک غم بی کران و ر بوده خواب کران اولدقده روزنه کاخ جهان تقدیس  
 و منظره شاهنشین سرای تأییدن سر حضرت رحمة للعالمین کوشه نمای ابروی آشنایی اولوب اول  
 سلاله طاهره و دل بسته اسباب طاهره ارشاد فرمای ساحة دولتخانه باطن (وای فرزندان چمن دردمند  
 حصول مقصود تو توفیق نشاطی مریهونست) مضمون عنایت مشحونه تبشیر بیورملری خال عینتاب  
 شورابه انکار و کاه اصرار له مخمر و معادات فقرای طریقه پنده پایدار و بنای نعمت و تعصبی استوار  
 ایکن اشارت علیه حقیقت نبویه مقصدا سنج حرکت و مسکن حضرت نشاطی اولان فوقانیه طرفنه  
 نهضت ایلوب جناب مشارالیه اکاه دخی علی طریق الاستقبال سرزدهانه خروج ایدوب حین ملاقات  
 و مصافحه ده شادباش کدر روز هجدهم مشکلات حل شود عنوانیه توفیق بیورملری میقات مرقومه  
 جلوه کرساحه ظهور اولوب نه اذن بالاقتا الیه مسرور اولوب سالم و غانم و طننه رجعت ایلوب بعد وفات  
 حضرت البشیرینه بهانه آخر الیه دارالدوله مرقومه به شد رحل ایدوب مزار متبرک لرین زیارت وقتنده  
 رفت و افسوس زائد الوصفله تقریر ماجرای سالف البیان الیه کده رتبه قریب لری و پایه محرمین لری جمله به  
 هویدا اولشدر انجق مستفید فوائد علیه لری اولنلر حرمان عوائد اسرار لینه لرینغ آور و حیف  
 خوار فوت نعمت فرصت اولشدر \*(نظم)\* علم کان نبود زهوی واسطه \* آن نباید همچورنک  
 ماسطه \* ای بسا عالم ز دانش بی نصیب \* حافظ علم است انکس فی حبیب \* صد هزاران فضل دارد



از علوم \* جان خود را می نداند آن علوم \* داند او خاصیت هر جوهری \* در بیان جوهر خود چون  
 خری \* توهمی دانی بجز و لایبجز \* خود ندانی نایبجز و یابجز \* دانشی باند که اصلش زان  
 سر است \* زانکه هر فرعی باصلش رهبر است \* دل ز دانشها شستند این فریق \* زانکه این دانش نداند  
 این طریق \* (منقول است که) \* اول نازنین سر پرده حیت و حمایت نام نامیست نه منشور خلافت وارد  
 اولدقه داب قدیم طائفة علیه اوزره عموما اخوان و خلان فی وقدومه و حدث سر الرینه توجه ایدوب  
 بعد التهنیه مقرر خلافتی نقل اثنا سنده اندن اسبق شیخ زاویه اسبار طه اولوب غلبه جذبه ایله لکن نشین  
 و ملامت کزین اولان شیخ عثمان عیاشی میانه جانبین مشائین فقر او احبابه شیوه سرهنکانه و طر قوا  
 اصحاب الزمان و اقبلوا سیف المستعان عنوانیله نعره زنان و سماع عززان و درویشان سماع راهی ایله  
 انفا س مولوی سرایان و غلغله مطربان و ولوله خوش الحانان ایله عین الجمع مانند سیلاب رحمت جوشان  
 و خر و شان و ثانی و وقار حاکمت مدار له هر بر لری مانند سر و آزاد یقید رد و قبول پیر و برنا خرامان  
 اولد قری خالده نخوتیان رجال دولتن بر نکون بخت کندودن ارشد بر چار پایه سوار و بر نیچه ابلهسی  
 دخی رکابنه غاشیه دار ایدوب سر راه عزیمتده حضرت سیف الحقه مزاحمه فرسا و سالک راه اهانت  
 مردان خدا اولغله عزیز مشار الیه اسب عزتیه مخدول مر قومک چار پای نه کتبی مضامده و مقابله  
 ایلد کبری هنگامده سر باد و تلریدن عمامه مبارکه لری ساقط اولدقه شیخ عثمان مجذوب زمینه  
 دوشور میوبینه تارک مبارک لری نه وضع وقتنده درون بعض اخوانه فال بدغما اولمق لایح اولد یغی مرآت  
 ضمیر الهام تنویر لری نه عکس انداز اولدقه حضرت کشف الضمائر و جوهه متقابله نظره طریقه بسانه  
 ایلد نکران اولوب چه غم اکر مرا افسر فتاد اور ایلای سر فتاد نفس غیرت و اولمری صدورنده بدخوی  
 مر قومک چار پای نخوستی ازدحام تماشا یابندن رمان و کرانبار پشت تسلیم میان ملایه القا ایدوب  
 پای بندر کاب اولغله هلا کدن ماعدا ایله رها یاب اولد یغی مشهود خاص و عام و کرامت ره آور د لری  
 اولشدر \* (بت) \* تیغ صبر از تیغ آهن تیزتر \* بل ز صد لشکر ظفر انکیزتر \* و مسند سعادت  
 جلوس یور و ب در نیچه کشای صحبت اولد قزنده شیخ عثمان جنابنک تیز دستلکی و دستار دار لکی ایراد  
 اولد قزنده مجتبر آنست که دستار راداشت و سر را گذاشت بسبب نافرمانی طر قوا عنوانیه پرده کش  
 روی کار و سد ساز سیل اشتهار اولشدر \* (بت) \* اشتها خلق بند محکمست \* در ره این از بند  
 آهن کی کست \* و محرم اسرار اولنره سلامت دستار سرمایه سلامت سر شد کلمه مفیده لری ایله کویا  
 اول های وهوی و طامی و طرم ایله حرکت لری خلاف راه رضا اولسنه ایما یور مشلدر  
 \* (مروسته که) \* اول سیف دور وی سر خداوند کاری زمان خلافتنده متولی اوقاف مرادی مغرور  
 انساب و غدار فقر و طلاب اولوب عمارتده من قدیم الا یام اولان خوان یغمانی دخی بخل ایدوب فقرای  
 طلبه علوم عزیز مومی الهدن اغای دار السعاده بهرجانامه اعلام حال ضراعت مال نیاز مندی اولم لریله  
 قاطع الارزاق مقطوع الاقوات خواهد شد رجاء و شفاعت نامه راجه حاجتست که عنایت قاضی  
 الحاجات کافیت مضمون منیفیه ظاهر امساعد فرما اولد قزلی طباع ساده دلان احبابده محمل معانی  
 غیر مراده اولوب لکن سر یعنا و عاجلا مقرر دلیم مذ کوره خناق شدید عارض اولغله فی الحقیقه  
 مقطوع الاقوات اولد یغی کشف پرده اشارت لری و شرح مراد عبارت لریله جمله بی مال حاله ارشاد ایدوب  
 متولی غدار دخی کندویه انساب مفید نجات اولد یغین اذعان ایدوب نائب و مستغفر و غدر شناسی  
 تلافیسته متعهد اولد یغی مرفوع در که عفو دستک لری اولد قزده حضرت شاهزاده خاندان صدیق  
 اکبری جمال الدین چلبی جوهر خال باله مرقد تابنا کلرندن بر شمع جلیله اشرا یله مداوات فرما اولوب

مدت مدیده سرکش معهود حلقومندن در بجه قطره آب گذرا تمش ایکن اول شربت صحت بی علت  
 دفعه گذرایدوب و سرمایه عافیت ساعه اولغله بخل و طمعدن و اغترار اتما و غدردن نجایاب اولدینی  
 کبی اردا امراض درونی اولان انکار و عارضه کمان بددن دخی شقایاب و محب مخلصلری اولمشدر  
 \* (نظم) \* کرمی خواهی سلامت از ضرر \* چشم ز اؤل بند و پایانز انکر \* علم حق کرچه مواساها  
 کند \* لیل چون از حد بشدیدا کند \* اینچنین نخلی که لطف یار ماست \* چون که مازدیم نخلش  
 دار ماست \* اینچنین مشکی که زلف یار ماست \* چون که بی عظیم این زنجیر ماست \* اینچنین لطفی که  
 چون نیلی رود \* چون که فرعونیم چون خون میشود \* جسد اذ و چشم پایان بین زاد \* که نکه دارندن  
 را از فساد \* (منقول است که) \* اول پیر خانقاه معرفت و پیشوای راه حقیقت نظر کرده و پرورده لری  
 اولان سید درویش محمد تمام چل سال خدمت پر حرم قلیده مکر بسته استقامت اولوب قریب العهد  
 مابین مرشدین و مریدینده اسلوب تسلیم و خدمت و تربیه و تنبیه لری نادیده و ناشنیده ایکن هر چند  
 مغتربین بجز استفاده لری مشاهده سندن تحصیل علومه مشوق منبعث اولدجه ترا علم خدمت و تسلیم  
 بسست عنوانیه ستر راه شغل و تحصیل بیور ملربله حین وفات لری نه و ارنجه ساده لوح و صافی ضمیر قالب  
 بعد الوفات کند و نک مال حالی ملاحظه سبیله غمگین اولدینی مرآت دل سر اثر بخارنده جلوه کرا و غله  
 وراثت مابو محصور است هر چه داریم تو خواهد ماند نفس تسلیمت فرما لریه تعبیر خاطر کسیری باینده  
 لطف و کرمی کا نطق محقق اولوب عقبلرنده اول حسرت المشایخ اولان مسند شاخ بلا فرامحه الاقران  
 کند و لره ارزانی بیور یلوب برکات جزیه خدمت و تسلیم مرشد ایله موفقی لوازم رتبه مشیخت و ممدوح  
 الاحوال و محمود الخصال و مستدعای ارباب اقبال و کامران عیش خوش و صفای حال و فراغ بال و قبل  
 المشیخته خالی درون اولوب بهانه سبیله خرده کیرانی بعد المشیخته لذت بخش کام اخوان و خیلان اولان  
 حسن تعبیر و لطف تذکر لرنده و اله ولال اولمشدر و او آخر زمان ولایت نشان لرنده اختیار تجرد له  
 بلا عقب اولملری نه در بیغ خوران و افسوس گانه شاگردان و مریدان ماخیر الا عقب است که اکثر  
 اخلاف زمانه بنا خلفی میزند عنوانیه مغتنم خلف الخیر اولدقرین تحقیق بیور مشدر و قبیل الانتقال  
 کما هو المعتاد تعلیم مستفیدین عقیننده غلبه بیوست سبیله سید درویش محمد حضر ت لرندن شربت  
 خواه اولوب نوش بیور و بقیه سن کند و به اناله و نوش امر یله خطابی هده آخر شربتی نطق مکاشفه  
 قرین لریه تدبیل و شمیم سعادت لری سمت قبله به تحویل و ذکر اسم جلاله به اشتغال اوزره انتقال  
 بیور مشدر نور الله تعالی مشهده و فی مقعد الصدق أسعده آمین یا مجیب الداعین و جلال الدین  
 و جمال الدین جللی افندی بلر عیزک مرقد مقدس لری سمت قد منده آسوده نه انخانه خاموشان اولمشدر  
 الحقه الحق بسابقیه و نشر فوائحه سره علی لاحقیه \* (حضرت رمضان دده) \* نیکساری المولد و اولاد  
 مشایخن مجموعه فضائل شتی اولوب بعد وفات والده مقامنه قائم و وعظ و تذکر عباد ایله اوقات گذار  
 ایکن بلیه عظیمه و بانیه استیلا سبیله اکثر اولاد و اقربا و احبابی مسافر دار القرار اولغله علاقه ماسودان  
 بیزار و سالک منهج ابرار و مرید طریق مستقیمه حضرت خداوند کاری اولوب مطبخ آستانه سعادتده  
 پرورده و چله مریدان گذارنده شرفیاب تکبیر و کلاه و خرجه پوش ارادت حضرت پیر قدس سره المنیر  
 اولد قد زبانت مقامات و مرقد انبیا و اولیا و استفاضه روحانیات مقدسه لری سیاقنده هوادار  
 سیر و سیاحت و ذوق یاب آوار کی و مدت مدیده غربت و کربتله نخبه اولوب آخر توقات نام بلده ده  
 گوشه کزین فراغت و دامچین اقامت و رفتار حسنه و کردار لطیفه ایله مرغوب القلوب و محبوب  
 الطباع و عند الخواص و العوام مکرم و محترم اولمشدر حتی اغایان یکچیر یان درگاه عالیدن بری توقادی

حضرت رمضان دده

الاصل اولغله وطنه نفي اولدوب لکن هر اس قهر خسرو ايله مستمده همت ارباب فقر و فنا و مستدعی  
مظان خیر دعا اولوب نوبت سراغ و التجار رمضان دهده و حدتخانه سنه کلد کده دفع غضب شهر یاری  
از استجلاب حمایت حضرت خداوند کاری تواند ~~سکر~~ کرد و کره از دست دیگران ناید مضمون ارشاد  
مشحون سله رهنمای دارالامان اولدقده اول غرقه لجه حیرت و سرکشته وادی ضجرت سایه حمایه  
سرافور خشکارا کبری سلامت رسان سر نکبت رسیده سی اولور ایه منقول و غیر منقول جمله  
ماملکن تشار راه اخلاص لری ایتلما اوزره نذر ا کید ایدوب چشم و کوش راه دارالدوله ایکن ناگاه  
ترتیب جزای حاوی فرمان قضا جریان ایه سرهنسکان درگاه عالی وارد و امر مأوره درکار اولدقده بیچاره  
آبدست و درت رکعت نمازله تأخیر چند نفسه توسل سیاقنده سلام میمه و میسره میاننده امر جهان  
مطاع عفو و تقریر منصب اولین مقر باندن بر صبارفتار و آتش عنانله و رودی حیات نو بخش اولغله  
شکرانه سلامت و وفای نذر حمایت در حال لابس اولدیغی ثیابندن ماعدادی وقف فقرای مولویه  
و محبتخانه سن مسکن درویشان اولوی اولق اوزره تسجیل شرعی و تسلیم متولی ایدوب سالم و غاتم  
مسند قدیمه رجعت ایدوب سرای سلامت اساسی قالب خانقاهه افراغ اولندقده سجاده نشین خلافت  
کبرای تر به معظمه جلال الدین اولان بوستان اول افندی حضرت تلبیدن رمضان دهده بنده لرینه منشور  
خلافت احسان بیوریلوب سائر امیدواران صدر خلافت آن خانقاه فتح اوست و بدو مقام فتوحات کردد  
نفس انفس لر ایه بیان حال و کشف مال بیورملری امر خلافت لری تعیین غیبی ایه اولدیغی مشعر اولدیغی  
بی شائبه اشتباهدر \* (نظم) \* هر که رنجی دید کجی شد بدید \* هر که جدی کرد در جدی رسید \*  
من عجب دارم ز جوای صفا \* کور مدد در وقت صیقل از جفا \* هر شکار و هر کراماتی که هست \*  
از برای بندگان آن شه است \* آنکه دولت آفرید و دوسرا \* ملک و دولته اچه کار آید و \* از آنکه او پاکست  
و سبحان وصف اوست \* بی نیاز است اوز نغز و مغز و پوست \* چون بخواد عین غم شادی شود \* عین  
بندای آزادی شود \* ادخلی توفی عبادی یافتی \* ادخلی فی جنتی دریافتی \* اهدنا کفنی صراط المستقیم \*  
دست بکرفت او و بردت تانیم \* (مرو بستکه) \* اول مرد باید ارمیدان تمکین مسند مشیخت نشین  
اولدقلری ساعت پر سعوددن وقت مقابله شریفه دکن جمله لوازم اجرای آیین اولیا جذب و سوق امداد  
غیبی ایه آماده اولق مهبط نور تأیید اولدقلرینه امارت ظاهره ایکن مابین سکان خانقاهه چشم زخم  
اهل نفاقله واقعه اولان دغدغه کثرتده سماع عزنان و مطربان عموما حضور برزم آییندن سرکش اولملری  
محتمل و هنسکام جمعیت مقابله شریفه ده پریشانی مقرر اولدیغی السنه یکدلان اخوانله عرض اولندقده  
این آیین حالت اکن آن جلال الدین است و این بنده ناچیز خدمت خود میدانم باقیش آن سلطان داند  
عنوان تسلیم و ادب تبیانین زبان بند کفت و کوی بیجا ایدوب فی الواقع روز مقابله شریفه ده سماع عزنان  
تجدید انابت و تمهید معذرتیه موفق اولوب مطربان اصرار اوزره خانه فی منت ز عیله خان پر محنته نقل  
ایدوب طرد معنویدن و رتق و حانیدن غفلت اوزره هجران و سیاحت و کستاخنی اختیار ایدوب عزیز  
مشار الیه کند و خدمت پر حرمت لازمه لرین ادا به شروع بیوروب آمد و رفت دیگرانه التفات ایتیموب  
انشای تقریر حضرت مشنوی معنویه سازند ~~کان~~ نازند کان شمارنده فی زن و قدوم زن و آیین  
و نعت خوان ظهور ایدوب همانا کرد اهلر ایه مطربخانه به صعود لرینه امر اولوب مجالس ماضیه دن  
ازید ذوق و صفا ایه مقابله شریفه اتمام اولندیغی مؤید امارت سالف الذکر اولوب مردودین مرقومین  
قبولنه شفاعت اشراف ظهورنده راننده ایشان آورنده جانشینانست زمام رد و قبول در دست فقیر  
نیست مضمون سله دفع لاین بیور مشلدر و نازند ~~کان~~ مذکورین دخی بر در کهده قرین قبول اولوب

زمان بسپرد. مهجور اخوان و خلان مسافر خاموشان و عبرت و پند دیگران اولش در آغوز بالله  
الحفیظ من الحور بعد الکور ومن الکفر بعد الشکر ومن الرد بعد القبول آمین یا مجیر المستعینین  
والی هذا أشیر بقوله لا لاقط لسا قاط القلب\*( بیت ) \* که نظر مردم مقبل بماست \* آن ز قبول نظری  
یافتم \* باز دران در گذری یافتم \* بردش از کعبه دری یافتم \*( منقول است که ) \* اول سر و سرافراز  
بویستان لطف و کرم بعد المقابله الشریفه اول عنایت ناگاهی شکرانه سینه هرینه فوق المأمول  
نوازش و احسان یوروب بیوفایان مر قومینک مقام لرینه اقامت و خدمت لرینه استخدام و بنو تعاقب  
انعام تله جمله سن بنده خدا داده ایدوب ماداموا فی الحیات یک آهنگ اصول آداب و قرارگاه تسلیمده  
آسوده عیش خوش و مغنم برک و نوا و راست روراه اوچ رضا اولوب کندولر خانقاه بغدادده هریری  
برخادم مطربخانه نظر کرده لری و فن طریقه مالک حظ او فر اولوب آستانه مر قومه ده جمله فقرات  
متوجه حسن ظنی اولان نصیراده ده کندولر یکان یکان ( بخدمت شیخ رمضان باید رفت ) عنوانیه تنبیه  
و تأکید ایدوب انلر دخی حسب الامر حرکت و جبری عبور ایلد کده مصادفه ایدوب بر بر لرندن  
جست و جوی مقصد ایدنجه جمله نکات اتحاد مقصدی نمایان اولوب و تنبیه عزیز موحی الیه متضمن  
حکمت بحییه اولد یغن اذعان الیه شتابان اولد قلرین حکایه ایتملر الیه لدی الحساب زمان کثرت مردودین  
و وقت اتحاد مقبولین توافق ایلدیکی دخی مرسل و مرسل ینلرنده کرامت مشترک اولشدر  
\*( نظم ) \* امین آباد است آن راه نیاز \* ترک نازش کبر ویا آن ره بساز \* حق چو بخشش کرد بر اهل  
نیاز \* با عطا بخشیدشان عمر دراز \* زور را به کذار و زاریا بکیر \* رحم سوی زاری آیدای  
فقیر \* چون خدا خواهد که مان یاری کند \* میل مارا جان ب زاری کند \*( مرویست که ) \* اول با کاز  
و پاکیزه رفتار برهنیز کردار لدوام صوم و صلات و ذکر و فکر له کویا جمله اوقاتی رمضان شریف اولغله  
ادعای عرفان الیه افتاده بر رخ رخص و اباحه اولان کم همتان و سست عزیمتان روش پسندیده لرین  
زهد خشکه نسبت الیه پیروان صدق و اخلاص لرینه خاییده کلمات الیه دعوی مجرده ضمنده رهز ناک  
مراد ایتملر مسموع شر بفلری اولد قده آری ماز اهدیم و لکن خشک نه ایم که بفضل الله الودودر طوبت  
عشق و ثمرات وجد و حال و سایه راحت مال داریم و ایشان دعوی خست کنند و میوه زهد و سایه مایه  
صفای نرندارند کلمات تحدیث و ارشاد نظامیله بیان حسب حال طرفین یوروب نوعا شفت مطیبه بدن  
مطیلری سیاقنده میل رخصه سوق ایدنلره از نام خود شرم دارم کلمه مفیده طیبیت آمیز لر الیه جواب واقع  
فرما اولوب وزیر جناح تریسه لرنده اولنلره دخی تخمیل ریاضات شاقه یورملری مضایقه فرسای  
کسسته عنانان هوا اولغله رمضانرا از ریاضت ناگزیر است عنوانیه سدر راه امید مساعده توسعه  
یورمشلدر \*( نظم ) \* در ریاضت نفس بدرا کوش مال \* نایند از در اندر وبال \* نفس را سرکوب  
دائم خواردار \* تا توانی دورش از مر داردار \* نفس را با خواب و خور آموختن \* دیده دل را بود بردوختن  
\* نفس بدرا هر که سیرش میکند \* در کینه کردن دلیرش میکند \* خواب خیری پیشه انعام نیست \*  
خفتگان را بهره زین انعام نیست \* آن ریاضتهای درویشان چراست \* کان یلا برتن بنای جانهاست  
\* مردن تن در ریاضت زند کیست \* ریخ این تن رو حرا پانسد کیست \* فی الواقع خصوص تربیه ده  
مساعی جمیله لری مشکوره و اکثر طالبین در کله لری مترفل خلع آداب شریعت و طریقت و بهره یاب  
حسن سلوک و حصه مند نیل مقصد اولشدر آدم الله تعالی امثاله فی صدور البقاع المبارکه و آثار براهین  
أشباهه بالتألیح المتمینه آمین بحرمه من له العز والشرف والتمکین \*( منقول است که ) \* اول مر کمدار  
جمعیت اخلاق حمیده و اعمال پسندیده نکات اوضاع و اطوارنده متمرین بلده مسفوره حرکت دوری



مسند نشین خلافت اولغله بعد مسافه وعهد شباب مانع وصول مطلب ایکن بفضل الله الهادی  
سائق توفیق جناب مربی شفیق بنیادی راهنی جانب رومه توجیه و مقصد دل و جان لری ناکاه عرض  
دیدار ایدوب وصول نعت هدایت غیر مترقبه ایله شرفیاب و ملازمت خدمت صبح و مسالری ایله مغتنم  
ارشاد و متعین بایه ولی عهدی و مستعد خلافت سریه اولوب و عقب انتقال لریده طرف آستانه خنکار  
اکبر دن احسان منشور خلافت صوریه اولوب مقام مرشد کامل لریده شیخ مکمل و مربی افاضل و متوجه  
ارباب هم عالمه و متمتع الوان نعم سامیه اولش لر در طوبی له و حسن مرام و بشری له و خیر مقام  
\* (منقول استکه) \* اول سر حلقه جمعیت خانه صلاح و روشن دل و دیده توتیای فلاح اجرای رسوم شرع  
و طریقه کمال احتیاط و اهتمام اوزره حرکت و مظنه احتمال کستاخنی اولان معابر دن کالبرق  
الخطاف کذرا ایدوب نه خزن دائم و انکسار متوالی و آه و انین متعاقب اوزره ذکر و مراقبه و نوافل  
صوم و صلات دن خالی اولوب اکثر خدمات میدان مردانه کندولر بالنفس قائم و من الا قول الی الآخر  
لفظ امر لهجه م بار که لریدن کوشرد اولوب و مفید من و ماحرف دعوی مسموع اولدیغندن ماعد ا  
آخردن کوشه کذار لری اولدقدن تقیصه سالفه لرین تذکرایله استغفار بیوروب کویا مذاق  
بی وجودانه لرینه عبارت انابت و حرکت خود غمائی سم قاتل وار مورث انفعال اولوب و بیم سقوط قلبله  
لرزان و ایاکم و الوجود فانه ذنب لایقاس علیه ذنب آخر کویان اولور لر ایدی حتی کویچکان میدان  
نیاز مند امر عالی لری اولدقدن بر موجب سید القوم خادمهم این خدمات و وظائف لازمه مشایخ است  
پس چگونه دیگر انرا امر بجا باشد عنوانله رغبت فرمای خدمت فقر او تعلیم غمائی اهل ابتدا اولوب  
بضاعة این بازار بند کئی باز راست نفس انفسر یله تشویق و ترهیب بر رخ بطالت و تعویق بیور لر ایدی  
جعل الله تعالی سعیه مشکورا و أجره موفورا \* (نظم) \* چونکه در یاران رسی خامش نشین \* اندرین  
حلقه مکن خود را نسکین \* چیست معراج فلک این نیستی \* عاشقانرا مذهب و دین نیستی \* چون  
شنیدی شرح بحر نیستی \* کوش دائم تا برین بحر نیستی \* نیستی چون هست بالا بن طبق \* از چنین بردند  
در ویشان سبق \* سر موت و اقبل موت این بود \* کز پس مردن غنیمت هارسد \* غیر مردن هیچ فرهنگی ذکر \*  
در نسکیرد با خدا ای حیل کز \* (مرو نیستکه) \* اول پیر خانقاه فلاشت و شیر نیستان ملامت سلطان محمد  
ابن السلطان ابراهیم علیهمالرحمة والغفران العجم قصد زیارت مقابر اجداد عظامیله محبیه بروسه به  
توجه ایدوب علما و صلحای محروسه هر قومه بی حسب المراتب احسان و انعام خسر وانه سبیل احترام  
و اکرام ایدوب جمله دن مستحلب ادعیه خیریه اولدیغنده اغای دار السعاده لرین هدایای بهیه و نذور  
و قرابین عذیده ایله عز یز مشارالیه ارسال واستدعا ایلدیکی انشاده جمله عطایای فاضله پادشاهی هنوز  
صحین میدانده ایکن اخوان و خلائی جمع و تقریق موجود بیوروب کندولر بهره یاب یث حبه اولوب  
\* (بیت) \* محصول دو عالم چه کئی بر دل ماعرض \* مقصود تو بی هر چه و رای تو طفیلت \* مضمونیه  
اعتذار فرما اولوب دوام دولت و از دیاد مقدوریت عمر و نصرت لرینه دعای پرسوز و کلبانک کش قبول  
اولدقلری عقبنده اغای هر قومه آغاز صحبت و پرسش حال اهل و اولاد و عیال ایدوب اخلاف خیر  
احسان اولملرینه و سفیدی روی از دیادینه توجه و همت بیورلق اوزره تعهد و التزام بیور مق مخاطب  
و حضار و سامعین و غائبیه تعجب فرسا اولوب نهایت بلاهت و غایت مغفلیت لرینه حمل ایدلره ضحکه و مسخره  
اولملری مریدین خالصین و محبین مخلصینه کران بلکه خراش جان اولدیغنی ضمیر الهام سمیر لرینه جلوه ریز  
انعکاس اولدقدن (البلا هه قبه من قباب الغیور العزیز الی ستر بها اولیاءه و اکثر اهل الجنة البله  
و اغلب حزب الله الوله) مضمون حقیقت مضمونیه دفع خلجان خواطر احباب صداقت مآب

بیور مشلردر که اغای مرقوم تکمیل خدمت رسالت له رجعت حضور همایون ونقل ما جرا ایلد کده  
 شهنشاه با انبیا عیال دن مراد لری اتباع و چراغان دعا کویان و تبیض وجه دن مقصود استقامت و سعی  
 مشکور در دیوخل رموز بیور مغله تفهیم و موجب نصیح دعا آمیز لریله عمله تنبیه بیور ملری جلوه کرساحه  
 ظهور اولوب بین الامثال ممتاز آثار خیریه و سرافرازاد کار جمیله اولمشدر کویا بونعل باز کونه لری کین  
 آفت شهر دن توفی صد دنده اولد یغین ایما بیور مشلردر \* (نظم) \* خویش را عریان کن از فضل  
 و فضل \* تا کند هر دم ترا رحمت نزول \* زیر کی ضد شکست است و نیاز \* زیر کی بگذار و با کولی  
 بساز \* بیشتر اصحاب جنت ابله ند \* تا ز شر فیلسوفی وار هشد \* خویش را رنجور سازی زار زار \*  
 تا ترا بیرون کنند از اشتها \* که اشتهار خلق بند محکم است \* در ره این از نسد آهن کی کم است \* چند  
 حرف طمطراق و کار و بار \* کار و بار خود بین و شرم دار \* (منقول است که) \* اول موشکاف دقایق  
 اوضاع قدیمان خدام در کهرلر دن بر تنک حوصله ساده لوحی اشتراک اناره ارسال ایدوب موسم شتا اولغله  
 دستیاب مقصود اولد یغندن ماعد ابریشانی جست وجوده دستار یله کره بند حرزی اولان مبلغی دخی  
 ضایع ایدوب تهی دست و شرم منده حضوره عرض قصور ایلد کده چه تاوان که در حرمان مقصود  
 واضاعت موجود بجا هجالت شدی عنوان یله تعمیر خاطر کسیر یله تسلی و تطیب عقیقینده نونسان  
 مطبخ دن بر درمند صادق خدمت مرقومه یه تعیین ایلد کلر نده صادق مرقوم جست و جوی کوجه  
 و باز اردن مأیوس و روبراه سراغ دهقان اولوب کندیدن اثر ناپیدا اولغله قطع امید اولمش اینکن چند روز  
 مرور نده انار له برجیب و دستار و مبلغ دخی برقرار رجعت ایدوب کیفیت حال استنطاق اولند قد  
 شهر دن نا امید اولیجی دهانده پرسیان انار اولوب بولنان محلدن اشتراک ادا یلد کده اصحابی مجانا ویر وب  
 قبول ثمن ایتیموب تا از نیق قرالینه دکن منوال مقرر اوزره دور ایدوب تحمیلی مقداری انار له و ثمن  
 مدفوع و فتوح سائر ایلد معتنم اولد یغین تقریر ایلد کده کل میسر لما خلق له صد قرار هر تو کردند  
 چون صادقان گذشته که هم سرمایه عمر را تلف چار سوی هو انکر دند و هم تجارت رابحه کردند عنوان یله  
 بیان حسب حال اهل صدق بیور وب بعد الوقت صادق مرقومه احسان تکبیر طریقت و الباس  
 خرقه قناعت و ریاضت بیور وب برکات نظر عاطفه لریله بر سالک ادیب و بین الفقرا نائل ذکرجیل  
 و فلیسوی درویش محمد شهر تیلد مدعو و طول عمر له معمر و حسن خلق و لطف رفتار له مکرم و عیش  
 خوش عارفانه و جنبش و آرام صادقانه ایلد محترم اولمشدر این چه بوالعجب بازار یست که یکی بی سرمایه سود  
 نامحدود و دیگری سود و سرمایه را نابود کند فله الحکم والا امر تبارک الله ارحم الراحمین و احکم  
 القاسطین \* (نظم) \* گفت شاه ماهمه صدق و صفاست \* آنچه بر ما میرسد آن هم زماست \* صدق جان  
 دادن بود هین سابقوا \* از نبی بر خوان رجال صدقوا \* صدق میخو اهد کوا حال او \* تا تابد نور  
 اوبی گفت و گو \* برق و فروری خوب صادقین \* تن فنا شد و ان بجا تا یوم دین \* حتی بوقبیر قصور  
 ایام سیاحتده خانقاه بروسه ده درویش مرقومی ابتدای مشاهده مهابت و نورایت اوزره  
 معاینه دن ناشی شیخ محمد بن الشیخ صالح حضر تلریدن سوال ایلد یکنده قد اناره الانار و رعمه الرمان  
 فقره طمیت آمیز لریله صادر اولان جواب با صوابلر ینک مبینی علی الحکایه اولد یغین قضیه محرره تفصیلی  
 ایلد تنویر بیور مشلردر \* (نظم) \* هر کسی در طاعتی بکریخته \* خویش را مخلصی انکسخته \*  
 تو بر و در سایه عاقل کریز \* تارهی زان دشمن پنهان سستیز \* از همه طاعات اینت بهتر است \* سبق  
 یابی بر همه سابق که هست \* (مروسته که) \* اول قائم مرصاد تریه اصحاب مراتب ملازم عتبه  
 ارادتلرندن بر متوسط و مبتدی میاننده کثرت پیدا اولوب احدهما آخردن میدان چلتانه عرضحال

تشیکی مال ایلد کلرنده متوسط پیمانه اعتذاره پای برپای استغفار و دستبوس سینه صاف ایلده امر  
و مستدی اهماال اولندیغی دقایق مآشناسان مرآت وجوده معکوس نما اولغله بین الفقرا شایع اولان  
مذاکره ردانکیز بالغ سمع قطبانه لری اولدقه اهل الابدعا معذور فی مرتبه فلا یحتاج الی الاعتذار  
و المتوسط منزل فی مرتبه الی خضیض التضاد فیلزم تدارک الترقی له قول معقول لریله جسم عروق چون  
و جرایب و روب و اذامر العظام علی الصغار مروا کراما و شفاقا نطق بررق و راقی لریله تعلیم دقیقه مجامله  
و تفهیم اسلوب حسن معامله بیور مشلدر \* (نظم) \* من ندیدم درجهان جست وجو \* هیچ اهل بیت  
به از خوی نکو \* و رعد و باد هم این احسان اوست \* که باحسان بس عدو کشتست دوست \* ورنکر دد  
دوست کینش کم شود \* زانکه احسان کینه را مرهم شود \* هر کرا خوی نکو باشد برست \* هر کسی  
کوشیده دل باشد شکست \* (منقول استکه) \* اول متخلق خلق کریم ستر الهی دردمندان درگاه حمایت  
و عنایت دستکاهلریدن بر مملون پای در کل ارتکاب مبتلا اولدیغی علت شرب الیهوددن محتسبان  
اخوان بو بیکر اولوب عزیز مشار الیه غمز و حجره سنده بولنسان اسباب فسقه مقتون مر قومی تشهر  
مر ایلد کلرنده اهتمام مخلصانه لرینه مساعد با استصواب بیور و لبکن و رای پرده دن اول کاهکار  
شر مساره کیفیت احتساب مذکور اشرا و حجره سن آلات هم تمدن و امارات آلاشدن تخلیه  
و رواج طبعه و سبجه و سجاد و او را دوا دکار له تخلیه امر ایدوب بعد اتیان المأمور عین الجمع سکان  
خاتقاهلریله علی الغفلة اولوق اوزره حجره سنده دخول وزیر و بالا و دولا و در بجه لرین تقصص  
ایلد کلرنده غمز اولنات قضیه دن شمه ناجیز بولنمیوب جمله ناکماله و تعصب لری محض سوء ظنه محمول  
و برات ذمت حمیه لری علی وجوه الخضر ندیدار اولغله ناچار هر بری سینه صاف مصافحه اعتذار  
اولد کلرنده محتسب رادر ون خانه چه کار مصداق ایلده کند و لرین دخی عذر و بیوجه ستمه حمل ایتکه  
سائل من هیچ جبران بکسار و نواز شکار اولوب خفیه این فو بت بخیر گذشت اما هر که چنین نباشد  
عنوانیه بند مشفقانه و ستر عارفانه بیور ملری توفیق الله تعالی اول مغلوب هوانک و سائر آلودگانک  
توبه و طهارتیه باعث اولوب بعد زمان نهانی اولان معامله کرمیانه لری آشکار اولدقه تنک  
حوصله کان ابتدا بوقوله دور و یانه معامله شان مشایخ شواخ المراتبه شین اولوق ملاحظه سیله نهانی  
کفت و شنید لری بعضا مسموع لری اولدقه (الستر عند الظهور) وقع فی النفوس القابله من الهتک لان  
اشفاق الوقوع فی مواقع الهتک آثر من وقوعه اذ بمایوقع الوقوع فی دقیقه الاصرار و الاعلان و خلع  
العذار (توجیه و جملریله دفع کچه نکاه بد کانان بیور دقلری بنده توجه کار و شهادت طهارت آلودگان  
سائر ایلده رسیده پایة ثبوت بی اشتباه اولمشدر \* (نظم) \* سبق رحمت بر غضب هست ای فتا \* لطف  
غالب بود در وصف خدا \* بنسب کان دارند لا بد خوی او \* مشکهاشان پرز آب جوی او \* آن رسول  
حق قلا و زسلول \* کفت الناس علی دین الملول \* بریدیهای بدن رحمت کنید \* بر منی خویش بین لعنت  
کند \* هین مباد غیرت آید از کمین \* سرنکون اقیید در قعر زمین \* بر همه کفار ما را رحمتست \* کرچه  
جان جمله کافر نعمت است \* زان یساور داولیار ابر زمین \* تا کنندشان رحمة للعالمین \* ظن نیکو بر  
بر اخوان صفا \* کرچه آید ظاهر از ایشان جفا \* هین زبانا مان نباید نسلک داشت \* هوش بر اسرارشان  
باید گشت \* ستر کن تا بر تو ستاری کند \* تابه بینی ایمنی بر کس مخند \* خاموش کن پرده مدر صغراق  
خاموشان بنجر \* سناش و سنار شوخو کیر از حلم خدا \* (مر ویستکه) \* اول سایه حمایت کستر  
مفارق مستمندان حرم محترملرینه بکار دنیا خواندیندن بر مغرور و زور و زور جانم کان حمامات برو سده  
خاطر آزاری ایتکه صالحة می قومه دخی انکسار قلبه سعادتخانه لرینه عودت و شکوه ریز حضور





اولماری مجمع علیه متفرسین عصر لری اولدیغی و تفاسیل مکاشفات و تسخیر و عجایب تدبیر و تدبیر لری  
محیر عقول دور اندیشان موشکافان اولغله من لم یدرک حقیقه معاشه کیف یدری کنه معاده فقره  
جليله سی حقارنده مجرای مثل سائر اجزا اولندیغی رسیده حد و ثوق و تحقیق و بی شائبه طریان  
تشکیل اولق اوزره درختی محبین ماملک نثار د یار دن قبول قنوج بیور ملرین نیاز کانه فهو حسی  
دیگر از احالیا احتیاج نکذاشته است و القبول فوق الافتقار فضول کلام توکل و قناعت نظا ملریله  
جواب فرمای رد قبول اولمشلردر \* (نظم) \* نیست امیدوار از هیچ سو \* و آن کرم میکویدم لایا سوا \*  
تو مگو مار ایدان شه باز نیست \* با کریمان کارها دشوار نیست \* ماعمال حضرتیم و شیر خواه \* کفت  
الخلق عیال للاله \* فی السماء رزقکم ننشیده \* اندرین پستی چه بر خفسیده \* بر دل خود کم نه اندیشه  
معاش \* عیش کم ناید تو بردرگاه باش \* (مروسته که) \* اول اریکه آرای انبساط قبل المشیخه کال ریاضت  
و مجاهده اوزره و بعد الخلافة تمام بسط و تمتع اوزره اولسی انظار قاصر فهمانده سردنغا و ریاضت  
سابقه غوای و من العصمة أن لا نجد محمول اولغله در بدایات ریاضات برای اسراع مطیة نفس و طی  
منازل است و در نهایت منزل پیش یاست و هر خلوت حجرة أحسن التقویم بس است بجماردیوار  
صومعه ها حاجت نیست و عین انسان مانند انسان عین است که در خانه خود بغض خلوت و بفتح خلوت  
سازد فلکل مواسم مراسم پس در بدایات بهر تریه نفس سرکش از قبض چله خانه فقر و جوع و عطش  
و خول و سهر و عبادات شاقه ناگزیر است و در نهایت برای تصفیه وقت از بسط مشاهدات حکم و عبر  
ورق مطیة منزل رسیده لازم است عنوانیه ارشاد دقائی احوال مراتب انسانیه بیور و ب دفع خلیان  
خواطر ساده دلان صد دهنده بویات شریفه سلطان العارفینله استشهاده بیور مشلردر \* (نظم) \* هست  
یلناش ولی الدولتین \* هست یل نعتش امام القبلتین \* خلوت و چله بر ولازم نماند \* هیچ غمی  
مرو را غائم نماند \* قرص خورشید است خلوتخانه اش \* کی حجاب آرد شب بیکانه اش \* و لکن  
تقلید الصغار للکبار و تشبه العلیل للطیب آفة و قنیه تقضی الی الصغار و اشتداد الاسقام و الآلام  
فلا بد من مراعاة الحد و المراتب حتی لا یقع السالک فی المعاطب \* (منقول است که) \* اول بشیر یوسف  
مصر حقیقت مقرر خلافت راجعت و اخوان و خلائه توزیع هدایای بهیه ایلد کده سجه و مسواک  
هدیه صوفیان و دستار حصه دانشمندان و امتعه و اقله منعمان و سودا کرانزاره آورد مناسب است  
و ابنای جنس طالبان حقرا بهر ملایم عطریات است زیرا ایشان متعرضان نفحه رحمن است پس  
از قبل بمن معرفت و حرم هویت نفس و نفحه طیه عطریه حق ایشانست و حقرا بمنستحق رساندن و طیفه  
ماست عنوانیه تمهید مقدمه ذیلند هر کسه علی حسب تفاوت المراتب تسلیم هدیه بهیه عطریه و تنبیه  
استعمال بیور ملری درون دائرة خانقاه عطارستانه شبیه و خوشبویان اخوان و خلائان انساب لریله  
معهود اولمشلردر که ضمن هدیه لرنده دخی و طیفه لازمه مرشد و مقسم عطر روح و حانی و طریقه موصلة  
مرید استنشاق نفحات رحمانی اولدیغنه اشارت بیور مشلردر \* (نظم) \* آن سخنهایی که از عقل  
کست \* بوی آن کلزار و سرو و سنبل است \* بوی کل دیدی که انجا کل نبود \* جوش کل دیدی که  
انجا کل نبود \* بوی قلا و وزاست و رهبر مر ترا \* میبرد تا خلد و کوثر مر ترا \* بود وای چشم باشد نور ساز \*  
شد ز بوی دیده یعقوب باز \* بوی بدر دیده را تازی کند \* بوی یوسف دیده را یاری کند \* و مجا لیر رفیعه  
خاصه لرنده هر که بوی صکر در وی بیند زبان زد لری و مثل سائر لری اولشیدی \* (مروسته که) \*  
اول مقصد طالبان حقیقت و مطایف زائران قبله معرفت دخیل میقات احرام ارادت لرنه تحفه الحرمین  
المحترمین اولق اوزره و قناعت نثار بیور دق لری لالی نفیسه معارف که ثقات خلص انانلریدن تلقی کرده

متهیان ققرای عصر فردر وشاح الصدر نوعروس منقبه لطیفه لری قلندشدر که بوی کیران انفاس  
جانخش مردان خدا فواج مسکینه (الیوم اکتلت لکم دینکم) آیت کریمه سنک دقایق اشارتیه  
مطیب الارواح ومقدرا لاسرار اوله \* ومن جملتها أن الطالب اذا وصل المیقات وحی الانابة لا بدله  
من التطهر عن أدناس المعاصی والمکاره بغسل التوبه اللازمة والتلبس بازار التجرد عن العلائق وذنار  
التوجه الى منتهی الطرائق والتلبیه بكل التسلیم والاجابة لدعوات الانابة والتنجی عن أجزاء الجنایة  
على منسوب حرم الحسمة بأدنی الملا بسة \* ومنها وجون بارهای نفس را ومغیلا نزارهای  
ذمیرا طی کندو بمیقات ابتدای انابت داخل شود ومحرم توجه ارادت حرم استغاضه کردد وبتوفیق  
الله الهادی از احصار تقاعد وتردد درهای باید وبوصول انابت مشرف شود وبطوف بیت الحرام ذات  
کامل ومکمل انسانی اقدام نماید باید که باستلام سویدای خاطر فیض مآثرش مبادرت ودر مقام تسلیم  
ابراهیمی بنیاز قیام کند واز زمرم تسلیش دفع تشکی کند وبار در میان صفای جمع ومروءه فرق  
مساعی مشکوره را بجای آرد \* ومنها وجون عرفات معرفت رسدوقفه بیامونی کند وچون بمناسبت  
باز کردد بدنه منبر اقرار بان کند واز بقیه وجود بالکلیه خلاص باید وبار در هر موقتی سکون وحرکت  
مستحبه نماید ومناسبت حج الا کبر حقیقت را مؤدی کند ودرین مقام بارشاد مکرم کردد \* ومنها انکاه که  
بارشاد مکرم کشت بر موجب النهایه هی الرجوع الى البدایه غیر از واردوله ملک والهام هر فکر بکه  
روغاید اورا سنکسار دفع ورد کند واکر بدرون آن قبله حقیقت رهیابد بمقتضای (فادخلی فی عبادی  
وادخلی جنتی) بدرجه عشره مبشره ترقی باید \* ومنها اکبر بعد از اتمام این حج اکبر بخلاف متمناز شود  
و بدعوت وارشاد مستخدم کردد طواف واپسین صدر را بروجهی که جمله مهام آتیه خود را از مرآت  
الحقایق قلب اصبعین تقلیب حضرت فرسید استحضار کند بمکمل آرد وبصوب مأمور باز کردد  
وآشنایان ازلی و متعرضان نفحات هادی لم یزلی را از عطاهای آن حرم محترم رواج طیبه وفواج  
مسکینه هدا یاسازد هر آنکه مشام دل وجانش بوی بکیر باشد منیب ومیردش کردد وبتوسل آن بوی  
خوش بحج اکبر رسد وهر جرا آزمایش باقیامت باقیست فطوبی للمتوسلین بروح روح الانسان الکامل  
الی طوف حرمه \* ومنها پس بادای فریضه روحانی فائز منزله وراثت احمدی صلی الله علیه وسلم کشت باز  
کشت او بروضة مقدسه حقیقتش کردد ودر انجانیاز کلهای اسرار وثمار انوار وازهار آثار مغنم  
ومستفیض ومستعبد باشد وبسعادت ابدی موصول وبعنایت سرمدی واصل ومنشور وخلعت  
خلافت عظمما از ان آستان کیرد وبراستان ملحق ومنظم کردد بفضل العلی العظیم انه الجواد الفتاح  
الوهاب الکریم وید فیضه العظیم مقابل خزان المواهب اللدنیة التي لا تنقطع بیال الحالین فی جنه  
النعم (الحمد لله الذی هدانا لهذا وما کنا لنهتدی لولا أن هدانا الله وما توفیقی الا بالله حسبنا الله  
ونعم الوکیل) \* (نظم) \* حج زیارت کردن خانه بود \* حج رب البیت مردانه بود \* کعبه مردان نه از آب  
وکاست \* طالب دل شو که بیت الله دلست \* قبله عارف بود نور وصال \* قبله عقل مفلس شد خیال \*  
قبله معنی ورا ن صبر ودرنگ \* قبله صورت پرستان نفس وسنک \* قبله باطن نشینان ذوالمن \* قبله ظاهر  
پرستان روی زن \* ابلهان تعظیم مسجد میکسند \* در جفای اهل دل جدمیکسند \* آن مجاز است این  
حقیقت ای خزان \* نیست مسجد جز درون سروران \* مسجدی کان اندرون اولیاست \* سجده گاه  
جمله است انجاء خداست \* کعبه هر چندی که خانه براوست \* خلعت من نیز خانه سراوست \* تا بگرد آن  
خانه را روی نرفت \* واندین خانه بجز اوحی نرفت \* چون مرادیدی خدا را دید \* کرد کعبه صدق  
برکر دیده \* خدمت من طاعت وحمد خداست \* تا نهند اری که حق از من جداست \* (منقول است که)

آن واقف اسرارها بخانه وحدت فرموده است که حج چون جهاد منقسم باصغر و اکبر است و حج اکبر را استطاعت نصیبه اهل جهاد اکبر است و کلهی که در موسم و موقف خطبتین جمعیت جمعه و وقفه دست دهد غوث اعظم عظم الله ذکروه و عظم بره بخانه کعبه شریف خارق عاده فرماید و بواسطه طوف بیت الحرام مطاف باشد و طائفان را حج اکبر میسر شود اگر چه نمیدانند و از امارات اجتماع جمعیتین و خطبتین گویند که امسال حج اکبر است مع هذا از فرط کرم بمنون انفس نعم گشتند و طوف حول مرد خدا کردند و غائبانه حج اکبر مصادفه کردند فله الطول و الانعام علی كافة الانام و در چنین سال فرخ فال کعبه نیز حاج حج اکبر گردد که افاد هذا السر المقدس حضرت الشیخ الاکبر و الکبریت الاحمر \* (نظم) \* بدنی اضحی الی الائم \* نائبان کعبه الحرم \* کعبه للسر طاف بها \* کل من یشی علی قدمی \* من اراد الحج یقصدها \* من جمیع العرب و العجم \* (مروستکه) \* اول کل خندان کاستان معرفت همیشه بهار بشاشت و جمله یاروی تازه و جبین کشاده نما اولوب موقر و موقر و معتبر و معتبر و اطوار درویشانه سی دلپذیر صغیر و کبیر و دنواز برنا و پیرا و لغله بعض خرده کیران اضاعت و قار خلاقه و تملق و تبصصه حملا التزام ما لا یلزم و ارتکاب ما لا یغنی اولق اوزره گفت و کوی بیجا ایلدیکی کوش کذار لری اولدقه اکر دیده و شنیده این فقیر بدیشان هم دست دادی بموجب \* (بیت) \* بالاعنی فی الهوی العذری معذرة \* منی الیل و لو انصفت لم تل \* بهمة دیده و شنیده رپوده و شقیفته گشتندی و لکن این التریامن ید المتناول نفس عالیه لریله معذرت پرسوز و کداز فرما و بواسیات شوق افزا ایلد مجلس ارشاد پیرا اولمشلردر \* (نظم) \* یامن بداجالک فی کل مابدا \* باداهزار جان مقدس تر افدا \* رو دیده بدست آر هر ذر خالک \* جامیست جهان نما در زنگری \* هر کاهی که از زمین روید \* و حده لا شریک له کوید \* برک درختان سبز در نظر هوشیار \* هر ورتی دقت ریست معرفت کرد کار \* علی الخصوص که ماصبوحیرا از دست پیر صبوخی کشیده ایم تابشام عمر بر نشئه و نشاط و خوش عیش خواهیم شد ما راجه پروای گفت و شنید سر که فر و شان بازار کثرت لطیفه دلنشین لریله دهان بندر خنه عیب جو یان اولمشلردر و میدان سماع و صفاده کمال شور و وجد و حاله سابق امثال اولملری عجب انسکیز اقران اولغله کردش سنک آسیا ورقص پروانه و دست افشانی ذره از جوش آب و از پر تو شع و از جذبه خورشید باید پرسید کلام جواله نظام لریله صرف انتظار بخیران احوال رجال ایدوب و با آنکه در موسم پیری که شمای عمر است جوشش آب مزید و سنک آسیای بدن خفت پذیر و از گردش تیز اندر تیز ناگزیر است و پیری هنر کام پر یست حسب حال ترقی ما لریله بیان واقع بیور مشلردر و بدین معنی صائب اصفهانی اشارت کرد و فرمود \* (غزل) \* نسیم صجدم از بوی یار خالی نیست \* ز بوی کل نفس نو بهار خالی نیست \* نظر بهر چه کنم تازه میشود داعم \* که هیچ ذره از آن آفتاب خالی نیست \* بچشم کم منکر هیچ خاکسار را \* که هیچ ذره ز ماهتاب خالی نیست \* چو موج مکند از این بحر سر سری زینهار \* که چون صدف ز کهر هر حباب خالی نیست \* دو انده در همه جار یشه بیقراری عشق \* که نبض سنک هم از اضطراب خالی نیست \* یک نیست در نظر بالثوتیا و غبار \* که هیچ کردی از آن شمسوار خالی نیست \* درون خانه فی سقف روشنی فر شست \* ز ماه دیده شب زنده دار خالی نیست \* سبک مع کبر ز جاهیچ استخوان را \* که چون صدف ز در شا هوار خالی نیست \* قناده است ترار شمه نظر کوتاه \* و کر نه از کل بیمار خار خالی نیست \* مرا از جوهر آینه شد چنین روشن \* که هیچ سینه از خار خار خالی نیست \* درابر تیره شکر خند برق پنهانست \* ز صبح و وصل شب انتظار خالی نیست \* منم که سوخته صائب مرا استناره بخت \* و کر نه سینه سنک از شرار خالی نیست \* (منقول استکه) \*

هنگام عزیمت حرمینیه لریده میانه پروردگان فیض انظار حسنه پیرانه لریدن خدمتکزار قرائت حضرت مشنوی حقایق محتوی اولان احمدده بنده لرین نائب مناب خانقاه تعین بیوروب بعد الرجعه حسن زند کافی و جنبش مردانه سی مذکور السنه مدایج کذار عیار شناسان اخوان و خلان اولمغله مهبط انوار توفیق و تأیید اولدیغی پدیدار اولوب ولی عهد لری و مستفیض آثار توجه خاطر عنایت مقام لری و آخر جان شین صوری و معنوی لری اولمشدر که قبیل الوفا بعد ازین احمد القاریست کلمه طبعه لر یله متلذذین درس آداب نفسه تصریح و سپیده دم صبح و روزار تحال لریده خلوت خاص تسلیم سر خلافت صدریه بیوروب بی حرف و صوت جاری اولان صحبت روحانیه لری بر کفی در حال پیشانی حال و قال نظر کرده لریده پید او کویا اول طوطی کویا منصفه قالب آینه دار لرینه نقل ایله آشیانه بد نلریدن جدا اولمشدر حتی حضرت شیخ احمد القاری حضرت لری مشند آرای خلافت خانقاه مرقوم اولدقده بعض احباب برسان اسرار خلوت خاص معهود اولدقده عزیز مشارالیه \* (بیت) \* یک نظر فرمود و این خالسه راسمه وار \* روشنائی چشم عین الجمع یاران کرد و رفت \* نفس تشکر مشحون لر یله بنده غمهای عنایت لری اولمشدر و مابین اخواندن شیخ احمد قاری بنده لری کوی ربای سبقت اولمیری سائر غیرت حضرت آمیز اراث ایلدیکی لایح ضمیر منبری اولمغله عقد مجلس و صابای لازمه ایدوب هر کسه حسب القابلیه تسلی بخش و عنایت فرما اولوب البشاشه فی الجمال و الحلاوه فی المقال رأس المال النافع فی الحال و المال کلمات جامعه الفوائد لر یله ختم نامه ناطقه بیوروب لسان حاله حضار بزم احتضار لرینه و داع ایدوب کالبد مبارک لری پهلوی مرقد منور حضرت مرشد لریده تسلیم آغوش مادر خال قلوب روح قدس لری آشیان علمینه پرواز له گذشتگان طائفه علیه ید مساز اولمشدر روح الله تعالی روحه و ادام روحه و فتوحه آمین یا اکریم الا کریم و یا ارحم الراحمین \* (حضرت قاری احمدده) \* مسقط سر سعادت افسر لری خال قسط مونی و اولاد مشایخ صوفیه خلوتیه دن اولوب تحصیل علوم ظاهره عقیده سالک طریقه آبا و متوغل تصفح کتب تصوف و مولع خدمت مرشد حی اولمغله اختیار سیاحت و جست و جوی رهبر هدایت اثنا سنده راه سرانغی دار الدوله استبوله مر و رایدوب خانقاه صوفیه ده ساکن ایکن بر شب انتظار نبخته افکار ده امید وار مشاهده آثار تسلیت مدار له منسلخ حواس پرانفعال و مسارع بیدای مثال اولدقده کندوبی بر صحرای پر سراب بی آیده تشنه لب و بیتاب و غرق عرق اضطراب و پای اقدام پر آبله افت و خیز هلاک انکیز معاینه ایدوب و مأیوس امداد فریاد رس اولدیغی حاله بیدار اولوب بریشانی خواب خجرت مأبله مقابله حضرت شیخ حاجی احمد حاضر و حسب حال حیرت مال ناظر ایکن ناگاه انمای صدد برمد دتقر بر جناب مشنوی ارشاد محتویده تضمین ماجرای واقعه هائله بیورد قلمی قلاب تسخیر کردن ارادتی و رابطه اتصال صداقتی اولوب بی اختیار \* (بیت) \* در هر دو جهان نیست و نبودست و نباشد \* چون دیدن روی تو کرامات افندی \* مضمون اخلاص مشحونیه ترجم بر سپاس اوله رق سر داده زانوی تسلیم لری و بنده در که خدمت پر حرمت لری اولمشدر \* (نظم) \* کریش روان بر تو عنایت فکندی \* فکری که به پیش دل تست آن سپس استی \* خاموش که اینها همه موقوف بوقتست \* کز وقت بدی داعیه فریاد رس استی \* (مروسته که) \* اول قائد کروه مخلصین اکر چه عقیب مر یلریده سر بلند تاج پرانتهاج خلافت سریه صدریه اولمشیدی لکن صوریه خانقاهیه لریده اختلاف آرا ظهور ایدوب اخوان درویشان جناب سعادت تلمینک استخلافی و احباب رجال دولت فضولانه شیخ اسماعیل مرکزینک مشیختنی رجا مند اولوب فریقین دخی مساعدده مر امری بایبنده عتبه علیه خداوند ککاری یه نیاز نامه لر ارسال ایتمکله

حضرت قاری احمدده

مسند نشین تریه مقدسه مولویه اولان حسین افندی خضر تلمی اولام ساعده نیاز نامه احبابه شیخ  
اسماعیل نامه مشیخت نامه احسان ایدوب و بعدلیله تعیین اشارت روحانیه ایلده عزیز مومی الهیه منشور  
خلافت اصدار بیور و ابیکسین دخی بر در ویشه تسلیم واولا مشیخت نامه اسماعیلیه ابراز و حین  
اقتضاده منشور خلافت احمدیه اطهار ی تیهیمه عمل اولنوب بعد العصر مشیخت نامه سی شیخ  
اسماعیل ایصال اولنوب صبح فرداده مقام مشیخته قیامه قرار ویرلکله سکان خانقاه محزون اولدقلرنده  
حضرت احمد القاری الالبالی حبالی تلدن کل عجمیه مضمون مکاشفه مقر و نیله تسلیمت فرما اولدیغی  
کافلاق التباشیر باهر اولوب لیلله حیلای مرقومه ده شیخ اسماعیل زاده مادر دنیا و سارع جهان  
عقب اولغله خلافت جناب ولایت مابلیرینه اختصاص یاب و خصوص خلافت باستقلال لرنده مریدین  
و محبین یکدل اولوب بالا اتفاق منشور خلافت لری نیازی ایچون تدارک محضر اوزره ایکن درویش  
مرقوم منشور خلافت لری ابراز و کیفیت تسلیم و تنبیه حضرت سجاده نشین آستانه ولایت آشیانه  
مولویه بی نقل ایلده جمله نک اعتقاد لری صد هزار مرتبه قوت و صفوت پذیر اولمشدر \* (نظم) \*  
کر همخواهی که بفروزی چوروز \* هستی همچون شب خود را بسوز \* در درون یکدوره نور عارفی \*  
به بود از صد معرفت ای صبی \* عارفانکه جام حق نوشیده اند \* رازها دانسته و پوشیده اند \* بر لبش قفلست  
و در دل رازها \* لب خموش و دل پر از آوازهها \* هر که را اسرار کار آموختند \* مهر کردند و دهانش دوختند  
\* (منقولست که) \* اول غرقه غنیمت ظل طلیل حیات مریدان خدا هنکام تراش لرنده سائر لری کبی  
سر دو لقمه نین بالکلیه ز پر سایه کلاه کرامت دستکاهدن اخراج ایتیموب بلکه نوبت یمنده یساره تحویل  
و وقت یسارده یمنه نقل و قس علیه القدام و الخلف بهر حال سربار کوری بعض سایه کلاه لرنه دور  
اولدیغی و مدت ازمان الخلافه در وازه دارالدوله در وننه بانهاد بهانه اجابت دعوات احباب اولیموب  
حل سال زیارت حضرت اُبی اُیوب الانصاری علیه رحمة الباری طریقتدن ماعدا ایلده و صلاه جمعده دن  
غیری وجوه اقتضا ایلده آستان خانقاه فقرادن برون نقش پایور مد قلمی عجب فرسای قلوب متردین  
اولغله کیفیت تراشیده لری هر اس نوازل و حالت عزلت مدیده لری طویر خالف تعریفه حمل ایتلمی  
رسیده سمع غیب آشنالری اولدقده آری خوش کفتند و موجه است که این کلاه در دمنده ان پناه  
از ان کاهکه بنظم لطیف \* (بیت) \* کلاه رفعت و تاج معلا \* بهر کس کی رسد حاشا و کلا \* سرزها و تافتن  
از سرور یست \* ترک هوا قوت پیغمبر یست \* بسری کسانه ماسایه حمایت دست مرید خدا انداخت  
از همه نوازل صوره و معنویه سر آسوده شدیم پس از چنین سایه بان و سپر حمایت بحسب الاقتضا الجزئی  
تمام سر کشیدن ناسپاسیست و قدر ناشناسیست و این پای نیز تابع سراسر است نخواهد که از بارگاه  
اولیا بیرون رود چه آجال مهمه است و در برون این در که رحمت دستکهدن احتمال مشککست  
و در حال زند کی نیز ترجیح ابواب سائر برین باب سعادت متعسر است عنوان شکران تبیانیه توجیه وضع  
پسندیده و تصحیح طویر برگزیده بیور مشلدر \* (نظم) \* خال با ککان لیبی و دیوار شان \* بهتر از عام  
وزر و کلزار شان \* هر کجا که یوسفی باشد چوماه \* جنتست ارچه که باشد قهر چاه \* هر کجا باشد شه  
مار باسط \* هست صحر اگر بود سم الخیاط \* چون نشستی بر سر کوی کسی \* عاقبت بینی تو هم  
روی کسی \* سایه حق بر سر بنده بود \* عاقبت جوینده یابنده بود \* (مر و یست که) \* اول ماه مدار  
اعظم و حد تک پای پر کار همت لری پیرامن کرد نقطه ذات ذی البرکات لری و مقبل شان سعادت عنوان لری  
و عارف دقایق اوضاع عزمان لری اولغله جاذبه اشتیاق لری مستولی انفس آفاق اولوب مدایح جلیله لری  
روابط قلوب اهل اقبال و صغار و بکار دار السلطنه الکبری انفس شریفه لریله متین و متبرک

وبالذات حضرت سلطان محمد بن السلطان ابراهیم علیهما وعلی اسلافهما رحمة الرحمن الرحیم بالدفعات  
 برای هما یونیه دعوت بیورد قلزنده انبای جنس مارا اشتغال دعوات خیریة سلاطین عظام در غیب  
 بهتر از حضور است فحوا ی اعتذار غالیله دفع عارفانه بیورد قلزنده وجوه اکرامات و صنوف احترامات  
 مظهر عواطف عزیزة خسروانی اولوب لیکن ارسال و انحاف و انعام بیوریلان نقد و جنسی تمام اقرا  
 و مستحقنه تفریق و کند و راستی غنا و قناعت کزین لقمه و خرقة موجوده لری اولدیغی معروض پیشگاه  
 شهنشاهی اولغله سینه پرسکینه لرنده مایه شوق دیدار لری غلیان ایدوب زیارت شریفه لرینه نهضت  
 همایون بیور و ب جوار خانقاه تشریف لری اعلامیه تحضیض استقبال اولد قلزنده آن شاهده است  
 بمرای سلطانی می آید ما خدمتکاران سراییم استقبال و تشییع آن صاحب سراست آن ماقیام مقام  
 خدمت زوار است مضمون مسکنیت مقرونیه جواب فرما و لوازم اکرامه بالنفس قیام غما اولوب  
 هنگام ازدحام تشریف همایونیه مقرر در ویشانه لرنده قیام وبالذات خدمات توقیر لرینه اقدام  
 بیور لرندن بادشاه بالاتباه متغیر و خدام رکاب تر یا انسابه ادای خدمت لازمه به اشارت بیور لرند قد  
 ایشان همیشه بخدمت مشرفند نیاز داعی آنست که چند نفس این کمینه نیز مشرف باشد عنوانیه  
 رجا مند اولملری علی وجه الکمال دلنشین شهر یاری و علاقه درون اخلاص مشکون لری از دیاد پذیر  
 اولغله زمان سلطنت لرنده وجود محض سود لر یله افتخار و دعای خیر لر یله تبیین و تبرک کان وقت و داعده  
 افسوس فراق و هجران لرینه (سلطان مازدر ویشان خود درویش احمد را بمصاحبت میفرستد که  
 از روی صحبتش صفای بیشمار حاصل گردد) نفس الهام سمیر لری منجم احمد دهده حضرت لرینک ندیم  
 شهر یاری اولس لیه جلوه کرساحه ظهور اولدیغی خواص و مقرینک لهجه بر بهجه نصف  
 شهنشاهیلرندن بالتواتر نقل کرده لریدر \* کویا کند و لرله نلری بدل و فدا بیور مشلدر نعم البدل که اول  
 ندیم حکیم مشربک تر یا لرای رزینلری دافع سموم تسویلات وانی اولوب بین المسلمین مداخله سیوف  
 مخاصمه دن امین اولغله سبب قوی اولشدر کما سن فصل فی منقبت ان شاء الله تعالی \* (نظم) \* ای خنک  
 آن مرده که خود رسته شد \* در وجود زنده پیوسته شد \* وای آن زنده که با مرده نشست \* مرده کشت  
 وزندگی از وی بجست \* بادشاهان را چنان عادت بود \* این شنیده باشی اربادت بود \* صوفیا را پیش  
 رو موضع دهند \* کاینه جانند وز آینه بهند \* (منقولست که) \* اول پیشوای قافله رهروان انابت  
 محبین مخلصیندن کو بریلی محمد یاشا برادری حسن اغانک حسین بک نام فرزندی اوائل حالنده پدرینک  
 محب حضرت شیخ احمد القاری اولسی خصوصنده انکاری و اصراری اولوب روز و شب پدر و شیخی  
 تریفه مولع ایکن بر شب فتح هدایت انجامده کند و یه مناسب احباب یله عزیز مشاور الیه و احبابه متعلق  
 قدح و هجوده مبالغه دن صکره هر کس متفرق و ر بوده خواب غفلت اولد قدح میر حسین خانه سنده  
 حریق مشاهده ایدوب الطفای حریقده کمال عجز لری اثنا سنده شیخ مومی الیه حضرت لرین ممثل معاینه  
 ایدوب کمر دایره خانه ده بر چاه مسدود و منسی و ارایش چاه مر قومی تذکیر و آیه الطفای حریق سوق  
 ایلد کده موجب سوق مرد آگاه اوزره حرکت و دفع غائله موحشه عقینده بیدار اولنجه احراق مخیل  
 مر قومی معاینه اثنا سنده سوق معهود خطور یله خطر مند کوری کافی الواقعه واقعه دخی دفع  
 ایتملری باعث انصاف اولوب علی السحر زیارت شریفه لری قصد یله شرفیاب حضور اولد قدح صدد  
 مجلس عالی لری ماجرای خاصیت میاد اولغله بحسب المناسبه چون در خانه هر کس از آتشی  
 ناگزیر است پس بموجب قیام النظام بمدا فعه الاضداد مقداری آب هم لازمست خواه از خیش  
 و یا از چاه نفس مکاشفه آمیز لری ایله امیر مر قومه نکاه معهودانه بیور ملری مؤکد ماجرای دوشینه



اولوب بی اختیار سر داده زانوی ارادت لری و وادی سیر و سلوک طریقت علیه صدیقیه ده همعنان  
والله ماجد لری اولوب انکار و اصرار گذشته اعتداری ندارد کنده فقرای باب الله ا کرامات کونا کون  
ایدوب آخر الامر نائل رتبه وزارت عظمی اولدقه برکات انظار حسنه لریله میانه ملاحم انکر و سیه  
واثنای جرائت مفتی مغفوله رأی صواب دید لری علی الوجه الاحسن مدار صلح جمله اعدای دین مبین  
و منشأ اصلاح معاش مؤمنین و موحدین اولمشدر ویدر سامی کهر لری عی حسن اغا شهر نیسه مدعو  
وزیر قبه قباده متواری عالم متورع و سالک متشرع مشوی دان و ذفات علم لدنی خوان بر ذات ستوده  
صفات اولوب همواره اوقاف خوانق فقرای طرق اهل الله دار الدوله به متعلق اولان امور لری نه وقف  
نفس و بدل و سع و صرف وقت ایتکه به بین الاخوان و اخلاق ابوالفقر اغوا نیسه مذکور و مستجلب  
همم علیه لری اولمشدر فسبحان من وفق عبد امن عباد اله الی اقامه مهمات خواصه انه ولی العنایه الشامله  
والهدایه الکامله لله ذره و طوبی له و بشری لمن قلده بحسن سلوک فی خدمه ملوک \* و کندوسی دخی  
کویا حرز و تعویذ دولت امیش همانا علت قوتله مقام وزارت دن استعفا ایدنجه ملحه عظمای قتل مفتی  
وقلعه سلطان مصطفی طوفان فتنه انکیز و ساحه دار الدوله غمونه غای رستخیز و مدت مدیده اها الی ممالک  
محروسه اسیر کرد اب ضحرت اولوب یاد زمان آسایش سایه سعادت مایه لریله اوقات گذار و تکرار  
اذکار جمیله لری باعث تسکین خار خار و بادئ تسلیم آزار روزگار و لوق اوزره بر بر لری نه یادگار  
ایدر لردی \* (نظم) \* میکشد گرمی بذرات جهان چون آفتاب \* تازه رو بر میخورد بر اهل حاجت چون  
بهار \* حسن تدبیرات اور و شن روان در کار ملک \* در کوی تشنه چون آب مصفا خوشکوار \*  
دشمنانرا حسن تدبیرش سر اسر دوست کرد \* دوستانرا کرد در اخلاص شه کامل عیار \* نیست غیر  
از حفظ دین و دولت اور ا مطلبی \* از محیط آرزو برداشت کشتی برنگار \* بهر بر خور دار تی شه میکشد  
حاصل دعا \* غیر این شغل کرامی نیست اورا هیچ کار \* با فقیران بیشتر از منعمان دار در نظر \* میکشد  
در یوزده همت زد مهای فکر \* (دیگر) \* یاد باد آنکه نه انت نظری با ما بود \* رقم مهر تو بر چهره  
مایند بود \* یاد باد آنکه چو چشمت بعبا می کشد \* معجز عیسویت بر لب شکر خا بود \* یاد باد آنکه  
مه من چو کمر برستی \* در رکابش مه نو بیك جهان پیما بود \* یاد باد آنکه رخت شمع طرب می افروخت \*  
وین دل سوخته پروانه بی پروا بود \* و بویات محتره و امثالیه منشادان مجالس عالیه محفل آرای مدایج  
جلیله سی و سوز افسوس و فراقیله قلوب قدر شناسان بکار و صغاری داغدار ا خزان تذکری ایدر لردی  
علی الخصوص تجدید قبه خضرای حضرت تریه کرسی رتبه خداوند کاری و سراسر تهمید اثره  
آستانه سعادت آشیانه لری نه و تطیب قلوب منسکسره فقرای طریقت علیه لری نه و تکریم و تجلیل  
اولاد ذوی الاحترام لری نه موفق اولوب الی انقضاء الدوران نامامیلری رشته کش منظومه دعوات  
خیریه صبح و شام اولوب دین و دولته سبق ایدن خدمات علیه و مساعی مشکوره سی و شاح الصدر  
سابقان میدان تواریح و آثار و استخراجات اسلاف کرامدن لایحسن الصلح الا بالصلح دقیقه  
مرموزه لری روی فرخنده فالرندن دیدار اولمشدر که حساب حروف اسم سامیلری مساوی شمار  
حفظ صلح واقع اولد یغی کبی حصل الصلح بالصلح شان آصفیلر نه مثل مضروب السنه زما لری اولمشدر  
(نظم) \* کرتوسنک محتره و مرموشوی \* چون بصاحب دل رسی کوه رشوی \* یك عنایت به ز صد  
کون اجتهاد \* جهدر اخو فست از صد کون فساد \* ذره سایه عنایت به تراست \* از هزاران کوشش  
طاعت برست \* بی عنایات حق و خاصان حق \* کر ملک باشد سیاهستش ورق \* یار غالب شو که تا غالب  
شوی \* یار مغلوبان مشوهان ای غوی \* همنشین اهل معنی باش تا \* هم عطا یابی و هم باشی فتنه \* همنشین



مقبلان چون کیمیاست \* چون نظرشان کیمیای خود کجاست \* (مروستکه) \* اول کنجینه جواهر  
اسرار لدنیه جناب ولایت مآبیک کیفیت تحقیق ولایت و کرامته متعلق حضرت سیدخلیل افندی  
مجلس عالی برنده کلمات تردد آمیز سرزده لهجه بعض ساده دلان احباب اولدقه یک ذات شریفیکه  
مجموعه لطائف عبادات و طاعات و مجمع اخلاق حمیده باشد و مدت عمر عز یزش بخدمات درگاه اولیا  
مصروف شده باشد و به پیرامن دامن عصمت طرازش کردیک رهی نشسته و خراب کلئ سطوات  
فنا فی اللهی شده بود و آثار کونا کون بقا باللهی صدور یافته ا کرد اینچنین مرد صاحب سکنه آن امانت  
عظما که ساکنه نباشد پس در کجا مظنه یاقتش باشد عنوانیله بحسب وقوعه التام سرد کلام  
بیورد قلمی هنر کما مدعین الجمع اخوان و خلائله مقرر خلافت برنده و ششنا بخش عیون حضار ایکن  
مغایر صد دصحتلری بویت هضم انکیز و کسر آمیزله ترغیریز واشکارا و مللری جمله کوشداران  
صوب سعادت برینه عجب فرسا اولوب بزم خاصلری محرمان اسرار ه منحصرا اولدقه همدمان بی کافتدن  
بری پرسش تحویل حال صد ددن دریچه کشای نیاز کشف سر سر بسته اولنجه سیدخلیل افندی  
قدس سره اعز یز استایش توجیه الزام اسلوبلری اولد یغین ایراد بیورملری اثبات مدعای حضرت  
سیدخلیل افندی به کواهی اشتباه واقع اولغله لایعرف ذا الفضل الاذووه مصداقچه هرا یکی  
ملکی الصفاتک تاجدار ملک ولایت اولمرنده عامه منصفینک شکی یقینه مبتدل اولوب هر کس بقیه  
عمر عز یزنده انتهاز فرصت ارادت و خدمت برینه مبادرت ایتمشدر و بیت مرقوم اینست \* حاصل من آه  
و افسوست و اشک حسرتی \* وای بر آن کسکه میکرد دخرید ارم چوشمع \* (نظم) \* بس زیاده تادرون  
نقصهاست \* مر شهید انرا حیات اندر فناست \* غیر مردن هیچ فرهنگی دکر \* در نکیرد با خدا  
ای حیلہ کر \* چون ز خود رستی همه برهان شدی \* چون که بنده نیست شد سلطان شدی \* باز  
کرد از هست سوی نیستی \* طالب ربی و ربای نیستی \* جهد کن در بچودی خود را بساب \* زودتر  
والله أعلم بالصواب \* (منقولستکه) \* اول ولی والا همت جللی بوستان ثانی خانقاها لمرنده مسافرا  
ساکن اینک بر غلام اشترا ایدوب تیمنادست بوسلرینه ارسال ایلد کده خللیل ناهیله تسیمه و کلاه آزادی  
تکبیر و الباس بیوروب و معاحضور حضرت جللی مشارالیه کاوب عرف طائفة علییه مولویه ده  
نشانه عتق رقبه اولان کلاه شریف الباسی اعتذاری سیاقنده اگر چه رقبه یدنش از رق شما همت  
این بنده آزاد شد لکن رقبه جانش در دنیا و آخرت بطوق عبودیت مردان خدا مقید شد و این غلام  
سعادت انجام در سایه خدمت آن آستانه سعادت برخوردار خواهد بود و صاحب سروسامان و از جمله  
اخوان و ملتجای خلان و مقدمه مش مقدمه تباشر صبح اقبال شما خواهد شد عنوانیله عذر آورم کاشفه  
آمیز اولملری بعینه جلوه کر میدان بروز اولوب عقیب والد ماجد لرنده سال خورد ککان اعمامی  
سبقت ایدوب واریکه نشین مشیخت شاخچه تر به رفیعه جلال الدینی اولوب وزمان خلافت لرنده بنده  
مر قومه لری دخی مالک خانمان و ذی اولاد و عیال و منعم شکر گزار و مغبوط کبار احرار دار و دیار  
و کندولر مسافر خطه علیبن اولدقد نصکره نتیجه عمر نازینلری اولان مخدوم کماکار و حامل اسرار  
خداوند کاری جللی صدر الدین حضرت تلرینک دخی غنیه علییه خدمات موفور لرنده بذل اوقات و صرف  
وجود و موجود و معربت بر تنم مدید الامل ایله مشارالیه انکشت نمای اعتبارا بنای زمان اولمشدر  
(نظم) \* بنده را سرمایه سامان کار \* سایه بال همای مقبل نیست \* خدمتش سودا و سودش رخت  
بخت \* نیست روزی سرکش پادر کل نیست \* برده اش آزادرق هر هواست \* خال را هوش سرمه روشن  
دلیست \* دست میندهد بجز توفیق یاب \* عروه الوثقا که دامن ولیست \* هر که بکست از جناب

در کیمش \* خانمانش شومی و بیجا صلیست \* اوست عالم را ولی نعمتی \* دولتش نغای هر کوسا نلیست  
 \* (مروست که) \* اول لقمان دار و خانه آنفس و آفاقش نفس و نظر عجایب اثر لری در دمنان اسقام  
 صوری و معنوی و مستمندان را باب حاجاته بر عساع و حرز غیبی و وجود فائض البرک لری مقسم فیوض  
 نا کاهی غیر متاهی اولوب و سیف غیر تری قاهر کردن غناد اولغله هر چند استیلای مرده وانی متوفی  
 معروض بیشگاه حمایت دستگاه غوثانه لری اولد قده اگر چه در ند میرش توجه جلال در دمندی بسست  
 لکن الامور مرهونه باوقاتها و لا بد من تزلزل الارکان باقاتها نفس الهام قرین لریله امتداد مدت  
 استدر اخی و روی زرق اندودنده ظهور حوادث فریجه به اشارت یورد قلری بعد زمان مفصلا  
 کوشه کوشه رایت افزاز فتن و تفرقه اولوب هر خاندانه شراره فساد اصابت ایتکه جله دائره دولت  
 کرد اب نصیبت و انحرام و مظالم شافه اولنجه بلید و رشید بالکلیه شامت تخم فساد فرور مد مر  
 اولد یغین اذعان ایدوب الان قد ندمت و ما یفیع الندم حسب حال تقریر مال احبابی اولوب آخر الامر  
 اولاد و اشیا علیه رانده پیغوله نسیان و عدم اولد قله نه و زرای محبین اولیای کرام آینه اقبال نغای  
 ذات نصف صفا تله نیدن کاه و بیکاه شاهد ظفر و نصرت و آسودگی عکس انداز روی مردم چشم طالع  
 دولت اولشدر ادام الله تأیید هم بهم خواصه و حمایت اولیایه فضلانه و عنایه انه ولی التوفیق  
 و الهدایه و دخی تسویلات مهین مهان مکر و هله ساده دلان دولت منع سماع و صفای خداوند کاری به  
 جرأت ایلد کارنده \* (یت) \* چونکه زانغان خیمه بر بهمن زدند \* عاقلان خاموش شدند و تن زدند \*  
 مصداقنجه و بعد ازین بسما غنا نه قدس باید رفت فخر اسنجه بیزار شمانت دشمنان مردان خدا و مسافر  
 دار البقا و قرار کیر صحبت قدسیه گذشتگان طریقت علیه حضرت مولانا قدس سره الاعلی  
 اولوب اسلاف علیه مشایخ خانقاها لرنده همهلوی خواب راحت فنا اولشدر طیب الله ثراه و جعل  
 الفردوس مشواه آمین یامن لا یغیب السائلین بحرمه حبیبک الا کرم سید الانبیاء والمرسلین \* (حضرت  
 عتیق دده) \* فی الاصل خا کزاد محمیه ابی ایوب انصاری علیه رحمة الباری اولوب خطیب زاده ادیب  
 ولیب و ثروت مال و منال اوز ره عیش خوشه کذار اولوب لکن بحکمة الله الهادی دائره ماملکی  
 حریق زده اولغله بقیه اشیا و املا کی دخی فقرای اقاربه ایتار و طریقه فقر و فانی اختیار ایدوب آستانه  
 سعادت خداوند کاریده تجرد قبا و تلبس عبایه موجب رسم و راه مولوی اوز ره تکمیل چله مر دانه  
 ایدوب فائز شرف تکبیر مولوی و لابس کلاه و خرقه ارادت و مائل سیر و سیاحت اولوب حضرت جنونی  
 نور الله مر قده جناب یله رفیق شفیق و روم و عراقین و فارس طرف لرنده غنودن تمشای عجایب قدرت  
 و کلچین غرایب حکمت و متبر لذ زیارت مشاهد مقدسه ائمه جماعت هدایت و متین صحبت اجله  
 اعظم دین و ملت اولوب عزیز مشار الهله تعمیر و ترمیم خانقاه بغداد و بر و سه ده یکدل و یکدست اولوب  
 بعد اتمام المصالح اللازمه مقتضای بارقه اشارت علیه روحانیه پیران و پیشوایان ایلد بوسنه طرفنه اماله  
 عنان عزیمت بیور و ب حال اجلوه کاه مولوی اولان بقعه مبارکه به نزول بیور و ب من سعی فی حاجه  
 اخیه قضی الله تعالی حاجته مصداقی اوز ره مدت بسیر دده توفیق فتوح کثیره ایلد مراملری حصول  
 پذیر و اول مقام سامی محل آسایش گروه عارفان مولوی و رفیق لری بکار باشنده نشان همت نغای  
 اولد قلری کبی انلر دخی بند باشنده آتار تأیید فرما اولشدر و برکات سایه سعادت لریله حجره مملکت  
 ایالت بوسنه اولان محمیه سرای کبرای مرز بوم مر قوم و اهالی بسی شرفیاب صدق و اخلاص محبت  
 و ارادت طریقه جلال الدینی اولشدر \* (قطعه) \* خضر وقت است انکه از لطف نشستش  
 جای او \* چون بهار خط خوبان سبز و خرم میشود \* طوبی جنت سراست قامت دلجوی او \*

حضرت عتیق دده  
 سیرت و مناقب

سایه اش سرمایه خوش عیش آدم میشود \* (منقول است که) \* اول طوطی شکر شکن بلاغت اثنای  
سیردار و دیار لرزیده دارالملک غزون کازار زهت افزا لرزیده خوش الحانان فحشا یله مانند شیر و شکر  
خوش آمیز صحبت معارف ایکن بقیه اسماعیلیه دن عباس میرزا ناکاه مجلسلرین تشریف ایدوب  
کندوسی دخی زبان آور و بضاع دار اولغله کو یا جز متمم معجون مفرح الفت اولوب لکن نادره  
پرواز حقیقتک وادی مخنوریده اولان ملکه کمله بی کفتی و آداب انس و آمیزشده جلوه کراولان  
حرکه دلشینی پسندیده طبع موشکاف قدر شناسی اولغله رفیع پرده ابهت دولت ایدوب زادوبودونام  
و نشان و مذهب و مسلک لرین برسان اولدقده کاشانی الاصل و قنبر نام و علوی المشرع اولق اوزره سبک  
و توریه طریفانه لری خوش آینه خاطر فراست مآثر لری اولغله آری تور راستی درانکه گفته با آنکه  
سنی عشقی پس ازین از بند احتساب قوم ماعتیق باشی عنوانیه اشعار نفوذ فراست و اجرای موجب کرم  
جنان بیور لمغله لفظ عتیق کندویه مابه الاستهار و الافتخار اولدیغندن ماعداتام مادر زاد لری کینه  
شریفة صدیق اکبری و مخلص عتیق دخی اول سلطان فردوس مکانک ادات شهرتی اولغله اتفاق نطق  
میرزا عباس انطافه جمله متبرک مخلص عتیق اولشدر و مقتضای صدق سیرت و اخلاص مهجئه  
معرفت سرشته لری اوزره آزاد قیود بشریه و کامران عمر بنحیسته سیرآزادان اولوب نیجه ارفای من  
و مانک دخی فیض تربیه و ارشادله تحریر و اعتنا قنه مدار و ولای اذ کار جلیله و لاریله کامکار اولشدر  
\* (نظم) \* از غرض حرم کواهی خرشنو \* که کواهی بندگان نرزد بچو \* که هزاران بنده ات  
باشد کواه \* شرع نرسندد کواهی شان بکاه \* بنده شہوت بترزد یک حق \* از غلام و بندگان مسترق \*  
کین یلک لفظی شود آزاد و حر \* و آن زید شیرین و میرد تلخ و مر \* کشت ارسلناک شاهد در نذر \* زانکه  
بد از کون او حرا بن حر \* اندر آکازاد کردت فضل حق \* زانکه رحمت داشت برخشمس سبق  
\* (مرو بستکه) \* اول شیر بیسته قناعت هنوز ادرات و قفیه خاتقاه نظام پذیر ابراد و مصرف روزمره  
اولدین ظهور ایدن آثار قنوتی حسب الاقتضا لوازم اخوان و خلایه بدل بیور و ب زیاده سن دخی فقرا  
و غربایه انفاق بیور ملریله کاهی صبر و قناعت اوزره اوقات گذار اولملری اهل ابتدایه کران و اسراف  
نما اولغله وکیل خرج خاتقاه نهانی بعض متوسطین طرفه شدن تدبیر و امسال تنبیه اولنوب تبذیر  
و استیلا مناسب طور طریق دکلردیو بند و نصیح و کتمان سرمر قوم توصیه اولندیغنی ساعت وکیل  
خرج مر قومی احضار و مواجعه سنده \* (بیت) \* چه دوزخی چه بهشتی چه آدمی چه پری \* بجنده  
همه کفر طریققتست امسال \* بیت شریفین انشاد بیور و ب با امسال وکیل خرج اعتماد کردن و از خوان  
یغما و احسان بیدریغ رزاق الوری چشم بستن مشکلیست که بجز مضمون عنایت مشکون آناعد  
طن عبیدی کشایش پسندیرد نفس انفسلریله دافع غائله ضعف قلب و قوت بخش ثقه عین الجمع اولوب  
من الاول الی الآخر قانون ایشار و نو بنو تأکید عهد تجرید و تفرید دستور العمل دائره انساب لری  
اولشدر (حتی قبل امسال الشرائع) اگرچه جمله کوچکان عتبه خدمت علیه لری حصه مند  
قناعت و تقویض و توکل و بهره یاب ترل و تجرید امشدر لکن بین الامثال توکلی دهده حضرت لری فائق  
الاقران و فی کل الاحوال متوکل الطاف ظاهره و باطنه حضرت منان و معتمد عنایات جلیه و خفیه  
جناب مستعان اولغله بالذات نفس شریف لرین توکلی مخلص لطیفیله مدعو و ممتاز اولشدر که منقبه  
نفسیه لریده امتیاز توکل لری تفصیل اولنور و کو یا خاصیت جلیله ذات عمیم البرکات لرینه آینه دار اولوب  
منتقل سرسام لری اوللرین مشعرولی عهد انتخاب اولنوب ظاهرا و باطنا جانشین لری اولق اوزره  
انکه که این بنده عتیق عتیق قید حیات مستعار باشد تجدید عهد از کربان توکلی پدیدار شود روض

محققانه لایله خلافت سیه لری تبشیر بیور بلوب و توفیق صمدانی دخی مدعالین تأیید بیور مشدر  
 \* (نظم) \* چونکه در عهد خدا کردی وفا \* از کرم عهده ت نکه دارد خدا \* چون در خست آدمی و بیخ  
 عهد \* بیخ را تیار مساید بجهد \* عهد فاسد بیخ نوسید ده بود \* وز شمار لطف بریده بود \* جرعه برخاک  
 وفا آنکس که ریخت \* کی تواند صید دولت زو که ریخت \* سوی لطف بیوفایان هین مرو \* کان پل و بران بود  
 نیکو شنو \* نیست کسی از تو کل خوبتر \* چیست از تسلیم خود محبوبتر \* (منقول است که) \* اول  
 در یکای صدف تجرید و کج نهان خزانه تقرید اوقات معهوده اجتماع فقر و احبابه مستند نشین مشیخت  
 اولوب از منته وحدت و خلوت لری ایچون دهلیز میدان چل تناسله بر حجره تنگ و تار یک تخصیص ایدوب  
 کند و لردن تو کلی دهده حضرت تیردن غیری چکونکی درون حجره مرقومه به کسسه واقف و محرم  
 اولوب همیشه مقفوله و کلیدی جیب شیر بفریده دست رس نامحرماندن محروس اولغله کسناخان  
 حدناشناسان مانند ماجرای ایاز گفت و شنیددن خالی اولوب اکثری از دیاد مصارف خانقاها بدن  
 مجتمعه اولان اشیاء و نفوده محل ادخار اولغله حمل ایتمکله بومقوله بد کمان خوش نمایانه موجب عتیقیت  
 اینست شاید زمانی آید که مس حاجت باشد التدبیر نصف المعیشته عنوانه توریه کار بیور و ب  
 و ساده دلان و صاف ضمیرانه این کنجینه آن وقت بدید شود که طلسمش دفته گردد فواسیله اجماع طریفانه  
 ایله رشته امید اطلاع عقول قاصره لری قطع بیور و بوقتا که مزاج کرامت سرشته لریه انحراف طاری  
 اولوب ضعف لری قوت و قوت لری ضعف پذیر اولد قده کلید حجره لری تو کلی دهده حضرت تیرنه تسلیم و وقت  
 انضلاق صبحده تفقد لری توصیه بیور ملری موجب بجه و بوی انتقال استشمام ایتم لری حسبیله عتبه حجره  
 خاصه لری نه وضع رأس ایدوب روی دل و جانی درون خلوت سرالری نه توحیه ایتم لریله میعاد مرقومدن  
 معتد بجه و فود غیبیه تشریفین معاینه و هتکام تودیده حضرت عتیق جنابن دخی میانلریده معارهنورد  
 جهان قدس مشاهده ایدنجه نالان و کریان و احسرتا و وافر قنایه نرسیده جمله حجره لریه دخول  
 ایلد کارنده اول نازنین آغوش مادر عالم امکانی کهنه پوریا اوزره غنوده خواب راحت تسلیم فرمان  
 ارجعی بولوب و سر بالین خسلت پاره لرنده خرقة مبارکه لری نیک تو کلی دهده حضرت تیرنه اعطا اولوب و اول  
 کهنه پوریا مرقوم نور لریه و نفع و بقایای کنجینه اعتبارین الاخیار توزیع اولنق اوزره رقعه  
 و صیت لری مشهور و حضار اولد قده هر کس حسب الاستعداد بهره یاب ارشاد و حصه مند استسعاد اولوب  
 مالایغی سرایانه دخی اساس کار توبه و استغفار و حیاتی کبی ممالک لری دخی مایه تعلیم و تربیه اولغله یکپاره  
 شد نطق تجریده اهتمام ایدوب و فی ایامنا هذیه اول حوالیده قبادن تجریده لابس عبای فقر و فنا  
 اولان در ویشانک غلبه ترک و تجریدی و تمکین تسنن و آدابی برکات آثار جلیله لری اولد یغی  
 بی اشتباهدر که هنوز مناقب مفاخر حسن سلوک و تعبد لری اکثرینک وورد زبانی و مقدمات برهانی اولق  
 اوزره تلقی کرده صادقان عصر مندر آثار الله مشاعل الطواره فی منازل ابرار آمین بعزّه السید الامین  
 و کیفیت تجهیز و تکفین و مدفون لری خصوصنده جمله اغنیاء محمیه مسفوره تهیأ تام اوزره ایکن بر فارس  
 مهیب ظهور ایدوب ولایت ولی متوفی بزمه منوط در دیوسا تری دفع ایدوب کند و فسی بالذات علی اکمل  
 الوجوه تکمیل لوازم و حالا آستانه مرقومه اعمال و قضیه سندن اولان حدیقه جلیله ده مدفون  
 بر رحمت لری اولان خاتما که ودیعه ایدوب و بعد الوفات مصارف عادیه لری ایچون قرق عدد فلورین  
 نو کلی دهده حضرت تیرنه اعطا ایدوب سمت توجهنه مروره انظار حضار دن غائب اولوب رجال الاهدن  
 اولمیرینه اهل پیش اتفاق ایتملدر و بفضل الله العلی العظیم برکت اخیره لری اولان مبلغ مذکور  
 جمله مصارف عادیه لریه و فایده ایدوب فضله سی دخی نظر کرده لری نه الی آخر العمر سرمایه عیش بی منت

حضرت توکلی دده

عشق او در بر سر می بود

و مدار کا مرانی غنی قلت و احیا و اموات و مقیم و مسافر و مجرد و متاهل عامه اخوان و خلایک بلا اسراف  
و تقصیر مصارفه و افیه و کافیه برخیزه غیبیه غیر نافده اولوب حضرت توکلی دده انتقامیله در خزانه  
مر قومه منست و دخل و خرج غله و قفنه مرهون اولشد در طوبی لهم و حسن مآب بعناية المغیث الوهاب  
\*(حضرت توکلی دده)\* فی الاصل اولاد دکار سرایدن بر رشید لیبب عقیف نجیب شاب زکی الفطره  
و بختیار طیب الخلقه اولوب جناب ولایت مآب عتیق الاهویه منجذب و سایه حمایت مایه لرنده تکمیل  
چله مردان مولوی و موقع تکبیر خداوند کاری و کلاه انابت بر سر و خرقه ارادت در بر اولوب خدمت  
میدان چل تنان ایله بر خوردار و یومافیمو مظهر انتظار حسنه مرشد لری اولوب ناطق و صامت  
خانمان بدل و ایثار خدمت اخوان الصفا ایدوب برکات اخلاص و استقامتیه فائز مرتبه خلافت  
و حائز قصب السبق اقران و لابس خرقه وصیت کرده مر بیلری اولوب کویا حضرت عتیق عهد جدید  
نمای کریمان وجود فائز الجود لری اولشد و الی یومنا هذا حوالی دیار روم ایلنده زوایای محدثه  
و حدائق مجده دده مسند آرای تربیه اولان ارباب احوالک اکثری اول شمع انجمن ارشاد کچراغ  
افروخته لریدر کثرهم الله تعالی الی الساعه الاخیره من النشأه الاولى \*(یت)\* یک شمع ازین مجلس  
صد شمع بکیراند \* کرم دده وزنده همزنده شوی باما \* و اول نوباوه نخله اسرار کان ملاحت اخلاق  
حمیده و معدن جواهر آثار پسندیده و محسود طباع خود پرستان اولمغله هر چند دل ازاران خواه  
تا شانندن وضع دلخراش ظهور ایتسه صل من قطعک و اعط من حرمتک نفحه قدسیه سبیل عمل و حساد  
فساده مجامله ولی حمیم بیور و ب اصد قانی حیرت زده تحسین و کج نهادانی غرقه شرم و انصاف بیور مر لری  
تمکین رفعت شانلرینه شواهد معتدله اولد یغی زین المحافل و حرف هجای بدخواه لری شین المجالس  
اولق مقرر اولد قده کوشداران انفاس نفیسه لرین یونظم دلپذیر له تنفیس بیور مشلر در \*(قطعه)\*  
همچو غواصان مفلس از برای کوه لری \* زحمت دریای مردم خوار میاید کشید \* جور هر نا اهل نا هموار  
بهر او کشم \* بهر یک کل زحمت صد خارجی باید کشید \* (مرو بستکه) \* اول پیر ریاضت تدبیر لیل  
و نهار عمر کرامیلرین قیام و صیام و نوافل اذکار و صلواته ترین بیور و بتحمل کرانبار ارتیاض لری  
دوش طاقت بشریه ضعیفه تحمیل مالا یتاق اولق اوزره سست همتان کار سلو کل مسامرات  
بیهوده رفیق نمود لری عکس انداز مرآت وجدان الهام جلال لری اولد قده تشنه را تحمل جلاب جلاب  
تجملست عنوان تلذذ تبیانیه قیاس نفس اخس لرین ابطال و وراثت نعم قدسیه منطوق أفلاً اکون  
عبد اشکور ایله تذوق و اعتناملرین اثبات ایدوب و لیائی صیف و شتاده بعد نصف اللیل (کلوا  
قلیل من اللیل مایه جمعون و بالاسحار هم یستغفرون) آیه کریمه لرین تلاوت جهریه ایله قاری اولد قاری  
حاله ابواب حجرات اخوانه دق و تعریض و قیام و تهجد و تعریض عادت مستمره مشفقانه لری اولوب  
علیکم باصطباح صحبه الصبوح و ایاکم و اضطجاع راحه تمنع الفتوح عنوان تنبیه تضمینیه ترغیب و ترهیب  
بیور و ب یوم مقوله الزام علی الدوام لری وجودش بر قلبینه زحمت ثقیله اولق ظنیه بعض اخوان تخفیف  
قصد یله نیاز مند خدمت مر قومه اولد قده پیش قدمان آکاهان اخوانرا از خواب غفلت بیدار  
کردند و چون این کار بدین خادم بر تقصیر دست نداد پس بجای او با یقاز از نوم طبعی اکتفا کردیم امید  
است که آن نیز میسر شود کفنه ها ضمه بردار لریله عذر آور و بالنفس الی آخر النفس خدمت مر قومه دده  
اقدام نمائ اولشد در بحر خیزی مسترشدن ذوی البصائر مردبان ترقی پایه قیام لیالی و رفته رفته انبیا  
خواب غفلته دخی سبب قوی اولشد و ذات شریف لری مانند لعل آبدار وطن مأول فرنده تربیت یافته  
اولوب کرم و سر دواف و خیز و جوع و عطش و غربت و کربت سیر و سیاحت آزما اولمغله سیاحتین

جهان کردک عجایب عمالک و غرایب اقالیدن نقول دجبه مجیره لری محاسن آرای فریفتگان صورت  
اولد قده خوش بودی اکر به پیشوای دیده و ر بودی و کز نه سفر در وطن قطره رادری بگا و سندن رالعل  
بی همتا سازد دم ارشاد تو آملری به سفر صوری منفید اولیوب سیر و ساولک معنوی لزومنه تنصیص  
و پیشوای رهنمالاته اولدیغنه تنیه یور مشلدر \* (نظم) \* روی در دیوار کن تنها نشین \* در وجود  
خویش هم خلوت کزین \* تعرجه بکزیده هر کو عاقلست \* زانکه در خلوت صفاهای دلست \* ظلت چه  
یه ز ظلماتی خلق \* سر بر انکس که کیرد پای خلق \* هیچ کجی بی ددو بی دام نیست \* جز بخلوت نگاه  
حق آرام نیست \* چون باختر فرد خواهم ماندن \* خونباید کرد باهر مردوزن \* رو بخواهم کرد آخر  
در لحد \* آن به آید که کنم خواب احد \* عاشقان اندر عدم خیمه زدند \* چون عدم بیکرک و نفس واحدند \*  
بالنی و کرد عالم میبند \* دست فی و کوز میدان میبند \* عشق چون در سینه منزل گرفت \* جان انکس را  
زهستی دل گرفت \* (منقول است که) \* اول کل نوحیز کازار تو کل ابتدای سلوک کارنده ماملک نثار راه  
خدمت اخوان و خلان اولوب مانند کل رعنا یکخرقه ایله اکتفا یوروب یسه سرخ روی تاب قناعت  
و خوش بوی خمیره تو کل اولوب قطع افکر بود و نه دلو از مضر و ریه بشریه پیرامن کذا خاطر لری  
اولیوب همواره صفای وقت و انسا ط مشربله خوشحال اولمیری من کل الوجوه ربط قلب و اعتماد فضل  
نا کاهلری کند و لره سرمایه میل هر کام اولوب هر چه در دلم آید از دم دراید مضمونیه معتنم اولمشدر رحتی  
نوبت مشیخته لرنده عین الجمع اخوان الصفا ایله زهت آباد سیر ایدن بر محل فرح حقزایه توجه یور دقلرنده  
کسینه ده زهره تهیه و تقدیم لوازمند کوی اولمغله ذات ملکی الصفا تلرینه تقلید له هر کس بی تمیز ازاد  
مانند سایه پیر و لری اولوب انجام کاره مترقب اولدقلرنده اول جلوه کگاه مقصوده قریب اولد قده  
موقع مر قومه خیام و از دحام خلق مشاهده اولنوب سمت آخره توجه سوق اولد قده سکوتله و محل  
معهوده مسارعتله معامله یور یلوب وقتا کمر سیده منزل مراد اولدقلرنده مکرز بیل محل توجه لری  
اولان بر قافله عظیمه اعیش قافله سالار لری بر منعم محب اولمغله راغب صحبت درویشان و متهی اکرام  
و احترام و هنوز ارسال داعی به توصیه کیفیت ادب دعوت مشغول اعیش چونکه قبل الدعوة الظاهره  
اجابت مکاشفانه لری روغنا اولدیغین معاینه ایدوب صدق و محبت لری از دیاد و تضاعف پذیرا اولد یسه  
بجمله التواضع و اللواحق استقبالی و تعظیم و تکریمه خیام احترام و ضیافته ایوا اولنوب خواطره  
خطور ایتیمان صنوف تبجیلاته معزز مضاف و نابوقت شام توقیر لرنه بدل خزانه خدمات لایقه اولنوب  
و زمان رجعت مقرر خلاقلرنده دخی هدایای بهیه و تحف شهیه ایله تدبیل طومار تبجیل اولندیغی مشهود  
ابصار و بصائر و ماده معینه کمال حال و مایه شیوع اذکار جمیله اولمغله چون اهل باطنیم در اجابت  
مادعوت قلبی بس است و این اکرامات از غار باغ توکل است عنوانیله پرده برانداز روی کار نادره  
پرداز لری اولوب و صغیر و کبیر قافله مر قومه مرید و محب مخلص لری و عرقیه کش اخلاص لری  
اولدقلرنده ماعداسا تره دخی ساری اولوب اکثر قوافل تجار مرور و عبور لرنده ندور و قریب این ایله  
عنه علمیه لرنه و مال استمداد وجهه سسای استمداد و آثار خلوص لرن دخی فوق المأمول مشاهده  
ایتملریله صیت کرامات حسن توجه لری حوالی کبر و اغلب اهالی ایالت بوسنه بنده در کاهلری اولمشدر  
\* (نظم) \* صدق عاشق بر جمادی می تند \* چه عجب کبر دل دانا زند \* چونکه اسرار تنهان در دل بود \*  
هر مرادت زود تر حاصل بود \* گفت بیغمبر که هر کوسر نفعت \* زود کردد بامر ادخویش جفت \* شاد  
باش و فارغ و اعین که من \* آن کنم بانو که باران باچن \* کارما نیست بر کوری آن \* که بکار ماند اردمیل  
جان \* این فضیلت خا کزازان رود هم \* زانکه نعمت پیش تو بی کان نهم \* (مرویسکه) \* اول مرد

میدان اتحاد مسند نشین ارشاد اولد قلزنده قطعا تبدیل الحوار و تحویل رفتار ایتیموب انحق مجالس  
عالمیه مقابلات مولویه ده آحاد ققرادن دستار مختصر و شکر آویزه متبرک ایله ممتاز اولوب ماعد ا لباس  
و کلام و جنبش و آرا ملزنده یکر نک اخوان الصفا اولملری ظاهر پرستانه غرب نما اولغله کویا اقتضای  
مقام لریله قیامده قصور دجل احتمالی السنه سادده دلان نیکنخواهان میدان محرمیه القا ایلد کده این  
یکر نکئی صورتست بنده خواهد که باخوان الصنادر سیرت نیز یکر نک شود نفس قدس سیر لریله جسم  
عروق احتمالات واهییه ذیلنده اگر مساعده توفیق باری یاری فرمایدز یکر نکئی نیز بهی رنکی سفر  
خواهد کرد دم تحقیق تو املریله سد باب قیل وقال و غوطه خور لجه حال اولوب \* (نظم) \* چون به یکر نک  
رسی کان داشتی \* موسی و فرعون دارند آشتی \* کز ترا ید برین نکسته سؤال \* رنکی کی خالی بود از قیل  
وقال \* این عجب که این رنک از بی رنک خاست \* رنک در بی رنک چون در جنگ خاست \* ایات شریفه  
نهایه النهایا لیه ترخم ریز اوله رق سماع وصفایه شروع ایدوب قولان و منشدان یتاب و توان اولد قد نصکره  
ساده قدومیه دخی زمان مدید پر وجود و حال چرخن کردا کرد نقطه ذاتلری اولوب اثنای ذوق حرکت  
دوریه لرنده آثار حقایق شعار حضرت پیر قدس سره المنیردن نیجه ایات لطیفه دخی انشاد بیور و رب  
\* (بیت) \* در عمارت هستی و جنکی بود \* نیست را از همتانکی بود \* نفحه مقدسه لریله ختم کلام  
و اتمام دوران استغراق نظام بیور مشلدر \* و اغلب اوقا نده آستین خرقه مبارک لری مرسله و سر  
بحیب اولملری خصوصی دخی انظار طائفه مر قومه ده سر دنما اولغله این خرقه ققرا چون خرقه ابدان  
شان آماده تر عست و مدار کتمان نتیجه شغل هر دمست که از جمله مستحبات طریقتست و پوشیده دست  
وپای است که بیدست و پایی رکن رکن معروضات و سر که در جیب مراقبه حال خود نباشد بهر حال  
در میان تماشای نقوش و صور سر سری گردد واردات لطیفه لریله توضیح و تخصیص بیور مشلدر  
فی الحقیقه انظار دقیقه شناسان کار سلو کده بدن وحدتخانه اولی و خرقه ثانیه و حجره ثالثه در پس  
درون خلوتخانه خرقه ده مغایرت اطوار سلوک راستان و مخالفت اوضاع سیر محرمان بولیموب  
اخلاق حمیده و احوال پسندیده ایله مالیه اولوب تخلیه و تخلیه خصوصه مراقبه دائم و نظارت  
هر دم سرمایه صلاح و سر رشته فلاح اولد یعنی رسیده رتبه بدها تدر \* (نظم) \* هین مراقب باش کردل  
بایدت \* کز پی هر فعل چیزی زایدت \* کمر اقب باشی و بیدار تو \* بینی هر دم پاسخ کردار تو \* چون  
مراقب باشی و کبری رسن \* حاجت ناید قیامت آمدن \* و رازین افزون ترا همت بود \* از مراقب کار  
بالا تر رود \* تو مراقب باش براحوال خویش \* نوش بین درد داد و بعد از ظلم نبش \* (منقول است که) \* اول  
سابق منازل ذکری الدوام لسانا و جنانا ذکری خالی اولیموب و ظاهر ذکری دخی حاوی باطن اولغله  
جمله حرکات و سکنات عبادات صوری و معنوی و انقاس نفیسه عمر نازینلین صرف ما خلق لده صاحب  
انتباه تام اولملری حسبیله محیه مر قومه ده ممتاز العلای و قلمری بولنان قالب قلب القلب قابل قبول  
اهل اقبال اولیموب بلکه مدفوع دست رد روحانی و بوالفضولانه اخوان الصفا و خیلان الوفا قلزنده  
هوادر لریله باد پیمای گفت و شنید بیجاده اینک ناگاه گرفتار بند ناطقه و اسیر لکننت مطبوعه اولوب  
ناچار عتبه علیه انصاف و اعتماد ره التجا اقتضاسنه بناء برک سبز در دست و توبه و استغفار در دل  
حضور فائض النور لریله مسارعت و بعد تقیل البدن بدوش پشیمانی و کریان و زبان حاله عرض ابتلا  
و نیاز مند اندفاع اولد قد استنطاق و ثب ما جرایه تطف نما اولد قلزنده عدم اقتدار علی رؤس الحضار  
پدیدار اولنجه اثر انخداری نوازل اولق کر کدر دیو توبه حال بیور و پیشکتنه لریدن بر مقدار قد اخراج  
واناله اثناسنده خوش دل باشکه کشایش بند زبان بقدمردان میسر است نطق عنایت قریب لریله

تفیس کربت مبتلای مرقوم ایدوب فی الواقع قندپاره کرامت باره لری رطوبت کام ودهانی ایله ذائب  
 و خاصه بالطنه سی عروق دهن و دماغه ساری اولد یغی ساعت رها یاب نازله معهوده اولمغله فی اختیار  
 سر داده زانوئی اناتلری والی آخر العمر عند لیب مدایح سرالری اولمغله بلی ونعم کویان مجالس سامیلری  
 دخی باجمعهم مید و مجملری و نسا کار هر بار لری اولوب مصیتلری سرمایه اصابت ورب عقدۀ تورث  
 انحلال السلاسل حسب حاللری ونسبت چندان ساعه مدار دولت پایداری اولمشدر \* (نظم) \*  
 عالمیایک سخن ویران کند \* و بهمان خفته را شیران کند \* این زبان چون سسنگ و هم آهن و شست \*  
 و آنچه بجهد از زبان چون آتشست \* ای زبان هم کج بی پایان تویی \* ای زبان هم رنجی درمان تویی \*  
 خویشتن کر خفته کرد آن خوب فر \* سخت بیدار است دستت را شمر \* ککر بفضالش ره سیردی  
 هر فضول \* کی فرستادی خدا چندین رسول \* (مروستکه) \* اول مهبط انوار حمایت صمدیه طرف  
 باهر الشرف لینه کج نکهه و عیب جو و بد کو اولنلر بهر حال مستوجب عقوبت اولوب بعضیلری نائب  
 و معتذر اولمغله رها یاب عوارض غیبت و دخیل در که ارادت و محبتلری اولوب و بعضیلری عناد  
 و اصراره مبتلا و گرفتار در دین دوا و قناده کرداب رنج و عنا اولدقلری السنه معتبرین اوزره تعداد  
 و تفصیل اولند یغنه پرده کش احتیاط اولوب آنانکه بردوام در دکر و فکرا ندسیوف الهیه اند غافلان  
 کورانه خود را بران سیوف میزنند و مجروح و مدمر باشند والا مشغولان ذکر و فکر بحیز دیگر  
 مشغول نمیشوند علی الخصوص در پس پرده نکهه بانان ارواح مقدسه حاضر اند و ناظر اند منسوبان  
 دواثر صدق و اخلاص را بمقابلۀ دواثر مؤاخذات محافظه نمایند و گرنه مایک مشتاخس و خاشاکیم از دست  
 ماحه می آید عنوانیله جوانب فقرای اولیای کرامه جرائت اسائن ادبدن ترهیب و تحذیر بیور مشلدر  
 و الحق احق آن یتبع ولو کان مکتوبا علی الجدار چنانکه فرموده شد \* (بیت) \* همت پیران دلیل  
 ماست هر جامه بر ویم \* قوت پرواز چون تیراز کان داریم ما \* و در عقب آن فرموده است که مرآت وجود  
 بر سه نوعست دنیوی و اخروی و مولوی پس اصحاب مرتبه نازله با سائن آداب ارباب مرتبه عالییه مؤاخذه  
 بینند فکیف دنیوی مولوی که انضعاف مضاعف مجازات را موقع باشند تحقیق را ثقلریله مراعات  
 مراسم مرآت وجودی و جوی افاده بیور مشلدر \* (نظم) \* کر زنی بر نازنین تر از خودت \* در تنگ هفتم  
 زمین زیر آردت \* این بیان خسف و قذف و صاعقه \* شد بیان عز نفس ناطقه \* جمله حیوان را پی انسان  
 بکش \* جمله انسان را بکش از بهر هوش \* هوش چه باشد عقل کل هوشمند \* هوش خروی هوش بود اما نرند  
 \* جمله حیوانات وحشی ز آدمی \* باشد از حیوان انسی در کمی \* خون آنها خلاقرا کرد سبیل \* زانکه  
 وحشی اند از عقل جلیل \* عزت وحشی بدین افتاد بست \* کان مر انسانرا مخالف آمد است \* خر نشاید  
 کشت از بهر صلاح \* چون شود وحشی شود خویش مباح \* (منقولستکه) \* اول نشسته چشمه زلال  
 بقا و مد هوش نشسته صهبای فنا محبت مر قومه ده حاکم الشرع الشریف رمضان افتدی جمعیت سور  
 ختانه مدعو اولوب داعی مخلص لینه اجابت کنیم و اما از طعامش نخوریم عنوانیله جواب عجاب فرما  
 اولدقلری جمله حضار حلقه ضیافه باعث تعجب اولوب بعضا طعام شبهه و بعضا تغیر مزاج و اما ساکارینه  
 حل ایدوب یقینا منطوق کلام ولایت نظاملری مفهوم اولمغله هر کس مال حاله منتظر لر ایکن  
 و اسباب ضیافت بالجمله مشروطه قادری اولان حدیقه به نقل اولمش ایکن ناگاه باران عظیم ظهوریله  
 جامع خشک کاری حرمته نقل اقتضایه ایکن اول موقع متبرکه نقل اولنوب و اکثر علما و صلحا و اعیان  
 و اشراف دخی جمیع اولوب عزیمتشار الهیه مترقب لر ایکن گروه انبوه له تابوت جنازه مر حومه لری رونما  
 اولوب سنات مصلائی جامع مر قومه وضع اولند قنده جمله مهوت و سراجابت مر موزه لری نمایان اولدقده



مقر بن فقرایه حضرت شیخ متوفیک عارضة مزاج کرامت سرشتلری نیچون اشعار اولندیکه شرف عیادتلریله واستجلاب دعای خیر آخره نسکام اجابت دعوات ضیافاته خدمتلیله مغتنم اولیدیق دیوافسوس ودرینغ کوی اولدقلرنده عادت حسنه فقرای خداوند کاری اوزره طعام چاشتلری تعجیلنه تنبیه بیوروب وعین الجمع اخوانه سمالط فقرایه حضورلری عقینده وقت اجابت حاضر باشیدادای دفع فرمای جمعیتلری سرزده اولمغله حصار میدان متفرق اولنجه سجادۀ خلافتلری اوزره توجه قبله وشغل ذکر جلالة ایلہ تسلیم امانت ازلیه بیوردقلری السنه نقله موثقه الاخبار دن مسموع اولنجه حیات ومماتلری کرامات وکالاتله محفوف اولدیغی جمله ینہ ظاهر وعامه علما وصالحا وکافه شهریه وغربا تشییع جنازه مر حومه لرینسه مسابقت وحرار فضائل جزیلہ رحمت نازلده مسارعت ایدوب وقت اجابت دعوتست نفس جامعلری دعوت حاکم الشرع ودعوت احکم الحاکمینہ متناول اولق وصورت اجابت دعوت اولان ازطعامش نخوریم معنای ضیفی تمام رزق ووقتلرین مفید اولق وظهور مطر پر رحمت میقات اجابت حرم جامع شریف اولدیغین اثبات ایتلشواهد معجوبیت دارالبقارلری اولوب هرکس زمان حیاتلرنده انتهاز فرصت خدمتلرنده اولان قصور وحرمت ذات ذوالبرکاتلرنده سبقت ایدن فتوره ازل و جان محزون و بشیمان اولوب تدارک مفات صد دنده خاکپا کلرین زیارت وروح مقدس لریندن استمداد و سراقدر سیرلیله توسله قرار ویروب حالامدفن منور لرینسه پہلوی مرشد مر بیلری اولان مهبط انوار روح وریحانه و دیعه بدیعۀ راحت ودفینه ثمنه رحمت ایتلشردر طیب الله تعالی ترته وقرّب من جواره رتبه امین بحر مہ سید الاولین والآخرین\* (حضرت رمضان دده)\* محروسه مغنیساده اولادمشاخ طریققتدن جامع اشتمات علوم وصاحب انواع فنون و اوستامد محقق عصرلری اولوب انشای عمارسه و نشر علوم عقلیه ونقلیه دده تکرار و اتقان معلومات ومستحضراتدن ماعدافانده عاندر ونما اولمغله تلذذ علوم کشفیه لدنیه به شوق زائد الوصف انبعاشله ترک برک و نواو شد نطاق همت والا ایدوب راه جست وجوی مرشدی کاملده جهان کرد اولوب آخر بتوفیق الفیض الهادی سلانیک شهرنده متسکا آرای خلافت مولوی اولان عبدالکریم دده حضرتلرینک خدمت پر حرمترلرینه رهیب اولوب زیر قادمه تربیه لرینده آسوده سر و بهره مند اثر حسن نظر و یومافیوما قلب الهام تقلبلری از دیاد مناسبت تحصیل واتصال ملایمت تحویلی ایلہ تبدیل الطوار حاضر هیه فائز اولوب ولی عهد ولایتلری اولمغله اگرچه بعد الوفات یایه رفیعۀ جانشینی میسر اولمشدر لکن اقتضای تحالف احکام زمانله دائره خانقاها لرینده رندان لقمه رندان تیز رندان تکون و بین السکان قال وقیل دخل وخرج و خلجان محاسبه علیه وقف تکثر ایتکاه مراعات صفای وقت سیاقنده طرف آستانه سعادت آشیانه خنک کاریدن استعفا وبلده سیر و زه هجرت بیوروب حالا جلوه کاه عاشقان مولوی اولان بقعه مبارکه آراکام آئینده ورینده اولق اوزره موقوفه امیش اول منزله نزول ایدوب احباب سائرہ خانه توقیر لرینہ دعوت اولندقدده ماز آئینده وریندکان اینرباط کهنه ایم پس ازین جهت این ناخجانه از همه مناسب تراست عنوانیله تعلل واعتذار نما اولدقدده علی پاشا زاده امیر الیاس رحمة الله تعالی علیه وعلى آبانه فتاده دام محبتلری اولوب کندولره اول جای لطیفی تخصیص وقالب مولویخانه به فراغ ایدوب وپای آیندکان اجنبیه بی اول وحدتخانه دن قطع وفی الاصل اعمال اوقاف اجداد کرامندن مورد انبای سبیل دنیا ایکن تعمیر وتجید و تخصیص خواص ایلہ باعث از دیاد جور جزیلہ وفی الصبح والمساء ارواح واقفیه ودین ودولته حرمتکه ادعیه مستجابہ ومسکن نفوس مبتطابه اولمشدر نور الله تعالی مراقد عامریها وصفی اوقات ساکیها آمین بحرمه من له الکمال والعز والتمکین وبرکات قدوم کرامت

حضرت رمضان دده

سکالک احمد سیر و درک اولمشدر

موسوملری و فیض سایه حمایت مایلرله اول دیار حری الاعتبار مهبط انوار روحانیت حضرت  
خداوند کاری و محل اجرای آیین و ارکان جلال الدینی و اکثر اهل بیسی سر بلند سایه دست انابت  
بیوست مردان خدا و سالک راه اکاهان فقر و فنا و لشکر طوبی لهم و حسن مآب نعم التوفیق و فتح  
الباب \* و انشای هجرت و انتقال لرنده فقط مشنوی شریف لیرین و شاح الصدر روح روان ایدوب ماعدا  
اموال و امتعه به متعلق اشیا به نیکاه التفات بیور میوب سابقا ترغیب ترک و تجسید و ترهیب اذخار  
و علاقه حکام دنیا اولند قدغه حمل تصنع و قلاشت اید نلره وضع مجردانه لری پند و بند قوی اولوب کویا  
بیدار کران خواب اولنلر کی استیلا کابوس خیال خام و جمله قید و بند سوء ظن و طمع جیفه ذنیای  
ذندن رهایاب و دامن کرامت پیرامنلرینه دست صدق و اخلاصه تشبث ایدوب رکاب انسا بلرندن  
مفارقت ایتوب لیکن بعض لوازم ضروریه تحملنه استمزاج و استئذان ایلد کلرنده همه آماده فی منت  
است نفس تسلیمت فرما لری به منع بیور ملری ظهور ایدوب قطع اسفر و حضر لرده ضرورت کش لوازم  
اولمیوب فوق المأمول معتقم فتوح من حیث لا یحتسب اولشکر در \* (بیت) \* تانکر دانی زملاک و مال  
روی \* یکدمه نهایت این حال روی \* و حضرت عزیز مشار الیه کند ولره ظاهر اوباطنا نکه بان  
و رقیب قریب سلامت حال ایکن عشق مجزوه ذنیاده رقیب انخاد ایدوب حد ادب ارادتی تجاوز  
اید نلر دخی اعتنام فرصتله بروقی دخلوا ه دفع اغیار و رفیر قیاب ملا خطه سیله اجرای مافی الضمیره شروع  
بی تشویش اوزره ایکن بقضاء الله تعالی علی العموم غیرت زده سلطان فقر اولوب اکثری آتش و با الیه  
مخترق و بقیه بی همتلری دخی مانند خار و خس اطراف بقاع غربت انداخته صرصر و حشت  
و دهشت اولوب خاتمه مرقوم مدت مدیده خالی قالوب الی یومنا هذا کثرت غله و وقفه اعتمادا ساکن  
اولنلر محروم فراغ بال و بی بهره صفای حال اولد بی مفهوم رشید و بلید در نعوذ بالله من تکذیر اهل  
و غیره خربه آمین یامعین انک انت الحافظ الدافع ذوالقوة المتین \* (منقول استکه) \* اول پیشوای  
رهروان صدق و سداد قائد قطار اهل تسلیم و رشاد اولوب منزل مرقومه بوریا انداز آرام اولد قلرندن  
تا آفتاب ذات پر نور بر کاتلری مغرب فنا به افول اید نجه آسود کان سایه حمایت لری لیشب و روز لری  
قدر و عید اولوب تتابع فتوح و تلاحق عنایات صوری و معنوی ایله هر بری بیقید و غائله بود و نبود  
ویش و کم کامران عیش خوش و صفای وقت و فراغ بال اولد قلری شکرانه سینه میامن سایه همای  
همتلرین زین المجالس الرفیعه و مایه الافتخار فرقه ناجیه سامیه ایلد کاری رسیده کوش غیب آشناری  
اولنجه (در عادت متقنه صمدی بر موجب مواعید احدی این وجود نعم و صنوف کرم موافق آسمان حقیقت  
استکه بکروه پرشکوه اهل توکل و ترک موقوفه معینه است کاه از روی محبت مخلصین و کاهی  
از طرف مبتلایان مستمندان و کاهی بی پرده صورت از عین غیب بروز و نزول میکنند درین عواطف  
و عطا یای رب الانام مدخل رمضان و پیرام نیست) عبارت پر نکات لیه خزیده سایه ارشاد لیرین ترک و توکله  
تخصیض بیور و ب و مادام الفقر دام العطا فقره شریفه سیله ختم کلام ارشاد نظام بیور لشکر  
\* (نظم) \* کار درویشی و رای فهم تست \* سوی درویشان بکنر سست سست \* ز آنکه درویشان  
و رای ملک و مال \* روزی ز رف می رسد از ذوالجلال \* امتحان کن فقر را روزی دوتو \* تا بققر اندر  
غنا بینی دوتو \* صبر کن با فقر و بگذار این ملال \* ز آنکه در فقر است عز ذوالجلال \* (مر ویستکه) \* اول  
اریکه نشین قدر رفیع و ماه عید جناب منبع حضرت لری او ان طلب لرنده آرزوی ادرالساعه لطیفه  
قدریده ایله جمله لیلی رمضان به حیای بیور و ب سنین عیدیده مد او متلری موصل مرآه جان اولمغله  
بر لیمه شریفه قدر لقیل ظهور تباشیر صحنه خزن زائد البیان خرمایه نالان و کویان ایکن صدای هاتنی

کوشند اولوب اکر از قدر آفاق محروم شدی بجای آن ترادر هر ماه قدر انفسی دادند بعد ازین از قدر نفس خویش غافل مباش عنوانیله جلوه کساحه تبشیر اولان نوید بیعدیل کما هو الموعود کاهی غره و کاهی سلخ و کاهی ایام بیض هر شهر ده کریان مشرق استغراق و فتنای صرفدن پدیدار اولوب مقدار یکساعت تجوی امتداد نصکریه کما طلع غارب و اول ساعه قدر انفسیده انکار و انظار و انفس جلالیه و جمالیه لری مانند تیر و ناول قضا و قدر اصابت هدف متوجه اوزره بی شائبه تخلخل تخلف و خطا اولغله اوقات ظهور علائمده حسب اقتضاء الامر و حد تخانه لری نه دخول و بعد از وال الحاله المعهوده خروج بیور مغله تفصیل ماجرای ممکن اولیوب انجق محرمان راز لری نه این رمضان نیز از شرف قدر خالی نیست نفس نفیس لریله پرد برانداز روی کار اولوب وقیل و فائزنده دخی کیفیت قدر یلری استغراق نوری و احاطه ذکریه بخود اندایله اولد یغین عیان و حین توجه دار البقاری دخی مصادف ساعت قدر یلری اوله یغین بیان بیور ملریله فی الواقع اما رات حالت مذکور ظهورنده کما هو المعتاد المأمور حجره خلوت لری نه دخول بیور و بعد ساعه جسد مبارک لری مفارق روح روان روی نعشه اخراج اولغله رسیده درجه ثبوت اولمشدر و انشای ساعه قدریه انفسیه لری نه دست داده اولان مشاهدات و عجایب احوال و غرایب آثار بیرون حیطه احصا و شمار اولغله علی حالتها الغیبیه ابقا اولنوب من اراد الوقوف فلیرصد الموقف ایله اکتفا اولندی و علی هذا التقدير فلیعده انتقال لری دخی لیمه قدر رمضانیه و ساعت قدر آفاق و انفسیلری نه مصادف ایله یکی مکاشفان و قتلرندن تلقی کرده ار باب صدق و اخلاص در کویا هنسکام آخرین لری نه اول مرامه نیلله دخی شاد کام و عید اکبر وصول مقصد صدق لری روح روان لری و عین عیان لری دیدار اسلاف کرام لری شادان و حیران اولمشدر ادام الله تعالی اجلاله بر وجه و ریحانه فی غرف العدن و فرادیس جنانه آمین یامن لا یخیب السائلین بحرمه شفیع المذنبین و بعزته من هو رحمة للعالمین و قالب مرقح لری حالادرون خانقاهده مدفن خلفا اولان مهبط انوار عفو و غفرانده متواری برده خالک بالرحمتنا اولمشدر تهنده الفیاض المتعالی بتابع لوا مع النوال و ارفاه الی مدارج التبر و الافضال \* (حضرت حسین دده) \* بوسنوی الاصل و حضرت عتیق ددهده نظر کرده و تربیت پذیرنده لری نه اولوب فی حد ذاته مرمی صاحب همت و فرد مالک عزیمت و بعد وفات المربی آستانه علیه سرچشمه زلال عرفانه شتابان و سلک خدمه سعادت سهامه حسن انضمام یاب و مدت مدیده انواع خدمات موفورهده مساعی مشکوره لری نمایان و آخر کار مریه رفیعیه تربیه داری سلطان العاشقینده برخوردار نیل مرام جان مستهام و شهر اسکو بده مجددا طائفه علیه مولویه تخصیص اولنان خانقاه دردمندان بناهه شیخ طلب اولند قدسه سر بلند کلاه و استوای خلافت شعار اولمشدر و هنسکام استخلا فده چند شبانروز \* (بیت) \* بر آستان تو مردن سعادت نیست عظیم \* ز بخت خویش توقع مراهمین باشد \* مضمون اخرا ن هجران مشکونیه نالان و کریان اولوب رجاء مند ابقای پایه تربیه داری اولد قدسه حسین افندی حضرت تریندن لهجه پریمه منایلیریله نوازش و تسلی یاب و هلال را دوری مایه بدری کردن نطق رائق الفعوا و شامل الجد و الریله مبشر و مطیب و جماعت فقر الیله صوب مأمره توجه نما و اول مسند سامیده منشأ بر تو روحانیت پیران پیشقدمان طریقت صدیقیه و مذکر عهد و عتیقه اولمشدر کثر الله أمثاله و نصر بتأییده نظاره \* (منقول استکه) \* بلده مرقومهده تکمیل سیر و سیاحت صوری و معنوی ایدن لردن عینتانی الاصل سید عبدالاحد نام درویش کوشه نشین آسایش و غنیمت رهین آرامش اولوب انظار ذوی البصائر ده مظنه آثار مردان کار اولغله امیر شهر مسفور دن بحسب الغفله قمل بغیر حق صدوری کند و یه باعث ابتلای شهر و سر سام و اطلای

حضرت حسین ددهده

اسلوب در کمال

وقت تدبیریدن اظهار عجز ایدوب ناچار اعتبار مشایخ و فقرایه التجا و همت و توجه لریدن چاره جوی  
اولیسمله آریاب نظر خصوص مذکور حصول بالاتفاق سید عبد الاحد دهده حضرت تیرینک امداد  
قلیه لرینه تعلیق ایتلریله امیر مزبور جناب ولایت مآلیرین دعوت و عرض حال ضراعت مآل و نیاز لحظه  
کوشه چشم عنایت ایلد کده عزیز مشارالیه فیصل قضیه مطلوبه بی استخاره به حواله بیور و بصورت  
استخاره لری دخی امیر بیچاره نکسرای ساحه سنده بارگاه خداوند ککاری ضرب اولوب آمدشد  
در ویشان باب سعادت لری اولغله علی السحر تبلیغ تعبیر الهامی بیور و بوعارضه نک علاج اندفاعی  
مسکنه نک مسکن فقرای مولوی اولقدر دیو خرم ایتلری کارکر درون مسکنه قوم اولوب همان ساعت  
مصلحت مذکور اقامته اقدام نما اولوب بعد الا تمام غنه علیه خنکارا کبر قدس سره الازهره هدایای  
فاخره یله سید عبد الاحد جنبانی ارسال و رجای خلیفه ایتکه تربه دار حسین دهده حضرت تیری  
استخلاف بیور یلوب امیر مزبور دخی عارضه مهملکه معهوده دن خلاص اولدینی کبی در دامارتدن  
دخی رها یاب اولوب بقیه عمر بن خدمت فقرایه صرفله کرده محبین اولیای کرامه ملحق و برکات خدمات  
شریفه لر یله نائل سعادت دارین اولمشدر و قتل مظلوم مزبور لک محل سفک دم ناحق اولان مکانکه حالا  
سماعخانه و مطبخ اولان مکانلر مایند اولوب وقت قتلی کلد کده بهر سینه خون بی سبی جوشان  
اولوب روی مقتلین لعل کون ایلد کده و طئی اقدام آینه دور و نده دن محافظه سیاقنده آب پاکه شست  
و شوایدوب غسله لاله رنگین باغچه خانقاهدن حفرة معینه به صب و انفق خدمه جار و بکشان آستانه  
مذکور به و وظیفه سنوی قلمشدر و انما الاعتبار باخواتیم مصداقچه مأمولدر که امیر مخلص دخی خاتمه  
عمر و عملی راه مردان خدا ده بدل موجود و افنای بودله اولق تباشر صبح سعادت رضا و ارضا اولوب خرب  
الهی اولان گروه پرشکوه فقرای طرق احمدی ایله محشور و عین عنایت غفرانله منظور اوله \* (نظم) \*  
کرچه آلت نیست تومی طلب \* نیست آلت حاجت اندر کار رب \* این طلب مفتاح مطلوبات تست \*  
این سپاه و نصرت رایات تست \* بخشش بسیار دار شه برو \* ای که تودر وهم و تصویری کرو \* مرد  
غرقه کشته جانی میکند \* دست رادر هر کاهی میند \* تا کد امش دست کیر در خطر \* دست و پای  
میند از بیم سر \* هین که اسرافیل وقتند اولیا \* مرده رازیشان حیات تست و نما \* چون تعلق یافت نان  
بابوالبشر \* نان مرده زنده کشت و باخبر \* موم و هیزم چون نوای نارش \* ذات ظلمانی اوانوار شد  
\* (مرو بستکه) \* اول مرد میدان ریاضت و سابق منزل عبادت اولو و آخر مشغول مهام تکمیل نفس  
ناطقه انسانیه اولوب حظوظ امارتدن بالجمله نفور و کمال زهد و صلاحله آراسته بر شیخ پر تدکین و حضور  
اولغله زمانه سی بطل و مدعی لری کویاز زهد خشک بر زخنده قلوب عشق و معرفتدن بی بهره اولسنه  
ذاهب اولوب دائره پر سعی و ادب لریدن پاکشیده اولملریله پیرامنکر کرد منزل ارادت و محبت لری  
مأمون الغائله رهنان تفرقه و تردد اولوب لطف تودد و حسن تعلقلریله هر بری بهره مند ترقی و حصه یاب  
تسلی اولمشدر در هر چند طبع شریف لرینه مراعات اخوان زمانه سوق اولند قدومه محاسن کجروان  
باضاعت متآذبان مفضی باشد چه بطالت و فساد عقیده از تأثیر صحبت و میل طبیعت سرایت کنده تر  
از تأدب و صلاحست دم قدسی خرم و احتیاط توأملریله سد باب اهمال و شد نطاق اکمال مسترشدان  
بیور مشلر در \* (نظم) \* کار مردان روشنی و گرمیست \* کار دونان حیل و بی شرمیست \* حرف  
درویشان بدزد مردودون \* تا بخواند بر سلیمی زان فسون \* از مقلد تا محقق فرقهاست \* کین چوداود  
است و ان دیگر صد است \* منبع گفتار این سوزی بود \* و آن مقلد کهنه آموزی بود \* میکند گستاخ  
مردم را راه \* و بجان لرزان تراست از برک گاه \* پس حدیثش کرچه بس بافر بود \* در حدیثش لرزه هم

مضمهر بود\* و ازین قبیل است که گفته اند بی را هر اره دادن رهروان را زدنست دیوتا مید ما جرا بیور و ب  
 و حضرت پیر قدس سره المنیرک (بیت) جور بی پایان و بحد برده ایم\* ره بر اهل خویش آسان کرده ایم\*  
 نفقه قدسیه لریله استدلال ایدن مغرورانه آری پس از اهلیت ایشان آسانی مقرر است عنوانیه  
 تعریض و عدم اهلیت لریله امضا بیور مشل در که دست و پای دردمندان احراز رتبه اهلیت صد دنده  
 اولدیغی لدی اولی النہی هویدادر\* (نظم)\* حرف درویشان بدز دیده بسی\* تا کمان آید که هست  
 اوهم کسی\* دیونموده و راهم نقش خویش\* اوهمی کوید که زاید الیم و پیش\* لاف شیخی درجهان  
 انداخته\* خویشتن را بایزیدی ساخته\* هم ز خود سالک شده واصل شده\* محفل واکرده در دعوی  
 کده\* از خدا بونی نه اورانی اثر\* دعویش افزون زشیت و بوالبشر\* (مرو بستکه)\* اول عاشق  
 سر باز و صادق ممتاز خدمت تربه معظمه ایلہ شرفیاب اولدیغی ازمانده وضوی دائم اوزره اولوب و ایام  
 منہی الصومدن ماعداده صائم و لیا لیسندہ قائم و صدق و ادب نام ایلہ جنبش و آرام و سوز و کدازی  
 خدمات عتبه علیہ ده اقدام نما اولوب احیان غلبه حال و محوده مشاهده بیوردقاری آثار عجیبه ارواح  
 عالیہ متجسدہ نقل و تفصیل اولنسه منقبه جلیله لری مستقلا بر کتب عظیم الحکم اولوق مقرر در اخلاف  
 اخوانه مفید احتیاط اوله جق بعض مشاهده لری انتخاب اولنوب حسن ختام ذکر جمیلاری قلمشدر که  
 عزیز مشار الیہ بعد العشا درون تربه مقدسه تربه داران ساکن اولدق لری مسند مبارکده سر بحیب  
 مراقبه ایکن کندویه انسالخ جملی طاری اولوب بین السماء والارض بر دیوانخانه وسیع الساحه  
 معاینه ایدوب جمله خشم دیوانیه اسلاف اخوان مولوی اولدیغین شهودله جرات یاب نظاره درون دائره  
 دیوانیه اولدقده مسند شاهیده سر متجسد حضرت خنکار اکبری و صدر وزارتہ جناب حسام الدینی  
 و سادات سائر طریقت جلالیہ فی حسب المراتب قاعد و قائم و مخدوم و خادم مشاهده ایلدیکی اثناده  
 بالفعل کلاه حیات بر سر و خرقة عافیت در بر اولان مشایخ و فقرا در هر برین پیشگاه عنایت دستکاهه  
 احضار بیور و ب اولاشایسته قبول اولان نوینارانی قبوله مساعده و تکمیل حله مر دانه دا احسان  
 تکبیر و الباس کلاه تنبیه و مشتاق سماع و صفا و بهره یاب و جد و حال اولنلرک دخول حلقه  
 دوران عشاقه اذن و مستحق امانت عظمای خلافت اولنلرہ الباس خلعت استخلاف و نومریدانه تعیین  
 اسم جلاله و مد اومت اوراد شریفه مولویه تا کیدوشایان عاطفت سلطان العاشقین اولان اخص  
 الخواصه احسان مراتب جلیله و کستخان راهه حسب الجنایه فرمان سیاحت و سر پا و بلکه بعض  
 عقوبات شدیدہ ایلہ ترتیب جزا و منسکین متمرین فقرا آزاره تأدیب و تدمیر و تسلیط سزا و مقوله سی  
 دیوان معالی ارکان علویلرندہ جلوه کر میدان خیال اوله رق در حال دوائر علیہ خوانق طریقتلرندہ و نما  
 اولدیغین ایرادله نقوش ظاہرہ الواح مشایخ و فقرا و احبا و اعدا و بالجمله تصویر کرده کلک روحانیت  
 مقدسه خداوند کاری اولدیغین افاده و صحائف در وندن ترد و انکاری دفع و رفعی توصیه بیور و ب  
 مرادمانصیحت بود و کفتمیم\* حوالت با خدا کردیم و رفتمیم\* مضمونیه قرب ارتحال لری اشعار و نتیجه  
 وجود فائض الجود لری اولان مخدوم اکملین ولی عهد بیور و ب بعد ازین جانشین ماشیح مصطفی  
 است عنوانیه دفع دغدغه این و آن ایدوب ایام ثلاث مرورنده عبور قنطره فنا ایلہ خرامان روضه بقا  
 اولوب جسد پاکیزه لری حال تربه رفیعہ مشایخ اولان بقعه مبارکده و دیعه میقات قیام الساعه قلمنوب  
 فی الحقیقه بعد وفاته طالبان مشیخت و مستحقان خلافت اتفاقیه خدمات مبروره حل و عقد خانقاه  
 مرقوم حسب ماقال ولی عهد لری نه تفویض بیور یلوب اولدخی پیر و پدر والا کهر لری اولوب  
 کند و لردن مخالف شرع و طریق وضع ناپسند ظهور ایتدیکندن ماعدا اجرای مراسم سلوک و اتیان

آداب فقر و فساد سر موی و نلری محسوس اولیوب\* (بیت)\* دهد شمر ز لر زور نشه درخت خبر\*  
 نهفته های بدر از پسر شود پیدا\* خنوا ی بر جد و اسی اوز ره نقد وقت و الدما جلد لری اولدیغی پیر و بر نایه  
 هوید اولوب انلر دخی آرزوی التحاق پیشوای جسم و جانلر یله سنین معدود دده دادده مشیخت و مسارع  
 جوار حضرت پر رحمت و پهلوی بدر لر نده آسوده دغدغه حوادث عالم کون و فساد اولمشدر نور الله  
 مر قده و علی سر الرقدس ارقده آمین یا مجیب الداعین و یا من لا یخیب السائلین و متعنا و کفا  
 الطالبین باستظلال خیام شفا عاتهم المبروره فی عرصات الحیره المشکوره\* (حضرت داود دده ده)\* شهر  
 انطالیه دده نخل بر و مند حدیقه خلافت مولویه اولان سلیمان دده ده حضرت تیرینک فرزند ارجمند لری اولوب  
 فنون ظاهره و علوم باطنیه دده فائق اقران و سابق امثال ایکن العرق نزاع مصداق بجه خدمت شریفه  
 حضرت شیخ محمد زنجیر قرانه منجذب و سلك تربیت کرد کانه منتظم اولغله بعد وفات المربی سوز و کداز  
 فراق و هجرانله سر بحر ای سیاحت و اولاجه سالی عتبه علیه تربه مقدسه مولویه و خدمه مطبخه  
 ملحق اولوب چند ساله مقیم مقام خدمات اخوان حرم نشینان و بعده حواله خواهر زیارت حرمین  
 شریفین و مجاورت مدیده د نصکرا اشتیاق رومال مسجد الاقصی و آرزوی تبین زیارت مشهد منور  
 خلیل الرحمانی ایلر رجعتده قدس شریفه کلوب خیره الله جوارنده واقع زاویه قدیمه مولویه دده دامنچین  
 فراغ کردش عالم صورت اولوب سیر معنوی و تمشای عجایب انفسیه ایلر روشندل و کندوشان رفیع  
 العز و انلرینه مقبل ایکن طرف باهر الشرف آستانه سعادتدن ناگاه نام نامیلرین حاوی مشیخت نامه  
 خاتمه مصر مانند نسیم سحر برید مسرت اثرید یله رسیده حضور فائض النور لری اولدقده اکرچه اذاخلی  
 و طبعه مستند زب امتیاز اولدن رمان و حلقه دام تعیندن برق آساجهان ایشلر لکن موجب رسم  
 نفس بندی اوزره نهضت سمیت مأمور والی آخر العمر اول صدر سعادتده کار فرمای ارشاد مریدین و تسلی  
 بخشای محبین اولمشدر در\* (مرو بستکه)\* اول مقصد دردمندان او ان خلافتده فخله تسخیر بوستان  
 انابت بار آور غمره ارادت اولوب آهندلان جنود نود دولت مصریه میاننده رسوم مهر بانی مرتفعه  
 و مانند میلان جنکی آشوب خون آشامی عادت مستمره اولمشیکن برکات قدوم و میامن تشریف  
 و فیوض انقاس نفیسه نصیح و پندیر تأثیر لریله بر لرینه ناصح امین و ولی جمیع اولوب کویا وارث معجزه سمی  
 کونلری اولغله قلوب آهنین رجال دولت دست کرامت پیوستلرنده موم آسانرم و ارتباط قوالب  
 واتحاد قلوبله جمله سی درع مبارز میدان اقبال و سعادت اولوب مقیم و مسافره اول ملک نازنینک  
 هر کوشه سی آغوش مادر وار جای آسایش و منزل آرامش اولوب هر سرای و مجمع کلام پیر و پلنک  
 و حلقه شیر و نهنگ اولمشیکن بفضل الله تعالی و توفیقه مساکن ار باب کرم و جلوه کاه فتویداران نعم  
 اولدیغین صغار و بکار محضا کرامت داودی اذعان ایدوب شکرانه بر نسلامت حال و اکثری عرقیه  
 پوش محبت و اخلاص مال و خدمات در کاه اولیاده مالک خزانه اقتدار اولمشدر در حتی مجالس  
 عالیه لرندن بر محشر اصدقاده عموما یکنر بان تشکر و ثنا اولدقلرنده محبة الاولیاء بضاعة السلامة ولا یحب  
 الولی الا من ارید به الخیر نطق صدق مشکونیه جمله حضاری محبت اولیاء الله ترغیب و بطریق  
 المفهوم خلافتدن ترهیب بیوردق لری حالا اول دیار جلیل الاعتبارده دستور العمل ذوی الابصار در که  
 رؤسای دولتری محبین اولیا اولدقده حواشی سائره دخی انلره تقلیدله بهره یاب اکرام و احترام فقرا  
 اولوب مستفیض آثار جزیه خواطر فیض مآثر لری اولوب عیما ذاب الله الغیور المغیث اثر اسلاف  
 صالحه دن تخلف کآن و کپوه و اهانت اولنلر گرفتار فتن و ملاحم و اغلبی غلبه اعدا ایلر یا مال و کوی  
 چو کان حوادث مزعجه اولتی زما نگرده دخی کرار و مرار اعیانیه اولمشدر و اولولی کرینک زمان

حضرت داود دده ده

کرامت عنوانده و احباب و صدقایی ایام اقبالنده ام الدنیا ایناسنه مشفقہ اولوب هر کس آسوده  
 سر و فارغ البال و منتظم الحال و طائفة منسوباتی منقرضه اولدقه نعم مذکورده دخی منزوعه و سکنی  
 کاهی فقط و تسلط اهل جبرله و کاهی و با و انقلاب احوال الله قاهره اولمشدر متعنا الله تعالی بلطف ظلال  
 حمایتهم و انعم علینا بالتودد و نحو منازل ساداتهم آمین یا معین المستجیرین \* (نظم) \* کورتو بیوندی بدان  
 شه شه شوی \* ذره کردی و لکن مه شوی \* برتر اند از عرش و کرسی و ملا \* ساگان مقعد صدق خدا \*  
 یا علی از جمله طاعات راه \* بر کین توسایه خاص آله \* هر کسی در طاعتی بگریختند \* خویشتر را مخلصی  
 آنکیختند \* تو برو در سایه عاقل کریم \* تارهی زان دشمن پنهان ستیز \* از همه طاعات اینت بهتر است \*  
 سبق یابی بر هر آنکه مهتر است \* (منقول است که) \* اول نکه همان کروه مستود مستد انک عادت شفقت شعار  
 کیمانه مرشدانه لری سایه سعادت لریده آسوده سر درد آوار کی بولنان بی سر و پایان عادت قوم مصر اوزره  
 فوق السطوح سر بر آسایش و خوابگاه آرامش لری ناریکی شبده تشریف بیور و ب انلر خواب راحتده  
 ایکن هر برینک سر بالینده سلامت حالی ایچون سوز و کداز له دعا و نیاز بیور مق شیمه مستره لری  
 اولدیغی بعض بیدار دلانه پدیدار اولغله کمال شفقت پیرانه لری نه تشکر سنخ اولدقلریده اخوانا و ادایع الحق  
 و حفظ و دبعه بالنفس اولاست نطق شریف لریله مراعات اخوان فی السراء و العلانیه لازمه ذمت همت  
 پیران اولدیغین افاده دینده این طرق علمیه مانند بحر اند و خانقاها چون سفن است و مریدین و محبین  
 سکان کشتند و مشایخ ناخداست پس شرط ناخدا بی آنست که ساگان کشتی در خواب راحت باشند  
 و او بیدار و ایشانرا بمنزل برساند نفس انفس لریله خصوص تنبیه و سالکینده جلوه کراولان همت  
 عالیله لری نه اشارت بیور مشلر در فی الحقیقه زمان سعادت لریده مستنیر شمع ارشاد لری اولان اخوان الصفا  
 غوائل برازخ دیده اولیوب برکات توجه خاطر فیض مآثر لریله سواحل رس سلامت اولمشدر در  
 \* (نظم) \* کرم درهی راه نهان باید رفت \* صبادیه رایک زمان باید رفت \* کرمیخواهی کدراحت  
 انجام دهد \* منزل همه در درون جان باید رفت \* هر روز زچرخ بیش میخواهم کشت \* کاه از پس  
 و کد ز بیش میخواهم کشت \* با عالم و خلق عالم کاری نیست \* کرد سر و پای خویش میخواهم کشت  
 \* (مرویت که) \* اول شمع انجمن معارفک نیزن باشم لری اولان در ویش عند لیب بعض مجلس  
 احبابده نغمه سرایی صد دینده بولنوب صاحب خانه در ویش مر قومل طرف باهر الشرف لری نه صدق  
 و اخلاصنی امتحان سیما قنده عزیز مشار الیه حقننده جسامت و طول قامت و کثرت الحیه لری  
 امارات غفلت عدا اتمکاه خرده کیرلک ایلدیکنده در ویش مذکور دخی مقابله ده ابدان ارباب  
 کمال بی اشتباه مانند بنهاست در قبول نفحات قدسیه و شیخ مادر میان آن نهاد او داوست پس داود را از  
 جسامت و طول قامت ناگزیر است نکته نفس الامری سیمله مطایبه سنخ اولدیغی کوشکدار لری  
 اولدقه او مارادر میان بنهای مشیخت داود کرداوست و داود اورادر میان نغمه سرایان عند لیب میکند  
 نفس میمنت اثر لری فیض سیمله بین الفقر شهرت عند لیبیه ایلده مدعو اولدیغی کبی کوشداران نفحات  
 لطیفه لری دخی حقا که عند لیب کاشن سماعت عنوانیه یکز بان تسلیم و تحسین اولدقلری مشهور  
 متواتر و داود نواز لقلری حیرت اهل مناحت مر قومه اولوب و اولولی والا همتک تقریر مشوی و تذکیر  
 معنویه اولان حسن اد اولطف بیان دلشینلری بهره مند شعب کالات داودی اولدقلری نه یننه عاده  
 اولمشدر و مدت العمر کوشه خلوت کرین و عبادات رهین اولوب اوقات شریفه لری غایت محافظه اوزره  
 اولدقلری مشتاقین صحبت شریفه لری نه کران نما و نیاز آو رجحان و صحبت اولدقلریده باری نی سبی  
 و بلکه مورث سر خفیلرینه تبعیت بیور و ب کاه خلوت و کاهی جلوت اختیارینه ترغیب اولندقلریده

در زمان آن سلطان بنیامان عجز شعارش را و کوهها یار رهی کردند و فامادر زمان این بنده ققط  
 همدمانست عنوانیله اعتذار بیور و برباعی شریفه استشهدا دایه شلدر (رباعی حضرت عطار  
 الاسرار) دل خون شد و کس محرم این را ز نیافت \* در روی زمین هم نفسی باز نیافت \* پردرد بخاک  
 رفت در عالم خال \* هم محبت و هم درد و هم آواز نیافت \* با اهل توان قصد معافی کردن \* با نااهلان چه  
 میتوانی کردن \* آهنگ عذاب جاودانی کردن \* با نااهلیست زندگانی کردن \* خواهی که ز پرده محرم آبی  
 بیرون \* در پرده نشینی و کم آبی بیرون \* چون موی که از خمیر بیرون آید \* از هر ده هزار عالم آبی بیرون  
 \* (منقول است که) \* اول یکانه میدان تحقیق معافی را تهنه و نسکات فاخره لری زین المجامع اولوب و افضل  
 و قتلری عند بنده مقبول و مستحسن اولدیغندن ماعد اکثری رخن خفی به محمول اولغسله قول و فعللری  
 یکسر حالی اولوق اوزره مجمع علیه اولمش ایکن بنه سمت نظمده بوقطعه غراند غیری زیب مجموعه  
 ثبت اولدیغنی سبب خفیی استفسار اولند قد ه وقت مازمان خود کفتم و خود شنودن است پس  
 مجد اخله ترقیم حاجت نیست عنوانیله تصمص سبب منع نشر بیور مشلدر و آن قطعه زیبا اینست \*  
 سلیمان را و انک مور مسکنی اولوب داود \* مصاف دیو نفسکده زره پوش تجرد اول \* بدندر تخت بر بادی  
 خرد آصف کوکل مهری \* بواسباب سعادت له شه ملک تفر داول \* (منقول است که) \* اول عزتمند دولت  
 خدا دادک ابتدا ی قضیه خلافتلری موقع اختلاف اولوب کار امرای مصریه دن بعضیلری مشیخت  
 مر قومه بی آشنالزندن بر در ویشه مر ادا دیوب عتبه علیه خداوند کاری به عرض ورجانامه لار رسالی  
 عقینده منشور خلافت نام نامیلر بنه ظهور ایدوب رجالی مر دوا ولد یغنی باعث تفر داولوب عزیز  
 مشار الیهی وجوه اذ الیه و تسلیمت اجلا فله فراغ و فرار ایتدیروب بو طریقه حصول مطلبه قرار  
 و برملری مسموع اولوب و بعضادخی اکر وقف خانقاهه و اسکر عرض فقرایه تعرض الیه ابراز  
 مافی الضمیر شروع اولنوب و قنایه وقت جانی و دردمندان فقر اشکوه ریزا ولد قلزیده (لعل الله یحدث بعد  
 ذلك أمرا ولا یحییق المکر السیئ الا باهله) دارالظالم خراب ولوب بعد حین مضامین شریفه لریله تسلی  
 بخشا اولوب اسکن خصوص مر قومه اسائنات ادب و فطرط جراتلری کمال پذیرا ولد قد ه بخودانه  
 ند میرلری باینده کلیمات فنا قبه میدان چل تنانه ولوله اندازا ولد یغنی ساعت میان عسا کر مصریه ده فساد  
 عظیم تکرور ایدوب و انسای قته مر قومه ده امرای تد میر انجام جمله توابع ولوا حقیر لریله طعمه شم شیر  
 ملحمه اولوب حتی استظهار اهل تغلبه طالب خلافت ناخلف هم قوم لایسعد بهم جلسهم  
 مصداق بجه شراره شامتلریله بین الفقر اماده اعتبار و سوخته نائرة قهر قهار اولوب امر خلافت بلا  
 مزاحمة الامراء الشرا و عمانة الکبراء الفجار ذات کرامت سمانلرینه مسلم اولدیغندن ماعد اول  
 امر لرنده بومقوله تأیید صمدانی ظهوری آخر وقتلرینه دکن هراس افکن قلوب متغلبه اولغله قرق سنه  
 مقداری دادده مشیخت مسلمه اولوب مریدین و محبین الیه وقت خوش گذارا اولوب هنکام هلال  
 مد مرین مخدولینده از فلاخن قلوب سنک غیرت انداخته شد و از کسرات کثیره انکسارات جالوت ما  
 و تباعش هالک کشتند نفس حمیت توأملریله پرده برانداز روی کار کارزار معنوی اولمشلدر  
 والحق کما قال وأحق أن یعتبر به فی المال و فود ساه معمر و معمریتلری اثنا سنده کمال پیریدن بیزار نشست  
 و خیز مجلس فانی و رختکش عزیمت دارالقرار و متوجه سرای راحت جوار و مر اقد پر روح  
 و ریحان مشایخ سلف اولان دخه رحمت بنیاده سپاریده آغوش مادر خال پال اولمشلدر نور الله  
 تعالی مضجعه و طیب فی مقعد الصدق عیشه آمین یا مجیب السائلین و متعنا بنعم موائد حیات الغوثیه  
 و فوائدها شفا عته الحسنه و كافة الطالبین فی الدنیا و البرزخ و الآخرة بحرمه سلطان الرساله و بعزة برهان



حضرت وجدی دده

یکی شهر در که می نویسد

الهدایة \* (حضرت وجدی دده) \* فی الاصل دیار روم البده دبره نام قصبه دن برخانان دار و اولاد  
 کاردن اولوب خانه لری دار المسافرن اولغله سیما خان درویشانن مهمان لری اولنلره اکرام  
 پراخلاص لری کندویه سرمایه خلاص قید علایق وصیت کمال حضرت تو کلی کوشکدار لری اولغله  
 طرف باهر الشرف لری نه انجذاب مستولی و وصول خدمت و محبت لری نه مولع اولوب و خصوص مرقومه  
 فیصل کاری شمشیر استخاره به حواله ایتمه که صورت مثالی لری بواسطه اوزره منصفه پیرای بروز  
 اولمشکیم حضرت تو کلی دده کرده انبوه پرشکوه اخوان و خلان مولوی ایله سعادتخانه لری نه نزول  
 بیوروب بعد تناول التزلزله نه غصت و مبادرت جانب مقصود بیورمه لری ایله سمت مقصد سؤالنه زیارت  
 درگاه خداوند کاری میر ویم عنوانیله جوابده اولدقده طالب مرقومه دخی خواهش زیارت مذکوره  
 و همراهی عزیز فریور غلبه فرما اولغله اول دخی اتباع و اشیا علیه قافله زواره ملحق اولوب انشای  
 راهده یکی شهر نام سواده نازل اولدقده حاله مقصر قمرای مولود اولان مهبط انواره نزول بیورملری  
 هنکامنده مخلص مرقومه اول منزل بهشت نشان فوق الغایه نشاط افزا اولغله رغبت زائده جلوه کر  
 ساحه درونی اولدیفی عزیز الهام سمیره عکس انداز اولدقده این منزل نشاط بخش سرای تو خواهد  
 بود نفس خیال لبر لیه مستبشر اولوب و اول سرور ایله بیدار اولدقده ظهور تعبیری کندوی مسارعت  
 التحاق طائفه علیه به سائق و قائد اولوب همان ساعت ترک علایق و رفض عوائقه شدنطاق توجه التحاق  
 ایدوب شرف یافته وصول مرام اولدقده اول ولی حمیمی کندویه والدینندن اشفق و ارحم مشاهده ایتمه که  
 تأکید رابطه اخلاص و مداومت خدمت شریفه لریده کامیاب اولوب سرای نشاط افزا لری اولق  
 اوزره تبشیر اولنان مقام عالی به استخلاف بیوریلوب کافی الواقعه اول بقعه مبارکده کامران و مشار  
 بالنان انشای زمان اولوب و سلامت قریحه صافیه و سلاست طبیعت و قاده لری مبد آمل کلزار نظم  
 اولغله انشای آثار خوش آینده و ترتیب دیوان بلاغت ارکانه موفق اولمشلردر و دخی اول عاشق پرشور  
 اول حضور مجلس سماع و صفاسنده غلبه عکس بر تواریاب حال و مناسبت طینت صفوت مآ ایله مغلوب  
 و منجذب اولوب عنان اصطبار ر بوده دست اختیاری اولغله شهقه جهیره و شدیده ایله محل قیامندن  
 درون حلقه سماعه پر تاب ایدوب گردش بر تابه جرخزان اولوب و حرکت سماعیه سی سنین عیدیه مشق  
 وادمان اخوانه غالبه اولغله لهجه پر بهجه حضرت تو کلیدن مخلص وجدی ایله متخصص و بین الاقران  
 اول شهرت پر فضیلتله مدعو اولمشدر حتی مجلس اولده بو کونه تأثر و بلا اذن حلقه سماعه دخوله جرأت  
 باعثی استفسار اولدقده انشای مغلوبیت و استغراقنده هاتف غیدن \* (بیت) \* ای کرد باد بادیه وجد  
 و حال هین \* در حلقه سماع درای وصفابین \* بیت اذن آمیزین تلقی بیوردق لری نقل ایتلرین جناب  
 ولایت مآب حضرت مرئی تصدیق بیوروب و خلاف غماری رسم راه اولان وضع نادر لرین انکاردن  
 ترهیب بیورمشلردر و این داد فیاض بی علت است بمیزان قیاس نتوان سنجید نفس انفس لریله سد باب  
 تعرض بیورمشلردر \* (نظم) \* داد حق را قابلیت شرط نیست \* بلکه شرط قابلیت داد اوست \*  
 فی الواقع مشارب صافیه ادنی بهانه تشویق و نشاط ایله واجد و حالدار اولق و طبایع قاسیه تکلفات  
 شدیده ایله انجق بنده حرارت مظهر اولق آینه غبار دار مسخ جزئیله صفوت و جلا غما و مرآت پرژنکار  
 تکلف صیقل ایله بر مقدار جلوه گاه عکس دیدار اولغله مبرهندر \* یا خود بر عیاش نیم مست یکدو جامله  
 بخود و پر نشاط و مخمورد لفسکار اخزان روز کار رطل کرانه دفع اکرار غموم اتمک مرتبه سی  
 نشئه دار اولغله مثبت در که فرقه ثانیه نائل تخلیه موانع اولانجه فرقه جلیله اولی واصل نعم تخلیه مطالب  
 اولق بی شائبه استیبا هدر این الماشی من الطائر و الغائب من الحاضر \* (نظم) \* خانه را من رو فتم

از نیک و بد \* خانه ام پر است از عشق احد \* چون غبار تن بشد ماهم بتافت \* ماه جان من هوای صاف  
 یافت \* بس شدند اشکسته اش آن صادقان \* لیک کو خود آن شکست عاشقان \* عاقلان اشکسته اش  
 از اضطراب \* عاشقان اشکسته با صد اختیار \* بهر مخور خداجام ظهور \* بهر این مرغان کور  
 این آب شور \* دردهای ساقی یکی رطل کران \* خواجه را از ریش و سبیل و ارهان \* آب رحمت بایدت  
 رو بست شو \* وانکه آن خور خمر رحمت مست شو \* (منقول است که) \* اول نهنگ عیان فنا و آینه  
 کیتی غمای بقا اول اراده سندن آخر خلافت و ارنجیه قطعاً تحمل بار تحمل و اعتبار سیور میوب اطلاس  
 و بلاس و صدر وصف النعل و ستیز و سیاس نظر عبرت اثر لرزیده بکر نیک اولوب مجالس و مجامع اعیان  
 و اشرف شهرده دخی ساده کلاه وزین درویشان ایله بولنوب فقط جمعیت مقابله مولویه ده دستار  
 کبکسودار و امتیاز شعار مولوی ایله مانند امامه سبجه عمامه لری کند ولره باعث فرق فرق آحاد فقرا  
 اولغله بر روز اجابت دعوت احباب ده سیاحان نو آمدگان و خانقاه نارسید کاندن برخایاتی مشرب  
 بی سرو پائشی راه ده ذات ملکی الصفا نلرینه مصادفه و دردمند بیچاره روی و دماغندن کرد و غبار  
 یتائی راهی شست و شوق صد ایله هر کور دیکین کند و ایله هم مشرب قیاسیله عرض مصادقه و پرسش راه  
 خرابات ایتد کده اول مرشد راه سداد پیشرو اولوب اول دخی پیر وانه رفتار له معا خانقاه کلوب  
 و مطبخه دخول ایدوب صفة مطبخه غریبوری اجلاس و نشین که این مصطفی عیش خوش اخوان ماست  
 عنوانیله تنبیه و فقرای در کهک جنبش ادبیانه اکرام و احترام لریدن قلندر مد کورر هماسنک مشیخته  
 انتقاله غرقه لجه انفعال اولدیغین مشاهده بیورد قلندر دردمند مبتلای دام هوای درد شرمه ای یار  
 غم کسار خرابات اهل فنا خانقاه هاست و خریفانش ارباب خرقة فقر و تجرید است و خلفا پیران  
 میفر و شند و شرابش عشق الهی و عیش تشنه اش نامتناهی پس معاشر ارباب از طلعه خانه پیرمغان نشا ط  
 جستن انصاف نیست نفس تربیت فرمالر ایله تسلیم بخشا و دوا فرسا اولمیری بی خشونت ما و من اولغله  
 کالغش فی الحجر جایگیر حقیقه دل و جان بیچاره سی و در حال مدار توبه و استغفاری و اول برزخ آب  
 آتشنا کدن مانند باد کذرا ایتسینه بادی اولوب سائر مریدان در که آسا سالک راه آداب شریعت  
 و طریقت و واصل سرمزل عیش بی خمار جاودانی اولدیغی مشهود علیه معاصرین و فی ایامنا هده علی  
 وجه التحسین زین المحافل محبین مخلصیندر \* (نظم) \* مرکب توبه عجایب مرکب است \* برفلک  
 نازدیک لحظه زیست \* لیک استغفار هم در دست نیست \* ذوق توبه به نقل هر سر مست نیست \* کرمیه  
 کردی تو نامه عمر خویش \* توبه کن زانها که کردستی تو پیش \* عمرا کر بگذشت بخش این دمست \*  
 آب توبه به شده اکر اوبی نم است \* بیخ عمرت رابده آب حیات \* تاد رخت عمر کردد باثبات \* جمله ماضیا  
 ازین نیکو شوند \* زهر یارینه ازین کردد جو قند \* سینا نت رامبدل کرد حق \* تاهمه طاعت شده آن  
 ماسبق \* و عزیز مومی الهک بونطق محققانه لری زی فقر ایله متربی و ردای ترک ایله متردی اولمشیکن  
 درگاه ولایت دستگاه مردان خداده مکر بند خدمت اولنلرده امید نشا طلعه مبتلای افیون و معجون  
 و بلکه حیران خیال نیک اولان مقتونلره ارشاد و تعریض آمیز اولدیغی سخن فهمان اخوان و خلایه  
 هویدا و نما یاندر درخانه اکر کس است یکجرف بس است \* (مر ویست که) \* اول شاهباز پلند پرواز  
 لانه با کازی و طاهر الذیل کرد کدر هوای مجازی زمان خلافت لرنده سلطان محمد بن ابراهیم خان  
 تقویت مجاهدین جزیره قندی بهانه سیله بلده مر قومه به تحریک رکاب تشریف بیور و آواز کمال  
 حضرت وحیدی وجود پادشاهیده نبض خبیان شوق و میل اولوب اولاهدای شایسته و عطایای  
 بایسته ایله منظور عاطفت خسروی و مشهور ملاححت عنصری و ندیم دشتین بزم سخنوری اولوب قول

او غلو شهرت به معروف مصطفی اغا نام شاب رشید و قابل فیض نظر ارباب اثری ارسال واستدعای تکیه  
برید اخیر مذکور ادای وساطت و تبلیغ رسالت و تسلیم هدایا و ایصال عطایا انسا سنده کمال آداب  
و احترام له شرفیاب دستبوس لری اولاد قدہ \* (بیت) \* بی اهل صفا را دستبوسی کن که میاشد \* رخ  
آینه بوسیدن دهان خویش بوسیدن \* مضمون لطافت مشکون به لب شیرین تبرک اولنجه عزیز مشار  
الیه دخی روی آینه عالم نمای جبهه واکرده لری به بوسه شفقتده پیرانه اولوب آشنای صحبت عارفانه لری ده  
بعض معاطم احوال آینه لری به تبشیریمو رلدیغندن ماعدا همان لذت معامله بیکودانه لری به ر بوده  
و محب مخلص لری اولوب کند و لره کوشواره جان قلنان و صایای مفیده لری به عامل والی آخر العمر مسند  
آرای اقبال دامادی و کامران بزم مناد مہ شہریاری اولد بجه کائنات من کان فقر او مشایخ طرق اولیای  
کرامه اکرام و تجلیل و استجلاب قلوب منکسره اوز ره برخورد در نخله کام سعادت اولمشدر و وساطت  
خبریه حسب بیلہ عامہ مظان خبر دعادن آوان فرصتده ولی النعمتی ایچون دخی جالب دعوات دوام  
دولت و سوق وجوه عاطفته سالب صنوف مظالم و بدع سیئه اولوب حسن حال راحت مالی رشک آور  
امثال اولمشدر لیکن شیوہ شعرو مطایبه دده همکار لری اولان احباب بدن بعضی بوسه لطیفه لری به  
بخردہ کبری سیاقندہ کار دولت در نظر کاه بادشاهی خا کرا بوسه میدهند عنوانیله تعریض ایلد کده مانیز  
در نظر کاهش کارابوسه دادیم نفس لری به نظر لری به پیشانی کشاده حسن کاذبه روی کدرناک طین لازب  
مساوی اولدیغین اشعار لری ذیلندہ صعا لکه در کاه قیومی هم ملوک ملک سلوک و تحت الا طمارند پس  
از کرم عجم نامتاهئی الهی دور نیست کدر صحیفه پیشانی آن بختیار نقش میم بوسه بندہ خداوند کاری  
بیضه توقیع برخورداری و حلقه مهر نامه و سفیدی و سعادت ککاری باشد عنوان مژده بنیانیه  
منشأ حرکت نادره لری ن افصاح بیورملری اول مهبط نور حسن نظر لری بدن اثنای تشکر لری ده کرار تلقی  
کرده محرمان بزم دستورانه لری اولدیغی رسیده رتبه شہر و عدل کن اینچنین لهجه بانک و نظر بانک  
بهر ناشسته و رادر خور و میسر نیست \* (نظم) \* هین که اسرافیل وقتند اولیا \* مرده رازیشان  
حیاتست و غما \* صاحب دل را ندارد آن زیان \* کرخورد اوز زهر قاتل را عیان \* زانکه صحت یافت  
وزیر هیز رست \* طالب مسکین میان تب دراست \* در تو غم و دیست آتش در مرو \* رفت خواهی  
اول ابراهیم شو \* اوز آتش و ردا حرا آورد \* از زیانها سود بر سر آورد \* (منقول است که) \* اول پیر  
روشن ضمیر خاقانه اسرار لزمان خلافت و نوبت ارشاد لری ده متمتع رخص اولان سالکینه فرمان  
ریاضتدن اسماء لزیان بیورملری خصوص تربیه دده اهما مال و امور مهمه ترقی سوقندہ تکاسله محتمل  
اولغله خاطر خراش ظاهر بینان اولان دغدغه و اهمه یه (افعالنا تعبر عن المهام و احوالنا تفسر معضلات  
المرام و أوضاعنا تشير الى ارتفاع المقام فمن أين مست الحاجة الى الكلام عبارت رائقه لری به اذا  
نطقت ألسنة الاحوال فلا تحتاج الى العبارة و المقال فحوای پر جده واسنه ایما بیور و وطریقنا مبنیه  
على الاشارة و اخواننا أهل المعرفة و هي كافية للعارف و رسومها رموز الکنوز اذا انکشف  
تنفتح الطلسمات و تنحل المشكلات الاخبار استار الاخبار فلا تنظرها اسماع طالبي الاسرار نکات  
جليله لری به تصفیه بخش و ژنک تردد زدا و کلهو الحق مستحقین انتقال اشارات علیه لری به تسلی و ارشاد  
فرما اولمشدر که کویامن الرأس الى القدم وجود فائض الجود لری ماهی دریای حقیقت آسا  
لسان الحال و ترجمان المآل اولوب متوغلان مشغله اخبار لمتنور مشعله عیان اولمشدر هما اولمشدر در  
والله يقول الحق و هو یهدی السبیل \* (رباعی حضرت فرید الدین عطار) \* ذوق شکر از چشیدن  
آمد حاصل \* یعنی کده از شنیدن آمد حاصل \* آنرا که بجانان سرموی پیوست \* جاوید زبان بریدن

آمد حاصل \* (وله قدس سره العزیز) \* کرنام نشان من توانستی بود \* کس را غم جان من توانستی بود \* ای  
کاش که اسیر دل پر خونم \* مسبار زبان من توانستی بود \* (وله نور مریحه) \* اجزای تن تو کوش  
میاید و بس \* جان تو سخن نبوش میاید و بس \* کفتی تو که مرده را چون می باید \* نظاره کی و خوش میاید  
و بس \* (مرو بستکه) \* اول مالک حظ او فرکریم محمده مسفورده مآذون بالا فتا اولان عالم عاملک حین  
استمداد مر ضنده سر بالین عیادت تشریف و نیل عافیت عاجله دعواتیله نوازش بیور ملری اثناسنده  
استحلال رقت غما اولنجه عزیز مصر مکاشفه لهجه پر بهجه لرندن وقت استحلال هنکام انحلال کنده  
بدنست و انرا هنوز مهلتیست و همراهی مالاز مست نطق رنر و کشف اندودلری ظهوری بیمار مر قومک  
بیماری بیم آرندن سر بعا نجاته و عاجلا سلامت و صحت مظهر اولسنه باعث اولوب چند روز مر وریده  
کندودن قطع امید حیات ایشیکن کافی السابق مغتنم صحت تامه و متمتع عافیت ککامله اولوب بعد  
السنین العیدیه معمریتدن استیفای حظ ایدوب اقتراب اجل سیمی حسبیلله معامتل المزاج و همراه  
عزیمت دار البقا اولدقلرنده نفس قدسی سابقلرینک سر بر بسته سی صغار و بکاره هویدا اولمغله خبیعه  
رحلتلری آتش زن خرمن اصطبار عامه اهالی و خاکی کپالمر قدم نورلری زیارت نگاه پیر و جوان  
و مشهد مقدسلری محل استمداد در دمنان واذ کار جمیله لری و رزبان محبان و آثار جمیله لری حرز جان  
مشتاقان اولشدر (مثل هذا فلیعمل العاملون) و ذات عجم البرکاتلری خرابه فناده کنجینه جواهر بقا  
و متواری قباب غیرت کبریا اولد یغنه منصف و متعسفک اشتباهی قالمیوب جمله خصوص حسرت  
و اشتیاقلرنده لایوجد مثل و جدی فقره نفس الامری سبیله یکر بان افسوس و دمیدم تجدد خزن فراقی  
اهالی شهر جدید سبب ماتم مدید اولشدر و بعدالاتقال اخوان الصفا دن درویش صافی سیروزی  
اول شاهباز آشیان علینبی احسن احوال اوزره مشاهده اثناسنده استغراب ممات حیات غماری  
سیاقنده علت فوت لرندن سؤال ایدنجه بالبداهه (بیت) جان بر لب چشم و کوش دعوتی بوده است بس \*  
پس بجزار جمع چه حاجت و جدی مشتاقرا \* بیت شریفیله جواب شافی بخش اولدقلری کرامات  
معقبه لرندن عد اولمشدر طیب الله تعالی مشام روحه بروح و روحان و نور عین سره بمشاهده  
الجمال کل حین و اوان بکر مه العیم و فضله الحسیم آمین یا مجیب الداعین \* (حضرت حمزه دده ده) \*  
سواحل بحر سفید مد نندین انزام قصبه ده دمیان کوزه کراندن برینک فرزند ی اولوب سابقه عنایت  
ازلیه کند و یه فریاد رس اولمغله کوزه و سبوق و شلک بهانه سبیله کلیولی یه کلوب اغازاده حضرت تلرینک  
زمان اعتلای شان ولایت عنوانی و السنه آشننا و بیگانه ده اذ کار جمیله و آثار جمیله لری جاری  
اولمغله روز مقابله مولو یلری محشر مریدین و محبین و عاشا شیان اولد یغنی حسبیلله کوزه فروش مر قوم  
دخی دخیل جمعیت مذکور بولنوب انشای مقابله ده نیجه ارواح متجسده عجایب الهیا کل و کروه  
روحانین غرائب الشمائل معاینه سینه موفق و بی اختیار طرف باهر الشرف اسلامه مهندی و خدمت  
پر حرمت حضرت غوث اعظم و قبه منجذب و منتهی و رایت افراز اسلام و تسلیم اولوب اکثر اقرار به دخی  
وسبیلله اهتدا و مدت مدیده انواع خدمات علیه لریده مستخدم و تسکین سعادت تأثیر حضرت  
جلال الدینی ایلر بلند و یاری بخت خدا دادله بر درویش در دمنان خلاص اندیش اولوب بعد وفات  
المرشد الحی و مال عتبه علیای تریه فردوس رتبه جناب خداوند کاری و اول مهبط انوار عنایات  
قیمیده دخی خدمات اخوان طریقه یقته اوقات گذار مر دمسکین دار و آخر الامر عقیب نقل حضرت  
صبور حیده مشیخت خانقاه دمشق الشامله بر خوردار اولمشدر \* (نظم) \* اندر آکا زاد کردت فضل حق \*  
زانکه رحمت داشت بر خشمش سبق \* اندر آکا کنون که جستی از خطر \* سنک بودی کیمیا کردت کهر \*

حضرت حمزه دده ده

نور مریحه

رسته از کفر و خارستان او \* چون که اشک فتنی بسروستان او \* ناامید بر خدا کردن زده ست \* چون  
گاه و معصیت طاعت شده ست \* چون مبدل میکنند اوسینات \* طاعتی اش میکنند در غم و شات \*  
مر جفا کر را چنین امید هم \* پیش پای جب چه سان سی منبهم \* پس وفا کر را چه بخشم تو بدان \*  
کنجها و ملکهای جاودان \* (منقول است که) \* اول عمار سه پرداز تواضع و ملکه را سخنه دار مسکنت  
نهایت احوالند شیوه حرکات بدایت نما اولوب و فونی سازان طریقت علیه خدمت مانده کربند التزام  
اولوب کند و لربا لفعل صدر نشین خلافت ایکن کو یامیدان طلبیده هنوز جمله مردانه سی نا تمام مبتدیان  
آسا کفش کردانی و جار و بکشی و اوانی مطبخ شویی و خدمات سائره نازله یه اتمام فرما اولمری انتظار  
فریفتگان اعتبارات واهی ده نادر برابر غای و قار مشیخت اولغله بین الفقرات کون ایدن اقاویل  
نامعقوله به آن پلاس دیرین چرکین بیکانکی آویخته پیش چشم پر شرم منست بشکر آنکه او را از برم  
برداشتند و خلعت اسلام تشریف فرموده اند من عمر خود را بخدمت محادیم گرام خاندان اسلام بذل  
و وقف کردم تا اصیل و نا اصیل برابر نمایم مضمون انصاف مشکونیه مقابله بیوروب و فی الحقیقه  
الی آخر العمر عهد سابق اوزره قرار و قدم وفا اوزره ثبات فرما و راه شکر و نصقه صاحب التعلیم  
و راهما اولمشا در طوبی له و حسن مآب \* (نظم) \* شکر کن و شا کر از اینده باش \* پیش ایشان  
مرده شوی اینده باش \* شکر جان نعمت و نعمت جو پوست \* زانکه شکر آرد ترا تا کوی دوست \*  
شکر کن ای مرد درویش از قصور \* که ز فرعون ری هیدی و ز کفور \* هر زمان در کلشن  
شکر خدا \* و برآور همجو بلبل صدنوا \* از بهاران کی شود سر سبز سنک \* خال شوتا کل بروی رنگ رنگ  
\* سالها تو سنک بودی دختر اش \* آزمون را یکزمانی خال باش \* قدر خود شناس و در بالا میر \* تا بقیتی  
در نشیب شور و شر \* ای خنک آنرا که ذلت نفسه \* وای آن کس رکشی شد چون کدو \* خواجه باز آ  
از منی و از سری \* سروری جو کم طلب کن سروری \* (مر ویست که) \* اول فرید فن ایشار محمیة  
مر قومه ده صدر نشین مشیخت اولغله که و پر شکوه مولویه دن زائران بیت الحرامک ذهبا و ایا بالوازم  
زاد و راحله لرین تعهد و التزام ایدوب و برکات توجه بر خلوصیله من خزائن الوهاب المنان موفق و میسر  
اولوب هر پادر رکاب عزیمت حرمین محترمین اولان فقرای مخلصینک هنگام نهضتنده نیازمند دست  
ودامنی اولوب لدی الوصول مقام حضرت ابراهیم علیه التسلیم و روضه مقدسه و تر به منوره سید  
الاولین و الاخرین علیه صلوات الرب الرحیم ده خاصه حمزه گاهکار و روسیاه پریشان روز کلا یچون  
اولی و آخری صلات و سلامه محفوف امانت دعوات و استشفاع ایلدیک فرط سوز و کداز و عرض  
نهایت اشتیاق و احتراق سنک خارا شکاف اولدینجی حیرتده اهل انصاف و باعث تحسین قدر شناسان  
ذوی الاعتراف اولوب لیکن ارباب انا بیت و اعتسافه چون چنین مشتاقی چرا خود نروی مضمونیه بهانه  
دخل بیجا اولدینجی مفید اگر هر مستطیع مقبول بودی ملوک و سلاطین هر سال حج کردندی فامادر تمام  
عمر یات از هزار بیکار میسر شود غنایله عدم مقبولیتلرینه تعریض و هضم نفس نفیسلرینه تمهید و امر  
توفیق و تیسیر مر ارام جان و دل بر اشتیاقن ید عنایت نا گاهه تقویض عادت مستقره لری ایکن آگاهان  
راهدن درویش فوزی نام عاشق و صادق حین ذهبا بنده شیوه مذ کوره فی استعمال ایدوب اولدینجی  
رسیده صوب مقصود اولدیده ادای عهده امانت مذ کوره به مبادرت اثنا سنده اگر مقام ابراهیمی واکر  
روضه مقدسه محمدیه علمها التحیات و التسلیمات الزا کانه عزیز مشار الهمی حاضر معاینه ایدینجه  
کویا کند و نک دعاسنه احتیاج اولیوب بالانفس دعا و مناجاته مستغرق و غائب عن النفس و الغیر  
اولدقلین ادرالادای امانتدن تعویق ایتمکه انی لا حب ان ادعو بلسان معصیت به عنوانیه

استئناف نیاز سابق بیورملری وموقفه دخی مصادفه ایدوب لکن بلکه انلردخی قافله مجله کلشردر  
دیومنزل ومقاملرین جست وجو ایدوب اصلا کندودن غیریکورمش بولنمغله مقامات مرقومه ده  
مرئی اولملری طی مکان طریقیله اولدیغین اذغان ایدوب رجعتده واصل نظرکیما اثرلری اولدقدن تغافل  
نما اولملری رأی بالعینه دخی پرده اولوب سرکال سر بسته لری مادام فی الحیات اغیاردن مستور اولوب  
بعد الوفات شیوع پذیر اولشدر ومدت العمر کندولر بقیه اسلاف مرتبه سنه فائز وصد ساله معمر و مسلم  
اولشیکن کائنات من کان اخوان طرقدن وخلان ورققدن فردو احد حقنده خیر و نسادن ماعدا  
کوشزد اولوب همیشه لهجه پر بهجه لری پر لالی مدایح وتحسین اولدیغی معجب سامعین اولغله  
درحقیدن اینک کفتم بیرون از اثره آینه طبعان ومیزان مشربانست کله الزامیه سبیل دق زبان  
وطعن گانه چون بنظر بنده جز از خود بد نماید حکونه نادیده بد کوم نفس بیوجودانه لریله اعتذار فرما  
اولشدر و دخی قبیل الاسلام مجلس مقابله ده و نما اولان روحانین متجسده و اخروقتلرند دخی  
کافی السابق عرض دیدار و سر یعازرب لطیف لریسه التحاقی اشعار ایتملریله اول نمایش حسره  
العشاق دست داده اولدیغی مقابله شریفه ده پیرانه سر اولقدر تیز اندرتیز چرخن و بی اندر بی اشغال ناثره  
وجد و حال واعاده دور سماع پر صفاده بدل خرقة و شال و دست تارله وعاشقانه اشعار سر او نعره زن  
بخودانه اولغله جمله سماعرزان و بی نوازان بی تاب و توان وذات فلسکی الحرا کاتلری پابرجای پیشین اولملری  
کرامت آخرین اولوب مقابله آینه بی سماعخانه قدس و طربخانه انسده ایتشدر و ولی عهد لری  
اولان فرزند ارجمند لری محمدوم اکرم مصطفی جللی کندولر عقینده انضمام اشارت علیه روحانیه  
ایله مقام سامیلرند سجاده نشین خلافت و خلف الخیر لری و غودار آتار شریفه لری و حاکمی عهود  
قدیمه لری اولوب انلردخی الی سنن الهرم سابق میدان علوهمت و آخر خوابگاه فناده بر لریله همهلوی  
حلقه بزم مشایخ گذشته حلقه مرقوم اولشدر نور الله تعالی مرقدهما و علی حظائر القرب  
أجلسهما آمین یا مجیب الداعین و متعنا و کافه الطالبین ببرکات سرهما الازهر و نفحات روحهما  
الابر یوم یفر المرء من قریبه الاخر \* (حضرت عدنی ده ده) \* خاکرکاد شهر سیر و زدن روز و اولاد  
علمادن مجموعه علوم عالی و آلیه و جامع کبیر بلده مرقومه ده امام و خطیب اولوب بقضاء الله تعالی  
بر عالم عامل و لیب کامل و ادیب فاضل اینک بر رخ هائل عشق مجاز ده دوشوب شیشه ناموس  
وعاری سننک ملامت و قلاشت زده ایدوب احوال پریشان مالی مجلس رفیع حضرت شیخ رمضانده  
مذکور اولدقدن الحجاز قطرة الحقیقة نفحة قدسیه سبیل سداب تعبیر بیورملری بفضل الهادی  
الرؤف و بامداد همة الولی العطوف اول دردمندک واصل منزل سلامت حال و نائل نعمت التحاق  
زمره رجال اولسنه تقاؤل خبر الکشف واقع اولوب بالکلیه صحبت احد ائدند دامنچین و حلقه محبت  
پیرانه انجذابله کوشه عفت کزین و در که رمضانده مقام ارادت رهین اولوب تکمیل حلقه مردان  
مولویده سر بلند تکبیر کلاه انابت و تارک دغدغه امامت و خطابت و مالک سرمایه تجرید و عرفان  
وعقیب حضرت شیخ رمضانده نبل خلعت خلافت ایله بین الاقران سرفراز و مستفیض عید سعید  
کامرانی اولشدر و بین الامثال خدمات درگاه دردمندان بنا هار لیه مباحات بیورملری کران نما اولغله  
وللناس فیما یعشقون مذاهب وکل حزب بما لیدهم فرحون و لکل وجهة هو مولىها مضامین شریفه سی  
اوزره خریفان بزم الفت صوریه لری سالک منهج مدار اولدقلرین نور فراستله استعار ایدیکل بدیهه  
بودو بیت غیرت مضمون انشادیه بیان نفس الامر ایدوب بعدهذا اول مقوله حلقه بی اعتقاد ائدند  
با کشیده و دامنچین پیغوله از و اولشدر که اول اثر زیبا و قطعه غرادر \* (نظم) \* جنة العدنی که

حضرت عدنی ده ده

بقره و فرما

کوند آستان پیرماست \* سایه دیوار اوسر مایه توقیرماست \* کی تواند بنده آوردن بجاشکرش دمی \*  
 جنة العدنی که جویند از بلا تکبیرماست \* وقتا که دست بدست یونو باو بوستان بلاغت رسیده نظر  
 حضرت مرشد مکمل لری اولدقه پس بعد ازین مخلص صاحب این نادره عدنی بودن مناسب است  
 نفس انفسلرینه بند رابطه تسلیم بیوروب مقاطع آئارده استعمال نسبت مرقومه ایله تبین وتبرک  
 بیورمشلردر و کماکان و علی ماینبعی تعجیب نسبت بیوردقلری دخی مشهور علیه قدرشناسان عهد  
 لطیف لریدر \* (مروستکه) \* اول بیقید بودون بود و مست سراندا زجام شهود مدت مدیده مسند  
 نشین خلافت حضرت مرئی اولوب واسط عمرنازینلرنده اشتیاق زیارت کعبه العشاق مولوی  
 غلبه سبیله عزیمت دارالولایه قونییه حیت عن البلیه ایدوب وقتا که اول جلوه کاه قدسی مشهور چشم  
 طبع انسیلری اولدقه بالکلیه فراموش دار و دیار ایدوب جمعیت زمان و مکان و اخوان و خلائه صبح  
 و مسامعتنم اولوب کاه آستانه حضرت شمس الدین تبریزیده و کاهی مواجهه جناب سلطان العارفینده  
 تذکر و تحقیق فوائد و غوامض مشوئ معنوی خدمت شریفه سنده مستخدم و بقدر برهته من الزمان شجیه  
 بلغراده مجتد ابن اولنان خاتقاه بحسب الاشارة الروحانیه استخلاف اولنوب هزارسوز و کداز  
 فراق جوار فیض مدارله سالک راه امتثال امر عالی عاشقان مطاع اولوب اول جلوه کاه سامیده  
 بقیه عمر کرامت ایلرین خراج خدمت اخوان الصفا ایدوب سایه انداز منار قخلان الوفا و رفار  
 بسندیده ایله بین العرفا معروف و کفایتار خوش آئینده ایله عندالظرفا مشهور اولوب و ترتیب دیوان حکم  
 آرکانه و تدوین آثار معارف عنوانه موفق و نخل تجلی نامیه مسمی اولان نادره شریفه لری علم افراز  
 تحسین فضایل عصر لری اولمشدر و زمان خلافت کرامت قرانلرنده محمیه مرقومه فیض قدوم و برکات  
 قرار ایله غونه غای بهشت عدن اولمشیکن بعد وفاته سرایت نخوست و نکبت وانی قفته انکیزله غارت  
 زده اشتیاق انکروسیه اولدینی سرایت مکر و هیه حمایت قطبان لری نیک مدافعه فرما و سایه حراست  
 مایه لری نیک حصن حصین مکائد اعدا اولسنه بینة عادل اولمشدر ادام الله تعالی حمایه أمثاله حول بلاد  
 عباد آمین یا مجیب الداعین و دخی صفای حال و فراغ بالله دارالولایه مرقومه نیک نزهت سرالرنده  
 کامران عیش خوش اولدینی انشاده زاویه دور و ده احباب صداقت نصایله توجه بیوروب اول بقعه  
 مبارکه نمزداده صفوت آینه همنفسان طوطی ناطقه لری کفتاره کتوروب بدیهه بوقطعه غزل مناسب  
 حالی انشاد بیوروب خامه غیر فام بدایع نکار لری لیه صحیفه دیوار مقام سالف الذکر نقش عبرت مدار  
 و یادگار اولی الابصار ایتشلردر \* (نظم) \* شو عاشق کیم جمال یاری هر یرده شهودایلر \* ایکی غنای  
 چشمین کلشن عشقه دور و دایلر \* سلوک و سیرایدنلر راست راه عاشقان اوزره \* مرامه واصل اولوب  
 عدنی کسب سر و دایلر \* (منقولستکه) \* اول یوسف مصر عزتک مواسم خلافتده عتبه سعادت لری  
 محط رحال آمال اصحاب بضاعت مرجاه اولوب هر دردمند ملتجی بر دیاب و جوه عطایای بهیه  
 قطبان لری اولغله صیت اذکار جمیل لری کوشکدار آفاق و هر شنونده مفاخر علیه لری مشاهده  
 دیدار فیض آثار لری نه مشتاق اولدینی خاطر قاصر قته اندیش شیخ پرتلیس وانی اهانت نهاده عرف  
 حسد و جدل و الزام و ایدانی تحریک ایتکه کندونک اسیر دام تزییری اولان قره مصطفی پاشا نام وزیر  
 وزیری عزیز مشارالیهک آب زیر کاه طریقه یقه دعوتنه اغرای ندامت انکیز و تشریساعد دست و کربان  
 مکر و ستیز ایدوب فرستاده دعوت اولان شخص بی تشخیص الحاح انا بینه تمارض ایله تعارض غما  
 و اکنون بمشاغل سفری پریشان وقتند و انکا هکه منصور و مظفر عودت نمایند دعوترا اجابت کنیم  
 تعریضیه توریه و دفع ظریفانه لری باعث تأکید کینه قدیم لری اولوب اغصاب قتان پر خسرانله هنکام



رجعت ممتنارینه تأخیر تأدیب تصمیم اولنوب لکن تجری الراح بما لا تشتهی السفن مضمون  
مجازات مقر وندن غافل و سپهر و مقهور و منهزم و محجبه مرقومه به رجعت ایلد کارنده باشلری قید یله  
مشغول واللری کار تأدیب ادیب مادر زاده نارسا اولوب انلر مقام ولایت و مقمر کرامت لرنده معزز و محترم  
قالب وائی مقرر منسکوب و کوه قسین نام جبل شامخلد دامننده واقع کستلی نام قریده مد فرعا  
و منقیاها لک و مریسی اولان وزیر وزیر لدخی سربى دولت انا یتى مقطوعا و منزوعا رکاب همایون  
سلطان محمدیه غلطان خال و خون دمار و مابه الاعبار کستخان دار و دیار اولشدر و دخی یاد شاه  
بالا نیا همد کوردم مرقوم و عسکر دولت کسکیت و انزامن استثم ام ایجک عزیز موی الیه  
سر عدم اجابت و سرایت تأثیر انکسارین اذعان ایدوب بعد الجمعه و عظمه حضور و اکرام نا محصور له  
تطیب و جبرانه کار بیورد قلرنده مظهر دعای خیر لری و منظر حسن توجه لری اولغله محجبه  
مسفوره دن دارالدوله ادرنه نهضت لری خصوصنده استخاره بیورد قلری واقعه صادقه ده سر مجسد  
حضرت مولانا قدس سره الاعلی بی برکاتین رعنا ده تیز اندر تیز چرخان و سماعکن مشاهده ایدوب  
لکن اشتیاق نظاره بیکر مبارک لری قنغی سمت حرکت لرنه مسارعت ایتسه لری نه قنارین کورمکه  
تماشای جمال الدین حرماتی واقعه ده دخی طبع همایونه کدر فرسا اولغله تعبیر واقعه  
عجبه لری بهانه سبیل حضرت شیخ عدنی جناب فضائل نصاب دعوت و حکایه واقعه بیورد قلرنده اول  
عند لیب عدن لدن اوائل جلوس همایونده اغرای منقاری اخشمله و تلبیس وائی لایفه همله آیین حالت  
اکین مولوی منع اولنوب عامه فقرای طریقت علیه لری محزون و منکسر اولغله توجه روحانیه لرنه  
انحراف نه دلالت ایدر دیوتد کبریا مجرای فراموش کرده لری سیاقنده تطیب و تعمیر قلوب منکسر به  
ترغیلری دلنشین خسروی اولوب همان ساعت کافی القیم اجرای آیین وارکان خدادوند کاری اولنق  
اوزره اوامر علیه اصدار و دارالدوله استنبوله ارسال و آستانه ولایت آشیانه سلطان العاشقینه  
اسراع بیوریلوب اول بادشاه نصفت سیاهله جناب خنکارا کبر ملک ولایت بینلرنده عقد بینونت  
انخلالنه موفق اولشدر که بعد الرجعه الی دارالدوله شاهزادگان جوانختان و عموما ارکان دولت  
واشراف حضر تریله ملازم مقابلات علیه مولویه اولوب منشدان مطربخانه منکر انکارین بر اقدی  
ایلدی اقرار هو \* مصرع لطیفه کاد کده ندما ی بایختلرنه شفاها بوقول مقبول بزم حقمرده مقولدر  
دیو کمال انصافله علی العیاض ادر اولان احوال گذشته لرنه افسوس خوران و تأسف ککان کریان و نالان  
اولد قلری علی العموم مقرین مخلصیندن تلق کرده اکثر منسوبان در که والا لریدر رحمة الله علمیم  
أجمعین \* (مرو بستکه) \* اول نازنین سر پرده کمال حالک عشاق دیدار باکی و مشتاق انتظار و انقاس  
تابنا کی پرده خشونت وزیر میشوم و واهمه رعوت شیخ موسومله موسم سفر مرقومه فرصت باب دفع  
عطش اشتیاق اوله میوب بعد ارتفاع الموانع قضاء مافات صد دنده حضرت عزیز مصر عصری سر حلقه  
احباب مولوی اولان عی حسن اغا و فرزند ارجمندی آب روی و وزیرای پایتخت دولت عثمانی اولان  
حسین باشاد دعوت نامه لریه مخصوص و مستقل خدام احترام رفتار ارسال ایدوب هزارا کرام و توقیر له  
دارالدوله بلده طبعیه قدس نهاده تشریف اولد قلرنده دور و نزدیک تشنه کان زلال چشمه سار لهجه  
معارف بهجه لری سیراب ارشاد و تسلی اولوب خوانق چار کانه مولویه ده آرام ککان و حلو ککان مشایخ  
و فقرایله مانند شیر و شکر خوش آمیز و سایه ولایت خنکارا کبریده چند ماهه متذوق صفای وقت  
اولد قلری انشاده حمله احباب و اصدقای اولیا صحبت پر حکمت لرنه منجذبه اولوب هر کس بقدر  
القدره و اقبالیه مستقیم برکات انتظار حسنه لری اولوب کبرای دولت وقف خانقاها لرنه ضم ضمیمه



ایله اکرام مراد ایلد کلرنده برای چند سال چه حاجت توفیر منال نفس استغنا آمیز لریله مدافعه  
 یورملری اولاقناعت محضه به حل اولوب لیکن بعد السنین العدیده کندولر عازم دارالبقا اولدقده  
 محیه مر قومه سرایت نخوست انکار و تعصب کروهمکروه متشیخ وانی ایله غارت زده کفار انکروس  
 اولنجه صورت منع خیره جلوه کراولان نوعروس نطق پاکلری وخامت عاقبت حال و پریشانی احوال  
 مآله اشارت اولدیغی نمایان اولمشدر ودخی اول تشریف میمنت قرینده بو بنده کینه مر دان خدا  
 هنوز دخیل در که حضرت مولانا قدس سره الاعلی اولمیوب لیکن شب و روز آتش اشتیاق التحاق  
 زمره خدا ملری ایله سوخته اولوب آیاقغی طرفدن نسایم عنایت وزان اوله دیو چشم و کوش راه کرم  
 ناکاهی ایکن عزیز مشار الهل قدومی و خانقاه غلطه به نزولی مسموع اولیحق جان ناتوان طرف  
 باهر الشرف لینه پر زان مبادرت اولوب زیارت علیه لینه قیام صد دنده تشریق اقدام اوزره ایکن  
 مسکفر اولان مدرسه درنده اعزّه مولویه دن بر وجود فائض النور نمایان اولوب عجبابوشخ نورانی غفوله  
 مردیکانه اوله دیو طلبه علومدن قونوی الاصل بر صدیقمره سؤال ایلد که حضرت عدنی اولدقرین بیانله  
 جواب شافی ده دل مجروح اولنجه اول نعمت غیر مترقبه ظهوری جان محزونی غرقه لجه سرورایدوب  
 هزار سوز و کداز و ادب واحترامله حجره فقیرانه به دعوت اولند قلرنده بی تکلف تشریف یوروب  
 حسب الاقدار خدمت شریف لینه بذل وسع اثناسنده بالبداهه سر برآور خوش اندیشه اولوب  
 مأمولست که شمارا عن قریب سالت مسالت مولوی و منتظم سالت معنوی کنند پس این وصیت لازمه  
 ازین فقیر یاد کنید که علیه بمرآة القلوب ومواساة أهلها دم کرم تو املریله پند پیرانه لری اوزره  
 \*(نظم) مباحث در پی آزار وهر چه خواهی کن که در شریعت مانع ازین کاهی نیست بیت لطیفیله  
 استشهدا دیوروب ومضمون حقایق مشکونه بوالفضولان ظاهر پرستانک اعتراضات غیر متوجه سنی  
 اصل همه مناهای وسیئات اقتضای آزار خواطر انبیا و رسل کرام و بیزاری طبایع اولیا و اتقیای  
 ذوی الاحترامست مقدمه مسلمه سیمله دفع یوروب مکر مقابل خانقاه باب جدیده مسارعت اوزره  
 مفر سعادت نلندن حضرت یوروب حدای باب مدرسه مر قومه به کلد کده داعیه دخول غلبه سیمله  
 متحیر ومدعوا وللری کندولره باعث مر اقبه اولوب وسنوح وار دغیبی مژده بخش وفر یادرس  
 دل خراب و جان کباب انتظار یز اولدیغی رموز و کایات پر عنایات سدن مفهوم اولنجه عنان ارادت بوده  
 دست اختیار اولوب کوشه دامن کرامت پیرامن لینه پنجه اخلاص زن اولدیغمره فی شأنکم بقول عدنی  
 دعنی الامر لیس عدنی تتر بلیغی ایله نشر فواج مسکینه کشف واعتذار یوروب فی الحقیقه بعد  
 المفارقة بالدفعات جانب جناب لینه شد نطق عزیمت اولند قده صوارف صوریه ومعنویه متراکم  
 وسند راه انتساب اولدیغی اثناده کندولر دخی بز جهان ملوانه وداع یوروب انحق وصیت شریفه لری  
 کوشواره جان مستهام اولغله افت وخیر سلوکمرده عواندشتی ایله مغتم وعوائق لایحصادن نجاتله  
 مستعد اولوب همیشه تمثال روحانلری محراب توجه و کوه رشتاب معهود لری دیده افروز جان  
 و دلمز اولمشدر لله دره و علیه أجره والیناره \*(نظم) پس بدان این اصل را ای اصل جو \*  
 هر که دارد در داور دست بو \* هر که دارد دی و انجارد \* هر که پاست پست آب انجارد \* هر که  
 اویدار تر پردر تر \* هر که او آگاه تر رخ زرد تر \* امین آبادست این راه نیاز \* ترک نازش کبر و با  
 آن ره بساز \* پس بهر حاجت ای محتاج رود \* باخوشد از کرم دریای جود \* راه کن در اندر و نها  
 خویش را \* دور کن ادرالدور اندیش را \* خود که گوید این در رحمت تبار \* که نباید در اجابت  
 صد هزار \* (منقول است که) \* اول عنقای قله قاف صداقت آرزوی زیارت تربه عرش و تبه

خداوند کاری ایلر و برادر صوب مقصدار و اح عالیہ اولوب اثنای عزیمتده دارالدوله ادرنه خاتماهنه  
نزول ایدوب هر چند توقیر و تکریم اوزره مجامله مراد اولندقدن انلر مطبخ فقراده انزل خدمتاته  
راغب و نیاز منند اولغله خدمت سقایی ارزانی بیور یلوب مدت مدیده رقصان و چرخزان ادای  
خدمت معینه ستمه ملازمت اوزره ایکن سر آش پزان بر درویش عتیق و خرده دان مسالک اولغله اول  
سر باز میدان عشاقی امتحان صد دنده میانه شدت شستاده زحمات کثیره ایله کتورد کیری آب صافه  
بهانه کیرلک و باله فعات تو بیخ و آزار ایدوب بی سبب ریخته خالک ایتکه کند و عملندن حاصل اولان آب  
وکلدن ساحه مطبخی مکرر رفت و روب امر ایدوب اتیان مأمور به نصکریه قصور غیر محسوسی مدار  
اشتعال نائرة خشم مصنوع و باعث دشنام و ضرب نامعقول ایلد کده دشنامی کوش رضاشکر و ثنا ایله  
مقابله و ضرب و زجر یشت و دوش تسلیم و تحمیل ایله مراعات ایدوب و تمام اختیار محترمه شاتم  
و ضارب مر قومل دست و یانه متعدد بوسه ده اولد قلرنده عیار ذاتلری محک زده آزمایش و محل تمغای  
کمال خلوص اولد یغی کار شناسان سلوک ملوک حقیقه و واستادان دار الضرب معرفته هویدا اولغله  
حضرت مسند آرای خلافت صوریه و سریه و دادده مر اسم دهش غوثانه بی مرید نشاطی دهده جناب  
ولایت مآبک خلوص و صدق مزبور لک ظهوری جوش آور لجه کمر لری اولوب بر نهج نامرادی  
بر مراد اولمیرینه کلبانک بخشای مولوی اولد قلرنده تقبیل عتبه علیای میدان جل تان و المنه لله  
در مرادیه بر مراد کشتیم و از نشاطی بهره یافتیم فقره شریفه لری ایله تشکر و ترنم سنخ اوله رق تودیع  
اخوان الصفا ایله سماع راهی گان سده سدره سای حضرت اغازاده قدس سره الا عزه و مال قصد یله  
روبراه محروسه کلیدی اولوب اول آستانه ولی آشیانه دهده دخی فوق المحفوظ و وفق المحفوظ ادای  
وظائف خدمات مبروره و تجمیع لوازم مساعی مشکوره ایدوب و مدینه مذکوره معبریدن عبور ایدوب  
بی زاد و راحله هر کام سیر و هر دم سکونی قرین صد نیاز و اشتیاق و اثنای راهده اولان مقامات متبرکه  
اولیای کرامه و مال و وجهه سای اوله رق واصل سر منزل آرزوی جان و دل اولوب دفعه ثانیه  
خلاقلرنده مجمع الاخلاقین ظاهر و باطن اولمشلردر \* (نظم) \* چون شدی زیبا بدان زیبارسی \*  
کور هاند روح را از بی کسی \* داد داد حق شناس و بخششش \* عکس آن دادست اندر پنج و شش \*  
حق جو بخشش کرد بر اهل نیاز \* با عطا بخشیدشان عمر دراز \* روحیات عشق خواه و جان نخواه \*  
تواز و آن ذوق خواه و نمانخواه \* (مر ویستکه) \* اول آشنای راز ککار ساز بی انبار قیل خاتمه  
نوبتلرنده پرورده ساینه همت سامیه لری اولان سعیددهده بنده لرین ولی عهد انتخاب بیوروب حل  
و عقد امور دائر لرین بالکلیه دست رأی رزینلرنه تقویض ایدوب نومافیوم انظام احوال حوائی حمیه  
مزبور مختل و متابع اسفار و تراحم عسا کرا یله راحت اهالی معقل اولوب استیلای اعدای دین  
و دولت تر ایدیدر اولدقدن عواقب اندیشان احباب اوقات معافیه پر شفقتلرنده انجام تحویلات  
حوادثن استفسار کونه کلمات ایلد کلرنده در میانه دولتن ظاهر و باطن منافره پیدا شد که این تسلیط  
اثر آن تافراست مادام التافرا لا یظهر التامر عنوان حکم بیانیله مال حاله اشارت بیوروب و هر  
حادثه مزعجه استماع بیوردقدن شفقت عظیمه و رأفت جسمیه ایله افسوس و دریغ خوان اولوب  
آخرا امر امر من اوله دیو تحمل کداز اولان انهر زاماتک تواردی سبیله بعد ازین امثال ماراوداع  
برم پر رزم کوران زمان اولیست مضمون عزیمت مکنوننه امضا بیوروب سعیددهده بنده لری دخی  
استئذان هجرت ایلد کلرنده حسب حال شما سعید الحیات شهید الممات است بکجا میگری و از که  
پرهیزی نطقی اریا لری بعد الارتحال کافراق الصبح دیدار اولوب سعیددهده دخی عقیلرنده

متکازیب مشیخت خانقاه مرقوم اولوب چشم و گوش مصادر آثار مروزه عونیه ایکن ناکاه  
استیلای اشدای انکروسیه ایله احوال اهالی تباه و بقیه خراب زینهار له خلاص خواه اولدقلرنده  
سعیددهده حضرتلری دخی فقرای موجودین ایله نهر تونه کشتیلرینه تحمیل اقبال مخلصه و مأسن  
ممالکه توجه ائناسنده آفت زده جنک پرا کندکان عسکر کفار دوزخ قرار و میانه قتالده جام  
شهادتکس و مسارع دارالامن جوار رحمت حضرت کریم غفار اولمشدر طوبی له و حسن مآب  
فی مقعدا کرام الوهاب \* (حضرت سید محمددهده) \* کل کازار دیار جلیل الاعتبار دارالدوله ادرنه  
حرس عن الفتیه اولوب عنفوان شبابلرنده عنوان محبت درویشان اوزره نشأت ایدوب آمدشدر کاه  
دردمندان بنیاد اولیای کرامله اوقات گذارایکن القاب ینجذب نحو ساجیل القلب مصداقیله فی یوم  
من الایام اسیر دام تسخیر اولوب قلب شریفلری کبی قالب لطیفلری دخی مکر بند خدمت فقرای  
باب الله و مرید حضرت نشاطی اکاه و خدمات میدانیته تسکیم چله مردان مولوی ایلدکده تارک  
مبارک لری موقع سایه دست کرامت پیوست مرشد و نائل فیض تسکیم جلال الدینی اولدقد نصکرده دخی  
جل سال خدمت حجره حضرت مربی ایله برخوردار و خلف الخیر نامدار و نادر روز کار اولوب مدت  
ملازمت عتیه مرشد بزرگوار لرنده ذات عصمت هما تیردن مخالف شرع و معیار طریق فعل و قول  
و وضع و طور ظاهر اولدیغی مدعای ولا یتلرنه بینه عادلده که اوقات ارادت و ازمان اناتلری  
همراهان و خواجه تاشان حافظه لرنده سلامت متصله ایله مضبوط اولدیغی مشهود علیه ثقات اخبار  
اخوان و خیلاندر و بعد الخلاقه دخی بالکلیه پیرامن جنبش و آراملری شوائب من و ماو کردکدر  
هوادن محفوظ اولدیغی اکثر رجال زمانگردن تلقی کرده اغلب درویشان اولغله بوبنده جوبنده  
حی بچی و کینه بوبنده لاشی و دلنشنه مرشد حی امداد سائق فضل و عنایت قائد لطفله دخیل دائره  
ارادنلری اولوب او اخرویت ولا یتلرنه بهره مند انظار حسنه و فیضیاب انفاس نفیسه لری و قدر الوسع  
و حسب الاستطاعه مستعد خدمت شریفلری اولغله برازخ هائله ماسوادن ره پایاب و فی الجملة  
اعتاب علیه مردان طریقت صدیقیه بنیل انتساب ایله سرسبز دولت فقر و فنا اولمشدر ادام الله برکات  
سره المقدس نازله علی مفارق الخلان و الاخوان مادام الزمان و قام الارکان آمین بحرمه السید الامین  
(مروسته که) \* اول کان کرم و حلت فرط عفو و صفحنه مغرور و معتاد اولان سکان خانقاهدن  
وقد مای اخواندن جن علی و دیو علی نام کهنه روز کارلرتجا و زحمت ادب ایله غیبت و حضور لرنده  
اقوال و افعال ناشایسته به جسارت و بحسب قانون الطریقه تأدیملری سوق اولدقدقه تعاف و اهمال  
نما اولملری ساده لوحان اخلاصی چالچالت حیمت ایتسکه سر زده اولان کلمات مورث غیرت و جلادته  
بارگاه خداوند ککاری مادپوان سلیمان حقیقت است پس از وجود اجناس لازمست و اوضاع جن  
و دیونسبت بطباع انس اسائت نماید لیکن احسن آداب کمال و انسب مراعات حال احوال ارباب  
دیوان سلیمان حواله کردن و هر کس بدوق خود بودن است نفس ادبیانه لریله مقابله بیور و ب آن  
دردمند انرا در میانه قومیکه خلاصه بی نوع انسان باشند باینچنین لقمهای زشت مشهور بودن تشهیر بسنده  
است مانیرا کرب آدیب و تنجیل مؤاخذ زاده کنیم سر بار تا پسند باشندم انصاف و شرفقت توأم لریله  
تذیل بیور مشلردر \* (نظم) \* هر کسی کرعیب خود دیدی زیش \* کی بدی فارغوی از اصلاح  
خویش \* و رخدا خواهد که پوشد عیب کس \* کم زید در عیب معیوبان نفس \* در بی خوابش و باخوشخو  
نشین \* خوبدیرایی کل و روغن بین \* بر بدیهای بدان رحمت کسید \* بر منی و خویش بینی کم تنبید \*  
هین مبادا غیرت آید از کین \* سر نکون اقلید در فقر زمین \* بی ادب حاضر ز غائب هم تراست \* حلقه کرچه

حضرت سید محمددهده

کثر بودنی بر دراست \* در نیک دریا کهر با سنگهاست \* نخرها اندر میان ننگهاست \* (منقول است که) \*  
 اول نازنین مستور قیاب عزت اگر چه خلعت بی قیمت اخلاق حسنه و شعار اعمال مرضیه و ازار  
 اوضاع حمیده و آثار اطوار شایسته ایلد مزین ایدی لکن آثار مکاشفه و کرامه لری مکتومه و عبون  
 عائین اغیار دن کمال خرم و احتیاط آفت شهرت اوزره اولوب و کتمان ممکن اولوب اراثت و اظهار  
 مؤید غیور مغیث ایلد جلوه کرمنصه ظهور اولان مکاشفات علمیه لری رشته کش ذکر جمیل لری اولدقده  
 از قیل اتفاقا قیامت عنوانله تستر و توریه بیور رایج کن او اخر اوقات شریفه لریده دفع غائله مرقومه  
 ایدوب کویا وجودیم و دفاتر النواللری آینه کیتی غمای کرامت اولمشدی حتی فی ساعه من الاوقات  
 حضرت شاهزاده فردوس مکان جلال الدین جللی مرقد منور لری حداسنده غما یافته بر درخت  
 بار آورک شاخنده شبنم ساز اولان مرغ بیچاره بی توفیق اندازان اعمی رواندن بر شاپ فلاکت یاب  
 فتنه توفیق ایلد ضرب و اهلاک ایلد کده صدای آلت دهلکه مرقومه مسند سعادت لریده کوشنر لری  
 اولیحق نادان بی آرزوم بچشم خود زدا کرمد دشغاعت حضرت جللی جمال الدین فریادرس نبودی  
 بجان بی بال خود زدی و از غیرت روحانیت جناب جللی جلال الدین رهانیا قتی نطق پاکر ایلد  
 ناکاه پرده برانداز روی کار اسرار اولدقلری در حال دیدار و شاب بی ادب چشم بی نوریدن عیان  
 اولمشدر و بعد هذا اول حدیقه الاجساد اولیای کرامت خدمت محافظه ستمه معین اولان درویشه  
 دقت نظارت تنبیه بیور یلوب بومعه جمله جسارت و خسارت دن حراست تأکید و تشدید اولنوب خصوص  
 مرقوم دخی سائر کوردلانک دیده کشای اعتبار اولسنه بادی اولمشدر که جوار سعادت مردان خدا  
 من کل الوجوه مأمّن و مدار سلامت ایکن حرم بیچارگان پناه لرینه احترام ایتوب مصدر وضع  
 جسارت اولنلر لیم در حال دیده خسارت دیده لرینه کورینه جلوار در فاعتبر وایا اولی الابصار و دخی  
 بوادی جاور و یکش در کهر لری اوائل اتما و حدوث اتساعده احداث طریقته صحبت و بعضی مالا یعنی  
 حرکات و کلمات ایلد اضاعه اضاعه وقت سریع السیر ایتکه لر و غمای ترکیب خیالیده کند و می صورت  
 طفلانده معاینه ایدوب و اطفال کثیره دخی کار دور و ست عیب و مثله ایلد معیوب ایتکه قصد ایلد  
 اوزریمه هجوم ایلد کارکرده هزار عجز و اضطراب لریده فریادرس جوی ایکن ناگاه بر کوشه دن ر و غمای امداد  
 و هجوم بر عموم مرقوم دن بومستد همترین تخلص بیور دقلری نعمت اوجب الشکر لک ادا سیاسی  
 سیاقنده شرفیاب تفصیل و تلخیص کوشه سجاده ارشاد لری اولدینغده صحبت احداث طریقته و الفت  
 اطفال ارادت و اشتغال مالا یعنی خطر عظیم دارد که اکثر خوی مشرب اطفال بخیرانی همکار  
 خویشند پس نویسانرا صحبت کهن سالان اوساط و نهایت سود بخش وسایه امان رسانست عنوان  
 کشف اقتران لر ایلد هنوز تقریر حسب حال دوشینه اولمدن بی کم و بیش تفصیل مافی الضمیر و تعبیر مافی  
 الخیال بیور ملری بنده ناجیز بی تمیز لرینه سرمایه احتیاط و انبیا اولمشدر \* (نظم) \* حق زهر چیری  
 چوز و جین آفرید \* پس نتایج شد ز جمعیت دید \* یار غالب شوکه تا غاب شوی \* یار مغلوبان مشوهان  
 ای غوی \* یار باشد راهراشت و پناه \* کر تو نسکوب سگری یار است راه \* و بجو یار خدای را تو زود \*  
 چون چنین کردی خدایار تو بود \* اهل دل را باز دان از اهل کین \* همنشین حق بجو با و نشین \* همنشین  
 اهل معنی باش تا \* هم عطا یابی و هم باشی قی \* سوی این مرغایان رو روز چند \* تا ترا در آب حیوانی  
 کشند \* هم ره را جو کز و یابی مدد \* همدل و همدرد و جویای احد \* زان جلس الله کشت آن  
 نیکبخت \* که به لوی سعیدی بر درخت \* (مر ویست که) \* اول مرآت مجلوه ضمائر طواهر غما  
 جناب صفوت انصاف حله حرکات و سکنات مظاهر عرایس آداب حسنه و اخلاق حمیده اولغله

بی شرمان شبیه و حسن محاذنه و لطف مؤانسه لری مجازات بین خشونت حد ثان و تأدیب و تیار دیدۀ  
رعونت ملوان اولوب دائره ذات و صفات لریده استعمال اسباب تشفی و آزره حاجت مس ایتیموب اخوان  
و خسلانله الفتلری شیر و شکر و همیشه گفت و شنیدنی خبران حقیقت حالدن بی اندیشه اولوب واقع  
اولان خدمت علیه دار الخلافه لریده آحاد خدام فقرا به شرکت اوزره حسن سلوک فرما اولمشدر  
حتی حریمان خدمت ظریفانه حق خدمت آن فقر است اکنون خلفا غاصب حق فقر اند مضمونیه  
دعوی دق انکیزا بتد کارنده چه کنیم هر چه رسیدیم از راه خدمت رسیدیم پس تخلف آن راه مارا  
مشکل نماید نفس انفس لریله ارشاد اعتذار آمیز بیورد قلمی بالذات لفظات لهجه پر بهجه در ویشانه لریدن  
تلقی کرده عین الجمع خواجه تاشاغمزدر و دخی اتشای خدمت پر حرمت مرشد لریده کجاینبغی شغل  
تحصیل علوم ظاهره ویه و قلمی مساعد اولمغله هر چند قلب شیر یفلرینه قدر مشترک نیل نفایس علیه  
میل اند از غیرت اولسه در حال انعکاس خاطر فیض ماثر حضرت نکمهیان ظاهر و باطن لریله اندک شها  
با برکت صفوت خدمت بسیار کردد نفس همت قریب لری موجب بجه وقت مشختر لریده لذت تقریر خوش  
آینده لری حسره البغا و تحقیقات رائقه لری رشک آورم مدققین عرفا اولوب کویا و رای پرده ذات لریدن  
طوطی کویای سر نشاطی بزم آرای معارف و حقایق اولوب عهد قدیم لری تجدید پیرا اولمشدر \* (نظم) \*  
رومیان آن صوفیانندای پدر \* بی زنگار کباب و بی هنر \* لیک صیقل کرده اند آن سینه ها \* بالآثار  
آز و زحرص و کینه ها \* آن محیط آینه بی شک دلست \* صورت بی منتها را قابلست \* کرچه نحو و قهر را  
بکذاشتند \* لیک نحو و فقر را برداشتند \* تانقوش هشت جنت تاقتست \* لوح دلشازا پذیرا یافتست \*  
وبین مشایخ الزمان وادی گفتار و رفتارده هم معنا نلرینه مصادفه اولمیبوب الی یومنها هذا داغ  
حسرت لری سینه عشاقده بنومند کماجرای گفتار دلپذیر و کواهی اشتباه مدعای رفتارنا کر بر لریدر  
الحمد لله الذی جعل اعلام هدایه مرفوعه علی آیدی خلص عبادده منصوبه فی مفارق الطرق مجروره  
عسا کرها الی دار السلام بمرعاة عونه و حفظه مادام الایام \* و دخی اول زبده کروه پرشکوه مولویان  
عصر اعصار فتن انکار و منع سماع و صفای خداوند کاری ایله منکسر الخاطر اولان فترای محزونین  
متوقعین جلوه پیشینه خوشدل باشید که بزودی این نوبت زانان بگذرد و موسم نو بهار وجود و حال  
میرسد و کما کان کلهستان دوران پر کل و بلبل و بی آزار خار طعن و انکار کردد نفس تنفیس انیس لریله  
سر زده وجدان الهامی الیایا لری اولان معنای معتنا هوب نسایم فضل و تأیید صمدانی ایله سر یعنا  
و عاجلا منصفه پیرای ظهور اولسی قیلند خانقاه نشین اولان اخوان مستعدین دورانه تنبیه تهمی  
بیور و بیوم وصول مژده رخصت چاشمشکا هنده \* یوسف کککشنه باز آمد بکنعان شاد باش \* مصرع  
لطیفه ترغیریز کال نشاطله سماعخانه به در ویشانی دعوت و جمع بیور و بیوم عقد مجلس سماع مبتدیان  
و آزمایش حرکات چرخزان و کلبانک قبول نیاز عاشقان ایله حسن ختام فرما اولد قلمی عقیمنده ناگاه  
صورت امر اجرای آیین صفا آکین حضرت مولانا قدس سره الاعلی و رودی برهان اصابت  
مکاشفه لری اولد یغی کالشمس فی وسط النهار بیدار اولمشدر \* حق بدور و نوبت این تأید را \* میفاید  
اهل ظن و دید را \* و هر مجلس سماع و صفاده حائر قصب السبق میدان وجود و حال و کویا پیرا بکن  
نوجوان اولوب دائما بقیه عمر نازین لریده معتم نازه حیات تجدد عهد قدیمه اولد قلمیله حمد و شکرله  
رطب اللسان و جبر انکسار هجده ساله احسانه شاد روان اولوب \* بعد از این مژده مذاق عاشقانه  
شکر است \* مصرع بی باکانه سیمله نغمه سنج ابتهاج اولوب و اوائل اوقات احتیاط لریده توقی آفات اشتها  
صددنده و رای وقایه خنولده مأمون الغائله مدح و قدح ایکن طلوع تابشیر تأیید و هوب نسایم

صبحا الخیر توفیق غنچه اسرار لری شه کفتمه و پیراهن تستر لری دریده و مدایح جلیله لری زین  
 المجالس فضلا و عرفا و لغله متأثر غیرت و متوجه حضرت و متواری ثربت اولوق اوزره مناجات  
 اجابت قرینلری وسیله استیصال ارتحال اولنجه محرمان راز عدم تحمل داغ فراق لریله عرض سوز  
 و کداز ایلد کلمه این بساط انبساط عشق را پیشین ازین سرای ولایت نور دیدند و ماخادمان سرای  
 سلطان العاشقین در آن حشرات کد اخته بودیم که این شراره ازین جانیستان عامه اخوان الصفا  
 سرایت کرد و منشأ دود و گرد کردار و احصافیه کشیم پس انتظار مابین فرح بود بعد ازین بسما غنچه  
 قدس میشتابیم و بحسرت کدشتکان اخوان مژده راحت رسانیم عنوانیله توریه معذرت آمیز  
 بیور و بوضوب مقصوده قادمه جنبان مسارعت و دوحه الافراح و روضه الارواح مشایخ سالفه ده  
 گوشه نشین وحدت اولمشدر طیب الله تعالی ثری مضاجعه بفواج الرحمة و رواج الرضوان آمین  
 بارحم و بارحن بحرمة من له الشفاعة العظمی یوم المیزان (حضرت عثمان دده ده) \* دیار روم ایلنده  
 قلبه نام محبه اهلایستندن اولوب و بالدفعات ملتزم مقام طبعه نظارت بلده مرقومه اولان حسن اغا  
 نام کسینه نیک فرزندار چندی و ثمره فواد دردمندی اولوب لکن ابتدای ولادتدن سن شبابه وارنجه  
 عاقبت یکر و زه آرزو مندی اولغله هر چند اطبایه مراجعت و تدبیر محکمه بذل اموال ایلله اهتمام  
 اولنسه علقی مشغول اولغله محبت و عافیتند قاطع امید و میت متحرک و جامد متنفس اولغله ناچار جانب  
 طیبیان ارواحه مراجعت اولنوب آئنده ورنده فقر ادن استمداد اشناسنده درویشان طریقه علیه  
 مولویه دن بر صاحب نظر و مالک اثره مساعده توفیق صمدانی ایلله مصادفه ایدوب چند روز خانه سنده  
 ضیف مکرم اولغله خاطر رأفت ما نریدن لمعه شفقت نمایان اولوب برکات ادعیه خیریه مستجاب لری  
 ایلله معتم غایت نامه و بالکلیه اول مرض مادر زاددن رهیده و بعد وفات الوالد راغب مسک فقرا  
 طریقت اولوب و فیما سبق حضرت ابو بکر جلی مدفوعا خانقاه باب جندیده سجاده انداز اقامت  
 اولدیغی تفصیل اوزره صحبت کالاتی ولوله فرسای حوالی و قلاب جاذبه لری تسخیر فرمای اهلای اولغله  
 اول مخدوم نجابت نرزدنخی خدمت شریفه لینه منجذب اولوب ترک خانمان و اختیار تجرید ایدوب  
 چند ساله جار و یکش در کهرلری و شرفیاب تکبیر مولوی و سایه عنایت مایه لرنده بهره مند معارف  
 و مجموعه آداب درس و نفس اولوب بعد وفات مر شده آستانه کرسی نشانه حضرت پیر قدس سره المذیر  
 جنبه سالی اخلاص و مستنیر محبت عظمای طریقه علیه و نهایت سیر و سلوک لرنده مشیخت خانقاه  
 مرادی ایلله بر مراد و اول بقعه مبارکه دده صدر نشین ارشاد اولمشدر که مال حاله امعان نظر نصفت  
 اثر اولنسه درویش مرقوم لدعای خیری علیل منور لک اسقام جسمانیه دن خلاصه سبب اولدیغی  
 کبی آلام نفسانیه دن دخی نجاته بادی و سعادات ظاهره و باطنیه ایلله متجلی اولنسه باعث اولمشدر  
 آدم الله ظلال حیات امثاله علی مفارق اهل الابتلاء بالنبی و آله (نظم) \* خواجه اشکسته  
 بند آنجار و د \* که در انجای پای اشکسته بود \* کی شود چون نیست رنجور و زار \* آن جمال صنعت  
 طب آشکار \* آب کم جوتش کی آور بدست \* تا بجوشد آب از بالا و پست \* هر کجا مشکل رجا  
 انجار و د \* هر کجا فقری نوا انجار و د \* خواری و دوی مسما ای کا \* که نباشد کی نماید کیمیا \* نقصها  
 آینه وصف کمال \* و آن حقارت آینه عز و جلال \* هر که نقص خویش دید او و شناخت \* اندر استکمال  
 خود دده اسبه تاخت \* (منقول است که) \* اول شیر بیشه تمکین واسطه مشیختلری هر ج و هر ج قننه وانی  
 و اشتهال نازنه ندیس مشیختین برانی اوقات مصادفه ایتمه که هر چند هوا داران خیانت منشان کروه  
 مکرم و هدن ابتداء نیران قننه سیاقنده مسموع اولان کلمات مزخرفه و حرف اندازان صوب کرامت اوب

حضرت عثمان دده ده

اولیای کرامه (قل الله ثم ذرهم فی خوضهم یلعبون) مصداق منیفیه معامله اهمال و تحمل بیوروب  
 قطعاً جانب فقرادن سر رشته مؤاخذة اولمغله صالح قول و فعل ظهورینه طافرا اولیوب آخر الامر سرای  
 عامر شهریاریده خلوت اولاند قد منظر سما عجمانه سمت باغچه سراید ناظر اولمغله اوقات مقابلات  
 و ازمان ازدحام خلا بقده مناظر مر قومه مسدوده اولوب اصلا خلاف رسم آداب وضع مغضبر و غما  
 اولق مسبوق بالمثل اولمغله رتبه استحاله ده اولوب لکن فرور منخوس مرده ارادت سینه سندن  
 بعض اشخاصی ارسال ایدوب و احوان مستغرق سماع و صفا ایکن حقیقه روزنه چند کشا اولوب  
 خلاق غفله دخی سمت سرایه نظاره دوز اولدقلین رأی العین سلطان محمد مر حومه ارادت و طائفة  
 علیه نك اسانت آداب جرائله عدم اطاعتلین ایراد و اغضاب خلالتده قضیه منع سماعی حاوی  
 اغراسیله پادشاه سادده دل دخی رپوده تلپسی اولوب منع سماع حقدده اصدار امره قرار داده  
 اولدقلری نوبت اخیره مقابله ده عزیز مشارالیهك خلاف وضع معهود بالدفعات اعاده دور سماع  
 ایدوب اکثرهمایان بی تاب و توان و سمت مطر بخانه یمه متوجها سماع و صفادن فراغ نما و صوت  
 بلندله بس است بعد ازین آسایش است نطق پرکریه و ناله ریله پرده کشای روی کار اولدقلری مقدار  
 ساعت مرور ریله ظهور ایدوب و کشتکان تنبیه منع سماعه مایش ازین بس کردیم عنوانیله جواب  
 و بیروب و بعد ازین ادرنه ارباب درون و زاجون در میان آه است ~~تنه~~ شیرینه لری ایله تا کمد عقد  
 تنافر بین الدولتینه اشارت بیور مشلدر و بواستلای طاقتکداز و شمات اندازله محزون و منکسر  
 و مستفسر مال حال اولنلره الا یام بینداتاره لنا و آخری علنا این فرصت که آن طائفة باغیه درین  
 شهر یافتند یرنپاید و شکیت مبدل کردد چنانکه احادیث اعتبار عامه اهالی دیار باشند و ازیشان  
 دیاری ادبار نمایند غیرت رهبریله سوء عاقبة مبطلین و مضلین مذکورینه تصبیس بیورملری  
 فی الواقع وقعه پر حسرت انزرام اول انکروسیمه ده قرده مصطفی پاشا بلغراده مقتول و مد مر اولوب  
 وائی متوانی دخی مانند کوری عصا هزارافت و خیز و روی سیاه شمات انکیزله دارالدوله ادرنه یمه  
 کاد کده بلاتراخی جواردارالدوله بر و سه ده اولان کستلی نام قریه یمنی واجلا یله سر یعا و عاجلا  
 غم مرک اولوب و اثر الاخلاقی مفتی فیض الله وقعه هائله سنده دخی یکپاره اولاد و عاقابی  
 و اتباع و اشیا عی عبرت عالمیان اولدیغی موجب تفصیل اجمال مر قوملری اولمشدر که بعینه محل  
 فرصت لری کند و لر مهبط صاعقه نکبت و غیرت اولوب بندکان و مقامات اولیا کافی الا وائل نه  
 پر ذوق و صفا و مجمع صنوف احترام بی مر اولمشدر انا الله تعالی مشاعل ارشاد هم علی منار التائید  
 علی التائیدانه حمید مجید لکن عزیز موی الیه عقیب قننه مر قومه ده درملکتی که خرب اولیامهان  
 و خراب هوامعان باشد در انجا آسایش اهل حق مشکاست و اختیار کربت غربت نیز عسیر  
 و هجران اخوان و خلان لایطاقست همان بهتر است که بعالمی رویم کبی غائله این محذورها باشد  
 الفاظ هجرت مضمونی و رد زبان ایدوب قافله ارواح منکسرة القلوبه سالار اولوب عجماله مسافر  
 دارالقرار و سر یعامبادرمقصد صدق رحمت مدار اولمشدر و حضرت جللی جلال و جمال سایه  
 شفاعت مایدلرنده سر تحبیب خرقه خالک بال فنا و شرفیاب صحبت عزیزان مصر بقا و جمله کنوز رموز  
 مشاهده لری وقتا بعد وقت هویدا اولمشدر \* (نظم) \* آنکه واقف کشت براسرار هو \* سر مخلوقات  
 چه بود پیش او \* آنچه تودر آینه بنی عیان \* پیراندر خشت بیندیش ازان \* دقت صوفی سواد حرف  
 نیست \* جزدل اسفید همیون برف نیست \* (حضرت غوثی احمدده) \* استنبولی المولد و مشایخ  
 کرامدن یوصی شهرتیه معروف ولی والا منقبه نك و صاحب المحمدیه یازیحی زاده کبی عزیز

حضرت غوثی احمدده ده  
 سید السیوف و علماته



متواتر الکراماتک احفاد ذوی الاحترامند و من جهة الاولین اصیل ذو کوه را با ناله اولوب  
 اوائل حاله جمع فنون و تحصیل علومه اهتمامه نائل حظ او فر و خط و حکمه فائق الاقران مرد  
 هنر و ور و طریقه علمای عثمانیه ده دخی صاحب پایه برتر ایکن مضمون شریف العرق نزاع سر بر آور  
 حبیب همت سامیه لری اولغله علایق دنیا و عوائق ماسوائی ترک و اختیار فقر و تجرید ایدوب طلب  
 رهنما صد دنده روی تجرید لری محروسه و رسته خانقاها نده سجاده نشین ارشاد اولان صالح دده  
 خضر تلری سمیت شریفه تحویل ایتمکله سایه ولا بتلرینه التجا و خدمت بر حرم تلرینه انما و دائرة قبول  
 مستوجب الوصول لریده حله مردان مولوی تکمیل نده بهره مند سکه سعادت و سر بلند شرف تکبیر  
 کرامت اولوب بعد وفات المربی نه سراغ مرشد کامل مکمل صد دنده تشریف ساق اقدام و اکثر بلاد روم  
 تجسسه بومی زیر پای دشت پیمای طلب ایدوب آخر الامر آستانه ملائک آشیانه حضرت پیر قدس سره  
 المنبرده خدمه مطیع سلاله پرور لریدن ایکن ناگاه درویش جلای خضر تلری روبراه و یادر رکاب سفر  
 صوب دارالدوله استنبول اولدقه کند و بی جلای مشار الیه خدمات خط و تر حاله تعیین ایدوب  
 موجب امر حضرت جد برز کوار طریقت اوزره غاشیه بردوش و ملازم رکاب لری اولوب قدر القدره  
 ادای خدمت لازمه اوزره راهی اولدغی اثناده یگانه خرقه عبا پوش و شدت شنا بدن برهنه و ریاضت  
 معتاد لرینه تأثیر لایطاق فرسا اولغله بیاد نام قصیه جواری نده سر انداز جام بهوشی و فتاده محله خاموشی  
 اولدقه قصیه مرقومه ده اولان زاویه بکاشیه فقراسی خبردار اولوب جسد بی خبر مرقمانده سن  
 نمیدان فقرایه نقل و کاره آتشده تدفیه سیمه انفعال مد هشری زائل و حیات تازه به نائل اولدقلری  
 احیایه کویا حله امتحان شکیب و تحمل لری رسیده خدمت اولوب جانب عالم خیال دن کشاده اولان  
 روزن عنایتدن بیکرمیمون حضرت سید خلیل افندی غمایان و طرف شریف لرینه اشارت دعوت  
 بیور و ب\* سماع عاشقان مولوی را\* اگر خواهی بیای اینجا است اینجا\* نظم قدسی مضمونیه ترغیم فرما  
 اوللری بالکلیه مریبل زحمات گذشته و نشاط بی اندازه بخش اولغله\* (بیت)\* عالم بخبری طرف  
 بهشت بود است\* حیف صد حیف که دیر خبر دار شدیم\* نفعه مبارکه سیمه نفعه سنج اوله ورق التحاق  
 رشته کشان اراد تلرینه مسارعت ایدوب لدی شرف الوصول کافی الخیال ترغیم ریز اولدقلری بیت شریفه  
 استقبال و تر حیب بیورملری مؤکدر رابطه حسن اعتقاد اولوب مدت مدیده بر توانظار حسنه لریده  
 پرورده کامل الذات و محققه محمود الصفات اولوب برکات یمین توجهر لریله دار الخلافه خانقاها غلطه ده  
 مسند نشین مشیخت و بلکه زمان لریده شیخ الشیوخ عنوانیه مذکور اولمشلردر\* (نظم)\* حق تعالی که  
 سموات آفرید\* از برای رفع حاجات آفرید\* تا سقا هم رهم آید خطاب\* تشنه باش الله اعلم بالصواب\*  
 گفت بیغمبر که چون کوی دری\* عاقبت زان در برون آید سری\* چون نشینی بر سر کوی کسی\* عاقبت  
 بینی تو هم روی کسی\* سایه حق بر سر بنده بود\* عاقبت جوینده یا بنده بود\* مرد غرقه کشته جانی می کند  
 دست خود در هر کاهی میرید\* تا کد امش دست کبر در خطر\* دست و پای میرید از بیم سر\* دوست  
 دارد دوست این آشفتنکی\* کوشش بهوده به از خفتگی\* (مروسته که)\* اول میرید مادر زاد و میرید بال  
 نژاد لادنی بر مر تبه صعوبت اوزره اولمشکم مادر و کند و به هلاک نمایان ایکن قابله صالحه لرینه  
 خواب حیرت غلبه ایدوب عالم خیالده بر پیر روشن و روشن و نما اولوب مترس که درویش احمد زیارت  
 حضرت مولانا رفته است اکنون بکلاه و خرقه می آید نفس قدس میر لریله تسلی فرما اولدقلری عقیننده  
 قلب قابله یا احسان بیوریلان قوت و سرورایه بیدار اولوب منتظرین و مغموینه مژده رس اولدغی  
 حینده خود بخود تولد ایدوب نام نامیلری درویش احمد اولق اوزره قرار ویریلوب و ایام صبا ده دخی



فنده برهیکل درویشان مشاهده ایتسه اقرب اقرب باوشا کا محبت ایدوب ولباسنده دخی داتما تقلید  
وتشبه فقرا اوزره اولملری کروه برشکوه عاشقان مولوی به التحاقلرینه امارات متقدمه اولغله  
انتساب طریقه علما ایله پایه دار و غمزه اکرام معارف و هنر لر ایله برخورد دار و مالک اموال و عسار  
اولشیکن عنایت ازلیه سلسله خیان جنسیت و سلک سلاله طریقت علیه به منتظم اولوب عرضی دده  
حضرتلری خدمت قرائت مشنوی معنویده استخدام و تلذ و مشق نظمه ترغیب بیور مغله زمان یسیرده  
تخم همملری رویان و عارف اسرار مشنوی و ناظم نعت شریف نبوی اولد فده اولین رقعہ منظومه لرین  
معروض نیشگاه استاد ایتد کده تقاولا و تبرکات غوثی مخلصی کند ولر تخصص بیور بلوب وادی نظمده  
سرآمد عصری اولشدر و دخی خدمت حسرت العشاق مرقومه دم مستخدم و تلذ مشنوی و مشق نظمده  
عزیز مشارالیه منظور عین عنایتلری اولق باعث جوش حسد اخوان اولوب علی الغفله استاد حمیت  
خدا لرینه غوثی مستانه زنی را مجروح کرد عنوان اقترا بنیائیله غمز اولد فده طردوسیا احتلرینه فرمان  
لازم الاذعان صدور ایله اطاعت مضمون امر مرئی صد دنده ایکن همعجزه لری اولان منجم باشی  
احمدده حضرت عرضی به افاده حقیقت حال سیاقنده تأخیر سیاحت سوق ایلد کده همان بر رقعہ  
پار فیه جلی قلم تعلیق ایله شکل آه ترقیم ایدوب نشیمنلری اولان محکک دیوارینه یا شدیروب خوش  
حساب کن و تماشا بین دیوب همان ساعت وداع ایدوب سالک راه هجران اخوان اولد یغندن قرق  
کون تمامنده مقتری کذاب ماده مستحجنه افک و اقترا سیله مؤاخذه اولوب بحسب الطریقه نزع  
لباس فقر و ردله مجزری و بحسب الشریعه ارش و حبس و حذله سز ایدده اولوب من خضر بئرا لایحه  
وقع فیه مضمون غیرت مشکوفی جلوه کرسا حقه ظهور اولغله برائت ذاتلری جمله به ظاهر اولوب همت  
سیاحتلری تجسس اولوب دعوتلرینه مخصوص درویش ارسا ایله رجعت مقام مافوسلری دخی  
تمام یوم حادی عشره مصادفه ایتمکه جمله ابتلا و سلا متلری الی برکونده اولغله اشارت مرقومه لری  
وزرای پرده کموندن چهره نمای اصابت اولشدر \* (نظم) \* هر چند شعله زب فلک برق آه ما \* روشن  
نکشست اختر بخت سیاه ما \* یارب بحق حرمت باک کان که آه ما \* جایی رسان که بال بسوزد گاه ما  
\* (چنانکه) \* حضرت پیر قدس سره المنیر فرموده است \* ز آه و دود درویشان کیزان و هراسانم  
که از سندان گذرد از دسریکان درویشان \* (منقول است که) \* اول پیر خانقاه تجرید و استغنا نیست  
ساله سیر و سیاحت بی سروسامانه اعتیاد ایلد نظر عالیرنده شاه و کد او فقر و تواضع ابرار اولوب سلطان محمد  
مهرجوم ظلمات فسوفن مخرج و اتیدن و غوائل استدراج منکرین اولیادن ره ایله کامیاب و مقابلات  
خداوند کاری حضورینه ز هیاب اولد فده بین المشایخ الکرام وضع پیرانه و طور درویشان غمز  
موجی الهیه امعان نظر فراست اثر ایله ذات شریفلری مظنه احوال اولد یغین اذعان ایدوب لزوم  
اکرام من ذمت همت خسر وانه لرینه دین واجب الادا اعتبار ایدوب فتح باب احترام من عطای تقدینه  
دنیا ایله ایدوب کند ولر همت رفیق شفیقلری منجم و ندیم شهر یاری احمدده ایلدار سال بیورد قلری  
صبره دینار اربعه آنیدی هذلم تطول الی عطاء غیر الرب مصداق ایلد دست قبوللری سینه بند ادب  
اولغله مانند کریسان عاشق چالچال اولان جیلرینه ادخال ایدوب عدم تقید تفقد لر ایله ساقط و نصیب  
لاقط اولد یغی سموع همایونلری اولنجه مأمول مانیر همین بود مضمون نصقت مرهونلرینه بناء وجوه  
سائر ایله اکرام مراد اولند فده اکرام آمشالنا بحطام الدنیا الهانته نفس بر تمکنلر ایله  
زوغما اولوب و ندیم احمدده دخی صرف اراده اکراملرین نیاز ایتلری بالکلیه ربط خاطر هما یونیه  
بادی اولوب هر نوبت استعدا لرده عاقبت خیر باد نطق با کار ایلد دعا کویلری اولد یغی چلی سال

سلطنت با استقلال عقیدند تخت شاهیدن کوشه وحدت و عبادت نزول و قیود و غوائل عالم بدن آزاد  
و مأمون بقیه عمر نازیدن تدارک مافات صرغمه موفق اولاد قلندره ترتب عمره اجابت حسنه ایله رسیده  
رتبه تحسین رأی عاقبت اندیش بادشاهی اولوب دعای خیر چون دعای غوثی باید عنوانیله ثنالیله بادی  
اولدینی علی آلسنه المقر بین الخواص شیوع پذیرا و ملشدر \* (نظم) \* فقر فخری بهر آن آمد سنی \*  
ناز طماعان کریم در غنی \* کنجها را در خرابی زان نهند \* ناز حرص اهل عمران وارهند \* قلی کان  
از قناعت و از تقاست \* آن ز فقر و قلت دیوان جداست \* حبه کرا این بیاید سر نهد \* و آن ز کج زو بهمت  
بر جهد \* حاش الله طمع من از خلق نیست \* از قناعت در دل من عالمیست \* از طمع هر کز نخواست  
من فسون \* این طمع را کرده ام من سر نکون \* (مر ویستکه) \* اول نابتقدم مر کمیدان تفویض  
هنکام پیریده عارضه حمای محرقه ایله یوز بیکرمی کون اسیر فراش علت اولوب کویا اربعین ثلاثیه کیروب  
یوما فیوما عارضه مر قومه و نازله سری یکدست اولوب ضعف لینه قوت و قوت لینه ضعف و یروب نهایت  
مدت مر قومه دمخیر خواهان مرا جعت تدبیر طیبیان سوق ایلد کارنده علت عاشق ز علتها جداست  
مضمون منیفیه دفع لینه اصغای تیموب جالینوس وقت پری نام بر طبیب فرنگ کتوروب وضع ید تدبیر  
تکلیف ایلد کارنده نبض شریقلینه نظر ایلد کده ساعات معلومه معدوده ایله بقیه حیالتین تحذید  
ایدوب وضع یددن ابا ایتمکه اخوان و خیلانه خرن زائد الوصف طاری اولوب هر کس کوشه کوشه انین  
و خنینه آغا ایلد کلمی منعکس ضمیر الهام تو بر لری اولنجه برادر لری درویش اسماعیله ماست خالص  
تنیه یوروب کند ولر اول ضعف بی انداز ایله و بکا پیرهن ایله صفة خانه لرنده باد سرده سینه ده اولوب  
مطلوب لری احضار اولند قده اوچ کاسه آب سرده دوغ ایدوب بلاجرعه نوش یورد قلندره دفع غیبی  
ظهور ایدوب در حال عارضه مدیده لرندن سلامت و عاقبت او زره ساعات معینه مذکور مر وریده  
سجاده خلایق لری او زره شمع جمع اخوان الصفا اولد قلری مسموع حاذق مزبور اولنجه سخن  
من بحکم طبابت آن بود این کرامت است عنوانیله مقابله تعریض اخوان ایلد یکی قصیر بر قصیر و جمله  
در دمنده دانه ارادتلرینک شفاها مسموع علریدر که فی الحقیقه از باب حکمت و تجربه صادقه اظهار  
عجز و بلیکه اقتضای علری حسبله فوات تدبیره امضا ایلد کاری معنای مزعج سر یعوا و عاجلا  
منافی جلب صحت و عاقبت و محرک عروق علت اولان اسباب استعجالیله مندفع و جالب صحت اولوق  
خارق عادت اولدینی اجیلای بدیم یاندندر \* (نظم) \* آنکه از حق یابد او وحی و جواب \* هر چه  
فرماید بود عین صواب \* تو مرا چون بره دیدی بی شبان \* تو کمان بردی ندارم با سبان \* کی کم از بره  
کم از بزغاله ام \* که نباشد حارس از دنیاه ام \* حارسی دارم که ملک کن می سزد \* داند او بادی که بر من  
میوزد \* سربود آن بادیا کرم آن علیم \* نیست غافل نیست غائب ای سقیم \* (منقول استکه) \* اول  
ناخدای کشتی سلامت حال معاصر لرندن خلوقی الطریقه شیخ نصوحی نام مخلصاری محمیه اسکدارده  
مجددا احداث او انسان خانقاهده ابتدا عقد مجلس توحیدده حضور لرین تبرک و تبیین قصد یله دعوت  
ایلد کده اندر دخی اجابه و عدا و اقرار ییور مغله وقت انجام رسیده اولدینی روز پر صر صرده عین الجمع  
در ویشانه سناحل دریاه نزول ایدوب عبور مر ادا ایلد کده روی دریاده اولان خروش طوفان جوش  
اکثر سفن و زور قلمی نگاره القاء و بعضی من کرداب غرقده ابوا ایله تلاطم امواجده کشتیانان رای  
پر جرمی او زره جرأت تسبیر سفینه محال غما ایکن ذات عالی همتلری بای حال کان عبور و وفای وعد  
و ثبات اقراره اقدام ییورد قده اخواندن ضعیف العقیده اولنسلر تخلف و اختفا ایدوب رضا و تسلیم  
او زره اولنلر ممتاز اولد قده ناگاه بر کشتیان ظهور و خصوص عبور لرنده توکل حی غفورله ضرف

مقدوره تعهد ایستگاه بهلاتر دسفسنه سنه نزول بیورد قدغه بعض احباب مقود کشتی به دست معاوقه زن  
اولوب تأخیر و تخلف رجایلد کلریده مفید اولیوب در امثال ما که وعد را وفا و اقرار را ثبات نباشد  
غرقه کشتن اولیست عنوانیه مدافعه و ساجل مقصوده بادبان کشتا اولد قلریده احوال حضرت شیخه  
وثوق و عنایت حفیظ مطلقه اعتماد و توکل اولان اخوان صادقین کو یاسفسنه سلامت نشین حضرت  
نوح نجی مانند حضور تامله عبوره دل بسته و جانبین ساحل دین بی شمار تماشایان دیده دوز انجام  
کار ایکن بفضل الله تعالی ساحل سلامت رسیده لکاری سهولتی کند و لرک مقام توکل و وفا و مراعات  
اقرارده ثبات قدم بر نه برهان مسلم الارکان اولوب و شیخ داغینک دخی بجملة المریدین و المجبین ربط  
خاطر و علاقه و حایه لرینه سبب اولشدر \* (نظم) \* آن جماعت را که وفای بوده اند \* بر همه  
اضافشان افزوده اند \* کشت دریاها مسخرشان و کوه \* چار عنصر نیز بنده آن گروه \* سوی لطف  
بی وفایان هین مرو \* کان پل ویران بود نیکو شنو \* آن توکل کو کلیمانه ترا \* تا کند شهره فقر نیل را \*  
آن کسی را کش خدا حافظ بود \* مرغ و ماهی مرو را حارس شود \* مرده باید بود پیش حکم حق \*  
تا باید زخم از رب الفلق \* این قضا را هم قضا داد علاج \* عقل خلقان در قضا کجا جست کاج \*  
غیر آنکه در کرزی در قضا \* هیچ حیل نه هدایت از وی رها \* (مرو بسته که) \* اول مهر منیر افق اشراق  
جهان کرد و طالب محبت مرد اولد بغی اثناده در که حضرت امام همام رضی عنه الملك الحکیم  
العلامه اولان مقام جناب ولایت مآب حاجی بگاش ولی قدس سره السمی فقر اسنه سر حلقه  
اولان مهدی دده و یار وفاداری عیالیده محبته و اصل اولوب اول گروه بر شکوهش روش  
ورفتار لرین مسلک حکمت الاشراق اوز ره بولوب همواره میدان ارکانده جمله سن سر بحیب  
مراقبه و بی حرف و صوت مصاحبت و بلکه مثل خاصه لرین گاه و بیگاه مجادله و مصارعه و مکاره  
اوز ره مشاهده ایدوب اول منهج غریبه سلوک مراد ایلد کده هاتف غمیدن لافرق بین شغل  
الاشباح و الاشباه بغیر الاله صدای لطیفین کوش سروسرا یله تلقی و هوس مذکور دین توفی بیوروب  
قدرا شنای مسلک عارفان مولوی و عنان عزیمت تاب صوب در که خداوند کاری و رها یاب بیهوده  
کردی اولوب ارجاع بصیر و معان نظرا یله تجدید عهد و تسدید عزمله سیاح ملک آنفس و دوار دیار  
احسن التقویم اولوب بهدایه الله الکریم سید خلیل افندی خدمته موقوف اولد قدغه یتیمان مرشد  
و ناقص ماند کان مر بیر اسر مایه سعادت بهمسر و یاب بهتر از ان رسیدن بوده است افسوسکه بعد  
از در ماند کی خبر دار شدیم عنوانیه علی الدوام دار و دیار پیمایان صورتی انتساب خدمت خوش سیرتانه  
ترغیب و خود بخودانه سیر بی سیریدن ترهیب بیورر لرایدی حتی بونده جوینده دخی در که ارشاد  
دستکله لرینه و اصل اولنجه بیهوده کرد دشت عالم و چال چال خار آزار اغیار اولوب المنة لله تعالی و تقدس  
خدمت شریفه لرینه وصوله اصول و فروع مناسک و آیین مولویه یله تحقق و دغدغه و ساوس ابالسه  
عبدیم الخیریه دن مأمون الغائله خیده کوشه فراغ بال و روبر و دیوار مراعات صفای حال و فی الجملة آشنای  
اشارات و محرم اسرار طریقت علیه صدیقیه و تسلی یاب و بقعه مبارکه ارغونیه صینت عن الآفات  
المنویه دده دامچین تدارک مافات فی الاوقات الخالیاته موقوف و دمدم شکران سایه کرامت مایه لرینه  
مشغول الجوارح و مشغوف الجوانح اولشدر فی الواقع بود امن آخر زمانده هر سر کو قطاع طرق  
کونا کونه مزاحم ایکن رهرو تازه سال رسیده منزل سلامت حال اولق همانامیانه دریای شورده  
زلزال شیرین یاب اولقدر طوبی لمن ظفر بهذا الخط الاوفر و استروی من عطشه بالمعین الاحلی  
من السكر \* (نظم) \* بنده می نال بحق از درد و پیش \* صدشکایت میکند از رخ خویش \* حق همی

گوید که آخر رنج و درد \* مر ترا لایه کان در راست کرد \* فی توصیادی وجوای منی \* بنده و افکنده  
 رای منی \* حیل اندیشی که در من میرسی \* در فراق و جستن من بی کسی \* چاره میجوییدی من دردتو \*  
 میشنودم دوش آه سرتو \* میتوانم هم که بی این انتظار \* رده هم بنهایت راه گذار \* تا ازین کرداب  
 دوران واره می \* بر سر کج و ضالم پانه می \* لب شیرینی و لذات مقرر \* هست برانداز رنج سفر \* خدمت  
 اکسیر کن مس وارتو \* جور میکش ای دل از دلدار تو \* نیک بختی را چون حق رنجی دهد \* رخت را  
 نزدیکتر و امی نهد \* (منقول است که) \* اول نخل بار آور و سایه کستر حدیقه طریقت او اوقات  
 صافیه لریده پرورده حسن نظر معرفت اثر لری اولان ختن انغمیری در ویش عثمان نابی جناب صداقت  
 نصایب ولی عهد اتخاذ بیور و ب مدت مدیده داده کار مشیخت و رونق بخش صناعت طریقت  
 و عاقبه الامرداعیه پیری کند و لریده رقه دار السلام اولوب روح پر فتوح لری زمره پیران گذشته گانه  
 ملحق و قفص عنصر یلری بین العرضی و الرسخی خاصه احداث اولانان تربیه شریفه ده و دیعه کجینه  
 رحمت اولشدر نور الله تربیه و اعلی رتبه آمین یا مجیب الداعین بحرمه من له الشفاعه العظمی یوم الدین  
 \* (حضرت ناجی احمدده) \* برو سوی الاصل و گروه محترفه ندان کن جنسیت روحانیه انسیت  
 جسمانیه لرینه توسط ایدوب فقر اصعبته منجذب و ر بوده محبت لری اولغله صالح ده ده خدمت  
 شریفه لرینه واصل و شرف تکبیر طریقتله سرفراز و طلب علوم و معارفه ممتاز و سایه همت  
 عانیه لریده قدر مشترک نائل مرام اولوب و سمیت نظمه دخی مائل اولغله ناجی مخلصیه تخلص ایدوب  
 و عرضی ده ده و سید خلیل افندی وقاری احمدده ده حضرتی صحبت شریفه سبیله مغنم و اول خانقاه  
 بشکطاش و ثانی استانه غلظه و ثالثه کیه کاه باب جدیده شیخ و سادس احامده مشایخ گذشته  
 اولشدر و ازمنه مشیخته لرینه بین المشایخ اخلاق حمیده و اطوار پسندیده و استجاب ادعیه ابله معروف  
 و رقیه و تعویذ لری دفع ضییر و جلب نفعله مشهور اولشدر و جامع شریف سلطان ابوالفتحده تعلیم  
 درس مشنوی شریفه دخی شری معارف لدیه ایدوب مربی اولن لری صالح ده ده حضرت نیر نیک حامل  
 سر مقدس لری اولغله انزل ذات شریفه لریده جلوه نما اولان حالت عجیه سائن الذ کربن لک دخی وقت  
 تذکیر لریده عارضه و زمان صحبت سائر لریده منجمله و منفعه اولوب موعظه لریده دیرم لفظ نندن غیری  
 ادا سموع و مفهوم اولیوب انشای درس و مسامره لریده بضاعه حسن بیان لری و لطف تعبیر  
 بلاغت عنوان لری محل تحسین اهل طبع زمان لری اولوب متا منیده اختلاف حال لری باعث تعجب  
 و حیرت اولشدر حتی همد مانند بعضی لری علی طریق المطایبه و عدم متصل نطقه و فانی از مندی  
 اولد فده آنسگاه که باناس روح بخش اسلاف کرام کار شما ساخته نکرده بنفس اخس ما حاجت  
 مس کند و عدد اثم را وفا کنم مضمون تعویض مشکوئله سد باب دق بیور مشلدر \* (نظم) \* این  
 سخن سیرست در بستان جان \* بی کشته خوش نمیکرد در وان \* جذب سمعست ار کسی را خوش  
 لبیست \* کرمی وجد معلم از سمیست \* مستمع چون تشنه وجو بنده شد \* واعظ ار مرده بود کوی بنده شد \*  
 مستمع چون شانه آمد بر ملال \* صد زبان کردد بکفتن کنک و لال \* چون که نا محرم در آید از درم \* پرده  
 در نهان شوند اهل حرم \* جوش نطق از دل نشان دوسه میست \* بستگی نطق از بی شفتگیست \*  
 دل کد لبر دیک مانند ترش \* بلبل کل دیدکی مانند خش \* و دخی تلخیص ماجرای مر قومه الوعد بالوعد  
 و الوفا بالوفا عنوانه تا بنده عاجز و بیور مشلدر یعنی اگر مستمع و عد عمل کند و اعظ نیز و عد و اوند کند  
 و اگر با نجات همت کند او نیز انجازه فواید میکند در خانه کس است یک حرف بس است  
 \* (مروسته که) \* اول کج نهان ویرانه نامرادی ظاهرا آراسته اوضاع در دمنده و باطن مالا مال

حضرت ناجی احمدده ده

کلامه بنده بشکطاش و علم و سبیل و سبیل

همت و بضاعت مردانه و لغله کور دلان صورت دزدان مغرور عدم دافعه بیرونیلری و غافل  
 کنشگاه غیرت درونیلری اولوب تجاوز سرحد ادب و تجاسر آزار خاطر تابنا کلری صد دنده منشأ  
 فعل و قول نامعقول اولنلر بالجه سموت غیر مظنونیه دن اغراض سهام مجازات و ذوی البصائر مواد  
 اعتبار اولوب بعضیلری متیقظ و متنبیه بولنوب قائم مقام استعفا و اعتذار اولدقه در میانه این فقیر  
 بر تقصیر و اخوان الصفا جای کلفت اعتذار نیست اگر هر دم صد هزار آزار رسد مضمونیه استحکام  
 اساس محبت و صفوتلرین بیان و (لا تریب علیکم الیوم یغفر الله لکم و هو ارحم الراحمین) آیه کریمه سن  
 تلاوت و عقیمینده استشفاعار و اح مقدسه پیشقدمان طریقت علیه مولویه حی دغای طویل  
 الذیل الیه توسل عفو جرایم و زلات بیوروب و کلبانک معهود محو خطیائله امضا و ختم بیوروب  
 کان لم یکن سینه صاف اولملری ذات ملک الصفا تلرینک مجموعه اخلاق حسنه و کلکاتی جامعۀ اشتات  
 کرم اولدیغنه بینه عادلۀ میدان مردان تمکین و امارت امارت دیوان کرامت ترین اولمشدر \* (نظم)  
 باش دایم بردبار و با وفا \* نابروی خویش بنی صد صفا \* برعد و خویش چون یابی ظفر \* عفو پیش آور  
 ز جرمش در کذر \* بردباری جوی بی آزار باش \* تا که گردد در هنر نام تو فاش \* غل و غش بکندار چون  
 زربالشو \* پیش از آن که خالک کردی خالک شو \* یوسف حسنی و ابن عالم چو چاه \* وین رسن صبر است  
 بر امراله \* یوسف آمد رسن در زن دودست \* از رسن غافل مشو بیکه شدست \* کرچه دیوار افکنند  
 سایه دراز \* باز گردد سوی او آن سایه باز \* این جهان کوهست فعل ماند \* سوی ما آردند اهارا صدا \*  
 جمله بر خود می کشی ای ساده مرد \* همچو آن شیری که بر خود حمله کرد \* ای زده بر بخودان تو  
 دو الفقار \* برتن خود میزنی آن هوش دار \* فی الحقیقه زمان مشیختلرنده و او اخرونه تلرنده طاهرا  
 مستحق مشیخت و همنا ملری اولنلردن سابع احامده مشایخ خانقاه مرقوم اولق آرزو سیه مترقب  
 و متوجه فوتی بولنلر افراد کثیره نامراد قنطرۀ فانی عبور ایدوب پس مانده طائفۀ آملین اولان ثانی  
 احمد القاری بر فاضل متادنی ولی عهد انتخاب ایدوب خدمات مشیختی عهده اهما مننه محاله الیه کندولر  
 کوشه نشین فراغ اولوب اون سینه مقدار ی قاریلری اولان بولوی الاصل احمدده ده کویا کجوه حقه  
 دادده مشیخت و مرجع عرفا و شمع جمع فضلا اولغله سابع احامده اولمشیکن در ونلرنده خلجان  
 انداز صدق و اخلاص اولان داعیه استقلال کند و بهر هنر نیل تمام مرام اولوب اولدخی پیشقدم  
 رحلت دار البقاری اولغله بعد فوتیه احمد نامنه مستحق مشیخت ناباب و چند ماهه صدر خانقاه خالی  
 و آخر سید یوسف نسب ده ده شیخ اولمشدر \* (منقولستکه) \* اول نکهبان دردمندان بی کسان و سایه  
 حمایت انداز مفارق مستندان اگر فوران تنور قنۀ جلوس محمد خانی واکر ثوران آتش ملحمه  
 مصطفی خانیده قبیل الظهور اختیار خلوت و عقیب الاندفاع و نمای منتظران محبت اولوب نقله  
 تفصیل و قعیننی الماضي لایذکر و الحال لایکدر مضمونیه اسکات بیورملری سدره تنفس مبتلایان  
 تلاطم امواج طوفان اضطراب و بنده افواه سوخته کان و داغداران شراره ترزل و انقلاب اولغله  
 او ان سائر ده ده اولان فسحت بزم بر نواز شلرینه تنافص خلجان انکیز خواطر تسلیمت جویان اولدیغی  
 منعکس مرآت ضمیر الهام تویرلری اولدقه اوقات الفتن از سان السکون فی زوایا البیوت و احیان  
 الرکون الی ارکان السکوت و اذا انجلی الغبار و ارتفع العثار نعتم بعوائد اللقه و تتمتع بفوائد الحکمة  
 نطق معیدار لیل پرده کشای روی کار احتیاط بر کار اولوب و پروانسان شمع محبت و اخلاسلری ایام  
 حوادث مزجۀ شامیه سلطان محمدی و سلطان مصطفاییده سرایت دغدغه بلیه غانه دن مأمون  
 و اصابت حریق قنۀ من مصون اولملری برکت حسن حمایتلری اولوزین المحافل دقیقه شناسان انصاف



موجب عادت متقنه رب العالمین اولد یغی طباع سلمیه و عقول مستقیمه رجائنه مانند عیان بعد الخبر  
 مؤکد عقیده بی ریب و مصفی سلیقه بی شوب اولمشدر \* (نظم) \* میل دل در مردوزن حق زان نهاد \*  
 نابقایاید جهان زین اتحاد \* میل هر چیزی بچیزی می تند \* ز اتحاد هر دو تولیدی زند \* چونکه  
 هر چیزی بچوید اتفاق \* چون بود جان غریب اندر فراق \* میل تن در سبزی و آب روان \* زان بود که  
 اصل او آمد از ان \* میل جان اندر حیات و در حیات \* زانکه جانرا لامکان اصل ویست \* میل جان  
 در حیات مست و در علوم \* میل تن در باغ و راغست و کرم \* حاصل آنکه هر که و طالب بود \* جان  
 مطلوبش بدو راغب بود \* آدمی حیوان نباتی و جماد \* هر مرادی عاشق هر بی مراد \* بی مراد ان  
 بر مرادی می تند \* و آن مراد ان جذب ایشان می کند \* عقل حیران کین عجب او را کشید \* با کشش  
 زان سو بدن جانب رسید \* صد عزیمت می کنی بر هر سفر \* می کشاند مر ترا جای ذکر \* زان بگرداند  
 بهر سو آن لکام \* تا خبر یابد ز فارس اسب خام \* اسب زیر لئسار زان نیکو پیست \* کوه می داند که  
 فارس برویست \* او دلت را برد و صد سودا پیست \* بی مراد کد پیس دلرا شکست \* (مرو پیستکه) \*  
 اول مطلع لوا مع بسط و احسان صمدانی ار یکه نشین مشیخت اولد قدده در دست اولان نقود واجناسی  
 خراج خدمت اخوان الصفا ایدوب بالکلیه کف کفایتلری و بازوی اقتدار لری خالی و سست  
 اجرای مراسم دیرینه مروت اولد قدده استندانه جراث بیور و ب غرقه کرداب دیون اولد قدده آندکان  
 موسم حج شریفله پدر والا کهر لری نیک خبر فوقی و بعض ترکمی و طرف سلطان هنددن مقام والد  
 ماجدنده اقامت و استخدام و عد بلا خلقی حاوی قلم اعتماد الدوله ایله مکتوب منشور اسلوب و رودنده  
 ترک کهدر لری قبول و تعمیر و توسیع بقعه مبارکه مولویه و راه حسنات و مبرات صرف ایدوب  
 و مکتوب معتمد سلطان هندده ترقیم اعتذار نامه ایله استغفایتلری جمله رجال دولت هندک طرف  
 باهر الشرف لری نه علاقه اخلاص آمیز لری نه سبب اولمغله بقایای آرمه لری کند و لره تماما ارسال و ایصاله  
 همت اولوب و سینه بسنه خزانه یادشاهیدن دخی صرة معینه و بکار دولت هندیدن هدایا و سرور  
 اهدا و اتحافی کویا لا زمه ذم کمر لری عدا اولنوب بهر سال همان جانب هنددن عانده اولان هدایای  
 بهیمه و نقود و اموال جنسیه دن مجمع اولان اسباب عیش خوش ایله اول دارالتمناعه و انریاضه ده  
 عین الجمع اخوان الصفا و جم غفیر خلان الوفا ایله تعیش امیرانه و حسن سلوک فقیرانه موقوف اولوب  
 صیت کلمات معجبه لری اقصادی هند و سهند و انخای عرب و عجم و رومه و لوله انداز اولمغله ذات  
 ستوده سماتلری مانند کعبه مکرمه مطاف زوار دار و دیار و مقصد حاجیان اسرار اولمشدر حتی اوائی  
 مطبخلری فغفور یات و سه پایلری سمین و تبرید ایچون معذ اولان خملری چینی اولوب و بونلر امشالی  
 نفایس اشیا و لطائف امتعه اجتماعی نظر کرده درویش فرهاده مایه استکثار اولوب رأی خیر  
 خواهانه سی تستر و کتم و اخفای اسباب احتشامه قرار ویرمکه نا کاه پرده برانداز روی کار عبرت مدار  
 و این همه در پهلوی حشمت فقرای باب الله قدر پر پشه ندارد مع هذا فرستاده ولی النعم عوالم است  
 و نحن نحدث نعم ربنا الوهاب و نظهر آثار کرمه العمیم علینا و لانسالی بهو احسن نفوس الحساد  
 فن ذا الذی یأتی بما لا یراد و الذی ارید قاله من راد کلمات مفیده محققانه لری یله دفع خلجان خاطر  
 فرهادی بیور و ب مادام العمر زند کافی شیری نه معتم و خسر و انه کامران ظاهر و باطن اولمشدر در  
 طوبی له و حسن مآب \* (حضرت فرید الدین عطار میفرماید) \* خواهی که زان طرار و خواری برهی \*  
 و ز بی ادبی و بیقراری برهی \* تا چند بخود کنی تصرف در خویش \* که کار بد و باز گذاری برهی \* (وله  
 قدس سره الغریز) \* انرا که ز حق و ز فزون آید کار \* در نغمه همش زبون آید کار \* جان کنندن

بی فائده کاری نبود \* باید که مغز جان برون آید کار \* (وله قدس سره العزیز) \* تارخت وجودت  
 بعدم در نکشند \* هر کار که کرده شد بهم در نکشند \* سر بر خط لوح دار و خوش \* کوه چرخه قلم رفت  
 قلم در نکشند \* (وله قدس سره العزیز) \* انجا که قرارگاه عالم دادند \* هر چیز که دادند مسلم دادند \*  
 این دم که ترا خوش است و ناخوش تو نیست \* چون بی تو قرار این دم آن دم دادند \* (منقول است که) \* اول  
 شیر زیان بیشه تحقیق دائره جمعیت اسباب بلری ذات ولایت سرشت بلری نه روی پوش چشم زخم اغیار  
 اولدیغندن خادم میدان ارشاد ارکانلری اولان درویش فرهاد غافل و ادخار اسبابه مائل و اشیای  
 و افریه نائل اولدیغنی صورت مثالیه سی مرآت خیالنه عکس انداز اولدیغنی واقعیه لریکه کند و بی  
 برکشتی عظیمه باد مرادله باد بانکشیای سمت مقصد و تیز اندر تیز سیر اوزر ره مشاهده سی خلالتده  
 جریان بحره سمت خلافه جاری و دمیدم مقصد دن بعید اولدیغین معاینه اثنا سنده غرق اضطرار  
 اولدیغدر حضرت مرشد مکمل وقت صفوت و انسا طایریده اتم از فرصت و نقل واقعیه ایلدیکنده  
 باد طبل بلری کشتی ران جانب مقصد لری اولوب لیکن جریان دریای عادت متقنه ایله کند و لر سدر راه  
 اقتراب مطلب اولان خطام مدخل لری بادی دوری و تنزل اولغله تعبیر و اکسیر سعادت خدمت انسان  
 کامله نائل ایکن امور خسیسه ماسوایه مائل اولسنی تعبیر بیور و ب در حال جمله ماملک و مدخرین فقرای  
 حریمه اتفاق و تحرد خاصه تنبل لری اوزر صادق مرقوم دخی تیشه همت علیه ایله بیستون سد  
 راهنی قلع و قمع و جانب مقصوده گذارایتد کده ولی عهد انتخاب و جوی شیر ارشاد و تسلیدن سیراب  
 و روی شیرین معرفدن کلچین و بعد الارتحال جانشین لری اولمشدر کویا فرهادی راهرها فریاد  
 رس فرهاد و سنلر راه منزل جانی اولان بیستون علاقه ماسو و انقیله نفوذ صحرای اطلاق و تر که موفق  
 اولوب دام کید عجوزه ذنای دنی شکار ده هلاکدن نجات میسر و علی رغم خسر وان ملک فانی  
 سلطنت ولایت و مواسلت شیرین کرامتله مبشر اولمشدر \* (نظم) \* معصیت کردی به از هر طاعتی \*  
 آسمان پیوده در ساعتی \* بس نجسته معصیت کان مرد کردی \* فی زخاری بر دمدا و راق ورد \* نا امید را  
 خدا کردن زدست \* چون گاه و معصیت طاعت شدست \* چون مبتدل میکنند اوسینا \* طاعتی اش  
 میکند رگم و شات \* راه دین زان رو پر از شور و شراست \* که نه راه هر مخنت کوهراست \* دیو کرکت  
 و تو همچون یوسفی \* دامن یعقوب مکن گذارای صفی \* بنده یک مر در و شنل شوی \* به که برفرق  
 سر شاهان روی \* (مر ویست که) \* اول چار بالش نشین متکای تمکین اکثر سنین او ان خلافت لریده  
 عین الجمع اخوان کینه طیه طیه لازالت رب مر اقدس کانهامسکیمه جانبیه نهضت باهمت  
 و بر صد اقله زیارت روضه منوره سید الاولین و آخرین صلی الله تعالی علیه وسلم و علی کافه الانبیاء  
 والمرسلین و آلهم و صحبهم اجمعین ایله مستسعد و اول حرم محترم و ملجأ آمده معتکف کوشه نیاز  
 و مناجات و مستفیض اصناف عنایات قاضی الحاجات اولوب فقر اودر ویشانندن همراة قافله حجاج  
 اولنلرک زاد و راحله لری خصوصنده بذل مافی الوسع ایدوب به مجاورین ایله مقرر عزت لرینه رجعتنا  
 اولوب هر موسم حج شریفده دائره پر کرم و کرامت لری کویا موقف سعادت و منای پرمناى خواص  
 اولوب و بر او بحر اظهور ایدن فتوحه جمله بی تشریک بیور مغله هر کس مأمون الغائله لوازم سفر  
 و حضر و سایه مکرمت لری سرمایه استطاعت صوریه و معنویه اولو را بمش یعنی تعبیر قلوب منکسره  
 و تطمیب غم باوقرا ایله وقت شریف لری حج همیشه اولوب اکثر یابین الرکن و المقام کبار اولیای کرامله  
 دخی متشریف و کونا کون آثار عنایات غوثانه و قطبانله ایله مستبشر اولدیغی محرمان راز لرندن رسیده  
 رتبه اشهار در حتی فلاکت دیدکان فلک مشحونک بحر محیطده اثناى اضطرار و بیم غرق و هلاکده



سكان حرمین شریفینه اولان ندوره وفالری سیاقنده مظان خیر دعا جست وجوایدوب قرار داده  
ظن غالب اولنلره تکلیف قبول اولندقدن ندوره بانی حضرت عزیزمشارالیه ارسال وان غایتها  
از جانب ایشانست عنوانسه منشأسلامتیرینه ارشاد واکثرینک دخی واقعا وواقعه مشاهدلری  
اولمغله هرکشتی نشین سفردریای بندر جده اولنلرله هنکام نزول سفینه ده پیشین توسل اعتنام سلامت  
صددیده افراز ندور و تخصیص هدایای نفیسه عادت مألوفه مستمره سی اولمشیدی واکثرینک اوقات  
سلامت و تسلیم مندورنده کیمت و کیفیت سفر یلرین کشفله وحسن تقبل وفالریله تبشیریه وورمق تحقیق  
انتظام سلک رجال اللهیرینه کواهی اشتباهلر \*ودخی غلبه انجذاب قلوب صنوف سلاکله ذات جذب  
فرمالری مرکز دائره هنر و روان موسیقی و قطب مدار اعظم واجدین و حاله داران اولوب هر چند مجلس  
آرای نعمات اولدقلرنده سماع عزنان تدویر مرکز ثبات اوزره پایرجای کردش بقراری اولوب لکن آیین  
معهود اوزره عقد مجلس سماع وصفایه رخصت ده اولیوب مع هذا جمعیت اسباب ارکان دوران  
کما ینبغی آماده ایکن ممانعت مرقومه لری باعث جوش حرص اخوان وادی نیلزمندی اجرای ارکان  
اولدقدن مراد مردان ازدوران کردش سرکوی یاراست ودرین حرم محترم طوف بیت الله الحرام اصل  
آن کاراست بس سماع و صفا اینجاخوان ینماست فطوبی للتعین فی الطواف والسعی والوقوف فان  
فیها من الحکم والاسرار ألف ألوف نفس انفس لریله سیراب زلال ارشاد و تشنک آب حیات معرفتی  
امعان نظاره و متشوقین حرکات دوریه بی تدقیق افکار اعتبار مداره ترغیب بیوروب (الیوم اکلت  
لکم دینکم) مخدرات اسرار غامضه سی وجوه ندن کشف قناع و مشغوفان وجد و حالی اقناع  
بیورمشلردر لله دره فیما أفاد والسعادة لمن استفاد \* (نظم) \* طواف کعبه دل کن ا کردلی  
داری \* دلست کعبه معنی تو کل چه بنداری \* طواف کعبه صورت حقت ازان فرمود \* که تا بواسطه  
آن دلی بدست آری \* هزار بار پیاده طواف کعبه کنی \* قبول حق نشود کردلی سیازاری \* عمارت  
دل بیچاره دو صد پاره \* ز حج عمره براید حضرت باری \* مکر بخدمت دلها بند چاکروار \* که برکشاید  
در تو طریق اسراری \* (منقولست که) \* اول پیر فراغت تدبیر دائره قناعت جناب ولایت مآبک  
پادشاه معدلت سپاه ملک هند اولان اورنک زیبایله قرابت صهر یلری اولمغله سال بسال بینماده  
مراسلات مخالفت اولوب سلطان مرقوم دکن و ملطان طرفلرینه مکر بند عزیمت و پاد در کاب جهاد  
اولدقدن طرف باهر الشرفلرین استمداد همت نصرت یلدیکنده موجب الهام اصابت انجنامه  
عمل و تکبیر عرفیه شریفه مولویه ایدوب و اول پادشاه بااتباه ارسال و هنکام قتال و حرایده حرزجان  
و بدن اعتقادینه ارشاد ایدوب فی الحقیقه طریقه تعلیمی لری اوزره حرکت اولمغله نک آثار خریله سی  
مشاهده اولنوب شصت سال سلطنت بااستقلال و جمله جهادلرند منصور و مظفر و اعدای دین  
و دولتری مقهور و مدمر و کشور کشای کامران و اقالیم سستان و دادده مظلومان و کوی ربای  
مسابقت میدان سابقان واذ کار جلیله واثیه جمیله لری عالمگیر اولمشدر بناء علی هذا بالذفات  
دارالدوله ملک هند اولان جهان آبادده ویاخود و طنلری اولان شکاله ویاخود نظرگاه شمسیه اولان  
ملطاندن ذات شریفه لری تشریفی و جذب قلوب و جلب میامن اقدام فقرای صدیقیه سیاقنده  
احداث خانقاه باتکاف تصمیمیه دعوتنامه سلطان اورنک زیه ادعیه حضور دن غیابی و لاسما  
بقاع سائر هنر جواریت الله الحرامده اولان دعواتلر ریحانی بیان و خصوص دعاده مدخل بعد  
مسافه اولدیغین افاده ایله اعتذار اولمشدر و من عجائب آثار همته العلمیه فرستاده توجه او نادانه لری  
اولان عرقیه متبرکنک انواع برکات لاریبیه لری معایسه اولمغله شاهزادگان جوانختان ایچون دخی

رجای بادشاهی حسببیلہ ارسال یوریلان عرقہ لرین تبرکا و تیمنازب تارک اقبال ایدنلر وارث دوات  
وختوت دولتہ تلبس عرقہ تمدیندن سرکش اولان سبب عقوق پدر والا کھرله دیار عجمه فرار  
وحمای اغیارده قسار وخابا و خاسرا غرقه کرداب کربت غربت و هجران اولشدر و عزیز مومی  
الیہ دخی شصت سال مسند آرای مشیخت مولوی اولوب عادت معرفه لری اوزره نوبت اخیرہ زیارت  
روضہ مقدسہ سید الانبیا والمرسلینده جمله خدام حرم محترمه واجباب واصدقایہ وداع واستحلال  
ورجعت مقر خلافتلرندہ مزاجلری متحرف اولوب مسند سعادتلرینہ واصل اولدقده جمله موجود  
تحت تصر فلرین جهت فقرای خانقاہلرینہ شرط و وقف ایدوب درویش فرهاد بندہ لرین استخلاف  
بیوروب نمازلرین همکل مخصوص اوزره جانب مروہ وصفادن روغما اولان مرغی بیہ وصیتلری  
حالندہ مسارعت جواریت المعمور بقایور مغلہ حسب الوصیہ جنازہ مر حومہ لری حرم شریفہ ایراد  
وعقوب صلاۃ الظهرہ امام مومی الہم ومقتدای موصی الہم انتظارک امتدادی باعث تجلیل اولوب  
وصلات جنازہ لرینہ مغایر وصیت مبادرت اولنوب بعد الصلاۃ تا نوبت شریفلرین رفع ومحل دفنہ تحمل  
میراد اولندقدہ کویا مانند کوه نورلنہ ککراند از تمکین وقرار اولغلہ تحریک ونقل متعذر اولغلہ ناچار  
انتظار امام موصی الہم قرار ویریلوب وناکاه اول وجود فائض الجود من بین الصفا والمروہ بیدار وبلا  
تردد مقام امامتہ قائم اولوب تکرار انما جنازہ مر حومہ لری اداسند نصکرہ نہ کالاول خفت  
نورانیہ اوزره علی رؤس الجماعہ مرغ آسامر قدمنورلرینہ سہولت تامہ الہ نقل اولندقلری دخی  
خارقه آخرین وکرامت جنازہ مر حومہ لری واقع اولشدر وحال محل آسایش روح وریحان اولان  
مہبط رحمت رحماندہ زیارتلری تبرک وروح پرقتو حاکمندن استمداد و تربہ طیبہ لری کویا قبلہ عشاق  
اولان آستانہ ملائک آشیانہ مولویہ دہ قائم مقام حجر الاسود وملائکہ مستلم مشفقین اولوب وصیت  
الہامیہ لری موجبہ خرقہ مبارکہ لری نظر کردہ لری درویش فرهادہ تسلیم اولنوب مسند سامیلرندہ  
خلف الخیر والمیری صوب سجادہ ارشاد نشین تربہ معظمہ حضرت پیر قدس سرہ المنیردن دخی  
ارسال منشور خلافتلہ استصواب اولنوب مدت مدیدہ امتداد برتور وخابیلرلہ کامروای متمکای  
مشیخت وپیر ورفقار حضرت میریلری ومظہر آثارہمت سربہ لری اولوب السنۃ قدر شناساندن  
کسی کہ فرهاد باشد فرهاد چنان شیرینی باید بود حق لرنده اجرا کردہ بجزای مثل سائر اولشدر کہ انجام  
فرهاد معہ ودمکر عجزہ ککبادہ الہ ہلاک وعاقت فرهاد دخدمت لریلہ محمود وحيات طیبہ عرفانلہ  
معدود وسلامت کید عجزہ دنہای دنہ الہ وصول منزل مقصود اولشدر انار اللہ براہین أمثالہم  
فی اتباع الرشاد وأعلى أعلام ارشادہم علی بقاع الصدق والسداد آمین یا معیت ویا معین بجزمۃ السید  
الشفیع الامین \*(حضرت ابو بکر افندی)\* دارالدولۃ استنبیولہ کمال زادہ شہر تیلہ مدعو  
ومجموعۃ فضائل شتی ومجموعۃ الخصال والا طوار ومعدوۃ الشائل والاوضاع اولوب فائز ارقای طریقہ  
علمای دولت علیہ عثمانیہ ایکن ترک خانمان آباواجداد ورفض اعتبار پایہ بنیاد ایدوب سلوک  
منہج اہل تحقیق والتحاق کروه پرشکوه مولویہ الہ مستعد اولوب قطب زمانہ سی اولان طغمانی  
احمد دہ قدس سرہ العزیز عتبہ ارادتنہ جہہ سہای اخلاص وتکمیل جملہ مردان مولویہ شرفیاب  
تکبیر وسکہ داردار الضرب ملک حقیقت وخالص العیار محال اختارات طریقہ اولشدر وبعد  
وفات المرشد الحی المکمل منجذب رومال خالک بالک جناب تربہ مقدسہ خداوند کاری واول جلوه کاه  
حسرت العشاقہ دخی مستخدم و مشور بخوانی درکاه شمس الدین تبریزی طیب اللہ ترہ الا بریزی الہ  
بین الامثال ممتاز ونوبت دولت ارشاد حضرت جلای ابو بکر کردہ خانقاہ دارالسلام بغداد مشیختلہ

حضرت ابو بکر افندی

بہار و کمالی و سلی

چراغ افروخته لری اولوب اول مسند عالیده کامران جمعیت اسباب و اخوان و خیلان ایکن قیل  
استیلاء الروافض موجب اشارت روحانیه سادات علیه و لایتله هوای عراق ملائم طبع نحافت  
مراجلری اولیوب جانب و مه نقل ضرورتن بهانه ساز اولوب عتبه علیه جذبز کوار حقیقتدن  
استعفا طریقیله نصیراده ده جنابن مسند خلافته اجلاس و کندولر طرف آستانه سعادت توجیه ایدوب  
و غلبه و تسخیر عباسیه ده نصیراده ده شیخ بقعه مبارکه بولمندن دخی آثار حکمت مدار ظهور ایدوب ذات  
شریف لری همنام صدیق اکبر و خلیفه طریقه صدیقیه و مستخلف لری دخی چلبی ابو بکر اولده متوهم  
اولان تعرض غلات روافضدن مأمون الغائله اولوب و بو طریقیله هجرت لری جمله کراماتلرندن  
عدا اولمشدر و لاشک آنه کما عدمن وجوه عدیده علی الخصوص صدف کوهر تابدار وجود لری اولان  
مادر مشفق لری فی الاصل خادمه سرای عامره سلطانی اولمغله کندولره حیث کان معینه مرخصه  
اولمغله ازمان فراق و هجران دخی رسیده سرحد اشتیاق و یایان اولمشیکن لازمه صله رخی دخی ادا یه  
موفق اولوب انشای نهضت مراد خاندن چلبی عارف ککوچک حضرت تلی سجادّه مشیخت تربیه  
فردوس رتبه به باخط همایون نقل و اجلاس اولند قدّه ابو بکر افندی جنابن خلافت آستانه سعادت  
حضرت سلطان دیوانی قدس سرّه النورانی ایله چراغ و هر خاصلرینه تخصیص بیور مغله سر بلند اقران  
و اول بقعه منوره ده الی آخر العمر کامران اولوب بقیه عطیه پادشاهان اولان اموال و اشیا سیمیه  
والده لرن دخی قره حصار صاحب مستعده اوللرینه باعث اولوب لکن هر چند تأهل و تزوج  
تکلیف اولنسه فردا مدیم و فردر ویم پس در میانه دو فردی زوجیت مناسب نیست نکسته لطیفه سیمیه  
دفع لین بیوروب خزانه معارف لرندن بهره یاب اولان تلامذه مرییدن اولاد معنویه لری اولمغله نسب  
روحانیه لری منقطع اولیوب اکثر نظر کرده لری امتیاز مشیخته بر خوردار اولمشدر و سادّه لوح و صافی  
ضمیر ارادت و خدمت بر حرم تلی اولنلر دخی حصه منند حالات و بهره یاب صفای اوقات و کویا همسر  
کمال اولمغله دیده نصیرت کشای طالبین و روشنای چشم صادقین اولمشرایدی \* (نظم) \* ذره از نور  
خود کل جواهر بخش \* بو که پذیرد از آن دیده جانم ضیا \* دیده جانم اگر سر مه بخشد فروغ \* کورئ  
دل را چه سود مکمله تو بیا \* بود وای چشم باشد نور ساز \* شد ز بوی دیده یعقوب باز \* بوی بد مری دیده  
را تازی کند \* بوی یوسف دیده را یاری کند \* گفت یوسف ابن یعقوب نبی \* هر بو القوا علی وجهه آنی \*  
بهر این بو گفت احمد در عظات \* دائما قره عینی فی الصلوة \* (مروسته که) \* اول طوطی  
شکر نوای باغ مثنوی و بلبل خوش الحان تذکیر معنوی جناب ارشاد نایبک لذت تقریر موعظه سی  
هر تقدیر الهناب اولنسه دماغ مستمعنده اول قدر صفا انکیز و مأمون الغائله ملال و بلکه قلوب  
متعطشین زلال معارفده مدار از دیاد شوق استماع اولمغله مسند آرای خلافت عظمای آستانه  
حضرت خنکارا کبری اولان حسین افندی جنابن دعوت سلطان ابراهیم علیه رحمة الرحیم ایله  
متوجه صوب دارالدوله اولد قدّه تبرکات و تمنا و مستمدا درگاه عنایت دستگاه حضرت سلطان دیوانی  
قدس سرّه النورانی به عنایت زبانت اولد قدّه منعقد اولان مجلس مقابله مولویه ده عزیز موی الهلک  
بیان شیرینی کار کرام روح پر فتوح لری اولوب هر محل دعاده قصر مراد ایلد کده سجاده توجهر لرن  
نیاز مند تطویل و تفصیل و بالذات اعاده رجایدوب آخر الامراض ضعف بنیه لری حسبیه قریب  
وقت عصر ده عرض بی ثانی و ناتوانی و اعتذار بجز تحمل مالا یطاقله مقابله و شروع مقابله ایدوب  
اول صفای سامعه پیر ایله حسین افندی حضرت تلی رسیده سرحد کمال پیری ایکن اشواق غالبه ایله  
مرکز دایره حال اوزره کرما کرم وجد و استغراق متذوق صفای حال اولوب رجاء مند اعاده تقریر

معارف مشنوی اولد قلمی عدا دنجہ تکریر دوران حلقه وجد ایدوب بعد فراغ السماع شیخ مشارا الیه  
جنابہ ثنا و خرید عایورد قلرندہ حضرت عزیز مصر ولایت شیرکیر جام شوق و حال بوده اند پس بیک  
دو جام دیگر که از دست لهجه این بنده خورده شد بالکلیه بخود و سر انداز عرصه حال گشتند عنوانیله  
مقابله حسنه ادیسانه بیوروب حتی اجابت دعوت هر قومه دن رجعتلرندہ دخی اجرای شیوه سابق  
بیوروب چند هفتہ پی اندر پی مواظبت تذکیر حضرت مشنوی و مداومت اداره دائره سماع باصفا  
اوزره اوقات صافیه گذار اولوب هنسکام و داعده آستانه سعادت سلطان العارفینده مشنویخوان اولوق  
اوزره نقل مراد ایلد کلرندہ اکر مساعده جناب روحانیت سلطان الابدال باشد فرمان بریم عنوانیله  
فیصل امر مختلری جانب قدسه احاله ایدوب استخاره اولند قدسه سیر متجسد و روح متثل مقدس  
حضرت دیوانی قدس سره النور انیدن جریان زلال معارف از بالا بیست است نه بعکس است مضمونیه  
تلقی کرده خیال پاکلری اولان نفس نفس الامری سدره تخمین محتررا ولوب الی آخر العمر اول بقعه  
مبارکده و سواد قره حصارده زلال خضر حقیقتله دلشنکان بادیه طلبی سیراب ارشاد بیور مشلردر  
\*(نظم)\* زین قبل فرمود احمد در مقال \* در زبان پنهان بود حسن رجال \* بی کانه هر زبان پرده  
دلست \* چون بخت پرده سرها واصل است \* پس بدان کاب مبارک ز آسمان \* وحی دلها باشد و صدق  
بیان \* آب نیست این حدیث جانفزا \* باریش در چشم قبطی خون نما \* آدمی مخفیست در زیر زبان \*  
این زبان پرده است بر درگاه جان \* دل یار آمد بکفتر صواب \* انجانکه تشنه آرامد بآب \* متصل  
شد چون دلت با آن عدن \* هین بگو مهراس از خالی شدن \* امر قل زین آمدش ای راستین \* کم نخواهد  
شد بگوید راست این \* (منقول است که) \* اول کوه کردار تمکین او اسط مشیتلرندہ کلاله کیه مولویه  
اولان کونش خان صغرانل همسر لری جمال باش اشا احیان عز لنده طفیل زوجه مکره لری اولوق  
اوزره آستانه مر قومه ده بجملة التوابع ساکن اولمغله از دحام نفوس اجنبیه صفای وقت اخوانه  
کدر رسان اولدیغی مرفوع پیمایه میدان چل تنان و یک جانان اولد قدسه تحویل احوال ایشان  
بجانب جناب صاحب میدان منوطست دیوسد باب مساعده بیورلدیغی روز کرامت فروز کالیله  
حبلائی نادره خیال زاینده و رای پرده صورتده سر مقدس حضرت سلطان دیوانی قدس سره النورانی  
بیکر جلال غمای چشم جان کونش خانی اولوب علی السحر از جوار فقرارخت قرار بردار عنوانیله تنبیه  
شدید و فرمان اکید بیورمغله ناچار امتثال ایدوب جمله اتباعله حالا باشای مر قومه اضافتله مشهور  
اولان سر ایلرینه نقل ایدوب لیکن دوری سایه عنایت مایه اجداد اجداده باعث طفیل مذکور  
اولدیغین تحقیقه انلردخی اندفاع ثقلنه توجه بیورمغله زمان سپرده سر حذر ورم ایلی قلا عندن برینک  
خدمت محافظه سنه تعیین اولنوب اول احدنرو آبادده جاده گذار فنا اولوب حصرت کونش خان دخی  
دغدغه اتصالنندن آزاده سروکانت خدمت آستانه جدا مجد لرندہ بذل مقدور ایلدیکی مطلقا اول  
ادیب لبیک مراعات مراسم ادب سیاقنده زبانکش شکوه جانب فرع و طرف اصله تقویض امر  
ایتملرله اندفاع مزبور سیر عاجلوه کمنصه ظهور اولدیغی لدی اولی الاعتبار تحقیق یافته صحاح انظار  
اولشدر \* (نظم) \* هین مر وکستاخ در دشت بلا \* هین مران کورانه از رک بلا \* آن کوهی کز ادب  
بکریختند \* آب مردی و آب مردان ریختند \* معنی مردن زطوطی کن نیاز \* در نیاز فقر خود را  
مرد ساز \* تادم عیسی ترانیده کند \* همچو خویشت خوب و فرخنده کند \* دل نکه داریدای  
بمحاصلان \* در حضور حضرت صاحب دلان \* پیش اهل دل ادب بر باطن است \* زانکه دلشان  
بر سر باطن است \* هر چه بر تو آید از ظلمات و غم \* آن زبی باکی و کستایست هم \* از خدای جویم

توفیق ادب \* بی ادب محروم گشت از لطف رب \* (مروستکه) \* اول معدن معارف و مخزن لطائف  
ولی عهد و جانشین لری مصطفی ده ده حضرت لری خدمه عارف کوچک جناب ندن اولوب بعد وفاته دار  
الولایه قونیه حیت عن البلیه ده حیران درد فراق و هجران ایکن روح پرفقوح حضرت مخدوم الخمدن  
صادره اشارت خیالیه حبیبیه اول شهراده سامی ر ککابک بلده قره حصار صاحبده اولان خاندان  
شریفی خدمتانه تعیین و اول بقعه مبارکه ده نیل مرامله تبشیر بیور لمغله صادق مر قوم محل مأموره  
مستعمل و خدمات معینه ادا سنه قائم و ساعی اولوب لکن درون صدق مشکوئنده طلب علم و معرفت  
روز بروز آتش افروز آرزو اولمغله و اساتذده عیدیه همتنه بلاد طبعی مقابله ایدوب جهد وافر  
وسعی متکثری مفید استهفاده جزئیه اولدیغی کندویه مورث یاس و مفضی یاس اولمغله سرکردان تیه  
همان و حرمان اولدیغین آستانه مر قومه ده سر نیزان اولان کولوم ده ده حضرت لری مشاهده ایدوب  
کمال شفقت و رأفته علی وجه الکشفه ای درد مند خوش خاطر باش که استاد تو از بغداد خواهد  
آمد که تعلیم تو بنفس عالی آن کامل مر هونست عنوانیه کشف و تبشیر و تسلی فرما اولمیری فی الواقع  
عزیز مشار الیه مشیخت خانقاه بغداد دن استعفا ایلهر و مه توجه و آستانه حضرت دیوانی قدس  
سره النورانی به استخلاف بیور لمردن رونما اولوب بفضل الله تعالی و عنایتیه اول یکنه دورانک  
خدمت شریفه انساب و نظر کیمیا اثر لریدن استفاضه ایلهر زمان سپرده مخلص مر قوم مستفید  
موائد علمیه و مشوی دان و سپر و سلو کنده دخی سابق اقران و آخر الامر بعد وفات الاستاد الکامل  
المکمل مقام عالی رینه قائم و زماننده بین المشایخ مظنه حال اولمغله غایم اولدیغی کواه بی اشتباه نظر  
عالی لری و امارت تأثیرات نفس حیات بخشاری اولشدر \* (نظم) \* نارخندان باغرا خندان کند \*  
صحبت مر دانت از مردان کند \* کروتوسنک صخره و مر مر شوی \* چون بصاحب دل رسی کوه ر شوی \*  
توبه رحالی که بائی میطلب \* آب میجو دایم ای خشک لب \* حاصل آنکه هر که و طالب بود \* جان  
مطلوبش در او راغب بود \* تشنگان کز آب جویند از جهان \* آب هم جوید بعالم تشنگان \* این طلب  
در تو کر و کان \* خداست \* زانکه هر طالب بمطلوبی سزاست \* (منقولستکه) \* اول مجلس آرای  
لطف بیان جناب لک هر موعظه لری راحت بخشار و اح و جلالی مر ایای قلوب اولدیغی حبیبیه  
بعد المقابله دخیلان حلقه مصاحبت لری تشا کو یان عرض شکران ایلد کارنده کلمات مقالات  
المقامات فایا کم و القناعه بالخبر و علیکم الالهام بالمبادره الی المقام فان الخبر للتشویق الی العیان  
مضمون ارشاد مشکوئیه سمند همت سالکان طریق حقه تازیانه زن غیرت اولشدر در \* (نظم) \*  
از مقلد تا محقق فرقه است \* کین چود او داست و آن دیگر صد است \* منبع کفتار این سوزی بود \* و آن  
مقلد کهنه آموزی بود \* زانکه تقلید آفت هر نیکو نیست \* که بود تقلید اکر کوه تو نیست \* شیخ نورانی  
ز ره آ که کند \* با سخن هم نور را همره کند \* سالها کز طن رود تا بای خویش \* نکدر دز اشکاف  
بینهای خویش \* کچه عقلت سوی بالا میرد \* مرغ تقلیدت بیستی میگرد \* جهد کن تا مست و نورانی  
شوی \* تا حدیث را شود نورش روی \* آسمان شو ابر شو باران بار \* ناودان بارش کند نبود بکار \*  
آب اندر ناودان عاریت نیست \* آب اندر ابر و دریا فطر نیست \* و دخی والدیه مکره لری حیاته اولدیقه  
خدمت نوازش و طلب رضالنده اولوب بعد وفاته جمله اسبابیه خانه لرین بیع و ثمن خرچره و مؤنت  
فقرای درگاه ایدوب الی آخر الوقت میدان چل تسانده مجر دانه آسایش بیور و ب زمان ارتحال لری  
قریب اولدقه جمله کتب نفیسه لرین و وقف مستعدین اخوان الصفا ایدوب و اشیمای سائر لرین دخی  
مستحقین درویشانه اتفاق و ایثار بیور و ب فقط لباچه شیخانه لرین ابقا ایلهر تمیؤتام عزیمت دار السلام

بیورد قلزنده مزاج شیر بغلینه طاری اولان عارضه سببیه ضعف بغلینه قوت و قوتلرینه ضعف کلا کده  
چاره ککران علملرینه از دارالسلام صورت آمدیم و بدارالسلام حقیقت میر ویم بعد ازین راه چاره  
مسدود است نفس تسلیم فرما لریله رفع تکلیف مداوات بیوروب علی احسن الوجوه و آسهل الطرق  
نخست غای صوب مقصد صدق اولوب بدن مطبیری روزن جمعیت خانه درویشان مقابله سنده دفن  
اولمغه وصیت بر طینتری موجبجه که ناجان بنده از بیرون و چشم عاشقان از اندرون بهم منسکیریم  
و از فیض انظار ایشان در عالم بر رخ نیز محروم نمائیم لطیفه خوش آئیده و اسپنلریدر که بعده انکله  
عمل و اول مهبط انوار بی نهایت رحمت رحمانده و دبعه خزانه خالک تاسک اولنوب علی الدوام موجب  
نکته دلنشین آخری سملری او زره مظهر انوار انظار ذوی البصائر حضار و زواریا و ملشدر در امطر  
الله تعالی علی ثری قبره الشریف سحبت تشریفاته و ثابت فی روضته ازهار جنان تکریماته آمین  
یا مجیب الداعین الی یوم الدین \* (حضرت مروی احمددهده) \* مره نام بلده خاک کنندن بکزارده سر بلند  
و نقاوه خاندان امارت قدیمه بر فوج و انجنت و مولع طلب علم و مقدم عبادت و طاعت اولوب سلطان  
مراد غازی رایت افراز قصد تسخیر بغداد اولدیغی اثناده اول دخی سواد اوردوی همایونده منتظم  
سلک صف امرای الویه اولوب عتبه علیه خنسکارا کبریده ابن القاضی مرقورک اثر سوء القضا ایلله  
سبیلی خوار غیرت و حمایت حضرت خد اوند کاری اولدیغندن بهره یاب اعتبار اولوب سایه پادشاهیده  
مقبول و مرغوب ایکن مدبر و مرعوب اولدیغندن ماعد اقطاعا انتساب سلطانیدن کندویه سود  
حمایت و خراست اولدیغین مشاهده دن متاثر و طرف انتهای شاهان حقیقته منجذب اولوب ترک طبل  
تهی و علم بی سلم ایدوب جمله اتباعه جواب رد و تحت یدلرنده اولان اشیای امیری بی کندولره انعام ایلله  
تقریق غائله مالا یعنی بیوروب دفعه یاب امارت فانیه دن رتبه سامیه سلطنت باقیه به ترقی و اختیار  
خدمات اخبار ایدوب کوشه مطبخ قناعت نوشه مولویه ده چله کزین اولوب نهایت مدت تربیه لرنده  
سعادت یاب تکبیر طریقت و کلاه و خرقة پوشانابت اولمشدر لکن وادی ترک و تجبر یدده اولان  
قدم صدق و ثباتلری پسندیده مشارب عالیله اولمغله بین الفقر اشعله اشتهارلری حوالی کبر اولمغله  
قنسه شهریدن توقی صد دنده اثر و نشان ناملرین اخفا ایدوب راه خموله بادیه پیمای اولمغله مدت مدیده  
کیفیتلری مهم و مستور اولوب والده و اقربالری سوبسو تجسس خبر حیات و مماتی ایچون تعیین  
خدمه خاصه ایتکه بر دفعه ساحل بحر سیاه بلادندن طرابزون نام شهرده بولنوب طرف وطن  
و خویشاونده دعوت و ابرام اولمغله \* (نظم) \* هر جا و هر کسی وطن و خویش من شد است \*  
عالم بدیده آینه عیش من شد است \* بیت شریفیله بداهه مدافعه و بیان بنده حسن و حال کرامت مال  
بیوروب داعی مرقوم یدله ارسال اولنان نقودی کندویه انعام و مأیوسا ارجاع ایدوب اول مقامدن  
دخی قیام و محمل خمول دیگره نقل ایلله بنه مانند عنقا نیچه مدت مذکور الاسم و مفقود الجسم اولوب  
آخر الامر والده لری وفاتند نصکره ترک لری موقوفه اولمغله بنه کاشتمکان اقر بامر قومه ملاقی و هزار  
الحاحله قبض مال موروث و توجه وطن مألوفه متقاضی اولد قلزنده جمله عباد و اما ترک کنی لوجه الله  
تعالی اعتاق و نقود و جنس و عقاری دخی بعد الوفات کندویه ورثه اوله جقلره حصه شرعیله لری  
مقداری تقسیم و هبه ایدوب کویا امر و ز مردم و ترک من بشما میراث شد بعد ازین مر اجمردکان  
سپارید و مرده انکار ید عنوانیه توصیه بیوروب و اول زهتسرای عاشقانندن دخی سرا اولوب کوشه  
فراغت و بقعه مبارکه ارغویه ده متواری پرده کنما می و مربع نشین خالک انداز نامرادی ایکن ناکاه  
حسین افندی طرف باهر الشرفلریدن منشور خلافت خاتمه دارالسلام بغداد اواردا اولوب اول حین

حضرت مروی احمددهده  
بدره و خوار و خوار و خوار

سعادت رهند شیخ اولان امیردهده حضرتلری سابقا آشنای حالی اولوب لکن مقتضای خواهشی  
اوزره تغافل و تعامی غما اولغله مستمر قوم خلافت نامهیه صاحب چقمیوب بلکه اول بقعه  
مبارکه دن دخی سرا و لوق تصمیم الی دیکنده امیردهده حضرتلری برده برانداز روی کار اسرار اولوب  
در میان کار چونت یافتیم مصداق آنجه این جای کرخت نیست اطاعت فرمان شاه طریقت الزم الاطاعه  
و اوجب الامتثال امثال ماست عنوانیله سوق انقیاد و تعلیم تسلیم بیور ملری تأثیر فرمای دماغ  
سر آزاد لری و جایکبر طبع اطلاق معتاد لری اولوب اول بار کران امانت عظمای تحمل و صوب مأوره  
شدن طاق اهتمام و تشمیر ساق اقدام بیور و ب نصیراده ده عقینده مسند آرای مشیخت خانقا بغداد  
بهشت آباد اولوب و اول درگاه سعادت دستکاهده خند سال داده مراسم مشیخت وصیت و ولوله  
کوس کرامت لری حوالی کبر عراق و فارس و دائره التجاری حلقه جمعیت عرفا و فضلا اولد قده عرق  
عادت قدیمه لری جنیان و مانند روح روان میانه اخوان و خلدن نهان و بی نام و نشان و ساحل  
طرا بلس شامدن سر زده ساحل عیان و خانقاه محبیه مرقومه ده دخی خند سال مستورالاحوال  
خدمت فقر الیه اشتغال اوزره اولوب شیخ وقت وفاتده اجماع فقر و احبا و ابرام مشایخ و علما  
وصلحا الیه موقع خلافته تقدیم اولوب آستانه سعادت حضرت پیر قدس سره المنیره اعلام حال ورجای  
منشور خلافت مآل اولغله مساعدده بیور یلوب عبد الحلیم افندی فوتبنده تکرار این خدمت مشیخته  
ارزانی کور یلوب لکن آشنای خلافت خانقا بغدادیه زنده صورتما اولان نقیصه عدم اطاعت لری  
و ترک مشیخت و غیبت لریله تقریر اولوب و حق لریده نه عواطف غوثانه لری سنو حمله تبشیر صفح و سینه  
صافی اولمشدر \* (نظم) \* چون زعفر و تو چراغی ساختیم \* توبه کردم اعتراض انداختیم \* دوست  
همچون زر بلا چون آتش است \* زر خالص درد دل آتش خوش است \* کوی انکه راست و بی نقصان  
شود \* کوز زخم دست شهر قصان شود \* ناخوشی او خوش بود بر جان من \* جان فدای یار دل نجان من \*  
عاشقم بر رخ خویش و در دخیویش \* هر خوشنودی شاه فر دخیویش \* زان حدیث نلغ میگویم ترا \*  
تاز لخمها فرو شویم ترا \* (مر ویستکه) \* اول سیف دودم نیام بدن اثنای سیر و سیاحت بی نام  
و نشان لریده خانقاه اولمیان سوادده مهمان مساجد و مراقد اولوب شب تا سحر ذکر و فکرله معتزم  
صفای وقت و یقین صحبت اجانب اولغله متمرکز دین دیار انکار طرسوسدن بر بدبخت قریب الاجل  
اهلال قصد یله ناگاه و رای سسنگ مزاردن سل سیف غدرایتد کده ماینلریده واقع اولان قبور لری  
منشوق اولوب تابکمر غدار می قوم کند و ایا غیبه قبر مزبور لدر ونه دوشوب هر زمره خروج و خلاصه  
سعی و جهدا بتدی ایسه مفید اولیوب تیغ درد دست و پای در مغال کور اسیر قید و بند غیرت اولد قده  
صباحلین نیم مرده چقبوب آخر الامر اول بیم جسم و هول عظیمدن متأثر آمد مرا و لغله وقعه هائله  
مر قومه دن متفرسین منصفین واقف کمال حال لری اولغله دور و نزدیک تجسس مقام و مقصد لری  
صددیده بدل و سعیدوب اصلا سمت اثر قدم کرامت اثر لریدن امارت یاب اولیوب کروه پرشکوه  
رجال اللهدن اولوب طی مکن طریقه قیله قطع مسافه اطلاع خلق ایلمرینه قرار ویریشدر که الی یومنا هذا  
فقر او غریب بدن اول دیاره مسافر اولنلر لامن سلامت حاله مدد اعتبار و مأمون الغائله کید اغیار  
اولمیرینه باعث و بادی اولمشدر \* و دخی اول شاهباز بلند پرواز آشیان استغنائت رفتار و کفشار لری  
دلربای صغیر و کبیر اولغله ایالت طرا بلوسده مسند آرای ولایت اولان وزیرای عظام ربه دة چاشنی  
صحبت و الفت لری وجهه و کلای دولتک ملتفت و مکرملری اولدیغی کار کرجان چرکین حساد فساد اولغله  
اعیان اعمی روان محبیه مسفورده دن بر بدکن تجا و زحدا به جسارت ایدوب روبرو مجلس آصفنده

تبدیل الشکل لاجل الاکل خرده سبیله مقابلہ الیلدیکي ساعت قضای آئندہ سلسلہ جنسان غیرت  
مردانہ ولہجہ برہجہ غوثانہ لرندن (آری اینچنین است) لکن زمانہ نیست لقمہ نخوردن خواہم کہ ترا  
طعمہ کنم) نفس جانستنا لریلہ مدافعہ بیورملری تنقید حکم قدرہ و خفاۃ فی ادب بخندول محروم  
خوان حیات طیبہ نیک مہبط صاعقہ دمار اولسنہ مقدمہ تحت قاطعہ تأیید ولا بتلری اولغلہ بین انشاء  
البلد نعوذ باللہ الدافع من ضرب السیف المراوی ترکیب استعاذہ سی جاری مجرای مثل سائر ومحاضر  
علیہ مردان خدادہ مراعات ادبہ نصیحت شاملہ اولشدر \* (نظم) \* ہرکہ باشد طالع اوزان نجوم \*  
نفس او کفار سوز در رجوم \* خشم مریخی نباشد خشم او \* منقلب رو غالب و مغلوب خو \* انکہ  
جان بخشد اگر بکشدر و است \* نائست و دست او دست خداست \* چون خدا خواہد کہ بردہ کس  
درد \* مبلش اندر طعنہ پا کُن برد \* تا تو می بینی عزیزا برش \* دانکہ میراث بلیس است آن نظر \*  
کہ فرزند بلیسی ای غید \* پس تو میراث آن سلک چون رسید \* ہرکہ افعال دام و دود بود \* با کریمانش  
کُن بد بود \* ہرکہ باشد از زنا و از زانیان \* اورد ظن بر حقربانیان \* (منقول است کہ) \* اول سرو  
سرافراز باغ یکنای او اوقات شریفہ لرنده بالکلیہ دامن کش الفت بنی نوع اولوب علی الدوام حجرہ  
خاصہ لرنده متوحد و متفرد و غرق ذوق تنہای و مست صہبای مناجات دینی و خند روز و شب مستغنی  
خواب و خور انسانی اولوب در وحدت خانہ لری بستہ روی یار و اغیار اولغلہ چگونگی صبح و شام لری  
معلوم آفریدہ اولیوب و کادہ و بیکادہ توہم انتقال لریلہ عادت معہودہ اذ بیان فقرا اوزرہ در حجرہ دن اسم  
شریف ہوا یلہ استعلام حال اولند قدہ مراد سائر استفسار لزوم طعمہ و شربہ اولد قدہ الرزق علی اللہ  
وا کر حضور جمعیت اخوان و مجلس تذکرا و لورایسہ سمعا و طاعة للہ واسئلہ سائرہ اجوبہ مناسبہ  
حال انقطاع الی اللہ تعالی ایلہ مقابلہ بیوروب تا وقت اخیر لرنده اولان سؤلہ اناللہ کلمہ جلیلہ لریلہ  
جواب و بیوروب ہمان ساعت جوار حقہ نقل رخت اقامت ایدوب درون دائرہ خانقاہ مدفن مشایخ  
گذشتہ اولان حدیقہ عدنہ و دیعہ میقات یوم الدین و ملحق کروہ صدیقین اولشدر نور اللہ تعالی  
مہجہ و نفعنا و کافۃ الطالبین بشفاعتہ آمین بحرمۃ سید المرسلین \* (حضرت حسن دہدہ) \*  
اسکنداری المولد و جامع فضائل جمہ و طریقہ علمای دولندہ صاحب پایہ اولوب بحسب قانون الطریقہ  
مستحق قضای قسطنطنیہ ایکن کندویہ قضای محیمہ مصر قاہرہ تقلید اولنوب صوب مأمورہ توجہ  
اثناسندہ نزیل فنای دارالولایہ قونیہ و حدای قبیہ خضرای خداوند کاریدہ خیام زن آرام چند روزہ  
صبح و شام زیارت تربہ مقدسہ مولویہ ایلہ مستعد اولد قلرنده سائق توفیق و قائد تحقیق عنایتیلہ  
زہایاب قید بند اغیار اولغلہ دخیل دارالسلام سایہ ولایت مایہ حضرت خداوند کارہفت اقلیم  
اسرار معرفت کرد کار و خواص خدمہ لریلہ منتظم سلک ابرار و مولویت قضای مولویت فقر و فنا یہ  
استبدال ایدوب حسن ختام طومار اوقات عزیزہ لری رشک آور صدور علما اولوب سنین ثلاث جوار  
حضرت خنکارا کبر قدس سرہ الازہرہ چلہ کرین عبادات و ریاضات و گوشہ نشین مناجات قاضی  
الحاجات اولوب حسین افندی حضرت تلری روی میمنت نما لرندن موجب تعیین روحانیت حضرت پیر  
قدس سرہ المنسیر اوزرہ خانقاہ مصر مشیختیلہ سرافراز اولوب عین الجمع اخوان الصفا ایلہ اثنای  
راہدہ مغتم صحبت خواص طرق رضا و مستعد زیارت مشاہد مقدسہ اولیا و مستنیر ہمام سامیہ  
فقر اولہرق فنای مصرہ واصل اولوب علی السحر عند ارتفاع الشمس محل خلافت لرنہ حلول و مقر  
ولا بتلرنہ نزولہ تصمیم بیوریلوب لکن کندولر ایلہ معاسالک راہ فقر و فنا اولنلرن بعضیہ لک  
خاطر لرنہ کرمولویت قصا ایلہ کانسہ موقع نزول لرنده علما و امرای مصر یہ نیک استقبال و خشت

حضرت حسن دہدہ  
مردانہ ولہجہ



زائده ایلده صدر حکومتیه جلوس ایدوب التجای صغار و کارایله کامران و حمله خدم و خشمک معزز  
و موقر اولملری افکار بی اعتباری خلجان خزن انکیزالقا ایلدیکی منعکس مرآت ضمیر الهام تئویر لری  
اولنجه (فردا بینی ماجرا) لطیفه لریله تئوریه کز ییورملری بفضل الله الغیور المعز کافه عظمای  
مصریه ناث واقع لرنده من طرف الغیب تنبیه ها تظه استقبالی و تعظیم و تکریم امر اولنوب کار موجب  
امر ها تفی اجرا سنه قیام نما اولد قلرنده اوساط و صغار دخی بالتبع میقات استقباله مسارعیت ایتلریله  
رهکذا لرلی انوار اصداردن پای اندازله مزین و طبول و اعلام مشایخ طرق علیه واذ کار جهریه فقر  
و شمعات مجاذیب و نعرهای عشاقله من المنهض الی المنزل مجرای سیلاب بنی آدم و هنکامه نمای  
عرصات و محشر اولوب و مقصد عالیبرینه واصل اولد قلده ظهور ایدن فتوح واکرامات بالذفات موالی  
مصریه هنکامه وورد و صدورینه غالبه و تشریفات واکرامات معلله بالاغراض لریدن زائده اولوب  
و بالنفع والی و مولی اولنلر کوشه آستین خرقة مبارکه لرین بوس ایتمه کله تبرک و تین پذیر و مستدار اولملری  
جلوه کرمنصه بروز اولد قلده دلفکار افکار و اهیه اولان تلک حوصله کان کم شعوره الان حصص الحق  
و تشعشع الفرق بین الفرقین مع بقاء عزه المولویه الفخریه فقرات تشکر و تحمد بشریله تعریض و ارشاد  
آمین یوروب و مدت العمر و نوبت الخلافة لوا مع علوشان لری جوامع ملکوتیه پر توانداز و فواج کمال  
ور و اچ سمو مکان لری سکان صوامع ملک و روشکر چشم آشنائی راز اولمشدر که همیشه و رزبان  
شکر انلری (الحمد لله الذی هدانا لهذا وما کنا لنهتدی لولا أن هدانا الله) آیه کریمه سی اولوب ابتلا  
سابق و اهتدای لاحقرین یاد عقیننده این العقوق بالحقوق من اللصوق بالحقوق فقره منصفانه لریله  
حالت سابقه لری ابتلا حقوق عبادله عقوق امر حق و کیفیت لاحقه لری سابقان مراتب قریه  
التحاقله جوار غنائیه لصوق اولد یغنه اشارت یوروب محمود علیه و مشار الیه لری اولان نعمت  
جلایله اعیای اقتباسیلرین اشعار اقتاد کان برزخ هائل مر قومدن اکثرینک سلامت حالته و صلاح  
ما لئه باعث اولمشدر \* (نظم) \* ترک دنیا هر که کرداز زهد خویش \* پیش آمد پیش او دنیا و پیش \*  
کریمینی میل خود سوی سما \* پر دلت برکشاه چون هما \* زابتدای کار آخر را بین \* تانباشی  
تو پشیمان یوم دین \* زانجه کشتی شاد بس کس شاد شد \* آخر از وی جست و همچون باد شد \* ملک برهم  
زن تو ادهم وارزود \* تاسیانی همچو او ملک خلود \* ای خنک انرا کزین ملکیت بجست \* که اجل این  
ملک را ویران کراست \* ملکیت که مینماید جاودان \* ای دل خفته تو انرا خواب دان \* مر دباش و بختره  
مردان مشو \* روبر خود کبر و سر گردان مشو \* بد محالی جست کودنیا بجست \* نیک حالی  
جست کوعقی بجست \* هین بملک نوبتی شادی مکن \* ای تو بنیسته نوبت آزادی مکن  
\* (مروسته که) \* اول عزیز مصر ولایت و صدیق مرتبه کرامت اختیار طریقه فقر و قناعت  
ایلد کده خبر تخلف اثر موالی دولت و تنسک مناسک بیت الحرام حقیقتی کوشمزد مشایخ اسلامیه  
و صدور علمای اعتباریه اولد قلده بوم مقوله وضع نادره صدور مستحق ذاتی و زمانی اولد یغنی قضای  
قسطنطنیه دن تأخیر له انفعاله محمول اولمغله کند ولره مدارا و جبران کسار متوهم صد دنده قضای  
مر قوم امری ارسال اوانوب رسیده دارالولایه قونییه صیبت عن البلیه اولد یغنی روز فیروزده  
حسن افسندی حضر تلری دخی زهت سرای مرآمده اخوان الصفا و خلان الوفا ایلده ذوق و صفاده  
اولد قلری محمله احبابدن علی وجه التمجید و الاعتبار استعمال آلات شطرنجیه ایدنلر تماشا ساند  
ایکن داعی و مژده رسان شیخ الاسلامی وارد و تسلیم امر و مکاتب تطیب ایلد کده بریدمر قوم  
استنطاقیله مفهوم معلوم لری اولنجه سکوت اوزره مشغول نظاره قطع مزبور اولوب ناگاه احد

طرفین بحسب استعمال الآله المرقومه بز دفعه کش ایدوب مقابل آخر دخی سدود دفعه ثانیه  
 دخی كذلك چاره یاب و دفعه ثانیه ده مات ناچار اولدقده خادم امر آورده توجیه خطاب مستطاب  
 بیوروب (کش اول موت اقران و کش ثانی موت اولاد و اقربا و کش ثالث موت منست پس اول وثانی  
 دیده شد و ثالث مانده است و آن ناگزیر و لابد است و طریقه دفع آن بجز اثمار با امر موتوا قبل أن  
 تموتوا نیست) عنوان واقع بیانیله دفع و اعتذار (و مجرد و مشرف موترا تکلیف قضا مناسب حکم عادل  
 نیست در این امر خطیر رأی حسن فقیر نیست) عبارت فاخره سیمیه دخی امضا و ختم کلام حکمت  
 نظام (و هر چه دیدی بگو و هر چه آوردی ببر) لطیفه آیتقه سیمیه داعی مزبوری ارجاع بیورملری امارت  
 خالصه محکم اخبار عیار خلوصلری اولشدر طوبی له و حسن مآب \* (نظم) \* آن چنین تلبیس  
 بابایات کرد \* آدمرا این سیمه رخ مات کرد \* بر سر شطرنج چست است این غراب \* تو مبین بازی بچشم  
 نیم خواب \* زانکه فرزین بنده ادا ردی \* که بکیر در کویت چون خسی \* در کوی ماند خس اوسا لها \*  
 چیست آن خس مهر جا و مالها \* (منقول است که) \* اول نخل سر بلند بوستان و لایله سایه تبعیتند  
 میوه چین ارادت اولان طائفه بختیارندن نائب باب القضالری قاسم افندی دخی مشوع راه سلامتلی  
 اثرندن تخلف ایتمیوب طفیل ضیافتخانه خداوند کاری اولمغله هر یاب تکبیر طریقت عشقیه شمسیه  
 و کلاه انبیا و خرقه تجریدله محترم اولوب انلر حضرت فرمای خلافت مر قومه اولدقلرنده بونلر دخی  
 موجب شیمه جلیله و فاداری اوزره کافی السابق عاشیه دارلری اولمغی جائه منت ییلوب حسین افندی  
 حضرت تلی عتبه علیه لرندن حواله خواه اولدقده (ایشان عزیز مصر و مسند آرای ارشاد بودند و شما  
 قاسم الاقوات الروحانیه لافقر المولوبه خواهید بود) نفس عالیریلر سدره مر افقت بیوروب فی الواقع  
 بعد زمان مشو بخوان آستانه سعادت اولدقده سر گفته سر بسته لری هویدا و معارف و معانی قدسی که  
 قوت القلوب و رزق الارواح فقرادر لیه بر بهجه لرندن علی مقدار القسمه الازلیه طالبین مشتاقیه  
 واصل و فوائد تحقیقات راتقه لرندن مستعدین مقبلین موائد عرفانه نائل اولمشدر و ماداما فی الحیات  
 بینهم مادن مراسلات اشواق و مهادات اخلاص منقطع اولمیوب الی وقت الوفات موافات اوزره  
 اولوب بعد مسافه حائل آشنایی اولمیوب صحبت روحانیه و مؤانست خیالیله ایلر دفع خمار هجران  
 صوری ایدوب \* (نظم) \* آن جماعت را که وافی بوده اند \* بر همه اصنافشان افزوده اند \* کشت  
 دریاها سخرشان و کوه \* چارعتصر نیز بنده آن گروه \* جرعه بر خال و فاکسکه ریخت \* کی تواند  
 صید دولت زو کر بخت \* مصداق بجه صوری و معنوی میوه چین بوستان و فاولوب ثانویت اخیر ده دخی  
 مرافت اوزره اولملری قاسم دهده حصر تلی ناکاه جمله ماملر کارین اخوان فقرا و مساکین  
 ضعفا و انفاق و کتب نفیسه لرن آستانه سعادت و وقف ایدوب سفردار اقراره تهیونما اولوب استفسار  
 مال حال ایدلره (قسمت قاسم اینجا تمام است بعد ازین سیاحت دارالسلامت) عنوانیله پاسخ را میخ  
 فرما و عرض شدت عارضه انتقال لرنده تسلیم بخش رجای صحبت و عاقبت عاجله اولنلره دخی  
 (همراهی یاردیرینه لازمست) رخصیله اشارت بیوروب انلر دخی مقرر خلافتلرنده شیوه مر قومه بی  
 طابق النعل بالنعل مراعات بیوروب هر ایکی رفیق شفیق یوم واحد و ساعت واحد دهده همعنان  
 عزیمت جوار رحمت رحمن اولدقلری رسیده درجه تحقیق قدر که حسن افندی حضرت تلی پهلوی جللی  
 عبد الجملده و قاسم دهده حضرت تلی مواجهه عتبه خضرای خداوند کاری و بحجوه دوحه  
 الارواح عاشقان مولوده غنوده خواب راحت فنا فی الله تعالی اولمشدر ادام الله الفیاض عم  
 احسانه ادرار محب افضاله علی تربتهما الشریفه مادامت الارض ساکنه و السموات دائرة و وفود

الاخوان والخلان زائرة آمین یا مجیب السائلین بحرمة حبیبیه المبعوث رحمة للعالمین \* (حضرت ابراهیم دوده) \* بلدہ کو تاهیمه ده شیخ القزآ وأستاذ الفضلا محمد افندی نام عالم عامل کاملک فرزند ارجمندی اولوب والد لری نیک علوم عقلیه و نقلیه دن حائر اولدیغی حظ او فره فائز و بعد وفاته طالب علم لدنی اولغله محل سراغ مطلب مر قوم ابواب مشایخ صوفیه اولدیغین اذعانه جست و جوی مر شد حی مکمله شد نطاق اقدام و خزانه وسع و اهتمامی خرج راه عاشقان مر ام ایدوب عنایت قائد توفیق له رهیاب حرم ارادت طریقت علیة مولویه اولوب حسب قانون سلاطین السلوک میانه خدام سعادت انجام مطبخ مرید پرور رخداوند کارا کبر قدس سره الازهر ده تکمیل حله مردان میدان امتحان ایدوب سرفراز تکبیر و تبارک مبارک لری موقع سایه کلاه انبیا و اندام صلاح توأم لری حله خرقه فقر و فسا ایلد متحلی اولوب و شامت ابن القاضی مازالد کرله حضرت ابوبکر افندی آواره وطن قدس لری اولد قدده رکاب تسلیم و رضالردن دستکش ملازمت اولیوب معیت مینت قریب لریه خانقاه باب جدید بوریا انداز آرام اولوب بعد وفاته قدس سره العزیز حضرت آدم افندی خدمت پر حرمت لریه انساب ایدوب مدت مدیده مستعد انظار حسنه لری و مستفیض انناس متبرک لری و حسین افندی نوبت ولایت عامه لریده مشیخت خانقاه وطن لری و خلافت بقعه مبارکه ارغونی ایلد چراغ افروخته ارشاد لری اولشدر و اول آستانه قدیمه ملائک آشیانه وقعه نزول صاعقه بایزیدیه دن صکره هجران اولاد اجماد حضرت الیاس پاشا أفاض الله تعالی علی تربات أسلافه و أنساله سجال النوال کما یشاء ایلد مانند قلوب عاشقان ویران و انجق تنویر چراغ تریبه مقدسه ارغونه خدمت له درویش چراغی نام برد درمند اول مقام سامیده زاویه دار اولمشیکن تکرارا ینیه ابراهیم دوده قدومیه دار الخلافه و حسب الامکان عمران پذیر و مجرای آیین حقایق و اسرار اکین حضرت پیر قدس سره المنیر اولشدر \* (مروستکه) \* اول شیریشه توکل و قناعت بقعه مبارکه مر قومه ده مسند نشین مشیخت و طلبه علومه نشر فوائد فنون و مریدین و محبین تعلیم آداب نفس اتمه کله و اوضاع حسنه و اخلاق حمیده و اعمال مرضیه ایلد مشتهر حوالی اولد قدده دائره التجاری مجمع طلاب و سلاک اولوب و آستانه ارغونه دخی من اول الامر اساس قناعت و توکل و صبر اوزره مبنی اولغله اغلب عیش سکان و زواری موافق حله و کاه و بیگاهان نخفیه و غل ساده ایلد اکتفا و دفع ضرر اولنه کلشیکن ساده لوحان نیک خواهان عزیز مشار الهیه توفیر غله و زیاده وقف خصوصنده سوق توجه ایلد کلریده این خورنده و چریده همه مهمان رباط جهانند و میزبان حضرت کریم جواد منان است پس عطا و منع از جانب آن جناب حکیم و هاب است و مهمان چنین میزبان رؤفرا دغدغه آب و نان از شوئی غفلت و طغیان نیست نفس عالیر لیه مساعده فرما اولمیوب درویش چراغی و قنده فی الواقع ابراد وقف انجق روغن قنادیل تریبه شیر یقه ایلد مؤنت تریبه داره علی وجه الضروره کفایت ایدرکن زمان کرامت قناعت عنوان لریده القناعة کنتر لا یغنی مضمون منی فی جلوه کساحه طهور اولوب بلا تقیر و لا تبذیر عین الجمع درویشانله سرمایه عیش خوش و مدار آسایش دلکش اولوب جوانب احبادن صدور یافته اخلاص اولان خدمات مالیه دن ماعد ابعض آوان مضایقه ده عنبه علیة تریبه فردوس رتبه حضرت جلال الدین ارغون قدس سره المکنون اوزره نهاده دست عطای غیبی بولنان مبلغ قدر الحاجه و دفع المضایقه ایلد بالدفعات الکثیره معتم اولد قمری او اخر اوقات صافیه لریده علی سبیل التحذیر و التعلیم بالذات لهجه پر بهجه تشکر لریدن و وصایای مهمجه اب رسیده لریدن تلقی کرده ثقات معول الاخبار در بفضل الله تعالی و بعنایة اولیائه الکرام زاویه حاده فقر و فساد عیشه راضیه منفرجه ایلد اقدام

اقدام لری قائمه و مرکز میدان توکل و قناعت ده ثابت اولوب نشو بشارت عقل معاشله تمکین صفوت  
سر بر تری ترزل لر دن مصون و مأمون الغائله بود و نبود بی قید شمار و اذخار اولمش لر در و سیرت حسنه  
در ویشانه لری دلرای وزیرای عظام اولمغله استجلاب دعوات خیریه لری سیاقنده حسب النوبات کویا  
منصوب وارث سنت معزول و من کل الوجوه احترام لری نه موفقی و همت علیه لری نه موصول اولور لر ایدی  
حتی تکه لی مصطفی باشارحه الله علیه ا کرامات سائر هسندن ماعدامستفات عدیده احداث و وقف  
ایدوب در عقب برکات احترام لری به صدر اعظم دولت علیه والی آخر الدوران آثار حلیه دعوات  
فقرادن حصه مند و زمرة اصحاب خیراته ملحق و شفاعت اولیای کرامه مستحق و صدقه جاریه سندن  
مستفید اولمش لر در و اواسط عمر شریف لر نه تأهل بیور و بی عیال کثیر اولد قلر نه نوعا طهور ایدن  
تقاضای سعت عیسه (احسان الفطن یورث المن) کله جامع لر به جواب ارشاد مآلری میمنتیه اصحاب  
ادارات و افره تعیشندن ارغد و ارباب خانمان زند کایسندن اصفی کیفیت مغبوطه اوزرینه  
اوقات کذا را اولوب علی الخصوص زمان شریف لر نه امام دده و حسام دده و محمد نام محقق الولا یه  
و میقن الکرامه اخوان منیع الجنابک صحبت صبح و مسالری به قریب العین جان و دل و جمعیت زمان  
و مکان و اخوان نعم بی بد لئه نائل و همواره هذامن فضل ربی ورد ز بان شکرائی و اخوان هر قومین  
خدمت اکرانده بدل خزانه وسع و وفا یله حائز قصب السبق مضمار سباق امثال اولمش لر ایدی که  
عزیز میوی الیه یله چار یار وفادار و غمگسار و همدرد و یکر نک و یک آهنگ اولمری حسرت  
المشایخ عصر لری اولمش میدی که فی نفس الامر اول مقوله اعزّه کرامتک اجتماع و دیدار و رفیقار  
و کفتر لر یله اغتام رشک آور کافه قدر شناسان انسانی اولدیغی مسلم الکلی زمره تحقیق و انصاف لر  
\* (نظم) \* یار شو تیار بینی بی عدد \* زانکه بی یاران مانی بی مدد \* چشمه ارا چار کن در اعتبار \* یار کن  
با چشم خود دو چشم یار \* رو بچو یار خدای را تو زود \* چون چنین کردی خدایار تو بود \* چونکه  
در یاران رسی خامش نشین \* اندر آن حلقه ممکن خود را نسکن \* یار آینه است جان را در خزن \* در رخ  
آینه ای جان دم فزن \* چشمه ابار روی او میدار جفت \* کرد من کیران ز راه بحث و کفت \* لوح  
محموظت پیشانی یار \* راز کونیش نماید آشکار \* (منقول است که) \* اول پیر خانقاه ریاضت  
زمان خلافتنده محب طریقه خداوند کاری اولان ولات ذوی الهمم و الخیرات مؤنات فقرایه کاینغی  
امداد و اعانتله مظهر میامن روحانیت اولیای کرام اولد قلرین مشاهده ایدوب مولع از دیاد خدمت  
اکرام دائره لری اولمغله آستانه پر کرامت ارغویه نک تجدید و علی اکمل الوجوه تعمیر نه بدل موجودی  
تصمیم و حضرت شیخ مشار الیهدن استئذان ایلد کلر نه (این قدر برای بودن و گذاشتن بس است و این  
خانقاه های فقرا دار الفقر و ال ریاضت است پس با شراف صوریه چه حاجت است) عنوانیله سد باب  
تعمیر ایدوب طرز قدیم تبرک اساسن تعمیریه مساعدیه بیور میوب (اگر مراد اصحاب خیرات تعمیر قلوب  
منسکسه سکان در کاهست مساکین زخارف دنیای دنییه و کنج نهان داران معرفت را مساکین خرابه  
مناسب است و دست همت از تشریف و تکلف بازداشتن اولیست) انقاس نفیسه لر یله سؤال مقتدر  
منع خیره جواب حاسم عروق اشکالات و همیه فرما اولوب گذشتگان ذوی المعالی اما کن مشرقه  
البواطنی اوزر لرینه ضربت و عمران کلفت بنیانی روا کور میوب هیات سابقه اختصاری اوزره  
ابقا اولنغی نیاز مند اولمری به حمد الله تعالی ظاهرا مختصر و باطنار رشک سرای سلاطین دنیا اولان  
بقعه مبارک دده الی یومنا هذا فقرای باب سعادت لری مانسند کنجینه ویرانه نشین و بیغائله تنزل معجوره  
پرستان صورت و آسوده در در سر ثقلت بیکانسکان سیرت اولمش لر در \* (نظم) \* چند دعوی و دم

و باد بروت \* ای ترا خانه جویت العنکبوت \* خلق را طاق و طرم عاریت است \* امر را طاق و طرم  
 ماهیت است \* از پی طاق و طرم خواری کشند \* بر امید عز در خواری خوشند \* بر امید عز در روزه  
 خند و \* کردن خود کرده اند از غم جو دولت \* قوم گفتندش که او را قصر نیست \* هر عمر را قصر جان  
 روشن نیست \* هر که راهست از هوسها جان بال \* زود بیند حضرت و ابوان بال \* ای برادر چون بینی  
 قصر او \* چون که در چشم دلت رسته است مو \* چشم دل از موی علت بال دار \* و آنکه آن دیدار  
 قصرش چشم دار \* (مروسته که) \* اول سر و سرافراز کاشن آزادی کمال تمکین و غایت تسکین اوزره  
 شصت سال مقرر خلاقته سایه انداز تارک اهل ترک اولوب قبیل الانتقال نظر کرده لریدن علوفه حی  
 زاده محمد دهده حضرت نلین بساط ولایت عهده تقدیم یوروب کند و کوشه فراغ بال و سلامت حالده  
 دامنین اختلاط و سجاده نشین احتیاط و دیده دوز راه دعوتیان عالم اطلاق اولوب جمله اهالی  
 دیار رنوده شیوه محبتی و اکثر کار که پوش انا بتلری اولوب دیوان مقابله مولویده بای بریای ادب  
 و دست بر سینه سکنه دار حسن توجه اولغله با حه سرای اتماری مجمع علما و صلحا و عرفا و اناس  
 نفیسه همملری دفع استقام و تعویذات لطیفه لری رفع آلام صوری و توسلات صدقیه لری و سائط توارد  
 فیوض معنوی اولوب صد ساله سیر خوا سر خوان معریت و آخرالامر طومار عمر بنحسته مری و لری  
 نور دیده دست حکمت و حقیقه حیات پر بر کاتلری ختم کرده مهر فنا و سالف الذکر خواص اخوانه قافله  
 سالار عزیمت ملک بقا اولوب پهلوی مرقد بیدرسامی کهر لری و قریب اقر بالرنده دفن اولوب مرقوم  
 محمد دهده جانشینلری اولمشدر نور الله تعالی مضجعه و بر دم جمعه آمین بحرمه الشفیع الامین  
 \* (حضرت محمد دهده حافظی) \* موصلی الاصل و نوبت دولت مراد خاندیده سردار فتح بخداد اولان  
 مرحوم و مغفور له احمد پاشا امیر و استاد ی بردانشور ادیب و هنرمند لیب اولوب سفر بغداد  
 عودنده آستانه سلطان العاشقین و مال ارادت و اختیار سلوک طریقت اوزره مکر بند میان همت  
 اولوب فی حد ذاته مستعد کمالات اهل حقیقت اولغله تکلیف جمله مردان مولوی اولنمیوب دفعه  
 بهره مند تکبیر سعادت تنویر اولوب حجره نشین از او مشغول ریاضات شاقه و چند ماه و سال افطار سه  
 روزه و خواب یک ساعت شبانه ایله اوقات گذار اولوب بین الفسقر اشار بالبان اعتقاد و مجزوم  
 الاستقامه و السداد اولغله شرفیاب خلافت سربیه و سر بلند استوای جمع الجمع اولمشدر و حسین افندی  
 نوبت علیه لرنده مشیخت خانقاه بجوی ایله بر خوردار و مجمع الخلاقین و اول دیار بهجت اعتبار ده  
 وجود فائض الجود لری میانه هشتده چشمه کوثر آسمان زلال عرفان و تشنگان بادیه طلبیه تسلی  
 رسان اولوب جمله اهالی مرید و محب طریقه موصله مولویه اولمشدر حتی کار مشایخ طریقه قزلباش  
 شیخ احمد عار فی شعبه شریفه طریقه خلوتیه اولان مسلک پاکیزه عشاقیه ده شیخ مصطفی نام صاحب دم  
 و قدم بر عزیز پرهیز و پیر روشن ضمیر کچمردوم ارجمندی اولوب آوان بلوغ رشیدنده مهجید و الا  
 کهره اراده سلوک و نیاز سایه دست انابت ایلمد کده بعد الاستخاره (راشیخ حافظی دادند و محافظه  
 تو بد و سپردند) عنوانله جواب و یوروب ویدید ناصیه کش ارادت لری اولوب نتیجه مقدمات ذات  
 و زمانلین و ثمره قوادلین اول مرشد کامله تسلیم و اقامت مقام خدمت بر حرمه تلرینه تبیه یوروب  
 قطع علاقه صوریه و استقامت سلوک راه رشاد لری به توجه سری به ملازم اولوب فی الحقیقه اول فو نهال  
 حقیقه خلوتیه تربیه باغبان مولوی ایله بر شجره عالیه ثمره و عقب و فوات مریدانده مقام سامیلرینه  
 خلف الصدق اولمشدر که علی وقوعه نفیسه منقبه لریده تفصیل اولنور و خانقاه مسفور ملک احمد پاشا  
 نام بر مشیر مشتری تدبیر اثر همت آصفانه سی و نوبت اولاده مسند آرای مشیختی اولذات ملکی الصفات

حضرت محمد دهده حافظی  
 شهر بوی

اولغله کویا و رای پرده عیدن اکرام واحترام لری صد دنده صورت پذیر تعمیر اولشدر و اواخر اوقات مبارکه خلافت زنده آستانه حضرت پیر قدس سره المنیردن استعفا ایله جمله اشیا لری ن تحمل و درگاه ولایت دستگاه خداوند کاری به نقل ایدوب و حجره سابقه لری ده مقیم و خدمت طریقه ده مستخدم اولشدر و چند ساله سایه حمایتیایه قبه خضر اده مستعد آسایش روحانیه اولوب اقربا هنکام رحلت دارالقرار لری ده مستفسرین سر استعفا لری نه شامت مکاید وانی فرور ایله اول حواله نیک اعمال انکروسه التحاقی کشف ایدوب (این قالب آسوده حدیقه الارواح را مال کفار انکروس کردن رواندیند و بهجرت فرمان کردند) عنوانیله اجمال مال حال پر ملال بیورملری کند و لری نصکره عرب خلیل دده رسالته تکرار امر سالف الذکر صدوری و انلری دخی استعفا و آستانه سعادتیه هجرت لری و ثالثا جان بولادباشا امامتدن تخلف و اختیار ترک و تجریده نائل رتبه رفیعہ مشیخت اولان ابراهیم دده نو بنده دخی ثلث ایلد کده مضمون اجمال محروم تفصیل پذیر و تحقیق یاب و بعد زمان فی الحقیقه اول دیار زهت مدار موقع طلعت ضلال کفار دوزخ قرار اولدیغی محقق ماجرای پیشینلری اولشدر و کما أشار الیه ترقیه شرفیاب انضمام سلك آسودکان روضه الارواح و دوحه الافراح مولویه و مواجیه علییه تریه فردوس رتبه جلال الدینده غرقه بحر رحمت و ساکن غرقه راحت اولشدر و قیل عارضه وفات لری ده دیک جوش فقرا یله جمیع اخوان و خیلان ایدوب بقود و نفایس امتعه سن بوستان افندی حضر تری نظریه تسلیم و کتب نفیسه سن کاتبخانه تریه شرفیه وضع و اشیا ی ساثره سن دخی عامه حضاره بخش قلندری ایدوب کیوم ولدته آمه عجز دویال کوشه نشین صومعه خالک و روح روانلری قادمه پرداز پرواز آشیانه افلاک اولشدر چون قالب شریف لری نوبت حیاتیه پرورش یافتنه روضه الاشباح عارفان مولویه اوله پس نوبت وفاتیه دخی غراس دوحه الارواح عاشقان مولانا اولمق تناسبین رعایت بیور و ب اول مهبط روح و ریحانه جان آتوب کامران نشاتین و نشو و نما یاب و وضتین اولشدر ادام الله تعالی ادرار فیوضه علی قلبه و قالبه و روحه و سره مادامت شمس العنایه شارقه و لغات الهدایه بارقه آمین یا جمیع السائلین \* (حضرت عارفی احمد دده) \* دیار روم ایلیده بجوی نام شهر شام آساخاکی و شیخ مصطفی نام عشاقی الطریقه عزیز مظنه ولایتک فرزند پاککی و قابلیت زائد الوصفه مظهر اولغله جانب معنادن کردن جانیه قلاب جاذبه حواله اولنوب ناچاریدر لری خدمت درگاه حضرت پیر قدس سره المنیره تسلیم ایدوب سایه عنایت مرید لری ده بهره یاب فوائد علییه و برخوردار موافد عملیه و صاحب الخلیه و الخلیه عارف اکاه ولایت دستگاه و مرشد مکمل لری عقیمینده شیخ اولان عرب خلیل دده و ابراهیم دده دند نصکره اول بقعه مبارک یه غریبان کسینه راغب اولوب و کند و لری دخی تحمل بار مشیختدن ابا و ترک و تجرید اوزره خدمات درگاه شغف نما اولغله چند ماهه آستانه مرقومه صدری شیخ شیخدن خالی اولدقه و رای پرده خیالندن کوشمال بین (وهر آینه بنخدمت مشیخت اقدام خواهی کرد و کونه تیمار خواهی خورد) عنوانیله ستم شتو اولملری تازیانه ده اسب همملری و سمت مشیخته بادئ رغبت لری اولوب آستانه سعادتیه مراجعت اولدقه مساعدیه و احسان منشور خلافت اولنوب مدت مدیده علی احسن الوجوه و آنسب السموت دادده کار تربیه و تسلی مریدین و محبین اولوب لیکن شیوه سالف الذکر و الیایانیه پس پرده عیدن عیان اولوب ناگاه (بجمله اخوان و خیلان ازین دیار رخت قرار را بیرون باید برد) تنبیه بنیسی ایله مأمور هجرت اولدقه جمله ماملک لری نه ایدوب مأموریت لری اوزره هجرت لری حیرت افزای اتباع و اشیا ع اولمشیکن بعد الاثمه الثلاث اشیا ی کفار انکروس مستولی اولوب محاصره مدیده و محاربه شدیده دند نصکره اول دیار ارم

حضرت عارفی احمد دده

اعتبار بقضاء الله تعالى ایدی اهل اسلامدن خروجی کند و لک محمی من طرف الله تعالى اولد قلیزیه  
 ینده باهره اولشد و دخی بعنایه الملک الحفیظ اول برزخ هائلدن بجملة التوابع واللواحق منزل  
 سلامته واصل اولد قلیزیه کند و لر معیتله راهیاب رهای قنیه اعدای دین اولنلرک مفارق غریبانه لرینه  
 سایه کستر حیات اولوب تحمل اسباب شاقه معاشله جمله سنی غیره محتاج ایتموب جمع عیش  
 خوشلری اولوب آخرتاً بید الله تعالى محمیه فلسفه ده مجدداً ذات شریفلری اکر امنه خانقاه مولوی احداث  
 اولنوب بالغامایلر وجه معاش فتح و اول بقعه مبارکه فتحیه ده مجموع الشمل و فارغ البال کامران  
 صوری و معنوی و اول دیار الصادقینه بر تو انداز اسرار حضرت خداوند کاری اولوب بعد زمان تحویل  
 اشارت قدسیه الیه خانقاه باب جدیده نقل اولنوب انده دخی کما ینبغی قائم مقام خدمت فقرا و رایت  
 افراز غیرت اولیا و مقبل نعمت حسن سلوک شاه و کدا و مقبول القلوب عرفا و مرغوب الطباع ظرفا  
 اولوب زمانه اوضاع لطیفه سی پسندیده احبا و اطوار جمیله سی دلنشین عین الجمع اخوان الصفا  
 اولد یغنی امعان انظار انصاف اولنسه متضمن انواع کرامات باهره اولد یغنی کالتمر لیسله البدر بی سخا به  
 اشتباه و مرار و شنکر دیده دل و جان اهل صدق و وفادر \* (نظم) \* کر نه بینا یان بدندی و شهان \* جمله  
 کوران مرده اندی در جهان \* حلقه کوران بجه کار اندر اید \* دیده باز ادر میانه آورید \* در بدر این  
 شیخی آرد نیاز \* برفلک صد در برای شیخ باز \* سایه یزدان بود بنده خدا \* مرده این عالم و زنده خدا \*  
 طبع ناف آهواست این قوم را \* از برون خون و درونشان مشکها \* متضرع در کاه و هاب  
 بی اسبابدر که پیرا من دائرة جمعیتلری مأمون الغائله سنک تفرقه روز کار و مدار اقباللری بی رجعت  
 خضیض هبوط اولوب اول و اوسط احواللری بکرنک اقبال و توفیق صمدانی اولد یغنی کبی نوبت  
 و اسپنلری دخی بی دغدغه قلت و علت دولت و منت کذا یرایلیوب آخر الامر سفر بردار اقرار و پهلوی  
 مر اقدم شایخ گذشته ده غنوده جامعه خواب راحت روح و ریحان اولشد نور الله تعالی منجعه  
 و طیب مهجعه آمین یا مجیب الداعین بحرمة الشفیع للآقین و الآخرین فی یوم الدنیا و الدین \* (حضرت  
 منجم احمد ده ده) \* دیار روم ایلیده محروسه سلاسلها لیسندن اولوب سائق توفیق و قائد بخت خداداد  
 کند و بی سید خلیل افندی در که انسابه ایصاله بهره یاب حظ او فرغون تقلیه و عقلیه و حائر قدح  
 معلا ی خدمت فقرا و سایه همت سامیه همایان اوج فنا الیه نائل سهم ازید علوم و معارف لدنیه اولوب  
 سیما سمیت ریاضیاتده صاحب ید طولا اولغله بحسب الاقتضای القضاء سر منجمان دولت عثمانی و ندیم  
 خاص و مصاحب مقبول بزم محمد خانی اولوب نوبت مراد خانیده حضرت رسوخی ده ده میدان کبیر  
 مدافعه ابن القاضی اولد یغنی کبی یونلر دخی مقابله وائی فتانه کویا طرف روحانیات اولیای کرامدن  
 تعیین اولنوب جمله مواد ابحاث انکار به ده زبان بند الزامله فر و ز منخوس مسفوری و کوه مکر و هنی  
 اسکات و تبسکیت ایدوب جالب ادعیه خیریه فقرای طرق جمیله محمدیه اولشد و بتأید الله الغالب  
 دائرة کثرت دولنده من کل الوجوه محسود نخوتیان جاه و جلال ایکن ینمه مدت اقبالنده سر مومغلوب  
 حساد اولوب همایان فتوحات و عطا یای سلطانیه دن صاحب خانمان بی منت و وضع درویشانه اوزره  
 مقیم پایه مکننت و وقار و عیش خوش حکیمانه سی رشک آوریار و اغیار اولوب عقیب خلع  
 محمد خانیده شیخ خانقاه مکه مکرمه اولوب نقدیه بقیه عمر نیاز ینلرین کاه کعبه مکرمه و کاهی مدینه  
 منوره ده اقامت و عبادت و طاعتله خرج اهر قربت و تقوی ایدوب طرف دولته دن نیاز نامه رجعت  
 و کافی السابق مقرر و منصبلرینه عودتی حاوی مکناتیب دعوت و رودنده عجز پیری و متاع سفری  
 تحملنه عدم طاققه اعتذار ایدوب مر اسلات احبابده تضمین اولنن مشکلاته دخی اجوبه اقتناعیه

حضرت منجم احمد ده ده  
 ملک مدبر شریف



تحریر یله اکتفا (وبعد ازین صحبت بیزم نشئه باقیه مانده است) عنوانیه ردلین و قبول طور هین ایتش لر در  
 فی الواقع (قرب سلطان آتش سوزان بود) مضمونی مجرب کار شناسان جهان اینکن علی الخصوص حین  
 افتای منقاری زاده و زمان مشیخت سلطانیه و نایب و مفتی مقتولک مقبول و خواجه شاهزادگان  
 اولدیغی آوان سنک قننه باردده سلامت حال و غنیمت مآله اول مقوله کرداب مهالک جوشدن ساحل یاب  
 نجات اولوق ذات شریفلرینه کرامت عظمی اولدیغی و مذکور الاسامی اولان مقرر دینک ولوبعد حین  
 خانه خراب اولدیغی ذوات خبیثه لرینک مظاهر آثار قهریه اولسنه امارات مورثه الیقین اولشدر  
 \* (نظم) \* دست رامسپار جزد دست پیر \* حق شدست آن دست اورادست کیر \* چونکه دست  
 خود بدست اودهی \* پس زدست آکلان بیرون جهی \* دست تواز اهل آن بیعت شود \* که بد الله  
 فوق آیدیم \* دست پیر از غائبان کوتاه نیست \* دست او خرقه ضیاء الله نیست \* (مروستکه) \*  
 اول محرم راز پس پرده غیبی سید خلیل افندی حضرت تلری رقیع سر بهر لر یلده سا بقا تفصیل اولندیغی  
 اوزر ندیم و داماد شهر یاری مصطفی پاشا محب مخلص لرینه ارسال ایدوب لدی الوصول تذکره  
 شریفه لری مضمونی معلوم لری اولدقه مقام تجسیمه استحقاق لرین امتحان صد دنده مکنون کف  
 مقبول لریندن سؤال ایلدکه بطریق الرمل استعلام واستخراج سخته اسب مهارت ران اولوب اول  
 نسا تاندن اولدیغین وثانیاسی مقام و بخور مقوله سندن اولدیغین وثالثا اسمی عین و اوود الدن مرکب  
 اولدیغین خبر ویرملریله اصابت لری نمایان اولوب مقام معهوده نصب اولنوب اسلافندن ازیدا کرامله  
 ممتاز اولوب رفته رفته پایه مصاحب شهر یاری دخی دست داده اولوب پادشاه مرقوم مائل صید و شکار  
 اولغله اکثر اوقات اراده شکار ده کیفیت و کیت تخیر اندن سؤال یورد قنر نده نیکونه جواب  
 ویرلدیسه بلا زیاده و نقصان ظهور ایلدیکی محقق مهارت و اصابت لری اولدیغی کندونک مجالس  
 معقوده مشاورات خاصه عظیمه امور مهمه در حال معدوده دن اولسنه وسیله اولوب هرامر مهم  
 العاقبه در آی رزین لری دستور العمل مشیران دولت اولشدر حتی مرئی وائی مهمل الخاتمه اولان  
 وزیر وزیر زحل تدبیر کشار انکروسله فسح صلح و اوزرینه سفر مر ادا ایلدکده صورت استخاره سی ابن  
 سیرین زمانی اولان معبر حسن افندی به عرض اولندقه فتح این مطلب از روی دیگری خواهد شد  
 عنوان صدق تبیانیه تقریر دلات واقعه ایلدیکنده خلاف رأی سخیف وائی اولغله نفیه اغرا  
 اولنوب ادریس افندی نام مظنه خبر خیره عرض مر ام فساد انجام اولندقه درین عزیمت غرامت  
 مینماید عنوانیه بیان مآل پر ملال ایدنجه پنج صد تازیانه ایلده مغدورا وفات ایدوب بعد هما  
 استخراج دهده احمده کوشدار احتیاط و خرم اولدقه استمهال اولنوب تمام مهلت معینه ده حصول این  
 فتح مبین رهین سنین آخرین است کلام توریه نظامیه جواب راست فرما و ملرنده رونما اولان تعبس  
 امارت کینه اکیدده اولغله اول بزجر هر وقت هراسان تشفی روز فرصت اولوب حج شریفه استئذان  
 ایدوب انلر حرمین شریفه و بونلر جانب انکرو سه عازم اولد قنر نده بونلر عزیمت و روسیه ایلده عودت  
 و انلر مشروبات و بیکر نورانی ایلهر رجعت ایدوب اول تنک وزرا و خائن ولی النعمت سر مقطوعی طرف  
 بلغراد دن داخل دارالدوله ادرینه اولدیغی روز فیر وزده بورشک عقلا و عرفادخی جانب استنبول دن  
 واصل سده سعادت سلطان محمدی اولوب بینهماده باعث عقده اولان کلمات ایراد اولنوب کندونک  
 واقف اسرار غیب و خیر خواه دین و دولت و بیعت لومه لائم و قائل حق اولدیغی جمله خواص و مقرر بین  
 عندنده کالشمس فی وسط النهار بدیدار اولغله مخالف بدخواه و بدکار عاقبت تباهلک دخی مقبول  
 مد مره نسینامه تألیف ایدوب عروقی ترکیه غیر ترکیه نسیمین چار شمار سلاطین کامکاره ابصال



ایلدیکی وسفر انعام مقر لخدخی انجای معزول اولیوب آخیر بلاد انکروسه موفق اولسه تسلطن  
مرکوز صمیم قوادعقوق نهادی اولدیغی محرمان رازیدن بالتواتر ظاهر اولوب و بوجه مفاسد و مکاید  
تسویلات متشیخ مخذولک آثار دمار اغاز و فرار انجای اولدیغی دخی باهر اولدقده مهبط صاعقه  
خشم خسروانی اولوب دفعه دارالدوله ادر نه ده کوه قسیس دامننده اولان قریه کسته دفعه و طرد  
اولنوب اول موقع مجازانده کمال ذل و صغارده هالک و بین الظرفا (عاش فی الحقیقه الباسیه وضاع  
فی الضعة القسیسیه) زبازد تهمکم و مهاجات اولشدر فی الحقیقه غریبه متعجبه واقع اولشدر که  
حوالی دارالدوله استنبولده اولان محال مدوحه به میل ایتیموب محلین مر قومینه صرف بضاعه رغبت  
ایتمی کویا مطایبه هجو آمیز لینه توطئه و تمهید من عند الله اولشدر \* (نظم) \* چشم خس راهست  
مذهب اعتزال \* دیده عقلست سنی در وصال \* سخره حسندا اهل اعتزال \* خوشتراسنی نمایند  
از ضلال \* هر که در خس ماند او معتزلیست \* کرچه کوید سنیم از جاهلیست \* چون زحس بیرون نیامد  
آدمی \* باشد از تصویر غیبی انجمنی \* هین مد و اندر پی نفس چوزاغ \* که بکورستان بردی سوی باغ \*  
کر روی رودر پی عنقای دل \* سوی قاف و مسجد اقصای دل \* کفت پیغمبر که احق هر که هست \*  
او عدو ما و غول رهنزست \* هر که او عاقل بود او جان ماست \* روح او و روح اور یحان ماست \* احق  
ار حلو انهد اندر لیم \* من از ان حلوای او اندر نیم \* ز احقان بکر بز چون عیسی کریمت \* صحبت احق  
بسی خونما که رنجت \* آن کر عیسی نه از بیم بود \* ایمنست او از پی تعلیم بود \* آفت مر غشت چشم کام  
بین \* مخلص مر غشت عقل دام بین \* (منقولست که) \* اول تسلی بخش خواطر منکسره اخوان  
الصفا عودت حج شریفده هر قنغی بقعه مبارکه مولویه به مسافر اولسه بهر حال تدارک اسباب سماع و صفا  
ایدوب کند ولر کشف استار عرایس حقایق حضرت منوی بیور ووب و عقد مجلس دوران پر ووجد  
و حال ایتکی کویا لازمه ذمت همتملری عدایدوب هر مجمع اخوان و خیلانده عظیم اجلاس ذوق  
و شوق ایدرک آستانه سعادت برهان الواصلنه ر و مال اولدقده نه اجرای آیین سابقه نیازمند اطراد  
اولنجه حضرت جللی بوستان ثانی مساعده علمیه لریله اول سرچشمه صنادید دخی حسب المرام اجرای  
ارکان مردان اولنمی بعض تنک حوصله کان و تر دندانه سبب کفت و کوا اولوب (منع یا امر بود  
برخصت رانیز امر بایستی) مفهومی مشعر کلمات هواثیه کوشکذار لری اولنجه اثنای وعظ و تذکیر لرنده  
جوشان و خروشان منشأ نشئت این کار براسرار مشیت پروردگار است روز کاری بقطع آب این چرخها  
تعلق فرمود و این زمان نوبت اجرای آن آب حیاتست \* (نظم) \* مرده مرده ای گروه پرشکوه \* آن  
سک کور و کزنده شد بکوه \* نثر و نظم مسرت افزا لریله دفع و اهمه ساده لوحان احباب ایتلری در حال  
عقیب سماع و صفاده آینه دکان جانب دولتدن سماع و صفا کافی الاوائل اجرا اولنمنه او امر صادره  
اولوب ادر نه و استنبول خانقاه لرنده مجلس سماعه حاضر اولدققرین استماع ایتلری و چند روز  
مرورنده آستانه سعادت دخی امر وارد اولوب وانی قناتک جانب کوه قسیسه مدفوع اولدیغی تحقیق  
اولنسدقده عزیز مومی الهلک مدعالین اثبات ایدوب و ترزل پای اهل ترددی مثبت اولشدر و دخی  
شریفاب حضور همایون شهر یاری اولدقده سابقا عدنی دهده حضرت تلری تعبیر فرما اولدققری مبشره  
صادقه لرن نقل بیور دققری بعینه تعبیر ثانی تعبیر اوله متوارد اولسی مشرب لطیف پادشاهیدن زلال  
مطایبه نبوغه بادی اولوب سبحان الله الحکیم زبان دو کویسده یککست مضمون خوش آینه سبیل  
تطیب تعجب فرما اولنجه \* هان و هان این دلق پوشان مند \* صد هزاران در هزار و یک تنند \* بیت  
شریفن شرح و تحقیق بیور ووب طبع پادشاهانه لریست جله فقرای طرق علیه به یکتا نظر اعتقاد

واحترام اولسن قاعده اقبال ملاحظه یورمق اوزره توطین یورمشلردرکه فی الواقع اول خدیو  
انصاف منش زمان خلفه دکن طوائف مسالک اولیای کرامه اکرام اوزره ثابت ومستجب برکات  
دعوات مخلصانه لری اولمشدر علیه وعلی أسلافه وأخلافه الروح والریحان من حضرت الغفور  
الکریم الرحمن آمین \* (مروسته که) \* اول دریادل ومرت مشرب مجلس مشاوره مر قومه ده سالک  
سمت تاخیر عزیمت مصممه وسائق خرم وتائی اولدیغی مکار وغذار منخوسه کران کلوب (مناع الخیر  
معتقد آئیم) آیه کریمه سن علی طریق التعریض والتوبیح قرائت ایلد کده حکیم طریف مر قوم دخی  
خدا الامر بالتدبیر والتائی من الرحمن نفحه مقدسه لریله مقابله (وعسی أن تحبوا شیئا وهوشر لکم)  
آیه کریمه سبیل مدافعه یوردیغی بعد خراب بصره الدوله وعقیب فوران تنور الفتیه الان قدندمت  
وما یفنع الندم مصداقجه مسلم جمله مخالفین رأی رزین ومعتقد عامه موافقین بصیرت عاقبت ینلری  
اولمشدر لکن چه سودمانند ایمان یأس مفید سلامت مآل اولیوب عامه رجال دولت فتاده کرداب  
مجازات خاصه مخالفات اولوب یومافیوما حریق قننه منسکر متمر دمبغوض عذاب کوری کبی از دیاد  
بذیر وسلاطین پنجکانه وینی شمار وزرا و امرا و بی حساب طوائف عسکر و خزان شایگان بیوت  
الاموال در خال و خون و بریاد و قلاع و بلاد دور عیه خراب استیلای اعدای دین و ایمال اولوب الی یومنا  
هذا عقول مشیران و سیوف هزیران کندی تدبیر اندفاعی اولغله ناچار صلح مغلوبانده رضاداده اولوب  
سرایت دارالدوله دن بر مقدار مأمون الغائله اولمشدر متضرر عدر که سه کافی الاوائل رایات نصرت  
وظفر سایه انداز مفارق عسا کراسلام و مردان خدادخی پشت و بنه صفوف مجاهدین دین مبین  
اولوب و اول دشمن دوست غنائل نخوست اهانته اولیاء الله وشامت اعانت اعداء الحق سبب  
افواسی ایلد کندی لری بطوائفهم الباغیه زائل وهالك اولد قوری کبی حریق قننه لری دخی منطقی  
وبلاد و اهالی عسا کراسلامیه بالسکایه استیلای شرور شرار و انکار شیران دین و دنیادن محمی و امین  
اوله لر آمین بعززه اسمیه الاعظم و بحرمة حبیبیه الا کرم الی قیام الساعه وساعه القیام \* (نظم) \* بی ادب  
تهانه خود را داشت بد \* بلکه آتش بر همه آفاق زد \* در میان قوم موسی چند کس \* بی ادب کفتند  
کوسیر وعدس \* منقطع شد خوان و نان آسمان \* مانند نخل زرع و میل و داس مان \* آن گروهی کز ادب  
بگریختند \* آب مردی و آب مردان ریختند \* پیش ینیان کنی ترل ادب \* نار شهر و ترازان کشتی حطب  
\* چون می بر زهر تو شد مدبری \* از طرب یکدم بخیانده سری \* بعد یکدم زهر در جانش فسد \* زهر  
در جانش کندی دادوستد \* (منقولست که) \* اول متکازیب رضا و تسلیم منشأ مناسد انکار اولان  
وائی پرتلبیسک دفع و طردی عقبنده مجاللس سامیه خسرویده مأمون الغائله منوع باطله الاسانید  
آداب مناظره حکیمانه اولوب اظهار صواب اوزره مباحث پیرا ایکن مار را کشتن و بچه اش پروردن  
خلاف راه احتیاط و خرمست مقدمه مسلمه سن عدم مراعاتله اهمال اولنان داماد مقتی صاحب  
وقعه و قبیعه غیر مسبوق النظیره مبحث زیارت مشاهد مقدسه اولیای کرام واستمدادر و حاسیات  
علیه لرینده وارد اولان آثار جلیله اسلاف عظام و کلمات معاینه آمیز اجله کرامی نقل و تحقیق ضد دنده  
ایکن خواجه شاهزادگان اولغله مغرور تقرب اولوب وسوراج منع مجرددن زهر افشان لانسلم  
اولد قده التضعیف فی هذه الکلمه بقضی الی تخفیفها فقره فضیحه سبیله تفضیح ذیلنده باب تفصیلده  
اولان لانسلم باب افعال الدن اولان لانسلم مضمون هنک مشکونه افضا ایلد یکن نقول صحیحه ایلد اثبات  
ایلد کده مجلس خاص فی فیصل حکم اولغله سالک مکابر غیر مسموعه اولوب طریف مر قوم قائم سلسله  
بحث و انشای منوع و اهییه ده اثنای این منع برکدام مذهب است لفظیله استفهام ایلد کلرنده مانع را

مذهب لازم نیست عنوان به دفع صد دنده آری مانع این مدعا را مذهب نیست مطایبه سبیله تسلیم  
نما و تشمیر فرما اولوب آخر نظام کلام منع زیارت قبور اولیای کرامدن منع زیارت مشاهد مقدسه  
انبیای عظامه نقل ایدوب نتیجه الساج منع زیارت روضه مطهره سید الانبیا والمرسلین رسیده ونهی  
تزیین و اشغال قنادیل و بناء قیاب رفیع به منتهی اولدقده ادیب مر قومل دامن افشان مجلس موحش  
بحث مدهش اولوب چند روز کلاه کیر دایره صحبت شاهلی والیه المشتکی والمتضرع مضمون غیرت  
مقر و نبله نالان و کریان اولسی هفت روز مر ورنده اثر رانی منصبه ظهور اولوب اول فرع فاسدک  
مفسده سوء ادبی ظاهر و مظهر غضب سلطانی و مطرود و مدفوع اولمشیکن چند مدت اختفا ایدوب  
آخر اغفال حرم و رجای شاهزاده سلطان مصطفی ایله جرمی عفو اولنوب بنه مقامنده تهریر اولند یغفلت  
و خاشی نوبت جلوس سلطان سلیمان ثابده تکرر ایدن خوارج علی اولی الامرک زمان تغلب رنده  
حمایت طائفه باغیه ایله بیست روز صدر مشیخت اسلامیه به تصدیق اولنوب اول هنکام اشتعال  
ناظره فتنه عامه ده فرصت یاب انتقام اولمق حسبیله خوارج مفسده بی اوزر لرینه حواله و تسلیط ایدوب  
اوچ دفعه نطع شهادت ایدوب بحفظ الله تعالی و دفعه نفس نفیس لری سالم و حیات تازه ایله غانم  
و بر مقدار مال لری غضب و مصادره اولنمغه ایدی تعدی مخاذیل مسفور هدن خلاص یاب اولوب و مدت  
مدیده معزز و مکرم حرمین محترم منده مستسعد فیوض و معتمق قنوج و آخر الامر دخی جوار حضرت  
رحمة للعالمینده آسوده در دسر دو عالم اولمشدر لکن مفرط ضربور تمام ایام عشرینده معزول و منکوب  
ارزن الرومه منفی و مدفوع و حزب خوارج علی السلطان دخی علی آقچ الوجوه طعمه تیغ قهر و تدمیر  
حضرت عزیز ذواتقام اولمشدر و بعد زمان من اغان ظالم اساطره الله علیه مصداق بجه سلطان  
مصطفی سردوات و نوبته در دبی در مان اولوب عاقبت اول مقوله پادشاه صداقت سیما هک خلع و قلعه  
سبب اقوی و کندوسی دخی تشمیر خوارجه مقتول و کیفیت قتل و تدمیری نادره روز کار و ماده اعتبار  
سکان دیار اولمشدر نعوذ بالله الحفیظ من سوء القصد الی الاخ المؤمن فانه هیچ طوفان غیره المهمین و یوچ  
نیران انتقام الغیور القوی المغیث الدیان انه هو الهادی الی طرق الفائزین منازل الاحسان والامان  
\*(مروستکه)\* اول عاشق سر باز صادق پرسوز و کداز جمعیت اسباب اقباله محسود اغیار و مغبوط  
اخیار ایکنینه علی الدوام ترک و تجرید و تفر دو توحده تحسیر اوزره \*(یت)\* یارب آن باشد کدرو  
در یشرب و بطحا کنم که بکجه منزل و کد در مدینه جا کنم \* مضمون اشتیاق مشکونیه ترنم سنخ اولدیغنده  
محرمان و همد مانند بعضی لری سوق سمیت استعفا ایلد کلرنده دل بسته وفای برجالر ایلدیغی شاه  
در ویش نهادل و وصف پسندیده لریدن بر نادره کمال انصافی کد دستنه آینه آلوب کند و ضعف و ذبول  
و شیشه ناظر اولنجه کریمه بی اختیار عقینده سجده شکر و کل یوم فقر اوضعفا به نقود و افره ندر بیورلدیغی  
سری استفسار اولندقده آه درد نال و دیده نمنا کله ای در ویش احمد کند و شخصه نظر ایدوب کمال  
ضعف و حقارت معاینه ایلد کده بر خاطره خطیره خطور ایلدیکیم اگر بوقیر من دور اولیدی فرد واحد  
ایکی جبه به استخدام و استعمال ایتکه رغبت ایتیه جکی ظاهر و باهر ایکن حضرت فیاض بیچون بنم  
کبی ناچیزی اریکه آرای خدمت حرمین شیرین و علی رؤس المنابر سلطان البرین و خاقان البحرین  
عنوانیه یاد ایتدیروب و جل ساله ملک بالاستقلال ایلد شاد ایدوب واصناف تصور و ارتکاب می ستر  
بیور می باعث کریمه شیمانی قوت فرصت و بادئ سجده شکر عنایت اولمشدر دیورجه مافی الضمیر  
بیور مسیدر فی الحقیقه بومه و ولی النعم دور و درازه بیوفالک شیمه در ویشانه من نسبتله مشکدر  
تا وقت فراق ضروریه حالونه قدر ملازمت عبه اخلاص لری ملتزم اولمشدر دیو جواب صواب مآب

ویروب و مسئول در کبرکات وفاداری ایل به مقصد جان و دل مشتاقه دخی نیل تیسیر بیور یله نفس پاکاری  
 قریباً جلوه کرسا حقه ظهور اولوب دائرة دولت بی وفادان رخت اقامت کش سمت حرمین محترمین و کما  
 ینبغی بقیمه عمر کرانمایه لرنده تدارک مافاتله مستسعد اولمشدر و موجب استخراجی اوزر دمنیقین  
 قرب خلع اولدقلرنده اگر کندولرک واکفرزند معنوی لری سلاحدار خنککاری حسن انانک هبوط  
 و صعود طالعیری کما هو حققه اهتمامله استخراج اولنوب کندولر ترتیب ایده جک عقوبتی راه وفاده تحمل  
 ایدوب کربور و تخلف جاده خلوص اولوب هر چه بادا باد عاقبت خیر است عنوانله نظر کرده  
 دیرینه لرین دخی تسلیمه بیوروب فی الواقع ملاحم فرججه خاندان دولتدن بعنایه الله المغیث المستعان  
 سلامت عاقبتله خلاص باب وحسن اغادخی وزارت مصرله سرافراز و معاجانب مصره روان اولوب  
 مأمون الغائله مکاید منکرین اولیا اول دیار حریه الافخار و دار الحبیسه مردان راه حضرت خنککارده  
 مقصدار سنتین معزز و مکرم و خاتناه فقرا ده آسوده حال و مجموع المبال اوقات کنذار اولوب حسن پاشا  
 معزولا طرف رومه توجه ایلدکنده و بنولر سمت بیت الحرامه احرام بند عزیزیت اولدقلده پاشای  
 مشار الیه نیازمند یادکار اولغسله اولامال بر ملال مفتی مقتولی و ترزل ارکان دولتی و صلح اول و ثانی  
 و پاشای موافق الهک نیل صدارت کبری ایل به تکمیل دائره مرام ایتملرین بر اثر چه طویل الذیل ایدوب  
 کندویه اهدا ایلشدر وزارت سده دعوتلرینه اجابت رجا مندی اولنجه اگر بدعوت دارالسلام اجابت  
 اقتضا نکند آیم عنوانله نیر ذات معارف احتموالرینک غروبنه ایما و احوال سائر هرن اشارت ایلدکاری  
 و بالجمله موجو فی اوقاتنا انحرره سرزده و رای پرده غیب اولمشدر و وجودنازیتلری کلشن سرای  
 بقیمه ده دفینه جواهر المعارف اولمشدر طوبی له و حسن مآب \* رفت آن طماوس عرشى سوی عرش \*  
 چون رسید از هاتقاناش بوی عرش (بیت) چون نفخت بودم از لطف خدا \* نفخ حق باشم ز نای تن جدا \*  
 جانهای بسته اندر آب و گل \* چون رهند از آب و گلها شاد دل \* در هوای عشق حق رقصان شوند \*  
 همجو قرض بدری نقصان شوند \* جسمشان در رقص و جانها خود میرس \* وانکه کرد دجان از آنها  
 خود میرس \* (حضرت جلال علی ده ده) \* ولایت روم ایلدیده بلده قدیمه حکما اولان آتیه اها ایستدن  
 و اولاد صلحای فقرادن اولوب بین المحصلین متدد اوله اولان علوم شریقه فی جمع و موجب علمیه عمله  
 اشتغال اوزره ایکن اوبین واقربا لری ترویج بهانه سیه قید و بند اتفاق ایتمکه ترک وطن مألوف  
 ایدوب آزاده سرکشت و گذار عالم پر عبر و خشک و ترده کاه اقامت و کاهی سفر ایلر ایکن روبراه سیری  
 دارالولایه بقونیه حیت عن البلیه دیوارینه رسیده اولدقلده منراج سفر کرده سنی کرد کدر اسقام محصور  
 ایدوب چند ماهه کنج غریب سده اسیر کربت عارضه اولغین ناجاز حسین افندی حضرت تلیرنک سده  
 برکرامت لریند رومال و مستند اولدیغی کندویه سرمایه عاقبت عاجله اولدیغیندن متأثر وادوای  
 نفسانیه سینه دخی امید علاج روحانی ایل شفا خانه دردمندان اولان مطبخ حضرت خنککارا کبر  
 قدس سره الازهره دخیل اولوب تکمیل مدت چله مردان مولوده شرفیاب عنایت تکبیر و لابس  
 کلاه و خرقة ثابت قدسی تیر اولمشدر و بحکمة الله تعالی وقضائه جلیان و فقرا یینلرنده سکون  
 ایندن فساد شافی و درویش چلبی تلون حلافتده اکثر طائفه خرقه پوشان ساده لوحان حسین افندی  
 منقبه شریقه لرینده تصحیل اولدیغی اوزره شمشیر ساق تشکی ایلدکنده علی ده ده حضرت تلیری  
 قول و فعل شایسته مرتبه سی دفعه سعی ایدوب لیکن مخالفت عموم مفیده اولمغله ناچار آستمانه علمیه  
 والد سلطان علیها الزحمت و الریحان طرفه سیاحت و اول محل اجابت دعوات خیریه ده رومحراپ  
 دفع قاضی الحاجات و نیازمند سلامت عاقبت اولدیغی مسموع حضرت چلبی مشار الیه اولدقلده

حضرت جلال علی ده ده

من تخلف عن الخلاف تقدم بالا ستخلاف فقره شفقت مشکونری لهجه پیرای مرحمتلری اولدیغی  
 کوشیز درویش دلریشلری اولنجه هزار اعتذار و ابتهاج ایله شرفیاب دستبوس کرم مانوسلری و تاج  
 ابتهاج خلافت خانقاه طربلوس ایله مکرم اولوب الی آخر العمر اول بقعه مبارکده علی احسن السلوک  
 اخوان و خلائله بهره مند صفای وقت و اولاد قابلیت نهادله معتم اولوب حتی بعد وفاته شیخ محمد نام  
 فرزند شیخ خانقاه شام و صادق نام اوغلی جانشینی و شیخ موسی نام ولدی خانقاه مصر و قاسم پاشایه شیخ  
 اولشلردر که ازمنه سابقه ده دخی رجال طرق علیه ده اولاد ثلاثی صدور خانقاه آرای طریقت اولق  
 قلیل الوقوعدر ذلك من فضل الله الجواد یؤتیه من یشاء من العباد \* (نظم) \* کان دعای شیخ فی جون  
 هر دعاست \* فانی است و کفت او کفت خداست \* آن دعا از هفت کردون در گذشت \* کار آن مسکین  
 باخر خوب کشت \* چون خدا از خود سؤال و کند کند \* پس دعای خویش را چون رد کند \* یث سبب  
 انکبخت صنع ذوالجلال \* کدرهایندش زقرین و وبال \* (منقولستکه) \* اول سیف جلال جمال نیام  
 مستور الحال و مشهور الیکمال و ساینه نشو و نما مایه سی مقصد رجال و محط رجال قوافل ارباب نوال اولوب  
 ابالت مر قومه به وزارتله والی اولنلر لئی اندر پی محل اکرام و احترامی و مولای ذوی الفضائل دخی  
 نوبه بعد نوبه مظهر فواضل مکارمی اولمغله محسود الایمان و مغبوط الاشراف اولوب لیکن فرد واحدک  
 نظر غیرت اثر لریده تجاوز حد ادبه اقتدار لری اولیوب عموما اصحاب تعین دیار مر قوم مواسات و مدارا  
 اوزره روی غمای حسن زیندگی لیکن برتنک حوصله نک ها ضمه تحملی دریده شدت رشک و جسارت  
 اولوب اول زهتسرای ارواح و اشباح حلقه جمعیت والی و مولی و بکار ده مانند کنین مطمح انتظار  
 و صدر نشین اعتبار اولدقلرنده ماینه استفسار اشتقاق لفظ ده ده صد داند از صحبت اولدقلده حاسد  
 فاسد مشرب لفظ ده ده عرییدن مأخوذ اولمغله لهو و لعب معناسنه اولق اوزره مأنا من الدد  
 ولا الدد منی حدیث شریفه استثم باد و تعریض آمیز ایلد کده حیمت مر دانه لری سلسله جنبان غیرت  
 اولوب لفظ ده ده فارسیدن مشتق و درنده معناسنه اولدیغین دده کان شیران مصاف تسویلات  
 نفسانیه و هزاران بیشه اقترا س اتایت اولق اوزره سرد کلام حقیقت نظام اوزره ایکن بی ادب  
 مخذول کنیکشای منع اولوب محمل مر قومه شاهد و سندن مطا لبه سندنه مبالغه خشونت انکیز  
 ایلد یکنده شاهد آنستکه این بنده در میان دده کان غاب جهادا کبریک یوزنا توانست امر و زورا  
 خواهد درید عنوان انکسار بنیایله ختم صدور معامله صدور دیور ملری بعد العصر اصحاب مجلس  
 متفرق و هر کس سمتیه متوجه اولدقلرنده مکر اول حسود جسور کفدایمان جبال انبای معنندن  
 اعداسی کینساز ره گذاری ایمانلرنا کاه کنیکشای اولوب آن لایق قسده جسد پر حسدنی پاره پاره  
 ایلد کلرنده منصفه پیرای ظهور اولشدر که بعد هذاه الصدمه جمله ارباب فراست کندولر دده لیکنه  
 تسلیم و جلال علی شهرت لرینه قائل اولشدر \* (نظم) \* هر که مر داند ترن او نفس کبر \* مر و را فرمان  
 برد خورشید و ابر \* سهل شیری دانکه صفها بشکند \* شیر آنست آنکه خود را بشکند \* نفس  
 خود را کش جهانی زنده کن \* خواجه را کشتست او را بنده کن \* هین بکش او را که بهر آن و نی \*  
 هر دمی قصد عزیری میکستی \* و دخی اول پیر خانقاه علو همت نظر کرده لریدن محمد پاشا والی مصر قاهره  
 اولدقلده کندوبی دعوت ایدوب مر اسم اکرام و احترام لریده بیل خزانه وسع و مروت ایلیموب چند ماهه  
 اول مجمع اولیای کرامده معتم زیارات مشاهد مقدسه مقبولان الهی وینه معزز اقر خلافت لرینه  
 رجعت اثنا سنده بادخا ان سوقیله جزیره سیب سام سا حلتده کشتی سلامت لری رخنه یاب اولمغله طرف  
 خشکه توحید خلیه مبادرت اولدقلده نگار دریا مساعدا التصاق و ملجأ آرام اولیوب متداریک میل

بعد ده خاك و سنك نشين و زور تلاطم امواجله تفرق رهين اولنجه شناوران مغرور دست و پا نك اكرثرى  
غرق اولديغين معانيه ايله بقبه كشتى اوزره تسليم فرمان عوالم مطاع حكيم روف و متهنى التحاق  
محيط حقيقت ايكن بقبه دخى غوطه خور قعر دريا اولديغى وقت ها نلده آب دريا فوق راسلرنده مانند  
قبه فلک جبر معلق و جانب ساحل سلامت متصل بر پل مستحکم غمايان اولمغله خادملى اولان دردمند  
صادق له مقام انتظار هلا كدن منزل امان بي با كه خروج ايدوب كفش مباركلرى دخى زير امواج درياده  
نمناك اولديغين رفيع شفيق دينيه لرى غوثى ده ده حضرت تلى على وجه التسكر نقل بيورد قلرى  
شناها تلقى كرده عين الجمع اخوان زمانگر در كه اول سوق ناچار دن معتبر اولوب معاشرت همراهان  
قدم ايديشه آنهاز فرصته شوق منبعث و زمان اقصاي پير يده دخى تجديد عهد و سالفه به كمر بند  
عزيمت اولوب غلظه خاتقاهنه تشر بفرلنده (به مت و حمايت مردان حيات تازه يافتيم و بيدار ياران  
وانصحت اخوان و خيالات جمع غير مترقبه كرديم) عنوانيله هر مجلس مقابله عقبنده منت پذيرانه  
تفصيل ماجرا ايدوب وقضيه سلامتلى نمونه غمايى و قبه بنى اسرائيل اولديغين اشعار له عامه احوال  
واهو الله جانب جناب حفيظ بيجونه حصر توجه و قصر تعلقه و تخصيص التجا و جبل المتين توكل و ثقه  
بالله حسن تشبث و ربط قلب و تسليم قابله و دفع غائله ترده ارشاد بيور مشر در لله دره و عليه اجره و بره  
و كينبغى استغياى حظ روحانى ايدوب رومال آستانه سعاده شذ نطق اشتياقه انساى راهده اولان  
خوانق و بقاء مباركه ده دخى مستفيض بركت اسرار آسودكان جوار قدس اوله رق واصل مرام جان  
مستهام اولوب اول مهبط انوار فيوض سبحانسيده هجده روز مقيم مقام نياز اولوب اين چله واپسين  
خاكباي فقر است عنوانيله اقتراب هنككام ارتحال ليرن اعيان و هزار سوز و كداز ايله جلييان ذوى  
الاحترام و اخوان و خيالات و داع ايدوب رسیده دائره مشيخته لرى اولد قلرنده اولاد و اقرباى سائر له رينه  
توزيع ماملك بيوروب كمال فقر له روبراه منزل فنا اولوب جسديا كى ساحة خاتقاهنه مدفن مشايخ  
كندشته اولان موقع روح وريحانده آسوده سايه طوباي رضوان اولمشدر طيب الله ثراه و جعل  
الفراديس مأواه و نفعنا و عامه الطالبيين بفوائدها و شفاعة يوم الالتهام امين بحرمه السيد الشفيع  
الامين \* (حضرت سيد محمد ده) \* دارالولاية قونية صاها الله تعالى عن الحوادث المذكورة  
خا كزاد نجابت نژاد و سيادت نهاد ليرن و عقيب الولاده عرقه تين و تكبير تبرك سرفراز ليرن اولوب  
اوان بلوغ رشندن سال را ره ارشاد و جوينده پير ارشاد و فى الصبح و المساء لازم در كاه صدق و سداد  
اولمغله حسين افندى حضرت تلى نوبت ولايت ليرنده مظهر نور نظر عاطفت اثر لرى و دفعه الباس كلاه  
و خرقة فقر و فنا ايله بهره ور و فضلاى فقرادن اقتباس اشعه علوم و معارف له بر تويذ برضماى سر شمس  
الدين تبريزى و بقبه مباركه حضرت جلال الدين ارغونده خدمت مشيخته مستخدم و استواى حال  
تمكين مآله سر بلند اولمشدر مقدار ده سال اول مقام ساميده مستخدم خدمت فقر اى باب اللهسى  
اولوب اكر دائره اراده و كرمسند تربيه ده استقامت احوالى غمايان اولمغله خدمت مشيخته خوانى  
و طريقتى ايله آستانه كرونى لانه وطن مألوفه نقل اولنوب الى آخر العمر سايه قبه خضر اى تربيه  
معظمه ده آسايش نادر المثل ايله معتزم اولديغندن ماعداد ركاه سعادت دستمكه دردمندان پناه جناب  
شمس الدين تبريز قدس سره الابريزنده اولان مجاز رفيعه مقابلات خداوند كار يده دخى مشيخته خوان  
و هر پنجشنبه مشيخته شريف تربيه فردوس رتبه ده بعد العصر عادت قديمه متقدمين طريقه علميه مولويه  
اجزاده نذل مقدور على التوالى و مواظبت منقبه خوانى ايله وجود فائض النورى مشرق خورشيد  
ارشاد اولمشدر و سن كه اولنرنده رعايه للسنة السنه تاهل ايدوب ايام سالفه لرى تجرد و توحيد اوزره

حضرت سيد محمد ده

گذرا بتشدر و ذات ستوده صناعتی مجاورت کعبه العشاقله اتمام بقایص بیور ملین تمهید مقدمه  
 منتهی المطالب العالمیه ایدوب جهانگردان اخوانی اقامت مقام سکون و اطاعت او امر علیه رهنونه  
 ترغیب و بهوده کردی عالم و طوف دیار و بلدان و اتعاب براق نفس ناطقه آدمدن ترهیب اوزره تمیسه  
 سر مایه محبت و اعمال بضاعه انس انسانیت و تحقیق لطیفه اتحاد و تحصیل جمعیت معرفه تحریر  
 بیور ملریله شمع رأی رزینلری انجمن افروزین الجمع اخوان الصفا و روشنا بخش عیون اعیان  
 خلان الوفا و لدیفی از منتهی شریفه راه دخولی ادیان مسدود و اولغله حرم بر حرمت حضرت مولانا  
 من کل الجهات اولانا و من جملة السمات اعلانا مجمع عاشقان ادبا و محشر صادقان عرفا و ملجأ فاضلان  
 ظرفا اولوب برکات حسن تربیه و میا من اطف تهمیلری ایلها اکثری سعادت مندیل پایه خلافت و استغفال  
 مقرر کرامت و تناسب خیز و لایته نادره دوران و مفتخر زمان اولمشلردر \* (نظم) \* بر درم ساسکن  
 شو و بی خانه باش \* دعوی شمع می کن پروانه باش \* کور می کن خویش را و غره شو \* آفتابی را رها کن  
 ذره شو \* نابینی چاشنی زندگی \* سلطنت یابی نهان در بندگی \* قرب فی بالا و پستی رفیق است \* قرب حق  
 از حبس هستی رستن است \* آنچه حق است اقرب از حبل الوری \* توفی کننده تیر فکرت را بعید \*  
 ای کمان و تیرها بر ساخته \* صید نزدیک و تودور انداخته \* هر که دور انداز ترا و دورتر \* وز جنبین  
 کنجست او و همجو رتر \* حضرت عطار فرماید \* دردا که دلم بوی وفا فی نشنود \* در وادی عشق هر جانی  
 نشنود \* و از قافله که اندرین بادید رفت \* عمری بگردانک درانی نشنود (دیگر) دردا که دلم سایه اقبال  
 ندید \* در خلق بجز حلقه اشکال ندید \* خالک دو جهان برفت و صدباری بخت \* جز باد هوا بر سر غریب  
 ندید (دیگر) خواهی که ز شغل دو جهان فردشوی \* با اهل صفا همدم و همدرشوی \* غائب مشو  
 از در دل خویش دمی \* مستحضر در دباش تا مردشوی \* (منقول است که) \* اول تقا و سلسله ز کیهان  
 عادت کریمه لری علی الدوام مجالس و محافلده تنزل الرحمة عند ذکر الصالحین و لتقص علیک  
 ما ثبت به فؤادک مصداق منیلری اوزره سادات مولوی و عظمای طرق سائره علیه مناقب نفیسه  
 و اخبار مفیده لریله موشح حلقه صحبت بر صفوت اولد قلرنده خاطر بعض مستمعین حکایات اسلاف  
 تکرارنده ملال طاری اولغله کاش درین زمانه نیز اصحاب جنان اختیار بودندی عنوان حسرت آمیز  
 تعریض انکیز یله خاطر خراش پیرانه لری اولد قدیمیدان زمان از گروه مردان خالی نیست ولی مردم  
 بینا کونفس نفس الامر یلریله تأدیب بیور و ب \* (بیت) \* مکرار باب دل رقتند و شهر عشق شد خالی \*  
 جهان پر شمس تبریز است مردی \* کوجو مولانا \* نفحه قدسیه سیمله استشهاد ذیلند هر که آید و رود  
 بجنب و دفع آید و رود \* لیکن کشیده و راننده سخت نهان است و این فماده یاد کل از کام اولین تابیدن  
 وقت نازل در میدان مردان جز اختیار و ابرار و ابدال و صدیقین ندیده و همه احوال ایشان از قبیل اخبار  
 سلف صالحین است \* الله الحمد و المنة و علی نبیه الصلاه و علی ولیه التحیه عرسه طاب و اخلاص مالا مال  
 مردان احوال و خواص و عامه دردمند انرا طلال حمایت ایشان ملاذ و مناص است دم ارشاد  
 تو املریله اغتمام فرصت و انماض عیون صورت به ترغیب و بطلان گذشته نیز از ابطال این معرکه مشحوب  
 بودند و تأسف یهوده عمرها ضایع کردند و بوی بردند و بگفت و گو میزدند و تقیر بعیله تویج و ترهیب فرما  
 اولملری اکثر حصاره مایه آتیه اولوب مرایای صفات و اسماده جلوه کراولان مرایای حقایق بدن اگاه  
 اولمشلردر \* (نظم) \* چون تو خفاشان بسی بیند خواب \* کین جهان ماند نیم از آفتاب \* موجهای  
 تیز دریا های روح \* هست چند انکینه صد طوفان روح \* ایات اندر چشم \* کنعان موی رست \* نوح  
 و کشتی را بهشت و کوه جنت \* بس خیمه ساخت صاحب سینه \* تا بودشایش را آینه \* بس صنای



بجودش داداو \* وانکه از ظلمت ضدش بنهاداو \* دو علم بر ساخت اسپید و سیاه \* آن یکی آدم دوم  
ابلیس راه \* همچنان دور دوم هایل شد \* ضد نور باله او قایل شد \* همچنین این دو علم از عدل و جور \*  
ناخبر و آمد اندر دور دور \* هم سلیمان هست اکنون لیلک ما \* از نشاط دور بینی در بجا \* آن سلیمان  
پیش جمله حاضر است \* لیلک غیرت چشم بند و سار است \* پس هر دوری دولت قائمست \* آزمایش  
تأقیامت باقیست \* (مرو بستگه) \* اول آینه عالمای امرا را کمره مسند آرای میدان جل تان اولوب  
اجرای رسوم جلایه طریقت صدیقیه دبدل خزانه وسع و همت ایلند کبری اوان متانت عنوانده  
ماجرای اجرای آیین حالت اکین صدیده منجم احمددهده حضر تتری کندولر ایله مشورت بیورد قلمیده  
فرمان سلطان العاشقین صدور یافت بچندین امور بیکه اولش وزیدن صرصر غیرت که تا انخره انقاس  
منتنه وانی اخیر و کردفته تسوولات کروه مکر و هوش از روی زمین روم بردارد و نایش هبوب نسایم  
عنایات محبت و اخلاص که تا اهل این مرز بوم از تسایش صبح توفیق بهره ور باشند و نایش جریان آب  
وجد و حالت که تا این اسباب آیین شاهان هفت اقلیم ولایت و کرامت کماکان الی آخر الدوران کردان  
کرد چارمش اشتعال ناثره که تا اشجار خبیثه اجسام آن طوائف باغیه را بالک بسوزد و همه برل و بیخ  
و شاخهای آن درختهای دوزخ را در زیر خالتد میر و مطموره های قبور مستورالی بوم انشور کنند  
و پنجش ظهور بومها را بیکه این بوم الان بوستان حقیقت را باب زندگئی معرفت و شبنم غنچه کشای همت  
قلوب را برورد تا ایشان بخواه های حکم و اسرار و عبر و کرامات بار دهند و صادقان ملک روم از برکات  
انظار و انقاس و میامن دبدبه سماع و صفای روحانی متمتع و مغتنم باشند پس بعد ازین بقدم شما قدوم  
اولیا را از خجهای ولوله اندازدن اولی نماید) کلمات عالیله برین دستور العمل ایدوب قبل ورود الامر  
الصوری تجدید عهد سماع و صفایه مبادرت اولند یعنی ایام عیدیه هرورنده وصول اخبار دفع و طرد  
مترور منکوس و کافی الاوائل دارالدوله استنبوله عقد مجالس حالات اولند یعنی بشاراتی تعاقب انبکاه  
خود بخودانه اولوب من طرف الغیب افاضه بیوریلان مکاشفات صادقانه امداد بیل اولد یعنی لدی الکمل  
نمایان و بی شائبه اشتباه اولد قد نصکره فرمان رخصت و نصف عنوان دخی وارد اولوب میدان جمعیت  
اخوان و خلایقه فتح و فرائد اولند قد بوبر بحر و تقصیر لذات ای زیارت آستانه سعادتده باره برپاره  
رجای قبول و سازمند شرف دستبوس فقرای طریقت اولد یعنی وقت مبارکده کلپانک کش از دیاد صفا  
اولوب نوبت کلپانک قدوم کش اولملری انما سنده خالد انکساردن رفع و نوازش شفقت مدارله کرم  
فرما اولوب کلپانک قدوم بقدر عقب کلپانک اینچنین سور و سرور بودن علامت بر خور داریست نفس  
تغیس کربت بخشش ایلله کویا مانند عظم رحم اولان خاصه کتوده وجودنی هم سر طور سنا و سینه  
بر اندیشه عل و غشنی بونه کیمیا ایدوب اول نفس رنده برکاتی بفضل الرؤف المنان مستوعب جسم و جان  
و سرمایه اسمافاضه ریزه خوان مردان اولشدر انار الله تعالی رسته و هر سه بر وجه و رختنه کما اضاء  
قلبی و عینی بنفسه و نظریه آمین یا مجیب الداعین تحریقه من له لواء الحمد بوم الدین \* و دخی اول بقیه  
بیشقدمان مسالک تحقیق پیرانه سر چند ماهه ملازم دوائر مقابلات شریفه اولوب فی بوم من الايام مقام  
عالیله رنده مفارق فقرایه لالی نفسیه و صاباننا ریه ورملری ذیلنده و درین سرای دودر این کدای بی با  
و سراقامت بدین انتظار کرده است فحمد الله حمدا بمقصد رسید بعد ازین سیاحت است تا بامروز  
سیاحانرا کلپانک مبارکئی سفر کشیدم و چون نوبت سفر عن رسید ازل حضر فقیر هم آن کلپانک را  
نسا میکنم کلمات مهمه لری بعد حضاره سفر صوری و بعض آخره سیاحت معنوی اولوق اوزره  
مفهوم اولغین مورث سکوت و طرف باهر الشرفا رینه سبب تسلیم زمام امر لری اولغله نسه کندولری



سفرها مبارک باد رسمیه کابانک فرما و مودع یاران او آنچه هر کس مبلغ ادراکیله سخن ران میدان  
تخمین ایکن وفاتلری خبری شیوع پذیر اولوب مدلول اعلام کشف انجیاملری جمله به معلوم اولغله  
هر کس لوازم سفر دارا بقاری تدارکنه مشغول لرایکن زوجه لری طرفندن عزیزاگاه مر حوم مهام  
سفریه اخروی لری کاینیخی تدارک بیور مشلدر که حیاتلرنده فرد یار واحد یار اولمد قلری کبی فواتلرنده  
دخی دوش همم خلانه جنازه لرندن ماعد ابار ابقا ایتمشلدر دیو پیام طبیعت نظام و رودی جمله بی قبل  
قوت الفرصه اغتام موافد فواتلرنده اولان تهاون و غفلتلرنده افسوس خوان ایدوب بقیه خدمات  
کالبد رحمت اندولرینه دوان و شتابان ایتمشلدر و قیل احتضار لرنده تدارک لوازم تجهیز و تکفین  
صد دنده اولان حرکتلرنده زوجه لری قرب انتقال لری به انتقاله کریان و بعد از تو حال این عاجزه چه کونه  
خواهد شد مضمون حسرت مشکونیه نالان اولدقده جمله حقوق معدوده سن کندویه تسلیم بیوروب  
ودرین کوشه خانه مبلغی مدفونست بعد از دفن من بیرون آر که نابوفات و فامیکند تسلیلری اوزره  
عمل ایدوب فی الواقع مبلغ مر قوم بالغ حد تمام اولدقده انک دخی تقدینه عمری نافد و کندولردن صکره  
حسرت محبتلرندن ماعدار وی محنت دیده اولیوب و خالک باکنه احترام اما اخوان دخی خدمت  
لازمه سنه اقدام ایدوب کنج وحدت و وحشته آلام غربت کشیده و تلخی کربت کشیده اولمشلدر  
و حضرت عزیز مشارالیه ک روح روانی تنوره پوش سماع و صفای مقصد صدق اولدقده جسد  
متر و حلری قبالة قبه خضر اده آسوده جوار ربیه معلا ربه خداوند کاری و اول خاتون سعادت مند دخی  
سمت قدم میمنت تو املرنده سر نهاده بالین لحد اولمشلدر تورا الله تعالی برتھما و حشرهما فی زمرة اولیائه  
العظام آمین بعززه شفیع الانام \* (حضرت فقری احمد دده) \* کلیسی المولد و حضرت سلطان دیوانی  
قدس سره النورانی نظر کرده لری اولاد و امجاددن اولوب سالک طریقه والد و مالک بضاعه و افره علوم  
و اعمال و اخلاق حسنه و متحمل ریاضات شاقه و متحمل آزار مستحسنة و شیخ احمد القاری علیه رحمة  
الباری صحبت شریفه لریله مستفیض اولوب بعد زیارت الحرمین الشریفین وطن مألوفنده کوشه نشین  
عزالت و توشه کین فقر و قناعت ایکن بحسب الارث کندویه اموال و اجناس کسیره توجه ایلد کده  
جمله سن ارامل و ایستام و مساکینه ایتار ایدوب اقر بادن بعضنک عرق شفقتی سلسله خیابان بند اولوب  
و مقدر کفایت نفس ابقا به تحریص اولندقده قبول التکره و رد التلکینانی نسبت فقر عنوانیه  
تبعیح نسبت فقر بیورملری کندولرک بین الفقرا فقری شهر نیله مذکور اولملرینه باعث اولمشلدر  
و هرگاه که قدر سدر مقدر فاضل حجره و وحدت لرنده شیخس دخی بولنسه مستحقینه بذل ایدوب اگر  
وقت مساعد ایصال مستحقین اولمزایسه بیرون در حجره به القای ایدوب کائنات من کان فقرا وضعفا  
التقا طریقه معتتم اولوب ابتدای اختیار فقر لرندن نهایت سفر قبر لرینه وارنجه فضله ماسوا الیه هم حجره  
اولمیوب نوبه و موافد عنایات ناگاهیه الیه متعم و یغم فردا اولمشلدر \* (نظم) \* سانه خور دی و کم  
نامد زخور \* ترلست مستقبل کن و مانای نسکر \* کرجه انرا پردر مکون کم \* روزی تو چون نباشد  
چون کم \* سالت درویشی زدر ویشی ما \* روز و شب از روزی اندیشی ما \* کرخواهی و رنخواهی  
رزق تو \* پیش تو آید و ان از عشق تو \* آنچنانکه عاشق بر رزق زار \* هست عاشق رزق هم بر رزق  
خوار \* کر ترا صبری بدی رزق آمدی \* خویشین چون عاشقان بر تو زدی \* (منقواسکه) \* اول کیم  
نهان خرابه خجول جسد رهین صومعه آنرا و مستور قبه و حشمت انس جنس ایکن معرکه انحرام  
اسما علیه ده دخیل سایه سلامت مایه استیمان حضرت سلیم خان اولان قولاد و علوان نام میرزا المصمیم  
فواتلرنده مرگوز اولان عقیده اهل حق اطهار و عسا کر طفر ما شرسنیه الیه استظها رایدوب بلاد بلا

حضرت فقری احمد دده

حدیثها و فقر و رفاة

بنیاد و افقه مانند سبیل العزم تاخت و تخریب ایتم که اموال غنایعدن خزانه لرنده مجتمع اولان نقود  
و اجناسی خراج خیرات و حسنات ایتم اوز ره منعقد اولان ندور سابقه لرینه بناء فی الاصل منشأ  
تمذهب سیدلری اولان کرامات باهره فخر الابدال و ذخیر الرجال حضرت سلطان دیوانی قدس سره  
النورانی بالنکایه کندولری ریوده محبت کلین مولویه ایدوب ملاحم اسماعیلیه اندفاعند نصکره محبیه  
حلب الشهباده وطن و بالاشتران فخر خاتناه مولوی به شمیر ساعد اهتمام ایدوب بعد الاتمام عتبه  
علیه ختمکارا کبریدن نیازمند استخلاف اولملریله تعیین اشارت روحانه حسنیله خلافتنامه نام نائی  
شیخ احمد ایلده توشیح یورلغین امتثالاً لامر الغیبی والعینی توجه صوب مأمور و تحمیل امانت عظمای  
مشیخت خاتناه محمد دمذ کور ایدوب مدت مدیده اول جلوه کاه حسره العسافده خدمت تریه سلاک  
طریقه علیه ایلده اوقات صافیه کذار اولملردر طوبی له و حسن مآب \* (مروستکه) \* اول غرقه لجه  
فناموقع خلافتلریده سایه انداز ساجه کلستان حسن سلوک و دائره صنوت مدارلری مجمع فضلاء و عرفا  
واجحاب حال و ملجأ دردمندان فقر اوضعفا و محاسن مقابلات شریف مششیر پیر و جوان و مضایف  
طوائف طرق علیه اولوب و ذات شریفلری مرکز میدان و جدو حالات محیره العقول و دوله النفوس  
و اغلب اوقاتلری زیارات مشاهد مقدسه مقبولان سبحانی ایلده و اول مقامات متبرکده جماع و صفای ایلده  
و اذکار و مراقبه مواجهه ایلده مرو و ایدوب و دور ابواب احباب صوریدن کشیده عتبات همت اولملغه  
بین الحسادنه مؤن ایدن کلمات بیجا که (انکه از مردگان مدد جویداز و بزند کان چه رسد) خرد  
فی معنی سیدر معروضیشکاه ارشاد دسه کاهلری اولدقده (ماهر دواشل فنا بیس جهت جامعه فنا  
باعث انجذاب است لیکن مرد کئی فانیان فی الله و باقیان بالله و زید کئی تا ثمان غفلت و جامدان  
قسوت مجمل نظر مناظرین حکمت است) تعریض الزام انکیزلریله سدر خنة طعنه بنجر دان ایدوب  
الی آخر العرشیوه اولین دستور العمل بر تمکینلری اولملغه عامه اهالی حوالی تعظیم و تبرک امر اقد مشوره  
اولیای کرامه راغبه اولوب و حانیات قدسیه لریدن استفاضه لرینه باعث اولشدر \* (نظم) \*  
ظاهرش مرل و بیاطن زید کی \* ظاهرش ابتر نهان پایند کی \* چونکه ایشان خسر و دین بوده اند \*  
وقت شادی شد جو بشکستند بند \* سوی شادان و ان دولت تاختند \* کنده وزنجیر را انداختند \* بطرا  
زاشکستن کشتی چه غم \* کشمش بر آب پس باشد قدم \* مرل بیکر کی بود مارا حلال \* برل سیر کی بود  
مارا نوال \* ما بگردیم و بکلی کاستیم \* بانل حق آمده همه بر خاستیم \* ای فانیان نیست کرده زیر پوست \* باز  
کردید از عدم ز آواز دوست \* در هوای عشق حور قصان شوید \* همجو قرص بدری نقصان شوید \*  
جسمشان در رقص و جانها خود میرس \* وانکه کرد دجان از آنها خود میرس \* (منقول است که) \* اول فافله  
سالار مخلصین عصرلری اوائل نو بتلریده زیارات مشاهد مقدسه ده خواص اخوانله همپای مبارزت  
اولوب لکن کثرت رغبات و غلبات میول خلافتله واسط و او اخر لریده جم غفیر خلایان و جمع کثیر  
در ویشان طرق علیه سائره انضمام و بکار علما و مشایخ و اشراف اهالی التحاقیه کو یا سمول رحمت  
اولوب و توجه یور دقلری سمت متمین و طرف متبرکله اجتماع اصحاب حال و اتفاق ارباب صفوت بال  
و وفرت منشیدن و قوالان ایلده دار النعمین نعم نشاطا نکیز وهای وهوی نعره زنان عشاق و شمع خوران  
مشتاقین و جماع ریان و جدو حال و ذکر جهری کلن دائره مثالله محل معرکه مردان و صیت و ولولنه نای و قدوم  
و جمعیت قرائین و ندور و الوان نهمه نائی وادی التری و مر دحم برل و نو اولملغه هر کس بحسب القابلیه  
مستفید برکت سایه کرامت مایه لری و فضله خوان ضیافت عامه لر یله بی نوایان اهالی دخی مغتنم نعم  
اولد یغنی انظار تنک حوصله کانده عجایب نما و باعث اذکار جمیله محافل اولی الهی اولملغه منطقه

خاص تذكير مشنوي شريف لفرده صدر ان ميدان كشف الاسرار (وفي الزيارات زيادات غير محسوسة  
من العوائد الباطنة كالاستفادة من الرحمة النازلة عند ذكرهم وعلى تربتهم والاستشفاع من  
روحانياتهم والاستمداد من أسرارهم واستجابة الدعوات ببركاتهم واستدفاع البليات بتوسلهم  
واستحلاب الفيوض بتوسطهم وهذه الغنائم الحسية انموذجات فوائدهم المعنوية لواطعوا عليها  
لتوالت عقولهم وتغيرت نفوسهم فان الظاهر عنوان الباطن فأن الغرفة من النعمان فطوى للخاصين  
التأذين في زيارتهم والتأمين بين أيديهم كما كانوا احياء في المجالس الرفيعة حتى تمتعوا بمتلهم وصحبهم  
في الواقع والواقعة كما استسعد الذين تشر فوايارشادات الارواح المتجسدة واستغاضوا بعيان الاسرار  
المتمة قدسها القدوس الصمد بفيضه المقدس المؤيد) انفاس نفيسه ليله قلوب قابلين عناني جوايب  
روحانيات اخيار وابراره توجيه بيور وب زمان سعادت اقربا لفرده سعدي اهالي محبة مرقومه  
احياء واموات اولياي كرام واحترامه مداومت رفتار بسنديد لري اولوب ودر دكان  
بي مراه ارادت ومحبت لري كيوهر ودخل بجوار خيم تير وتبع غيرت مردان خد ايه ميتلا وادبار صوري  
ومعزوي استيلا سيله مهبط نازله سوء القضاء اولشردر نعوذ بالله الحفيظ من ذلك ونستفي في نيل النور  
عن الممالك بنشر فوايج نفعاتهم القدسية في الممالك لعل السلام يسلمنا عن القطار في المسالك والعجب  
كل العجب من طعن الناعمين والاموات الى حضرات الايقاظ الباقيين في المعارج الباقيات على  
موجب اقوال سيد السادات عليه وعلى آله وصحبه جزائل التسليمات والفتيات حيث نيه عليه السلام  
على حقائق احوال الفريقين ارشادا الى المنازل العاليات في احاديثه الشريفة كما قال عليه الصلاة  
والسلام الناس نيام اذا ماتوا انتبهوا وقال عليه السلام ان الله خائف من خلقه يغدوهم في رحمة ويحيمهم  
في عافية ويميتهم في عافية واذا توفاهم توفاهم الى الجنة او تلك الذين تمر عليهم الفتى كقطع الليل المظلم  
وهم عنها في عافية وقال عليه السلام يا كم ومجانسة الاموات والمؤمنون لا يموتون بل يتقلون من دار الى  
دار على ان الوفاة فوات من وجه وحيات من وجوه كما اشار اليه صلى الله عليه وسلم بحديثه الشريف  
حيث مثل الموت وسهله بقوله مثل المؤمن في الدنيا كمثل الجنين في بطن امه اذا خرج من بطنها بكى على  
مخرجها حتى اذا رأى الضوء وضع لم يحب ان يرجع الى مكانه فكذلك المؤمن يخرج من الدنيا فاذا  
قضى الى ربه لم يحب ان يرجع الى الدنيا كما لا يحب الجنين أن يرجع الى بطن امه وليس للمؤمنين هم  
الموت وانما هم حسرة الفوت والموت تحفة المؤمن مع ان كون القبر روضة من رياض الجنة مخصوص  
وان القول لمن يقتل في سبيل الله اموات منهي بل هو حي مرزوق عند ربه وأولياء الله تعالى هم  
القاتلون في الجهاد الاكبر بسيف ومخالبات النفوس ورماح الرياضات الشاقة بحيث صارت  
أجسادهم أجسادا وبلغوا امراتب البقاء بعد الفناء حتى كانوا كأنهم أموات يمشون في وجه الارض  
نمنا الله تعالى وكافة المترددن في علوشأغهم في الجسد وممومكانهم في الحدث عن نوم الغفلة وعقلة  
التسوية في حق من شرفه بالكرامة وكرمه بالمعرفة آمين يا مجيب السائلين \* (مرو يستكه) \* اول  
عاشق شور يده ظاهر وباطن مستوران قباب عزت منوال مشروح اوزره مستمر الحال وينجاه سال  
دادده كارتريسة اخوان ومشكور السعي تمية خلان اولوب آخريارات مر اقدمتيركة اولياي كزنده  
نوبات سابتة دن ازيد عرض سوز وكدار وجرای آداب نياز واعقاب ادعية معتاده لفرده (توقى مسلما  
والحقني بالصالحين) آية كريمه من تلاوت واعادة دعای بر كيه وزاري ايديوب سمعا والطاعة على الوجه  
والعين فقرة غريبيه سيله وداع كان اولملى قلوب منتظرين اوضاع معنيدار ليه خلجان اندازيم  
هجران اولغله محرمان راز لري لدى المسامرات نادرة وضع وضر آميزلين صدر دبحث ابلد كزنده

خصوص مر قومه کنند و لایله همکارا و لایله پرده برانداز روی کار پوشیده و مجالس معهوده  
 اخیره لریده ارواح مقبله اولیای کرام دعواته اقرار واجابت اولوب و خواص همدماندن شش نفر  
 کزیدگان اقرار مزبورده انباز و مشاهدۀ ارواح ایلد قری العین اولدقلین ایرادی و ورملری کجاقولوا  
 جلوه کرمنصۀ ظهور اولوب عزیزمشار الیه قافله سالار دیار معنا و اندر دخی پی اندر پی اثر کرامت اثر لینه  
 اقتفایه مسارعت اوزره یکدل بزم جهان اولدقلری کبی و داعنیده دخی یک آهنگ اولوب و اول عزیز  
 مصر حقیقت حال مضاجع بر رحمت مشایخ اولان دائرة قدسی مدارده سر حلقه اختلاف کرام اولوب  
 و همرا هملری آغوشان فقراده آسوده روح و روحان اولمشلردن نور الله تعالی تربتهم و شرف ربهم آمین  
 بحرمه سید الاولین و الاخرین \* (حضرت شاطر محمد دهده) \* فاتح بغداد سلطان مراد رکاب شکوه  
 انسانیته سر شاطران و آستانه سعادت آشیانه حضرت خداوند کارا کبریده ماجرای سالف  
 الذکر شاه غیرت سپاه و ابن القاضی بی اتباهدن متأثر عقیب شادمانی فتح مزبورده بازار انساب  
 سلاطین صورتدن بیزار و رو بگردان سمت تعصب و انکار اولوب و طرف ولی النعمتدن مرخص ترک  
 خدمت اولوب کمال صدق و اخلاصله اختیار ترک و تجرید ایدوب شاهزادگان جلال الدین رومی  
 خدمات علیه سنده کمر بسته ملازمت حرمت و غاشیه داردوش مر اعانت عزت اولوب نهایت حصاد  
 زراعت تخم صد اقلرنده شمع قابلیت لری مشعل ارشاد حضرت حسین افندیین شعله پذیر استناره  
 و مشیخت خانقاه حلب الشهباء ایلد چراغ افروخته لری اولوب صد ساله معمر و شصت سال سر حلقه  
 فقرای مولویه و انجمن افرو زعین الجمع خلان الصفا و تسلی بخش خواطر اخوان الوفا اولدقلری  
 و خزانه قنوجات و عنایات ناکاهیه دن عیش خوشکواردمیدم ایلده غنم اولملری باینده لهجه پریمجه  
 شکرانه لریدن ریزان اولان لالی غنمه سیاسدر کدیاجه زبیب منقبه نفیسه لری قلتمشدر (انای جنس  
 ما که شاطران ملوکند در نهایت خدمات شاقه و غایه در ماند کئی پیری بچند درم علوفه چراغ بی فروغ  
 سدرق باشند المنة لله تعالی و تقدس این بنده ناچیز و آزاد بیزار را در اندک مدتی که شرفیاب انساب  
 رکاب ثریا ارتقا شاهزادگان خنکرا کبر قدس سره الازهر شدم باستواء خلافت و سکه ابتهاج  
 مشیخت و خرقه کامرانی طریقت سر بلند میدان امثال وار چند میانه اقران گردندا کر همه عمر بالسنه  
 مویهای اندام کلمات جامعۀ شکر یکشتمه این نعمت بیکران تکرار کنم هنوز بموجب \* از دست و زبان  
 که بر آید \* که عهده شکرش بدر آید \* عجز و قصور خود را در معرض ادا آورده باشم پس هرگاه که انقباس  
 نفیسه تشکر قری نلری مجلس آرای نصف و اعتراف اولدقلرنده \* (نظم) \* من که باشم در آن حرم که  
 صبا \* خا کروب حرم حرمت اوست \* بیت لطیفه تضرع کمال و دست افشان اولوب معتبرین همدمانی  
 تشکر اوائل حال و تشکر حسن مآل ترغیب بیورر لرایدی \* (نظم) \* شکر حق کن ذکر حق بشنودین  
 بوستان سرا \* چون کل و سوسن ازان کوش و زیانت داده اند \* که توانی سیر در مصر وجود خویش کرد \*  
 حسن یوسف کاروان در کاروانت داده اند \* از تومیا لای خود صد پیرهن مصر وجود \* که عزیزی  
 این جهان و این جهان داده اند \* (منقول است که) \* اول سجاده نشین خلافتین جناب ولایت نصابت  
 مکر فیه الاستعداد لری حسین افندی حضرت تلیک شعله سر مقدس لریدن روشنا پذیر خلافت سریه  
 امش او اخر خلافت صورت لریده اول نشیئه معنوی دخی سر زده و رای پرده کتمان اولوب بعض  
 مستحقین امانت حقیقی بهره یاب تلقین ایدوب کند و لر مشعل مولویه دن درجه اثنی و عشرینده حامل  
 اسرار خلافت حقیقیه اولغله نظر کرده لری طبقه ثلاثه و عشرین رجالتدن اولوب و جعفر مشوی نام  
 صدوقه الحجاب و مجموعه الغرای که خانقاه بغدادده اعلم علمای زمانی و افضل فضلالی اولان

حضرت شاطر محمد دهده

کتابخانه شخصی حضرت شاطر محمد دهده

عبدالحفیظ دده حضرت تلمی و فائنده بالوصیه نائل اولمشراعیس انلدخی حین انتقال لریده بوستان ثانی  
 حضرت تلمینه وصیت بیوروب این امانت بیست که بغیر خطفای سربیه نشاید عنوانیه تا کید و جلبی مشار الیه  
 جناب نه تحفه و اسپین بیوروب حاوی اولدیغی اسرار حسرت العرفادن نیجه اصحاب کمال مستفیض  
 اولمشدرو فی الاصل نسخه جلیله فرقومه کاجخانه تریه مقدسه دده محروس نکهه بان کتب موقوفه ایکن  
 کیفیت غیبی معلوم حفظه بقعه مبارکه اولمیبوب دستر بوده غیب اولسنه قرار داده اولوب باعث انفعال  
 بکران اولدیغی کبی نه محل حراست و کتمان نه عودتی بادی سیاس و شکران بی بایان قلوب جلیان ذوی  
 الاحترام اولمشدر فی الواقع قدمای طریقتدن مانند عنقای مغرب نام و نشانی مایه اشتیاق بی اندازه  
 فقرا اولمشیکن بوستان افندی حضرت تلمی سایه کرامت مایه سنده اول خله اسرار طور تجلی حقیقتدن  
 میوه حین و گوشه برقع حضرت نو عروس مشوی فی الجمله کشاده روی عاشقان و محرمان راز سر پرده  
 اشارت کلچین باغ تمشای امین آباد لدنی اولمشدر و دخی عزیز مشار الیه او اخراوقات صافیه لریده  
 کجینه کالات ویرانه ذات فنا سیمای تلمیدن سیمای انتظار مظنه جویان اولغله اکثر موالی عظام و اغلب  
 وزرای ذوی الاحترام سردادده زانوی ارادت و عرقیه ککش صدق محبت لری اولوب علی الخصوص  
 خواجیه زاده افندی سربلند تکبیر و کلبانک خلافت لری وزیر ستاره مولو یتمده مستوران قباب ولایت  
 مولویه دن اولدیغی امارات و اخذ الدلالات رسیده بایه ثبوت و شهود اولمشدر و صورت انکشاف حال لری  
 \* (نظم) \* کار پنهان کن تواز چشمان خود \* تا بود کارت سلیم از چشم بد \* دانه ها چون در زمین  
 پنهان شود \* سرشان سر سبزی بوستان شود \* مصداق فیه خطر آینه چشم زخم بیکان کن اولدیغی سوال  
 مقدر نه منماید و میوشاند و میکارند و میدروند بنده همین زمین و خدایند کار ایشانند خدای  
 پر جود و اسیمله مأمون العائله رد و قبول آشنا و بیکانه اولد قلین ایراد و پاسخ را سخ فرما اولمشدر \* (نظم) \*  
 همجو آن روبه کم اشکم کنید \* پیش آن روبه بازی کم کنید \* جمله ما و من پیش او نهید \* ملک  
 ملک اوست ملک اورا دهید \* چون فقیرانید اندر راه راست \* شیر و صید شیر خود آن شماست \*  
 هر رشکار و هر کرامتی که هست \* از برای بندگان آن شه است \* آنکه دولت آفرید و دوسرا \*  
 ملک و دولتها چه کار آید و را \* زانکه او پاکست و سبحان وصف اوست \* بی نیاز است او ز نغز  
 و مغز و پوست \* پیش سبحان پس نه که دارید دل \* تا نکر دید از کان بدخل \* (مرویست که) \*  
 اول ثابت قدم بساط حسن ادب امانت فرقومه بی خزانه اصل اصیله ایصال قصد یله وصیت عقینده  
 سطوت غیرت خاطر حضرت جلبی مشار الیه دن هراس و دقیقه شناسی حیت شاهزادگان حقیقت  
 سیاقنده عتبه علیه لرینه فرستاده مشرب عالی مسکنت رعایت لری اولان عرض خالده تضمین ایلدیکی  
 لطیفه معذرت حسن خاتمه منقبه لری قلمشدر که ایراد اولنور (این بدان ماند که برای شاهزادگان  
 لالایان امانت نهادان کوهرهای نفیس را نکه دارند و عیقات مأمور بعرض رسانند پس ازین لالای  
 کهن سال و مشرف انتقال آن کوهر تابد از خزانه اسرار حضرت خداوند کاربدان عتبه علیه شاهزاده  
 کامکار رسد موقوفست که در خاخانه کتمان محروس باشد و قصور یا محصور بنده دیرینه را عفو  
 فرماید و مدد همت سامیه را همراه و بدرقه سازند) عنوانیه در بوزه عنایت و قرب ارتحال لرینه اشارت  
 ایلدکاری تمام عیقات اربعین آخری لریده منصفه پیرای ظهور اولوب ادنی بهانه انحراف مزاجیه  
 متوجه سمت قبله اراواح و مودع خانقاه عالم فانی و سیاح جهان باقی و مدفن مشایخ اسلاف اولان مهبط  
 انوار عفو و غفرانده گوشه کرین آسایش روحانی اولمشدر طیب الله ثراه و جعل الفردوس مآله و مأواه  
 آمین بحرمه سید المرسلین \* (حضرت سید عبد القحاح دده) \* عینتابی المولد و میانه طلیه علوم دیار لریده

حضرت سید عبد القحاح دده

صاحب ذهن وقاد و مالک جد و اجتهاد اولوب اول حوالیده میسر التحصیل اولان فنون متداوله جمعنه موقی اولدقدنصرکه طلب علم حدیث سیاقنده جانب مصره توجه ومدت مدیده جامع شریف ازهرده مقیم ومقام سعی وطلبیده معتکف اولوب مشایخ مهوره فن مرقومدن کاینیغی استیفای مرام ایدوب و مجازدخی اولوب لکن اساتذۀ کرامنک فیض تأثیر محبتلریله خشونت جملت عتاییه بالکلیه مشربلرندن زائل وطرق علییه رجالتهمائل اولغله خانقاه مصرده ایکن اخوان فضلادن دخی مشنوی شریف و کتب سائره تصوف تلذیله بالکلیه ربوده تعلقی جوانب اولیای کرام اولوب لکن جست وجوی مرشد کامل ومکمل ایدرلدور بلادوسیر دیار ایدوب وقت التحاق زمرة آشنایان روحانی رسیده و روی راه سیما حنعلری دارالولایه قونییه حیمت عن المکاره الکوینییه وحفت بالعنایات اللدنییه سو ادا عظمتنه مالیده اولدقدده زیارت تربه معظمۀ خداوند کاری اثناسنده مشهود چشم دل وجان مشتاقلری اولان حالت مکته ومه دنی اختیار اولوب مطبخ عامرۀ جان پرور آستانۀ سعادتلرینه جان آتوب چندساله متحمل خدمت شاقه ومتحمل نظرات عالییه اولوب لکن فردواحد کندونلک پریش ذات وزمان وتفحص کیفیت دانش واذعائیه تقید ایتیموب بیغوله نشین خمول ایکن عبدالحلیم افندی حضر تلری اریکه آرای خلافت جد امجدلری اولدقدده خانقاه دارالسلام بغدادده شیخ وقت اولان نصیرادهده حضر تلرندن وارد اولان تنیه نامه نادرۀ معجز بیان مجمع العرفا اولان حلقۀ سکان آستانۀ سعادتق درو ایدوب جمله تحسین وخدمت ترجمه سنده اظهار عجز وایراد عنذرا یتلریله مشرب وسیع الهیمة جلبی مشارالیه کرد کدر افسوس مضایقه فرسا اولدیغی بین الفقرا مذکور اولنجیه زیرنجی نسیاندن سر برآورمیدان نیاز خدمت معهوده اولدیغی معروض پیشگاه حضرت جلبی اولدقدده نشاط زائد الوصفله مساعده سیوریلوب اتمام خدمت معهوده وعلی احسن الوجوه هنگام عرض رقعۀ ترجمۀ مسفوره ده بشاشت نامه ایله قرین قبول وتحسین وکندولر دخی دفعۀ شرفیاب الباس کلاه وخرقه ومستفیض تسکین طریقه ومظهر اضعاف عظیمۀ طاهره ویا طمه اولوب وچندر وزمرورنده خانقاه سرای بوسته مشیختی دخی کندولره ارزانی کوریلوب اول مسند سعادتده الی آخر العمر کامران مقاصد صوریه ومعنویه اولشلردر \*(نظم)\* آب رحمت بایدت رو پست شو \* وانکهان خورخر رحمت مست شو \* زین خرد جا هل همی باید شدن \* دست در دیوانکی بایدزدن \* بس فنون باشد جنون این شد مثل \* خاصه در زنجیر این میراجل \* اندرین محضر خرد هاشد ز دست \* چون قلم اینجار سیده شد شکست \* هیچکس را ناکرد دافنا \* نیست ره در بارگاه کبریا \* (منقولستکه) \* اول یکنانه میدان تواضع سالک جاده مسکنت ورسیده منزل عز و رفعت مشیخت اولدقدده ذات شریفی پوشیده پرده اهماال ایکن کریوه روان اعتساف ومتخلفان قافله انصافدن سرزده اولان سرزنش تریه بی خبرانه باعث لطمه معامله سابقه وبادی معاذیر لاقحه اولدقدده کاش ازان بیشتر وسختتر بودی که سنک تراز وآن قدر که کران باشد در کفۀ مکافات بحسب آن تفاوت دهد زیرا المشاهدات بقدر المجاهدات مقدمه مقرراست بس چه جای معذرت است که بنده در مقابلۀ آن معامله از حضرت جد بزرگوار حقیقت مجامله بیکران یافتکه متوقعست که ثمرات آن عنایت در دنیا و آخرت مرا و متعلقانمرا کافست عنوان تشکر بنیائیه تطیب قلوب وتبیین واقع حال ایتشلردر \*(نظم)\* ای خنک آنکو جهادی میکند \* بریدن زجری ودادی میکند \* آن ریاضتهای درویشان چراست \* کان بلا برتن بقای جانهاست \* مردن تن در ریاضت زید کیست \* ریخ این تن رو حرا یابند کست \* هر که رنجی دید کجی شددید \* هر که جدی کرد در جدی رسید \* من عجب دارم ز جویای صفا \* کورم در وقت صیقل از جفا \* جهد کن تا نور تو رخشان شود \*

تاسلوک و خدمت آسان شود \* و دخی واسطه نوبت مشیختلرنده محبته مر قومه قاضیسی اثنای جمعیت  
اراذل و اجلاف فتنه جو یان و کرد فساد ان کیزانده بقضاء الله تعالی سنکسار و هالک برزخ دمار  
اولمغله دفع مفاصد مذ کوره و نظام اختلال اسوراهالی غنیه دولندن میرفرنگ لیسله مشهور بر حاجب  
حجاج نهاده حواله اولنوب اول دخی موجب رأی سخنی ایله عمل ایدوب نیجه بی کاهک سفک دم  
ناحقنه اقدام و طریق مصادره امواله سلوکله هزار منعم بیدخل قضیه نلخانه عرض و آسایشین خراب  
ایلدیکی هنکام قیامت سرانجامده عزیز مشار الهلک احباب صداقت مایلریدن بعض ارباب ثروت  
مقاسات اقران و امثالله غریب لجه واهمه اولوب کوشه دامن حمایت پیرامنلرینه دودست استمداده  
تثبت ایدوب سلامتجوی حال و وخامت مآلن نجات خواه اولمق صد دنده ظالم سنکیندل مر قومدن  
شفاعت اولنلرین هزار سوز وهر اسله نیازمند اولدقلرنده شفاعت عبد الفتاح از خداوند قناحت  
نه از ستم کفر فضاخ کلمه تعریض آمیز لیلیدار شاد را سلامت و نجات بیورملریدن متأثر و سالک راه رجای  
موفق القبوللری اولان اهل صدق و خلوص درون حصن حمایه همت مؤثر دلرنده سالم الحال و المال  
اولوب و کلمه جامعه المقاصد نفس الامر بلرین دفع و نظرفه حمله تردد ابواب التجار و توسل اصحاب ارتشا  
ایدنلر کفتر دام ابتلائی کونا کون اولوب باسره نیاز ناچارلری دخی قرین قبول اولمغله بقایا به بند  
و عبرت اولمشلردر و علی الدوام اسم اعظم قناحت اشتغاللری دائره در و نلرین اقدار انقباضدن تخلیه  
و حلقه بیر و نلرین الوان قنوحله تخلیه و نعمت حسرت الملوکی ایله اعتنامه و سبیله موصله اولوب  
وهر غفوله طرق نیل و حصولی مسدوده اولان مطلبه عزیمت نامنائی قناحتله توجه بیورمغله علی آسمل  
السبل حصول ناکاه و وصول بی اشتباهله بمنون اولدقلری رسیدن ربه تواتر اخبار موثقه حتی کیفیت  
محکمه مجربلری حیرت افزای عقول دوراندیشان اولدیی جلوه کر مرآت ضمیر الهام سمیرلری اولنجه  
لیس بین العبد و الفتاح حائل غیر بعد عبد غافل عن القرب المجیب نکتته لطیفه سبیله تو بیع عارفانه  
ضمینده راه عاشقان مر ام دل و جانده ایما بیورمشلردر \* (نظم) \* از کسی یاری نخواهد غیر او \*  
اوست جمله خبر او و شر او \* خاطر تو هم ز مادر خبر و شر \* التفاتش نیست جاهای ذکر \* غیر من  
بیش چو سنکست و کلوخ \* کصبی و کرجوان و کرشبوخ \* هست ایال دستمین هم هر حصر \* قصر  
کرده استعانت را و حصر \* آنچه حق است اقرب از جبل الورد \* توفه کنده تیر فکرت رابعید \*  
ای کمان و تیرها بساخته \* صید نزدیک و تودور انداخته \* هر که دور انداز ترا و دورتر \* در چنین  
کنجست او مهجورتر \* (نکته) \* اضافه العبد لامیه و هی تفید التخصیص فاذا تحقق العبد فی مقام  
نفی النسب و الاضافات یحصل له الاختصاص فیصیر من الخواص و الغیور المعیث الفتاح لا یعلق علی  
وجوه خواصه ابواب العنایه فاذا انفکت فن یقدر علی اغلاقها فیکه الاضافه مبنیه علی الاختصاص  
قول معقول و معمول به و مبرهن علیه و ثابت الایثار لیه تأکید عقائد حقه اخوان و خدایان بیورمشلردر  
قوله الحق و الحق أن یتبع خذوکن من الشاکرین و عذالی و عده الحق من الماکرین \* (مروسته که) \*  
اول مر دمیدان همت مسند خلافتده ثالث حضرت عقیق و تو کلی اولوب لیکن بونلر لشر علوم شریفه  
ایله و تجمل دوات ظاهر و جمعیت ثروت صوریه ایلر وی کمال حاللری نقابدار غیبت اولمغله ظاهر  
بینان طائفه علیه خصوص و لا یتلرنده مترددلر لیکن بین الاشراف متسلسل اولان ضیافتلرین برینه  
مدعو اولدقلرنده اجابته و عدیور و بچین توجه دعوت کاهده مر اقبه و تانی بیورملری همجایان  
اخوانه انتظار فرسا اولمغله رجا مند حرکت اولنلر و فقیر در میانه دعوت حق و خلقی متحیر ماندم لیکن  
اجابت دعوت حق اوجب نمود اندک شیر خالص بیارید عنوانیه پرده برانداز روی کار انتظار اولدقلرنده



مطلوباری احضار و اناله اولند قد به بالدفعات نوش بیور وب بعد التشرکین شیردین سرا غذای اولین  
 و آخرین ماست دم نشا ط توأم لری به بعد ازین بدار الضیافة اکرم الا کرمین مسارعت باید کرد دیومقرر  
 سعادت لری نه بعد الوصیه و تجدید الوضوء ذکر جلاله مشغولاً لاین عارضه بنیه دعوت جوار رحمت  
 مبادرت بیور دقلرنده جمله عندند مدعای ولا یتلری رسیدۀ درجه ثبوت و تحقق و منوال مشروح  
 اوزره اکاهانه انتقال و بی قیدانه ارتحال و حین وصیت لری نه ملاحم آتیه انکر و سیه ناکمالک نوسنه  
 و دیار سائرۀ و مایلینک ترزل و خرباننه سبب اوله جغین تصریح و حسب الامکان اخوان و خلایق  
 تحقیف ماملکه و تأهب جهاد اکبر و اصغرۀ ترغیب بیورملری دور و نزدیک و مرید و محبه باعث  
 افسوس غفلت و بادئ ندم فوت فرصت اولوب روز وفات لری موت العالم کون العالم مصداق بیه  
 نمونه نمای قیامت و جمعیت جنازه لری نشانه کثرت عرصات اولوب علی رؤس الانام و الانامل نابوت  
 مبارک لری سیرا و زره ایکن بالدفعات معلما پروازی معاینه اولند بی اهل شه و ددن تلقی کردۀ نقطه ثقات  
 الاخبار در و کالید عمر حوملری شخین سالف الذکر تر به معلی ربه لری نه قریب محل روح و روحی جانده  
 بر موجب وصیت سابقه و دیعه مصطفیۀ روضه جنان قلوب حالاً خالک یا کبری متبرک زوار دار و دیار  
 و مدفن سامی ارکان لری محل اجابت دعوات و موقع نیل مرادات و حاجات اولشدر متعنا الله تعالی  
 ببرکات فیوض روحه و میامن فتوح سره آمین بحرمه سید الانبیاء والمرسلین و کافه الطالبین و عامۀ  
 المستمذین الاواین یامن لایرد دعوة السائلین فی العالمین \* (حضرت نصیر اوده) \* همدانی المولد  
 و صاحب المنقبة المولویه کثر هم الله تعالی الی النساء الاخریه حضرت عبد الوهاب همدانی اقربای  
 کرامندن و اولاد خواهر زادگان ذوی الاحترامندن و عبد الحفیظ اوده حضرت تلری تلامذه  
 و تربیت کرده لری دن اولوب جامع اشتات فضائل و حاوی انواع فواصل و سیرت می بیلری اوزره سالک راه  
 تجرد و فراغ و طالب منزله صفای حال اولغله خاتمه دار السلام بغداد اوده دور و دراز گوشه نشین  
 و حجت و توشه کین فقر و قناعت و بین العرفا حسن خط اقلام عیدیه و لطیف استحضار معارف جمایله  
 معرووف و علی الخصوص آثار تظهم لری دست بدست فیکما و بلغای فارس و عراق و رسیدۀ حدود  
 ماوراءالنهر و هند اولوب صاحب اصفها فی مانند شاعر محقق و حکیم متقن راغب مجالسه و متوجه  
 مصاحبه لری و مستفید انظار حسنه لری اولشیکن نه همواره خاکی مشرب و فانی طبیعت و بقیه  
 اعتبار صورت و متحمل خدمت فقر طریقت اولشدر آخر الامر بعد وفات المری دعوت صائبیه اجابتی  
 بهانه سبیل طرف اصفهانه سیاحت ایدوب هر چند ذات ستوده صفا تلری اکر امی صد دنده شاه فارس  
 بنیاد خاتمه مراد ایدوب دیار ایرانندن دخواهی اولان معهوده آرامن نیاز ایلد کجه عنان جنتش و آرام  
 در دست بنده نیست بلکه در قبضه فارس شاه است عنوانه توریۀ اعتدال بیورملری سدره تکلیف  
 و مقام دیرینه لری نه رجعت بیور وب بر موجب اشارت روحانیه استعفا شیخ ابو بصیر واستیلای  
 شاه طهماس مابینده اصالح خفیه حکمیه تحمل امانت کبرای مشیخت ایدوب سرائی صلح و اوقات  
 ضرای جنسکه آثار جلیله حسن سلوک لری مشاهده اولوب غلبه غلات و افضده جمله خوانق  
 و بقاع نظام قدیم لری خلدینز اولوب همانا اوقاف و رسوم و احوال اخوان و خلایق مولوی کما کان  
 ابقا اولوب دست تعدیلری دائره فقرادن ککوتاه اولق محضا خاصه رفتار مشرب و وسیع اهمیت لری  
 اولد بی خرم کرده اصحاب و قوف و تجر به در حتی شاه عباس مالک اولد قد معارفه سابقه به بناء  
 ذات شری بقرینه اکر ام ایدوب و مجلس مقابله به حاضر اولد قد عامۀ فقراسی بچیج می اقبیه حال و نیزین  
 دخی تقسیم صنایع مال ایله سر مقامات اوزره صفا بخش سوامع مستقیمه ایکن تمام انعمه ایلد قدوم

حضرت نصیر اوده



ولوله فرسای سخن سماعخانه اولدقده کوناعند النفخة الثانية اموات سر برآور دخیه قبور اولدقاری کبی  
 جسداری اجدات ار و احلری اولان اهل فنا کفزن روی میدان سماع اولوب نزع خرقه وجود و همی  
 ایله سر برآور کریان وجد اولنجبه دبدبه نای وقدم و طراقة دفعیه کف زبندن طبع پرا حیات شاهی  
 رمان و مقامندن خنجر بدست جهان اولدقده ندما سی افاده حال ایدوب تسکین و اجلاس ایتملریله  
 کند و به طاری اولان تلبس عاری اولوش کاف حکیم مشرب شاهان غمونه قیامت است پس ان قدر  
 رمیدن عجب نیست عذوانیله تطیب خاطر شاهی و بعض مطایبات خوش آئینده ایله بعد المقایله  
 کرد کدر عار لاحق دفع ایدوب جلب عطایای جزیه ایتمکله شاه و کد اغمنون لطف تعبیر طبع سحر  
 آفرینری اولمشدر و دخی وائل حالارنده بود مشیوه مجازی و بردلبر درزی به مبتلا اولغله طوطی کویای  
 مشربلری شکرین کفتارله کار ادرار السلام خوش الحانلرین دمبسته نظائر سنجی ایدوب السنه قدر  
 سخن فهمانده آتاردلشنلری جایگزین کرا اولمشدر \* ازان جمله اینست در حق رشته \* (رباعی) \* ای  
 رشته بسی کمرانی کردی \* در زیر باش عیش نهانی کردی \* در دست وی از چه بوده کویه عمر \* چون  
 غسل بآب زیند کافی کردی \* (منقول است که) \* اول بلبل خوشنوا کلشن معرفت سلطان مراد غازی  
 منصور و مظفر و بعد ادو حوالیسی قبضه فتح و تنظیمه مسخر اولدقده انشای فتحنامه بوالعجب وسده  
 سعادت فرمایلد کده پسندیده جمهور ارباب نظر اولوب تقریر و توفیر صلات ایله محترم و بر سبیل  
 مصاحبت ملازمت پایتخت دولنریله تکلیف اولندقده ضعف و ذبول پیری ایله اعتذار و استعفا  
 ایدوب نوبتین مختلقتین ده ساحة دار السلامه هجوم حوادث فرجه ایله مانند قیامتگاه اولمشیکن  
 به بفضل الله تعالی و عونیه دائره عیش فقرانی کرد کدر دوران اولوب اول قطب مدار تحسین و مرکز  
 میدان تمکین دخی ثابت قدم حق الوسط حیطه پرکار رقتار دلنشین و مشارب نصف آئینده صدر قبول  
 رهین اولمشدر (رباعی) حضرت عطار فرموده است \* هر جا که زحق حمایتی افتاده است \*  
 در هر دو جهان عنایتی افتاده است \* هر ر و ح که هم ولایتی افتاده است \* در عالمی نهایتی  
 افتاده است \* و بعد الفتح و التسخیر به کافی القديم ملک عراق نظام باب التحاق دولت عثمانیه و دار  
 السلام مقر سجدات اهل سنت و الجماعة اولوب کاینیغی امواج ملاحم بی کشمکش تلاطم و هر کس  
 آسوده حال و فارغ البال سایه معدلت شهنشاهی اولدقده بعد ازین خدمت مائتامت و هنسکام  
 عزیمت دارالسلام است دیوسده سعادت خنکارا کبر قدس سره الانوره ارسال نامه استعفا ایدوب  
 کندولر کافی الاول کوشه قناعت توشه لرینه خزیده اولدقده آستانه کروی آشیانه حضرت پیر قدس  
 سره المنیر دن خلیفه و رودنده پدرود خانقاه عالم صورت ایدوب حتی صلات جنازه مر حومه لرینه  
 جانشینلری امامت ایدوب پهلوی مر اقدم مشایخ سلفده خوایسده و حدتخانه فنا اولدیغی صورت  
 محبیه کرامت آخیرینلری اولدیغی مسلم عیار شناسان احوال مردان خدا اولمشدر و قبیل  
 اختصار لریده \* (رباعی) \* خلقی که درین جهان پدیدار شدند \* در خال بعاقبت گرفتار شدند \*  
 چندین غم خود بخور که همچون من و تو \* بسیار در آمدند و بسیار شدند \* نظم لطیفه ترغم سنج  
 و داع حضار و رو بدیوار سمت قبله و آشنایان ارواحه در بجه کشای توجه اولوب و روی همدمان  
 عالمی نیاه سد باب التفات ایدوب یکدمه شتابان حرمسرای بقا اولمشدر در نظر الله تعالی حدائق  
 حسناته محبوب نسائم عنایانه آسین بجرمه مغفر الانیاء والمرسلین \* (حضرت مصطفی دوده) \* ولایت  
 روم ابلی یکی شهری فراسیدن و اولاد فقرای صوفیه دن اولوب لکن سائق سودای بی سود کندوبی  
 برزخ انساب و زرای عصره القای ایدوب دائره خدمتده ترقی باب و مترقب حسن مکافات خدمت ایکن

حضرت مصطفی دوده  
 در خال بعاقبت گرفتار شدند

ولی التبعی ناکه ترک بار و بنسگاه و پور باط دو در دن ناچار مسارت رحلت ایتسبیه متأثر و متغیر اولوب  
 بالطوع والاختیار در که ولی التبع عالمه انساب صد دنده ترک ماملک ایله حضرت چلبی ابو بکر افندی  
 جناب ولایت مابلرینک دامن خدمت شریفه لینه نشب ایدوب هنوز تسلی باب سلوک اولدی چلبی  
 مشار الیه یگانه مدفوع خانقاه باب جدید اولد قده سر کردن تیه حسرت و حیرت اولوب چاره جوی  
 شش جهت و جست و جوی مربی کاملده شمسیر ساق اقدام اقدام اوزره ایکن در یچنه خیال دن  
 رونمای آشنائی و روی جان مستهانده در کشای مهر بانی اولوب مقرر خلافت خلفلری اولان بقعه  
 مبارکه حضرت سلطان دیوانی قدس سره انورانی طرفنه توجیه وجه عزیمت و اول مهبط انوارده  
 اقامت مقام خدمتیه تنبیه و تائید بیورمرلری باعث آرام دل پرشور لری اولوب حسب الامر صوب  
 مأموره هزار صدق و اخلاصه واصل و هر محقوله کرم و لطفه منظر اولد یسه اول آستانه شمسیر غ ولایت  
 لانه ده نائل اولشد در که بیان اولتور \* (نظم) \* عاشقانی کز درون خانه اند \* شمع روی یار راپروانه اند \*  
 کار او دارد که شد حقیر امرید \* بهر کار اوزر هر کاری برید \* جذب آبت این عطش در جان ما \*  
 ما از ان او و او هم آن ما \* حکمت حق در قضا و قدر \* کز دمار عاشقان همدگر \* (مروسته که) \*  
 اول قیس بادیه صدق و اخلاص در که عنایت دستکاه حضرت نحر الرجال و ذخرا لایده روز و شب  
 خزانه و سع و طاقین خیر خیر خدمت اخوان طریقت ایدوب درون همت مشکو ننده دغدغه فرسا  
 اولان طلب علم کند و بی هر استاده شاگرد ایدوب لکن بلاد طبعی هم اسانده به مقابله ایتکاه  
 سعی بسیار له حاصل اند که دخی مالک اوله میوب صبح و مسا غنیه علیای تربیه منوره حضرت سلطان  
 دیوانی قدس سره انورانی بهر و مال و جسم و ساری و نالان و کران اولمی و طیفه لازمه ایدوب نیاز مند  
 قوائد علمیه اولد یغی اصحاب خالده سر نیزان در که هر قوم اولان کلام دهده حضرت نرینک عرق شفقت  
 مردانه لری بنیان ایدوب سر بر آور و مثال که صدق تو استاد زنده نفس را از بغداد می آورد دم  
 مکاشفه تو املری صد انجیم کمال زاده شیخ ابو بکر افندی مشیخت خانقاه بغداد دن استعنا ایلر و مه  
 قدوم بیور دقلرنده آستانه حضرت خنکسار اکبر قدس سره الازهر ده چند ماهه منتر وی اولمی و سکاکی  
 زیر سایه قبه خضرائی جان در دمنده سرمایه آسایش و وجهانی عدا نش ایکن ناکه سبقت اشارت  
 روحانیه ایل چلبی عارف کوچک ثوبت سعادت لرنده مشیخت آستانه حضرت سلطان دیوانی قدس سره  
 انورانی ارزانی کور یلوب چراغ خاص لری و مقام مخصوص قدیم لرنده جانشین لری اولق اوزره اول  
 بقعه رفوچه شرفیاب و وصول اولنجه در دمنده قومک فرق فقیرانه سنه سایه همت کس ترا اولوب  
 برکات حسن نظر استاد عیسی دمله مانند عظم ریم اولان وجود نائی فیض پذیر نعلیم و زمان سپرده  
 نائل حیات طیبه علم و عرفانی و قابل ربه رفیع مشیخت آستانه نائی اولوب بعد وفات الاستاذ خاف  
 الخیر لری بلکه حسن سلوک و اوضاع پسندیده ایل زیده مشایخ عصر لری اولشد \* (نظم) \*  
 علم چون آموخت سکرست از ضلال \* میکنند در پیشها صید حلال \* علم در یابست بی حد و کار \*  
 طالب علمست غواص بکار \* خاتم ملک سلیمانست علم \* جمله عالم صورت و جانست علم \* (منقول است که) \*  
 اول بهره مند خدمت مردان خدام حومه و مغفوره لها حاجه فاطمه خانم حضرت نرینک عودت زیارت  
 بیت الحرام لرنده مع الاخوان و الاخلاص استقبال طریقه ایل جانب آستانه سعادت نه راهی اولد قلرنده  
 یوقیر بر تقصیر دخی رفیق لری اولوب قافله مستقیدین مدینه اقمهره واصل اولد قده اخبار هائله قطاع  
 الطریق سدره جرات مرور اولوب احصار و منزل مر قومه انتظار حجاجه قرار اقتضا ایتکاه  
 و حال سفر فقیر مشکل و عسیر اولمغین نه امکان قرار و نه یارای انتظار و نه حرکت تجاوز محل انحصاره

اقتدار آخر الامر طرف استخاره به صرف افکار ایدوب دائرة خیال بدن عزیز مومی الیه روغای  
منظرة تسلیمت اولوب بر خیز برویم که تا بمنزل مقصود هیچ سبک راه سلامت نیست عنوانیه تقوی بنجش  
اولم یله علی السحر فقیر دخی همراهی یزایله حرکتیه شروع ایلدیکم زده علی سبیل التغافل پرشش  
سبب جرأت حرکت ایله شیوه تسترغا اولوب مانیز از رفاقت شما تخلف نمایم فحوا سنجه حرکت  
یوروب و دقایق احوال لرینه واقف و اصالت لرینه واثق اولنلر دخی مانند سایه پیر ولی اولوب فی الواقع  
دارالولایه قونییه حیت عن البلیه در واز سینه و از نجه فرد و احده دوچار اولیوب سلامت ایله مغتنم  
اولدیمده نباهه شان و جلالت مکانلری لدی الفقیر دخی بی شائبه اشتباه اولمغله خشونت طبعیت  
از میریه و رعونت نخوت دانشوری زوال پذیر و طرف طرق علمیه اولیای کرامه میل و محبت انبعاثیه  
باعث الخیر و بادئ البرکه اولمشلردر \* (تنظیم) \* این هوارانش کنند اندر جهان \* هیچ چیزی همجو  
سایه هم رهان \* کرسقرداری برین یت برو \* ورحضر باشد ازین غافل مشو \* قصد کنجی کن  
واین سود و زیان \* در تبیع آید تو آفر عر دان \* گفت حق اندر سفر هر جا روی \* باید اول طالب  
مردی شوی \* هین غذای دل بده از هم دلی \* رو بجو اقبال را از مقبلی \* حق زهر چیزی جو  
زوجین آفرید \* پس نتایج شذو جمعیت پدید \* سوی این مرغایان رو و روز چند \* تا تراد آب  
حیوانی کشتند \* (مرو بستکه) \* اول سر و سر بلند بوستان توکل و تمکین همیشه بهار و سر سبز  
فیض حضرت ذوالقوة المتین اولوب ابتدای سلوک کنند انتمای حالت دکن قلیل و کثیر فوج ایواب  
الغیب اولان نقد و جنسی من غیر ادخار الدائق خرج راه صدق محبت و خلوص خدمت فقر ایدوب فقره  
بود و نبود و هیلب دائرة جمعیت خاطر تقویض متأثر لری دکل ایکن اواسط ثوبت مشیختلریده من قدیم  
الایام بشو بخوانان آستانه ملائک آسمانه مرقومه و طیفه معنیه سی اولان عشره کامله به نقصان  
انقطاع طاری اولمغله لا عن انفعال الفوت بلکه اول صدقه جاریه منبع بیت المالی و مانلریده منقطع  
اولوبینه کافی الاوائل اجر استمه هم تنده قصوری اخلاق ضعاف القلوبه مقدمه اضطراب معاش  
و ثوبت لرینه تشامی مورث تلاش عدا ایدوب داعیه درون حیت مشغول لری کند و لری صد دطلب ابقای  
وظیفه مرقومه ده جانب دارالدوله به سوق ایدوب زریل خانقاه باب جدید اولدقلرنده انتشار فواج  
مسکینه اذ کوجمله لری از دل و جان مشتاق دم و دیدار لری اولان اخوان و خلان جوق جوق نشسته یاب  
جام محبت حکمت مدار لری و پیر و جوان و جال دولت فوج جافوج مستفید فوائده موائد انقاس نقیسه  
و انتظار حسنه و هم سامیه لری اولوب بالاتفاق ساکن بلده طیه دولت اولوب سالکین و طالبنه  
تعلیم و ارشاد لریدن طیفیل مریدین و محبین اولان و فود و عهوده دخی شمول عوائد فاضله ذاتلری  
و جاسمیه الحاح و اقتراح نما اولدقلرنده مرده نو زید کی یاب رادوری سر چشمه حیات مشکل است  
عنوانیه حسن اعتدال فرما اولوب لکن سبب توجه سمت دولتلری تحسین اولند بقیه طاهر اقدار آن  
سایه خورشید سایه را ندانستیم و خدمات مشکوره شکرش بجای نیاوردیم و بیان کفران بیادیه  
هجیران فتادیم مضمون هضم و انکسار معجوبه برعکس روی کار و چار خانقاه مولوی تردد نه بر کار  
بای اخلاص تخصیص کردار لری برقرار کف قنار اولوب و کوشه حجره ریاضت توشه لریده کیفیت  
خورد و خواب لری و چگونه سی حال روز و شب لری فرد و احد ک معلومی اولیوب و مدت مدیده  
مکمل لریدن استسمام پوی مدعا اولمغله هر کس مشغول کلمات تخمینیه ایکن مکر تبه نیه و تشدید  
مهییب مثال مقدس حضرت سلطان دیوانی قدس سره النور انسدن و زیر قاطع الارزاق و مری وانی  
زراق ما و الذکر متأثر ناچار اولمغله و طیفه مقطوعه مرقومه ناک ابقاسنی حاوی برات ایله بعض ملایم

طباع مشایخ هدا یا رسال ایدوب سر سر هنسکان دیوان معدلت ارکات عثمانی دخی تعیین خدمت  
عذر خواهی و دعوت **اکرامات** گاهی سیاقند شرفیاب دستبوسلری اولنجه برات مزبوری قبول  
وماعدانی رذیورملری معلوم مشیر مشنوم اولدقده کند وره و طائف زانده عرضیه استدعا یلد کده  
زواند و طائف ابوانی باید داد و دوعانیزاز و باید خواست عنوان تعریض بنیایله دفع سیورملری عقیمنده  
کادکری کبی **ناکاهی** متوجه سده سعادت جناب نخر الابدال و ذخرا لجال اولوب قطعا رغبات  
اساطین دولته التفات سیور میوب و بهر سینه وظیفه مر قومه بتمامها رسیدنه پیشگاه قناعت وایشار  
دستگاهلری اولنجه عین الجمع درویشان دیک جوشندن زاننی مستحقینه انفاق عادت مستمره  
و حسته مستحقینه لری اولدیقی بالغ درجه تعیین اولشدر و زمان نسکبتنده چند ماهه درگاه اولیاده  
ثقلت عظیمه سن تحمیل سیور دقلری قونوره اسحق نام مقرب وزیر منکوس و تدبیر منکوس نخوت  
ز کانه سیدله طرفه مرا جعت و تردد اولمد یغندن خدمت تفقد حال لریده تغافل و تکاسل ایله رعایت  
حقوق سابقه ده معامله تهاون ایتملری سوابق احوال معلوملری اولان احباب آسانیه علی سبیل  
التعجب مذکور حضور فائض التورلری اولدقده همزه نام آن هما ز برداشتند و نامش درهاون تهاون  
سحق شد **نکته** بر غیر تلمری علی الفور جلوه کر میدان حوادث و بیوفای مر قوم چو کان دفع مخدومیه  
دائرة دار الدوله دن طرد و ابعاد و خلاصه کونا کون حوادث اهانته مدفوع جزا تر سوء الجزا و امثاله  
ماده اعتبار عقوبت و حقوق و اسمی کبی جسمی دخی زیر آسپاسنک نسکبتده مسکوق اولشدر **(نظم)** \*  
آنچه منصب میکنند با جاهلان \* از فضیحت کی کند صد ارسلان \* آن خد او ندیکه در دیده بود \* بی دل  
و بی جان و بی دیده بود \* آن خد او ندیکه داد نیت عوام \* باز بستانند از تو همچو و ام \* ده خد او ندی عاریت  
بحق \* ناخذ او ندیت بخشش متفق \* مهتری تفتست و آتش ای غوی \* ای برادر چون برادر میروی \*  
هر چه او هموار باشد باز من \* تیرهارا کی هدف کرد دبین \* هر کجا خواهد خد اوزخ کند \* اوج را  
بر مرغ دام و فتح کند \* از منی بودی منی را واکندار \* ای ایاز آن پوستین را یاددار \* کر مکی و از قدر اکنده  
طمطراقی در جهان افکند \* بباد را بشکن که بس فتنه است باد \* پیش از آن کت بشکند او همچو  
عادی عادر آن باد زاستکار بود \* بار خود بنداشتند اغیار بود \* مال چون مار است و آن جاه ازدها \*  
سایه مردان ز مردان و را \* **(منقولستکه)** \* اول پیر خاتقاه ادب و جوان طی راه طلب نقد  
عمر عزیز و بضاعه و وسع و همملری من الاول الی الآخر وقف میدان خدمت مردان و صرف راه  
مواسات و فوازش اخوان و خسلان اولغله نهایت شیخوختلریده دخی ملک که راسخه قدیمه لری ز و را ور  
دست و پای جنبش مردانه لری اولوب همیشه کفش گردانی و جار و بکشی و هیزم شکنی مانند خدمت  
نازله دن ذوقیاب اولملری دخیل حلقه صحبتلری اولان فوئسازان طریقت علییه نل بهره مند تقلیدلری  
اولغله وصول منازل تحقیقلرینه باعث اولوب هر قنده بر موع خدمت پر حرمت اخوان و خرقة پوش  
ادب مردان کور لسه از کلهای آن کابن است عنوان اشارت اقتراسله تحسین اولتمق **کک** و یازمان  
سعادت لریده ذات ستوده صفاتلری رایت افراز حسن تربیه و صاحب تنیه مؤثر اولدقلرینه شم و دعدول  
ایکن مانند حسن کشتی بر مزور بر تلپیس سوء قصد افساد عقیده نظر کرده لری ایله آب زیرگاه تسویلاته  
شروع ایلدیک مرآت فراستلریده و مرصا دحراستلریده نمایان اولش میکن بنه ستر و صفیلری قلوب  
صادقنده محمل معانی و اهیله اولدیقی نیازمندان دفع غائله سی اولنلر لسانیه معروض سامعه ها تف  
غیب آشنالری اولدقده روپوش کار مکاشفه سیاقنده شنیده ام سپیده دم یکی میگوید که آن نیز خرس تهی  
میراند نفس رعن آهیلری هفت روزه منصبه پیرای بروز اولوب مقصد مر قومه مقلدلری همچو م ایدوب

ضرب شدید ایله سر باو طرد آستانه اولیا ایلد کلمی عقینده هر کس تدارک مافاته مشغول وره زنانه  
 بدرقه نمادن توفی اوز ره پیاخته میدان جل تنانه و مال استغفار اولند قدده \* (نظم) \* کارکن در کار که  
 باشد نهان \* تو برودر کار که بینش عیان \* کار که چون چاره باش عامل است \* آنکه بیرونست از وی  
 غافل است \* کار که چون جای روشن دید کیست \* نس برون کار که پوشید کیست \* ایسات شریفه سن  
 کشف و ایضاح بیوروب (ان ربك لبالمصاد) آیه کریمه سن تفسیر له سلاک طرق علیه نل برکات تقلید  
 ابرار له ره زنانه ظاهره و باطنه دن محروس و محفوظ اولد قلین تحقیق ور و حایات پیشقدمان و عنایات  
 اکاهان همعصران و رای پرده صورتده منتظر و مترصد آمد ادو حمایه اولد قلین ایراده جمله به بند  
 دلند بیوروب دائره ارادت لری کافی السابق مراعات آداب شریعت و طریقت ایله مال مال ولوث  
 تسویل مبتدع مد مردن بنده لری مطهر الاذیال اولمشدر حتی جکر کوشه لری و خلاف الخیر لری  
 شیخ ابو بکر افند بنک استادی سلوک و عنفوان شبانی اولمغه وضع و طور بدن استشمام بود کئی افساد  
 مردود مرقوم اتمکاه بوجه من الوجوه شفاعت قدمای فقر احیز رس قبول اولمیوب سیاحت امر ایله  
 تأدیب بیوروب فی الحقیقه کربت غربت و شدت اسفار له تربیت یاب و پویه فقر و فناده قال و صاحب  
 حال اولمشدر که از باب نظم سال خلافت لریدن درویش احمد ثانی رحمة الله علیه \* مسلد ر خلافت  
 مصطفی ناد نصرکه بو بکره \* مصرع برجسته سنک مضمون لطافت مشکونله تاریخ مشختلرین توشیح  
 ایشلردر و بفضل الله تعالی انلرکدخی زمان مشختلرینده یدر والا که لری توفیقی کبی اول درگاه سعادت  
 دستکاه جلوه گاه عاشقین صادقین و نیچه دردمندانلر بخوردار صناعت تصوف و تعرف اولسنه مجلا  
 و محل ارشاد اهل ولا اولمشدر همیشه همچنان بادابد الابد بالنبی و آله الامجاد و صحبه الاسعاده \* و دخی  
 بالذفعات غلبه ضعف پیری و استیلا ی بعض عوارض بدنیسه ایله اهل و عیالی حیاتیدن مأوس  
 اولد قلینده که کریمان و نالان اولسه لر شهادت خوشدارید مایساد کان بی سر و پاییم مروانی را تقدیم نکنیم  
 عنوانله تسلی بخش اولملری کما هو المر موز بعد هلاک الوانی و اعوانه شاهد سماع وصفای عاشقان مولوی  
 بنه مجلای قدیمده جلوه کر شیوه وجود و حال اولد قدده پیش ازین دوستانرادر بادیه ایدای دشمنان محزون  
 الخاطر و منه کسر البال گذاشتن و گذشتگانر رسیدن بیرونی بود فاما اکنون که بفضل الله تعالی  
 و تأییده اعز جنده و آنجز وعده و نصر عبده و هزم الاحزاب و خده حسب حال حزب اولیای کرام  
 شد و دشمنان مقهور و مدمر گشتند و دوستان ممنون و مسرور الوان کرم شدند یکدور و زدیکر بایشان  
 تلافی خمار سابقه کنیم و بحواله فریاد رسان دردمندان بسایه طوبای حقیقت برویم عنوانله  
 شادی کنان نظر کرد گانه و صایای نافع بیوروب و حدتخانه لینه پای بیدای ادب پیمالریله دخول  
 بیوروب و زسیومده دست اخوان اوز ره خروج و تحت روان نابویه سوار اولوب روضه جنان  
 اولان مشهد منور لینه نزول ایدوب الی انقراض الدوران پیشگاه میدان جل تنانده نظرگاه اخوان  
 و خلان و همملوی مرشد مکملری و فی الصبح و المسامظهر خیر دعا اولمشلردر نور مرقد و قدس سره  
 آمین یا مجیب الداعین \* (حضرت حسن دده) \* انقروی المولد و اقر بای حضرت رسوخی دده دن  
 سالک طریقه علیه بیرامیه اولوب تکمیل رسوم جلیله طریقه مر قومه ایله مستعد مقام خلافت ایکن  
 ناکاه و رای پرده خیالندن جاذبه ازلیه سلسله جنان انجذاب اولوب عالم مثالده پیران مولوی مجلسنه  
 حاضر و عیش خوشلرینه ناظر ایکن کند ویده دخی برجام سرشار احسان و اناله اولنوب نوش ایدنجه غلبه  
 شور خنده محبت خوشحال و رقص اوندی بر کیم لدنی تربیب التحاق حزب خد اوند کاری ایله  
 تعبیر اولمغه آستانه سعادت شایان و دائره مطمح تربیه نوسازانه دخیل اولوب بعد از بعین الخدمه

حضرت حسن دده

حضرت جللی حسین پیر نور مکاشفه لریله کیفیت کمال حال لری هویدا و سکه دار و خرجه پوش طریقه  
 علمیه مولویه اولوب اناله اولسان جام رحیق قدس نظر خلافت ابتهاج نائل و وطن شریف لری اولان  
 انقره خانقاهنه شیخ کامل و مرشد مکمل اولمشدر کزمان مشیخ لرنده خانقاه مرقوم دارالتحصیل  
 ادب درس و نفس و مجمع البحار علوم و اعمال و اخلاق نافع و کویا وجود فائز خود لری خضر وقت  
 اولوب بعض تربیت کرده لری مظهر مبایم علم و زهد و ورع لری و بعض نظر کرده لری مجلای معرفت  
 و عشق و فنالری و افراده معدوده دخی جامع جمله وجوه کمال صوری و معنوی لری و خلیفه و وارث سهم  
 اکثر لری اولوب هر بری بقاع مبارکه طریقه فقه علم افزا نثر اشرا حیا ی سنن انبیا و اولیا صلوات الرحمن  
 علیهم و تحیات المنان لهم و آلهم اجمعین و سر در صفوف غالبه میدان جهاد اکبر اولوب و از منته اختلال  
 رهزنان سلوک متصوفه رهبر و فریادرس اهل صدق و اخلاص اراده و راهداران عقبات لازمه  
 الحراسه اولمشدر در کثر الله تعالی من امثالهم و نضر حدائق احوالهم آمین بحرمه من له الشفاعة  
 العظمی فی یرم الدین \* (مرویستکه) \* اول در یادل و عنقا منزل عشق و ورع و علم و عمل و زهد و خلق  
 حسن عفا قیر قدسیه سندن معجون مفرح الذات و مفرح الصفات اولغله زمان لرنده ادعای قلندریت  
 اوزره اختیار بطالت و استکفای عرفان مقامات ایدنلرک حواصل ادراکاتی و احاطه نهایت سیر  
 و سلوک لرنده عاجز و قاصر اولوب بعض مرتبه طرف باهر الشرف لرنده احداث طریقت مجدده و القای  
 تفرقه بین الاخوان و الاحیاء خرد هسن حاوی حرف انداز و کج نسگاه امتیاز اولدقده رفتار بنده بزهش  
 و ورع پیرامیه و وجد و معرفت مولویه آمیخته اند چنانکه سیکد بکر ظاهر و باطن کشتند که از هر دو  
 ناکزیر است حسب حال تحقیق و ارشاد مآل لریله جواب باصواب فرما اولوب روش مرقوم اوزره  
 ثابت قدم همت و کویور و جاده ریاضات و مجاهدات به رخصت ده راه دایره خاصه لری اولوب  
 نویسانانی و سواس ابالسئ انسیه دن کمال محافظه اوزره تربیه و تنبیه بدل خزانه وسع قطبانه ایدوب  
 اکثری وصول منزله و لا تله مستعد اولمشدر در لله دره و علیه اجره و لظالبین اقتفاء اثره \* (ودخی) \*  
 بعض عرفای مأمون الغافل و اخر عمر نازین لرنده رفیق مطیة نفس منزل و سلسله شفتت  
 آمیز سوق سمت تسیر و تسهیل ایلد کار نجه این فقیر بر تقصیر ضابطه توسن نفس اینچنین یافته است فاما  
 نفوس زکیه اخوان الصفا سلمیه و راست احتیاج بدو شاخه حله و ریاضت ندارند غوای بر جد و اسیمه  
 تمسک و تخری بیور و بجملة اوقات شریفه لری صلوات و صیام و قیام واذکار اسماء حسنی  
 و تکرار اوراد ما ثوره ایلد گذر ایدوب ظاهر تقوی و باطن عشق مولای شهید و شپیر آمیزده حسن  
 تدبیر و لطف سلوک لری پسندیده ارباب نظر و تحسین کرده احکام اثر اولغله الی یومنا هذا متانیت  
 ر و شلری بین افضل الایهالی کرامه واحده مساویه الالوف عد اولتمق اوزره قرار داده قدر شناسان  
 و انصاف مناندر حتی کرامت جوان ظاهر پرستانه کرامت الایثار و الانتهاء و اما الخوارق  
 فاز ستمایند من قال (ولقد کرمنا بی آدم) عنوان حقیقت نبیانه مقابله نفس الامریه بیور مشلر و وجه  
 مشروح اوزره منشرح الصدر و صافی الوقت دادده خدمات مناسبه مقام عالی ششیخت اولوب  
 یونساله تسکیمیل ریاضات فنا ایلد حله وحدت کون خلوتخانه بقا اولمشدر در طیب الله تعالی  
 عیش و روحه بقو ح و روحه و نعم جسمه بجسم عیمه آمین بحرمه سرامینه و نفعنا و کافه الطالبین ببرکات  
 شفا عازله الحسنة فی الدنا و الآخرة \* (حضرت یوسف دهده) \* خالک بالک ایدوب و خاندان نعمت فراواندن  
 بر هر سندی کیرم رفتار اولوب علی الخصوص اصناف خط و ادوار موسیقیه مهارت نامه سی اولغله  
 قسرای مولویه ایلد ایف و انس و فی نوازیده دخی مشهور و فائق الاقران و مجمع همایون سلطان مراده

صیت کمال ذاتی کما هو الواقع رسیده اولمغله با فرمان ملحق خدام سرای عامره اولوب لطف خدمت  
 وحسن سلو که زمان بسیرده فائز رتبه صاحب شهر یاری ومظهر عواطف کثیره خسروانی اولوب  
 انشای فتح بغدادده اولان سرورنا محصوره شکرانه بعض مقربین چراغ دولت افرو زاو لده قلنده  
 بونلره دخی دخلوا هلری عرضحال اولمق امر اولمغله اختیار فقر وفنا ایلله وانضمام زمره درویشانله  
 ضعیف ومساعدات ودوام دولت پادشاهیده اولمیرینه مساعدت هما یون رجاسنه رفیع ترجه  
 مافی الضمیر ایلد کلرنده طور عجیب اسکیزلری بوجه من الوجوه انکسار خاطر لرینه محمول و وزارت  
 ومنصب مصر له جبر وفوازش مراد اولندقدقه امید این بنده کینه آست که حضرت شهنشاه عالمنا هرا  
 در کوشه فقر وفنا بی رب و ریاداعی صبح ومسابا شمه نه انکه بوز رمظالم سبب نفرین خاص وعام شوم  
 مضمون کریمه وزاری مقرونیه نیاز مند عفو جرعه خلاف رای پادشاهی اولوب توفیق الهادی  
 المتعال نائل مرام حسرت الوزرا وسالک طریقه مولانا من کل الجهات اعلانا ومن جملة السموت  
 اولانا اولوب آخر الامر دولت روحانیه خنکرا کبر قدس سره الازهرده حائز نایه رفیعته خلافت  
 و خانقاه بشکطاشده مسند آرای مشیخت و چراغ افرو خسته نور ولایت ومجلس افرو زکرامت  
 اولمشدر \* (نظم) \* احقان سرور شدستندوزیم \* عاقلان سرها کشیده در کلم \* چونکه  
 زاغان خیمه برکشن زدند \* بلبلان خاموش شدند و تن زدند \* مال چون مار است ومنصب ازدها \*  
 سایه مردان زمره ددان ورا \* آنچه منصب میکند با جاهلان \* از قضیحت کی کند صد ارسلان \*  
 آن خداوندی که دادندت عوام \* باز بستانند از تو همچو عوام \* ده خداوندی عاریت بحق \*  
 تا خداوندیت بخشد متقی \* بار خود بر کس منم بر خویش نه \* سرور را کم طلب درویش نه \*  
 گفت شاهی شیخ را اندر سخن \* چیزی از بخشش زمین درخواست کن \* گفت ای شه شرم ناید  
 هر ترا \* کین چنین کوی مرا زین بر ترا \* من دو بنده دارم و ایشان حقیر \* وان دو بر تو جا کلند  
 وامیر \* گفت شه آن دو چیه اند این زلفت \* گفت آن یک خشم و دیگر شهوتست \* شاه آن دان  
 کوز شاهی فارغست \* بی مهر و خورشید نورش باز غمت \* مخزن آن دارد که مخزن ذات اوست \*  
 هستی ان دارد که با هستی عدوست \* دو جهان باز کونه این بسیت \* در نظر شان کوهی کم  
 از خسیست \* (منقول است که) \* اول کان طرافت مسند زب صیت سهر یاری اولدقدقه کاه و بیگاه  
 مجلس خاص خلوتخانه عیش نشاط و کامرانی عقد اولنوب خواص مقربین و ندمای عارفین ایلله صحبت  
 دلپذیر و الفت جان پر و ریور لدیغی خلافتده زبان بدله کوی نفس ناطقه حقایق جوئی پردهای شاه  
 منصور و داو رزهره آهنگدن سامه پیرای ملازمان حضور هما یون اولد یغندن پادشاه شهادت  
 بارگاه و کشورستان بسالت دستکاه علی طریق المطایبه باشرت این اغائی حرمت معانی خلاف رفتار  
 بالک کرداران است عنوانیه تعریض فرما اولمیرینه اگر این نفایس موسیقیه هخنانکه بر معتقد او هام  
 کشفه سهدلان بالایش حرمت متهم است و در واقع هم چنین باشد بحصه سببگر و جانور و شندلان  
 حرام هوایی اصابت کرده شود مشکل آن بودیکه حرام عینی اصابت کردی و از صواب محروم  
 و بحرم مجرم مصاب گشتندی و با حرام بیما بودندی و کره انقاس لطیفه قرامشکران و نعمات نفیسه  
 مطربان جلاء القلوب عاشقان و صفاء الارواح عارفان و راحة الاشباح دردمندان و نسایم کردکدر  
 و غبار انکسار ران خواطر فوار مستمند است پس این چنین خدمت زیبا و قربت رعنا بدست  
 کدام بی سرو پایسر کرد دعنوان حقیقت نبیانه مقابله مجادلنا کنجا و حضرت مولانا و مولی  
 العاشقین و مربی الطالبین و مرشد السالکین قدس سره المبین جناب ولایت مآسک بوغزل



بی بدترین انشاد و حاوی اولدینی مبنای طرب روحانی انسکیز لر یله استدلال بیور مشلدرد که آن حضرت  
 معدن حکمت متین فرموده است و الحق الحق أن يتبع و اوفق ان يتفجع \* (نظم) \* بشنوازی چون  
 حکایت میکند \* از جلد اینها شکایت میکنند \* بشنوتوزنی چها میگوید \* اسرار نهفت کبریا  
 میگوید (آن غزل زیبای دعا احتوا نیست) خدا یا مطربانرا انسکین ده \* برای ضرب دست آهین ده \*  
 چو دست و پای وقف عشق کردند \* تو همشان دست و پای آهین ده \* چوپر کردند گوش مازی بیغام \* توشان  
 صد چشم و بخت شاه بین ده \* کبوتر وارانالاند در عشق \* توشان از لطف خود برج حصین ده \*  
 ز مدح و آفرینت هوشهارا \* چه خوش کردند همشان آفرین ده \* جگرهارا از نغمه آب دادند \*  
 ز کوثرشان تو هم ماء معین ده \* خمس کردم کریم حاجت نیست \* که گویندت چنان بخش  
 و چنین ده (هچنان میفرماید) مطربا اسرار مارا باز کو \* قصه های جان فزا باز کو \* مآدهن  
 بر بسته ایم امروز و \* توحیدت خوش لقار باز کو \* روزن انا فتحنابر کشا \* حسب حال  
 عاشقان را باز کو \* و درین باب آثار کبار فی شمار است سعادت دارین بهره گوش هوش دار است  
 السعید یکفیه الخیر و الشقی یمرده النظر فسیحان خالق المارد فی صورة البشر \* (مرویسکه) \*  
 اول سر و سر بلند بوستان استقامت کند و سعادتخانه مور و ثلریده بعد استعفاى خدمه السلطان  
 اختیار عزت و التزام طاعت ایدوب حسن حال فراغت مآلاری حسین افندی حضر تری محاسن  
 عالیله لنده مد کور اولدیه غیابه باعث دعای خیر و جالب عین همت علیه لری اولمشیکن وقتا که چلبی  
 مشار الیه مدعو او محترم مدار الدوله استانبوله تشریف بیورد قلمزده حضور فائض النور لر لنده مشاهده  
 اولنان ادب و خدمت لری سبب ربط قلب شریقلری و بادی توجه غوثانه لری و مقدمه مساعده دخول  
 دائره محرمه لری اولغله خلافت خانقاه مرقوم کنند ولره از زانی بیور لندقه بعض ناخجته ~~مکان~~  
 طریقتدن حق عزیز مشار الیه مدار و سایه پرور و منعم و متعم اولترین ایراده عدم استحقاق صدر  
 خلافت لری اشعاره جرأت ایدن بی شعورانه خدمه الملوك نصف السلوك \* (بیت) \* چیست دنیا  
 از خدا غافل بدن \* فی قشاش و بفره و فرزندوزن \* مضمون ثبوت مقرر و سببه جواب ده حاسم عروق  
 اشکال اولوب اگر طریقه استحقاق خلافت خدمت است مانیز اورا خادم الفقرا کردیم امید است  
 ببرکات خلوص و استقامت خادم خودم گردد عنوان همت بنیائیه تأیید و تأکید بیورد قلمزده کاشکار  
 قدس سره العزیز جلوه کمنصه زیور و سایه کرامت مایه لری ملاذ اخوان و خیلان و ملتحمای سر  
 افزازان زمان و نفس عالی و نظر سامی لری جز امان حوادث دوران و ملوان و وقت شریقلری عید  
 و قدر سرور و فیضی کران اولمشدر و اندرون همانونده کند ولرا یله همسر و چراغ افر و ختمه عالمهفت  
 خسر و اند اولملر بعد زمان کمر بندان خدمات اخلاص لری اولان ارباب اقباله همیا اوله میوب جمعیت  
 صفای وقت بی کدر لری و شیوع مناقب نفیسه و شمول تسخیر قلوب اهل اقبال و قبول کمال اجلال لری  
 رشک آور امثال و اقران اولمشدر ادام الله تعالی شرف امثاله و رفع شان اقرانه الی انقراض الزمان  
 بحرمة الشفیع المبعوث من بنی عدنان \* (نظم) \* تا توانی ای پسر خدمت کزین \* تار و داسب مرادت  
 زیر زین \* بنده چون خدمت مردان کند \* خدمت او کند کردان کند \* بهر خدمت هر که  
 بر بندد دیمان \* باشد از آفات دنیا در امان \* هر که پیش مقبلان خدمت کند \* از دیش باد دولت  
 و حرمت کند \* خادمان باشند او را شفیع \* جای ایشان در جهان باشد رفیع \* بهر خدمت  
 هر که بر بندد کمر \* از درخت معرفت باید غر \* و مسند ارقاع شان مشیخته شیوه نمای خدمت  
 درویشی اولملری کند رقاب قدر شناسان اولغله خواص و مقربین شهر یاری عرقه کش



مختلری اولد یغندن ماعد اخوا هر زاده لری حسن افندی حضرت تلی طریقه علمای عثمانیه ده  
 احراز بایه رفعت ایتمشکن ربوده حسن سلوک ملوکانه لری و خرجه پوش اراد تلی اولوب آخر الامر  
 میان اتمالری ایله انلردخی سر بلند کلاه سعادت دستگاه خلافت و جانشینلری اولشد \* (ودخی) \*  
 عادت حسنه لری استعمال طیب هر دم و سن حضرت حبیب اکرم اوزره اولوب علی الخصوص قبیل  
 المقابله تطیلری ساحه سماعنه فی فوایح مسکینه باطنه لری کبی ربوی خوش و دماغ حضاری معطر  
 فوایح طیه ظاهره ایتلری بد مشامان بینی گانه کران نما اولوب بردان اعتیاد زان نشاید مضمون غفلت  
 مشخونه خرده کیر اولدقلرین مقابله شریفه ده حبیب الی من دنیا کم ثلاث الطیب والنساء و قرة عینی  
 فی الصلاة حدیث شریفین سر سخن صد در مد دیور و ب جمله اسئله مقدره اهل عذر و قدره پاسخ راسخ  
 فرما اولدقلری خلا ننده این خواص لطیفه مشک و عنبر و عود و کلاب که از مقولات کالات حیوانیه  
 و نباتیه ایست افسوس و حیف که اخص خواص ممکات که انسانست بد و نداده اند و با آن حرمان بکنند  
 نفسانیات و نیت بشریات مختن کشته است که از ظهور کثر اثرش دماغ عالمی مکدر خواهد شد عنوان  
 غیرت احتوالر یله ناز بانه زن مطایبای همم آتش عنان خادمان اولوب و مجلس معارف اشتغالرینه حبذا  
 عطریات قدسیه انفاس نفیسه پیران پیشقدمان بساط حقیقت کدر و روح و ریحان جنان جنانست هر که  
 از یاد آثار اسلاف کرام خوشدماغ گردد بدین خوشبوها تنزل نسکند و بعطر ذاتی معطر شود و از عطر  
 عرضی مستغنی باشد پس این بنده سالک منتهی مالا یدرک کاه لا یرک کاه شده است که تا خسر الظاهر  
 و الباطن نمایند نکات توره سماعلری یله نازه غزالان چین و ختن حقیقت و معرفت اولان دهن ارشاد  
 فرما ریدن نشر و وایح طیه اسرار و تطیب قلوب و تسلیه طباع بوی کیران بیور مشلدر طیب الله ثراه  
 کما طیب أعضاء آمین بجز مته من خص بجوامع الکلم فی دنیا \* (نظم) \* چون دم رحمن بود کان ازین \*  
 میرسد سوی محمد بنی دهن \* یا چوبوی احمد مرسل بود \* سکان بعاصی در شفاعت میرسد \*  
 یا چوبوی یوسف خوب لطیف \* میزند بر جان یعقوب نجیف \* چون ابو بکر از محمد بردو \* کفت هذا  
 لیس وجه کاذب \* بر خیداری سوی این باغ کام \* بوی افزون جوی و کن دفع ز کام \* تا که آن بو جاذب  
 جانت شود \* تا که آن بو نور چشمانت شود \* چشم نایب ترا بینا کند \* سینت را سینه سینا کند \*  
 بهر این بو بر دیعقوب بنی \* کفت ألقوه علی وجه ابی \* بهر این بو کفت احمد در عظات \* دائما قرة  
 عینی فی الصلاة \* (منقول است که) \* اول شمسوار میدان عفتک عنفوان شباب و هنکام غایه ارتفاع  
 آفتاب حسن روز افزوننده مانند زلیخا بر حسنائی صاحبه ثروت اسیر دام عشق و محبتی اولوب  
 دانه ریز مملک اولمغله اول نازنین آغوش عصمتی اله کمور و ب جامه خواب و صله چکد کده غلبه قوه  
 نظافت جوهر ذاتلری و استیلای دهشت خوف مؤاخذه حضرت دیان عم انعامه و جرم احسانه ایله  
 وقت نازک و صالده تدارک حمله فصلال اندوب صرع نما و تلویث فرسای فراش باتسکف اولمغله  
 دامن طهارتن جنت آلا یشدن تخلیص بیور دقلری کیفیت مر دانه لری منشأ ثناء و تحسین کار شناسان  
 انصاف اولنجه دفعه الصرع باصره فقره لطیفه سیه عند لب الهجه بر بهجه لری انجمه سنج شکران  
 توفیق اولشد \* (ودخی) \* اول عز بر مصر ولا یتک سوائق احوالده آثار عواطف خسر و یدن استغنا  
 و اختیار فقر و فنا بیور ملری مجالس آرای سنجیده و وضعان اهل تمکین اولد یغنی مرفوع پیشگاه  
 مسکنست دستگاه لری اولد قده المنة لله تعالی و تقدس این یوسف کنعان بشریت بی دغدغه مکر  
 اخوان پیش از فتادن بجاه عید و ان رهائی ز زندان انا بیت بخشیدند و سر بر عزت مصر طریقت  
 نشانند مقال معارف اشتغالر یله بیان حسب حال سلامت مال بیور مشلدر که متدار غنایت بخشیده

و نشاننده اولوب و اثنی حول و قوتی و معتد خرم و احتیاط لری اولد قلرین اشعار و تضمینده حسن  
 ارشاد و لطف تعلیم مندر جدر لله دژره و علیه آجره \* (ودخی) \* اول مجمع اسباب استفاضه معارف  
 و رسوم و خدمات طریقه غلبه مولویه دهده کمال استقصا اوز ره مولع و مقدم اولوب حتی فی نوازی  
 و قدوم و نری و آتش پری و سماع غزی و خوش سرائی و بونلر امثالی هنر لردن طهارت نامه تحصیل ایدوب وقتا  
 وقت میانه خدمه خانقا هده بکر نکاشتغال خدمات علیه اولم لری ذوقیاب اتحاد اولیان متوحشینه  
 التزام مالایلم نما اولغله خفته حمل اولندیغی جلوه کر مرآت ضمیر فراست سمیر لری اولنجه درین درگاه  
 هر کس بهانه نائل مر ام شده است نه باستحقاق پس از جمعیت بهانه هامس و سولست که یکی خطا نکند  
 و بنده را وسیله بهره یابی کردد عنوانیه نونیم از ان طریقتی وجوه توسل خدمات درگاه اولیا به ترغیب  
 و دعوی استحقاق دن ترهیب یور مشلردر فی الحقیقه عتبات علیه مردان خداده صرف تمام سرمایه  
 عمر نازنین و خرج خزانه تاب و توان و آسایش یکساعت سایه دیوار انسا بلرینه بدل استحقاق اولندیغی  
 لدی اولی الانصار کالشمس فی وسط النهار هوید اویدید اردر آدم الله تعالی فیوض ظلال حمایتهم  
 علی مفارق الفقراء و أقامهم علی أعقاب خدماتهم فی الصبح و المساء آمین بحرمه من له العز و العلا  
 و الشفاعة العظما \* (ودخی) \* زمان سعادت و نوبت خلافت لرنده بشکطاش خانقا هی مهد تریه و تنمیه  
 اطفال طریقت و مقام صفای وقت و فراغ بال ارباب وحدت و حال اولوب سی سال دادده مشیخت  
 پسندیده و کامران عیش خوش و منشأ آثار مستحسنه اولوب قیل الوفا ت حسن افندی حضر تلرین  
 ولی عهد اتخاذ ایدوب انلر مناسب اولان اشیا و کتب نفیسه لرین کند و لره هبه و سائر فقرایه ملایم  
 اولان مامله کلرین اخوان و خلایه تفریق و تقسیم و اوانی و فراش و بساط مقوله سن وقف خانقا ایدوب  
 ترک و تجرید اوز ره متبی ار تحال اولغله ملحق مخففین اولوب عقبه صعبه موت اضطراریدن سهل  
 العبور و تزیل منزل قبور و آسوده کوشه حضور و مابین البابین مدفن مشایخ اسلاف اولان مهبط  
 انوار نامحصوره عیون بنی نودن مستور اولمشلردر آثار الله تعالی شمع عربته مادامت النجوم نیره و أدار  
 الاسن بأذکاره خیره \* (حضرت حسن دده) \* ابوی المولد و خواهر زاده حضرت یوسف دده و فائز  
 خطوط علیه و داخل سلسله مدرّسین دارالدوله اولوب لیکن غلبه تقاضای جنسیت ایلر بوده علاقه  
 یوسفیه و سلسله شکر انصهار فرقه ماسوا و مختلف طریقه هوا و سلا لار اخدا و مرید خلیفه  
 حضرت مولانا من کل الوجوه اولانا اولوب برکات انتظار حسنه و میامن الطاف تربیه لر یله احراز منزل  
 عرفان ایدوب بعد انتقال المرشد مقام عالی لرینه قائم و آثار هم سامیه لر یله غائم اولمشدر \* (بیت) \*  
 کدابی عذر میخانه طرفه کسیر است \* کران عمل بکنی خالذر توانی کرد \* (ودخی) \* عزیز به مشارا لیه  
 اوائل حالنده علاقه قرابت و اعتبار کیفیات عاقبت ایلر منجذب جانب ولی حمیم و معتقد مرشد کریم لری  
 و تأثیر صحبت ابنای زمانه و تکدیر الفت بیکانه ایلر فریقه تبویلات نفسانیه و آلوده مجریات دنیوی  
 و مائل مراتب مولویت و قضا و هراسان مشاق فقر و فنا اولغله مدت مدیده صحرایم ای تردا اولوب  
 آخر الامر دستیارئ جناس ازلی فریاد رس اولوب روحانیت حضرت پیر قدس سره المنیر عالم خیال دن  
 در بجه کشای کرم آشنایی اولوب کند و بی دیده جانب لره بر روضه زیاده مشاهده ایدوب وارل دوحه  
 رعنا میاننده بر قصر عالی و در و نشند جمعیت سادات مولویه معاینه ایتمکه هر چند در بیان قصر مقدم  
 نهاده صعود اولسه مانا کاه متزلزل و لا فزان تا پایه سفلا بهبوط ایلر شرمندگی تکرار بدین و بجز ترقی  
 نمایان اولدقد درون کاخدن یوسف دده حضر تلری خروج ایدوب دستگیر لکاری ایلر نردانه صعود  
 و درون قصره دخول ایلد کده حضور سلطان العاشقین و برهان الواصلینده رو مال حاشیه بساط قصر

حضرت حسن دده

ولایتها انبها لنما و عنایت جو اولد قده این شرف ترقی فی دستگیری مربی میسر نمیشود و دست ویای  
خود بخود اینجا غیر از افت و خیز و عیا نر اید کلام ارشاد نظا ملریدن حاصل سرور و موفور له بیدار اولنجه  
انکه عیانست چه حاجت بیانست مصداقچه مستغنی تعبیر و تفسیر و خدمت شریفه و وسیله  
ترقیلرینه شتابان و سلک خدام میدان چل تنانه منتظم اولوب روز بروز از یاد صدق و اخلاص له احراز  
درجه و ولایت عهدی و حامل سر مقدسی اولمشدر \* (نظم) \* چون ز چاهی میکنی هر روز خالک \*  
عاقبت اندر رسی در آب پالک \* جمله داندان اگر تو نسکروی \* هر چه میکشیش روزی بدروی \*  
هر که رنجی دید کنی شد بدید \* هر که جدی کرد در جدی رسید \* ادخلی توفی عبادی یافتی \* ادخلی  
فی جنتی دریافتی \* اهدنا کنتی صراط المستقیم \* دست تو بگرفت بردت تانعم \* (مرویسته که) \*  
اول عنقای قاف تمکین بحسب العلم و الحسب و الاعتبار بالغ سر حد رشک و اشتیاق بنی نوع روز کاری  
ایکن البسه بدله درویشانی تلبس و خدمات شاقه فی تحمل یوروب من جمیع الجهات کرد کدر  
و انفعال پیرامن کرد مشرب دریا و سعتلری و خس و خارتلویں پرد پوش صفای آینه دل  
عالمزاری اولیوب علی الدوام پر جوش و ذوق و حال و همیشه هم از نشاط برقرار اولملری حوصله شکاف  
تعجب همکاران و همپایان اولوب کاه و یکاه مجالس انس اخوانده حسن سلو کاری یاد اولنجه البحار  
لایکدرها الاختبار فقره و جبهیزه لیلید ابتدای سلو کلرنده اولان معاینه لری کند و له سرمایه سلامت  
تلویں و اساس متانت تمکین اولدیغنه اشارت بیوروب حتی نوبت خلافتلرنده دخی کند و لولک توبه  
و ارادتلرین دستور العمل ایدوب هر نیانر مند اناته استخاره امر بیوروب موجب ترا کتب خیالیه لری  
اوز رتبه و تنبیه لریده تدقیق بیوروب (لحمه سمیرغ بصعوه مده و یار قیل جور بنه) مقتضای سیمله معامله  
محققانه بیورملری اکثر اناتسکرده لرینک شهر یاب اسرار حقیقت اولملرینه مدار قوی و اوقات  
سلو کلری مأمون الغائله تلویسات اولمغه بادی اولمشدر مثلاً انکی طالب اناته استخاره امر ایدوب  
بری کند و بیوروب خانه و تطهیر منزله مشغول و آخری تروجه نمون مشاهده ایند کار بی  
عرض ایند نجه اوله تکبیر انابت و ارادت و ثانی به عرقیه محبت احسان بیوروب اول سالک راه تجرید  
و ثانی مالک زخارف دنیوی اولسین تحقیق بیورملری بعینه جلوه کرساحه و وقوع اولمشدر و قس علیه  
سائر معاملات مع الاخوان و الاخلاق فانه المنهج الاسلامی و المسلك الاقوم لاسیما فی زمن غلبات الالهواء  
و التهم بالشهوات و النعم \* (ودخی) \* هر اقران و امثاللری نائل مراتب رفیعہ دنیویه اولد قلرنده  
عیال و احباب صوریلرینک افسوس و خرنلرینه اقبالهم اضغاث احلام تعبیر بالادبار و سوفری اذا  
ارتفعت الاستار و انکشف العبار نفس قدس بیلریله تسلی فرما اولوب و الآجال مقبله و الآمال مدبره  
الارزاق مقسومه و العواقب مهممه فالتا باقبال انشاء الزمان و ارتفاع شان الاقران تعریض  
بلغیله اشتغال ماهو الالهم و اعتناء ماهو الالزمه تنبیه و ارشاد بیورمشدر در نفعا الله تعالی بنفائس  
انفاسهم و جعلنا من المقتضین بآثارهم آمین یا مجیب الداعین بحرمه شفیع العصاة فی يوم الدين \* (نظم)  
ترک دنیا هر که کرد از زهد خویش \* پیش آمد پیش او دنیا و پیش \* هر که از دیدار برخوردار شد \*  
این جهان در پیش او مر دار شد \* هر چه از وی شادی کردی در جهان \* از فراق آن بیندیش آن زمان  
\* زانجه کشتی شاد بس کس شاد شد \* آخر از وی جست و همچون باد شد \* از تو هم بجهت تودل بروی  
منه \* پیش کو بجهت تو خود از وی بجه \* باز کونه ای اسیر این جهان \* نام خود کردی امیر این  
جهان \* تختہ بند است انکه تختش خوانده \* صدر پنداری و بردر مانده \* ملک برهمزن تو ادهم  
و از رود \* تاییانی همچو او ملک خلود \* ای خلت انرا کون ملکیت بجست \* که اجل این ملک را ویران

کنت \* هین بکلی نوبتی شادی مکن \* ای نوبسته نوبت آزادی مکن \* (منقول است که) \* اول  
 سر سبز بخت بیدار اریکه نشین خلافت حضرت خداوند کار و بساط انبساط موروث مرشد لری  
 اوزره برقرار و منشأ طوار کزیده و منشی آثار پسندیده اولوب نسکین آبدار حلقه احباب دارالدوله  
 استانبول اولوب مقدار سی سال سجاده پیرای ارشاد و مساعدت زمان و موافقت اخوان و خلایقه  
 علی احسن الاحوال اوقات صافیه گذار و منتقل جوار عنایت مدار عفو و غفران حضرت غفار و ستار  
 و پهلوی مرقد منور مرشد لری سایه کرم کستر لریده آسوده تحمل کرانبار صورت و سر برآور میان حلقه  
 سیرت اولش در عالمه الله تعالی بعظائم احسانه و آسکنه فی الغرف العالیه من جنان انعامه آمین  
 بعزّه جاه حبیبیه الا کرم و حرمة شان آله الانعم \* (حضرت عثمان دهنده) \* قصبه عیاش اهلای پسندن  
 و عروق زکیه مشایخ طرق علیه دن اولوب قدر مشترک فائز نفایس علوم متداوله اولد قدر نصره  
 طالب علم تصوف و راجب فن لدنی اولوب اول مطلب حسرت الفحوی تحصیل صد دهنده دواثر اهل  
 دور و عرفانه تردد و التجا ایدره مشنوی شریف قرائتی سرمایه تود در قنار مولوی و انقره خانقا هنده شیخ  
 و قناری بولنان حسن دهنده حضرت لری خدمت شریفه لری نه منجذب اولوب کمال ترک و تحرید و ریاضت  
 و خدمت اوزره تکمیل رسوم چله مردان ایدوب شرفیاب تکبیر طریقت صد بقیه و بعد السیر  
 و السیاحه عبدالحلیم افندی نوبت لریده اسبار طه حمید خانقا هاهی شیخی اولغله سرافراز اولش در لیکن  
 مشرب صاف لری نه جوش جذبه غلبه سیمیه نظام اوراد حسن زند کانی لری خلل پذیر اولغله مشیخت  
 مر قومه دن رفع اولوب بعد الحوی نه مقام پیشین لری تقریر اولوب آخرالامر حالات جذبات  
 متعاقبه اولغله کند و لر مسند خلافت دن استعفا و تحین و مسالک ملائمه سلوک که تتم عمر نازنین ایدوب  
 بردخی استغراق دن هشیار اوله میوب کنج کرین کلخن و دارالدوله ادر نه ده نسکبهانی معنوی ایلد قطب  
 البلد و مظنه کرامت و مستندای مدد اولش در لیکن حین عزل و رفع مشیخت مر قومه دهنده مکر  
 عبدالحلیم افندی چنانچه بعض ند مانی مستغرق مر قوم حقنده کلمات ناشایسته ایلد یکی باعث رفع لری  
 اولد یغی بطریق المکاشفه معلوم لری اولغله سمت مبارک لری نه فضولان مر قومینک اسامیستی ترقیم و قبض  
 کف و روی ضراعت لری محراب سجاده خلافت مالدیه و بینید که عزل شیخ عثمان شمارا چه کونه بیجان  
 سازد عنوانیه غیرت نمای جان اولد یغی ساعت اشخاص مذکور دارالولایه قونیه دهنده هر بری  
 کند ی نشین لریده خوشحال ایکن ناگاه سر نکون و لحاظ مسارعت محله خاموشان ایلد کاری شایع  
 اولد قده ولی مجذوب بلطهور آتش جلالی و قته مصادف ایلد یکی معلوم بیر وجوان اولغله تکرار تکرار  
 و عاده توقی قته اشتها ربور و بفتون جنونده مهارت فرما اولش در (نظم) ای عدو شرم و اندیشه بیا \*  
 که در یدم پرده شرم و حیا \* هاشقم من برفن دیوانکی \* سیرم از فرزندکی و فرزانکی \* باز آمد آدب جان  
 در خوی ما \* باز آمد شاه مادر کوی ما \* عقل هر عطار کا که شد ازو \* طبلهارار بخت اندر آب جو \*  
 هر چه غیر شورش و دیوانکیست \* اندرین ره دوری و بیگانگیست \* هر کجا شمع بلا فروختند \*  
 صد هزاران جان عاشق سوختند \* (منقول است که) \* اول سر مست جام سرشار حالت اوقات دعوات  
 استسقا و غزواته طریق نمایشات عامه دن تخلف و اطفال مکتبی سر شمع ضیای کرامت کسترینه جمع  
 ایدوب کندوسی دعاخوان و اطفال آمین سرا اوله رقی کشت و گذار محله و بازار اولد یغی اعتقاد سنده  
 غمت رحمت نزولی و فتح نصرت ظهوری تأثیر توجه و نفوذ انعام بخودانه لری نه شهود عدول اولغله  
 اهالی دیار جمله رپوده شیوه مجذوبانه لری اولد قلرندن غیر صیت خوارق عاده لری حوالی ممالک  
 رومه انتشاری هر اسان اولد قنری اشتها ره مبتلا اولد بجه استار خلاعت و ملامتی اضعاف مضاعف

حضرت عثمان دهنده

سجده

ایتمشدر \* (ودخی) \* اوان غلبات جذبه لریده سرانف مبارکاری سرمازده ورخنه پذیرا و لغله بین  
 الناس بورنسز لقیله مشهور اولوب لکن صدمه قوت مردانه سی هزاران بینی کنان و گردن کشانی  
 حتف الانف مقهور و مد مر اتمکه عامه دولیان هر اسان لطمه غیرتی و شتابان خدمت حرمتی ایکن  
 کو پر یلی زاده وزیر احمد باشا ر هکذریده حرکت مجذوبانه و اشارت ابد الاله سی سبب اشتعال نائرة  
 نخوت دولتی اولوب دائرة دار الشفاده حبس تدبیری فرمان اولمغله اول شیر زیان بیشه ولایتی زنجیره  
 حکوب و بر محل تنکده حبس ایلدکاری لیله تشفیده وزیر مر قوم هر کاهکه غنوده جامه خواب راحت  
 اولسه همان اول تیغ عربانی شمشیر بدست کندویه حمله کغان مشاهده اتمکه مر دم دیده سینه خواب  
 حرام و قلب و قالنه آرام محال اولغین بالدفعات اطلاقته امر صادر اولوب لکن مضموننه اطاعت  
 نما اولوب مجبوسدن خروج ایتوب و وزیر مزبور ه صدم و هجوم مردانه سن قطع اتمکه ناچار اولوب  
 تدارک تشفیغ و توسیط محب خالص نافذ الکامه تفحص اولنوب توقیعی عبدی پاشایه توجیه روی  
 نیاز اولمغله انلردخی کمال ادب و صدق خلوصه محل حبس لری نه توجه ایدوب مشرب عالمیرینک معتاد  
 و مخطوط اولدیغی بعض نقائس و لطائف هدایای بهیه ایه حضور فائض التور لری نه دخول ایلدیکنده  
 قبل فتح باب الکلام مقصد شما حاصل و شفاعت مقبوله است فاما مجانا ممکن نیست عنوانیه مطایبه  
 فرما اولدقلرنده ده هزار درهم عرض اولنوب بهای متاع خواب راحت افزون ازین مقدار است  
 نفس نفیس لری به کشف بیور مغبله بیست هزاره ترقی ایدنجه این ثمن التومست پس ثمن رهایی از تیغ  
 عربانی زینهار کجاست دم کرامت تو املری به مقابله بیورلدقه سی هزار عرض اولنوب و مخصوص  
 برای قبول شفاعت از درون نذر ایلدیک ده هزار درهمی دخی ضم ایدوب چل هزار درهمی پیشگاه  
 قطبانه لری نه احضار ایدنجه این بار چنین باد برای تطیب خاطر خلوص معتاد نطق شر بقیله مقام  
 استلارندن نهضت فرما اولوب تقدیم کوری دخی خدمه پاشای مومی الهیه تحمیل ایدوب مر ادیه  
 آستانه سنده حضرت نشاطی دهده خدمت شر بقیله لری نه تسلیم بیوروب وزیر اعظم مر قوم سلامتی  
 ایچون کابانک خداوند ککاری نیاز اتمکین مبلغ معهود اخوان و خلاصه تقسیم اولنوب رجالی نه  
 مساعد ایه میدان جل تنانده کلبانک صفح و عقو کش اولملری به داهیه مر قومه دن رهایی اب اولوب  
 لکن تریسه و تسلیط وائی و التوائی آثار نحوست مدارندن تخلیص کریان حیات مستعار ایدوب میوب  
 مرورشور عیدیه ده مقطوع الدابر و محروم العقب هزار حسرت و حرمانه شتابان کله مقابر اولمشدر  
 فی الحقیقه بو کروه پرشکو هک بر دیوانه سی هجومندن ستوه ایکن جمله نر شیران و هزاران وادی ولایتله  
 مقابله خصمانه ایلیمه سیه مست صهبای دوات و جاه بو مقوله عبرت بقایای غفله هوا و عاقبت تبا و اولق  
 جف القلم فاینفع النادم مصداق بجه موجب عادت متقنه صمدیه اولدیغی دوره انبیای عظام علمیم  
 الصلاه والسلام و نوبت اولمای کرام قدس اسرار هم علی الدوام هنگامه لری هنگامه دستور  
 الاعمال قضا و قدر اولدیغی صمائف دفاتر تواریح و مناقب پیرا ایکن عدم اعتبار و تنصیح باعث تدبیر  
 و بادی معامله دشمن کائی اولق مقرر و محققدر نعوذ بالله من الالهة الی اولیائه و الالهة الی اعدائه  
 و ترجو الهدایه و التوفیق الی ربه الحق حقا و اتباعه و ربه الباطل باطلا و اجتنابه آمین یا معین بحرمة  
 ایاک نعبد و ایاک نستعین \* (نظم) \* چون ز دست زخم بر مط لوم رست \* آن درختی کشت  
 از و ز قوم رست \* چون ز خشم آتش تو در دلها زدی \* مایه خشم جهنم آمدی \* آن سخنهای چومار  
 و کژدمت \* مار و کژدم کشت و میکرد دمت \* کچیبه دیوار افکند سایه دراز \* باز کردد سوی  
 او آن سایه باز \* این جهان کوهست و فعل ماند \* سوی ما آردند اهارا رهندا \* حمله بر خود میکشی

ای ساده مرد \* همچو آن شیریکه بر خود حمله کرد \* ای زده بر بخودان تو ذوالفقار \* بر تن خود  
 میزنی آن هوش دار \* ای زنده مر ضعیفان را قضا \* در قفای خود نمی بینی جزا \* مر ضعیفان را تو بی  
 خصمی مدان \* از بی ذاجا نصرت الله خوان \* کر تو بیلی خشم تو از تو رمید \* نیک جزا طیرا ابا بیلت  
 رسید \* (مر و بست که) \* اول کشته نعبان اماره نیک بر افغی غریب آلوده تر یالک تسخیر لری اولوب  
 صند و نچه ایچره اسکان و نفقه مناسبه سیه بر ورده و راضیه نامیده تسمیه ایدوب وقتا وقت نوازش  
 و لسان بوالعجب ایله مکالمه و صاحب لری حیرنده حضار نظار اولد یغندن ماعد اقرانت مثنوی شریف  
 و انشاد دیوان منیفه تجدید حالت و توفیر مایه جذبه ایلد کمری ائشاده سر زده اولان بخوش وجد و حال دین  
 ناشی مشغول سماع و صفا اولد قده درون صند و نچه ده راضیه افغی دخی دوران ایدوب انلره فراغ  
 کلد کده اولدخی ساکنه اولوب مدت مدیده اسلوب محرر او زره انس خلاف جنسند نصکره کند ولره  
 خزن زائد الوصف عارض و علت مزاج راضیه سیه افسوس گان اولوب تدبیر دفع عارضه سینه سعی  
 و اقدام ایلد که عمده و مشتمله و آخر الامر فوت اولد قده بر قاعده انسیه تحهین و تسکین و ادای صلات  
 جنازه و باغچه خاتمه دفن ایدوب ماتم زده سی اولد قمری و بعد وفاتم سادرد هجرانله مشیختدن  
 استعفا ایله سربایان اولملری الی هذا الان سر عمر خفا در انجق نیزن خاتمه منور ویش محمد انیس  
 حضر و رفیق سفر لری و اقرب همدانی اولمغله بالدفعات راضیه افغینک صند و قدن خروج و صورت  
 جمیله بشریه تمیلن و عزیز مشار الیه محرماته صحبت بعد وفات الشیخ موجب تبیهر لری او زره اشاعه  
 ایدوب تفصیل حال انکدخی معلومی اولمشدر \* (ودخی) \* تباشیر صبح غلبه جذبه ظهورنده ناکاه  
 ادنا بهانه ایله فتح باب ملامت و ترک اعتبار سلامت ایدوب و نعل باز کونه غما اولملری نیک اندازی صدر  
 نشین مشیخت خاتمه اسپارته ایکن علم و فضل و حسن سلوک و انواع مکاشفات و اصناف آثار جالبه  
 الاشتهار له معروف حوالی دیار و مستند عای کبار و صفار اولد قمرنده آرزوی الطلاق بند اعتبار  
 و اشتهار له مجلس عالی لری مجمع اشرف و وجوه اهالی اولد یغنی حالدیه بر مستوره دردمندر جای تعویذ  
 و نیاز دعا ایله عتبه میدان جمعیت درویشان و مال و عرض حال ایلد کده طرف مستنده مر قومه به  
 امعان نظر ائشاده مقام آرام لردن مانند شیرشکاری جهان اولوب های ای قشهر روز کار غدار  
 و زهره نامدار که تویی من ترادر فلک جسمم اکنون بر زمین یافتم عنوانیه خطاب عار و تسکاتیک  
 در کار ایلد کارنده علیه مر قومه نیک فریاد و استمداد خلاصی سیه حضار اقدام و تخلیص ایتد کارنده  
 کویا انلره روی غمای اغیار اولوب دکان داد و ستد رغبت و الفتی بجمای هنگامه تحن ایدوب پاره نه  
 کوه و دشت پیمای جذبه اولوب بردخی مستند اعتبار ده انحصاره تحمل ایده میوب چنین آمدم و چنین  
 میر و مضمون سلامت مشکونی دستور العمل بقیه عمر ناز بنی لری اولمشدر وضعیه مستنده به دخی  
 در کار لری تعویذ و حرز بر عساعه اولوب الی آخر العمر عافیت همیشه ایله اوقات گذار اولمشدر که  
 بوضورت کراحت نمادخی کند ولره کرامت عظمی اولوب مجبین مخلصینک اوضاع غریبه فقرادان  
 عدم تلون و تسکدینه باعث اولمشدر \* (ودخی) \* اوقات صحو و صفور لنده جوامع شریفه ادر نه ده محفل  
 آرای و عظم و تدکیر اولد قده نظام کلمات مزایا فرمالری حیرت العقول فحول اولمغله لولا العین لکذبتنا  
 السمع مضمونه قائل اتمشدر و انشای و عظمه الهجه بر هججه لا ابا لیردن مسامع ارباب طبعه نشاط  
 بخش اولان مطایبات و کفتمار مجد و بانه لری الی یومنا هذابین الاهی الی یاد کار و زقتار پسندیده  
 دیرینه لیرد که بعضار شسته کش ترقیم اولندی از جمله ملازمان بای متبر موعظه نادره لردن برافطس  
 عربی مقابله همواره لینه مواظب اولوب غاطس مشار الیه دخی بنی معذور لینه عینک وضعن مراد

ایند که قصرانف و تکلف شدت بر دل نمکن اولیوب بلکه هر نوبت وضعده روی نسخه موعظه لری  
 اوزر هساقط و واضع دخی لاقط اولوب حضار مجلس دخی منتظر مال حال اولدقده بدیهه افطس معهود  
 مقابله \*(نظم)\* زبدینی چو بدینی برآید \* پس آن به که کنی نیکی بدانرا \* بپراز کبر و برکوت  
 بخفسان \* رها از بیش و کم ده مردمانرا \* بیک مجلس دو بدینی که باشد \* در و کجای یل بدینی غماند \*  
 ز تحسین و قرانش نیست غافل \* هر آنکودر فراست هست کامل \* دویینی میانه در میان آر \*  
 ممکن خود بدینی مارا میازار \* و گرنه رغم بدینی از حوادث \* چه زین بجلی نباشد سود و وارث \*  
 تواز بار کران آسودگی یاب \* بچشم عینکم کن فتح ابواب \* آیات بلاغت نظامیله خطاب و مطایبه فرما  
 اولشدر که ملکه داران فصاحتیه بموقوله نظم آبدار و مناسب محلی هزار پیکتاب افکار له زمان حلقه ده  
 انشاده کتور ملک سرمایه تحسین اولقی شائبه اشتباه اولنجه انلره کرامت بدیهه اولدینی خرم کرده  
 فارسان میدان عزم و خرمدر \*(همچنان)\* دارالدوله ادر نه ده رؤیت هلال عید اشتباه و اختلاف  
 اوزر ه اولوب یکشبه و دوشبه اولسی باعث نزاع ققه های بنده و سلسله خلاف امتداد پذیر اولغله  
 عزیز مشار الهلک منبرند کیرینه رفعتند که اولوب جواب کشفیلر یله قطع نزاع مراد ایدنلره این هلال  
 دوشبه است اگر شبهه آر که چرا خفی و رقیقت بین که بنده نشست ساله ام و از بدوت اخوان زمانه  
 چه گونه هلالی و نالی کشتم پس هلال عید نیز جو من از شدت سرما لاغر و رقیق کشته است عنوانیه  
 تعریض بیورملری صور تا هزل نما ایدسه ده لیکن در عقب شهادت جسم غفیر له رسید درجه تحقیق  
 اولوب هر لری دخی متضمن جد کرامت و مطایبه لری متحقق جد سعادت اولدینی جمله کالبد برین  
 النجوم معلوم اولشدر \*(همچنان)\* او اخر حال لر نه اول کج کهر جذبات حضرت جمیل دفین ویرانه  
 کلخن حمام قیل اولوب سابقا محلات و اسواقده شمع جمع اطفال اولمشیکن زمان کمال حال لر نه کوشه  
 نشین ملامت پر سلامت و مرجع رجال دولت اولوب هر کس علی قدر انخلوص و حسب الصدق فوائد  
 مواظب زیارت و محبتندن مستفید اولدینی اهل بصیرتیه ظاهر ایکن بعض کوردلان آیین ابلهان زمان  
 ازین دیوانه چه می جویند و چه می یابند عنوانیه طعنه زن محبان اولغله تجاوز حد ذاتلری و تجاسر  
 جود و اساتیلری کند و لره سدر اه آشنای و سنینک پای کوی زیارت پیمانی اولوب لیکن مجالس عالیه  
 بکارده اذکار جمیل لری کوشکدار لری اولدقده محروم حسن تلقی و مخروم سوء تلافی اولوب هر بری  
 درجات اقبالدن در کات ادبار هبوطله سز ایدن کان و سفهای شعرا دن رشکین اقبال احباب سعادت  
 مآب ولی والا منقبت اولنلر کند و لره و زوار ماملک تشارلرینه حرف انداز هجا اولنلر یکیک نشانه  
 ناول مجازات ناگهی و اسیر فراش عاقبت تباهی اولدقده سر بالین احتضار لر نه یونان همشربان  
 تلقین کله جلیله شهادت ایلدکار نیجه لهجه بی بیجه لرندن منظومات سفاهت مضمونات و هر لیسات  
 شناعت مقرر و نا تلرین تکرار له اتمام انقاس آخرین ایلدکاری منشأ اعتبار و مبدأ هراس دیگران  
 اولوب ناچار طفیل زوار اولغله شرفیاب وصول پیشگاه عنایت دستکاه لری اولدقده آنا که  
 در روز و شب ده بار زیارت بالوعه میکنند و در مدت عمر پر عمر یکبار زیارت مردان خدا مستغنیض  
 نکردند و بلکه بشامت خود بدینی عار دارند و اختر نا انار علی العار میگویند عنوان حسب حال تبیانه  
 صدور یافته کشف الضمیر لری اولان نفس اثر فرما لرندن متأثر و نائب و منیب و دخیل دائره  
 استغفار لری اولغله نسخ هجو یلرین نسخ صد دنده مدایح شریفه لرین و رزبان و یاد کار منصفان دوران  
 ایشلردر حتی یوسف نانی مرثیه طویل الذیل و فائز لر نه بدل نقدیه استعدا ایدوب و تار یخ عزیمت  
 دارالقرار لرین \*(نظم)\* بورنسر بولدی بوی و فایز مه و داع ایتدی \* مصرع برجسته لریله قرین حسن



ختمای ایتشدر\* (ودخی)\* اثنای ارتحالارنده کفخی ارمینی شهود حضور وفود ارواح عالیه  
 واستتمام فوایح جنائیه ایدوب جمله اهل و عیالیه مشرف اسلام و سلك صلحای فقرایه انتظامیه سعادت  
 انجام اولدینی کرامت و اسپنلری اولمشدر و کالبدمر حوملری مدفن فقرای مولویه اولان مهبط  
 انوار رحمت رحمانده رهین زیر زمین مغفرت و روح بر قوتو حلری حریف بزم علین اولمشدر نور الله  
 تعالی مهجعه و قدس بروحه مهجته آمین بامفیض السائلین بحرمه شفیع المذنبین فی یوم الدین  
 \* (حضرت محمود دده)\* شمیمه توفات و زمره تجار دن اولوب اثنای تجارتده متاع و بضاعه سن نقل  
 دارالولایه قونییه صینت عن البلیه ایدوب مدت مدیده مغتتم تجارت راجحه و صاحب جمعیت اسباب  
 و مالک ثروت و وفرت احباب اولوب هر کس کند و بی کند و لری کبی وقوع بر زرخ تاهل و سقوط خضیه  
 تعلقه ترغیب اوزره ایکن علی طریق التفال والاستخاره زیارت تربه معظمه مولویه واستماع لطائف  
 مشنوی ایدوب صددر مدد لریده مشنوی خوان رزق بی ریح طالبی اولان ارباب صدق و خلوص مال حالی  
 عاقبت محمود دده و عاقبت مدوده اولدینغین تحقیق و بضاعه عمر نازینی چارسوی دیاده امتعه اخرویه  
 و تجارت لن توره صرفه ترغیب ایتکه سابقه عنایت دستگیر و مو یکش پیشانی اولوب همان  
 ساعت ماملر کین عتبه علیه مطخ فقرایه نقل و تسلیم و کند و لری اختیار فقر و فاقه ایدوب آیین شریعت  
 وارکان طریقت اوزره تکمیل حله مردان مولوی ایلد کده مستسعد الباس کلاه انابت و مستفیض  
 تکبیر اراادت و سنین عیدیه حجرات آستانه سعادتده مشغول تحصیل معارف ظاهره و مشغوف معال  
 باطنیه و آخر الامر یاری عنایت مقبولان حضرت عز شانه و عم انعامه و جسم احسانه ایلد مجموعه  
 علوم و فنون اولوب حضرت آغاز دزاده الله و حاو ریحانامه سعادتده خلافت طریقه مغبوط  
 الامثال بر شیع کامل و مکمل اولمشدر و متعبه نفیسه عز بر مشار الهمده اجبالا ایراد اولندیغی اوزره  
 بعد بر هت سن الزمان جای دست سودنوازش غوثانه لر یله پشت یکسانه سی متکئی متکای مشیخت  
 و روی پر کردیتیمانه سی متوجه عیون وجود ممکنات اولوب لکن من الاول الی الاخری قید اذکار لوازم  
 سفر و حضر اولمغله محمود قلندر عنوانیه بین الاخوان شرفیاب امتیاز و دمبدم عیش خوش بی ریح  
 کسب و عاقبت بی صداغ مثله کامران دوران اولمشدر و زمان طاقم کداز منع سماع و صفا و اوقات  
 اشتغال نیران تسویلات وائی نخوست فرساده بالضروره اختیار سیاحت مغرب زمین ایلد کده  
 باعث ترجیح سموت اغتراب لرین استفسار ایدن ربود ککان صحبت و محبت لرینه هنکام و داعده  
 (لعل الله یحدث بعد ذلك أمرا) و تطلع الشمس من مغربها و تطفئ النار فی موقدها\* عبارت اشارت  
 نظا مار یله رمز انجام کار ایلد کارینه بفضل الله تعالی مرور هجده سالده جلوه کرمنصه ظهور اولوب  
 طائفه باغیده نیران تفرقه لری خامده و اجساد بالیه لری جامده و نو بهار بوستان عاشقان مولوی  
 زاهره و شمس حقیقت طالع اولد قده و طوالع نخوست و نسکبت انسداد غار به و آثار ندیم غیرت قهاریه  
 ظاهره اولمغله اسباب کشفیه لری یار و اغیاره هوید اویدیدار اولمشدر و سیاحت مر قومه لریده  
 فاس و قسراوش و قیروان امثالی اکثر محاللات ادار سه ده مسنه فید صحبت علما و فضلا و مشایخ  
 و حائر قصب السبق علوم غریبه اولمغله اوقات آسایش لریده عمرات لذیذه با نعه معلومات نادره لر یله  
 بحمله الاخوان و الخلان مغتتم اولوب هر چند بو یکیران کالات کافیه لری اقتراح فتح الباب خزانه  
 معارف کافیه لری ایلد کار نیجه لایند حفظها من الاواصل الضمقه الضعیقه فقره نفس الامر یله  
 اول مقوله و داعیه ایلد تسلیم و تعلیم و ایداعنه عدم اهلیت لرین اشعار و ثمار مأمون الغائله اشهار لریدن  
 حسن قنع و اعتساف تبه ناهل یله نصیح و مر مشر در و حقیقه الحال کما قال فالاسلم الایسر التسلیم و تر

حضرت محمود دده

عظیمه رطایبی



التعرض للتعليم فان أمثال تلك العلوم تصير لغير أهلها فتنة وتورث نكبة وتعليمها له يكون ظلما وغدرا  
ولكن الحكمة ضالة فلقد فجعها الى غير صاحبها اخلال واضلال ومنعها عنه بخل ولحقه ابطال تعالى عنهما  
رجال الاحوال \* (منقول استكة) \* اول سرور سر آزاد بوستان طریقت زمان مشیخته لریده بیچاره محمد  
یازسا متخلف منها ج الفقر اوسا لك مسلك قضا اولوب منصب مولوبت بوسته و فلبه دن معز ولا وطن لرینه  
رجعده اعیان و اشرف علی العموم استقبالی و تهیه القدوم ایلد ک لریده شیخ موحی الیه مقرر تمسکین  
ووقار دن حرکت ایتیموب سوق سلولر امدار ایلد نلره مدارا کار شرکای یك صناعت است و در میان  
فقرا ی مولویه و ایشان شرکت فی الصناعت نموده است که لفظ مولوبت درین خصوص از ضد اد است  
عنوانیله یا سخ را سخ فرما اولم لری کوشه کنار لری اولنجه حشمت مولوبت لری ایله خالک پاک حضرت  
اغازاده زیار تلرینه توجه ایدوب بعد الزیاره قدیم جلوه کاه شیخانه لری اولان میدان و ایوانه کلوب حکمت  
اخوان و خلانه رغبت غما و عز یز خرده دان دخی قدمای یار انله سر شمع احتشام لرینه جمیع اولوب و نیرنان  
و منشدان دخی \* (نظم) \* عرفات عشق بازاران سر کوی یار باشد \* بطواف کعبه زین در زوم که عار باشد \*  
جوسری بر آستانش ز صفای سر نهادی \* بصفا و مروید لدر کت چه کار باشد \* دویت شیر یغن سر اغاز  
تقسیم جگر سوز ایلد ک لریده یار سالی مستمند لدر درون فراق مشکونی و کهنه داغ دل پر خونی  
تازه لنوب جهر قر رد شیمانی اوزره خونابه افسوس فشان و نالان و آه سر دکشان اولد قدده اول طبیب  
دار و خانه حقیقت (نظم) هین و هین ای را هر ویه کاه شد \* آفتاب عمر سوی چاه شد \* این قدر تخمی که  
مانده است بیاز \* نابروید زین دودم عمر دراز \* تا عمر داست این چراغ با کهر \* هین قیلش ساز و روغن  
زودتر \* ایسات شیر یغه سیله تلقین تدارک مافات من منافع الاوقات ایتلری طبیعت فحاشا طبعده ساخته  
قال بدایرات ایدوب \* (نظم) \* قرب بر انواع باشد ای پدر \* میند خرسید بر کهار و زور \* لیل قری  
هست باز رشید را \* که ازان که نباشد بید را \* بیتین لطیفین حاوی اولد یغی مضمون حقایق مشکونه  
مقابل هزل آمیزه (نظم) هر دورا این جست و جوها زان سر است \* این کفراری دل زان دلبر است \*  
این محب حق زهر علی \* و آن دکر رابی غرض خود خلقتی \* بیتین شیر یغینه مدافعه بیورملری باعث  
اغبار و بادی حدیث نفس اولغله انجام حکمت لریده بالشکاه روی نیار عاشقان اولان عتبه میدانده  
سر موزه پوش و نخوت نما اولد یغی حالده عتبه علیا تصادمی عمامه اعظمیه سن غلطان صف النعال  
ایدیکل آتباعدن شتابان اخذ عمامه اولنلره لایحه وقت مقتضاسیله سر از دست رفت چه جای  
دستار است مضمونیه خطاب عتاب آمیز و کریم خزن انکیز ایدوب غمخانه لرینه حین وصولده اثر عارضه  
پنجه ظهور ایدوب آخر الامر تخلیص کریمان حیات مستعار ایدوب میوب هزار عجز و خزن وانکسار له  
وداع بر نه پایدار و سبب لاحقین بشمار اولمشدر که شیخ محمد صابر پارسا کی صاحب الذات وال زمان  
وفصح اللسان و بلیغ الیانی الفت خلاف جنس مبتلای دام قضا ایتلک لازم کلجه مع هذا الیف وانیسی  
نه اقر باسندن شیخ الاسلام و رئیس الاعلام متقاری زاده ایکن منکر اولیا و متعصب پر مر اولغله  
الفت لاحقه سی اغازاده زاده الله قریه جناب نه اولان قرابت و اتساب سابقن نسخ ایدوب هجران  
اخوان الصفا و امتیاز خلان الوفا و خلافت مر دان خدادن طر دله محازاته مؤدی اولد قدده مخالطه  
اجانب ساقله نوجهله مضی نکتت ظاهره و باطنه اولق کر کدر قیاس پرهراس الزم ذم اهل هممدر  
نعوذ بالله الحفیظ مما یترهم و یبعدنا فی الدارین من جوار هم آمین یا معین بحرمة سید الانبیاء والمرسلین  
\* (نظم) \* حق زهر حیرتی چور و حین آفرید \* پس نتایج شذر جمعیت پدید \* یار غالب شو که تا غالب  
شوی \* یار مغلوبان مشوهان ای غوی \* اهل دلا باز دان از اهل کین \* هم نشین حق بجو با و نشین \*

جانها مان جاذب قبطی شده \* جان موسی جاذب سبطی شده \* هست موسی پیش قبطی بس ذمیم \*  
 هست هاما ن پیش سبطی بس رجیم \* دوستی جاهل شیرین سخن \* کم شنوکان هست چون سم کهن \*  
 جان مادر چشم روشن کویت \* جز غم و حیرت از آن نفزایدت \* حق ذات بال الله الصمد \* که بودید مار بد  
 از یار بد \* مار بد جان می ستانند از سلیم \* یار بد آرد سوی نار حیم \* (نظم) \* عربی درین معنی  
 اصحاب آخا کرم تحطی بعجته \* فالطبع مکنتب من کل معصوب  
 الریح آخذة مما تمربه \* تنما من النتن أو طسا من الطیب

\* (مرو بستکه) \* اول بضاعه دار خرم و احتیاط زمان خلافت ندرده اخوان معدوده یسکه ده قبول  
 اولوب محترفه و متأهلین و متروک الدنیا اولان طالب کار ناشناسی ردلین ایلده دفع بیور ملری نادره  
 خاصه لری اولغله مستفسرین سبب رده طالب ماهم رنگ مایباید یعنی ترک و تجرید و الامابراهی میر ویم  
 و آن براه دیگر می رود چگونگی تربیه و ارشاد جمع کن است و اقتدا اساس کار است در اساسی که استحکام  
 نباشد البته سر یغ الخراب باشد بلکه هیچ بنا تحمل نکند و جهد و عمل هبها شود و نطق شریف لریله تسکین  
 بخش اولش لدر در حتی الی آخر العمر خدمت شریفه لری برادر لری درویش مصطفی به مخصوص اولوب  
 سائر طلبیه خدمت لری به این برادر طینتی و طریقتی و همکار صورتی و سیرتی و یار سفر و حضر و همدم کرم  
 و سر و دهم رنگ اعتقاد و اعتماد منست و چنین خادم طالب کم یابست و خادم طالب چنین می باید تا ثمره  
 طلب و خدمت بدید کرد پس درین کار او را فراموشی دادن مناسب نیست عبارت ایلده عذیم الا هلیه  
 خدمت مفیده اولد قلرینه تعریض و ارشادی متضمن تسلی فرما و اولش لدر در فی الحقیقه مرقوم درویش  
 مصطفی خانقاه مشیخته ندرده سر آتش بران و وکیل ایراد و صرف دائره لری بر مستقیم الحال سالک مؤدب  
 و تارک مذهب و حلقه عمر بنی خرج راه خدمت مشایخ و فقر الیتمک اوز ره ملتزم اولوب کند و لرد نصکره دخی  
 نه در کاه خربورده متحمل خدمات شاقه و مترقب همسایگی برادر ایکن ناگاه حواله خواه سیاحت  
 اولد قده قدر شناسان اخوان و خلان حتی هم حجره خمر و یار غار خمر اولمق حسبیلله اقامتین فقیر دخی  
 نیاز مند اولد یغزده امید بنده آن بود که در جوار داد را آسوده کردم و در سیر صحرای قیامت نیز همپا باشم  
 لکن کوشه وحدت مارادر محله خاموشان دیگر نمودند پس تاخیر را محال نیست مضمونیه عذر آور  
 و جانب مشهودینه عازم اولوب خانقاه باب جدید داخل اولم مقام متمنده علی احسن الوجوه آفل  
 و انقباه تامی ظهور امارات انفس و اوضاع عندن بی شائبه اشتباه اولش لدر \* (ودخی) \* عزیز مشار الیه  
 اول جلوه کاه عاشقانه بیست سال دادده مشیخت و بین مشایخ عصر همذ کور بالخیر اولوب اخوان  
 و خلان ایلده نسیافات لیلیائی شتویه دن نوبت اخیره کند و محبت لری اولغله عین الجمع درویشان و احبابی  
 دعوت ایدوب اول لبله مبارکه ده جمله نوبتدن ازید عیش خوش و صفای دل کش اولوب انجام صحبته  
 لکل جمع افتراق مضمونتی مبنای کلام وصیت نظام بیور و ب قلندر ان رایای بند مشیخت و تحمل  
 کز انبار و قار و اعتبار مشکست و ایقدر بس است بعد ازین کما فی الاوائل صحرانورد الطلاق  
 و بقیه اندر زیست خواهیم کرد نفس انفس لریله توریه ارادت سیر و سیاحت بیور ملری عقیمنده  
 انتهاز فرصت و یکن یکن استحلال ایدوب بعد تفریق الاحباب ادای نوافل شبانه نصکره سجاده  
 شریفه لری اوزره ذاکرا اسم جلال و بر مقدار نفس طریقه سیر بیالین راحت اولد قده بی توقف  
 مسارعت دار السلام و قید بندنی پای قدس پیمای روح روانندن اخراج ایدوب و داع بریم فانی و پرواز  
 آشیانه روحانی ایتشدر و جسد لطیفه لری جوار خانقاه مدفن فقرا اولان مهبوط انوارده دفسنه  
 خالک بال قلتمشدر طیب الله ثراه و جعل غرف البدن مشواه آمین یا مجیب السائلین بحرمة من أنزل علیه

حضرت مصطفی دوده

الفرقان المبين \* (ودرين باب حضرت پير قدس سره المنبر می فرماید) \* ناله سلك در هشی بی جنبه نیست \*  
 زانکه هر راغب اسیر رهز نیست \* چون سلك کهنی که از مردار رست \* بر سر خوان شه نشاهان  
 نشست \* تا قیامت میخورد او پیش غار \* آب رحمت عارفانه بی تغار \* ای بسا سلك بوست کور انام  
 نیست \* لیک اندر پرده بی آن جام نیست \* ومن العجب از منه حیا تلرند دست سودنوا شریله مستظهر  
 اولان کربة مسکینلری بعد وفاته نور ضریحه کسسته ایله انیس اولمیوب همواره پایگاه قبر شریفلرله مستظهر  
 ایدوب احباب صداقت مآب اکراما الصاحب القمه سن دمیدم احضار و اطعام ایدوب وسایة التجار لنده  
 تعرض کلاب و کوفدن مأمون الغائلة اولوب هر قدر لطف و نواز شله قرا و احباب تسخیر مراد  
 ایلد کلر لنده مفید اولمیوب پای ثباتی مقام وفادن متزلزل اولمیوب حالت مطر دة مرقومه اوزر ره اتمام  
 وقت ایدوب مقرر ملازمتنه دفن اولندیغی احبابه مایة اعتبار و مانند قطمیر ذکر نادره طوری کف  
 نشینان تو کله یاد کار اولمشدر \* (حضرت مصطفی دوده) \* ولایت روم ایلیده سیر و زقراسندن  
 دهنه نام برقریده مشاب شبان کثیرا اغنام اولوب قضا ر ا موسم نو بهار د ر مة ماملکن غفله  
 ممر سیلابه جمع و ایوا ایدوب کند و دخی خواب راحت و وار مشیکن بر سیل تند و تیز ظهور ایدوب  
 اغنامی کند و یه قربان اولدیغی غنیمت عدا ایدوب دست تصرفنده عصای رعایتن غیر اعمتاده  
 شایسته بر نسنه سی قالمیوب ناچار اغتنام غدا و عشا سیما قنده شهره کلوب اعمال سائر هیه کند و دده  
 قابلیت اولمغله سائق ضرورت کند و یی مطبخ بدریغ النعمة رمضانیه سی سوق ایدوب مدت مدیده  
 خدمات لازمه مطبخیه دده مقیم ایکن سر آش پران ادنی بهانه تقصیر له کند و یی رد و طرد ایلد کده دست  
 توفیق عنان کثیر توجه دائره آخری اولمغله در کخانه تها هده قرار ایدوب در دیگره عدم التجاسی عکس  
 انداز خاطر فیض مآثر حضرت شیخ رمضان اولنجه موقع نظر شفقت ورافت لری اولوب دفعه اول بیچاره  
 مدفوعی خدمت میدان مردان ایله اسعاد و تخصیص میامن حسن توجه بیور ملری عجب انکیز طباع  
 احباب و سبب انفعال طار دمر قوم اولمغله (این شبان درد مند ساد لوح یی سیلاب از تندوش  
 علاقه ماسوا شست و شو یافته است لیکن دیگر انرا بسیار با آتش ریاضات شاقه فشار  
 و کدازی می باید تا زغش شغل دنیا صاف شوند علی الخصوص صدق و صبر دامن گیر او شدن امارت  
 قبول از لیست) کلیات شریفه لر یله از اله تر د و حل اشکال بیور و رب و برکات آثار انظار حسنه لری  
 و میامن خدمات علمیه لر یله زمان سپرده بلاد طبع شبانی فطنه مبدل اولوب اصناف علوم و انواع  
 معارف له مغتنم و آخر اول مقام عالیده سرفراز مشیخت و خلافت و ذات شریفی منشأ احوال مستحسنة  
 اولمشدر \* (نظم) \* کول میکن خویش را و غره شو \* آفتابی را رها کن ذره شو \* بر درم ساکن  
 شو و بیخانه باش \* دعوی شمع می مکن پروانه باش \* تابینی چاشنی زند کی \* سلطنت یابی نهان در بندگی  
 \* (منقول است که) \* اول سر سبز حسن نظر پیر ثانی شبیان را عی قدس سره هما العزیز اولوب ولولہ کوس  
 کمال توحیدی حوالی کیر اولد قده قوافل سیاحین طالبین حمای تریه لر یله توجه ایدوب بعض نو نیازان  
 طریقت تسلیم لری خصوصنده منتظر بینات کرامات اولدیغی بالمکاشفه معلوم لری اولمغله مجمع اخوان  
 و خلانده ناکادای بریای و دست بردوش و بغل قائم مقام ارشاد اولوب من اراد ان یظر الی الکرامه  
 البصيرة فلیرجع الی البصر نفقه قدسیه سبیله پرده برانداز روی کار اسرار اولوب و تحذیر  
 نعم غیر مترقبه حضرت رقیب قریب من جبل الوری دیور و رب و برین بنده معان نظر باید که پیش ازین  
 یک شبان نادان با بسته خدمت کوسفتندان و سرکش عبادت حضرت سبحان و سرکشته کوه و بیابان  
 و در راه خلدان اقبال و خیزان بودم نا کاد بر رحمت رشحات عنایت باری فرمود و سبیل فرستاد

وسدر اهرم بر دو بدر که انسان کامل رسانید و در سایه کرمش بدرجه خلافت مولویه رسیدیم پس ازین روشنتر کرامت چه باشد عنوانه مانند ایا زیاد پوستان و چارق و ذکرا صناف عنایات ناگاهیه بیورملری ارباب مراتب ثلاثیه برهان متع الانصاف اولوب جمله سینه صاف ارادت و تسلیم لری اولمشلردر (ودخی) عقیب رمضانیه ده عید اکبر خلاقه مستعد و بلکه شب قدر مایه سعادت و حایه لریله مستفیض اولمغله دائره عیش خوشلری منصب سیلاب فتوح اولوب سبیل اول تخلیه وسبیل ثانی تخلیه فرماو مالک استطاعه تامه اولمغله انتهاز فرصت و زیارت کعبه العشاق المولویه وطواف حرمین محترمنه نهضت بیور وب علی ایسر الطرق واسهل الوجوه مقضی المرام بنه مقرر سعادت لری نه رجعت غما اولمشلردر طوبیله وحسن مآب فی الحقیقه اسلوب مقرر اوزره هر سالک سوابق احوالی ایله لواحق الطوارین تأمل و تدبیر ایسه کند و بی هزار برزخ هلاک کندن نجات و منزلت صلاح و فلاحه وصوله شیخ شاکر مرقومه هم حال مشاهده ایتسی ولین شکر تم لایزیدنکم نص کریمی مصداقچه نعم جلیله ماخطررت علی قلب بشر ایله منتقم معاینه ایتسی بی شائبه اریساید رحتی هنصکام ارتحال لریده دخی سجدهات مثالیته شکرانه قعد ذخیره سنده لله الحمد والمنه وعلی نبیه التسلیمه وعلی ولیه التحیه که این پل پرهراس و معبر بر آسب رابعرفان مولوی کذریم چه مشکل بودی که هول نادانی شبانی گذشتی نفس و اسپین لریله عبور قنطره فساو خرام روضه بقا بیور وب مرا قد منوره مشایخ اولان حدیقه الرحمه ده آسوده ظل ظلیل طوبای عنو و مغفرت اولمشدر افاض الله علیه وعلی اسلافه و اخلافه سجال الاحسان فی غرف روضات الروح والریحان آمین یا احسان یا منان بعززه من انزل علیه القرآن فی شهر رمضان

**\* (حضرت یحیی ده ده) \*** بغدادی المولد و اولاد مشایخ مولویه دن و حضرت نصیراده ده نظر کرده لریدن و حضرت ده ده عبد الحفیظ تفسیری تلامذه سندن حائز خطا و فرعلوم و معارف و زبان آور محاسن رفیع الطائف اولوب استدعای اخوان الصفا و رجای خلان الوفا و مساعدۀ اشارت و حایت حضرت مولانا قدس سره الا علا ایله صدر مشیخت خانقاه دار السلامه ارزانی کوریلوب مقد ارچل سال التزام خدمات فقر ایشلردر که جمعیت اسباب راحت و توجهلری حسرت الا مثال اولمغله محسود اقران اولوب بعضیلر هجنت تشیع ایله خرده کبر و طعمه شمشرید میر اولمشلردر خاشا شام حاشا اول راست و سندن سنت و جماعت دن که سالک طریقه صدیق اکبریه و مالک آداب و عرفان مولوی اولوب دخی مسالک غیره ارخای عنان اختیار ایده لکن هر کس ایله حسن الفت و لطف صحبتی نظر حساده به ساندت همت تشیع اولمشدر یوخسه بالدفعات تقیه داران بغداد افشای سرلریدن توهم سببیه هلاکنه فدای تعین ایدوب و حفظ صمدی کیم و مکر لریدن صیانتله مکاید و کزندی کند و لرده راجعه و مد مر و مقهور اولمشلردر اگر فی الواقع اتحاد مسالک احتمالی اولسه بومقوله معامله دشمنانه محال ایدی و بلغای فارسه نظیره پردازی سیاقنده ائمه کرامه اولان مدایح دلیندیر لرین امارت تشیع عدایدن بی انصافه و من لم یفارق الظن السوء فلیتقوه بما شاء فان المغیث الغیور یؤید من یشاء دن غیری جواب مناسب اولمد یغنی ذی نهم اولان محسودین عند بنده بالتجارب الصادقه رسیده پایۀ ثبوتدر واکرم مدایح منسوبان خاندان محمد وعلی صلی الله علیه و سلم و کرم الله وجهه ورضی عنه و عن آله علامت تشیع اولیق صحت پذیر اولسه اکثر فتحا و اغلب بلغای اهل سنت و الجماعه ناظم جواهر کالات اجله خاندان اولمغله متهم عقیده شیعیه اولیق لازم کوردی عیاذ بالله الهادی الحفیظ مداحین متهم و انجده مدوحین تقوله اولیق لازم کور و مرجع کلام شقاوت نظام و اهانت انجام بد کما ان اجله کرام سوء خاتم و موددی تذهب بزیدیه و اید یغنده منشأ و مالک شمس انسان اقوال لرندنه بی سوبیویدر

حضرت یحیی ده ده

\* (نظم) \* شرح سخن ز نعت نبی کو که کار تو \* مداحی محمد و آل محمد است \* (مرو بست که) \*  
 اول طوطی شکرستان معارف و عند لیب کستان طرائف جمله لوازم حسن صحبت عارف و عامه  
 آداب لطف الفت و واقف اولغله و زرای عظام دار السلام ربوده شیوه نادره مناد متری اولوب صبح  
 و شام راغب ملازمت متری اولد قلریدن ماعد اهر قنچی نه هتسرایه توجیه اولنسه معتیلرینه طاب  
 اوله کاد کبری حسبیه بین الوز را سخن فهم و قدر شناس اولنلردن ابوبکر پاشا ساثرلریدن ازیدا کرام  
 واحتراملریله مشغول اولوب قضا را بر معرکه جرید بازانده غلمانان خاص اندر وندن بر نور دیده عشاق  
 صدمه جریده چشم پرکاری زخمیده و نابینا و دیده دل آصف مر قومه عالم روشن تیره نما اولد قده اول سر  
 چشمه زلال معنائک نایره الهجه پر به لردن جریان ایدن ماء معین بدیهی معنا الجملة تسکین فرمای  
 حرارت درون افسوس مشکون مشیر مشار الیه اولمشدر الحق مانند مردم دیده دلبران مجملنده کمالیه  
 دلنشین واقع اولغله و شاح منقبة نفیسه لری اولمق اوزره ثبت سفینه نفیسه قلمشدر \* (نظم) \* انظار  
 بد که ناز عدم هست بوده اند \* هر لحظه با خیا ط کمر بست بوده اند \* آندمکه چشم مست ترا این خطا  
 رسید \* مستحفظان دیده مکر مست بوده اند \* توفیق الله تعالی رفتار و گفتار و اوضاع و اطوار لری  
 بغداد معارف آباد کبی مجمع فضلا و ملحا عرفای عرب و عجم و رومده پسندیده بکار نصف شعرا اولوب  
 نوبت خلافتلریده جمعیت مساعده زمان و موافقت اخوان و محافظه آفات دورانله معتمد اولوب  
 \* (بیت) \* دجله را امسال رفتاری عجب مستانه است \* پای در زنجیر و کف بر لب مکر دیوانه است \*  
 مصداق خجسته خال بالدر حجتا لائمة کرامه شطرنج و مالندن ناشی جوش و خروشند آثاری حجره ملک  
 خرابات حقیقت اولان مولویخانه به دخی اصابت و بعض محلی دل عشاق و ش خراب اولد قده دستیار  
 معمار توجیه موجهلریله اولی من الاولی عمران پذیر و اول بهانه ایله قلوب منکسره سکا فی دخی کاینه  
 تطیب اولند یغی میا من سایه های همتمتری اولد یغی لدی الجمهور مسلمونی مراد که خصوص تعمیر  
 دلپذیر لریسه احیاها یحیی مثلی ضرب اولمشدر لله دره و علیه اجره \* (ودخی) \* ثمره لطیفه عمل  
 صالحلری اولان نتیجه وجود فائض الجود لری یوسف مصر معرفت و عزیز ملک نجابت ولی عهد لری  
 و خلف الخیر لری و صدر نشین سرای خلافتلری و غودار سر نادر لری اولوب کند و لر پنجاه سال اریکه  
 آرای مشیخت و ارشاد و بعد اتمام مصالح الخلقه خرامان روضه رضوان و مقام آسایش مشایخ سالقه ده  
 آسوده روح و روحان و شاد روان عفو و غفرانده شاد روان اولمشدر نور الله تعالی مهجعه و روح  
 منجعه آمین یا منان المساکین و خنان المستغفرین بجرمه شفیع المذنبین \* (حضرت مصطفی دوده) \*  
 فی الاصل روم ایلیده ایل بصلان قصیه سندن و اولاد فقرای صوفیه دن اولوب تقلید صلاح و تقوی ایله  
 اوقات شباب گذار و مائل سیر دیار و آرزو مند انساب ابرار و مولع خدمات اخیار اولوب قائد عنایت  
 زمام رهوار عزیمت آدم افندی حضرت تلی عتبه علمای سینه اماله ایدوب مطبخ و میدان خدمتلریده اتمام  
 حیلله مر دانه اقدام تامله شرفیاب تکمیل انابت و کامران الباس خرقة ارادت اولوب انشای تحویل  
 خدمات شاقه ده به تحصیل معارف و علومه سعی کلی و مشق حسن خطه جد جملی ایتکه سایه سعادت  
 آدم صاحب دم قدسیده مأمون الغائله معاش و بی دغدغه بود و نبود اسباب تحصیل فائز تیل مر ام و کمال  
 ادب و خلوص اوزره خدمت و سلوک لری کند و یه سر مایه رشاد و بر در ویش لیب و ادیب اولوب جمله  
 امور آدمیه ده معتمد علیه و موثق به و عزیمت حرمینه لریده دخی رکب دار لری و بعد الوفا تریه دار لری  
 و مدت مدیده بایکاه صندوقه مرقد منور لریده دامنچین عزالت اولوب طرف روحانیت شریفه لریسه  
 توجه تام اوزره ایکن ناگاه اشارت رجعت وطن و نما اولغله الطاعه للاشارة العلیه صوب مشارالیه

حضرت مصطفی دوده  
 سلوک

مسارعت ایدوب قصبه مرقومه دخال زاویه مولویه اولان کوشه فراغت توشه ده قرار و وظائف  
عبادات و طاعتات مواظبت اوز ره ایکن خاتناه خجیه اسکو بد شخ اولان رحمة الله ده ده رف اولند قدده  
ابرام اخوان و خلائله خاتناه مرقومه نقل یوریای آرام و تعهد خدمات مشیخت و کیفیت مرقومه  
معروض غبه علیه جلای بوستان ثانی اولند قدده رجا لینه مساعده و خلافت مزبورده ارزانی میوریلوب  
الی آخر العمر اول مقام سامیده شمع انجمن فقرای باب الله اولوب مقام قدیلرینه نظر کرده لرندن  
در ویش حسن و ثانیادرویش مراد زاویه دار نصب و تعیین اولنوب انلردخی سایه حایه قطبانلریده  
اوقات صافیه گذار و قدر القدره و حسب الاستطاعه تسلی بخش طالین بلده مرقومه اولمشلردر  
\*(منقولستکه)\* اول پیر روشن ضمیر عین الجمع اخوان الصفا ایلده مجمع مشایخ و فقرای صوفیه  
اولان شخ یادامی نام بر عزیزل خاتناه لینه مدعو اولوب انشای صحیده شمع فانوس وجود و حال اشغال  
و رقص و مسماعه شروع اولند قدده شخ مومنی الیه حضر تلرینک عروق ذوق و صفالری حرکت کلوب مرکز  
دائرة حال اوز ره قائم و اثر اولند قدده از دیاد جوش و خروشله حرکت دوریه ممتده و شور  
وجود و حال بی سکنه کلال و حرارت جذبه لری مشته اولدیغین اجزاء دائرة توحید کند و ورده ظن  
ایتمکه و ذات شریف لری دخی نو دساله پیر اولغله عجز حرکت و سکون لینه منتظر لرایکن ناگاه قالب  
پیرانه لینه سرای قلب مرشدانه لرندن روزنه کشای قوت حال دهشت مآل و مرکز حالت زائده  
اوز ره دوار پرکار کردار اولوب سرعت حرکت دوریه لرندن ناشی کثرت عرق و وفرت دود دل و بخار  
بدنلری ایچنده قامت جسامت اقتدار و استقامت مدار لری مانند سرو دوار نهان اولوب پی اندر پی نعره  
عاشقانه و پشت زنای مردانه اولند قدده شدت روحانیه لینه تاب آور اولمیان در ویشان صوفیه برک  
خزان آسار یزان و بی تاب و توان و وجود فائض النور لری بنو تابدار از دیاد شور و سوز و دهن مبارک لری  
شتر مست و ارکف آرا اولوب لیس فی اندازة غیره دیار اولنجه سماع راهی گان اخوان و خلائله  
مقر سعادت لینه رجعت میورملری باعث انصاف و بادئ اعتراف اولند قدده متعجبان و حیرتزدگان  
طور مدته لینه ایشان فانوس بودند و مسماع بودیم بزور حرارت شمع فانوس تاب نیار و در لطیفه سیه  
مجلس مرقومه جلوه کراولان حالت اثر و عکس وجود لری اولدیغین تعریض و اشعار میوروب  
و مجمع مرقومه بولنان فقرای صوفیه نک اکثری اتهاز فرصت و استعجال انابت ایدوب صیت قدوم  
ولا بتلری حوالی کیر دیار اولمشدر \*(نظم)\* جسم خال از عشق بر افلاک شد \* کوه در رقص آمد  
و چالاک شد \* باز آمد آب جان در جوی ما \* باز آمد شاه مادر کوی ما \* جمله معشوقست و عاشق پرده \*  
زنده معشوقست و عاشق مرده \* دور کرد و نه از موج عشق دان \* گریه بودی عشق بفسردی جهان \*  
همچو سونک آسیا اندر مدار \* روز و شب کردان و نالان بقرار \* عشق جوشد بجزر امانند دیک \*  
عشق ساید کوه را مانند دیک \* صدق عاشق بر جمادی میزند \* چه عجب کربدل دانا زنده (مروستکه) \*  
اول قاف و قار و تمکین و سیرغ آشیانه خلد برین اوائل خلافت لرنده قدمای فقران در ویش عبد الباقی  
نام خام سر و پابرهنه کشت و گذار دار و دیار ایتمدن کرم و سر در و ز کار له پرورده ملوان اولتی کنند و دن  
مأمول ایکن جاده اهل وصول اولان خدمت کامل و مکملدن سرکش اولغله بی بهره پرورش  
اولدیغندن ماعدا اسیر اسقام کونا کون و یکدمه راحته حسرت ایکن تنور درون رافت مشکون عزیز  
مومنی الیه فوران شفتیه طوفان جوش رحمت اولوب کند و به تعلیم سماع و تلقین افضل اسماء ایدوب  
موجب امر لری اوز ره ملازمت سماع و صفادین و مداومت اسم الذات ربی الاعلادن مستفیض  
حیات نازده و مستفیض عافیت بی اندازه اولمش ایکن کرپور و کفسران حقوق اولوب نیجه بی ادبانه

یکدلانه ایذا رینه اصرار نما اولد بجه بوجه من الوجوه بندیدن راخوان اولوب آخر الامر دفعه بر عارضه  
 مهلسکه به مبتلا وز بان اعتداری دخی پای التجاسی کی بسته قیدی تابی اولوب هزار حسرتله مسارع  
 منزل فنا اولد یعنی مجلس عالیله رنده جسارت اسات آدابی و اصرار اذیت بولهی لری یاد اولوب محضا  
 بوکونه هلاک طرف شریفلرینه اولان بی باکلیکی و عقیده سنک نایا کلکی سبیلله ضربت تیغ غیرت لری  
 اولد یعنی یادیدن اهل خلوصه پرده کش روی کار اولوب مردان معرکه تحمل بدخیلان حرم اولیا  
 درشتی نکند لکن ایشان بسر مستی غرور بقیه انانیات خود را بصمصام عریان بی زینهار غیرت قهاریه  
 زنند و باسر شمشیر خویش اقتدع عنوانیه توریه بیوروب و قضیه نامرضیه اذیت لرنده همدست وزبان  
 اولان درویش اسماعیل دخی ترک زی هسی اولیا ایدوب خرب سابق نکستانه ملحق اولوب علی افج  
 الوجوه حیات ثانی و علی افضح الطرق ممات اول شاهین عدلین اعتدال مشرب ولایت سرشت لری  
 اولمشدر و هر چند مزبورین مد مرین طرف لرندن جانب جناب مروّت مآلیرینه قولاً و فعلاً کال بی ادبی  
 ظهور ایتسه قطعاً جین جین و ابرو و حرف مهممل آزار دیدن اولوب علی الدوام معامله بالبحاسله ایه  
 مقابله بیورملری اول یار مار طینت و جار کتر دم خلق قلمره باعث تجا و زحد و بادئی تجاسر وضع بد اولوب  
 مقدار ذره صغای وقت لرنه کدر رسان اوله میوب هر که کند بخود کند فحوا سنه ماضی اولمشدر در  
 \* (نظم) \* مارا چه ازین قصه که کاو آمد و خر رفت \* هین عمر عزیز است ازین عریده باز \* من غلام  
 انکه اودر هر رباط \* خویش را واصل نداند بر سباط \* بسر رباطیکه بیاید ترک کرد \* تا بسکن  
 در رسد بکر و زمره \* هر که نقص خویش را دید و شناخت \* اندر استیکم خود دده اسبه تاخت \* علی  
 بدتر زیندار کمال \* نیست اندر جان بد مغرور و ضال \* از دل و از دیده ات بس خون رود \* تا بتوان  
 معجبی بیرون رود \* (منقول است که) \* اول صافی ضمیر و الهام سمیر \* او اسط نوبت خلافت لرنده  
 صوفیه جالوتیه دن حق مخلصیه مدعو بر حدیث السن کسنه اسکو به استخلاف اولوب لکن هنوز  
 جاشنیکر ذوق اهل فنا اولوب بین الاهالی اولان رعایته مغرور و طرف باهر الشرف لرنه سماع  
 وصفایانه سبیلله حرف انداز اولد یعنی السنه صادقانه سمع شریف لرنه واصل اولد قده اکنون  
 اگر چه ملامت و شماتت کند لکن روزی باشد که ازین آستانه سلامتجوی کردد نفس مکاشفه  
 عنوانیه اشعار مآل حال بیورد قلمری زمان سیر مروریله متشیخ مرقومدن بر فضیحه غلیظه ظهور  
 ایدوب جمله علمای بلده قلمنه هجوم ایلد کلرنده کند و سیچون بر ملا ذر صین و ملجأ متین بوله میوب  
 آخر عتبه علیه لرنه انگیات ای غوث زمان فریاد یله چهره سای استغاثه اولوب دامن کرامت پیران لرنه  
 تشبث ایلد کده بعد المراقبه الیسیره کند و بی زی فقرایه قویوب تبدیل جامه بر کوشه خانها هده اخضا  
 ایدوب بعده عامه فقهها و مشایخ بلده دن رجا مند عفو جریمه سابقه سی اولوب خون پلیدن کذران  
 اوالمیلد درون شبد ه ترک بلده دایتسمیله افتناع و سلامتله نفی و اجلاس سنه مساعده اولمشدر که فی الواقع  
 اسکر استشمام شمه تشفی اولنسه راه رها من کل السموت مسدود و نطاق تهوور علما علی العموم میان  
 دل و جانه توست و مشدود اولمغله دفعه هزار باره اولوق مقرر ایدی و اول حق شهرت و باطل طینتک سمت  
 عالی لرنه اولان روی اهانتی کند و به سرمایه نسکبت اولوب طریقتدن بی بهره اولد یغندن ماعدافیا  
 بعد بلاد غریبده دخی پوریا انداز آرام اولد یغندن را حسیاب اوله میوب بقیه تند بادانکسار لر یله  
 تلاطم امواج خود نمایند غرقه کرداب پختاب و مردان خدا دانه سنه سنک انداز طعنه اولنله  
 سبب اعتبار اولمشدر \* (نظم) \* کرد خود بر کرد و جرم خود بین \* جنبش از خود بین و از سایه بین \*  
 فعل تو کرز اید از جان و تن \* همچو فرزندت بکیر دد امنت \* رخبر باشد سبب بد کردنی \* بد ز فعل خود







دائرة تعیشلری وسعت مستمر داوز ره دوران ایدوب دخیل حلقه رفافت و صحبتلری اولان دردمندان  
دخی کامران عیش خوش و روی بین مضایقه اولدن مأمون الغائله اولمشلردر حتی در سایه حمیدر  
غنیمت مقرر است حقارنده جاری مجرای مثل سائر اولمشدر و دار الخلافه بغداد بهشت آبادده مذکر  
عهد دخلنا اولان حسن پاشا حضرتلری والی رقه ایکن کمال اکرام و احتراملریله مظهر توجه  
خاطر فیض مآثرلری و وفق التوفیق نام بر رقه یاره لرینه نائل و اول حسرت الملک اولان داد کاهده  
اعوام کثیره مسند آرای استعقلال و نظام فرمای حوالی و مدار عمران دیار و بیقید انفعال عزلده  
انغزال اولوب فی الاصل کندولر سالک منهج قدیم قادریه اولمغله اقصى المرام عشاق اولان زیارات تربت  
مقدسه پیر طریقتی و خدمت فقر او در کاهی و بلکه عامه صعا لکة طرق اولیای کرامه اکرامه جالب  
سعادت دارین اولمشدر و علی الدوام مبد اقبیض و منشأ بسطلری اولان عزیز مشار الیه اکرامات  
ارسالیله لری منقطع اولوب فو بنو مستجلب میامن حسن توجهلری اولمشدر و صد ساله مهر  
و مستعد ذواق علمیه و عملیه و حائز اخلاق حمیده و فائز اعمال پسندیده و مورد ذکا و کرامت  
و قائم مقام استقامت خدمت فقرای درگاه اولوب منسوبان مشایخ اسلامیه دن ابراهیم افندی نام  
مقبلی کشیده قبضه تسخیر ایدوب ترک ماملک و اختیار تجرید و تقریدله تربیه و تنمیه بیور و ب و اخر  
حال لریده ولی عهدلری اولمغله شرفیاب و جانشینلری اولمشدر و کندولر تمام بضاعه عمر کرامیلریده  
عقد مجلس و صایای جزیه بیور و ب مفارق اخوان و خلانه نثار نفایس لدنیه بیور و ب صحبت اخیرلری  
مستعدین قبول انفا سه اکسیر سعادت اولمشدر که اول جواهر ثمنه دن جیب اختیار فقراده بولنان  
لائی ممکنه رسته کش منقبه نفیسه لری و یاد کار مشتاقین صحبت شریفه لری قلمشدر فان مطالعة  
الاقوال مسامرة القائلین و هی هذه آیها الاخوان و الاخلاق نستودعکم الی اشفق الرفیق هذا کم الله  
تعالی الی اسهل الطریق علیکم تصحیح النسبة و تخلص الیه و مناقب الاخیار و مسالک الا برار  
و التجنب عن جوار الاغیار و ارخاء الاستمار علی عرائس الاسرار و محافظه الاوقات من تخلل  
الا کدار و اغماض عن الالتفات الی مافات و ماهوات و اجراء سفینه السیر بنسائم الحالات فی بحار  
الشئون و الصفات و احکام الاحکام بقواعد الثقة و العفة و تأسیس الهمة بصفوا العقیده و صدق  
العزيمة فن أضاع الحال فقد أفلس فی المال فاسئلوا التوفیق الی أسباب التحقیق و استعینوا من  
مهالک التقليد فی برازخ التفریق و لا تقطعوا عن قوافل الفج العمیق و اعتبروا من منازل السابقین  
و مضایق القاعدین و اعبدوا ربکم حتی یأتیکم الیقین لله ذره و علیه أجره و مجلس اخیر لریده صحبت  
شریفه لرین و صیت منیفه لریه ختم بیور و ب بقیه صحبت بفردا ماندنطق لطیف لری الیه ضمننا فسخ عقد  
مجلسه اذن فرما اولدقده احباب منتظر فردا ایکن انلر جوار قرب و مقصد صدقه مبادرت بیور و ب  
مدفن مشایخ سلف اولان حدیقه السعداده مستعد الخاق یشقدمان اولمشدر علیه رحمة الرحمن  
و علی مجاوریه الروح و الریحان آمین یامن لا یخیب السائلین \* (حضرت دانشی علی دهده) \* اولاد  
بکار علمای استانبولدن ملازم و مدرس و مالک خانمان موروث ایکن سائق عنایت سابقه کندیوی  
حضرت آدم دهده و عرفی دهده مجالس عالیه سنه سوق ایدوب برکات صحبت مؤثره لریده رها یاب برزخ  
علائق مسوا و سائل طریق حضرت مولانا قدس سره الاعلی اولوب مدت مدیده عزیزین مکر مینک  
سعادت خدمت لریه مستعد اولدقده نصیحه زیارت استانه و لایت آشیانه مولویه الیه مستفیض  
و اول بقعه قدسیه دهده مدت سال متروی اولوب آخر حضرت حلیمی عبدالحمیم فوت خلافتده خبره  
قبرس بلادندن مدینه لک کوشه خاتمه مشیخته ارزانی کور بلوب سنین عیدیه اول جلوه کاه

حضرت دانشی علی دهده

حجرت قدسه لعلقه و قدس لعلقه  
در کاه خاتمه مشیخته

عاشقانه کامران عیش خوش اولوب لیکن آب وهوای خریزه مزاج لطافت سرشته لری نه ملایم  
اولمغله قدس مبارک خانقا هسه نقل بیورلق نیازی نه مساعده بیورلمغله اول حرم محترمه بقیه  
کذا اوقات اولمشدر فی حد ذاته عالم عامل و فاضل و ادیب و ندیم و شاعر خوش لهجه اولمغله بین فضلاء  
الحرم مکرم و محترم و علی الخصوص موالی و ولات فوق الغایه ذات طرافت سمانتری محبتنه ریوده اولوب  
حمله مجالس عالیه لریده ملترم الدعوه و ملا و جاهانوازش بیورملریله دائرة تعیش لری مجمع اسباب  
فاخره اعتنا و شجیه با احتشام اولمشدر که فی الحقیقه خانقا هه مزبورک اوقافنه بالکایه ضعف طاری  
اولوب بنگادر و یشه مایه انتعاش اولمه عسرت واریکن میمنت قدوم لرلیله مهبط انوار فتوح اولوب حالا  
بولنان آثار بسط انلرک بقایای میامن وجود فائض الجود لری اولدیغی مشهود علیه قدمای فقرادر کویا  
بولنر قدس مبارکده و علی ددهه حضر تری شام شریفه بر لرلیله نظیره اولمشدر انلر مجالس زب  
علمای شام اولدقلری کبی بولنر دخی محافل آرای فضلالی مسجد اقصی اولمشدر که حتملر نه موالی نصف  
شعار قدس شریفدن بر عارف قدر شناس مجالس مانی دانشی مباد بذله لطیفه سیله شاخوان  
اولمشدر که ینهماده ترادف معنوی و تفاوت لفظی مخلص لری حسب حال اتحاد ما لاری واقع اولوب  
کندولر لثرة فواد لری شیخ محمد یتیم ده ساله اولمغله شیخ محمد سیاهی سابعه سعادتده تربیت یاب و بالغ  
مبلغ رجال اولدقنه آستمانه حضرت سلطان دیوانی قدس سره انورانی و خانقا هه محیه انقره و توقانه  
مستخدم و طائف مشیخت اولمشدر حتی نودولتان حرم هر قومدن بر خود بین ضیافت خاصه موالی  
و وزیر ایدعوت ایتدیر میوب کندولر بدل اولقی او زره بعض ندبای عرب التزام اولمغله بالجمله  
قدر شناسان حرم یکدل اولوب چاشنی صحبت شریفه لری بی بدل اولدیغنه اجماع ایدوب مهین مخدولی  
سلک اشرا فدن اسقاط ایدوب نه کافی الا وائل دانشی حضر تین مقام التزامده اقامت و بقا ایلد کاری  
کیفیت پر عیبتن بوکله طبعه طبیعت هر هو نرلیله دیباچه زب صمیمیه یاد خیر ایتشدر \* (یت) \*  
درغ کزار معارف دانشی تبدیل یافت \* بیوجودش کرضیافت بی غلک باشد و است \* (ودخی) \*  
اول و رای برده نشین احتیاط صورت احتشام و تنه می رو بیوش کمال حال لری اولدیغنه مال بر ملال  
انتقال لری کواه بی اشتباه اولمشدر که قبیل الاحتضار حمله اسباب حشمتین بیع و ثمنین طعامیه فقرایه  
وقف و تعین ایدوب وجودنازنین پیچیده پلاس پار دقرو فضا ایدوب و یکپاره انس جنسدن دامچین  
کوشه عزلت و خلوت اولمغله تدارک شهوات مرور پل باریک و تیز فضا ایدوب بفضل الله تعالی توفیق  
مرام جان مستها ملریله مبشر و عبور لری میسر اولوب جانب آخر آخرته وفور سرور و نشاطله گذر  
ایتمشدر و طریقه العینده کنشمتکان خلعتای خداوند کاری به ملحق و پهلوی مشاهد منوره لریده  
آسوده خواب راحت بقا اولمشدر طیب الله تعالی مسکنه و فی غرف العون آسکنه آمین یا مجیب  
السائلین بعز و شفیع المذنبین فی یوم الدین \* (حضرت سلیمان دده) \* ایالت بوسنه اعمالدن قصطار نام  
قصبه ده اولاد علما دن شاب طالب العلم اولوب بعد وفات الابون بهانه طلب علمله شیرازه سیاحت ایدوب  
فضلالی شیراز دن تلمذ علوم متد اوله دنصکره خدمت شریفه حضرت شیخ عتیقه انجذاب ایله معتق رق  
هو او هوس اولوب اول فریاد رس در ماند کاتلر کات انظار حسنه لرلیله تکمیل حله مردان مولوی  
ایدوب شرفیاب تکبیر و خرقه پوش انابت و منتظم سلک اخوان طریقه علمیه مولویه اولمشدر و بعد  
وفات شیخه هو ادر سر و سیاحت و جوینده مرشد مکمل مولی نه منازل طلب اولوب موفق مساعی  
مشکوره و بر توفیق پندیران طریقت و انقیاد قائم صدق و خلوص ایله بهره مند و اقتضای الرسا بقین  
و حسن مرا فقت لا حقین و میامن خدمات اخوان و امداد قلوب کوشه نشینان ایله حضرت سید

حضرت سلیمان دده

خلیل الرهاوی عتبه علیا سینه رخیاب اولوب بقایای فضائل علمیه و عملیه سن دخی اول ساحه مال مال  
فیضده تکمیل ایدوب بشکطاش خانقاهنه شیخ اولوب بین الامثال زیور اذ کار جمیله ایله ممتاز اولمشدر  
وسنین عیدیه اول مستند سعادتده کامران مساعد روز کار اولمشیکن مشرب عالیبرینه اشتیاق  
زیارت حرم خداوند کاری وشوق طوف بیت الله غلبه سیه مقام اقامتدن قیام وشدنطاق اطلاق  
ایدوب رومال عتبه تربه فردوس رتبه مولویه وماندن نواز ان استاد مطبخ عامر سلطان العارفنده  
حله گذار و متحمل خدمات شاقه اولوب وگاه ویکاه آستانه کروی آشیانه حضرت شمس الدین  
تبریزیه ادای خدمت مشوخیوان ایدوب بعد استیفاء الحظ الا ورفران جانب حرمین شریفینه خدمت فرما  
ونزیر دمشق الشام اولدقه بقضاء الله الحکیم عندلیب دل نالانلری برکل کارار بهجتک اسیر دام  
تعلق اولغله محصور وروز و شب سمت قبله جمالنه توجه تام و سر کوبن طوافله مسرور اولوب قافله  
مجدن تخلف و دبستان محبوبه تلذذ قرار و یروب استناد مکتبه مراجعت و حروف هجاءن ابتدا  
ایدوب لهجه بشانقه ایله اولان تعبیرات غریبه سی مضحک اطفال و بلاد تنای طبع اولملری تعجیز خلفای  
مکتب ایتکله هر کس تعلیمدن بر ملال اولوب فقط حضور معشوقه کلد کده بر مقدار قابل تعلیم اولغله  
طرف استاددن مخدوم دخلواهی کندویه خلیفه تعیین اولغله قافله حج بنه شام جنت مشامه کلجه  
انحی حروف هجایی اتمام ایدوب ابجد خوان مکتب عشق اولوب لکن عزیز مشارالیه رفقا  
واحبابی تفقدگان ذهاب وایا بلرنده ذات شریف لردن اثر مایه ظافر اولوب غرات کیفی تلمی میانه  
اهل شامده مذکور اولدقه بدران اطفال مکتب معهوده دن ماجرای بلاد و فرط عدم قابلیت لری  
مسموع اولجه انتقال و تجسس حال اولوب اول علامه یکنه بی پیش طفل مکتبده ابجد خوان بولوب  
هر کس دست و دامن و سولرندن تبرک ایللری نقش نمای حالت کلمه لری اولوب طشت کار نقش لری  
بام اخفادن زمین ظهوره ساقط و بخیه راز در و نلری و رای پرده کتمانن آشکار و ماجرا لری نقل  
المجالس اولغله بدر مخدوم مسفور خبردار حقیقه حال اولجه اول با کاز بلند پروازی دعوت محبتخانه  
و تبجیل تام و اعتدال مال کلام واکاملرنده بذل خزانه اهتمام ایدوب یدایسدره فؤاد و صداقت نهادن  
حضرت شیخه تسلیم و مقیم خطه شام اولدقه نیاز تعلیم ایتکله مسئول لری مقبول و ملتسلی معقول  
کور بولوب الی العام القابل اول مقبل مسعودی تعلیم یوروب سنه و واحده ده مالک بضاعه وافر علیه  
و موسم حج شریفده کندولریله بجملة التواب عازم زیارت بیت الحرام اولوب سنین عیدیه  
مجاورند نصکره انلر رجعت وطنلرنه همت یوردقلری کی کندولردخی وطن ر و ج بر فتوح لرنه  
عازم اولوب ترک عالم فانی و اول خالک بالرحمتا کده اقامت الی یوم القیام اختیار ایتلردن و انشای راه  
و مجاور تلرنده یدارا اولان آثار بدیع ذات فائز الکر اما تلمی شکر بر اولسنه مستقلا منقبه مجلده  
اولقی اربابدر لکن روی علاقه ظاهره دن اظهار یوردقلری آثار جلیله باطنه ذوی البصائر  
و اولی الالبابه کافیه اولغله بحار ذخار کالاتلرندن رشحه یسیر ایله اکتفا اولندی و قس علیه الباقی  
(\* حضرت فرید الدین عطار میفرماید) \* دی بر سر خالک دلبری بادل ریش \* می باریدم خون جگر بر رخ  
خویش \* آواز آمد که چند کرب بر ما \* بر خویش کوی که کار داری در پیش \* (ودخی) \* اول مخدوم  
سعادت مند جامع فضائل جمه و محرم اسرار لدنیه اولوب بالذفات ترک و تجرید می ادا یلد کده منع یوروب  
کندویه انفع صورت تعلق روی پوش ایدوب شجر حقیقی و نشر فوائده علمیه اولدغین افاده یوروب  
اولدخی موجب رأی مکاشفه قرین لری اوزر زنده کافی گذار اولوب تأثیر فیض صحبت لری ایله حسن  
صورت و سیرتی حاوی و رای پرده قباده متواری و خاندان جمعیت لری الی یومنا هذا افضل و عرفان

خالی اولیوب جمله فروع بافر و غلری دخی محبت و ارادت فقر او زره محبوب و کالای حسن پاکه  
 مرآت تابناک ارباب حسن نظر اولنلر ماینده علم کش امتیاز اولشد در طوبی له و حسن مآب هذا  
 من فضل الموفق الوهاب \* (نظم) \* هر که را خوب و خوش و زیبا کند \* از برای دیده بینا کند \*  
 ترک معشوقی کن و کن عاشقی \* ای کجمن برده که خوب و فائق \* لوح محفوظست پیشانی یار \* راز  
 کونینش نماید آشکار \* رو بجویار خدای را تو زود \* چون چنین کردی خدا یار تو بود \* (حضرت  
 محمد دده) \* مدینه کوناهیه اهالی سندن علوفه حی زاده نردیم که معروف بر خاندان خاتمان دار  
 اولادندن اولوب بحسب الارث مالک اموال و عقار و افره ایکن ابراهیم دده حضرت تلیسک اسیر دام  
 ارادت لری و ککر چک صاحب صداقت لری و مال اولد ناملتزم خدمت پر حرمت لری و پرورده مقام  
 تسلیم لری و مستقیم فواید علمیه لری و سمت حسن خط تعلیمده محمود ثانی اولوب بتوفیق الملک الهادی  
 رفته رفته آینه جوهر جانی و مجلای خواص قدسیه اسراری و ولی عهدی و عقیلریده ختن اکرم  
 و جانشین اقماری و بقعه مبارکه ارغونیه ده اوضاع پسندیده ایله اوقات خوش گذار اولشد و زمان  
 مشیختلریده و زرای ایالت اناطولییده محب اولیا و معتقد فقر اولنلر اول مسکن مسا کین فراغت  
 آینه تعمیر و توسیع و غله و قتی توفیر و تسکین مر ادا ندری اینقدر برای آسایش چندر وزه بس است  
 عنوانیه ردلین بیورملری مفید اولیوب بلکه المرحر یصل علی مامنع فوا سیمیه تعمیر و توسیع لری ایله  
 اول دارالفقرا و معتکف الضعفا هم رنگ امکنه اغنیا اولش میکن مدت یسیره ده نه صورت قدیمه  
 و قالب فقیرانه سنه افر اغ اولنوب آثار تفریح صوریه لری کان لم یکن اولد قدیه ظاهر امانع خیر نما  
 اولشد که فی الواقع مقامات فقیرانه اسلاف کرامده اولان مینت و برکات معنوی مشاهده سنه موفق  
 اولان صاحب نظر غنبدنه تفریح صوریه منظور اولیوب انلرک مطمح نظر نافذی بسط معنوی  
 و صفای حال و فراغ بال اولدیغی بی شوب ریبدر که فی الحقیقه مسا کن ارواح عالیه قوالب مأمون  
 الغائله زب و زیور تتم و ترفه اولنجه مقامات قوالب تکانات طاهره او زره اولنق التزام مالا یلزم  
 و اشتغال غیر اهدن خالی دکادر علی الخصوص اهل فنا کسبینه بقا اولغله محل و مأوالری ویرانه اولنق  
 انساب و الیقدر اذا حصل عمران الباطن لا یضر خربان الظاهر و همهور الباطن اولان ملا میون  
 و مجازیات اکثر یا خراب نشین اولملری بو خصوصه امارت ظاهره در \* (نظم) \* قوم گفتندش که او را  
 قصر نیست \* مر عمر اقصرجان روشن نیست \* کچه از میری ورا آوازه ایست \* هیچ و درویشان  
 مرا ورا کثره ایست \* ای برادر چون بینی قصر او \* چونکه در چشم دلت رستست مو \* چشم دل  
 از موی علت بال آر \* وانسکهان دیدار قصرش چشم دار \* (ودخی) \* هر چند دارالاماره  
 کوناهیه ده آسوده مشاهده مقدسه اولاد کرام مولویه ده و زرای معدلت آیین مشاهده عجایب آثار  
 ایلد که طرف کوه پر شکوه طریقه علیه مولویه محب مخلص واکرام و احترام لری نه بدل همت آصفانه  
 و دیار سائر ده اولان مولوی خانه لره قیاس ایله تسمیر ساعد تعمیر ایلد کلرنده نوبه بعد نوبه بمجاده نشین  
 خلافت بولنان مشایخ عظام بطور قدیمندن تحویل مناسب رضای شریف و حانات اولیای بقعه  
 مبارکه ارغونیه اولدیغین تجارب سابقه صادقه ایله اثبات و افاده ایدوب طریقه تعمیر و توسیع معدن  
 قصرید و طرق سائر ایله استیلاب فیض اسرار قدسیه لری نه قرار داده اولوب دقیقه مر قومه دن غفلت  
 ایله توفیر غله و قتی و تعمیر دائره خانه شاه بدل مقدور ایدنلرک آثاری ربوده سیلاب حوادث و زمان  
 قلیلده محو و مضحی اولوب نه اعمال و فقیه لری و انبیه اثره لری منوال قدیمی اوزره بقا اولنمی  
 بالذات جلوه کرمیدان تفریر اولشد در حتی بوقعه برتتصیر لزمان خدمتده نیجه رجال دولتک اموال

حضرت محمد دده  
 کوناهیه ده اولنلر ماینده علم کش امتیاز اولشد در طوبی له و حسن مآب هذا

مندوره سبيله ووزراى اوقاتك هم تلمريله تجديد و تعمير مراد اولند بجه \* تجرى الرياح بما لا تشتهي  
السفن \* مضمونى بيدار و مانع تجديد در وديوار اولوب اول مقوله اموالك دائره لريسه صرفى قبول  
بيور ميوب فقر انك مانند ترميم خانه بودردا اولان خدمات تعميره لرى قرين قبول و پذيراي حصول اولسى  
من طرف الروحانيات اشارت مقرر قضييه محكيه واقع اولشد و خصوص مر قومده استفسار  
اسرار كارايدن لرى عزيز مشار اليك مر شد مكمل لرى اولان ابراهيم دده حضرت تلمرى و يردىكي پاسخ را سخ  
اليه مطمئن القلوب ايشلردر كه انلك زمان شر يفكرنده تسكى مصطفى باشانك دكا كين موقوفه سى  
سبيله و انبياء زانده قدر السكن دخی زلزله خاصه اليه خراب و دفع اولدقه الحمد لله الذى خلصنا عن  
الفضول وابقا ناعلى ما عليه أهل القبول عنوان قناعت نبينا اليه باشاقت فرما و انبساط نما اولدقلى  
محير افهام قاصره اولنجه شرح ممكن كنوز رموز بيوروب \* يامن اطمان تفريح المقام و فضول الطعام  
فاعتبر من مآل ذى الحال من الانام و اقتصر على ما ضمنه الله فى الايام و اضطرب على سنة الفقير كى تقوز  
بكنز لا ينقد و اغتنم الثقة بالرزاق الكريم و عش خالى البال من خوف العسر و رجاء اليسار  
فان ازمة امور الكل فى يد قدرة الحكيم المتعال لا مانع لما أعطاه فالاسباب تشغل عن المسبب الوهاب  
عليك باللازمة و عليه فتح الابواب \* كلمات قدسيه لريده تعريض نصيح آميز و ارشاد صفا انكيز و معامله  
قدرت و حكمت صمديه خرب فقر االيه لطف قهر اندود اولديغين و اختبار حكمت خفيه اغنيا اليه قهر  
لطف اندودايد و كين تحقيق بيور مشلردر \* (نظم) \* كاردرويشى وراى فهم تست \* سوى درویشان  
عنكرست سست \* زانكه درویشان وراى ملك و مال \* روزى داريد ژرف از ذوالجلال \*  
امتحان كن فقرار روزى دوتو \* تا بفقر اندر غنا ينى دوتو \* كنجهارادر خراى زان نهند \* ناز حرص  
اهل عمران وارهند \* بردل خود كنه اندیشه معاش \* رزق كم نايذو بردر كاه باش \* ما آب روى خود  
بدرشه غمى برىم \* رزاق شه كه هر چه دهد بنده را بس است \* پس ديار سائر دده اولان خواتق مفرجه  
وسيع الوقف مأمون الغائله مكر و اختبار اولمق لازم كوردو سوال وارد لريسه دخی نعم اذا اطمان  
الساكنون بها فقد غفلوا عن تلاعب مقام المقابر والا فالجميع سواء ومع هذا قدر الحاجة أسلم  
وأولى انفس نفيسه لريده توجه مرام و ترجيح افضل مقام ايشلردر \* (ودخی) \* اول پير يشقده مان  
جاده خرم و احتياط كالاسلاف مستفيد فوائد من حيث لا يحتسب و زند كافي رشك آور منه و مان سعه  
معاش او زره مستفيض عنايات خفيه حضرت مسيب عم انعامه و جم احسانه اولوب درویش  
جع فرنام بنده لرين زير قاده حمايه لريده پرورده حسن نظرا ابتداء اثر ايدوب انواع معارف و اصناف  
هنرا اليه سرافراز لا سيما سمى خط نسخده شيخ وقت مر تبه سنه ترقى ياب و من بين الاقران ممتاز اولدقه  
ولى عهد ولا يتلمرى و چراغ افروخته دودمان هم تلمرى و خير الخلف عقيلى لرى اولوب انلردخی مقام  
خلافت بقعه مباركه ارغونيه دده مقدر پنج سال بهره ياب حسن حال و لطف مآل اولشد و فى زماننا  
هذا وادى مشق خط تعلیق و نسخده دستياب مفاتيح الرزق بولنان هنرمندان اخوان و خلان بقيه احيا  
کردگان مر قوماند سلف و خلف زمانلريده كامران حسن سلوك وى نیاز عطيه ملوك و بر و مندثرة قلم  
فتوح رقلرى و معتنم مثنويات كابت و اسباب كفايتلمرى اولوب آخر الامر دست اجل طومار عمر لرين  
طى ايدوب گذشته كان اقارب جوارلريده خريده بيعوله لحد اولشدرد نور الله قبورهم و يسر فى الموارد  
أمورهم \* (حضرت خليل دده) \* موصلى الاصل و فاضل متخير و عالم متورع و كامل متجرب و انماى سير  
ديار و اوان سباحه اعتبار مدارلريده حسب الاقتضا جانپولاد پاشايه خواجه اولوب بين العزل  
والتصب انلرا اليه هم عنان تماشاى آثار و سوق خير و منع شراو زره حسن امتزاج و لطف ائسلا فى

حضرت خليل دده

متضمن یار غمگسار لر ی اولوب بقضاء الله تعالی انلر مسافر عالم باقی اولدقه یونلردخی اختیار ترک  
وتجربیدایوب حافظی دهده حضرت تلیسک زانو ی اراد تلیس نه سرداده انابت وجهت علیای نسب  
ترکیلریده اولان عرق طاهر جبان ومنتظم سلک سلوک مولویه و مجموعه کالات ظاهره و باطنه  
وعقوب مرینی مکملریده بجوی خانقاهنه شیخ اولمشدر وتلیسیات وانی مزورایله وزیر وزیر قهره  
مصطفی یاشا انکر وس سفرینه حرکت اثناسنده مال پر ملال حرکت منخوسه سی آینه مکاشفه لریده ر و نما  
اولغله خدمت مشیخت مر قومه دن استعنا ایدوب آستانه سعادتده مدت مدیده حجره نشین انزو اولوب  
ا کردرگاه ولایت دستگاه حضرت شمس الدین تبریزیده واکرم واجهه حالت فزای حضرت پیر قدس سره  
المنبرده خدمت بر حرم مشو بخوانیده مستخدم اولوب جوامع شریفه سائرده ده دخی مجالس وعظ  
وتذکیر پیر اولمتجای علما و فضلا ومستندای جماعات احبا ومشکل کشاوتسلی بخشای فقر اولوب بعد  
السنین احرام بند عزیمت حرمین شریفین وذهابری طریق شامدن وایایلری راه مصر دن اولغله مدت  
کثیره خانقاه مصرده دخی صفای و قتله کامران وسنت نسکاخله متسنن و برثره فوادله قریب العین وقیل  
رخصت السماعده ینه قبله العاشقینه متوجه اولوب کافی الاوائل اول جلوه کاه قدسیانده شمع انجمن  
مربدان ومحبان ایکن درون وارد مشکونلرینه داعیه مشق سماع غلبه سبیله صبح ومسا حدای باب  
سمین خداوند کاریده ادمان حرکت دوری ایدوب وبعض طابینی دخی تشویق وتعلیم واسباب سماع  
وصفای کافی تقدیم ترتیه همت واقدا ملری اثناسنده رخصت سماع بر صفای ناطق امر پادشاهی  
ورودندن مقدم منجم احمدده ده سوقیله عقد اولنان مجالس حالات ومحاشر مخلصین صداقت آیاتده  
بلانقصان لوازم مهمه سماعیه آماد بولند یغی احمدده ده حضرت تلیس نه عجب فرما اولدیغی تهیو مر قومه  
بادی عزیز شار الیه همتی اولدیغی مسموعلری اولنجه (من منجم مصیب درین زمانه همان خود را کمان  
داشتمی فامادر و رای پرده خمول چه هنرمندان ودقیقه شناسان مترصد هنگام اقبال وسعود بوده اندی  
عنوانیله قوت استخراج تجمیمه حمل ایلد کبری معلوملری اولنجه (بیت) این نه نجمست ونه رمل است  
ونه خواب \* وحی حق والله اعلم بالصواب \* نظم شریفیله ترنم ریز زیارت شریفه لرینه کلد کده در ونلرنده  
جلوه نما اولان فکر تخمینی ورشک تخمینی مکاشفه سندن بالکویه بوده شیوه محبت وصحبتری  
اولوب بلاد ثلاثه خانقاهلریدن رغبتلرینه سزا اولان آستانه نک مشیختی کند ولره ار زانی کور یلک  
رجاسنه دست بر سینه پیمانیچه بوستانی و نیاز لری قرین قبول اولوب عزیز مشار الیه دن محل صفای  
خاطر فیض مآثر لری استفسار اولندقه صفای خاطر بنده در حقیقه الارواح است رهنز مد هشر یله  
مقابله بیور ملری بعد زمان منصفه پیرای ظهور اولمشدر وابتدای برم مقابله شریفه ده نعت وآیین خوانی  
کند ولره مخصوص اولوب پای حالتلری بیرون حلقه حرکت دوریه اولغله اقدام ایام معدوده ده متعدد  
نعت وآیین خوان تعلیم ایدوب بعدده دخیل دائره سماع وصف اولمشدر وحسب المرام راه عاشقانده  
تکاپوی کاینیغی دنصکره یار جان وآرام جنا نلری اولان استناد منر وحید العصر وفرید الدهر خلیل  
افندی رحمه الله وفاقی عقیمبنده خلیل از خلیل پس ماندن بموجب ان لم أمت یوم الوداد ناسفا \*  
لا تحسبونی فی الموتة منصفقا \* مناسب شمیمه خلت نیست عنوان رحلت تبیانیه تهیو پیر وی اثناسنده  
جمله موجوداتن مرشد کماللری کبی چلیبان وفقرایه تقریق ایدوب وکتب نفیسه لرین مستفیدین  
مولویانه وقف ولوازم سفر اخر ویرینه کفایت ایدن مرتبه ای امسال ایدوب خلیل سابقه لاحق وحقیقه  
الارواح عارفان وعاشقان وپهلوی مرقد پر رحمت مرشد لریده کوشه کزن وحدت خانقاه بقا اولمشدر  
أفاض الله تعالی سبیل الروح والریحان علی مشهوره المقدس وأتم احسانه بکمال العفو والغفران آمین

یا من یساعدا رجاء السائلین بمجه وکرمه فی الدنیا ویوم الدین\* (حضرت محمد دده)\* نقد وقت حضرت  
جنونی دده اولان صالح دده حضرت تلرینک حامل سر ولایت و وارث کلمات کرامت لری و جامع اشتات  
علوم و معارف و حاوی اخلاق حمیده و صاحب اوضاع پسندیده اولوب پدر والا کهر لری نه خلف  
الصدق و مقام عالی بنده سجاد نشین خلافت مولویه و منشأ کرامات بییه اولمشدر و دیدار خرسید  
آثار لری و شنای دیدۀ هجران دیدۀ ایام والد ماجد لری اولوب صالح دده حضرت تلری خدمت  
شریفه لرندن نامراد و نارسیده اولنلری ملازم وظائف ارادت لری و ملتجای سایۀ دردمند پرور لری  
اولغله برکات انظار حسنه لرلیه بر مراد و پرورده لطف تربیه لری اولمشدر و زمان خلافت لرینده دائره  
همت لری دار الشفای علل و اسقام صوریه و معنویه اولوب دردمندان جسمانی و مستمندان روحانی  
حرز و تعویذ و دعای خیر و نفس زنده حیات بخش لریله کامیاب و مستفید فواید موالد کمال ذات لری  
اولغله عاتقه اهل النک توجیه قلوبی و صداقت ترددلری شرکای صناعت رشک فرسا اولدقه عزیز مصری  
نور مشهده شیرزاده شیر و پیرزاده پیراند که بکشف و کهوره شیر کیراند دم تأیید توانملریله سدر خننه  
افواهد خواه و فضائل کسبیه لرندن ماعددا کلمات و هیئه مادر زاد یلری نه تنبیه بی اشتباه بیوروب  
روز و شب الفت و صحبت لری نه رغبت صافیه غما اولمشدر لری لایعرف الفضل الا ذوه حتی طرف حساد  
فساددن بعضی لری ابتلای عوارض مزبجه ایله ناچار استمداد شفا صدندند و نذر و افرایدوب بعد البرء  
والشفایوفا اولملریله بنه (ان عدم عدنا) مصداق بجه عارضه سابقه زائله لری عودت ایدوب بالضروره  
جانب وفای نذر مبادرت و استمعنا ی قصور لری نه مسارعت ایتملریله این در که مادر که نومیدی نیست  
خواسنجه عذر لری مقبوله و عذر لری معفو له اولوب عارضه لری زائله و حسن توجه لری شافیه اولغله  
اغلب متعلقات حساد منجذب طرف باهرا شرف لری و مرید و محب لری اولدقه عزیز مشار الیه علی  
سبیل المطایبه این محروسه بروسه ما عجب دیار نیست که اجنه و امر اضش نیز نفس پذیر و سخن  
فهمست که ارباب نفس هر چه فرمایند آن کنندا کر بکیر کوبند بکیرند کرها کن کوبندرها کنند  
نفس انفس لریله طائفه معهوده به تعریض و تقریع بیورور لرایدی مع هذا کنند ولک قوت تصرف  
باطنه لری نه شواهد الثبوت ایکن نعل باز کونه نما و تستفر ما اولور لرایدی و بوقفیر برقصیر انشای  
سیما خنده کرار امتنم و جوه کرم صوری و معنوی لری اولوب نوبت اخیر قریار تمزده رققا فرایله عازم  
زیارات مشاهدائمه کرام ایکن پیمانچۀ نیاز لرندن همت و حواله خواه اولدیغزده درویش ثاقب  
این جهان کردی و کوه و دشت پیمایی بس است بعد ازین رو بجای خود نشین نفس نفیس لریله امر و نهی  
بیورملری خلاف رأی دماغ سود ازده فر اولدیغی حسبله کوش صدقه اصغا اولم یوب نه عزیمت  
سابقه اوزره اصرار له متوجه صوب کوتاهیبه اولوب بحکمة الله تعالی و به مته رجاله بقعه مبارکه  
ارغونیه دده اثر دم بنخودانه لری جلوه کر اولوب بیهوده کردی دیار دن آسوده و سایه سعادت یلر لری نه مظهر  
عواطف روحانیه لری اولدیغز مهر منیر خرم کاشفه اولملریله کالتم لریله البدر بنه ظاهره در  
\* (ودخی)\* اول حکیم رصد مراعات احوال هرگاه که بدر ویش و محبی پر شوق و انبساط مشاهده  
بیوروب الآن نلت ماتمتیت فالزم الشکر چه اساس گر خانه حقیقت همین ذوق و صفا و انشراح  
و انبساط و ماعدا الم و کدر و ضیق و خباطت حسن تعبیر لریله اول عاشقه تنیه بیوروب و بفضل الله  
تعالی اوقات لطیفه لری نطق شریف لرینده تضمین بیوریلان عنایات اربعه گذران اولوب هموار وجود  
فائض الجود لری مظهر انوار اسماء مقدسه باسط و فیاض و فتاح و شکور و ودود و لطیف و کریم اولوب  
اکدار وجود و همیدن مصون و نسایم عنایات کونا کونه شکفته خاطر و علی الخصوص کلن



ذات لریدن سر زده شیخ محمد و شیخ صالح نام ایکی غنجه کازار قدس له قری العین و هر بری ظاهر او باطنها  
 مستحق خلافت مولویه و شیخ صالح عقیلریده و شیخ محمد عقیب شیخ صالحده مسند آرای مشیخت  
 آباء کرام اولمشدرر حبسدا الاصل ونعم الفرع کندولر مستحق اریکه خلافت اولدوده والد ماجد لری  
 شیخ صالح حضرت تلی خانقاہ حیات مستعارده سر اولوب عزیز مر قوم مقام والد مر شده قائم اولدیغی  
 کویا بونیده دخی دستور العمل قلوب نوبت اولی عکسنه شیخ صالح شایسته صدر خلافت اولدوده  
 شیخ محمد میدان ظهور دن غائب و تربیه فردوس رتبه حضرت جنونی و پهلوی مر قدیر قدسی کهر لریده  
 و حلقة گذشتگان مولویه ده حاضر اولمشدر انا را الله تعالی براهین سوابقهم ولوا حقهم یوم لابرهان  
 الابرهان آمین بحرمه حبیب رب العالمین \* (حضرت رحمة الله دده) \* دیار روم ایلیده سیر و زنام  
 بلده خاکندن و طائفة ائمه و خطباء دن اولوب عدنی دده حضرت تلی وجود فائض الجودی ایلخانقاہ  
 مدینه مرقومه نمونه بیشت عدن اولدیغی اوقات لطیفه ده طوطی طبع و قادری کستان دائرة معارف  
 مدار لریده آشیان ساز اقامت اولوب و مرآت برصفوت مشرب عالم لریدن تلذذ نطق بلیغ ایدوب  
 صاحب آثار منظومه و منثور و آب روی و جوه اهلالی و مقندی و استناد مستعدین طلبه ایکن  
 ترک امامت و خطابت و اختیار خدمت عدنی ایدوب بعد تکمیل چله مر دان مولوی سرداده زانوی  
 ارادت لری و شرفیاب تکبیر انابت و کلاه و خرقة پوش طریقت صدیقیه اولوب عدنی دده حضرت تلی  
 بلغراد خانقاہنه نقل اولندقدہ رحمتی دده مقام لرینه استخلاف اولنوب بعد زمان اسکوب و کیولی  
 خانقاہ لرینه شیخ اولمشدر و دار الخلافه لری اولان خوانقده حسن سلوک و اخوان و خلایقه لطف  
 آمیز شلری کندولرک بولندقدری محاله رحمت اولدقدین مثبت اولمشدر و مدت مدیده آستانه سعادت  
 حضرت پیر قدس سره المنبرده دخی حجره نشین فراغت درگاه شمس الدین تبریزی و مواجعه سلطان  
 العارفینده مشونخوانی خدمت پر حرمته ارزانی کوریلوب پای منبر معارف کستر لری مجمع فضلا  
 و عرفا و سمیت تقریر حضرت مشنوی شریفده لذت تعبیرات رائقه لری هنوز دماغ اهلیده جایگیر واذ کار  
 جمیله لری وردز بان صغیر و کبیر اولمشدر \* (ودخی) \* خانقاہ اسکو ب مشیخت لری آوان  
 استیلای اشقیای انکروسه مصافحه ایتمکله قیل الوقعة الوقیعه جملة اوانی و کتب و فرش موقوفه فی  
 تحمیل و صاحب تسلیم بولنان اخوان و خلایق ساحة سلامت و منزل اقامت لری اولان بلده کیولی یه  
 نقل و اخراج ایدوب حضرت اغازاده زاده الله تعالی رحمة و رضوانا سایه سعادت سایه لریده مسافرة  
 ساکن ایکن ناگاه منشور خلافت و تصدیق مشیخت لرینه مجبور الحاطر اولوب ناخست و سوخت اعدای  
 دیندن امین اولملری برهان انبیا و امارت اکاهی اولمشدر \* (ودخی) \* قیل الانتقال مخدوم  
 اکملری و ولی عهد الخملری اولان شیخ محمدی عرض حال سربهر و هدایای درویشانیه ایلہ بالفعل  
 اریکه نشین خلافت عظمای خدایوند کاری اولان چلبی سید محمد عارف سده سدره رتبه لرینه  
 ارسال ایدوب عرض حال مهور لری فتح و قرائت اولندقدہ کندولرک انتقام ناطق ورجای مشیخت  
 حامل عرض حال حاوی بولمغین مساعده علیه لری درکار و فرزند ارجمند لری مقام لرینه ارزانی  
 کوریلما محض ثمره رحمت و ختم طوما رکرامت لری اولمشدر و آثار نظمیه لری بین العرفا پسندیده  
 و جراتد زب فضلا و بلغله نائل اولدیغیز اشعار بلاغت شعار لریدن مناسب حال فقر اولمغله بوغزل  
 زیبای حقایق احتوالری حسن خاتمة نفیسه منقبه لری و یاد کار طباع سلیمه و جوینده آثار رحمة الله  
 العلی قلمشدر \* (غزل شریفش اینست) \* الصلا ارباب شوقه آچیلوب میدان هو \* طویدی  
 سرتاسر جهانی پر توجولان هو \* کیردی اهل وجد و حالت بر برینه عشقه \* باشلری صالیدی ایاغه

حضرت رحمة الله دده



کردش چو کان هو \* انفس و آفاق غرقه موجه عرفان ایدوب \* جوش ابتدی هر تور سینه دن طوفان  
هو \* آدم و عالم اولوب پرکار دور دایره \* ثابت و سیاری بکرنک ایلدی دوران هو \* بیرونای و قدوم  
و سینه چال و زخمه خوار \* اولیق استر در دمولانا ایله مردان هو \* مشنوی و مولوی شیر و شکر در برمنه \*  
حسرت الفردوس در عیش خوش رندان هو \* اول و آخر ایله چون ظاهر و باطن اودر \* رحمتی اولسه  
نوله دل کوهر عیان هو \* و ولی عهد و لایق تیری مستور الحال رو بر ازیارت آستانه سعادت ایلد کده  
مزاج شیر یغریزه انحراف طاری اولوب هفته سنه انلر دخی راهی درگاه دردمندان پناه خداوند کاری  
اولوب نعش عنصر یلری آویخته میخ فنا و عندلیب روح روانلری پران کلشن بقا و قبر شیر یغری  
میان امر اقدمشایخ گذشته دتسویه اولنوب انتقل رحمة الله الیه انکسکة لطیفه سی خبیثه قوتلرینه  
فال توریة مآل واقع اولمشدر ضاعف الله تعالی مدرار بحب افضاله علیه و علی اسلافه و أخلافه آمین  
بحرمة السید الامین \* (حضرت سیاهی مصطفی ده ده) \* خاک از خیره قبریس اولوب دانشی  
علی ده ده خدمت شیر یغره تربیت پذیر و سکه پوش و بنوازیده صاحب مهارت و سیما پر وجود و حالت  
اولوب میر یلری خانقاہ قدس شیر یغره نقل اولند قدس مائل سیر و سیاحت اولوب آستانه سعادت  
حضرت پیر قدس سره المنبرده تکمیل حله مردان مولوی و آستانه ملائک مطاف حضرت دیوانی قدس  
سره النور ایلده کمال زاده شیخ ابو بکر افندی سایه و لایق تیرینه التجا ایدوب اول پیر شفقت تدبیر خدمت  
پر حرمتلری کندویه اکسیر سعادت اولوب فیض حسن نظر لر ایله خبر دار عالم اسرار و مانند پرکار  
کنند و اثره سنه دوار اولغله سودای تماشای دار و دیاردن آسوده و قید سودوز یاندن فارغ البال  
بر عارف اگاه صاحب حال و لفکوشه و کلیولی و مصر خانقاہ لرینه شیخ اولمشدر و والد لری حبشیه  
و کندولر اسمر اللون اولغله بین الفقرا شهرت سیاهی ایلده مدعو و قدر مشترک آثار نظمیه انشاسنه  
موفق و صدر نشین مشیخت اولدیغی بقاع متبرکه ده نظام حال تمکین مآلله اوقات کذا را اولوب سکه دار  
ارادتلری اولان اخوان درویشان مستفید برکات تربیه لری و اکثری احراز مقام مشیختله  
برخوردار و زمانلرنده حسن سلوک و طول عمر له ممتاز و ابوالمشایخ عصر لری اولغله سرفراز اولمشدر  
و نوبات متوالیه خانقاہ مصرده اختلال امور و قفیه و سکان خانقاہ بینلرنده شقاق و خلاف تکون  
ایدوب مورث فساد کونا کون و بحضوری فقر او مشایخ و احبابه مفضی اولغله بالدفعات دفع غائله  
ممتدیه ایچون خواتق آخردن مشایخ نقل اولنوب تصحیح نظام مراد اولند بقه مفید مرام اولوب  
آخر الامر اول پیر الهام تدبیر و توفیق سمیرک نوبتلرنده فیصل راحت انجام میسر اولوب بعد حصول  
المسئولیه استعفا لری موجب بجه مقام قدیم لری اولان لفکوشه خانقاہنه ارجاع اولمشدر حتی  
نوبت مشیخت مصر یلرنده بونا کپای فقر ادخی دخیل حلقه جمعیتلری بولنوب ارباب معارفدن  
منجم احمد ده ده و سید نسیم ده ده و عرب خلیل ده ده و وهبی ده ده و درویش محمد حبیب  
ودرویش احمد حبیب و درویش خضر خنمدی و سایر همکار معارف لری بولنمان همدمان نوادر  
دورانله کامران عیش خوش اولوب هنوز لذت صحبت حسرت العرفا لری دماغ جان مستهامده جایگیر  
و سبب یاد ایام خجسته نظام اتحاد انجاملری اولمشدر \* (نظم) \* یاد باد انکه سرکوی توام منزل بود \*  
دیده راروشنی از خال درت حاصل بود \* یاد باد انکه نهانی نظرت بامان بود \* رقم مهر تو بر چهره ما میدا بود \*  
روز وصل دوستداران یاد باد \* یاد باد آن روز کاران یاد باد \* و چند روزه ذوق و صفای اتحاد لری  
چندر وزه زخم زده روز کار اولغله منجم احمد ده ده ایله بینلرنده ناز و نیاز تخیل و سلسله اتحاد لرین  
خلل پذیر تفرقه ایتمکه اخوان و خیلان فریقین اولوب وهبی ده ده جنابی عزیز مشارالیه پیر و انکان

حضرت سیاهی

مصطفی ده ده

در زمانه اولمشدر و در زمانه اولمشدر

بی پروای شمع ارادتلرندن اولوب انجمن منجمی به دعوتله فرقه خلافة الحاق مراد ایدلری بالبداهه  
 یونوزاده طبع وقادریله دفع ایتسی طرف باهرا اشرف مریرینه مرفوع اولدقدہ مسؤلستکه مضمون  
 گفته اسرار عنایت خفیه ضامن باشد عنوانله مظهر همت علیه لری اولد یغی همان ساعت جلوه کر  
 مرات حاللری و سرمایه حسن ماللری اولمشدر که اول وارد غیبی ضمیمه عقد ذکر جیل و غوبه وصف  
 خزیلری قلمشدر \* (بیت) \* آب خضری که لب اسکندر بر اثر نکرد \* و هبی دل تشنه ازادر سیاهی  
 یافته است \* آخر الامر خلیجان تفرقه لری مبدل فراق اولوب احمدده ده احبایله طرف حرمین  
 الشریفینه توجه ایدوب سیاهی دده اصدقا سیمیه مقاملرنده بی دغدغه خلاف ثابت و کما کان صفای  
 و قتلہ کافران و بین الاخوان و الخلان قطب مدار حسن زیند کافی اولمشدر لکن انابت کرده لری اولوب  
 نکشت عهده و متخلف جاده وفایه جرائت ایدلری بهر آثار طریقت و محروم حسن عاقبت و اخلافة  
 عبرت اولمشدر رد نعوذ بالله من شرور أنفسنا و سيئات أعمالنا و مفاصد أخلاقنا انه هو المغيث الدافع  
 الحفيظ \* (نظم) \* آن گروهی که ادب بکر یختند \* آب مریدی و آب مردان ریختند \* کرچه شه با تو  
 نشیند بر زمین \* خویش را بشناس و نیکوتر نشین \* بیش یوسف نازش و خوبی مکن \* خزیلار و آه  
 یعقوبی مکن \* معنی مردن ز طوطی بد نیلار \* در نیلار فقر خود را مرده ساز \* تادم عیسی ترا زنده  
 کند \* همچو خویش خوب و فرخنده کند \* تقص میثاق و عهد و از احقیست \* حفظ ایمان  
 و وفا کار تقیست \* چون درختست آدمی و بیخ عهد \* بیخ را تیار می باید بجهد \* عهد فاسد بیخ پوسیده  
 بود \* و ز غمار و لطف بپریده بود \* (ودخی) \* ثمره فؤاد مسکنست معتمد لری شیخ محمد عارف هنرمند  
 صاحب حیمت ظهور ایتکه بعض قدر ناشناسان غدر اندیشا نال بالاتراز سیاهی رنگ دیگر نباشد  
 فحوا سجنه بهانه سمیرت لونه حق پدیر یال کوه لرزیده اولان خرده کیر لکیرینه مقابلات هجو به انشاسته  
 تحذید شمشر طبع آتشپاره لرینه شمیر ساعد اقدام پیور ملری باننده سد باب مساعدده ایدوب  
 در میدان مهاجرات باغیر میجد کور بربری مردی نیست مردی آنستکه او را بدین بیت فقیر جواب دهی  
 و بکناری دملریله بند پیرانه پیور و بده ایه یونفچه لطیفه لرین سامعه نور باصره لرینه یاد کار ایتشدر  
 (بیت اینست) سویدانی زیان ایتسیاهی کرم عشق اولسه \* ندر سود سپیدی رنگ طبع سرد کافوره \*  
 توفیق الله الهادی چشم لطیف لری مانند حضرت لقمان و بلال رضی الله عنهما طاهر امشک فام و عنبر  
 کون اولوب و باطنادخی فوایح مستکبه و خواص عنبریه ایله مشام و کام اهل انصافده نشا لطبخش  
 تطیب و تفریح فرمای نظریب اولد یغی کبی کار طریقت و تهذیبده و سفید و بخت خدادادله سعید  
 و کویار و ج پرفتوح و روان ولایت نشا نلری میان بزم عاشقانه محمل سیمیه پوش برد لبر ماه جبین و مهر  
 رخسار و عین الجمع ارباب بصائر و ششنا بخش دیده اسرار دیده اولمشدر و شصت سال خوانق  
 مرقومه دادده مشیخت اولوب نهایت سن که ولت لرزیده مخدوم اکرم و حامل سرانخملرین تاج پراتهاج  
 ولایت عهد لریله سرافراز امتیاز ایدوب کنند ولر سیاهی فزایه افول پیور و اول نور دیده  
 اخوان الصفا شمع انجمن حلقه خلان الوفا و مسند خلافتده کار فرمای خوب رفتار و شیرین گفتار  
 و شیخ باوقار اولمشدر و جامه خواب راحت باقیه لری درون قباب مشایخ سلفه فرش اولنوب بساط  
 عبقری جنان اوزره پالیده روح و ریحان اولمشدر أسكنه الله تعالى في غرف العدن و مقعد  
الصدق و جوار الرحمة بجرمة من له حامية الامة \* و من العجب اول پیور روشن ضمیر لری سایه تربیه لرزیده  
 نشو و نما یافته و آتشجی باشمیلری اولان درویش حسن بر عاشق پاکار و پرسوز و کداز و کمال ترک  
 و تجرید ایله ممتاز و حسن نظر لریله سرافراز اولوب کند و یه شول مرتبه استغراق ذکر اسم جلال

دست داده اولمشیدیکه هرگاه که خوابه وارد قد شدت جهرله بخودانه ذکر جلالت است تغال ظهور  
ایدوب حجرات خاتقاهده خواب آسایشده اولنلری بیدار ایدوب انلردخی در حجره مستغرق  
مر قومه کاوب هزار دق باب وهای هو یله ایقناط ایتملری اکثریا واقع اولمق وکندودن تیقظ واتباه  
بی تقاضا صورت نما اولد یغی کیفیت غریبه سی استفسار اولند قد همانا عالم حسدن جهان خیاله  
انتقال ایتدکنده مثال مطلق کندوی بر حلقه ذاکرین اسم جلالت مشاهده وانلرا یله مشغول ذکر  
اولوب لکن غلبه شوق واستیلای عشقه دمدم خواهش ذکر مر داد اولوب ملال واعیا طاری اولیوب  
وهر تقدردور ودرار کش اولسه کندولیکله بیدار لکمکن اولد یغین تفصیل ایلدیکی معروض  
حضرت شیخ موحنی الیه اولد قد آری در خواب و بیداری ذکر اوراضبط کرده است و بدوام ذکر جسم  
وجانش خور کرده است در خواب و بیداری اورا خود بخود از ذکر جدا بی متعذر است مکر صافی  
و مشغلی صرف و اشغال کند لکن من أشغل المشغول بالله فقد أدرک المقت فی الحال جای حذر است  
نفس شریقه یله فقیر مر قومی تصدیق و تحقیق بیور مشلردر و بعد از زمان مشاهده خیالیه سی اوقات  
یقظه ده دخی روغنا اولغله علی الدوام ذکر جلالت جهریه اوزره انس جنسندن نگاره کیر و سیابان کرد  
و خرابه نشین اولد یغی صورت استمداده مرفوع پیشگاه عنایت دستکاهلری اولد قد مرده میان  
ملک و ملکوتش رقیق افتاده بود تا بزور انجذاب تاب ناورد و دریده شد عالمین در نظرش ممتزج کشت  
بعد ازین تدارک ممکن نیست تارفته رفته بالکلمه از خود برود والیه المرجع والمصیر واکر بعد ازین  
بطریق ازان عالم محجوب گردد از آتش حسرتش بسوزد و با حترق فراق هلاک شود کلمات شریقه لریله  
حالت سابقه سینه رد اولمق باینده نیاز گن همت عالیه لرین اقناع بیور مشلردر فی اوقاف سبک سیران  
سلاکدن حد اعتدال تجلی واستناری تجا و زاید نلرده رجعت مسموع اولیوب نفس  
نفس الامر یلرینه بنده مبینه اولمشلردر کویا لارجوع بعد الوقوع بو خصوصه مثل واقع اولمشلردر  
\*(نظم)\* این همه کفتم باقی فکر کن \* فکر اکر جامد بود و ذکر کن \* ذکر کن تا فکر را بالا کند \*  
ذکر کشتن فکر را والا کند \* فکر آن باشد که بکشاید رهی \* راه آن باشد که پیش آید شهری \* (حضرت  
محمد دهده) \* ایوبی المولد و شیخ حسن حضرت لری اقرار بندن اولوب حجر تریه لریده نشو و غنایاب و مثابه  
فرزند دلند لری مظهر آثار نگاه شفقتملری و محفوظ الاوقات و محروس عن الآفات اولغله عنفوان  
شباب لریده نائل نوال علوم و معارف و ساعی خدمات میدان اولیا و مستحلب انتظار حسنه فقر  
و محاسن رفیقه مقابلات شریفه خاتقاه بشکطاشده قرائت مشوی شریفه اختصاص نما و بعد  
الاتهام سندن نشین خلافت و اول جلوه کاه عرفاده پیشوای سالکان راه خدا اولوب مر شد مکه لاری  
و مشفقان فقر انظر لریده صغرسن وضعف بنیه ایلله محمد مساعی مشکوره و محمل نگاه مرحمت ینیم  
ادیب اولغله صیغه تصغیر لغت ترکی اولان ممش لفظی کندویه کویا ناچامی و بین المشایخ شهرت  
مذکور ه ایلله مدعوا و اولمشلردر وزمان مشیخت لریده جمله رجال عصر و کار دولت ایلله حسن امتزاج و لطف  
آمیز شریف میناء طرف باهر الشرف چلیان ذوی الاحترام دن خوانق اطرافک اوقاف و امور سائره  
فترا ی احبابه متعلق خصوص لریده حسب العاده منوط باب دولت بولوب محتاج مر اجعت اولغله  
مداخله امور مذکور ه و تسویه خصوص مر قومه توسط بیور یلوب محجوبین اخوان و خلان فریادرس  
و دستگیر افتادگان سمت التجا و مغتم آثار خیر دعا اولوب قضای حاجات مضطربنده اولان مساعی  
مشکوره و مخلصانه لری کندولر سرمایه اقبال صوری و معنوی و بین الفقر و الانغیا محمود الاوضاع  
و مدوح الاحوال ولدی الصغار و البکرام مکر و محترم اولوب حتی واسطه نوبت مشیخت لریده مر حوم

حضرت محمد دهده

سیرتنامه حضرت محمد دهده

ومغفور له سلطان محمد بن ابراهيم خان كبي پادشاه بالاتباه مواظب مجانس وعظ ومقابله نرى وعلى  
العموم علمى بايخت وفضلای بايخت ووزرا وامرا وخواص دولت ملازم يای متبر تذكير لى  
ور بوده شيوة حسن تعبير لى اولوب همت ارباب قلوبله جمله توجه لى خصوص ارباب وهر طرفدن روى  
تسليم لى فتح ابواب و مقوسه د نرينده اولان بقعه مباركه وقفنه دخى س نوح عواطف خسر وانه ايله  
الحاقت عايديه ضم اولوب تتمتع وسعت معاش ومستسعد دولت معاد وقرير العين اولاد ياك نهاد  
اولشدر و بحسب الاقتضا ابواب رجال دولته كثر تردد لى دن متلون اولان ساعده دلان قترانك  
سوء ظن طمع خامله سر زده ندر رض اولان حرف بيجالرينه (مخدوم مارا خدمه نى شمار است  
و بنده كينه درميانه خادم در بدر است) نكسته هضم وانكسار مشكوبيله يا سخ را سخ فرما و خرده كيران  
طور پسنديد لى بحسب الاقتضا واسطه سلامت حال وسبب وصول آمال اولمغله باعث انصاف  
وندم اسانت گذشته اولمشدر در فى الحقيقه اطراف واكافدن لسان عصر ومشارب رجال دولتي فهم  
ايتيموب مصالح اوقاف ومعاش لى صددنده مرا جعت عتبه سلطنت ايدن اخوان و خيلا نهم رجال  
صيانمت آبروى فقر اسيا فنده بر مردكار كذار و مجرب روزگار و بختة نيكو كار حكيم الطوار اهرم مهام  
والزم لوازم دن اولديغى و بوقوله واسطه جلب الخير و وسيله دفع الشر اخواندن بولمديغى صورته  
خلاندن اولمق محض توفيقه در والا جوانب اجانندن توسط وتوسل مر قوم سر ايدن اميد آب مثابه پسند در  
بس عزيز مشار الهيك و امثال ذلك بوضوح صده سعى بالخير لى سائر فقر اى هجر ديشك خاتقا نده اولان  
خدماته مرجع اولمق شائبة اشتباه در وطعن ودخل وتعصب بخت وان بعض الظن انهم ماصدق در  
ايد الله تعالى وسائط المصالح ودمر وسائل المفاسد ويسر لنا التميز بين طواهر الظاهر و رزقنا فرق  
فرق المنافع والظواهر لا سيما ادخال السرور فى قلب المؤمن واخراج غموم الشرور منه بالسعى فى جاب  
منافعه ودفع مضار منه افضل العبادات عند قاضى الحاجات ورفع الله الدين درجات من سعى فى حاجته  
أخيه المسلم حتى يتفرغ بسببه لافكار الطاعات من خلجان تخلف المطاوع وتوجه المؤمن بالمحبيب السائلين  
على الخصوص توسط ايدل كبرى امورده صدر نشينان حل وعقدى راي صواب ايدل لى انضماميله  
عذر مستحقين وكسر خواطر فقرادن حفظ ايدوب وجب انكسار لى له مستحجب ادعية خيريه لى  
اولمرينه دلالتله الدال على الخير كفاعله مضمون بشارت مر هونته موقع واقع اولمشدر كه على الدوام  
اسلوب مذكور من طرف الرجال دستور العمل قدر در كاه اصحاب قبا وكاهى ارباب عبادن خدمات  
مر قومه يدر جالى تعيين بيوريلوب لا ابالى لومه لائى خدمت مأمورة مخصوصه لرنده قائم اولور لى ومن  
جانب القوى المقتدر مؤيد ومن طرف الرعايات محبى ومن سمت التوجه والهمهم مضمون ومحرر وس  
اوله كمشدر و بتوفيق العلى العظيم آوان مشيخ لرنده كثر اختلاف و وفرت اشتغال لى اداء اركان  
شريعت واجراى رسوم وآيين طريقتيه سر مومرا حسم اولموب كمال خيلا نرينده مشايخ وحدت  
وخلوت اثرينه افتقاده تهاون وتسكاسل نما اولمق لى كند و لى بنيه قاطعة استقامت لى نه وكثرته  
ذوق وحدت ياب اولمرينه امارت باهره اولمشدر كه الاستقامة كرامة لا كرامة فوقها امضا كرده عظمى  
تحقيقه قدر \* كقول يوم لا ينيذ البسطامى قدس سره السامى فلان عير ساعة بمكة قال الشيطان يسير من  
المشرق الى المغرب فى طرفة عين وهو فى لعنة الله وقيل له فلان يمشى على الماء ويطير فى الهواء قال الحشاشان  
والحشوب واما الهما يمشى على الماء والذباب والطيور تطير فى الهواء فقال قدس سره لو ان رجلا بسط  
مصلا على الهواء وتربع فى الهواء لا تعجبوا منه ولا تلتفتوا اليه حتى تنظروا كيف تتحدونه فى الامر  
والهى والاستقامة وكما قال سهل بن عبد الله التستري اكبر انكرامات أن تبدل خلقا منهم ما من اخلاق

نفسك بخلق محمود\* والى آخر العمر ميانة احبابه سايه انداز مواسا و ما بين خود نماينده رايت افراز  
مدار او صاحب الاخلاق الحسنه پير روشن ضمير و الهام سمير و خاك نهاد ياك شمار اولوب من  
الصبا الى الفنا مایه عمر و اقدارن خراج خدمت فقرا ايدوب شصت سال مقيم مقام خلافت  
مولويه و مودع ياران نشأت ذنويه و همسايه مربي فردوس مكالري اولوب ساحه كار خانقاه  
بشكطاشده غنوده سنكين خواب فنا اولوب خانقاه حیات مستعاره شيخ عيش كمش كبي بي نام و نشان  
و مایه الاعتبار مقبلين شان اولشدر\* (حضرت انيس رجب دده)\* كل زيای كلشن دارالدوله ادرنه  
وتلامذه حضرت دده نشا طيبدن و نظر كرد كن دده احمد قاري دن اولوب بعد وفات شيخه نور مرقد  
قاسم باشا خانقاهنده منزوي و تكميل بقیه عليه و عملیه لرینه مشغول و زمان يسيرده فائز حظ اوفر  
و همت مردانه مراديه خانقاهنه شيخ موقر اولشدر و اوقات مشيخته لرنده بش عدد سلاطين عثمانیه  
ويكريمي مقداری و وزرای عظامك محل اکرام و احترام ملري و عمو مارجال دولتک آوان مضایقه دده  
مستدعایی اولوب آثار ميا من حسن توجه و برکات عاليه لری مشاهد اولغله بحسب التجارب الصادقه  
محبوب القلوب و مرغوب الطوار و مؤثر الانکسار اولوق اوزره شهر تياب دار و دیار اولشدر و سايه  
کرامات مایه لرنده اخوان و خلان امر معاش لرنده ایراد و فقدان مستغنی و هجوم فتوح حله عيش رغددار  
ونی قيد مهر و لکديار و اغیار اولشدر و کند و لزل دخی جمعیت اسباب بی زحمت و منتهی حواصل  
شکاف هاضمه حساد فساد اولشدر\* (مرويس تکه)\* اول معانی شناس ترا کيب لدنيه نك او اسط  
مشيخته لرنده سلطان معطوف بن السلطان محمد عليهما الفیض المؤيد دائرة خیالده بر طوطی غریب  
مشاهده و شکار ايدوب و برقص زياده چينه و شکرده اولوق اوزره پرورده اولديغي حالده طوطی  
مردوم ناگاه مر تعش و مضطرب هلاک اولنجه هزار افسوس و دریغله جسد مرده سن قفسدن اخراج  
ايدوب هلاک ناگاهيسته تعجب اوزره ايکن دفعه پروازه کلوب و وزن سرايدن جانب صحرايه تحريك  
قاده مسارعت و طرقة العینده منظر دن غیبت اینکله کمال خزنله سیدار اولوب افکار کونا کونا ايله  
حیرت زده اولملري روز مقابله شريفه مصافقه اینکین امیدتسلی و آرامله عزیموی الهیك مجلس  
تذکیر لر بنه عازم و حاضر اولد قلرنده صد دتقریر مشوی شیر یغلري حکایه مشهوره طوطی ناچردن  
اولغله درس لطیف و بیان منظر لری حسب حال ملالت مآل خسرو ی ظهور اینکله باعث ربط قلب  
هما یونلري و بادئ ابادی شاهانه لری اولشدر و اکثر خواص و مقربینک محبت اولیا و منیب طریق  
عليه حضرت مولانا من کل الوجوه اولانا اولملرينه مقدمه اولوب لکن بقیه وانی مدبر اولان صاحب  
و قیمة و قیمة مفتی استیلا سنده محبین مردان خدامهان و منکرین طرق اولیا معان اولد قیمة حازمانه  
خبر خوراهان سلطنت عزیز مشاور الهیه بش شکوا و اندفاعی خصوصنده استدعا ایلد کړنده جناری  
و کدوی است رمز شیر یغلري حمله حوالی ممالک استیلا سننک سرائتنه و بعد تمام الاستدراج  
عارضه همسایه ناگاهیه ايله اندفاعنه اشارت یورملري کما اشار ولو بعد حين بدیدار و کانقلاب الصبح  
آتش کار اولشدر و پادشاه با انبیا دخی توجه خاطر فرست مآثر لرینه بناء کند و لر ايله محبت خاصه  
ايدوب طالب تعبیر اولغله ستوح ایدن تفسیر واقعه لری بعینه قریبا و عاجلا جلوه کر میدان وقوع اولغله  
بعد هذا ظهور رايدن مشکلات ظاهره و باطنه لرنده مر اجعتدن خالی اولوب لکن اسکل جمع شتات  
مصد افقحه خورست فروغی فروغ وانی سرائتنه خرمن دوانی سوخته برق غیرت قلوب منکسره  
اولشدر نعوذ بالله من سوء القربین فی کل آن و حين\* (ودهی)\* اول گوشه نشین و حدت متردد حلقه  
قلند حضرت نشاطی اولديغي احبابده اکثر یاصد جمع حواس و دفع شغل مالا بعینده رو بدیوار

حضرت انيس رجب دده ده  
او پروردگار مني در کمالی

وحشت و تنهایی و پشت بدراستیناس و آشنایی و موعظت و تصفح اولغین حجة الاحصاب جلاء  
 الالباب موجبه دایره انیس جنسه واستفاده غنائم الفقه تشویق یوروب بعد ازین باید و نیلانیس  
 باید بود که از اختلاط با بصیرت وسعت مشرب زاید که هر آنکه سرمایه استفاضة حکمت و غیرت است  
 و از انفراد به وقت ضیق طبیعت افزاید چه مانع صفای وقت است عنوانیه بند یورملریله بر تویدر نفس  
 غالیلری اولوب آصمین یوریلان انیس لفظیه تبرکوتینا تخص ایدوب نیجه آنار بدیعه نظمیه انشاسنه  
 موفق اولمشلردرا کرچه دیوان مر تبلی روشنا بخش چشم اشتیاق اولمشدر لکن چسته چسته  
 تازمین و نو باو بوستان فرجه صافیه لری صفا بخش کام سخن فهمان زمانلری و بعض نظم خوش  
 آئنده لری لباس نفیس موسقیده جلوه کر محاسن عشاق اولمشدر و از منة اسفار اطراف روم ایلیده  
 محمیه ادرنه جای آسایش همای دولت اولدقه دایره التجاری محط رحال آمال اولوب ارباب حاجات بهین  
 توجه و لطف توسط لری اکسیر سعادت و غنیه شفا عتلی و فوق اوق نیل مر ادات اولوب فقرا  
 و بی کسانک مفارقی تیمار به سایه انداز اغاثه و نائل اذکار جمیله و فائز مشوبات خزیله و خادم الفقرا  
 طریقی علیه اولوبای کرام و قدح معلای بخت خدا داده کند و له دست داده اولان اقبال عز و رفعت  
 امثالنه میسر اولوب عصر لرند و فریدو وحید اولمشدر در لته دره و علی فضله اجره و بره (ودخی) من الاول  
 الی الآخر همت علیه لری تحمل احرام و رع و تقوی و تردید ردا ی ریاضت و ترک هوا و زره مستمره اولوب  
 مدت خلافت لرند قدر بدل مایتمل اکل و شرب لرینه و استطالة جامعه خواب راحت لرینه دیده همدمان  
 محرم اولوب کمال ضعف و ذبول لرینه میمدان وجد و حالده پرکار آهین پای مرکز دایره سماع و صفا  
 اولملری قوت روحانیه لرینه دلیل قوی اولمشدر و بالذفات عرقیه کش محبت لری اولان وزیرای  
 عظام نوبات صدر تلرند مدعو اعین الجمع اخوان و خلایقه استانبوله تشریف یوروب جلوه گان  
 چار باغ شاه حقیقه قتل دوست کامانه ذوق و صفای ایدوب هر چند ذات شرب فلرینه مخصوص محبت  
 خانقا بهنا اولوب مقرر خلافت لری دخی به کند و نظر کرده لرینه توجه اولدقه تحت ید لرند اولوب  
 کاهانده و کاهی بونده اولملرین نیاز مند اولنره مادر ویشان خانقا هوش جهت و هفت قبه و چار گوشه  
 دودریم پس همه ر برای بودن چندر و زاین جلوه کاه نس است بخانقا ه دیگر مخصوص حاجت نیست  
 عنوانیه استعفا فرما اولوب محل اقامت دیرینه لرینه امانه لکام رجعت یورملری نویسان اخوانه  
 سر دو محتمل منع خیر نما اولد یغی مر آت ضمیر وارد همی لرینه عکس انداز اولدغه این عدم قبول دفع شر  
 و منع خیر اندودست دم احتیاط توأملری ایل پرده بر انداز روی کار اولمشلردر و واسط زمان  
 مشیختلرند مزاج شرب فلرینه انحراف کلی طاری و علی شرف الارشال اولد یغی خادم قدیم حجره  
 مؤانس لری اولان درویش مؤنس جناب صداقت مآبک مشهودی اولنجه نیاز متد اذن خدای نفس  
 اولد قده انیس بی مؤنس که دیده است مضمونیه دفع فرما اولد قلدیده صادق مر قوم کرمان و نالان  
 اولوب اگر از جانب جناب عزیز بنده راشمه محبت بودی بموجب (لن تنالوا البر حتی تنفقوا مما  
 تحبون) بنده را در راه نبل بر و عاقبت انشاق فرمودی که موت العالم کونت العالمست و بنده را قربان  
 حضرت عز بر شدن عالم حیات جاودانست الحاح عجیبی کند و له اشارت غمائی غیبی اولدغه سر عجیب  
 سکوت اولد قلدیده کو یا مبیل خاطر فیض مآثر لری بولوب در حال صادق مذکور مطعونا متغیر  
 الحال و مسافر دارالقرار و کند و لرک در عقب مقیم سجاده عاقبت تامه اولملری و اول وقت استلاده  
 محمیه مسفور و حوالیسی استیعاب بلای عام و بانی ایله منجخانه اولمشکن بفضل الله تعالی و حکمت  
 قوت مؤنس انصکره فرد و احد سر کردان جام موت اولوب درویش مؤنسک تنها عزیزه دکل بلکه جمله به





معرفه و وجود نجیب فائز النوری نتیجه جامعه مقدمات احامده سابقه اولد یغنه ایما واقع اولمشدر  
 فی الواقع عدد احامده ست که ثلثمائه و ثمانی عشر و عدد احامده سبع که ثلثمائه واحد و سبعون و عدد  
 لفظ و سید نسیم یوسف دده نیز ثلثمائه واحد و سبعون است پس تساوی ثالث و ثانی و احاطه ثالث  
 اول را بی مراست اگر مراد قائل تصکرار معهود تکرار اسمی باشد اعتبار اشارت مدار کنیم بمضمون  
 هضم مشکون ذات بررکن ایشان که اگر احامده ست شیخ باشند فقیر نیز نقطه یا باشم و عنوان شیخ بدین  
 نقطه صغیره تمام خواهد شد و اگر تکرار حقیقی باشد لا نفرق بین احد منهم و نحن موحد و هم فلا فرق  
 بین احد و یوسف فی الوراثة المحمدیه و کلا لا نفرق بین احد من رساله لا نفرق بین اولیاء فاهم اسم آئمه  
 الوحده و اجملة التوحید \* (نظم) \* هان و هان این دلق پوشان منند \* صد هزاران در هزار و یک  
 تنند \* دو مگو و دو مدان و دو مخوان \* بنده را در خواجه خود محمودان \* کوئی وقت خویش  
 است ای مرید \* تاز و نورنجی آید بدید \* روغنی کوشد فدای کل بکل \* خواه روغن بوی کن  
 خواهی توکل \* ناندانی کین همه رنگ و نیکار \* جمله رو پوشست و رنشمستعار \* (ودخی) \* اول  
 ناخدا ای کشتی سلامت طوفان حوادث فوران تو رملاحم و قعنه مفتی مد مرده تلاطم امواج فتدن  
 هراسان و فتاده کد اب بیم عرض و مال و جان اولان اخوان و خلاندن مستمدن حرز حمایت لری اولنلره  
 نوبت ابتلای محبان گذشت این نوبت نکبت منکر است خوش خاطر باشم بنطق تسلیت فرماری  
 سر مو تخلف نما اولوب بحفظ الحفیظ الدافع دوائر فقر اشاره آتش فساد و فتنه دن محمی الاطراف  
 و محروس الانحلالوب ارباب نظر مستقیمتاشای عبر و حکم و اهانت احزاب اولیای کرام صد دنده  
 اولان اهل صد و دل موقر جز و حد و غیر مترقبه اولنلر دن عاقه ارباب ملل و نخله نصیح و عبرت حاصل  
 اولمشدر و انیس دده حضرت تلیله احباب صداقت مآبدن برینک مجلس اگر املرینه مدعو اولق حسبله  
 اول مجمع حسرت العرفا ملتقی الابحر فضلا اولدقده انیس دده التقدم للفاضل فقره سبیله استدلال  
 و نسیم دده حضرت تلیرن تصدیق مراد ایلد کده انلر دخی الفضل للقدم مثل قدیمه احتیاج و انلره  
 تکلیف صدر ایلد کده ایکسی دخی ضمیر منیر لرنده کامن اولان مسکنتی الظهار ایدوب و اختیار سنت  
 سنیه حضرت پیر قدس سره المنیر ایلد دو جانب نشین کار صفا اولوب شرف المکان بالمکین مصداق  
 اول محل تواضع موقر رشک و حسرت صدر ترفع اولمشدر و فقرتین مرقومتین دمه واد استدلال و مدار  
 احتیاج جاری خفی اولغله فاضلدن مراد لفظ نسیم و متقدمدن مقصود لفظ انیس اولد یغین نسیم  
 عدد دده صد و بیست و دو و انیس صد و بیست و یک و کتب فاضل و قلیل متقدم اولق اوزره تصحیح  
 بیورد قلرنده نسیم دده حضرت تلیرن دار لبقیه تمسکن سیاقنده الو احد لیس بعدد و لا معدود عنوانله  
 صرف احتمال فضل ایدنجه انیس دده حضرت تلیرن لکنه کالف الاولف لطیفه لریله بر بر لیسک ذات  
 وزمانلرینه رعایت کلیه ضمیمه قوت انتقال و سرعت فراستلرین دقیقه شناسان صحبه لریله اشعار و ملکه  
 راسخه آداب محاضره لرن معروض حضار ذوی الاعتبار ایتمشدر \* (نظم) \* چونکه در یاران  
 رسی پایان نشین \* اندران حلقه مکن خود را نکین \* هر کجا یوسف رخی باشد انیس \* اندران  
 صحبت مجود بکر جلیس \* چون ستاره با ستاره شد قرین \* لائق هر دو اثر زایدین \* پیش یوسف  
 نازش و خوئی مکن \* جز نیاز و آه یعقوبی مکن \* دل نکه دار یدای بیجا صلان \* در حضور  
 حضرت صاحب دلان \* پیش اهل دل ادب بر باطن است \* زانکه دلشان بر سر ارفا طن است \*  
 \* (ودخی) \* اول بادیه پیمای جست و جوی اسرار درگاه خداوند کاریده طریقی اولد قلیری وقت  
 ندیم خاص حضرت جللی بوستان ثانی و استاد جللی صدر الدین اولغله بار داده دایره محرمیت و سابقا



هر وجهه ماسک نشاء اولان منجم دهده امثال احیا کردگان جد و پدر لرینه دخی مقدار حبه تحمیل بار اولم یوب امور لرینده حضرت عم انعامه جنابندن غیریده یاری خواه او ابوب و در دمندان دائره لرین دخی غیرت مردانه لرله غیره محتاج ایتمه مشلدر و سید خلیل ثانی عنوانیه شهرت یاب بر فرزند ارجمندی قریب العین و بین الخلیلین سیرت محمدیه و صورت مولویه او زره متمکاز یب رفاهیت اولمشلدر و کندولردن صکره سید خلیل ثانی جانشینلری اولوب بعدد سلسله اولاد دذکور خاندانلری منقطع اولغله مشیخت خانقاه مشر و طهری جلال علی دهده زاده شیخ موسایه نقل ایتمشدر لکن شیخ مرقوم کلا لئز کیه خلیلیه ایلده اول برج سعاده قران ایلری حبسبیلده مشولدر کینه خاندان ولایتلری نیچه شمو عجالس علم و عرفانه روشن اوله آمین یا احسن الخالقین اول مخدوم عالیقدر سی سال و خلف الخیرلری هفت سال مقام خدمت فقراده قائم اولوب جوار اسلاف کرامه مسارعت وجد امجدلری عیسوی دهده شمعنه جمیع اولوب پهلوی عنایتلرینده آسوده دغدغه برزخیه اولمشلدر نورالله مرافقه هم بنواری عنایت آمین یا مجیب السائلین \* (حضرت عبدالباقی دهده) \* شهر اسکویده بالقی زاده لر دیکمه معسرف خاندان تعیندن اولوب اخوه سائرلری مشیخت جوامع و تدریس مدار سله ممتاز اولوب بونلر فی اصل الخلقه درویش نهاد و مائل رفتار درویشان و محب ایشان و اکثریا صحبت والفتی دخی فقرای صوفیه ایلده اولغله آئنده مور و نده السنه سندن اوصاف و اشعار حضرت دهده وجدی رحمة الله تعالی علیه کوشکداری اولنجه درون قابلیت مشکونلرین طرف شریفلرینه انجذاب جنسیت ازایه جنیان و قائد ناسیه توجهلری اولوب ناکاه ترک اموال و خویشان ایدوب یکیشهر طرفه شدن نطق اشتیاق و بند خرام عزیمت ایدوب کرد راهلریله دار الخلافه لری اولان بقعه مبارکیه حظ رحل التجانیله نازمند حسن قبول اولملری محل مساعد غوثانه لری اولغله مطبخ و میدان فقر اخدمات شریفه سیمیه تکمیل چله مردان مولوی ایدوب شرفیاب تکبیر و سرافراز الباس کلاه و خرقه ارادت اولوب علوم سائردهن بهره یاب قدر مشترک اولغله همان مرشد کامل و مکملرین بلذ کتب تصوف و قرائت مشنوی و منطق الطیری ایلدا کتفا و تصفیة احوال و تمکین الطواره اقدام صحیح و مساییدوب زمان یسپردده اندامین خاطر مریتلریله بر عارف اکاه اولوب حین احتضار حضرت شیخ رهنما لرینده حلقه زن حضور اولان عشاق میاننده خاصه کندولردن توجیه خطاب مستطاب بیوریلوب دور مر و کدرین نجسته مقام سر حلقه اخوان صفا انجام بودند تو بزد یکست نفس انفس و اسپینلریله عمل سیاقده انجق زیارت کعبه العشاق ایدوب اول سهبط عنایات مصوری و معنویه دهده مدت مدیده حجره نشین عزلت و کاهی مقابلات حضرت شمسیده نقل معارف مشنوی خدمته مستخدم اولوب ذاتا و زمانا مستحق خلافت اولغله بالذفعات بقاع متبرکه مولویه مشیختی دست داده اولدقه بیانیجه اعتذاره سر نهاده استعفا اولوب بعد زمان تعلیم الهامی حبسبیلده غلطه خانقاه عطف عنان توجه و اول جلوه گاه عارفنده دخی زمان مدید اختیار خلوت و درویشانه آرام ایدوب سن کهنه ولترینده توجیه غیبی موجب بیکیشهر خانقاهی مشیخت نامه سی وارد اولغله وصیت مریتلری ایلده عمل و مقام پیشوالرینده التزام خدمت فقره اباب الله ایدوب کمال تجرید و تفرید اوزره حرکت و حاصل سر حضرت وجدی اولدین اثبات ایتمشدر البسه و بساط مقبوله سندن خرقه یگانه انداز پوسنین و بویا ایلده قانع و فارغ ادنی مرتبه تدارک و تکلف اولوب کاه و بیکاه قلیل و کثیر جمع اشیا سن اخوان و خلایقه تفریق ایدوب الی آخر اهرمشق وادمان ترک و تجرید اوزره اولوب خرقه مبارکه و وصیتکرده مرشد لرین و عبد الکریم چلبی حضرت تلمیذک انسان کامل نامیه موسوم کاب مستطابن و مشنوی شریف حضرت

حضرت عبدالباقی دهده  
بسم الله الرحمن الرحیم

بیرقدس سره المنیری دوش و جیلرندن جدا ایتمیوب ماعدادی اگر کتب واکراشیای سائره بالجمله  
 فدا یوردقلین یو بیت شیر یفلرنده تضمین بیور مشلدر \* (بیت) \* صلاخوا نه برک سبزمزد رما ملک  
 اما \* کچلمز خرقة پیرانه انسان کاهلدن \* (ودخی) \* بعد وفات الشیخ یکی شهر دن طرف آستانه  
 سعادت سیاحت اثناسنده بر منزلده آرام اوزره ایکن مکر اول قصبه یه دجاله آخر زماندن برمتشیخ  
 مزور کلوب عقاید ساده دلانی افساد و فقرای طریقت محمدیه حدلرنده عیاذ بالله الحفیظ برین قلی  
 یتش کافر حربی قلمنه برابر در دنیا غوا اتمکله برانله بی شعور دخی ربوده تلبیس و تدایسی اولوب وقت  
 فرصتده سل سیف و غزیر مرقومک قصد قلله اوزرینه هجوم ایتد کده بغیره الله تعالی عتبه باب  
 منزل لرنده بر طریقه بای اقتدار و تهوری لغزان و روی ادبی اوزره ساقط اولدقه سیف عربانه  
 جکر کاهی نیام اولغله حتف الانف هالک اولد یغی سبب نکبت مزور مکار و باعث اعتبار یار و اغیار  
 و وجود محفوظ من عند اللهیلرینه بادی اشتهار اولغله منزل مرقومدن مانده روح روان غیبت  
 ایدوب اهالی مرقومک علی العموم سیما حان غریب و فقرایه اکرام و احترامه مواظبت و معا هده لرینه  
 بندغبی و نصیح لاری اولشد \* (نظم) \* تومکن تهدید از کشتن که من \* تشنه زارم بخون  
 خوشتن \* تا خیال دوست در اسرار ماست \* چاکری و جان سپاری کار ماست \* عشق و زاول  
 چرا خونی بود \* تا کز دهر که بیرونی بود \* ای فسرده عاشق تنگین غد \* کوز بیم جان ز جانان  
 میرمد \* و وجود فائض الجود لری اول دیار جلیل الاعتباره مایه رحمت و مد کر عهد قدیمه حضرت  
 وجدی و محمل عروق ارادت و محبت اولیا اولوب زمان خلافت لرنده دایره خانقاه مرقومک عرفا  
 و فضلا و هر کس قدر القابلیه مستفید مواند علیه و عملیه لری اولوب صبح و مسایدین نخست آتار لری  
 روشنکن چشم جان محبان ایکن ناکاه تبدیل وضع معناد و صحبت شریفه لرین در ویشانه تخصیص  
 ایدوب احبابی نالان هجران ایدوب بعده بالکلیه حجره خلوت لرنه فرد واحدی محرم ایدوب اخوان  
 دخی همزنک خلان و کریان درد فراق لری اولدقه مراد شیر یفلری جمله بی دفعه محزون ایتمدن تقریق  
 ندر بحله اتمکله اهور اولدیغنه بعامتیه مقدمه فراق اولدیغین افاده و استحضال ایدوب ادنی بهانه  
 عارضه جزئییه ایلد و داع خانقاه عالم صورت ایدوب و براه عرش برین جهان سیرت اولوب حلقه صحبت  
 ارواح عالمیه اسلافه جان آتمدر اوصله الله تعالی الی اعلی المدارج و ارفاهه علی اقاصی المعارج آمین  
 بحرمة سید الانبیاء والمرسلین \* (حضرت قدری دده) \* روم ایلیده پری زن نام قصبه دن اولوب  
 سائق امداد بخت خداداد کند و بی حضرت عدنی دده خدمت بر خرمنده سوق ایدوب سوق  
 باد پیمایان دن خروج و تجارت راجحه فقرایه شریوع ایدوب برکات سایه کرامت ایلرنده صرف سرمایه  
 اقتدار جسمانیه ایلد تکمیل میقات خدمت و تقیم حله طریقت ایدوب دست و زانو ی ولایت پیوست  
 و کرامت خوی حضرت عدنی دده دن لابس کلاه و خرقة ثابت و سر در دمندی موقع نور خورشید ارادت  
 اولوب خانقاه سیر و زده آتشیجی باشی بولغله عدنی دده حضرت لری خانقاه بلغرا ده نذل اولندقه  
 جانشین لری و نظر کرد لری اولان رحمتی دده یه انساب ایدوب زیر قادمه تربیه لرنده احراز حسن حال  
 و رتبه رفیع و متوخیوانی به ترقی ایدوب میامن خدمات جلیله فقرای باب اللهله ارادای امراض نفسانیه  
 اولان جهلدن خلاص بولوب و آشنای انفس نفیسه مردان خدا اولوب رحمتی دده حضرت تریله  
 زائری بیت الحرام تر به فردوس رتبه مولویه و چند سال اول مهبط انوار عنایت قیومیده مقیم کوشه  
 وحدت و ملازم عتبه خدمت و حضرت جلی بوستان ثانی بوتنده مظهر عواطف غوثانه لری اولوب  
 کایولی آستانه سی مشیخته چراغ افروخته لری و احیا کرده همت بی اندازه لری اولوب اول بقعه

حضرت قدری دده

طریق و قیامات و کرامات

مبارکده علی اسم الوجوه اوقات گذار ایکن کندولرا یله صدیق سابقه دار محمود بک زاده خداویری  
 باشا والی ولایت روم ایلی اولدقده کمال احترامله دعوت وار سال مهمات اجابت ایدوب بونلردخی  
 چندر وزه ملاقات قصد یله راهی اولدقلرنده بالکایه میرمیران مرقومر بوده ذوق صحبت لری اولوب  
 هر چند اشعار وداع وانسه بعد الیوم مفارقت کوزه تحمل خارج طوق طاعت محب اخلص الفؤاد لریدر  
 دیوسد راه رجعت ایدوب آخر الامر ذات شری فطرن اکرام سباقنده وطن قدیم لری اولان انبیک  
 نام قصبه ده مجدداً باع خانقاه ایدوب عزیزمشار انبیک مدت حیاتلرنده کندولره مخصوص و بعد وفاته  
 دخی مشایخ ذوی الاحترامه جلوه کاه و جای آسایش اولوب اول دیارک موقع نور ولایت و اها لیسنتک  
 شرفیاب انابت اولمیشد و بفضل الله تعالی قدر شناس حضرت قدری ده ده اولان اگر  
 خداویری باشاوا کر عرقیه کش محبت لری اولان امرای ارناود و افراد عسکر به ملاحم انکر و سیه ده  
 هر کس بقدر خویش کوفتار محنت است فحوا سیه فتن استیلا و هر بمتدن متضرر اولدقلرنده ایلر  
 محیی توجه مؤثر لری و اینما کانوا منصور و مظفر اولمیشد و دعای خیر لری اولق اوزره  
 متفق علیه طوائف عسکر دیار مرقومه در که حال دخی مقدمه محرره به بناء اول حوالینک اها لیبی  
 طرف عامه فقرای باب الله حسن اعتقاد و کمال اکرام و احترام اوزره اولوب میامن انظار حسنه  
 فقراد فیض منددر و قدری ده ده کویا خداویری پاشایه پیشوای دنیوی اولدیغی کبی پیشقدمان سفر  
 اخرویلری و انلر وداع بنم فناء ایتد کلمی ستمه ده پاشای مرقوم دخی شربت نوش شهادت اولمشد  
 رحمهما الله تعالی واسکسهما فی غرف المأوی \* حتی انلر سفره نهضت نما اولدقلرنده خلاف مشرب  
 معتاد پاشای مرقوم و احبای سفر بر لریله عموماً استیصال ایدوب و انشای تشییعده ملاقات آخرین  
 اولدیغین اشعار ایدوب بعد الایام المعذوره انحراف من اجلری اشتداد یله تمیوار تحال دارالقرار لری  
 بقایای مریدین و محبتین قلوبنه نقط انداز احتراق فراق اولدقده (چون حسب حال خداویری  
 اخذ الله کما اعطاه شد پس مارانیز پیش از جمیعۀ او کوچ کردن مناسب افتاد) نطق شر یفلریله  
 حاللینه اشارت یوروب ترک خانقاه بدن ایتمشددر و سیاح روح و انلری شتابان علین اولوب  
 جسد مر حوملری دزون خانقاهده دفینه خاک پاک رحمتناک اولوب مرقدر شر یفلری زیارتگاه  
 خاص و عام و محل ادعیه استجابات انجام اولمشددر طیب الله تعالی ثراه و جعل بحبوحة الجنان مشواه  
 آمین بحرمه شفیع المذنبین \* (حضرت عثمان ده ده نابی) \* ابنای دارالدوله استانبولدن بر شاپ  
 خوش کردار و پاک رفتار و سرداده زانوی تربیه حضرت شیخ احمد غوثی اولوب خدمت میدان جل  
 تنانه تکمیل چله مردان ایدوب سرد و متمندی موقع سایه دست تکیه و سالك راه مقامات  
 موسیقی و واصل سر منزل امتیاز اقران اولوب اوائل مشق و تعلیمده هنوز دو پیشرو و یک سماعی به  
 قادر ایکن حضرت سید خلیل الزهاوی جناب ولایت مائی غلطه آستانه سنه تشریف یوروب شیخ احمد  
 غوثی حضرت لریله صحبت خاص اثنا سنه نیزن تفقد اولوب بحکمة الله تعالی نیزنان خانقاهدن  
 فردواحد حاضر بولمیشد درویش عثمانه بحسب الاقتضا نیزنوازی تکلیف اولندقده مبتدی  
 مرقوم دخی هزار بخیز و شرمه سر مایه معلومین میدان قویوب بدل مقدور له الدن کلنی اجر ایدوب  
 و دلدن کادیکی مرتبه اعتذار نما و دستبوس عزیزین مکرمین ایله نیازمند خیر نفس ودعا اولدقده  
 سید خلیل افندی حضرت لری درویش ماسر نیزنان زمان خواهد شد دم کرامت توأملریله نوازش فرما  
 اولمیری مقتضای همت غوثانه لری اوزره وادی نیزنوازیه پیشرو عامه همکاران و هر بولندقلری  
 مجالس سماع و سماعده سر حلقه دائرة اصحاب ادوار و فن موسیقیده تراکیب عجیه و تألیفات

حضرت عثمان ده ده نابی  
 (بسم الله الرحمن الرحیم)

غریبه خوش آیند تصنیف نه موفقی و اشارت موله العقول ایله مؤلفات صوتیه بی قلم کتوروب عتود  
اشکال اختراعیه لری ایله ضبط هوای بر اصوله و عقد اصوات منظومه یه اقتدار باب اولوب و انشای  
آثار نظمیه ده دخی دست طبیعت صافیه لری بالای دست همکاران نظم اولوب و برکات انتظار حسنه  
مربی کامل و مکمل لری رسیده مرتبه مشنوی خوانی و حیات لرنده قارئ مشنوی و بعد الوفات چانشین لری  
و داماد کنین لری اولغله منتظم سلک خلفای طریقت علمیه مولویه اولمشدر \* (ودخی) \* اختصاص  
وادی موسیقی و التزام و احترام خدمت مرشد له حریف بزم عرفان و مانند بی خوش آهنگان  
همکاران دختراز اولوب مرید پیرا کر باشد چنبن باید کور و شنای دارین مرید و حدت باشد فقره  
استحسان حق لرنده جاری مجرای مثل سائر و دائره سلوک کاری بکرنک تمکین اول و آخر اولدیغی  
بین الفقرا مسلم کل و اوان حیات مرشد لرنده مستعد خدمات شریفه لری اولدیغی کبی بعد وفات دخی  
تعمیر و تنویر تربیه متبرک لری یله مغتنم اذ کار تحسین مدار آثار حمیله وفاداری و جالب میامن روحانیه  
حیات کاری و جامع لوازم بر خورداری اولمشدر \* حتی مهره استادان فن موسیقین کتم  
و اخفا ایلدکاری مصنعات معقده بی که و رای پرده اخفادن ابتدای استماع لرنده اشارت مر قومه  
ایله خرید العجا یلرینه قید ایدوب بعده اول نسخه مشرفه بی نصب عین دستور العمل ایدوب سائر  
هزار زحمت تعلیم و تعلم مشق ایلدکاری تراکیب مغلقه بی ذهن نیدن استماع ایتملری  
کند و لرک وادی اوارده مجهول لری اولمق اوزره اشتهار لری نه باعث و با این همه نوایان ایله هم  
آهنگ اولسه انفاس قاصرانه لری نه همدم و کهن مشقان متقینه مقارن اولسه پیر و نه حرکت یوروب  
مقدار یکمضربانی خود نمایی و پیش آهنگیدن توفی و احتیاط اوزره اولوب حین اقتضاده بکهران  
میدان خوش نوازی اولنجه اجرا ایلدکاری دقایق مهارت و مشارب آشنایانه اشراب ایلدکاری لذت  
لطافت معجزه همدستان کار نطق و ضرب اولمشدر و نسبت فی زمان لرنده کویا کند و لرده مخصوص اولغله  
نای شهرت یله مدعو و مقطع اشعار دلدیر لرنده مخلص لری اولوب کند و لرده فی الظاهر و الباطن هنر  
مر قوم سرمایه عیش خوش و سبب کشاد کار اولمشدر فی الحقیقه قلوب منکسره یه انقای صفا ایتملری  
کند و لرده عکس ایدوب مدارد و اثر ذوق و صفای صوری و معنوی لری اولمشدر و مدت عمر نازنین لری  
مر غوب قدر شناسان رجال دولت اولغله هر قنغی مطلبه توجه یور بلسه سهل الحصول ایکن ینه  
نامر ادوبی نیاز جانب شاه و وزیر اولوب لقمه و خرقة اثره اولیا ایله اکتفا و قناعت ایدوب قبول جهات  
و وظائف اعمال مفکره ایتمشدر در حقیقت مهارت فن موسیقیلری رسیده جمع همایون سلطان  
محمدی اولدقه دارالدوله ادرنه یه احضار اولنوب مجلس اولدده سوز حسرت و اشتیاق شیخ و اخوانی  
ایله سر زده اولان آتشین تقسیم لری کوشنر دبادشاهی اولنجه بی قرار و اشک بار اولدیغی مشاهده  
خواصی اولنجه اشارت فراغ اولنوب طبع پادشاهیده کمال تأثیر نفخه لری طاقت و تحمل کداز و نقش  
افراز و عکس حالت انداز اولدیغی حبسیله پسندیده مشرب همایون و باعث جوش عاطفت خسروی  
اولوب عزیمت مساعده کایه صد دنده استفسار مطلب اولدده مطلب بنده همین است که بخد مت  
مرشد خود باز روم و بدعای دوام دولت پادشاهی اشتغال نمایم این دل دیوانه من غیر این مطلب  
ندارد عنوانیه نیاز مند اذن و بی نیاز عطیه و کرم خاقانی اولدیغی کند و لرک خلوص عبارت و تجرید لری نه  
نمونه بی ارباب اولمشدر و بعد زمان دخی هر کجا که صدر وزارت مکین اولنلر عرض جهات  
معاش ایلد کلرنده قبولدن ابوا استغنا نما اولوب نعم خوشکوار دائره حضرت خد اوند کاری ایله  
اکتفا ایدوب بفضل الفتاح اللطیف الباسط الکریم بین الامثال ینه عیش خوش و آسایش دلکش

ایله زمان حسن زند کافی ران و بحسب الارث انتقال ایدن اموال و افره بی دخی خراج خدمت اخوان  
و خلان ایدوب نیجه عمار احداث و وقف خانقاه ایتشلدرد و زمان مشیخت لریده دایرة خانقاه مرآت  
معمور بملری اولوب پرتو عمران ذاتلری عکس انداز در و دیوار و بامی و دردمندان راه حقل برازخ  
حوادثن دارالسلامی اولشدر و غله وقف خانقاهدن جهت معینه سرنیزان اولان مبلغی محتاجین  
اخوانه تفریق عادت مستمره لری اولغله دقیقه ناشناساندن بعضیلری بطریق یمین و تبرلدر قبول صلیه  
واقف چه نقصان سلوک است عنوانیه اثر صدق و اخلاص لری اولان انفاقلرینه ایراد سوال غیر  
وارد ایلد کربینه (بنده را دم باید نه درم که قلب در درم دو بغیر مار و است جنانکه دینار را نید است  
پس هر دوری و راند نیست علی الخصوص در جمله قلمهای درم احتمال خطر است که هر دو مدر  
ورم دورم و مدر است اول اشارت بحمل ردو ثانی بخساست شانی که شایسته قبول نیست  
و ثالث بدر چشم بصیرت که زالتفات قبولش هر اینه رم مدیده دل خیزد رابع بسد میان جان و جانان  
\*(بیت)\* شمع محبت زدل افر و ختمیم \* هر چه بحر ص همه را سوختیم \* خامس دلدادگان را  
مدمر سازد پس از هر جهت قبولر انشاید نکات لطیفه سهیله حسم عروق اشکال ایتشلدرد و هو  
الحق الا حق بالقبول والا وفق للعقول والانسب للاصول و سرکار دولتده مستخدم اخذ واعطا  
یوانان رجال طرف شیر یفلرندن نفس نفیس لرینه متعلق کلام جلب نظام تلقی ایتملری سبب تعجب  
زائد الوصف و باعث تشاود کرجمللری اولدیغی مسموع شیر یفلری اولنجه نفس را از میانه بدر کردیم  
و بمضمون اترک نفسک فی الدرب و تعال عمل نمودیم پس ازین چه کونه بتدارک لوازم و مهام اومشغول  
باشیم قول معوللر یله تأیید ما جرایور مشلدرد و سودا زدن و حوالت جوان سیر و سیاحت جانب  
جناب لرندن (مطلب جهان گردان تماشای دیدار باید بود که گفته اند مراد از عالم آدمست پس این استانبول  
مجموعه کبر است که در اواز همه اهالی روی زمین اغوذجی موجود است هر که تماشای مردم عالم  
خواهد باید که سیر هر گوشه این مجموعه میکند و از هر صنف متعجب باشد بی زحمت سفر و محنت غربت  
و کدر ) نفس حکیمانیه لر یله تدبیر بیور و ب و اکثرین اول دغدغه بدن فرسادن ساحل سلامته ارشاد  
و مقر اعتبارده قرار لینه ترغیلری مفید اولوب هر بری فوائد حضریه اعتباریه ایلله مستفید و سایه  
دیوار سرای اولیاده آسوده سر اولشلدرد فی الواقع ابالسه شرا نکیزل تسویلات غولانه سهیله اکثر ساده  
دلان سالکان سرگردان بیابان غربت پر کربت اولوب قرار کبی فراغ و خنده اولان کنج نهاندن بی  
بهره و مبتلای ترائی بلدان اولشلدرد و سفردر وطن کله طسه سنک حاوی اولدیغی راحت و حضوره  
حسرت کتمشلدرد کما اشیرالی هذه الدقیقه بما قبل الزموا مقاعد الشهود و معاقد اليهود فان الخطوات  
خطوات تقضی فی النوم الثانی الی الصدود \*(ودخی)\* اول کلاله زکیه فراشندن عبد الباقی ثمره  
النفادله قریب العین اولوب انلردخی بفضل الله تعالی و توفیقه مجملای سر والد ماجد لری و خلف  
الخیر لری اولوب کند ولر علی السلم الوجوه مقصد ارسالی سال اریکه نشین خلافت غوثیه و بعده پهلوی  
مرقد منور منور لریده آسوده خواب راحت فنا اولشلدرد نور الله تعالی مرقد هما و علی سنادس  
التقرب ارقدهما آمین یا مجیب السائلین \*(حضرت طالابی حسن دده)\* دیار روم ایلیده اشتب نام  
قصه بدن و اولاد قضا بدان اولوب وجدی دده حضرت تلری خدمت شریفه لریده تحصیل فنون متداوله  
و تهذیب اخلاق و تخلیص اعمال ایدوب چند سال بالاستحقاق مقام متبرکه مرشد لریده صدر نشین  
مشیخت اولمشیکن عنده اعیان متعصبین شکایت ضروره سهیله موقع اقبالندن رفعی کند و یه سدر راه  
رفضا و تسلیم اولوب مساک اجده سالک و تحسمل کرانبار قضا ایتکه سهیلک قضا دن جدا اولوب

حضرت طالابی حسن دده



مراتب قضا ده دخی اخراز پایه رفیعہ ایدوب شیخ الاسلام ابوسعید زاده فیض اللہ افندی منسوب لرندن  
اولغله بین الاقران رایت افراز امتیاز اولمشیکن نہ سابقہ عہد ازلی تحریک سلسلہ انجذاب  
ایدوب شیخ احمد غوثی زانوی تربیہ لرینہ سر دادہ تجدد انابت اولوب جملہ موجود لرین خرجہ  
خدمت اخوان صفا و تکرار لابس کلاہ و خرقة فقر و فنا اولوب بوستان ثانی حضر ت لردن سلا نیل  
و مصر خانقاہ لرینہ مشیخت نامہ صادر و اول بقاع مبارکہ یہ وارد و صاحب جمعیت مریدین و محبین  
اولمشدر و سمت نظم دہ پیر و حضرت وحیدی اولوب انشای آثار بدیعہ یہ موفقی و شرح معضلات  
حضرت مشنوی بہ شروع ایدوب لیکن تکمیلی میسر اولمشدر و نوبت مشیخت مصر یہ لرندہ اولان  
اقبال قلوب کندولرک شیخ المشایخ قاہرہ اولوق مرتبہ سنہ و جملہ ید تفوق لرینہ باعث ترقی اولوب اکثر  
رؤسای جنود مصر یہ عرقیہ کش محبت لری اولغله و قعہ خلیل پاشا دہ شرار ذقت بعض احباب نہ  
اصابت ایدوب کندولرہ دخی انفعال ماطاری اولد قندہ ترک مسند مشیخت و طرف رومہ ہجرت  
ایتکہ حضرت سید محمد عارف چلبی نوبت ولایت لرندہ قدمای مشایخندن اولغله زلہ مرقومہ سی ذیل  
عفو و صفحہ ستر یور یلوب سیر و زخاتقاہی مشیختی احسانیلہ مجاہلہ یور یلوب خود بخود ترک  
مشیخت مصر یہ لری زبانت گذارت قریع اوامشدر لیکن چہ سود مقرر خلافت مرقومہ یہ نزول و مسند  
مشیختہ جلوس لری مدتی ایام اربعینی تجاوز ایموب شتابان دار البقا اولملری جرأت کائن ترک خدمات  
علیہ بقاع اولیای کرامہ سبب اعتبار اولمشدر و خزائنہ ادخار لرندہ بولنان کتب و نقود و اشیایا بالجملہ  
تاراج اجانب اولوب فقرای در کہہ شایستہ تحریر بہم الوصیہ دخی اصابت ایتمشدر و قبر سیر بقلری  
مشایخ سلف مر اقدی اولان محل ہبوط رحمتہ حفر اولنوب و اولر و ضہ رضواندہ خرامان خیابان  
عفو و غفران اولمشدر تہمدہ اللہ تعالی بغفرانہ و اسکنہ فی عالی قصور جناتہ آمین بحرمہ شفیع  
الذنبین \* (حضرت محمود دہدہ) \* آیات بوسنہ اعمالندن مصطار نام قصبہ خاکزادی و عتیق دہدہ  
حضر ت لری مرید صداقت نہادی بعد وفاتہ آستانہ سعادتہ توجہ ایدوب مطبخ قوت الارواح مولوی دہدہ  
نختہ خدمات علیہ و مدت مدیدہ ہجرہ وحدت نشین و طریقہ تحصیل معارف کزین اولوب کمال طہارت  
و ترک و تجرید ایلہ سایہ قبہ خضر ادہ آسودہ سر دغدغہ بود و نبود ایکن ورنہ قصبہ سسندہ زاویہ دار  
اولان مصطفی دہدہ عقیندہ خدمت زوایہ داری کندولرہ تعیین یور یلوب اول کچ فراغ بالہ  
صفای حالہ سنین عدیدہ ادای خدمت معینہ لرندہ تشریف ساعد اہتمام ایدوب شیخ قدری وفاتدہ ایست  
خانقاہی مشیختی کندولرہ ارزانی کور لمشدر و اول جلوه گاہ صادقاندہ کاینغی مقام خدمت فقرادہ قائم  
اولوب بقیہ خاندان خدا ویردی پاشا بولنان امرای ذوی المسکرم کندولری سنت سنیہ نسکاح و ازدواجہ  
ترغیب و عامہ لوازم تہلیل و تعیش لرینہ تکفل و الحاح ایتلریلہ اول پاکیزمیدان اطلاق قیود بشریہ  
ایلہ تنمیددن ابایور و ب مامردن آمدم چہ جای زن و فرزند است عنوا سئلہ اقربا ارتحالی لرین اشعار  
یورملری زمان قریبہ منصفہ ہر ای ظہور اولوب فضولی منکوحہ لری اولان با کرۂ عابدہ کما کانت  
متر و کد لری اولوب اوقات خلواتہ ذکر اسم جلالہ و فکر و مراقبہ حالہ و نوافل صلواتہ اشتغال اوزرہ  
اولوب معاملہ نفسانیہ شریبہ وقت و رغبت لری اولدیغن تفصیل ایلد بقای بکارت اصلیہ لرین تحقیق  
ایتمشدر و بعد وفاتہ انسکاح غیرہ دخی راغبہ اولمیوب اشتیاق سرعت التحاقلری ایلد دعوات پر کر یہ  
ونالہ سی قرین اجابت اولوب سر یعابیر وزری اولغله بر مراد اولمشدر و محمود دہدہ حضر ت لری سالک  
مجاذوب اولغله صفوت مرآت ضمیر الہام سمیر لری غودار عکوش افکار متبادلین و مغشوش تردد  
وانکار لری اولوب صور طریقہ علیہ کچ نسکاح اولملر بہر حال مظهر بارقہ جلال و خرم سوختہ

حضرت محمود دہدہ

قصبہ خاکزادی و عتیق دہدہ

حیات و صادق الولا و صاف الفؤاد اولنسلر موقع پر تو جمال و بر خوردار باغ عیش خوش اولملری  
تجارب کتبره ایلله مثبت اولغله مجالس شریفه لیسنه تخیل ارباب نفاق متعسر و همواره صحتلری  
اهل وفاق و اشتیاقه نظام پذیر اتحاد اولمشدر و نفس عالمی سیف صا ر م اولق اوزره شهرت بولمشدر  
و آبدست متبرک لری و ریق رائق متمن لری تریاکا کبر و مایه عافیت و تعویذ پراثر لری دفع بلیات  
صرع و جلب صحت اسقام واد واده وفق اعظم عدا و لوب حیا تلرنده نظر و نفس و ر ق م و ریق ف م  
توحید نوأملری دردمندان اهالی به سرمایه سعادات اولدیغی کبی بعد الوفات خالاکلری زوار  
ذوی الابتلا به کل جلای چشم امید و ذکر بالخیر ذات ملک السیما تلریله منقبه نفیسه خلفای مولویه  
امضا کرده حسن خاتمه و محمود العاقبه اولمشدر نفعنا الله تعالی ببرکات شفاعته و متعنا بحمدا یات  
روحانیه فی الدنیا و الآخرة انه مجیب الدعوات و میسر المرادات و صلی الله علی سیدنا و سیدنا جیدیه  
الا کرم و شفیعه الانعم محمد المحمود عنده و لدی سعداء الامم و علی کافه ساداتنا الانبیاء  
و المرسلین و علی آلهم و أصحابهم کلباذکره الذاکرون و غفل عن ذکره الغافلون و رضی الله  
تعالی عن أصحابهم أجمعین \* (نظم) \* روح سلطانی ز زبدانی بجست \* جامه چه  
درانیم و چون خاییم دست \* رفت آن طماوس عرشی سوی عرش \* چون  
رسید از هاتقان شوی عرش \* جسم ظاهر عاقبت خود رفت نیست \*  
تا ابد معنی بخواهد شاد زیست \* آن عقاب ار رفت هم بر پوست  
رفت \* دوست بی آزار سوی دوست رفت \* خلق کوید مرید  
مسکین آن فلان \* تو بکو بی زنده ام ای غافلان \* کتن من  
همچو تنها خفته است \* هشت جنت در دلم بشکفته  
است \* چون نفخت بودم از لطف خدا \* نفخ  
حق باشم ز نای تن جدا \* جمله دیگر میرم  
از بشر \* تا بر آرم از ملائک بال  
و پر \* بار دیگر از ملاک عربان  
شوم \* آنچه اندر وهم  
ناید آن شوم \*

تم

تمت مناقب المشایخ المولویه أنار الله تعالی برهانهم فی الدنیا و الآخرة بحرمه سید الانبیاء و المرسلین



\* (فهرست اسامی شریفه درویشان اصحاب حال فرخنده مآل طریقه لطیفه مولویه کثرهم الله تعالی الیوم القیام ونور الله تعالی مرادهم اجمعین آمین) \*

صکیفه	صکیفه	صکیفه
۱۱۳ درویش محمد صوچی	۵۴ درویش غنم	۳ مجد الدین سمسالار
۱۱۸ درویش مراد	۵۵ درویش مصطفی	۵ درویش احمد افلاکی
۱۱۹ درویش محمد هندی	۵۶ درویش اسکندر	۸ درویش عبد الوهاب
۱۲۲ درویش محمد اولیا	۵۷ درویش سید عبد الاحد	همدانی
۱۲۵ درویش محمد صدقی	۶۰ درویش مظلوم	۹ درویش محمود
۱۲۶ درویش عبد الباقی	۶۲ درویش کولوم	۱۰ درویش سنان
۱۲۸ درویش احمد قاری	۶۳ درویش بلبل	۱۱ درویش عبد الکریم
۱۳۱ درویش نوح	۶۵ درویش قاسم	۱۲ درویش عبد الطیف
۱۳۳ درویش محمد حسیب	۶۷ درویش حسن ذهنی	۱۵ درویش علی خراسانی
۱۳۴ درویش احمد لیب	۶۹ درویش محمد نانی	۱۷ درویش عثمان
۱۳۶ درویش قدری	۷۰ درویش سامی یونس	۱۸ درویش لالی
۱۳۷ درویش صالح	۷۱ درویش یوسف باغبان	۱۹ درویش حسام
۱۳۸ درویش احمد نانی	۷۳ درویش عثمان سینه چاک	۲۰ درویش احمد آبی
۱۴۱ درویش حسن	۷۴ درویش قلندر دیوانه	۲۱ درویش خضر
	۷۷ درویش احمد قرغانی	۲۲ درویش ابراهیم شیرازی
	۸۱ درویش محمد قویون	۲۴ درویش محمد لنگ
	۸۶ درویش احمد خفی	۲۵ درویش محمود
	۸۷ درویش علی شاطر	۲۷ درویش محمد امام
	۸۹ درویش احمد مجذوب	۲۸ درویش حسام
	۹۰ درویش محمد	۲۹ درویش محمد کاتبی
	۹۳ درویش عبد الرحمن	۳۰ درویش مصطفی خراباتی
	۹۵ درویش عثمان اسیری	۳۳ درویش علی کلخنی
	۹۶ درویش محمد بخوری	۳۵ درویش علی لامکان
	۹۸ درویش اسمعیل خفتکانی	۳۶ درویش محمد قینر
	۹۹ درویش مصطفی غریب	۳۷ درویش عبد الحفیظ
	۱۰۱ درویش احمد فصیح	۴۰ درویش محمد کلخنی
	۱۰۲ درویش رجب	۴۲ درویش جعفر رسته سته
	۱۰۳ درویش اویس	۴۴ درویش محمد شهلا
	۱۰۶ درویش ابراهیم دورودی	۴۵ درویش اختری زاده
	۱۰۸ درویش قتی	۴۹ درویش محمد کرده جی زاده
	۱۱۰ درویش وهبی	۵۱ درویش علی مکسی
	۱۱۱ درویش عزیز	۵۲ درویش اسدی





الله

القسم الثالث من سفينة المولوية قدس الله اسرارهم

\*(بسم الله الرحمن الرحيم)\*

يا من له المحامد أولا وآخرا \* ويا من به المكارم باطنا وظاهرا \* ويا من اليه العزائم خاطرا وناظرا \*  
أرشدنا الى فناء حرك \* وأنزلنا في حماء شكرك \* ومكنا الوقوف على مواقف ذكرك \* ووقفنا  
التمكين في مقاصد فكرك \* وحول بحولك حولنا الى الاستقامة \* وثبت أقدام سعيينا بالاستقامة  
\* واحرسنا من معاينة الاشرار \* واحشربنا بفضلك مع الاخيار \* وصل صلاة لا يستوعبها العدد \*  
وسلم تسليما يشغل بين الازل والابد \* وحى تحية لا يسعها بعد الابد \* على الحبيب الامجد \*  
والشفيع الاسعد \* سيدنا وسيد كافة العالمين محمد \* وعلى الذين ساعدتهم بحسبه المنيرة \*  
وراعيتهم تحت سحابة حمايته المجيرة \* يوم لا تنفع فيه الاعذار \* وتذان بما يليق بها الاوزار \*  
واسر عيوب المتشبهين بذيل احبائه وارغم انوف المتظمين في سلك أعدائه اللهم ارحم أمة محمد  
وارفع درجات أمة محمد واقض حاجات أمة محمد وادفع عاهات أمة محمد وانصب على الكل رايات  
أمة محمد واشدد بالبطش على جناة أمة محمد واكسر جنود شتمات أمة محمد وأفض على جنان  
أعجزهم المسكين المناجي بالانين والحنين سجال النجاج عن موارد المسكين بحرمة سيد ساداتهم  
وعزة سند قاداتهم ورفعة رتبهم وجاههم آمين يا مجيب المضطرين بالدعاء وأجب يا من له المن  
في الآلاء والنعماء انك أنت الجواد الغفور وانك أنت الكريم الشكور \*(أما بعد)\*  
جون منابر آرايان ديوانخانه سليمان حقيقت وشاهزاد كن ذوى القربتين ولايت بيان احوال



کرامت مآل و تعیین سهام ارثیه آبا و اجداد کرام لریدن و کرسی نشینان خلاف اولان مشایخ شواخ  
المراتب مناقب عجائب الفوائد و مفاخر غرائب العوائد لری رهندن خامه رشحات نیکاره فراغ  
دست داده اولدی ایسه مکر بستکان خدمات علیه صدور کالبدور بولنان نجوم آسمان معرفت و سیاره  
جاده طریقت و ثوابت مقام شریعتک اوضاع مطالع و مغارب و اطوار ترقیات اوجات مدارج  
سعود لری ضبط و ایرادینه توسلوا الی الخادیم بالخدام مصداق نبه تسک واذ کار جمیله اطوار جزیه لرلیه  
استحلاب رحمت فیض متعال و استئزال غیث غوث و اهب الاله تسبب صد دنده شمه من نفحاتهم  
السرانیه و حفته من بیادر غلاتهم الروحانیه مستشقیق فواج قدسیه یمینه و حرائان مزارع احسن  
التقوییه یاد کار و بلکه خریداران کالای محبت و اراد لرینه غونه نمایی و اخلاف مشتاقین  
التحاق قلب تبیح غیرت و تشدید همت و تسدید عز یمت لرینه سلسله جنائی سیاقنده سر بازان میدان انابت  
مردان خدادن افراد کلمه مشهور و شای جمیلی حسن خاتمه سفینه نفیسه قلمشدر \* متضرع در که  
هم قوم لایشتی بهم جلسیم مضمون بشارت مشکونی اوزرد بوخالای بادیه سلامت پیمالین دخی  
ریزه خوان ارشاد لریدن بی بهره قوم یوب جوار قدس بی حبه و نه لری حرمت حصه مند نظره عین  
عنایت ناکاهی بیوریلوب معامله برتقصیرینه تعافل کریمانه لرلیه محامله بیوریلوب \* (بیت)  
\* یارب بهم و بجز بهم \* عامل بالطف و بالکرم \* و بالله التوفیق \* و منه الاسعاد فی کل فریق \*  
و بعوده الخاچه من کل مضیق \* (المرتبه الثالثه) \* فی بیان مفاخر الخفیفین المحققین المفردین المجتهدین  
المولویه قدس اسرارهم و تورا و کارهم کما انار اذ کارهم و مثل ما اضاء افکارهم الذین هم النجوم  
الثاقبة لظلام الطبعه و الراجحه لشیاطین الالهواء البشریه حتی تستفید الطلاب و تسترشد السلاله  
بآثار اقدارهم السائره فی المدارج العالیه و المنازل الرفیعه و یفوز بالترقی کل نازل و یتدوم السلامة  
عن اغوال الغوائل و ید کرنی فی دعوات شکرانه و اغتنم بفضیله الدال علی الخیر کفعله اقر الله تعالی  
عین مهجی بشم و دحسن ختامه و لطف نظامه بجرمه من له حسن الختام المعنویه و لطف النظام  
فی أمور الامه الخیریه فلنبد ابد کذا کری اصولهم العشره الکامله المکمله فانهم تقدموا فی مضمار  
صرف خزانه الاقدار الی تلیق مناقب هؤلاء البکابر علی سائر الاختیار فتمیز کما السابق الفاضل  
یورث الحسن والین فی المطلاع و المقطع بسرایه البرکات من الاول الی الآخر و شمول میامن لسان  
الصدق فی الاواخر تلافیا من جنس عملهم الفاخر و ارشاد البکابر و فاجرو الله الموفق لاتمامه و المیسر  
لاختتامه \* (حضرت مجد الدین سیه سالار) \* آبا و اجدادی کبی دولت سلجوقیان رومده عیدار  
سیه سالاری و مرد میدان شجاعت و کریم الطبع و ظریف المشرب و معدن اخلاق حمیده و مجمع فنون  
عزیده اولوب عهد شبانبده حضور مجالس عالیه سلطان العلماء الیله متأثران فاس نفیسه لرلی و متعهد  
محبت اکیده لرلی و بعد وفات والده کندی ولده دخی طرف سلطانیدن رایت سیه سالاری مسلم اولوب  
زمان ولایت عنوان حضرت خنک کارا کبر نور سمره الازهرده اسفیه سالار نصرت شعار ایکن مدتی  
سیه سالار جهاد اصغر شدی بعد ازین در جهاد اکبر نیز رایت افرازاخیار و لشکر کش ابرار باید  
بود مضمون دعوت مکیون لرینه اجابت نماد و موجب نفس قدسیلری اوزره برکات همت عالیله لرنده  
مقام مشار الیه و صولله مستعد اولشدر و خاندان آخی بشاره و اختری ترکه اتصال مصاهرته  
بناء اوقات خلافت جللی حسام الدینده مظاهرت کلمه فقر و تأیید آیین اولیاده مساعی  
مشکورده لرلی علی الخصوص ضبط مفاخر سادات مولویه ده جلوه کر میدان تحقیق اولان اثر لطیف لرلی  
اساس استحکام توجیه قلوب قابله و مدار بکیت نفوس مخالفه و مناط یاد عهود سالقه اولشدر

حضرت مجد الدین سیه سالار

\* (نظم) \* ذره کز جهد تو افزون شود \* در ترازوی خدا موزون شود \* جمله دانند این اگر تون سکروی \*  
هر چه میکار یسر روزی بد روی \* جهد کن تا نور تو رخشان شود \* تا سلوک و خدمت آسان شود \*  
\* (مروسته که) \* اول صاحب لوی صداقت التوای صف اخلاص هر کاه که متوجه صوب جهاد  
اولسه است دعا و استمداد صد دنده شرفیاب دست بوس حمایت مأنوس اولد قدده سبز زده پُرده اشارت  
برهان العارفین اولان انفاس قدسیه جلوه کرمنصه ظهور اولغله و هنر کام رجعت دخی متشکرا  
للسلامه و الظفر و مال دامن کرامت پیرامنلری اولد بقیه علی وجه التفصیل سرگذشت سفر به لری  
لهجه پیر بهجه مبارکه لریدن تلقی کرده صافی یقین اولغله قوت نور مکاشفه و احاطه سایه جمالی لری کاین بنی  
معلوم مخلص فرقوم اولوب خدمات مالیه لریده بدل موجود و مساعی غیریده صرف خزانه اقتدار ایدوب  
نوبت خلافت جلبی حسام الدین دخی کافی الاوائل اتباع و اشیا علیه راه هجوم منکرین مقررینه  
سد سدید اولوب فردا حدل طرف آیین ولایت اکین خداوند کاری به حرف انداز غصه جبارتی  
اولیوب بلکه هر بی ادبه اسائنی باعث خسارتی اولغله مستجاب نور تائید موجودین و گذشته کان  
اولوب بضاعه قوت و اقتدار مدافعه سی دمیدم از دیاد پذیر و اموال و اشیا بسته برکات زائد الوصف  
احسان اولد یغنی سبب تائید اعتقاد و باعث تشیید اعتماد و بادی مبالغه اهتمام و اقدام اولد یغنی  
مرفوع پیشگاه حضرت جلبی اولد قدده ایشان موقع دعای خیر هر صبحگاه ملکی کشته اند که درین  
خصوص اللهم اعط کل منفق خلفا منصوص است عنوانیه بشیر یوریلوب مشکوریت مساعی  
مخلصانه لری تقریر اولد یغنی مسموع اولنجه مژده رسان خلانه ماعدای سدر مرق مایه عیش و لازمه  
زند کافی بشیری اولان نفود و امتعه و اشیا سنی مژدگانه ایدوب بالکلیه دست و دامن کش علایق  
ماسوا اولوب کندولر معاینه و ثقات صحیحه الاخبار دن استخبار و استماع ایلد یغنی کرامات متیقنه  
الصدور جعنه وقف وقت ایدوب بوضعه جاریه ایلد دخی جلب منافع ادعیه مستجاب عشاقه و دفع  
مضار مرده فسادقه موفق اولوب اخلاف منقبه نویسانه امام و فائز تحیات انام اولمشدر و نام نامیلری  
الی انقراض الدوران طفیل اذ کار جمیله کروه پرشکوه مقبولان قیومی و شجره طیبه ذات کرامت  
سماتلری مانند جلال الدین بر غره مثمره المراتب و مالک دولت مادر زاد و صاحب کرامات خدا دادله  
مغتم و الی ایامنا هده امتداد سلسله زکیه نسل و نسب ایلد مستعد و قریب بعد قرن تسایح شریفه  
مقدمات اولاد کرامی مقاصد حسنه ارباب کمال و منتظمین سبک اصحاب حال و منذ کرین عهد قدیمه  
اسلاف ولایت مآل اولمشدر در ادامهم الله مادام الزمان و آنالهم عجائب الانعام و غرائب الاحسان  
\* (نظم) \* د هدز تیر فلک فرسنان مر بخش \* هر آن مرید که اورا بعشق پرورد \* دیگر \* خود مرید  
من غیر دکاب حیوان خوردن است \* و انسکهان از دست که از ساقیان ذوالمن \* دیگر \* هر چه  
از اولیا گویند کویم بفرز قنا \* هر چه از انبیا گویند آتنا و صدقنا \* (منقول است که) \* اول سابق  
اقران برکات هم مردانله مجمع شیب جسمانی و شباب روحانی اولوب ینه پیر نود ساله ایکن میدان سماع  
و صفاده راست و اصول پای یاران جوان و پیرانه سر پشت بازن نوبات مقابلات خالیه اولوب آخر الامر  
اوائل خلافت ولدیده فرزند ارجمند لری جلال الدینی ید اید تسلیم زانوی ارادت لری ایدوب دائره  
حسن نظر لریده قائم مقام لری اولقی اوزره نیازمند اولمری قرین لطف قبول اولد یغنی عقینده و داع  
بزم فانی ایدوب چنانکه سر بیجا مدار اوقات حیات در پای ارادات آن سلاطین حقیقت بوده است پس  
در حال ممات نیز آتخنان خواهد شد وصیت صوفیه لری موجب عمل و پایگاه مر اقدمه مقدسه سلطان  
العلماء و حضرت مولانا و حسام الدین و صلاح الدین دخی اولمشدر و بعد الوفاات حامل سر قدسیلری

جلال الدین حضرت تهری روح متجسد لرب دائرة آستانه مولویه ده کفی الحیات دهن مبارک لرندن  
بر نور ساطع طلوع ایدوب بلا انقطاع مقعر فلک قره صاعد و بیوسسته اولوب بعض لمعات راجعه سی  
وجه ارضه ساقطه واصابت ایلدیکي محالی بر نور ایدر مشاهده لرین مرفوع پیشگاه بهاء الدین  
ولد قدس سره الصمد ایلد کلریده آن نور نور اذ کار جمیله مردان خداست و آن سوا قط و رواجع آثار  
آن اذ کار است که قلوب قابله راروشن کنند و بر و شنایی قلوب خانهای قوالب نیز روشنایی پذیرد  
و از ظلمت انکار رها یابند تعبیر نفس الامر یلر یله نفسیر بیور و ب و اثر مؤثر منقبه شیر یغه لرین  
نشر و استنساخه ترغیب بیور ملر یله جمله اخوان و خلان استکتاب ایدوب اول باعث نزول رحمتله  
تین و تبرک و تسخه منقبه لطیفه لرین حرزجان عدا ایدوب محافل اخوان و مجالس خلان تجدد اذ کار  
جمیله سلاطین مرقومه ایلر پر نور اشتیاق و محبت اولمشدر و بین الاصلین الحسینین جاری اولان  
معاملات شفقت و ارادات و محاملات صدق و انابات بین الفرعین النسیبین مراعات اوزره دستور  
الاعمال مدت العمرین اولمشدر طوبی لهم و حسن مآب فیما عاشوا و انا بوا الی المصیر الوهاب  
طیب الله ثراهم بروح و ربحان و جعل مرقدهم روضه من ریاض الجنان و جعلنا من الفائزین  
باققاء آثارهم الی یوم الحشر و المیزان آمین بحرمه من کان رحمه للعالمین و بعزة الشفیع لعامة المذنبین  
\* (حضرت درویش احمد افلاکی العارفی) \* خا کرداد دارالولایه قونییه حمیت عن البلیه و فرزند  
ارجمند حضرت اخینا طور و تلمیذ مستعد بدر الدین تبریزی اولوب و سمت دائرة عیش خاندان و همت  
عالیه استاد مشفق رازدان و قابلیت جوهر جسم و جان ایلر امداد مساعدده زمان اقتران ایدوب  
و استاد تخریر لری عمان العلوم و محیط الفنون و شاکر و مقبل قابل پرور و ملغله دفع غوائل هوا و هوسه  
موفق اولوب اضاعه بضاعه وقت ایتیموب کاین بنی جسد و جهد و بذل و سع بشری و صرف جهد انسانی  
ایلر استاد صاحب المملکه القصوی و مالک اولدینغی علوم و فنونی صرف و نحو و ده سیمیا و سحره و ارنجه  
و بالجمله جامع جمیع کلیات و جزئیات اولدینغه من و مان لایشب معان فحوا ی شریفی اوزره عطش و طلبی  
از دیاد پذیر اولمغله مدت مدیده سراغ استاد کامل ایلر سیر و سیاحت ایدوب لکن سلطان علاء الدین  
کبی پادشاه افاضل پرور و همت خسر وانه سی و سلطان العاشقین و برهان العارفین حضرت مولانا  
جلال الدین جذبه غوثانه سیله ساحه شجیه قونییه صینت عن الآفات و حمیت عن البلیاتی جمعیت فضلا  
و عرفا ایلر شکر ربع مسکون معاینه ایتیمکه نه اول محط رحال آمال رجال دولت ظاهره و باطنیه  
رجعت ایدوب کند و جمعیت معلوماته اعتنا ایلر مغبون ایکن مجالس عالیه بهاء الدین ولدی به حاضر  
اولدینغه قطعاً و خاطراً آشنای اولد قهری معانی با کوردی تلقی ایتیمکه یوما فیوما تعطش و انجذاب  
غلبه ایدوب طلبیه علوم لدینه زمزمه سنه التحاقه قرار ویروب صرف و نحو و دن ابتداء و فقر و شحوده  
انتهایاب اولمشدر و اشتغال قوت خیالیه و اشتغال صبح و مسائیه لر ایلر جمله فنون جزئیات دن علم  
هیئته مهارت و استقصا لری غالب اولمغین اغلب ابحاث و تدریس لری فلاکیات و نجومه متعلقه و مسلمه  
و بین الاعلام افلاکی مخلصیه معروف و مندعوا و اولمشدر \* (منقول استکه) \* اول فلاطون حکمه  
الاشراق و نصیر استخراج حوادث آفاق و استاد بزرگوار لری بدر الدین تبریزی و حمد الدین جندی  
و امثالهم مهره مشاهیر علوم خفیه دن حادثه من عجب استیلای کیفانو خانی و ماجرای قتل عام اهالی  
خطه یونانی کاین بنی استخراج ایتیمکه اول قضای مبرمدن خلاص سیاقنده هجرت و ملجأ منیعه تحصن  
اوزره اتفاق ایدوب لکن ماشا تمحاشا یوم قوله و قعه مهالکه دن غفلت ارائلک و لایت آرایان خاندان  
خداوند کاری به مناسب و جاره دفعه عدم تمیلاً ملایم دکازردی طرف باهر اشرف حضرت بهاء

حضرت درویش احمد افلاکی

الدين ولد قدس سره الصمد عرض استخراج مرقوم قصد يله بالاتفاق متوجه ومستمد مستورة  
 خفيه اولد قلري اثناده حضرت فخر الرجال وذخر الابدال جلبي عارف بزرگ مانند بدر التمام  
 چارده ساله اولوب ميانه راهده جماعت معهوده بي بشاشت جمال با کمال ليله استقبال سوروب  
 بعد السلام والا کرام کلام مججز نظام الهيدن \* (بحواله مايشاء ويثبت وعنده أم الكتاب) \*  
 آية کریمه سنن تلاوت عقیمنده آن وقعه هائل بشفاعت وکرامت جند امجد و والدماجدم محو کرده شد  
 وسلامت و بشارت مثبت شد است چه جوار خد اوند کار کهف الامان و دار السلامت و این  
 شهر مامد بینه الا ولباست هر که بیدخواهی بجوالی او آید یا قهر الهی مدد و منکوس کرد و یا بمحببت  
 و ارادت معمر و مأنوس کرد و نفس عالیه بلیه تبشیر و کشف لری جایگیر خواطر بر خلیان فحول مرقومین  
 اولوب بی دغدغه آمد شد اعدا شرفیاب حضور بهاء الدین ولدی اولد قلرنده فتح کلام الهام نظام لری  
 حکیم سنایی حضرت تلیس قدس سره العزیز \* آسمانهاست در ولایت جان \* کار فرمای آسمان جهان \*  
 بیت شریف لری ایل اولوب استخراج شما از اوضاع آسمانهای جهان نیست و استخراج ما از احکام  
 آسمانهای روحانیت القول ماقاله العارف برس و میرس کوش کن و دم فزن دم حقیقت تو املریله  
 ختام فرمای مر امل اولد قلری سر یعاجاده مرقومه نك مانند عذاب قوم یونس علیه السلام مرور  
 ایلدیکی و مضمون مژده لری دخی عاجلا جلوه کرساحه ظهور اولد قلده هر بری مجدده عهد انابت  
 و مؤسس بنیان ارادت و بزار مشاغل ارضاد و حساب سعد و نحس کواکب و مأمون الغائله تاخت  
 و سوخت مواکب و حضرت شیخ افلاکی دخی بالکلیه فارغ البال افکار عالم عقلیه و مرید مخلص  
 حضرت جلبي عارف بزرگ و شهرت عارفی ایلده معروف اولشدر و من رام التفصیل فلیرجع الی  
 مناقب العارفين \* (نظم) \* اندر آدر سایه آن عاقلی \* کشند اندر دازره ناقلی \* ظل او اندر  
 زمین چون کوه قاف \* روح او سیم رخ بس عالی طواف \* کریم باقیامت نعت او \* هیچ آنرا  
 مقطع و غایت مجو \* در بشر روپوش کرد آن آفتاب \* فهم کن والله أعلم بالصواب \* یا علی از جمله  
 طاعات راه \* بر کون توسایه خاص آله \* هر کسی در طاعتی بگریختد \* خویش را مخلصی آنکجند \*  
 تویر و در سایه عاقل کریم \* تارسی زان دشمن پنهان ستیز \* شیر صرد اندر عالم مدد \* آن زمان کافغان  
 مظلومان رسد \* اولیا راهست قوت از آله \* تیرجسته باز کرد اندر راه \* (مر و بسته که) \*  
 اول سر حلقه محرمان راز دایره انساب عارفیه ده اکتساب اختصا صام ایدوب جلیس حضر  
 و انیس سفر لری ایکن اثنای راه وصول بلده کوتاهی ده کند و دن کشف راز مهملی خرمه صدور یله  
 موقع نظره جلال حضرت جلبي مشارالیه اولوب مناقب العارفينده تحریر لری اوزره زاویه  
 کوتاهی ده اسیر فراش اسقام و نا امید حیات عاقبت انجام اولد قلده \* (نظم) \* بس کجا زارد  
 بکجا نال دلیم \* کز تو نپذیری بجز نیک ای کریم \* لطف شه جانرا جنایت جو کند \* زانکه شه  
 هر زشت را نیکو کند \* مضمون انکسار مشحون بیه نالان و گریان ایکن سر بالین ابتلا لریسه حاضر  
 اولوب اگر عاقبت خواهی مثنوی خوان و سماع کن امر واجب الامتثال لریله عمل شفای درد دوری  
 و علاج رنج مهجور لری اولد قلده مکره بینه کافی السابق منظور عنایت لری اولد قلده کمال کرم  
 اولق اوزره ترتیب مناقب شریفه آبا و اجداد کرام لری امری فوق الغایه مسم و ربیور و برکات  
 امر عالی و میامن ائمه رسا میلریله اول اثر جلیل القدر اتمامه موفق و بین الاخوان و الخلان خیره  
 مذکور والی قیام القیامه اثنای اذ کل جمیله سلاطین اولیاده نازله اولان غیب رحمت متابعه  
 رحمانیه دن بر هیاب و بادی سیرانی دلشنکان احباب اولشدر قه دره و علیه آجره \* فی الحقیقه اول

عجمان کرامات و محیط معارف انتظار ذوی البصائر ده کیمیا السعادة و معیار الولاية و میزان الکرامه  
اولدین بی شائبه اشتباه در اکثر حضرت شیخ محمد الدین سببها الارمولوی و ارجناب شیخ احمد  
افلاکی عارفی اعصار سائر ده نسبت هر بری بر عالم کامل مکمل و صاحب الآثار و المناقب در لیکن  
زمان شهنشاهان صدیقیده اولمغله کالجوم تحت الشعاع و تطفل اذ کارمفاخر غوثانه لریله مستحلب یاد  
خبر اولوب میانۀ فضائل شتالنده انجق توسل مر قوملری مشهور اولمشدر که فی الواقع فضیلت  
انتساب در کهلری واحد کالولوف و مناقب سراقلری سرمایه شفاعت مبرور لری اولدین اظهر من  
الشمس و أبهر من القمر در \* (نظم) \* اندازۀ معشوق بود عزت عاشق \* ای عاشق بی چاره بین  
تازجه تیری \* من أحب قومافه و منهم \* مادح خرسیدم تاح خود است \* (حنانکه) \* از حضرت  
شیخ افلاکی سؤال کردند که از جناب جلی عارف چه دیدیکه حلقه بکوش و غاشیه بردوش اوشدی  
فرمود که بنده را آن بس است که بدان شاه و شاهزاده نسبت کنند و عارفی گویند و نام این فقیر ردیف  
العزنام نافی آن سلطان سامی مکان کنند و دل و جان مستقام این حقیر سر فیاب محبت و ارادت آن غوث  
اعظم و سرایای این ناجین خدمت آن قطب انجم سزاوار باشد از اینها چه بیشتر خواهم دید و اینها همه  
از عنایت بی نهایت جذبه اوست و ان الفضل بید الله یؤتیه من یشاء هذا هو الحق الا حق بالیقان  
والایق بآداء اسم الشکران \* کر برتن من زبان شود هر موی \* یک لطف تو از هزار توانم  
کفت \* دیگر \* عالم او حدی بدم فاضل المعی بدم \* کرده قضای خوش سرم بسته خالک آن شهم  
\* (منقول است که) \* اول عطار دواج افلاک یاکی و حاکئی انوار و اضواء بدور و شمس ادراکی  
حضیض نشینان خاکی سامعه سن پر لایئ ثمنه آثار حسرت الاملاکی ایدوب پریشان اوراق دفتر  
مناقب الارباره شیراز دوز جمعیت فصاحت شعاع اولوب و نادره بلاغت دثاری جابجا و فواج  
مسکینه انفس قریحه صافیه لری صماخ و مشام عارفین و عشاقه صفا بخش روحانی و الی انقراض  
الدوران یاران قوت دارانه یاد کار نورانی و حضور فائض النور حضرت جلی عارف اکبر ده مقبول  
و منظور اولمغله صلات جلیه غوثانه و عواطف جلیه قطبانه لریله مظهر و اولی آخر الامر خدمت  
پر حمت مشوینخوا نیده مستخدم و ثانیاً سرتا بالباچه بر کات احتوالری انعامیله مکر و ثالثاً استواء  
خلافت نشانه محترم و بقیه عمر نازین سیرلیده خزانه شهاخت و عطار الدین تعیش دوست کامانه لری  
ملتمزم و علی الخصوص فرق فقیرانه سی بوسه تحسین و آفرینلری و بعد ازین سر حلقه عارفانی نفس  
قدس بیلر یله همسر فرقان و بین الامثال سرافراز توقیع غزای عنسلیب کاستان عرفانی و طوطی  
شکرستان ولایتی ایل نامدار و نیل مرام ظاهر و باطن ایله کامکار اولمشدر \* (نظم) \* چون چنین  
شاهان بدیدم کی بمانم عطا \* سرایشان چون شنیدم کی بمانم عطا \* بخواه ایدل چه میخواهی  
عطا نقد است و شه حاضر \* که آن مهر و نفر ماید بر و تا سال آینه \* هر چه خواهند اولیا آن میشود  
جمله اشیا بیده فرمان میشود \* منوال مقرر اوز ره معهور و معمر و منظور و موفر تکمیل دفتر  
عمر و طی طومار حیات ایدوب ار بعین ارتحال حضرت غوث الرجا لده ناگاه بالنفس جهاز انتقال لری  
آماده ایدوب پیر و از پیشوا دیر و پس ماندن مناسب نیست عنوانله اجمال حسب حال ارتحال  
پهلوی سفها لاریده خفر قیرا بتدیر و ب و تسخین آب و ترتیب لوازم ایدوب و فرش جامه خواب راحت  
احتضار و دعوت بسین خوان و امر تلاوت ایتکه تفصیلان خواطر حضار طاری اولان افکار  
تجرب انکیزه اجابت عشاق را دعوت معشوق بس است بسا ثقی علت حاجت نیست نفس را بسین  
سر دانه لریله اسخ نفس لاری فرما اولوب طریقه العینده یکدم هر ایله روی عالمین انعامی

و جامه مستعار بدیدن اختیار انسلاخ اوزره سماعخانه افلا که برتاب و آشیان علمینه پرواز ایدوب  
 پهلوی همکار پیشقدم لری و حدیقه الارواح مولویه ده هزار دستان بزم خاص خداوند کاری  
 اولشدر نورالله مرقد و بشهود جماله اسعده آمین یا اکرم الاکرمین \* (نظم) \* عشاقی قدم چو در  
 ره نیست نهند \* از هستی همه دوست کلی برهند \* زین زندگئی ضرور نابر جای \* فانی  
 کردند و عاشقانه بچهند \* (حضرت درویش عبد الوهاب همدانی) \* فی الاصل منشأ افاضل ربانی  
 اولان خالک بالهدان مشایخند شیخ جلال الدین نقشبندی حضرت تریک کل زیای کلین ذات لری  
 اولوب بعد تکمیل العلوم المتدوله هوادار سیردار و عتاشای دیار و مرغ هزار آشیان و بی قید جای  
 آرام سیاح با اعتبار اولوب اثنای سیاحت لریده نزل مصر قاهره و دخیل مجالس عالیة حضرت چلبی  
 عبد الجلیل اولدقده بالسکیمه ربوده عشق و محبت لری اولغین طریقت عشقیة صدیقیه سلوکیه برخوردار  
 وصول سر منزل معرفت و ولایت اولوب و کتبخانه چلبی موحی الهیة مناقب العارفین حضرت  
 شیخ احمد افلاکی ایلده دیده جان پردردی روشن اولغله نصب عین تتبع ایدوب سنین عیدیه مطایعة  
 جواهر مناقب حکمت ما تراولیا کرام و ملاحظه زواهر نکات عبرت انکیزا صفا عذوی الاحترام  
 و مناظره مطالب مشکلة الاستقصاء طریقت و حقیقت ایلده اوقات گذار و مستفید شمار لندیده  
 باغ معرفت و اسرار اولوب حضرت افلاکی بحسب الاقتضا تفصیل و توضیح و تزییل منقبه نفیسه  
 حضرت محمد الدین اسپهسالاری ایلدیکی کبی بونلردخی عنان رهوار همت و اقداملرین سمت تلخیص  
 و تنقیح و حل معضلات انفس و اوضاع و اطوار مستوران قباب غیرته ماله ایدوب همهم قاصره طلبه  
 زمانه مناسب و اسکات و الزام عنده عصره ملایم بر قالب مطبوعه افراغ ایلده سالك منقبه نویسان  
 سادات مولویه و حزب مداحان مقبولان حقه منتظم و ملحق اولوب بو طریقه طریقه ایلده دخیل کشف  
 الامان سایه انتمالری و حصه مند تطفل ذکر یا الحیر لری و بهره یاب عوائد دعوات اجابت آیات  
 مسترشدین اولشدر \* (نظم) \* ستایش بحقیقت ستایش خویش است \* که آفتاب ستایش  
 خویش را بستود \* ستایش تو چو دریا زبان ما کشتی \* روان مسافر دریا و عاقبت محمود  
 \* (منقول است که) \* اول یکنانه فن اخلاص دائرة حضرت چلبی مشار الهیة فائز در جرة رفیعة  
 اختصاص و وارث خرقه مبارکه ولایت لری اولغله عامه اخوان و خلان مقام رشد ارشاد لری نه سزا  
 کوروب نیازمند تحمل کرانبار مشیخت اولدقلریده بنده هنوز شمه بوی درویشی نسکر فیه است  
 بس درویش ساختن بکاشد عنوانیله اعتذار کان زاویه قدیمة مولویه ده کوشه کزین فراغت  
 اولوب آخر الامر از دحام احباب و اشتغال اشتها ردن کزین جانب حرمین محترمین و طبیة طیه  
 و جوار سید الرساله صلی الله علیه و سلمه حال محل آسایش فقرای مولویه اولان بقعه مبارکه ده دامخین  
 عزلت و انزوا و مدت مدیده شرفیاب زیارت صبح و مسای روضه مقدسه علی ساکنها التحاب  
 الیهم مدیه و چند خلص بویه صداقتله اوقات صافیة گذار اولوب دم بدم غلیان اشتیاق مشاهده بی پرده  
 جمال با کمال حبیب الهی ایلده بی قرار منزل صورت و عازم جهان سیرت و واصل روضه الصغای جوار  
 رحمت اولشدر کویاد بواختانه منقبه نوبت اولاده تأسیس و تعمیر ارکان و نوبت ثانیة ده تسویه لوازم  
 تزیین و تکمیل و نوبت ثالثه ده بساط و فرش لطیفه ایلده علا و شرف پذیرا و نشدر و اصحاب نوبات  
 فی حد و دواتها ارباب خلافت سرانیه دن اولوب لکن ظاهرا تحمل و قار مشیخت ایتیموب کزین  
 انحصار حصار اعتبار و هراسان شراره اشتها و مولع سمت اطلاق و تفرید و المریله ذکر جمیل لری  
 دیاجه زیب مرتبه ثالثه و حسن فاتحه جلد سیوم قلمشدر و زمان حیات لریده تعبیرات دوات معتبره ده

کلمه طسه درویش مشرب عالیترین جمله دن اوفق اولدیغی حسببیله عنفوان بیان مفاخر جز بیلرینه  
 کلید فتح کلام او اشددر \* (نظم) \* کن فکان رارودی در لامکان \* همچو شیخان بودی من  
 بردکان \* من اگر با عقل و یا امکاخی \* همچو شیخان بر سر دکائی \* عقل من کنجست و من ویرانه ام \*  
 کنج اگر پیدا کنم دیوانه ام \* کارهای پنهان کن از چشمان خود \* تا بود کارت سلیم از چشم بد \*  
 و اول مداحان اخیر ووصافان ابرار آثار خامه بدائع نیکار لری مرآت کیتی نمای ذات ولایت  
 سمان لری اولغله آنجه عیانست چه حاجت بیانست مضمون بیله عمل و مدایج عالیله لرنده اختصار  
 اولمشدر افاض الجواد الفیاض عن مهجائتم التجلیات کما أفاض من لهجاتهم التسلیات آمین  
 یا مجیب الداعین و یا مفیض العنایات علی العالمین \* (حضرت درویش محمود) \* فی الاصل خالک عنبر نالک  
 دارالولایه قویه حرست عن الآفات و البلیه دن نظر کرده مشوینخوان درویش عبدالکریم بن الشیخ  
 سنان الدین المولوی اولوب حسن تربیه و لطف تنمیه لری بر کاتبه نائل حظ اوفر علوم و واصل رتبه  
 رفیعته ساقول و عقیب مر بیلرنده جانشین و محضر عالی حضرت پیر قدس سره المنیر و مجمع مقابلات  
 مواجیه سادات صدیقیه ده سرافرازیایه مشوینخوانی اولوب و با فرمان جهان مطاع سلطانی ترجمه  
 ثواب المناقب مولویه به شروع و اتمام ایدوب شمول فوائد مناقب اسلافه باعث اولغله منظر آثار  
 دعوات خیریه فقر و مغنم عواطف شهر یاری و مستجلب میا من روحانیت خداوند کاری اولمشدر که  
 فی الحقیقه از منته تقادعده هم و اوقات تقاصر عزایده عوائد ترجمه لری منافع اصول فارسیه مترجمه به  
 غلبه ایلدیکی مشاهد ذوی البصائر عهود لا حقه در نعوذ بالله تعالی من تنزلات انقالبات و تسفلات  
 الرغبات و اشتغال نیران البطالة و ارتفاع بنیان الجهالة بالتغییرات الزمانیه و التسویلات النفسانیه  
 و التعلویقات الشیطانیه \* و حال محل تربیت رحمت اکبر لری اولان حدیقه که محمود دده باغچه سی دیکله  
 معروف و قدر کندولرک مقابل بقبه خضرای روضه الجنان مولویه اولان و حدیقه خانه لری دائره سی اولوب  
 زمان سعادت اقتران حیات لرنده خواص اخوانه جلوه کاهلری اولوب و تمتات و ملحقات آستانه  
 ملائک آشیانه حضرت پیر قدس سره المنیره اولغله علی الدوام طالبین و عاشقیندن خالی اولمبوب  
 اکثر یانزه تسرای عارفان مولوی اولدیغی کبی فی آیامنا هده دخی اول عادت حسنه مرعیه و ازمان  
 خواهش تفریح طباعده جلیان کرام و مشایخ ذوی الاحترام عین الجمع اخوان و خلانله اول بقعه  
 مبارکه ده حلقه زن عیش خوش و دائره کش صحبت بیغش اوله کلمش لردر و اول زاویه متبرکه نک  
 تصرف و نظارتی عزیز موی الهیک اولاد کرامنه مشروطه اولوب فرد و احد اجانبک جانب انسال  
 صلاح آراسته لرنه مد اخله به وصفای و قبلرینه مزاجیه محالی محال اولمشدر اغانهم الله تعالی علی  
 الاغیار مستمرا و اقامهم فی مواقعهم الشریقه مستقرا \* (مروسته که) \* اول زنده نفس و مرده  
 نفس خدمه خاصه لرندن درویش حسین سعید غسان امواتک مس محال عوراتی مشاهده سندن  
 عرق عفت و غیرتی جنیان اولوب عزیز مشار الهیک وقت محو تا ملرنده نیازمند شهادت اولدنده  
 حصول مر امته نفس خیر یورملری سرباعا و عاجلا رونمای منظره بروز اولوب سعید مرقوم  
 خموشان عاشقانه شهید امر حوم بولنوب بلا غائله الغسل خون شهادتیه دفن اولمشدر و زمان  
 تعین و لا بلرنده طالبان مقاصد صوریه و معنویه فوج نیازمند انقاس شریفه لری اولوب بخودانه  
 سر زده اولان دم الهام توأملری بهر حال وجود پذیر و نفس بند لری محمود العاقبه اولمشدر و کندولر  
 دخی مدت مدیده کرسی نشین مشوینخوانی اولوب زلال معارف و نسیم انقاس نفیس لرندن و وضات  
 قلوب طالبن شاداب و حدائق آذان مستمعین پر روح و روحان اولوب امور با شیم لرندن موفق من کل

حضرت درویش محمود



الوجه اولد قلمری خصوص معادیله لرنده دخی میسر الاحوال و محفوظ من الاحوال و مجلس اخیر  
تذکیر مشوی شریفلرنده قریب من التصریح قرب انتقال لرینه ایما بیور و عارضه یسیره ایله  
متعرض معرض بقا و معترض موطن فنا اولوب پهلوی شهید سجدده آماده شریفلری اولان  
مدفن لطیفده و دیعه آغوش مادر مشقه خالرحمتنا کلفتمشدر و اوزر لرینه قبه فاخره بنا اولوب  
تربه معالار تبه لری زیارتگاه خاص و عام اولمشدر نورالله تعالی مجده و جسده با شعله عنایاته و روح  
روحه و سره تباشیر انا راته آمین یا مجیب المضطربین بحرمه السید الشفیع الامین و عزیز مشار الیه  
زمره خدمه متعبه نویساندن اولمغله ذکر تمینلری رابع اربعه مذاحین سادات صدیقیه قلوب  
و کویا اصول تریه و ارشاد لرینه مقدمه الشرع اولمشدر \* (حضرت درویش سنان الدین) \*  
خاکر اددار الوالیة قونیه و اخفاء کرام شیخ سنان الدین آق شهری نور مضجعه دن و کلمات علمیه و عملیه  
ایله آراسته اولوب جاذبه عرف قدیم کندولره قائد خدمت درکه کرامت دستیکه حضرت چلبی امیر  
عادل کوچک اولوب زمان خلافت تربه معظمه لرنده موقع برتوقبول و محرمیتلری و سرافراز تربه  
مشو بخوانی اولوب میان حضرت شاهزاده کرامی خلقت ایله عامه دردمندان مسترشدانده  
واسطه الافاضه و الاستفاضه اولمغله حسن تبعیتلری سبب استناره قبیله قابلیت کروه انبوه اخوان  
الصفا اولمشدر و سنان زبان حقایق بیانلری جکر شکاف و دلوز معاندین و منکرین و تمکین  
مظاہرات قوت قدسیه و تمرین مناظرات قدرت محبیه لری صف آرای مریدین و محبین اولوب و حضار  
مجالس رفیقه تذکیر و محبتلری دمیدم مستفید حل مشکلات و مأمون الغائله اوهام و خیالات  
اولمغله اکثری بالانجذاب التام منتظم سلسله فقر اسلوک و بقایا ملحق طوائف احباب و رهیده برازخ  
مهلکه انکار و هوا اولمشدر \* (نظم) \* پای استدلالیان جو بین بود \* پای چوبین سخت بی تمکین  
بود \* علم کز تومی رانستاند \* جهل ازان به بود صدار \* یل نظری پیش آن مرد فقیرای پسر \* بر بردت  
آن نظر سوی اثیرای پسر \* هر آن مشکل که پیران حل نسکر دند \* بد آنکه جمله بازی و فسو نوست \*  
اذا کنت یا صاح مستتربا \* فن اعظم النسل فاستترب \* (مروستکه) \* اول ادب و رزمیدان  
تسلیم اوائل تحصیل علومنده مرد بحاث اولمغله بعد الانابه دخی مولع سمت استفسار و حرص دلائل  
استقصا و هنوز حقائق لدن و دقائق تصوف ثمرات الهامیه و واردات قدسیه اولدیغندن غافل اولوب  
اکثر وقایع سلوک کنده مبادرت سؤال اوزره اولمغله دع القیل و القال و کثرة السؤال مضمون تنبیه  
مشحونیه تا کید و حسن استماع و قبوله ترغیب و مسالک معتادندن ترهیب حضرت مرشد  
عالی کینا بلری اوزره عملده ثابته قدم پیمانیجه ائتمار و انتها اولوب بعد هذا کندولردن جنانا ولسانا  
چون و چرا ولم ولا مسموع و معلوم اولدیغنی سرمایه استجلاب انظار حسنه لری و بهانه عنایات  
متوالیه لری اولوب ترقیات روز افزونه مغتنم و المشاهدات موارث المراقبات مصداقیله کزار  
درون بر نور لرندن کلچین اسرار و دست یاب انفتاح و قریر العین انشراح اولمشدر \* (نظم) \*  
هین مراقب باش کردل بایدت \* کچی هر نقل چیزی زایدت \* کرمراقب باشی ویدار تو \*  
بنی هر دم پاسخ کردار تو \* چون مراقب باشی و کیری رسن \* حاجت ناید قیامت آمدن \* و رازین  
افزون ترا همت بود \* از مراقب کار بالا تر رود \* تو مراقب باش بر احوال خویش \* نوش در داد  
و بعد از ظلم نیش \* حتی بطریق الامتحان و علی سبیل الاختیار صغار و بکاردن ظهور ایدن ابجائه  
معقول التسلیم اولدیغنی صورته تسلیم و تحسین و مورد منع و موقع دفع اولدیغنی تقدیرده مغایر حسابات  
و ممانع اولیات دخی اولور ایسه سکوتله معامله بیور و بهندامن سسته سیدی و سندی و مجامله ذخیره

حضرت درویش سنان الدین

یومی و غندی عبارت غراسیمه اعلام قصد تسنن خاص اخص الخواص عارفین پیورر لرایدی \* (نظم) \*  
 یار آینه است جانزادر حزن \* در رخ آینه ای جان دم فزن \* تانپوشد روی خود را در دمت \*  
 دم فرو خوردن بیاید هر دمت \* چشم را باروی او میدار جفت \* کرد منسکیزان ز راه بحث و کفت \*  
 \* (منقول است که) \* اول درخت میوه دارا سرار و سایه کس تر مفارق در دمتندان زار جل سال شمع  
 انجمن ابرار و سر حلقه جمعیت اخیار و مانند مردم دیده ایکی جوهر نیر و نجیب خیر لذات منبع  
 البرکات لریله قری العین روح روان اولوب هر بری اصل یا کنه عدیل و دودمان زمانده بی بدل و خلف  
 الصدق و عوض الخیر و ظاهرا و باطنا قائم مقام و جانشین لری و کستان مولوده کلن هزار غنجه و نخل  
 بی شمار میوه اولمشدر که منوال ظهور لری اوزره ترتیب ذکر جمیل لری کلکونه نوعروس سفینه  
 نفیسه قلنور و اول ایکی آشنای اسرار توحید و اتحاد ددر ویش عبد الکریم ذاتا و زمانا شایسته  
 مقام سامیلری اولدقه (در میان درویشان خاتمه یکی که بسیاحت حواله خواهد اورا کونند بجای  
 خود کسی آرو و بر و پس بدین دستور بنده پیر بجای خود بفضل المنان عم احسانه عبد الکریم را  
 بدل آورد و بسیاحت حواله خواهد و حسن قبول بدل را بدل و جان نیاز کند) مضمون اشارت  
 مقرونیه عین الجمع میدان چهل تنانه عرض مافی الضمیر اختیار ددن روی قبول و مساعدده بدیدار  
 اولد یغین معاینه ایدنجه حضرت جلی جمال الدین جناب ولایت مابلی نه دخی بحضرت پیر عادل  
 پیام حسرت انجام و سلام سلامت قوام شاهزاده والا حسب را خواهم برد عنوانیه مطایبه  
 نما اولد قلزده خوش آمدی و بخوشی برسان نفس خیر فرما اولم لری عقیننده حامل سراقدر لری  
 درویش عبد الکریم یدا بد زانوی قبول جلی مشارالیه تسلیم و مقام لری نه اقامت و هم دران روز  
 مسارعت سیاحت عالم معنا ایدوب حدیقه الارواح مولویه ده آسوده سایه قبه خضرا اولمشدر  
 ادام الله تعالی روح راحته و جعله غریقی عنایت آمین بحرمه سید الانبیاء والمرسلین و رهروان وطن  
 اصلی اولان منسوبان مولویه ایچون اوچ مرتبه خموشان تعیین اولنوب اولان چلیان ذوی الاحترام دین  
 مسند نشینان خلافت عظمای تریه عرش رتبه حضرت مولوی اولن لری نه درون روح و ریجان مشحون  
 تریه عنبرین ثری شخص و قباب الاقطاب شهرتیه معروفه و بین المقابر الرفیعه والتریه الشریفه اولان  
 مدافن لطیفه حدیقه الارواح نامیه مشهوره در چلیان سائر و خلفا و مشوخیوانان و طریقیان  
 و وجوه فقرا به مخصوص اولوب و خموشان عریض و طویل که بین الحادین در خموشان عاشقان  
 لقبیه مدعوا اولوب فقرای سائر و عموما احبابه تعیین اولمشدر که سبب تسمیه سی جانب خراساندین  
 عشق حضرت مولانا قدس سره الاعلا لیه طی منازل ایدوب دارالولایه قونییه صیمنت عن البلیه  
 جواریه و مولوده خبر انحال عالم بالاری مسموع لری اولنجه در حال شهادت ششیده بر حسرتیه  
 کریانحال حیات مستعار اولوب تریه شریفه لری نه متوجهها و داع عالم فانی ایلد کلری مسموع حضرت  
 جلی حسام الدین و سلطان بهاء الدین ولد و کوشکدار سلطان علاء الدین و عامه رجال دولت سلجوقیه  
 اولدقه باجمهم تجهیز و تکفیل لری نه حاضر اولوب و روی مجسدری سمت قبله طاهره توجیه اولنوب  
 مقابر سائر که بی تسویه و تسنیم اولنوب علی الصباحینه اجساد عاشقان مرقومین کافی الاول سمت  
 تریه شریفه متوجه اولوب اوچنچی دفعه ده دخی توجیه لری نی جانب جناب کعبه العشاءه بولغله  
 علی حالهم ایقا اولنوب منار عاشقان عنوانیه مشهور و حوالیلزده اولان جمله مقابر خموشان  
 عاشقان لقبیه تعیین اولمشدر طوبی لسا کسبه و بشری لرا تریه متعنا الله بشفا عاتم و یسر لنا التقرب  
 من فناء مقامهم آمین یا مجیب الداعین \* (حضرت درویش عبد الکریم) \* سنان الدین مشوخیوان

حضرت درویش عبد الکریم

ثمره فواید حالت معتاد لری اولوب نوبت جمال الدین جلبیده مقام والد ماجد لری نه اقامه اولوب مدت  
مدیده صدر نشر معارفده دادده تعلیم وار شاد اولوب یاد فرمای عهد سابقه اسلاف کرام اولشدر  
واوقات تدریسه تلامذه ایله معامله لری کمال حدت و احیان تذکیرده اخوانله مخاطبه لری غایت  
مجامله اوزره اولدقلری لکل مقام احوال مبتغاسنجه اقتضای مقامه حمل اولندیغی مسموع لری اولنجه  
این هم محتمل است لکن بنده این السنان و عبد الکریمست پس حدت زبان از سنان و لطف بیان  
از کرم سلطانت که الولد سر آیه و العبد علی خلق مولا مقرر راست نفس انفس لریله مطایبه کان  
و یونظم آبدارله ترخم ریز اولشدر و الحق کما استشهد \* (نظم) \* از حدیث اولیانم و درشت \*  
تن میوشان زانکه دینت راست پشت \* کرم کوید سرد کوید خوش بکیر \* ناز کرم و سر دجیجی  
از سحر \* کرم و سر درش نوبهار زیند کبست \* مایه صدق و یقین و بند کبست \* این دو وصف  
از پنجه دستت بین \* بعد قبض مشیت بسط آید یقین \* پنجه را کقبض باشد دائم \* یا همه بسط  
اوبود چون مبتلا \* زین دو وصفش کار و مکسب منتظم \* چون پر مرغ این دو حال اورا هم \*  
عاشقانه تراشد مدرس حسن دوست \* دفتر و درس و سبقشان روی اوست \* من عجب دارم ز جوای  
صفا \* کورم در وقت صیقل از جفا \* آن جفا با تو نباشد ای پسر \* بلکه با وصف بدی اندر تو در \*  
بر غدا چوبی که آنرا مرد زد \* بر غدا آنرا ز در کرد زد \* (مر ویست که) \* اول سر باز میدان استقامت  
مالک بضاعت استطاعت اولغله کمر بند عزیمت زیارت حرمین محترمین اولوب لکن هند کام وداع  
سده سعادت تریه فردوس رتبه ده بیرون حد قیاس رقت نما و اخوان و خیلان و اولاد و عیاله  
استحلاله دقت فرما اولملریدن استشمام بوی ذهاب بلا یاب اولغله عیون دلداد کندن سیلاب  
حسرت و دود آه فرقتله روی زمین و آسمان همرنگ در و دیوار بیت الحزن اولدیغین مشاهده  
ایدیجک غم مخوریدا کر عبد الکریم غائب شود عبد اللطیف حاضر است عنوانله پرده براند از پیکر  
مال کار اولدقلری بعد أداء الفریضه مراجع مدینه منوره و مال عبیه علیای روضه مطهره  
اولدقلری حرم اولین و آخرین مطاف سلطان الرسل علیه الصلوات الزاکات و التسلیات  
الرائقانه \* (نظم) \* بانکه میدانی مرا هر کوئی بخوانی مرا \* هستم سکی زین آستان از درجه  
مهرانی مرا \* دیگر \* آنچه نبردست و هم عقل ندید است و فهم \* از تو بجا نم رسید قبله ازانی مرا \* اخذتم  
فوادى ثم غنی نأیتم \* فاضل کم لوکان عندکم الکل \* هوسم بود که در کیش غمت کشته شوم \* لیک این بنده  
ضعیف است بقربان نرود \* کر نه امید لقای تو بدی در جنت \* هیچ عاشق بسوی روضه رضوان نرود \*  
ایات محرره امثالی انفاش بر سوز و کداز مردان خدا انشاد یله حال آور و رقاص و نالان و کران  
اولوب جمله زائرانه خوش آه و زاری تأثیر ایتکین هر کس حصول مرآنه توجیه خاطر شفقت مآثر  
ایدوب بفضل الله المجیب تیر نیازی هدف قبوله اصابت و جوار حضرت شفیع المذنبینده آسایش  
سرمدی ایله بقیه چند روز حیاتن فراغت ایدوب کامیاب سعادت روز افزون اولدقه جلوه کر  
ساحه ظهور و جسد مر حوم لری خیابان روضه رضوان اولان بقیعه بقعه نشین بطون اولشدر  
\* (نظم) \* عاشقانت بر تو تحفه اگر جان آرند \* بسر تو که همه زیره بکرمان آرند \* برخاک درش  
از سر دل کن سجده \* این کار دلست کار پشانی نیست \* بانک طبتم فادخلوها خالدين اندر جهان \*  
چون بکوش جان شنیدم از سر کوی شماسست \* حضرت درویش عبد اللطیف \* دادر که بین  
حضرت عبد الکریم المذکور و مجموعه علوم و معارف شتی و مضبوطه اعمال حسنه و اخلاق حمیده  
لا تحصی و صاحب التخلیه و التخلیه مالک خزانه اسرار حضرت مولا نادر سمره الاعلا اولوب عقیب

حضرت درویش عبد اللطیف

برادر میسرند جمله دن اولی و احری اولغله منتقل حسن توجه حضرت اربکه نشین خلافت کبری  
و موقع بر توهم فقر و مقام والد ماجد لرینه قائم و موجب نفس قدسی عبد الکرمی اوزره مفارق  
منسوبات خاندان لرینه سایه حمایت انداز و نقد وقت اسلاف علیه لری اولق اوزره رایت افراز  
اولمشلردر و ابتدای اثبات لریدن انتهای حیات لرینه وارنجبه سمت قبسلة العشاق و جانب تربیه معظمه به  
استدبار و استتطاله واقع اولوب استغراق آداب اوزره تکمیل دائرة همرايت مشلردر و ظاهرا  
و باطننا طرف باهر الشرف سلطان العاشقنه اولان توجه تاملری دخی کند و لری بین الاخوان  
و الخلال متوجه ارباب قلوب و ملجای اصحاب خطوب ایدوب نردبان اعتسلائی شانلرند و حسام الدین  
ثانی عنوانیه مذکور اولمشلردر و اسفار عراقیه مناسبتیه تزییل فنای دارالولایه اولان ملوک و وزراء  
بأجمعهم محب و معتقد لری و مستخدمت والاری اولوب استخبار ایلد کاری عواقب عزیمت لریدن  
توریه صورت استخاره ایلد بقوله نفس کرم و سر دفر ما اولمشلرایسه بی قصور خبر لری عیان و ظهور  
مرتبه ستمه رسیده اولغله محبت مکاشفه لری و اصابت استخاره لری متفق علیه صدور اولمشلردر و عزیز  
مشار الیه ریاضت مستمره اوزره اولغله قوت ضعف بدنیله لرله بنه حلقه سماع و صفاده دور  
و درازدوار اولوب جمله همایانه عیاطاری اولد بجه انلرازید و اسرع من الاول کما کرم و جدو حال  
تیز اندر تیز خرنان اولملری محیر افهام داترین مدار طاقه بشریه اولد یغی ضمیر منیر مکاشفه سمیر لرینه  
عکس انداز اولد قدردمیدان و جدو حال ارباب فنار قصان و دست افشان روح روانست و ابدان  
چون تنوره کانست و طریان عیاجامهای سماع و صفاملایم رای عقلا نیست اگر از اداره آن جامها  
ار و احرا عیاطاری شود هر آنکه از تحمل و تحریک آنها در عیای دائم خواهند بود دم تحقیق  
تو املر لیه سماع و صفالری و حافی اولد یغنه ایمایور و ب فاما انا نکه متواجدند بقوت جسمانیه  
حرکت کنند البته در امتداد بیتاب شوند نطق حق لرله بیان حسب حال واجدین و متواجدین  
و بنهم ماده دستور العلم و العمل اولان میزان امتیازی تعیین بیور مشلردر لله دره فیما أفاد و أجره علی البر  
الجواد \* (نظم) \* سماع ماچور و حایست ای جان \* مشوا یجا بنفس و کبر رقصان \* سماع  
ماچو بیرون از من و ماست \* منی از خویش چون مردان بیفشان \* سماع مانصیب جان  
یا کست \* اگر چه شد نصیب جسم مانان \* سماع ما بود ز افلاک برتر \* مکش این راز بی عقلی  
بمیزان \* (منقول است که) \* اول مغنم سهم او فرقدح معلائی اقبال خداداد موقع بر تقبول تام حضرت  
جللی جمال الدین اولوب زمان شمول و لایتم لرنده از دحام کثرت طالبان تکبیر مولوی حبیبله تکبیر  
عرقیات محبت و استشفاف طرف شریقلرینه تقویض بیور بلوب و خلافت سربیه احسان اولغله صبح  
و مساد اثره توسل و استندعالری کردا کرد مستمدین و مستمدان اولوب قبول هدا یا و بندور دخی کند و لره  
حواله اولوب بفضل الله تعالی برکات توجه و مایمن تقو هلری عامه دردمندان سر مایه فوز مطلب  
و حرز امان متعب و معطب اولوب تحت ید اخذ و قبول لرنده مجتمع اولان نقد و جنسی تمام حسب  
الاقتدار محتاجین و مضطربین اخوان و خلائق توزیع بیور و ب کند و لره افراز حصه تکلیف  
اولند قدده مارا خدمه عباد بس است عنوانیه اعتدال و استغنا ایدوب ظاهرا و باطننا مریدین و محبین  
طریقت مستقیمه صدیقیه منافع صوریه و معنویه لرله منتفع و بمنون و خیر الناس من ینفع الناس خبر  
بشارت اثر سید البشر علیه السلام و لایزید منکم جزاء و لا شکورا و ان أجری الاعلی رب العالمین  
مضامین شریفه ستمه ماصدق اولمشلردر و علی الدوام اسم بالک لطیفه اشتغال اتم که کویا خلوص  
و اعتقاد و صدق زائد الوصف لری حبیبله کند و لره نسبت اسم اعظم اولوب اکثر مستفیضینه

اللهم يا سیدی یا لطیف یا مولای الرؤف الطف بمن یلوذ بعبدک الضعیف لطفاً شاملاً للوضیع  
 والشریف وارؤف بمن یتوسل به رأفة عامة لكل مله وفنفس جان بخشایله عزیمت خوان وکبابک  
 قبول نیاز کش اولملری سربعا و عاجلاً اثرزای مطالب ارباب حاجات اولغله در که کرامت دستکهلری  
 محط رحال آمال متوسلین و مقصد قوافل مستمدین و مضطربین اولمشدر \* (نظم) \* کندیاری  
 تودم خوش دردعا \* رود عامیچوز اخوان صفا \* هر کرا دل بالباشد ز اعتلال \* آن دعایش میرود  
 تاذو الجلال \* کان دعای شیخی چون هر دعاست \* فانی است و کفت او کفت خداست \* آن دعای  
 بخودان خود دیکر است \* آن دعا زو نیست کفت داور است \* آن دعا حق میکند خون او فناست  
 آن دعا و آن اجابت از خداست \* (مرویستکه) \* اول همای بلند پرواز بی شره الوان اطعمه و مولع  
 پر هیز و ریاضت و مانند هلال دیده دوز مشرق تکمیل انوار ولایت و محل شفقت خیر خواهان خاندان  
 انابت و ارادت لری اولغله \* (نفسک مطیبتک فاروق بها) \* خبر شریفین سر سخن تخصیص ایدوب  
 بر مقصد ار خواب و خور بادبای آتش عنان شب بدیزید نلرنده مبل رخصته سوق و نیازا بیل کارنده آن  
 سلطان الملک والانس والجان خوب فرموده است و لکنه فی حق من کانت نفسه مطیبه فاما من کان  
 مطیبه نفسه فیحجب علیه ان یروضها و یضیقها و یلقیها علی أرض الاضطرار و یلجمها بالامساك  
 الماسک حتی یصیر را کما علم او یسرعها فی منازل المتقین فاذا حصل الامر وصل الی القدر و تصیر  
 نفسه مطیبه فلا بأس حینئذ برفقها و الا فی رفقها جور الروح و ظلم العقل و سیاسة القلب و اضاعه  
 السر و تخرب الجوارح و الجوانح فاذا قویت اکرهت مطیبتها الی الممالک نکات لطیفه سبیله بند  
 تعریض فرمای مشفقان صوری اولمشدر \* (نظم) \* مادر بنهات نفس شماس \* زانکه این  
 مار و آن بت ازدهاست \* بت شکست سهل باشد نیک سهل \* سهل دیدن نفس را جهلست جهل \*  
 صورت نفس ار بجویی ای سر \* قصه دوزخ بخوان یا هفت سر \* هر نفس مگری و در هر مکر آن \*  
 غرقه صد فرعون با فرعونیان \* ای که خود را شیرین دان خوانده \* سالها شد با سکی در مانده \*  
 آلت اشکار خود جز سبک مدان \* کمتر انداز سکر استخوان \* زانکه چون سبک سیر شد  
 سرکش شود \* کی سوی صید شکاری خوش دود \* چون کنند این سبک برای توشکار \*  
 چون شکار سبک شدستی آشکار \* دشمنی داری چنین در سر خویش \* مانع عقلست و خصم  
 جان و کیش \* نان جو حقا حرامست و فسوس \* نفس را در پیش نهان سپوس \* (ودخی) \*  
 سایه عنایت مایه سلطان العارفین قدس سره المنبره فواند حجه محتره ایله مستفید اولدیغندن ماعدا  
 مانند دو چشم روشن عبد الرؤف و عبد الغفور نام ایکی فرزندان جندله مقتنم اولوب هربری آب وجد  
 آسسالک راه خدا و مالک آداب طریقت حضرت مولانا من کل الوجوه اولانا اولوب عبد الرؤف  
 آستانه شمس الدین تبریزده شیخ و مشنویخوان و عبد الغفور تربیه دار حضرت بقعه مبارکه قطب  
 الاقطاب اولوب بین الفقرا مظنه کرامت اعزّه شهبه المنقبه اولمشدر و کند و لدخی حضرت چلبی  
 جمال الدین نور مضجعه متوجه دار البقا اولمزدن مقدم مآل حال محاط مکاشفه لری اولغله مابند  
 منسوبان شاهان سفر کرده پیشرو و مقدمه اولمق اوزره تهی نقلان جهان معناری ظاهربینان  
 احبابه بحیب نما اولغله حضور فائض النور حضرت چلبی مشار الیه ابراد اولمزدن قدس خوش میکند که  
 مقدم الجیش ماست نطق با کربله محقق ماجرا اولوب فی الواقع قدمای اخوان و خاندان جم غفیرله  
 مسارعت ارتحال ایدوب که وه حضرت شاهزاده ساهی جاهه مقدم اولوب حدیقه الارواح مولویه ده  
 فسطاط راحت زن و آسوده سایه دیوار شفاعت مدار خداوند کاری قدس سره الباری اولمشدر

حضرت درویش علی خراسانی

روح الله تعالى روحه و آدم قنوجحه \* (حضرت درویش علی خراسانی) \* جناب ولایت مآب  
و کرامت نصاب و صدیق انساب خیر الرجال و ذخرا لبدال حضرت سلطان دیوانی قدس سره النورانی  
مشهد مقدس امام الفخیم و تربیه منوره همام اکرم ابوعلی موسی الرضایارقی ایله اقلیم خراسانه هراس  
افکن مهابت و استمالت بخش لطف معاشرت اولاد قلنده ربودکان شیوه نادره غوثانه و دلبسته مکان  
خدمات رکاب قطبانه لری اولان عشاق اکید المیثاقدن اولوب طرف بین الشرف روحانیت  
امام الانس و الجن رضی الله عنه وعن کافه الائمة العظامدن مرخص ملازمت خدمت غاشیه  
حمایت حاشیه لری اولوب مرزبوم روم صدق موسومه رجعت و دارالولایه قونییه حماها الحفیظ الدافع  
عن البلیه یه وصول لرنده میرزا صبی الدینک تفصیل احوال محیره الافهامی شفاهات تلقی اولند قدده  
بالکلیه خراب صهای عشق و ارادت صاحب السیف ملک حقیقت اولوب وراثت ائمه ذوی الاحترام  
ناصیه عصمت پرتولرنده باهر اولد یغی مشهود عین الیقین لری و علاقه روحانیه در کد ولایت دستیکه  
ائمه کرامی در یجه خیالدن ساحه عیان جلودرین و پرتوان از عیان ایتیکه مرید بایتمکین و بند دینی  
تردد آن و این لری اولوب چند سال جار و یکش میدان حسرت مردان لری و تسلیم هر کونه فرمان لری  
اولغله موقع نور حسن نظر لری اولوب سده سنیه غوثیه لرندن کوزل حصار و حوالیسنک خدمات  
قطبیه لرنه تعین بیوریلوب عداد رجاله التحاقه سرافراز اولشدر \* (نظم) \* یلک شمع ازین مجلس  
صد شمع بیکراند \* کمر مرده و زنده هم زنده شوی باما \* باهای تو یکشاید روشن بتو بناید \* تا تو همه  
چون کل در خنده شوی باما \* در زنده در یکدم تازنده دران بینی \* الطلس بدر اندازی در زنده  
شوی باما \* چون دانه شد افکنده بر بست و درختی شد \* این رمز خود ریایی افکنده شوی باما \*  
شمس الحق تبریزی باغچه همی کوید \* چون باز شود چشمت بنده شوی باما \* (منقول استیکه) \*  
اول عیسی نفس و مجر دعلایق هوس امر الزم الاتباع حضرت غوث اعظمی ایله مدینه مرقومه ده  
حالا جلوه کاه عاشقان مولویه اولان بقعه مبارکه که آبا و اجدادی گروه پرشکوه عارف اکبر بدن  
اولوب کند و لر میرد جناب سلطان سماعی اولان بر مخلص ماملک نشارل خدیقه موروثه سی اولوب  
موجب اشارت روحانیه ایله عزیز موی الهی اول مقام نزهت فزایه دعوت و بعد الا کرام منزل  
مذکور کوری کند و لر دملیکه اتمام ایدوب یوماقیو مامینت سایه عمارت مایه لریه قالب خانقاه طریقت  
مولویه به فراغ اولنوب مدت مدیده اول سرو بوستان استقامت اول مقام متبرکده سرسبز کرامت  
و پابرجای اقامت و مریدین و محبین خرب صدیقیه یه وسیمه انابت و مرشد راه منزله سلامت اولشدر  
و ابتدای نو تلمیذه مستوران قباب عزت و قلاشان وادی غیرتدن اولغله نعل باز کونه رفقار و اسرار  
مرموزه گفتار لری حواصل شکاف ظاهر بینان اولوب مجذوبانه نمایش لرندن ساده اولان رمان  
و فقط خدمت پر حرمت لرنه بر بچاره فی زبان رغبت ایدوب مصاحبه لری طریقه اشاریه منحصره  
اولد یغی زبان آوران شهره بهانه خرده کیری و الانسب فالانسب مضمونیه طرف باهر الشرف لرنه  
استهزا و سخریه و عدم قوت ناطقه وضعف لهجه باین لرنه ایمان ایلد کوری خواطر احباب خلصه  
دغدغه فرسا اولغله ناکاه بر و مند خدمت شریفه لری اولان لال مادر زاده تابکی باشارت صحبت  
کنیم بعد ازین بعبارت تعبیر مافی الضمیر کن خطاب کرامت مآله توجیه همت بیورد قلی آنده  
بفضل الله تعالی و کرمه سامعه و ناطقه احسان اولنوب قابل افاده و استقاده اولغله زمان سپرده  
فاضل فصیح اللسان و کامل بلیغ البیان و مشار بالانسان انبای زمان اولشدر و بعد انفتاح اللسان  
اخروس مرقوم حال لایده سائر بنی نوع آدم کی تکلمدن ماعد امسؤل اولوب اول مقصد جلیله دخی

بوطریق و صولد نصکره بالکلیه نامر ادا اولوب من غیر عوائق و عیالاتی سلولت سیرت پیشقد مانده  
مسارعت اخلاص قرینی کند و به سر یغا و عاجلا احراز مر اتب رفیع به مرقات التوفیق و نیل  
مطالبر و حانی به وسیله تحقیق اولدینی کافه اهلای دیار مر قومه به سبب انشاء اولوب هر کس  
اقامت مراسم اعتذار گذشته سینه بذل و سع ایلدیک باعث جوش دریای معرفت و نصف تیری اولوب  
این همه ارباب لطف بیان پیش از آنکه نفس بند اصحاب دل بوده اند از قبیل \* (لهم آذان لا یسمعون  
بها و اهم أعین لا یبصرون بها) \* بودند پس آنکه که بغیض قبول نفس مردان ایشان را سامعه  
و ناطقه احسان کردند از جمله اهل دم و قدم کشتند و بعضی از ایشان غرقه بحر معانی شد و بعد از قدرت  
نطق سخن پرداخت و صموت و سکوت کشت پیش از التحاق بخموشان رنگ خوشی پذیرفت  
عنوان مر اتب تبیان سله سخیفان بی معنی ژاژ خایان صورتی صوت اخر سیمله برابر ایدوب و بعض از قرب  
نوافل بحر تبه کنت له سمعا یسمع بی و بصیر ابصر بی رسیدند اند نطق و سمع و بطش و بلد که عامه حرکات  
وسکات ایشان از حق و بحق و در حق بوده کله جامعه جمع الجمع لریله خطبای منابر ارشاد و طوطیان  
کاستمان اتحاد کنبه کمال توحید لریله اشارت یور مشلردر والله یقول الحق و هو یدعی السبیل  
و مسکن مبارک لری کند و لرد نصکره تریه دار لریله زاویه وحدت و عبادت اولوب بعد زمان هم علمیه  
اخوان الصفا لریله خانقاه و دار الخلافه و مقام اجرای آیین و جسد و حال و مجمع رجال اولوب لیکن اول  
حوالیده تکون ایدن رؤسای فساد انکار کسرایت تسویلات ابلیسیه لری ایلده بالتدریج وجوه  
اهالی سمت قبله عرفان و جهت توجه انسان کاملدن منحرفه اولغله حالینه زوایا سلک نه منحرفه  
اولوب مسافرن و سیاحین در ویشانه جای آسایش چند روز و طاق و طرم نای و قدوم و های و هوای  
شاهبازان مولای ر و مدن خالی اولشد در فی الحقیقه اول جلوه کاه بر ذوق و شوق روحانی میان قوم  
ما تم زد کان غموم و هموم نفسانیده کاسد و منفور طباع مضرة اعتقاد فاسد اولمق بدیسی  
الاستحاله در \* (بیت) \* بامدعی مکوبید اسرار عشق و مستی \* تابخی بر میر در در خود پرستی \* سماع  
ماست آب زندگانی \* اگر خضری بخور زین آب حیوان \* سماع ماست ان نادر امانت \* نذر فت  
آن امانت راجز انسان \* سماع مایکی دشتیست پر خون \* در و شیران زهر سو یست غزان \*  
سماع ما از ان رستم است \* زنا نرا یست اینجا جای جولان \* سماع ما بر از شاهان عشقست \*  
زهد دیگر بوده کوی میدان \* سماع ما بهشت پر زحور است \* تو بینا نیستی مارا چه تاوان \*  
سماع مایکی کنجیست پردر \* از و هر سوی صد بحر و دود صد کان \* سماع ما بهایی خود ندارد \*  
ولد مستان بهام فروش ارزان \* و برکات نفس قدسیلریله اول لال مادر زاد و طوطی کویای کلشن  
توحید و تذکیر اولدینی و عاط شهردن بر خود بین پر کین غفلت اکین قسوت آیین مجالس تدریس  
و تذکیریده التزام ذم و قد جلری و حمل سحر و استدر اجلری ایلده تلویث منابر جللیله و تسکدیر طبایع  
سلیمه و اضلال نفوس خالیبه ده اصرار غما اولدینی بوماقیومامشتمد اولغله حلول وقت محازات  
و خروش موج غیر تلریله مصادفه ایدوب ناکاه لهجه کرامت تثار لریدن عارضه آن بیچاره تابان وقت  
مرفوعه و معلقه بودا کنون بزبان آتش فشان این بی ادب خواهد پیچید دم حمیت تو املری فی الحال  
جلوه کرساحه بروز و اول یاوه کوی بد بختک انسان طعمانی منعقد و کوش بی سامعه سدادی منسد  
و بعینه هم رنگ اخرس جبلی اولوب دخالین سائر بند زبان و سد کوشی زبان بند و بند احتراز استماع  
غیبت فقرای طریقت اولوب ولوله کرامت باهره لری قباب دماغ متکبرین و منکرینه سرسام  
فر ماورقاب سرکشانه طوق اقرار و بندگی رسا اولغله صیت و لای تملری حوالی کیرا ولده مصححت



حل وعقد مآتماست بعد ازین سیاحت دارالسلامت عنوانیله اقتراب ارتحال لینه ایما یوروب  
واعظم مر قوم دخی منوال مشروح اوز ره مهبط صاعقه انتقام ذوالجلال اولغله چند روز ناله و فریاد  
بی فائده ایله صغار و بکابر تماشا ی عبرت نما و اول الم و غم ایله معتل المزاج و مسافر دیار امثالی اولغجه  
کنند و لدخی و داع بر صورت ایدوب منزل متبرک کارنده دفن اولمشدر در حال قبر شر یفلری صدر  
سماعنه انه ده اولوب فی الصبح و المساء دعیه خیریه مقرا ایله مستفید و زیارت متینه لریله ارباب صدق  
و خلوص مستجاب دعوات اولوب سایه سعادت لری ملاذ دردمندان و مناقب مردانه لری یادگار  
بختیاران دیار اولمشدر نور الله مر قده و بشهود الجمال آسوده آمین یا مجیب السائلین و متعنا بشفاعته  
یوم الدین \* (حضرت در ویش عثمان) \* خاک را در اولایه قونییه حرست عن البلیه و اولاد اشرا فدن  
و ارباب ورع و تقوادن اولوب ترک آبا و اجدادی بالجمله خر جراه محبت فقر ایدوب مال و دنا خدمت  
شر یقه درگاه اولیا ایله توسل الحاق طائفه علیه و تسبب انساب رکاب کرب خرب مولویه ده مساعی  
ادیانه و مخلصانه می مش کوره و سعادت یاب تکبیر و عزت آتلف کلاه و خرقه فقر احمدی و سائلک  
مسائل سلامت سرمدی اولوب انواع خدمات آستانه سعادت و بدل مجهود و صرف مقدور و نصکره  
سرفراز رتبه حیره الخدام تربه داری اولمشدر و روز و شب الی آخر العمر تقدیم لوازم خدمت  
پر حرمت مر قومه ده سر موتمنون و تکاسل نما اولوب حتی جامه خواب راحت ده استطاله ایتیموب  
همیشه کمر و حدیده متوجه آینه زانوی مراقبه و غنچه خدایان کاشن مطالعه اولدیغی تحسین  
مقدمان کار طریقت اولغله ذکر جمیل لری مجالس زیب خیلان و خصوص مذکورده در دایره که  
سلطین عظام استطاله خواب راحت بقا فرمایند بندگان ناخیز را بداراز کردن خلاف آداب حضور  
است نفس انفس لریله کوشواره آذان اخوان اولمشدر و اول غبه علیاده قلیل و کثیر فتوح و روز مره لرین  
دخی نثار پای فقر ایدوب حبه واحده ایله شب کنار ایام تربه داری اولوب بنده را این فتح  
باب تربیه فردوس رتبه بس است و مابق هوس است عنوان شکران ما ایله تمسکین و تواضع و اخلاص لری  
عاقبت الامر کنند و له مفتاح الغیب ابواب محرمیت ارواح قدسیه اولوب مکاشفات و کرامات  
واضح لری شهرت شایعه پذیر و مسموع و معلوم سلطان سلیمان کیتی ستمان اولغله اسفار عراقیه لریده  
البته ایام معدوده فنای دارالولایه قونییه ده ضرب خیام قیام ایدوب زیارات مر اقدم نور سادات  
صدیقیه ایله متبرک و در ویش عثمان صحبتیله متین اولوب نصایح شر یقه لریله عمل و امور سفریه لریده  
تعیین بیورد قلی و تیره کشفیه لری ایله حرکت ایتملری عزیمت همایون لری سهوات آغاز  
و نصرت انجام اولسنه سبب اقوی اولدیغی اول شهنشاه معدلت دستسگاه لهجه پر بهجه لریدن  
روایات موثقه ایله مورث یقین اولمشدر و هرگاه که آثار جلیله انفس لطیفه لری مشاهده اولد بقیه  
بالطبع قبول اکرامات خسرو اندلری الحاح اولسنه کرامت درین عبسه علیاست نه در خادم بی سرویا  
دم اعتذار و استعفات اولریله اکرامات سلطانه بی حله دائره خلیبان و سکن آستانه سعادت نه صرف  
ایدوب کند و لدخی شرکت علی السویه ایله مغنم اولوب کمال قناعت و توقل ایله تفر دلی و بالکلیه  
علائقی و عوایقدن تخر دلی مدار امتیاز اقران و مناط امتیاز امثال اولمشدر \* (نظم) \* کرم ادرت را  
مذاق شکر است \* بی مرادی نه مراد دلبر است \* عاقلان از بی مرادیهای خویش \* بانخبر  
کشتند از مولای خویش \* بی مرادی شد قلا و وز بهشت \* خفت الجنه شنوای خوش سرشت \*  
و نقد حیات و بضاعه اقتصداری اول خدمت جلیله ده با تمام صرف راه اهتمام ایدوب حتی روح  
پر فتوح لری دخی سر بر آستان در سیمین اولدیغی حاله تسلیم ایدوب وصیت شر یقه نافذ لری اوز ره

حضرت در ویش عثمان

حضرت درویش لالی

به محل تسلیم روح و انلی به قریب حداده منظره عالیة حرم شریفه جسد مر حوملری و دیعة دخه  
 خاله فنا اولمشدر وبعد الوفات بوقطعه زیبا اثر طبع خیزنلری اولق اوز ره دست خط لریله قبالة  
 روی تسلیم لریده بولمشدر \* (قطعه) \* بهست از زنده جاوید بودن \* مرادر آستانه جان سپردن  
 \* ندانم جز سر کویت بناهی \* که مردن شد در آن کوی کوی بردن \* رحمه الله تعالی واعلی  
 در جته و نور قبره و سر امره و شرف مرتبه بحرمه من عاش وفات فی خدمه مرتبه آمین یا سمیع انین  
 المضطربین \* (حضرت درویش لالی) \* کوزل حصارى المولد و انبای تجار ذوی الاقدار دن  
 اولوب والدی خالی الذهن و رپوده قریب متعصبه اولوب دائره نسلی لالی مر قومه منحصره و جله ترکسی  
 کندویه منتقله و زمان یسیره بر باد حوادث اولغله ناچار غده و وعشوه بهانه سیله سایه رفاهیت مایه  
 عزیز خراسانی به التجا و خدمت شریفه لری به انتمایدوب مدت مدیده حسب الاقدار رپوده راه  
 اخلاص اولوب درون محزوننده شعله فروز اولان نائره حسرت ناطقه کاه و سیاه عکس انداز خاطر  
 آگاهلری اولدقده بطریق الاشاره اول عیب و نقصان و بر بادى نعم خاتمان و الوالت فقر احقنده اولان  
 زبان درازی و نخوت مالیه ایله کردن فرازی ذمیمه لری نیک اثر پر خطری اولدیغین افاده ایدوب لیکن  
 الصبر مفتاح الفرج مضمون بشارت مقرونیه تسلیمت فرما اولدقلى بعنایه الفتح الفیاض منصبه  
 پیرای تحقیق اولدقده برکات انظار حسن لریله صاحب دم و قدیم اولوب طلاقه لسان و فصاحت  
 بیانلری حیرت انگیز انبای زمان و سمیت نظمه اماله عنان کاکون مشق وادمان ایلد کده همیشه بادی  
 یاد نقصان سالف الیاب و باعث تذکر محجز و حرمان فضیلت انسانی اولق اوزره شهرت لالی ایله  
 لالی نظمه لریده متخلص ایدوب احوال والد و ولد ذوی البصائر واولی الاعتبار زمانه برهان واجب  
 الاذعان نتیجه التایج محبت اولیاء کرام و سائق سلوک طریقه فقرای ذوی الاحترام اولمشدر  
 و خصوص مرقوم وقتا وقت مجالس تشکر لریده یاد اولنوب جوش آور تبحر و حیرت افهام اولغله  
 بوقطعه غزالین تبصره اذعان اخوان الصفا و تذکره اعیان خیلان الوفا ایتمشدر \* (قطعه) \*  
 آنکه در یکدم کند کویاز بان لالا \* کچه حل و عقد عالم کار دست قدر تست \* لیکن سرتابای  
 اوشدهم ز قدرت دست کار \* کار فرما حق و او آلت چه جای حیرت تست \* (مرویس ستمکه) \*  
 اول روشن دل و دیده حانقاه عیان کرم کرامت دیده سی اولدیغی عزیز خراسانی انتقا لند نصکره خرقة  
 شریفه لری وارثی و تریه منیفه لری خادمی اولوب بقیه عمر نازنینلری اول خدمت جلیله به وقف و شرط  
 ایدوب لیکن اول خارقه عجیبه نصیت اشتهماری کوشکداز شاهی اولغله لالایان اندرون دن  
 برادرب سخن فهم و قدر شناس ارسال و دعوت اولندقده قبیل الوصول کندولر متقل جوار رحمت  
 بولنوب کاین بنی تفصیل احوال لری استقصا و مرفوع حضور هما یون اولوب آثار بدیعه لری دن دخی  
 بوقطعه رعنا تشکر مضمون و بلاغت مشکونلری دیباچه زیب بقیه رفیع بقیه منقبه لطیفه لری  
 اولمشدر که بوقوله کوه ر تابداره صدف انشا اولان مشرب فیوض پرور و وسعت بضاعه دست  
 اقتدار لری به وسیله انتقال و ذریعه تحسین اولمشدر \* (نظم) \* لالی قولنی ایلدی اول اولولالا \*  
 فیض نفس همت ایل طوطی کویا \* مرآت کرامت در انماه وجودی \* بوقلق لریله اولسه نوله  
 اول شهه لالا \* وقیل الوفات جمله کتب و اشیا موجوده سن وقف خدام تریه شریفلری ایدوب  
 جسد مر حوملری دخی شرفیاب رومال خا کپای زوار تریه لری اولق قصد یله عبه علیه تریه جنة  
 المأوی ربه لری به دفن اولنق اوزره جاری اولان وصیت صادقانه لری تنفیذ و اول مهبط رحمت وضع  
 اولنوب کمال تواضع و اخلاص لری لدی الکل ظاهر اولمشدر که حالا سخن سماعخانه ده زوار و دوار

موطی اقدام میمنت آثار لری اولوب نظر در قدم از بانك همواره محل ادعیه خیریه لری اولمشدر  
 جعل الله تعالى مدفنه بیدر الدعوات وجمع الاجابات \* وعزیز ذوالعالی لالی لا ابالی مرقوم  
 بقیه نیک و بد و مأمون الغائله خوش و ناخوش و برابر شمار کرم و سر دروز کار و یکسان بین قدح  
 و مدح و ابلغه حضور بخود انه لریده احوال مفرحه و احوال مکدره یاد اولند قدح صورت مخلص  
 پر وریده لالی مالی فقره تحفیف آمیز لریله مقابله بیور و بقطعا دامن تمکین تسلیم اکنه لرینه کرد تلویح  
 لاحق اولمیب صفوت تامه و بسطت کامله اوزره اوقات گذار اولمشدر طوبی له و حسن مآب و بشری  
 له و لطف معاد بالحبیب و آله الامجاد و صبحه الاسعاد \* (نظم) \* ای جفای تو ز دولت خوشتر \*  
 و انتقام تو ز جان محبوبتر \* آن بدیکه تو کنی از خشم و جنگ \* با طرب ترا ز سماع و بانك چنك \*  
 عاشقم بر لطف و بر قهرش بجد \* بوالعجب من عاشق این هر دو ضد \* ناخوش او خوش بود بر جان من \*  
 جان فدای یار دلربان من \* چون ز غفو تو چراغی ساختم \* توبه کردم اعتراض انداختم \*  
 چرخ سرگردان که اندر جست و جوست \* حال او چون حال فرزندان اوست \* که خضییض و که  
 میانه کاه و ج \* اندر او از سعد و نحسی فوج فوج \* چونکه کلیات را رنجست و درد \*  
 جزو ایشان چون نماشد روی زرد \* (حضرت درویش حسام) \* خاك بالدار الولاية قویه حمیت  
 عن البلیه دن و اولاد منیمان طریقت خداوند کاریدن اولوب عنفوان شبانده خدمت جلیله حضرت  
 چلبی عبد الجمل قدس سره الجزیله منجذب و مجموع علوم عقلیه و نقلیه و کشفیه و فائز آداب نفسیه  
 و درسیه و مولع ریاضات شاقه اولوب عزیز موحی الهک خلافت خانقاه مصر قاهره لریده جلوه کر میدان  
 صدق و اخلاص لری اولان مساعی مشکوره و خدمات مبرور دلی و سیمله نیل مقام ارشاد و استفاضه  
 اولمغه طرف باهر الشرف لریدن جوار جامع از هر ده اولان بقعه قدیمه مبارکه یز او به داری خدمت  
 شریفه سینه تعیین بیور بلوب اول جلوه کاه سیمین پیشگاهده شمع عین الجمع قلندر ان فانی مشربان و چراغ  
 افر و ختمه انجم غارفان اولمشدر و پیرامن دامن تعلقلرینه دست اخلاص زن اولمشدر و بالجمله  
 هر دمید ان غلبه نفس و هوا و سر باز معرکه جهاد معنا و صاحب العلم قلب صف غزوه کبر و عیش  
 خوش و رفقا ر دلکش ایله مستعد اولمشدر و همیشه کفته ار و رفقا ر لری ذوق و صفا بخش ظاهر  
 و باطن اخوان و خلان اولمغه و رای پرده غیب و خزانه بی پایان فتوح دین بر حسن زندگان لری اسباب  
 محسنه دوستکامانه ایله مالا مال و جوش و خروش دریای صفوت اوقاتله مشحونه اولدقلری رشک  
 آور همکاران اولدینجی مجالس تحسین و محافل اهل یقین آرا اولدقه ذوق بخش را ذوق یابی تلاقی  
 جف القلست نفس انفس لریله منالط کار صفا یار لرینه اشارت و همواره اخوان الصفا فی ذوق بخشئی  
 یارانه ترغیب و کدر رسائی همدم مانند ترهیب ایدر لر ایدی \* (نظم) \* آب رحمت بایند  
 رو بست شو \* وانکه هان خور خمر رحمت مست شو \* رحمت اندر رحمت آمد تا بسر \* بر به کی  
 رحمت فرومای ای بسر \* پس صله یاران ره لازم شمار \* هر که باشد کرمیاده کرسوار \* یار باشد راه  
 بست و پناه \* کز توبه کوبه کبری یار است راه \* یار شو تا یار بینی بی عدد \* زانکه بی یاران  
 بمائی مدد \* چونکه در یاران رمی خامش نشین \* اندران حلقه مکن خود را نسکین \*  
 یار آینه است جان را در خزن \* در رخ آینه ای جان دم فزون \* ناپوشد روی خود را در دمت \*  
 دم فرو خوردن بیاید هر دمت \* (منقول است که) \* اول خزانه دار معارف و حکم مجلس محبت لری  
 ملازملرین همیشه سیراب زلال نکات حقایق ایدوب هر کس حسب وسعت الحوصله مست  
 صهبای تسلی و محفوف حل اشکال خاطر خراش لری اولوب فی یوم من الايام طرفای سعادت انجامدن

حضرت درویش حسام

بر مستعد تلقین حسب حال آینه دارم و آنچه فرخنده مال لری اولوب مبتلا اولدیغی درد مال بخولیا به  
 درونی تدبیرجوی طیبیان حقیقت اولغله لهجه پر بهجه لرندن العمر آن و المعمر آنی و الاسف  
 و الامل شیطانی و الاتی رحمانی فقرات شریفه لری سرزده و مایه درد دست تجارت راجحه آن لای تقسم  
 و جمله منتظمین سلاک عمر آن مر قومه منسوب و تأسف عابر ماضی و امل غابر مستقبل مکانش شیطانی  
 و اعمال بضاعه آن رحمانی اولدیغین تفصیل و ایضاح سیورملریله بتوفیق الهادی الشافی اول بکاره  
 چاره جویه تیر نفس انفس لرین دلدوز و شغل آن و تأمل حال شمع خرد افروز و رفته رفته دست خیال  
 آموز لری اولوب عارضه هائمه معهوده دن رها یاب اولدیغندن ماعد ابالسکبه علایق ماسودان آزاده  
 و قیود عوائقندن مطلق و خرب ارباب حاله ملحق و قصد تبرک و تدکرسدنده آنی مخلصه تعین پذیر  
 اولشدر و کندولر عقیمنده خلف الخیر لری و مقام مر قومه جانشین لری اولشدر و اول مقام کرامت  
 ارتسام حضرت سلطان دیوانی قدس سره النور انیده مراعات رسوم و حقایق استقامت اوزره  
 اوقات بی آفات کذا را اولملری کندولر و وسیله احراز آشنائی روحانیت قدسیه لری اولوب عالم غیدن  
 اناله اولنان کلاسیفی ایله بین الاقران سرافراز امتیاز و آثار جلالیه بیخودانه لری کرار و مرار  
 میدان تدمیر مخالفینده منصفه پیرای ظهور اولغله حسام علی حسام فی مضمار الانتقام حسب حال  
 غیرت مال لری اولوب آخر الامر غلاف بدندن عربان و دخمه آسایش گذشتگان اخوان الصفا ده  
 رهین زمین کنجینه فنا اولشدر جعلنا الله تعالی من الفائزین بجواهر رحایاته الروحانیه و سلم تریته  
 عن العواصف البرزخیه آمین بحرمه سید الانبیاء والمرسلین \* (حضرت درویش احمد آنی) \*  
 فی الاصل اسکنداری المولد و اولاد اشرف کاتب و ولدن اولوب رشید سعید و لبیب ادیب صاحب  
 اخلاق حمیده و رجعت زیارت حرمین محترمشده نزیل مصر قاهره و مالک امتعه فاخره و معمل اموال  
 و افره اولوب تجارت راجحه ایله کامران ایکن عارضه مذکورده سابقه غلبه سبیله حسرت زده  
 خواب راحت و زار و بیمار اولدقه اطباء صورتدن کندویه مدار سلامت روغما اولوب سابق  
 عنایت امداد یله نظر حضرت حسام الدینده موفق جسم عروق مشکلات جسم و جانی و بین الاخوان  
 مدعوشهرت آنی اولشدر \* حتی صارت عارضتی عارضه مطررة العوائق فقره مشهوره تشکر لری  
 اولق اوزره زیارت احباب اولوب و برکات صحبت شریفه لری دست داده اولان قوت نظمیه لری  
 آثاری اولق اوزره بوقطعه زیاری یاد کار سخن فهمان جهان اولشدر \* (نظم) \* آن جانانی  
 کورن اولسه اگر صد جانی \* آن نظاره یه ایلردی کور و ملک آنی \* کچه تصویرینه بیکپاره  
 ویر رخامه سی روح \* نیلر آیا کلجک نوبت آنی یانی \* (مروستکه) \* اول قابل خطاب مرشد  
 شافی جواب تصحیح نیت و تسدید عزیمت خصوصنده درممانده تردد خاطر تلون اولغله حضرت مربئی  
 آگاه لرندن استمداد درونی اوزره مترقب فعل و قول تربیه فرمالری اولدقه لهجه پر بهجه لرندن  
 \* (نظم) \* کدر طلب لقمه نانی نانی \* و در طلب جوهر جانی جانی \* این ذممه زمین شنو  
 اگر میدانی \* هر چیز دوختی آنی آنی \* قطعه غراسی بدیدار اولوب تفرقه خاطر سلاک تفرق  
 مسالک مطالب متمفرقه دن اولدیغین اشعار و طرح مطالب فانیه و حصر مطلب باقی به تعریض و علی  
 الخصوص تشکر بر لفظ آنی ده اولان توریه و ایمه سامله تخصیص سیورملری کندولر دستور العمل  
 و العلم و احیان اقتضای امداد لرند دخی همانا آنی آنی لفظیله اکتفا و قضیه معهوده به ایمه سیورملری  
 سرمایه تصفیه نیت و تخلیص عزیمت و اساس بر خورداری طریق علیله اولشدر \* (ودخی) \*  
 نظام حال ظاهر و باطنده مهم اون اولان مدعی ارشاد طریق الوصوله تقریب و دایم ترویجیدن محافظه

حضرت درویش احمد آنی

ساده دلان اخوان صد دنده من غفل عن تدبیر داره کیف یحرس بیت جاره نیکه طیفه سی رفر  
آشنایان انفس اهل اشارت به یاد کار خسته آثار لیدر و اول بقعه مبارکه ده مهر قنار و نقد وقت  
مرشد لری اولوب احسن احواله کمران عیش اجل و زمان لریده بقیه الاسلاف مرتبه سنه واصل  
و نود ساله معمر و مکرم و محترم و محسود الامل و مغبوط الاقران اولوب طال علینا الامد فواستحه  
مستقلین حق لریده چه بوالعجب شتر کربه عصر بست کزال زمانی را آ میگویند مضمون خرده  
مقرونیله را ژخا و استخفاف غما و المینه خلاصه زمان یک آن و کثرت از تجدد و نوگر راست بریدن  
وجه آتی و جاردانی برابر است چه جای زال زمانی نیکه محققانه لریده سد باب استخفاف و فتح روزن  
استعطاف ایتشامدر و قبیل الوفا مقابله شریقه خانقاه حاضر و انشای جولان وجد و حال دزاند  
الوصف جوش و خروش آور اولوب بالذفات اعاده اداره دائره جماع و صفاده سازش اولدقبری  
عقبنده جمله موجود لری اخوان درد مندانه نشر یوروب کیوم ولدنه امة مجرد بالک متوجه دار  
السلام و دخه معرفه فقر اموالیه ده متواری جلباب خال رحمتک اولمشدر نور الله تعالی مضجعه  
و روح روحه و ادام فتوحه آمین یا من یحب انین المستغفرین و برحم حنین العاجزین \* (حضرت  
درویش خضر) \* لواء نسکه اعمال لندن مالی نام قصبه خاکی و اولاد زعمادان اولوب حال شبانه  
دارالمجاهدین اولان جزائر غریبه سیاحت ایدوب و اول سرحد متینده مدت مدیده غزات بر و بحره  
همکار اولوب غزوات بحریه لریده ایکن واقعه سنده کندولری سفن اعدای دیندن برینه مستولی  
و انشای شدت حریده ناکاه ولی الدین دده قدس سره العزیز لری روح متجسسی ظهور ایدوب سفته  
کنارک علمنی تنکیس و فحیله تبشیر یوردیغی بعدیوم کما هو المرئی واقعه دخی معاین اولغله بالکامیه رپوده  
محبت روحانیه لری و بعد العود دخیل درکه ولایت دستکهلری و کمر بسته خدمات تریه پر رحمتلری  
اولوب کل ترک و تجرید اوزره سنین کثیره منزوی کوشه توکل و قناعت و مواطبت عبادت و طاعت  
اولغله طرف مقدس لریدن منظور عنایت اولوب جزیره ساقی قطبی ابله مستخدم و سلسله رجاله  
متظام اولوب حال تریه شریقه لری اولان مقام لطیفه کلبه ساز اقامت و حله کش ریاضت اولوب  
شرف قدم میمنت توأم لریده اول محل مبارک سرسبز عمران و راه مفرحه اخوان و جای آسایش  
در ویشان اولمشدر \* حتی امرای دریادن می پاشانام برامیر غازی استشمام بوی ولایت و مشاهده  
بعض کرامت ایتمه کنده و علاقه روحانیه و ربط خاطر تسلیم مآثر ایتمه که حیات ما کان منصور  
و مظفروبین الامثال رایت افراز استقلال و اشتیاق اولوب آبا و اجداد لری کبی الی یومنا اولاد  
واعقاب لری دخی محبت در که لری اولوب سکان زاویه و مسافرن فقراتک لوازم معاش سفریه  
و حضریه لرینه امداد و گذشته لری سایه تریه رحمت مدار لریده دفن اولتقی اوزره وصیت ایتلریله  
حیات و محال لریده روانه جمع دلفروز حلقه اخلاص لری اولمشدر طوبی لهم و حسن مقام \* و زمان  
شربق لریده اگر فنادکان کرد اب امواج خروش دریا و اگر اسیران چنک جنک اعدا اولنلره فریاد سر اولاده  
قائمقام حضرت خضر علییه السلام اولغله بین المحبین خضر زمان و غوث امان عتوانله شهر اشعار  
اولمشدر و ذات ولایت سمانلری حیاته اولدغه جزیره مرقومه محیه لری حوالیسنده کفار قرنت  
سفن و سواحل اهل اسلامه تعرض ایتملک اوزره اتفاق ایدوب کرپوره و شد و اولنلردخی کرتار بلای  
ناکاهی غرق و اسرا و اغله خلاف اتفاق مرقومه حیات ایدنلره دولتلری طرفه شدن لیت نامه  
صادر اولوب بلکه ولی الدین دده حضرت لری در که لری اولدغه کبی و اردین و صادرین تشار لریدن  
نادر و شمع و زعفران اسی حال زاویه دار لری سگ دخی معتبر اولدقبری آثار حلیله لریده

حضرت درویش خضر

و جزیره مر قومه به کفار و ندیک مستولی اولدقد و دونهای هما یونله سفن منخوسه لری محاربه سنده  
بفضل الله تعالی نسیم ظفر و تآید جانب غزات اسلامه و زان و مخالفین خسرا ندیده ادا بار و ند میر  
اولدقد و لی مشار الهیک تربیه شریفه سی تخریبی قصد یله طرف زاویه پرامن و عایه لینه طوب اهان  
انداز اولان قیودانک سفینه سی تربیه بر رحمتلری حذا سنده واقع برج مشیدک جوارنده سوق تند باد  
غیله نشسته سندنک هلاک و جمله محاربین و آلات و اسباب حربی مقاتله اسلامه غنیمت اولدیغی دخی  
کواه بی اشتباه قوت و حایه لری اولوب و سفن عذیده معتبره لری غرق اولوب بقایا مکسورا و منهزما  
فرار و عودت ایدوب جزیره مر قومه ینه محالک محروسه سلطان البرین و خاقان البحرینه ادخال  
اولدیغی دخی انضمام حمایت سرانیه لری علی اسهل السبل و ایسر الوجوه جلوه کرساخته ظهور  
اولدیغی مفهوم دقیقه شناسان احوال و امارات آشنایان اوضاع اولشدر \* (نظم) \* مر ترا چیزی  
دهد زدن نهان \* که سجود تو کند اهل جهان \* آخنان که داد سنکی راهنر \* تا عزیز  
خلق شد یعنی کذر \* قطره آبی بساید لطف حق \* کوهری کرد در داز زر سبق \* جسم  
خاکست و جو حق تابیش داد \* در جهان کردی چومه شد اوستاد \* (منقول است که) \* اول ظاهر  
میت و باطن اخی اولان دستگیر در ماند کان حین محاربه قلعه جزیره مر قومه ده سالار عسکر  
اولان مرد مؤیدک واقعه سنده گروه پرشکوه مولویه پیشوا اولوب یدنده بر علم اخضر بر هوا کلوب  
کنسکره برج باب قلعه یه اول علم نصرتی دیکوب و طائفه کفره بی قلعه دن طرد و اخراج و لشکر اسلامی  
دعوت و ادخال ایتک اوز ره مشاهده ایلدیکی بعینه ظهور ایتکین اول فتح قیغی جانبدن اولدیغی معین  
و بعد الفتح کافی الاول خرابه دایره زاویه لری تعمیر و تربه دار نصب و سابقا اولان و قفلی ابقا و تقریر  
اولشدر و بوقعیر بر تقصیر دخی از مان سیما حتمه سایه قبه تربیه شریفه لرنده جند و زار ایدوب  
زاویه دار وقف بولنان اسیری در ویش عثماندن وقتا وقت مسافرن زاویه لرنسک محتاج اولدیغی  
لوازم و ضرورتلری خزانه فتوح غنیمه دن احسان بیوریلدیغی مسموعم اولدیغین محقق بوریزه خوار  
خوان کرم کرامتلی دخی من حیث لا احتسب بمنون فتوح کونا کون غیر مترقبه و مخطوط اذواق  
صوری و معنویه اولشدر که فیض برکات جوار لری اولدیغی بی شائبه اشتباهدر \* (نظم) \* بس حقایق  
را که اصل اصلهاست \* بی شک انخافرقها و فصلهاست \* فی حیاتش چون حیات او بود \*  
فی عماتش چون عمات او بود \* کور اوهر کچو کور او مدان \* خود چه کویم فرق حال آن جهان \*  
و حالا تربیه شریفه لری اولان مهبط انوار رحمت حیاتلرنده حجره وحدتلی اولوب هنکام احتضار لرنده  
مدفن جسد متبرکاری استفسار اولندقد و زیر خاک انداز شریفلرنه اشارت بیوریه لری بعد  
الوفات زیر شمیملری حفر مراد اولندقد و قبر مطی لری مهیا بولنوب جمله جهازلری درون مدفئلرنده  
آماده اولغله خدمت تجهیز لرنه شمیم ساعد بدل موجود ایدنلر دمقدار حیه احتیاج و بار لری اولدیغی  
کرامت آخری لری اولشدر نور الله تعالی مرقد و علی مدارج القرب اصعده آمین یا مجیب الداعین  
\* (حضرت در ویش ابراهیم شیرازی) \* نفس معصومه شیرازده اولاد امر اعا فرسدن بر محمدوم  
ارشد و معصوم اسعد اولوب ابتدای سیما سندن نهایت شجر تنه وارنجه استغراب مذهب شیعه  
و استتجان مساک رفض اوز رد اولغله نظرات نفات ابوسدن ساقط و آمیزش خورشاندن مطرود  
و غریب فی الوطن و راغب منهنج امجج سنت و جماعت و مائل سیر و سیاحت اولوب توفیق الهادی  
المتعال شرفیاب زیارت تربیه فردوس ربه حضرت مولانا قدس سره الاعلا اولدقد و بالکلیه کرد تردد  
و زنگ اشتباه مرآت در ویشدن زائل و عقیده اهل سنت و الجماعه اوز ره ثبات و رسوخ و طریقه

حضرت در ویش ابراهیم شیرازی

اولویه مولویه انا بت و سلو کله بهره منسد و درجه رفیعہ مکشفات احواله ترقی ایلہ بر خوردار  
اولش درون تقاصیل کیفیتی حوالی دارالولایه دد شیعو ع پذیرا و لنجه اختیار سیاحت سر یہ ایدوب  
بی نام و نشان مالک روم و عربده کشت و کذار له مستفید صحبت مظان ولایت و مستد دعوات خیریه  
رجال طریقت و آخرالامر جزیرہ مدللیدہ حالا آرامگاه درویشان مولویه اولان زاویہ لطیفه محلندہ  
کلبہ نشین خمول اولوب مساعده فتوح بی منت خزانہ غیلہ اول دائرہ متبرکہ بی تملک واحداث مساکن  
فقرا و غرس و تربیہ اشجار مثمره ایدوب همت و اقدام قلب و قالیسار یلہ بر حدیقه زہت افزا و مشرف  
دریا جلوه کاه زیبا اولوب بختیاران جزیرہ مر قومه آثارا نظار حسنه و عثرات انعام نفیسہ لر یلہ  
مستعد و بعضی لری مرید کلاهیوش و بعضی لری عرقیہ کش اولوب عیش خوش درویشانہ وزند کافی  
دلکش عارفانہ ایلہ اوقات گذار و آثار بدیعہ و نکات غریبہ و عطایات طریقه لری الی یومنا هدا  
نکاشتمہ صحائف اشہار در \* ازان جمله آنستہ کہ سمت تعلیم دہ مهارت عمادید لری کوشرد  
قاضی جدید جزیرہ اولوب لکن وضع عجمانہ لری درون قاضی مر قومه مدار تقیہ داری اولوق اوزرہ  
منشأ سوء الظن اولوب مذاحان حسن خط لری نہ بر قطعه حسنه لرین تکلیف ایتہ کہ اندر دخی بہانہ  
مشقلہ رقعہ چند سطر نیاز ایتہ کلرندہ مساعده بیوریلوب جلی قلم ایلہ فقرات آئینہ الذکری تحریر  
و اعطا ایدوب اول طریقه قطعہ لری و اصل نظر قاضی اولنجه تحسین بلایخ و استغفار سوء الظن  
ایدوب عبارتش کرامت عظمی کاتبش مهارت کبراست عنوانیہ ستایش کان و بطریق الاستعفا  
زیارت متمینہ لرینہ شستابان و فو بت حکومت لرندہ خدمت و حرمت لرین از دل و جان متعهد اولش در کہ  
رفض الرض فرض و حب الجماعه سمنہ و فرق الاثمہ بدعہ لا نفرق بین اخدمتم و نحن ہم مقتدون  
و عن النسیع و التشیع منہون \* و ازان جمله آنستہ کہ مجلس خاص وحدت محاورہ لرندہ محب  
و منکر ماجراسی اراد اولوب ہر کس مبلغ ادرا کندن سمنہ تحقیق ران میدان بیان اولنجه العرفاء  
مرایا صافیہ لا یری فیہا الاصور الناطرین فالہم بالمتکر فان المتکرین متکر نفسہ و الروح من امر ربہ  
فالشیع یشاہد التبع فینکر و الصبیح یعان الحسن فیشکر نفس نفس الامر یلہ حضار حلقہ  
محبترین شغل مالا یغنی ملایم و منافر دن تنفیرہ تعسریض بیوریشلردر \* و ازان جمله آنستہ کہ  
قائدران و قلاشان راسترواندن بر محرم اسرار ملامت و مستور قہ غیبتدن سرزد اولان کیج بازی  
بین الاہالی باعث قیل و قال اولدیغی معروض پیشکہ حمایت دستہ کمالری اولدقدہ ایشان مانند  
کان کیج باز و راست اندازاند از تیر غیبت شان حذر یایدیم طیب توأملریہ طرف ملامت پیشکان  
استقامت اندیشکندن کف زبان و بندہ دہانہ ترغیب بیورملریہ عامل اولنسر سلامت یاب اولوب  
و پند بیرانہ لرین غیرت کشتی ہمکارہ حمل ایدوب اول مرد میدان تجریدہ حوائث سنان لسان ایدنلر  
باجمعہم مطعون اولوب و موفی تشبث دامن استعفا و اعتذار اولنلر عافیت یاب و ذاهل جرمہ زبانی  
اولنلر سوخته زبانیہ و باوہا لک بر زخ و بالی اولغیلہ کیفیہ لری بین سکان الجزیرہ مادہ اعتبار اولی  
الابصار اولشدر \* (نظم) \* کردخخانه برآمد آن مرید \* ہر شیخ از ہر غمی می میچشید \* در ہمہ  
خخخانہ ها اومی ندید \* کشتہ بد پران کیہن خم ندید \* کفت این اندان چہ حالست این چہ کار \* هیچ  
غمی در غمی بنم عقار \* جملہ رندان نزد آن شیخ آمدند \* چشم کریان دست بر سر میزدند \* کردہ  
میرامبدل از خبت \* جان مارا ہم بدل کن از حدت \* کوشود عالم پر از خون مال مال \* کی خورد  
بندہ خدا الاحلال \* ورنکی با او مری و ہم مری \* کافر مدان کوزر نشان سربری \* عیب کم کن  
بندہ آتہ را \* متہم کم کن بدزدی شاہرا \* متہم خون دارم انہارا کہ حق \* کردامین بخزن ہفتم طبع



\* (ودخی) \* اکثر نوایند قیودان باشا لر محبتین مخلصین اولمغه جزیره مر قومه بهر مرور و عبور لر نده  
کونا کون خدمت احترام لر نسه صرف خزانه اقتدار ایدوب ساعت واحد دهه و ثبات سنین  
عزیده لر ی فتح اولوب اخوان و خلائله مأمون الغائله امور معاشیه و وزیر او امرای دریادخی نسایم  
هم تریله رسیده منزل مقصود و در هیده مضایقه بیم دریا و اعدا و مظهر کشایش بخت و بمنون نیل  
مرام اولور لر ایدی حالا اول عادت قدیمه حسنه رعایت سکرده وزیر او امرای دریادر حفظ هم الله  
تعالی عن المضائق و امدهم بعنا یانه فی المواقی \* حتی اثنای زیارت و استند عالزده قیودان علی  
باشانک خواص خدمه سندن محمد افندی نام کاتب دیوان لر ی بوده شمیوه در ویشانه بخودانه لر ی  
و مرید مخلص و خادم میبدان محبت لر ی اولوب الی آخر العمر کر بسته میامن ارادت لر ی اولمغه وقت  
احتضار لر نده مظهر یرتوارشاد لر ی و وصیت سکرده خرقه شریفه لر ی و جانشین مقام عالی لر ی اولوب  
کند و لر قبالة باب میدان فقراده آسوده سایه راحت طوبای رحمت اولوب کوچیک خاص لر ی دخی  
پهلوی مشه و منور لر نده غرقه روح و روحان و خالک پاک لر ی زیارتگاه پیرو جوان اولمشدر و عزیز  
مشارک الهیک او ان حیات لر نده اکثر یابو فقره دعا که اللهم یا عزیز و یا معز لا تسکن مذلی فی مدالی در  
وردن بان لر ی اولدیغی برکتیله حیات و محبت لر ی بجملة التوابع و اللواحق ظهور الوان اعزاز له حسرت  
الامثال اولمشدر همچنان باد ایدالاباد بحرمة الانبیاء و الاولیاء الا و تاد آمین یامن لا یردد عوات  
المساکین و یامن لا یضیع انین المنیبین \* (حضرت درویش محمد لنک) \* خالک بالدار الولاية  
قونه حسرت عن الآفات و البلیه دن و اولاد فقرای علمادن محصل فنون جه و مواطب عبادات عامه  
تقی نقی خالی مشرب و مستغنی مجرد مذنب اولوب واسط عمر ناز نینیده باغ مور و ثلر نده اجتناء شمار  
صد دنده بر شجره عالیله دن ساقط و قدم شریف لر ی معذور اولوب اثنای آلام عذر مر قومه اشتداد  
او جاعله اسیر فراش اولغین فقرای در که سلطان العاشقینه ارسال قربان و نیاز مند کبابانک عافیت  
اولمیر یل باذن الله الشافی و جمع واضطراری من دفع و ایام قلیله ده بر تمام احسانی ایله منون اولوب انجق  
بقیه آنکسار سر زانو رفقا لر نده تمیل جری بولمغه لنک قلیله مذکور اولوب و امور مشکله مهرده  
علی طریق الاستخاره عادت حسنه صادقان دارالاولا بد تقاؤل حضرت مشوئ شریف اولمغه انلردخی  
استخاره التحاق طائفة علیه سبیا قنده مشو یخوان و قتلر دن رجا مند فتح کتب مستطاب معنوی  
اولد قلر نده صحیفه شریفه ده \* (بیت) \* لنک ولوک و خفته شکل و بی ادب \* سوی او می غر  
و او رامیطاب \* نظم لطیفی رونما اولمغه در حال ترک علایق و رفع خواطر ایدوب خدام مطبخ  
سلاک پروره ملحق و بعد تکمیل جله طریقت سر بلند تکبیر جلال الدینی و منتظم سلاک اخوان  
مولوی اولمشدر \* (مر ویستکه) \* اول مرد صاحب عزیت علی التوالی اون سکر سینه مشق سماع  
ایدوب هر چند که جوش عشق و غروش حاله حلقه صفا و اثره و جده نیاز مند دخول اولسه از عهد  
این کار درستان باید از برخی آید چه جای شکسته پایان سکنه دارانست کلمه تحمل کداز و پشت  
طاقت شکافیلد دفع اولمغه دل پردرد و دلدلیه مستولی اولان حزن و انکسار و آه و انین باعث  
شفقت روحانین اولوب طریقتی و قته عالم خیال دن رخصت و مساعده تنبیه یور یلوب المعذور مرحوم  
معد اقبیه محل مرحمت و مرخص دخول دائره سماع و صفا اولد قده قطعا حرکت دوریده آثار عذر  
و عرج لر ی نمایان اولوب بلکه سر و قدان و جاست بایان و تیز جولان اولمشدر و فرقی اولدیغی  
محض اثر نیاز پر سوز و کداز لر ی و کرم رأفت سر خداوند کاری و کرامت شیخ اقطع و شیخ میر آساحین  
اقتضاده پای درست احسان اولمشدیغی بی شوب رب خارقه باهر دلی اولمشدر و منوال مشروح

حضرت درویش محمد لنک



اوز ره کامران جولان عاشقان اولوب و آداب شریعت و طریقتده کمال تصلب و مواظبه لری رفته  
رفته کند و لره مدار امتیاز اقران اولوب الی آخر العمر خدمت تلقین طریقتده مستخدم اولوب  
خدمت معینه لرنده جلوه کراولان استقامت و دقت لری سلاک زمان لرینک تشریع و تأدیب و تنسیک لرینه  
سبب قوی اولمشدر حتی مشهور در که حجره طریقتیان ممر آبریزه قریب اولغله اکثر یاخارچ حجره لرنده  
انتخا ذنشین ایدوب ککل یوم کره واحده دن زیاده آبریز جاننه مریور ایدن درویشه ترا برای پر کردن  
خلایا فریندنده مضمونیه تقریر بدن خالی اولوب و هر تجدید کفش و لباس ایدن فقرانک کسر نفی  
قصد یله لباس و کفش جدید لرین رنگ سیاهله تعیب ایدوب و مجالس ذکراسم جلال و مبداء صرافیه  
حال و مجامع مقابلاته حضورده بلا عذر مقبول تمامون نما اولمشدر تا دیب و اجرای قوانین مستحبه  
طریقتده اقدام تام اوز ره محمود الاوضاع و مدوح الاشیاء و ممد کوربان خیرت کمیل وقت و تقیم  
خدمت ایدوب حین احتضار لرنده بعد ازیں دقت عزیمت رامهر کردند و طومار شریعت را طی فرمودند  
و برخص و کسل مقنون خواهند کرد در مرض اصابت قریین لری کما اشار بدیدار اولوب نوبه نوبه تیرلات  
همم و تقصیرات عزائم تضاعفله مقصد اقصاد و مطلب اعلام بلا رسم مرتبه سینه رسیده اولمشدر  
نعوذ بالله من الحور بعد السکور مأولدر که لایطون نوبه کمال ظهور نوبه مقتضای سبجه بومقوله نمایش  
تنزل صورت بطون اولوب نوبه کافی الثوبات السالفه طلوع خورشید سر طریقتله اخوان و خلائع  
روشندل و دیده اوله لریمه العزیز و کرمه العظیم عزشانه و جم انعامه و عم احسانه \* (ودخی) \*  
جملة فقر او احبابله بعد الاستحلال و تیر سابقه اوز ره توصیه ثبات بیور و باین لنک دردمند  
وامانده این قافله فی درنک بود مسؤلست که لنک لنکانه از پس این کاربان نحن الآخرون السابقون  
بهمت پیشقدمان کرم روان برسد و از برکات پیروی ایشان محروم نمائند عنوان پراخانیله نالان  
و کرمان و حضرت مشنوی شریفند \* (نظم) \* راجعون گفت و رجوع زین سان بود \* که کلام واکردد  
و خانه رود \* چونکه واکردید که از ورود \* پس قسدا آن که پیش آهنگ بود \* پیش اقتدا آن  
بر لنک بسین \* اضحک العرجا و جوه العباسین \* از کافه کی شدند این قوم لنک \* نخر داد اند  
و بخریدند لنک \* باشکسته میر و ندان قوم حج \* از حرج راهست پنهان تا فرج \* دانک لنک  
ولو آن سو میچی \* از همه لنکی و لو کی میرهی \* (سبح الله بعد عسر یسرا) \* آیات شریفه  
و آیه منیفه سیله ختم کلام ایدوب و براه دار السلام و جسم جان پر توری باب خوشان آستانه سعادت  
جوارنده غنوده جامه خواب فنا اولمشدر و سع الله تعالی رحمته و نور تربته آمین بحکمة الشفیع  
الامین \* (حضرت درویش محمود) \* قره حصار صاحبی الاصل و یاران کرام حضرت سلطان  
دنوانی قدس سره النورانی احقادندن اولوب من جهة الام اولان عرق انسانی کنند و بی حضرت  
کوچک محمدا فندی خدمت پر حرمته نزع و جذب ایدوب زیر قادمه تربیه لرنده پرورده اولوب بعد  
وفاته نور مرقد پیچ تاب هجرانه ناچار ترک وطن و یاران و جوار آستانه سعادت هجرت محضند  
والده لرینک دخی روشنای دیده جانلری پیک فرخنده لرینه مخصوص و منیب طریقت علیه اولغله  
تحمیل بار فرافلری ملایطاق اولوب معیت اوز ره قطع علاقه دیار ایدوب دارالولایه متوطن لریدن  
اولمشدر در کند و لر خدمت علیه اخوان و در کاهله مستحلب قربات اولدقلری کبی والده لری دخی  
شست و شوی جامه و خرقة دوزی درویشانله متسببه مشوبات اولوب ذات شریف لری بوجهل بین  
الفقر ائنه لی محمود دده عنوانیه مشهور اولمشدر و مدت مدیده برقرار ترقی اولان مساعی  
مشکوره لری کند و لره وسیله امتیاز اقران و مقام اسلاف طریقتیان و صوله ذریعه اولوب انزل

حضرت درویش محمود

دخی نوبت نظار تارنده رفتار پیش قدمان مسلولک اخوان زمان و مرعی خیلان و قتلری اولمشدر  
 \* حتی محافظه وقت مر اقبین حشرات صد دنده نزع نعل و کفش و دفع خفق نعال و منع مشی  
 رعونت و خیلا اولوب جمله حرکتده سوق مسکننت و هیئت ولینت و توصیه مراعات اوقات واحوال  
 کوشه نشینان ایتشدر \* (نظم) \* هست صوفی صفا چون ابن وقت \* وقت راهم چون پدر  
 به کرفته سخت \* پیش اهل دل ادب بر باطن است \* زانکه دلشان بر سر اثر باطن است \*  
 جز خضوع و بندگی واضطرار \* اندرین حضرت نذار اعتبار \* پیش بینایان کنی ترک ادب \*  
 نازش و ترازان کشتی حطب \* ای تواضع برده پیش ابلهان \* ای تکبر برده تو پیش شهان \*  
 سالها تو سنک بودی دلخراش \* آزمون رایگز مافی خالک باش \* از بهاران کی شود سر سبز سنک \*  
 خالک شو تا کل بروید رنگ رنگ \* هر چه تو می بینی از ظلمات غم \* آن ز بی باکی و کسب تا خست هم \*  
 \* (منقول است که) \* اول سرآمد روز کار بیقیدی همیشه مراعات حقوق مادر ی اوزره نوازش  
 خاطر مکسوری و ادای خدمت لازمه سی ملتزم لری اولمغله نوبت از ان اخوان ظن علاقه درونی ایله  
 آنکه از پدر و مادر نکند زبدر مادر نیاید تعریض و خرده سبیل روی سردنما اولمیری سبب اشعار بنده  
 حسب حالاری اولوب رشتی کبیرا کار رشتی صغیرا چه اکر آن مشفق منکسره لشکر آرام این سر کشته  
 نبود بصیر صراف حضرت مر شدم قدس سره کشتی وجود در میان تلاطم امواج افت و خیز  
 پیوده کردی عالم صد هزار پای کشتی لیکن از بیم انکسار و آه و آنین آن عاجزه بامید کرم نا کاهی  
 الهی بعبه علمیه سلطان العارفین سر نهادم و مشرف خدمت رفت و روبرو در کاهش شدم مسئول  
 و متضرع است که بسا حل عفو و غفران رسم انفس نفیسه لریله برده برانداز روی کار و عالم کردان  
 و سیاحان زمین بلدانی اقامت و التجای درگاه مردانه ترغیب ایله مقوم حول کچه نظران اولمشدر  
 \* (نظم) \* خالک پاکان لیبی و دیوارشان \* بهتر از باغ رز و کزارشان \* دل ترادر کوی اهل دل  
 کشد \* تن ترادر حبس آب و گل کشد \* خالک شو مردان حق را زیر پا \* خالک بر سر کن حسدر اهرم و ما \*  
 خدمتی میکن برای کرد کار \* با قبول و رد خلقت چه کار \* دیگ \* ماند چون خرمن نا کوفته  
 در دامن دشت \* هر که زیر قدم راه روان خالک نشد \* (مرو بسته که) \* اول کوه رشا هوارک صدف  
 وجود مسعود لری اولان والده مکرمه لری دخی محمود افندی حضرت تارنده عرقیه محبت کش و او اخر  
 عمر لرنده مانند رجال طریقت کلاه و خرقة پوش و زاهد و عابده و مکاشفه و ولیه و مجامع اسم جلال  
 و مجالس مقابله برقع شرم و ادب بر روی حاضر اولوب عامه خواندین دارالولایه محبات مخلفاتی  
 اولمغله ندور و هدا یا مجتمعه اولان قلیل و کثیر کل بومی تشارای خدمت سکان آستانه سعادت ایدوب  
 فکر فردا ایله ادخار لقمه نان دخی ایتیموب کوشه خلوتخانه لرنده بیک کهنه حصیر و خالک انداز اوزره  
 عبادات و مر اقبیات ایله اوقات گذار اولمیری عرق خیسان شفقت فرزند ارجمند لری اولوب سوق  
 رخصت و تمتع نعم ایله کارنده نسوان سائر چند نقص دارند مثل نقصان عقل و دین وارث و غیرها  
 فاما نقصان این عاجزه بیرون حیطه تعداد است چون بخود دیده انصاف نکرم غرقه نقصان بینم  
 پس چگونه رخصت و راحت را بد اثره خود راه دهیم عنوانیه سید باب راحت ایدوب و عادت مستمره  
 ریاضت و مجاهده سی اوزره برقرار اولوب قبیل الوفات جمله لوازم انتقالی نذار و عین الجمع اخوان  
 دیک جوش فقیرانه و داع ایدوب کمال انبیا اوزره عبور عقبه صوری ایتشدر و باب خورشان  
 آستانه سعادت فی کل صبح و مسامح متاهلین اخوان بر زخیه نازنینان خالک نشینان خدا اولمغله  
 استجلاب انظار مشفقانه و استدعای توجه کریمانه لری صد دنده اول مهبط عنایا دهن اولمقی

نیاز به مساعدیه بیور یلوب حیا تلرند قائمه صف رجال اولد قهری کبی محملرند ده دخی منظمه سلاک  
 سلاک ذوی المراتب اولد قهری هفتمه سنه ثمره فوادشم و داعیاد لری دخی زیارت مقننه جمعات عین  
 الجمعه حسین افندی حضر تلیسک دست و داع بوسلری اولوب حواله خواه سیاحت عالم ارواح  
 اولد یغنده حضرت چلبی مشار الیه جناب ولایت مآب لری مطایبه فرما اولوب مراد اکرته ناکنداشتن  
 مادر است او بیدر رسیده است تنها نیست نفس شریف لریله انبساط غما اولد قهرنده حضرت  
 شاهزاده والا همت ای عاشقان خوب فرموده است که از اول رسیدن بیکدیگر تولد عالم صورت  
 شد و ازین رسیدن نیز تولد جهان سیرت خواهد شد کلام مناسب الحال لریله حسن مقابل لری مرتبه  
 کماله دلنشین عین الجمع حضار عرفای بزم خاص لری اولغله میان نوز و تحقیق شاعرده باعث  
 مطایات عجیبه اولوب آخر حضرت چلبی مومی الیه لهجه بر بجه لریدن بس ولادت ادنی نه ماهه  
 بود چه جای این استعجال است اعاده انبساط بیور د قهرنده لکن در مادر طبع علوق این حمل ثانی  
 بحسن نظر مرشد بیش از چهل سال بوده است کلام حقیقت نظام لری تصدیق و رجالی نه  
 مساعدیه بیور وب و کلبا نک میمنت سفر کش اولمری عقینده حجره شریفه لرینه رجعت و هه مان  
 ساعت رحلت بیور وب و آغوش مادر مشفق لرینه تودیع اولمشدر و رحهما الله تعالی و حشرهما  
 مع المرحومین و استسکنهما فی اعلا العلیین آمین یا حبیب السائلین \* (حضرت درویش محمد امام)  
 نفس کوتاهی نه دن و اولاد ائمه دن و امام جامع شریف لالا پاشا اولوب علوم جلیله دن مالک حظ اوفر  
 و اعمال و اخلاق جمیله دن جامع نوع اکثر و منجذب خدمت و انابت حضرت شیخ ابراهیمی و ظهور  
 خلوص عیار ذاتنده موقع سکه خد اوند کاری و مشرف التحاق حزب مولوی اولمشدر و بعد الانابه  
 ترک وظائف علیه ایدوب جامع مر قوم سمت غریب سنده احداث حجره عزلت و اختیار فقر و خول  
 ایتشکن اواسط وقت لرنده اذن مربی و رجای احبابه تعلیم مستعدین طلبه علوم ایدر لرایش نیجه  
 نقوس قابله نک احیاسنه سبب اولوب بروقت نشا ط لرنده تلامذه و احبابه کازنر کوتاهی به خیمه زن  
 تفرج اولد قهرنده صید ماهی مراد ایلین صرف مقصد و رایدوب سمت واحد شکار یله دخی مغتنم  
 اولد قهرندن ناشی متکدر اولد قهرنده ایشان درویشانست بدیشان دست و شست دیگران نرسد  
 عنوانه تسکیت فرما او انچه علماء تلامذه لریدن برسی (وهو الذی منحصر البحر لتأ کلو امنه لهما  
 طریا) آیه کریمه سن قرائت و حایه اباحت کرده الهییدن استفسار وجه ایدنجه الحرص و الافراط  
 فی الاکثار باختر انجیله افاده سبب حرمان بیور وب وان تقنعوا بما یکفیکم فاصطادوا بانایدیکم  
 دم کرامت توأم لریله کرم و مقام لریدن قیام بیور وب شاطی نهر مر قومی شریف لرنده مقصد ارکف کاغد  
 باره چند کلمه نادیده و شنیده تحریر بیور وب و آویزه سرچوب و نشانده کازه آب ایدنجه همانا نهر  
 طرفدن اسماء انبوه قبائله آویزه معهوده جمع اولد قهرده خد و اما اعطا کم الکرم نطق تسخیر  
 تأثیر لریله اذن فرما اولوب قدر الکفایه اخذ لرند نص کره رقع مر قومه بی سرچوبدن رفع و آب نهرله  
 محو ایلد کهرنده جمع اولان حیاتن بالکلیه پریشان اولد قهری اریاب معانی نه دن تلقی کرده ثقات باده  
 مر قومه در \* و دخی نه وقت بهار و زمان مرور و عبور کانکند طائفه احبابه بر نزهت سراده  
 ایکن جو هوادن کروها گروه پرواز و جولان لری و اصوات خریفه لری عجب انکسیر نظار و کند ولره  
 دلیل ویشوا اولان کانکک قوت تمیز و قائد قطار بی نوع اولد یغی ماده بحث و استغراب اولد قهرده  
 مانند قضیه تسخیر اسماء کف مبارکانه چند کلمه غریبه و نیجه لرین قبض ایدنجه همانا اول بدرقه  
 جوق کانکان اولان مرغ جولانی پیشگاه اخوانه هبوط و جماعت همپ وازی دخی کرسی اخوانی

حضرت درویش محمد امام

طواف ایدوب کمال مرتبه که فیصلی تمناش اولند قدس قبضه تسخیر لری بسط ایدخبه بدرقه مر قومه پرواز ایدوب نه راهلرینه روان اولملری بعضا طریقه اوقافله و بعضا قوت روحانیه ایله تصرفلرینه ذاهب و رسم ورقعه و پوش اولق اوزره قرار ویرمشلردر و کاهکاه بعض احباب خاطر فیض مآثرلرینه خطور ایدوب لزومنه بناء دعوت مراد ابتدکارنده حاضر و ن خدمت دعوت مبادرت صد دنده حرکت اینسه لر حاجت نیست بنشین اید دعوت معنوی می آید نطق لریله تسکین و کفحه کفایتلرینه مراد لری اولان یارانک اسمنی رسم و قبض کفایتلرینه بهر حال سربعا و عاجلا طرف شر یفلرینه منجذب اولدیغی مشاهد و بای وجه کان قوت تصرفلری مجمع علیه ثقات احباب اولمشدر \* (نظم) \*  
وان جماعت را که وافی بوده اند \* از همه اصنافشان افزوده اند \* کشت دریاها مسخرشان و کوه \* چار عنصر نیز بنده آن گروه \* تاج کرمناس بر فرق سرت \* طوق اعطیناک آویز برت \* جوهر است انسان و چرخ او را عرض \* جمله فرع و پای اند را و عرض \* بحر علی در غی پنهان شده \* در سه کتن عالمی پنهان شده \* ای علامت فعل و تدبیرات و هوش \* چون چنینی خویش را از زان فروش \* جان چو افزون شد گذشت از آنها \* شد مطیعش جان جمله خیرها \* مرغ و ماهی و پری و آدمی \* زانک اویش است و ایشان در کمی \* و دخی اول ذات مادیکی السمات معلوم متد اوله و خفیه و اعمال متعارفه و شافیه و اخلاق حسنه و آثار عجیه ده فرید عصر و وحید دهر اینکینه حضور شیخ و خوانده قائم مقام خدمت و ثابت میدان مسکنک اولدیغندن ماعد او حدت خانه لرنده علی الدوام نوافل عبادات و اذکار و تسبیحانه مشغول و اوقات استراحتلرنده کمر و جدتله محصور اولوب اذکار جمیل لری حوالی کیر او انغله حکام و ولایت سیاق اکراملرنده دعوت کنگنه بنس الفقیر علی باب الامیر مضمون شریفیه اعتذار ایدوب نعم الامیر علی باب الفقیر اولنلر زیارت و صحبت روحانیه لری خواجه تاشلری و همرنگ لری اولان درویش حسام ایله اولوب بنلرنده اولان دقایق احوال بیانی حوصله ناکنج خامه دوزبان او انغله خلو تخانه خفاده ابقا اولنوب غیرت استطلاع سامعه تا محرمان ایله اولطر فدن سدمناظر حروف و اصوات و سکر ابواب عبارات اولمشدر \* (حضرت درویش حسام) \* امام ددهده حضرت لریلک عم زاده لری و حال صغردن حال کبره وارنجه همدرس و همدم و همکار او انغله کویا توأمین اولمشلرایندی لکن حسام ددهده حضرت لری همواره بقعه مبارکه ارغونه دده خدمت در کاهله مستفیض و استیعاب انتظار حسنه حضرت شیخ ابراهیمه مستعد اولوب مدته العمر تعطیل وقت ایتموب تحصیل مطالب علویه ده بدل بضاعه اقتدار ایدوب قدر شناسان مردم روشن دل حسرتکش نیم نیکاه صفای حال بخشلری اولمشلردر و ایام ربیع و صیفده اخوان و خیلان متوجه زهته کاه و جناب والا همسلری دخی مدعو اولدقلرنده ملاک الذوق فراغ البال و صفاء الحال فاذا حصل فلا حاجة الی الغیر عنوانیه تحدیث تعریض آمیز بیور و ب \* (نظم) \* زاویه تنگ با تو مرا لا مکان \* بادیه لا مکان بی تو مرا تنگ \* بادل بی دست و پاخال نشین درت \* بر کف دست آسمان زیر قدم پوریا \* بیت لطیف لریله (ایمناتو لوافتم وجه الله محیط و حد تنده استغراق لرینه اشارت بیور و ب ضرورت شریعت و طریق بقصد ماعد ایله بیرون در بدعه مبارکویه نقش یا ایتموب همواره سایه رحمت اعز کرامده آسوده سر و انوار فیوض رحماندن بهره ور اولمشلردر و امام ددهده حضرت لریله اولان مسامرات محرمانه لرنده مذاکره نطق مکاشفه مرمون لری مطایبه حل اولمشیمکن ادنی انحراف مزاج لری حسبیل غمگسار دیرینه لری حاضر سربالین عبادت لری وسائل چگونگی طبیعت لری و متفحص رغبت خاطر لری اولدقد خاطر خواه این اسیر فراش آنسته که برد و دست برداری و چند نفس در آغوش یار وفادار آسایش کنم مضمون محبت

حضرت درویش حسام

مشکونه اعتبار ایل بدن لطیف لری بین السماء والارض اولدیغی حالده تسلیم روح پر فتوح ایلریده اتمه از  
فرست یکدمه ایلد کلمی کرامت باهره اخیر لری اولوق اوزره شیوع پذیر اولنجه عامه علما و صلحای  
بلده از طرایف این گروه پر شکوه نیز غفلت نباید کرد که آخر بلطائف کرامت بیوند عنوان اعتراف  
تبیانیه یکنشان اولمشلردر وهفته لری نه امام دده حضرت تلمی دخی بیر ولری اولوب مقام خضر علیه  
السلام واقع اولدیغی تل رفیعک ذیلنده اولان تل معزک اوزرنده اولان خوشان مولویه ده و پهلوی  
درویش حسام علم بما الرحمة والانعامه ودیعه آغوش مادر خاکی رحمتک اولمشدر و حیاتلرنده  
جلوه کراولان اتحاد لری نوبت فواید دخی رعایت کرده لری اولدیغی علی وجه التحسین حلقه جمعیت  
حضرت قطب اکرم شیخ ابراهیم نور ثراه ور قرحر وجهه یاد اولند قدده گانه ما کانا فرقدی الارض  
فلا یخلل الفراق بیننا نسکته جلیله لریله همو مقام و علو مکانلری نه ایما بیور مشلردر و بعد فوتها  
هر مشاهد مثال مقدس لری معیت اوزره کافی الحیات غریب اتحاد معاینه ایلد کلمی نه انشای  
خیالده ارباب رؤیای صادقه دن متعجبین وضع خاص لری نه کتایشون تموتون و کتومتون تحشرون نفحه  
جامعه سبیله تأیید اولمشدر که تفصیل جوابر و حایلرندن منقهم اولان تملیث اتحاد و اقتران لری  
نوبت بعث و خشرده دخی هم عنان اولمشلردر ادام الله جمع شملهم فی المواقف باتمام الاحسان  
و المعارف آمین بعزته حبیبیه رحمة للعالمین\* (حضرت درویش محمد کتبی)\* دیار بکری المولد و مجموعه  
العلوم و البلاغة و استاد المنشآت و الکتابه و کتب دیوان و زرادن اولوب محب اولیا و متردد خانقاه  
فقرا اولغله عزیزین مکر منک عقیب رحمتلرنده جوش و خروش سیلاب اذ کار خیریه لری نظر  
و سامعه ربای نفس ناطقه لری اولوب دفعه ترک علائق ماسوا و اختیار تخریدرک و نوا ایدوب وجود  
فائض الجود و سرمایه عزنازین لری وقف خدمت مطبخ و میدان بقعه مبارکه ارغویه و آثار قلم بدایع  
رقلمی اولان موجود لری دخی خرجراه اخلاص فقرا و سرسعادتمندین تسلیم زانوئی تربیه حضرت  
شیخ ابراهیم ایلیموب سعادت باب ~~تکبیر~~ طریقت صدیقیه و کلاه و خرقة پوش انتساب دائره  
خداوند کلمی او ایشدر کویا جانشین حسامی و مستقر سر و جنبش سامی لری اولوب وصفا و طوراً  
و حیاطا و فوآتا ثالث ثلاثه اولمشدر و تحمل خدمات بدنی و مالیة آستانه مرقومه ایلد تحمل پذیر عمر  
طویل و نوبت شیخ محمد کلمجه که مران سلوک خوش و جلوه کلان رفتار دلکش و بین الفقرا رایت افراز  
امتیاز و منقبه آرای اعتبار اولوب هرگاه که یاد گذشته و ملاحظه حال ایلد کده سعادت شکر کردن  
صکرده الله الحمد و المنة که خار و مار بودم یار غار کردند و دیوان بودم چون مورسمیر سلیمان ساختند  
مضمون طرب مشکون و امتنان مقرر و نیله خوشحال اولور لر ایش و بالذات فعات نوبات قدر شناسان و زرای  
ایالتده متانت کلبت و مهارت منشآت لری حسبیله دانه ریز اطماع و دام فریب زن الحاح اولدقلرنده  
این فقیر رادولت بی بدیل پاینده کرم فرمودند که آنرا بدولت نایب دار شاهان هفت اقلیم را استبدال  
خسران مبین است امثال مارا لطف و کرم آنست که بحال خود گذارند و تکلیف ما یجتمع نکند کلمات  
شریفه لری جواب ده دفع اولمری بادئ انصاف و مانع اعتساف و جدا اکرام و احترام لری نه سبب اقوی  
اولمشدر\* (نظم)\* که یار دصید مارا قید کردن\* که یار دبنده مارا خریدن\* کسی را که بودیم و کزیدیم  
کرا خواهد بغیر ما کزیدن (چنانکه) در میان سادات طریقت این مقدمه مسئله مشهوره و محجربه بمشابه  
مثل سائر شده است مال آینه و سر رونده میرود (فن نکست فاعلمای نکست علی نفسه) صدق الحکیم  
الجبار\* (ودخی)\* اول سر باز میدان استقامت و ماملک نثار استقامتک لیل و نهاری عبادات  
حضرت باری عز اسمه و خدمات ابرار و اخباری ایلد گذران اولوب کیفیت مواظبه دعوته لری

حضرت درویش محمد کتبی

انظار افهام قاصده ملا یطاق نما اولغله آسایش واستراحت جزئی به سوق ایند ساده لوحان  
اشتغال غماری عبودیت ظاهر و اعمال لیلیه اطاعت باطن است پس آنانکه روز و شب بخدمت  
نفس و دنیا مشغولند و هیچ بنیاب و توان نمیشوند بلکه شوق و قوتشان تجدید و تزیین نماید چکونه بندگان  
قیومی از عبودیت ملال و کلال وضع پذیرند کلیات نفس الامر یلیله بخیران لذات عبادات  
و خدمت الزام و اسکات و بلکه مؤمنین ظاهر و باطنی عبادات ظواهر و باطنه ترغیب و کسل  
و بطالتدن ترهیب پیور مشلدر و مقدار پنجاه سال استیعاب آداب شریعت و طریقه ای و ظایف  
خدمات درگاه اولیاده سرمو تهان و نما و تکاسل روا اولیوب سید القوم خادمهم پایه رفیع هم سن  
احراز ایدوب و نفس و نظر لری کبریت احمر و تریاک اکبر اولوب بر روز فیروزه جمله داخل و خارج  
آستانه مر قومه بی رفت و روب و اوائی مطبخی شست و شوی ایله تطهیر و تطهیر ایدوب و آلات  
خدمت و اسباب سائر هی علی الانفراد تعداد و ترتیب و محالنه وضع و پیمانی نیازده استعمار صوب  
آستانه سعادت استئذان سیاحت ایتمکله رجا سینه مساعده و کلیاتک بمن سفر احسان اولندیغی  
عقبنده جمله اخوان و خالانله استلال ایدوب علی السحر حرکتیه تصمیم نما اولدیغی لیلیه انباده و یکپاره  
مشغول اذکار و تسبیحات و صلوات شریفه و بعد التمجید چانه و انکشتان نای عالم الطلاق پیمالین  
دست کرامت پیوستلریله بند ایدوب سر نهاده بالین تسلیم و پوست عنصریدن منسلخ اولمشدر وزیر بالین  
راحتلرنده کفن و خنوط و اجرت غسال و حفار و های شیرینی فقر اعلی اوسع الوجوه مهیا بولمغله کمال  
آگاهیکاری منصف و متعصبه آشکار و سمت قدم در ویش محمد امامده متوجه محراب خدا اولمشدر  
وجه الله وجهه سره خوقبله جماله و الجأ جنب التجائه علی جناب باب افضاله آمین یا ارحم الراحمین  
و یا اکرم الاکرمین بعزته من له الشفاعة العظمی یوم الدین\* (حضرت در ویش مصطفی خراباتی) دیار  
روم ایلمده زغرده نام تصبه دن و اولاد از عمادان و صاحب خانمان و مهمان نواز اولوب در ویشان فانی  
نهاددن بر مالک خزانه همت ضیف دار الضیافه لری و چند روز مهیم خانه لری ایکن مزاجنه انحراف  
طاری اولغله اثنای عارضه سنده مالا ویدنا جمله خدمه سبیله خدمات تدبیر و تنظیمیلرینه صرف اقتدار  
ایدوب لکن بقضاء الله تعالی تدبیر مفید اولیوب یومافیه و ماعلی قوت پذیر و مرض موت اولغله هنگام  
احتضارده تخلیه خانه ایدوب کند و لریله مصاحبت خفیه ده ایکن و داعیزم حیات مستعار ایدوب  
بعد التجهیز و التکفین و الدفن خرقة و کلاه و سائر لباس در ویشانه سن تلبس ایدوب مدت مدیده کوه  
و صحرانورد و یسکانه خویش و آشنا دمدم مغلوب استغراق و آخر الامر غار ملامت نشین و ملتجی کھف  
الامان تستروزیرقبه خلاعتده آسوده سرا اولوب اوضاع و اطوار مجذوبانه لری حواصل شکاف خاص  
و عام اولغله تنایع ایدای صورت پرستان وطن سبب هجرت لری اولوب دارالدوله ادر نه ده کاه مطبخ  
خانقاهده و کاهی کلخن حمامانده و کاهی خموشانده سمیر نفس ناطقه لری اولمشدر (ودخی) بعد استقرار  
الاستغراق ملازم خرابات و هر ساکن اولدیغی مخماندهده معجک کاندن و میفر و شانندن افراد کثیره  
بیزار کیش قدیمی و تجدید عهد ازلی ایله زار اشرار الشکین اولمشدر که بین القوم کندولره پیرمغان  
نما ایکن پیمانه کش دست کرامت پیوستلری اولنلر پیمان شکن تمود و تنصر اولقی و تأکید عهد قدیم  
الست ایتمک خارقه عظیمه اولغله صورت ظاهر پرده پوش کمال ذاتیلری اولیوب متنسکین و متعبدین  
سائر دن اغلبک متوجهی و معتقدانام و هر کس کیف ما کان اکرام و احتراملرین التزام ایتملری دار  
الدوله مذکورده رئیس و ضابط طائفه یکچریان اولان شخص بی تشخیصه باعث تهور کین اکین  
اولوب تجسس اشقیاصد دنده کشت و کذار محله و بازار ایدر کن مستانه تمیل چپ و راستله عزیز مشار

حضرت در ویش مصطفی خراباتی

الیه مصادفه اید بنجه اصلا مراعات ادب صورت فقرایتمیوب عونه سسته ضبط و منزلته نقل و حدس  
ایته بدردوب عودت جست وجوده بی محابا حضار و تقصص ابریق و بوی دهن ایتدر کده ابریق آب  
صافله مملوبولوب و دهن مبارک رنده خلوف فم صایدن غیری بر اثر ظهور ایتسمیکل سالک سمت جبر  
اولوب بجرم و بیوجه تعزیر بهنفسه تسمیر ساعد اقدام ایلد کده دست ظلم پیوست مباشرتی خشک  
و بنجه تم و رنده اولان چوبله هم رنگ اولد یغین معاینه ایدیکل ضربنه اقدام ایلد بکی کف پای لامکان  
پیمالینه روی بی آب سود اولوب کل ندیم واستعفا ایله عذر آورا و لنجه عزیزم قوم عفو این جرم بی  
جنایت ممکن نیست غم لازمت عنوانسه تخمیل غرامت ایلد کده هر چه لازمت دریغ  
نیست اگر همه موجود این کستاخ باشد کجای ضروریدلریه تسلیم غما اولمغله وقت مصادفه ده را کب  
اولد یغی اسب ذی قیمتی جمیع آلات و اسبابیله قربان ویرمک امر لری اوز ره عمل اولوب فقرای  
خانقاهه ارسال ایچون مالندن افزاز اولند قدده دست خشکی ینسه حالت عافیه عودت ایدوب لکن  
اول سرمست صهبا ی جلدیه ناک اخذ اولند یغی مسموع فقرای خانقاه اولوب شیخ وقت اولان عثمان  
ده ده حضر تلیدن رئیس مرقومه خطا باند کره افاده حال ورقعه هراس انکسار مال رجا مندی  
اولد قلنده شیخ عثمان حضر تلی واقف درجات رفیععه و تأثیر دفعه لری اولمغله آن مرد میدان  
ملا مت بی نیاز از یاری غیر بار نیست شاید که غمیه ما واسطه جوش غیرتش باشد نفس نفس  
الامر یلری ایله دفع عقیدت درونی توجه جانب و رای پردۀ صورت اوز ره مترقب عنایت خفیه ایکن  
حضر ت خراباتی فدای معهودله مطیع فقرایه تشریف ایدوب این اسب با اسباب نیاز اعتذار و محب  
خاک پای فقر است عنوانسه محکمته ایصال و حاضرین فقرادن دخی عفو و صفح جرمه جرات  
جهولیتن رجا یورملری خارق سستار د مصنعه لری اولوب عمو ماطوائف عسکر و اهالی ادرنه ناک  
هجوم و نجالته و اشتعال ناثره اشتها رکونا کونه تحمل ایتیموب سیاحت اختیار ایدوب دیار روم  
ایلی و اناطولیده مستور الحال بی نام و نشان کشت و کنذار ایدوب انشای خط و تر حال رنده علی طریق  
الصله و طنز لینه او غرایوب محکمه شهرده مهمان قاضی بلده اولوب چند روز آرامد نکیر مینو مافیوما  
شیوع آتارید لیه لری حسبله اکراملرنده اهتمام اولند یغی صد دتستر لینه مغایر اولمغله ینه غربتی  
الترام ایدوب انشای وداع مین باند مدد آسایش پای پیرانه لری اولان خرمه سکنی آخور قاضی ده  
ابقا و آب و علفین توصیه بیورد قدده قاضی استعزاز و تسکلیف اسب رهوار ایلد کده آتار ابر حماریتش  
ترک نکردیم که باسب استبدال کنیم بلکه برای ادای خدمت لازمه اش نزد تو امانت است نطق  
شرف لریه رخر بیورملری ایام معدوده مرورنده اول ولی والا همتک قدمای انکار و عتبه اصرارندن  
شهرت کاذبه متشیخ ضرورت فجور صاحبیه سی ثابت و ظاهرا ولیجی بر موجب عرف بلد ارکاب  
خرو تشریف شهر مراد اولند قدده اصحاب حمرکین و انتقام و تر ویر متسکر مرقومدن تحاشی صد دنده  
حمارلین اخفا ایدوب قاضی و خدمه محکمه تدارک مرکبیدن عاجز اولد قلنده خراباتی خاطره  
خطور اید بنجه فاجره مرقومه بی ارکاب و تشهیردن و متعصب مؤذی منجوسلک آبکسته عرض و ناموسنی  
تکسیر دتسکره جمله اعمالی نسکسته خدمت لازمه مروزیه انتقال ایدوب جناب خراباتی معمور  
الذات کز کراماته مشغول لرایکن رونمای و رای پردۀ خفا اولوب و آخور قاضیدن خرمه سکنی  
الوب روبراه اولد قدده قاضی عقب بر بنجه مسارعت و دعوت ایلد کده خدمت خرمه سست و دوست  
غما و دواعی سلامت نطق اشارت قرین لریلر تودیع و محبیه ادرنه توجه ایدوب لکن وقت وصول لری  
شب هسکام اولمغله کاره شهرده صوفیه خانقاهندن برینه مهمان اولوب آتار ساقه لینه آشنا اولان

صوفیان خدمت اکرام برینه قیام اوز ره ایکن شیخ خانقاه شیخ اشباح اولغله استتقال واستبکار  
واختفایدوب واشتغال خدمات میزبانیدن منع ایتمکله خدمه خانقاه منی منیسی ایله منتهی اولوب  
اول شیرینستان انسانیّت کنج خرابه رهن آسا کوشه جمعیت خانه ده فریدو وحیدوبی عشوّه تکیه زن  
دیوار غربت اولوب شیخ فریدو دخی خریده جامه خواب راحت واقفاده کراخواب غفلت اولنجه  
ساحه خیالده کروه انبوه شیر مر دانه پیشوا اولوب هر اس و شوکت و سطوت زهره شکافله اول پیر  
روشن ضمیری خانقاه منیه هجوم اوز ره مشاهده ایدوب ناچار رکب بوسر رستمانه لرینه مسارعت  
واعذارا هانت گذشته سینه مبادرت اوز ره دوال رکب لرینه دست توفیر زن اولدقده یلک پشت پای  
قهرمانه لر یله انداخته خالک ند میر اولوب در حال طرف شاهانه لرندن کند و ردای ردانت بود یله صلب  
فرمان اولنغله بیچاره کور باطن و دلبرده نکر داسنی کردننه کند ایدوب صحن حرم خانقاه ده اولان  
درخت بالا بلند و صلب اثنا سنده حضرت عثمان دده جناب ولایت مآبی و رای پرده خفادن رونما  
وشفیغ مجیری اولغله تخلیه سبیلنه مساعد و ایرادینه مسامحه اولد یغی سرور بیج جان آسیر یله بیدار  
اولدقده تدارک اطعمه نفیسه ایدوب عجالة تقدیم پیشگاه جلالت دستکاهلری صدقده ر و مال دامن  
کرامت پیرامن خرقه مبارک لری اولدقده ای اسیر بند پندار هرگاه مانند شیخ عثمان شفیع مجیر  
باتونرسد آگاه باش ورنه جان و سر بلکه ایمان و جمله هنر خود را ز خود رای بیاددهی و بردار شوی  
توبیخی ایله تربیه فرما اولملری اول نیم مرده دهشت خیالیه حیات تازه بخش اولوب علی الخصوص  
مظاهر ظاهر مطلق ایله تقدیدن رها یاب و برزخ تلویحات وصول سلامت ساحل تمکین  
ایله مأمون الغائله تفریق فرق نیک بد نما و بد نیک سیم اولیک نیکه مرایای طهور و راز آشنای  
بطون باطن مکنون اولمشدر که کند و لخراب اندر خراب ایکن شمول پر تور آفتاب لر یله معمار دیگران  
و خبرده بخبران اولمشدر \* (نظم) \* از مردم او فتاده مددجوی ای قوم \* بابی پر و بالی پر و بال  
دکرانند \* آخر الامر تأثیر فیض مراحم علیه لر یله بزار و قار مشیخت صوری و همدم ارباب دم و قدم  
و هم مر نک اصحاب اثر و نظرو بین الاقران طول عمر و وصول مرامله برخوردار و شیخ صادق ولی  
عنوانیله شهرت شعار اولوب حتی بیست و صد ساله اولدقلمری و قنده بوقصد پردخی حکمت لر یله معتتم  
اولوب تفصیل حال منوال محرر اوز ره اولد یغی و اول کنج نهان ویرانه ملامت آغوش صداقت لر یله  
گذران و جواهر غنیه معدود سیرانه لرینه وارث اولملری شفاها تلقی اولمشدر \* و دخی قییل  
الاتقال اخوان و خلایه ضیافت خاطر لرینه خطور ولسان لرینه مر و رایتکه اطراف احبابدن  
جمع اولان اسباب ضیافتی کیلار مطبخ مولوده ادخار ایدوب وجهه بی دعوت و اطعام و اکرام  
و پیمانجه نیاز کلبا نیک مینت سفره قیام نما اولوب وداع واستتلال درویشان و محبان ایدوب  
سنگای لیل بهانه سیمله شیخ صادق خانقاه منیه تشریف ایدوب اول شب قدر آساده تاب سحر صحبت  
روحانی ایدوب آخر شبده سینه صادقه اتکا ایدوب اول دخی آغوش محبت چکوب آسایش چند  
انفاس لرینه مترقب ایکن شهباز روح پر فقه و حلری لانه علیمینه پرواز اولوب نشین بد نلری خالی قالد یغن  
مشاهده ایدیک هزار درد فراقله کف پای سدره پیمالینه ر و مال و پوسه ده ابتهال اولوب خدمات  
و ایتیلرین دخی مالا ویدنا صرف خزانه اقتدار ایدوب جنازه شریفه لر سیک مصلاهی جامع منیف  
مرادی یه کنجه حرم جامع شریف و حوالیسی محشر پیر و جوان و مجمع جمهور علما و صلحا و اعیان  
اولوب بعد التاخوشان فقرای طریقت خدمه اوند کاری بد نقل و دفن اولنوب الی هدا الان خالک  
یا کلری زیارتسکا خاص و عام اولمشدر عمر الله تعالی دیار فناءه بالبقا و نور سره بلوامع الشهود و یوارق



اللقا آمین یا مفیض الجود والعطا علی قراء الاولی والاخری \* (حضرت درویش علی کلخنی) \*  
 ایرکادی الاصل وحسب ونسب بر شایع و طریف اولوب بقضاء الله تعالی وطن لر نه داهیة  
 وبای اکبر استیلا سیله جمله ذکور واثا خاندان لری وداع بزم فانی ایته کله غربت در وطن کر تنه  
 تحمل ایده میوب دار السلام بغداد هجرت اختیار ایدوب کاه اموال موروثه لری ایله تجارت  
 وکاهی ملاحظه احوال مده شهة اخرویه ایله مها بط انوار رحمت اولان مشاهد مقدسه ائمه کرام  
 واولیاء عظام زیارتی ایله اوقات کذار ایکن بهر سینه موسم عاشوراده سینه چا کان ماتم سلطان  
 الشهدا سلسله کنه منتظم و خونا بهر یزیده جان ودل اخزان دیده اولدیغی کبی بنه بر سال مینت  
 فالده اجرای آیین شرحه کاری اتنا سنده غلبه سوز و کد از سلسله جناب جذبه هوش انداز اولوب  
 رطل کران کشر دست ساقی توفیق اولغله بالکلیه ترک ماملک و بکالباس فقیرانه ایلدا کتفا ایدوب  
 رجعت قوافل زیارتده همراه فقرای در که خنکارا کبر قدس سره الانور و مسافر جلوه کاه عارفان  
 مولویه و مکرم انظار حسنه اخوان و خلان و کوش جان دار معارف حضرت مثنوی و سالك مسلک  
 رقتار معنویه و تسلیم شریوط اولوی و سکه دار دارا الضرب شه نشاه اخروی اولشدر که صدق  
 و اخلاص و سوز اختصا صله اولان ماتم حضرت قرة العیون اعیان دین مبین کندویه سرمایه تیل  
 سرور و سور معرفت و حالت و بلکه مرقات الصعود اوج درجات ولایت و مفتاح خزانه جواهر  
 کرامت اولوب حجره وحدت و مقام راحت لری مز دحم صغار و کبار اولغله محافظه وقت صد دنده  
 اختیار کوشه کلخن ایدوب دودو کرد کلخندن بی تحاشی اولان انتخاب کرد کان محکمانه ایله کوشه  
 کلخن کندولره سخن کلشن و طائفة بیکیریان ادب پروردن مصطفی نام بر محب سربازی جمله احباب ندن  
 ممتاز و روز و شب نالا و بدنا خدمت شریقه لری به قیامه سرافراز و وقت نشا طلر نده ای مصطفی  
 بشه ترام مصطفی باشا خواهند کرد نفس همت قریب لر نه مظهر اولشدر \* (نظم) \* آن دم که دمی بی  
 توسر جانش نبود \* جان در سرتو کرد بشیمان نش نبود \* در ماتم توبسی خون بهر کر بست \*  
 همدرد تو کشت و در مانش نبود \* اشکی بده آلوده و کنجی بردار \* آهی بز آهسته و ملکی بستان  
 \* آخر هر کیه آخر خنده است \* مرد آخرین مبارک بنده است \* تو جو موری بهر دانه میروی \*  
 هین سلیمان جوچه میاشی غوی \* دانه جورادانه اش دای بود \* وان سلیمان جویرا هر دو بود  
 \* (مروسته که) \* اول کنج نهان یاب کنج کلخن مانند در بنیم کرد آلود ملامت و کوشه نشین سلامت  
 ایکن مر قوم مصطفی بشه دخی پر وانه وار کرد سر کردان شمع خدمت پر حرمت لری و سر کردان بادیه  
 امید حسن نظر و خیر نفس لری اولدیغی حالده همای همت والای بنده پر ور لری فرق فقیرانه سینه سایه  
 انداز حایه اولوب نا کاه درون کلخنده نیم سوخته اولان خرمانی اخراج و حریم کلخنه غرس و روز  
 بروز اسقا و محافظه بایند صادر اولان فرمان غوثانه لری اوزره عمل بی تردد ایدوب مع هذا اول مقوله  
 درخت خرمان نشو و نما محال اولدیغی معلوم عالم ایکن بقدره الله المحیی و تالیه قاصر فهمان  
 فلاحت آشنا صادق مر قومه طنز و تسخیر اوزره یکنز بان اولدجه انک صدق و اخلاصی است حکام  
 پذیر و خدمت اسقاوار واده بی ملال و نا کاه سر سبز اولغله اطرافته بار و کش و چشم زخم اجانب ندن  
 حارس و اهانت منکرین متعصبه دن حافظ اولوب اول غراس نفس ولایت مترقی درجات نما اولدجه  
 غارس مخلص دخی طریقه بنده احراز پایه رفیع ایدوب اتفاق خریس لری رئیس اتخاذا و لتوب یوما فیوما  
 شعله بخت خدادادی حوالی کیر اولغله طرف دولت علیه ده دخی خدمات مبروره و مساعی  
 مشکوره سی شمیو عیله بین خریه مدوح الاحوال و متوجه الاقبال اولوب زمان یسیرده سیر کوکب

طالعی اوج اجلاله صاعد و یکپیری اغالغی و رتبه وزارت ایله مکررم و میجل اولوب و حین توجه دار  
الدوله ده کندور فقای دیرینه سندن بر معتمد خاطر ی اولان مخلصی خدمت اسقا و حراست شجره  
قال دولته تعیین ایدوب و عزیز مشار الیه و داعیه و استجلاب دعای خیرینه مبادرت اشنا سنده انگاه که  
این خرمادهد ترا یاشا سازند عنوانیه بشارت معلقه بیورمرلی بعینه جلوه کرمضه تصادف اولمشدر  
\*(نظم)\* آنچه تو در آینه بینی عیان \* پیراندر خشت بندیش از ان \* انکه واقف کشت براسرار  
هو \* سر مخلوقات چه بود پیش او \* اوز آتش و در آجر آورد \* از زیانه اسود بر سر آورد \* هین که  
اسرافیل وقتند اولیا \* مرده رازیشان حیاتست و نما \* ای مرا تو مصطفی من چون عمر \*  
از برای خدمت بندم مکر \* ای لقای تو جواب هر سؤال \* مشکل از تو حل شود بیقیل و قال \*  
ترجمان هر چه مارا در دلست \* دستگیر هر که پایش در کاست \* (منقولست که) \* اول حکم انداز  
میدان مکاشفه نیک مژده رسان اصابت ناول شهودی و خبر ده ثمر موعودینه اکرام کلی اولنوب عزیز  
مشار الیه داعی ارسال و معزز و موقر و مسترح دارالدوله استانبوله ایصال امر اولنغله علی  
اسهل السبل واروح الوجوه خدم انبوه و تخت روانله و انشای حظ و تر حاله قضیه کشفیه لری  
شیوعنه بناءوز راوامرای رهگذر زدن اکرامات فراوانله صوب دعوت توجهرلی و سعادتخانه  
چراغ افروخته لرین تشریف لری هنگام دهشت انجامنده سرحد ازا ق طرفنه تسیر عسا کرجهاد  
و مصطفی یاشا جنابن سردار تعین ابتک مصمم فؤادشمن شاه الهام معتاد اولنغله اول فریاد رس وقت  
حاجت قدومی تازه حیات بخش سپهدار نظفر کردار اولوب کند و لر دخی عزیمت مر قومه ده  
بدرقه راه نصرت اولمرین نیازمند اولنغله اقرار فرما اولوب زمان نهضت دستور مزبورده سه تا  
برزنجیری وجودش بر یفلرنده بی حائل قبا و پیرهن میان مبارک لری نه نطاق مالا یطاق بیور دق لری دستور  
مر قومه غریب نما اولنغله استفسار مال حال اولند قدده این بدن ازا ق دشمن نفس است پس اورا  
از اینجا اینچنین حصار شدید کردم که تا ازا ق را از دست دشمن دین نکیرم این بند آهنین را و انکمن نطق  
همت رهین و دم مکاشفه قریب لریه یا سخرا سخرا فرما اولمرلی بعون الله تعالی اول سرحد حسرت الملوک  
قبضه کفاردن اخراج و حوزة سلطنت سلطان البرین و خاقان البجریه ادخال اولند قدده زنجیر  
معهودی میان مبارک لریه حل و طاق باب قلعه یه آویزه ایدوب تاوقع غارت کفار مسفوره کلنجه  
امارت عظمایا دکار کرامت کبرالری اولمشدر و دخی کمال نصرت و نظفر و تأیید باری ایله رجعت  
اولند قدده شیوع آثارید بعه لری زین المجالس رجال دارالدوله اولنغله جمله وجوه مشایخ استانبول  
زیارت متمنه لریه مستعد اولند قلرنده میان نه متشدقین ز واردن بعض حدنا شناس حکایات اسلافیه  
و نقل سرگذشت ممالک موهمه سبله اشغال مجلس وسیع باهر البرک لری و تجا و ز مقام حسن ادب  
استدیکنده النقل لا یغنی عن النقل و المقال لا یغنی عن المال و الماضی مغفوت للحال فقرات جلیله لریه  
اسکات بیور و ب حصار ذوی الآداب التصفوف ترک الدعاوی و کتمان المعانی موجب نه ادخار نقد نه  
حالاته ارشاد و همت تحقق مقامات و کالاته اسعاده بیور مشا در \*(نظم)\* باز کشتم ز آنچه کفتم ز انکه  
نست \* در سخن معنی و در معنی سخن \* بردلش گرفتافتی کفتم لبش \* ذره ذره کشته بودی قالبش \* که  
لوانر لانا کباب الجبل \* لانضوی ثم انقطع ثم ارتحل \* سالها باید دران روضه چرید \* تا که بشکی مشک  
کردای مرید \* سالها باید که اندر آفتاب \* لعل باید رنگ رخشانی و تاب \* و دخی مدایح ذات ستوده  
صفحات لری کوشنر دیادشاهی اولوب صحبت شریفه لرینه رغبت همایونله دعوت اولند قدده اجابت  
مصاحبتده و صایای جزیره و بعد الجلسه الخفیفه قیام بیور و ب طرف شهر یاریدن عرض اکرام

و سؤال دخواه اولند قدده دل دردمند دعا کوی غیر از گوشه کلخن بغداد نخواهدا کر لطف و کرم  
فرمایند بنده را انجا برسانند مضمون فراغت مشکونیه بیان مافی الضمیر بیورملینه مساعده  
و کمال احترام برله مسکن مألوفلرینه ارسال و ایصال اولنوب اول کل سر بلند کرامتلی میوه سندن  
کند و لر دخی تمتع بیور و برب و بارندن جمله اهاالی مغتسم برکات غریبه اولوب حتی بر دردمند پاک  
عقیده ناک در دجشم جانیه کارایدوب هزار سعی و سازا یله یکدانه نوات تمرین تحصیل و کسل ایدوب  
روشن دیده عمادیده اولشدر و غفوله عارضه به اکل ثمره و بخور برکی و سائر طرق استعمال و تشریف  
ایله دوا اولنسه بر عساعه و عافیت تامه احسان اولند یعنی رسیده رتبه تواتر اولشدر و زمان وصول  
منزل قدیم لرندن و داع کلشن عالم ایدنجه نخله مر قومه ناک اسقا و حراستی خدمته کند و لر اقدام  
بیور و برب کند و لر قد مکش بوستان حیات مستعار اولد قلی ساعت نخله مر قومه دخی دفعه خزانده  
عالم غیب اولوب هر یاره سی انظار ذوی الاعتبارده عود و صندلن بهادر اولشدر و وصیت  
شریفه لری میدان چلتان خانقاه دارالسلامده حفظ اولنوب ناگاه طالعی اولان لا مکان علی دده  
حضرت نلرینه تسلیم اولنوب و جسد مر و حلی دخی خموشان فقرای مولویه دده و دیعه خالک بالرحمتناک  
و متبرک الزیارة اصحاب خلوص اولشدر انار الله تعالی آثار امانه و افاض علی الطالبین سبیل برکات  
روحانیه آفرانه و نور ضریحه و روح و قدس سره و طیب ثراه و جعل الفردوس ماثوا آمین  
یا مفضی الجود علی العالمین \*(حضرت درویش علی لامکان)\* فی الاصل علائیه خاک کنند  
و حضرت شیخ محمد زنجیر قران نظر کرده لرندن بر پاکیز بلند پر واز اولوب امر مر سیلری ایله ائمه کرام  
مشاهد مقدسه لرین زیارت ایدوب بحال رفیعہ مظان کماله دخولله مستفیض انظار حسنه مردان  
خدا اولوب نزل خانقاه دارالسلام اولد قدده مدت مدیده خدمات شاقه اخوان الصفا فی تحمل  
و بقایای وجود و همیدن تخلص ایله مظهر برتو عنایات روحانیه و شایسته ارث حضرت کلخنی اولوب  
طرفین امین و وارثه سبقت اشارت غیبیه ایله امانت مر قومه به طالب و مطلبی کند و یه تسلیم اولند قدده  
استیلائی حالت زائد الوصفه عنان آرای رپوده پنجه بیقراری اولوب سال که ولته وارتجه دوشب  
برجایکده قرار ایتیموب همیشه سیر و سیاحت دار و دیار و آواره معموره و هامون و کھسار اولغله  
بین الفقراء لا مکان شهر تلمه معروف اولشدر آخرالامر بیتاب و توان کشت و کذار اولنجه متوجه  
دارالولایه قونیه حرسث عن البلیه و زائر تریه معظمه خداوند کاری و مورثری کبی حمام شادی بک  
کلخنده همزوی و منشأ آثار بحیه و مورد انوار تأییدات غیبیه اولشدر که ایام انزوا سنده ساحه  
کلخن مزبور کلشن ضیافات کونا کون و فقر و اضعاف و ارامل و ایتامه مقسم از راق و عطا یا اولوب  
اسرار ایراد و مصارفی کله و حقهها معلوم و مفهوم خرده شناسان زمانلری اولیموب هر کس بحسب  
ادرا که و تخمینه باحث قضیه نادره نمالری اولشدر و آخر وقت ولایت اقتران لرنده اهاالی دارالولایه دن  
شیخ احمد کو شج نام خلوت نشینک و حدتخانه سی قیوسنه کلوب و کندوی خار چ صومعه سنده دعوت  
ایدوب صوفی مر قوم دخی خلاف وضع قدیم کلخندن خروج و باب گوشه قناعت توشه لرینه تشریف لرندن  
متعجب و هر اس دعوت جلالیه لرندن مندهش اولوب دعوت لرینه اجابت و دستبوس عنایت مأنوس  
ور و یمال پای لا مکان یمالری عقیمده دست بر سینه نیاز قائم و اجهه لری اولنجه دهن بکشا و این  
امانترا بکیر و بعد از چهل روز در خدمات واپسین فقیر مسارعت غمانفس انفس لر یله توصیه و دهن  
مبارک لرندن بریاره رتی رائق فم عاشق صادق مر قومه القا و اول دخی کمال اخلاص و اعتقادله ابتلاع  
ایدوب انلر کلخنلرینه و بونلر خلوتخانه لرینه رجعت ایدوب چل روز موعود تمامنده شیخ احمد فقرای

حضرت درویش علی لامکان

صوفیه ایله مقام شریف یلرینه بالتمام احضار لوازم جنازه ایدوب تسکیمیل خدمت مأموره و حرم  
 تربیه حضرت شمس الدین تبریزیده دفند نصکره جامع شرف الدیند منبر وعظه صاعد اولوب ای اهالی  
 قونیه معلوم باد که این بنده بکنه را از دریای بی کران حضرت مولانا قدس سره الاعلی مقدر بیکاره  
 آبی دادند بعد ازین ظاهر شود که احمد کوچکیست عنوانیه تحدیث مباهات آمیز لری  
 سامعینه باعث تسخر اولوب هنوز هویداشد که دیوانه اسماء خواهد شد مضمونیه مضاحکه لری نقل  
 المجالس اولوب لیکن شیخ مشار الیه لری روز بروز اقتدار مالیه سی برورده متفاوت اولوب کاره حقیره  
 بناسندن عاجز ایکن اول قدر انبیه باتکلف احداث و وقف ایتمشد که حال جمله مرتقه جامع و خانقاه  
 و مدرسه سینه و سایر خیرات و حسنائی مصارفه غله و قف و افیه اولدیغند نصکره اولاد و اخفادینه  
 دخی مدار معاش و مایه انتعاش اولدیغی محض اول امانت مسلمه لری برکاتی اولدیغی کالشمس فی وسط  
 النهار بیدار و هویدادر فی الواقع شیخ مومی الیه لری تصرفات مالیه سی اسباب ظاهره مدخله سندن  
 خالی اولدیغی و جناب علی لامکانه خرج و صرف بی حساب و عدم توسل اسباب جهتده همرنگ اولوب  
 دست داد و سستد لری خزانه غیب رسا اولد قلرینه کواهی اشتباه اولشدر \* حتی خواص شیخ مشار  
 الیه استقصای حال ایدن احبابه بر قطعه کیسه کبود لری اولوب و هر وقت حاجتده مقدار محتاج  
 الیه صرف اولتمق و آلات انبیه نافده اولدیغی یومک فردا سنده ینه کفی الا وائل اسباب بنا آماده  
 بولند یغی صورت غریبه سی ایراد اولوب کیفیت کیسه مرقومه و چگونگی احضار آلات و اسباب  
 بنایه انلرک دخی و قوف نام لری اولدیغی افاده اولتمشد رال امر ظاهر و السر باطن و العلم عند الظاهر  
 و الباطن لایستغرب اشباهه من هو بالخلق فاطن و ظاهر بینان اخواندن بعضی لری بوقوله امانت  
 نفیسه ینه درویشان پاک روشانه تسلیم اولتمق اولی و اخری ایدی دیوگفت و کوی بیجا ایلد کرنده  
 دادوستد مایه مدخله من و ماست باد که محض عطای یفعل مایشاست نفس نفس الامر یلرله سدر خنه  
 اعتراض ایتمشدر در فله الحکم و الحکم و یسده ازمه المنع و النعم \* (حضرت درویش محمد قاینر)  
 دارالدوله ادرنه قرنده حفصه نام قصبه دن و حضرت چلبی بوستان اول شمار لطیفه باغ و لایتدن  
 اولوب او ان خدمات علیه لرنده بر جوش و خروش و پاره نه و باز و کشاده و سینه چال مجد و ساعی  
 و پر وانه واردر که ولایت دستکهلرنده بی پروای کرم و سر دروز کار و همواره پای برای پیمایچه  
 انتظار فرمان حضرت شاهزاده ساعی تبار و دست اطاعت بر سینه تسلیم هر کار و منظور عین عنایت  
 جناب کرامت مآب مرشد بیدار لری اولغله ناکاه درون وارد مشکو نلرندن سانخ اولان نفس الهام  
 سمیره جان و دل بند اولوب موجب امر عالیه لری اوزره دارالدوله ادرنه ده اولان خانقاه خالی عن  
 الفقراده چله کزین دور و دراز اولوب سلطان احمد اول نوبت معدلته اقتصای مصالح جهاد  
 فی سبیل الله ایله جانب ادرنه ینه نهضت فرما اولد قلرنده و منزل حفصه ینه تشریف لری اتنا سنده عزیز  
 مشار الیه استقبال ایدوب و موکب هجایونه سماع راهی ایله پیشوا اولوب نادر سرای عامریه  
 دکن سماع ایدوب هنکام نزول اسب دولته لرنده الفاظ فصیح و عبارات بلیغه ایله تنبیه قدوم و دعای  
 خیر خبر ظرفرا تریبورد قلری عقیمینده پادشاه بانتباه نصفه سپاه خواص مقر بیتنه توجیه خطاب  
 مستطاب فراست مآب بیور و ب مدعای درویش را این سماع یکبار طاعت کداز برهان  
 بس است استفسار باید کرد چه مطلب دارد که این حرکت مر دانه تنی نباشد عنوانیه صادر اولان  
 امر جلیل القدر موجب تحقیر مافی الضمیر اولند قد و قعه محرر سینه چا کیه بی تذکیر و اول بقعه  
 مبارکه زمان سعادت لرنده ینه کما فی القیم فقرای مولویه مسکنی اولمق اوزره رجا و تقریر ایتد کده

حضرت درویش محمد قاینر

قرین قبول شهر یاری اولوب همان ساعت وقف اجداد امجاد لری احیا یور یلوب نفس قدس یلری سبب  
کشایش خانقا همدادی و مقدمه اصلاح ذات البین اولیا و سلاطین دنیا اولمشدر و من اعجب الجائز  
وقتا که مطبخ آستانه مرقومه دخول ایدوب ایقاد بار صدنده و خاکستر کونن تطهیری اتنا سنده  
مابین انسداد و انقح باب آستانه شاهبازان حقیقت آشیانه به صد سال و بلکه زیاده تخیل ایتشکن  
میان نه خاکستر ده نهان چند اخگر باره بولنوبینه آتش قدیمدن چراغ همرا فی فروزان اولمشدر که  
بفضل الله تعالی و همم اولیائه اول خدیو محب فقر انک دخی اوائل نوبت سلطنتلرنده اولان ظلمات  
متغلبه اشداء عسکر ماه طالع فرخنده لری نیک مستفید نور شمس ولایت اولسمیله زائله و دائره دولتری  
پرنور طاعت اولوب نیجه احداث خیرات و حسناته موفق اولمشدر و همچنین باد ابد الابد بالنی  
و آله الاسعاد \*(نظم)\* کر غلام هندو فی آرد وفا \* دولت اور امیند طال بقا \* بندکان  
حق رحیم و بردبار \* خوی حق دارند در اصلاح کار \* (مرو بستکه) \* اول سمندر آتشنا  
عشق و محبت و سپند چمر سوز و کداز حالت و تنور طوفان جوش و خروش جاذبه و خم مالا مال  
صهبا ی نشئه زمین ادر نه کبی موقع شدت شتاده بی انفعال تاثیر برف و بارش زمستان و همیشه بهار  
شوق و ذوق و جولان اولوب واسط ز مهر برده صحرای محیه مرقومه یکپاره فرش یخدن آبکینه  
زار اولدقده مانند سنک آسیا بر یخپاره قطع و میانن مقدار مدخل رأس نقب ایدوب کردن مبارک لری نه  
کویا طوق سیمین ایدوب و تیز اندر تیز و کرما کرم سما ع و صفا اولدقده کر میت غلیان حالته اول طوق  
جامد ذائب و واسع دوش تحمل کوشلری اولنجه بازوی پر زور و مد هوشانه لری اوز ره الوب عاقبت  
غلبه تب و تاب اندام لری هلالی الشکل اولدقده دوباره اولوب یکپاره قامت موز و نلری عرقیز و پردود  
بر سر و کبود آقا مقام استقامت حرکت دوریه اولنق عادت شستوی لری اولدیغی کندولره خارقه  
باهر و السنه تمشاش بیان غلیان و جسد و حال لرنده قاینزده لفظیه تلقیه سبب اولوب و بعد تقریر  
الاقواف و ترتیب الوازمینه اول جلوه که عارفان مولوی دار الخلافه و مدار و آیین حقایق اکین  
خداوند کاری اولدقده اتمام الخدمه امارت الرحله موجب نه پی اندری سه شبانروز بلا و وحلوا الیه  
عین الجمع اخوان و خلائی ضیافت ایدوب نیاز کبابک قبول نیاز همداده یور یلوب همان روز  
خواص همدانله زیارت مشهد مقدس حضرت جلی جلال الیه مشرف و سنک یابگاه مرقد  
منور لری نه ر و مال و با بهال سمت قدملری نه مستطیل و یلمدیا هوا الیه تسلیم جان شیرین ایلدیکی قائم  
مقام وصیت اعتبار و محل استطالری نه دفن اولمشدر روح الله تعالی روحه بر یحانه و شد غلیان  
فتوحه و احسانه آمین یا سمیع انین السائلین و یا مفیض العفو والغفران علی كافة المستغفرین بحرمه  
حبیبک الاکرم و شفیعک الانعم انک انت ارحم الراحمین و اکرم الاکرمین \*(حضرت درویش  
عبد الحفیظ) \* خلی المولد و احفاد برهان الدین مستعد علوم جلیله اولغله دار السلام بغداد توجه  
و فضلاء عصر ندن تلبذ و تحصیل حظ اوفرا ایدوب تجرد علایق و تجنب عوائقه مدت مدیده مدار سده  
نشر علوم و جمع اعمال مشغول اولوب لکن طالب علم تهذیب اخلاق اولغله و اول مطلب اشرف  
حصولی سلوک طریقت اولیا و سکون مساکن مساکن اصفیا اولدیغین اذعان ایتکه بعد الاستخاره  
الصا دقه خانقا همدیه یقین و طریقت علیه مولویدن انابت ایدوب میان مؤانست ارباب نظر سوده  
موفق تهذیب اخلاق و تصفیه اعمال اولوب منشأ آثار جلیله و علی الخصوص من الاول الی الآخر  
تفسیر کلام قدیم احداثی میسر و اخوان و خدایان طریقتدن نیجه نفوس قابله ناله افاد احماء الحیات  
علوم و عرفانه احیاسنه باعث اولمشدر و ذات می یفلرنده من کل الوجوه مسند مشیخته استحقاق

حضرت درویش عبد الحفیظ

تام اولوب وجهه اخوان دخی رجا مند قبول خلافت ایکن ترجیح کوشه خول ایله عذر آور جرات عدم قبول اولوب من له مشیخه فی الصدر لا حاجة له الی الصدر عنوانیه مشیخت معنویه لرینه اشارت بیوروب فی الحقیقه نوبت معمر بیلرند حلقه خدمت لری طوق رقاب مرا جعات مشایخ طرق علیه اولوب وضع و طور لری بینه هم رنگ احوال نو نیازان و کمال مسکنت و تواضع اوز ره قرار داده اولمشدر

\*(نظم)\* بس هنر آمد هلال خامرا \* کزنی دانه بیند دامرا \* اختیار آنرا نکو باشد که او \* مالک خود باشد اندر اتقوا \* چون نباشد حفظ تقوی ز بهار \* دور کن آلت بیند از اختیار \* کربدی صبر و حفاظم را عبر \* بر فردی ز اختیارم کروفر \* همچو طفلم یا چومست اندر فت \* نیست تیغی لا آتی اندر دست من \* میبکرم نرم تار کم جنبان بود \* کی قرار از خویشتن آسان بود \* آنکه از غیری بود او را فرار \* چون از و ببرد کبردا و فرار \* من که خصم هم منم اندر کزیر \* تا بد کار من آمد خیز خیز \* و دخی هند کام استیلا ی ر و افصده نصیرا دهده حضرت لری تقیه نصرت تعبیه لر یلید اثره فقر امان الغائله سرایت ملا حمر و افص اولوب کالات عزیز مشارا لیه مسموع شاهی اولغله تفسیر شریقلری طلب و فضلا ی مذهبی لرینه عرض اولند قدده مخالفت مسلک لرندن قطع نظر فی حد ذاته اثر نادر المثل اولدیغین اعتراف و حضورنده علمای فارس له بحث ایچون دعوت اولند قلمزنده بادئ صحیده بعض مواد الخلاف مدار بحث اولوق اوز ره طرف مخالفتن میدان صدهد القا اولند قدده اینها انجاث قدیمه است در تکرار جنبین مواد غیر منقسمه النزاع چه لطف است که این وطیر بر خطر را مرا جعت آثار اسلاف قضا کرده است من أراد الوصول فلیراجع کتب الاصول عنوانیه کوی ربای میدان طرافت اولمیری دلپذیر شاهی اولوب سداب جدل و فتح خزانه کرم بی بدله باعث اولمشدر \* و دخی اول و قعه هائله ده ساحه بقعه مبارکه مولوی بی کرد تعدی و مسکن وحدت مکانی مکرم و غیره هان اولوق عجب انکی ز خرده شناسان زمان اولغله کلمات رشک آمیز لرینه مسکن مساکین دار السلام در دار السلامست بس سلامت مضاعفه بمنون و از همه هموم مأمون شدن بهره ایشا نست کلام حکمت نظام لریله بقاع فقر انک دارالامان مگاند ازمان اولسنه تنصیص و جای سلامتین نفس و آفاق و ظاهر و باطن اولدیغنه ارشاد بیور مشلدر در فی نفس الامر نوبت علمیه سید البریه علیه اجزل الخیمه ده جلوه کراولان صفای اصحاب صفه برکات حمایات سرمقدس لریله اصحاب درس علومه مدار سده و ارباب اصلاح نفس شومه خوانند قدده دست داده اولوب مأمون الغائله اختلاط خلاف جنس و بمنون حسن امتزاج بی نوع و محفوظ سرایت حوادث مکدره و محفوظ مؤانست مؤثره و مستعد نیل عطا لب علیه و معتنخ وصول مقاصد سامیه اولمشدر که کربو وجهه بقاع وحدت و غیر یسنه تمهید توفیق اولسه امواج فتن آخیز ماندن سلامت متعسر و بلکه متعذرا و لوق رسیده رتبه تسلیم جمهر و اولی الالباب و مجمع علیه ذوی التجارب و الاحتیاط اولدیغی بی شائبه اریا بدر

\*(الحمد لله الذی هدانا لهذا وما كنا لنهتدی لولا أن هدانا الله وما توفیقی الا بالله العلی العظیم)\* که نظم فی تأیید المقام و تحقیق المرام \* و ما زلت مذلاح المشیب بفرقی \* أقش عن هذا المرام و اکشف \* فما ان عرفت الناس الا ذمتهم \* جزی الله خیرا کل من است أعرف \* جزی الله عنا الخیر من لیس بیننا \* ولا ینه و دولا تعارف \* فاصابناهم \* ولا نأنا أذی \* من الناس الامن نود و نعرف \* فهذا الذی نبه علیه الثوری قدس سره بقوله هذا زمان السکوت و لزوم البیوت و الرضا بالقوت الی أن غوت و هو قوله فی زمانه فما القول فی زمانه فاعبروا أیها الغرباء المتوطنین فی دیار الاغیار \* (نظم) \* بس بهمیر کفتم بهر این طریق \* باوفا تر از عمل نبود رفیق \* عاشقانت در پس پرده کرم \* بهر تو

نعره زنان هین دیدم \* عاشق آن عاشقان غیب باش \* عاشقان پنج روزه کم تراش \* وقت صحت  
 با تو یارند و حریف \* وقت درد و غم بجز حق و کیف \* پس همان درد و مرض را یاد دار \*  
 چون ایاز و بوستین کن اعتبار \* (منقول است که) \* اول مرتاض مرتضاهمیشه تقبیل غذای  
 همت او زره اولوب ینه قوه جسمانیسه لری ضعف پذیرا و لمدیغی سر پوشیده سندن استفسار  
 اولند قدده ان الجوارح معدة و للجوارح كذلك و معدة الجوارح القلب و اغذيتها انوار العلوم و المعارف  
 والاذا کار و الافکار الالهیه و آثار الاعمال و الاخلاق الحمدة و العزائم الحسنة الزکیه فاذا اغذیت  
 الجوارح بغذاء الاغذية القلییه انعکس من تلك القوة الى الجوارح من جهة جوار الحلول فیوض  
 تقوی بها القوا البحتی تسکن بها من الافاعیل الخارقة لعادة بخلاف العکس فان الجوارح  
 اذا قویت بغذاء الاطعمة القلییه تسری منها الى الجوارح ثقله و ظلمة فتنضی الى البطالة و العکس  
 و الضعف فی الاعمال الروحانية تفصیل مزج الشبه لریله کشف پرده اشکال و ارشاد حقیقت حال  
 یور مشلدر در فله دره فیما افاد و کثر اجره علی ما جاد \* (نظم) \* قوت جبریل از مطبخ نبود \* بود از دیدار  
 خلاق و دود \* همجنان این قوت ابدال حق \* هم زحق دان نه از طعام نه از طبق \* جسمشان راهم  
 ز نور سرشته اند \* تا ز روح و از ملک بکشدشته اند \* پس حیات ماست موقوف فطام \* اندک اندک  
 جهد کن تم الکلام \* لقمه بخشی آید از هر کس بکس \* حلق بخشی مازید انست و بس \* حلق بخشی  
 جسم را و روح را \* حلق بخشی بهر عضو هم جدا \* و سئل الفاضل المرقوم الذی ینبغی أن یعمل برأیه  
 و یعمد علی قوله عن مذهب المنکرین الطعنان المتمردين فأجاب بأنهم روافض الطريقة فانهم یغضون  
 اجلة الاولیاء بسبب احداثهم الریاضات و الحركات الدورية الحالیة و امتازهم عن أهل الدنیا  
 باختيارهم الخوانق و التزنی بالالبسة المخصوصة بكل فریق من فقراء الطريقة الاحمدیه و یسکرون  
 احکامهم المستنبطة السمعیة و ینسبونهم الى البدع حاشا عن شئونهم الزکیة عما نسبوه و توهموه و لهذا  
 رفضوا الطريقة و صاروا محرومین عن نعم الذین أنعم الله علیهم بالولایة و المعرفة و الکرامة و اجترؤا  
 علی مسابهم و توغلو بمسابهم و افتريات و خاضوا بحار الاصرار و استعرقوا فی طوفان اساءة الظنون  
 و روافض الشر یغضون المردودین و هم یعادون أكثر من ان یعد من السکاملین المکملین الوارثین  
 للاخلاق المعنویة من قوم الانبیاء و المرسلین و سمو أنفسهم بأهل السنة و الجماعة مع کونهم مجتذین  
 فی تفرقة الامة المرحومة و تسننهم بسنن فرق احزاب الفتن نعوذ بالله الحفیظ الدافع من شرور  
 تسویلاتهم الباطلة السکامنة تحت أستار التلبیسات الظاهرة انه هو الحجیر المجیب الهادی الی مسالك  
 خلص عباده المؤیدین بالانوار الباهرة هذا هو القول الصحیح فی تعیین مذهبهم الصریح خالی عن الافراط  
 و التفريط و عاری عن التعسف و التغلیط و یؤید ما قاله الشیخ الاکبر قدس سره الازهر فی حقهم انهم  
 یهود هذه الامة و یشبهه ما حقق الامام الیافعی رحمه الله حیث قال ان الناس فی الاولیاء و کراماتهم  
 لمتفاوتون فمنهم من ینسکرها مطلقا و هؤلاء أهل مذهب معروف عن التوفیق مصر و منهم من ینکذب  
 بکرامات اولیاء زمانه و ینصدق بکرامات الاولیاء الذین لیسوا فی زمانه و هؤلاء مثل بنی اسرائیل  
 و منهم من ینصدق کرامات الاولیاء علی الاطلاق و لکن لا ینصدق بأحد من أهل زمانه ف هؤلاء  
 کلهم محرومون أيضا و کذا حضرة الشیخ أبی الحسن الشاذلی ما قرره بقوله و الله ما هم الا اسرائیلیة  
 صدقوا بموسی و کذبوا بمعهد فی زمانهم \* (نظم) \* مکوار باب عشق رفقت و شهر عشق شد خالی \* جهان  
 پر شمس تبریز است مردی کو چوم و لانا \* پس هر دوری ولی قائمست \* آ ز ما بش تا قیامت باقیست \*  
 هم سلیمان هست اکنون لیل ما \* از نشاط دور بینی در عیما \* یاربا و غاربا و در سرود \* مهر پر چشمست



و بر کوشت چه سود \* آن سلیمان پیش هر کس حاضر است \* لیلک غبیرت چشم بند و سا حراست \*  
 در شب مهتاب مهر بر سماک \* از سکان و عو و ایشان چه باک \* مسک و طیفه خود بجای آورد \* مه  
 و طیفه خود برخ میکسترد \* کار خود را می کرد هر کسی \* آب نکند از صفای رخس \* خس خسانه  
 میرود بر روی آب \* آب صافی میرود بی اضطراب \* مصطفی مه میشکافد نیم شب \* راز میخاید ز کینه  
 بولهب \* آن مسیحا مرد زنده میکند \* و آن جهود از خشم سبقت میکند \* بانک سک هر کز رسد در  
 کوش ماه \* خاصه ماهی که بود خاص آله \* پیرو پیغمبرانی ره سپر \* طعنه خلقان همی بادی شمر \* آن  
 خداوند آن کوره طی کرده اند \* کوش با بانک سکان کی کرده اند (ودخی و قعه ابتلای غلات و روافضه علمای  
 فارسک میدان بحث علوم عقلیه و نقایه ده عجز لری نمایان اولمغه سمت غدره سالک اولوب اول ذات  
 شریفک اعدا منه فدای تعین اولند قدده بالذفات حجرة و حد تیرینه فرصتیاب اولوب لیکن درون  
 حجره ده اول مردم دیده ارباب نظری کوره میوب و کتب نفیسه لرین نمب مراد ایلد کلرنده دخی  
 برور قباره بدستیاب اولمیوب محروم و مخدول رجعتلری بعضیلرینه باعث هدایت جاده اهل سنت  
 و جماعت اولشدر و بین الاحباب و الاعداء قضیه محفوظیتلری شایعه اولد قدده این برکات نامستکه حفیظ  
 مطلق بر عبدش ابواب غدر را معلق دارد یعنی عیون بدخواهانرا از و کور کرداند بنفس انفسر لیه اول قوم  
 کور باطنک عیون ظاهره لری دخی معاینه لریدن اعما اولند یغنه ایما بیور وب (و جعلنا من بین ایدیم  
 سدا و من خلفهم سدا فاعشیناهم فهم لایبصرون) آیه کریمه بی قرائت و معنای لطیفه استشهاد  
 بیوراشدر (ودخی) نوبت فتح سلطان مراد غازیده صیت فضائل و شهرت کلمات عزیز موحی الیه  
 رسیده سمع همایون اولوب منادمت و صحبتنه رغبت و حرمت نامه دعوتیان ارسال اولند قدده انحراف  
 مزاج کرامت سرشتلری سنک راه اجابت اولد یعنی معلوم اولیجی سر طیبیان شهر یاری کاشته تدبیر لری  
 اولوب معالجه صد دنده تشمیر ساعد اتمام ایلد کده این علت بر آورد طیبیب الاطبا و یاد کار حکیم  
 الحکامست پس تدبیر مقابل تقدیر بودن محالست عنوانیله دفع فرما اولم لریله کف دست نبض کیر  
 اولنوب صبر و رضا ایله علاج و تسلیم و تقویضله تدبیر مناسب حاللری کور لشدر و عافیت کامله  
 حصوانده معزز او محترم دارالدوله یا ایضالی محافظ دارالسلام اولان وزیر روشن ضمیره توصیه  
 اولند یعنی وانلرک دخی کاه سیکه تفقد و عیاد تلری ایله مال حال معلوملری اولد قدده بعد ازین اجابت  
 بنده بدعوت لارییه ارجعی غیبیه است عنوانیله جواب قطع امید فرما اولوب فی الحقیقه اشتداد  
 و امتداد عارضه لری باعث غمضت دارالبقارلری و دارالسلام دنیادن دارالسلام عقبایه انتقال لرینه  
 بادی اولوب خموشان فقراده دخیل حلقه گذشتگان اخوان الصفا اولوب و کتب نفیسه لری وقفیت  
 او زریه یاد کارلری قالمشدر ابقی الله آثاره الجزیله بین الاخوان مآدار الزمان و تعاقب الملوان وارشد  
 الاخلاف الی اثر اقتفاء \* و سیر منازل انسیه ده پیشوای حضرت ده ده نصیرا اولد قلری کبی مراحل  
 دارالقرار ده دخی رهبر لری و بعد الا یام العدیده نصیراده حضرت تلری دخی پیر ولری اولوب وفاداری  
 حیات و محاملری جمله به نمایان اولشدر نور الله تعالی مرقد هما و علی سیر السرور بالخور و الحبور  
 ارقدهما آمین یا رحیم رجا السائلین بحرمه من له الشفاعة العظمی یوم الدین \* (حضرت درویش  
 محمد کلخی) \* اما سیه خا کزادی و اولاد عسکریدن اولوب بعد وفات الوالد استنبولده ریاط خاصه  
 طائفه یکچیر یانه دخول ایدوب نوهوس التحاق کرده مرقوم ایکن کندوبه بر عارضه ششیده مستولی  
 اولوب حیانتدن ایاسله اول دائره غزات المسلمین ده آسوده جوار رحمت رحمانی اولان ولی کریمک  
 تربیه شریفه سینه میت متفلس اولد یعنی حالده وضع اولنوب دمیدم فوتیه مستقر قبل ایکن علیل مرقوم

حضرت درویش محمد کلخی



دخی که یقینت یأس عافیتندن متفرس اولغله پایگاه تربیه متبرکه لرینه سر نهاده استمداد اولنجه لبالی  
 کثیره دین و خواب راحت ییکانه اولان دیده لر در حال غلبه نغاسله عالم حسدن غائب وجهان خیاله  
 ناظر اولغله حرف قدر رحمت ولی والار تبه در ساعت متزلزل و منشق و درون لحددن روح متجسد لر  
 سر بر آور ظهور اولوب بدن نیرده سن سر تا بقدم سوده کف کفایت فرمالری اید یحیی کبر ساعه  
 وعافیت عاجله ایله مغنم و قطعای کسر موی اعضا سنده مرض و سقمندن اثر قالمیوب صحت نا کاهله متمتع  
 اولد یغی سرور بی انداز سهیله تعهد خدمات تربیه شریفه لرینه جازم اولوب لکن مقتضای صحت اولان  
 اشتهای زائد ایلر و غن قنبدیل تربیه لرین ادا مانان ایتکه ادرار شهریه اولان و غن منتصف ماهده  
 تمام اولوب اشغال قنبدیله متخیر و عاجز اولغله عجب الالبالی حبالی تلدن کل عجبیه مضمونی جریه جرأت  
 مر قومه سینه مدد فرمای ستره و تدارک بخشای صفح و مغفرت اوله می دیو در تبعیه دن مقدار کفایت  
 لیله واحد تفقد ایلد کده ابر یق و غنی کا کان مالا مال بولغله صدق و اعتقادی متزاید اولوب و اول  
 ر و غن بر برگندن هر نقدر بیع و اکل ایتسه یسه کلاؤل لبریز بولنوب منوال محرر اوزره تعیش  
 و خدمت شریفه سهیله تشرف اوزره ایکن آشنایان دن بعضی لر یوی کیر امر غیبی اولوب کیفیت  
 نیل عافیت و کمیت تعیش ندن استفسار ایلد کده خلوه نه بناء کشف راز ایتکه برکت مر قومه  
 نزع اولنوب وقت حاجت سده ابر یق خالی بولغله کندویه ندامت بیفائده طاری و همان ساعت سر  
 بحکمرای سودا و متشبث اذیال فقرا اولوب آخرا لامر سلاک درویشان مولویه به منخرط اولوب  
 بالذفات پیاده زیارت حرمین الشریفین ایله مستسعد اولوب آستانه سعادت کوشه نشین فراغت  
 ایکن درویش علی لامکان انتقالندن خرقه شریفه لر ی کندویه وصیت بولغله تسلیم اولند یغی آنده  
 حجره لرنده اولان اشیای لرین فقرایه توزیع ایدوب کندولری خرقه ایله مقام مستخافه قائم و کلخن  
 حمام شادی بکده الی آخر العمر مقیم اولوب بعض آثار اصله وراثت لری ظاهر و کلخی شهرتیه  
 معروف اولمشدر \* (مروستکه) \* اول خزانه دار کچنه غیب واسط حال لرنده مفارق  
 دردمندانه سایه انداز حمایت و دست و دامن محتاجانه کف کفایت کشای عنایت اولوب کویا ساحة  
 کلخن انزوادیو انتخابه عطا و عافیت اولق اوزره ارباب استیلا دن تقوله اسقام و او جاعله مسند  
 سامی لرینه عرض حال ایدن مستمند بهر حال ممنون کرم صحت و عافیت و زسمه عرض احتیاج ایدن مدیون  
 و نادر مسرور عطا یای جزیه اولوب جلند درویشان لر ی ظاهر انخرن عقا قیر وایه نادیده و شنیده  
 و کنز لاینفذ نقدینه تی دریغ اولمشیدی و مقام خدمت لرینه اوچ عدد کوچک خالص و مخلص قبول  
 بیور و ب الی تمام الوقت المعلوم خدمت شریفه لرنده ثابت و هر بری بوستان طریقت مولویه ده بر شجر  
 ثابت و شمار آداب و معارفله سرافراز اولمشدر و بعض اوقات لطیفه مقابلات آستانه سعادت سلسله  
 انجذاب کش اولوب حقیقه الارواح مولویانده حالا قبر منور لر ی اولان نه کان متبرکه متوجه تربیه  
 عدن رتبه حضرت خد اوند کاری و کمال وجد و حالله کاهی چرخزان و کاهی نهایت ادب و ابتهاله  
 دست بر سینه پرسکینه دیوان ولایت ارکان مردانه حاضر اولور لر ایدی و هر نوبت ملازم تلرنده قرابین  
 متعده و بر لیس بر کونا کونه عرض نیاز ایدوب بعد المقابله اخوان مطبخله دخی صحبت بخودانه  
 بیور و ب کوشه و حد تلرینه رجعت حواله و کلبانک خواه و باب خموشان دن چقجه استبدار ایتوب  
 و عتیه رفیع باب خموشانه رومال و داع اولق عادت مستحسنه مسیره لر ی اولمشیدی \* حتی صورت نما  
 اولد قلی مواد متضمن اسرار خفیه اولد یغی مجرب و متیقن اولغله قبر شریف لر ی مکان حضور  
 مقابله لر ی اولق مناسب کوراشدر و قبیل الوفات درویش محمد نام نظر کرده لرین الی آخر العمر ساکن

آستانه سعادت اولیقا اوزره توصیه و حجره نیاز ایدوب و درویش علی نام کوچک بزرگ همتلری کند و لردن جدا اولیوب همراهلری و درویش حسن نام بنده لری مقاملرنده آرام ایدوب لابس خرقة شریفه لری و وارث بعض آثار لطیفه لری و جانشین پایه رفیعہ لری اولوب سایه حمایه و حایه لرنده کامران و آسوده اولمشلردر و اتقا لردن هفت روز مقدم ذات شریفلرینه غلبه حالت و استغراقه متوجه سمت قبله و روز و شب قائم و بخور و خواب اولوب میقات مرقومه تمامنده مسند عالیرینه قعود و متسکای سامیلرینه اتکا و استنادله روح و انلری لانه بد لردن آستانه ازلی به پرواز ایدوب عامه اغنیاء دارالولایه خدمت تجهیز و تکفیلرینه عرض اشتیاق ایدوب لکن جللی عبدالحلیم حضرتلرینه توصیه اولمغله ماعدادستکش مداخله اولوب مستقلا عین الجمع اخوان و خیلانله علی اکرم الوجوه جمله لوازمی تکمیل بیور یلوب نای و قدومله و منشدین آثار حضرت خداوند کاری جنازه مکرمه لرن تشییع و مکان مرقومه دفن اولوب کویا مقام توجه دیرینه لرنده دائم اولمشلردن نورالله مضجعه و جعل فرش مرقده من سنادس الجنان و روح الله و حه بالرحمة والرضوان و عین انسه من حورالعین و الغلمان آمین یا عمیم الاحسان بحرمه من له التیابه یوم المیزان \* (حضرت درویش جعفر نسنه سنه) \* بوسنه وی الاصل و خدمه اندرون همایون سلطان احمد اولدن بر شاب ادیب لیب پخته خرد و پاکیزه طینت اولوب حضرت جللی بوستان اول جناب ولایت مآلیرینک شهنشاه مرقومه اولان دقایق صحبت و رفایق معامله پر محامله لرنه و وقوف و محرمیتلری اولمغله از دل و جان ربوده شیوه غوثانه لری اولوب اذن سلطانه خدمت ارادتلرینه و درکه اناتلرینه انتساب ایدوب شرفیاب الباس کلاه خرقة طریقت و سر بلند تشریف تکبیر خداوند کاری و ملتحق گروه پر شکوه مولوی اولمشلردر و حضرت قرتال و سیه کینک دهده جناب لیرینک همسابق و همرنکارندندر و مدت العمر خدمات شافه تحمل ایدوب حضرت جللی مشارالیهک سر مو جاده رضالردن کرپور و تعطیل و رخصت اولیوب راه طلبنده ماملک تاران عمر و اقتداردن اولمغله واسطه سلو کلرنده سرآشپزان مطبخ عامه خدمت کاردی قلنوب زمام تریه نوبیانان دست رای صوابیدلرینه تقویض اولمشلدر \* حتی منقبه جلیله اغازاده قدس سره العزیز اثناسنده ذکر لری مرویدن اول ایکی درد مند بی ادب که حجرات آستانه سعادتده جرأت شرب الیه و ایدوب هنوز قدح کش عیش ناخوش اولدن سله غیبی خوار اولوب سر لردن سکه لری غائب اولدقده هر ایکسی در حجره بی بند ایدوب کمال خجلتله متوجه و رای پرده توبه و استغفار لرلر ایکن حضرت درویش نسنه سنه آشیجی با شیلکی اواننه مصادفه ایتمکله موجب مکاشفه لریله عمل ایدوب بیرون در حجره دن سکه را از حضرت اغازاده نیاز کیند عنوانله افاده مال حال و صوب قطبانه لرنه ارشاد بیورملری کند و لردن واقف اسرار پس پرده صورت اولمیرینه امارت و اخچه اولمشلدر \* و دخی مسند نشین مطبخ پرورش خامان نفسانیت و سرزند کان تختگاه طریقت اولدقلری اوقات شریفه دهده خدمه دائره لردن هر بری خدمت معینه سنه مشغول و مقدم اولوب سقای مطبخ طنجره لری حسب الاقتضای ایدوب و پرند ککان آش فخر ادخی ایقاد آش و طبخ طعام ایدوب خلیفه دخی صکونه تقسیم اوزره ایکن گوشه مطبخدن بر کبه ضعیفه هجوم ایدوب دو پنجه و دهانله تلویث ایلد کده خلیفه دهده زجر و ضرب و دفع صد دنده ایکن همان پرتاب ایدوب کند و بی درون طنجره به القا ایله هلاک اولسی خدمه حضاره عجوبه نما اولوب طعام مرقومی کلاه توکد کلرنده میان طعامده بر افغی بزرگ دخی پخته اولوب استخوانلری آشکار اولنجه کلابی دخی کلندن منع ایدوب مکر ایام صیف اولمغله افغی مرقوم بر طریقه درون طنجره ده

حضرت درویش جعفر نسنه سنه

خلفه زن آرام ایکن سقای غافل غرق و آتش پردخی طبع ایدوب اگر کربۀ ضعیفه فدای جان و بدن  
ایتمیوب فقرایه قسمت او انسه ایدی جمله بی تسمیم مقرر ایدی پس ماجرا حضرت چلبی جنبانه عرض  
اولند قدقه این کرم ناکاه در میانۀ کرده آگاه از قیسل موزۀ مبارک ربودن عقابست که اخوانرا  
بخشاهدات علیه مشغول کنند و این چنین اثر غریب را از کربۀ ایشان بدید آرد که آن کربۀ نیز این  
رتبه را از جوار و دست سود ایشان یافته است پس او را بکر به جد امجد همپایه باید کرد مضمون تسلی  
مشخوبله عمل و مانند بنی آدم غسل و تکفین و سمت قدم قبر شریف حضرت حمزه ثانی ده دفن اولمشدر  
\*(نظم)\* هدهدی نامه بیاورد نشان \* از سلیمان چند حرفی بایان \* خواند او آن نکمهای باشمول \*  
باحقارت نسکرید اندر رسول \* چشم هدهد دید و دل عنقاش دید \* حس کفی دید و خرد در یاش  
دید \* کر کند سقلی هوا و نار را \* حاکم است و بفعل الله مایشا \* کوز عین درد انکیزد دوا \*  
وز کل او هم بگذرانده خارا \* نیست کس راز هر تا کوید که چون \* بس جگرها کاندین  
ره گشت خون \* لیکن عزیز مشارالیه نمکهمان ظاهر و باطن دائره مطبخ اولق حسبیلۀ کربۀ ضعیفه  
اکاهیت احسان او انوب و اول صورت نازله ده فدای جسم و جانۀ فائز اولد یغندن سوخته آتش غیرت  
دور و دراز و نالان و کرمان اولغله قلزم عاطفت شاهزاده ثریا رکاب جوشان و خروشان اولوب درد مند  
حسرتکش مرقومی پیشگاه تریه لینه احضار بیور و ب تراجه شده است که خود را در ادیه فضولی  
سرکشته داری این غیرت و حسرت اگر راست و برجا بودی آن ما بودی که ما را انکهبانی هفت اقلیم  
و چار گوشۀ عالم دادند تراجه افتاده است بر و برادب باش و سر در پیش مجوعه نوا یسله تریه و تسلی  
فرما اولوب آتش احتراق لریخی تسکین بیور مشلدر \* (نظم) \* کهسی بر طارم اعلی نشینم \* کهسی  
بر پشت بای خود نه بینم \* اسکر در ویش برحالی بماندی \* سر و دست از دو عالم برفشاندی \*  
\*(مشوی)\* اندرین بودند کاواز صلا \* مصطفی بشنید از سوی علا \* خواست آبی و وضو را تازه  
کرد \* دست و رو را شست اوزان آب سرد \* هر دو پاشست و مجوزه کرد رای \* موزه را بر بودیک  
موزه ربای \* دست سوی موزه برد آن خوشخطاب \* موزه را بر بود از دستش عقاب \* موزه را  
اندر هوا برد او چوباد \* پس نسکون کرد اوزان ماری قتاد \* در فتاد از موزه یک مارسبیه \*  
زان عنایت شد عقابش نیکخواه \* پس عقاب ان موزه را آورد باز \* گفت هین بستان و روسوی نماز \*  
از ضرورت کردم این گستاخی \* من ز ادب دارم شکسته شاخی \* پس رسولش شکر گفت  
و گفت ما \* این جفا دیدم و بود این خود وفا \* کرچه هر غیبی خدا ما را نمود \* دل دران لحظه بخود  
مشغول بود \* گفت دور از تو که غفلت در تورست \* دیدن ان غیب راهم عکس تست \*  
ما در موزه به بینم در هوا \* نیست از من عکس تست ای مصطفی \* ودخی حضرت چلبی مومی  
الیه بالدفعات خوانق اطرافدن مشایخی وفات ایدن بقاعه مشیخت ایلۀ چراغ یور یلق اوز ره کندویه  
توجیه خطاب تخمیر ایلد که \* (نظم) \* مرادر خدمت مردن به از مخدومئی عالم \* چراغم کن  
چراغم مرده هجرت شود عالم \* منم پروانه شمع جمالت از ازل جانا \* اگر در پیش پایت می نمیرم  
تا ابد نام \* مضمون ضراعت مشخوبله عرض نهایت اقبال ایدوب تاهنگام انتقال مخدوم اکملربنه  
دکین مقیم مقام خدمت پر حرمتلری اولوب وقتا که اول بوستان دوستان اولیا خزانده پاییز فنا اولد قدقه  
مزاج محروم و علاقه لری تاب آور تب فراق اوله میوب ثالث یوم خفیه لرنده کرم و راه تبعیتلری اولوب  
حقیقه الارواح مولویه ده آسوده سرسایه حمایه سر مقدس لری اولمشدر طوبی له و حسن مآب و اول  
عاشقی سربازک همد ملرندن در ویش ادیب افسوس کلان مرثیه آمیزی حق لرنده انشاد ایتشدر

حضرت درویش محمد شہلا

\* (بیت) \* ایتیموب طرح نظر باغ فنا نسہ نسہ \* اولدی پی بردہ بوستان بقا نسہ نسہ  
 \* (حضرت درویش محمد شہلا) \* انقروی الاصل واولاد علما و مالک اموال وافرہ موروثہ اولوب  
 تکثیر بضاعہ علمیه و توفیر خزائنہ عملیہ صد دندہ اختیار کربت غربت ایدوب آخر سائق توفیق کندونی  
 حضرت رسوخی دہدہ خدمت شریفہ لرینہ سوق ایدوب فنون درس وادبہ بیکانہ عصر اولوب اکثر  
 اوقات شریفہ لری مشغول شریف نویس اولغبلہ کذر و اغلب محال معلقہ بہ تعلیمات مقبولہ دخی  
 نجریرایتکله عید ثانی عنوانلہ معروف و نسخ نسخ صحت رقلری بین افاضل الاخوان مرغوب القلوب  
 اولمشدر و رفتار با کیزہ لری کمال نجر داوزرہ اولوب حجرہ وحدت لرندہ کتب نفیسہ دن ماعد امال  
 متقوم بولنموب زیادہ مؤنت یومہ لرین اثار اخوان ایتک اوزرہ قرار داده اولمشیدی و مستعدین  
 مخادیم استانبول کندولردن تلذاتکله برکات انفاص مؤثرہ لری مایہ برخورداری اولوب اکثری نیل  
 مراتب عالیہ ایلہ محترم روز کار اولمشدر لکن اوخراوقات شریفہ لرندہ مشرب صافی لرینہ فراغت  
 غالبہ اولوب تدریسدن اعتذارلہ گوشہ وحدت کزین و تلامذہ خاصہ لری نشر علوم ایلہ مشغول اولوب  
 بین العلما بعض مواضع مشکله دائرہ اولد فحہ کندولرہ عرض اولنوب سنوح ایدن محاکمہ لری پسندیدہ  
 فضلائی دارالدولہ اولمشدر کد بومنا سبتلہ میان عرفادہ شہلائی و راست یفی خاصہ ایشانست مطایبہ سی  
 وصف ذات لرندہ اجرا کردہ مجرای مثل سائر اولمشدر \* حتی زمان پیریدہ خواص تلامذہ و احباب شمع  
 صحت لری پیرامنہ جمع اولوب انشای بحث و مناظرہ دہ ضعف ماسکہ ہرم حبیلہ کندولردن خطای  
 معذورانہ ظہوری پریشانی خواتم مدعیان خلوصہ بادی اولغبلہ کاهی مجلس لطائف احتوای  
 حضرت آدمہ حضور لرندہ درویش شہلا جمعیت احباب راچہ افتادہ است عنوان استنطاق تبیانلہ  
 استفسار طیبیت آمیز اولند قدہ از باد زبرین جمع شدند و بر باد و پریشان باد زبرین کشتند تعریض  
 ظریفانہ لرینہ نشاط افزای حضار اولد قلرندہ حضرت آدم دہدہ جناب لطافت مآلری دخی مآل  
 حال اهل ہوا اینچنین است کہ ہوائی کرد آید و ہوائی بر باد و پراکنندہ شوند کلمات طیبہ لرینہ مطایبہ  
 تطیب آمیز یورمشدر \* (نظم) \* کارماز خلق شد بر مدار \* چندان زین مشقت گذای بی غماز \*  
 تا نغمیم از خود و از خلق پاک \* بنیاید جان ما از خلق پاک \* چون یفر المرء آید من اخیہ \* بہرب  
 المولود یوما من اخیہ \* زان شود ہر دوست آن ساعت عدو \* کہ بت تو بود و از رہ مانع او \* این دم  
 اریارانت با تو شد شوند \* وز تو برگردند و در خصمی روند \* ہین بکو کہ روز من بہر وز شد \*  
 آنچه فردا خواست شد امر وز شد \* مکر و اائل حالہ او اخرینان و صافی ضمیران و کھن سالان  
 اخواندن بعضیلری کندولری مشغلہ تعلیمدن منع و فراغ بال و صفای حالہ سوق ایتلری مشرب عالی  
 ہمت لرینہ ملایم و کار کار اولموب آخر شہادت بی وفائی مستفیدان رخنہ زن خاطر خطیر لری اولیحق  
 کلمات تامہ اهل خرم و تجربہ یقائل و سمت افادہ بی فائدہ دن رو بکردان و متوجہ محراب تدارک مافات  
 اولمشدر \* (نظم) \* منصب تعلیم نوع شہوتست \* ہر خیال شہوتی در رہبت است \* کہ بعقلش  
 رہسپردی ہر فضول \* کی فرستادی خدا چندین رسول \* این سخن در سینہ دخل مغزہاست \*  
 در خموشی مغز جان را صد نماست \* مرد کم گویندہ را فکرست زفت \* قشر کفست چون فزون  
 شد مغز زفت \* هست تعلیم کسان ای چشم شوخ \* ہمچو نقشی کردہ کردن بر کاوخ \* تا کنی  
 مرغیر را خبر و سنی \* خویش را بند خو و خالی میکشی \* جوزہا در پوستہا آوازہاست \* مغز  
 روغن را خود آوازی کجاست \* چند کاهی بی اب و بی کوش شو \* وانسکھان چون لب حریف  
 نوش شو \* \* فی الواقع ماجرای مرقوم کندولرہ مادہ صورت فراغ بال اولوب بقیہ عمر کراغماہ لرین

حضرت درویش اخیزاده

صرف راه انداز حال ایدوب زبان یراعه و اردات نویسریدن بعض آثار عاشقانه یاد کار سوامع عرفا و اوق  
مقدمه مجرب به اولشدر و مقاطیع منظومات دلنشینتری میال مخلصیه مشعر انتساب طبیعت نادره  
پرواز لری اولوب حضرت عرخی ده ده ایله اولان نظائر مطبوعه لری جرائد احبابه رونق افزای  
سطور و مضامین تازه زمینری نشاط فرمای صدور اولوب ترتیب دیوانه شیرازه باف اهتمام اولوب  
مانند اوراق کل خزانیده پریشان قلمشدر و قیل الاتقال جمله کتب نفیسه لرین مستعدین اخوان  
وخلان توزیع وادنی همانه انحراف مزاجله بزم حیات ناپایدار دتودیع و سمت قدم حضرت رسوخ ده  
اولان خوشان فقراده کوشه کزین راحت و کرانبار قالب عنصریدن آزاد اولشدر روح الله تعالی  
روحه و آدم روحه و فتوحه آمین بحرمه سید المرسلین \* (حضرت درویش اخیزاده) \* خاکزادار  
الولاية قونیة صینت عن البلیه و اولاد اعیان ذوی الاحترام و الاعتبار دن اولوب صاحب خانمان  
و مالک ثروت بیکران ایکن ناکاره وی جان پاکنه فتح باب جندبته زائد الوصف اولوب عامه علائق  
وعوا ثقتن قطع بیوندتک و کف دست تصرف ایلدیکی کی لباس پوشش اندامین دخی عریان اولوب  
مقدار پنجاه سال کل استغراق حاله کوجه کرد و یقید کرم و سرد و مأمون الغائله نظاره زن و مرد  
اولوب زمره ابداله التحاقی مجمع علیه ارباب حال اولشدر که عادت مستحسنة قدیمة محبین دارالولایه  
اوزره هنوز طفیل رضیع ایکن حضرت چلبی فرخ دست کرامت پیوسه تلریدن حرز الامان بلیات  
ملوان اولان عرقیه متبرکد پوش اولدقده این کودل مرد میدان و محبوبة زمان خواهد بود عنوانیه  
شریفاته صدور اولان نفس قدس بیلری بیست ساله ایکن جلوه کرساحه ظهور اولوب یومافیه و ما  
عجائب کشفیه و غرائب خارقه لری صیت اشتهاری آفاق کبر اولوب اکثریاشواط سببع اوزره  
طوف کعبه العشاق تریه معظمه خداوند کاری به ملازم و دائره آستانه سعادت یای ادب نهاده اولدقده  
\* (بیت) \* بادب پای بنه در سرکوی فقرا \* زانکه شاهان بحر مینده صفت می آیند \* مضمون  
ایتمال مشکونیه عامل اولوب سر مور رسوم آداب طریقه تده تهاون غما اولزایدی کویا برون درگاه  
اولیاده سر مست جام استغراق و درون حرم مردان خداده شیار صکو و تمکین اولور ایدی که  
بودقیقه رقیقه بین المجدوب و المجنون فاصله معینه اولدیغی امضا کرده حقایق شناسان مراتب شئون  
انسانیه در \* (نظم) \* پیش مردان خدا ای بیخبر \* یامنه کس تاخ ورنی رفت سر \* پیش  
این الماس بی اسپرمیا \* کز بریدن تیغ را نبود حیا \* (منقول است که) \* اول غاطس قلم حالتک بوستان  
دیوانه نام بر نظر کرده لری اولوب اول دخی ترمز رد اعملا متمد و تجرع ایمانه جندبه ده هم رنگ پیشوالری  
و کاه کاه زیران کرامت لریده اسب رهوار لری اولوب ذات نقیصا تلرینه روغما اولان فتوحاته واضع  
الید و کندولازمه لرینه صرفدن زیادنی ارا مل و ایتمام و فقر او مساکینه ایثارده و کیل مطلق لری  
اولوب سلطان مراد غازی متوجه سفر بغداد اولدقده دارالولایه قونییه جوارینه ضرب خیام آرام چند  
روزه ایلد کلرنده استخبار مال حال عزیمت همه ایون سیاقنده وزیر اعظم و شیخ الاسلام جناب  
ولایت مآبلرین دعوت ایدوب اطعام و انعام صد دنده ایکن بیتماده اجلاس اولوب فعل و قول رخص  
آمیزلرینه دیده دوز و کوشدار اولدقلرنده نوبت پلاود دمایه سفیدی روی قفل اندودی اولان  
مستی بی کم و کاست سر و زردن روی و اندامنه ریزان ایدوب اتباع منع و آزاره تصدی ایلد کلرنده  
شیخ الاسلام ابن وضعی مهابای بوالعجب برو سفیدی و نصرت و ظفر را اشارت پر بشارت است  
حسن تعبیر یله دلنواز هر طرف اولوب وزیر پند پذیردخی مبشر و عزیمت لری میسر و قرین فتح و ظفر  
اولشدر و هتیکام و داعده انعام اولنان دو مشت زر و نقره فی امسال بیور و بوستان دیوانه کندویه

تسلیم یورلنده الحاح ایلدیکجه سیکوتله معامله یوروب واول سمنند آدمی خلقتک عنان سیرنی  
مزابل خندک قلعه دن برحقرة پرچرکابه عطف ایدوب محل مراده وصولده دوکف کرامت کشا اولوب  
درولرلنده امسال اولنان نفود پرغش خرمی کندویه عرض ایلدکده جمله سی صور عقارب نما اولغله  
حقرة مرقومه یه القا ایدوب سنب منع واما کارین رأی العین آتش کار ایتشدردر \* ودخی برروز  
جمعه جامع شریف سلطان سلیم علیه رحمة الرحمن الرحیمه خطیب منبرده ایکن اول متواری قبة  
ملا مت آلت رجولیتی بررسنپاره ایله بند ایدوب دست بوستان دیوانه یه ووروب بین صفوف الجماعة  
جئت دلی بوستان کل دهده سلطان ادای غریب یله کردان اولوب آخرکار جمله یه سرعت تامله جامع  
شریفدن خروجی امر ایدوب جماعت دخی تجارب سابقه لینه بناء علی الفور باجمعهم خروج  
ابتد کارنده قبة کبرا تمام منهدم وساقط اولوب بحفظ الله وحمایه اولیایه الکرام فرد واحد دخی  
سنتک ریزه اصابت ایتوب عن آخرهم سلامتیاب اولمری امارت باهره قوت تصرف روحانیه لری  
وکرامت ظاهره همت مردانه لری اولشدر \* ودخی قبیل تشریف مرادخان غازیدن محکمه  
قاضی محروسه مرقومه یه واروب قاضی دردمند کروه شاهد بازادن اولغله مواجعه سننده اولان غلام  
پری پیکردن وصال جو اولدقه قاضی دخی تسلیمیت ایله امر ایتدکله غلام مرقوم ناچار مطاعت نما  
اولنجبه انکشت وسطا لریله محل معهوده طعن ایدوب غلام دخی هزار خجلیت ایله رمان وکریزان  
اولدقه تراخیل اقیه چراغ کردم عنوانیه نفس ران اولمری بادشاه حجه استقبال وسلامنده میان  
خدمه ده مردم دیده شاهی آهوی چشم غلامه دوچار ودام علاقه سنه گرفتار اولوب خدمه اندرون  
همایونه الحاق قصد یله حضوره احضار ومشاهده دیدار خجسته آثار ایدنجبه مصاحبین خوش  
آینده کویان الحق شایسته خدمت سلطانست سیاقند مدهنت سرا اولدقلرنده عرق نظافت  
شهریاری جنبان اولوب دراثنای راه جهاد اینجین خفت وپی باکی ملایم طور شاهان عالی همت  
نیست مضمونیه دفع غائله علاقه هوایی ایدوب انحق موقع نظاره شاهی اولدیفی مقابله سننده چل اقیه  
براسامه سپاهی ایله مظهر عطف خسروی وچراغ حضرت انخی زاده اولدیفی محکوم به قاضی  
مرقوم وخرم کرده حضار مجلس پیشین اولشدر \* ودخی اول شیریشه جذبه وحالت هرگاه که جنبان  
ولایت مآب حضرت بوستان اول مجلس عالی رینه توجه ایلسه لراخواندن استعارة خرقه پوشش اندام  
ایدوب کمال ادب وابتها لله حضور فائض النور لرلنده قائم بیما خجسته خدمت واحترام اولوب ولسان  
مخصوصا لریله صحبت خاصه ایدوب ماجرا لینه کسنه واقف اولیوب همانا حضور لرلندن غائب اولدقه  
ینه عریان بلسکه لابس خلعت خلاعت اولدیفی حضرت جلئی مشارالهدن استفسار اولدقه امثال  
او پیش اولی الابصار تأدب وازانظار ظاهر بینان بیلاس ملامت تستر کنند نفس نفس الامر یلریله  
بیان حسب حال یورملری مردان خدا ونازینان ورا ی پرده معنا نظر لرلنده \* (ولههم أعین لا یصرون  
بها اولئک کالانعام) \* مقتضا سنجه اهل صورت عیسان وانعام مرتبه سننده اولدقلرین تحقیق  
ایتشدردر \* (نظم) \* راه حس راه خراست ای سوار \* ای خرازا تو منراحم شرم دار \*  
بیج حسی هست جز این بیج حس \* آن جوز ز سرخ واین حسها جومس \* کر بدیدی حس حیوان  
شاهرا \* بس بدیدی کاو وخرالله را \* کر نبودی حس دیگر مر ترا \* جز حس حیوان زیر و ن هوا \*  
پس بنی آدم مکرم کی بدی \* کی بحس مشترک محرم شدی \* دیده حس را خدا اعماش خواند \*  
بت پرستش کفت وضد ماش خواند \* چشم آخرین تواند دید راست \* چشم آخرین غر و راست  
وخطاست \* ودخی اول بخود نشسته ازلی اکثر یا عریان وبعض احیانده الی تحت السره برسترة

محقره پوش و اغلب او انده سر برهنه و بعض از مانده عرقیه صغیره کش اولوب قطار قطار نظرنده  
 کالایا عرا یکن آت بازاری نام مزدحم خلایقه بی باک آمدن کاوورفتن خر اولدینی حالده در حال  
 کندونی برکوشه ده اخفایدوب زانوزن خالو و وزاویه تستراولوب مدت بسیره مرورنده نه طور اوله  
 رجعت ایلد کندن متعجب و درونی مستفسر سر بسته تبدیل وضع مستمر اولان معتقدینه آدم  
 بنیا آسید و بخیر گذشت مضمون لهجه مجذوبانه لریله افاده ایدوب وزمان تصرفات قوت مرده لرنده  
 کندولره روز و شب برابر اولوب اکثر لیلیله تاب سحر کوچه و بازار کردائرة جمایه لری ایکن دار  
 الولا به مرقومه به مستولی اولان عسکرو با هنگام احصارنده سعادتخانه حضرت چلبی بوستان  
 و میدان چل تنانه التجا ایدوب و سد ابواب و مناظر ایتدیروب مصاحبات جهریه دن منع ایلدیکی و کاه  
 یکه فلان جار قند و بدین طرف می آمدند و از فلان محله گذشتند و افسوس دردمندان فلان  
 و فلان زاده اند عنوانه انقاس کشفیه لری بعین الظهور ایدوب و آستانه سعادت و سرای حضرت  
 چلبی هم علیه روحانیات اولیا عظامه محفوف و حصون مشیده عنایات الهیه ده مأمون المغائله  
 مطاعن عساکر ابتلاء موخیش مرقوم اولدین تحقیق و تعلیم التجا ایتش لردر کفی الواقع اول جمای  
 عنایتلرک مهبط انوار (من دخله کان آمنا) اولدینی علی الدوام جلوه کراولان برکات ظاهره  
 و باطنه لرندن هویدا رادام الله تعالی میامن امانها علی المستأمنین من بلیات الاعصار و جعلنا و کافه  
 الفقراء من المستغنین عن التثبث بحشائش تدبیرات الاغیار (نظم) آن یکی باشمع بر می گشت روز  
 کرد بازاری دلش بر عشق و سوز \* بوالفضولی گفت اورا کای فلان \* هین چه میجوی بسوی هر دکان  
 هین چه میگردی تو جوان با چراغ \* در میان روز روشن چیست لاغ \* گفت می جویم هر سو آدمی \* که  
 بودی از حیات آن دمی \* گفت مردی هست این بازار پر \* مردمانند آخرای دانای حر \* گفت خواهم  
 مرد بر جاده دوره \* در ره خشم و بهنگام شره \* این نه مردانند اینها صورتند \* مرده نالند و کشته  
 شهوتند \* وقت خشم و وقت شهوت مرد کو \* طالب مردی دوا نم کو بکو \* کودرین دو حال مردی  
 در جهان \* تا فدای او کنم امر و زجان \* ترک خشم و شهوت و حرص آوری \* هست مردی و ترک پیغمبری  
 \* (ودخی) \* اول مقسم امدادات غیبیه نک کفایتی ارا مل و ایتم و وامداران و عاجزیه مدارقضاء  
 الحاسبات اولوب هر کس نه کاه قدر الحاحه و دفع الضروره لرن کاهی یداید و کاهی خانه لری نه القا ایله  
 کرم فرما اولد قنرین هزاران اوجاع و اسقامه مبتلا اولان دردمندان و مستمندانه دست سود و نفس  
 پر سودلری سرمایه عافیت عاجله اولغله جمله نک طبیب در دفاقه و احتیاجی و مدبر لطف نظام مزاجی  
 اولش لرایدی \* حتی بعض مبتلایان عارضه و بایئه درونی نذر ایلد کاری قرابین و اشیا و نقدی کویا  
 حضور لرنده اولش کبی ابواب ناذری حق و مطالبه و بعضا فقرای آستانه سعادت و بعضا مساکین  
 اهلالی به ایصاله مسارعت بیوروب و سربعا و عاجلا آثار برکات اخذ و دفع لری معاینه اولندینی سبقت  
 کرده تجارب کافه اهلالی اولشدر (نظم) چون قبول حق بود آن مرد راست \* دست او در کار بادست  
 خداست \* اولیا راهست قدرت از الهه \* تبرجسته باز گرداند ز راه \* شهر مر داند در عالم مدد \* آن زمان  
 کافغان مظلومان رسد \* مهربان بی رشوتان یاری گان \* در مقام سخت و در روز کران \* رو بچو این  
 قوم را ای مبتلا \* هین غنیمت دارشان پیش از بلا \* بندکان حق رحیم و بردبار \* خوی حق دارند  
 در اصلاح کار (ودخی) ایالت قره مانده اباعن جد کتخدای دفتر اولوب مستحلب انتظار شریفه مولویه  
 اولان لرندن زمانلریه مصادفه ایدن محبه مخلص محروم فرزند دلیند اولغله همیشه محزون و مستمند  
 جوانب فریاد رسان افتادکان ایکن بر روز فیروزه اول مرد میدان ملامت رهنشین حمام زنان اولوب



والت رجولیه تابد و رهگذر عفاف حرم محسروم مرحومه کفر زنشاه استغراق اولدنی حالده  
 خاتون محزنونه پیشگاه لریدن مروراثا سنده اکر فرزند حاجت است بکردن این دستمال زیبا بند  
 عنوانیه صادر اولان خطاب بشارت مآبه صدق و اخلاق بی ترددا یله امتثال ایلد کده بروی فرزند  
 سیه چشم بخشیدم فاما نامش خود خواهم نهاد مضمون تبشیر و تنبیه مقرونیه اظهار قوت قاهره و ولایت  
 بیورد قلری عقینده بقدره المنان الکریم جبل و حمل بدیدار اولوب وهنگام ولادت و وضع برشب تاریک  
 پر برف و بارانه مصافه ایدوب عسر عظیم وضع ولد و والده دن قوایل و حاضرانی مأیوسه ایلدیکی وقت  
 اقتضاده دق باب ایدوب دار الولادته دخول لرند فرزندیم یحیی باسانی برون آی و بمادر زحمت مده  
 عنوانیه سرزده اولان امر لینه کویا مولود مر قوم اطاعت ایدوب در حال خود بخود سر بر آورده  
 بطون و ناخر دیحی و اول خاندانک بعد الایاس سبب احیایی اولمشدر و الوان نعم مال و جاهله و اولاد  
 ذوی الرشاد و اخلاف خیمار له معمر و دهر و فرزند زنده نفس مر دحق اولدنی جمله عندنده  
 امضا کرده قوت جازمه اوامشدر \* (نظم) \* آرمودم عقل دور اندیش را \* بعد ازین دیوانه سازم  
 خویش را \* عقل من کنجست و من ویرانه ام \* کنج اکر پیدا کنم دیوانه ام \* اوست دیوانه کدیوانه نشد  
 این عسس را دید و در خانه نشد \* ما اکر فلاش اکر دیوانه ایم \* مست آن ساقی و آن پیمانه ایم \* هر چه غیر  
 شورش و دیوانگیست \* اندرین ره دوری و یکناسگیست \* بس فنون باشد جنون شدن مثل \* خاصه  
 در زنجیر این میراجل \* (ودخی) \* اول کنج کنج خرابه فنا حامده برنوجوانی خواب آلود کور یحی  
 آلت رجولیت تاب داده لر یله زیر ازارینه صورت مباشرت نما و لنجه جوان مر قوم متیقظ و متهور  
 اولوب تجاوز حد و جرات آزار اینه کله فله الحکمة الباهره عرق جلال بخودانه لری جنسان و مجذوم  
 باش نفس سر دیله لهجه مر دانه لری دمکش اولدنی ساعت موی ابرو و مژگان لری ریخته و آتار جذام  
 نمودار و عیاذا بالله الحفیظ جمله به ماده اعتبار اولمشدر کویا بمقوله کشف عورت ظاهره  
 و استعمال آلت رجولیت و اوضاع سائره ملامیه لری کند و لوله ستر عورت باطنه و امارت تصرف  
 مر دانه و حصن حصین سلامت چشم زخم نا محرمان اولوب خلعت و بشاعت صوریه لری روپوش  
 کرامت و چشماروی روی کالات کامنه لری اولمشدر \* (نظم) \* منکر اندر نقش و اندر رنگ او \* بنکر  
 اندر عزم و در آهنگ او \* هر کجا باشد ده مار اسباط \* هست صحرا اکر بودسم الخیاط \* هر کجا که  
 یوسفی باشد چوماه \* جنتست ارجه که باشد قعر چاه \* چونکه کنجی هست در عالم مرغ \* هیچ  
 ویرانر امدان خالی ز کنج \* کتر باز است آن دیده بقین \* زیر هر سنگی یکی سر هنک بن \* درنگ  
 دریا که بر باسنکهاست \* غرها اندر میان ننگهاست \* هین مشوشگر پیش طوطیان \* بلکه زهری  
 شوشوایمن از زیان \* (ودخی) \* اول شیر زیان نیستان هیمان کشت و کذار مستانه یله فنا کرد محبیه اهل  
 فنا ایکن وز رادن بری اول بیدای تفاوت ناپید ادا منته ضرب خیام آرام ایدوب هنوز ترتیب اسباب  
 آسایش اوزره خدمه و حجاب مشغول احوال نفس لری و غافل آینه و ورونده اولد قلری ائشاده بی تکلف  
 خلوت سرای وزیر مر قومه دخول بیور و بصمیم فؤادنده منذوری اولان برکیسه تقوید طالپی  
 اولغله بلا تردد و لا تراخی کند و لوله تسلیم اولنوب اندر دخی بوستان دیوانه یه اعطا و فقرایه توزیع امر  
 ایتلریله در حال منتظرین عطا یای شاهیه لرینه تقسیم ایتلکن طریقتی وقت لنک محمدده حضر تلی  
 توجیه داعیه در و نیه یله میدان جل تنانه احضار ایدوب تماشا بیان مترقب سر کار احضار ایکن بی  
 مه ابای دیوانه چرالقه فقر و اندر آن صادقر اطعمه سکان و کرکان کردی پس چاره امان بغیر از ضمان  
 نیست و الا تراسیاست طریقت فرماید عنوان توبیخ بنیانه تهید و تشدید بیورملری عقینده سمعا



و طاعه دنیو همت خواه و نیازمند آمداد و امهال اولوب همان ساعت باب خوشانده زانوزن روی  
سنگ خارا و روی دل پرتاب گاه بجانب آسمان و گاهی بطرف خیام وزیر مذکور اولمغه در حال باران  
عظیم ظاهر و سه شبان روز ممتد و مشتد و سکان خیام تر حال دنا یوس اولوب ناچار نادر مر قوم بالنفس  
سالك راه استمداد توجه قلوب فقرا و از اثر تربه معظمه سلطان العارفين اولوب نیازمند صحو هوا  
اولد قده شیر مرد متوجه دن دخی رچامند مطلب اولنجه بدان مبلغ مر اضممان کردن اکر تو آ نراضامن  
شوی من نیز بانه کشف این ابر و هو ا را ضامن باشم عنوانیه افاده اصل ماجرا اینلد کده در حال مبلغ  
مندور مستهلکی ضامن اولوب مطبخ فقرا به التمام تسلیم اولنمد قده قبول ندورینه صدور یافته دل  
اکاهان اولان کلبانک مولوی عقبنده بفضل الله تعالی کشایش هوا احسان اولنوب مسافرن  
مر قومنه دخی ارتحال متیسرا و لمغه اکر طر بقی حضر تلرینک واکراخی زاده جنابنک عیار ذاتلری  
و درجه کماللری شهریان و غربایه نمایان اولمشدر \* (نظم) \* صورتش برخاک و جان در لامکان \*  
لامکانی فوق و هم سالکان \* بل مکان ولا مکان در حکم او \* همچودر حکم بهشتی چارچو \* ماهیان  
قعر دریای جلال \* بحر شان آموخته سحر جلال \* پس محال از حال ایشان حال شد \* نخس آنجارت  
و نیکو فال شد \* و دخی اول مجر دناک و بنقید علاقه آب و خاک هنکام اقتراب انتقال لر زده هفت  
شبانر و ز قائم توجه سمت قبله و هفت شبانر و زرا کع و هفت دیگر ساجد و بی خورد و خواب اولوب  
و شیوه نادره لری تمامنده اختیار قعه طویله ایدوب نهایت قعه لر زده یمن و یساره سلام و یروب  
تسلیم امانت عظمای انسانی ایدوب علی العموم اشراف اهالی خدمات تجهیز لرینه تسمیر ساعد اقدام  
واخلاص ایدوب روضه الارواح مولویه ده دفینه جواهر جذبه و حالت و ودیعه جوار رحمت اولمشدر  
افاض الله تعالی تحب عنایت به علی تربه المبارکه آمین یا مجیب الداعین \* (حضرت درویش محمد کرده چی  
زاده) \* خاک مبارک زاد محمیه الاولیا حمیت عن البلیا و اولاد علمادان اولوب اباعن جد مرید و محب  
خاندان صدیقیه جلالیه و اکثر اصول و اسلافی بهره یاب معارف و مکاشفات اولمشدر و کند و لریدر  
و مادر لرندن یتیم قلوب ماملک مور و ثلرین خراج خدمت فقرا و حصه منند حظ وافر علوم و اعمال  
و اخلاق حسنه و مظنه کرامت و مجموعه لطائف آثار و منشاید اربع الطوار اولوب جمله عباد و اماء  
دائرة لرین اعتناق و هر بر لرینه قدر الکفایه اشیا انعام ایدوب سرای مور و ثلرینک بر حجره مختصره سنده  
اختیار و عیزت و کمال انقیاد و متابعت احکام شریعت و طریقت اوزره صرف نقدینه عمر کرامی  
ایدوب خوراز مننه طویله ایله ابنیه دائرة سیرایلری منهدمه اولوب انجق اثر عمران حجره خاصه لر زده  
باقی اولمغه اهل محل طمع خامله تملک و غصب خرابه لری صد دنده سمت حبله باطله به سالك اولوب  
مطالبه غرامات و تکالیف ایلهر نجیده و اول شاهباز فراغت پر وازی آشیانه آبا و اجداد دن آواره  
ورمیده ایتک اوزره امام محله اولان ابله سی تسلیط ایدوب بدبخت مسفور دخی شمشیر انکسار لرندن  
هر اسان اولیوب طلب سالیانه اینلد کده ما و امدار کس نه ایم و یکسی داد و ستد نداریم و از  
تکلیف خالق به تکلیف مخلوق نیرد ازیم مضمون جلادت مقرونیه دفع ایتد کده اعاده تصدیع و تکرار  
تکدیر ایدنجه بارقه صمصام غیرت مردانه لری آهیخته نیام تحمل و حلم اولوب بی ادب مخوسل سن  
طوائف عسکر دغیس یا خود معاف و مسلم میسن نوجهله ادای تکالیفده تعلل ایدرسین دیو صادر  
اولان سوألنه برو آب خود کرم کن و کفن رامه یاسازنا که امثال ما کیستند بدانی نفس آتشین  
خرمن عافیت سوز لرینه مقارن جواب با صوابلری سامعه مکر و هه خبیث غداره قرع ایدنجه در حال  
لرزان و متغیر المزاج و مسارع دارالبوار اولد یغی الی هذا الآن سترم و تغیش اوزره سکان محلات

حضرت درویش محمد کرده چی زاده

اولان دردمندان اخوان طریقتک معا فیلرینه مدار قوی و مأمون الغائله مطالبه تکالیف غیر  
 مشر و عظمیه اولرینه مقدمه نتیجه بخش راحت اولشدر \* و دخی اول مسند آرای خلوتسرای  
 فراغت اواخر اوقات عزیزه تمکین مر دانه لریده بالکلیه وجوه زواری و احبابه سد باب موانست ایدوب  
 حتی وزرا و موالدین و اشرف قومدن طالب صحبت مفیده اولنلر دخی روی مساعده نما اولیوب  
 اقتضا ایدن متضرعین و ملجین دن مستدعی و مستند اولنلر و رای بایدن جواب و یروب مشکلمین حل  
 ایدردی و حجره خاصلری دیوارینه من اراد السلامه عن الاغیار و من رام الخلو مع الاررار فعلیه تعلیق  
 الابواب و ارجاء الاستار عبارت شریفه سن کاتب و همیشه مطمح نظر عین المعان ایتشلا رایدی \* (نظم)  
 قعر چه بگزید هر کو عاقلست \* زانکه در خلوت صفاهای دلست \* ظلمت چه به ز ظلماتی خلق  
 سیرز دانکس که کیرد بای خلق \* در حقیقت دوستان دشمنند \* که ز حضرت دور و مشغولت کنند  
 کما قال ابو بکر الوراق قدس سره البراق و جدت خیر الدنیا و الآخرة فی العزلة و شرها فی السکثرة  
 و الخلطة و لذلك قیل من لم یعتزل عن الخلق فهو یجزل عن الحق \* و دخی اکثر لیلی مبارکده  
 ابواب تربئه شریفه مقوله ایکن کاهی درون مسجد عالیده منتفل و کاهی صحن سما غنائنه سامیده دوار  
 ورقاص و کاهی حداء محراب خضرده مناجی مشاهده اولنلر دخی بعد وفاته بقایان و تربیه دارانند تلقی  
 کرده جمهور اخوان و خلان و قتلیدر که زمان حیات لریده اسرار کامنه لری کتمنه تا کید و تبیه لری سببیله  
 بعد الوفات اشاعه اولنوب خلاف رضای نقل خوارق عاده لرندن توقی اولنلشدر و علی الدوام  
 سالک منهاج قویم مولویه اولدقلرینه مباهات کلان ترخم ریزشکران اوللری عجب ازین بی سر و پای  
 و خاتمان بازی چه یافته است که همواره شا کرومباهیست عنوانله مستغیر بین ظاهر بیننه بتصحیح تقلید  
 شریعت بتحقیق اعمال و بتقویم سلوک طریقت تهذیب اخلاق و بتحقیق مقامات حقیقت باستغراق  
 وجد و حالت رسیدیم و باصناف غایات غیر مترقبه مستعد و مستفیض کشتیم و بیش ازینها چه  
 خواهد بود انفاست قدسیه لریده بث امتنان ایتلری محک امتحان مردان راه فتاده کامل العیار و میزان  
 انصاف محرمان اسرارده تام المقدار واقع اولوب کوشداران دم جانبخش حق شناسان رهنمایان  
 پیشقدمانه سرمایه بر خورداری و یاد کار اعتبارشکر کزاری اولشدر که فی الواقع بونک کبی طریقه دور  
 و دراز و پر عقبات و خطرده کریشوایان متقدمینک آثار ارشادیه و حمایت سرانیه لری امداد فرما  
 اولسه سلا کدن مرد و احکام سلامتی و برازخ نفسانیه و مهالک ماومن و عقبات هواییه دث نجاتی  
 و منازل و مأمون ولایت و معرفته و وصولی منعی و بلکه متعذرا و لورایدی \* (نظم) \* بی گمان که هر زبان  
 برده دلست \* چون بچید پرده سرها و اصلست \* کریان نطق کاذب نیزهست \* لیلک بوی از صدق  
 و کذبش مخبر است \* آن نسیمی که بیاید از چمن \* هست پیدا از سموم کلخن \* بوی صدق و بوی کذب  
 کو بکر \* هست پیدا در نفس چون مشک تر \* بانک هیزان از شجاعان دلیر \* هست پیدا چون فن رویاه  
 و شیر \* کرنه بینایان بدندی و شهبان \* جمله کوران مرده اندی در جهان \* آن رهی که بارها ترقمه \* بی  
 قلا و وزاندران آشفته \* هر که در ره بی قلا و وزی رود \* هر دور و روز راه صد ساله شود \* هر که تنها بادیه  
 این ره برید \* هم بعون و همت پیران رسید \* پس رهبر که ندیدستی توهیج \* هین مرو تنهار رهبر  
 میج \* کر نباشد سایه او بر تو کول \* پس ترا سر گشته دار دبانک غول \* و دخی اواخر عمر نازینلریده  
 نظر کرده و خادم حجره لری اولان مداری درویش مصطفی به تخصیص توجه ایدوب اون سکر کون خلوت  
 بسیره مفیده ایدوب صحبت خاصه مر قومه تمامنده مکان و خرقة واسباب فقریه و کتب نفیسه لرین  
 کند و به فراغ و تفویض و جانشین ایدوب و جهاز نقلان دار الفتاری مخفی و مهیا اولنوب علی وجه

الانسلخ لباس عنصريدن تجردايدوب حد بقة العشاق شمسيه دده صومعه كزين خانقاه خموشان  
اولشدر ومدارئ مذكور مدت مدیده جنش و آرامده پير و مری بیلری اولوب خلوت و عزلت کندویه  
سبب هجوم احباب و شهرت اولغله جمال با کمالین زیر نقاب جذبه و ملامته چکوب همیشه کوجه کرد  
وصحرانورد کاه والده سلطان آستانه سعادتنده و کاهی درگاه حضرت سلطان دیوانی قدس سره  
النورانیده واکثریا دارالولایه قونیه ده زیارت مشاهد مقدسه اولمای کرامله اوقات گذارا اولشدر  
لکن فی الاصل اخراج الوان صبغه و رسم نقوش دلپذیرده مهارت کمال صنعتی اولغله هر قنده بر  
دیوار قابل نقش کورسه طرح رسوم اشجار و ازهار ی عادت اتخاذ ایدوب زمانلریک اوان انقراض  
شخص و ازمان انتشار نقوش و احیان جلوه عکوس اولدیغنه اشارت بیور و بانلردخی عقیب  
تکمیل ذات و زمانلرنده تشریف نهانخانه زوال ایدوب پانکاه قبر شریف مرشد لری نه شرفیاب جوار  
اسلاف اولشدر نورالله مضجعهم با توارد العنایات و تتابع الرحمت آمین یا ذا الطول العظیم والکرم  
الغیم\*(حضرت درویش علی مکسی)\* قونوی المولد و مولوی المسالک ویا کیزه درفتار بر درویش ادیب  
ایکن حضرت اخیزاده وفاتی عقینده دفعه تغییر وضع عقلا ایدوب لابس خرقه ملامت و کویا انلرک  
بطون شمع حیاتلری بونلرک طهور شعله و لایته لری نه مبدأ اولشدر زیرا آثار مجذوبانه لری شواهد ارث  
معنوی و دلائل انتقال سر جذبه لری اولدیغی مشهود علیه رجال ثقات الفراسه در که ابتدای تغییر حال  
و تبدل وضع لرنده هر قنده مکس بین اولسه شکار ایدوب جیب و دام لرنده حفظ وصیانت اوزره اولغله  
سنگی عنوانیه معروف اولشدر و بعض اصحاب درون سرطوبه بونلرک استفسار ایلد کده  
مکس راندنی همت با کانت و خواندنی طور یا با کانت چون مایس بدین دو جهة جامعه اورا جنسیت  
داریم که سبب انسیت شده است مضمون مسکنت مشخونه نفسیر صورت حال ایتشدر در \* و دخی  
حضرت اخیزاده عقینده رایت افراز جذبه و استغراق اولد قلرنده مدت مدیده جای آرام اتخاذ  
ایتیوب همواره کوی و یازار کرد اولوب و سکان در دمنده انفاق و مدارات اوزره ظهور ایدن فتوح  
یومیه لری نه و چنده حینه و لقمه لری نه و مساکین بلده و فقرای غربایه و ارامل و ایتمه صرف  
ایدوب کند و لری قوام بدن اوله جق مری نه ده تغذیلرین چشم آفریده معاینه ایتمه کله بطریق المطایه  
سلک نفس از سکان کوی اولیست عنوانیه نفس نفیس لری نه دخی رفیق و انفاق سوق ایدلره پرورش  
کلب عقور از خرد دور است مضمون احتیاط مقرونیه با غیر اسخ حکیمانه و پر و با واسط اوقات  
عجیه لرنده تا بخانه جامع شریف سلطان سلمی کوشه فقر و فراغت توشه سنده پوریا آرام نشین اولوب  
اطرافنه کلاب و موشخوار و کربه و عصفور و کبوتر و غراب و دال و تمشاشیان شهر کردا کرد اولوب بونلرک  
وحشت و تضاد لری مؤانست و اثلا فیه تبدل و هر بر لری کند و لره مناسب غذا لری نه مغتنم و بی آدمدن  
متلای آلام و اسقام اولنلردخی تسلی باب و بهره مند عافیت اوللری کرامت مستقره و شواهد مؤیده  
ولایت لری اولدیغی جمله اهالی عنده رسیده در حقه یقین اولشدر و اطوار محیره الفه و ملرنلندر که  
بر قدر کبیری سه پایه سنکی اوزره وضع ایدوب مأکولات و مشربیاتن کند و لره اهدا اولنان  
الوان متوعه بی دیک مرقومه ادخال و علی الدوام آتش تیزله تغلیبه و هر در دمنده و مستنده بر مقدار  
اعطا و اشرب ایتکه ماده عجز اطباء حذقه اولان علت پر شدت دفعه مندفعه اولدیغی و اول قدر منیع  
القدر را خننده اشیا متضاده اجتماعی نه بر طعم منفور الطبع اقتضا ایتیوب هر مشربیه شربت  
شیرین خوشبو و علی الخصوص مایه دفع علت و جذب صحت اولق اول دیک پر جوش خاصه غریبه نک  
همرک شمع عیسی علیه السلام و کند و لردخی حصه مند وراثت نبوی اولدیغنه یننه باهره

حضرت درویش علی مکسی

اولشدر علی الخصوص سدره باجوج قسسه منشا نه صورت ملامت شماتت انکیزی حصن حصین  
ورکن متین اولوب بی هر کان سعادت ازلیه وابدیه اولان مبتلایان نقصان رشد پیرامن حلقه صحت  
نادیده لرندن استنکاف مرورله عبور پل حیات حیوانی ایشلدر و نوبت خواب ورا حلقه حیوانات  
مر قومه کیکی الحاف وکیکی وساده آسایدن محترم لیسنه برده کرم و سر د اولوب اول انسان کامل میانه  
حیوانانده غنوده جامه خواب راحت اولوب بیدار اولدقده نسه هر بری مقرب نسه عودت ایدوب بی  
نوعلمی الفتندن بیزار اولشدر ایدی وعلی طریق الهزل والامتحان اشیای خسیسه منفوره اهدا ایدلره  
هر تقدیر الحاح اولنسه اول شربت بی در یغدن جرعه سیریه ویر میوب بعد الایاس والذهب هدیه لرین  
آتشه ویروب آخره انعام ایتدیکی واصحاب نه رذیور مد یغی سر سر بسته سنه از آتش آمدوب آتش  
رفت دم حقیقت توأم لریله جواب باصواب ویروب اصلی وسوسه شیطانیه اولدیغنه ایما یور مشلدر  
\* حتی بردفعه والی ایالت قرامان اولان وزیر تر وزیر منش لری طریق امتحانه سالک اولوب کندولره  
حند قطعه قیاش وعود و عنبر وشکر اهدا ایدوب عود و عنبر وشکری قدر انعامیه وضع واقشه بی  
احراق ایلدیکی معلومی اولنجه تمور مصنع ایلده استرد اهدا یاسنه تعیین ایلدیکی عونیه مواجیه سنده  
قبل المطالبه آتشدن قیاش لری کماکان وفردن سائر لری بی بلانقصان اخراج ایدوب بد کاشتنه تسلیم  
ایدوب کیفیت ماجرا معلوم و محسوسی اولنجه عنان اختیاری ربوده دست اضطرار اولوب صدق  
اعتذار ده بعد العشاء ماشیا حصیر لری نه رومال قصد یله باب تابه خانه یه کاد کده کلاب دائرة ملازم لری  
یک آهنگ هجوم اولوب زجر لرندن دخی هر اسان اولمغله بالضروره عنایت طرف سرای اولوب  
حیوانات مر قومه نک خلاف عاده هجوم ایلده مانع دخول باب زیارت ومعدرت اولدق لرین تأمل و وضع  
نامنا سب لری نه تأسف وتندم اثنا سنده خبر عزل ظهور ایدوب ومنصب آخرسفلی به نصب خبری تعاقبه  
سریعاً مجازات بین اولشدر وبعد هذاتتابع وتوارد نکات روز کار له سبب اعتبار امثالی اولوب  
وماجرای مر قوم یومافیه مابا عث ارتفاع شان اشتهاری اولمغله هر ثقله روی تستر غما اولسه اولدخی  
انظار ار باب صدق و خلوصه بادی تأکید عقد محبت وحلقه زیارت لری مر دحم اصحاب حاجات اولمغله  
ناگاه شمیم متین لرندن جهان و پس ازین رواج این دکان شکست خواهم کرد عنوانیه جلال آمیز  
حلقه زنان شمع تعلقلری نه خطاب دور باش انکیزیور وب و قدر معهودی کسرو آتش و قودی اطفا  
ایدوب خموشان فدای تریه معظمه مولویه یه شتایان اولوب علی السحر بوابان آستانه سعادت فتح ابواب  
ایلد کده عتبه علیه باب الغائبین ده سر نهاده تسلیم روح بولوب علی اجل الوجوه خدمات تجیز لری  
اد او جنب حضرت درویش کلخنده جامه خواب راحت سرمدی به وضع اولمشدر وهمان شب  
وقعه غلبه جذبه لطف الهی جلوه کر میدان بروز اولوب انلرد نص کره صاحب النوبه و علم افزا زجده  
اولشدر علم ما الروح والریحان وعلی أسلافهم وأخلافهم مادار الزمان ودام الأركان وقام  
الاحسان من الکرم الحنان المنان آمین یا لطیف یا مستعان \* (حضرت درویش اسدی)  
دارالدوله ادر نه خاکی وجامع شریف مر ادیه محله سی اها لیسندن واولاد تجار ذی ثروتدن اولوب  
ابا عن جذ محبت اولیاء کرامله وخدمت اکرام فقرایله مستسعد اولمغله قیبر ده ده حضرت لری حرم  
آستانه مر قومه ده کلبه نشین حله مردانه ایکن مالا ویدنا سبقت ایدن حقوق مخلصانه لری کندولره  
سر مایه استجلاب انظار حسنیه مردانه لری وباعت انتظام سلاک مسلک مولوی اولمشدر که ابتدای  
افتتاح باب سعادت مآب لرنده خدمت رفت و ربه کمر بند اقدام و خدمت مطبخ ارواح پرور لری نه  
الحاقه شرفیاب تکبیر طریقت حضرت پیر قدس سره المنیر ولا بس کلاه شریف وخرقه انابت اولوب

حضرت درویش اسدی

اول مرد میدان فتح جدید کند و لوله دلیل وصول حرم ارادت او بشدر و بعد وفاته نور مرقد استیلای  
دغدغه هجران لریله سیر و سیاحت و اکثر خوانق طریقه خادمی تهاون و اغلب خدمات  
شاقه ده مقدمی تکامل اولغله مظهر انقاس خیریه خلفا و فقرا و مستفیض زیارات مشاهد مقدسه  
ائمه کرام و علی الخصوص درگاه سلطان الشهداده مدت مدیده قائم مقام عبادات و طاعت اولوب بعض  
همراهان بکر ننگله عازم خراسان و قاصدر و مال آستان ملائک مطاف امام هفتمین رضی الله عنه  
و عن آبائه و دریا نه آجین اولد قلنده سر راهلرند بر شیر مهب باسط ذرا عیه بالطریق محسوس اولنجه  
همپایان شتابان سمت کربز اولد قلده این المفر مضمون توکل مرهون سله تخلف جاده رفقت و تسلیه  
رضاداده اولوب مار و بره امام رضایم \* از خار رهش چرا بچ کرایم تعریضیه رفقا سن قائد شاهره  
تفویض و سماع راهی ایله پیشوالری اولوب دامن خرقة مبارکه لری پنجه شیر پیل افکنه رسیده  
و محالب ملائک غار لریله دامن کیرلک ایدنجه انلر دخی حسب الالهام دستگیر لک ایدوب کفنه نظر  
ایتمد کده خار خنجر روش خلمیده و تابکشف اماس کرده معاینه ایتمکین اول شیر حسینی نه ادله مرادی  
استخلاص آزار خار صدنده رهنشیلک ایدوکنه انتقال ایدوب در حال کار در سرتیزله کفن مخرج  
نیشتر خار اوله جوق بقدراری شق و اخراج خار و محکنه ادخال نمکله تیار و دفع آزار ایلدیکي مقابله سننده  
تعلق و تبصیه صفا و دعوی مشعر گاه گاه طرف لری نه ~~نکیران~~ و بادیه پیمای اولد یغندن بونلر دخی  
پیر ولک ایدوب رفته رفته راهلری بر غار منبع الغوره موصل اولوب شیر درون غاره کیروب بونلر در غارده  
آرام ایدوب مال گره منتظر اولد قلنده ناکاه بر صرة کبودله شیر ظاهرا اولوب و صرة مر قومه بی  
یدجر احنه اناله ایدوب نه وضع سابق اوزره رهبر لک ایدوب انشای راهده مصادفه اولنسان جوق  
درند کندن خراسته قنای آبادانی به ایصال و وداع حالی ایلدیکن و صرة مذکور هاروی اولد یغنی  
نقود کند و لوله خراج سیر و سیاحت و دخل حجره آرام و اقامت اولد یغنی قبل الانتقال نقل ایدوب  
و جابجا اول شیر حرق شناسلک شکل غریبین تصویر ایلدیکي یادگار وفاداری ذوی الاعتبار اولوق  
اوزره در که بر سبع خونخوار ایکن مقابله خدمت دفع آزار خارنده غمخوار اولوب کف پنجه جگر  
شکافی کفایت ده و صله رس شکرانه خیر خواهی اولنجه هزاران خار آزار خار خاری دل و جان  
در دمنندن اخراج و فراغ بال و صفای حال احسان ایدن انسان کامل و مکملک نمقوله خدمات رعایت  
حقوقنده اهتمام الزم دهم حق گزار اندر ملاحظه و قیاسی باعث انباده و بادی استفاضه قلب  
ضمائر آگاهلریدر \* (نظم) \* عشق چون و اقیست وافی میگرد \* در حریف یوفامی نسکرد \*  
یار کان پنج روزه یافتی \* روز یاران کهن بر تافتی \* شکر کن مرشا کز آنرا بنده باش \*  
پیش ایشان مرده باینده باش \* شکر جان نعمت و نعمت چو پوست \* زانکه شکر آرد ترا تا کوی  
دوست \* کم شد از بی شکر خوبی و هنر \* که دمی هرگز نبیند زان اثر \* وان جماعت را که وافی بوده  
اند \* بر همه اصنافشان افزوده اند \* و دخی دارالولایه قونییه حمیت عن البلیه ده و جوار آستانه  
سعادت مولویده واقع و حضرت سلطان بهاء الدین ولد قدس سره الصمد جناب ولایت مآب انشایله  
معروف مدرسه شریفه دیوارینه اسدین متقابلین تصویرینده بادی نظردیه تغلیط حسن ایده جلالت مرتبه  
خرد کاری نما اولوب احباب صداقت نصاب دیوار درون آستانه سعادت دخی وضع خامه انشای اثر  
رجامندی اولد قلنده آن دائرة حمایت سلطان العارفین بیستان شیران حقیقت و بیشه زار هزاران  
ولایت است پس دران حمای منبع الارجا تصویر شیر پنجه کار آید بلیکه اسائت ادب است عنوانیه  
سدایب مر اعات و فتح دریچه مباحات استلر در \* (نظم) \* ای که شیران مر سکانش را غلام \*

گفت امکان نیست نامش والسلام \* ان سکی را کو بود در کوی او \* من بشیران کی دهم  
یکموی او \* آن سکی کو کشت در کویش مقیم \* خاصکما یش به ز شیران عظیم \* هر که باشد شیر  
اسرار و امیر \* او بداند هر چه اندیشد ضمیر \* شد سر شیران عالم جمله بست \* چون سلک اصحاب را  
دادند دست \* نیست شیری آنکه صفها بشکنند \* هست شیری آنکه خود را بشکنند \*  
ودفع مر قودلین بوبیت خوش آینه لرزیده حسن تعبیه بیور مشلردر \* (بیت) \* شیر مردانی که  
زورارند بر شیر زمان \* کی نظر بازند بر تصویر شیران زمین \* ودخی اول مرد میدان جهاد اکبر  
وشیرزبان معرکه نفس و دیواشر اوائل سلوک کننده المجاهدات فزارع المشاهدات فواسیله عامل  
وریاضات شاقه به حامل اولوب لکن اواسط و اواخر لرزیده رخص و تنجه مائل اولغله بعض نوبازان  
ظاهر بینان طریقت نظر زنده تهاون و تکاسل نما و باعث لم ولا اولد قده لهجه همت عالی به لرزیدن  
امثال مازبون کش نیستند که نفس را بچار منج جوع و عطش زبون کردن و کشتن از زبون نیست شیر  
مردان کرک و سلک نفس را در وقت کمال قوت و فرمهی پنجه پر زور روحانی و بشمشیر عشق نورانی  
مقهور و مدح سازند عنوانی به یان حسب حال جلالت مال بیور و بکار کرامدن جلوه کساحه  
ظهور اولان انواع ریاضات شاقه فیضعای سلا که تعلیم اولقی اوزره تحقیق بیور مشلردر \* (نظم)  
هین که اسرافیل وقتند اولیا \* مرده را زیشان حیاتست و غما \* چون تعلق یافت نان بابو البشر \*  
نان مرده زنده کشت و باخبر \* صاحب دل را زان آذر زان \* کر خوردا و زهر قاتل را عیان \* زانکه  
صحت یافت و ز پر هیز رست \* طالب مسکین میان تب در است \* (دیگر) \* شمع محبت زدل افر و ختم \*  
هر چه بجز حق همه را سوختیم \* شاد باش ای عشق خوش سودای ما \* ای طیب جمله علمای ما \*  
جسم خال از عشق بر افلاک شد \* کوه در رقص آمد و چالاک شد \* هر چه جز عشق خدای احسنست \*  
کرشکر خوردن بود جان کنند است \* هر چه غیر شورش و دیوانگیست \* اندرین ره دوری  
و بیگانگیست \* عشق آن شعله است کو چون می فروخت \* هر چه جز معشوق باقی جمله سوخت \*  
ودخی و قتل لرزیده غلظه خانقاهنه کلوب باب سما غخانه جوارنده اولان حجره تنگ و تار یکده وحدت  
و خلوت اختیار و کویا علامت حجره لری اولقی اوزره دیوارینه نقش مر قومی رسم ایدوب لکن  
تصویران سائر ده صورت زنجیر اولیموب بصورت واپسین لرزیده قید و بند غما اولمری است کشف  
اولند قده مصور نیز چون مصور اینجا زنجیر اقامت بند فنا خواهد بود نفس انفس لریله قرب انتقال لریله  
اشارت بیور ملری بعد سه سال جلوه کراولوب کند و لرزیدی سمت توجه مردم دیده شیر مصورده چشم  
اخوان و خلاندن نهان و دیده کشای ریاض جنان اولمشلردر و یاران صاحب نظر تصویر شیر حق  
کرارده بیدار اولان صنایع بدیع سه سن یاد و تحسین ایلد کلرنده علی سبیل الهضم و التعریض  
تماشایان بندارند که ماتصویر شیر کنیم نمیدانند که عرض حسب و حال خود کنیم که در صورت شیر  
مردان زندگی رانیم و از دست و پای ما هیچ وجهی آثار مردان نیاید عنوان انصاف مشکونیه  
اعتراف عجز و قصور و بالبداهه بوبیت زیبا ایلد سمند همت همراهانه تازیانه زن غیرت اولمشلردر  
(بیت) \* بی جگر کوسلب و ساز سر اسر باشد \* چون ندارد دهنری شیر مصور باشد \* روح الله  
تعالی روجه و ادام فتوحه آمین بحرمه سید المرسلین \* (حضرت درویش غم) \* عقیب مقابله  
شریفه ده قفس نسوانده پیچیده پلاسپاره بیکسی بولمغله لقیط حضرت رسوخی قدس سره السنی  
اولوب استعدا درویش میدانی نظر شفقت اثر لریله احضار ایلد کده کمال رأفت و مرحمت وهای  
قوزی خوش آمدی عنوان حسن قبول اشعار لریله نوازش بیور و بکنسد و به صالحان دایه تعیین

حضرت درویش غم

اولوب مانند فرزندی صلی برورش یافته و سن رسیده و اولد قلزیده نه کافی السوابق قوزی لفظله  
 لطف خطا بلری اثنا سنده احباب طرافت مآبدن بری این بختیار و نظر کرده حضرت عزیز از در جات  
 حلی گذشت و با وج غمی صعود کرد است نکتة لطیفه سیمیه طیبیت سرا اولنجه خوش کفته بعد  
 ازین غم غنیمت توأم شد و بهمت و حمایت مردان خدا مسؤاست که کیش اسماعیل شود نفس  
 انفس لریله استصواب و تفاؤل خیر بیور ملریله بین الفقرا مدعوشهرت غم اولوب سایه عنایت  
 مایه لرنده آراسته معارف و آداب و شایسته انظار عاطفت اولی الالباب اولوب منقبه نفیسه  
 رسوخیه ده تفصیل اولندیغی اوزره کیش اسماعیل اولد قلری دخی برهان قطعی فدا یله منصفه آرای  
 تحقیق اولشدر \* و دخی اول عاشق سرباز و صادق ممتاز سرافراز رتبه رفیعه قربانی اولوب صد هزار  
 تبکیل و احترامله حالا مدفن منور مرشد لری اولان محل روح و روحان جوارینه وضع اولد قد نصکره  
 حسب العاده اشیاى مختلفه و رویشانه لرین بین الفقرا توزیع ایدوب همیشه مرآت الصنای  
 وقت نشاط و دستنبوی مشام انسا طلری سفینه نفیسه لری دخی حضرت لاقط بزرگوار لری سهمنه  
 اصابت ایتمکله بادی فتح و نظردیه بوقطعه غرا دست خط و اثر طبع بدایع سرالری اولوق اوزره و غما  
 اولغله تهیجیم مر قتلرینه باعث و هبوب سرد باد آه و نبوع چشمه دموع حسرت خیزه بادی اولشدر  
 اول قطعه زیبا خزن فرسا حسن خاتمه ذکر جمیل لری قلشدر \* (نظم) \* نغم انیس غمدر بودشت  
 وحشته \* هجوم کرک اجلدن شنه غم غمه \* غنیمت دو جهان دردم و قدمله اکا \* فدای جان  
 و سرایتمک کبی صمه \* حیا هالحی القیوم بتوارد عنایاته ابداسرمد او تقبل بدل مهجته بقبول  
 یورث الاغنام فی مقعد الصدق و جوار الرحمة الی أن یقی المدد العدد آمین بحرمه من جعل للانام  
 سید اوسندا \* (حضرت درویش مصطفی) \* سیروزی المولد و نظر کرده حضرت شیخ رمضان  
 و آراسته نور مجاهدات و مشاهدات اولوب بعد وفات المربی المکمل موجب وصیت الهامیه لریله  
 عمل و ودنه نام قصبه ده اختیار آرام ایدوب برکات قدم مینت توأم لریله اهالی دیار مر قومه باجمعهم  
 محبین اولیا و مکرمین فقر او مستحلبین اصناف ذوق و صفا اولوب مقام درویشانه لری جلوه کاه فقرای  
 مولویه و جای آسایش گوشه نشینان فقر و فنا اولشدر و اوقات شریفه لری کمال ترک و تجرید  
 و فراغ بال و صفای حال اوزره گذران اولوب کویاتعلق قلوب اهالی ایل و وجود فائض البرکات لری  
 قوالب سکن دیاره روح اضافی اولوب هر کس تقود و اقتدار و اجناس افتخار لرین وقف زاویه محبت  
 و صرف راه و ارادت لری ایندیکی انظار ذوی الاعتبار ده استه کنارا اولندیغی عکس انداز آینه  
 خمار غم لری اولنجه کمال محبت و جمال صداقت فقرا از مرایای دلهای ایشان عکوس رغبات  
 و تمایل علاقات انداخته است نفس نفس الامر یلریله مرایای مظاهر دن نمودار اولان کیفیات  
 اصولی احوال شخوص مقابله اولدیغین اشعار بیور و ب الحجة تجب الارواح و تسخر الاجساد  
 و تجنب التضاد مصداقچه پر و انساکن شمع انجمن ارشاد لرین جمله به مجامله و دقت و معامله مروّت  
 اوزره حسن زند کافی و لطف کامرانی اغتنامه تحریض ایتمشدر \* (بیت) \* قلندر مشرب  
 و ملحد نماش \* به فتاد و دومت آشناش \* چون درین دل برق مهر دوست جست \* اندران  
 دل دوستی میدان که هست \* هیچ بانک کف زدن نایددر \* از یکی دست تو بدست ذکر \* حکمت  
 حق در قضا و در قدر \* کرد مارا عاشقان همدگر \* بوی جانی سوی جانم میرسد \* بوی یارمهر باخم  
 میرسد \* صدق عاشق بر جمادی میتند \* چه عجب کر بدل دانا زند \* و کما قیل الحب حب من  
 زرعه حصص ربع الانس و الانس بضاعة تریح رغد العیش لاسیما اذا کان المنظر محبوبا للظاهر

حضرت درویش مصطفی



\* رباعی \* هر چند که نیست هیچ از حق خالی \* سر در کش و دم مزین چرای نالی \* کز آنکه فرو شود  
 بگلخنی پایش \* سر بر سران گنج برینش خالی \* (دیگر) \* وقتست که دیده بدیوار کنم \* یک  
 ذره نه اقرار و نه انکار کنم \* هر نام نکو که حاصل عمر است \* بفروشم و اندر سر این کار کنم  
 \* (مرویس سکه) \* اول در یادل و ابرنهاد و کان مشربک همیشه عادت حسنه لری کرم و آینه  
 و روینده فقر او غریبه میزانی اوزره اولوب و اقامت مراسم اکرام اضیافده مضایقه عروضند  
 مصون اولوب زندگان ثقلت خدمات مطبخند متفکر اولد قلرنده بالنفس مقام خدمت مطبخده  
 قائم و بی چین جبین عجز و استتقال چند خد امل زمان و افرده جد و جهد کونا کونه اتمام  
 ایلد کلری خدمتی وقت بسیرده علی اسهل الوجوه تکمیل ایدوب شیوه مرقومه کریمانه لری  
 حمل التزام مالا یلزم ایدنلره ایام سیماحت مانویت مهمانی بود و این اوقات اقامت زمان مزین با نیست  
 عنوانیه اعتذار فرما اولوب وصیت کل کرامات و مکشفه لری حوالی کیرا و لمغله اکثر مهمانلری  
 سالک راه امتحان اولوب طبعی لری ویتلرینده جلوه کر اولان الطمه مقصوده لرین مهیا کورمکه  
 و لا یتلرینده دفع اشتباه ایدوب عرفیه پوش انا لری اولمغله مستعد و مستفیض اولمشلردر حتی اثنای  
 سفر خیره قندیده کار رجال دولتدن بری زاویه شریفه لری ضیعی اولوب اکراملری صد دنده نیست  
 و سه مقدار بیضه پخته ایدوب و زرده لرین اخراج و بر طبقه به وضع و خلال طعامده احضار ایدوب  
 تناول ایلد بکنده شمش یا نع شیرین بی حبه ظهور ایتدکین درونلرینده کلمن اولان فکر امتحان لری که  
 آرزوی شمش ایش موسم شمش اولیوب بلکه هنگام پاییز ایکن ساحه آرای بروز اولد یغندن ماعدا  
 اول با کوره نادره نلک حبه دار اولد یغنی حیرت افزا اولنجه این اثر فلاح و لا یت و ثمر شجره کرامت  
 است اگر بی حبه باشد غریب نیست نکتته رائقه لریله پرده برانداز روی کار اولمغله در حال اول  
 بختیار ازلی قید شکن بند علایق و اسیر حلقه دام تسخیر لری والی الوقت المعلوم چار و یکش میدان  
 خدمت پر حرم لری اولوب آخر الامر قبیله دل پر دود و قابیل لری شمع ارشاد لریدن فروزان و خلف  
 الخیر لری اولمشدر \* (ودخی) \* اول پیر خانقاده کاهی زاویه مرقومه نلک باغچه سن اشجار شمار  
 کونا کون و ازهار لونلون لطافت مقرونله باغ ارم نمون و نزهة الناطرین و فرجه الحاضرین  
 ایدوب علی الخصوص ساحه معناسنه پنج فونه لان و کلنن طریقت غرس ایتدکه روضه بهشت  
 آساطا هرو باطنی آراسته طراوت صوریه و پیراسته نضارت معنویه و حسرت النظار و حیرت الافکار  
 اولوب مدت مدیده اول بقعه فقر حفراده اخوان الصفا و خلان الوفا ایلد اوقات صافیه گذارا اولوب قیل  
 الانتقال حالا مدفن روح و روحان زار لری اولان مقام رحمت و منزل راقلک سمت راس و قدمنه قامت  
 استقامت نهاد لریله مساحه و ایکی کلین رعنا غرس ایدوب و روز بروز تربیه و تنمیه لریله اشتغال فرما  
 اولوب او خنجر سینه ده هر بری رخساره دلبرانوش و دهن محبوبان آسا کالر و غنچه لریله خنجرین  
 اولد قلرنده تبر کاجله احبابه دستاویز ایلد کربند نکره باقی قلانی بالنفس چیده دست اهتمام ایدوب  
 و کلان اخذ و اوراق حفظ و اینها لازمه آخرین فقر است عنوانیه اقتراب انتقال لرینه اشارت ایدوب  
 فی الواقع کما اشار ظهور ایدوب اول کلاب و اوراق جنوب جنازه مر حومه لرینه صرف و جسد  
 شریف لری ثالث ثلاثه کلنن مرقومین اولق اوزره غراس روضه رضوان قلندردن الله تعالی  
 باستشمام روائح ریاحین ریاض کله علی مشامات الطالبن المستشقیین افواج رحمته فی حالهم و ما لهم  
 بحرمه سید الثقلین و آله آمین یا حنان المنذنین و یا منان التائبین \* (حضرت درویش سکندر) \*  
 دیار روم ایلیده پرشته نام قصبه ده خاکی و اولاد زعماد و صاحب اموال و عتار و مالک بضاعه

حضرت درویش سکندر



وافره بسندیده اطوار اولوب ناکاه مشرق دروندن اشعه انجذاب حزب اولیا تابدار و کرمیت  
انتظار انتظام سلاک طریقت عنانربای اختیاری اولوب برشب پراعتبارده ترک دار و دیار  
و غیبت چشم یار و اغیار ایدوب کوه و صحرانورد اوله رق دارالولایه قونیه حرمها الله تعالی  
عن الحوادث المسکدره میزبان اولوب حسین افندی حضرت تلمی نظر شفقت اثرلرنده تجرد قبا و تلبس  
عبایله و تحمل خدمات آستانه سعادتله متوسل منزله تشریف کیمیر خدواند کازی و همرنک  
در ویشان مولوی و میدانی خدمتله شرفیافته تخصیص اولوب بعد برهه من الزمان بقعه نزهت افزای  
دور و دده زاویه دار اولوب زمانلرنده زاویه دور و خانقاه بلندارکان جمعیت هنرمندان اخوان اولشدر  
حتی کنار دور و دده سباط فقرار سمنده عرعر هجده و استقامت خلقت و ثبات طینتدن نشانه  
اولوب ایام صفوت انجما لرنده هر یای عرعر بر سرور جانپور و درن خالی اولوب اول زاویه حاده ده  
عبشه منفرجه و همدان تجرد پیشه ایله قائمه اولوب نظام حال و صفای بال و حسن مآل لری رشک  
زند کافی اسکندرانی اولشدر که انلره دست داده اولان دولت بی منت و دغدغه حسرت و دلتیان  
صورت اولغله ستایش کتان و شناسنجان ذوق و صفای نینه بر سبیل تحذیث و مطایبه بیونان دواسکندر  
آمدیکی بحسرت و تشنگی آب حیوان رفت و دیگر در طلمت طبیعت ز آب زندگی معرفت سپیرشد  
و بحیات ابدی پیوست که نام یکی اسکندر فیلقوس رومی و نام دیگر اسکندر مولانای رومیست عنوان  
پرشکرانسیله مباحات نفس الامر ییور مشلدر که فی الواقع اسکندر اولک اوقاتی جنک و جدل  
واسکندر نائینک ایامی صلح بی بدل ایله کذر ایدوب نهایت حال لری ملاحظه اولند قده \* (بیت) \*  
چو آهنگ رفتن کند جان پال \* چه بر تخت مردن چه بر روی خال \* مصداق بجه نائل سرمایه صفای  
وقت اولانک مغبون اولدیغی بدیعی و جلیدر و خرج و صرف لری خزانه غیسدن اولدیغی ارباب نظر  
عندنده ظاهر ایکن و طنلرنده اولان املاک و عقارک منافعی اولق اوزر ره و پیوش طریفانه اتخاذ  
ایدوب چشمار وی دادوستد ایله دخی سدر راه مدت نکاه حساد فساد ایدوب کامران عیش خوش  
اولشدر و نوبت همت اکسیر ثولرنده اول جلوه کاه نادر النظر دار الضیافه پیر و پرنانوز نهنسرای  
عرفا و طرفا اولغله کاهی بالکلیه مطبخ برک و نوالری حمله صبر و قناعت اولد قده خادم دخل و خرج لری  
دست بر سینه پیمانه عرضه حال تدارک اولد قده این بقعه فقر و فتنای مابصره دور و دبرک و نواست تا این  
دور و دمدم بمرجیانست آن دور و دفیض و بسط همانست نفس تسلیت بخشایله ارشاد و تبشیر لری  
در حال و رای پرده خیال دن عرض دیدار بسط فتوح الوانله مؤید اوله کلدیکی مشهود به اکثر  
اخوان زمانمز اولق اوزر ه تلقی اولشدر و قیل و داع برزم فانیلرنده ایام کثیره عامه فقر و احبابی  
اول مجرای دور و دنم ظاهره و باطنه روز و شب اکرام و ضیافت نوبت اخیره جمعیت خاصه لرنده  
عین الجمع اخوان الصفا ایله معا آستانه کروی آشیانه یه نقل خالک انداز اقامت ایدوب تمام اربعینده  
حجره خلوتلرندن روضه الارواح عاشقان مولوی اولان دارالقراره رختکش راحت اولوب مقام  
عالی لری کوچکان جللی عبد الحلمدن نظر کرده و خادم میدان لری اولان درویش ابراهیمه نظر اولنوب  
انلردخی ریزه خوان احسان روحایتلریله الی آخر العمر کامران اغتنام و مأمون الغائله اندیشه خام  
اولشدر نور الله تعالی وجوه عیسه فی الآخرة کما انار عیون شهوده فی الشفاء العاجله آمین یا مفیض  
الایادی علی العابره و العابره بعزقه من له الید العلمی فی المعجزات الباهره \* (حضرت درویش سید  
عبد الاحد) \* عتایی المولد و خاندان صحت نسب عالی منش و اولاد نجابت نهاد مشایخ کرام طریقتدن  
اولوب کویا اول خارزارانکار و اصرارده برکل رعنا یو یا یکن جوار پر آزار سکنندن بزار و عاطف

حضرت درویش سید عبد الاحد

عنان اختیار سمت هجرت اولوب مدت مدیده جانب حرمین الشریفینده کوشه نشین مجاورت وبعد زمان رومل سده سعادت کعبه العشاق مولویه واول مهبط انوارده دخی عهد بعید منزوی و معسکف حجره ریاضت و مجاهده و روشن دل صاف و قریب العین مشاهده اولوب آخر الامر و رای پرده خفادن بیدار اولان امر عالی موجب بجه دیار روم ایلیده اسکوب نام بلده الصادقین نکبها نلغی خدمت شریفه سنه تعیین اولنوب اقتضای مصالح خفیه ایله اول شهر پر مهره توجیه صدق عزیمت و تحریک جناح نهضت ایدوب بامداد شهر تیله معروف بقعه مبارکه ده مقیم کین انتظار و اوضاع پسندیده و اطوار حمیده ایله انکشت نمای اشتہار و مستعدای پیر و جوان و مظنه کرامات و متوجه صغار و کبار اولوب لیکن افراد آفریده دن قبول ندور و هدایا ایتوب کمال فقر و قناعت و استغنا ایله جلوه نمای میدان استحسان اولی الاعتبار اولشدر و دخی منوال مشروح اوزره اوقات لطیفه کذار و یکدمه محبتلری حسرت العرفاء دیار ایکن ناکاه امرای بی انتباه دن بری شدت تهو رجا هلا نه ایله بر مظلومک خون ناحقنه جرأت فرسا اولوب بعد وقوع الجریعة المدهشه روح مظلوم مقتول قاتل ظالمه مسلط اولوب هر خواب آرامه وار دقده تیغی زنه ارله اوزرینه هجوم ایتسکه بیدار مرعوب و سبات نوم یکسا عته حسرت اولوب یوما فیوما کندویه ضعف مستولی و مشرف هلاک اولغله سوبسوار جوی اولدقجه المی زیاده پذیر و طرف استدغایه التجانا کزیر اولوب حضرت سیدده ده جنابنه دخی فوق الغایه ضراعت کستر اولدیغندن انلردخی مراقب حال و متوجه مال اولملرله عالم خیال دن عرض جمال ایدن مبشره صادقه ده حضرت مولانا قدس سره الاعلی جناب ولایت مآبک بارگاه کرامت لرین ساحه سرای امیر مر قومه صرب اولمش و براق عرش پیمالین پیشگاه بارگاهد برین سپرمه شکافه مربوط و خرب درویشانی دخول و خروج اوزره مشاهده ایتده ضمیر الهام سمیر لرینه سانخ اولان معنای بشارت بقاء علی السکر امیر مر قوم منزلتی تشریف ایتد کدرسم اکراملری تیتیمند نصکره لهجه پر حجه مرده رسال لرندن صورت واقعه تقریری عقیننده اکران خانه را بقرای مولانا ساری و لازمه او از اموال سائر ه وقف و مهیاداری بهر حال ازین ورطه پرمال لرهای بی عنوانیله تعبیر و تفسیر لری حیات نازه بخش اولوب همان ساعت قاضی بی احضار ایدوب و قفین تسجیل و ذات ستوده صفا تترین متعالی و تسلیم متولی و کندوسی منزل آخره نقل ایدوب بفضل الله الشافی و برکات اولیانه مبتلا اولدیغی شهر و سرسار مدن عافیت یاب اولوب اول مسکن عوام دخی بو بهانه ایله معبد خواص والی انقراض الدوران اول صدقه جاریه آثار جلیله سنندن مستفید اولوب سیدده ده حضرت تلمری هدایای بهیه ایله و نیازنامه استخلا فله آستانه حضرت پیر قدس سره المنیره ارسال اولنوب تربه دار حسین ده ده حضرت تلمری استخلاف اولنوب مقرر خلافتنه واصل اولدقده بار توبل تی دوش اهتمامندن شیخ مر قومه تحمیل و کندولر خدمت مصرف مطبخ ایله تخصیص بیوریلوب الی آخر العمر زنبیل بازار روان پشت و دوش تحمل لرندن دو شمیوب نود ساله ایکن دخی نو نیازان رجا مند آسایشلری اولدقجه ابن خدمت پر حرمت سرمایه ماست که ابن نباشد سرب میانه ماند عنوانیله اعتذار تقریر ایدوب خدمت مر قومه و طیفه ادنی خدام مطبخ ایکن کندولره سرمایه سلامت جاودانی اولقی اعتقاد ایله اقدام مدت الحیا ایتش لر در و ایام برف و باران و شدت شتا و وحدت صیفه ده دخی فرد و احد ک امداد و اعانتنه راضی اولیوب او ان تضاعف ضعف پیریده کافی الشباب بلا عجز و قصور تکمیل خدمات لازمه لری کندولره کرامت عظام اعد اولمشدر و ارباب ابتداء اصحاب اقتداره نازیانه غیرت و ارشاد اولشدر \*(نظم)\* بهر خدمت هر که بر بند میان باشد از آفات دنیا در امان بنده چون خدمت

مردان کند \* خدمت او کند \* کردان کند \* خادم ترا هست در جنت مآب \* روز محشر بی حساب  
 و بی عقاب \* کرچه خادم غاصی و مفسد شود \* بهتر از صد عابد مسلم شود \* هر خدمت هر که می بندد  
 کمر \* از درخت معرفت باید ثمر (دیگر) بایه بود \* مهان حرمت درویشانست \* مایه سود کهان  
 خدمت درویشانست \* آنکه اهل خیر اکسیر سعادت گویند \* آشکار از نظر همت  
 درویشانست (دیگر) خدمت مردان مخدومت کند \* حرمت دونان محرومت کند \*  
 صحبت اختیار مر جومت کند \* الفت اغیار مر جومت کند \* ودخی اول یگانه کار تجرید  
 او آخر عمر نازینارنده بر صالحه فقیر تا بینا یله عقد از دواج ایدوب جمله ضرورات بشریه ده دستگیر  
 و قائد عصای اولوب دمبدم خدمت نوازش خاطر کسیرینه کمر بسته اقدام اولوب هر چند اخوان  
 صداقت نهاد آوان پیریده بومقوله بار کمران و التزام مالا یلزم تحمل و اختیاری باعث تسکدیر  
 صفای وقت و بادئ زوال فراغ بالدر دیوترک غائله مر قومه به متعلقه کلمات ایلد کلرنده این شکرانه  
 آنست که در اوقات عجمای باطن مامشفقان مر شدن قائد عصای مایودند و بهر وجهی که لازمه همت  
 مردانه ایشانست کرم و دلنوازی و شفقت و مهر بانی بجای آوردند تا از عصا مستغنی شدیم و بینای  
 راه خود کشتیم پس هر چند و هر که که آن کرمها و عنایتها سیاد می آید شوق کشیدن این یار میفرزاید  
 مسئولست که هم بهره مر آه باغیه ساقیه سل تشنه میباشم و مغفور و مرحوم شوم و ارحم ترحم  
 اعضای نامه اعمال این سیم کار و تپه روز کار کرد عنوان ارشاد تضمینیه تمسکن و تواضع فرما  
 اولوب تا عاجزه مر قومه حیایانده اولد قجه و کند و لر وفاتنه دکن اول مجامله مردانه لری در کار و سر مو  
 خدمت تطیب قلب منکسریده تمهون و نکاسلدن ذمت هم تملری بری اولمشدر \* (نظم) \* خیر کن  
 با خلق هر ایزد \* از برای راحت جان خودت \* بنده کن دارنده لایب خوی او \* مشکهاشان  
 پر ز آب جوی او \* آن رسول حق قلاوز سلوک \* کفت الناس علی دین الملوک \* برسکاکم رحمت  
 و بخشایش است \* که چرا از سنکهاشان مالش است \* زان بیاورد اولیا را بر زمین \* تا کندشان  
 رحمة للعالمین \* آنکه خندان دیتیم خسته را \* باز باید جنت در بسته را \* برضعیفان کر بخشایی  
 رواست \* کین ز سیرتهای خوب اولیاست \* تا توانی تشنه را سیراب کن \* در مجالس خدمت  
 اصحاب کن \* ودخی اتنای اسفاران کمر و سیه ده محصلین اموال سلانیکدن بری تقود و افره  
 و اجناس مشکاثره یله تقریر منصب و احراز ترقی صد دنده و بر راه آوردی همایون اولوب شهر اسکو به  
 نازل اولد قده مشوئ شریفدن تقاؤل قصیده مجلس مقابله لطیفه حاضر و ظهور مافی الضمیرینه  
 ناظر اولد قده بحکمة الله تعالی ماجرای حال و مآل جعل و تقریر آغاز و انجام جامعان حطام دنیا  
 سر زده اولغله کند و به انفعال زائد الوصف طاری اولوب استمداد و استمداع طریقه سیدده ده  
 وحدتخانه سینه باریاب دخول اولنجه نیل فتح الکلام القول ماقاله العزیز قصده مصداق قجه عزیمت  
 غیر صائبه سندن و کردان اولنرایسه خوف هلاک مقرر اولد یغین تصریح و پوسته ادبار ده جمله بی  
 نخس مطبق مستوعب و مخالفت اشارت معهوده قهر و تدمیری مستوجب اولد یغین تا کید و سالتما  
 رجعت وطنه تنبیه بیور ملین اصغالاتیموب هر چه باد آ باد یله مسارع صوب مقصود اولغله بیچاره  
 عقبات هائله جاده بلغر اده مقبول و اموال و ارزاقی غیب و غارت اولد یغی سموع اولنجه جمله حسن  
 انتقال لایزیه آفرین بلذتی پردتور به تلقین واقع حال بیور ملینه تحسین ایدوب نفس بنده آیت  
 تا کید عقیده و بندد شکرانه امارت اعتبار اولمشدر \* (نظم) \* من برون کردن و ام نصح \*  
 جز سعادت کی بود انجام نصح \* من تبلیغ رسالت آمدم \* تارها غم من شمارا از ندیم \* هین

مبادا که طمع رهنان زند \* طمع برك از بختانان بکنند \* ای اولیای حق را از حق جدا  
شمرده \* کز ظن نیک داری دارا و لیاچه باشد \* هر که او بنظر بنور الله شد \* از نهایت وز نخست  
آگاه شد \* من عرف الله لا یخفی علیه شیء \* و دخی اول غرقه لجه مکشفه روز وقوعه انحرام عسکر  
اسلامده پی اندر پی کریمه و ناله وزاری ایدوب بعد الوقوع ای وائی شامت مقدم ساده دلان و دولت را  
بر یودیوانه و تبلیس ابلیسانه رپوده خود کردی و روی استظهار و اعتقاد ایشان از جوانب فریاد رسان  
مستایان گردانیدی خویش و ایشانرا خراب کردی عنوانیه صادر حسرات و عبرات و عبارات افسوس  
انگیز لرین کوش این اصحاب تجربه وضع تاریخ ایدوب بعد مرور ایام اخبار انحرام تزلزل انجم  
توار دایلد کده وقت وقوعه فرجه و ساعت پیکتاب زائد الیا نلری مصادفه سی فزیل اشتباه احاطه  
قوت مشاهده لری او لشدر و روز بر و زاستیلای اشقیای انکرو سیه ممالک اسلامیه به سرایت  
ایتمکله سکن ممالک و عامه قطان مدن و امصار و کفته طوائف عسکره و اهمه غلبه کفار خاکسار  
دو زخ قرار و جهات عمیده دن هجوم اصناف باطله اطراف مملکت به دغدغه فرسا اولوب بالکلیه  
روی قرار لری سمت فراره متحول اولوب حتی محمیة اسکوب و اطراف بیکیاره پامال تاخت و سوخت  
اولی جلوه کمر آت سرائر غلری اولنجه قیل الوقوع از دیدن ماتم امت مرحومه و شنیدن وقایع  
مالایطاق ایشان شتابان مطموره خموشان بودن آسانست نفس زنده لر به رخز اقتراب وقت فوت لرین  
سامعه رسان محرمان اولوب و خانقاهلک آشیجی باشیلرین جبره خاصه لرینه دعوت و جمله اشیای  
موجوده لرین فقرایه انفاق و مصارف تجهیز وقت کفن لری ایچون دخی مبلغ معلوم تسلیم ایتلری  
عقبنده فی الحال تجدید و ضرورت وجه سمت قبله و شروع ذکر اسم جلاله و انشای ذکرده سجده بر محراب  
نیازی انباز کار ساز اولد قلری حلاله طوطی روح و انلری قفس عنصریدن آشیمانه از لی به پرواز  
ایتمشدر و خبر فوت ناگاه لری سوامع احبابه و اصل اولد قده هر کس تکلفات و افره ایله خدمت  
و ایتیلرینه مسارعت ایلد کده آشیجی باشی جمله به عذر آورا اولوب و صیتلری موجب غم و دیعه لرین  
مصرف لرینه صرف ایدوب استغنائی مردانه لری مستوعب اول و آخر احوال لری اولمشدر فی الواقع  
وقایع مر موزده لری بعد زمان ممالک مر موده ابرمحن و عنایاران بلا اولد قده احیایم واته  
رشکین و اصحاب عز و تمکین رهیده قتل و اسرا و لسلری بیابان ذل و غربت پر کربنده خوار  
و مسکین اولمشدر و بوقه بر تقصیر دخی و ان سیر و سیاحتده صحبت مفیده لری ایله مغتنم اولوب  
روز و شب مترصد احوال لری اولد یغمده ایام لرین خدمات درگاه اولیا و الیا لرین عبادات و طاعات  
و مناجاته محفوف و مشغول معاینه ایدوب و مهابت و تمکینده انشای عصرینه فائق مشاهده ایدوب  
حتی عمر لری اولان اسواق اهالیسی هر توبت مرور لرینده ملوک و وزیرایه ایده کلری قیام احترام  
اوز ره مستمر اولوب و جمله علما و مشایخ و اشراف و اعیان اوقات ملاقات لرینده دستبوس سیریلرین و تبرک  
ایتلری اصلا صفات ضعه و مسکین لرینه مقدار شمه تغیرده اولوب و قدم برکت توأم لر به کازه  
صاحبه عاجزده محبتعه اولان الوان نعمدن ارامل و ایتام محله لری مستفید اولوب اول دخی مسلاک  
سیرت انفاق لرینه سالک و جمله موجوده کاشانه لرین فقر اوضاعه تفهیم ایدوب اربعین رحلت لرینده  
مسافره منزل بقا اولمشدر و میامن صحبت مؤثره لر به انکشاف بصیرت لری تحقیق اولمشدر و رجها  
تعالی رجه محیطه و نور مدفن ما باشعه عنایاته الظاهره و الباطنه مادامت الافلاک و المصایب  
دائرة و زاهره آمین یا مجیب الداعین بحرمه من تمنح له الشفاعة العظمی یوم الدین \* (حضرت  
درویش مظلوم) \* عید مقوله سی اولوب بعد العتق تکریر رق ایدوب کند و بی مساعدت علیه

حضرت درویش مظلوم

سابقه عنایت ایله سلاک بندکان حضرت خنکسارا کبر قدس سره ازهره نظم ایدوب بقایای عمر  
 واققدارین خدمات در کله رینه وقفه طوق عبودیت دائمه لرین کردن جان مسته امنه زب و کلاه  
 وخرقه انابت وارادترین اندام آزادبزار لرینه زبور ایدوب و اخر وقت بلرنده حسرت الفقرا اولان  
 خدمت بر حرمت تربه داری ایله سرافراز تخصیص اولمشدر و آزاده سر در درق و سر بلند کلاه انباه  
 اولدقدنصکره اعتبار رفتار فقرادن متأثر و طالب مطالب عالیه علم و عرفان اولوب توفیق الفیاض  
 الوهاب و برکات انظار حسنه خیر خواهان و میامن همم بی منت درویشان ایله صرف بضاعه اقدام  
 و اعمال تقدینه قابلیت و اهتمام ایدوب زمان یسیره سودمند فواید کثیره اولوب حتی بعض مرتبه  
 نظم فارسی و ملعانه اقتداری حاصل اولوب تربه دارلق عنایتنه مظهر اولدیغی سرور نا محصور  
 اقتضاسیله حسب حال نیاز مالی اولوق اوزره پنج بیت انشاد و دست خطیله نشین تربه داران اولان  
 محل رفیعک دیوارینه ثبت ایدوب زوآر آستانه سعادت مدار اعتبار و مناط رعایت آداب اولمشدر که  
 و شاح الصدر منقبه شریفه لر قلمشدر \* (نظم) \* هجودرت خلقه بکوشی مرا \* به زشمن شاهی  
 هر دوسرا \* بند مظالم ایشاه دین \* ظالم نفس یکش ودهرها \* تانکشد کین خود از جان من \* تانبرد  
 رخت سلامت زجا \* دیده بدرگاه توام هر نفس \* سایه دیوار توام ملجأ \* کیدهی داد دلم زان بلید \*  
 پس بدر که برود این کدا \* (ودخی) \* اول دردمند بیچاره اسپردام رق ایکن کرم و سرتکلیفاتله مبتلای  
 اسقام اولوب بعد الاتحاق بالطاقتة العلیه تدای صد دنده معتاد درد واحد کالاف افیون اولوب  
 لکن بعض اوقات خالیه عن الانتباهده نشئه غدا ی عنبریم رسید عنوانیه اظهار نشاط و اعلان  
 انبساط ایدوب اول صفای وقت برکات سایه عنایت مایه مردان آلهی اولدیغندن تعامی و تغافل  
 نما اولملری کستاخلغنه ایقاف و پیمانچه اعتراف و شکرانه توقیف بهانه سیله و رای پرده صورتدن  
 جلوه کراولان روی واقعه هائله که کندونی مبعوثین اموات میاندده مشاهده ایدوب و هر کر وهی قافله  
 سالار لرینه متابعت اوزره عرصه عرض اکبره شتابان معاینه ایتد کده گروه پرشکوه مولوی سلک کنه  
 انتظام مراد ایدینج حضرت سلطان العاشقین و پیشوای عارفین جناب ولایت مآب طرف باهر  
 الشرفندن طرد و دفع اولوب باریاب الحاق و مرخص انضمام اولما مغله خزن و کتیب نالان و فریاد  
 گان جست و جوی فریاد رس اوزره ایکن گروه بگاشیه ظهور ایدوب اول طاقتة انبوهدن استمداد  
 واستشفاع اثنا سنده پیشقدم طریقت مر قومه اولان حاجی بگاش ولی قدس سره العلی حضرت نلری  
 خواص اخوانیه حذای دردمند مدفوعه کلد کده احوال پر ملال و کیفیت انفعالنندن لطف  
 بشاشت و شفقتله پیرسان و واقف سر آه وزاری و کفل جمع شمل کاری اولوب حضرت پیر قدس سره  
 المنبر ایله هم رکب اولدقده اولاول قتاده خالک حسرتی شفاعته مبادرت ایلد کده ابن کفران نعمت  
 صفای وقت هرگاه که بامداد روحانیت و افاضه سرانیه ماخوش خاطر و پر بسط و غرق جوش  
 ذوق باشد دست بدست میزند و کیف حب عنبرین افیون پرافسون رسید میگوید و بالکلیه فیض دائره  
 مردان خدا را منکر میشو د پس بگوید اورا که درین نشئه نیز از افیون تبرمندد و بخواهد و بقافله  
 افیون بیان ملحق باشد عنوانیه صادر اولان تو بیخ غیبی و تمیدید لارییدن هر اسان بیدار اولنج به هر نوبت  
 استعمالنده مثقالدن زیاده غدا یله تسخین دیک معده به معتمد ایکن دفعه قطع و هر چه با داباد ترک  
 استعماله خرات ایدوب هر غمقوله همکاران کندونی زجر و هلاکته توهم و تخویف ایلد کارنده  
 از جسد ای قافله آن سلطان دین هر چه باشد ستم است اگر مرگ مفاجاه هم باشد مضمون اخلاص  
 مشکونیه دفع ایدوب بفضل الله تعالی و بهمت اولیا الله هم استلای مرمر قومدن ثبات یاب

هم مقدار ذره وجود صداقت اندودینه عذر و کسل عارض اولیوب بلکه او ائلدن ازیدغرق ذوق  
و نشاط و صحت و عافیت و صفای وقت و خاطر خوش ایله ممنون و مغتنم اولملری صداقت و رزان سائر  
سرمایه غیرت و ترک مألوفات طبیعیه ده قوت ده قلب و جلادت افزای قالب اولمشدر والی آخر العمر  
درکه عنایت دستکهلرنده صبح و مساحدات علیه تریه فردوس رتبه لرله بر خوردار و ذخرا آخرت دار  
اولوب علت رحلتلرنده دخی تکبیر زن عتبه علیالری و آخر نفسلرنده نشئه یاب پیمانه شهود لری  
و مستغرق حالت فنای کلی و مستظم سبط تریه داران اسلاف اولوب امارات سلامت مالله عبور قنطره  
انتقال ایشدر رحمه الله و نور ضریحه و طیب عیشه فی روضه العفو و الغفران بعز من له الرجحان یوم  
المیزان \* (حضرت درویش کولوم) \* فی الاصل حاکی لارنده و اولاد فقر ای مولودین و بطن مادرده  
محرر خدمت معتکفان آستانه کروی آشیانه حضرت و والده سلطان علی تربته الروح و الريحان و نام  
نامیلری سلیمان اولوب اوقات شبانی وقف رفت و ر ب در که در درمندان پناه مرقوم اولوب روز و شب  
آشنایی روحانیت گذشتگان طریق خنککاری اشتیاقیله نالان و کریان و سجده بر کوشه محراب اجابت  
دعوات محتاجان ایکن ناکاه و رای پرده جهات صورتدن سیرت ممثله حضرت سلطان دیوانی قدس سره  
النورانی و نغای نوازش اولوب دست کرم پیوست کرامتلرنده اولان بر قطعه فی بانوای کندویه احسان  
بیوروب برو سیر مقامات کن و ازدم هوجده امشوعنوان ارشاد نشانلریله تنبیه بیهلری دماغ جان  
مشتاقلرنده ولوله انکیز انجذاب در کهلری اولغله هزار شوق و اخلاصله آستانه سعادت حضرت  
بیرقدس سره المنیره ر و مال و جبهه سایی و چند ماه اول حسرت العشاقده دخی اجرای مراسم صدق  
انابت اثنا سنده دمکش آهنگ فی نوازی و سمع موسقیده فائق الاقران و بلبل کاشن حالات اخوان  
و نشئه یاب جام فنا انجام عرفان و حضرت نحر الرجال و ذخرا لابدال دیوان ذوق و صفاء رکائنده  
الی آخر العمر سر نیزان و طرب و جد و استغراق بخش اخوان و خلان اولمشدر و همواره آشنا  
و یکنانه یه تازرو و جرب و نرم کو و شهد و شکر خوا و لغله تعبیر دلفریب کولوم اوقات مخاطبه ده التزام  
کرده الهججه بر هججه مشفقانه لری اولغله بین الفقرا اول شهرت دلپسندله معروف اولمشدر و منقبه  
جلیله مصطفاده تفصیل اولندیغی اوزره تعلیم و ارشاد لری ایچون ابوبکر افندی حضرت تلیرنک  
بغداددن تشریف قد و ملریله تبشیر بیورملری سر یعا و عاجلا کافسلاق الصبح هویدا اولسی دخی  
صاحب الکشف اولمرینه امارت باهره اولدیغی بی سائیه اشتباهدر \* (ودخی) \* مناقب و مفاخر  
حضرت سلطان سماعی قدس سره العزیزده سابق الاراد اولان وقعه حریق و تعمیر تریه شریفه لرنده  
کولوم ده ده حضرت تلیرنه اخراج دفتنه پایگاه صندوقه محترمه لری و تجدید دائره حریق زده لری و دفع  
مداخله اجانبی حاوی صادر اولان اشارت علیه لری علی ماهوالاتی مرغی و مؤدی اولدقدن صکره  
شکرانه استخدام و اتمام اولق اوزره عین الجمع اخوانی کولر نام قریه مشروطه اولاد کرامده چند روز  
ضمیافت ایدوب و نوبت اخیر ده پیمانجه نیاز قبول خدمته قائم و رجامند کلبانک اولنجه مساعد  
کریمانه خلیفه و قتله کامران اولوب و صله رحم توریه نظریفانه سیمله وطنه حوالت جو اولملری دخی  
واقع حیز قبول اولدقدن جملة اشیای الرین فقر او جیرانه تقریق ایدوب آماده سفر وطن ایکن ناکاه کل  
زیبای وجود لری متأثر سر دباد علت اولوب تدای صد دنده اولان یارانی کولوم پشمرده خواهد شد  
نفس تعمیه پرداز لری ایله تلاش معالجه دن منع بیورملری دقیقه سی یوم تاسعه فوتلریله منصفه پیرای  
ظهور اولوب مکر وطن معنوی لری طرفه صله رحم روحانیلرینه ایما بیورمشلر ایش و بطریق التحلیل  
پشرا فطیله بقیه و قتلرینه اشارت اولندیغی نمایان اولوب عندلیبان کاشن محبتلرین اسیر فریاد هجران

حضرت درویش کولوم

حضرت درویش بلبل

ایدوب کند و لر مظهر بخانه قدسده نغمه سرای انجمن عشاق اولش لر در طوبی له و حسن مآب بشری له  
و طیب مقام جعل الله تعالی وفده تحت ظل طوبی فی دار السلام \* (حضرت درویش بلبل) \*  
استنبولی المولد واسم شریفی مصطفی و ابنای ائمه جوامع سلاطیندن اولوب مجالس لطیفه قرائ  
عصر و اوان تلذذ قرائت و طفولیت لرنده جودت قرائت و حسن صوت لرینه بناء بلبل شهرت یله تلقیب  
اولوب عنفوان شبها لرنده حاجی احمدده خدمت شریفه لرینه منجذب وزیر جناح تربیه لرنده فائز  
اخلاق حسنه و حائز آداب خریله و راقی مراتب عالیله اولوب بعد وفاته قاری احمدده خدمت لری سایه  
همه لرینه التجا ایدوب بین الفقرا مظنه حسن سلوک اولمغله ملاحم قنرات منع سماع و صفا و سرایت  
فتن وانی پر زرق وریا اثنا سنده مدینه کوزل حصارده متعفن اولان حشرات انکار و اول دیار قدیم  
اخیارده تسکون ایلیمان اشرار اصرار فرصتیاب اولوب مدینه مغله ده خانقاه حضرت شاهی خلاف  
شرط واقف اولوق اوزره اجانبه توجیه اولمغله اول سیئه و خیمه کوزل حصاره دخی سرایت  
ایتمه کله مشایخ شواخ المراتب خوانق دارالدوله به مورث حمیت اولوب بالانخاد شیخ الاسلام وقت  
اولان منقاری زاده به افاده مال غدرا یلد کارنده عذرا ایدوب اشارت سابقه سن نسخله یله خانقاه  
مولوی اولوق اوزره اشارت ناخنه سی ایه عمل و درویش بلبله توجیه اولوب و تقریر مرقوم اوزره  
حضرت عبدالحلیم افندی طرف باهر الشرف لرندن دخی زاویه دار نصب و تعیین بیوریلوب اول زاویه  
حاده به ممت مردان خد اعیش خوش ایه کامران اولوب زاغان و کلانان دنیا و هوادان دائره  
کشن صفای و قتلرینه خار آزار القاسنه جرأت اید نلر شاهبازان حقیقت جنکلی سیاستنده هالکه  
اولوب آخر الامر پیرامن کرد ترددری اولمغله کف لسان آزار و قصم ید اشراره اتفاق اولمغله زمان  
میمت اقترا نلرینه سیما خان فقرادن نزیل بقعه مبارک لری اولنلر مصالحه اثر شمشیر خونبار لر یله  
مأمون الغائله آسایش چندر وزو آرامش سایه صحبت دلفروز ایدوب بومقوله خار زارده اول کل بلبل  
نمانک شکفته نسایم لطف و انبساط اولمغله حیرت زده اولد قلرینه و اول بلبل کلزار اصرار ک دیار  
آخردن میانه اخوان و خاندان آشیان ساز اولمغله راغب اولمغله معلوم ضمیر منیر لری اولنجه \* (نظم)  
جاهل ارباقو غماید همدلی \* عاقبت زحمت زند از جاهلی \* مهربانه مهر خرس آمد یقین \* کین  
اوه راست و مهربانست کین \* بیت شریف لر یله استدلال و وحشت اهلای حصن حصین سلامت حال  
و مدار صفوت و قنلری اولدیغین تعیین ایدوب با این همه خشونت و رعوت سکان دیار جمله ایه  
\* (بیت) \* هفتاد و دو ملت شنود سر خود از ما \* دمسازد و صد کیش بیک پرده چو نایم \* مضمون جمع  
الجمع مشحون یله معامله بالجماله بیورملری مجاهده مشاهده افزاری اولدیغین تصمیم ایتش لر در  
فی الواقع صعوبت ابتلای خلاف جنس مصر مصر اشد مکایدات و اشق ریاضات اولدیغی میانه زاغانده  
اولان بلبل و مابین کرگنده بولنان آهوانک حال زارینه امعان اربابنک نظر لرنده دمدم استعاده  
اوله جق بلیات صبر و تحمل کدازدن اولوق بی پرده اشتباهدر نسبت تعید بالله الدافع الحفیظ من سوء  
القضا و لو طرقة عین انه هو المغیث القوی المجیر \* (نظم) \* کارما از خلق شد مار ادر از \* چند ازین  
مشت کدای بی نماز \* تاغیریم از خود و از خلق پاک \* بر نیاید جان ما از خلق پاک \* این جفای خلق  
باتودر جهان \* کردانی کنج زار آمدنمان \* در شب تاریک بس نیکی بود \* آب حیوان جفت تاریکی بود \*  
من بحر اخلاقی بگزیده ام \* خلق را من دزد جامه دیده ام \* نیم عمر از آرزوی دستان \* نیم عمر از غصه  
های دشمنان \* جبهه را بر آن کله را این ببرد \* غرق بازی کشته ما چون طفل خرد \* (ودخی) \* اول  
سواد و حوش و مجمع سبع و مر دحم انعامده تحمل ایلد کاری بلیات آزار بیرون حیطة شمار اولوب

لکن یوما فیو ما اشتداد واستیلاری ترقی پذیرا ولوب سرحد کماله وصولی پوصورتده جلوه کراولشیدیکه  
کندولر و خدا ملری سلام الاهدن و معاوندن ممنوع اولد قلرندن ماعد اخلوختانه لرنده روبدیوار  
وحدت اولد قلرنده دخی سلامت ممکن اولوب مدارسک مزابللی صحن خانقاهه القاوسنسکسار  
و شتوم مغلظه و تکفیر و تفسیق کونا کونله ایدانه جرأتلری مفضی ضرب و جرح و قتل اولقی مفهوم  
اولشیدی بالاقضاسدر مق تعیشله اکتفا ایدوب و در خانقاهی سددوچلر و زمرتقب فتح ناگاهی  
اولد قلرنده بفضل الله الدافع المعین بر طاعون بی امان بطله طلبه یه بخصوص رایت افراز تدمیر  
اولوب بآجمعهم مقهور و مدمر و ابواب مدارس مسدوده و اساس جور و اذیتلری مندرسه اولد قدده در  
خانقاه کشاد اولوب بفتح برکاتیله سفهای سائر مهکندندن دخی امین و بقیه اوقات شریفه لری مصالحه  
سالف البیان اوزرهم و ر ایتشدر عیاذ بالله الهادی مدرسین مدارس مندرسه المنافع نخوت  
اصرار و غلظت انکار و بلکه سیرت غرایبه لرین آینه ذات ستوده منات بلبلده معاینه ایتلری  
حسبیله لقب مدحتسار یله تقوه ایتیموب غراب لقب بی حرمته یله تلتیب و اوقات غیبت و مساو یلرنده  
اول تعبیر سوء ایله یادی بادی مشوبات عدا ایتشدریدی قلله الحمد والمنه اول غراب دوزخ مآلری صرصر  
قهر عزیز ذواتقام آواره اوکار حیات ایدوب نسائم لطف پروردکاری درویش بلبلک غنچه مر امین  
وباغ اقبالین کشاده و ترونازه ایتشدرهمچنین باد ایدالاباد بالحبيب وآله الامجاد وصحبه الاسعاد  
و حالا حفیدلری اولان مخدوم رشید سامی قدر دخی برکات سابقه جد امجد لریله اول بقعه غریبه ده  
مأمون الغائله تصدیع نعیمی فروغ بی فروغ لری اولوب حسب مایساعده الزمان خوشوقت و فارغ  
البال و مرفه الحال تدارک مهمات مال اوزرهمته ی ترقی مدارج اصول عالیله لریدر ائمه الله بنانا  
حسننا و ائمه ثباتا لایتنزل زمتنا آمین یا محبب السائلین \* و دخی اول دارالابتلاء حوادث مکدر  
متعاقبه دن نصوص پاشانام بر شخص بی تشخیص و بر تغلب تعفین دهر اعجوبه کارله ظهور ایدوب  
وطبیعت غداری مائل غصب و غلب اولوب و تسویلات نفسانیه و تزینات شیطانیه ایله هوسناک  
احداث خیرات و مبرات اولغله بقعه فقر و فاقی مدرسه جسدل لم ولایه تبدیل مراد ایدوب و بلبل  
دستانسرای صبر و قناعتی آشیانندن پوصورت آب زیرکاه سیرت ایله آواره ایتک اوزرهم ایکن اول ولی  
مدارامشربی طرق معاشدن سمیت آخرله فریفته افسون و رویاتک سیاقفنده استمراج استبدال  
ایلدیکنده از متقار بلبل ناتوان این دانه محقر راربودن کار عتقا منشان دولت نیست عنوانیه سرزده  
طبع لطیف لری اولان مطایبه درویشان لری خوش آینده بزم امیرانه لری واقع اولغله هوس مار  
الذ کردن فراغ نما و دستکش تعرض و سر بعا و عاجلا کندوسی آشیانته جاه و جلالندن آواره اولوب  
آخرالامر سواحل دمشق الشامده شامت مظالمی کندویه ستره سلامت و صدمه قهر شهنشاهی ایله  
فتاده مغالک هلال اولشدر و عزیز مشارالیه مقرر عزندن یک ذره متحرک و متزلزل اولوب کما کان غایت  
سن که ولته وارنجه کامران صفای وقت اولوب تمام نقدیه عمر کرامیلرین خرج راه عبادات و طاعات  
و عمران ظاهر و باطن ایله رفتار نادره لری پسندیده دقایق شناسان طریقت علیه اولشدر حتی محبه  
مغنیساده مسند آزای خلافت مولوی اولان شیخ علی نقشی جنابندن حال تحمل مال حضرت  
بلبل معارف سرا استفسار اولد قدده اقامته فی تلك البلده کرامه عظیمه عنوانیه شافر ما اولشدر در  
یعنی تبیین فضیلت باهره پسندده صفای وقتله اقامت پراضطبار لری کرامه پدا هت اذعان لری و تعداد  
کالات سائر لرندن مغنیدر دیو تسلیم کلی و تحسین جلی پیورده شلردر والحق کماحقق و بالقبول الحق  
فان الاجر والولا بقدر التعب والابلا \* (نظم) \* رنج کج امد کر حتم ادر اوست \* مغرنازه شد



چون بخراشید پوست \* رنج و غم را حق بی تو آفرید \* تا بدین صد خوشدلی آید بدید \* ما التصفوف  
 قال وجد ان الفرح \* في النوا وعند اتيان الترح \* چون بحر انما اساس راحت است \*  
 تلخها هم پیشوای نعمت است \* شاد از غم شو که غم دایم تقاست \* اندرین ره سوی بستی ارتقاست \*  
 در حقیقت هر عدو داروی تست \* کیمیا و نافع دلجوی تست \* که از و اندر کزیزی در خلا \*  
 استعانت جوئی از لطف خدا \* در حقیقت دوستان دشمنند \* که از حضرت دور و مشغولت کنند \*  
 من ترا کریان و کرغم کن کن \* تا کت از چشم بدان پنهان کنم \* تلخ کرد انم ز غمها خوی تو \*  
 تا بکر دد چشم بد از روی تو \* چون نشان و نشان مغلوبیست \* لیلک در اشکست مؤمن خوبست \*  
 در اگر چه خورد و اشکسته شود \* توتیای دیده خسته شود \* چون محک آمد بلا و بیم جان \*  
 زان بدید آمد شجاع از هر جبان \* همچو آب نیل آمد این بلا \* سعادرا آبست و خون اشقیا \*  
 و دخی اول غریب کلزار امکا نیک بر کزین بوستان حیات پر بر کاتلرنده \* خلاف وضع معهود ناکاه نشاط  
 زائد البیان ایله پیرانه سر نعمات حالت انکیز مرا اولوب وقتا وقت دوباز وی مبارکترین مانند  
 جناحین طیور تحریک و پای کوپان و دست افشان دوران ایتملی انتظار پیر و جوان دائر لرنده عجیب  
 نما اولغله استفسار سر کز سر بسته اید نلره این ذوق و صفا بلبلرا از مژده نزدیکی شکست نفس  
 آمده است نفس مکاشفه آمیز لیل جواب شافی فرما اولملری روز هجدهم ظهور وضع غریب لرنده  
 جلوه کرمنصه بروز و قفس بد نملری شکسته بلبل جان شیرینلری کاستان اعلای علمینه محرک بال  
 و پر مسارعت اولشدر طوبی له و حسن مآب \* (نظم) \* چون دید کمال آن سر کو ترک وطن کرد \*  
 بلبل چو چن دیدرها کرد قفس را \* بفضل الله الدیان غریب نملری مدار غرابت احوال و کرب نملری  
 سرمایه سلامت مال اولوب احب العباد الی الله الغریاء و من مات غریبا فقد مات شهیدا و فطوبی  
 للغریاء احادیث شریفه سنده مشارالها اولان مراتب رفیعیه فائز اولشدر که فی الحقیقه قد ذات  
 شریف نملری عند الاولیاء حسرت العشاق اولان حالا و علما و عرفانا نادانان و مگانا اصناف غرابت  
 جامعه ایله متصف وزیر قباب عزیزه مکشف اولشدر در و من العجائب عزیز مومی الیه فونی عقیده  
 بد نهادان متعصبه بدن بر محیل مکار زی فقرا ایله تزی و ساخته عرض و محضریله و هدایای کثیره  
 ایله آستانه سعادت شد در حل ایدوب بر طریقه تحصیل مکتوب زاویه داری ایتکه صوب مقصوده  
 رجعتده بر منزل مسافه قالد قد حتم انفسه هالک اولوب و بالذفات درویشانن زاویه دار نصب  
 اولند قبحه ضبط و قرار دیسرا اولوب آخرینه پیر روشن ضمیر کفیدر شیدلری اولان غنجه نوخیزه  
 نصیب و آشیانه جدا مجدیده کل بجای بلبل قرار داده اولشدر ادام الله تعالی نظام حاله و ختم بحسن  
 التوفیق علی مآله آمین بحرمه سید الاولین و آخرین \* (حضرت درویش قاسم) \* فی الاصل قره مان  
 ایالتده بور نام قصیده و اولاد قضا تن جامع جمیع علوم عقلیه و نقلیه برداشتمند فائق الاقران اولوب  
 والدی کند و بی طریقه قضایه اسلاک ایدوب قلم قضات مصریه ده تقلید قضا اولنوب صوب منصبه  
 خدمت اثناسنده سابقه عنایت فریادرس اولوب بالکلیه مال و جاه و اعتبارات زائله دنیویه دن  
 دلبرد و کرم و راه غیبت اولوب مدت مدیده مفر و مقری معلوم اولوب والدین و اقاربی خبر حیاتنه  
 حسرت اولوب اول کسکشته وادی طلب مطلب اعلاد نام و نشان ظاهر اوامغله سراغندن بایکش  
 جست و جو و سوا کن کابه اخزان اولشدر ایکن بعد برهه من الزمان مانند هلال عبد کریان  
 خاور ظهور در رونما و صله رحم طریقه صورت درویشانده و ششانی بخش عیون اقارب اولشدر  
 و والدینی وفات ایدوب حصرا کند وید اصابت ایدن ترکه فراوانه وضع یدایتیوب فقرای اقارب و اتباعه

حضرت درویش قاسم

حال مفقود بتند شمر عانصب اولنان قیم مستقیم معرفتیه تفریق و بدل اولنوب کند ولز زمان وافر  
حضرت والده سلطان آستانه سعادت مندوی وسنین کثیره حضرت پیر قدس سره المنیر حواری  
عنایت مدارنده قرار و تمهید اخلاق و تکمیل قابلیت ایدوب او احوالات شریفه لرنده مأذون  
اقامت وطن اصلیلری اولوب برکوشه قناعت توشه ده مراعات حال اوزره اوقات گذار و نشر علوم  
و تلقین معارف ایله محبین مخلصین دیار لرینه واسطه استفاضه اولشلردر مکرر اوان غیبتلرنده تبدیل  
جامه و تفریق هنسکامه ایله مصر قاهره به توجه و اول مجمع بکار اولیاده داود دهده حضرت تلری خدمت  
بر حرمته انساب و تکمیل چله طریقت ایدوب سر بلند تکبیر خداوند کاری و شرف یافته تشریف  
کلاه و خرقة انابت مولوی و مستعد مایه معرفت نفس و مشتاق اکسیر عرفان و سر بحر ای زیارت  
حرمین الشریفین و چند سال اول مهابط انوارده مجاور اولوب و عین و عراق و فارس سمتلرنده سیر  
و سیاحت ایدوب صحبت فیض آثار مردان خدا ایله مستفیض انوار معرفت و تسلی یاب اولدقلرنده  
طرف وطنه اماله سکون رغبت ایشلر و زمان سیاحتلرنده مشاهده ایلدکلری عجائب احوال و غرائب  
اطوار رشته کش بیان اولسه مستعد قلا برتند کره اولق مقرر در لکن بر خفاوی احسن الکلام آفیده  
ایراد بعضی عجوبه لرله اکتفا اولندی که مواد مخصوصه لرندن احوال سائره لرلی بالمقایسه معلوم  
و مفهوم ذوی الاعتبار اولنجه صحائف زیب منقبه نفیسه لرلی اولنلردخی یادکار اخوان الصفا اولده  
کافی وادای مرآمده و افیدرازان جمله یکی اینستکه اول ناز پرور تماشای باغ وستانه دخی توجه  
ایسه یاد یار هوار لره سوار اولوب والوان نعم و اصناف ضیافانه متمتع و متذوق اینک تریه بیت رب  
البریه به بلازاد و لارا حله قدم نهاده عزیمت اولدقده برایکی منزل توکل و اخلاص اوزره تحمل  
جوع و عطش و افت و خیز ایدوب عاقبت الامر اثنای راه ده بی تاب و توان و مدد هوش و سر انداز  
اولوب و قافله حاج واصل منزل اولدقده نوعا کند و لره شعور احسان اولنوب سر بر آور یلک بادیه هلاک  
اولنجه سمت رأس سعادت رقلرنده بر قرص کرم نان ترو تازه و بر کوزه آب سرد و بر شمامه قوت افزای  
دماغ معاینه سبیل حاصل اولان سرور و موفور تازه حیات بخشیدن سجدهات متالیسه شکر ایدوب و جانب  
غیدن بومقوله نعم غیر مترقبه ظهور یله غرقه بحر حیرت پر صفت و الهجه مسرت فرمای هانفیدن  
دخی هذه قسمتك یا قاسم خذها و کن من الشاکرین عنوان محبت بیاناتی تلقی ایتکه قرص مر قومدن  
بر مقدار یسیر تناول ایدوب سد جوعه و یلک دوجره شجر آب کوزه ایله دفع لوعه ایدوب و اول شمامه  
خوشبوی غیبی دخی استشمام ایتکه جلب قوت بی قنور ایدوب نه پای سیریه قیام ایلد کلرنده بعیم  
فضله القدسی کو یا عروق مسافات مطویه اولوب مدت قلیله مشیله منزل قافله حجاجه واصل اولوب  
بعده از ادغیبیلری نافده اولوب و راحله بد نلرینه عیا و قنور طاری اولوب جمله دن اقوی و اسرع  
زائر حرمین الشریفین و کامیاب جان و دل اولشلردر \* و دیگر \* اینستکه جانب عین بر عینه سیاحت  
ایلد کلرنده نیکه منازل و مناهل مخوفه در فقا سی هر اس شیر و یلک و واهمه سباع سائره ایله  
دلتنک اولدقلرنده درویش قاسم حضرت تلری اکراز گوشت و استخوان ماقسمت ایشان هست  
چاره چیست و اگر نیست این دغدغه بهوده است عنوان یله تقویض امر یسد القدر ایله بنده  
یور و ب و کند و لر مأمون الغائله خفت و خیز اولوب بریه یمنده حط و تر حال اوزره اینک بر شپ تارده  
یار لرندن بری دفع تقاضایه قیام ایتد کده اسوده عدوده مشاهده سندن مرعوب و رفقانی سیدار  
ایتده مجد اولنجه درویش قاسم حضرت تلری سر بر آور جمیع خرقة مر اقبه اولوب مادر و یشان درین  
بودای بی امان مهمان حضرت اویس القرنیم و ایشان پاسبان آن سلطانت که خدمت حراست

ما تعیین فرموده است تو بر ورکار خود باش نفس تسلیمت و امن بخشایله ایقناط رفقا دن منع بیور ملریله  
 درویش مر قوم کارخی اتمام و مقام نه عودت ایدوب و سباع مر قوم دن قطعاً حرکت موخسه ظاهره  
 اولیوب وقت انفلاق صبحده متفرقه و دورادور طرف شر یقلینسه نکران و زمان تر حالده جانبین  
 جاده ده دیده بان رهنان سلامتلی اولوب و مجال مخوفه عبوریند نصکره بردخی و غما و لمغله رسیده  
 مرتبه تحقیق و هر امکانه مخوفه ده تکرر پذیر اولغله مدارتا کید و مناظ تأسیس عقیده اولشدر  
 \* ویدیگر ایستکه اسفار عراقیه لریده راه سیاحتلری میانه دیار یزیدیه دن مرورایتکه بعض  
 ملاعین طائفه باغیه سوء قصد لریده کین ساز و نظران از راه عبورلری اولوب لکن \* (فأغشیناهم  
 فهم لا یصرون) \* مصداق منی اوز رم چشم انتظارلری کور و ادراک مرام منتظر لریدن دور  
 اولغله تکرارینر هکذر کیرلری اولق اوزره مسارعت ایلد کلرنده ناگاه برشم سوار خضر رفتار  
 و بر شیر زیان حیدر کردار بدیدار اولوب اشارت سر حربه جانشکار له مد مرین مقهورینک ابدان  
 بدبودن چالچال و انداخته مغاک هلاک ایلدیکی مشاهده مره لری اولنجه استفسار حقیقت  
 حال حمایت مال ایدنره \* (نظم) \* شیر مر دانند در عالم مدد \* آن زمان کافغان مظلومان رسد \*  
 ای زنده بی گناهانراقفا \* در قفای خود غمینی چرا \* مر ضعیفان را تو بی خصمی مدان \*  
 از بی ذاجا نصر الله خوان \* کز تو یسلی خصم تو از تو رمید \* نلجرا طیرا اباییلت رسید \*  
 هست دنیا قهر خانه کردکار \* قهرین چون قهر کردی اختیار \* تو مرا چون بره دیدی بی شبان \*  
 تو کمان بردی ندارم پاسبان \* کی کم از بره کم از بزغاله ام \* که نباشد حارس از دنباله ام \*  
 حارسی دارم که ملکش میسزد \* داند او بادی که بر من میوزد \* مضامین عنایت احتواسیه  
 اول چاپک سوار طائفه علیه رجال غیدن مدد فرمای عاجزان ویاری کن بچارکان اولدیغین تحقیق  
 بیور مشلدر و قس علیها البوائی که بچاربالش آرای حمایت غیبیه که لوازم ضروریه بشریه لریده بی  
 دغدغه جلب و منت یمنون نعم و اوقات اقتضای دفع مضرتده مأمون الغائله تدارک صرف نقم اوله  
 احوال سائر سه سنده دخی زیر قادمه شاهبازان حقیقتده مر فیه الحال و مفرغ البال و مرعی المسال  
 اولسی شهادات امارات باهره ایله رسید رتبه نبوتدر \* ودخی اول پیر روشن ضمیر زاویه  
 فقر و فناده انواع عبادات و طاعات و نشر فوایح علیه و تلقین معارف لدنیسه ایله تکمیل مهام عزیمت  
 دار السلام و قبیل ارتحال لریده تلازمه لریدن محرم اسرار درویشلری اولنلری جمع بیور و ب هر کس  
 مناسب حالی و ملائم مالی اولان نصایح جلیله و مواعظ جمیله و وصایای جزیه ایله تعمیر و ارشاد  
 ذیلنده وداع و استتلال و محل دفنلرین تعیین ایدوب یوم ثالثده حضور جنازه لریده دعوت و ترکه لرین  
 و قمرای بلده یه تصدیق اوزره وصیتند نصکره روی بیکانه و آشنایند سد باب الفت و ضحوة یوم  
 موعودده رحلت ایتشلدر و مشوئ شر یقلری و بعض کتب نفیسه لری و کلاه و خرقة مبارکه لری  
 آستانه سعادتیه ارسال اولنوب مستحقین اخوانه تسلیم اولمشدر روح الله تعالی روجه و ادام  
 فتوحه آمین یا مجیب السائلین بحرمه الشفیع الامین \* (حضرت درویش حسن ذهنی) \*  
 استانبولی المنشأ و اولادک کتاب دولت و خانقاه قاسم پاشا ده مسند نشین خلافت عبدی دده  
 حضرت تلیک نظر کرده و پرورده لریدن اولوب عزیز و مر یقلری فوتند نصکره سیر و سیاحتیه و جست  
 و جوی مر شد حی مکمله تشمیر ساق اقدام ایدوب اولاز یارت کعبه العشاقله و شرف صحبت شجاورین  
 حرم عارفان ایله مغنم و مشرف اولوب ثانیاً قاصدر و مال مشاهده مقدسه ائمه کرام رضوان الله تعالی  
 علیهم اجمعین اولوب تزییل دار السلام اولد قد و نصیرا دده و عبد الحفیظ دده حضرت تلیری مجالس

حضرت درویش حسن ذهنی

رفیع لریده مستفید نوادر العوائد اولوب و بین العرفاء عراق آثار صائب اصفهانی و لوله آرا اولغله  
 جانب اصفهانه توجه ایدوب دور و دراز ساکن کاشانه حضرت صائب و روز و شب صحبت  
 جانیر و رلر بیله خوشوقت اولشلردر \* حتی درویش ذهنی خضر تلمیذ مدار آسایش پای بادیه پیمالری  
 و حامل اشیا درویشانه لری اولان خرسفید حجه دار لری دبده انکیز انکیز الاصوات اولدقجه  
 طرفای عجم ما احسن الفقیرو لولامعه الحیر مصداقجه بدله کوا ولد قلنده درویش ذهنی دخی بر مقدار  
 حنا ایلخرسفیدک سر و دم و چار پای صیغ عجمانه یه چکوب متظرفین صفاهان صورت ترکیب  
 اضافیده توریه قصد معنای ترکیب توصیفی اوزره این خرسنی چه صوت منکر دارد عنوانیله هزل  
 نما اولنجه اکنون خرمن سرخ سر شده متوقعست که بعد ازین طرفارادر در سرنده مضمون طیبیت  
 مرهونیه استمرازی اعتذار آمیز ایلدیکنده بین القوم مشهور اولان سلک سنی و خرشیعه تعبیریه ایما  
 و رافضی روز قیامت خربودن زیر بود \* مصرای حاوی اولدیفی مضمونه اشارتی متضمن انشاد ایلدکاری  
 قطعه به حسن مقابله ایدوب صورت توصیفی و توریه اضافیده این سلک سنی و خرشیعه چه بدخوی است  
 نکسته خوش آئیده سبیل زبان بند حکیمانه ایتهدر \* (قطعه اهللی) \* ذهبا کونی خرمن شد  
 بصنعت سرخ سر \* شیعه هم کویندان سلک کوبه پشت و کون خر \* ورنه باشد از تقیه هم بر و باشی  
 سوار \* روز سیر محشر و در ره گذار خیر و شر \* (قطعه درویش ذهنی) \* اهلبا کفتی خروسک اهل  
 این آینه را \* اسر چه کویندت عجب ایشان تو بیدینرا \* هین مخر خود را چو خور ورنه سکان دوزخی  
 \* میخورندت چون میودان کینفر این کینرا \* وقتا وقت محاسن مطایبات امتداد پذیر و سلسله  
 تعریضات طرفیندن دور و دراز کش اولنجه حضرت عارف هند و فارس یعنی صائب معانی پرور  
 و حکیم حقایق پرداز فارس میدان مصافات یاران و غارس ازهار لونا لون عرفان اولوب انفاس نفیسه  
 و آثار بدیع لریدن بعض نادره وحدت مضمونه دفع دغدغه قیل و قال و رفع غائله تفرقه مال ایدوب  
 و شیرازه باف جمعیت اوراق مشارب غیرت مآب اولشلردر که مدار حلقه سینه صافی اولق اوزره اراد  
 ایلدکاری نوباوه بوستان قریحه وفاده لری رشته کش یاد کار قدر صحبت شناسان ذوی الاعتبار  
 قلند در دستور العمل اتحاد و یکرنگی و دستمایه بازار جلب منافع حسن زندگانی اولغله شایسته  
 مضامین متقنه به احتوا داشتمالاری بی شائبه تردد و اشتباه در \* (نظم) \* سر هم آورده دیدم  
 بر که ای غنچه را \* اجتماع دوستان یکدل آمدیاد \* چشم ناعیب بین جستن چشم خود پوشید نیست  
 بیز بانی سر مه در کام سخن چین میکشد \* بید و نیک یلک چشم نظر باید کرد \* ورنه آینه بی  
 رنگ نمی باید شد \* دیده از عیب کسان در خواب چون منجیل کنبد \* چون رسد نوبت بعیب خود  
 نظر احوال کنبد \* مفتاح نهانخانه دل قفل خموشیست \* اوقات خود آشفته بکفتار مدارید \*  
 نطق یاران موافق از هم سازد جدا \* صد زبان مختلف را خامشها یک کند \* ویران تریم از آنکه  
 کدی قصد ما کند \* آهسته سبیل پای کشد از فضای ما \* سالک ان به کدشکایت ز ملامت نکند \*  
 کد بود زخم زبان خار بیابان طلب \* وصیت مشاعره و مناظره لری کوشکدار شاهی و بالذفات سلک  
 ندمایه منتظم و مصاحبات لذیذ سی دلنشین اولغله مظهر عواطف اولوب بقعه مولویه اولق اوزره  
 احداث اولئان مقامده اسکان مراد اولدقده زیارت مشهد مقدس سلطان خراسان علیه ترویجات  
 الرحمانه احرام بند عزیمت اولدیفین اراد و اعتذار و عودته استمهال ایدوب لکن رجعتده دخی  
 دیار عجمده اقامه رغبت ایتیموب قهقری طرف رومه امانه سکان توجه و مسارعیت ایدوب ابتدا مرتب  
 دیوان صائبی رومه انلر کتور مشدر و عرفای روم تعبیرات مخصوصه تازه استمهال لاریک معانی

مقصود لرین انلردن تاقی ایتشلردر و بین الفقا و الظرفا سر کدشت عراقیه و ماجرای فارسیه لری نقل  
الحافل و وزین الحامس و باعث تحسین و آفرین اوامشدر و طالب تفصیل سیاحت فارسیه لرینه برای  
دیدن یککل کلزار معرفت آزارخار بیشمار کشیدیم عنوانیه ایجاز جواب ایدوب و هوسناکان  
کشت و کذا در یار عجمی استنبوله طوائف عجم مسکنلری اولان خانلرک سیر و تفریحی ایله اکتفایه  
ترغیب ایدر لر ایدی و صدای طبل از دور شنیدن خوش است مضمون ترهیب مرهونیه تعریض و قلوب  
اخوانی همانا خوانق طریقت و مساکن معرفتده یکدلانه عیش خوش و آمیزش دلکشته توطین اوزره  
پند پیرانه ایدوب بند حکیمانله ایله پای سودالرین محکم مقر تکین ایدر لر ایدی و فی الحقیقه کندولری  
جوش تنقل دیار و خروش قلب امصار جهان کرد ایتش ایکن سیاحت مر قومه لرندن رجعتده چار  
خانقاه دارالدوله را تماشا کردن مرد صاحب بصیرت و عارف عبرت آشنار از سیر و تفریح چار کوشه  
عالم استغنا بخشیدنکته سیمله ترخم سراوسرای عامره اولیاده دامن کش زیر پای اقامت بقیه العمر  
اولمشدر و جمله اوضاع و احوالی موافق میزان شرع و طریقی و صدق و خلوصی دخی نام العیار محل  
امتحان اولوب نفس نفیسلری بین الاخوان و الخلان محبوب القلوب و نفس لذیلری عند ارباب النظم  
ممدوح الطباع و مقبول المشارب واقع اولوب اوقات صافیه لری صحبت همدمان موافق و الفت احباب  
صد ایت مآله کذرا ایتشدر و اکثر ایتاملری نظر کاه مرشد دیرینه لری اولان قاسم پاشا خانقاهنده  
اولوب تمام دفتر عمر نازینلری دخی اول بقعه مبارکده مصادف سر نوشت از لملری اولغله چشم جانلری  
اول دبستان حقیقه کشته کشته اولدینی کبی دیده سر لری دخی انده تماشای باغ فانیدن خیره لنگه روی  
عالمند اغراض عین التفات ایدوب دخی فقرای مولویه اولان نزهه الار و واحده خزیده کنج راحت  
ابدی اولمشدر نور الله تعالی مر قده و علی غرف العدن اسعده آمین بحرمه سیدالاولین و الآخین  
\* (حضرت درویش محمدنابی) \* بروسوی المولد و اولاد فقرای اشر فیه دن بر معارف و ورمر دلیب  
و ادیب اولوب حضرت نغرا الرجال و معدن الاحوال اغازاده جناب ولایت مآبک صیت کرامتی  
صماخ کبر کلین موالی اولدقه خدمت انالری نه منجذب و کله حقه مقام تربیه و نمیه لرنده مقیم  
و حسن تسلیم و لطف تأدبیه مستحلب فیوض انظار حسنه لری و متأثر عین توجهلری و مظنه حال  
اولمشدر و فی الاوائل ذاکریت مناسب ایله راه موسقیده و سیریه قمامانده منزل مهارت رسیده اولغله  
نوبت مولوت لرنده طالب سمیت ینوازی و زمان سیرده تحصیل بضاعه کثیره و فائق الاقران و سرنیزان  
مطر بخانه خانقاه خلافتلری اولوب لذت نفسلری و تأثیر دملری سما عزنان دائر لرینه سر مایه و جسد  
و حال و تصنیفات عجیبه لری دیباچه زبب مجموعه معلومات خیالیه مهرة صناعت مر قومه اوامشدر  
علی الخصوص اول عاشق سر باز و صادق پرسوز و کدازک اقتران در درون و انضمام حرارت  
جان و دل پرد و داشتیا قیله نفس لرنده حالات زائده پیدا اولوب قلب و قالب کوشدارانی اسیر احسرتراق  
ایلدیکی کبی روز مقابله ده علی رؤس الاشهاد و فی اعین الحضار اثنای نفحات یخودانه لرنده نفس آتش  
فشانلرندن دستنده اولان فی شعله پذیر اولدقه کندولردخی بهوش و پشت بدیوار مطربخانه و روی  
بروی حضرت شیخ غرقه حیرت و انچه امر حضرت مرشد یکاندلری ایله عمل اولنوب خرقه متبرک لرین  
اوزرینه پوشیده ایدوب مقدار یک ساعت مدهوش و سراندا اولدقه نصره ساحلرس افاقت اولوب  
هزار عجز و مسکنیت ایله پای جناب مر یلرینه رومال اولوب بدیهه بوبیت لطیفی انشاد ایتشلردر  
\* (بیت) \* نیچه تاب آور نور جمال اولسون دل نابی \* کدستنده دم پرسوز آشنیدن یار نابی \* حتی حین  
و فانیلرینه و صیتلری و جبینجه چند پرده سوخته اولان نیلری اول پروانه بال و پرسوخته شمع جمال ایله

حضرت درویش محمدنابی

معاد فن اولمشدر\* (ودخی)\* بومقوله نشان کشور قلوبستان نوبت ولایت یازمچی زاده  
 حضرت تندرته مس بوق بائمل اولغله برقعیمکر جمال کلاری دست اظهار کشای تأید و باعث اشتعال  
 اشتها و دمدم مذ کرجیلری بین الخواص والعوام ترقی یاب شمیوع و حجره وحدت لری مژدحم کبار  
 وصغار اولغله بیم زوال صفای وقت مشرب پر خرم و احتیاط لری غلبه ایدوب رجا مند کبابا نک سرعت  
 انتقال اولدقه لهجه پر بهجه حضرت ولی والا همت دن این شراره ظهور چون برق لامعت  
 و مانند تاش کرم شبتا بست ازین قدر در نظر ماشمسین چه اضطرابست باش با بقا فله سالار احباب  
 همراه باشی نفس قدسیلریله تسکین دغدغه و اهمه و تمکین تلویات واهییه یوروب کما اشار قدس سره  
 العزیز کروه انبوه اخوان و خلایقه رایت افراز عزیمت دارالسلام اولدقلرنده حضرت نابی دخی  
 پیرو لری اولوب خوشان فقراده سر بحیب خرقه خالک پالک اولمشدر نور الله تعالی مهجعه کما انار مشرعه  
 آمین بحرمه شفیع المذنبین\* (حضرت درویش سامی یونس)\* موصلی الاصل و عرق زکی حضرت  
 مالک اشتر نخعی مدین و میرلوی ارباب تیمار دیار مر قومه و هزبر بیشه شجاعت و مرد میدان همت  
 و سحبان وادی فصاحت و حسان منازل بلاغت اولوب آثار مصنعه قریحه وقاده لری عراقین و رومه  
 منتشر اولغله داماد سلطان محمود آصف اختصاص منزلتی و ایاز ثانی محمودی و مصاحب صبح و شامی  
 اولان مصطفی پاشا دعوتیله دارالدوله استنبوله کلوب سنین عیدیه مظهر وجوده اکرام و مجتلاهی  
 صنوف احترام لری اولوب آخر الامر عرق جنسیت ازلیه جنیان و منجذب جانب خدمت اخوان  
 اولوب شیخ احمد غوثی روح روجه القدسی جناب کرامت مآبک زانوی اراد تلرینه سر نهاده و کلاه  
 و خرقه پوش انابت طریقه علیه مولویه و سنین عیدیه خانقاه غلطه ده حجره نشین وحدت و کوشه کربن  
 راحت اولوب بالکلیه دست تعلق شوی ماملک و فارغ البال حسرت ماهلک اولغله صفوت آینه  
 مشرب لری طوطی طبع تلرین پر جوش ایجاد آثار بدیع ایدوب ریزه خوان نغمای نعت خانه قریحه  
 وقاده لرندن سخنوران عصر لری مغنم موافد فوائد معانی با کوره مطبوعه لری اولمشدر\* و موسم  
 بوالعجب عاشوراء کربلا ده صائب اصفهانی ایلده مصادفه و فارسی و ترکی و عربی مشاعر ایلد کلرنده  
 صائب منصف کندونک یکفن اولدیغنه اعتراف و اعزاز کونا کونه نمون ایتشدر و منظومات  
 ملمع لرندن و اثای انابت درگاه مولوده سر زده اولان عاشقانه و عارفانه کتبه دلیر لرندن بوغزل  
 پسندیده لری نمونه و سامنک مراتب نظم عربی و ترکیده همودرجه طبعنه نشانه مناقب و مفاخر  
 و اغودج لطائف مآثر لری قلندشدر\* (نظم)\* ای دل سکا کیم دیدی که کل ترلدیار ایت\* مختسکده  
 صورتی وار کشت و کذا رایت\* کیم دیدی او یوب قافله خرده فروشه\* شاهنش تجریدی خرطبعه  
 سوار ایت\* ای سیر مقامات مخالفده محیر\* کیر پرده عشاقه یلک اهنکه که قرار ایت\* طاشدن طاشه  
 چاله یه سنی سبیل سبکسر\* کرداب صفت کندی وجود کده مدار ایت\* سامی کچنور کنیم  
 توحید نهنگی\* کیم دیدی سنی نفسه او یوب توشه نارایت\* لکن بعد زمان وزیر مشار الهه حسرت  
 صحت صفوت سیم لری غلبه ایدوب ینه نیاز مند ملازمت اولغله سربلرینه نقل ایتدیر و بکافی السابق  
 مغنم انس روحانی لری اولمشدر و حضرت درویش سامی بفضل الله الوهاب الرؤف هفت فرزند  
 نجابت سرشت و معارف پرور ایلده قریب العین دل و جان اولوب حتی بمقوله نظم دلاویز جانب جنا بلرندن  
 رشته کش ابداع اولسه در حال نظائر سبعله ترصیع پذیر اولور ایدی و اول سبعة سیاره فلک معرفتک  
 ثلاثه سربیع السیری پیشرو مدارج عالیه قدس اولوب ایام محبت مزده ابوان آرام و شفقت پدران لری  
 چار و کانه منحصر اولشیمکن دیده دور بین کاشف لری عالم خیالده کواکب نبات النعش چار

حضرت درویش سامی یونس

کوکب نعشیه سبک برین منتظم سلاک اختران سکنه بناتیه مشاهده ایتکه اول چار رکن تاسیس  
فرخنده طبیعت پر اشتیاق دن برینک انهدامیله تعبیر یوروپ ویدیقه داغ نودل عنوانیله وضع تاریخ  
ایتلری سربعا و عاجلامکاتیب مصیبت مضمونیه تحقیق اولمشدر و کند و مسند اجداد یلریده میر  
صالح نام نتیجه مقدمات اعمال صالحه و غیره بوستان اخلاق حسنه لری قائم مقام صوری و معنوی یلری  
اولوب و جوار سربلریده زاویه مولویه احداث ایدوب اغلب احیان و اکثر اوقاتلری صحبت فقر ایله  
اغتنام اوزره کذران اولوب آخر فیض تأثیر انسییه انلردخی سربلند کلاه سعادت دستکاه اولمشدر  
وورای روپوش دولت و احتشامده مظهر جلوه شاهد فقر و فنا و اوقاف اسرار کفایت و زفقار گروه  
پر شکوه طریقه حضرت مولانا قدس سره الاعلی اولمشدر در طوبی له و حسن مآب \* و دخی اراخر  
عمر کرامیلریده پاشای مرقوم قبودان دونمای همایون اولوب سیردریا و تماشای عجایب جزائر اوزره  
ایکن ساقز خیریه سنه لکراند از آرام چند روزه اولد قیلریده ناگاه درون حالت مشکوئلریدن جوش  
ایدن سیلاب داعیه موجب مبعشر مشارالیه دن بهانه صلح رحله رجاعت اذن اولد قده دامن کیران  
عزیزترین من دلایق این تن را در پایگاه سیمی سامی رتبه خود را رساندن و اینجا جال و خال خواهم کردن نفس  
مکاشفه آمیز لریله دفع یوروپ آخر کار بالنفس وزیر روشن ضمیر کارا و مرار ایجاد و ساعی عوق  
و تأخیر اولنج بعد ازین صحبت بفر داملد عنوانیله برده برانداز روی کار اولوب همایان دفعه خیریه  
مرقومه حداسنده اولان ساحل اناطولی یه عبور ایدوب میعاد و فای قدیمه مسارعتله فتنای وطنه  
واصل اولد قده مزاج کرامت سربستلرینه انحراف طاری اولوب بعد ملاقات الاقربا و الاحبا و داع  
برم فنا ایدوب وصیت مخلصانه لری اوزره عمل و سمیت قدم حضرت یونس علیه السلامه دفن اولمشدر  
و اثنای عارضه لریده دوری راه و درازی خط و تر حال باعث تغییر حال اولمشدر تخمینیه تسلی و تدای  
صد دنده اولنلره مبرای اقامت نیامدیم بلکه مسافر دار السلامیم و زیارة امامان میر ویم عنوانیله  
توریدلری هنکام عزیمت دار السلام حقیقه لریده و روبراه زیارت روحانیة ائمه کرام علیهم التحیات  
اولد قیلریده عامه بیگانه و آشنا و کافه رشید و بلیده هویدا اولوب جمله یونس نجی و یونس ولی بهم رسیدند  
مضمونیه یلک لهجه ثنا و همزبان دعا اولمشدر نفعه الله تعالی ببرکات الجوار و آسکانه فی غرف الراحة  
والقرار آمین بحرمه سید الاربار و سید الاخیار \* (حضرت درویش یوسف باغبان) \* مقوله عیددن  
اولوب بعد العتق جوار بقعه مبارکه اولیاء کرامده دکان معامله کیر و فقر ایله حسن معامله و لطف  
مساهله سی اولغله حضرت رسوخی روح و روحه منقبه جایله سنده تفصیل اولندیغی اوزره سعادت  
ازلیه قائد ناصیه سلامتی و رب معصیه میمونه تؤدی الی التوبه و رب بعد یورث قربا و رب سعاده تأتی  
من حیث ترجی النقم مقتضا سنجه سائق عنایت تازیانه زن پشت همستی و دائرة انابت عزیز مشار  
الیه دخیل اولوب بعد تکمیل جمله مقننه شرفیاب تکبیر والی آخر العمر رفی فقره اقرار و خدمات  
شاقه آستانه مرقومه بی تحمل ایدوب از جمله خدمت باغبانیده مانند سرو علم افراز استقامت اولوب  
نوبت خدمت لریده حدیقه خانقاه نشاط افروز و زهدت افزا و مواسم غار و ازهارده جمله سکن خانقاه  
بهره یاب و مخنون و مطیب اولوب و هر کس عمران و نصارت ریاحین آمال و امیدینه توجیه روی  
همت ایتکه بهر خوردار بوستان طریقت اولمشدر و دخی اول حصه مهندس سعادت ازلی اتمای اقتان  
شهوته نفسانیه دروغما اولان برهان قوی بی معاینه ایدوب عدم تحمل طوق بشریه حسبیه  
صدمه کرامت مهابت انکیزدن چند ماه رنجور فراش کفارت ذنوب اولوب بعد الافاقه انفاق  
موجود ایدوب تکرار رفی مر دانه قرارده و مدت العسر خدمت در کاه نادر و نذرینه وافی اولوب

حضرت درویش یوسف باغبان

اصلش باب و شصیده خدمات اخواندن خالی اولوب و اول جوانه و اقر باسنه ره بر سر لولک طریقت  
علمه و انلردخی اداای مراسم شکرانده کمر بند همت استدامه اولوب نادم آخرمالا و بدنا خدمت لردن  
مفارقت ایتیموب خدمت لری وسیله مخدومیت اولشد و عزیز مر قوم ایام کمال پیریده نصفی مسقف  
و نصفی کشاده برجی خرابده انزو ایدوب هر روز ذهاب و ایابافت و خیزامیزی بر قاچ ساعتده  
انجق میسر اولور ایکن ینه ملازمت میدان مردانی ترک ایتیموب و مال عقبه جمعیت خانه چل تنان  
اولد یغی بعض تن پرورانه التزام مالایلم نما اولم له قلبا ملازمت و اقلب علی بابک لیل و نهار اضمحویه  
قناعته ترغیب ایلد کمرنده قلب فقرار ایوفانی نرید قلب غمون و قالب محروم شدن شایسته شرط  
اتحاد نیست این میدان مردان خدماتیقات کفارات ذنوب و خدمت که اجابت دعوات و محل  
خوشه چینی برکات و کشف الامان هول خطوب است مضمون صدق مقرونیه تبیین حقیقت حال  
و ترغیب التجای مجامع اصحاب احوال ایدوب و خرابه و حدتخانه لرین تعمیر مر ادایدن محبینه این ویرانی  
سقف مارامد ارتماشای بام عالی شده است نشاید که روزنه اعتبار مارامدود کند عبارت فراغت  
ما لیلده دفع داعیه عمارت بیوروب کمال شدت شناده دخی نزول برف و باران و هبوب صرصر خزانله  
متذوق اولوب تأثیر و اضرار برودتله توهیم و تخویف صد دنده اولان بیگانگان ظاهرینه  
سرد زنا راست نه مردانرا مقدمه قدسیه لریله یاخراست فرما اولوب مجمع شتاین انفس و آفاده ذوق  
وصفای روحانی نمای نویه اولملری کند و لره کرامت باهره اولد یغی بی شائبه اشتباهدر و حجره  
قناعتم لرنده یگا کهنه خرقة و خالک انداز و حصیر محقردن ماعد اقلیل و کثیر مال متقوم مقوله سی  
بولنیموب جمله عمرنا زینملری کمال فقر و تجرید او زره گذر ایتشد و ونود ساله اولد قمرنده کاهی ناتوانی  
و بی ثباتی و گاه جنبش مردانه نوجوانی نما اولملری حیرت افزای همدان اوغمله پرده برانداز روی  
حال اولوب این تفاوت اوضاع از توارد و تعاقب ضعف جسم و قوت جان است نفس نفس الامر یله  
حل اشکال و بیان حسب حال ایتش لردر \* (ودخی) \* ایام پیری و احیان غلبه عوارض طبعیده  
اشتمداد علتله بخود اولوب مترقبین انتقال و مترصدین استخلا له این موسم محصول عمر بردنست  
نه مردن لطیفه لریله دیده صحت کشای روی عالم اولوب هنگام پیری مأمن تسویلات و هو اجس  
وار تکابات و وساوس و خریف و شتای نفسانیت و ربیع و صلت و وحایت اولد یغین تفصیل و علی  
الخصوص مشیب عتقنامه غفار و ستار بیچون اولد یغین تعج و او ان عجز هر مرده در دست بنده اولان  
بضاعت مزجات اعمال اضعاف مضاعف تجارت راجحه ایله مکافات اولنسن تذیل عقینده اللهم  
طول عمرنا و قصر املنا و حسن عملنا و سهل اجلنا و نور قلوبنا و طیب قبرنا و اجعل الی کل خیر ما آتانا  
فقرات لطیفه مستجاب سبیله مناجات و سال خردان و سال خورد کنی اغتنام ثمرات برکات موسم عمره  
ارشاد بیور مشلردر \* (نظم) \* کرسیه کردی توانم عمر خویش \* توبه کن زانها که کردستی توبیش \*  
عمر اکریه گذشت بخشش این دمست \* آب توبش ده کراوی نیم است \* بیخ عمرت را بده آب حیات \*  
تا درخت عمر گردد بانیات \* جمله ماضیها ازین نیست \* و شوند \* زهر پارینه ازین گردد چوقند \*  
سید ثاترا مبدل گردد حق \* تاهمه طاعت شدند آن ماسبق \* چونکه عمرت بر دین فاضحه \* بی غمک  
باشد اعد و ذواتحه \* کرچه باشد بی غمک ا کون حنین \* هست غفلت بی غمک ترزان یقین \* همچنین  
هم بی غمک می نال نیز \* که علیلا نرادوا کن ای عزیز \* قادری بی کاه باشد یا بگاه \* از توحیزی فوت کی  
شدای آله \* و حضرت شیخ محمد عرضی روح و روحه مجلس عالی لرنده یوسف دده جنبانک حسن  
تمکین و لطف اصطبار و مداومت آداب و ملازمت خدمات و صفای وقت لری یاد اولند قده ایشان



دیدند و آمدند پس شنیده و آمده آنرا همتانکر در دلیس الخیر کالعیان نفس انصاف توأملریله بیان  
استحکام اساس کار بیوردش لدر \* (ودخی) \* قبل روز اتقلا لریده عادت حسنه مستقره لری اوزره  
جنبش قوت روحانیه جلوه کراولوب بلا سیاره جسد ناتوانلرین متفرق صمهای نشاط بوالعجب ایدوب  
این شور دست افشانی و سوریای کوبی پیرانه سرچست مفهومیله استفسار حال ایدنلره این اثر سوز  
و سرور نور و زیست کفر داعید نور و زخواهم کرده ضمن توریه مقرر نیله اولان جواب باصواب لری  
کانفلاق الصبح بدیدار اولوب چاشته کاه روز فرداده حجره و حد تلینه خواص اخوانی دعوت ایدوب  
و دولاب حجره لریده جهاز و لوازم سفر اخرو یلرین بالتام اخراج و محضر حضارده کهنه حصیر لری  
اوزره استقبالی قبله و کهن جامه بدیدن انسلای یکدمه ایدوب و خوشان فقراده وحدت کزین کج  
فنا و طمسچند کج بقا اولش لدر رحمة الله تعالی رحمة واسعة و غفره فواته مغفرة شاملة و محازلاته  
عن صحائف اعماله و بدل سیئاته حسنات و بلغه نماید آمله آمین بحرمه شفیع المذنبین وآله \* (حضرت  
درویش عثمان سینه چاک) \* فی الاصل دیار روم ایلیده ایلحصان نام قصبه ده و اولاد زعمادین و بعد  
وفات الوالد کندوردخی زعم اولوب صاحب ثروت و مالک خانمان ابکن صیت ولایت حضرت شیخ  
عبد الکرم حوالی کیر دیار لری اولغله طرف باهر الشرفلرینه معتقد مخلص اولوب بهر سینه هدایای  
وافره ایله زیارتلرین التزام ایتکه تاثیر فیض صحبت لری کند و بی بیزار بازار علائق و عوایق دنیویه  
ایدوب نوبت زیارت آخرینده بالکجه دست شوی و آستین افشان آلاش و کرد و غبار ماسوا و دست زن  
دامن فقر و فنا اولوب خدمت شریفه لرین چانه منت یلوب اتمام حله مردانده سرفراز کلاه و تسکیر  
انابت خداوند کاری اولوب مرشد مکمل لری حیاته ملازم عتبه تسلی لری اولوب بعد وفاته اغازاده  
حضرت تلی مجلسنه و رسوخی افندی خدمته التجا ایدوب میامن انظار حسنه لریده و برکات صدق  
و اخلاص ایله زمره رجاله التحاقلرینه و جذب و دفع معنوی وادیسنده ذوالید الطولی اولمرینه اغازاده  
زاده الله تعالی قدسا و انسا حضرت تلی نیک دستبرد غیرت ساده لوحان فقرای طریقتدن حمایه و میدان  
خدمته تعین بیورملری امارت واضحه در کافصل فی منقبه النفسه فلیراجع \* (ودخی) \* برادر لری  
مصطفی باشا چاربالش نشین صدارت عظاما اولد قده بالدفعات دعوت و انعام لرینه اجابت و قبول غما  
اولیوب آخر کار جلسه خفیه ملاقات و دفع حسرت دیرینه ایچون تبدیل جامه در حجره لرینه تشریف  
ابتد کده فتح باب میسر اولیوب و رای مصرع بایدن اکر از سخن مالذت یابی در بر زمینی جدایی صحبت کنیم  
و گرنه از ملاقات یک ساعت چه فائده کلام ارشاد مشکو نیله دفع و منع بیوروب لکن المرء عریض علی  
ما منع موجب غلبه اشتیاق داعیه مراجعت مشایخ چار خانقاه اولغله جوانب علیه لریدن ظهور  
ایدن ترغیب و تخریضه مقابله سبب اسائنات ادب اولوق احتیاطیله اختیار سیاحت بیوروب وزیر  
مرقوم رفعتند نکره نه غلطه خانقاهنده اولان حجره مقفوله لرینه رجعت و بقایای اوقات صافیه لرین  
اول بقعه مبارکده وحدت و عبادت صرفه، آمون الغائله اشتمار و بی دغدغه رد و قبول اغیار و یار  
اولش لدر \* (نظم) \* چونکه نا محرم در اید از درم \* پرده در پنهان شوند اهل حرم \* و در اید محرمی  
دور از کوند \* برکشایند ان سستیران روی بند \* هر چه را خوب و خوش و زیبا کنند \* از برای دیده  
بنما کنند \* خدمتی می کن برای کرد کار \* با قبول و رد خلاقانت چه کار \* کرد و سه ایله ترامنکر شود \*  
تلخ کی کردی چو هستی کان قند \* پیر و پیغمبرانی ره سیر \* طعنه خلاقان همی بادی شمر \* آن خداوندان  
کدره طی کرده اند \* کوش بابانک سیکان کی کرده اند \* ومدت عمر نازین لری کمال تجرید و ترک اوزره  
سرور ایدوب سالک طریقه فقر و فنا اولد قلریدن زمان عبور قنطره فنا لرینه قدر فردا ایچون ادخاریک

حضرت درویش عثمان سینه چاک

حبه ایتیموب بنگا خرقة و توره ابله هنگام شد اندشتویه ده دخی سینه چاک و مجرد پیلو پرهیز کار و مناسک  
 گزار مسالک ابرار اولوب انتقا لریدن اوچ سنه مقدم قیبرش یفلرین حفر و تسویه و کندم با کله مال مال  
 و فقر او مساکینه اتفاق ایدوب سنه ثانیه ده دوبار بخته آردله مملو وینه ارا مل وایه تامه فقر یقی ایدوب  
 سنه ثالثه ده نان حاصله بر ایدوب آتی دخی محتاجینه تقسیم بیوروب سنه رابعه ده مبعات شیوه غریبه لری  
 رسیده اولنجه نهیه جهان و جنوبه مشغول اولوب امسال بیالوده کندم پرکنم مضمونیه تقوه  
 بیورملری نوبت جسد یا کلرینه نقل ایلدیکنه اشارت اولوب فی الواقع رأس سنه رابعه ده و وقت اشغال  
 و تخلیه حجره فنا لریده حامل خرقة قالب متروکاری اولان لطیفه قدسیه بوغر بتسرادن عازم وطن اصلی  
 اولوب بالوده اغذیه بشریه اولان جسم لطیف لری حجره نشین قبرم قوم اولدقده اخوان صفادن بعض  
 نسکته پردازان سه بار ضیافت مقیمان روی زمین کرد و این بار سکان زیر زمین راضی یافت می کنند  
 عنوانیه مطایبه فرما اولملری کو یار روح پر فتوح لرینه کران کاوب کوینده مر قومک کوش خیالیه لرینه  
 ما آن ضیافتها برای این ضیافت نوبت پسین کردیم مضمون سلامت مشکونیه مقابله روحانیه  
 بیورملری حیات و فوات لریده دقیقه شناسان مراتب وجود و روشن دلان تاب شهوددن اولملرینه امارت  
 باهره اولشدر نور مشده و طیب مر قده و علی بساط الجوار اقعده آمین یا مجیب الداعین بحرمه  
 داعی المجیین الی دارالمتقین\* (حضرت درویش قلندر دیوانه)\* دیار روم ایلیده مالغره نام قصبه  
 خا کزادی و مائل صحبت آئیده و رونده درویشان اولغله فیض صحبت لری دماغ جان با کنه حالت انداز  
 انجذاب اولوب قناده شبکه ارادت حضرت طغانی قدس سره النورانی وزیر سایه تریه لریده آسایش  
 ایدوب لیکن غلبه صفوت مرآت قابلیته مجذوب شکل و دیوانه نما و لیب اادیب بر درویش حکمت  
 اندیش والی آخر العمر ملازم عبه علییه خانقا ه باب جدید و کوشه قناعت توشه مطبخ فقراده  
 مواظب خدمات اخوان الصفا اولشدر و بین الفقرا ثبات قدم صدق و سلوک منهج خلوص و تأثیر  
 توجه و اصابت نفس و تحقیق کشفه معروف و مظنه حال بلکه انتظام سلاک رجاله مشهور اولوب  
 هر کس استیجاب رضای نه شتابان و صدمه انحراف در و نلریدن هر اسان اولشدر و نام نامیلری حسن  
 اولوب نیاز در دمنده لری بین الفقرا دلی قلندر شهرتیه مدعوا و لوق بنده روسیاه و بی سر و پای مردان  
 خدا عنوانیه مذکور و خدمات شاقه ده مستخدم اولوب عبد ازاد دشمن لک اولد یغنی حسبیه نیازینه  
 مساعده و کلبا نلک مولویه امضا اولشدر\* (حتی)\* بهر سنه میانه مشایخ و فقرای چار خانقا هده  
 معتاد اولان فصل کنار ده سیر و تماشای کاغذ خانه و قتی اولوب عین الجمع اخوان صفا و خلان و فاول  
 نزهتسرایه توجه ایلد کلرنده خانقا هده سد و فتح باب ایچون قلندر دیوانه حضرت لری ابقا اولنوب لیکن  
 بحکمه الله تعالی محتسب شهر جوار خانقا هده اولان خباز لک سنلک تراز و سن ناقص بولوب انخد و تعزیر  
 صد دنده ایکن خباز فرار ایدوب اتباع محتسب دخی در پی دوان اولد قلرنده ناچار تخلیص کریبان  
 نفس ایچون دخیل در کاه مجرمان پناه اولمای کرام اولوب عزیزه التجا و رجای عنوایه کاه انلردخی  
 مصران اتباعی رعایت حرمت حرم اولمای ترغیب و دخیلان کشف الامان سایه حمایت مایه لرینه  
 مسامحه به تحریر معقولانه ایلد که مفید اولوب بلکه اشتعال نائرة تهور و اصرار لرینه بادی  
 اولغله بینماده جاری اولان کلمات مجادله نلک انجای مضارب و مدافعه ید منجره اولوب قلندر دیوانه  
 مانند رستم جوش و خروش ایدوب بیکانی ادیان مر قومینک جمعیت هجو ملرین پریشان ایتکه محتسب  
 بی شعور عار لاحق اولوب کند و سفا هت لرین یاد ایتیموب وزیر وقت اولان سالف الذکر و نظر کرده  
 حضرت طغانی درویش محمد پاشایه تشکی ایلدیک معلوم شیخ مر بیلری اولنجه ازهار کلزار

حضرت درویش قلندر دیوانه

خانقاها در چند دسته شکوفه ایله رسم درویشان اوزره اعتذار تنیه اولنوب اولدخی موجب  
 نفس عالیلری اوزره حرکت ایدوب وسابقا هول شمشر آشتاب مراد خانیدن فرار درگاه اولیا به  
 دخیل اولوب مدت مدیده قرار وزی فقراده آسوده حال وصغار و بکاراخوان ایله حسن معاشرت  
 ولطف زیند کایسنه اعتماد والتجای درگاه مردان خدا کندونک حسب حالی اولمغله مراعات  
 احترام امیدینه بناء جریعه دست و پای حمایت مذکور هسن استه عفا صد دنده برک سبز درویشانه بی  
 پیشگاه آصفانه سنه وضع ومقیم بهمانجه اعتذار اولدیغنده مشیر مشار الیه عرق خشونتی جذبان  
 وتعزیرسانی ستمه عطف عنان آزار ایدنجه قلندر دیوانه نکدخی دیک جنون پرفنونی جوشان و کف  
 انداز غیرت روحانی اولوب هما نابریک سبزی بی مهابا اخذ ایدوب ز دست هر چه آید باز مدار غنوانیله  
 رویگردان جانب اعتذار ومتوجه وشتابان کج خلوت انکساری اولوب بعد ساعه وزیر مر قومه  
 اتبا هوندم وضع گذشته کلمکه تفحص مآل حال سیاقنده فرستاده تدارک مافاتی اولان خاص رشیدک  
 مفاد الهیجه خرم واحتیاطی موجبجه اون کیسه نقد نذرله تطیب قلوب منسکیره فقر او هیدایای  
 بهیه حضرت شیخ عالی مقام له استشفاع اولند قدده عین الجمع فقرا ایله حضرت شیخ باب مسدود  
 حله خانه قلندر دیوانه به کوب کونا کون نیاز واستعفا ایلا کارنده مفید اولوب نه فتح باب ونه رد جواب  
 ظهور ایتوب نذر مذکور وهدایا دخی موقوف اولوب انجام کار انکسازینه نکران اولد ولری  
 یوم نالده بی بالساد دل صدر وزارتدن عزل و مالغره نام قصیه به طرد ونفی اولنوب جزا دیده جرأت  
 آزار قلب انکسار شعار اولمشدر و قلندر دیوانه دخی روز غزلده فسخ عزات و جمعیت خانه فقراده  
 تحدید عهد صحبت و خدمت ایدوب نذر دل آزار محله رد اولنوب مقامنه قائم اولان ضعفیله تنجیم  
 شکرانه ایدوب بیرو جوان و آشناییکانه به اضاعت حرمت حرم اولیا و جرأت آزار فقرا مورث حرمان  
 ونسکبت اولدیغی نمایان اولمشدر \* (نظم) \* رنج را باشد سبب بد کردنی \* بد ز فعل خود شناس  
 از بختی \* فعل تو که زاید از جان و تن \* همی و فرزندت بکیرد دامن \* کرد خود بر کرد و حرم خود بین \*  
 جنبش از خود بین و از سایه مبین \* چون قضا بیرون کند از چرخ سر \* عاقلان کردند جمله کور و کر \*  
 حکم تقدیرش جو آیدنی وقوف \* مهر کیرد در قرا فخر خسوف \* چون قضا آید شود دانش بخواب \*  
 مه سیه کردد بکیرد آفتاب \* خرج کرد از اقضا کمره کند \* صد عطار در اقضا ایله کند \* بر قضا کم نه  
 بهانه ای جوان \* جرم خود را چون نمی برد بکران \* بل قضا حق است وجهه بنده حق \* هین مباح  
 اعور جوابلیس خلق \* محتسب منحوس دخی جمله ماملک و خانمانی حریق زده اولوب میانۀ خاتمان  
 و ملک و مالنده ها کستر و بر باد اولوب و بوقوله بروز غیرت حضرت دیان عزیز دوانتهقام منش اعتبار  
 و مدار انصاف خیار منی اولوب دفعه اهل و عیالیه شرفیاب اسلام اولمشدر \* (نظم) \* چون در  
 آمد خوش دران باغ آن جوان \* خود فرو شدیا کجشش ناکهان \* مر عسس را ساخته یزدان سبب \*  
 تا بیم او دود در باغ شب \* بند آن معشوق را او با چراغ \* طالب انکشتی در جوی باغ \* پس قرین  
 میگرد از ذوق آن نفس \* باثنای حق دعای آن عسس \* فی الحقیقه کافر کم سنک عسس محتسبیدن  
 درگاه اولیا و گلستان معنایه فرارنده ظلمت کفردن مغتنم خلاص ونور ایمانله روشندل اولمغله  
 مهتدی جاده مناص اولنجه عوانان ابالسه ونفوسدن فرار کرده لمقصد اقصاب و مطلب اعلای  
 معرفتله بهره یاب وسلامت عالین ایله سرافراز ونسکین حلقه انکشتی راز اولوق مقرر ایکن اول  
 کھف الامان کریان و ملحق طوائف دیوان اولوق محضا اثر شقاوت ازلیه اولدیغنده عقول سلیمه  
 وطباع مستقیمه مأمون الغائبه تردد و اشتباهدر \* ودخی دیوانه فرزانۀ مرقوم عین الجمع

فقر ایله مقابله خانقاه غلطه حضوری قصد یله ساحل ایوبه کلوب فقر از ورقه نزول ایلد کده اخواندن  
 تا خرایدوب زورق دخی طولوب کند و یه جای نزول قلیوب اخوان ناچار بربرینه ازدحام ایدوب  
 کند و یه منزل تدارکی قیدنده اولدقلین کور یحک شهاب سلامت روید بنده از خشک میرود عنوانیه  
 تراحم اخوانی مناسب کور میوب راهرو خشک کاغذخانه اولوب فقر ادخی مقدار ساعتده عبور  
 ایله خجیه خانقاهه کلد کارنده حضرت قلندر صفة مطبجده حاضر بولوب خدمه مطبجن وقت آمدین  
 سؤال ایلد کارنده مقدار ساعه تقدم قدوملین افاده ایلد کاری و هنگام رجعتده دخی شیوه پیشین  
 اوزره اتحاد راه ایاب و ذهاب سمتیه سالک اولوب تغین فی الطریق ایوبینه عین الجمع فقر خانقاهه  
 کلد کارنده مقامنده حاضر مشاهده اولوب وقت قدومی تفحص اولند قده هنگام تفرق هنگامه  
 مقابله اولد یغین اعلامدن ذهاب و ایاب لری طریق طی مکانه اولد یغی جمله عندنده ظاهر و ذات بهشتی  
 صفا لری گروه پرشده کور در جالدن اولد یغی باهر اولشدر وقتا وقت صفة مطبجده اخوانه صحبت  
 خاص ایدرکن فلان خانقاهرا فلان شیخ شد و فلان طریقتی کردند عنوانیه آستانه سعادت طرفندن  
 سرزده اولان اخبار لری سر یعوا و عاجل لاجلوه کرساحه ظهور اولغله اصابت مکشفه و احاطه  
 الهامیه لری مجمع علیه اخوان و خلان زمانلری اولشدر \* حتی درون و جوار خانقاهده جسارت  
 ارتکاب و بلد که هم سیئات و جرأت اسائنندن جمله هراسان و تجاوز حد و شرم و احتیاط ایدنلر دخی  
 جزا دیده اولوب هزار توبه و استغفار و اظهار عجز و اعتذار و بذل و نذور و قربان ایله امان یاب پنجه  
 شیرانه و پند پذیر مردانه لری اولشدر و قاضی زاده زاده القهار سوء القضا مطاعن و زخم دخان آتش  
 فشانندن شکوه برزانه و سیاق استمداد توجه بده برنده نیاز مندانه شها خوشدل باشید که اکنون رخنه  
 دهانش اگر خنجر فضله قولش شده است زود باشد که خنجر بی فضله بولاش شود عنوان انجام بدین ایله  
 تسلیم فرما اولملری زمان انسداد خنجرین طاعن مدمرده صحبت پذیر اولشدر کلبین فی محله و زمان  
 مخصوصه خصم مارالذ کرده ضاق علیه النضا و دار علی رؤس احراب رجی سوء القضا نکتة نا کاهیلر یله  
 وقعه فضیحت دارالولایه لیرین کشف و تعین بیورمشدر در که بعد مرور ایام ظهور مکشفه لرده  
 مصادفه وقت نطق و زمان ضرور مقهور خنجر بومرتقین بشارت اشارت علیه ترینه نمایان اولشدر  
 \* (نظم) \* هر کدر افعال دام و دد بود \* با کریمانش کمان بد بود \* چون خدا خواهد که پرده کس درد \*  
 میلش اندر طعنه با کلب برد \* هر که آخرین تراومسعودتر \* هر که آخو بین تراومسعودتر \* بنکر  
 انهارا که آخر دیده اند \* حسرت جانم اورش دیده اند \* باد دیده اول و آخر بین \* همین مباش اعور  
 چو ابلیس لعین \* اعور آن باشد که حالی دید و بس \* چون بهایم بخت بر ارباب پس \* چون ز دست زخم  
 بر مظلوم رست \* آن درختی کشت از وز قوم رست \* چون ز خشم آتش تو در دله از دی \* مایه نار جهنم  
 آمدی \* آن سخنهای چو مار و کژدمت \* مار و کژدم کشت و میکرد دمت \* منوال مشروح اذکار  
 جلیله و مفاخر جلیله لری افواض خاص و عامه منتشره اولنجه چند ماهه زیر قبه چار ضربیده مستتر و آشنا  
 و بیگانه ایله طی بساط الفت ایدوب نائرة اشتهار لرینه نوعا خود طاری اولنجه یه عادت عقل و ادب  
 اوزره جنبش و آرام ایدوب و کاه و بیگاه سرزده اولان جلوه ملامت لرینه تقلید ایدن نوهوسانی منع ایدوب  
 این کار را دیوانه قلندر بودن شرطست که ملامت خود بخود بطالت و ضلالت و اضلالست عنوانیه  
 تو بیخ و تفریع بیور لر ایدی و او اخر او قاتلر نه جبره نشین اولوب صفة مطبجن خال انداز خدمت  
 چل ساله لرین کوشه و حدت و فراغه نقل ایدوب بالکیمه روی آفریده یه سد باب رخصت دخول  
 و اشعار اقتراب افول ایدوب اسلوب کمال اتروا اوزره هجده ماهه مرورنده ناگاه فتح باب زیارت احباب

و پنج مقابله چار خانقاها ده استیفای حظ و افسین ذوق و صفای سماع و وفا و یکان یکان اخوان  
و خلایه و داع ایدوب آستانه سعادت سیاحت اتمک اوزره نیازمند کلبانک مبارکه سفر اولوب مشایخ  
کرام دخی مساعده و بمنون بیورملریله حجره و حد تلرینه رجعت ایلد کلرنده آشیجی باشی جنائی  
حجره لرینه دعوت ایدوب و کین کشای راز اولد قلرنده سیاحتلری آستانه سعادت حقیقته و جواردار  
السلام مقصد صدقه اولد یغین تصریح و اثنای زیارات احباب ده صورت غما اولان فتوحات اکرام  
و احترامدن مجتمعه نفود و اجناسی کند و یتسلیم و لوازم سفر اخویه لرندن فضله سن اخوانه توزیع  
و مدفن مبارک لری پایگاه مرشد و پیشوالرنده اولق اوزره توصیه بیوروب پس بر خیز و بکار خود  
استعمال غما که ما بدر رکاب و ویراهیم نفس انفسلریله ارجاع و اسراع و کند و لر در حجره لرین  
سد و بند ایدوب بعد اتمام اللوازم در وحدتخانه لرینه کاوب رسم فقرا اوزره باهواله استئذان  
اولند قدقه هوی اذله تکمیل نفس بیوروب اول عندلیب کلزار قدس تخلیه نفس ایتش لردر  
و قهر بر نور لری محل وصیت شریفه لرنده اولق اوزره در طیب الله شراه و جعل مقصده ما و اه آمین  
یا من لا یخیب الرا حین بعز من له الشفاعة الکبری یوم الدین \* (حضرت درویش احمد قرغانی) \*  
فی الاصل انا طویلده کونولق قصیه سندن و اولاد صوفیه بیرامیه دن پالک طینت و مولع طاعات اولوب  
لکن سائق حکمت کند و ی دواتر انساب رجال امارته سوق ایدوب لوی قیصریه میرمیرانه کتخدالقی  
ایله دارالولایه قونییه حرست عن البلیه جوارینه چند روزه ضرب خیمام آرام ایلد کلرنده زیارت مشهد  
مقدس مولویه و حضور مقابله حالیه دن عکس انداز اولان پر تو محبت تجر بل عرق جبلی ایدوب  
بالکلیه خاطر صفوت مآثر لری ژنکار هلاقه ماسودان زدوده و مشرب اخلاص سرشتلری شیوه رفتار  
در ویشانه رپوده اولوب دفعه توابع و خدامه حامل و محمولی اولد قلری اسباب و دوائی انعام و حقوق  
خدمه تلرندن استحال ایدوب همان لابس اولد یغی اثواب ایله مطبخ جانیر و سلطان العارفیه دخیل  
اولوب اتی دخی در حال نزع ایدوب بر کهنه کلیمی اندام پاکنه پوشش ایدوب انزل پایه خدمه مطبخه  
دست بر سینه عجز و ابتهال قائم مقام خدمات شافیه و مخصوص شست و شوی قرغان اولوب جل سال  
بومنوال اوزره اوقات کذا را اولوب جای خفت و خوابی دخی درون مطبخه محل طناجر و قرغان اولان  
کوشه تنگ و تار اولوب فی یوم من الایام تکبیر کلاه اراده نیاز غما اولوب لکن درون صداقت  
مشحون لرنده غلبان ایدن سوز اشتیاق تأثیر فرما اولوب بوستان ثانی افندیمز واسطه مشیخت تربیه  
معظمه لرنده و رای پرده خیال دن علی اوکدالا و امر تا کید و تنبیه بیورلد یغنه بناء مرام نام نزهتسرا ده  
اولان باغ حسرت الانظار لرنده ایام عیدیه عین الجمع اخوان الصفا و خذلان الوفا فی ضیافت  
الوان نعم بیوروب انجام ضمایا قلرنده درویش احمد قرغانی بنده لرین بهمانجه حلقه عین الجمعه دعوت  
بیوروب کلاه خالص لرندن بر کیده سن تکبیر و الباس بیوروب و کزیه شادی کلن شکرسرا و حمد افزا  
اولوب هدامن فضل ربی که زمان مشیخت سمرده بر طالب غالب و عاشق صادق قلز و رباز وی صدق  
و اخلاصه دست تکبیر مریدن کلاه کرامت دستسکاهر با اولد یغنه مصادفه اولندی عنوان ارشاد  
نبیانه شناسنج اولوب اول صادق سرباز سایه اخلاصنده نیاز مند ان حرز سعادت تکبیر مولودین  
جم غفیر دخی بر ره مند سایه دست کرامت پیوستلری اولوب میانه اقرانده ذات صداقت سمات حضرت  
قرغانی میل میدان استقامت و نمودار آثار صبر و ادب تسلیم اولوب لوازم سائر لری دخی خزانه کرم  
حضرت چلبی مووی الیه دن تکمیل اولوب سنین چله مرده لرنده پوشش اندام سعادت انجام لری  
اولان کهنه چل و کلیدن تجرید و حجرات آستانه سعادت دن برنده اسکان بیوریلوب الی آخر العر مظهر

حضرت درویش احمد قرغانی

عواطف لایحسای حضرت بوستانی اولشدر و حجره شریفه لریده دخی سسکالری اوقاتده خورده  
و خواب و آسایش جسمانیه لری خصوصنده کمال ریاضت کار اولوب علی الدوام کوشمال توسن  
نفسدن خالی اولوب حتی ایام شدت حرصه در و دریچه حجره لرین سس و بنسند و اشغال آتش  
و افرایله حجره لری مانند خلوت متعفن حمام پر تاب و اوان حدت بردشنامه فتح باب و منظر و اطفای  
آتش ایدوب ساده بیرهنه کاه درون حجره ده منادمت دست بر در ایدوب و کاهی بروننده سپرسینه دار  
هیوم عساکر برف و باران اولوب دهر دو موسم اختلافده محل زیبای وجود فاضل الجود و النور لری  
یکرتک راحت و ذوق وی کرد و تغیر عیش خوشه کمران تختگاه کلب حیات و صحت  
و عافیت اولدیغی خارقه باهره لری واقع اولشدر فی الواقع انصاف اولسه قدرم اولده اولان  
طفره منازل نور دلری و مدیدم جلوه نمای مرآت اجتهاد لری بولنان تحملات طاقت کداز لری  
و امتداد روز افزون اصطبار و تمکین لری صد هزار بار معاصرین اخوانک روش و رفتار لرینه  
رحمان و غلبه فرما اولدیغی کالشمس فی وسط النهار در پس اوصاف جلیله واذ کار جمیله لریده فوق  
الغایه مبالغه و اطرا دخی اولنسه نه عین حقیقت و بی احتمال اغراق و مجاز در فسبحان من افاض  
علی آحاد عباده مایستحیله العقل و یستبعده الوهم و لا تطبیقه موازین الحواس و لا تحیطه مقادیر  
العبارات مع ضعف قوتها الجسدیه و ذبول بنیتها البشریه و اظهر اسرار فاین أن یحملنها و حملها الانسان  
علی مرایا قوالب خواصه و امد هم بالقوة الروحانیة و قواهم علی طی عقبات الاهویه النفسانیة  
بالطفرات السرائیه فظفروا بمقاصدهم و نالوا الفوز عن مهالكهم بحض عنایة توفیقه انه هو الکریم  
الرؤف و دخی آثار عجیبه جاذبه لری منتشر مسامع آینه ورورنده و جلالای مناقب نفیسه لری  
متفرق الخای دیار اولغله اقصای بلاد ده هزاران نفوس قابله و ارواح سعیده مشتاق دیدار و تشنه  
انفاسی اولوب هنکام ور و دود و روق و افلده هدایای بهیه مشتاقین و ندور و اجبه محتاجین خیر  
دعا یله حجره شریفه لری دار النور و الاجناس اولوب لیکن حبه و احده سی ساعت و احده مریخص  
آرام اولوب پروان کان شمع صحبت شریفه لری بولنان صعال که صابریه اتفاق اولوب تجرد علی  
الدوام پیشه همیشه لری اولوب اول و آخر سیر پای بر کار کردار لری یک طرح اولغله جاذبه محبت و علاقه  
مخالصه لری کار رجال دولته عکس ایدوب هموار استمداد و استعداده دنده مهادات و مراسلات  
متصله و استفاضه لری متواتره اولشدر \* حتی قیل وزارت والی قره مان اولان محب ابن الحب  
طریقه علیه خداوند کاری حسین باشارحه الله تعالی علیه حضرت بوستان ثانی منقبة نفیسه سسنده  
تفصیل اولندیغی اوزره علی سبیل العادة و الحواله واسطة استفاضه اولوب اول ذات شریفه منشأ  
برکات عامه عباد الله و المرینه باعث اولشدر الدال علی الخیر کفاعله و حواله و وساطت شریفه لری  
آثار جلیله سی هویدا اولدقده حاصل اولان اخلاص اکیددن ناشی وارد و متحف اولان مکاتیب  
ضراعت و هدایای فاخره وصولنده بالجمله حضرت جللی مشار الیه نظریه ایصال ایدوب وجهها  
من الوجوه نکه رغبت بیور میوب این کرامتاهمه از فیض و کرم سایه آن همای ولایت است و رینه  
از همجو مامشت خس و خاشاک چه می آید عنوانیله جبهه مسکنت سای عتبه علیا لری اولوب تراید  
استحلاب انظار حسنة قطبانه لرینه بادی اولشدر و اوقات متانت سیر و سئو کارنده فیوض صحبت  
و برکات تقلید لری ایله اغلب اخوان صفات کمال ترک و تجرید اوزره پیر و اسلاف علیه و منازل رس  
پیشقدمان طریقت مولوی و المرینه باعث اولوب میدان مردانده رایت افراز استقامت و کوه  
شیراغ یگالری ره نمای استفاضت و رفتار و گفتار لری حلال الوف مشکلات اولشدر از جمله

بوقهر بر تقصیر و خاك در كه حضرت پير قدس سره المنير ك استداى سلو كنده هزار اشتبا ق حواصل  
شكافله افتان و خيزان زيارت كعبه العشا قه جان انداز اولوب بحكمه الله تعالى روز فبر و ز وصولى  
عين الجمع آستانه سعاد ت كه ز هتسراى مر امه توجه لري نه مصادفه ايتكاه صفة مطنج جانپور و ره  
نزولنده اول بقعة مبار كه ي درون بيت الحرام و ش زائر و طائف و عاكف و واقفدن ظاهرا خالى  
مشاهده ايدوب لك كن اول نشين سعاد تهر و مانندن جوشان اولان فرط سر و روشادى طوق هضم  
واحاطه دن بيرون اولمغله خروش تيز تيز نشاط لا يقطع قطع نفس ايدوب نفسنده بيم هلاك مر ك شادى  
معينه ايلد كده سماع و كردش بهوده و حر كات غميه و طرق ساثره ايله دفعه چاره جواد يغنده  
مفيد اولوب مقدار ساعه انقطاع نفس عمدا و لنجه ناچار اول عتبه عليه ده تسليم و ديعه جاني منت  
يلوب متوجه محراب رضا اولد يغنده نا كاه مانند چشمه حيات ناريكي دهليز وحدت كوشه لر دن  
سر برآور و روغنا و در و يش خوش آمدى نفس جان بخش لري له خطاب مستطاب بيور ملر يله بكرم الله  
تعالى و كرامه خواص عباد ه تخليه سبيل قوافل نفس اولنوب حيات تازه ياب اولسي كند و حقنده  
قام مقام زمينى حضرت مسيح عليه السلام اولد قلري نه اعدل شهود مدعاى زنده دمان اولمشدر  
و خصوص ماده ده فريادر س حيات مستعار مزا اولد يني كى تقليد و محبت لري دخی سرمایه سعادت  
وسلامت دام و در راهمز و سدر اه قطاع طر يقمزا اولمشدر انار الله تعالى مشاعل حما ياته الروحانيه  
على سبيل السالكين بمنه و كرمه آمين بحرمه سيد المرسلين و سندا العاخرين و مدد المستجيبين فى يومى  
الدنيا والدين \* و دخی وزير وزير پرتو برق تابان انجام ند ميرك حضرت جلبي بوستان ثاني جناب  
ولايت مآلري نه ظهور ايدن اسائت و جرم لري هنوز مكنوم و راى پر ده خفا ايكن دامن كرامت  
پير امنلري نه ر و مال ابتها ل اولوب بالنع ل والى ابالت قره مان بولنسان ابن مقتول حقنده بد عوت ابن  
ديوبچه مقهوره اجابت نبايد كرد كه انجام سلامت است عنوانيله وقعه نفى و اجلال لري نه ايماء و سميت  
خلاصه اشارت بيور د قلري نه جلبي مشار اليه دخی در و يش احمد ابن كشش آب ودانه و سر نوشت  
مردانه است هر چه بادا باد نفس تسليم و رضا مضمون لري له مقابله بيور د قلري نه ناچار حجره خلوت لري نه  
دخول و سسد و سكر در و روزن و ترك خواب و خور ايدوب و درون حجره دن ايام اخرا ن مرقومه ده يي  
اندر پي مد مر مخدول طرفه خطابات جلاليه مسموعه اولوب آخر ناو ك توجه لري مصيب هدف  
مقصود اولوب مقام حمايت عباد دن قلع اولد يني روز فبر و زده فتح باب حجره انقطاع ايدوب خلايش  
برداشتند و جوز پوسيده اش آشكار كردند نكته مفرجه لري له بشارت فرما اولد قلري كانفلاق  
الصبح و ر و دبشير محمد باشاي و اطلاق نامه و زير مشترى تدبير و صاحب الفتح و التسخير ايداعيله  
روشنكر مر اياى خواطر منتظرة الافراح و صفات بخش صد و رقنور غبار اتر اراج اولمشدر و اول جائز  
خدا اناترس حقنده بيور د قلري مناسب تر و يردن تعري ايله ز و اياى اهمال دولنده پوسيده و بدنام  
وبى نشان حسن شان اولق دخی سر يعا و عا جلا جلوه ك رسا حه حسب حال نكبت مآلى اولمشدر  
و ديوبچه مقهوره اسلو يله تفوه و تقال بيور د قلري دن مأمول اولان توسط الابن بين المقتولين  
ايدى ليكن استدر احي هنوز رسيده حد تمام اولوب بر مقدار دخی امهال اولمغله آخر وقت پر  
مقتده مير ح اولوب هزار آلام واسقامله باديه پيماي بهوده و كميني اداى مناسك بچدن حرمانله  
بين الحرمين مظموره بند خاك هلاك اولوب قطع اوقات انتها ز فرصت عمر نده موفق خيرات  
و حسنات اولوب مهالك مظالم وشه و اتده سرمايه باز حيات اولمشدر نعوذ بالله الدافع الحفيظ من  
انكسار القلوب و اغرار الارواح و اين نيز از بقاي اى مفاسد و انى مزيور بود و بسراى امثال خود



رسید و دردمندان فقرا از شراره شرورش رهید همچنان باد ابد الابد بالنبی وآله الامجاد \* و دخی  
اول یکنانه میدان اصطبار و فرزانه بر تمکین صف اختیار شصت ساله که لوزار ایکن مبطون  
دور و دراز و مانسندال ضعیف الحال اولوب سرکاران مطبخ و فور شفقتملرندن ناشی خدمات  
لازمه سی اداسین وقت عافیت و زمان قدرته دکن خادم آخره توصیه ایله لریله غرغثران یابکشان  
عذر و نیاز هر و مال ابتهال و کریان و نالان اولوب امید بندد و رسیه از کرم بزرگان آن بود که بار ناتوانی ما  
بر کبرید و روان و توان نوبخشند و از کستانخی گذشته گذرند نه آنکه چون کفش کهن انداخته  
بیغوله نسیان کنند عنوانیله فریاد و فغانی کار کرجان و جگر حضار اولنجه آشچی باشی جعفر ده ده  
رحمة الله علیه کار دیده افت و خیز سالکان اولغله متقل مافی الضمیری و مساعد مطلبی اولوب عفو  
قصور و صفح کسوریه و اندفاع عارضه هلم که به کلبانک همت کش اولد قده بفضل الله تعالی  
و عنایت خواصه در حال صحت و عافیت یاب و کما کان مقسیم مقام اقدام خدمات معینه سی اولوب  
فی الحکة والسقم و فی وقت من الاوقات خدمات درگاه اولیادن خالی اولوب چل سال پویه خدمت بی  
علمته قال و صاحب اکسیر حال اولشدر و اوقات خالیله لری مطالعة مناقب مردان راهله مشغول  
اولوب وقتاوقت احوال معجبه گذشته کاندن کند و به غیرت غلبه ایدوب چند روز بخورد و خواب  
خوشان عاشقانه صد آه و واهله تازیانه زن سمند آتش عنان همت و حیت او اخله جوانب علیه  
روحانیات گذشته کاندن ظهور مراحم کونا کونه تسکین یاب جوش اشک خونین و ممنون تسلی  
دافع آه و این اولوب ایام ماضیه سائرده اولان حال پیشین تمکین لری عودتیه به دست و پای و طائف  
معینه خدمات شریفه کفی الاوائل اهتمام غا اولور لر ایدی و کاهی غلبه استغراق و فنا یله  
بیغوله معهودده داخنین خال انداز عزلت و انزوا و اوقات مشاغل خدمتده دخی کمال صمت  
و غرض و حقیقه خدمتخانه بند نلرنده خلوت و وحدت کزین اولوب بعد انقضاء المبعات حالات  
مألو فله لری رجعت ایدوب انیس اخوان و جلیس خلان اولوب و موائله صحت لرندن طالبین بهره مند  
نواله فواید اولور لر ایدی \* و دخی دیار اناطولی تغلب اشقیای لواندات ایله هرج و مرج اولوب  
بالاقتضا عقلای دولت تفریق جمعیت فساد لری صد دنده رؤسای قوم مفسدینه توجیه مناسبی  
استصواب اختیار یله یکن عثمانیه و سائر لریه حال لریه مناسب منصب و طبیل و علم و یر اولوب  
سیواس و قره مان ایالت والویه تابعه لری اشخاص منخوسه ایله لمصالح خفیه مبتلا اولد قلرنده ادعای  
محبت فقرا و زعم استدعایله طرف بی شرف لرندن صد دینار و قربان دوازده کانه ایله ارسال  
ایلد کاری شخص بی تشخیص توجهندن مقدم روی سفید و وجهانیلرین سیاهی طناجر و قازغاندن  
همر نل پیکر زینکی و نمونه مسوده حسب سوء المآل لری ایدوب بممر قاصدین مطبخ اولان خوشان  
نشین لری او زرنده منتظر و رود قاصدنا محمود اولد قلرنده متجسسین فقر ادخی دوراد و رتماشای  
انجامه چشم و کوش اولنجه ناکاه بریدی انبناه ظهور ایدوب قرابینی ایله باب خوشاندن دخول مراد  
ایلد کده صوت بجهیر ایله خطاب شدت مآب و کجامیری و کرامیجیوی لفظیله تمویل یو رد قلرنده  
لوند مسفوره دخی مطلوب کند و لر اولدیغین بیان و مقصد مرسلین مد مرینی عیان ایدنجه صر دیناری  
اخذ ایدوب و سکن اطراف فی دعوت و میانه لریه القا ایلد کده عدم رغبت لری نمایان اولیجی آنجه  
سلخو ردیجه کار ایدو این کوسفندان نیز یا اصحاب و یا بکلاش داد نیست بققرای اولیا نشاید  
عنوان رد تبیانیه جواب تو بیخ نصاب عقینده لوند مسفور متخیر اولوب الحاح قبول ایلد کجه  
مفید اولوب جوار باب سعادتدن طرد و ابعاد ایدوب اگر از مال سوال کنند بروی من ~~بفکر~~



وازدیده خود به کعبه عبارت مساوت نظام لری متضمن اولدین معانی مرموزہ بتفصیل اجلوہ کر  
منصہ بروز و سواد الوجهہ فی الدارین ایلہ جملہ سی ہالک و مطر و ح زندان مالک اولش لدر و وقت  
معہ و دہدہ معاینہ اولٹان شدت و جلالت و دفع و مقابلہ لری تماشا بیانہ حیرت افزا و صرۃ مدفوعہ  
و قرا بن غیر مقبولہ فی طریق آخر لہ حضرت جللی بوستانہ عرض و استمداد ایلد کلرندہ انلردخی این  
طائفہ فقرا ہزار تن و یکدلند بس رد و قبول یکی و ہمہ از یکدیگر جدا نشود مضمون شہود مشکوئیلہ  
دفع یور و ب اول واقف اسرار کامنہ نلک خصوص تسوید و جہدہ تضمین یور دقلری اشارت انجسام  
اصابت و تدمیر فرجامی تحقیق سیاقندہ آن بدلا در فعل و قول راست است نفس زندہ لرین تصدیق  
و تحسین یور مشلردر و اول عاشق سرباز و صادق ممتاز حضرت جللی بندہ نوازہ پیرو و بی دغدغہ  
انحراف مزاج منسلخ بدن و خرسید غروب کند و ذرہ بر جامند و شاه بملک بقاشتاب کند و بندہ از پس  
او عیش در برم فنا کند امثالی مقدمات حسرت آیات رحلت را یا تیلہ نالان و کریان اولہرق چند ماہ  
مرورندہ آفل باخت بقا و حقیقۃ الارواح مولویدہ شجرہ جسم لری غراس جنت اولشد در اعلی اللہ  
درجاتہ و قضی حاجاتہ یوم لامستعان الاہو و هو المغیث اللطیف الکریم الرحیم \* (حضرت درویش  
محمد قویون) \* ابنای دارالدولہ استنبولدن و اولاد رؤسای طائفہ بیکچریاندن اولوب حسب قوائیم  
بندرندہ امتیاز رتبہ ایلہ مشارالہ اولمش یکن سعادت ازلیہ کند و یہ دستگیر و فریادرس و خلایب  
عوائق ماسوادن و کرداب علایق نفس و هوادن دست و دامن شوی و ساحل سلامت فقر و فنا دہ  
آسایش جوی اولوب حاجی احمد دہدہ حضرت تلری عقبہ ارادت لرینہ التجا ایدوب مدت مدیدہ خدمات  
شاقہ در کاه مردان راہی علی اجل الآداب و احسن السلوک تحمل تمامندہ شرفیاب تکبیر جلال الدینی  
اولوب و حضرت مرشد اکاہ لری شدنطاق عزیمت زیارت حرمین محترمین ابتدا کدہ ماشیا غاشیہ  
بردوش و ملازم رکاب خدمات رکائب عنایات انسا بلری و مانند سایہ زیر قادمہ حمایت لرندہ مستعد  
حج شریف و معتتم برکات زیارات سکن حرمین الشریفین اولوب بعد وفات الشیخ کند و لر فرید او وحید ا  
و ماشیا بالدفعات نوافل کزار حج و عمرہ و اثنای راہدہ سقایہ عطاش پیاد کان حاج مشوبان تیلہ احراز  
مراتب رفیعہ معنویہ ایدوب بعد استیفاء الحظ الا و فرینہ خاکبک مرشد ارشد لرین زیارت و محاب  
اولیادہ رفت و روبرو در کاه مولویدہ بقیہ اوقات کذار اوقات صدندہ ایکن و رای ستارہ غیدن  
حالت غیر مترقبہ ترک و تاز آور ملک وجودی و خلل فرمای نظام ہوشی اولوب جذبہ زائد المقدار لہ  
سروا برہنہ و سینہ چاک و چار ضرب کردش کوی بکوی دار السلطنہ و بقراری صبح و مسا و گفتار  
پریشان مجذوبانہ و قویون لقیلہ معروف و مظنۃ التحاق حزب رجال اولشدر \* (مر ویدرک) \* حالا قبر  
منور لری ترسانہ عامرہ کوز لرندہ زیارت گاہ خاص و عام اولان دیکر قویون دہدہ حضرت تلری طیب اللہ  
تعالی عیشہ فی جوار الرحمة جناب ولایت مآبلر یلہ عزیز مشار الہلک علاقہ سرانہ لری اولوب قبیل  
الوفات کند و بی احضار و بعد الانتقال قائمقام و خلیفہ معنویہ لری اولق اوزرہ تبشیر یور و ب  
لکن صبح غمایش لری اولان شکل ملامت لہ تواری تکلیف اولندقدہ خلع و قلع آداب شریعت  
و طریقتہ رضادادہ اولیبوب تحمل امانت روحانیہ لرین کما کان تلبس خرقة قنارہ و شیارانہ یہ تعلیق  
ایدوب والا فلا ایلہ یا سخر زاسخ دہ اولملریلہ شب ہنسکام و دائرہ خیال دہ کند و بی مجمع رجال کثر ہم الحق  
عز شانہ الی یوم المآلہ دعوت و تکلیف مرقوم تسکرا اولندقدہ اعادۃ اعتذار ایدنجہ دستور انجمل  
کمل اولان تعزیر درہ تأذیب ایلہ سرتابای وجودی مانند مہر پلنکان آثار درۃ خیالہ ایلہ متعش  
اولوب ناچار تسلیم حکم حکیم پروردکاری اولوب بعد وفات الاصل مقام لرینہ قائم اولوب بعینہ لون

حضرت درویش محمد قویون

رفتار و گفتار لرینه مجلی اولغله شهرت لری دخی کندویه انتقال ایدوب قویون لقیله مدعو اولشلردر که اوقات تغیر شکل و ترمیل لباجه ملائمده جمله تعبیر کلان و خواجه تاشاندن درویش حاجی حسن و درویش حاجی علی محرمان کزین و همدمان دیرینلردن اولغله انداملرنده نقش فرما اولان محال مجال فرساری اراثت واجمال قضیه محکمه بیورملریله عزیزین مذکورین مترفلین شعار و دثار آداب و رسوم شریعت و طریقت اولان مبتدئین و اوساط اخوانی کرم علاقه محذوبان دن تحذیر و تبعید اوزره تعهد مرسم نکهه بانی و مهر بانی اوزره ثبات قدم نما اولشلر ایدی فی الواقع طوائف مرقومه ایله علاقه اتحاد پیدا ایدن سلاک جاده تمسکیندن بعضیملری پنجه تسخیر لریدن رها یاب اولوب لون سکر و محوله متسلون و جانب میللرینه منهدم اولشلردر حسب الامکان کرکدر کسا کلان ساحل صحر و تمسکین کندولرین کشتی بی خله جذبه یی عرفانه القا ایدوب اول برزخ هائل و مأمن سائله کرداب تلاطم امواج پیکتا به اسیر ایتیموب کوشه وحدت و میدان اتحاد اخوان الصفا و خلان الوفا ده کامران صحبت روحانیه و مسند ارای فراغ بال و ذوقیاب صفای حال اولوب اثر اسلاف کرامدن تخلف نما و کزیه رو شعب اتسلا اولوب دل داده ابرار مشار و دیده روشن سرمه اعتبار اوله لر و فقنا الله تعالی و کافه السالکین الی مناهج الاختیار باقتفاء اسلم الآثار و أهون الاطوار \* و دخی اول یقید سودوزیان و مأمن الغائله قدح و استحسان مجذوب جاذب القلوب اولغله و اوضاع و اطوارنده مینت و برکت مشاهده اولندیغی بین الجمهر و مشهور و هر کس انقاس مر موزه سندن مکاشفه ضمیرین بلکه وصول مر ام و خلاص هر اسن مفهوم ایدوب نذور و هدایا و وجوده سائره اکرامله مظهر فتوح متوالیه و فضله لوازم و ازدیاد موجودین حلقه محبتین فقیر و عاجزه همشیره لرینه عطا ایله معتاد اولوب دردمند مر قومه اکثر باجمام و زیارت اقرایه روان اولدقجه برادر لرین نکهه بانی خانه ایدوب خانه لرینه کلد کده فتوح کثیره ظهور یله تبرک ایده کیش ایکن او یاشان محله دن بعضیملری انتهاز فرصت ایدوب نکهه بانقلری و قنده درون خانه ده موجود اولان اشیای تمام کتد و خانه سینه نقل ایدوب عزیز مشار الهمدن قطعاً چون و چرا مسموعی اولوب بلکه خنده فی اندری ایله جمع و تحمیل اسباب خانه به اعانت مشاهده ایتد کچه جنونه حمل ایدوب نقلی ممکن اولان اشیایان کم قیمت و کران بهانسه ایقا ایتیموب اغتنام فرصتله مسرور سد باب خیانت و اشیای مسروق و قبی احتیاطاً اخفا ایله مشغول ایکن بقیه نه صندوق و مهمل کتج تار یل خانه اولان اشیای دخی جمع و تحمیل بیوروب بالنفس خائن مسفورک باخی دق ویدایید تسلیم اثنا سنده خند ان و مطایبه کلان اینها مانده بود فقیرا و دردم کبر عنوانیله انلری دخی تسلیم ایدوب همشیره لری کلجه خانه سنده قلیل و حقیر آلات و اسباب تعیشدن برشیته چشمی دوچار اولوب و برادر فی خندان مشاهده ایتد کله احوال اشیای خانه دن پرسان اولد قده صاحبش آمد و برد کلام حیرت افزا سلیله جواب غیر شافیلرینه قناعت ایتیموب اعاده سؤال برنده ایلد کجه همانا جواب اول ایله لهجه پیر اولوب قطعا برنده و خانه سندن نشانده و پرده در اولوب همشیره لری دخی کند یلر ایله فقر و تجرد ده همزنک اولدیغی کوشکدار احباب اولنجه هر کس موجب کرم و خلوصیله حرکت ایدوب برده عیار منحوس اولان اشیایانک اضعاف کثیره سلیله خانه فقیرانه سی مالا مال و منال اولوب لکن شقی مر قوم شخته سودا چار پنجه گرفتار اولوب آخر الامر کند و کند و بی بردار ایدوب و اشیای مسرور و قه دخی نمایان اولوب طرف شری بقیرینه دردمر ادا اولد قده ما این اشیار ایدوبه و خلل کرده بودیم خوا سلیله قبولدن ایا و ورته خود کشته به احسان بیورمشلردر که صورت قضیه محکمه لری متضمن کرامات عدیده اولدیغی ارباب اعتبار عتدنده مانده مهر و ماه

بیرون اشتباهدر \* (نظم) \* تافریبی آن مشام یاک را \* آن چریده کاشن افلاک را \* حلم او خود را  
 اگر چه کول ساخت \* خویشتن را اندکی باید شناخت \* دین را کرباز ماند امشب دهن \* کرب را هم  
 شرم باید داشتن \* خویشتن کرخفته کرد آن خوب فر \* سخت بیدار است دستارش مبر \* صد هزاران  
 حلم دارند این گروه \* هر یکی حلمی از آنها صد چوکوه \* و دخی محبین فقر او همسایگان خانقاه  
 غلطه دن لطف خنجره ایل ممتاز و فن موسیقیده سرافراز یحیی نام بر شاب دلنواز که همیشه نعم  
 نغیله اکر ام عشا قدمه ماملک باز اولوب صبح وشام عمر نازینی خرج راه خدمت و خلوص متزویان  
 درگاه مرقوم ایکن ناگاه حضرت مکاشف اسرار آینه نل عرق شفقت و رافقی خیابان و کندودن  
 دفع بلای ناگهانی سیاقند و شکر عقیده تعبیر اولنان ذاتقه پیرای ارباب طبعدن قدر یسبر نیاز مندی  
 اولد قده اوقات سالقه سنده شاب صداقت ماب ادنای سرو پای درویشانه بدل موجودین منت جان  
 شیرین عدا بدر ایکن بقضاء الله تعالی او نیاز صغیر العذر و عظیم الاثر قداسنده ناز ایدوب الحاح  
 اولد قجه اصرا طهور ایتد کده لاجول کویان کندوی مقابله کستاخئ اما کنده اظهار کرم ایل  
 تعزیر حمل ایدوب قبول هدیه بهیه لریدن ابا ایدوب و هر چند این شکر باره بدر دتود و او برنج توشفاست  
 عنوانیه ترغیب قبول و تخصیص رغبت ایتد کده مفید اولوب مأیوس اسر بحیب مر اقبه حکم  
 لاریبیه اولوب بعد الساعه متعجبا و متعجزا سر بر آور غرقاب شهود و هـ مان وقت برمه و داعله ناپود اولوب  
 حضار متفرسین دخی طرفندن بومقوله وضع بوالعجب صدورینه حیران و انجام کاره نکران اولد قلیزده  
 شاب مذکور و بازده اولوب و دمیدم احوالی ذکر کون اولد قله احباب صداقت نصاب سر رخی  
 مذکور و واقف اولوب درون و بیرون دارالدوله ده مظان آراملری اولان محالی گوشه گوشه جست  
 و جوایدوب خبر شنیده و اثر دیده لریدن بهره باب آشنایی بوله میوب هر بری سعی نامشکور ایل  
 سربالین عبادتته رجعت ایلد کلزنده آماده رحلت دار القرار مشاهده ایتلریله نالان و افسوس  
 کگان کریان اولد قلیزین استماع ایلد دیده کشای روی عالم اولوب درین نشئه فرصت فوت شد لکن  
 از یاران مسئول نامراد آنست که قبر فقیر در نظرگاه فقرا کنند که شاید دران نشئه از فیوض انتظار  
 شفقت مدار ایشان مستعد باشم نفس و اسپینلری ایلد کوشزد ز قارلری اولان وصیت خارا  
 تأثیرلری موجب بجه عمل اولوب حالا حذای باب سعادت انتساب بقعه مبارکه مر قومه ده هرگاه نشین  
 درویشان و نظرگاه فقرا اولان محل هبوط روح و روحی بجا نده دفن اولوب مر جود در کونوت حرمانه  
 تلافی بی کران احسان اولوب کافی الدنیا بلبل کاشن عشاق وصفای ادراک روی و بوی کل مر امیله  
 بر ادواق اوله بمنه و کرمه و اول ولی والا همتدن بومقوله تهید مقدمه کرم کرامت عظمه و نفس  
 شکگان مر دانه عبرت کبرا اولمشدر \* (نظم) \* فضل مردان بر زن ای حالی پرست \* زان بود که  
 مردایان بین تراست \* مرد کاندرا عاقبت بینی خست \* اوزاهل عافیت از زن کم است \* بشکر آنها را که  
 آخردیده اند \* حسرت جانها و رشک دیده اند \* از اشارت های دریا سر متاب \* ختم شد و الله اعلم بالصواب  
 \* و دخی هنکام هنکامه خلع سلطان محمدیدن بکاه مقدم دست کرامت پیوستلری نه ابر یقرا آلوب  
 پی اندر پی فرش ساحة خانقاه ده اولان کرد و غبار و خس و خاره آب افشان اولوب نکران سمت  
 استفسار اولد لره از آسمان آتش میار د عنوان تنیه مقرر و نیله اشتعال قنیه مر قومه به اشارت  
 بیور ملری سربعا و عاجلا جلوه کرمنصه ظهور اولوب عامه اهاالی دارالدوله شراره فساد خارجین  
 علی السلطان دن داغدار اولد قلیز اوقات پرافتاده کویانوب استدر اراج طائفه باغیه نل انقضا سنه  
 ایما اولق اوزره ابتدای تدمیر لریدن بر هفتمه مقدم ابر یقرا ترک بیور و جاروب ایلد خس

و خاشا کدن حولی آستانه مرقومی تطهیر و تنظیمه مشغول اولمیری دخی علی اسمهل الوجوه اول  
 خارستان آزارک سوخته بارقه غیرت نا کاهی اولسنه امارت پر بشارت و روقه صرصر انتقام و تدمیر  
 اولمیرینک اساس ترتیب جزاسی جناب حمایت دآلیرینک دعوات خیریه و توجهات موجهه لری اولدیغنه  
 السنه لدنیه ناطقه اولدیغی اسلوب قدسی اوزره تنصیص یورمشلردر که \* حتی احبادن  
 شکوه ریزان دست تطاول بغات مخذولنیه یلک کوسفند بچندین کرکجه خواهد کرد مکر شیران پیشه  
 تأید یاری فرمایند خوای توریه فرمالرله اوقات مزبوره در حال مواقع تصرفات معنویه اولدقلرینه  
 اشارت یورمشلردر \* (نظم) \* علم حق کرچه مواساها کند \* لیلک جون از حد بشد پیدا کند \*  
 کرهمی خواهی سلامت از ضرر \* چشم زاول بندویا نازا نکر \* (ودخی) \* بپننده افکنده تراب  
 اقدام فقرا مشاهدات خیالیله سنده برتر کیم مشکل تعبیر صورت غما اولغله ظاهر تعبیری  
 باعث تغییر صفای باطن اولوب لیکن اظهار و اخفاسی سبب سلامت و ملامت اولدیغی حسبیله  
 فیصل امر تدبیر و زمام حل و تفصیری الهججه پر بهججه مکاشفانه لرینه تسلیم و تقویض ذیلنده لقمه  
 درویشانه تدارک ایدوب کاشانه فقیرانه خزه دعوت و از درون کوشد ادرم حیات بخشلری اولوب  
 مقام خدمتلرنده صرف مقدورایتد کده اثنای تناول طعامده خندان خندان روی بنده لرینه نسکران  
 و درویش بعض کسان واقعه بس خوب و مبارک تعبیر یینسد و اما بسبب غفلت از تفسیرش غمگین  
 و دیگر کون باشند مضمون مروت مشکونیه بالکلیه دغدغه و اهسته خفیه می دفع یوروب و فرموده  
 صادق لری اوزره مرور زمان یسیرده بشیر تعبیر الهام سمیر لری و رای پرده خفادن عرض دیدار  
 فرخنده آثار ایتشدرفلله الحمد و المنة و علی نبیه و ولیه الصلاة و التحیه \* (نظم) \* چون بمردی تو  
 زاوصاف بشر \* بحر اسرار ت نه در فرق سر \* آب دریا مرده را بر سر نه \* و ر بود زنده ز دریا کی  
 رهد \* خورشید را صافی کن از اوصاف خود \* تابه بنی ذات یاک صاف خود \* بهشان را واده حق  
 هوشها \* حلقه حلقه حلقه هادر کوشها \* پای کویان دست افشان در ثنا \* ناز نازان ربنا احیتنا \* و دخی  
 تجار عمر بدن حاجی حسین نام ذی بضاعة کثیره بیرون سبته ده مسافر دریا لیکن کشتیلری شدت  
 جوش محیطله مشرف غرق و مأیوس حیات اولدقده نا کاه روی دریا و میان امواج کالجبالده ذات  
 شریفلرین معاینه ایدوب الحمد لله بالسلامة لا تخف یا حاج حسین نفس مبارک لرین استماعله تازه  
 حیات یاب و بدفع الله الحفیظ المغیث دفعة خروش دریا ساکن اولوب ساحل سلامتیه قریب اولنجه  
 لا تجدی الا فی القسطنطنینیه عنوانیه کشف مافی الضمیر ایدوب نظر ندن غائب اولغله سالم و غائم  
 وطنه و اصل اولیحق جاذبه خیال مثالی زور آور اولوب جملة مملکن اهل و عیالنه تسلیم  
 و هبیه ایدوب بضاعة هرجانه تجارت روم قصدین و جست و جوی فریادرس مرقوم میلین  
 ایدوب دارالدولة استنبوله و وصولنده کاره محبیه غلطه ده مطلب دل و جان مستهامین کسندویه  
 مستقبل مشاهد ایتمه کله بی اختیار پای جهان پیمالرینه رومال و دامن ارادت و حمایت  
 پیرامن لرینه دست زن اتمال اولدقده بضاعة موجوده لرین خدمت قصر ایه اتفاق ایتدیروب  
 و اوزر لرینده لباس اولدقلری خرقة شریفه و کلاه پراشتباه لرین لباس یوروب و شرف خدمت  
 پرچم لرله سرافراز ایتمشلردر و اول عاشق صادق الی آخرالعمر مرسیاه و ارخاکیا لریندن  
 جدا اولیوب روز و شب مقام خدمتلرنده قائم و اول خواب راحتیه وارد قده دخی بونلرسمت  
 قدم لرینده قائم و متوجه صوب سعادت لری اولوب مدت مدیده منوال مشروح و کمال آداب و تسلیم و ترک  
 و تجسید اوزره ملازم صحبت و خدمت و مستفیض آثار انظار حسنه لری اولوب قبیل الارتحال

ساحل دریا به نزول سیور و بسفر طرف مصره آماده بر کشتی تمشاسنه مشغول ایکن حاجی حسین دردمنده کار تو در مصر سازند و از سفر مصر تا کریر است عنوانیه نفس ران استخلاف اول المريله مخلص خبر بود دخی سمع و طاعه و حبا و کرامه مضمونه عمل و در حال سفینه مر قومه یه نزول ایدوب یقید زاد و مؤنت عازم صوب مأمور اولوب فی الواقع محمده قاهره به واصل اولد قده حضرت کار سازی انبار برکات توجهات بخودانه میریلرله فتح ابواب عنایات صوریه و معنویه ایدوب صاحب المقام و معتقد خاص و عام و مجمع سروسامان و مرجع اخوان و خیلان اولشدر \* (نظم) \* کار او دارد که حق را شد مرید \* هر کار او زهر کاری برید \* هر چه غیری شورش و دیوانگیست \* اندرین ره دوری و بیگانگیست \* زانکه نزد عقل هر داند ههست \* آنکه باشوریده شوراننده ههست \* کر غلام آن خرد ره بین بدی \* نخر رازی راز دارین بدی \* لیک چون من لم یدق لم یدر بود \* عقل تخیلات او حیرت فزود \* ودخی اول دیوانه صورت و فر زانه سیرت علی الدوام مشاهده غرائب آثار و مطالعة عجایب الطواردن ناشی خندان ایکن احبابدن برینک ولیمه خستان اولادنده عین الجمع در ویشانه بولنوب عادت قدیم او زره جمعه خیال ظل باز کتور یلوب نادره حرکتلر و تازه شیرینکار لکرایلد کجه جمله حضار خندان و تعجب کان اولد قلرنده عزیز مشاور الیه خلاف عادت مستمره سی سر عجیب مراقبه اولوب او اخراجی هر کونا کونده مقامندن قیام سیور و آبسته آهسته پرده خیال باز لبر کوشه سن رفع ایدوب حقیقت وحدت محرک اشخاص صوریه بی معاینه ایدنجبه خنده شیرین پی اندر به آغاز سیور و میان خنده لینه جای خنده پس از اطلاع و رای پرده است مضمون ارشاد مشحون تعبیه و خنده زبان حرکت و سکون صوره تعریض سیور ملری عیار آشنایان کار اولی الابصاره دلنشین و پسنیدیه واقع اولغله ثنای انصاف مدار سیور لشددر \* (نظم) \* چون تجلی کرد اوصاف قدیم \* پس بسوزد و صف حادثرا کلیم \* چیست تو حید خدا آموختن \* خویشتر رایش واحد سوختن \* دومکو و دومدان و دو مخوان \* بنده رادر خواجه خود محودان \* کر نظر در شیشه داری کم شوی \* زانکه از شیشه است اعداد و دوی \* و ر نظر بر نور داری وارهی \* از دوی و اعداد جسم منتهی \* جسم در یاد بیکراست و کفد کر \* کف بهل واز دیده دریانکر \* جنبش کفتار در یار و زو شب \* کف همی یینی و دریانی عجب \* ودخی اول مرآت الجمال و مجلای شاهد حال حاجی حسین بنده سن چراغ افروخته شعله سرقد سیلری ایدوب جانب ام الدنایه استخلاف عقیننده تمام میقات اربعین کوشه کزین و تدارک سفر دارا اقرار اوز ره اولوب و کند و لزل قبیله قابلیتلی نو رانیت پذیر بقعه مبارکه باب حید اولغله کمال انبساط و نهایت نشاط و الوان برک سبز درویشانه کو یا سیاحت آمده درویش نیاز آور وار مطبخ عامره ارواح پرور عتبه علیه سهر و مال اقبال اولوب و آوان صکورلنده تلبس سیور دقلری خلع آداب و شعار و ثار رسوم طریقت ایلر ترمیل و ترفل و هر عاشقه توزیع هدیه بهیه ایدوب پایانده پای بر پای اعتذار و نیاز و مناسب حال پوییت زبانی ترجمان حال ایدوب (بیت) ای اغیله قویون قربانه کادی \* اوسربازی کور و لک میدان کادی \* کلما نل قبول رجامنندی اولغله آشیجی باشی حضرتلری دخی مساعدده فرماو کلما نل قبول نیاز کش اولنجبه صفة مطبخده اولان مقام خاص ایداستنه رجوع و مستند قدیمه جلوس سیور و باند دخی پونده بنده پونده باند قمره مکشفه مروه نیله اقتراب ارتحال لری نه اعما سیور ملری بعد ایام الاسبوع مزاج کرامت سرشتلری نه انحراف طاری اوزب عقیب الاعتلال اتقال سیور ملریله تحقق پذیر اولوب و کالبد متبرک لری مدفن فقر او کدشته

حضرت درویش احمد خفی

اولان مهبط انوار غنایت صمدیه ده متواری خاگ باک فنا و همای روح روانلری عروج افلاک  
بقا الیه رهیده چارمخ طبع عنصری اولشدر طیب الله تعالی عیسه فی روضات الجنان و توحده  
عنه بقاء الاخوان و الخلان فی غرف العدن بعزته من له الشفاعة الکبری یوم المیزان \* (حضرت  
درویش احمد خفی) \* اولاد علمای عاملین محبیه طراز و ندن بر شاپ متقی و طالب علم نافع و محصل عمل  
صالح و فائز خلقی حسن جبلی اولوب والدلری و فائز نصره ترک خانمان و اختیار سیر و سیاحت  
و جست و جوی نشان مردان ذوی العرفان الیه عزیمت دارالولایه قونییه حمیت عن الآفات و البلیه  
ایدوب اول دیار حری الاعتبار ده دخی سنین عیدیه کنج مدرسه کزین و مجموعه فنون شتی دانشور  
حقایق دین اولغله سعادت ازلیه سلسله جنیان انجذاب و محبیه قدر و قابلیت مشهورین سواد ارقام  
علوم رسمیه دن تخلیه و زیور نور پرور معارف اندیز الیه تخلیه سمت مسائلی بی عائق توفیق رفیق شفیع  
اولوب بر لیلۀ فوزده حاضر بالمجلس عشاق آستانه هدایت آشیانه خدایوند کاری اولدقده بحث  
حضرت مثنوی مطابق ضمیر تقال سمیری واقع اولغله بالکلیه دفع غائله تردد و تأخر ایدوب همایان تمام  
مقابله حالت افزاده حضرت حسین افندی جناب ولایت مآبیه سایه مثال پیر و اولوب سعادتخانه لریه  
و ارنجه هزار صدق و اشتیاق و مسکن و ابتهاج الیه سر دوتمند لردن دستار دانشمندانه بی  
خارج پایه القا و کندولر سر برهنه فتاده عتبه علیاری و زانوزن کار سجاده نشینلری و نیازمند  
کلاه سعادت نشانلری اولغله اول لیلۀ نیل مقاصد و همکام نشاط روحانلریده یوم قوله عرض حال بی  
واسطه لری مشرب عالی شاهزاده ولایته خوش کلوب در حال فرق فرقدین سالزنده اولان کلاه  
بلند دستکاهی دفعه تکبیر و تبجیل الیه تارک مبارک لریه الباس و امشب بقدر خیر من الف شهر  
رسیدی نفس قدسیلری الیه تبریک و تمجید فرما و بین الامثال سر بلند تکبیر بی چله الیه مستثنی  
اولوب و البسه سائر درویشانلری دخی خزانه عاطفت و سماحت جلی مشار الیه دن تسویه و احسان  
و رشته کش مواقع اوساط و حجرات آستانه علیه ده اسکان و عواطف متوالیه لریه مشار  
بالنسان اولشدر در (حتی) دفعه اهمال خرده فقر و مساهله رسوم طریقه الباس کلاه و شریف  
تکبیر بیو رلدیغنه بعض ناقص فهمان جانندن اعتراض صدورنده آن درویشرا قابلیت در قوه قریبه  
بود و کلاهش زبردستار پوشیده بود سر پوش را بنداخت و تاج سعادتش هویدا کشت مضمون ارشاد  
مقر و نیله تفاوت قابلیت اشاره اشارت بیو روب رسوم مرقومه مواقع اقتضا و محال احتیاج جده مراعات  
اولند یغنه ایما بیور مشلدر فان تحصیل الحاصل و تهیئة الحاضر عیث محض بل فیسه تأخیر الخیر  
و تسویه المراتب پس اول کوهر با کیزه قدم اولده یوم قوله ترقی مدفعی به موفق و لیلۀ مبارکه مترقبه  
الفیوضده نائل قدر رفیع و فائز تخصیص شان منیع اولدیغی انظار ذوی البصائر ده امارت باهره  
ارتفاع عواقب احوالری اولغله بین الاخوان معتنا و محترم و میانه خلانده الوان خدمتله مکرم اولغله  
هر چند نشر فوایح علمیه و نشر لائی و عظیمه الحاح اولند قبحه اختیار دخول وضعه و مسکن بیو روب  
همواره اختفای حال و ستر کمال و توقی اشتها راوزره ایکن خبر سلوک راه فقر و فنا لری کوشکذار  
خویش و تبار اولغله خاندانلریه جذب و مقام والدلریه جلب و اجلاس قصد الیه وارد اولان  
اقربا لریه دخی و نمای آشنای اولموب باباطاوس قدس سره المأموس تربیه فردوس رتبه سنده مانند  
عنقا عیون جوینده دن اختفا ایدوب جست و جوی و یافت و یو ندن اقارب مرقومین عاجز اولدق لریه  
حسین افندی حضرت تلریه التجا الیه مظان آرام اولان محال تفحص اولنوب و بعد الظهور حضور لریه  
احضار و تنبیه صلح رحم نیاز مندی اولدق لریه درویش احمد ما کثر خفی است مغربی طاسم

شکون باید که او را در یابند نکته شریفه لریله علی سبیل المطایبه پاسخ ایاس فرما اوللریله قطع امید  
ایدوب وطنلرینه رجعت ایلد کاری عقیمبنده نه مقدر رویشانلری نه عودت ایدوب تدارک لازمه  
همتلری اولان صفای وقتلری نه مشغول و تأثیر نفس مرشده کماللریله بن القراخنی شهرتیه  
مدعو اولشلردر \*(نظم)\* جان مادر چشم روشن کویدت \* جز غم و حیرت از ان نفزایدت \*  
جاهل ارباقو نماید مدلی \* عاقبت زخمت زند از جاهلی \* دوستی جاهل شیرین سخن \* کم شنوکان  
هست چون سم کهن \* تا نیریم از خود و از خلق پاک \* بر نیاید جان ما از خلق پاک \* کار ما از خلق  
شد بر مادران \* چند ازین مشت کدای بی نماز \* چون یفرأ آمدن اخیه \* یهرب المولود یوما  
من اییه \* هین بکونلر و زمن پیر و زشد \* آنچه فردا خواست شد امر و زشد \* و حضرت مرشد راه  
سداد و زهر جاده رشاد لری افولند نصکره مانند آفتاب جهان کرد اولوب هر روز بر کریان مطلع بدن  
سر برآور و هر شب برجیب غرویده و در لحاف آرام اولور لرایدی \* حتی بوی کیران حسن حال لریدن  
بعض ربوده علاقه لری اوللری تا یکی این عالم کردی چند روز در جای دلکش راحتی هم مناسب است  
عنوان ترغیب سکون بنیانلریله شکار دام آرام مراد ایتد کده حلقه آغوش انقلریدن جهان و دائرة  
آمینش صحبت لریدن رمان اولوب ما شمسیان مولو یانیم که بحسب شمسیات عالم کردیم و بجهت مولویت  
بسر دائرة خود کردیم خوای عظیم الجذوالری ایله مشام مستعدینه شمه فوایح عنبرییه حسب حال تجرد  
مال بیور مشلردر بین السیاحین ربع مسکون نورد اولغله شهرت شعار و تحلل شهد عبرت آثار  
رحمت اولوب هنکام سفری ذوق حضور دن خالی اولوب سفر آفاقی و حضرات نفسی جمعی اولغله زمان  
و مکان انتقال لری معلوم اولوب حیاتلریده کنز خفی اولدقلری کبی و فائز لریده دخی کنج نهان ویرانه  
بی نشانی اولشلردر طوبی له و حسن مآب بشری لروحه و لطف مقام الی ساعه القیام اقام الله سره السیار  
علی اوج القریات و افاض من سعور برکات روحانیه علی الناس ازین الی حسیض هبوط الرجعات بمنه  
و کرمه آمین یا مفضی الغنا یه علی العالمین \*(حضرت درویش علی شاطر)\* حموی الاصل  
وامیران حاجدن برینک شاطری و کرده کشان و ش زیاده جست و چاپک اولوب رسوم قدیمه عثمانیه ده  
امور مهمه استیجانه طائفه شاطرین استعمال اولنه کلمکه صوب ولی التعمدن امر مهم  
تجملی خدمتی ایله مأمور و کاینیغی تنیم خدمت مأموره سیمله رجعت انشاسنده رهزنان عربیان  
طریق مسارعن قطع و مکاتب اخبار ساره سن اخذ و لباس و زادندن تجرید و بی نوائتمکله نه تاب  
قرار و نه جرأت فرار سرکردان وادی حیرت و ضحیرت ایکن بی تاب غم و در مانده هموم فتاده پای  
اقدام و خواب حسرت زده اولدقدده حضرت قطب الوقت حمزه دده جناب ولایت مآب لرینک شیخ  
قدسیلری و رای پرده خیال دن چهره کشا و بیکر نما اولوب ای ساده لوح این سرعت طاقت کداز را  
در راه خدای بی انباز کار ساز یاید کردی برخیز و بر و خطاب عتاب آمیز لریله کرم فرما اولدقلری  
دهشتدن بیدار اولنجه کند و بی فنای شامده بولوب مع هذا محل فلا کتی ایله موضع سلامتی مابینی چار  
منزل اولدیغی معلوم بی شه می اولغله حیرت فرط شادیدن بر زمان پشت بدیوار هیمان اولوب بعد الاقامه  
ناچار عربیان و کریان امیر امره واروب قضیه تحکیمه سن تفصیل واستیعفای خدمت ایدوب سر یعنا  
و عاجلادر ککه کرامت دستک حضرت عزیز مشار الیه عرض حال ملالت مآل ایلد کرده  
زمانی شاطر میر میران بودی مدتی نیز غاشیه بردوش مردان باش نفس حیات بخش لریله تسلیمت فرمای  
قبول اولوب منظم سالک خدام مطبخ عامره اولیا و بعد تکمیل میقات الخدمه سر فرار از تکبیر کلاه  
انابت و هر همدسایه دست بیعت و ارادت اولوب مدت العمر اول آستانه سعادتده اوقات صافیه گذار

حضرت درویش علی شاطر



ومظنه الخیر صغار و بکار دیار و لشکر در (نظم) درین بازار عطاران هر و هر سوچو بیکاران \* بدکان کسی  
 بنشین که درد کان شکر دارد \* ز آسمان آیدت این بخت نه از عالم خال \* کار اقبال ستارست نه کار بازو \*  
 میگریزی هر زمان از کار ما \* در میان کار چونت یافتی \* ملک سعادت میبرد هر که مرا بنده شود \*  
 کرد او شاه دوسرا هر که گزید در من \* دیدن ایشان شمارا کیمیاست \* چون نظرشان کیمیایی  
 خود کجاست \* فی الواقع برکت نفس انفس لیلیه سیر و سلوک منازل طریقه دخی اسرع من الاول  
 جست و جالال و سالک دراک و زمان یسیرده طی مراحل کشیده ایدوب بر مر دفر دعارف اکاه  
 و صاحب حال رجال مرده نفس وزنده نفس و ملجأ مقیمین و مقصد مسافین اولوب میامن انتظار  
 حسنه و مآثر همت مردانه لری حوالی کیر اولوب \* حتی جبال ابن معن سکنی یکنه رفتار لر  
 اینک محبتین مخلصین اولوب پی اندر پی ندور و قرا این و تحف و هدایا ایله استجلاب دعوات خیریدلرینه  
 واستظهات توجهات نافذه لرینه توسل ایدر لر ایدی و طائفة شیدیه مر قومه دن غدر دیده اولان  
 مظلومین و زرای دمشقیه و وکلای طرابلسیه ابواب حراست و سیاستلرینه رفع رقعۀ نظم و تشکی  
 ایدوب مفید مر ام اولیان مواده طرف باهر الشرف ولی والا همته مرا جعت ایلد کار نجبه تذکره  
 ناصحانه لری نتیجه بخش و سبب رد حقوق مغصوبه لری اولدینگی کثیر الوقوع اولوب ورعایت خاطر  
 غیرت مقام لرلی ایتیان اشداء جمله قوم عرب قریبا و عاجلا جزا دیده اضاغت حرمتلری اولمغله  
 کو بار قعه باره لری اول عقبات صعبه المرورده شرور اهل فساد و غرور دن سلامته نشانه زنهار  
 اولمشیدی و احباب صداقت نصاب ذات ملک الصفا تلرینه تجلیل و احترام صد دنده مخصوص حجات  
 بانکاف بنا ایدوب جمله لوازم عادیۀ اکراملرین آماده ایتیه کله عین الجمع قطان خانقاه فی الصبح  
 و المسامشارکت فتوح بی متلرله مغتنم عیش خوش و مأمون الغائله نذارل لقمه و خرقة اولمشلر ایدی  
 و فقرای طریقت علیه دن قاصدین زیارت حرمین محترمین اولنلرک جمله مهمام ذهاب و ایابلرین خزانه  
 کرملرین تکمیل ایدوب صوریه و معنویه عطا و دعالرین مستفیض و مستفید اولملرله مصروف  
 غیر معروفلری تنها اکرام احبابله اولیوب بد که فتوح غمیی ایله مستمد اولملرینه متفرسین اخوان  
 و خلان اتفاق ایتلری رفد زائد المقدار لر یله تحقیق و اصابت پذیر اولمشدر و علی الدوام الوان الطعمه  
 مطبخ خاصلری شکری و نفایس و کائنات من ککان عطاری دنانیر اولوب دست سماحت پیوستلری  
 احسان قضایادن و دراهم مسکو که جلیند کرملرین قاصر و مهجور اولدینگی ثبوت یافته تجارب  
 صادقۀ تتمات اخوان الصفا در و ماهو علی الجواد بعزیز انه مفیض النوال من غیر سؤال و منان  
 المطلب من حیث لا یترقب و هر سه سال مرورنده دائره تملک کرنده مجتمعه اجناس و اشیای حصیر  
 حجره به وارنجیه اخوان و خلان یغما ایتدیروب فقط انداملرنده اولان لباسله گاه طرابلس طرفته  
 و گاهی قدس مبارک جانبیه سیاحت چند ماهه و حوالی متوجهلرنده کشت و کنار و بعده مقرر  
 سعادت تلرینه رجوع و قرار عادت مدی العمرلری اولدیغندن استفسار اولندقدۀ اصحاب ابتدائی صیانت  
 و عادت قدیمۀ تجردلری منان و رسوم فقر و عهد فنا تجرید و اقامتی اولدیغین تبیین سور و فووت  
 اخیرۀ یغمالرنده مقدمه سیاحت عالم اطلاقلری اولدیغین تعین ایدوب ظاهر ادرون و بیرون  
 حجره لرنده قلیل و کثیر نفیس و خسیس مال اطلاق صحیح نسبه قالمش ایکن حین و فائزلرنده علی  
 اتم الوجوه جمله لوازم اخیره لری مهیا بولندینگی حیرت افزای محسوسان و همدمان اولمشدر و گاه و بسگاه  
 مدعوا جبال ابن معن طرفی تشریفلری و فیض تأثیر صحبت لذیذۀ عارفانه لری ایله طائفة مر قومه نک  
 اکثری محب اولیا و مکرم فقرا و سمیت اعتقاد ناشایسته دن روی کردان دل اولملرله فرقه مفسدینک



دخی انقیاد کمره بینه باعث و تقلیل مظالم و تعدیل بینه بادی اولشدر و حالا اذ کار جمیله لری  
 ورد زبان اهالی شام جنت مشام و نفایس منقبه لری محافل آرای خاص و عام و قبرش یغری زیارتگاه  
 انامد روزمان انتظام ارکان لریده حاکم الشهباده شاطر محمد دده حضرت لری ندرسمه بر تو کرامت  
 انداز ساحت بقعه مبارکه مولویه اولدی ایسه بونلردخی دمشق الشامده جلوه گاه عارفان مولویه  
 اولان مجمع عرفا و فضلا دینی انضمام اعتبار مشیخت صوریه صیت اخلاق و مکاشفات و صدای کرم  
 کرامات و مدایح جمیله لری ولوله افکن قباب ادمغه مشایخ شواخ المراتب عصر لری اولشدر  
 نور الله تعالی سره و افاض علی قبره بره آمین بجرمه من آید بالقرآن امره \* (حضرت درویش احمد مجذوب  
 مجذوب) \* خاکرادمینه حسن منصور و شجیع و مبارز میدان جهاد و منسوبیات و زرادن اولوب  
 راه بخت خدادادی دارالولایه قونیسه صیت عن الآفاته مرور ایدوب حضرت غوث الرجال و فخر  
 الابدال حلبی لطف الله قدس سره العزیزک اوضاع و اطوار ولایت مداریه نظر انداز اخلاص  
 و شکار شهاب از عرش پرواز همت والای مردانه لری اولوب جمله اسباب و آلات ثروت و تنجمن فدای  
 خدمت فقرا ایدوب مانند نقش باروی ارادت و انابتین فرش راه ملازمت خدمات علیه عزیز مشار  
 الیه ایتمکه مقابله مرآت مجلای ضمیر جذبه سمیر لری ندرن بر تو حالت زائده انعکاسیله انلردخی مغلوب  
 العقل و مغلوب التدبیر و صیف و شبتاده سر و بابرهنه کوجه کردی بقراری و مأمون الغائله خورد  
 و خواب آسایش اولوب مصادفه وقت انبساط خاطر فیض مأثر لریده فوران عین الحیات مشرب  
 تابنا کارندن جرعه نوش حسن توجه اولنجه قنیه آماده سربا کاری فروزان شعله ایمین آباد ارشاد  
 اولوب نابولس نام مدینه قدیمه مبارکه قطیبتی و خدمت نکمبانی عباد اللهسی ایله چراغ افروخته  
 و خلیفه دهن دوخته لری اولوب اصحاب حاجات مواجهه استکشاف حال و مآله التجا ایلد کارنده  
 دوات و قلم و قرطاس احضار ایدوب دست خط لرله جواب شافی یاب و بهره ورتسلیمات بشارت  
 و حمایت اولور لرایدی \* (نظم) \* هر که را اسرار کار آموختند \* مهر کردند و زیانش دوختند \*  
 بر لبش قلمست و در دل رازها \* لب خوش و دل پر از آوازا \* عارفان و از معرف فارغی \* خود  
 همی بینی که نور بازغی \* عارفان که جام حق نوشیده اند \* رازها دانسته و پوشیده اند \* و ارباب  
 التجاد ندهبط صاعقه قضای مبهم اوله جعفر لک دوات و قلمنه التفات بیور میوب سکوت و سکونه  
 جواب صمتی حرمان فرما اولوب و نیات فاسده ایله مواجهه لریده نیاز مند همت اولنلری شهب نائره  
 جلال لریله دفع و طرد بیور و بعد حصول المقاصد الحسنه یاز وال طالب و یا هلاک مطلوبه پایدار  
 اولیمه جق سائلشتر قعه لرینه املائی بشارت ایدوب بعد الاراءه و القراءه رقه لرینی اخذ و انداخته  
 آنش و دریا ایتمکه انجام کاره ایما و رخص بیور و هر نوجه ایله اشارت فرما اولور لر ایسه بعینها  
 جلوه کرمنصه ظهور اولوب بخلاف مضامین خط همانون اصابت مرهون لری مسموع اولمشدر و گاه  
 بیکاه حوزه قطیبت و قلم و حیات لری به اشتیاقی عربان و عوانان طلمه ولایت دیار دن جور و حیف ایدنلره  
 غائبانه مقام لرندن قیام ایدوب کویا خصمه مدافعه و مصارعه ایدر کبی کلمات خشونت نظام و هجوم  
 انتقام انجام ایله و بارقه ران نفس آتشین اولنلریله اکثری حتف انقه هالک و بعضی لری علل و اسقام  
 و افلاس و نسکسته مبتلا اولغله جزای سزاین و کند و هم عنان راه غدر لری اولنلره عبرت و طعنه  
 شمشیری زهرار غیرت لری اولغله د اثره دیار لری دیار ظلمه و عونه دن مأمون الساحة اولوب ظاهر اوباطنا  
 سایه ولایت لری سرمایه آسایش اهالی اولمشیدی و قریب و بعید ولات اطراف ملکیت حبس  
 و زنجیر مصادره و زندان سیاسته گرفتار و اسیر اولان مظلومین عیال و اقربا لری پیشگاه

حضرت درویش احمد مجذوب

شفقت دستکاهلرینه تشکی واستشفاع ایلد ککرنده خلاص و غفورلی باینده صادر اولان دست  
خطلری هر حال مطاع الفحوی و غیر ورامارتله قبولدن ابایدن نودولتان کوشمال ناکاه دیده  
وناچار اطاعت و مساعده نما اولوب هزار اعتذار و تحف و هدایا ایلد تخلیص کریبان حیات مستعار  
ایلد ککری دخی اخلافه نصیح و پند اولوب ظهور ایدن رقعۀ حمایه لری حرجان عد اولنه کلشیدی  
\* حتی روی دریا ده دخی سواحل پر نظار تهرینه سوء قصد ایدن کفار فرنک بالدفعات سفینه لری  
قتاده کرداب جوش طوفان خیز اولوب و بعضیلری غزات اسلامه نصیب اولوب و شدت باد بخلافله  
خشک زده اولغله فلاکت کونا کون کشیده اولد قکری حسبیله اوان حیات و ازمان حمایه لریده  
اول حوالی امین و سلامت و فرد و احدک نفس و مال و عیالنه تعذی و اضراردن خالی اولدیغی ذات  
ولایت سها تهرینه کرامت باهره عد اولمشدر و همواره پیرامن شمع دلفرو زلری قاصدین ققرای  
طرق اولیادن و پروان ککان بال و پر سوخته آتش فقر و فاقه دن خالی اولوب ظهور ایدن فتوح صوریه  
و مغنویه ایلد هر برینک حالته مناسب تسلی و نوازش ایلد کرم فرما اولوب لیکن کروه پرشکوه صاد قیندن  
درویش محمد بنده لرینک درد درون شغف مشکونی انجق نور نظر لرندن اقتباس عنایت سرانیه ایلد  
نائل تدبیر بهمود اولغله مدت مدیده مقام خدمت پر حرمت لریده مقیم و آخر سو یس نام قصبه ده حضرت  
خضر علیه السلام مقامنه ارسال و استخلاف اولنوب مظهر برکات انظار حسنه و مستعد میامین  
توجهات روحانیه لری اولمشدر و حالا مدفن پر روح و ربیجان لری دیار نابلوسده زیارتگاه خاص و عام  
و خاک باککری متبرک انام اولمشدر نورالله تعالی مجعه و طیب مهجعه و افاض علی الزائرین برکته  
آمین بعزۀ قسید الاولین و آخرین \* (حضرت درویش محمد) \* انطاکی المولد و اولاد منعمان نجاردن  
اولوب بعد وفات الوالد ترکۀ موروثه لری آفات زده حوادث اولغله حرفت خیاطمه خدمت ایدوب  
زمانده بین الامثال استاد خیاط اولوب مکاسب کاز و سوزنیه تحصیل غنا و کار اراج شریف  
ایدوب ذی اولاد و عیال و صاحب مال و منال اولمشیکن خاندانی آتش زده و با اولوب کندودن غیری  
جمله سی مسافر دار آخرت اولغله تاب حریق هجران جان پرا خزانۀ کار و بیزار بازار علایق کسب  
و کار و بازار و کربت ترک دیار و تبارۀ قرار داده اولوب لیکن اختیار بهموده متردد و اختصار معهودده  
متفکر اولوب و استکشاف خیر و معقولی صد دنده عزیز نابلوسه عرض حال بی مقال ایلد یکننده ازین  
جادور مشوم و مضمونی منطوق مکتوب رقعۀ ضراعت معجو بلری و ملازمت صحبت شریفه لری  
مدار آرام دل مستهای اولغله دمبدم مشاهدۀ احوال سعادت مآل لری باعث تآکید محبت اعتقاد  
آثار و بادی فراموشی آلام فراق یار و سلاقی ا کدار شماتت اغیار اولمشدر که از دل و جان فتاده دام  
علاقۀ روحانیه لری و ربوده شیوه مجذوبانه لری و صورت و سیرتده همرنک و همدملری اولوب عهد  
بعید مرید سعید لری اولوب آخر الامر سو یس نام قصبه ده روح البلاد اولان حضرت خضر علیه السلام  
جنابنک مقام عالیه لری به جارب کس و سبیل دار تعین اولنوب آئینده و رونده فقرای طرق علیه  
اولیاء کرامه احترام صد دنده بدل مقدوره اوقات گذارایکن ناکاه دل آزار فقر و غدار مساکین  
وضعفا اولان اسماعیل پاشا والی دیار مصری اولد قده نقص خزینه بهانه ناجوان مردانه سبیلۀ جملة  
اوقافک دیوان مصرده اولان بعض ادرارنی قطع ایتکله بونلره دخی شراره غدیری اصابت ایدوب سبیل  
خانه نک آب ابرادی قطع اولنوب حین فتح سلیمیدن اقدام نیات دول سالقه ده دخی جاری اولان چشمه  
خبرات سنک خارای دل بی شفقت وزیر وزیر میشوم کی خشک اولغله قلب غیرت تقلیلرینه حمیت  
مستولی اولوب ناچار حرفت سابقه لری اولان خیاطمه تسبب ایدوب لیکن اول دیار خشک سارده حفر

حضرت درویش محمد

البئر بالا بره رتبه خط القنادده مشكل اولغله بالاقتضا والاستخاره ديوان مصره مراجعت تقرير  
 قصد يله شجيه قاهره به كاوب بالدفعات عرض حال رقت مال ايلد كجه مفيد اجراى مرام اولمغله  
 كندوبى بالضروره يا كلاغ بلاشه ويادولت برسر مصداقجه وزير ترزور زحل تدبيره معرض مشاجره به  
 القا به همت وعزيمت ايدوب تكرر عرض حال الزام مال تحرير ايدوب ديوانه روان وفوت رفع رقعته سنه  
 نكران ايكن صارف مشيت حدقه التفاتن سمت بالاى سقف ديوانخانه به تحويل ايدنجبه بعينه ديوان  
 تختانى وش برديوان فوقانى به مردم ديده مكاشفه سبي دوچار اولوب كمال حيرت معايينه نادره حكمة تدن  
 آينه كردار پشت ديوار انتظار آخر كار اولديغى حال عبرت مآله نا كاه مسند آراى ديوان فوقانى اولان  
 مثال دستور مستوره ميانة حاجتمندان جمعيت خيالده حيران اولان مثال درويش محمدك عرض  
 حالته طالب اولوب سرهنكان ديوان دخى اخذوايصال رقعته سنه مبادرت ايدوب رقعته مرقومه دست  
 دستور مستوره واصل اولنجه بلا تردد تقرير وظيفه معينه بيوريلوب وبرمقدار عطيه ايله تطيب  
 اولنديغى صورت غيبي بعينها مرام ات ساحة ديوان تختانيده جلوه كراولوب مقضى المرام خانقاهه  
 عودت وماجرى مشاهده لر ين حكايه ذيلنده مايندا شتم كه بنده را براى انجاي تقرير آورده المنة لله  
 تعالى وترجم مكره بر ارشاد و تقرير آورده بودند مضمون شكران مشكونه حضار بزم مسرت توأم لر ين  
 حصه مند فوائده مشاهده غريبه لرى و بهره ياب عوائد معايينه عجيبه لرى ايدوب مردان كارك هنگام  
 اضطرار ده اختيار اخطار ايلد كارينك اسرارينى كشف وتفصيل بيور مشلردر \* (نظم) \* بعد نوميدى  
 بسى اميد هاست \* از بس ظلمت بسى خورشيد هاست \* فى مشونوميد و خود را شاد كن \* پيش  
 آن فريار در فريار كن \* كوى نوميدى مر و اميد هاست \* سوى تاريكى مر و خورشيد هاست \*  
 انبيا كشتند نوميدى بدست \* فضل و رحمتاى يارب بنى خداست \* از چنين محسن نشايد نااميد \*  
 دست در فترت اين رحمت زيند \* زانكه اويا كست و سبحان و صفاوست \* بنى نياز است  
 اوز نغز و مغز و پوست \* هر شكار و هر كراماتى كه هست \* از براى بندگان آن شهست \*  
 تو مراقب باش براحوال خو يش \* نوش بين درد بعد از ظلمت يش \* و دخى بواحقرا فقر و فقر الورى  
 سياحتله نزيل خانقاه مولويه مصر اولديغده اكثر مظان خير اولان اخوان طريقته صحبت و بركات  
 انتظار و حسنات انفا سلبندن مستفيد ميا من جمه اولوب وولى مشارالها صيت آثار مستحسنة لرى  
 صماخ صغار و كبار كبر و اذكار جميله لرى السنه پير و جواندن تسخير فرماى ضمير اخلاص ميم  
 اولوب مخصوصا عتبة زيارت لر بنه رومال اولق اوزره كمر بسته ميان همت و مشمر ساق عزيمت  
 اولديغده خصوص سالف البيان داعيه سبيله جانب مصره توجه لرى وكشانه مشتهاقانى تشر بفرى  
 اواننده كلچين كستان جمال فرخ فاللرى اولنجه (جاذبه توجه اخوان بدین وسيله كاه وجود اين  
 كدارا كهربا كشته افشان و خيزان بحمد الله زيارت اخوان الصفا مستعد شدیم امید است كه  
 از بركات زيارت ایشان بسود تجارت نیز مستفيد باشیم) كلمات جامعه المكاشفات والفوائد لر بله آغاز  
 وانجام حاله ايمايه و رملرى محقق صدق شهرت شايعه لرى اولشدر على الخصوص ايام عديده  
 و مجالس كثيره روشنديد و توديدار ولايت آثار لرى اولديغمر زده مواسم حرارت هواى ديار مصر يده  
 بادزن و مكسران لر ايله دفعنده عسرتيكش اولدقلى مؤذيات ذباب و نواميس پرندكان حرم حدای  
 سقف بيت الله كاذكرنده طرفين يمين و شماله پرا كنده و محافظه احترام بام سعادت قران لرى  
 اولدقلى كبرى كبرى عزيز مشارالها حماى جمال نوراني لر بنه جانينه پریشان اولوب من كل الوجوه  
 فنای وجه مبارك لرى بومقوله طائرنا شايسته طريانه نندن مصون حمايت حفظ ايزدمتعال اولق

کرامت باهره لری مرایای قلوب حضار معاینه کرداره صفوت حیرت بخش اولدیغی عکس  
اند از ضمیر مکاشفه تنویر لری اولنجه بشیرة العشق کالراة الحماسة لایکاد آن یحوم حماها الذباب  
نفس قدس میلرله پرده برانداز روی کار بخسته آثار اولمری کرامت جامع لری عد اولنوب درویش  
عبدالرحمن جللی حضرت تلی ومن العجاایب حرمة الذباب وجوه الاحباب فیالیت شعری کیف  
تختری ذووالانساب فی المواجهة علی اساءة الآداب نکسته تعریض آمیز لریله شناسخ ذات حری  
الدایح لری اولشدر \*(نظم)\* پرتوساقیست کاند شیر رفتم \* شیر بر جوشیده رقصان کشت  
وز رفتم \* تن بجان جنبه غمی بینی توجان \* لیک از جنبیدن جان تن بدان \* همچنانکه قدرت از جان بود \*  
قدر جان از پرتوجانان بود \* خلق کون بود سزای آن شراب \* آن بریده به بشمشیر و خراب \* دده  
کون بود ز وصلش در قره \* انجنان دیده سفید و کوریه \* کوش کون بود سزای راز او \* برکنش که  
نبود آن بر سر نسکو \* اندران دستی که نبود آن نصاب \* آن شکسته به بساطور قصاب \* آن که جان  
خندد بروی او جوقند \* از ترش روی خلقش چه کند \* آنکه جان بوسه دهد بر چشم او \* کی خورد غم  
از ملل و زخشم او \* چون بگویم تاسمش پنهان کنم \* سر بر آرد چون علم کاینک منم \* رغم انغم کیردم  
او هر دو کوش \* کای مدغم چونش می پوشی بپوش \* اول بقعه مبارکه و سایه سعادت مایه لریده راه  
در یادن زوار حرمین الشریفین اولان فقر او درویشان طرق مستقیمه مردان ذهاب وایا لریده صوری  
و معنوی مستحلب آثار هم قطبانه لری و محضامرة واحدة چشم ارادت صادق ایله ناظر وجه  
تابدار لری اولان درد مندان دخی محروم فیض نظاره لری اولیوب برکات نینسکه آگاهانه لریده مغنم  
نعمت انبیا بی اشتباه اولشدر والعیاذ بالله الهادی الحفیظ کج نگاه سمت سایه دیوار لری آواره تبه  
تردد و سرگردان بادیه تعنت و بی بهره وصول منازل سلامت اولشدر \*(نظم)\* هر ولی رانوح  
و کشتیاب شناس \* صحبت این خلق را طوفان شناس \* از حضور اولیا کر بکسی \* تو هلاکی زانکه  
جزوی فی کلی \* چون شوی دور از حضور اولیا \* در حقیقت کشته دور از خدا \* (ودخی) \* اول پیر  
محبوب القلوب و اول شیر مر هوب الخطوب مینت هم سامیه و مشامت اغیار خاطر غیرت انکیز لری  
عند ذوی البصائر رسیده سرحد تواتر او انجمله کار دولت مصریه باجه هم رغبات احترام نما ورجا مند  
حسن نظر و لطف نفس و خیر دعا و لوب اطراف اشرفدن تتابع دعوت و توارضیافت سبیلله  
فقرایه نوبت محبت لری کاهجه دست داده فرصت اولدیغیندن ناشی فرط اشتیاق درد مندان خانقاه  
نشینان بل نول صحبت یکدمه لریده ماخلولبا و طول امل زده اولوب بوقیر مستمند دخی حجره و حدمده  
همرنک و همدادن یکد و محرمه بر مقدار لقمه درویشانندارک ایدوب ای کاش درویش محمد اینجا بودی  
وامشب بصحبت خاصه اش قدر شدی عنوانه قیل المغرب تحسیر و قعطش نما اولدیغده عشر ساعت  
مر ورا تیکسزین باب حجره ده یا هو مهمان اخوانم و مشتاق یارانم عبارت پریشان تبه خندان خندان  
تشریف بیور و بسمع جمال رشک ماه تمامه کاشانه فی کسانه خری روشن و زلال معارف مرشدانه لریده  
تاب دل ویرانگری تسکین و نسکات غریبه حکیمان لریده مزاج متلاشی خاطر من بر تمکین ایدوب نصف  
اللیل تخمین ایلدیکه ز وقت سیر السیر زمان ادا صبح ظهور اینسکه نه کاینغی استیفای حظ نعمت  
غیر مترقبه بصحبت شریفه لرینه وسعت وقت فرصت ناگاه اولیوب بقیه اشتیاقله کرجه مفارقت واقع  
اولشیدی لکن همواره صمیم فؤاده استقرار معانی کلمات جامع لری و دماغ چاشنی کیر طبعده  
لذت اوضاع و اطوار بخودانه لری استمرار یله کویا مفارقت صوری سدرام موصلت سری اولیوب  
صحبت دائمه روحانیه میسر اولشدر ادام الله تعالی حضور أسرار أمثاله فی الخلوات والجلوات

وآمد بجمایه فیوض آفرانه فی الحیاة والمات و فی العمران والفلوات آمین یا مغیث یا معین واول  
مقام عالیده تقدوقت صاحب مقام هلیه السلام اولوب خشک و ترده هزار بیچارگان و در ماندگانه  
چاره کر لکاری و در مان رساند لکری اکثر من ان یحصی اولوب و کال سال پیریده نشاط و جنبش  
نوجوانانه کامیاب و آخر الامر جمله لوازم اخیره سن تدارک ایدوب و احبابی دعوت و اطعام  
و استیصال حقوق مسئوله یوم قیام ایدوب دفعه روی عالمی وفادان اغماض عین ایدوب هنس کام سرور  
و ابتها جلرنده صفات بخش قلوب احباب اولان بشاشت سیمای نورانی لری برجا اولغله حاضر حلقه  
احتضاری اولان مخلصین فحشاء عرب \* انظر و اوجه میت یفک \* و قل لمن ینسب علیه و یحک \*  
قولنده یلک لهجة اعتراف حسن حال مالری اولوب مدفن پر روح و ریحان لری محل استغاثت  
حیرت زدن امور و ممکن غلبه ظن اجابت دعوات سائلین حاجات و مهبط لمعات میامن تا محصور اولمشدر  
اقام الحق جل ذکرة اساطیر مفاخره الجزیله علی قواعد صفایح الزمان فی مجالس الاخوان  
و محافل الخلان و أحسن الیه لسان الصدق فی الآخین بعزة سر حبیبه الشفیع فی یوم الدین  
\* (حضرت درویش عبدالرحمن) \* حلای الاصل و صاحب النسب العالی و ذوالثروة المالی و علی  
الصلاح الحالی اولوب تجارت طریقله نزل مصر قاهره اولدقده کثرت حضور مجامع فقرای طرق  
اولیا و مداومت زیارات متبرکه مشاهد اصفیا قدس اسرار هم و عم أنوار هم کار کفو اصدق معتادی  
اولغله الخاق کروه پر شکوه طریقه بقتن قرار داده اولوب لکن خصوص تعیین مسلکده متردد و مستحیر  
اولغین زمام امر سلو کن قبضة شه و دخیالی به تسلیم و تفویض ایتمکن بالدفعات کند و بی زی  
مولویانده و میانه خرب خداوند کاریده رقصان و دست افشان مشاهده ایتمکه تخصیص منهج ایدوب  
داودده و حضرت تلریدن اناتله کلاهیوش محبت اولوب رفته رفته تأثیر فیض صحبت اخوان الصفا الیه  
خرقه ارادت دخی میسر اولوب خدمت فقراده ماملک باز بر عاشق ممتاز اولوب جمله خدمات علیه  
خاتقاه ذات لریده استعداده موفور ایکن داخلین و خارجین اخوان و خیلان دن مغتنم استیجاب انظار  
حسنه و شرفیاب استقبال و ترحیب و تشییع اولق قصدیه نیاز مند خدمت بوابی و مدت العمر  
اول در که عالی رفت ووروب و فتح و سدیله متوسل جناب صاحب آستانه رجال آشیانه اولمشدر \* حتی  
اوان پیریده بخبر ان اصل کردن بعضی یونلرک وقت رفت ووریده جاروب در دست رکوع  
دور و دراز لریدن و از منة خالیه ده دور باش در بانی در دست قیام طرد و ابعاد لریدن و هنس کام  
استراحت نماده پیشگاه عبه علیه و آرامگاه حاجیننده کمال ادب و خشوعله قعود لری حاصلندن  
سؤال اینلکده از بردر که کریم بودن حاصل به ترجه باشد فقیر را بردر که کریم بودن کرامت بی نهایت است  
عنوانیله پاسخ را سخ فرما اولوب \* (نظم) \* بی ادب حاضر ز غائب به تراست \* حلقه کچه کثر بودن  
بر دراست \* بیت لطیفله استشهدا بیور مشلدر و اول باب سعادتده فرستاده خزانه عنایت اولان  
فتوح صوریه دن درویشان مضطربنه خلجان فرسای خاطر غمگین لری اولان لوازم ضروری لری  
ایصالیه خفیه مسرور ایتلری اخلاص و مکاشفه لرینه بینة عادله اولدیغی بی شوب ریبر \* حتی  
بودر مند بی نوا حجره و حیدتمده متفکر حال پریشانم ایکن نفس خود پرستم تقاضای حلوائ تر ایدوب  
مع هذا شب هنس کام اولغله تدارک و تخصیص لی متعسر باسکه فقیره نسبتله متعذرا اولدیغنه بناء نفس  
خود کادله مجادله و الزام اوزره ایکن ناکاه عزیز مشار الیه دق باب حجره و وافر حلوائ تر و تازه اعطا  
و هرگاه که طبیعت اشتهمای حلوائ ترکند مرا خبرده و آگاه کن مضمونیه تنبیه لری بالکلیه کمال  
حال لری خصوصنده دفع تردد و جلب تود و اتبا همزه باعث اولمشدر و دفعه اخرا ده دخی قبیل النوم

حضرت درویش عبدالرحمن

نفس خبیثه هم معصیت مشاهده سبیل این جمله شدی ولی مسلمان نشدی مفهوم تقریب انکیزیه  
 قویج ایدوب خوابه وارد قدّه اول مرد میدان ولایتی مقام خدمتند در و باش در دست و کمال جلالت  
 هر اراده دخول خانقه ایلد یکمده طرد و ابعاد کلاب ایدر کبی دست کرم پیوستلرنده اولان عصایله  
 اوزریمه هجوم و قصد ضرب و حیح ایدر و یاسندن غلبه بیم و دهشتله بیدار اولوب علی السحر  
 یابوس اعتذار لرینه وارد بغمه هم الخواص کفعل العوام فقره شریفه لرله کشف مافی الخیال  
 و ارشاد حقیقه حال ایتشلمردر قوله الحق و بالقبول الحق \* (نظم) \* چونکه کشته کرد این جسم  
 کران \* زنده کرد هستی اسرار دان \* این جهان تن غلط انداز شد \* جز مرا ترا کوز شهوت  
 باز شد \* این تن کثرت فکر و معکوس رو \* صد هزار آزاد را کردی کرو \* کنده تن را زبای  
 جان بکن \* تا کنده جولان بگرد آن چمن \* چون مردم از حواس بوالبشر \* حق مرا شد سمع  
 و ادراک و بصر \* بنده من بشنو که تن بند قویست \* که نه بیرون کن کثرت میل نویست \* والی هذا  
 المعنی اشار حضرت الامام القشیری قدس سره العزیز بقوله فیما عجبا عن یتیم بوجهه الذی هو  
 منظر الخلق فی غسله من الاثار و الادناس و یزینہ بما امکنه لئلا یطلع مخلوق علی عینه و لا یتیم بقلبه  
 الذی هو منظر رب العالمین حتی یطهره و یطیبه لنظر ربه فیہ و قال ایضا للظواهر طهارة و السرائر  
 طهارة و طهارة الابدان بالماء المظهر و طهارة القلوب بالندم و الخجل ثم بماء الحیاة و الوجهل و یؤیده  
 ما قال حضرت المولوی انیر بهانه القوى فی المتنوی المعنوی \* و دخی اول مرد میدان استقامت خدمت  
 معینه سنده مقدمی بالثلثه لایم و مناسب دخول درگاه اولیا نلرک دفعنده مجد و ساعی اولغله بر جندی  
 بدست بریشان رفتار و پراکنده گفتار بقیه دستور و بار دخول امرار غما اولد بجه بونلر دخی کاه  
 ملائمت و کاهی خشونتله دفعنده اقدام فرما اولمر لریله سکران بد انجام اغرای شیطانیه دست بد شنه  
 بران حمله آور صوب سعادت لری اولد قدّه سینه تسلیمی سپر خنجر و پای رضای بر جای تو کل ایدوب برابر نه  
 مقیم مقام استغاثه مغیث بیچون اولد قلرنده بقضاء الله تعالی و غیرته کند و خنجر اوزره ساقط  
 و سر خنجر مصیب خنجره می اولغله دفعه هالک اولد یغنی باعث اعتبار کر و اثر ار اولوب هر قاصد  
 و روده دستور یاد و ریش عبد الرحمن عنوانیه استئذان بین الاهی قانون سلامت صدور اولمشیدی  
 \* و دخی قیل نشالین و اشقیای عربدن بر فرد باطل سوء قصد سینه فرصت یاب و تاریکی وقت غروبده  
 مستراح خانقه ده پنهان اولوب انلر دخی عادت قدیمه احتیاط لری اوزره مظان اختفا اولان دها لیز  
 و زوایای فحش ایدوب مستراح لره کلد کده برینی مسدود و بولوب اوچ دفعه باب مستراح لیز ورله فتح  
 و تخلیه سی ممکن اولمغله سجنک یا خیبت حتی الضحی عنوان جلالت تبیانیه خطاب تهدید نصاب  
 بیور و وفارغ البال سد باب خانقا و مقر سعادت لرنده قرار ایدوب شقی هر قوم دخی غایت توقیلرینه  
 و از بجه استعمار انواع حیل و استیفا خاص رخنه رها ابتدیکه کویا اول مکان تنک و تاریک زندان فولاد  
 اولوب تا وقت معهودده اطلع یا ملعون خطایله بارده خلاص اولد بجه اطلاق میسر اولد یغنی میانه  
 طائفه طاغیه ده شایع اولمغله اول کلشن طریقت اختیار خارا زار اشرا رذن بالکلمه مصون الارجا  
 و مأمون الاطراف اولد یغنی کبی اول ولی و الاهمته منقبه احوال غریبه لری بادی تأکید اعتقاد پیر  
 و جوان اولشدر \* و دخی نود ساله ایکن راه خدمتند همعنان جوانان و مسند و منزل تمسکین و معرفتند  
 همحال پیران و خلقه سماع و صفاده همپای شعله برق جولان اولملری العجوبه زمان و نادره دوران  
 اولمغله منجم باشی احمد دهده حضرت لری وصف ذات خری الثنار لرنده درویش عبد الرحمن پیر جسم  
 و جوان جان و در فانوس کهنه شمع تازه روانست عنوانیه حسب حال غبطه مآلرین افسرده دلان

وکران جانان مدعیانه تعریض سیاقنده ورد زبان اوقات ملاقات و سر سخن اذکار جمیع له لری ایدوب  
 همواره قلب شریف الهام تعلیه لریدن استمداد بیور ملریله بهره مند مشیخت خانقاه حرمین اولوب  
 ونفس قدسی لریدن کمال کشتایتری جوار بیت مکرم و حرم روضه منوره اولوق اوزره مبشر اولشدر  
 و سر یعوا و عا جلا اشارت بشار تیری و رای برده صورتند عرض دیدار خجسته آثار ایدوب اول بقاع  
 مبارکه حسرت الر جالده بقیه کذار اوقات صافیه اولشدر و کند و لردخی برواء اکبر مصرده وجود  
 فائص الجود لرین قربان سلامت اهاالی ایدوب انلرک ایشار حیاتلری فدای ام الدنیا اولوب خروش نیل  
 عنایتله اول عفونت عظماء دائره افروزه عباددن مرتفعه و اول بلیه عامه کبری جمله دیار مصریه دن  
 مندفعه و اولاد ام الدنیا دن زایله و ماتم میات تمام اولوب جسد متروکاری دخمه فقرای مولویه ده کنجینه  
 امانت فردا اولشدر نور الله تعالی جسده و قدس سره و روحه و افاض علی المستمدين فتوحه آمین  
 بجرمه من تقدم روح الامین \* (حضرت درویش عثمان اسیری) \* و سنوی الاصل و اولاد قضا اذن  
 برهنه نمند و دانش و اولوب اوائل حالنده سالک مسلک آبا و مبتلای درد سر قضا و مائل صحبت مشایخ  
 و فقر و فاقه حفظ او فر علم اخلاق اولیا اولوب آخر الامر عرف جنسیت ازلیه جنبان و تأثیر معارف  
 و مصاحبات عدوله رهبر و خدمت حضرت توکلی دده جان بنده انجذاب بدرقه سلامت اولوب اختیار  
 ترک و تجرید و درگاه مولوی به انسابه و وسیله و بعد اتمام المقات شرفیاب تکبیر و سر بلند کلاه  
 سعادت ارادت اولغله بادی اولشدر لکن ثقلت اقر با و شماتت اعدا و علاقه احباب سبب پریشانی  
 جمعیت خاطر لری اولغله حیات مرشد لرنده سیر و سیاحت مساعده سیور یلوب مدت مدیده تنقل  
 ممالک و تمشای حکم و عبرایله ذوقیاب اولوب بعد وفات المربی رودوس جزیره سنده مرحوم  
 و مغفور له شهید سعید مراد رئیس زاویه حاده سنده اوقات منفرجه و اذواق منبسطه ایله کوشه  
 کربن فراغ ایکن بقضاء الله الحکیم برشب دیجورده اشقیای فرنک جزیره مالطه ساحل جزیره  
 مرقومه خروج و زاویه مذکورده دخول و غیب اشیای موجوده و کند و روی هم درملریله اسیر ایدوب  
 جزیره مرقومه یه قریب سوننه کی جزیره سی لیماننه لنگر انداز و اشیا لرین بعد الاقسام کند و لری  
 قیمته بیع مراد و توجه سمت آخره بادبان شقاوت کشا لغه تمیؤ ایدوب لکن بعزه الله تعالی و حمایه  
 اولیا نه سلطان بادن امراد کند و لره سدره اولوب ایام کثیره محل مرقومدن خروج ممکن اولوب و اول  
 شدت تلاطم انجی فدای جزیره مرقومه به مستولی و خار چنده به آمد شد سفاین محسوس لری اولغله  
 ناچار انصاف ایدوب شدت صرصر مخالف کند و لره مانع قوی اولد یقی محض فقرای مرقومنه ابتدکاری  
 جرأت و غدردن اولد یغین اذعان ایدوب هزار اعتذار و استعفا ایله مقصد خاطر لری اولان محله  
 اخراج و ایصاله عهد و میثاق بند اولیجی در حال اول مانع قوی زائل و باد مراد حاصل اولغله عهد لری  
 اوزره ثابت و جمیع اشیا لرله مکرم و محترم کند و لرین ساقز سا حله اخراج ایدوب قضیه محکمه بین  
 الاهاالی شایع اولغله جمله اهاالی کند و لره اقبال و اشرف اعیان جزیره اولان یجی پاشا زاده مدفن آبا  
 واجدادی اولان حضرت خضرده زاویه سینه اسکان ایدوب و لوازم عادی لرین بالجمله کندی مالندن  
 تعیین ایدوب الی آخر العز اول بقعه مبارکه ده کامران اوقات صافیه و خوشحال معیشت و اقیه و آینه  
 و رونده فقرای طرق علیه اولیا به اکرام و احترامله بهره یاب مشویات جزیره اولشدر و بین الاهاالی  
 بعض علوم غریبه ایله مشهور اولوب لیکن صورت مکاشفات مصیبه و آثار هم علمیه نافذ لرین زیر  
 پرده رمل و اوقافده اخفا و سترا بتدکاری کند و لردن شفا ها تلقی کرده فقیر معترف العجز و التقصیر در  
 حتی مشاهدین آثار جلیله لرین و عجس بین اخبار مستقیمه لری ذهاب سفر در یاد مهربان متبرک

حضرت درویش عثمان اسیری



وفق شریفی و مسافری تجارت و جهاد استفسار مال حالد متین خیر انقاسلری اولغله حاصل اولان  
فتوح و افروندن پیرامنگرد حلقه صحبتلری اولان اخوان و خلایق ماعد افقرای اهل دنیا دخی مستفید  
اولوب ارامل و ایتمه عتبه زایدلری محط رحال آمال و ملتجای اهل ادبار و اقبال و رفته تعویذات  
مؤثره لری جمائل جیاد نسوان و رجال مسالین اولدیغندن ماعد اهل ذمتدن سکن جزیره و حوالیسی  
اولان نفوس بیگانه په دخی حرز سلامت اولشیدی و او ان سیاحت کرده مهمان دایره اکراملری  
اولدیغمزده احترام صوریلرندن نمون اولدیغمزدن ازید و جوه الطاف معنویه لرندن شرمند اولغله  
مقام خدمتلیده اقامت قصدیه نیازمند مساعده اولدیغمزده احوال آتیه مزدن اخبار و خیر  
و برکت سیاحت مصریه فیض ایله تشریری کما اشاریدیدار اولشدر و اثنای آرام سایه سعادت مایه لرنده  
لیل و نهارده خواب راحتلری رونما اولما غله بومقوله سهر دایمه بنیه بشریه لرینک کیفیت تحملی  
و طاقت بدیه لرینک کمیت توسعی استفساری خاطر فائزده خلجان فرسا اولدیغی مرآت ضمیر منیرلرینه  
عکس انداز و حسن ادب دخی مانع جرأت سؤال اولغله تراخی بیور بلوب حین و داعده اعطیت السبات  
بلا نوم کما عطی بعض الاوائل الشبع والری بلا کل و شرب فقره جلیله سبیل علی سبیل التحدیث  
کشف مشکل بیور مشلدر و مواضع غامضة فصوص الحکم و محال معضله منوی شریفه اولان  
تحقیقات رائقه لری و طواهر نصوصه توفیقات لا تقه لری حق الانصاف اکر رشته کش تحریر اولسه  
الته بر اثر ماهه الافتخار و سیف صا رم عروق اصرار و انکار اوائی مقرر ایدی لکن سوق ضبط  
وفید اولند فجه هذاه اوبدا العلوم و وحوش الاسرار لایقیدها الطروس والاقلام وانهار ارجعة الی  
خزانة العلم العلام هاربه عن مس الاذهان والافهام ومستوحشة عن انس العبارات والارقام الی  
أن یکشفها و یلهمها اوسا طه شفاعه سید الانام عبارت واقع لریله جسم ریشه امید و رجایدر لرایدی  
وهو الذی لا شک ولا رب فیبه المتافی بعینه من فیه ففیه ما فیبه من الارشاد الی أعمال الهمم العلمیه  
والتفرغ بالوصول الی أصل الاصول \* (ودخی) \* جزیره مرقومه به کفار و نذیک استیلاسی  
قیلنده مال حال معلوملری اولغله کیفیت تدارک اجله مشایخ خلوتیه دن شیخ الیاسله مشاوره  
اولند قده اول سبل مهیب راحت راجحرا سندن سمت آخره تحوّل اولتقی اوزره قرار ویرلد کده شیخ  
الیاس حضر تلرینه شم اسمت مامن دنیا بر وید این فقیر بجانب ساحل سلامت عقبامیر و دعوانیله  
فیصل ده بزم خلوت شوری اولد قلری شیخ مرقومک ادنی بهانه ایلد برانا طولی به مرور وانلرک دفعه  
پل موت وانسلاخی عبورلری بعد زمان شیخ مشار الیه بیاسله عیان اولشدر و حال تریه شریفه لری  
ساحه باغچه زاویه مرقومه ده متبرک و زیارتگاه پیر و جواندر انا الله تعالی قندیل سره التزیه و أشعل  
مصباح روحه النبی و روح بدنه الشریف فی مدفنیه اللطیف آمین یا من قابل بنواله رجاء السائلین  
\* (حضرت درویش محمد بخوری) \* دارالدوله استنبول فریبنده سلوری قصبه سندن و طائفة عسکر  
ترسانه دن بر مرد بهادر و پاکدامن و غازی اسفارد دریا اولوب عبودی ده ده حضر تلرینک صیت کالات  
و کراماتی حوالی کبر اولد قده اکثر امرای دریا و رؤسا عرقیه پوش محبتلری واذ کار جمیله سرای  
ولا یتلری اوللرله راه سامعه دن دل و جان بیغشلری مالا مال قوافل و نور عشق و خلوصلری اولوب  
ایام حضرده حاضر مجالس علیه مقابله و ناظر آینه کیتی غمهای مواجهه لری اولوب کوشدار انقاس  
نفیسه لری اولغله اول ماهی دریای علاقه دنیا بی شست نفس کرم تأثیرلری کوشندن شکار ایدوب  
متمی پایه ریاست ایکن هوای مخالف دریای حوادث کشتی همترین انداخته ساحل فقر و فنا ایدوب  
دخیل آستانه سلامت آشیانه حضرت عزیز موی الیه و متشبث دامن ارادت و متعهد خدمت مدت

حضرت درویش محمد بخوری



العرلی اولوب فیض حسن همتلریله برعاشق صادق بی ملال و سالک راسترو طریقه مردان حال اولوب عادت مأنوسه قدیمه لری فقرای سائره تعیین جهت کسب ایلدکاری کبی بونلره دخی تخمیر بخور عبیر سرشتی تعلیم و تخصیص بیوروب فی الواقع برکات صدق و خلوص لری و میامن نفس اثر فرمالریله صنعت بخوری کندویه سرمایه عیش خوش اولدیغی کبی مدار شهرت شایعه لری اولوب اکثر خیداران صنعت غریبه لریده تعبه اولنان بوی خوش بی نظیر صفا بخش دماغ و مشام بوی کیران اولدیغی مشهود علیه شامه سلیمه اولدیغندن ماعد انچه سرسام و دوار و صداع بلکه صرع مقوله سی عوارضه منافعین تجربه ایتلریله تبرکات شتر اوادخار و وقت حاجتده استعمال و استشفای ایدوب و ظهور فواید عجیه سی بین الاهی متواتر اولغله قیمت پذیر و کیران بها اولوب حتی یکنجا بخور لری بریناره اشترا اولندیغی کثیر الوقوع ایدی مع هذا ینر و زمره اون سکیز بخوردن زیاده تخمیر ایتیموب قلیل و کثیر فتوحی حضرت مرشدک کفش مبارک نه وضع ایدوب مؤنات فقرایه صرف اولنان فضله سی کندویه عطیه بیور یلق دأب ادب لری اولوب بعد وفات الشیخ نقد و قتلری و جانشین ارجمند و فرزند دلبند لری سید خلیل افندی نوبت شریفه لریده دخی دستور سابق اوزره حرکت ایلیموب و انلردن شیخ سید محمد افندی و حامل سرمه قدس لری زماننده دخی اسلوب ادب لری منوال مشروح اوزره مقرر اولوب لکن پیر صدساله اولغله روزمره کاه هفت و کاهی سه عدد بخوره انحق تاب آور اولوب اولدخی تفصیل حال معلوم لری اولان ارباب حاجات حجره لرینه کلوب دست میمنت پیوسته لریدن اخذ و اشترا ایدر لر ایدی کندولرک حجره دن طشره خروجه اقتداری اولیموب و ایدی و سائط سائره به دخی اعطا و تقویض خلاف مشرب احتیاط معتاد لری اولغله اوائلده اولان رواج و کثرت ایراد دست داده اولیموب همان کندولره و فقرادن خدمت لریده اولان احباب انک مصر و فلرینه و فایر ایدی و من العجب موشکافان و دقیقه دانان رواج و فوایج رائحه طویه بخور لریده هربری شهادت شامه سی حسبله فوایج معروفة مطبوعه نلرینه تقریب و تشبیه ایتسیله اختلاف اولوب آخر الامر حضرت سید خلیل افندی حکمت مآبدن استکشاف حقیقت حال اولند قدده ان الله تعالی قادر علی أن یخلق فی بخوره رائحه طویه خاصه تقرب من جمیع الروائح الطویه قول شریفن دستور العمل دفع اختلاف ایتش لردر و هفتادساله ایکن انضمام دعوت روحانیه ایلد ماشیا حافیاز اثر کعبه العشاق تریه معظمه خد اوند کاری و بهره مند اصناف عنایات سرانه اولوب و بعد زیارت مشهد منور و والده سلطان علمیا تقدیسات الرحمن مراجع آستانه سعادت آشیانه جناب غوث الابدال و خیر الرجال حضرت سلطان سماعی دیوانی قدس سره النورانی اولوب و چل شبان روز عتبه علیه تریه فردوس رتبه لریده نیازمند اولوب اشارت علیه لری ظهور یله کندولره کلاه سبکی الباس و تنوره شمسی اکسا اولنوب و تحت الرکبه برنمد قلندری احسان بیور یلغله مقرر قدیم لرینه زی غیر معهود لر یله رجعت ایدوب بعد هذا بحجره و خدمت لریده که نه حصیر و خالانداز یکنجا و بالین سنک خار و آلات صنعت بخوردن ماعد اشئی متقوم بولیموب کمال تجرید اوزره ختم کارنامه عمر نازنین ایدوب خویش و آشناندنهای بخوردن ماعد احببه واحده و خردله فقیره قبول ایتیموب تمام استغنا و تعفف اوزره بقیه کذا اوقات اولش لردر و حین وفات لریده زیرالین سنک لریده مؤنات آخرت لرینه وافی نقد بولمغله حیات و همتا لریده زیر بار احسان بی نوع انسانه دوش نه تحمل و تنزل اولیموب وصیت شریفه لری موجب نجه کلاه سیفی لری کندولر ایلد معاذفن اولنوب اخوان موجودینده اول تاج پراتها جبه کندولردن غیر مستحق اولدیغنه استدلال اولمشد و وقیر شر بفلری قلب لطیف لری کبی جوار مشهد منور مرشد لریده در بخار الله تعالی ثراه بالفواح المسکیمه الجنانیه

حضرت درویش اسماعیل

وطیب جسده و روحه و ستره بالترویحات الرضوانیه آمین بحرمه من علیه التسلیمات والتحیات  
السجانیه \* (حضرت درویش اسماعیل خفته کافی) \* خالک بالک عنبرناک دارالاولایه بقونیه خرس  
عن البلیه منشور و غایافته بر نادره جهان بوالعجب و اولاد فقرا ی طریقته علمیه مولویه دن اولوب  
جذبیه مادر زاده قدمهاده کوی عالم صورت و شهباز بلند پرواز آسمانه سیرت و اوقات صبا سنده بی  
قید لباس و استیاس ناس و خرابه کرد و حشت و مأمون الغائله خورد و خواب اولوب زمان بلوغنده  
کنندویه حالت غریبه توجه ایدوب فرضاسه ماهه شب و روز بیدار و وقت خواب غیر معهود  
حلولند بولند بخی محله خوابه واروب قبل تمام الوقت ایقاعی ممکن اولمغله کوی و بازده و میانه  
باغاند قنده بولنور ایه خواب آلوده اقربانی تحمل و خانه سینه نقل و بر پوشش اندامه سر تا بقدم ستر  
ایدوب وقت آتیا هلیه مترقب اولور لرایدی گاهینه مدت بیداری تمامنده بیدار اولور لرایدی  
بوصورته نوملری موافق یقطه لری و گاهی چار ماهه نائم و مدت خوابلرینه مقدار زمان یقطه لری  
مطابق اولوب عمر کرامیلری نسق مذکور اوزره دورایتکه بین الخلائق مسموع الاسم اولان  
شهر خفته کانه نسبت اولنوب درویش اسماعیل خفته کافی شهرتیه مدعو اولمشلردر و خصوص ماده  
معهوده لریده اهل نظر واستدلالک اقاو یل مختلفه سی طی اولنوب مردان میدان بصیرت و مکاشفه ناک  
قول معتالری ایراد اولمشلردر که جمله اجله رجال مکاشفه صورت نوملری انسلخ و روانلری عالم خیال  
سیر یله مشغول اولوب مدت یقطه و نوملری کندولره نسبت لیل و نهار اولقی اوزره یکنان بیان  
اولمشلردر که فی الحقیقه بوی قرار داده بی مؤید در که زمان افاقملری نقول مشاهدات خیالیله ایله  
مرور ایدوب هر نه کونه حوادث آتیه یه متعلقه کلیاتلری سر زده لهجه پر به سجده لری اولور ایه  
تخلف ایتیموب یا موافق صراحت و یا مطابق تأویلات رموزلری ظهور ایدرایدی \* حتی وزیر وزیر  
قلایلی غایبکار در مره الله و امثاله فی دار البوارک حضرت چلبی بوستان ثانی جناب ولایت مآین افترا ی  
مالم یکن ایله آواره در که جسد امجدلری واجلای جزیره قبرس ایلدیکنده درویش اسماعیل خفته  
بولنوب و تبردار محمد پاشا حضرتلری شریف مستند عالی صدارت عظمایلدیکنده خدمت اطلاق لریده  
البدن کللی امسالک ایتیموب تعظیم واکرام لریده بدل مقدور و موجود و سربعاعا جلایه مقرر خلافت  
اجداد عظامنه اجلاس ایتلری عقینده بیدار اولوب اول کلامی چلبی بوستان راجه شد کلام حدت  
نظامی اولمغله خوشاوند دخی رفت و آمد جوایله تسلیه ایدوب بعد الحمد والشکر چلبی بوستان  
مارفت و آمد اما آن خار پشت مدبر عن قریب براهی میروده که دیگر نیاید نفس غیرت قریبلری بعینه  
جلوه کرمنصه بروز اولمشلردر و مجلس تهنیه قدوم لرینه قدمهاده اعتدال اولدقده بوقفیر دخی حاضر  
وناظر کیفیت اعتذارلری اولوب اول صادق سرباز ابتدا زانوی حضرت چلبی مشارالیه سرار ادن زن  
ودست کریموس تلمین تقییل ایدوب بی اختیار اشکبار حسرت اولوب افسوس و دریغ که بجه  
اوقات بر آفاترماندیم که پیش از بر اقدام پر برکات آل حضرت مولانا قدس سره الاعلی رابر روی زمین  
سرمایه هزار مینت می شمردندی و خاکبای قدس پیمای شرافت بای چشم جان کردندی اکنون  
در خانه براحث نکذارند معلومست که راحت روی زمین نخواهد ماند ای کاش درویش اسماعیل  
مردی و خالک کشتی و اغیار خاطر نظر کاه صمدی این عرق پاکیزه ندیدی عنوانیه تحسیر و تأسف کلان  
اعتذار و کویه عاشقانه لری حضرت چلبی بوستان جنابخی وجهه حضار بزم تهنیه لرین دخی کران  
ایدوب ولوله کریده و آه و انین متمد و شمد اولمغله حضرت چلبی مشارالیه نیز آن و منشدینه تغیر بر صد  
سیماقنده حکمت موسیقی اسر ایتسبله موجب امر عالبلری اوزره حرکت پر حالت سر اغاز

ایدوب اهل وجدك خرم سكونتی شعله آوازله بارباد و صحن مجلس پروانسان دست افشان و پای  
 کوپان ایله فر دحم حالات و مکاشفات غریبه اولوب هر کس کونا کون عنایت ناکاهه مظهر  
 و مر ایای قلوب صقیله عکوس مشاهدات عجیبه به مجالا اولوب درویش اسماعیل دخی پای برای  
 پیمانه نیاز اولوب بکار دیگر میخسبیم و بیدار می شویم و از دیده خبر دهیم و بعد از و خفتن بی انتباهست  
 بدین مرام کلبانک قبولی نیاز میجویم عنوانیله عرض مطلب اینجه حضرت چلبی دخی کلبانک فرما  
 اولوب مانیز همچنان نفس قدسیلرله تدبیل یوروب فی الواقع حلول مدت سیر و سیاحت عالم خیالارنده  
 کافی العاده القدیمة چار ماهه خواب انسلاخه واروب و تمناشای خیالیانندن رجعتلری هنس کامنده  
 چار ماهه بیدار و بعده بیدار صبح قیامت اولق اوزره خواب سنسکین موتله مرقد نشین اولمشلردن  
 و حضرت چلبی بوستان دخی در عقب خزانده سردباد فنا اولوب اکثر بوستان اقبالی عندلیبی اولنلر  
 دخی پیرو لری اولمشلردن لیکن آخر نبوت بیداریده اولان حکایات مشاهدات خیالیله لربنک بعضیسی  
 چلبی موی البه ایله کند و مابینلریده مکثوم قالب فرد ثالث محرم اولوب بعضیسی دخی خواص  
 و همدانه تخصیص اولنوب حکایات سابقه لری کبی کائنات من کان تشریک ایتیموب اوان ظهور  
 مشاهده لرنده یکان یکان صدق مکاشفه لربن محرم خواص تحقیق ایتیشلردن صدقه الحق و حقیقه  
 الحق حسب حال ماللری واقع اولمشلدر انجق طی طومار خیاله همان مابین العصر و المغرب قالمشدر  
 مضنونیه اولان مشاهده لری اوقات آتیه نلک ازمان اشراط اولسنه دلالت ایدر حفظنا الله الدافع  
 الکافی و کافه صعا لک الطریق الحمدیه من شرور حوادثها و امرها علیهم مرور السحاب فی الیالی آمین  
 بحرمة من له الحماة الکبری و الشفاعة العظما الی یومی الدنیا و الدین \* (حضرت درویش مصطفی  
 غریب) \* فی الاصل دیار روم ایلیده بابانام قصبه آهالیسندن و انشای سیاهیاندن بر سعید رشید  
 و سالف المنقبه قاینرده ده حضرتلری ماجرا سنده حاضر و احوال کرامت ماللرینه ناظر اولوب بنسند کی  
 و سلطنت معلوم شد مصداقجه سطوت شاهان ملک فقر و فنا طبع مستقیمنده جایگیر و پیرامنکر  
 شاهد جاه دنیا اولدن دلیکیر اولوب ابتدای فتح ثانی خانقاه مرادیده ده دخیل دائرة خدمت اولیا  
 و لابن کلاه و خرقة اهل فنا و شرفیاب تکبیر سعادت تسبیح حضرت مولانا و هزه یاب اکسیر معارف  
 و آشنای اسرار مقاصد و مواقف اولغله تفرج کلستان عبر و حکم سنیا قدده میدان عالم آفاقه سمندران  
 حضرت اولوب بعد زیارة الحرمین الشریفین مشاهده مقدسه آئمه کرامه جبین سالی ابتهاج و رومال  
 خلاص اولوب آخر جولان بادای همته ساحه جهان صورت تنگ نما اولوب آتش عنان عزیمت لربن  
 سمت قبله العشا ف سوق و عرصه پهنای انفس تماشا سینه اقدامله آستانه اقطاب آشیانه حضرت  
 سلطان العارفنده کوشه کزین و حجره نشین اولوب تمسکین رفتار مرده لری مشهود حضرت چلبی  
 حسین پیر اولد قدده درگاه ذرات جهان پناه حضرت شمس الدین تبریزیده خدمت تربهداری احسانیه  
 تخصیص یوریلوب مدت مدیده و عهد و بیعیده اول جلوه گاه حسرت الملائکده کامران آسایش  
 عارفانه و مستعد عیش خوش فارغانه و صوریه و معنویه اول نیر اعظم آسمان و لایتلک پرتو ذره پرور لریله  
 سر در هوای عالم بالا و روشن دل و دیده شهود عجایب آثار رحمت فیاض بی همتا اولمشدر و اول  
 ذره آفتاب نمانک سر کرم صهای تعلیق بولسان اخوان صفادن کوتاهیسه وی درویش عبد الباقی  
 آستانه کروی آشیانه خداوند کارا کبر قدس سره از هر ده منتظم سلاک خدمه مطبخ عامر لری  
 لیکن حسب الاقتضا و وفق التریبه درویش مصطفای مرقوم خدمت شریفه لربنه تعیین یوریلوب  
 روز و شب قدر الاقدار مقیم مقام خدمات علیه درگاه در دمنشان پناه اولد یغی انشاده ماهولا القوم

حضرت درویش مصطفی غریب

یا کاون ویشرون وینامون ویمشون فی اسواق المرام البشریه معنا فلا یبقی لالنجاء الیهم والرجاء منهم  
معنا فحوای انکار افزاسیله مستولی اولان احادیث نفسانیه و دیویلات ابلیسیه دن مرآت ضمیر  
صدافت سهری ژنکار زده تردد اولنجہ حضرت غریب مشار الیہ درون نور مشجوندہ کیفیت  
مرقومه عکس انداز اولغله ناکاه طرف باہر الانبیا ہلرندن نہ خدمات قدیمہ مطبخہ عودت امر  
اولنوب بر موجب فرمودہ مقرر سابقہ رجعت نما اولوب خدمت سابقہ سی اولان کار سہماط  
فقرادہ آبدار لک عملنہ اشتغال اوزرہ یارب و آب در دست و دیدہ بر فقرا ایکن ناکاہ عالم دیگر رونما  
اولوب نظرنده تحت السماء فوق الارض بیکجا جمعیت خانہ فقر اصور تنده و سہماط فقر ادخی اول سطح  
مستورہ اوزرہ من المشرق الی المغرب کشیدہ وجانبین سہماطہ در ویشان دخی زانوا براوزن  
صفوف نعم محفوف اولوب ہر درویشک فرق سعادتندی عاس فرقدین و علی طریق التزل تناول اطعمہ  
یور دقلری وقتا وقت مشیر طلمب آب اولد قلرنده کندوسی انالہ کاسہ آب صد دہدہ متوجہ صوب  
عظمت اولبری اولد قدہ ہر برینک جو سہما دن متعاطی کاسہ آب اولان دست و بازوری حیرت انکیز  
اولغله اندامنہ طاری اولان ترزل و حواسنہ غالب اولان تغیر کند و بی مدہوش ایدوب بعد الافاقہ  
متفکر قصور و متدبر کسور اولوب حضرت غریب خدمت شریفہ سنہ رجعت و توبہ واستغفار  
واعتماد اوزرہ حضور فائض النور لہ واصل اولیحق ہنوز بد اتقیر بحال دہشت مآل اتحدن عظمت  
فقرای حضرت مولانا را دیدی بعد ازین بر و بصدق و بی تردد بخدمت آن شاہان لامکانرا کرا خلاص  
بند و آخنان افکار و اہیہ رادل مدہ عنوانیلہ کشف و ارشاد لری اول نویازک نبات و ثباتہ و روحانی  
خیاتنہ سبب اولوب زمانندہ بین الاخوان المعدودین بر مر د خوش رفتار و سالک نیک کردار و ملحق  
شمار محرمان اسرار حضرت خداوند کار اولشدر \* و دخی بعد زمان طبع محبت سر شملرینہ  
مشاہدہ اشباہ مقدسہ سادات مولویہ اشتیاقی غلبہ ایتککہ دمبدم طریق مشاہدہ مرقومہ یہ  
جویندہ اولوب حتی اکثر لیا لیدہ سربسنت آستان ارواح آشیان تربہ فردوس ربیبہ حضرت شمس  
الدینی اولد یغنی حالہ توجہ نامہ خواہیدہ اولغله بتوفیق اللہ الہادی بر شب قدر آسا و خواب رشک  
بیداریدہ و رای پردہ خیال و مشرق جوارذ و الحلالدن سرمقدس حضرت شمس الدینی عرض دیدار  
ایدوب لکن مشہد مقدس لری منشق و درویش مصطفی غریب سیماسندہ بیدار اولغله میانہ ذاتیندہ  
حیرتزدہ ایکن عزیز مشار الیہ فراز سریندہ شمع در دست کندولرہ بر خیز مرادت حاصل شد آن آفتاب  
حقیقت از مرانی ذرات جلوہ نماید عنوانیلہ خطاب مستطاب ہلرندن مستفاد اولان اشارت پرشار تیلہ  
خواب صوری و معنوی دن دفعہ بیدار اولوب ذوات فقر اجمالی اسرار اولیا اولد یغنیہ موقن و حرکات  
وسکا تلی تہی اولد یغنیہ مصدق اولوب توابعہ عامل متبوعک تأثیرین معاینہ ایتشدر در و مظاهر  
صور و سیر فقرادہ ظواہر آثار ارواح و اسرار مردان خدای مشاہدہ فی اشتباہ ایتککہ رؤیاری رؤیتہ  
و واقعہ لری واقعہ مبتدل و کثر تلی وحدتہ و مجاز لری حقیقتہ محول اولشدر و اغلب در ویشان نفس  
نفسلرندن تواضع و تمسک قہر و حقیر و بندہ و کذا امثالی تعبیرات حسنہ ایلہ حکایہ یور دقلری کبی  
بونلر دخی غریب عبارت شفقت انکیزیلہ غریب چنین و غریب چنانست مانند ی تعبیر عن النفس  
ایتلری حسبلہ بین الفقر اللفظ غریب مانوس الاستعمال و ادات شہرت ذاتلری اولشدر \* حتی  
حضرت چلبی حسین قدس سرہ جناب ولایت مآب لری کاہ و بیکاہ در کاہ حضرت شمس الدینہ رومال  
زیارت و جہہ سائی تبرک اولد قلرنده بردفعہ قریب دائرہ مقدسہ شمسبہ دہ سکانہ و جہامن الوجوہ  
راہ رخصت دخول ویر یلش دکل ایکن نظر لری برسک نادیدہ یہ راست کلکین ضرب و زجر

و طردینه امر بیور بلغله جمله خدمه هجوم آور اولنجه درویش غریب بیچاره سل غریبست عفو  
فرمایند عنوانله عذرخواه اولملری مشرب عالی حضرت جللی به زیاده خوش آید و خنده آورنده  
و انبساط ورزیده واقع اولغله غریب هنوز وطنش یافت مطایبه دلکشار یله مقابله فرماو باعث مزید  
عاطفت غوثانلری اولشدر و اول منردانه میدان آستان معشوق حضرت مولاناده کوی ربای  
مرام اولوب سروقامتلری چو کات ویدر جماللری هلال اولنجه علی احسن الوجوه اوقات بی آفات گذار  
اولوب نودساله ایکن مغرب فنا به افول بیور و بسایه شفاعت مایه حمایت وایه خربید آسمان  
لامکانده آسوده و جوار دیوار دیوانخانه عشاقده حراصت و روشنیده شهود مجائی جهان  
معنا تاملری اولشدر ادام الله تعالی غنم ورحه وریحانه وفتح علی مرقدہ مناظر ابواب احسانه آمین  
یا مجیب الداعین بحرمه سید الانبیاء والمرسلین\* (حضرت درویش احمد فصیح)\* انبای دارالدوله  
استانبول وزمره کتاب وکوپرلی زاده احمد باشا نل زمان وزارتده کاتب خربیه سی اولوب و مشق  
اقلامده صاحب بدلول و نظم شعر و انشای نثرده ولوله آراوقضارا بیستون عشق مجازده بر شیرین  
لب و سیمین غنیمت فرهاد سودا سی اولغله جوش و خروش محبت زور آورلنکر تمکین خرد خرد دانی  
و کشتی صبر و سکون و آرامی ساحل زده جنون و شست و شو فرمای دقتر فونی اولوب ازمان بعیده  
بی سر و سامان کوچه کرد و صحرانوردمعمره و ویرانه و بی قید الفت و وحشت آشنا و یکنانه اولوب  
آخر کار ناخدا ای توفیق خدای کار ساز خله کشتی انسیاقین جانب بیمار خانه عشق حقیقی یعنی طرف  
خانقاه مولوی به توجیه ایدوب بقعه مبارکه غلطه ده دخیل ساحه سلامت انتساب حضرت شیخ  
غوثی و ملحق کروه پرشکوه مولوی و تاجدار سعادت معنوی اولشدر و اول غوث الضعفاء زور بازوی  
همت پیرانه ایلدر در سود افتاده دماغین ساحل نجات عقل و تمکینه جذب ایدوب تدریج تاثیر صحبت  
فیض قرینلریله مدت یسیره نائل نوال صحو کلی اولوب حجره وحدت لرنده دامچین فراغ افکار بهموده  
و مالک دولت صفای وقت و موفق ترتیب دیوان بلاغت ارکان اولوب تراحم رغبات منعمان صاحب  
طبعه کاتب دیوانی خامه زیبار قلمینه تخصیص اولنوب اجرت کاتب لرنده و صله قدر شناسان اثر لرنده  
حاصل اولان فوائدله تعیش و سعت زندگانی زمانلرنده خاصه ذاتلری اولمشیدی و اکثر نسخ دیوانلری  
خط ناظمه اولوق دخی اثر دلپذیر لرنه شایسته زیور تبرک و تین اولشدر لیکن سیر و سواک لری  
مستوبق بالجذب اولغله واسط و اواخری دخی مشوب بالملامه اولوب همان یکا خرقه عبانی و ز ولیده  
موی و کهن جامه ایلد تری و شرکای کار سخن وریدن توحش و تفرد علی الدوام اختیار ایدوب هر قنده  
بر کبه ضعیفه و رانده به مر دم دیده شفقتی دوچار اولسه در حال جیب و آستین خرقه سنه قویوب و کند و  
نفقه سندن قطع و انلره انفاق ایتمکله کو یا حجره لری دارایی هریره اولمشیدی و هر بری القاب  
مناسبه ایلد تلقیب بلکه مخلص شاعرانه ایلد تخلص و عتیق و جدیدینه ملایم محل تعیین ایدوب و هر بری  
آخر مقامنه تنجا و زایتمیوب و هنر کام تفریق طعمه ده هر بری حصه سنه قناعتله مقتضای طبیعت  
همیه لری اولان تعرض لقسمه آخری ترک ایتملری و هر بری دعوت و طرده لقب مخصوصین احساس  
و حجرات درویشانه ثقلندن توقیلری و کهن لباس خرفلرنده و میانة فتیله مولرنده اولان مؤذبات  
دائرة بد نلرنده خارجه سرایتدن امتناع ایتملری انظار ذی الاعتبار و الانصافده کرامت عد اولنجه  
مرتبه سی باعث تعجب و تحسین اولشدر\* حتی طبیعت غالب تطبعه در دیوان اتفاق اولنان مقدمه  
مشهوره به علی طریق الامتحان درویشان و محبان متعدد موشلر شکارا بتدیر و ب داخل حجره  
موانستملری اولان کبه کانه عرض ایتمد کارنده قطعار وی رغبت نما اولسد قلمی نقص کلی ابراث

حضرت درویش احمد فصیح

ایستدر و متعجبان اطوار مخصوصه لرینه انیسان مایجانور آزاری توبه کردند و از آزار آفریده بیزار  
گشتند نکته لطیفه سبیل مطایبه فرما و لورلر ایدی و هر برینک علل واسقامنه مداوانده اهتمام  
وفوت و هلاک کرده تجهیز و دفن ایتلریده اقدامدن ناشی سؤال مقدره مقتضای حق صحت و موجب  
شیمه وفاداری و اثر رعایت حقوق اینست کلام شفقت نظاملر یله جواب شافی ده تعریض آمیز  
و پاسخ دافع کان بدغیبت انکی بنحش اولورلر ایدی و للناس فیما یعشقون مذاهب و کل خرب بما لیدیم  
فرحون وان کان هذا جنونا عندکم زاد الله فی جنوننا و زاد فی عقلکم مضمون فراغت مقر و نلرین  
دستور العمل ایدوب مأمون الغائله النفات گفت و شنید محرم و محروم اولورلر ایدی و قبیل الوفات  
یکان یکان احبابه اهدا و نواز شلرین توصیه ایدوب انجق هریره لقب حجره زاده لری بر کریمه شاطر قلوب  
طالبرینه اوجدان مازید دم مکاشفه توأملر یله مقابله ییوروب فی الواقع قبیعه و فالتلریده اولدخی  
پایکاهلریده تسلیم جان حیوانی ایدوب ینهم خوشان فقراده سمت قدملرینه دفن اولمشدر و اول شیخ  
خانقاه فصاحت وادی نقشده مانی ثانی علی الخصوص سمت سبیه قلمده فائق الاقران اولغله آرمایش  
تمیز یاران سیاقنده علی آفیع الشکل دیو تصویر ایدوب و وقت نقش سبیه قلمده خرج خزانه مهارت  
ایدوب هر کورن صاحب نظر طابق اصله القبیع عنوانیه امضا ایتلرلر یکن فقیر کم بضاعه بادی  
نظرده تحسین ایلدیکم حسبیلر پس این صورت دیو نباشد چه دیو هیچ وجه حسن نباشد عبارت نزاکت  
مشکونلر یله مقابله ییورد تلریده سر یعاد قیقه مرادلرینه انتقال و صورت قبیع و تصویر حسن است  
عنوانیه تدارک ایتدیکمده فهدا هو المراد من قولهم القضاء لا یكون الا حسنا والمقضى قد یكون  
قبیحا تقریر مع تحقیق اینتناس سبیله تبیین غرض و صورت مکر و هه دیوی محو ایدوب حقایق و دقائق  
کلامیه ده اولان تعمق لری هویدا اولمشدر و بالذفات مشیخت خوانق اطراف انحلال اصحابی سبیله  
کندولر عرض و ترغیب قبول اولند قبحه سجاده مشیخت مایخانقاه خرابات فرش کردند چه کونه  
شیخ طامات و طاعات باشیم عنوانیه استعفا و اعتذار و دفع غائله تعین و تصدیق ایدوب طور سابق  
تغییر و وضع ملامتنی تبدیل ایتدوب زیر قباب غیوبده مستور الحال رسیده سرحد مال و عابر قنطره  
انتقال اولمشدر ستر الله الستار بقیه غیوبه کاستر بقیه خطوبه و کشف غمه کروب و فتح لروحه ابواب  
نوال غیوبه \* (حضرت درویش رجب) \* انشاءک انتشاء دارالولایه قونییه و قیت عن البلیه دن  
وعقیب ولادته شرفیاب سایه دست کرم پیوست چلبیان ذوی الاحترام اولنلردن و عنفوان شباب  
و تمام عمر نازینلرین وقف خدمات درگاه دردمند ان شاه حضرت خدایند کاری ایدنلردن اولوب  
أوائل أوفاتی چلبی عبدالحلیم خدمتیه گذرایدوب سایه همای همتلریده کسب فضائل و معارف  
و علی الخصوص سمت خط تعلیمده تحصیل حظ اوفرایدوب عماد و محمود زمانی اولوب اکثر آثار  
بکار طرق علیه استنساخنه صرف نوردل و دیده و خرج خزانه قوی ایدوب بعضیسن بالنفس کندولر  
و بعضیسن منعمین مستکتمین وقف ایتکله ا کراجره کتبت واکراجره وقفیت کندویه ذخردنیا  
و آخرت اولوب مدت حیاتلریده کندولردن صغیره ضروری مسموع و مرئی اولوب جمله اخلاق حمیده  
ایله متصف و اعمال صالحه ایله متزین و واسط عمر کرامیلریده مسند نشین طریقتی و ملجأ و متوجه  
اخوان و خلان اولمشدر و خوشنویس اولدقلری کبی طوطی لهجه پر بهجه لرینه خوشکوی دخی  
احسان ییوریلوب نظم و نثرده سرآمد عصر لری اولوب حسن تعبیر و لطف تحریر لری ایله صوب  
چلبی بوستان ناییدن رجال دولته فرستاده مکاتب دعاوینا منظور و مفهوم خوشنویسان و منشیان  
دارالدوله اولدقده هر کس فوق الغایه تحسین و استنساخ ایتکله وزرای عظامدن خریدار

حضرت درویش رجب

کالای هنر اتراری اولنلر طرفلرینه جذب قصدیه دعوتامه لروهدایای مناسبه و خرجه ارسال  
ایدوب وولات ایالت قره مانه بای وجه کان تسبیح لرلی توصیه اولنغله خصوص مرقومه اهتمام  
اولند فیهما کرجه حضرت جلبی مشارالیه جانب جنبان بدن روی معانعت بدیدار اولمشدر لکن قریحه  
صافیه لریدن سر زده اولان وارد والهام موجب نتیجه عمل ایدوب از سلام علیک شان کم جوامان مضمون  
منفی یادداشتلری اولغله دعوتامه لره جواب اعتذار سحر کاری ایله حسن مقابله وهدایا لرین دخی  
در ویشانه تقریقه معامله وولات وقتدن استثمای بوی اصرار واکراه ایلد کده غیبت واختفا ایله  
معالجه ایدوب خلاصه محبت فقرای باب الهی حرمت واکرام خواص باب خسروانی به ترجیح ایدوب  
من الاول الی الآخر ملازمت باب سعادت انتساب حضرت خداوند کرا کبر قدس سره الازهر دن  
جسد او خد مات علیه شاهزاد کان خاندان صدیقیه ده یکدم بیدست ویا اولوب نوبت اخیره لرده  
مباشرین احضار اقداملریدن ناشی بطریق آزمایش حضرت جلبی موی الهی سوعظن معانعتدن  
ابرای ذمت سیافنده ای در ویش رجب چه باشد که چند روز اجابت دعوت نمایی ورعایت خواطر  
احباب کنی ویا آتی عنوانیه استمراج امتحان آمیز بیورملرینه بداهه بونظم خوش آینه لر یله ریشه  
بساط دیوانخانه عنایتلرینه رومال و نیازمند اولمشدر در (قطعه) جانغریولو که فدا ایدلم \* اول مهه  
بورجمراد ایدلم \* پاکبازان ایچنده سلطانم \* سر ویروب جانی بر مراد ایدلم \* خاکبایکله اتحاد  
ایدلم \* جور هجر بیکه سزروا کور هسز \* بزکک در کهنه داد ایدلم \* فی کبی بزده خوش صدا  
ایدلم \* و مسند نشین طریقی اولدقلری آوانده بعض اخوان میدان چلتانه دخول اثنا سنده قامتی  
دال تواضع ایتیموب اضاعت ادب اهل مسکنیت ایتیمی سببیله عتبه علیای میدان کلاه شیرینه دست  
روزن اولنجه سکه منصفه سی ساقط اوله دن بین الفقرا کندویه شرم و حیاطاری اولدقه عزیز مشار  
الیه مقام اعتذارده قیام و دست بوس مصافات فقرا ایله امریو ربوب بعد الاطاعه اولحق دخول  
آن سراسر است پس پای تو خطا بتقدم کرد ازینجا بر یکدیگر به پیمانیچه اعتذار کستاختی آمده است کلام  
تنیه نظاملر یله فی کل المحال مراعات آداب طریقت و مدوامت خرده اراده ترغیب و تکاسل  
وتها وندن ترهیب بیورمشدر \* (نظم) \* جز خضوع و بندگی واضطرار \* اندرین حضرت ندارد  
اعتبار \* پیش بینایان کنی ترک ادب \* نارشهوت را ازان کشتی حطب \* ای خنک انرا که  
ذلت نفسه \* وای آن کسر کشتی شد چون که او \* ای تواضع برده پیش الهان \* ای تکبر برده  
تو پیش شهان \* آن تکبر بر خسان خو بست و جست \* هین مر و معکوس عکسش بنده است \*  
فی الحقیقه حلقه شهنشاهان ولایته دخول دولتی تاج کرامت سرو و و اعضای سائره جسدان ویا  
پس روجمله کرکدر که بوتریب ادیب انجق حسین دخولده قدنی دال ایتمه کله متیسرا ولور پس مغایر  
تریب حسن حرکت فچدن خالی اولمزوزمانلرنده هر طور پسندیده سن مشاهده ایدن ارباب نظر اکر  
درویشی صورت پذیرفتی آن صورت درویش رجب بودی زمره سیله مجلس انصاف پیرا اولمشرایدی  
طوبیله و حسن مآب و بفضل الله تعالی و همت فضلاء اول آستانه رشک سرای الملوکده کاینجی  
برخورد ارسولک و کچین بوستان کمال اولوب نه کاشن عیش خوش مر دانه سنده عندلیب روح  
روانلری آشیانه عرش برینه پر واز ایدوب و نفش جسم احسن التقویملری حدیقه الارواح مولویه ده  
نهاد روضه من ریاض الجنه اولغله فی الدنیا و الآخرة سرفراز اجساد متروحه و ممتاز التحاق ارواح  
عالیه اولمشدر طیب الله تعالی عیش بدنه تحت الثری کما قدس سره و نور روحه فوق السما آمین  
یا عجیب السائلین بجاه حمیه اکرم الاکرمین \* (حضرت درویش او یس) \* پدر والا کهرلری



متوطن دارالدوله استبول واویسی الطریقه وزیر علوم و معارف له آراسته بذات عجیب الآثار و غریب  
الذیار اولوب فراش تا هلاک شدن انحق او یس دمه حضرت لری یاد کار قاشدر و انلردخی معارف و هنردن  
پدر لری فائز اولدیغی حظ اوفره نائل ومن جهتین وار ثلری اولوب لکن بعد وفاته ملازم مجالس علمیه  
چار خانقاه اولغله روده رفیاردلنشین مولویه و منیب دست کرامت پیوست حضرت شیخ محمد عرضی  
و سر نهاده زانوی ارادتلری و تسلیم امر و غمی تربیه لری و بر خوردار آثار نیمه لری اولشدر و معارف  
سائر لریده دخی بر کزیده امثال اولدقلری کبی سمت خط تعلیمده و حید عصر و فرید زمانلری  
و سابق اقرانلری و رتبه مشقیاتی دست بدست ارباب هنر و زیب محفظه نوادر روز کار اولوب نفوس  
مستعدنی شماره استاد حسن خط و هر برینک اول مفتاح رزق طیب ایلد قفل عقد ضیق معاش  
کشالقلرینه مدار و نهش آثار حسنه اولملرینه باعث اولشدر و کندولر پد رمانده نقود و اخناسلرین  
خرجه تحصیل معارف ایدوب بقایای ماملکی دخی صرف خدمت فقرا ایتکه مجردیا کاز اولوب  
بعد انتقال المرشد ولدت العمر فی التنقل فواسیله عامل و سمت سیر و سیاحتیه مائل اولوب اثنای  
سیاحتیه بر صاحب خاندان بد انجاءک مهمانسراینه نزول ایدوب لکن میزبان نادان آب شور چشمه  
وانی دجال منشدن نشو و نمایا فتنه کندن اولغله آب مکر زیر کاه کرم سیاقنده مرک درویشی کلاه  
تمهید مقدمه حرکت و مترصد وقت فرصت اولدیغنه نور فرستلریله واقف اولوب بعد الطعام والعشا  
دین المغرب والعشا نقض وضو طریقیله حلقه دام هلا کنندن طشره یه جان آتوب و امداد سر طلمت  
لیل ایلد بر کوشه ده نهان اولوب شقی و مسفور دخی در نک دور و درازندن تخیل فرار ایتکه جمله اتباع  
و اشباع هم مذهبیله جست و جوده صرف مقدور و ایاس نامله کینسکاه کیدینه رجعت ایدوب دفع  
خمار و تجدید اقدار صد دنده استعمال عرق محرمه شروع ایدنجه جرعه اولی کواکیری اولوب معاینه  
دمار و هلاک ایتکه تکرار نیت اعتذار و قصد استغفار له جست و جولرینه امر اشارت اسلوب  
اوزره ایکن صدمه لطمه خوار و المنازعات غرقا و انسداد راه نفسله خرمن عمری بر باد اولدیغی  
اخلافنه پند و عبرت اولوب علی السکر اهل و عیالی موی گان و کویه گان لاشه سن مطموره بنسد  
خاموشان ایدوب هر کس هزارندمله عودت و سوء عسار تلری باعث خسارت اولدیغین اذعان ایدوب  
کندولرک ند میرندن دخی هر اسان ایکن ناکاه اول شیر بیشه ناییده مصادفه ایدوب جمله سرلرزان  
و کریان مانند برک خزان خاکبای توتیا پایه سنه ریزان و چشم جان و دل مالان اولوب استعفای جرایم  
سابقه ایلد کارنده من حفر بئر الاخیه فقد وقع فییه وضمون مجازات مقرونی ایلد استشهدا و او برای  
فقیری گاه حفر چاه دمار کرده بود که در حفره خود اقتصاد مراجه علاقه است در میان نطق شریقلری  
ایلد دست ایتها لریدن کوشه دامن کش التفات و روبراه اولوب اول طائفه کمر اهل فقرای باب اللهه  
حسن ظن و محبتلرینه و سمت انسکار و تعنتدن انصرافلرینه سبب اولشدر و اکثر یاسیر و سیاحت  
اثناسنده و ورد زبان همیشه و ورد کاشن اندیشه لری اولان \* (نظم) \* شمع محبت زدل افر و ختمیم \*  
هر چه بجز حق همه را سوختیم \* بیت شریفین قلم جلی ایلد نظر کاه عاشقان اولان مواضع رفیعیه  
مناسبه یه ثبت و ترقیم بیورملری کندولرک امارت مرور لری اولدیغندن ماعد اوقیعه شناسان کار  
حقیمتیه نمونه حسب حال سعادت مآلاری و اخوان و همکارانه تفهیم سر رشته نیل مرام صفای  
روحانی اولشدر که فی الواقع بر موجب (الله نور السموات والارض) ماسواطلتند بر پس شمع محبت  
افروخته دل اولدقده طلمت سوا سوز اولوب انحق نور شمع محبت مشغیل سعادت خانه دل عاشق  
و بالکلیه مستغرق نور و سویدای دل مشعل راه وصال اولوب بعینه شمع و طلمت خانه سوزلق و تنویر کلی



شعور و بیوت آفا قد مد معاین اولدینگی کبی شمع محبت و خانه دل عاشق دخی نسق مر قوم اوز ره اولق  
مقر رد فاذا کان المقیس علیه مبصر انجاسة لبصر فالقیس مشهود بنو ز البصیرة فاذا حصل  
بالبصر الیقین مع احتمال الغلط فصوله بالبصیرة اولی و آخری بالقبول و جملة تاریکی ماسو اسوزی  
شمع محبت خاصه سی و لغله اشعال شعور فنون شتی ایدن لر بر مقدار ظلام جهل دن نجات  
بولوب لکن بقیة طلمت ماسو اوانا بیت کند وره منع مشاهده حقایق و دقائق و اسرار آفاق و انفس  
اولوب محبوب قالشدر \* (نظم) \* اندرین ره کرخدره بین بدی \* خر رازی راز دان دین بدی  
عقل جزوی عشق را منکر بود \* کرچه بنماید که صاحب سر بود \* زیرک و داناست اما نیست نیست \*  
تافرشته لاشد آهرم نیست \* آتشی از عشق در جان بر فروز \* سر بر فکر و عبارت را بسوز \*  
زدور اندیشه عقل فضولی \* یکی شد فلسفی دیگر دلولی \* غیر این معقولها منقولها \* یایی اندر  
عشق با فروها \* چون بیازی عقل در عشق صمد \* عشر امثال دده تا هفتصد \* عشق آن  
شعله است کوچون بر فروخت \* هر چه جز معشوق باقی جمله سوخت \* تیغ لا در قتل غیر حق براند \*  
در نسکر زان پس که بعد لاجه ماند \* ماند الا الله باقی جمله رفت \* شاد باش ای عشق شرکت سوز رفت \*  
وینه انشای سیاحت بر اعتبار لریده روی راهلری بر میزبان امتحان اعتبار له مهمانخانه سنی تشریف  
نورایت ایلدرشک باغ ارم ایدوب چند روز و شب لوازم اکر ام تکمیلی عقیبندده کند وره بالکلیه  
تسلیم وفدای ممالک نما اولدینگی خلا لنده زیرگاه امتحان آب آزمایش اجرایی قصد یله جامه خواب لرینه  
بر غلام ماه پیکر و بعد بر کنیزک حور منظری چارباش کاهروای ایدوب اول قنیه انکیز لرهر  
نقد رایقانه شهور تا نمده خرده کاری ایلدرایسه مفید اولیوب کهف الامان بدن عفت سر شتر لرنده  
خوا ییده اولان رفود قوی و حواس بیدار اولدینغدن ماعد اچار دیوار و سقف خلوتخانه دن تزلزل  
اندام فرسانمایان و هر بری بیم جانله گریزان زیر بنا و شتابان راه را اولوب و اول محبت عیار نماده  
تمام کمال طهارت لری بیدار اولغله مدعای سلامت حال لری نصاب شهادت مقبوله ایله مثبت و میزبان  
مر قوم مهربان بی زرد دور بوده علاقه تو دلری اولوب پیش پای جهان پیمارینه الی آخر العمر اغتنام  
سایه همت هماهنگاری شوق یله بنای خانقاه و وقف خانمان و اختیار خدمت خاکروب آستان لری  
سیا قنده دام ریز آرام کونا کونا اولدینغده قطعا روی رجاسنه نسگاه انداز مساعده اولیوب مانند  
روح روان دیده پشت بانکران لریدن غائب اولوب و پوزاده طبع لطیف لری اولان بیت شریفی روی  
دیوار نشین لریده دست خط قلم جلی الرقعه یله یاد کار ایتشدر \* (نظم) \* نه مکس که شوی صید  
عنکبوت خسیس \* بیر لانه و خشت زدامگاه خسان \* کرچه کند ولر اول آشیانه دن تزلزل آسایش  
ایتمیوب مطار اعتبار کشن سرای عالمه پرواز ایتشدر لکن اول خاندانک بیجملة التوابع والواحق  
و بوصلات مردانه لری شایع اولان حواله الی العموم محبت فقرای طریقه قنده خلوص لرینه  
و خدمات درویشان سیاحنده خلاص و حرمت لرینه باعث و بلی که تنجا و زحد و آداب ایدن نونیا زانک  
خوش کور یله لرینه بادی اولشدر \* (نظم) \* چونکه کنجی هست در عالم مرغ \* هیچ ویرانر امدان  
خالی ز کنج \* قصد هر درویش میکن از کفاف \* چون نشان یایی بجد میکن طواف \* چون  
ترا آن چشم باطن بین نبود \* کنج می بندار اندر هر و د \* کز ابار است آن دیده یقین \* زیر هر سنگی  
یکی سر هفتک بین \* تازدرویشی نیایی تو کهر \* کی کهر یایی زدر و بشردکر \* منکر اندر نقش  
زشت و خوب خویش \* بنکر اندر عشق و درمطوب خویش \* منکر اندر نقش و اندر رنگ او \*  
بنکر اندر عزم و در آهنگ او \* و نهایت سیر و سیاحت لریده و حج آخری لریده خانقاه مکه مکرمه

شرفها الله تعالى به نزول ایدوب اخوان صفاترحیب فرماوقدوملریله نشاط اوفرغما اولوب نیازمند  
هم سحره کی اولنلره بنده مسافر است ورجامند هم راهی اولنلره فقیرمجا وراست عنوانسه جواب  
اختلاف نصا بلری کظهور الصبح صدق اوزره اولدیغی بعد اتمام الناسک الشریفه رختشکش جوار  
رحمت اولنلریله رسیده درجه تحقیق اولمشدر که مجاور حرم ومسافر عدم اولمشدر و مدفن پر روح  
ورجاندلری دخی پهلوی مقابر اخوان گذشته بقعه مبارکه مر قومه در رحمة الله تعالى علیه ما انزلت  
سحب العناية غیث الرحمة علی ارض مدافن الامة آمین بحرمته من وقع منشورا جلالة مبارک رسالتنا  
الارحمة للعالمین \* ودخی سالف الذکر الجلیل درویش رجب طریقی جنبانسلک ثمره حدیقه  
ذاتلری اولان فرزند ارجمندلری درویش حسن که عزیزمشار الیهلک کوچک ونظر کرده لری و ذاتا  
وزمانا بر درویش ادیب ولیب وهنرمند وعلی الخصوص سمت خط تعلیم قد ثانی استادی اولوب  
بعد وفات المربی نظر والد ماجد لری نه رجعت ایدوب دارالولایه قونییه حرس عن فتن المتعصبه وسایه  
شفقت مایه بدر والا کهر لرنده ومیانة سکان آستانه سعادتده حسن آسایش ولطف آرامش اوزره  
ایکن بقضاء الله تعالى الحکیم کند و دن سلوکنه منافی سکنه وغیرته مغایر زله صدور ایتکله  
ناگاه مواخذ کوشمال غیبی اولوب اسیر فراس تحول حال و مشرف ارتحال اولنجه اول کوهریکدانه نلک  
نمایش انکساری والدین وکافه اقارب واحبابک دیدة جانلری نه نقد قیامت نما وهربری جست  
وجوی چاره دفع بلایه همران ایل بهوده کرد کوچده ودکا کین اطبا اولد قده دیده کشای وجوه خسار  
اولوب وبعد انعقاد اللسان احسان کشایش اولنوب لهجه حسرت هیچ لرنده بسبب ارتکاب جزئی  
وبها نه تقصیر جملی روح پرفتوح حضرت مر شدم در صورت تعلیم خطبنده رادر پیش خواند ودر اثنای  
تعلیم جلالی زائد الوصف نمود ویکوتک خاص پهلویم زد و ترا اینچنین باید میفرمود ودر حال در جای  
جراحت وی وجع لایطاق پیدا شد که عالم بدین تحول انجام میدی پس این دردی بجز موت دوانیدر زحمت  
بیسود مکشید عنوانیه بیان حسب حال ایاس مال ایدوب و متحول جانب قبله شریفه ومعالم سکران  
ومسافر دارا اقرار اولدیغی عزیزمشار الیهلک قوت روحانیه لری نه امارت ظاهره اولمشدر عنی غنه  
وغفرله \* (حضرت درویش ابراهیم دورودی) \* روم ایل دیار بنده اسکوب حوالیسی قصباتدن  
قلقان دین نام قصبه ده اولاد زعمادان اولوب اقرار بایزدن ساکن سوادا طنه محمد پاشا نام میرمیران  
تربیه وخدمت لرنده نشو و غمایاب اولوب لکن علوه مستلری سمت صلاح وعبادته وجل توجه ورغبته لری  
طرف رفتار فقرای طریقه اولغله من کل الوجوه من منظور وملتزم پاشای مر قوم ایکن طبیعت پاک  
ومشرب تابنا کارینه علاقه ماسوا واشتمغال مالا یعنی افکار دنیا کران و بیعنی و سیر لایسمن ولا یعنی  
اولدیغی هوید اوفارغ قیود سر و سامان ییوفا اولوب دامان انساب میرمیران مسفور دن دستکش تشبث  
ودائرة تعلقتدن بای قرار بردار وخدمه معدوده پاشای مشارالیه عهد وميثاق بند سلوک طریقه  
فقرو فنا اولوب جانب آستانه سعادت آشیانه حضرت خداوند کارا کبر قدس سره الازهره شدر حل  
مسارعت وقصد التحاق سلک سلاله مولوی ایله مطبخ تربیه حضرت ملجأ العاشقینه مبادرت ورونمای  
قبه خضرای تربیه فردوس رتبه لری نه ماملک نثار ودخیل کهف الامان سایه حمایت مایه لری اولوب  
همراه لریله علی احسن السبل تکمیل شروط انابت ایدوب حضرت جللی عابد الحلیم زبردست  
کرامت پیوست وپیش زانوی ارادت سعادت عنایت لرنده شرفیاب تکبیر کلاه والباس خرقه انبیا  
اولمشدر لکن کند و لرقانده قطار رفقا وخوش آینده انظار فقرا اولغله همپا لریله مساوی  
کور یلیوب نظر حضرت جللی موحی الیه منزله پذیرا اختصاص اولمشدر و حضرت جللی مشارالیه

حضرت درویش ابراهیم دورودی

تعمین ایله زاویه دار بقعه دورود اولان سائف المنقبه درویش اسکندر جنانک خدمت شریفه لینه  
تخصیص اولوب قیم تسویه امور تریه لری اولشد و بعد زمان وفاته مقام شریفه لینه تریه دار نصب  
اولوب فی الواقع اوضاع و اطوار لر زنده چاشنی بخش اسکندری اولوب بین الامثال ریاضت و مجاهده  
و خدمت اخوان و دستگیری خلان و ترک و تجرید و ترغیب و ترهیده نادر زمان و مشار بالینان  
اولشد که او ان کمال فقر و تجرید لر زنده نهایت بسط اوز ره اولملری متعجب اقران اولغله پرسش  
سبب انسا طلری و تفحص کشف انبیا هلری صد دنده اولان اخوان محرمه مافانغ ممنونیم نه خرسند  
محزون عنوانه امتنان هر کونه فتوح لازمه ذمت اهل تسلیم اولدیغنه و اغتنام انسا ط بی انقباضه  
ارشاد بیور مشلردر \* (بیت) \* بهر حال که باشی با صفا باش \* بین خرسید ذرات عطا هاش \*

و متظلم سلاک خدمه مطبخ عامه خد اوند کاری اولد قلری احیانده چلبی عبد الحلیم طرف باهر  
الشرف لریدن بعض امور اوقاف آستانه سعادت تنظیمی خصوصیه جانب دولته ایصال مکاتیب  
خدمته تعیین بیور بلوب دارالدوله ادرنه به وصول و مکاتیب مرقومه دخی اصحابنه ایصال اولندیغی  
عقبینده قطعاً تقید تفحص جواب و مال ایتوب همان کوشه حجره مراقبه مده مرتقب ظهورات  
اولنجه شیخ و درویشان احوال رجال دولته عدم اطلاعنه حل ایدوب ترددا و ابایله اقدام استخلاص  
مقاصده سوق ایله کلرنده دخی اصغای ایتوب موجب صدق و اخلاص لرله عامل اولملری اثر فرمای  
خیال صدر اعظمی اولوب وقعه سنده کندونی پایگاه دیوان ولایت ارکان خنکارا کبریده مشاهده  
ایدوب درویش مارا چرا منتظر داری نفس قدس لرله صادر اولان تو بیخ غوثانه لرندن بیدار اولوب  
علی الصباح کندولری دعوت ایدوب انشای اجانده بعد التکریم دریچه کشای صحبت اولوب همان  
یکبار تر ایدیم و دیگر نیامدی مضمون محبت مشخونه لیه برسان حال اولد قده بنده را ایصال مکاتوب  
فرمودننده دور ابواب و تصدیع ارباب عنوانه مقابله حکیمانه لری مشرب حکیمانۀ مشیر مشار الهیه  
خوش کلوب و فراغت و صدق و اخلاصله کوشه انتظار کزین اولملری کندولرک مشاهده مثال  
مقدس حضرت مولانا ایله واستماع کلمه طیه تریه لرله مستعد اولملریه باعث اولدیغی بادئ جوش  
دریای انصاف و اکرام لری اولوب وجوه تطیب ذنوی ایله نوازش مراد ایله کلرنده بنده را این  
اکرام بس است که از لهجه برجه سر مقدس آن حضرت بسامعه نصف آصفی کلمه جامعه  
العنایات درویش مارا رسیده است بعد ازین هیچ بوجهی از صنوف اکرام احتیاج غمازده است  
عنوانیه اعتذار استغنا ایدوب حبه واحده قبول ایتوب عبه علیای تریه عظمه نورها الله تعالی  
بتقدیر سانه المتعاقبه به ماشیا و مجر دار رجعت لری و علی اکمل الاحوال مباشر اولد قلری امور حصول  
و تسویه پذیر اولدیغی نظر حضرت جلیده مرمایه نیل مرامی اولوب دم بدلم بر تو آثار توجه خاطر فیض  
مآثر لرینه مظهر اولشد در فی الحقیقه دورودی مرحومک وزیر مرقومه اعتذار استغنا آمیز لری  
اگر قبل حکایه الوقعه ایسه زهی کشف والا یایه و کرامت قدسی مایه و اگر بعد نقل الوقعه ایسه  
زهی تدارک دلنشین و استغنا ی مبین واقع اولشد که صحت نسبت مولویه لری ثبوتیاقه برهان  
قطعی الدلاله اولشد و هو المطلب الاعلی و المقصد الاقصی لمن اناب الی خواص رب الارباب طوبی له  
و حسن الاتساب \* و او احوال لر زنده جماعت خلص اخوانله ائمه کرام رضی الله تعالی عنهم اجمعین  
زیارت مشاهد مقدسه لری اشتیاقیه تمت عراقه سیاحت ایدوب انشای حط و تر حلاله ذات ستوده  
صفائلی منشأ خوارق العاده و مراحل و منازل توجه لری مزارع مناجات و عبادات اولوب  
تمشای کشنسر ای حکم و عبر و تحمل مشاق سفر ایله بقایای وجود و هم بدن بالکلیه کذا ایدوب

برکت رومالی و جبهه سائی اعقاب عالیله مظهر عنایات صوریه و معنویه اولوب بعد وصول المقام  
و حصول المرامینه مقر قدیمترینیه عودت و رجعت ایدوب بقعه مبارکه دور و دیهده بقیه اوقات گذار  
و کمران عیش خوشکوار اولشدر و او اخر سولوک لرنده حضرت فخر الابدال و ذخیر الرجال چلبی  
لطف الله انظار حسنه لینه مظهر اولغله و غلوب جلدیه و حال اولوب جوهر ذاتلری شمعشعه انداز  
عیون خواص و عوام اولغله قیاب ملامتله تسلیور و منافره فی مدار واسطه سبیل تحصیل  
منافره صوریه ایدوب گوشه فراغت توشه لرنده مغتنم نعمت وحدت و یاد کار و جامل اسرار چلبی  
مشار الیه اولشدر در علی الخوص او ان تنابع اسفار انکروسیمهده دارالولایه قونیه ملت  
بالنعمه و الکرامه مرصنای عسا کرا و اغله آشنای اذ کار جمیله لری استکشاف عواقب  
احوال لری صد دنده کدر شمع استمداد لرنه پروانه وار کردن اولد قرنده زبان الهام جنبانلریدن  
صادر اولان انقاس رمزیه لری بعینها منصه پیرای ظهور اولوب میدان مکشفهده حائز قصب السبق  
همعنان اولد قنری جمله به ظاهر و جهره از و الری مزرحم خبر پزوهان مهمات حوادث و معتز  
بیماران و محتاجان اولوب هر برینک عکوس ا کداری و نفوس اسراری صفوت مرآت در و نلرنیه  
مانند غبار و ژنکار مانعت نما اولغله دفع و طرد لرن مناسب و ملائم خوی در ویشان کور محبوب ناچار  
ترک مقر اشتهار ایدوب کاهی حضرت سلطان دیوانی قدس سره النورانی و کاه آستانه حضرت حاج  
بکش ولی طر فلرنیه اختیار کشت و گذار ایدوب آخر جنبان ولایت آب ابدال موسی خانقاهنده  
توجه ایدوب فنسکه نام قلعه قریبنده واقع زاویه قدیمه لرنده یار و غیار دن عزت کزین اولوب حالا  
مدفن پر رحمتلری اولان مهبط انوار عنایتدن وقتا وقت مشیت خالک عنبرناک کبر اولوب شامه فواج  
مسکبه غیب آشنالرنیه عرض و استشمام ایلد کاری بوی قرار کاهی دماغ جانلرنیه قوتبخش تعلق  
ایدوب آمدن مایه لری ماندن است و درین جا خواب راحت کردن است عنوان مکشفه بنیاد لری بعد مدته  
جسوه کرمیدان بروز و وقت ارتحال لرنده وصیتلری موجه و منجمه اول خالک یا کبدن تابنا کاری و دیعه  
الیوم البعث قلمشدر نور الله تعالی مرقد و فی روضات الجنان ارقده و بالروح والريحان اسعده  
آمین یا مجیب الداعین بجرمه الرحمة للعالمین \* (حضرت درویش قی) \* کل کلزار دارالدوله  
استانبول و مرحوم و مغفور له ایاز پاشا احفادندن برناظم خوشکوی نیک خوی و هنرمند صاحب  
ثروت اولوب حضرت آدم دده و عرفی دده جناب معارف نصاب لرنیک شرفیاب صحبتلری و متأثر  
برکت الفتلری و منیب و عرقیه پوش طریقه مولوی و ملازم مقابلات شریفه و مداوم اوراد و اذکار  
لطیفه و مراعی خدمات فقرای طریقت ایکن دست تصرف سید خلیل رهاویدن پیمانه کش انجذاب  
و سرکران علاقه روحانیه لری و افتاده زانوی ارادت لری و سر بلند تسکین و الباس کلاه خداوند کاری  
اولوب عزیز مشار الیه لرنم و ایدوب لرنیه دکن مواظب خدمت و صحبتلری و مستعد فیض نظر ارشاد  
اثر لری و مستحکم قصور سیر سلوک کاری اولوب منجم احمد دده یاران دیرینه لرندن اولغله و اخر  
سلطان محمد بن ابراهیم خانبه ندیم شهر یاری اولغله و حتی ممتاز الاقران اولشدر و آثار خوش  
آینده لری و مطایبات پسندیده لری الی یومنا هذابین العرفا و الظرفا یاد کار و رسیدة اوج اشتهار در  
و ذات ملکی الصفات لری جامع حسب و نسب و مال و منال و جاه و اقبال و فنون و معارف و آثار  
و لطایف ایکنینه افقر فقر و احق رفعا الیه معامله بالجماله در و یشانه لری الحق شواهد کمال حال  
و براهین اقبال و لطف آ لری اولد یغندن منه فان زمانلری دفع غائله اشتباه و رفع ستاره ارباب  
ایتشدر در و حلا خانقاه شکطاشده نسکشته الواح اطراف سما عخان اولان تاریخ دلپذیر شهنشاه

حضرت درویش قی

مرفوم و مرحوم داعیه سعادت از لایله منجذب مجامع عالیّه مقابلات مولویه اولوب دایه عاطفت  
خسروانه لری خرابه خانقاه بشکطاشی آغوش تعمیر و ترمیمه کشیده و قلوب منکسره فقرای باب  
الاهی تطیب نوازش کونا کون ایله مجبور و پر جبور ایلد کده امر عالیملری موجب اثر بر اعنه  
بدایع نکار لریدر مشتی غمونه خروار یست و پادشاه با انبناه مند کور کند و لری تکلیف مناصب  
رفیعه ایله محکمه زده امتحان ایلد کده اولابند کی غنکارا کبری و آخر اصحابت چون  
شما خداوند کار جهان داری این کینه را بادشاهی دهر است بعد ازینهار غبت بمناسبت رجال دولت  
تنزل و خواری و ناسپاسیست عنوان پرشکرا نیله استعفا بیور ملری از دیادر غبتلرینه وار تقاع  
متزلت صوریه و معنویه لرینه باعث اولشد در ککه فی الواقع منزلت شرف سعادت و اقبال ظاهر  
و باطن مساعده توفیق صمدانی ایله بر بنده یه روزی و میسر اوله ماعد انظر زده خواب و خیال  
و برابری امثال و بلکه درد سر و وبال و موجب تشنت بال اولق مقرر در \* (نظم) \* باز اگر باشد  
سفید و بی نظیر \* چونکه صیدش موش باشد شد حقیر \* و بر بود جغدی و میل او بشاه \* اوسر باز است  
منکر در کلاه \* شاد از وی شومش و از غیر وی \* اوهار است و دگرها ماهدی \* هر چه غیر  
اوست است در اج تست \* کرچه تخت و ملک تست و تاج تست \* باز سلطان عزیز کامیار \* بنک  
باشد که کند کبککش شکار \* و عزیز مرقوم آشنایان کار د و لتدن برینک مظهر عطایای و افره سی  
اولوب لیکن مشرب خسیستدن بالقراسه بوی منت است شمام اینه کله جملة عطایاسن حفظ ایدوب  
رایحه کریمه ذمیمه مرقومه کند و دماغ لرینه واسطه قول و فعل ایله زحمت رسان و انجبه در حال مجموع  
عطایای محفوظه سن رد ایدوب استفسار سبب رد اولند قد قتی منی نشود که مهمل اولست نکته  
لطیفه سیمه بیان واقع ایدوب و اول آشنای دیرینه نلک طریق زده قبول حقنه و رذیله من و اذادن  
تخلیه ذاتنه باعث اولشدر و شهنشاه با انبناه مرقوم خلعتد نصکره چون صحبت سلطانی فوت شد  
بعد ازین بمصاحبت خنکارا کبری خواهم رسید دیو زیارت کعبه العشاق و طواف تربته عرش رتبه  
حضرت مولانا قدس سره الاعلایه شد رحل همت ایدوب هدایای بیمه کران بها ایله شرفیاب  
دستبوس حضرت چلبی بوستان ثانی و سعادت خانه لریده مدت مدیده مقیم و مکرم و محترم اولوب نعمت  
زائله صحبت شاه جهان تلافی باب اولوب علی الخصوص آستانه سعادتده کوشه نشین فراغت  
عوالم اولان تحت الاطماره صحبت و ملا و بدنا خدمت پر حرم تملریله ذوقیاب و دیده جسم و جانی حقیقه  
الارواح مولوی آسیا شیشه و سما غنا نه قدس آرامشده دوخته انتظار وقت ایتشکن قضا را چراغان  
خاصان سلطان محمدی و محبان قدیمدن بر وزیر قدر شناس دارالولایه قونیه به مرقور ایدوب زیارت  
تربه معلا رتبه ایله مستعد و صحبت حضرت چلبی بوستان ایله متبرک اولد قد قتی دهده حضرت تملریله  
ملاقات ایدوب چلبی مشارالهدن قتی دهده حضرت تملرین نیاز مند اولوب معتلریله متوجه صوب دار  
الدوله استبول اولد قلمزده مزاج پیرانه لرینه انحراف طاری و منزل بمنزل متراید اولوب و اصل اهل  
و عیال اولد قد قده طرفندن خند و زد دفع الم حسرت و هجران اولمشکن تکرار مسافر دار البقا اولوب  
جو اراسلاف و اقربا لریده آسوده چارمخ چاراضداد طبیعیه اولشدر و قبیل الوفات حضار حلقه  
عیادت لری ادعیه سنج طول حیات لری اولد قد قده مدتی قتی بودم بعد ازین منی و مهمل زیر خالک خواهم بود  
نکته لطیفه سیمه ننی من و محو وجود لرینه ایما یوروب کمال اکاهیت او زره انتقال بیور ملری  
بقایای همدانه باعث افسوس غفلت قدر و منزلت لری و یادای حیف قصور رعایت شان مردانه لری  
اولشدر رحمة الله تعالی علیه متضاعفه و متوارده الی یوم الحشر و القرار بحرمة سیدالابرار و سندن

الاخبار آمین یا جلیل یا غفار \* (حضرت درویش وهی) \* خا کزاد محمیه ادرنه و اولاد علمادان و امام  
جامع شریف مرادیه و تولید حضرت دده نشاطی اولوب شرف تلذلی کندویه رابطه محبت فقرای  
طریقت علیه و عرقیه پوش اخلاص اولوب مدت مدیده منوال محروم اوزره آمدشد منازل فقرادن  
خالی اولوب آخر الامر تأثیر محبت و برکات خدمت فقرا کندویه بالکلیه قطع علایق ماسوایه مقدمه  
والتحاق طائفة سنیة مولویه به وسیله اولوب ترک جبه و دستار امامت و اعتبار له و براه حرم حضرت  
خد اوند کار و نوبت حضرت چلبی بوستان ثانیده مظهر عاطفتلری و سکه دار مولوی و زمان ممتد سایه  
سعادتلرنده مغتنم عیش خوش و صفای وقت و خدمت امامت لرنده مستخدم اولشدر و اعمال بضاعة  
قابلیت ایتمه کله وقت یسیرده آشنای آثار کار اولیا و ناظم آثار نشاط افزا اولغله زمانلرینه نسبتله  
کماللری ازید نما اولوب سبب استغراب و ثنای اخوان الصفا اولغله لهجه پر بهجه زنده نفسان ارباب  
حالدن وهی مخلصیه تخلصنه مظهر اولشدر اگرچه ترتیب دیوانه موفق اولمشدر لکن جراید  
احبابده صحایف زیب ترقیم یولنان بدایع نظمیا تلری انتظار منصفان همکارانده شایسته تحسین کلی  
واقع اولشدر و مشرب عالیلری تجرید بخت و ترک صرف اوزره اولغله چاشنی آزاد کی دماغ لا بالیلرینه  
غلبه فرما و آرزوی تمناشای آفاق و رغبت مشاهده حکم و عبرت مستولی اولغله پلاس ملامت پوش  
و جرعه غربت و کربت نوش اولوب اقامی بلاد روم و عربیه سمندران اقدام اولشدر خصوصاً معبر  
انطا لیه ده نزل کشتی توجه جانب مصر اولد قلرنده و اثنای عزیمت لرنده خروش دریادن اهل کشتی  
مرعوب غرق و هلاک اولد قلرنده صوب سعادتلرندن مستد اولملریله (و جرن بهم بریح طیبه) آیه  
کریمه سن تلاوت بیور و در ساعت جوش و خروش زائد الوصف ساکن اولدیغی میانه دریا ده سفن  
کفار مسلمین شکاره مصادفه ایدوب اسر و شهادت معاینه مرتبه سنه و صولده ینه کافی الاول نفس  
فریاد سانه لرینه مترقب اولد قلرنده (و جعلنا من بین ایدیهم سدا و من خلفهم سدا فاعشیناهم فهم  
لا یصرون) آیه کریمه سن قرائت بیور و بخوشدل باشید و فارغ بنشینید عنوانیه تسلیت بخش اولملری  
سفن مر قومه نل غایت قبر بلرندن بلا تعرض مرور و عبور ایتملریله اجابت دعوتلری و میمنت نفسلری  
و برکات توجهلری جمله عندنده ظاهر و باهر اولغین بالاتفاق خدمات اکرام و لوازم احتراملرینه قیام  
نما اولد قلرنده روی قبوله سپرد و جنة جنون کش اولوب زاد درویشانه لرندن ماعد القمه لرینه  
و پوشش فقیرانه لرندن غیری مقوله البسه دن هدیه لرینه و درهم و دینار خنستدن عطیه لرینه التفات  
بیور میوب و ساحل دمیاطه وصول لرنده جمله همراهان دن پیوند آشنایی کسل اولوب همان ساعت  
رو دینلدن طرف مصره مسارعت ایتشدر لکه شاید انتشار مدایج سفریه لری حضرت دده دخی کندولره  
سبب اشتها و باعث هجوم صغار و بکار اوله دیوا احتیاط و توقی فرما اولشدر و مصره وصول لرنده دخی  
مطبخ خانقا هه دخیل و سلاک مبتدیان خدمه به منتظم اولوب کندولر ایله سابقه معارفه اخوانی  
اولمغله چند ماهه پیغوله نشین خجول اولشدر بعد زمان آشنایان جوهر ذاتلری ظهور ایلد کده  
شیخ خانقا ه اولان سابق المنقبه سیما هی مصطفی دده حضرتلری کندولره اکرام ایدوب خواص  
و نظر کرده لرندن درویش حبیب و نسیب ایله حجره داش ایدوب و منجم آحمد دده حضرتلریله اول بقعه  
مبارکده مستعد صحبت عارفانه و مستفید فوائد جمه طاهره و باطنه اولشدر و مشایخ شواخی المقامات  
بلاد مصریه زمانلرندن مقتبس انوار انتظار حسنه لری و مشاهده مهابط تقدیسات متابعه اخبار  
و ابرار له قریرا لعین و رومالی عتمه علیه اولمای کرامله مستفی السرو السیما و مستوفی عظم اوفر  
فقر و فنا و استظلال سایه قبه خضرای تربه کرسی رتبه حضرت خدوند کاری عزیمتیه راجع

جانب شام جنت مشام و زائر قدس مبارک و مسجد اقصا و مراقد مر و حقه حضرات انبیای عظام  
صلوات الله تعالی علیهم و علی آلهم اجمعین اولوب بعد تکمیل نقایص الاخلاق و الاعمال و المعارف  
واصل مرام و تکرار مغتنم زیارت آستانه سعادت حضرت پیر قدس سره المنیر و شاد کام اولوب چند  
ساله دخی اول حضرت الزوار جلوه کاه عارفانده کامران عیش خوش و صفای وقت اولوب آخر بوستان  
ثانی حضرت تری ارتحا لرند نصکره در دخیه هجران لریله سر بحر ای هیمن و سباح کون و مکان  
اولوب دور و زه مقیم آرمکاه مهـ ما تخانه میزبانان اولوب محروسه قدیمه اسکندر یه ده اندام روح  
روا لرند غباریدن افشان و خرامان روضه جنان اولوب لر در که اول دیار و فرا لا عبارده مقرر آخر  
کاشنیان اولان بقعه مبارکه ده مزاج معارف سرش تریله انحراف طاری اولوب زاویه دار بولنان  
مرد میدان مر و ت کما نبغی مقدم خدمات آخرین لری و جوینده راحت و عاقبت لری اولغله میانه لیا لئی  
اعتلا لرند طبع شریفه آیاچه خواهد که حاضر کنیم عنوانیله استمراج ایلد کارنده پیش ازین  
خوردن و بردن خواسته بودا کنون دادن و مردن خواهد نکتة لطیفه لریله مطایبه فرما اولد قلی  
عقبنده جوهر جان شیرینی تسلیم خزانه علین ایدوب سجن دنیا و بند بدن و نفس عناصر مردن رها یاب  
ویران ریاض قدس و اطلاق اولمش در وزیرالین و فائزنده اثر و اسپین لری اولان تاریخ انتقال لری کند و  
قللریله و اوچ سنه مقدم تاریخله مکتوب بولمش در نور الله تعالی منزله و جعله فی معارج القدس من  
الفائزین الی منا هج جوار الانس آمین بعزه شفیع العصات و کریم العرصات فی یوم الدین\* (حضرت  
درویش عزیزی)\* سیر و زی المولد و زمان شب بانه طائفه عسکریدن اولوب اسفار متوالیه  
انکروسیه ده کوه پرشکوه یکچیران ایلد برسر پلده فارسین عسا کرتقدم عبور خصوصنده جندال  
فرسا اولد قلینده درویش عزیزی دخی منتهی مدافعه ایکن درویشان بکاشیمه دن بر عاشق سینه جا  
کند و دست تعدی کبری اولوب برای حضور معرکه انحرام تقدیم جوی عنوانیله مال حال سفر  
مرفومه اشارت یوردیگی کا اشار طهور ایتکه روده شیوه اصابتی و سالک طریقه بکاشیمه اولوب  
لکن مدبت مدیده طریقه مرفومه ده صاحب دم و قدم اولد قد نصکره کند و یه آمیزش عرفای مولویه  
ناصیه کش انابت اولوب حضرت اغازاده آستانه سعادتنده قدری ده ده نوبت مشیخته ده دخیل  
درگاه و بعد تکمیل حله ابتدا سر بلند تکبیر طریقه خداوند کاری اولوب زمان ابد الیقنده نظم آشنا  
و غزل خوان سلیمس الا اذا اولغله وقت مولو یقنده دخی استعمال بضاعه سابقه ایدوب اضاعت قابلیت  
ذاتندن متوفی اولغله تلمذ آثار بدیع اسلافه رغبت و تحصیل انساب کلی ایدوب و مجموعه معارف جمیله  
و عزیزی مخلصیه موشع المقاطع آثار مطبوعه انشاستنه موقوف اولوب اول اثر لرین مر یلرینه عرض  
ایدوب نیاز مند تعبیر مخلص اولد قدده کند و نک انشای مخاطبات و مسامراته عادت حمیده سی  
عزیز من لفظی کثرت استعمال ایتک مناسبیله قدری ده ده حضرت تری دخی مخلص تو عزیزی باد نفس  
مؤثر لریله تخلص یورملریله بین الفقرا مخلص مرفوم ایلد مدعو و معروف اولد قلی کبی یومافیه و ما  
عزت روز افزون پذیر و او اخر اوقاتنده ورنه زاویه سنه زاویه دار تعین اولنوب بقعه عمر نازینی اول  
جلوه کاه حسرت الوفا ده فراغ بال و صفای حال ایلد صرف کالای عیش رشک آورامثال ایتشد در  
\* و دخی آستانه مرفومه ده قلندر محمود ده ده حضرت تری نوازش دیده دست کرامت پیوستلری و کربه  
میدان جمعیت فقرا اولان مسکین حقنده اخوان و خدایانک حسن حیوانیسی رسیده حداد را  
انسانیدر دیو حسن تعبیر لری درویش مرفومه کرا ن نما اولغله الجنسیه عله الضم مضمون خرده  
مقر و نیله راست بینان انصافه تعریض ایتسن تزییف صد دنده کربه مرفومه به خاصیت غریبه نقل

حضرت درویش عزیزی



ایدوب هرگاه که چنانکه کمال مطبخه آویخته اولوب خدمه مطبخ دخی بهر حال قربان خواهی آوردن والا ترا خلاص ندهیم اداى مطایبه آمیز یله خطاب ایدوب اولدخی فریاد و صوت مخصوصه و صدایه اولدقه بهر حال سر یغا و عاجلا فراین فتح اولد یغین تحقیق ایلد کلرندن عرق ترددی خسان اولوب این حکایات شتی کربه یو العجب راسته که آنچنان فتوح را با انسان مکرم نسبت نکند و بکریه ناجیز تقال دارند تشنه عیله تا کید عقده جدل ایلوب میانه شدت شتا و هنکام و فرت برق و بارانده که داخل خانقاهده اولنلرا یچون خروج و خارجده اولنلره دخول محال ایکن کربه مسکین مزبور یی بنفسه آویزه چنکال مرقوم ایدوب بیچاره فریاد ایلد کجه گفته سابقه خدمه ایلد آزار استهزا آمیز ایدر ایکن قدری دهده حضر تلری خادم میدانه سماعخانه بی برق و بارانندن رفت و روبا امر ایتسیله خادم دخی سماعخانه به وارد قده سنین و افره شکاریان شهری تعجیز و کلاب صید تیز لکریه تمسخر ایدن خر کوش باد بانی میان سماعخانه دهده خوایده بولوب و شکار ایدوب مطبخه کتورد کده کربه بیچاره بی اول شکجهده کور یچک قربان اینچنین روز بغیر این خر کوش نباشد عنوانله مختن مرقومی الزام و شرمنده عناد ایدوب واقعا سالک راه انصاف اولوب لکن بقیه ترددی تسکرا رخلجان انداز خاطر یی اولوب کربه مرقومه دن سوء ادب جزئی و تعرض لقمه فقر اصادر اولغله ضرب شدیدا یله استخوان میانن آزرده ایدوب بر و بمومای کرامت کربکان الم خود را تسکین کن عنوانیله وقت ضحاده تو بیخ و آزار و بین الصلا تینده لغزش پای تمسکینی بهانه سبیل استخوان میانی کلار صفة مطبخه راست کلوب شکافته و معذوری شعور اولغله جزای اسائن ظن و ادبی اولد یغین اذعان و تحقیق ایدوب اما آزار کربه مظلوم ینه سر یغا برکات دست سود و انتظار رحمت فقر ایلد خوش اولوب آنک آزاری دمدم مشتد و ممتد اولغله کند و به سبب ابتیاه ضروری اولوب حاصل کلام تبیه نظام دیک جوش فقر ایلد پیمانجه میدان اولیاده عذر خواه و نیاز مند عفو نگاه اولنجه مساعدت کرم مردانله کلبانک صفح تصصیر انعام اولنوب انعام دائرة اولیایه کجه نگاه و جرأت آزاره توبه کار اولوب هزار محنتله عذر معهودی دفع ایتشدر و سوا کن بیوت الاولیاء لیست بخالیه عن الحما یه و المعونه فقره سبیله ختم نامه اخلاص ایدوب و حسن زند کافی خصوصه سبب اهتمام تاهی اولشدر و وقعه مذ کوره کند و به وسائر دل آزارانه دست و زبان بند و بند معمول به اولوب هر کس سمت آزاردن کیران و طرف نوازش آفریده به شتابان و مهبط صواعق مکافات اولدن سلامت یاب اولشدر \* (نظم) \* رنج را باشد سبب بد کردنی \* بد ز فعل خود شناس از بخت نی \* جرم بر خود به که تو خود کشتی \* با جزا و عدل حق کن آشتی \* فعل تو که زاید از جان و تنت \* همچو فرزندت بکیر دامت \* بر قضا کم نه بهانه ای جوان \* جرم خود را چون نمی بریدی \* کر تو پیل خصم تو از تو رمید \* نک جز اطیرا ابایلت رسید \* کوضعی در زمین خواهد امان \* غلغل افتد در سپاه آسمان \* کیردندانش کزی پر خون کنی \* درد دندانت بکیرد چون کنی \* (ودخی) \* زمان شبانده مولع سماع اغانی و طنبور نواز اولوب و سلوک طریقه بکاشیه سنده دخی و تیره سابقه اوزره اولغین کلاه پوش انابت مولویه اولوب سیاحت و روز اثر آستانه سعادت خنکار اکبری اولد قده آشنای طور قدیم لری بولسان اخوان و خلان ینه رفتار دیرینه سی اوزره تحریک مضراب ساز سابق متافعی ادب طریقه لاحق اولمحق سبیله دست نما اولمر یله بعض مجالس خاصه ده طنبور یله هم آهنک فی و رباب اولد یغی مسموع همایون حضرت جللی پوسه تان ثانی اولنجه \* (بیت) \* ساز مانای و قد و مست و رباب \* مابق آ لات له و است و عتاب \* مضمون بد ایت تنظیم لریله تعریض یورملری جای کیر طبع نفس بند لری اولوب بعده اذ ساز مرقومی دست هنر پیوستلریه



آلمق اوزره درونی شد میناق ایتشکن قضا را بر زمی کف تسده اقدام مطربان و اخوانه تعریض  
 گذشته دن تغافل نما و تحریک زیر و هم ساز معهوده مضراب جرأت زن اولد قلمی آنده دست پرده  
 نواز لرینه و جمع شدید حدید عارض اولنجه شامت نفس شکنی اولد بغنه انتقال ایدوب در حال  
 هزارندم و شرمه بهما نجه نیاز عفو کستاختی مرقومه مسارعت ایدوب حاشیه بساط پیشگاه ایوان  
 اقبال لرینه رومال ابتهاج اولوب پرسش باعث سیاقنده استنطاق بیورلد قده تفصیل حال ایله کریان  
 و نالان اولنجه حضرت جلبی مشارالیه خندان و کرم گان آری شدت الم منسفع کردد و بقیه ماند که  
 نادر محافظه انفس قدسیه مردان تساهل رار و اندازی و بالکلیه نسیان طاری نشود و سبب یاد  
 ماجرای گذشته باشد عنوانیه صادر اولان دم عنایت توأملری دافع شدت و بقیه گذار اولغله  
 از هزار بند یل بند اولیست مصادقجه کند و لره بقیه مرقومه یاد کار ابتباه علی الدوام اولوب همیشه  
 طابین طریقت علیه بی مراعات انفس قدسیه مردان راهه ترغیب و عدم مبالات محافظه  
 موجب لریدن ترهیب بیوروب صد هزار سپاس و منت بکرم بی علت که شومی آن تهاون بحسب رسید  
 و نه بجان و دل و کرم کار مشکل بودی عنوان ارشاد بنیانیه تشکر بیوروب و معجدهات شکر  
 ایدر لر ایدی \* (نظم) \* نقض توبه و عهد آن اصحاب سبت \* موجب مسخ آمد و اهلک و منق \*  
 اندرین امت نبد مسخیدن \* لیک مسخ دل بودای بوالفطن \* از ره سر صد هزاران دکر \*  
 کشته از توبه شکستن خول و خر \* از حدیث اولیا نرم و درشت \* تن میوشان زانکه دینت راست  
 پشت \* کرم کوید سر د کوید خوش بکیر \* تاز کرم و سر د بجهی از سعیر \* کرم و سر دش نو بهار  
 زند کیست \* مایه صدق و مقام نبد کیست \* چون کوفتی پیرهن تسلیم شو \* همچو موسی زیر  
 حکم خضرو \* آنچه کوید آن فلاطون زمان \* هین هوا بگذار و روبرو حق آن \* انکه از حق  
 باید او وحی و جواب \* هر چه فرماید بدو عین صواب \* الی آخر العمر خبدمت پر حرمت اخوان  
 الصفا اوزره ثابت و مقدم اولوب زمان ضعف پیریده فراغ و استراحت سوق اولند قده درویشان  
 دو قسمند یکی مخدوم و دیگر خادم چون فقیر را مخدومی دست نداد پس از خادمی تا آخر دمی تا کزیر است  
 عنوانیه هضم و تعلیم تبیانیه تأسیس کار ایتشکر در و هبه الله نام متغلب و شقی قصبه ورنه و اطرافه  
 مستولی اولد قده ستم دید کافی اندفاعیه توجه نیاز مندی اولد قلند هبه الله را عشره کامله باید که  
 تبه کردد نفس تعمیه آمیز لرله طریق تدبیرینه مرض و ایما بیورملری فی الحقیقه تمام استدر اجنده  
 اوزرینه باز یاده سبیل هیه الله طهر و ایدوب احوالی بر کشته و مدمر اولنجه جمله اهالی کشف و مرض  
 مذکور لرینه تحسین ایدوب تجدید عهد و محبت و تائید اعتقاد و وجود عزت شعار لرله تبین و تبرک  
 ایتشکر در و نالک کبی زاویه حاده عیشه منفرجه ایله اوقاتی ماضیه اولوب و حوالی قصبه مرقومه به  
 مستولی اولان اشقیادن و امراض و بانیه دن و قحط و غلادن برکات سایه همملر یله مصون و محفوظ  
 اولغی دقیقه شناسان احباب استشعار ایتشکن سائر دخی افاده اصل کار آسایش بی کدر ایدوب  
 علی العموم اهالی ولایت مرید مخلص و محب صادقی اولوب شعله اشتها واد کار جمیله لری حوالی کبر  
 اولد قده بعد ازین عزیز رادر زیر خالذ لیلی باید دم توفی توأملری وقت تفسلریدن مرور هفت روزه  
 جلوه کر میدان بروز اولوب ادنی بهانه تغییر مرض اجله منسلج بدن عنصری و متواری جلباب خالفتنا و قن  
 اشتها ردن ملجأ خوله کریمتعا اولشکر در و اسلاف کرام لرله هم پهلود خیل حلقه صحبت روحانیه لری  
 اولشکر در روح الله و حبه و اعز سره و اغرو وجهه فی الدارین بعز شفیع من فی العالمین علیه  
 صلوات الله و تسلیما ته و علی آله و صحبه سرمد امتجددا \* (حضرت درویش محمد صوچی) \* روم

حضرت درویش محمد صوچی

ایلی دیارنده سلسله نام شهر خا کوادی و ابنای سپاهیان بر نو جوان صاحب همت اولوب اختیار  
 کربت و غربتله دارالدوله ادرنه صیبت عن الفتن و البلیه ده ملحق طائفه مجاهدین یکجریان اولدیغی  
 اثناده عروض علت مزججه ایله مایوس عن الحیات و مترقب حلول ممات اولنجهر روح بر فتوح حنه  
 مثل مقدسه مولویه دن فتح منظره عنایت اولنوب و سربا قدم در مدنیسی بر شیر مردیبر مولویه دن  
 دست سود شفقت مظهر اولغله کند و به شفای عاجل احسان اولندیغی قائد آستانه مرادیه اولوب  
 شیخ و مرشد و مربی کلمز اولان سید محمد دهده حضرت تلیک ثوبت خلافتده تکمیل چله  
 مردانه مقننه ایدوب شرفیاب تکبیر خداوند کاری و سربلند لباس کلاه نابت و خرقة ارادت اولوب  
 بعد وفات شیخ احمد غوثی خدمته مسارعت ایدوب مدت مدیده سینه چاک و پابرهنه شب  
 و روز کمال تجرید و صدق و اخلاص و ادب اوزره اکثر خدمات علیه مقرر خلافتلرین التزام و تحمل  
 و کاینیغی ادا ایدوب علی الخصوص خدمت سردایه آستانه مرومه کیم هر شب خهای سرد آتی  
 پرایدوب و هر روز اخوان و خلایندن معتاد الاخذ و الاغتنام اولنلره تقسیم و ایصالدن عبارتدر بومقوله  
 خدمت تقبله و عسیره بی بلاعجز و لا قصور علی وجه تطییب الکلی تکمیل و تقیمه موفق اولغله بین  
 الفقرا صوچی عنوانیله معروف اولوب تشنکان بی شماری سیراب ایلدیکی کبی برکت خوشنودی  
 اخوان و خلایان اختیار و میامن دعوات خیریه زوار ایله کندوسی دخی زلال تسلیات کونا کون  
 معنویه ایله سیراب و مرصاحب تمکین اولمشدر و بعد زمان بقعه مبارکه ارغویه و آستانه  
 کروی آشیانه حضرت سلطان دیوانی قدس سره النور ائیده دخی منوال مشروح مستخدم و کاهو حقه  
 عهده خدمات مأوره دن منظور او مشکور اخرج ایدوب حمیه کوتا هیده حضرت خضر علیه  
 السلام جناب معجز نصایبه منسوب مقام عالیده شیخ و قائم مقاملری اولوب ظاهرا و باطنا اقامت شروط  
 و مراسم نیابتلرینه موفق و ذاتلرینه نسبتله بدیهی العسر اولان امور و آثار حصولی بتأید الله  
 المغیث میسر اولمشدر و هنسکام زوال استدر ارج متعصبیه و غایت ثوبت پرفتت وائی مژورده  
 اجرای سماع و صفای حضرت جلال الدینی و تجدید عهد و جدو حال مولوی به او امر اکیده  
 خسروی صدورندن چند ماهه مقدم مشق چرخ و دور سماعه اقدام کلی غما و لوازم حلقه مقابله  
 اولان توره و امثالی ترتیب ایدوب ناکاه موجب او امر علیه اوزره کافی الاوائل سماع و صفایه  
 شروع اولند قدده کویا بقیه الاسلاف اولوب جمله یه قائد قطار اهل وجد و حال و مدیر امور تسویه دوائر  
 سماع عزان و چارخاقاه دارالدوله آستانه بولده سر سماع عزان و سالار قافله ارباب وجد و حال  
 و طالبین نوبتازانه مربی و رهنمای رفتار اسلاف اولمشدر و منوال مشروح اوزره تهی تائی مرآت  
 قریحه صافیه لرینه آثار انعکاس احوال آتیه عدا و لنوب صاحب المکشفه اولدیغی مفهوم  
 همکاران اولتی بخیه زن روی کار اسرار لری اولمشدر \* ودخی و اخر سلطان محمد بن ابراهیم  
 خاندانه سابقه عنایات صمدیه توجه بادشاه مرحوم مر قومی جوانب محبت فقرای طرق علیه محمدیه به  
 سابقه اولغله بالکامیه احزاب نیکبای مقرر دیندن رو بگردان و مقابلات مولویه و مجالس صوفیه به  
 ملازم مخلصی اولوب و عزیز مشاور الیه دخی تنومند و بالا قدمیدان سماعه مانند سر و دوار و پای  
 پر کار حرکتی میل رو بین آسمان مقام وزن و اصولده برقرار اولدیغین مشاهده اید بجل بر بوده تماشای  
 جولانلری اولوب مجالس عالییه صوفیه دن قنغی طرفه توجه هما یون بیور یلمه مرکز دوائر ذکر لیده  
 سماع مولویه ایدوب مذاق فقرای شیر و شهد آمیزش اتمک اوزره ملتزم لری اولغله مدت مدیده  
 سموت عزائم شهر یاریده هم معنا نلری و دوائر جمعیت اذکار صوفیه ده پای بر پای مرکز شوق و حال

اولد یغین دیدۀ عبرت دیدۀ لریله مشاهدۀ دن مثلاً اولوب منجم احمددهده حضر تلرینه بخاطر مچنین  
آید و چشم چنان میباید که گروه پرشکوه مولویه محاورد و اثر حلقهای توحید عامۀ صوفیانست  
و مدار جمله برایشانست نکتۀ شریفه سبیلہ نقل مافی الضمیر المنیر ایلد کارین فاضل مرقوم دخی  
تحقیق بیور وب و اصابت فراست ملوکانه لرینه تحسین بلیغ ایتلری ذیلندۀ کند و لره انبساط کلی  
و انشراح جملی حاصل اولغله اغای دار السعاده لری یوسف اغایه خطاب همایون بیور وب زمان مدید  
غاشیۀ همت کشلری اولان درویش مرقومه چراغ خاصلری اولق اوزره امتیاز بخش اولق مراد  
طبع خسروانه لری اولد یغین اظهار و اغای مسفوریدیلہ عرض حال اولق فرمان اولند قدۀ اغای  
مرقوم دخی بعد المقابله کند و دن استمراج سیاقندۀ هر نه قدر توفیر مطاب اولنورایسه بهر حال  
مساعده همایون مقرر در دیو عرض حال رجای مراحمه ترغیب ایدنجه اول شاهباز بلند پر و از آشیانۀ  
استغنادخی مقابله دهنده چراغ افروخته شمع جمال جلال الدین است پروانۀ شمع دیگر نخواست  
شد نفس علو جناب توأملریله کلمۀ جامعۀ ترک و تجربید سرا اولد فجه اول دخی ملح قبول خواهش  
شهنشاهی اولوب ابرام و اقدام نما اولد یغندۀ بعد ازین دفع این تقاضای بیجا بتدارک بکدرم مانده است  
که باجرت زور فی دهم و بجانب ساحل سلامت اسکدار عبور کنم و خود را بی نام و نشان کنم  
عنوانیلہ جواب حاسم فرما اولملری عامۀ تشنگان زلال کرم سلطانی اولنلره حیرت افزا و بقیقید سر  
و سامان دنیا و نیز بازار داد و ستد مرام و هوا اولملری تسلیم و آفرین زائد الوصفله مجالس عالیہ  
خواصده مداح سرا ایتکه دواعیۀ قویه فرما اولملر در و کیفیت اعتذار و استعفا سی معروض  
سدۀ سعادت اولد قدۀ آری کدای اولیابی نیاز پادشاست عنوانیلہ انصاف بیور یلوب کند و حالته  
حواله اولملر در و خواتین ذی ثروت و حسن و بهادری محض ازیر نکاح درویشانده اولغی جاننه  
منت یلوب طالبه ازدواجی و راجبۀ فراشی و متعهدۀ جمله لوازم معاش و اتعاش مدت العمری  
اولد یغی کند و به افاده و بعض هدایای مناسبۀ فاخره اهدا سبیلہ تسخیری مراد اولند قدۀ الحاح کان  
خلانہ مر دیت بیازمای و انکھسی زن کن مضمون احتیاط مرهونیلہ روی رجولیتہ پرده کش  
عنت و سرآزادۀ دغدغۀ عیال و منت اولملر در \* (بیت) \* ای شدہ پای بند اهل و عیال \*  
دکرآزادکی منبد خیال \* و قلب صفوت جوهر لری بی نقش رسوم علوم و فنون اولوب لیکن  
ام المعارف اولان مایۀ توحید بی تردیدہ مالک و همیشه الله بس است عاشقانرا خوای بر جد و اسبیلہ  
مکتفی بالله و مستغنی عما سوی الله اولوب انسیت جبلیہ آدمیہ اوزره ثابت و مانند سر و استقامتله  
ثابت و نتیجۀ اسباب علمیه اولان اعمال مندوبہ و اخلاق محمودیہ موفق و نائل و نیچہ آراستگان  
فضائل رسمیه مشکلاتین حله و قول و فعلا و خلقا جم غفیر سلاک طریقتلر شاد لرینه سبب  
اولملر در و مشرب عالیملری مصر تقویم اعوجاجات اخوان و خیلان اولغله همواره منافره دن خالی  
و احتسابدن فارغ اولد قلمری حسبیلہ وضع و طوری مترخصین مقتونینہ کران نما اولوب بعض نوبتازان  
حضرت شیخ غوثی پیبکاه عالیلرینه رفع تشکی ایلد کلریدہ سید الطائفہ جنابنک اذا ارتفع المنافرة  
من بین القوم فلا خیر فہم قول معوللریله استدلال بیور وب و اخوان مشفقین طریقت مادشہنہا  
و کاردها در آستین دارند ہر گاہکہ از ہمراہان یکی بمصالحہ و دست بوس ایشان آید اوراز خجہای  
کلردی زندہ حتی بموت و اقبل آن بموت و ابرسد وفاتی بالکلیہ شود پس در راہ مردان از منافره ناگزیر است  
نفس عالیلریلہ تعبیہ تسلیمی فرما اولملر در و هذا عین ما قال ابن مسعود لہجر بن الخطاب رضی اللہ عنہما  
لقومناک تقویم العود و محض الاغتنام بقوله علیہ السلام اخولک من بصرک عیبک و المؤمن مرآة

المؤمن وقفنا الله تعالى الشکر علی نعم احتساب الاخوان واعتراف النقصان \* ومیدان جولان  
 وجد وحالده سرعت وامتداد حرکت دوریه لر حیرت ده امثال اولوب موسم اشتداد سر ماده لا ابالی  
 رخام فرش خواننده چرخن اولمیرله پای پرکار دوزلری نقطه مرکز اثرهای توحید اوزره برقرار  
 وند ویرفلر و حانیلری درج بر وج مرا تیده سیمار اولغله بالکلیه حسیض بشریتده اولان فانوس  
 عنصر یلری فراموشندن ناشی کمر کاهلرینه وارنجه بد لری آماس پذیر اولدقه من و همان انحلال  
 عقود جسمانیه اولان بیخبران چاشنی تلخایه فنا بند مراعات قالب صدنده اظهار خیر خواهی و آرام  
 چند روز و شبیه ترغیب ایلد کازنده انتفاخ قالب باز استسقای زلال حالست ویا چون حباب  
 از هوای آن آبت پس هر دو بجان و دل منت عظیم است اگرچه بر نفس و تن علت جسم است مضمون  
 صداقت مشحون و جلالت مقرون بیله بیان حسب الحال ایدوب قطعاً عزیمت سابقه سینه مورث  
 کلال و ملال اولمشدر فهذه هي العزيمة الخالصة التي لا يشوبها الوهم فهي البضاعة الراجحة  
 في المعاملات الدينية لا تكسدها قلة الراغبين ولا تخسر اصحابها توبلات المناقین \* واول مرد میدان  
 تجرید و تقرید یوقیر بر تقصیرک درس ارادنده خواجه ناشی و چیل ساله رفیق سفر و جلوس حضری  
 اولوب مدت صحبت نرزه کند و دن بوی ارتکاب کبیره و هم صغیره استشمام اولمیروب کمال طهارت  
 و عفت و ریاضت لری شه و عدول سلامت حال لری اولمشدر و عهود مراقت و مواخاتر زده بفضل الله  
 تعالی و توفیقه حسن موافقت و مناصحه اوزره زند کافی کذا را اولوب دقیقه واحده مداهنه و مدارایه  
 حاجت مس ایتیموب شروط صحبت مفیده اسلاف اوزره عقد مؤانست اولمشدر و حضرت چلبی  
 بوستان ثانی و حضرت چلبی صدر الدین قدس سرها النورانی خدمات علیه سنده مستخدم و موفق  
 مساعی مشکوره اولمشدر \* حضرت شیخ غوثی خدمت شر یقه لرنده مستعد حرکات مقبوله و سگات  
 ممد و حه اولد یغنده بر رمضان شریف وقت افطار ندره در ویشاندن باغبان محمده ده نام همزانوی  
 کار خوان افطار لرندن بر پیر صوری ایله بیوجه منافسه ماطهور ایتد کده انلر متکام باخشونت  
 و بونلر ساکت بی رعونت اولوب و بیر ساده تدبیر خشمکین کار سباط افطار دن قیام و ترک صحبت  
 عین الجمع ایتد که بقدر الله تعالی متأثر و دفعة متغیر المزاج اولوب روز بروز قوتنه ضعف وضعفه  
 قوت طاری اولغله مشرف فوت و مبتلای سکران موت اولدیغی مرد صاحب درون غیرت مشحونه نقل  
 اولدقه آن پیر مرد احوال شناس است در ایام امالک یاران بار اعناق اخوان نشود بد که ان سفر  
 بعد راجعاً بعد العید بگذارد و هم باریاران نشود فحوا سبیله سر زده اولان مکاشفه مطایبه آمیز لری  
 بعینها بعد العید اخوان صفاء مقابله شریفه خاتناه بشکطاشه توجه یورد قلر ندره نوعاً کمال ضعف  
 سکران آلودینه زوال غمیان و عافیة جزئیة عیان اولمشیکن دفعة بر کشته حال و سر یعار و بر اہ انتقال  
 اولوب و بتجهیز و تکفین و دفن ندره دخی اخوانک غیبتی و جنازه سی اعتناق اجانب اوزره تحمیل  
 اولمشیله جلوه کرسا حشر و زواصابت اولمشدر و اول متصلب فی الدین و حیت آیین فی یوم من الایام  
 قبالة باب خاتمه نشین اولد یغنده طائفة طوبجیاندن بش نفر شقی سکران مسلح عفاف مسلماندن برینک  
 قصد فعل شد بعله راهزن ایاب جماعی اولوب بالزجر و الا کراه اول طاهرة الذیلی میانه مقابر مسلمنه سائق  
 اولد قلر ندره کریان و نالان فریاد استغاثه خاراشکافی طبیعت مردانه لر ندره کامنه اولان غیر تلرین  
 تمیج ایدوب تخلیص کمر بیان عقیقه مر قومه ده بالالهام ظهور ایدن جنبش پیشین رجا و مدارا  
 آمیز لری مقضی حراب اولغله حمله اولاده جمله سن دفع و تفریق و مظلومة بیچاره فی سلامت عرضیله  
 تخلص و بالنفس خانه سینه ایصال ایلدیکی و اثنای حرا بده محال عید ده مجروح اولدیغی سموع

همایون سلطان محمدی اولوب خدمت خشک و تر جراحاتلرینه سرجراحان شهر یاری تعیین اولنوب و سر  
طوبیجیان دخی بافرمان قضا جریان اشقیای مرقومینی اخذ ایدوب کیفیتلری معروض درگاه اولدقده  
محل شقاوت مرقومه لرنده ترتیب جزالری امر اولمشیکنینه آبا و امهات و اخوه و اخواتلرینک ناله  
و فریادلرینه مرحمت و شفقت بیوروب پایتخت معدلت مصیره و بیمال شفاعت جنایاتلری و نیازمند  
عقولری اولوب عندالقدرة عفو و استعفارلری و باعث اهمال ترتیب جزالری اولدیغی کند و لرک بین  
الفقر احسن سلوک و اخلاقنه امارت باهر دعد اولنوب و اشقیای مسفورینک توبه کار و محب فقرای  
طریقت حضرت خداندک کارى اوللرینه بادی اولمشدرکه بوم قوله مفسدینک ترک تشفی و مجازاتن  
معقول عدایه یوب اگر سیاست و عبرت و ترتیب جزالرینه همت اولنسه فائده دفع شرور و فسادلری  
عمومنه سبب اولق مقرر ایدی دیو تعریض ایدن ظاهر بینانه ابنای جنس مازمره انباتنده فرقه افنا  
مضمونیه مدافعه لری بعد زمان ظهور صلاح نفوس مرقومه ابله منصفه پیرای تحقیق و هربری ترک  
فساد و اختیار صلاحه مظهر عنایت و توفیق اوللری ملهم مال حال اوللرینه محمول اولمشدر و لاعفا  
رجل عن مظلمه الازاده الله به اعز احدیث شریفی مصداقجه لدی اولی الابصار سرمایه از یاد عزت لری  
اولمشدر لیکن مشرب و مسیح درویشان لری اسائن و اضرار اغیارله کدر پذیرد کل اینکنینه آثار  
تأیید و غیرت و اعزاز صدی اولق اوزره اکثر مهینان مهان و اغلب معینان معان اولدیغی بین  
اخوان العصر رسید قریبه شهرت شایعه اولمشیدی فله الامر والهمکم یؤید بنصره من یشاء من  
عباده انه هو الغیور المغیث \* و دخی سائلین دار و دیارینه جواب دهه عتاد اولیوب بلکه هر کجا که  
مدفن فقیر خواهد شد اصل مازان جایا شد مضمونیه اسلوب حکیم فرما اولوب شیوع و طنزلردن  
و هجوم اقربادن توفی و احتیاط و شرف حسب و نسب اشتهار یله عرض و محبت و تکبردن و طر و تعظیم  
و احترامدن مجبولیت خاندان و خاندانله تحرز و سالك طریق دارالامان خمول اولمشدر \* حتی  
اواسط و قتلرینه برادر کوچک لری حزب درویشانله التحاق لردن فی الجملة خیر اولوب لیکن تفصیل  
حال لری معلومی اولمغله اموال و اسباب و افره ابله جست و جوینه اقدام و علی العیابا لدفعات ازدحام  
مقابلانده مدافعه ایدوب کند و بی کند و دن سؤال ایلد کده تجاهل و تغافل ایدوب انجام کارده  
متیقن الوقوع اولان یوم بفر المرء من اخیه آیه کریمه سی مضمون متیقن آغاز حالده دستور العمل ایدوب  
بالکلیه علاقه ماسوادن تخلیه نم انتخابه درون ایشلدر \* (نظم) \* چون بفر المرء آمدن اخیه \*  
بهر ب المولود یومامن آیه \* زان شود هر دوست آن ساعت عدو \* که بت توبه دوازده مانع او \* این دم  
ار یارانت با تو ضد شوند \* و ز تو بر کردند و در خصمی روند \* هین بکونک روز من پیروز شد \* آنچه  
فردا خواست شد امر و ز شد \* ابریقین دانکه در آخر جمله شان \* خصم کردند و عدو و سرکشان \*  
تا بمانی با فغان اندر لحد \* لا تذرنی فردخواهان از احد \* عاقبت زینها بخواهی مانند \* هین کراخواهی  
دران دم خواندن \* ایندم او را خوان و باقی را بمان \* تا تو باشی وارث ملک جهان \* خوی با او کن  
که خورا آفرید \* خوی ای انبیارا پرورید \* رو بخواهی کرد آخرد لحد \* آن به آید که کنی  
خواب احد \* انکه شد انش بشاه فرد خویش \* یافت در مانهای جمله درد خویش \* هر که داند بیوفایی  
ماسوا \* کی دهد درد دل بخویشا و ندجا \* دل با قرب ده که از نزدیکها \* دور کرد جان و سر از هر بلا  
\* و دخی بقعه مبارکه ارغونیه ده أسس الله تعالی اُرکان و روح سبکانه معده جمله خدمت درگاه  
اولد یغنده برکت صدق و اخلاص لریله هر توجه ایلد کاری امور صعبه الحصول بپسیر المهمین القتاح  
سهل الوجود اولوب ایام التزام لوازم عیش خوش اخوان الصفا ده مظهر تأیید و توفیق و مبداء راحت

ورفا هیت فقر او محبین اولد قلردن ماعدا کند ولره من طرف الغیب دست داده اولان نفوذ کلمه  
طیه دفع مظالم عرفیه و جنب منافع شرعیه ده عامه قطان کوتاهی و حوالیسته سرمایه جلب و دفع  
اولوب حمای همت مؤثره لری ملتجای اهل اولدیغی حساد فسادک قاصم اطهر استظهاری اولغله  
هر کاهکه نیران قنیه لری شراره باش صوب متممیان آستانه سعادت اولسه اکثریامو قطان قنیه  
خواییده ملعون آلهی اولدیغی کبی دفعه کباب آتش تدمیر و مجازات اولدیغی سبب انتباه آخر  
اولوب پیرامنلری بالکلیه مأمون الغالبه تعرض اغیار و حلقة جمعیتلری جلوه کاه احباب اخیار  
اولمشیدی که حالت مرقوم یکنادر ویش بی سر و یادن رونما اولق کرامه باهره اولدیغی اهل انصاف  
عندیده بی شایسته اریا بدر و آزاده سران کوشه وحدت مداخله أمور دوائر کثرترین استتقال  
سیاقنده این جه التزام مالا یلزم است عنوانیه آمیزش بر معصیتلری نه کاه سردایتلریله خرد کیرانه  
سر زده اولان کلمات صوریه لری الحینه وزان المنحه و اکثره ثمار الوحده مضمون حکم مرهونیه  
حسن مدافعه بیوروب موجب واردات قریحه صافیله عامل اولمشلردر \* و دخی آب عمر  
سبحان صفت جریانلری انقطاعی ضمیر منتهی مکشفه تنویریده بدیدار اولغله قییل عارضة الانتقال  
مراد میان حضرت سید رسول و حضرت بابا رسول ذور الله تعالی مرقد هما زاویه فراغ بال وحدت  
منال دادید بعد ازین دران کوشه بی اندیشه معسکف و مشغول حال خود خواهم شد عنوانیه خدمت  
خانقاهدن استعفا ایله حواله جوی اولغله نیازینه بالضروره مساعده اولنوب متوجه صوب مقصود  
اولد قده جمله احباب و اصداق ایله استخلال کونه معاملت نماع و علاقه زراعت و حرثی اولان افتد نام  
قریه ده جندرز و عافیت ران اولوب و کند ولره مدفن اوله جق محلی تعیین و توصیه دنصکره ادنی بهانه  
انحراف مزاجله مبارز اوینه اخرویه اولمشدر روح الله روحه \* (حضرت درویش مراد) \* روم  
ایلی دیارنده ایل صان نام قصبه خاکرادی و سالف المنقبه النفیسه شیخ مصطفی حضرت تلیک خواهر  
زاده لری و نظر کرده لری و اوان صباوت و شباهلری وقف خدمت پر حرمتلی و کله پوش سایه دست  
انابت و سر داده زانوای ارادتلی و عصمت مادر زادیلری اوز ره نشو و نما یافته میدان فقر و فنا اولوب  
و آراسته آداب طریقت و سالت مسالک پیشقدمان حقیقت و واصل سر منزل تمکین معرفت و بعد  
وفات الخلال المربی سوز فراق و درد هجران زده اولوب ناچار اختیار سیر و سیما حمله مغنم زیارت تریه  
فردوس رتبه حضرت پیر قدس سره المنیر و مستعد صحبت منزویان دار السلام ولایت و مستفیض  
انظار حسنه حضرت جللی بوستان ثانی و نفس و طنلرنده اولان زاویه منفرجه الاذواقده قائم مقام  
مرشد لری اولق اوزره زاویه دار و مسند نشین قبول عامه اهل دیار اولوب حتی مفتی بلده لری و مشایخ  
وقضات و کبار و طوائف عسکریه سی بالجمله بعضا کله پوش و بعضا خرقه کش بیعت و تبعیتلری  
و بهره مند برکات روحانیات سادات مولوی اولمشلردر کند ولر چندان بضاعه دار علوم رسمیه و مجموعه  
فتون بشریه اولد قلری حسبیلله دانشمندان بندارمندان بعضیلری ما اتخذ الله ولیا جاهلا مضمونیه  
طعنه زن سمت احباب لری اولدیغی منعکس مرآت سرائر غماری اولنجه درین بازار سود و زیان قومی  
سرمایه عمر را صرف کسب فوائد علمیه کند واصل وفائده را خرج راه نفس و هوا کند و بحساب بکاه مفلس  
و خاصر و بند نعوذ بالله من ذلك و گروهی از کرمای تاجران انبیا و اولیا استبضاع و در سایه شا کردی  
ایشان معاملات رانجه کنند و سرمایه را از کرم باز نکیرند و سود و سرمایه را هم بدیشان ارزانی  
فرمایند و با احسان توفیق و بامداد آن اولیای نعم بر جمع و مصیر بخواجه کی رجعت نمایند الله تعالی  
و تقدس که فقرای عاملین صادقین را این طریق اغتنام دست داده است مضمون عبرت مشکونیه

حضرت درویش مراد

تشکر و تعریض بیورملری اغلب دخیانین طور ساده لرین دخیل دائره تسلیم لری ایدوب لانسلم کویان  
انتقای سود و سرمایه لری ایله جزاین و تنزلات درکات خسرانله دستمایه لرین مبادله حسرات ایدوب  
بودار التجاره را بجه دن رخت دامت کشر باط کورستان اولمشلردرو بقیه عمر نازین لرین اول کوچه  
تجارت معنویه اعمیال و توفیر فوائداعمال صالحه و تکثیر اخلاق حمیده ایدوب جامع نعم صوریه  
و کامران جمعیت زمان و مکان و اخوان و همسره یاب سایه عنایت مایه مردان و جم غفیر سودا کران  
چار سوی طریقه سلامت حال و سعادت مآلنه باعث اولمشلردر و اوائل جالنده کندی و ایله حضر  
و سفرده همسجیره و همسرا هلاک علاقه سینه بنا عزمان مشیخته مزده بقعه مبارکه ارغونیه نزیلی اولوب  
ازمان اقامتده اول میدان حسرت مر داندخنی خدمات مبروره و مساعی مشکوره یه موقی اولوب  
انسانی صحبت بی کافترده اخوان صفا برینه عرض مشاهدات و رجای حسن تعبیر و نیاز بشیر ترقی  
و تنبیه تنزل ایلد کارنده تراکیب آفاقه لرین عثمان پاشا زاده احمد پاشا نیک باب سرای عامر و سنک  
انهدامی و هر سنک طافنک پراکنده اولمن و کار دیوار سرایه مناره خشیه بنا اولاندیغی صورت  
خیالیه لرین ایراد ایدوب نمودار اولان فوت صاحب سرای و پریشانی اتباع و مقامنه قائم اوله حق  
علمادن اولقی اوزره تعبیر اصابت سمیر لری سر یغا و عاجلاجلوه کرمنصه ظهور اولوب پاشای مشار  
الیه والی بصره بولمغله قنیه واقعه شهید و جمله خدمه بانی اطراف محاکمه پراکنده و بعد زمان  
فراشنه مقتی بلده دخول ایدوب ظهور مشاهده و اصابت تعبیر لری کواه انبیا و یننه صفای  
قریحه لری اولمشلردر والی ماساء الله تعالی اول آستانه سعادت ملایمت جاروب کشی مر کوز صمیم قواد  
فراغ معتمدی ایکن ناکاه حواله خواه راه اولدیغی استغراب و استفسار باعث اولاندقه مر اد این  
نامرادرین نظر کاه قدیم انتظار قدوم داعی نعیم مقیم بودلکن العبدیدر والله یقدر خالک انداز آرام  
قیامت انجام مابغریت سرای وطن جسمانی انداختد که در انجا بودن و مر دن لازمست مضمون  
امر مقرونیه برده بر انداز روی کار اولوب فی الواقع حرکت لری فرمان غیبی ایله اولدیغی و کندولرا یچون  
اول کوشه فقر و فساد سگلی مدت العمر سرمایه راحت و رفاهیت و سبب تکمیل بقیه سلوک و بلد که  
التحاق زمرة اقطاب بلاده و انتظام سلک رجاله سبب اولوب ذات صداقت انتشاری تمجید احباب و تدبیر  
اعدایه متعلقه آثار مدوحه به منشأ و مصدر اذکار جمیله حزب طوائف طرق علیه احمدیه  
اولمشلردر و زمان حسن زند کانیلرنده اول کوشه فناء انواع فتوحه جلوه کاه اخوان و خلان و بعد  
وفاته خالک باکی زیارتگاه و متبرک حاجتمندان و مدفن شریف لری بهبوط فرما اولان انوار رحمت  
رحماندن زوار و سکان جواری بهره مند عوائد و حایه اولمشلردر نور الله همه جمعه و روح و آدم  
قنوجیه آمین بحرمه صادق الوعد الامین \* (حضرت درویش محمد هندیه) \* دیار هندده احمد آباد  
نام دارالدوله خا کزادی و نوبت سلطنت اورنک زبیده منسوبات شاهزاده اکبر دن اولوب بقضاء الله  
الحکیم فرزند و پدر ینلرنده حدوث ایدن آتش قنیه دور و شرار دن توفی سیاقنده شاهزاده مر قوم  
کرزان ایران زمین اولدقه بوزلردخی متوجه حرمین الشریفین و مغنم نعمت سلامت (ومن دخله کان  
آمنا) اولوب سنین عیدیه مجاورت بیت شریفه ذکره امتداد اقبال پدر و ادبار پسر مانع  
رجعت وطن اولغله هندیه محمدده حضرت لری خدمت شریفه لریه میان بند التزام و سایه  
سعادت لرنده سرفراز قمبر کلاه مولویه اولوب بعد وفاته سیاحت بلاد و مرعاب زیارت کعبه  
العشاقه روشن دل و جان اولوب و عبدالحلیم افندی زمان خلافتده اول آستانه ملائک مطافده  
تحصیل انساب حضرت چلبی مشار الیه ایدوب مستحلب انظار حسنه لری و موقع انقاس نفیسه لری

حضرت درویش محمد هندیه



اولوب در ویش محمد هندی مانمده است بلکه باطن کشت و از کریان ذات تو ظاهر خواهد شد نفس قدس یلر یله مبشر اولوب فی الواقع آثار بدیعۀ نفس علوشان بخشایری اول غرب الیاری و پرا نکسارک دارالدوله استبولده مدار اعتبار کلیسی اولوب نازنین کبار رجال دولت و هر شب بر سرای صاحب اقبالده تسکیمه دار چار بالش احترام و افتخار و قدوم مینت رسومی تبرک و فال خیر از دیاد اقبال و مقدمۀ ارتفاع شان اولمدر \* حتی مربی وائی فرو وراولان قره مصطفی پاشا نام وزیر سیه بخت مالی انجق تعذیب عسا کرواز عاج رعایا و اسراف خزائن اولان چه برین سفرین پیدا ایدوب ر و براه صحرای هیما ت اولد قده خیر خواهان قدر شناسان و عاقبت اندیشان بومقوله جمعیت عظاما و عزیمت پهناده بر دیده بان و پیشوا الزومنی اذعان ایدوب عزیز مشاور الهه هزار نیاز دل فریله ابرام و حمله لوازم خط و تر جالی التزامه تعهدله اول سفرده بولمیرنه اقدام ایتمکله بعد الاستخوانه والاستئذان رجالینه مساعده و معاشات یوروب بوخا کرا اگاهان طریقت قدیمه صدیقیه دخی استاد من مرحوم و مغفور له کوپر یلی محمد پاشا زاده امیر مصطفی حضرت تبری تبعیتله و سابقا خب درویشان عارفان زبان آوران هنرمندان و اول سفر نصرت اثرده میر محترم مرقومک خدمه باب معالی انسابدن اولان فوزی مصطفی افندی ایله همدم و همخیمه لکیمه سفر بر اولوب اثنای راهده محض عنایت توفیق صمدانی روی و چشم خواب غفلت آلودمه در یچه کشای انباه نا کاهی و مرشح ماء الحیات اکاهی اولوب بر شب قدر ساده درون هامون هیما ندن بر شخ غیبی مولوی رونمای کمال کرم اولوب دست احسان پیوستنده پیچیده اولان بو غچه باتکاف بالسه خضرای درویشانه فی قریزه کلد کده روی چمنه وضع و فتح ایدوب و بو کدای سر به خضرای درون خیمه دن بیر ونه دعوت ولباسی سر تابقدم ترع ایدوب البسه خضرای مرقومه فی الباسد نصکره بر کلاه ساده بلندی فرق فقیرانه مه ارزانی بیوردی عقیقینه مانند روح روان دیده خیالمدن غمان اولد یغی سرور نامحصور یله بیدار اولوب مشاهده نادره مذکورده فی حضرت فوزی به حکمای ایلدیکمه مبشره صادقه مولویت شمس است عنوانیله تعبیر و تبشیر بیوردی قلزیده الی ذلک الان اول مقوله قول مفرح کوشکدار بنده کینه اولد یغی حسیده طاب تفصیل اجمال باجمال مرقوم اولد یغده اول ماسمعت قیلندن اولان نام نامی و نشان سامی حضرت مولانا من کل الجهات اولانا و من جمله السمات اعلانا و اوصاف صفابخش طریقت علیه لریدن شمه سرا اولمیر یله دل دردمند و جان مستام غرق لجۀ اشتیاق و چشم و کوش جاده انتظار ظهور بشارت مزبورده اولوب دمبدم پرسان زیاده بیان اولد یغجه الله دره مرحوم و مغفور له فوزی دخی کتم واشتغال ایتیموب اول وادی بی امانده صخبتمز همیشه اذکار جمیله جانانله اولوب بالکلیه بیزار علایق ماسوا و بازار داد و ستد بازار فقر و فنا اوله رق و اصل منزل معرکه جهاد اولوب عامۀ عسا کراسلام مبعقات اربعین ایام مجد و ساعی اضعاف حروب و حیل اولد یغجه چارسوی اقتدار لرین سردی هوا و اکثر اعدا و شدت دغا و قحط و غلامحاصره و تضییق ایدوب بی حسابی شهدا و مجروحین و مرنی عیون جلا دتترین خیره لندر مکه و وزیر وزیر سپهر و زک جمله تدبیرات فاسده سی نتیجه پیر و زدن عقیقه بلکه بومافیوماحذف وضعف و افکار فراری منتهجه اولغله ناچار مأیوس فتح و ظفر اولوب سرافرا ره قرار ویردیک معلوملری اولان محرم رازینک بی زاد و اقتدار لکری منازل رجعت صحرای هیما ت دزار و سر کردان واقفان و خیران هلاکه مقضی اوله بجی رتبه بداهتمده مفهولری اولغله بقیه حیات چند روزه لرین غنیمت عدا ایدوب هریمت نامسبوق المثلی اختیار له هر کس مترصد هنکام فرار ایکن ناگاه اول خضر خجسته بشارت روسفیدی

اعنی به حضرت درویش محمد هندی سیه خیمه غموم و اخرا نمره تشریف و ماه جمال مسرت ما آید چه که  
اندیشه بی سینه اشراقیان آسای نور ایدوب بادی خطابیده رفع استار اسرار ایدوب دیدم که خداوند کار  
مانا کاه با کوه انبوه پر شکوه فقر آمدند و این قلعه را به توجیه و مرا تبه فتح و تسخیر محاصره و احاطه  
فرموده است فردا من العصر الی وقت العشاء هر اینه مقتوح و مسخر خواهد شد و اعدای دین  
مقهور و منزوم و کیزان خواهند شد انفس نفیسه بشارت اساس لیلہ تسلی و تنفیس فرما اولمیری و قلب  
پراکدار مستعینه صفای بیکران بخش اولدینی لسان فوزیدن سامعه میرمکرم مرقومه القا و انلردخی  
وزیر مشوئه ایصال ایسکه قضیه نامرضیه فراری لیلہ آتیه تأخیرا تیدیکنده بفضل الله اللطیف  
الغیث و بهمة اولیائه الکرام وقت عصر فرداده وزیرا یالت بوسنه اولان دقتدار احمد باشا سمته  
ناثره جنک شراره یاش جانب کفار خاکسار و اول وقت عشا حلولنده تمام قلعه مزبوره قبضه فتح  
و تسخیر آلتوب واشتقبا ی موسقو کمال انعام و خند لانه فرار ایلد کلرنده جمله عسا کره حیات تازه  
بخش اولان مژده مسیحانه لری مقابله سمته اکرام و احترام مراد اولند قد خیمه بخیمه جست  
و جوا و لنوب ا ثر وجود فائض الجودی مشهود آفریده اولیوب کند ولری انداخته و رای برده اخفا  
ایلد کلری سدره سیلاب قننه اش تهار ورد قبول مراعات سپه دارنا کاه کار اولوب بحمد الله تعالی  
سالم و غامع عسا کر ظفر ما ثر اسلام رجعت و صبرای هماتی طریق سهولت عبور ایدوب لکن  
طرف طرف صغیر و کبیر جست و جوی نشان پای مینت پیمان زنده اولغله استنبوله کلند کده  
اوردوی عثمانیاندن میانۀ عسا کر تاتار صبار قناره نقل ایدوب محمیة سرایه کاد کده بندر کفده  
نزیل سفینه سلامت و مسافر دارالاوله استانبول و اول خطه حسرت الملو کده دخی قرار ایتیموب  
جانب مصره و طرف باهر الشرف مکۀ مکرمه بدتوجیه خله کشتی عزیمت و صرف عنان همت  
ایلد کلری مسموع اولوب فی الحقیقه کویا مصلحت مأموره لرین تسکلیل ایدوب اول جوار فیض  
و فضله مسارعت ایلد کلری و خانقاه مکۀ مکرمه ده منزوی و مجاور اولد قلی السنه حجاج درویشانله  
رسیده صماخ مشتاقان و اشدر و ذات وزمانلری مناسب خلافت بقعه مبارکه مرقومه درویش  
محمد هندی ثانی اولغله نیاز منزیان خانقاهله و اتفاق خیارا هائی مکۀ مکرمه ایلد کند ولره جای  
مشیت نامه بی دارالاولایه قونیه و سده سعادت مولودیه عرض و اعلام ارسائی استئذان و اسماع  
اولند قد مامسافر جوار محمد هندی اولیم عنوانله استعفا ایدوب بعنه روز وفات مرشد لرند  
ملحق حلقه نرم و حانیان اولوب خاموشان فقراده آسوده سایه شفاغت مایه حضرت پیر قدس سره  
المنیر و بالیده حالک عنبرناک حرم محترم و غنوده آغوش رافت و حمایت ام القری اولشدر \* ودخی  
غزوه مرقومه در رفیق شفیع قلی اولان درویش محمد المولوی طریقه و العتباتی مولدا جناب ولایت  
مابلرینک سقایه عطاش مجاهدین خدمته معین اولوب لکن اتسای ادای خدمت مأموره ده و رای  
برده محافظه وجوده التجا و تسرا تیموب علی رؤس الاشهاد باعطاش المجاهدین هنیا امریانا سیه  
ذعره زنان روی زمین تترس محاربین اوزرو بی محابا جنبش مردانه سی و جهات چار کانه سنده متبرسن  
زیر خا که اصابت شراره آتش جنک اعدای دیندن عدم توهمی کند و دن طالب رفو وجود فائض  
الجودنی مستلزم ادای شیرینله ایراد و استکشاف کتمه حال اولند قد نهینند و نیزند لفظیه وجود  
شیرینک و قایه حفظ و اخفای الهیده مأمون الغائله طوب و توفیق و محروس النایه خیماره و خندک  
اولد یغین اشعار ایتشدر و درویش محمد هندی حضر قلی غیبتد نصکره ناچار خیمه و اشیاسی  
کندویه تسلیم اولنوب احوال سائر دلرندن استفسار و استنطاق اولند قد آن مرد مردانه نادر وقت

معه و دخیره فتح را از غوث اعظم تلقی نفرموده حضرت این سفر دور و دراز اقدام ننموده مضمونیه  
محرم اولدینی مرتبه کشف را زاید و بلیکن جای توجه و اختیاری استخبار اولند قدسه اگر قضا  
مهمجور از ان یار جانی خیر بودی چرا در فراق کشیدی هرا نجا که بودی چون سایه در خال پای  
او بودی مضمونیه عرض سوز و کداز و عدم وقوف و شعور محل باش و بود لینه سوکتند اکید خوار  
اولوب و اخبار رجعت حرمیه لری شایعه اولد قدسه آرزوی ملاقاتله اولد دخی متوجه سمت قبله اولوب  
بعد الوصول هفت روز کلچین کلشن الفتلری اولوب تکرار اسیر درد هجران لری اولنجه از انجا  
کریختی در انجا یافتی پس ازین هر کجا که روی پیروت باشم عنوانیه مطایبه لری هفته و فائزیه مصادف  
ظهور و انلردخی بطون اوزره مبادر الحاق صحبت شریفه اخروی اولمشدر رحمهما الله تعالی  
رحمة تعادل العالمین و تکافئ المشرقین و المغربین بجرمة سید الحرمین و جد السبطین المکرمین  
آمین یا من یحب دعوة الاولین و الآخین الی یوم الدین \* (حضرت درویش محمد اولیا) \* زعفران  
بور لیسئی خا کندن و اولاد فقران بیکس و دردمند اولوب احتیاج غدای یوم و عشای لیلله کند و بی  
بالضروره جانب مطبخ خانقاه باب جدیده سوق ایدوب انجق خلاص زحمت جوع صدیده دأثره  
عنایت اولیا به النجا ایدوب بیچاره ای جسم اولغله خدمه مطبخ دخی کند و به تحمیل خدمات شاقه  
اتملر یله صبر و تحمل ایدوب اخیر اسایه دست کرامت پیوست حضرت قاری احمد ده ده تحمیل پذیر  
تسکیر و سر بلند لباس کلاه سعادت دستکاه اولوب اخوان و خلائک سمت معارفه مشغل و فنون  
فضائل ایلد توغلرین و رغبات و اکرامات بکار و صفاری معاینه ایلله کند و به دخی داعیه تحصیل  
مستولی اولوب لکن غلبه صفوت آینه لری مانع قبول نقش مراد اولغله وصول مرادن مأیوس  
و کریمان و نالان عتبه عاطفت حضرت شیخ موسی الیه عرض حال ملال مال ایلد که به لحظه شفقت  
و مرحمت لری جوش ایدوب کند و لره اخلاص شری بی ورد تعیین بیور و ب ترا این پس است دیگر مجو  
عنوانیه تنه لهرین دخی از سر صدق و اخلاص قبول ایدوب علی الدوام اسم جلال و اخلاص شریفه  
اشتهغال ایلله کند و لره اشتغال فریحه احسان اولنوب مناظر رفیع و مکاشفات فکحیه آشنای  
اسرار اولوب هر لا اولیا لفظیه مذکور ایکن جدامظهر بیور و ولایت و مصدر خوارق عادت اولغله  
جدا اولیا شهرتیه مدعو اولمشدر که صدق تور هرتو و التسلم سلم السلامه و الاخلاص مدار  
الاختصاص مضامین شریفه سی ترکیب ناقابل قایل لردن مستفاد و ارباب قابلیاتک طریق علمیه  
فقر و فنا به سلوک و اعتقاد لری مستزاد اولمشدر و حسن ظنله دنوا لری هر باب اعزاز و بیدگان  
خاطر آزار لری لیکد کوب حوادث روز کار اولق تجارت صادق سی باعث استدعای مستمئن و دافع  
استیلائی متمردین اولغله الی آخر العمر برکت عزیمت مر قومه ایلله ظاهر اوباطنا مستفیض  
و مستترج و جوشش و کوشش پیرانه لری ریشک آور جوانان و تمکین رفتار خداداد لری حسرت پیران  
اولمشدر \* حتی نوهوسان کار سلوکدن بعض کچ نظر و خود بین مجلس معارف احتوای حضرت  
شیخ غوثیده علی طریق الهزل اولیا ده ده راجعیت ولایت دست داد و فاضلان و عارفان رتبه افراد  
تمید هند عنوان استهزایند ایلله اسائنات ادب جرأت نما اولد قدسه حضرت غوثی اغاثه منصفا نه  
بیور و ب از مغز و ذات او آثار جمع اولیا بیدار شد و با نطق خدا نامزد عنوان اولیا کشتا کر  
سر رشته کار را بنا بکاران سپردندی آن دردمند را کسی مسلمان نکفتی \* (ولیکن الله یفعل  
ما یشاء و یتحکم ما یرید) \* کلمات نصیح و تعریض آمیز لریله سدر خننه مداخله بیور مشلردر \* (نظم) \*  
دقیر صوفی سواد صرف نیست \* جزدل اسپید همچون برف نیست \* زاد دانشمند آثارقلم \*

حضرت درویش محمد اولیا

زاد سو فی حیث است آثار قدیم \* همچو صنیادی سوی اشکار شد \* کام آهودید بر آ نارشده \*  
 چند کامش کام آهودر خوراست \* بعد ازان خود ناف آهور هبراست \* چون که شکر کام  
 گردا وره برید \* لاجرم از کام در کامی رسید \* رفت یک منزل بر بوی ناف \* به تر از صد منزل  
 کام و طواف \* آن دلی کو مطلع مهتاب است \* بهر عارف ففتح ابواب است \* با تو دیوار است  
 و با ایشان دراست \* با تو سنک و با عزیزان کو هراست \* و بعد الوقت اولیاده ده حضر تلمری  
 مجلس شمر بقدری مستعد اولد قدده علی سبیل الملا طغه ابنای زمان غریبند که در حق شما تعجبیر  
 اولیا را است که کنار کنند عنوانیه انسا ط نما اولد قلزیده در اوائل حال بنده کمنه را یکله طیه اولیا  
 تمسخر و استمیز افرمودند و بنده بسبب خلوص و اعتقادی که در دل داشتم آنرا فال خیر و همت عالی  
 شمر دم و انطقهم الله الذی أنطق کل شیء کنتم و شکرها کردم پس عنایت الهی نا کاهی هرل  
 ایشان را جد و نفس طیز و تسخر آنان مایه عز و تصدیق گردانید اول کفتن و باز پشیمان کشتن پیش  
 بخشدن و پس باز کفتن بعلو شان اخوان الصفا مناسب نماید مضمون انکسار منکونیه تشکر  
 و الزام بیورملری بخته کاران عننده پسندیده و دلنشین و باعث تحسین واقع اولمشدر و میامن  
 توکل و اخلاصه اولان قنوج یومیه لریدن فردا ایچون حبه واحد و لقمه سیره ادخار و ایضا ایتیموب  
 که و سیکاه وقت پیرید زحمتکش ضرورات اولد قدده احباب شفقت نصاب قدر ضروره ادخار  
 و امسا که ترغیب ایستد کارنده بنده براه فقر ضروری بمقام فقر حقیقی آمده و از فقر ضروری بفقر  
 اختیاری التجا کرده است پس ادخار فضله منافی فضیلت اختیار فقر حقیقی باشد و بسبب بد عهدی  
 دست پیمانی باشد مضمون ثبات مقرونیه جواب شافی ده و صبر و ثبات و تحمل و توکل نما اولمشدر  
 و حجره نشین و وحدت اولد قلزیده الی آخر العمر تقفیل باب حجره ایتیموب مأمون الغائله ضیاع  
 اشیا اولملری ارباب عقل معاش احبابه سر دغا اولمغه قفل و کلید پیدا ایدوب تقفیل سوق  
 ایلد کارنده تقفیل حجره سوء الظن آئنده کان دائره مردان خدا باشد حاشا که بنده ناچیز بآن گروه  
 پرشکوه و توفیق بد کانی کند چه نادرست توفیق موی ناصیه ایشان بدرگاه نسکشد بار نیاید و دیگر آنکه  
 لازمه ماهر کجا که میر ویم بمیر و دپس چرا بقید فضل مقبدر شوم و فضولی کنیم و دیگر آنکه  
 اینها همه مرده ریک است پس چرا پاسبان مرده ریکها شویم عنوانیه قیود مذ کوره ایلد مقید اولان  
 خلایق منازل فقر و تجرید حقیقی به ارشاد بیورمشدر که حق الانصاف نفس امیانه قدسیلری  
 اقلام سیم و وزیرا یله صحائف معارف نامه فضلا و اسلافه شجره شایسته اولد یعنی قدر معنی شناسان  
 عننده بی شوب ریدر و الحق احق ان یسلم و احری بأن یصدق \* علی الخصوص کثرت فتوح حلیه  
 ناظر و وفرت انفا قلزیدن غافل و ربوده و ساوس ابلیسیه اولنلریدن بعض حر بص مدبر متصد و وقت  
 فرصت اولوب حجره شمر بفریه خیانت قصد یله دخول و تفحص در هم و دینار اوزره اسباب  
 و اشیا ازین بریریه خلط و پریشان ایلد یکی حالده عزیزم قوم دخی بر قاچ احبابه لمصلحه عزیمتلریدن  
 تحویل و حجره شمر بفریه دخول بیور دقلزیده خائن مسفورک مهورت و خزیده کوشه شمر و ندیم  
 اولد یغین مشاهده اید یجک دفعه تدارک ستر بیور و ب چند بار شمار دعوت کردیم چرا دیر آمدی و این  
 رفت و روب حجره شمارا حبه ثقلت و زحمت است این کار بنده است دیو حمله فبا یح خیانتین ستر  
 و بالنفس کنند و لر جار و بکش و بساط و فراش حجره لرین فرش و تسویه د نصب کمره جمله بی اطعام  
 و اکرام و جمله دن زیاده خائن شمر ساری عطا و کرمیه غرق غرق خیالت کونا کون ایتلمری خیانتک  
 صد افته تحو انه باعث اولد یعنی و منوال محروم اوزره حسن خلق و لطف عفو لری بین الاخوان و الخلان

اولیا عنوانیه مدعو اولم سین معصی فی الواقع بومقوله آثار بدیعہ عدیدہ بی متضمن وضع و طور ولی  
 واحدہ دن صدور ایلد کده اول ولیدہ قوت اولیا و مکنت اصغیا اولدیغی وجہا من الوجوه قابل  
 انکار دکلار دیومتر دینہ بادی تحقیق اولشد رکویا ذات پر برکتی اجزای عدیدہ نافعہ ہم جمع اولیای  
 کرامدن معجون فوائد مشحون اولوب واحد کالجاء اولدیغی حسبیلہ تسمیہ لظہر باساحی الظواہر  
 طریقیہ اولیا انظلی کندویہ الظاہر عنوان الباطن نکتہ سین مذکرا اولشد و خود بخود کندولرہ  
 تقلیدلہ تسکرا اراخلاص شریفہ ایلہ مشغول ومتوسل فتوح بہر نخب دنیوی اوللرتعین مرشد کامل  
 اولوب بلکہ بی خلوص و صدق انحق اول سورہ کریمہ قدسیہ بی تسخیر قلوب دولتان و جلب حطام  
 دنیای دنیہ بہ عزیمت ایتل یتیلہ اولد قلمی سبیلہ مبتلای برازخ نکبت مشغلیت و جان و بد نلرینہ  
 ضربت غیرت عزیز ستقم ذوالجلال جل ذکرہ مسلط مخوم و آلام واسقام اولوب ناچار پشیمان تقلید  
 اولوب طلب تحقیقہ مراجع صوب سعادت لری اولد قلرندہ این نعمت جلیلہ محض عطای صمد و اثر  
 شفاعت مردان مدد است نہ خود بخود است عنوانیہ بومقوله نعم جلیلہ نیلنہ و سبیلہ ہم سامیہ  
 مردان و انظار عنایات حضرت منان اولدیغین تفہیم ذیلندہ رہروی کہ از جادہ ہدایت کریوہ و حیل  
 باشد ہر ایشہ از مکیاد اغوال رھزنان رھانیا بدو گرفتار برازخ کونا کون شود تعبیر یلہ کشف  
 اسباب استلائے شلردر \* (نظم) \* غافل دشو کہ مر کب مردان راہرا \* درسنگلاخ بادیہ  
 بہا بریدہ اند \* نو میدہم مباحش کردن بادہ نوش \* ناکیسک خروش بنزل رسیدہ اند  
 \* کربکوی کوشش اہل حجاز \* تو بتو کندہ بودہ چون پیاز \* ہر یکی از ہمہ کرب مغزتر \*  
 صادقان ایلک زدیکر تغزتر \* چون نسکری ہیچ سودی از حیل \* ترک حیل کن کہ پیش  
 آید دول \* دانہ بی مغز کی کرد نہال \* صورت بی جان نباشد جز خیال \* کجہا از ابر درمکنون  
 کنیم \* روزی تو کر نباشد چون کنیم \* و دخی خاتقاہ مر قومہ حاجی دہدہ حضرت لری نظر کردہ لرندن  
 بیست و سہ سال آشیجی باشمک مقامندہ سرمایہ باز خدمت فقرا اولان حاجی محمدلہ بنہ مادہ  
 جاری منافستہ غنائی منضی اہان لری اولوب مقام تربیہ دہ قائم اولدیغی حسبیلہ بیر مرد فانی غنادہ  
 نسبت تہمت جزئیہ افکیہ ایلہ تکلیف تسلیم ایتککہ اولدخی اگر جان شیرین نیز باشد برب تسلیم  
 حاضر است عنوانیہ تسلیم نما اولوب و چوب تعزیرینہ پایدار اولغلہ ضرب ثالثہ دماغی مختل و حواسی  
 معطل اولوب چوب انتقام دست تشفیستندن ساقط اولد قدہ دردمندہ قوم دخی منسکسراجرہ  
 وحدتہ ربعت و چند روز خلوت ایتککہ یوم ثالث جرأت مسفور دہہ کستماخ مر قومی اوچ نفر  
 زبردست قلندر میانہ دستہ چوب تادیبہ آلوب بخود وی شعور اولنجہ ضرب شدیدا یلہ زجر  
 ایلد کارندن ماعداسنین مر قومہ دہہ گذشتہ صدق خدمانی ضایعہ اولوب مقامندن خلع اولنوب آخر  
 مردود و مطر و دخلقہ منسوبان باب اولیای کرام اولوب میتی دخی خوشان فقرایہ نصیب اولوب  
 حیایومیتا آثار انکسار لری جلوہ کرساحۃ طہور و ہم عصران و اخلافاہ قضیہ سی مادہ عبرت  
 نشور اولشد و قبیل وفاتلرندہ جملہ اشیاسین اخوان و خدلانہ بخش ایدوب انحق لوازم سفر  
 اخرویہ لرینہ وفا ایدہ جلمہ مر تبہ مبلغ امسال ایدوب و اشتغال اسم جلال او زرہ تسلیم امانت لطیفہ  
 انسانسہ ایدوب وفاتلری مسموع احباب اولد قدہ تعہد خدمت تجہیز لرین جملہ احباب نیازمند  
 اولد قلرندہ شیخ وقت اولان ناجی احمد دہدہ حضرت لری مرحوم و مسعود ولادہ معنوی لری اولدیغی  
 حسبیلہ ولایت معنویہ ادعا ایدوب خدمت پر حرمت مر قومہ کندولرہ تقویض و فراغت اولنوب  
 لکن ہر کسکدر و نندہ خراجہ تجہیز لری اولق او زرہ افراز اولتان مبالغ علی وجہ المبالغہ

حضرت درویش محمد صدیقی

لیالی و ایام ثالث و سابع و رباعی اطعمه و حلاواته صرف اولوب وصیتلری موجب جمیع سمیت قدم  
مرشد مکملترین دهن اولوب اول مهابط انوار حیات بی نهایتده آسوده رحمت دوجاهانی اولشدر  
طیب الله ثراه و جعل جوار الرضا مأواه آمین یامعین المستدین و یاملأذ المستغفرین بحبیبتک  
قائد انور المحجلین و نفعنا بجمعناک فی یوم الدین کما تمننا بعواند صحتیه و فوائدهمته فی الدنیا حنا  
بعد حین\* (حضرت درویش محمد صدیقی) \* فواحی عمدینة کوناهیه دن طوشنلونا حیه سنده انوالی نام  
فریده صاحب الاثار و بانئ جامع و مدرسه و معلم فنون متداوله و بکار مشایخ طریقه خلوتیه دن اولان  
پیر محمد افندی احفاد کرامند بر شایب ادیب فاضل صالح اولوب اصول خلوتیه اوزره سلوک  
و تکمیل اسمای شریقه ایتشیکن جدا مجد فی فوئند نکره موجب اشارات روحانیه اوزره حرکت  
وسلوك طریقه حضرت خداوند کاری تصمیمیه نفس کوناهیه ده التجای آستانه کرونی آشیانه جناب  
ولایت مآب چلبی جلال الدین ارغونی ایله دفع تشنکی انتظار دیرینه ایدوب مدت مدیده اول بقعه  
مبارکده خدمات مبروره و مساعی مشکوره اخوان الصفا و خلان الوفا ایله اشتغال و صرف  
خزانة عمر و اقدار ایدوب شرفیاب تلبس کلاه انبیا و مستنیر تکبیر سر حضرت پیر قدس سره المنیر  
واوضاع مندوبه و اطوار مستحبه و حسن امتزاج آداب و مناسک طریقتین شریقتین ایله بر کزیده وقت  
و نادره زمان اولوب و آناریدیه النظام اسلاف کرام طریقت مولویه به اشتغال و انساب ایله نائل بضاعة  
نورانیة اشتغال قریحه صافیه اولوب اثنای چند ساله تجارت راجحه بازار فقر و فناده مالک فوائده  
لطائف و سالک صاحب المعارف اولشدر فی الواقع طهارت نسب و زکات حسبی و لطافت ادبی  
وسلوك پیشین و آخری بر بر یله تعاضد و تعاون ایدوب خاتمه اعتبار و شانی السنه فقراده درویش  
محمد صدیقی عنوانیه امضا کرده تعبیر نفس خیر اولشدر و بعد زمان التجرد و التفرد احمای سنت  
نکاح و احراز خوشنودی و الدین ایدوب عبادات و طاعات و تکیه و تدریس ایله اوقات صافیه گذار  
ایکن امداد احباب الله محمد ازاویه منفرجه السکافیح اولوب و نفوس کثیره قابیلین راغب سلوک  
طریقه علیه مولویه و لا بس کلاه و خرقة ارادت و محبت و اول جلوه کاه فرحفر میدان اجرای آیین  
صفا آکین حضرت مولانا اولوب کندولردخی اول مقام سامیده عنوان خادم الفقرا ایله ممتاز اولشدر  
و خدمه درگاه ارغونیه دن اولدیی اثناده اخوان انبساط منش و مطایبه اندیشدن بعض شوخ  
مشرب کند و نل باصره لریده نمایان اولان شهلایت و حولی بهانه خرده کیری ایدوب شمارا معاینه  
و حدت مشکست کدوبینی لازم حولست عنوانیه استنطاق سیاقنده حرف انداز اولدینغه  
الحمد لله الذی جعل حول بصری فیهِ السر لا ستقامه بصیرتی عبارتیله تحمید و توجیه و معاینه و حدت  
بصیرتله اولدینغه اشارت و استقامت بصیرت اولدینغه حول بصیرت توحید اولدینغه ایمان ایدوب  
و ظاهر بینان از مردمان باصره ام نکهبائی چپ و راست را حول بندارند ای کاش دو چشم دیگر  
داشتی و آنه نیز نکهبائی پیش و پس کشندی و حولم و تا بودی مضمون تعریض مقرونیه زبان بند  
عیب بینان اولشدر و امثال ما را تخلق باخلاق الله واجب است بس اغراض عین از ظاهر و صورت  
و امعان نظر در باطن و سیرت لازمه ذمت همت ارباب بصیرتست ننگنه شریقه سبله کندولر لئی بهره  
بصیرت اولمیری اشعار و تذیل ایتشدر \* و دخی تبسیر حضرت وهاب و تسخیر جناب فیاض بیچونه  
ذات با استحقاق لرینه اکر اما صورت پذیر اولان گوشه صفوت توشه ده دست داده اولان جمعیت زمان  
و مکان و اخوان و خلان و روغما اولان عیش خوش و کامرانی تحریر عروق رشک همکاران  
طریقت ایدوب خلوتیه دن بعض متشیخینک مرید و محب لری طرف باهر الشرف لرینه متحول اولدیی

سبب بیلیدن لرند ه مناسفه حدوث ایتکه طرف آخرد ه سامعه فرسا اولان کفت وکوی بیجا قلوب  
 فونیازان فقر او احبابه خلجان القاسم بیلیدن مجلس شریف لرینه دخی سرایت ایلد کده درین خصوص  
 آئنده و پذیرنده راتحتی متصور نیست که این کار از افعال سائق و داعیست یکی سائق و دیگر فائد کشت  
 و درگاه اولیا مفتوح الباست و دعوت روحانیه اولیای کرام علی الدوامست کویاد و مصرع این  
 باب بدین دو بیت صحیح و شام صریح فرماست \* (نظم) \* الصلا کفتم یا اهل الرشاد \* کین زمان  
 رضوان در جنت کشاد \* هین یا ای طالب دولت شتاب \* که فتوحست این زمان و فتح باب \* پس  
 ایشان این نفوس قابله طالبه را بذرگاه فنا فی الهی آوردند و بنده خادم الفقر انجذمت بدمیر نقوش  
 ردیه و ورها شدن ایشان سعی حسب التوفیق والطاقة نمودیم اگر این جنایت باشد دیت بر عاقله است  
 ماراجه تاوان که فرمان بریم و قربان کنیم نفس انفس لیه اعتذار و تفهیم اصل کار و سدر خفته افواه  
 همکار ایدوب \* (نظم) \* هر که باشد مزاج و طبع سست \* اونخواهد هیچ کس را تدرست \*  
 هر که اید او کمال از چپ و راست \* از حسد قولنجش آمد در دناست \* زانکه هر بد بخت خرمن  
 سوخته \* میخو اهد شمع کس افر و خسته \* هین کالی دست آور تا تو هم \* از کمال دیگران نفی بغم \*  
 پر طاوست مبین و یای بن \* تا که سوء العین نکشاید کین \* ایسات شریفه سبیله استثم ادا رشاد مدار  
 بیور مشلدر واقع از او یه مرقومه فتح اولند قد ه جمله اها لی جانب جناب لرینه منجذب و مالا ویدنا  
 خدمت لرینه کربسته اخلاص اولوب میانه قومدن کله پوش ارادت اولنلر مصارف و لوازم اخوانی علی  
 سبیل المناوبه تعهد و التزام ایدوب بلکه میدان بدل موجودده مسابقه ایلد کلری اعصار قریبه ده  
 مسموعه اولوب جلوه نادره زمان اولد یغنی حسبیله بی نوع مشایخ و قتلریدن اکثرین درد حسد و غیبه  
 مبتلا ایدوب هر که کند بخود کند مضمون محکم الفحواسنه مظهر اولوب رفقا لرین تربیت  
 ایلد کلرنجه کند ولر غریف و مرید و مجملین طریقه مولویه دن تحویل مراد ایلد کلرنجه ممتلریدن  
 تحویل ایدوب کالای زرق وریالری کساد پذیر و بولرل شیموه رندانه لر یوما فیومار واج قبول ایتشدر  
 همچنین باد اید الابد بالنبی و آله الامجاد و تازه زمین و شلری زمانه مزده کرامت عدا و لغمه شایسته  
 و کلمیف و طائف و اوقاف ایدنلره وظیفه مافناعت و اوقاف ماتسلیم و رضاست عنوانیه مقابله  
 بیور ملری بایسته هزار تحسین و سزاوارتلافی غیر مترقبه اولد یغنی مأمون الغائله ریب و مرادر و اول  
 مقام فراغت بنیاده نیجه نفوس قابله احیاسنه و صدق مخلصیه موشع آثار دلپذیر نظم و اید اعنه موفق  
 اولشدر \* (بعد ازین) \* روز کارزور کار کل نوبهار شبانه نظر مرحمت انداز اولوب وجهه محرر  
 اوزر دسنی ثلاثینه هنوز بالغ ایکن عیش و خوش کامرانیسی و مدت مشیختی الی بدی ستمه مقداری  
 متمادی اولوب نا کهان تنبذ اید اجل باغ وجودینه و زان اولغله ستمه احدی و اربعین و سانه و الف  
 او انزنده پیچیده خالک تستر اولوب و روح معالی پر وازلری محفل مولویانه شتابان اولشدر و قبر  
 پر جبوری ینه مسقط رأسلری اولان قصبه مرقومه ده حال یاز او یه حدید العهد مر سوم سمعنا نه سی  
 روزنی متابلنده واقعدر طیب الله مقبره و جعل قرب الرضا مأمونه آمین بحرمه سید المرسلین  
 فی الواقع دینه اعتبار ایلد بو کهنه رباطه امعان نظر اولنسه عشرین و ثلاثین دخی تسکین اولنور خصوصاً  
 بو اوقاتزده یالک آمد و یالک رفت قیلندن اولان ایسه محدور دنیوی و لطافت اخروی بی معاینه  
 ایتکه نعم المطلوب ایلد تشکر کلان و دست افشاندن جعلنا الله من زمرة الخالصین آمین \* (حضرت  
 درویش عبدالساقی) \* خاکزاد مدینه کوناهیه و ابولونام قریده آسوده جوار رحمت و قرار بر انواری  
 متبرک خاص و عام و خرم که دعوات انام اولان شیخ کمال الدین اولاد کرامتدن اولوب اوائل

حضرت درویش عبدالساقی



حائده محترفه و تجار دن ایکن سعادت ازلیه کندویه فریادرس و کرداب عوائق ماسوادن ساحل  
سلامت انقطاع و تجرید در هراولوب اختیار مسالک و طرق موصله مطلب اعلاده متردد و مستحیر  
اولغله امواج نسایم عنایت روی دریای حوادنده کشتی عزیمت و خله توجهن آستانه حضرت  
مولوی جانبته سوق و توجیه ایدوب جللی عبدالخلیم نوبت مشیخت و سایه ولایت بنده تربیت یاب مطبخ  
عاصره آداب و خدمت و سر بلند تکبیر و سرافراز سکه و خرقة ثبات اولوب تحصیل صورت طریقت  
عقبنده احراز منزله تنقیح سیرت و تمذیب صنعت صد دنده دلیل تعلیم آداب لری و تربیه دار آستانه پر روح  
وریحان حضرت شمس الدین قدس سره المبین و سالف الذکر المنقبة النفیسه اولان مصطفی دوده  
حضرت لری خدمت شریفه منته منساق اولوب مدت مدیده اول بقعه مبارکه حسرت العاشقده ذره  
وارد وار کردار پسندیده و دیده دل و جانی مستنیر بر تو معرفت و رهیده چار منج انانیت اولوب ارشاد دلیل  
و می یلری اوزره عمل و وطن قدیم لریده تأهل و کوشه وحدت فناءت توشه لریده دامنجین فراغ قیود  
بود و نبود و ذوقیاب اغتنام داده و موجود اولمشدر و عروق قدیمه و اصول زکیمه انسال کمالیه دن  
جلوه کراولان آثار حلیله یونلرک ذاتلریدن روغما اولغله نفس و نظر لری حرز الامان علل واسقام  
و توجیه حاضر فیض ماثر لری سرمایه نیل مرام اولق بهانه سیله ظهور ایدن فتوح بی مسئله مقیم پیمانشه  
اکرام اخوان و متعهد نوازش خلان و مواعظ آیین وارکان و مقبل شان زمان و بر خور دار کار مردان  
و کیمیا کرا کسیر عرفان اولغله بین الفقرا اذکار حسن سلوک لری و رزبان و ذات ستوده نعوتی  
محبوب القلوب اشرف واعیان اولوب ابتدای مشیخت مزده آثار جزیه توجیه قلب الهام تقلیل یله  
مخطوط اغتنام کونا کون و امسداد و یاری اتحاد لری یله نوبت نمون اولمشدر که کاین بنی شروط اخوتی  
مراعات و رسوم اطاعت و اعانتی اجرا و مواسات بی تلون و ترددی التزام ایتمشدر حق الانصاف سیر  
و سیاحت آفاق زده شرفیاب صحبت مفیده لری اولدیغز اخوان الصفا میا ننده نادر الاقران اولوب  
اوقات شریفه لری استقرب آداب شرع و طریق و استیعاب قربات و استیفاء حظ و افر تمکین اوزره  
گذران اولمشدر و بلا استشراف انفس جوار سعادت بخانه لریده اولان مدرسه خاتونیه بقعه دار لغی  
کنند و لراره زانی کور یلوب انل دخنی منافعن ظاهر اضمیمه فتوحات سائره لری و خرجه اکرام  
در دمنده ان و وسیله جلب منافع باطنیه ایدوب واقف احوالی اولنلر ما بقیت انفسک اولعیالک  
عنوانیه مستفهمین اولدقجه ما بقیت الا الباقی فانی عبدا الباقی نیکمة الطیفة لر یله نمونه نهای توکل  
و ایثار اولوب بفضل الله تعالی به امور مزبانی و لوازم عیش خوش نفس و عیال لرینه مضایقه طاری  
اولیوب دائره معاشی مدار برکت غیر نافذه اوزره دائره و تدویر معادی مرکز توحید حالی اوزره  
صاعد اوج ترقی دمبدم اولمشدر و بالذفات مشیخت خانقاه جد امجد لری اتفاق مریدین و اجماع  
محبین ایله کند و لره توجیه ایلد کده اکر مراد مشیخت صوریه است صور مشایخ وقت اورانس است  
واکخر خلافت سرید است اوران شستن صدر خانقاه حاجت نیست وارث اولیا هر کجا که  
باشد همان دارالکرامه ایشانست عنوانیه سر زده کلمات وراثت آمیز لری مصدر آثار اسلاف  
اوللرین تأیید ایدوب آستانه مرومه ده مشایخ وقت اولنلر یونلرک شریک ندور و قرا بین و منشأ آثار  
اقبال اوللرینه کفت و کوی رشک آمیز ایلد کارنده فرستاده رارد و آئینه رادفع خلاف آیین  
پیشقدمان و استغنا عطا ای منان و بخل فیض مستعانت عنوان تسلیم و رضا مشکونیه اسکات  
ایلیوب الی آخر العمر آرمایش دیرینه ماملک نثار یلری اوزره آبا و اجداد لری فقر خانه لرینه عطا پاش  
فتوح اولمشدر حتی تجاوز حد ادب جسارت و کسر خاطر لرینه جرات نثار اوللرلی ناکام بعض

عوارضه ابتلا سببیه بالضروره طرف باهر الشرف لینه التجا ونذر وقریان ایلده توسل ایلد کده میامان دعوات خیریه لریله عارضه لری مندفعه وخشوتلری مرتفعه اولق کرار رونمای ورای پردۀ غیرت اولوب هرکس قانع حد ورتبه سی اولد قد زمین سلوک مادهمیه وزمانش مولویه است پس یگادونا برابر نشوددم تشکر توأملریله تحدیث نعم و بیان حقیقت حال ایتشدر وبقعه مبارکه ارغونه ده سلفی اولان خلیل ده ده مرحوم علت قلت مما نعتیله خدمت فقراده نکاسل غما اولغله بالدفعات نصیح وپندایدوب لیکن مفید اولوب بلیکه مداخله امور مشیخت توهیمیه بینلرنده سبب برودت صحبت اولوب زمان خلاف امتداد پذیر اولد قد مه ر بانان اخوان توفیق و تصفیة مراد ایتلریله کندولره تواضع درویشانه وفراموش ماضی سوق ایلد کارنده در آن آستانه سعادت هنوز نکشوده است دیر غانده است که بکشاید و آمدش دیاران کما کان باشد نفس مکشفه سمر لریله سد باب الحاح ایلوب وسر یع و عاجلا بنده کینه جاروبکش میدان و خادم الفقرا ی درگاه ولایت دستکاه ارغونی اولد یغمزده تجدید عهد قدیم ایدوب ر و مال عقبه علیا وسینه صاف عین الجمع فقر او دست افشان و پای کوبان سخن دائرة سماع و صفا اولوب رخص و اشارت سابقه لری جلوه کرساخه ظهور اولشدر و وجود عین سودلری من به الافتخار اخوانمز وبقیه اسلاف کرامت کردار عزیزا یکن صدمه روز کار غدار له چراغ حیات مستعار لری باطن و خموشان محله میدانده گذشتگان آثار یله همیله اولشدر وسع الله تعالی رحمته فی مضیق القبر وفتح راحته فی عقبه الحشر والنشر آمین یا مجیب السائلین \* (حضرت درویش احمد قاری) \* بولوی المولد واولاد علمادن و صاحب همت و مالک سرمایه قابلیت اولوب بهانه طلب علمه اختیار غربت و دارالدولت بر وسه ده سنین علیده تحمل کربت ایدوب بین الطلبة متداوله اولان فنونی جمع و تحصیل ایلد برداشتمند ذی بضاعه اولوب تدریس و تکرار و نشر معلوماته شروع اثناسنده نشر و تکرار معلوماته اولان تحصیل حاصلی ملاحظه ایلد اعجبیسی اولد یعنی علم تحقیق و فن تصوف فوائده قدسیه سین احرازه همت و مدارس علم لدنی اولان خوانق طرق علیه اولیای کرامه تردد ایدوب آخره وجب رأی و چشم دید یله عمل و صالح ده زاده شیخ محمد حضرت تلی دامن و اتیانسه تشبث ایدوب بعد تکمیل حله معینه مولویه الباس کلاه و خرقة انا تله شرفیاب اولوب بعد زمان حضرت شیخ غوثی خدمت پر خرمته نائل و خانقاه غلظه ده آشجی باشی و نوعا کند و به تمکین جنبش و آرام کار شناسان سلوک دست داده اولوب لیکن هنوز اول کار ده اقتدار دست و پای سعی مشکوره نائل اولدن سر کار ده شغل امر و غنی و حکم کندولره سدر اه اوله جعین اذعان واستیذان ایدوب وحوالت شیخ موسی الیهله سالک راه سیاحت و مقیم آستانه مرادیه و کج خجول و انزواده داعین الف آشناییکانه اولوب حضرت شیخ سید محمد صحبت مفیده لریله مستفید علم لوازم سلوک راه مردان اولشدر و مدت مدیده اول بقعه مبارکه ده مشغول تصحیح آثار کار طرق اولیا و مواظب عبادات و ریاضات و کوشدار لهجات قدما ی قدم اولوب انتخاب و اختیار فوائده لازم و ترک مالا یعنی ایدوب وجودش یقاری مجموعه معارف و عوائد و نوادر اولغله صیت فضیلت و اخلاق حسنه سی شیوع پذیر صماخ احباب و مکرم و محترم اهالی اولشدر \* حتی ابتدای ظهور اسفار انکروسیمه ده منجم احمد ده ده حضرت تلی استعفا واستیذان حج شریف ایتد کده عزیمتشار المیهل همدان دیرینه لرندن منجل احمد افندی منسوبین صدر اعظم مصطفی پاشادان اولغله آنلرک سوقیله جانشین منجم ده ده اولق اوزره اختیار بیور یلوب وخواه و ناخواه سفر مر قومه رجال اثنی عشر استشاره یه الحاق و مر قوم احمد منجله هم رکاب و هم خیمه و ملازم دواثر محرمیت اسرار مکتومه

حضرت درویش احمد قاری

مشیرانه لری و محرم بنم خاص مشاوره اولدقده کندولره توجه ایدن خطاب استنطاقه این عزیمت  
عظیمه ر امد آرای رزین شیخ الشیوخ حضرت وانیست پس معقول آنست که معادومیه اش  
نیز بد بیر او یکدست باشد عنوان تسلیم ارکانیه مداهنه طریقه لری مشرب دقیقه شناسانه خوش  
آینده اولمغله احمد منجل و امثالی محرم ان استثماسم سوء مال ایتکه که برسان حقیقت حال اولدقده  
غیبت فیلسوف زمان و نادره دوران خبر صدق نبود که او خود را زمیانه بهانه حج دزدید بسماند کثرا  
این اشارت بسست بعد ازین بغیر مداهنه و مدارا خطر است اگر منجل درین طرف است اما از اهل  
قلم است اگر از ارباب سیف بودی حصاد المخالفین روی نمودی و منی برقیسه لریله اشعار مال حال  
ایتشدر فی الحقیقه وفار التورطوفان هر عیده کندولر محرم لریله حاضر بولتوب بی زحمت زاد  
و از دحام منزل سلامت مند فلاکت دید کن عسکری تماشا ایلد کارنده ایاب و ذها سکه ره برش  
غراب بود هر اینه همچین خراب شود مضمون احزان مقرر و نیله تأسف کلان و نالان و کرین اولوب  
مسارعت نامه ایلر رجعت نمای دارالدوله استبول و خانقاه باب جدیدده کوشه کزین فراغت  
اولوب سائلین تفصیل احوال و حوادثه تخمی که وانی افشاندیم تر ازین حاصل ندهد که مبدأ کشت  
و کرش بلای خود و دیگران شد و معاد حصادش قتنه و خرائی دین و دولت کشت مضمون مکشفه  
مقرونیله جمله نسکات حوادث شامت وجود و نحوست آلودی و ثمرات بوسیده مهووعه شجره خبیثه بودی  
اولدین اشعار ایتشدر کویا اول روح بی فتوح پر شامت کالبد واته حلولی باعث انکسار بشمار  
فقرای طریقه سید الارباب و بادی رویکردانی خداوند کار و سبب آزار عامه اختیار و موجب مجازات  
پریشانی کافه اهالی دار و دیار و کندولره و احباب و اشیا عنه دخی مورت نمکبت و دمار اولمشدر نعوذ  
بالله الدافع الحفیظ من شر ورمکند هم و سرایه مفاسده هم انه هو الدیان الحکمیم و باخراب اولیائه  
ولی حمیم \* و دخی خانقاه مر قومه خدمت امامت و قرائت مثنوی شریفه شرفیاب استخدام و ذاتا  
وزمانا مستحق مقام خلافت ایکن ثانی احمد قاری و سابع احامده مهر و فیه اولمق همی بقاع مبارکه  
آخرده محل و محلول اولان مشیختلر قبولنه مانعه اولوب و ناجی احمد دهده حضر تلری دخی کندولرین ولی  
عهد انتخاب ایدوب زمان استیلای قه و هر هم و شیخو خنده ادای خدمات مشیخت و تسویه امور فقراده  
قصو رضر و ریزی حسبیلر عامه انتقال دوش همی کنده لره تخمیل ایدوب بالنیابه سابع احامده  
و ثانی قاری اولوب لیکن بالاصاله مشیختلرینه عمر کرانمایه لری مساعده ایتیموب فضائل فقرادن  
مثنویخوانی و نیرنی و سماعزنی و خوش نویسی و سخن دانی و زبان آوری و خوش الحانی امثالی معارف  
جمده ماهر و فائق الاقران و خوش صحبت و ندیم فهمیم و حکیم محل شناس اولمغله کبار علما و بلغای دار  
الدوله استبول و ادرنه و بر و سه میاننده موقر و محترم و مکرم و شان درویشان لری و اشتغال بارقه  
اقبال لری حسرت الامثال و داغ سینه پر کینه حساد فساد و عیش خوش و کامرانی لری فخر الاحباب  
و ذخرا لصدقا و اولمشدر و هواداران سیردار و دیار کنده لری تشویق و ترغیب تماشای آثار رحمت  
ایلد که اگر مراد از گردش امصار و بلاد تفرج اعتبار و اختیار و صحبت عباد است بتفرج بلاد ثلاث  
و تبرک و اغتنام اهالی ایشان از نزهت و نظارت جهان و استفاده زیارت جهان نیان استغنا داریم غایه  
ما فی الباب از رومالی اعتبار علیه روضات مقدسه انبیای عظام صلوات الله و سلامه علیهم اجمعین  
و از جبین سائی خالک بالک عنبرناک جناب مشاهد منوره اولیای کرام بحسب الظاهر محروم  
شدن است فاما عنایات و عواطف اسرار و ارواح نیره آن شاهان و ماهان زمین و زمان حقیقت را  
بعد مسافه و صورت حائل نشود هر کجا کنبند کن و دردمندان بجانب ایشان عرض احوال

و نیازمندی کنند هر آینه در یابند و دستگیر شوند پس درین زمانه برفتن و محن توجه درون اخلاص  
 مشکون اکتفا انفع نماید کلمات نفس الامر بیه سیان حسب حال ارشاد ایتش لرد و یاران وفا  
 کاران مجلس الفت بی کلفته فرصت یاب وقت نشاط و انبساط لری و مطایفه واقع الحال کولری  
 اولوب عجب حرص بی اندازه داریکه همه هنرهای فقرار از طاعات واذ کار واوراد طریقت ترا جمع  
 کردی و همه جلب حسن نظر و خیر نفس میکنی و با این همه در جست و جوی اسباب دگری مضمون  
 تعجب مقرون به لطیفه است متکشاف آمیز ایلد کلرنده این مقامات اولیا و بقاع مبارکه اصفیا محال  
 رجای رحمت و موقع انتظار عنایت است و طاعات واذ کار و هنرها بهانه های فضل است پس تشنگان  
 زلال عفو و مغفرت را در جست و جوی مناهل مبالغه کردن لازمست و چاره جویان خلاص مکنند  
 دیو و نفس را در تجارب اسباب نجات اهتمام واجب است قول معمول به لریله تعلیم سمت نیل مرام  
 و تلقین طریقه فوز مقام ایدوب یوما فیوما و تیریه مرقومه اوزره اقدام و ثبات لری همراهان سائر دخی  
 ناز بانه غیرت اولشدر \* حتی زمان احتضار لریده جمله اشیا لرین اخوان و خلان تفریق و تقسیمه  
 تخری نام اوزره متوجه قبله حقیقت و مو اطب ذ کرجلال و همان اسم هو یله تسلیم امانت الهیه ایدوب  
 الله هو لفظ جلیل الشانی قرین آخر نفس لری اولشدر و کالبد متروکاری خموشان فقراده و دیعه  
 آغوش مادر مشفق خاله رحمتا و یاد بان خیر لری زیب محافل اخوان و زین المجاس خلان اولشدر نور  
 الله مرقد و طیب عیسه و ارغده آمین یا مجیب السائلین \* عزیز مرحوم و مغفور له یو فقیر  
 ذلیل ظلومک وقت انابت زده دلیل تعاطی آداب طریقی اولوب دلال متین به لریله الله الحمد و المنه  
 دخیل در که ولایت دست که حضرت پیر قدس سره المنیر اولوب مدت معلومه خدمت حجره پر کرامت لریله  
 مستعد و تربیه نافع لریله مستفیض ایکن داعیه سیر و سیاحت رهزن است فاده کلمه اولوب  
 هزار افت و خیز و کرم و سرور و وفرا یله نوعا یو بیکر اصل کار اولوب نائل بضاعت مزجات صحو  
 و تمکین وینه امید قبول پیاپی خدمت پر حرمت لریله پیر امنکر در حجره وحدت لری اولد فده اول شاهباز  
 بلند پروازک آشیانه بدن لری دقین و لانه روح روان لری اوج علین اولد یغی پیام حسرت انجامی  
 کوشزد اولنجه قبه دماغ پر دود هجرانه و لولنه و احسرتا بدیده فرسا و خونا بدامت فوت فرصت دامن  
 پر سنک ضحیر ته رنگ خونین فرما اولوب بعد خراب البصره لایقید التمدد و الحسره مقتضا سنجیه  
 توسل سر مقتدر بنده دعای خیر دن غیر ی چاره نایاب اولد یغی نمایان اولغله ناچار دامن وساطت یاد  
 خیر لری نه تشبث والی آخر العمر تشکر نعمت دلال لریله التزام دعای ارتقا در جه لری و طیفه صبح  
 و مساقم شدر اللهم ارحم و تحن علی كافة دلائل الخیر واجعلهم و فاعلیه فائزین و کثرهم و احشرهم  
 تحت لواء حبیبک الا کرم المصطفی الی المقصد الاقصی بمنک و کرمک یا من ارسله رحمة لکافة الوری \*  
 من العجب ایام حیات و آوان تحمل مؤنت مشحون لریده کاه و بیکه سر منبر تذ کیر لریده و مفتوح و عظم لریده  
 روی انحصار نما اولد فیه چند دقیقه مر اقبه دنصکره فاتحه خوان خاتمه اولم لری بعض محبینک خلجان  
 انداز خالمر صاف سی اولغله حیا لریده استفسار منشأ حالت مرقومه ایتدیکنه افسوس گان خوابه  
 و ارنجه مثال مقدس لری چهره کشای در بجه خیال اولوب هنوز محب مرقوم عرض مشکل ایتدن  
 لهجه بر بجه و حایه لریدن آن حالت غریبه انحصار نبود بدیکه دران اوقات صحائف درس  
 در نظرم بیاض صحیح نمودی و هر چند که بصیقه خاطر ممر اجعت کردم که از معلومات محفوظات  
 چیزی نقل میکنم صحیقه خیال را هم چنان خالی دیدم کلمات قدسیه لریله سامعه باطنیه به تلقین حل  
 مشکل ایلد کلرن مجلس اخوانه نقل ایتدیکه درویش صالح و حاجی حسن نام قدما ی طریقتدن ایکی

تفه معده حیات نریده دخی سؤال اولند قدده بومقوله جواب ویرمش لردیو شهادت و تحقیق و توفیق  
الظاهر بالباطن بیورد قلدن ماعدا استقصای مال واستفسار سر حال اولند قدده بعد الیوم الثالث  
تقریر معهود از جانب حضرت ناجی دهده سؤال کردم فرموده است که الشی لا یشی الا وقد ثبت آن  
صورت حال مرشد پیشین ماست که از ناطقه صالحیه در کسوت حرف و صورت بمعنی روی نمود  
وازلحجه فقیر در هیئت درم درم روشن شد و از زبان شما در همکل انحصار و انقیاد پیدا شده معلومت  
که بعد ازین تمامست دیوتفصیل حال وراثت مال بیور ملین نقل صحیح ایتش لرد که کیفیت اولی و ثانیه  
صالح دهده و ناجی دهده منقبه بنفیسه لرنده تقدیم اولمشد که تکرر مر قوم عزیز مشار الیهک وراثت  
سرید لرنه امارت باهره اولدیغی بی شائبه اشتباهدر \* (حضرت درویش نوح) \* نجمیه ارزن  
الرومده اولاد طائفه یکچیز یاندن و بعد وفات الوالد خدمه ابواب و زرادن اولوب اوزار انساب و زراعی  
اذعان اید یجک رفقای حضرت درویش ابراهیم دور و دی به ملحق و طفیل التجای عتبات علییه  
سلاطین و لایت اولوب حلبی عبد الحلیم فوتند سکه دار ارادت و حلبی بوستان عهدنده انواع خدمات  
آستانه سعادتده مستخدم و حلبی صدر الدین وقتده مطبخ عامر دهده آشپزی باشی ملک مقامنده متعهد  
امور عین الجمع و معتمد علییه حضرت حلبی مشار الیه اولمشدر و اغلب احوالی مر قوم درویش  
ابراهیم حضرت لری نظر حمایه لرنده مرعی و تأدیب صوریه و معنویه لری ایله مؤدب و اولدخی سرباز  
مد کورل خدمات شریفه سنده بذل مافی الوسع ایدوب و تکلیفات نقلیه سنده قطعار وی عجز نما  
اولیوب حضرت سلطان دیوانی قدس سره النورانی و جناب حلبی آرغون قدس سره المکنون  
و حضرت والده سلطان علی تر بها الروح والریحان بقاع پر رحمت و رضوان لرنده تحمل خدمات شاقه  
ایله بر دردمند بانیاز و بهره یاب عنایت کریم بی انباز و او اخر وقت لرنده اکر دیر قصه سنده جای  
آسایش اخوان مولوی اولان بقعه شریفه دهده زاویه دار تعبیین بیور یلوب چراغ حلبی صدر الدین  
اولمشدر و اول کوشه فراغت توشه دهده دارلما فائله مشغول و عیش رغد و زیند کانی خوش ایله اوقات  
گذار اولمشدر و کندولر ایله اوائل حالد حقوق کثیره قدیمه اولدیغی حسبله زمان مشحونه سزده  
بقعه مبارکه ارغونیه یفزیل اولوب مدت مدیده صحبت لرندن مستفید و خدمت لرندن ممنون اولدیغیمز  
اوانده کندولر ایله برای زهت خاطر بعضی تفرجگاهه توجهده همپا اولوب انشای راهده احبابیدن  
بر دردمند کلوب معامله دستبوس و مصاحفه ایدنجه تیز تیز نگاه ایدوب و متعجبانه سرجنبان اولملرندن  
سؤال اولند قدده جان این نا توان همان عیسان آمده است خواهد که از میان بدنش بیرون جهد مضمون  
فر است مشکونیه نفس فرمای مکاشفه اولملری بعد هفت روز شخص مر قوملخانه مرحوم اولسمله  
جلوه کرمنصه اصابت اولمشدر که محض اثر جمیل قرینه صافیه لری اولدیغی و (انقوا فراسة المؤمن)  
دقیقه سندن حصه مند اولد قلدی الکل نمایان اولمشدر \* (بیت) \* هریشه کمان مبرکه  
خالست \* شاید که پلنک خفته باشد \* (دیگر) اندر آینه چه بیند مر دعام \* که نیند پیر اندر خشت خام \*  
چشم بینام تراز سید عصا \* چشم بشناسد کهرزا از حصا \* و دخی مطبخ آستانه سعادت  
خدمه سندن ایکن انشای شدت شتاده حضرت حلبی بوستان طرفندن قره حصار طرفنه ابصال  
مکتوب خدمته تعیین اولوب ابواب شتویه سی پریشان اولغله ذهاب و ایاده سربا قدم سرما وجودینه  
اثر فرساوزمن و مقعد اولد قدده آلام و بیچتاب و انینی لیل و نهارده باصره و سامعه سکن مطبخه کدر  
رسان اولدیغندن ناشی تداوی کونا کون و تجارب رنکارنکه اندفاع عارضه و انقطاع ناله و انیشه  
همت اولغله آخر الدواء الکیه قرار و یروب مواضع عیدیه بدنده داغزن اولوب دانه نخود

حضرت درویش نوح

هر داغی بر چشمه قبح و صید ایلدیک کندی به بر مقدار سبب راحت اولوب لکن موشان لقمه دزدانک  
حرکات متصله سی مانع غمزه عین اولغله تدارک لسم الفار ایدوب سوا کن مضره فی الطعام مراد ایتکه  
سم الفاری جلدن قهیرانه سنده اولان نخود لر ایله محل واحد وضع ایدوب و نخود لر بحاورت سم  
الفار دن متأثر اولدیغندن غفلتیه بناء نخود مسمومه بی چشمه لرینه تعبیه ایدنجه داغ برداغ اولوب  
فریاد و فغانی بی موسسه قباب کردون و مار کوفته سرمانند پیکتانی رحم آور آشنا و بیکنه اولوب و سرنا بدم  
آماس پذیر اولدیغی خلالنده کویا هر چشمه سی بر جوی خوناب اولوب روان اولدجه آماس بدننه نزل  
واو جاع و آلام و پیکتانه انتطاع حاصل اولوب همان روز صحبت و عافیت کامله ایله معتم و بعد ذلک  
الی آخر العمر مانسدر و بین تن مأمون الغائله اسقام و او جاع اولدیغی اثر خاصیت سم الفار اولق  
تحقیق اولند قده جمله به سبب دفع او هام و تر دد اولوب درد مند ان مخلصین درگاه اولیا به سم تر یالک  
و غم مایه نشاط اولدیغین اول عاشق صادق قضیه ابتلاسی اثبات ایدوب کندی ویه وسائره باعث ثبات  
قدم اولوب بد نلری کویا متحد اولشدر بناء علیه غفلت این دائرة مردان به تر از انتباه دیگرانست  
مضمونتی ضرب مثل و زبازد ایتشدر که فی الواقع طیب حاذق و جراح ماهر اول نخود مسمومه ایله تدبیر  
مراد ایتسه تسلیم محال ایدی لکن بحسب الغله استعمال اولوب برکت سایه سعادت مایه اولیا ایله  
داءدوا اولشدر و کند و لره غفلت معهوده لر ی سر مایه انتباه اولوب و من حیث بر جی النقم نعم ظهور  
ایلدیکین معاینه ایدوب طوفان او هام و غرقه امواج او جاعدن نجات بولدیغین مشاهده ایتکه بنده  
هنوز درویش فوج شدم عنوانیه تشکر و تحذیث سر اولشدر \* (نظم) \* صاحب دل اندازد آن زیان \*  
کر خور داوزهر قاتلرا عیان \* اوز آتش وردا حمر آورد \* از زیانها سود بر سر آورد \* در مقامی  
زهر و در جایی دوا \* در مقامی کفر و در جایی روا \* کرخه او انجا کزندگان بود \* چون بدین  
منزل رسد درمان شود \* ودخی اول سالک قلندر روش میان خدام مطبخ عامره آستانه  
سعادته جمله دن اقدم و صاحب دم و قدم اولدیغی حسبه زمره تبدیل الشکل لاجل الاکلدن  
برا کول ناشسته رو و سگ هر کو و مکس هر خوان کران سایه و جان هر قنده اخوان و خلانک آمدشد  
و جمعیت لر بدن بوی طعام استشمام ایتسه بلا دعوه سایه اندر ثقلت اولوب تکدیر وقت باران ایتده  
مصر و مستمر اولسبیله کندی ویه تشکی و دفع باینده رجای همت اولغله بالدفعات تنیه و تأکید  
اولوب لکن لا ابالی و یقید انفعال اولغله مؤثر و مفید اولد قده ناچار زیر خرقرینه بر جوب و مؤثر  
تعبیه ایدوب اکول مزبور ی محل ضیافت تأدیب اوله حق بر جای خالی عن الخلقه دعوت ایدوب محل  
دعوت و وصوله خلوی محسوس اولیجی مدعو مرقوم خیمه و خرگاه و مطبخ و اصحاب ضیافتدن پیرسان  
اولد قده جوب مخفی لرین در میدان ایدوب هرگاه لوت نباشد کاهی لت باید خوردن عنوانیه ابتدا  
تعزیر زبانی و بعد بر دخی بلا دعوت بزم اخوان و خلاننه ثقلت آور اولغله توبه نصوح ایدنجه ضرب شدید  
و تأدیب اکید ایدوب فی الواقع یاران اول کران سایه نلک ثقلندن آسوده اولد قلی کبی اولدخی  
اول خوی بد لشتا متدن نجات بولوب تعزیر لر ی طرفه نافع اولدیغی نمایان اولیجی ینه دنیوی رعایت  
و افره ایله نوازش و استلال ایلد کده تقبیل مرقوم تأدیب مرقوم و بعد اول نقدی کور یجک  
و هرگاه لوت نباشد کاهی لت باید خوردن لطیفه سنی اصغا ایدیک سزله پیشین حلال ایتشدم که  
بومقوله تأدیب معنی دار و تعزیر لطیفه بار هر ثقیله میسرا و لیز بلکه قهیر بکر مریه برکات صورت  
سبک و حاندر دیوانصاف ایدوب تکرار دست بوس لر یله مستدار اولشدر و مابین ظرفای دارالاولایده  
مستلای ثقلت خلاف جنس اولد قجه اینهار انیز ضیافت ده دهنوی باید منزله دار مثل سائر اولشدر و اول

حضرت درویش محمد حسیب

نشین اخبار و جلوه کاه ابرار مرور روز کار له دل عشاق و ش خراب اولمشیکن بمن قدم لرله تعمیر  
و تجدد اولنوب کافی قدیم مسکن اخوان آئیده و ورونده اولوب کند و لر دخی تلافی خدمات  
مخلصانه لرله خوشحال و فارغ بال رسیده سرحد مال و سایه راحت مایه اسلافده غنوده جامه  
خواب سلامت چارمخ عنصر و رهیده احتیاس زندان طبیعت و خرامان خیابان روضه جنان و اشدر  
وسع الله علیه رحمته و و فر نعمته و ضاعف عفوه و مغفرت و حشره فی زمرة الاسلاف الکرام بالنبی  
و اصحابه العظام آمین یا اکریم یا ارحم الراحمین \* (حضرت درویش محمد حسیب) \*  
استانم ولی المولد و اولاد علمان و ملاک خاندان سر و ساماندر بر شای ناشی علی طاعة الله تعالی  
اولوب سرمایه شباب و ثروت خرجه طرب علم شریف و وقف کسب عمل لطیف ایدوب ان الله  
ملائکه یسوقون الال الال مصلد افجه حضرت سید یوسف نسیم جناب معارف نصابک صحبت  
و رفائتمه منساق و منازل ظاهره و رفائتلی کبی مسالک باطنه دخی همرا اهلری و حضرت سیاهی  
مصطفی دده جنابندن انابتده همدستلری اولوب و منجم دده صحبتند دخی همدستلری و سیاحت  
حریم الشریفینده همپالری و انلرا اختیار مجاورت ایتد کده بونلر رفائتلیدن مفارقت و حجاجله نه  
رومه رجعت ایدوب زیارت کعبه العشاقله مشرف و درگاه حضرت سلطان دیوانی و بقعه مبارکه  
ارغویه دخی مستعد چند ماهه خدمت اخوان الصفا اولوب ققههای کوتاهی به دن بعض منکر  
و متعصب ایلده صحبت اتصافیه دخی بحث اقتضا ایدوب جرسلسله مناظره امتداد ایلده فقیه مسفور اثبات  
مقدمه متنوعه سندن عجزی ظاهر اولد یغندن ماعداد کلام تحکم نظامنه هذاه و نفس الامر  
عنوانیله اشارت ایتسنه حاشا بل هو عکسها الفظیله مقابله سنده عرق غضب و تعنتی جنان  
و پریشان و غش کویان اولد قدغه تغییر ماسبق قصدیله هذاه و امر النفس کما کان المشار الیه السابق  
اسلو بیلده تمسک طریقه یفانه لر باعش تبکیت جدول معهود اولوب رثائت زری و حقارت شکنه  
نظر ایلده مغرور فضل پرفضولی و سبک و سر دجسته عدم احتیاطی کندویه جالب الزام اولد یغندم  
یقینی ایلده بین الاقران شرمسار و عزیز موی الهی میدان مناظره دده جلالت و تمکینی السنه ارباب  
انصافده یادکار و مایه الافتخار اولشدرفی الواقع معرکه مرقومه به کتبه صمت و سکوت و تسبیح  
و کوفی پرده ذاتی و اغله رعایت قدر لریده تقصیر اولمغله بعد الوقعه اکرانه تصدی اولد قدغه چند  
ماهه تحنین ایلده اخوان و خیلان دخی توحش ایدوب کوه و صحرانشین اولدیغی آواده ناکاه لرزان  
و کیزان خانقاهه کلوب کند و نلک پرده نصیری کشایشندن ناشی حالا حیاینده اولان اشخاص متحرکه نلک  
صورسیرتلی هویدا اولدیغین و کدشت کاکلک ارواح مثله متجسده لرینک نمایان اوله سندن نقل  
ایدوب و غلبه دهشت و وحشتدن تشکی ایدوب خلوت و جلوتده بیخضور اولدیغین یاد و کیه و زاری ایلده  
سروبارهنه سیاحت ایدوب مدت مدیده نام و نشانی مسوع و مرئی اولوب کویار جال غیبه ملحق  
اولمشیکن بعض سیاحتندن قرائت مدینه ازینقه تاهلی و معلم مکتب اولملری استماع اولنوب  
استغراب اولد قدغه مکر حالت عجیه مرقومه ایلده سر بحر اولد قدغه حیران و سرگردان و بخواب  
و خوراقان و خیزان ایکن رجا لدن بر وجود فائض الجوده مصادفه ایدوب ضیق حوصله و غلبه  
شهوة نظر و شفقت بیور و ب تاهل و تعلیم صبیانه امر بیور بلوب اولدخی موجب امر لرله عامل  
اولد قدغه تاهل ایدنجبه ظهور صور سر اترده محبوب و تعلیم اطفال ایلده نمایش ارواح متجسده دن  
مخروم و وحشت و دهشت سابقه اضطرار بندن رهایاب اولدیغی تلقی کرده احقر الفقرا و اقفر  
الوری اولوب حالت ثابته غفلت و احتجاب اوزره بین الا جانب اخوان طریقتدن دور و مهجور



حضرت درویش احمد لیب

وصاحب ذات وزمان ایکن مقامات اولیاده خدمت فقراد بی بهره قالدیغی ومنوال مشروح اوز ره  
افنای وجود ایلدیکی مشفقین کرام طریقه باعث افسوس ودر یغ وهنوز نارسیده ژر بیه تمکین  
ایکن مرشد مکملدن جدا ویتیم اولنلره سبب اعتبار اولمشدر و تحمیل ایلد کیری بارک بریسی  
طاقتسکداز و آخری شعور سوز اولغله مابین سوز و کدازده فی غیر الوقت هر مسمتولی و آلام افکار  
معاش عیال و دخل رایش تعلیم و تأدیب اطفا لاله بیتاب و توان و دلفکار و مسارع سفر دارالقرار اولمشدر  
غضله و عفی عنه مجنه و کرمه \* (حضرت درویش احمد لیب) \* صوفیه وی الاصل و اولاد مشایخ  
صوفیه دن اولوب بعد وفات الوالد دارالدوله ادرنه به کاوب سالک طریقه جلوبیه و طالب علوم  
ظاهره و جامع فنون رسمیه اولوب لکن ظاهر و باطن مجمع علوم و اعمال ایکن ینسه کندویه صفای  
درون احسان اولنمیدوب هر دو چار اولدیغی درویشان سؤال طریقی انشراح صدر رایتد کده  
لهجه پر بهجه جمله دن راه انشراح صدر و صفای باطن فقط معارف لدیه اولدیغین تلقی اتمکله  
مجمع عارفان و صافی درونان اولان خوانق مولویه ملازمته دل بسته و دفعه دفعه سیاحت مصریه لریده  
حضرت دده نسیب جنابنه رفیق شفیق و انابت طریقت علیه ده انلر ایلده همسر اولوب و عقد مواخات  
بیلریده قابل انقصاص اولما غله نسیب دده حضرت تریله عامه سیاحتلریده رفیق شفیق و کافه اقامتلریده  
انیس و جلیس وزمانلریده جلوه اتحاد لری حسرت الاخوان و مصادقه لری نادره دوران و کویا  
صحبت مفرحه لری اشتمال جمعیت حسیب و نسیب و لیب ایلده اجزای نشاط انکیزدن مر کب  
برمچون طرب مشحون اولمشیدی و بالذات خوانق اطراف مشیختی کندولره تکلیف اولندقه ده  
ماهچون جماعت فقیه و صوفی و شریفیم کما کربفر بب باغبان زمان آلوده شویم و ازیکد کرجدا  
باشیم هرا ینسه درتهانی زیباغبان تیمار خوریم عنوانیه مشوئ شریفده اولان حکایت لطیفه به  
اشارت ایدوب بیزار جدائی اولدیغین ایرادله اعتذار ایتشلرد و حسیب دده جنابنه دخی تکلیف  
معهود توجه ایلد کده شاعرانه نکته طریقه نسخ اولوب ما جماعتیم که باندک انقلاب بیس  
وبی لب و بی سن باشیم پس بی حس و بی لب را مشیخت مناسبت ندارد اما بی دند انرا ملایمت کلی هست که  
شیوخ مسنه غالبانی سن باشند مضمون هضم مقرونیه است عفا ایدوب نسیب دده حضرت ترینه  
تحمیل کرانبار خلافت ایدوب کندولر سایه آسایش مایه لریده مسترج و خدمت شریفه لرینه  
ملازمته تا کید عقد مواخات و وفای عهد مواسات ایتشلرد \* (نظم) \* مهر یا کان در میان جان  
نشان \* دل مده الایمهر دلخوشان \* هین غذای دلیده از همدلی \* رو بجا اقبال از مقبلی \*  
حق زهر چیزی حوز و جین آفرید \* پس تسایح شد ز جمعیت بدید \* یار باشدر اهر ایش  
ویناه \* کرتونیکوینگری یار است راه \* اتحاد یار یاران خوششت \* پای معنی که بر صورت  
سرکش است \* یار شوتا یار بینی بی عدد \* زانکه بی یاران بمیانی مدد \* چشمهارا چارکن  
در اعتبار \* یارکن با چشم خود دو چشم یار \* ز اتصال آن دو جان بایکد کر \* می رسد از غیبتان جان دکر \*  
نابر آید از دو مردم ز ادنی \* کربنا شد از علوقش رهزنی \* هر کجا دو کس بمهر و یاکین \*  
جمع آید نالئی ز ایدیقین \* آن تسایح کر قرانات توزاد \* هین مکر داز هر قریخ ز و دشد \* رو بجا یار  
خدائی را تو زود \* چون چنین کردی خدا یار تو بود \* و دخی نسیب دده حضرت تری نیز طبع  
اولق حسبیه کاه و بیگاه کندولره از ارتزیت مدار ایتلریده قطعا تغیر طاری اولوب صفوت صفتلری  
کما کان اولدیغی ارباب مدار ایه غریب نمنا و عیدم حیلرینه محمول اولغله کوش کداز لری اولان  
اقوال بی جالینه حسیب دده \* بیت \* بدل تیری کر آن ترک کان ابرو کند منزل \* نهالی کرد و تخم محبت

باشد حاصل \* و لیب دده \* مرآت جان بود از مهر آن مه برند ارم دل \* که جان دادن بود آسان و دل  
برداشتن مشکل \* بیت عاشقانه لرله جواب صادقانه و بیروب و نسیب دده حضرت تلمی دخی آنلرک اوضاع  
و اطوار و کفزار و رقتار کرم و سر دلزندن تغییر معامله بالجامه مهریانی و تبدیل آیین لطف اکین وفاداری  
ایتمیوب هرگاه که کند و لردن دم نایجا و قدم نادر برابر ظهور ایتسه کل شی من الحیب حیب وکل امر من  
الملح ملح موحیله \* و الحب یعترض اللذات بالالم \* مضمونیه عمل بیروب و دمدم زیادۀ لطف و کرمه  
مبادرت اوزره حسن نظر و نفس خیر و لطف همه مد اومت فرما و لورلر ایدی که شیوه عارفانه و جلوه  
عاشقانه موقع تحسین جمله کاملین عصر لری و مایه تعلیم حق صحبت سالکین و قتلری اولشدر \* (نظم)  
یار آینه است جانرادر خزن \* در رخ آینه ای جان دم فزن \* تانیوشه در وی خود را در دمت \* دم  
فرو خوردن بیاید هر دمت \* چشم را باروی او میدار جفت \* کرد میگردان ز راه بخت و گفت \*  
یار دل یار چون بنشسته شد \* صد هزاران لوح دل دانسته شد \* لوح محفوظت پیشانی یار \* راز  
کونینش نماید آشکار \* حاصل این آمد که یار جمع باش \* همچو پیکر از حجر یاری تراش \*  
و منوال مشروح اوزره مستر اولان جمعیت صحبت پراختاد لری جامع الفت جسمانی و انسیب  
روحانیه اولدیغنه نسب دده حضرت تلمی منقبه شریفه لرله سان اولند یغنی اوزره رفاقت برای  
چنین روز است چنانکه در قطع منازل دنیویه رفیق بودیم خواهیم که در طی مسالک اخویه نیز همراه  
باشیم دیور هفته مقدم درویش لیب پیش آهنگ عزیمت مقصد صدق و نسیب دده بیرو لری و حسیب  
دده دخی ظاهرا قبل وفات مابنده بدین فراق دوتا و هجران مضاعف تاب نداشت چون صبر محال است  
سفر الزم علی کل حالت مضمونیه توریۀ کار فواد و فامعتاد لری و حواله خواه تفقد عیال و اولاد لری  
اولوب حسب المساعده امور لرین توصیه و تسویه عقیده و انتقال نسیب هفته سته بیرو لری و دو هفته  
ایکده اول سه یار اتحاد و وفا کردار توذیع بزم حیات مستعار ابتدا کبری امارت قطعیۀ الدلاله صدق  
محتلری اولشدر \* حق الانصاف اعصار قریبه ده ظاهرا و باطننا و حیانا و فواتا مسلک و مشربا یکدل  
و بکرنک و یک آهنگ انلر امالی یاران مستوعه اولمغله حیات و مما لرله جلوه کراولان احوال عجیه لری  
عموما مقوله کرامتدن عد اولوب کویا کرامات متوالیه اوزره تعیش ایلد کاری کبی ارتحال ایتشدر  
و بعض اوقات اقبال توفیقده هر رخصت یاب مجلس خاص لری اولان اخوان الصفا و خلان الوفا غرقه  
لجۀ صفا و بی کدر من و ما اولدیغنی خود فیض تأثیر صحبت عارفانه لرله بنه بی مر اولشدر و اسلوب خبر بور  
اوزره اولان جمعیت باطنه لری مدار جمع شمل ظاهر لری اولوب مدت عمر ناز بنه لرله فی الحضر و السفر  
روی مضایقه و کدر بین اولوب بلکه هر بری حلقه احباب صداقت نصایب لرله مرکز و مدار غیش  
خوش و کامرانی اولوب و ضیع و شریف و پیر و جوان موقن تأثیر اتحاد قلوب اولشدر \* (نظم) \*  
هر کسی را جفت کرده عدل حق \* پیل را پیل و بق را جنس بق \* مونس احمد بمجلس چار یار \* مونس  
بوجهل عتبه ذوالخمار \* هر که اواز همزبانی شد جدا \* بی زبان شد کچه دارد صد فوا \* در نیاید حال بخته  
هیچ خام \* پس سخن کوتاه باید و السلام \* و دخی اتحاد روحانیه لری آتارندن اولان اتفاق حرکات  
و سکنات لری و اجتماع آرا و نیات لری و توارد افکار رنگارنگ لری بین الظرفا مشهوره اولمغله علی  
سبیل المطایبه کل واحد منهم ثالث الثلاثه نکته مهاجرات آمیز اولند یغنی مجلس معارف احتوار اطائف  
اشتمالده درویش لیب مرتبه نالته دن بولمغله کند و لره تعریض اولند یغنی اقرب احتمال او انعمین  
مبادرت مقابله ایدوب انتم و اعن التمثیل سخن معشر التوحید و الاتحاد کلام پدا هت نظامی مفهوما  
و منظوم فواید تعریضیه و عوائد الزامیه بی جامع اولوب مجمع مر قومه حاضر محل اقتباس و ناظر

مال استدلال اولان عرفانك تحسین کایله رینه باعث و بین جمهور الفضلا شیوع اذ کار جمیله لرینه بادی  
اولشدر \* (نظم) \* هان وهان این دلق پوشان مننه \* صد هزاران در هزار ویک تننه \* لیک از لیلی  
وجود من پر است \* این صدف پر از صفات آن درست \* ترسم ای فساد کفصدم کنی \* بیش رانا گاه  
بریارم زنی \* داند آن عقلی که اودل روشن نیست \* در میان لیلی و من فرق نیست \* ودخی  
مجلس مطایبات و ملاطفات ده بعض عرفا کمال ضعف بنیه لرندن ناشی گاه نزاری و گاه لاغری نسبتیله  
خطاب طبیعت مآب ایلد کلرنده لله الحمد که نزاری کویندن زوری و لاغری فرماید که لاغری اسب  
از تیزی فارس یعنی از قوت روح است چه مشکل بودی اگر باغری کفتندی مضمون تعریض و مطایبه  
مقرر و نیله حسن مقابله بیور و ب و مخلص مناسب شما ضعیفی بوده است دیو لطیفه گانه ارباب  
فرست ضعف بنیه بنده را اثر قوت لب و اذعان کردند و چون خیالی مؤثر نیست فرمودند که همواره  
لیب تخفیف خواهد بود عموماً نیله جواب تحدیث نصاب و بدها مت مآب بیور ملری امارت توقد ذهن  
با کبری عدا اولمشدر علی الخصوص اعقاب بذله هزل آید لرنده (قطعه) ای که شخص منت حقیر  
نمود \* تادرشتی هنرنمندی \* اسب لاغرمیان بکار آید \* روز میدان نه کاپرواری (دیگر)  
آن شنیدی که لاغر دانا \* کفت روزی بابله فربه \* اسب تازی اگر ضعیف بود \* همچنان از طویله  
خریبه \* مضامین شریفه سیله تعریض و استشهداد ایتلری زبان بند طنازان ابنای زمان اولمشدر  
\* ودخی کند ولرک غنضت سفر عالم الاطلاقده حضرت نسیمه تقدملری اثر تجرد ناملری و حسیبک  
تاخرلری شمره تقید عیاللری و نسیمه ده ده نك توسط ملری کند ولرک وسط الخیر اولملری نشانه سی  
اولوب ترتیب انتقاللری دخی حسن ختام ادب انجاملرین مؤید اولوب میانه خوشان فقرای  
نامراد انده سر بحیب خرقه خال اولمشدر در خشر هم الله تعالی فی النشأة الآخرة کما انشاء هم علی  
الاتحاد فی النشأة الاولى تحت لواء مولانا و مولی الاولین و الآخین سیدنا و سیدنا و شفیعنا محمد  
صاحب المقام المحمود و حبیب الحمید الودود و نفعنا بموائد حیات روحانیاتهم آمین بحرمه اسمک  
الاعظم الذی اذاعیت به اجبت فی امور الدنیا و الدین \* (حضرت درویش قدری) \* انقروی  
الاصل و اولاد صوفیه بیرامیه دن و مولع علم و عمل اولوب محمیه مرقومه ده مسکن عارفان مولویه اولان  
بقعه مبارکه کوشه نشین لرندن تلذوتین محبتلری و تبرک خدمتله یوما فیوما علاقه و انجذاب حیرداد  
اولوب آخر الامر ترک خانمان و اقارب ایدوب شیخ وقت کلخنی ده ده به انابتله سکه دار و خرقه پوش  
طریقه علیه مولویه اولمشدر و مدت مدیده آرمایش کرم و سر دروز کار و تخلیه و تخلیه اوصاف و اطوار  
سیاقنده اختیار عزیمت و سیاحت ایدوب آستانه حضرت ابوالسبی و بقعه مبارکه آرخونه ده خدمت  
پر حرمت گذار و خوانق چار کانه دارالدوله استبولده عرفا و ظرفا صحبت مفیده لر یله مغتنم و سمیت  
بنوازیده صاحب ید طولا اولوب محمیه سلانیک خانقا هنده سرنیزان و عهد بعید اول خدمت شریفه ده  
ادای لازمه ذمت همت ایدوب جزیره موره به سفر همایون اولد قده من طرف المعین مأمورا آنلردخی  
سفر براولوب اول جمعیت اوردوی ظفر نیروده ذات برکات سماتلری نسکین حلقة در ویشان مجاهدین  
اولوب جمیله نك مؤناتی حسن تحمل ایلد صفا بخش و صبح و مساسلامت و نصرت عسکر اسلامه خیر  
دعاده و بحر اب اجابت و دست بر آسمان و سر باستان باب عنایت مآب حضرت قاضی الحاجات و ند میر  
اشقیای کفار و ندیک دوزخ قراره و تسخیر قلاع و تأسیر انفس و عیال و اغتنام مال و مناللری باینده  
اولان توجهات مؤثره لری نصب منزل مرام اولوب بتایید الله المغیث المستعان انالولی قلعه سنک فقی  
میسر اولد قده کرسی جزیره مرقومه و سواد عظمی اولمغله اول سرحد منصورده اقامته رغبت ایتکین

حضرت درویش قدری

احمد پاشا صاحب الخیرات والحسنات کند و لرا چون خیرة مزبوره سابقا قبضه تصرف دولت  
اسلامده ایکن مقرر فقر اولان بر بقعه مبارکه کئی کافی السابق تعمیر و ترمیم ایدوب زاویه مولویه اواق  
اوزره وقف و شرط و بنا و اوقافنده تکلفات کثیره ایله اول دیار جهادمداری انجق مسکن عساکر  
جهاد اصغرایکن رباط رجال جهاد اکبردخی ایدوب مجمع جهادین اولغه سبب قوی اولشدر و جاذبه  
محبت ولدت محبتلریله اول جلوه گاه ارباب طبیعت مقصد سیاحان طریقت و جای آسایش اصحاب  
فراغت اولوب اهالی دخی چاشنیکیر شهید علاقه فقرای باب الله اولشدر در مر جود رحب اولیا و مکرم  
فقرا اولدق لر بنجه ظل ظلیل حمایت روحانیه لرنده مأمون الغائله تسلط اعدا و مصون و محفوظ نوازل  
ابتلا اوله لر بنجه و کریمه و عزیز مشارالیه موجب اخلاق حسنه لری و مقتضای زیند کافی عارفانه لری  
اولان تسخیر قلوبله صغار و کبار مدینه مرقومه مالا و بدنام مقام خدمت لری نه قیام غیا و قدر سامی لری نه  
حسب مایساعده الاقتدار مراعاتله مستحلب انظار علیه و مظهر انفاس خیریه لری اولشدر در و خیریه  
مر قومه اول فتح و تسخیرنده سلطان بایزید ولی کبی شهر یاره سنین کثیره مشغله قتال و حراب انکیز  
اولشیکن بودفعه سیردارا کرم و شهید و سعید انجم و صدر اعظم علی پاشا نوبت استیلا سنده بفضل الله  
تعالی و تأییده و بانیضمام الهمم العالیه من جهات الاولیا و دعوات الفقرا و مساعده اهتمام لریله  
تماما زبردست تصرفه النوب و قدری دده حضرت تلیس لری دخی مکاشفه و الهام طریقیله و تبشیر  
و تقویت قلوب شیران عسکر ظفر ره بریله آثار برکات ذات ولایت سمات لری مشاهدده اولمغله بین  
العسکر و الاهاالی مینت وجود فائض السعاده لری حرز الامان و هی کل قالب توفیق تقلیل لری تعویذ  
کردن محافظین مرزبوم مرزبوم اولد یغی هوید او مر جع و ملتجای مستمدین خیر دعا اولشدر و سایه  
خجایه لرنده آسوده اولان اخوان و خلان ایام ولید الیسی عید و قدر ظاهر و باطن و قدر عالین لری مشار  
بالننان اغیار و رتبه رفیع لری مستد زین اعتبار اولشدر همچنان باد ابد الابد بالتبی و صحبه الامجاد  
هر که بقدری رسیدن غدری رهید منسوبان دائره لری نیک حسب حال راحت مآل لری اولشدر و اول  
میر میران محب درویشان مساعی مشکوره دین و دولت ایله سرفراز اقران و موفق خیرات و مبرات  
و نیک بهره یاب محرمیت عارفان اولوب بوزیم لبقاده پیمانه فنا کش اولدقده عزیز مشار الیه دخی  
سائلک راه وفاداری و وفاداری اولوب ذکر بالخیر لری یاد کار ارباب خلوص اولشدر و مسؤلدر که بزم  
خاص معناد دخی همدان طور یله محرم اسرار حضرت پیر قدس سره المنیر و ذوقیاب نشسته مهیای  
شهود اوله لر ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء والله ذوالفضل العظیم \* (حضرت درویش صالح) \*  
فی الاصل دیار روم ایله مدینه سیروز و اولاد اشرف بلده دن اولوب آبا و اجدادی محب طرق  
موصلة اولیای کرام و مکرم مشایخ عظام اولمغله رفتار مخلصین خاندان لری اوز ره پیرامشکر دججالس  
عالیه فقر و موانطبت کزین مقابلات بر حالات حضرت مولانا قدس سره الاعلا و دمبدم علاقه  
درون باکی و رابطه روح تابناکی متنا کد و اعتقاد خلوص استناد لری متشید اولوب رحمة الله دده  
حضرت تلیس دن عرفیه پوش محبت و بعد از زمان خدمه مطبخ خانقاه باب جدیده ملحق و قاری احمد دده  
حضرت تلیس دن شرفیاب تکبیر اولشدر لکن ملازمت متصله ذکر جلالت ایله مغلوب جذب و مسلوب  
استغراق و ازمنه و افره ویرانه لرنده و خوشانده متدارک فراغ بال و مراعی صفای حال اولوب  
آخرا لمر روم ایلی طرفنده قلعه سد البحر جوارنده واقع قدری دده زاویه سنده کوشه نشین  
آرام و در که قناعت ستم کهلری زیارتگاه و متبرک خاص و عام اولشدر \* و کاهی محض  
ذوق سماع و صفا و اغتنام و جسد و حالات مردان خدا صد دنده احباب و فقر اسلیله کایولی به

حضرت درویش صالح

و آغاز زاده زاده الله روحا و روحا نا حاضر تری بقعه مبارک لرینه کلوب چند ماهه آرامه استیفای حظ  
 و دفع تعطش و تهج امواج اشواق و اذواق ایله صحبت فقر ایدوب انشای سماعده اظهار شور زائد  
 الوصف ایدوب و دائره وحد و حاله لیس فها غیره دیار مر تبه سنه بالغ اولوب نیرزان و سماعزان  
 بیتاب و توان اولمشلرا یکن بالذفعات نعره عاشقانه ایله محل قعود لریدن مانند شیرشکاری مقدار  
 دوز راع بر هوا جهان و تیز اندر تیز رقصان و دست افشان و پای کوبان اولملری والی ماشاء القوی  
 جبل عشقه یکتا و ساده قدومله سماع ایتملری بیرون طوق بشرحالت زائد اولغله  
 جمله همان صورت دوره معهوده لرین کرامت عجبیه عدا ایتلرین کار شناسان حقیقت تحقیق ایتملر در  
 و انشای سیر و سیما خنجره و کند و لر ایله صحبت صافییه مز اوقاتده بالذفعات اینما کان سنک و جوبله  
 محاربه و مضاربه صورت تنده های و هو یله غرق عرق و بیتاب و توان اولوب عقیب ماجرا ده افسوس  
 و حیفه که در جنک قلعه فلانی کوشش طاقت کداز کردیم و اما سود نکرد کفار خا کسار گرفتند  
 عنوانیه پرده بر انداز روی کار بوالعجب اولملری اهل شجره جریده تاریخنه ثبت اولنوب فی الواقع  
 قریبا اخبار متتابعه و و دی تصادف و توقیت مذ کورینی تصدیق ایتکه کند و لر عدا در جالدن و طی  
 مکان اربابندن اولق اوزره اهلای قلعه مر قومه اتفاق ایتشدر و وقعه مر عجه مذ کوره عقیدنده  
 ایام طویله منجم و محزون اولوب و کاهی صورت مز بوره ده جنسک و آزمایشلری ذیلنده در جنسک  
 قلعه فلانی لله الحمد و المنة زحمت غزات موحدین ضایع نشد عنوان بشاشت تدیانیه مبتهج  
 و چند روزه احباب و اصدا قایه ضیا قلمرا ایدوب خوشحال اولور لر ایدی و ضیافات باغ معهوده لریده  
 تورا دایند اخبار سلامت و غنیمت مبشره لری بین الاحباب منتشره اولد قده جمله اهلای تسلی یاب  
 مکاشفه لری اولور لر ایدی \* و دخی انا طولی جاتینده اولان قلعه سد البحر اها لیسندن اولان احبابی  
 کاهیجه کند و لری دعوت و اکرام ایلد کلریدن ناشی بعض حساد فساد شقاوت معتادانکار  
 و اصرار لری حسیده محبین مضیافین مر قومه به اهانته و اضرار صد دنده جرأت اساعت ایتملریله  
 در ویش صالح دخی بالذفعات نصع و تنبیه ایدوب لیکن نصع و تنبیه لری سبب اصرار اضرار اولد یغنییه  
 ضیافت بوستانیه احباب مذ کورینده کند و لر علی سبیل التشکی اسماع اولند قده همان درون  
 غیرت مشکو نلریدن میل سیر و تماشای خریزه زار سر زده اولوب میانه تماشا و تحسین لریده هر قنخی  
 خریزه اوزره قائم اولوب اساعی اشقیای مسفورینک هر قنغیسین ذکر و تعین و خریزه مشار الهمی قطع  
 امر ایلش ایه بقضاء الله و حکمته اشقیاء مذ کورینک بوستان حیاتندن مقطوع الانشأ اولملری  
 هر اس افکن میانه محب و منکر اولوب بعد هذه الکرامه الجلالیه صوب سعادت و سمت اصدا قاسی  
 مأمون الغائله تعرض اضداد اهانته ادا اولمشدر و بقیه عمر نازینلرین اول مقام متبرکده صرف  
 عبادات و طاعات و وقف اغاثه ارباب حاجات ایدوب قریب ارتحال لریده فوت ضیافت کنون آن  
 ماست عنوانیه فوجا فوج اخوان و خلائی دعوت و اکرام و قرب انتقال لرین اشعار و ایما ایدوب تمام  
 نوبات ضیافتده کند و لر دخی ایام حیاتلری تمام اولغله بزم جهان و داع ایدوب قدری ده ده پهلوسنده  
 غنوده فراش راحت باقیه اولمشدر روح الله تعالی روحه و کثر فتوحه آمین بحرمه من له العز  
 و التمسکین فی يوم الدین \* (حضرت درویش احمد نابی) \* نفس مدینه سیر و ز و اولاد علما دن بر شتاب  
 لیب ایدوب پرهیز کار و رمضان ده ده حضرت تری او اخرنده منیب طریقه علیه مولویه اولوب بعد وفاته  
 در دهچران مرشد کامل ایله همدم نای و ناله فی ترجمان سوز فراقی و ایکسی بر بر یله هم دردا و مللری  
 مناسبه زمان قلمده فن بنوا زیده فرید و وحید اولوب و سمت دانشوریده دخی فرمشتلر آشنای

حضرت درویش احمد نابی

فنون مبتداه وادای نظم فارسی و ملحقات ترکیه دن فائز حظ او فراولوب من کل الوجوه مستحق  
رتبه مشیخت ایکن یایه رفیعه الحقیقه فنا فی مسند و الای خلافتیه استبدال ایتیموب خانقاه بلده  
مرقومه ده سنین عیدیه سر نیزان و مالک سر و سامان ایکن شوق خدمات علمیه آستانه ملائک آشیانه  
حضرت پیر قدس سره المنیر کار کردل و جانی اولغله جمله خاتمان فقرایه ایثار و مساکینه اتفاق ایدوب  
قطع لایس اولدیغی ثوب و آت انسانی اولان همد میله و برادر صوب کعبه العشاق اولوب انواع خدمات  
علمیه ده مستخدم اولدقدن صکره نیزن باشیلکده قرار ایدوب زماننده مطربخانه آستانه سعادت کلزار  
پر عند لیب زار اولوب دم پرسوز و کد از سنک خارایه تأثیر ایلدیکین مؤید تحریم سماع فی وریاب ایدن  
کروه سنکین دلان استماع نغماتیه من جهة الروح منجذبه و آثار حال انکیزانفاسندن متأثره اولمیرله  
سامعه لری طریقتدن نفس ناطقه لری مدرک کلیات دقایق اسرار و آذان قابله تلقی انفاس ابرار لری  
حامل حلقه ارادت اولشدن فی الحقیقه علی طریق الاستدلال من القطر الی البحر بردارده قدسی  
و کاشن انسلک بلبلنده یومر تبه تأثیر اولنجه کلزنده و ازهار و ثمار سارنده و صاحبنده غمزه آثار  
جلیله و اسرار جمیله اولقی کر کدر قاعه و ابابا اولی الابصار و اغتموا یا ذوی الاعتبار و بین الفقر اترک  
و تجرید و اخلاق حسنه و اعمال صالحه و رفتار پسندیده و اضاع مستحسنه ایلده معروف و مظنه کشف  
و اجابت دعوات اولغله هر کس نفس لطیف و نظرش برقلریله تبرک و تین ایدوب خدمت و حرمتلرنده  
صرف موجود و بذل اقتدار ایدر لر ایدی و من العجائب انفاس نفیسه یلری کاه نشاط و جسد و حال  
انکیز و کاهی جوش احزان و کویه و انین خیز اولدیغی وقت انبساطلرنده استفسار اولندقدده آثار  
کونا کون دمه های فی از نفس نیزن استجه اکر نیزن در انبساط و نشاط باشد از دم نیش مماثل آن حال  
پیدا شود و اکر در حزن و انکسار باشد اشک ریز و انین خیز شود پس ازین دستور نیزن هر حال که  
باشد از سماع دم نیش مثل آن حال در سماع پیسدا می شود لا محاله ازین سبب نیزن از صفای قلب  
الزمت که کدرش ساری و متعدیست تا ازین خدمت بر خوردار باشند و کربدین دستور عمل  
نکند هر اینه از عکس قلوب مستمعین نقصان ذوق و قصور کار مترتب شود و از کار خود سود  
نکند بلکه زیان می بیند عنوانیه تفصیل حقیقت حال فمئنده اخوان نغمه سنجانی مقام استجاب  
عنایت و قرار کاه سلامتیه ارشاد بیور مشر در \* و دخی اول داود خوش الحان بزم صفای سلیمان  
معرفت مرآت ضمیر منیر لریدن و غما اولان معارف جلیله ایلده کاهی بزم پیر اولدقدده حسن تعبیری  
لطف نظر یلری کبی صفا بخش قلوب حضار اولدیغی عجب انکیز خواطر اخوان اولیجی خجسته فی  
حلقوم انسانی کی از نغمه بی نیازی کم باشد مع هذا آن اصل و ابن فرست عنوانیه نکسته سنج اولوب  
دم فی ترجمان نفس است مضمون حکمت مشکونیه دقیقه فرما اولوب بدیهه توفیقه غراس زده الهیجه  
بر وجه لری اولشدن که و شاح الصدر منقبه نفیسه لری قلمشدر \* (نظم) \* وزان اولوب دل زار هدم  
نیدن هوای هو \* او بیمار ه صفا بخش اید اولدی دوا ی هو \* عجب می نغمه سی ایلر سه دست افشان  
عشاقی \* که اولور هر پرده سندن روغما جان نهوای هو \* و مفتوح کاب مستطاب مشنوی اولان بشتوازی  
امر جلیل القدریدن مراد دورات اربع سماعیه ده مر موز و موحی الیها اولان مراتب توحید  
افعال و اسماء و صفات و ذاتک مدار برها نیستک هو الاول ایس قبله شی هو الآخر ایس بعده شی هو  
الظاهر ایس دونه شی هو الباطن ایس فوقه شی مقدّمات یقینیه سندن و فی دخی مر شد مکمل و انسان  
کاملدن کایه اولغله نغمات لذیذه حالات انکیزی ظاهر امانند کامل و مکمل اولان نیدن و باطنا  
همر نک و هم سدم فی اولان کامل و مکملدن و اول و آخر اوندن عبارتند و محاز برقع جمال عروس

حقیقت در دیونی و سماع بیننده اولان رابطه خفیه بی بیان و ساده دلان صورتی ظاهر له اکتفادن  
تبرید و استقصای و رای حجب صوره تشویق ایتش در الله دره فیمارام و امر لکن الحق عند المحجوب  
امر \* (نظم) \* تا تو بائی در حجاب بوالشیر \* سر سری در عاشقان کمتر سکر \* خانه را من روفتم از نیک  
و بد \* خانه ام پر است از عشق صمد \* چون که با حق متصل ~~کردید~~ کردید جان \* ذکر آن اینست  
و ذکر این آن \* و دخی زمین دولت باک پرورده تخم تزویر وائی ناباک رسته و منع سماع و صفایله  
دل عشاق شکسته و خاطر مشتاق احباب خسته اولق ایشلا سی قوت قریبه به کلد کده حضرت  
مکاشف مشارالیه متوجه پس پرده غیب ایکن جانب خیال و جهان مثالان روح متجسد و سر متشکل  
حضرت پیر قدس سره المنیر عرض جمال جلال اندوید و بیور و بجنب باب سمین تربیه فردوس ربه لریده  
جمله مطربانک نیلین دسته دسته شکست ایدوب بعد ازین آسایش هجده ساله و نوبت طبل تخی  
شنودنست عنوانیه تنبیه فرما اوالمری واقعا واقعه مشک کل نما اولغله حضرت جللی عبد الحلیم جنابنه  
نالان و کران عرض حال خیال پریشان ایلدیکند بظهور این رمز خیالی نکران باشیم عبارتیه دفع  
لین نیاز تعبیر و تسلی توهم مجازات تقصیر بیور ملری یوم ثالث شب رؤیا لریده و رود فرمان اخزان  
مقرن و منع سماع و صفایله باطن مرقوم موخشری ظاهر اولد یغی و نفس مثالی سلطان العارفین  
متضمن اولد یغی لفظ آسایش و طبل تمیدن مفهوم اولان معانی التزامینه بشار بخش اهل اشارت  
اولش در وه همواره عزیز و می الیه اوقات اجابت دعواته کریمه آمرز کاراچنانکه شکستگی  
نمای نمودی در ستمهاش نیز نمای بعد ازان از محنت و حیات هر چه فرمای حکم آن حضرت ایزد متعال  
و حسن رضا و تسلیم و طایفه بندگان تا توانست بحسرت و انکسار این مشت استخوان را خاکسار مکن  
نیاز پرسوز و کداز یله اولان نالشلری قرین شرف قبول وینه و آخر وقت لریده رسیدن زمان رخصت  
و پیرانه سر بلبل عشاق و زمره بردار حلقه سماع مولوی اولش در کویا ماجرای منع کند و لرک  
سر حلقه مطربان اولد قلربنه مصادقه ایتک کند و لرک قصور و شمامت و عدم مساعدت بخیرینه حل  
اولنوب دفعه زمان صدور امر رخصته د کین دوددل و اشک دیده لری ساکن اولیوب علی الخصوص  
اوقات مقابلات شریفه ده در حجره وحدت لری سده و سجده بر محراب عجز و اعتذار و رومال سجاده  
استغفار او ایغی عادت مستمره ایدوب تابشیر صبح اقبال تازه بدیدار اولنجه فرد واحد کند و بی خندان  
کور میوب و وقعه جمیعه مرقومه عقبنده کلین صادقین اخوان الصفا و خلان الوفاد فوج کدورت  
واخرانه تحمل ایتیبوب نیاز مند انتقال و منتقلین سما عثانه قدس اولد قلربنه و کروه پرشکوه آزادگان  
اختیار سیاحت اقالیم نائیه اولد یغی پریشانیتنه این کستار و سیه رانه یارای سیاحت دنیا و نه  
روی توجه عقبا ممکن است که آوار کئی این بقعه مبارکه و هجران اخوان و خلان در دواغ بی درمان  
و خزیدن سابه دیوار سرای حرمتزای خداوند کاری مشککست که بچه روی و کردار بدان حضرت نظر  
خواهم کرد که زشومی تقصیریم بعین الجمع یاران باران بلا و اخزان باریده است دیوچاک چاک و سینه  
کوب اولو لرزایدی بعنایه الله الباسط الوهاب بنه فتح ابواب کرم ایلد نوبت طبل تخی و زمان استیلای  
معصیه لثام تمام و استدرج کروه مکرده وانی منقضي و عروق عقوق نهادی منجمه اولغله آفتاب  
تأیید صمدانی سر زده مشرق اقبال جدید اولد قدس نوبت ماتم ماتم فقره سیمیه نغمه سرایان و چرخزان  
و فرمان رخصت نصفت عنوان وارد اولد یغی ساعت مبارکه ده جمله موجودین شکرانه ادرالمسئول  
هجده ساله سی اولق اوز ره بخش قلندران ایدوب انجیق لابس اولد قلری قلوب عن قرب این نیز بخش  
قلندری شود مضمون مکشفه مقبر و نیله قرب ارتحال لری نسمه ایما بیور و ب استادی مقابلات شریفه دن



درویش حسن بوسنوی

هجده مقابله حلقه سنده حضور له دفع حسرت مدیده و تودیع مطربخانه صوری ایدوب حدیقه  
 الارواح مولویه ده سمت قدم جناب رحمت انساب حضرت حجره ناییده سر نهاده جامه خواب فنا  
 ونغمه پرداز و باریده نیزان مطربخانه بقا اولشدر جعل الله تعالی روحه الشریف عندلیب افنان  
 الخائن و افاض علی قلبه و قاله رشحات الروح والريحان و اتم احسانه بانعام الشهود والرضوان آمین  
 یا من له الفضل العظیم و الکرم الجسیم و اللطف العظیم یوم لا ینفع مال ولا بنون الا من اتى الله بقلب  
 سلیم بعزة حبیبک الذی ارسلته رحمة للعالمین و جعلته شفیعاً للذنبین فی یوم الدین \* (حضرت  
 درویش حسن بوسنوی) \* روم ایلی دیارنده مسطار نام بلده ده اولاد سپاهیان ابن اب و جدی  
 طرف طریقه علمیه مولویه دن عرقیه پوش محبت اولوب علی الدوام خانه لری مهمانان و درویشان  
 خالی اولوب همیشه مالا ویدنا کند ولین وقف خدمات فقرای باب الله ایتکه بعد وفات والده جمله  
 خانمان اقارب محتاجه بیدل و انفاق ایدوب مجرد بال حضرت صبوحی ده خدمت پر حرم تریه  
 مبادرت و سایه حمایت مایه لریه التجا و جمع خدمه مطبخ خانقاه باب جدیده الخاق و چله معهوده  
 مردانی کله حقه اتمامه فرق دردمندان سی موقع سایه دست تکبیر و خرقه پوش انا تری اولشدر  
 و حضرت مرشد عسی نفس لری کوشه نشین خانقاه حیات اولدجه ملتزم عهد و خدمات علیه لری  
 اولوب اواخر اوقات کمال حال لرده احراز رتبه محرمیت ایدوب و هنگام احتضار لرده معاینه  
 ایتدیکی عجائب غیبیه و غرائب ملکوتیه بی هضم حوصله اوساطه مستبعد و کتم و احاطه دخی دائره  
 مشاعر و افکاره مدار سکر زائد المقدار اولغله سربالین تسلیم روان یا کاریدن نعره زنان و کریان  
 دران سربلینر او خوشای و بعد السنین افافه ما حاصل اولغله اکثر یار تریه مرشد لری سمت  
 قدمنده حراقیه و کریه ایله اوقات گذار و کاهی کافی الا وائل خدمات مطبخ و میدانه آرام و استقبال  
 اور ره اولوب و کاهی استغراق سابق عودت ایدوب مستوحش اجانب و اخوان و خیلان اولوب  
 سربا و کرم و جودش بقایه هوای نوبهار همیشه اولوب رهنه و تشنه و کرسه ایام ولیالی دیده  
 فرد و احدی آشنای حال پریشانی ایتیموب خرابه و حشده انیس و جلیس لری انجی کند و کند ولری  
 و تکلم و خطا لری اشخاص حلقه ذلت لریه و حریفان غلبه اولوب لکن زمان هر ملرنده نوعا صافی  
 و جوقدر بستان نام محله بر جرحه خرابه قرار له زیارت و استمدای صغار و کاره رخصت نما  
 اولشدر و اصدقای زوار لری سبزه دایا لریدن جمع اولان اشیا رامل و ایتام و نادار نه مایه معاش  
 و وایه اتعاش و سایه و هم تری مفارق مستدینه را حجتش اولشیدی \* حتی بوقیر  
 او فراتقصیر بعض خلص اخوانه شرفیاب زیارت پر بر کاتلری اولد یغمد و عکس صفوت آینه قلب  
 تانیا کارندن مقدار ساعه پر تومکشفه لریه مظهر اولوب انلر نقوش ضمیر میر لری فقیده و فقیر  
 افکار در و نم انلر ده نمایان اولغله طاری اولان حیرت و شادی اثنا سنده آینه ها که صاف و مجلوه  
 باشند از یکدیگر عکس پذیرند و اختلاف آینه داغ در میان حائل نباشد عنوانله آینه داردل صافی  
 ضمیرانه سینه صاف و ساده لوح اولقی سرمایه استفاضه اولدیغنی افاده بیور و حضور فائض النور  
 مردان خداده محافظه طاهره تنبیه بیور مشلدر \* (مرو بستکه) \* اول کج نهان جواهر و لایتک  
 جای آرای اولان حجره خرابه حذا سنده کار علمای دارالدوله دن برینک سرای عامر سی اولوب  
 منظره کبر و بخت و تندن سمت ویرانه سنده نظر ایدوب از دحام زوار صد اقت شعاری کورد که آیان  
 ابلهان زمان از چنین هرم ویرانه نشین چه میگویند و چه میتوان یافتن عنوانله تعجب اکین و انکار طنز  
 آیین ایتسین محبین صادقین ذی مال دن بریسی استماع و عرق غیرت و همتی حرکت ایتکه حجره خرابه لری

نعمیرہ اذن ورخصت یازمندی اولدقده اصل قضیه مشهود ضمیر منیر لری اولد یغین ایما او نیز عن  
 قریب چون ماخرابه نشین خواهد شد نفس حمیت فرمال یله سدا باب قبول یورملری بعد از هفت  
 روز جمله امتعه و اشیا سبله سرای مر قوم مخترق و صاحبی دخی میانہ نجا کستر و کرده دودده خیمه نشین  
 حسرت اولنجه جلوه کرساحه ظهور اولوب و ماجرای مذکور صاحب خانہ نک دخی مسموع و معلومی  
 اولد قده کونا کون هدا یا ایلہ زیارتلرینه کلوب اعتذار واستغفا ایدوب و حجره ویرانه لری نک نعمیرینه  
 استئذان ایلد کده مادر ویشان خانہ خرابیم مارادین و دل معمر ویرانه منزل دم فنا توأم لری یله  
 مساعده مسؤل یور میوب لکن ازین خرابی تو نیز بی غم باش که غم بی غم نباشد بلکه از سرای پیشین  
 دلنشین شود عتوان تسلی فرمال یله مرده بخش اولملری سر بعا و عاجلا آشکار اولوب منصب رفیع  
 و عتبه علیہ خسروی و جانب جناب آصفیدن عطای خریل ایلہ تلافی بین و مستظم سلک محبین  
 اولمشدر و ناقص و علیہ فردوس برینه نقل ایدنجه اول کوشه ویرانه دن سمت عمرانه تنزل ایتمیوب کویا  
 مکان و ممکن بر یله بکر نک اولق نکتہ جلیله سن مراعات یور مشلدر \* (نظم) \* مباد کم ز سرم  
 سایه خرابه فقر \* که جمله رخنه دیوارش آشیان هماست \* و دخی حجره نیم سقملری کویا در بجه آمد  
 شد مرغان وحشی اولق ایچون تمائی بامه رضاداده اولمیوب و قضا وقت عادت شریفه لری زمین  
 سعادتخانه لری نه چینه یاش و صغیر غریبه دعوت طیور یور دقلرنده طیور غریبه و حشیه کمال سرعت  
 ایلہ اجابت و چینه چیتلاک و سوا کن بیوت آسمانست ایدوب آنلر دخی هر بری دست سودنوا زشله  
 دفع و حشیت یور دقلری بی شوب ریبدن و صورت انسانیه مردان خدا دن متوحشینه مرغ طنر و ایمای  
 آخر یصددر ککه مجبولان و حشیت موانست پذیر و مخلوقان انسیت ر میبد و حشیت اولق لامحاله  
 بل هسم اصل معناسین مفیددر \* (نظم) \* تو سعی کن بسعدت رسید کن پیوند \* که استخوان  
 بهما چون رسد هما گردد \* و دخی قیل الارتحال طی طومار جندبه و تلزن ایدوب کویا جل ساله مقیم  
 مقام ارشاد مرید و محب اولمش مشایخ صاحب تمکین کبی گفتار و رفتار لری شیرازه کش نظام عارفانه  
 اولوب هر کسه قدر القابیه تلقین و تسلی و ارشاد یور و ب اوضاع و اطوار بحد و بانه دن بالکلیه دفعه  
 انسلاخلری خواطر دقیقه شناسانه امر غریب نما اولد یغی عکس انداز مرآت ضمیر انهام سمیر لری  
 اولنجه این هشیاری تباشر آخر کار بست فقره شریفه لری یله قرب انتقا لری نه اشارت و منتظرین موآند  
 فوآند لری ترقب عنایات ناکاهیه لری نه و حسن خاتمه صحبت لری دن اغتنام وجود نعم غیر مترقبه لری نه  
 تحریر و تحضیض یور و ب فی الحقیقه مدت یل سال صحو و سکون اوزره شمع نیم اخوان و خدایان  
 اولوب ناکاهیه حالات سابقه سر زده کریان ذات لری وساعه فضا عه غلبه ایلہ غرقه طم حال و حیرت  
 و بی مجال انس و الفت اولد قلدنده بخودانه جلوه کراولان انظار حسنه و انقاس نفیسه لری دن مترصدین  
 فرصت کوی ربای میدان استفاضه و بضاعه دار تحه تیق و عیان اولمشلدر و ارتحال لری دن اوچ کون  
 مقدم یور بای آرا ملرین مطبخ خانقاه باب جدیدده زمان ابتدا لری دن اولان محل مشیر کاری نه نقل ایدوب  
 النهایه هی الرجوع الی البدایه فقره سیمله ترنم و نغمه سنج اوله رق کمال نیاز و ابتها لله و مال غنیه رفیعہ  
 مطبخ عامر ه و دستبوس خدمه دنصکره مقام قدیم لری نه قرار و تقدیم رسوم قدوم و هجده روز بیرانه سر  
 جار و بکش ساحه مطبخ اولوب تجدید عهد قدیم ایتد کده حوالت خواه سیاحت اولمغله مساعده  
 اولنوب کلکبات سیاحت احسان اولند قده در حال مزاج کرامت سر شلرینه انحراف جزئی طاری  
 و ادنی بهانه در سر ایلہ و انلری سیماح عالم باقی اولوب وصیت بر سوز لری موجبه همت قدیم مرشد  
 و الار تبه لری نه دفن اولنوب دغینه رحمت اولمشلدر در طیب الله تراه و جعل عتبه مشوا و اسکنه

فی مقصد صدقه و اوصله الی اقصى قصده آمین بحرمه ختم الانبیاء والمرسلین وآله وصحبه أجمعین و اوضاع  
غریبه و اطوار عجیبه لری محبره العقول فحول دار الدوله و اعلیه مانند حسن دهنه عاقل مجذوب نما  
و مجذوب عاقل نمائندیم کله جامعه سی حقلرنده زیارت دکار و جاری مجرای مثل سائر صغار و یاد  
بالخیر لری زین المجالس العالمه اولشدر و تبرکات و تینا نفیسه منقبه حسنه لری حسن خاتمه سفینه مفاخر  
از باب سلامت برانخ بشریه قلتمشدر \* فهدا آخرا ما حولنا ابراده من مناقب الخواص المولویه و ختام  
ما توسلنا به الی استئصال غیوث الرحمة من مفاخر العرفاء الاولویه کثرهم الله تعالی علی منہج  
الوحدة والاتحاد ووقاهم شر التفرقة والعناد و یسر لاخلافهم الالتحاق باسلافهم علی احسن  
السلوک والارشاد وجعلهم اعلام الرشاد المخلصی العباد الی یوم التناد بعزة من له المقام المحمود  
من ابتداء الایجاد والوسيلة العلیا والشفاعة العظما لعامة المتوسلین فی المعاد انه هو فیاض  
الایادی فیما کان وما سیکون وفتح ابواب التوفیق علی قوافل انالله وانا الیه راجعون  
ثم السکاب بفضل الله الکریم الوهاب الموفق للصدق والصواب نسأل من کرمه العظیم أن یجعل له  
منظورا الاحباب ویصیره مقبول ذوی الالباب ویتیم نعمته ویزید منجته علی فقراء الباب بتذکار  
الاذکار الجمیلة للقائین والسائقین الی منازل القبول و یستره فوة السانی وکبوة السانی تحت  
اذبال الفحول ویزجوا أن یدلوه بالحق آثار اللاحقین الی مناقب السابقین ولا یضیعوا کالاروام  
والاعجام مفاخر اولی الهی والههم فان ما طفرنا بترقیه کریم من البحر وعرف من الیم ولله در العرب  
فی ضبط الانساب وجمع المناقب ونشر المفاخر وشکر الله تعالی مساعدهم فی احیاء اذکار الاسلاف  
وارشاد اخبار الاخلاف فان فی قصص الابرار حصصا لاهل الاعتبار وحقیقة الحلال ان  
اهمال آثار الکبار من قصور همم الصغار واذ انسجت عناكب التسیان علی محامد الاعزة  
السابقة استولت الذلة والصغار علی الصغار اللاحقة مع انها تجلب منافع بركات اسرارهم وثبت  
الاقدام والقلوب فی مزالق اللال وتعبیر عن مداحات الریوب والکلال وتقوی فی مبارزة الاقتفاء  
بأصحاب الحال وتجنب الحماة الروحانية من السعداء وتنجی من التردد الی تودد الاصغیاء وتنجی  
عن مسامرات السفهاء والصادقین فها ما رب أخرى لا توفیها العبارة والعارف بکفیه الاشارة  
ربنا تقبل منا وأخفنا بالصالحین فی نفسی وحد ذاتی یوفی فی سر ویا وینده کینه مر دان خدا سیاحت  
واقامته موانع اجتای غرات قدسیه اشجار جنانیه یعنی عاشق آثار جمیلة ذوات کامله انسانیه اولوب  
هر خوش لهجه مناقب سنجیه کوش هوش دار و محفظة محفوظیه ثبت واذخار ایدوب و فائز اولد یغیر  
مر تبه و قدر الزویه وحسب البضاعة عزیمت جمع وتلفیق منده صرف تقدیریه اقتدار له المنه لله تعالی  
وتقدس مظهر مساعد مشیت اولوب کر مشاهیر اولاد کرام واکرم عارف مشایخ عظام و فقرای  
ذوی الاحترام ولایت شعار وکرامت دثار طریقت خداوند کارینک عشر عشر مفاخر غریبه لری بن مجلد  
ثلاثه شیراز بنده ترتیب ایدوب دمدم صوری و معنوی اول خدمت بر حرمات برکات و عوائدی  
مشاهده اولند یغندن ماعدا مانند جوب قدس نبات نام ناخیز خالدر که لری طفیل یاد اسامی سامیه لری  
اولی محضا ماجرای غله و قطمیر میانه قصه سلیمانیه و اصحاب الکهف منده تعبیه اولند یعنی کبی شرف  
افزای دینی و دنیوی اولد یعنی جان خیرین و دل مسکینه منبت بی کرانه در متضرع در که یوم تلی السرائر ده  
دخی سائیه حمایت مایه لری کبی یزولری قلنوب و رای وقایه شفاعت لرنده آسوده سر و خوشحال  
و عبور معابر مقابر و مرور عقبات عرصات و وقوع در کات غوائل لندن مأمون و وصول درجاته ممنون  
اولوب جمله عیوب ظاهره و باطنه مرزیر استاره حمایه لرنده مستوره و مساعی بر قصور مرزیر بشکاه

عنايت نرند مشكوره اوله بفضل وكرمه انه هو البر الرحيم والستار الرؤف الكريم اذا صدق المنقول  
لا يحتاج الى تصحيح القول مقدمه بديهيه سنه اعتماد اتوار يخ واسانيد اهمال اولم شدر واذا انكر  
لم يقدشئ منها والله هو الموفق للصديق والثبات والصواب انه هو التواب الوهاب

حمد الله العلي الوهاب اشبوگاب بلاغت نصاب اغني سفينه نفيسه مولويان هبوب شرطه توفيقه  
واصل سرحد لطف نظام ولشكر انداز مر ساي حسن ختام اولوب حقا كه مؤلف كتاب مرجوم  
ومغفور له ثاقب دده مانند آفتاب دور آفاق وار تكاب مشاق ملاي طاقه كالاي مناقب جليله  
مولوياني سودا كران معارف و كمال دن جمع وتلفيق نده بذل مجهود و درارئي نفيسه روشندلاني افواه  
رجال دن بالتلقي زيبايش افزاي حمله مقصود ايدر لسفينه نفيسه في نغاييس آثار له مالا مال و دل تشنگان  
ماثر اولياي كرامى سيراب زلال كمال ايت شدر انحق كتاب مذكور ك نسخه سي مانند نقد مروت  
نادر الوجود وهم حال وجود اهل لطف وجود اولديغندن كيلولى تكميه سي شينى مر شد كامل  
عزى افندى حضرت تليزىك اشارت عليه لرندن طولاي تسهيل منفعت عموميه ونشر فضائل مولويه  
نيت خالصه سبله جامع انواع كمالات ومعارف شتى اعضاي مجلس احكام مصريه دن سعادتلو محمد عارف  
باشا حضرت تليزىك لطف طبعي تكميل نسخه بذل همت وصرف نفود مقدرت بيور مشدر جزاه الله  
أحسن الجزا ورزقه السعادة في الدنيا والاخرى \* مطالعه بيور هجق دانشوران معارف نشاندن  
مستول مصحح حقير اعني مصطفى وهبي كثير التقصير بودر كه تصحيح نده وقوع بولان زلات وهفواتي  
دامن عفو و صفحه پوشيده بيور لر زيرا اشبوگاب فقط ايكي نسخه دن نقل اولوب اصلي نسخه  
مكتوبه كثير الغلطات و ديكرى ايسه ذهن سقيم وافر الهفوات ايدي اما از دو سقيم يك مستقيم بايد  
فقره سنه اعتماد ابونسخه نك تصحيحه بذل مقدور وصرف سعي موفور اولندي نسخه اصليه نك  
تخريف و غلطاته مطبوعه عاجزانه مي بالدفعات تشرىف ايله امعان نظر ايدن اهل دقت بعد الطبع  
وقوع بولان غلطاته داعيلرني معذور و بلكه عين انصاف له باقوب لطفاسزاوار تحسين موفور  
بيور دقيريه تشكر ايدرم

اشبوگاب مستطاب مطابع مستحسنة مصريه دن مطبوعه  
وهيه ده بيك ايك يوز سكرسان اوچ سنه سي  
ماه شوال نسك او اخرنده بعون الله  
الملك العلام رسيد حسن  
ختم اولم شدر

سفينه نك ختام طبعه شعر اى بنا مدين نائلي افندى حضرت تليزىك سويلديكي تاريخ دل آرادر  
سالك راه حقيقت دم ثاقب دده دن \* ويرر آثار سفينه دل دانايه خروش  
فلك مشكون معارف اثر بجزر كال \* طبع ارباب دلي ذوق له ايلر مد هوش  
بادبان همم وعالقه قن قيلدى كشاد \* عزى وعارف بالله ايدوب طبعه كوش  
جان و دل دن يم عرفانه اولور مستغرق \* مولوى سيرين ايدن اهل دل وديده وهوش سنه  
نائلي سويلدى تاريخنى معنا ثاقب \* قيلدى دريادلى بالطبع سفينه مبرجوش ۱۲۸۳



